

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقالاتي از

انديشه نامي انقلاب اسلامي

تبيين انديشه‌ي انقلاب اسلامي
از منظر حضرت امام خميني (قدس سره)
و حضرت آيت الله العظمي خامنه‌اي (مدظله العالی)

جلد اول

نهضت نوزاد افزاري

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامي

عنوان و نام پدیدآور: مقالاتی از اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی (تبیین اندیشه‌ی انقلاب اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)).
مشخصات نشر: تهران: نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، ۱۳۹۷.
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۷-۷-۲ / شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۷-۸-۹ (۷۶۳ ص)
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: مصطفوی، سید روح‌الله ۱۲۸۱-۱۳۶۸، دیدگاهها

موضوع: مصطفوی، سید روح‌الله ۱۲۸۱-۱۳۶۸، انقلاب اسلامی

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-، دیدگاهها

شناسه‌ی افزوده: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-، انقلاب اسلامی

شناسه‌ی افزوده: انتشارات انقلاب اسلامی

رده‌بندی کنگره: ۴۱۱۳۹۷/ص ۸۰/آ/۷ BP۴۰

رده‌بندی دیویی: ۹۵۲/۲۹۷

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۲۵۹۶۵۷

مقالاتی از

اندیشه‌نامه‌ی انقلاب اسلامی

تبیین اندیشه‌ی انقلاب اسلامی

از منظر حضرت امام خمینی (قدس سره)

و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

ناشر: نهضت نرم‌افزاری

(وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

شمارگان: ۱۰۰۰-۷۵۰۰۰۰ ریال

چاپ اول: پائیز ۱۳۹۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۷-۷-۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۷۷-۸-۹

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی هلالی، شماره‌ی ۲۶

تلفن: ۶۶۴۹۳۵۴۸-۶۶۴۱۰۶۴۹- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲-۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir. سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ <http://Book-Khamenei.ir>

پيشگفتار

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرَهَا كُلِّ حِينٍ يَأْتِي رِبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهيم، ۲۴ و ۲۵)

انقلاب اسلامي ايران سرآغاز مطرح شدن اندیشه‌ی جدیدی در دوران معاصر بود. اندیشه‌ای مبتنی بر و برخاسته از اسلام ناب محمدی ﷺ که در تفکر عالمان ربّانی و مجاهد ریشه داشت و در حیات امت اسلامي، سرلوحه و الهام‌بخش حرکت انقلابی و بیداری جهان اسلام گردید. بنیانگذار انقلاب اسلامي حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نخستین تبیین‌کننده‌ی این اندیشه است که پایه‌ها و اصول آن را در آثار خود ارائه کرد و به‌خصوص در دوره‌ی ده ساله‌ی رهبری پربرکت خود، به بسط آن پرداخت و سپس ارتقا و تعمیق این اندیشه در بیانات و دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه تحقق و تبلور یافت. تبیین ابعاد مختلف این اندیشه و بررسی خطوط فکری انقلاب اسلامي، به منظور ترسیم مواضع فکری آن و اصلاح کژفهمی‌ها و دفع تحریف‌های احتمالی، همواره نیازی فوری و ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شده است؛ چنان‌که حضرت امام خمینی رحمته الله علیه تصریح کرده‌اند که اگر معارف انقلاب اسلامي به‌طور صحیح به نسل آینده منتقل نشود، به انحراف کشیده شده و دشمنان نیز به تحریف آن دامن خواهند زد، (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۰۰) و نیز حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه تلاش محققان صاحب صلاحیت برای تدوین «تفکر انقلاب» را نیازی ضروری دانسته‌اند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۷)

ازاین‌رو، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامي این تکلیف را بر عهده‌ی این بنده

ناچیز قرار داد که پیشنهاد تدوین و اجرای طرحی را برای تحقق این نیاز ارائه دهم. بالاخره پس از تأملات و رایزنی‌های فراوان، طرحی به‌عنوان تولید و تدوین "اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی" در سال ۱۳۸۹ ارائه شد و در سال ۱۳۹۰ بعد از بررسی‌های لازم و حکم و اصلاح آن، به تصویب شورای سیاست‌گذاری طرح رسید و مقدمات اجرای آن آغاز شد.

نخستین گام، تشکیل شورای علمی این طرح بود که با ترکیبی از اساتید، محققان و مؤلفان شاخه‌های مختلف علمی شکل گرفت و فرایندهای مراحل مختلف طرح، بررسی و مشخص شد. به یاری خدای متعال و با توکل بر او کار آغاز شد و البته مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرد تا به ثمر نشست.

مطالعه و مشورت برای مدخل‌گزینی، بررسی و تدوین شناسنامه‌های مقالات به‌عنوان چهارچوب مباحث آنها، تشکیل پرونده‌های علمی مقالات بر اساس محورهای شناسنامه‌ها، مؤلف‌یابی، تألیف و ارزیابی تخصصی مقالات، بررسی علمی و تخصصی هر یک از مقالات در شورای علمی در دو مرحله، کنترل منابع و نهایی‌سازی مقالات توسط مسئولان علمی و بالاخره بررسی دقیق و گاه چندباره هر مقاله توسط مدیر علمی، سرفصلهای مهم اقداماتی است که هر کدام بر اساس ضوابط و چهارچوب‌هایی که پیشاپیش با استفاده از تجربه‌های مشابه و تأملات و تدقیقات عمیق تهیه شده بود، صورت پذیرفت.

هدف اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی، ارائه مجموعه‌ای مکتوب از مقالات علمی و پژوهشی است که خطوط فکری و مواضع نظری انقلاب اسلامی را بر اساس دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام به‌گونه‌ای جامع و در تراز آثار دانشنامه‌ای تبیین کند. مخاطبان این مجموعه، نخبگان و فرهیختگان‌اند؛ به‌ویژه جوانان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی که درصدد تعمیق نظام‌واره‌ی اندیشه خود ذیل اندیشه انقلاب اسلامی می‌باشند.

رعایت "اختصار"، "اتقان" و "استناد" دانشنامه‌ای، رویکرد توصیفی - تحلیلی، عدم تحمیل پیش‌فرضی خاص به اندیشه‌ها، استناد به منابع مبین و مفسر از متفکران انقلاب اسلامی؛ همچون شهید مطهری و شهید بهشتی، و استفاده از منابع تخصصی برای تبیین

پيشگفتار / ز

و مقايسه و نيز پرداختن به پاسخ شبهات مهم و مطرح در ضمن تبیین‌ها و تحليل‌ها، ويژگيها و اصولی است که در مقالات لحاظ شده است.

دشواریهای فراهم آوردن چنین اثری، بر کسانی که دست‌اندرکار آثار مشابه بوده‌اند، پوشیده نیست. به‌ویژه اثری که درصدد استخراج، تنقیح و تدوین اندیشه قویم و جامع انقلاب اسلامی از میان برداشتها و خوانش‌های ناقص، نارسا و یا انحرافی و حتی گاه منتسب به انقلاب باشد.

از جلب همکاری صاحب‌نظران و اندیشمندان مبرز و آشنا با عمق اندیشه‌های رهبران فکری انقلاب - که غالباً مشغله‌های پژوهشی و علمی فراوان دارند - گرفته تا تنقیح و دستیابی به نظر معتبر و موجهی که مستند به بیانات و دیدگاه‌های آن بزرگواران باشد و بتواند ترسیم جامع و درعین‌حال چکیده‌ای را درباره‌ی موضوعات متنوع اجتماعی، فکری، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و... ارائه دهد، برخی از این دشواریها بوده است. بسیاری از مقالات بر اثر مباحثات و مناقشه‌های شورای علمی، گاه چندین بار دچار تغییرات اساسی میشد و مؤلف و مسئول علمی مقاله را، به تجدید نظر کلی در مقاله و امیدداشت. درعین‌حال آنچه نتیجه نهایی این فرایند شده است، گام نخست تلقی میشود و نه حرف آخر.

"اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی" دارای ۱۰۲ مدخل اصلی است که به تبیین ابعاد مختلف مواضع فکری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... انقلاب اسلامی می‌پردازد. اکنون بیش از ۸۰ عنوان از مقالات در شورای علمی "کندخوانی" شده و بیش از نیمی از این تعداد، اصلاح و تکمیل شده و بار دیگر در شورای علمی "تندخوانی" شده است. از میان این مداخل به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و آغاز گام دوم انقلاب اسلامی، مقالات ۱۵ عنوان از مداخل در کتاب حاضر با عنوان جلد اول «مقالاتی از اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی» با تیراژ محدود و تنها یک بار برای بهره‌برداری مراکز و محققان انقلاب اسلامی منتشر میشود تا درعین‌حال فرصتی برای دریافت نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران هم فراهم شده باشد. البته قرار بر این است که پس از نگارش و نهایی‌شدن همه مقالات، "اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی" به صورت یکجا منتشر شود.

وظیفه خود میدانم از هم‌همی همکاران ارجمند که در فرایندهای متعدد و تخصصی

ح / اندیشه نامه انقلاب اسلامی

تدوین این مجموعه حضور دارند، سپاسگزاری کنم. در پایان از همه‌ی اندیشمندان دعوت میکنم که با نقد و نظر خود، در ارتقای این اثر مساعدت نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

علی ذوعلم

بهمن ۱۳۹۷

همکاران این جلد:

مدیر علمی: علی ذوعلم

دستیاران پژوهش:

محمدحسین صاعد رازی و محمدباقر ولدان

شورای علمی:

علی ذوعلم (رئیس)، محمدحسین صاعد رازی (دبیر)، محمدرضا آقایی، محمدصادق احمدی، علی اخترشهر، رجبعلی اسفندیار، مهدی امیدی، مهدی بخت‌آور، یعقوبعلی برجی، حسین بستان، روح‌الله عباسی، عبدالوهاب فراقی، ابوالقاسم مقیمی حاجی، محمدجواد نوروزی و محمدباقر ولدان.

مسئولان علمی مقالات:

محمدصادق احمدی، رجبعلی اسفندیار، محمدحسین صاعد رازی، مصطفی فرخی و

ابوالقاسم مقیمی حاجی.

ارزیابان تخصصی مقالات و ویراستاران علمی:

محمدرضا آقایی، مقداد ابراهیمی، علی اخترشهر، علی اکبریان، حسن بابایی، مهدی بخت‌آور، مهدی پورحسین، محمدرضا جباران، احمد جمالی، امید حسین خانی، محمد حق پرست، علی ذوعلم، محمدتقی رکنی، اکبرزراعتیان، عبدالوهاب فراقی، محمود فلاح، ابوالقاسم مقیمی حاجی، غلامحسن مقیمی، احمد مهدی‌زاده، فرج‌الله هدایت‌نیا.

ویراستار و بازبینی نهایی: سجاد حبیبی

مسئول تنظیم شناسنامه‌های مداخل: عبدالوهاب فراقی

مسئول تنظیم پرونده‌های علمی: رجبعلی اسفندیار

پرونده‌سازان علمی:

نسرین آقاییک، معصومه احمدی، افخم سادات پیغمبری، الهه رده، حسین سیفی،

قدرت‌الله عفتی، فاطمه هوجان علی‌آبادی، اکرم کربلایی، رحیمانه لطفی.

مسئولان کنترل منابع: علی ابراهیمی و روح‌الله خشنود

دستیاران اجرایی:

غلامحسین امینی (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، موسی اسدیپور (۱۳۹۱-۱۳۹۶) و سجاد حبیبی (۱۳۹۶ تاکنون).

و با تشکر از: سید حامد عظیمی و رضا توکلی.

فهرست اجمالی مطالب

آزادی (منصور میراحمدی، رجبعلی اسفندیار)	۱
اخلاق (علی گرامی)	۴۱
استبداد (مصطفی ملکوتیان، محمدباقر ولدان)	۱۰۵
اسلام ناب محمدی ﷺ (محمدصادق احمدی)	۱۳۹
امر به معروف و نهی از منکر (ابوالقاسم مقیمی حاجی)	۱۷۳
اهل بیت علیهم السلام (مصطفی فرخی)	۲۱۹
تشکل (اسدالله بادامچیان، فاطمه امانی توانی)	۲۷۳
توحید (سید علی احمدی)	۳۰۷
جوان (محمدحسین صاعد رازی)	۳۴۹
جهاد (محمدجواد ادرکنی)	۴۱۳
سرمایه‌داری (ناصر جهانیان، رجبعلی اسفندیار)	۴۵۳
شهادت (محمدباقر نادم، اکبر زراعتیان)	۵۱۳
فقه (ابوالقاسم علیدوست، ابوالقاسم مقیمی حاجی)	۵۵۵
مسجد (جواد شفیعیان)	۵۹۵
مهدویت (ابراهیم شفیعی سروستانی، سید علی احمدی)	۶۴۵

آزادی



منصور میراحمدی^۱ (مؤلف)

رجبعلی اسفندیار^۲ (مؤلف و مسئول علمی)

آزادی؛ رفع مانع، نپذیرفتن سلطه و حق فطری در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی

بشر.

آزادی معادل واژه «حریت» در عربی و واژه «freedom» و «liberty» در انگلیسی است. مفهوم آزادی از سه عنصر و مؤلفه «فاعل-عامل»، «مانع-رادع» و «هدف-غایت» تشکیل شده است. براین اساس، آزادی عبارت است از، رهایی چیزی یا کسی از چیزی یا مانعی برای انجام دادن کاری و یا برخورداری از چیزی. (MacCallum, ۱۹۶۷, ۱۱) تأکید بر یک یا چند عنصر از عناصر مذکور، برداشتهای مختلف و متعددی را شکل میدهد. این برداشتها که تحت تأثیر مبانی نظری و پیش‌داوری‌های گوناگون صورت گرفته، موجب تعاریف متعددی از آزادی در مکاتب فکری مختلف می‌گردند. آزادی به‌عنوان فقدان مانع و رادع، آزادی به‌عنوان اختیار و برخورداری از حق انتخاب، آزادی به‌عنوان قدرت و برخورداری از توان مؤثر و کارا، آزادی به‌عنوان شأن و منزلت اجتماعی، آزادی به‌عنوان خودمختاری و استقلال فردی، آزادی به‌عنوان اباحت و انجام دادن آنچه که فرد می‌خواهد و آزادی به‌عنوان صاحب اختیار و ارباب خود بودن، برخی از مهمترین برداشتها و تعاریفی هستند

۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

که تاکنون ارائه شده‌اند. (Gray, 1991, 17-88; رک: آر بلاستر، ۱۳۷۷، ۸۲-۸۷؛ میراحمدی، ۱۳۸۱، ۲۸-۴۱)

آزادی یکی از بنیادهای اسلام (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۲/۴) و آزادی خواهی از مؤلفه‌های اساسی اسلام است (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۰) که از آن، به حق اولیه و فطری و مطلق بشریاد شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۰/۳؛ ۱۱۴/۴؛ ۶۹/۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳) و در تمام ابعاد به ترویج آن پرداخته شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۷/۱۱) «آزادی» در انقلاب اسلامی ایران، به معنای رهایی از سلطه و دخالت زورگویان و بیگانگان، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۳/۲۱) استقلال فکر و بیان و عدم تقلید، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) و به مثابه حق فطری در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر، تلقی میگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

آزادی از مقولات مهم و مؤکد در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام به شمار می‌رود، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) که زاینده تفکر و معارف والای پیغمبران است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۰) با نگاهی به تاریخ اسلام، بارقه‌های آزادی و آزادی خواهی، به عنوان یک ارزش والای انسانی، در قاب قیام عاشورا متجلی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶) در اندیشه انقلاب اسلامی؛ اسلام، متضمن آزادی و مردم‌سالاری است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۱۲؛ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۸) و در پرتو اسلام است که آزادی انسان در محیط اجتماعی، از فشارهای سیاسی و اقتصادی و تعصبات جاهلانه پدیدار میگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۳/۱۲) و بدین جهت اسلام هرگونه استبداد و دیکتاتوری فردی و اجتماعی را نفی میکند و فقدان آزادی را، فاجعه‌ای برای جوامع بشری قلمداد میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

آزادی و فقدان مانع در رسیدن به رشد و تکامل، یکی از لوازم حیات و از نیازهای موجود زنده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۳۵-۴۳۶/۲۳؛ ۱۶۸-۱۶۹/۲۵؛ همو، ۱۳۸۲، ۶۷/۱، ۷۶-۷۷) آزادی دارای جایگاه بس رفیعی است که در شمار بزرگترین نعمتها و موهبتهای الهی برای بشر به شمار می‌آید. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۴۶/۲۵؛ همو، ۱۳۸۲، ۶۰/۱) در تعریفی دیگر، آزادی، نبودن مانع و قید و بند در جلوی تجلیات فکری و عملی بشر (مطهری، مجموعه آثار، ۱۴۷/۲۵؛ همو، ۱۳۸۲، ۶۰/۱) و مسئولیت انتخاب در عمل است. (مطهری، ۱۳۸۲، ۷۸/۷-۸۱)

آیات زیادی در قرآن، مبتنی بر آزادی و اختیار انسان است (مطهری، مجموعه آثار، ۳۶۰/۱؛ ۸۲/۳) و اولین دعوت اسلام، نفخه‌ی آزادی میباشد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا». (مطهری، ۱۳۸۲، ۶۸/۱)

آزادی / ۳

«حریت» در متن ارزشهای اسلامی است و اسلام، دین آزادی، حریت و مخالف با هرگونه تبعیض طبقاتی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵۰/۲۵) آزادی عقیده و مذهب در تاریخ صدر اسلام نیز مشهود میباشد؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۸/۲۴-۱۲۹، ۱۸۸، ۲۶۷-۲۶۹، ۳۷۵-۳۷۷) در جایی که آزادی عقیده در هیچ محیط مادی‌گرایی در جهان، سابقه ندارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۴۴/۱، ۴۸۷)

در قرآن کریم از آزادی اجتماعی نیز سخن به میان آمده و حریت را، از مقاصد انبیا در نجات بشریت از چنگال اسارت و بندگی معرفی میکند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۳۸/۲۳-۴۴۰) در این مورد، دانشمندان اروپایی بر این عقیده‌اند که ایمان و اعتقاد به خدا، آزادی فردی را نفی میکند و این در حالی است که اسلام، به حکم «فطرت»، آزادی و اختیار را مساوی با ایمان و اعتقاد به خدا می‌داند. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۶/۱-۵۲۷) و همین‌طور است که هرچه تاریخ، تکامل می‌یابد؛ آزادیهای غیرمنطقی و دیکتاتورها، جای خود را به آزادی می‌دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴۲/۱۵-۲۴۴)

آزادی در کالبد قوانین اسلام جریان دارد و این در حالی است که در تمدن غرب که مدافع حقوق بشر و طرفدار آزادی می‌باشند، آزادی به معنای اصیل آن وجود ندارد و مردم در هیچ یک از شئون زندگی خود نه تنها آزادی نداشته، بلکه در باطن امر با دیکتاتوری و استبداد سردمداران حکومت مواجه میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۰/۱۲/۲۷؛ ۱۳۸۲/۷/۲۲؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰) آزادی در کشورهای لیبرال غربی، مبتنی بر انحراف ارزشها و بی‌بندوباری اخلاقی است و هرگاه نام آزادی به میان آید چنانچه کوچکترین مغایرتی با اصول آنها داشته باشد، به سرکوب شدن می‌انجامد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴؛ مکتوبات، ۱۳۶۸/۹/۲؛ ۱۳۸۳/۱۰/۲۹) و این چنین است که دموکراسی خواهان غرب، انتخابات آزاد در کشورهای اسلامی را، که عاقبت، به متولی شدن مسئولان متدین می‌انجامد، متناقض با سیاستها و برنامه‌های خود می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۴/۱۲/۳)

مبانی نظری

مقصود از مبانی نظری آزادی، آن دسته از دیدگاه‌های کلان و پیش‌فرضهایی است که آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی بر آنها استوار است. این دیدگاه‌ها و مبانی را میتوان

در یک تقسیم‌بندی کلان به دو دسته مبانی «فلسفی-کلامی» و مبانی «فقهی-حقوقی» تقسیم کرد.

مبانی فلسفی-کلامی

توحید. در اندیشه انقلاب اسلامی، مهمترین پیش‌فرض فلسفی-کلامی آزادی، توحید و خداباوری است. توحید و خداباوری ابعاد گوناگونی دارد که نزدیک‌ترین بُعد آن به آزادی «توحید عبادی» است. از این دیدگاه نه تنها خداباوری با اصل آزادی انسان منافاتی ندارد؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۲/۲۵) بلکه آزادی حقیقی تنها در سایه عبودیت و بندگی خداوند تحقق می‌یابد. بندگی خدا گوهرگران‌بهایی است که باطن آن آزادی است؛ (امام خمینی، بی‌تا«الف»، ۲۵۶) چرا که در سایه بندگی خدا، انسان از تمامی عوامل دیگر آزاد می‌گردد. همه‌ی انبیای عظام الهی آمدند تا بندهای بندگی غیر خدا را از دست و گردن انسانها باز کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ۲۵۲، ۳۹۵) بندگی خداوند بیش از هر چیز، رهایی و آزادی انسان از هوی و هوس را به دنبال دارد و به همین دلیل، ممکن است قدرتمندان و صاحبان سلطنت‌های ظاهره متعددی وجود داشته باشد که با حریت و آزادی نفس و بزرگواری و بزرگ‌منشی بیگانه‌اند و بنده‌ی ذلیل و عبد مطیع نفس و هوی باشند. (امام خمینی، بی‌تا«الف»، ۲۵۶) حب نفس، اسارت انسان را در پی دارد و آزادی واقعی در گرو رهایی از هوای نفسانی است؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۴۴۳/۲۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۹، ۱۲، ۱۶/۳۸۹) از این رو، اطاعت از هوی و هوس با توحید و خداباوری منافات دارد. اطاعت از هوای نفس به معنی اسارت نفس است که با حصار توحید الهی منافات دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۲۳)

افزون بر این، اعتقاد به توحید، آزادی انسان از ستمگران را به همراه دارد. از این دیدگاه، هر چه به سمت توحید و عبودیت الله پیش رویم، شرط‌واغیت و اندادالله کم‌تر خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۴/۲۱) لذا، در این دیدگاه، انسان در عمل دو وظیفه دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم و دوم سرپیچی از اطاعت از هر آن چیزی که می‌خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمرانی کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) عبودیت غیر خدا با آزادی و وارستگی انسان منافات دارد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴)

در قرآن رها کردن انسان از بندگی و برداشتن زنجیر اسارت از گردن او، یکی از مهمترین اهداف رسالت انبیا ذکر شده است. (اعراف، ۱۵۷) بر همین اساس قرآن کریم در تبیین مواجهه موسی علیه السلام و فرعون، وقتی فرعون سرپرستی و احسان به موسی علیه السلام را به او یادآور میشود تا آن پیامبر الهی را از اهدافش باز دارد، موسی علیه السلام در مقابل، پاسخ میدهد که وی نمیتواند در برابر بردگی مردمانش، صرفاً به این دلیل که در خانواده فرعون بزرگ شده است، ساکت بماند: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ». (شعراء، ۲۲)

اختیار و اراده. یکی دیگر از مبانی فلسفی - کلامی آزادی، اصل اختیار و اراده است. اراده، قوه متعالی است که در روح انسان وجود دارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۱/۲۵) از دیدگاه کلامی، اراده حالتی نفسانی و وجدانی است که از تصمیم و عزم برای به دست آوردن و برآورده ساختن چیزی، پس از تصور آن و تصدیق به فائده آن و حکم به لزوم به دست آوردن آن، حاصل میشود. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۵۶) از این رو، انسان به دلیل برخورداری از امکان تصمیم‌گیری برانجام کارها پس از تصور و تصدیق آنها، برخوردار از اراده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۲۳/۶) اما این امر به مفهوم تفویض و واگذاری مطلق امور به انسان نبوده؛ چرا که تمام اراده‌ها و مشیتها ظل اراده و مشیت ازلی خداوند است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۳۸۶-۳۸۷؛ ۳/۹۹؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۶۵) آزادی بشر با قضا و قدر الهی، هیچ‌گونه منافات ندارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۵۲۷؛ ۲۲/۴۴۵) انسان به دلیل برخورداری از اراده و اختیار، موجودی آزاد است؛ اما آزادی او ذیل اراده خداوند قرار میگیرد. چنین نگرشی، یکی از عناصر اصلی اندیشه انقلاب اسلامی است که به موجب آن به نقش انسان و اراده و قدرت انسانی، ایمان زیادی داشته و در طول دوران انقلاب و در بررسی مسائل اسلامی به چنین نگرشی رسیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۹) آزادی در انقلاب و نظام اسلامی برخاسته از اراده مردم آزاده و عبودیت خداوند است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲) خداوند در قرآن کریم اکراه در دین را نفی کرده است «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ». (بقره، ۲۵۶) این آیه بر این نکته تأکید دارد که دین اسلام، بر اساس شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده است و نیز سست بودن کلام آنان که اسلام را دین شمشیر معرفی کرده‌اند، بیان میکند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲/۵۲۳-۵۲۵)

بر اساس باور به وجود اراده در انسان، در جهان بینی اسلام، انسان شدنی است مستمر

و پویایی است خودآگاه، انتخابگر و خودساز. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۶) مقصود از «شدن» این است که انسان همواره در حال تغییر و دگرگونی است و این شدن همراه با یک پویایی و تلاش است که هم آگاهانه است و هم براساس آن دست به انتخاب می‌زند و از این طریق رشد میکند و به جلو می‌رود و برخوردار از آزادی می‌گردد. چنین انسانی از کرامت ذاتی برخوردار است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۳۵/۲۳-۴۳۷؛ حسینی بهشتی، بی‌تا، ۱۷۸/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) آزادی به‌عنوان بزرگترین امتیاز برای انسانی است که خودآگاه، خودساز و محیط‌ساز است و توانسته است خود را از چنگال و جبر طبیعت برهاند و با حاکمیت مطلق در برابر قوانین طبیعت، آن را مهار و رام سازد. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۶/۱-۵۲۷؛ حسینی بهشتی، بی‌تا، ۱۷۹/۳-۱۸۰) قدرت اراده، آزادی و انتخابگری انسان به حدی است که علاوه بر جبر طبیعت توانسته است در برابر جبرهای اجتماعی، تاریخی و اقتصادی و نیز سنتها و مکانیسمهای آن به‌طور آزادانه رفتار کند. انسان با شناخت قوانین و عوامل اجتماعی توانسته است به‌طور آگاهانه و آزاد، نوع‌آفرینی کند و به حادثه‌های پیروزی‌آفرینی نائل شود. انقلاب ایران نیز به‌عنوان یک حماسه‌ی تازه و پیروز، نشان از شعور، آگاهی و آزادمنشی ملت ایران و رهایی از چنگال و جبر ایسم‌های تاریخی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. (حسینی بهشتی، بی‌تا، ۱۸۱/۳-۱۸۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۸/۲)

مبانی فقهی - حقوقی

افزون بر مبانی فلسفی-کلامی، آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی، مبتنی بر مبانی فقهی نیز می‌باشد:

نفی سلطه. یکی از مهمترین مبانی فقهی آزادی، عدم جواز سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی است. از این دیدگاه، منطق اسلام این است که سلطه غیر را نمی‌پذیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۴) این نگرش با روش اجتهادی به قرآن کریم مستند می‌گردد. براساس قرآن کریم، هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مسلمان بر مسلمان قرار نداده است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶/۴-۳۱۷) به همین دلیل، یکی از اصول اساسی اندیشه انقلاب اسلامی، مبارزه با سلطه در سطح نظام بین‌الملل است. انقلاب اسلامی، بر این اساس، با

آزادی / ۷

نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه، به معنای زورگویی دولتها و پذیرش زورگویی توسط ملتها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰/۸/۱۳۶۸؛ ۱۸/۴/۱۳۸۳؛ ۱۱/۶/۱۳۸۴)

نفی سلطه به‌عنوان یکی از مبانی فقهی آزادی در عرصه سیاست و روابط خارجی، در عرصه داخلی نیز قابل استناد است. اسلام در رابطه بین دولت و ملت نیز ضوابط و حدودی معین کرده است و برای هر یک بردیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه‌ای یعنی رابطه مسلط و زیر سلطه به وجود نمی‌آید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۲۲۳)

عدم ولایت. اصل عدم ولایت از جمله مبانی آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی است. در نظام مردم‌سالاری دینی، رأی مردم بر اساس تقوا و کرامت دینی افراد است. در این نظام، ولایت کسی پذیرفته خواهد شد که مورد تأیید خداوند متعال و مورد قبول شرع قرار گرفته باشد. در منطق اسلام صلاحیت و اهلیت ولایت؛ دارا بودن فقاقت، تقوا و عدالت و پذیرش مردم است. در نظام دینی، هم مردم و هم والی تابع شرع و قانون اند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳، ۱۶۱-۱۶۹، ۱۸۵-۱۹۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۶/۱۳۷۷) در این نظام، زور و سلطه معنایی ندارد و رهبری و ولایت می‌بایستی بر مبنای عدالت و اسلام باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۶۹)

عدالت. یکی دیگر از مبانی فقهی آزادی، عدالت است. عدالت، مهمترین ارزش در جامعه است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷/۴/۱۳۷۷) که در پرتو آن، حکومتها به آزادی و استقلال خواهند رسید (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۱۱۵) و حقوق بشر تأمین خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۳/۱۰/۱۳۷۱) مبنای عدالت و برابری انسانها، ایشان را به مبارزه در برابر استعمار و استبداد برمی‌انگیزد. (انصاری، ۱۳۷۴، ۱۷۷)

عدالت، پایه و اساس حکومت دینی و عادل بودن رأس و ویژگیهای حاکم و والی است. این اصل در دوران رژیم پهلوی و سلاطین جائران مهجور و متروک بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۲۲-۳۲۳؛ ۸/۴۴۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۶/۱۳۷۷) چنانچه دولتی عدالت‌محور باشد، تبعیض و شکاف‌های طبقاتی از بین رفته و توجه به نیازهای محرومان پررنگ‌تر شده و راه برای ایادی زورگو و استعمار بسته و جامعه، تبدیل به جامعه توحیدی خواهد شد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۷۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۸/۶/۱۳۸۴) در نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد عدالت جهت

آزادی مردم، از وظایف و مسئولیتهای کارگزاران حکومتی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۳/۱۴)

مسئولیت پذیری. مسئول بودن انسانها نیز از جمله مبانی نظری آزادی است. انسان موجودی آزاد و مسئول خلق شده و در برابر تأمین نیازهای خود، از جمله آزادی، دارای مسئولیت و تکلیف است. در تفکر اسلامی، مبارزه برای آزادی و نجات مظلومان، یک مسئولیت و تکلیف است که اسلام در کنار آزادی برای انسانها، تکلیف را نیز برشمرده است که به نحو احسن و آزادانه، تکالیف خود را انجام دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/۶۶۴، ۶۷۶-۶۷۷؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۱۴؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) آزادی در معنای تکلیف، بدین منظور است که انسانها مکلفند علاوه بر تأمین آزادی خویش، آزادی دیگران را نیز حتی با جهاد و مبارزه تأمین کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳) آزادی هم دادنی است و هم گرفتنی است و این بدین معناست که انسان به کمک عقل و شعور و آگاهی می‌بایستی با حق و حدود خود آشنا و آزادیهای خود را مطالبه نماید و مسئولان و کارگزاران حکومتی هم، حق سلب آزادیها و حقوق طبیعی و قانونی افراد را نداشته بلکه مکلف به ادای آن نیز می‌باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۴۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹؛ ۱۳۸۲/۸/۱۱) ایجاد حکومت آزاد، تعهد و تکلیف یک انسان اجتماعی است، (حسینی بهشتی، ۱۳۶۱ «الف»، ۱۳۲) و بر این اساس کسانی که در عرصه‌های انتخاب مشارکت میکنند، در حقیقت به پیمان خود، متعهد و مسئول مانده‌اند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۵۲۱)

ظلم‌ستیزی. بشر از دیرباز شاهد ظلم، ستم، رنج و تبعیض بوده و همواره از دست طواغیت و قدرتمندان زورگو سیلی خورده است، به همین دلیل احقاق حقوق انسانی و حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم، یکی از مبانی مؤکد اسلام (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۸۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲/۲۴؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴) و نقطه درخشان حکومت‌های توحیدمحور است که تبعیت از این الگو، راهی صواب در خوشبختی و سعادت جوامع بشری است. در جامعه‌ای که سلطه‌گری و ظلم و بیداد، سایه افکننده است، آزادی و عزت از آن جامعه سلب خواهد شد؛ به همین جهت مقابله با ظلم و ایستادگی در برابر آنها برای گرفتن و احقاق حقوق حقه و حمایت از مظلومان و حفظ شأن و کرامت انسانی، از کارویژه‌ها و خصلتهای ذاتی جوامع خواستار آزادی و طرفدار عدالت قرار می‌گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۸۸؛ ۵/۱۴۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۶/۹/۱۳۸۰)

انواع آزادی

آزادی انواع مختلفی دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی میتوان به آزادی فرهنگی، آزادی معنوی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی و اجتماعی اشاره کرد. در اندیشه انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز، آزادی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

آزادی فرهنگی

در اسلام آزادی فرهنگی به معنای واقعی مورد پذیرش قرار گرفته است اما آنچه که به عنوان آزادی فرهنگی در دوران قبل از انقلاب اسلامی در ایران مطرح بوده است، برخلاف معنای واقعی آن است. آزادی‌ای که در دوران قبل از انقلاب اسلامی وجود داشت، آزادی در رفتن به مراکز فساد بود؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۸/۱۰، انصاری، ۱۳۷۴، ۱۹۴) حال آنکه، معیار واقعی بودن آزادی در عرصه فرهنگی، قرار گرفتن آزادی در مسیر رشد و تعالی انسان است. از این گونه آزادی که در رهایی انسان از هوی و هوس به دست می‌آید، در اندیشه انقلاب اسلامی ایران، به «آزادی معنوی» نیز تعبیر شده است.

مقصود از آزادی معنوی، آزادی انسان، و به دیگر سخن، رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴) و به همین دلیل، این آزادی، برترین فضیلت‌های انسان است. آزادی معنوی، زمینه‌ساز آزادی اجتماعی است. آزادی انسان در اخلاق و معنویت، رعایت موازین و اصول آزادی اجتماعی را در پی خواهد داشت. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/۴۳۴، ۴۴۰-۴۴۹)

آزادی معنوی در دو معنا نمود پیدا میکند، یکی تقرب الی الله و پیش رفتن در وادی توحید بوده و دیگری رهایی از هوای نفس و قیود درونی و وابستگی‌های نفسانی است. آزادی یعنی رها شدن و نرسیدن از محدودیتها. در نگرش انقلاب اسلامی محدودیت فقط در چهارچوب اسلام است و هیچ محدودیت دیگری، نمیتواند مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بشر گردد و همه عملکردها باید بر طبق موازین اسلامی باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

آزادی فکر و اندیشه

در اندیشه انقلاب اسلامی آزادی فکر و اندیشه در قالب ایده «آزاداندیشی» مطرح گردیده و به رسمیت شناخته شده است. آزاداندیشی از مبانی اصلی اصول‌گرایی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹) از این دیدگاه، آزادی اندیشه ناشی از استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیاندیشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۳۶۸/۲۴) از این رو، استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد چرا که پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۰/۲۴) آزاداندیشی، در اندیشه انقلاب اسلامی، مقوله‌ای غیر از بی‌بندوباری است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷) و به مفهوم آزادانه فکر کردن، آزادانه تصمیم گرفتن؛ ترجمه‌ای، تقلیدی و بر اثر تلقین حرکت نکردن تعریف می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۵۹/۲۰-۲۶۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۱۵؛ ۱۳۸۴/۶/۸؛ ۱۳۸۸/۸/۶) رهبر معظم انقلاب، به تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه و حوزه توصیه می‌کند و تأکید دارد که این مهم، باعث یک جریان سیال فکری در جامعه خواهد شد و دارای آداب و ترتیبی است که هدایت آن به عهده‌ی عقلای مسئولین می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸؛ ۱۳۸۶/۹/۸؛ ۱۳۸۸/۶/۸؛ ۱۳۸۹/۱/۱؛ ۱۳۹۴/۴/۲۰)

آزادی مذهبی ذیل آزادی فکر و اندیشه مطرح است. آزادی مذهبی به مفهوم حق اقلیتهای دینی نسبت به عمل بر طبق آئین دینی خود است. از این دیدگاه همه‌ی اقلیتهای دینی در اسلام محترم هستند. آنان از هرگونه آزادی برای انجام فرائض دینی خود برخوردارند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۵-۴۲۷، ۴۴۱، ۵۰۸؛ ۱۸۸/۵، ۲۹۳، ۳۱۳، ۴۲۴) این نگرش به دیدگاه اسلام ارتباط داده می‌شود که به موجب آن، مسلک دینی تحت فشار و سلب آزادی قرار ندارد. تمامی انسانها در اسلام آزاد و مستقل هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۳/۵) بر مبنای چنین نگرشی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کشور ایران یهودی‌ها، مسیحی‌ها، زرتشتی‌ها نماینده به مجلس می‌فرستند، آزادانه زندگی می‌کنند و مراسم عبادی خود را انجام می‌دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۱۳؛ ۱۳۸۶/۹/۱۴)

آزادی اقتصادی

اقتصاد آزاد و شکوفا، مرهون کشوری آزاد و استقلال یافته و به دور از وابستگی است.

آزادی / ۱۱

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱) در پرتو جامعه‌ای مهذب، دارای تعلیم و تربیت صحیح (مطهری، ۱۳۸۲، ۹۵/۱؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۹) و آزادی فکر و بیان است که رفاه و آزادی اقتصادی پدیدار می‌گردد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۴۶۴-۴۶۵) سیاست‌های ایران در زمان پهلوی، درست معکوس این اصل و اقتصاد نیز چون سایر مقولات، عقب‌مانده و وابسته بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۹/۲۳) آزادی اقتصادی در پرتو ارزشها و مفاهیم اسلامی است و با آزادی «آدام اسمیتی» غرب و دیکتاتوری اقتصادی سرو کاری ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) آزادی، ارمغان اسلام برای انسانها است و پیشرفت و رونق اقتصادی در اسلام در کنار روحیه مساوات و عدالت و رعایت حقوق مستضعفین تحقق می‌پذیرد و در این نوع آزادی، تبعیض طبقاتی در الگوی اقتصادی کشورهای غربی مطرود است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۲؛ انصاری، ۱۳۷۴، ۱۹۴) اقتصاد آزاد جوامع در گرو میدان دادن به خلاقیتها و ابتکارهای افراد جامعه است که در نتیجه به تعادل عرضه و تقاضا می‌انجامد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۲۹-۱۳۰)

آزادی اقتصادی در غرب، انحصار و تصاحب موقعیتهای اقتصادی در دست افراد معدود به وسیله ثقل و زور است و آزادی اقتصادی غربی مبتنی بر اصل ثروت و رسیدن به اوج سرمایه‌داری و توانگری اقتصادی است. برخلاف دیدگاه انقلاب اسلامی، که آزادی اقتصادی بر پایه اصل تعاون و حق مدیریت همگانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳)

آزادی سیاسی و اجتماعی

آزادی اجتماعی به مثابه رهایی افراد از قید و بندها و محدودیتهای دیگر افراد جامعه بشری در مسیر رشد و تکامل میباشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/۴۳۷) این قسم از آزادی، شامل گونه‌هایی از آزادی همچون آزادی قلم، بیان، رأی و شرکت در انجمنها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹) انقلاب اسلامی ایران در شرایطی شکل گرفته است که این آزادیها از مردم ایران سلب شده بود (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۱۹۸؛ ۳/۲۴۹، ۳۶۸، ۳۸۵، ۴۹۱، ۵۰۷، ۱۹۵/۴؛ ۲۶۸-۲۶۹؛ ۱۸/۳۳۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳) و مردم در محیط خفقان‌آمیز و تحت فشار و زور و ارباب حکام پهلوی به سر میبردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۱۳۶، ۱۴۲، ۱۹۱؛ ۷/۳۳۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) از این رو، از آغاز حرکت انقلابی، «آزادی» در کنار استقلال به عنوان هدف مردم مسلمان ایران معرفی

گردید (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۲/۳؛ ۱۲۶-۱۲۷) و آزادی فکری، زمینه ساز استقلال کشور قرار گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۱۸۰؛ ۱۲/۲۵، ۱۷/۱۲۵-۱۲۷) از این دیدگاه، تحقق آزادی تنها با از بین رفتن نظام استبدادی امکان پذیر است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۲/۴) چرا که ارتباط تنگاتنگی میان آزادی سیاسی و نوع نظام سیاسی برقرار است؛ از این رو، از آغازین روزهای شکل گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران، مهمترین وظیفه دولت فراهم ساختن شرایط تحقق آزادی سیاسی به ویژه در عرصه‌ی انتخابات و مطبوعات معرفی میگردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۳۳۳؛ ۶/۳۹، ۲۶۲، ۲۷۷؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۹/۳/۱۳۷۵؛ ۱۲/۶/۱۳۷۷؛ ۲۶/۱۱/۱۳۸۷) در اندیشه انقلاب اسلامی تمامی اقسام آزادی سیاسی همچون آزادی بیان، قلم و عقیده و رأی احزاب به رسمیت شناخته میشود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۲۹-۴۳۲؛ ۵/۳۳۳، ۴۴۹؛ ۱۱/۱۲۹، ۱۴۵؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹) اما در محدوده‌ای که توطئه (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۶۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۴/۶/۱۳۷۷) یا خیانت محسوب نشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۳۳۱؛ ۹/۱۲۱-۱۲۴)

در واقع، آزادی سیاسی - اجتماعی نیز با رویکردی مسئولانه و متعالی مورد توجه قرار میگردد. از این دیدگاه، بشر باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزاد باشد تا دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۷۵۱) بنابراین آزادی سیاسی - اجتماعی نیز به دلیل توجه به ضرورت رشد و کمال انسان از اهمیت زیادی برخوردار میگردد.

آزادی سیاسی را میتوان «آزادی قانونی» تعبیر نمود که به موجب آن، آزادی تنها در حدود قوانین (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۴۴۶) که همان قوانین اسلام است، پذیرفته میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۴۶۰) به همین دلیل، در این دیدگاه آزادی یک امانت الهی دانسته میشود (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۳۷) و جمهوری اسلامی موظف به رعایت آن است. در این نگرش، آزادی سیاسی از چنان اهمیتی برخوردار است که مقدمه استقلال اقتصادی و فرهنگی دانسته میشود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱/۹/۱۳۶۸) چرا که در این گفتمان، آزادی سیاسی تنها در بعد داخلی آن مورد توجه قرار نمیگیرد بلکه افزون بر آن، در بعد خارجی آن و در رهایی از استعمار نیز معنا میگردد. به همین دلیل، آزادی سیاسی، هم به مفهوم آزادی از تسلط ابرقدرتها و هم آزادی از حکومت استبدادی و خودکامه‌ی طاغوتی (آیت الله خامنه‌ای، ۲۸/۱/۱۳۷۵) و هم آزادی از

سلطه زورگویان و آزادی از دخالت و نفوذ بیگانگان معنا میشود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴؛ ۱۳۷۷/۳/۲۱؛ ۱۳۸۷/۲/۱۴) بدین ترتیب، ارتباط وثیق آزادی سیاسی و استقلال به عنوان دو شعار اصلی انقلاب اسلامی ایران آشکار میگردد.

ترابط آزادی با سایر مفاهیم اساسی

هر اندیشه‌ای در برگزیده‌ی مفاهیم اساسی است که ارتباط معنادار آنها به یکدیگر موجب انسجام آن اندیشه میگردد؛ در غیر این صورت معناداری و انسجام آن اندیشه خدشه دار میگردد. اندیشه انقلاب اسلامی در برگزیده مفاهیم اساسی متعددی است که مهمترین آنها را از حیث ارتباط معنادار با آزادی میتوان در شش مفهوم اساسی شریعت، قانون، عدالت، اخلاق، امنیت و پیشرفت خلاصه کرد.

آزادی و شریعت

اصل جدایی ناپذیری دین و سیاست، ایجاب میکند که آزادی به عنوان یکی از سیاستهای خارجی و داخلی ملت ایران، تنها در چهارچوب دین و شریعت پدیدار گردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۱۸؛ ۱۳۸۱/۱۲/۱۳) در واقع آزادی، هدیه دین به یک ملت است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) و نقش این عنصر، در تأمین و رشد آزادی جوامع، مهم و غیر قابل انکار میباشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰؛ ۱۳۷۸/۱/۲۳؛ ۱۳۸۴/۲/۱۱)

در نظام اسلامی، مردم و مسلمانان در دایره مقررات شرعی، آزادند و بعد از آنکه موازین شرعی را رعایت نمودند، کسی حق سلب آزادی را از آنها ندارد و در واقع، وضع قوانین و موازین شرع، برای محدود کردن و هدایت کردن آزادی تکوینی انسان و رسیدن به کمال و سعادت است؛ (امام خمینی، بی تا «ب»؛ ۷۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) در این مسیر، انسان تحت لوای آزادی تشریحی، دارای حق و تکلیف است و فرد آزاد، واجد حقوقی بوده که در انجام آن آزاد است و دیگران نیز ملزم به رعایت این حقوق هستند؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) به عنوان مثال؛ در نظام سیاسی اسلام، مشارکت در امور که در زمره آزادیهای سیاسی است؛ حق انسان محسوب میشود و دولت نیز ملزم به فراهم کردن زمینه آن میباشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

در نگرش انقلاب اسلامی شریعت، محور اصلی تمامی امور است و ایران آباد و آزاد تنها در صورت بهره‌مندی از ارزشهای اسلامی و تحت لوای شریعت مقدس اسلام است که باعث صدور انقلاب به سایر کشورهای اسلامی خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۸)

آزادی و قانون

در اندیشه انقلاب اسلامی، ارتباط تنگاتنگی میان آزادی و قانون برقرار است. این ارتباط را به اختصار میتوان از دو زاویه مورد بررسی قرار داد. نخست، قانون یکی از مبانی و منابع مهم آزادی است. از این زاویه، «قانون» آزادی داده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۸/۱/۲۹۰، ۴۰۶/۳) از این رو، توجیه آزادی با تکیه بر قانون امکان‌پذیر میشود. از آنجا که در این اندیشه قانون برگرفته از اسلام است، قانون اسلام مسبب آزادیها و دموکراسی حقیقی دانسته میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۴) در این قانون، حقوق همه اقشار، اقلیتهای مذهبی، زنان و... ملاحظه شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۲/۶؛ ۱۴۸/۱۱) افزون بر این در عرصه‌ی سیاسی نیز، «قانون اساسی، تکلیف شوراها و احزاب را معین کرده است». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) و در این دیدگاه، آزادی قلم و بیان حق مسلم مردم و مطبوعات است و این جزو اصول مصرحه‌ی قانون اساسی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۰/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱)

در این اندیشه، قانون علاوه بر اینکه مهمترین منبع و مبنای آزادی است، مهمترین عامل تعیین‌کننده قلمرو آزادی نیز به شمار می‌رود. از این دیدگاه، «آزادی در حدود قانون است» (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۷/۷؛ ۵۳۵؛ ۲۸۳/۸) و چون قانون در این اندیشه برگرفته از اسلام است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۹-۱۳؛ همو، بی‌تا «ب»، ۱۳۳) آزادی در محدوده‌ای قرار دارد که به اسلام ضرر نرساند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۴/۲۴؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۷/۷، ۵۳۶) آزادی وسیله‌ی قانون‌شکنی و ریشه‌کن کردن نظام جمهوری اسلامی نمیشود و کسانی که با نام آزادی دست به اغتشاش و آشوب می‌زنند، توطئه‌گرو خیانتکار محسوب میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹) از این دیدگاه، در صورت وجود قانون به عنوان عامل تحدیدکننده‌ی قلمرو آزادی، جلوی هرج و مرج در جامعه گرفته میشود و به همین دلیل، برای مهار هرج و مرج فرهنگی بهترین راه، این است که آزادی بیان در چهارچوب قانون، حمایت و نهادینه شود. (آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

بدین ترتیب، در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، با توجه به ارتباط تنگاتنگ قانون و شریعت، آزادی با این دو، ارتباط معنادار و نزدیکی برقرار میکند که به موجب آن قانون و شریعت افزون بر تبیین مبانی آزادی، قلمرو آن را نیز معین میکنند.

آزادی و عدالت

در اندیشه انقلاب اسلامی، عدالت خاستگاه و تکیه‌گاه آزادی است. عدالت در این اندیشه، از این جهت بر آزادی تقدم دارد که مهمترین هدف در زندگی جمعی محسوب میگردد و به همین دلیل، مهمترین آرمان حکومت اسلامی نیز به حساب می‌آید.

«حکومت اسلامی، حکومت عدالت» تعریف میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۹/۳؛ ۴۴۰/۸) حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده میشوند و نور عدالت الهی بر همه به یک طور می‌تابد. در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لرو کرد و بلوچ مطرح نیست؛ همه برادر و برابرنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۳/۶؛ ۵۳۲/۵-۵۳۳) در پرتو حکومت عادلانه و حاکمیت اسلام است که جوامع، روی آزادی را به خود می‌بینند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۲/۳-۳۲۳، ۳۷۱، آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۲؛ ۱۳۸۰/۳/۱۴) از این رو عدالت خاستگاه آزادی است.

این مفهوم از عدالت، به عدالت اجتماعی ارتباط پیدا میکند که ظرف تحقق آن جامعه بوده و با حقوق همگان مربوط میشود. در پرتو عدالت است که حقوق انسانی و کرامت بشری و آزادی و معنویت او حفظ میشود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۲۳) بنابراین عدالت پاسدار آزادی است.

در اندیشه انقلاب اسلامی، ایده «آزادی به مثابه حق» مطرح میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۴/۴-۱۱۵، ۱۱۸) از این دیدگاه، آزادی حق انسان است و این حق، ناشی از میل و تمایلات فردی نیست؛ بلکه ناشی از، استعدادهای انسانی انسان است. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۴۵/۱۹) بر این اساس، در حکومت اسلامی، تمامی افراد از حقوق یکسانی برخوردارند و در این صورت، آزادی همگان به عنوان یک حق اساسی مورد توجه قرار میگیرد. به همین دلیل، تحقق عدالت موجب تحقق برخورداری همگان از حقوق اساسی و آزادی میگردد و در

نتیجه، در این دیدگاه، «آزادی بر معیار عدل» قرار می‌گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۵/۷، ۱۳۱، ۳۶۳) در این دیدگاه عدل نیز خود نیازمند یک معیار و مبنا است که همان قانون است. از این رو، «اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۲۰) بنابراین، ارتباط آزادی و عدالت، ارتباط آن دورا با قانون نیز به دنبال می‌آورد. قانون مبنای عدالت و عدالت مبنای آزادی است. پر واضح است که عدالت در این دیدگاه، تنها ناظر به زندگی مادی نبوده؛ بلکه شامل زندگی معنوی نیز می‌گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۸) و به همین دلیل عدالت در این دیدگاه عبارت است از، ایجاد فضایی که انسانها در آن به معنای کامل کلمه احساس آسایش و آزادی و استقلال بکنند و احساس سلطه‌ی بیگانگان را نداشته باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲؛ ۱۳۷۹/۷/۱۴) در صورت وجود چنین فضایی، صاحب حق اگر چه ضعیف باشد میتواند حق خود را بی دغدغه از کسی که حق او را گرفته است ولو آن شخص قوی باشد بگیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۶) در این صورت عدالت اجتماعی به این معنا تحقق می‌یابد که «نظرو نگاه دستگاہ قدرت و حکومت نسبت به آحاد مردم یکسان باشد. نیز در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها یکسان باشد». (مظہری، مجموعه آثار، ۱۴۸-۱۴۹؛ ۱۳۷۵/۹/۵) چنین جامعه‌ای جامعه‌ی عادل است و از این دیدگاه، جامعه عادل، «جامعه آزاد است که مردم در آن، در اداری کشور، در آینده‌ی خود و در پیشرفت دارای نقش هستند»؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) از این رو عدالت محدودہ‌ی آزادی را نیز مشخص می‌کند.

بدین ترتیب، سه ضلع آزادی، قانون و عدالت اهمیت بسیار زیادی در اندیشه انقلاب اسلامی پیدا می‌کند و بر اساس آن اندیشه‌ی انقلاب اسلامی با دیگر اندیشه‌ها تمایز بنیادین می‌یابد. از این رو آزادی تا آنجا پذیرفته می‌شود که در چهارچوب قانون و در راستای تحقق عدالت در جامعه باشد.

آزادی و اخلاق

در اندیشه انقلاب اسلامی، اخلاق نیز از دیگر مفاهیمی است که بر مدار آن، قلمرو آزادی تعیین می‌گردد. از این رو، آزادی تا جایی است که مبانی و آموزه‌های اخلاقی تأیید

میکنند. در این دیدگاه آزادی در برخورداری و استفاده از تمامی مظاهر تمدن غربی تا جایی است که با آموزه‌های اخلاقی مغایرت نداشته باشد. به همین دلیل آزادی در چهارچوب اخلاق مورد تأکید قرار میگیرد و نه آزادی بی بندوبار. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ۹۷/۸، ۳۳۹، ۳۵۴، ۵۱۷-۵۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۳۰) بر این اساس، فساد اخلاقی به مثابه آزادی شدیداً مورد انتقاد قرار میگیرد. (مطهری، مجموعه آثار، ۷۸۲/۱۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۸۲/۹، ۱۰۵، ۳۴۴) به همین دلیل، در این گفتمان، مفهوم «اخلاق سیاسی - اجتماعی» مطرح میگردد که بر اساس آن آزادی سیاسی - اجتماعی در چهارچوب اخلاق پذیرفته میشود. به عنوان نمونه پدیده‌ای به نام تقلب انتخاباتی که در امرانتخاب به عنوان یک امر سیاسی صورت میگیرد، «خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی» دانسته میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۳۱) بنابراین، اخلاق، هم در زمینه‌ی عمل فردی و هم در زمینه‌ی عمل اجتماعی کاربرد پیدا میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۳) در زمینه‌ی عمل فردی ارزشهای موجود در جامعه همانند حجاب، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از رذائل اخلاقی و نظایر آن معیار سنجش قرار میگیرد. بنابراین، در اندیشه انقلاب اسلامی مفهوم آزادی اخلاقی قابل طرح می‌نماید که به موجب آن آزادی در مدار اخلاق قرار گرفته و قلمرو آن بر اساس اخلاق تعیین میگردد.

آزادی و امنیت

از دیگر مفاهیمی که در اندیشه انقلاب اسلامی، پیوند نزدیکی با مفهوم آزادی دارد، مفهوم امنیت است. این مفهوم نیز در تعیین قلمرو آزادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. آزادی تا آنجا پذیرفته شده و رعایت میگردد که موجبات آسیب به امنیت جامعه را فراهم نسازد. از این رو، چنانچه آزادی، امنیت را مخدوش سازد، دولت حق محدود ساختن آزادی را پیدا میکند. قاعده کلی در این باره این است که آزادی به همه افراد تا آنجا که به ضرر ملت ایران نباشد، داده خواهد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۹/۵، ۴۱۴، ۴۷۱) و در نتیجه آزادی به همه مسالک و عقاید داده میشود؛ لکن اگر بخواهند شورش کنند و مسیر ملت را تغییر دهند و دست ظالم را نگه دارند، مجاز نخواهند بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۲، ۲۲۳/۵، ۵۳۴-۵۳۳)

محدود بودن آزادی به امنیت، مفهوم توطئه را در اندیشه انقلاب اسلامی به مثابه

مهمترین عامل تعیین‌کننده قلمرو آزادی وارد کرده است. بر این اساس، «آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان وجود دارد لکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند». (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۶۲) و به همین دلیل، «آزادی غیر از توطئه است» (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۱۳۳) و آزادی فساد و توطئه، جایز نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۹۱-۹۲، ۳۵۰-۳۵۱) در اندیشه انقلاب اسلامی، مردم مادامی آزادند که دست به توطئه نزنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۳۲۴) و آزادی معقول، غیر از هرج و مرج، سوء نیت و اضلالگری می‌باشد (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۷۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۴/۶/۱۳۷۷؛ ۱۹/۴/۱۳۷۹) و در همین اندیشه، آزادی بیان و انتقادهای به جا و بدون قصد و غرض، مجاز شمرده شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۴۶۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۴/۱۲/۱۳۷۷)

افزون بر مفهوم توطئه، مفهوم «امنیت سیاسی» نیز در اندیشه انقلاب اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و رابطه آزادی و امنیت را نشان می‌دهد. مقصود از امنیت سیاسی «این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دو گونه گویی و دو گونه اندیشی باشد». (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۲۴-۱۲۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰/۶/۱۳۷۸) بر این اساس، همه‌ی افراد و گروه‌ها آزادند تا دیدگاه‌های خود را در جامعه مطرح نمایند؛ اما طرح این دیدگاه‌ها نباید همراه با دروغ‌گویی، فریب‌کاری و تقلب باشد؛ چرا که در این صورت امنیت سیاسی جامعه با خطر روبه‌رو می‌شود. در حالی که، در جامعه باید مردم احساس امنیت سیاسی و روانی داشته باشند و فضای روانی جامعه دچار التهاب نباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۰/۶/۱۳۸۷) ضرورت پرهیز از اختلال در امنیت سیاسی و روانی مردم، ضرورت مراقبت از آزادی را در جامعه در این اندیشه به همراه دارد و به همین دلیل، نظام اسلامی به‌عنوان یک وظیفه با اخلاط‌گران در امنیت مردم برخورد می‌کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۵/۱۳۸۲؛ ۱۵/۴/۱۳۸۸) از آنچه گذشت، اصول حاکم بر آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی نیز آشکار می‌گردد. اصل ارزشها و احکام اسلامی (شریعت)، قانون اساسی و عادی، اصل عدالت، اصل ارزشهای اخلاقی و اصل امنیت مهمترین اصول حاکم بر آزادی در این اندیشه به حساب می‌آیند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۴؛ ۲۵/۱۶۹-۱۷۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۴۵۶، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۸۶؛ ۱۴/۷۳؛ هو. بی تا «ب»)، ۱۳۸-۱۳۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱/۹/۱۳۶۸؛ ۲۶/۸/۱۳۷۷؛ ۲۳/۱/۱۳۷۸؛ ۱/۹/۱۳۸۱؛ ۱۹/۱۱/۱۳۸۸) از این دیدگاه، آزادی در صورتی و تا آنجا مطلوب دانسته می‌شود که با ارزشها و احکام

اسلامی، قانون اساسی و عادی، عدالت، ارزشهای اخلاقی و امنیت مغایرتی نداشته باشد. در صورت عدم مغایرت آزادی با این اصول، رعایت آزادی امری لازم و ضروری دانسته میشود.

آزادی و پیشرفت

تقلید و تبعیت از الگوهای بیگانه، عامل وابستگی و عقب ماندگی جوامع و باز شدن راه سلطه و فرهنگ اجنبی بر جوامع خواهد بود. چنانکه در سالهای پیش از انقلاب، جامعه ایران، جامعه‌ای سراسروابستگی بود که در تصمیمها و امور مملکت آزادی نداشت و همین امر، سد راه پیشرفت کشور بود. اما به برکت آزادی و استقلال، ایران پیشرفتهای زیادی را تجربه نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۵/۳، ۵۸۸، ۱۷۸/۶؛ ۳۳۹/۷-۳۴۰، ۲۶۴/۸، ۴۰۶/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) به همین جهت آزادی و پیشرفت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و مردم ایران، مردم مترقی و خواستار آزادی و حقوق خود هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶/۵، ۶۹) در ایران در یک محیط آزاد اسلامی، به انسانها امکان پیشرفت داده شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۲) توسعه‌ی هر ملتی، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان خواهد داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۱۱) در یک جامعه‌ی آزاد، رکود و سکون و توقف، عامل جمود و تحجر و کهنگی است و این شاخصه‌ها، مخالف با اصول توسعه و ترقی است و اساس پیشرفت، در رشد، نوآوری و حرکت رو به جلو برپایه‌ی ارزشهای اسلامی و انقلابی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳؛ ۱۳۹۰/۷/۲۷) در این زمینه، آزادی فکری و مطرح کردن اندیشه‌ها، یکی دیگر از عواملی است که منجر به ایجاد میدانهای پیشرفت بشری خواهد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۹/۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸؛ ۱۳۸۵/۳/۲۹؛ ۶۸؛ ۱۳۸۸/۸/۶؛ ۱۳۸۸/۱۱/۱۳)

راهبرد و شیوه‌های تحقق آزادی

در اندیشه انقلاب اسلامی، تحقق آزادی مستلزم در پیش گرفتن راهبرد و شیوه‌های خاصی است. این راهبردها و شیوه‌ها، برخاسته از مبانی و بنیانهای آزادی در اسلام است. بر این اساس، با توجه به آنچه گذشت، میتوان، تکیه بر تعالیم آسمانی را، مهمترین راهبرد

و باورمندی، قانونمندی، فرهنگ سازی و فرایندسازی را مهمترین شیوه‌ها در مسیر تحقق آزادی قلمداد نمود.

تکیه بر تعالیم اسلامی

آزادی از بنیادهای دین اسلام است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۲/۴) و خداوند نیز سلطه‌ی غیر مسلم را برای مسلمانان قرار نداده و سلطه و چیرگی به جامعه‌ی مسلمانان، امری ناروا و مانع تحقق آزادی می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۷/۴) طبق موازین اسلامی، اگر مبادلات و مراودات به گونه‌ای باشد که باعث توسعه نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی شود، به نحوی که بتوانند در امور مسلمانان دخالت نمایند، این نوع ارتباطات، ممنوع است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۷-۱۵۸/۱۱، هو، ۱۴۲۱، ۳۷۸-۳۸۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۸/۱۳۸۲) دین اسلام که جامع احکام برای تمام زوایای زندگی بشری است، به مسئله آزادی نیز توجه داشته و در پرتو توجه به مفاهیم و احکام است که انسانها میتوانند آزاد باشند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴/۷، ۱۳۵) و تحت تأثیر و تسلیم هیچ قدرتی قرار نگیرند و از آزادی خود در برابر بیگانگان دفاع کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۴۴۷) از این رو، تبعیت و تکیه بر قوانین و دستورات اسلامی که مترقی‌ترین دستورات است، مهمترین راهبرد در تحقق آزادی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۱۹)

باورمندی

نخستین شیوه تحقق آزادی، باور به انحصار بندگی خدا و آزادی در برابر دیگران است. اعتقاد به اینکه انسان تنها بنده خداست و جز او هیچ کس حق سلطه بر انسان را ندارد، پیش شرط آزادی حقیقی انسان است. طبق اصل توحید، سلطه فردی بر فرد دیگر نفی شده و آزادی و برابری جوامع جز در پرتو قوانین الهی صورت نمی‌گیرد؛ (انصاری، ۱۳۷۴، ۱۷۶-۱۷۷) از این رو، چنانچه انسان از خدای خود غافل نشود، حریت و آزادی خود را حفظ کرده و قید عبودیت و اسارت در برابر دیگران را از گردن خود برمی‌دارد و در جمیع احوال آزاد میشود. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۲۵۷) به همین دلیل، در این نگرش هر چه ما به سمت توحید و عبودیت الله پیش برویم، شرطواعت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

حکومت جامعه توحیدی، حاکمیت الله است و با حاکمیت غیر خدا (نفس، شیطان و...)، منافات دارد؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۲۳) و راه تصرف آزادی حقیقی، در گرو رهایی از حب نفس و چنگال شهوت و دل سپردن به عبودیت حق است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۹/۱۴، ۱۲، ۱۴، هجو، بی تا) الف»، (۲۵۵) بنابراین، انسانی که به توحید و بندگی خداوند اعتقاد دارد، از آزادی خود مواظبت میکند و در این صورت، آزادی انسان در سایه توحید تحقق می‌یابد. افزون بر این، در صورت اعتقاد به توحید، حاکمان در جامعه نیز برای خود حق سلطه بر انسانها را قائل نبوده، (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۴، ۳۱۶-۳۱۷) آزادی مردم و حکومت شوندگان را رعایت میکنند. به همین دلیل، طغیان و ستم به مردم و عدم رعایت حقوق و آزادی آنان در حکومت به منزله‌ی عهدشکنی با اسلام است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۲/۱۱) و بدین ترتیب، در اندیشه انقلاب اسلامی، تصدی قدرت به مثابه یک مسئولیت دانسته میشود و در نتیجه همواره حاکمان به عنوان مسئولین باید کارهای خود را آنگونه که شایسته مردم است انجام دهند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۲۶)

قانونمندی

در اندیشه انقلاب اسلامی، قانونمندی یکی از مهمترین شیوه‌های تحقق آزادی به حساب می‌آید. قانونمندی مردم، احزاب، گروه‌ها و حاکمان مهمترین عامل زمینه‌ساز تحقق آزادی در جامعه است. از این دیدگاه، اگر همه اشخاص، گروه‌ها و نهادها در برابر قانون خاضع باشند و آن را محترم بشمارند، هیچ اختلافی پیش نمی‌آید، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۴/۱۴) و در نتیجه همگان به حقوق اساسی خود دست یافته، آزادی همگان تحقق می‌یابد. بر این اساس برای تحقق آزادی، همگان باید خود را با قانون تطبیق دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۱۴) در این اندیشه قانون‌شکنی مهمترین عامل بوجود آمدن دیکتاتوری و از دست رفتن آزادی در جامعه است. از این رو، کسانی که می‌خواهند قانون را بشکنند اینها دیکتاتورانی هستند که با چهره اسلامی و آزادی‌خواهی خود را نشان داده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۱۴) اگر بی قانونی در جامعه‌ای رایج شد، مصالح مردم پایمال شده و راه برای تسلط زورگویان باز خواهد شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۳) در بعضی موارد ممکن است که

قوانین اجتماعی به‌گونه‌ای باشد که افراد قادر به تأمین آزادی خویش نباشند و قانون عامل سلب آزادی از آنها شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۴۲/۲۵) بنابراین، قانونگذاری تسهیل‌کننده‌ی آزادی و رعایت قانون موجبات کنار رفتن دیکتاتوری و تحقق آزادی را در جامعه فراهم می‌سازد و به همین دلیل، قانون از جایگاه محوری در جامعه برخوردار بوده؛ چرا که قانون در تمام امور کشور یک شاخص، یک محور و یک فصل الخطاب محسوب می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۳) با فصل الخطاب دانستن قانون در این دیدگاه، منافع همگان تأمین گردیده، جلوی نقض حقوق افراد گرفته شده و آزادی همگان تأمین می‌گردد.

فرهنگ‌سازی

انسان موجودی است اجتماعی، که از بدو تولد تا پایان زندگی، از محیط اجتماعی کوچک خانواده پای را فراتر نهاده و به فضای بیرونی و وسیع جامعه قدم می‌گذارد و در تعامل با انسانها رشد میکند، تکامل می‌یابد، فرهنگ‌پذیری دارد و شخصیت می‌یابد. انسانها با هدایت غرایز خود میتوانند به‌طور آگاهانه و حساب شده راه خود را انتخاب کنند به‌طوری‌که آزادی نقش مهمی در شخصیت انسان داشته و هستی انسان با آزادی انفکاک‌ناپذیر است. این آزادی و انتخاب آزادانه است که میتواند زندگی و شخصیت آدمی را انسانی و الهی کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۱۵۵-۱۵۸) در تعلیم و تربیت اسلامی خشونت و ارباب‌جایز نیست و همواره بر والدین، معلمان، مدیران، مسئولان و رهبران جوامع شایسته است که در برابر نقائص و کاستی‌های خود نقدپذیر باشند و از اعمال خشونت، پرهیز کرده و تهدید و زور را عامل سلب آزادی‌های طبیعی افراد - که نمونه آن «انتقاد» میباشد - نکنند. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۱۵۹-۱۶۰) انتقاد و نقدپذیری از اصول اساسی یک جامعه آزاد است. در کشور ما نیز، راه انتقاد از مسئولین و دولت، صراحتاً توسط ملت باز میباشد و مسئولین نیز با روحیه انتقادپذیری و تحمل و شکیبایی در صدد پاسخگویی بر خواهند آمد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۴/۸؛ ۱۸۷/۱۰؛ ۱۸۸-۱۸۷/۱۳؛ ۴۸۰/۲۱؛ ۲۰/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱؛ ۱۳۸۷/۶/۲؛ ۱۳۸۸/۶/۱۸؛ ۱۳۸۹/۶/۸) ضمن اینکه نشانه‌ی پویایی و نشاط و لازمی تحول و حالت مطلوب جامعه، در انتقاد و تلازم انتقادکردن و انتقادپذیری است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸)

بدین ترتیب عامل موفقیت در خودسازی افراد جوامع در درجه نخست، محیط خانواده است که در تمام ابعاد نگرشی، گرایشی و رفتاری از والدین تأثیر می‌پذیرد. دوم، الگو قرار گرفتن متصدیان امر آموزش یعنی معلمان هستند که می‌بایستی با خودسازی و تقویت کمالات و وارستگی‌های علمی و عملی خویش و متوسل نشدن به خشونت، در جذب افراد و پدیدار شدن جامعه اسلامی کوشا باشند. سوم، محیط‌های مدیریتی و مسئولان هستند که با سعه صدر در مواجهه با انتقادات و باور به ارزش آزادی در جامعه به نشر فرهنگ آزادی کمک می‌کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۴۵۹) دین اسلام، دین آزادی است و در پرتو جامعه‌ی اسلامی و مذهب و دارای تعلیم و تربیت صحیح است که به انسانها، شخصیت و آزادی خودآگاهانه داده خواهد شد. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۱۶۰-۱۶۲؛ امام خمینی، صحیفه امام،

فرایندسازی

فرایندسازی، فعالیت‌های مرتبط و متوالی برای رسیدن به محصول خاص است. به طوری که فعالیت‌هایی چون باورمندی و قانونمندی و فرهنگ‌سازی از شیوه‌های دستیابی به محصول آزادی است. انقلاب ایران، انقلاب توحیدمحور و بر مبنای قانون اساسی است که در بطن آن، فرهنگ نقدپذیری، آزادی بیان و انتخابات آزاد نهادینه شده است که اصول و سیاست‌های آن نیز، بر همین محورها صورت می‌پذیرد. بدین منظور، تبیین و اتخاذ سیاست‌های کلی نظام، با جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های قوای سه‌گانه در قالب اختیارات خود و تعامل آنها با یکدیگر، پدیدار می‌گردد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۴) بر اساس وظایف قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران سه مقوله «قانون»، «اجرا» و «نظارت» در این مسیر مورد تأکید قرار می‌گیرد. طبق فرایند معقول و منطقی، اداره امور اجرایی توسط قوه مجریه و در مرحله‌ی قانون‌گذاری، توسط قوه مقننه و در مرحله‌ی نظارت بر عملکردها و تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق و جلوگیری از ظلم، توسط قوه قضاییه محقق می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۸؛ ۱۳۸۲/۹/۲۶) در این مسیر، ساز و کارها و خط‌مشی‌های قوای سه‌گانه و عملکرد آنها در تدابیر امور مملکتی، می‌بایستی طبق اصول قانون اساسی، انجام گیرد و

در این راستا، هرگونه اظهار نظر و نقد مغرضانه و اختلاف سلیقه شخصی و دو دستگی میان مسئولین، که باعث فضا سازی و فرهنگ سازی ناصحیح و گمراهی افکار عمومی گردد، امری غلط و برخلاف مصالح کشور تلقی می‌گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۸/۸؛ ۱۳۸۶/۷/۱۷؛ ۱۳۸۹/۱/۱۶) بنابراین طراحی جامع این فرایند و تعیین نقش دقیق و هماهنگ قوای سه گانه در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و گسترش آزادیهای مشروع و قانونی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ارائه‌ی یک الگوی مطلوب، ضرورت می‌یابد و به‌عنوان یک شیوه کلان و اساسی باید مد نظر قرار گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۴۶۰) رهنمودهای بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری در زمینه‌ی فرایند آزادی که با ارتباط و تعامل مؤثر قوای سه‌گانه به دست می‌آید، همواره بیانگر این شیوه بوده است.

آسیبها و چالشهای فراروی آزادی

آزادی نیز همچون دیگر مقوله‌های اساسی با آسیبها و چالشهایی روبه‌روست که ناشی از عدم رعایت حدود آزادی در عرصه اجتماعی است. مهمترین این آسیبها و چالشها عبارت‌اند از:

هرج و مرج

از آنجا که آزادی و امنیت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، تحقق آزادی بدون توجه به امنیت، میتواند چالشهای امنیتی در جامعه بوجود آورد. به همین دلیل، ضمن تأکید بر ضرورت آزادی و عقاید، بر این نکته نیز تأکید می‌گردد که آزادی آنان نباید با شورش همراه باشد و باعث تغییر مسیر ملت گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۴/۵؛ ۱۴۸/۱۱) در واقع هرج و مرج و ناامنی بزرگترین خطر در برابر آزادی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۵/۶) افزون بر این، ناامنی در جامعه مهمترین عامل از بین رفتن منافع عمومی مردم میگردد و به همین دلیل، بر طبق این دیدگاه وقتی کسی علیه منافع کشور و علیه سود کشور اقدامی کند، آزادی اش محدود میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) از این رو، آزادی در جامعه نباید به هرج و مرج بیانجامد و نباید از این آزادی که وجود دارد، کسانی برای متشنج کردن فضا استفاده کنند. (آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۴) بر این اساس، در این اندیشه بر ضرورت آشنایی مردم با فرهنگ آزادی تأکید میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

تفرقه

یکی دیگر از آسیب‌های آزادی، مخدوش شدن وحدت جامعه و پیدایش تفرقه در آن جامعه است. به همین دلیل، آزادی در حکومت اسلامی نباید به وحدت جامعه آسیب برساند چرا که رمز پیروزی ملت ما، اتکال به خدا و وحدت کلمه بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۷/۶؛ همو، بی تا «ب»، ۳۶-۳۷) در این اندیشه، وجود آزادی ممکن است سوءاستفاده‌هایی نیز به همراه داشته باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۱/۱۴، ۳۴۳) یکی از این سوءاستفاده‌ها، «دنبال کردن خط ایجاد اختلاف و تفرقه» در جامعه است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷) و به همین دلیل، ممکن است به نام آزادی بین مردم اختلاف انداخته شود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۱) چرا که در صورت ایجاد تفرقه و اختلاف در بین مردم، اعتماد ملت به عنوان بزرگترین سرمایه‌ی جمهوری اسلامی شکسته میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۲۹)

توطئه

چنانچه از فضای آزاد جامعه، در جهت توطئه علیه مصالح جامعه استفاده شود، آزادی با آسیب جدی روبه‌رو میگردد. به همین دلیل، از این دیدگاه، آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان وجود دارد؛ ولی مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۲/۶؛ ۳۲۴/۱۲) چنین عملی خیانت به ملت تلقی شده و قابل پذیرش نخواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۲/۶) از این رو، در اندیشه انقلاب اسلامی، «آزادی غیر از توطئه است»، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۳/۷) و در صورت سوءاستفاده از آزادی و توطئه، بی‌تردید، منافع مردم از بین می‌رود و به همین دلیل ایراد و اشاعه سخنانی که علیه ملت و برعکس خواسته‌های آن باشد آزادی نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۰/۱۰-۳۵۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۸/۲) بنابراین، میان آزادی انتقاد و توطئه علیه منافع مردم تفکیک میشود و به همین دلیل، در انقلاب اسلامی میان بیان نظر مخالف و توطئه و دشمنی زیر نقاب اعلام نظر مخالف، تفاوت وجود دارد.

قانون شکنی

در اندیشه اسلام، آزادی در حدود قانون است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۸) یکی از آسیب‌هایی که در خصوص استفاده از آزادی در جامعه قابل طرح است، سوءاستفاده از آن و عدم رعایت قوانین و مقررات در جامعه به بهانه آزادی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱) به همین دلیل در اندیشه انقلاب اسلامی، ضرورت استفاده صحیح از آزادی مورد توجه قرار گرفته است. از این دیدگاه، باید از آزادی استفاده صحیح صورت گرفته و بر طبق مقررات شرع و عقل عمل نمایند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹/۸)

عدم استفاده صحیح از آزادی و نادیده گرفتن قوانین و مقررات در پرتو آزادی، ضربات زیادی به جامعه وارد می‌سازد و در این صورت آزادی، ضرر زننده به منافع جامعه تلقی می‌گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۱۴) از این دیدگاه، آزادی اجتماعی که در اسلام ارزش زیادی دارد، اگر در خدمت ضایع کردن فرآورده‌های ارزشمند معنوی یا مادی یک ملت به کار گرفته شود، مضر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) از این رو، آزادی نباید وسیله‌ی قانون شکنی در جامعه باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹) در اندیشه انقلاب اسلامی استفاده از آزادی ادبی دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷) و ادب آن رعایت قانون و مقررات و استفاده صحیح از آن است.

فساد و انحرافات اجتماعی

بروز فساد و انحرافات اجتماعی یکی از آسیب‌های فراروی آزادی به شمار می‌آید. از این رو، فساد و انحرافات، مرز بهره‌برداری از آزادی در جامعه دانسته می‌شود. از این دیدگاه، اگرچه اسلام بیش از هر چیزی به آزادی عنایت دارد ولی هر چیزی که مخالف با عفت عمومی باشد را مخالف آزادی می‌داند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۹/۷؛ ۱۳۱/۱۱) اسلام آزادی را به رسمیت می‌شناسد، اما آزادی بی‌بندوباری را خیر. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۵/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳) به دیگر سخن، اسلام مخالف فساد است و همه آزادی‌هایی را که به فساد منجر نشود پذیرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۸، ۳۵۴، ۵۱۵-۵۱۷) و در نتیجه، آن آزادی که به فساد و تباهی ملت و کشور منتهی بشود، مردود است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۴/۹؛ ۱۸۸/۱۰)

بدین ترتیب، اندیشه انقلاب اسلامی مرز خود از فرهنگ غربی را در بحث آزادی

مشخص میکند. درحالی که در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی یک امر مباح و مجاز و بی قید و شرط دانسته میشود، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۸۲/۹) در اسلام، خویشتن‌داری در مقابل چیزی که به آن آزادی جنسی گفته میشود، مورد تأکید قرار میگیرد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴؛ ۱۳۹۱/۴/۲۱) افزون بر این، در غرب، آزادی به معنای نادرست و مضرآن، یعنی آزادی از قیدوبندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد و آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان مطرح میشود، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰) درحالی که، در اسلام، آزادی علاوه بر آن حدود مادی، مرزهای معنوی هم دارد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

ترویج باطل و تحریف عقاید

آزادی در نزد سلطه‌گران و بیگانگان، ایجاد خفقان، وحشت و قلدری و دست‌اندازی بر جوامع دیگر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۳/۱، ۱۲۵) قیود و عقاید باطل و انحرافی، عامل اسارت اجتماعی است. تعهدات و قراردادهای تحمیلی برای هر ملتی نشان از وجود سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در آن جامعه است. بدین ترتیب سران سلطه به اسم آزادی در دست‌اندازی و استیلا بر جوامع با تحریف عقاید و رواج اندیشه‌های باطل و خرافی و تحمیل آن بر مردم، و به زنجیر کشیدن آنها در غل و زنجیر اسارت و وابستگی، سعی نموده‌اند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) در اندیشه انقلاب اسلامی، تحریف حقایق و تحمیل آراء و عقاید و نشر اکاذیب به اسم آزادی بیان، ممنوع می‌باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۱۰)

فتنه‌گری

آزادی به غیر از فتنه است و چه بسا کسانی که به اسم استفاده از آزادی، جهت تخریب نظام و ضرر به ملت و مصالح آن، به فتنه‌گری و توطئه‌پردازی پرداخته‌اند؛ چنین عملی برخلاف اصول آزادی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۴؛ ۱۳۷۷/۶/۲۴) فتنه‌گری پدیده رایج در ایران قبل و بعد از انقلاب می‌باشد که به همت مردم انقلابی به نتیجه‌ای نرسیده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۲۸) به عنوان مثال، فتنه سال ۱۳۸۸، یکی از ترفندهای عمال بیگانه در تخریب نظام و گمراهی مردم بود که با امواج توفنده اعتراضات مردم در حماسه ۹ دی، نقشه‌های بیگانگان، نقش بر آب شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۷؛ ۱۳۸۹/۱۰/۸؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

بی بندوباری اخلاقی

آزادی مطلوب در پرتو اسلام و ارزشهای اسلامی شکل می‌پذیرد. بدین ترتیب بی بندوباری، فرهنگ برهنگی، فحشا و آزادیهای نامشروع جنسی و فساد اخلاقی مصادیق آزادی غربی است که عامل آن دورماندن از دست مایه‌های دین و معنویت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۷/۸، ۳۳۹، ۳۵۴، ۵۱۵-۵۱۷؛ ۸۲/۹: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵؛ ۱۳۶۹/۱/۱۰؛ ۱۳۷۹/۲/۲۳)

آزادی مطلق در اسلام راه ندارد و آزادی بیان به عنوان یکی از اقسام آزادی، از حقوق انسان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۹/۵) اما اسلام برای آن حد و مرز ترسیم نموده و مقید به موازین اخلاقی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۷/۸) در جایی که گستردگی آزادی بیان، موجب ضرر جامعه و حقوق و آبروی افراد و اخلال در اصول اخلاقی و انسانیت انسان شود، این عمل، مورد پذیرش اسلام نیست؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۰/۵؛ ۲۷۷/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۳۰)

از این رو، غیبت، تهمت، دروغ، عیب‌جویی و سایر ذائل اخلاقی که مورد عقاب و عتاب اسلام و برخلاف موازین اخلاقی است و منجر به آزار مردم می‌شود، جائز نیست و مخالف با آزادی بیان به نحو مطلوب می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۶/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۰/۷)

نفوذ بیگانگان

آزادی نقطه‌ی مقابل سلطه است و ملتی که آزاد است دست اجانب را از استیلا بر جامعه خود، کوتاه خواهد ساخت و چنانچه جامعه‌ای نتواند آزادی خود را حفظ کند، راه را برای نفوذ بیگانگان باز خواهد ساخت. در منطق انقلاب اسلامی ایران نیز، یکی از ابعاد آزادی، عدم دخالت و نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۳/۲۱؛ ۱۳۷۹/۸/۱۱؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ ۱۳۸۷/۲/۱۴)

انقلاب اسلامی همواره آماج توطئه‌های داخلی و خارجی در پیش و پس از انقلاب بوده است. بعد از پیروزی انقلاب نیز تلاشهای دشمن به منظور باز نمودن و نفوذ ایدئولوژیک استعمار و استبداد در کشور، با استفاده از فضای باز سیاسی و تشکیلی و سازماندهی احزاب و جناح‌های مخالف انقلاب صورت گرفت که مانند همیشه مردم هشیار و غیور ایران، آن را خنثی نموده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱؛ ۱۳۷۳/۱۱/۱۴)

نفوذ عمال بیگانه، عامل مخدوش ساختن انقلاب می‌باشد و احزاب تا زمانی آزادند که مضر اقدامات ملت و مملکت واقع نشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۳/۵، ۴۸۲، ۵۴۰)

استحاله‌ی نظام

براندازی و سقوط و در مرحله‌ی بعد، تحول در اندیشه‌ها و ارزشهای انقلاب اسلامی، همواره مورد هدف دشمنان انقلاب ایران بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵) آزادی یکی از ارزشهای نهادینه‌ی انقلاب ایران است.

انقلاب ایران، تحولی عظیم در نظام جمهوری اسلامی ایران بود که ملت ایران توانست با عزم و اراده بر سلطه‌ی قهرآمیز دشمنان غلبه یابد که به واسطه این غلبه؛ دشمنان این مرز و بوم، همواره در متحول کردن و برگرداندن این نظام به حالت سلطه‌پذیری تلاش میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹) دشمنان انقلاب با استحاله نظام سعی بر این داشتند که سیرت و باطن و روح انقلاب را از بین ببرند و آن را از داخل، مخدوش و فاسد سازند و کوشش نموده که با تغییرات ژرفایی در عمق انقلاب و از ریشه زدن روح ایمان، مسلمات این نظام را به چالش کشیده و آن را متحول کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۳۴: ۱۴-۴۴۰-۴۴۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۲۳؛ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵) به همین دلیل است که حمایت از ملل محروم و مستضعف و مقابله با ظلم که از بایسته‌ها و اصول اساسی انقلاب اسلامی است، مورد مخالفت دشمنان انقلاب واقع شده است و همیشه سعی بر این داشته‌اند، که این بایسته‌ها را محو نموده تا فقط اسم و ظاهری از این نظام برجا بماند و بدین وسیله به مطامع و منافع خود، که همان برقراری سلطه است، دست یازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۳۲۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۶/۱۳۸۸)

مقایسه‌ی رویکرد انقلاب اسلامی به آزادی با سایر رویکردها

رویکرد لیبرالیسم

آزادی در لیبرالیسم غرب، بر پایه تفکرات اومانیستی و انسان‌گرایی محض است. (رک: آربلاستر، ۱۳۷۷، ۸۳-۸۷) این مکتب غربی، خدای عالم وجود را، انسان معرفی میکند و قدرت و اراده را تنها در دست او می‌داند در حالی که در اسلام آزادی بر پایه توحید و عبودیت حق و رهایی از قیود و نظامهای اجتماعی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳) با توجه به این نکته مهم، آزادی در اسلام با لیبرالیسم به عنوان مهمترین مکتب انسانی مدافع آزادی سه تفاوت اساسی پیدا میکند:

نخست؛ در مکتب غربی لیبرالیسم، آزادی انسان، منهای حقیقتی به نام دین و خداست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) و آزادی و ایمان در منافات با یکدیگر قرار گرفته‌اند، (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۶/۱-۵۲۸) درحالی‌که در اسلام، آزادی ریشه الهی دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۱) دوم؛ در لیبرالیسم غربی چون حقیقت و ارزشهای اخلاقی نسبی است، لذا آزادی نامحدود است و از لحاظ معنوی و اخلاقی هیچ حدی وجود ندارد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰؛ ۱۳۷۹/۲/۲۳؛ ۱۳۸۲/۹/۲۶؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴) درحالی‌که در اسلام ارزشهای مسلم و ثابتی وجود دارد، بنابراین آزادی با این ارزشها محدود میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲؛ ۱۳۸۸/۶/۸) تعهد نسبت به آزادی به عنوان یک اصل در مکتب لیبرالیسم مورد پذیرش قرار گرفته است و با اصولی چون خوشبختی، برابری، عدالت اجتماعی، دموکراسی و حفظ پیوستگی یا نظم و ثبات اجتماعی برابری نمیکند. (آربلاستر، ۱۳۷۷، ۸۳) سوم؛ در غرب حد آزادی را منافع مادی تشکیل میدهد درحالی‌که در اسلام آزادی، علاوه بر حدود مادی، مرزهای معنوی نیز دارد. (مطهری، ۱۳۸۲، ۶۲/۱؛ ۱۳۷۷/۶/۱۲؛ ۱۳۸۱/۳/۱۴)

مردم سالاری در نظام اسلامی، متکی به آزادی آراء و عقاید مردمی است، این در حالی است که در کشورهای غربی مردم از آزادی چندانی برخوردار نیستند و رأی آنها می‌بایستی موافق با تصمیمات حکام قرار گیرد و غیر از این، سردمداران حکومت مطابق امیال خود رفتار میکنند. (مطهری، ۱۳۸۲، ۶۲/۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۱۵؛ ۱۳۸۴/۳/۲۷؛ ۱۳۸۶/۱/۱) تمایزات مذکور ریشه در نگرشهای بنیادین اسلام و لیبرالیسم دارد که مهمترین آنها پذیرش و یا انکار اومانیسم است. در لیبرالیسم، آزادی به عنوان حق یا به عنوان یک ارزش، از تفکر انسان‌گرایی نشأت می‌گیرد و انسان محور عالم وجود و محور اختیار در این عالم است و باید آزاد باشد؛ درحالی‌که در اسلام مبنای اصلی آزادی، توحید است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۷)

برداشت لیبرالیسم از آزادی در قالب آزادی منفی و آزادی مثبت صورت‌بندی شده است. از منظر تاریخی، آزادی منفی از اهمیت سیاسی ویژه‌ای در تاریخ اندیشه و مکتب لیبرالیسم برخوردار است. به همین دلیل، واژه آزادی در مفهوم نوین خود بیشتر در پیوند با آزادیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بنیاد دموکراسی به کار رفته، در چهارچوب آزادیهای گوناگون مانند آزادی انجمن، آزادی سخن، آزادی اندیشه، آزادی

آزادی / ۳۱

مطبوعات و آزادی کار و تکاپوهای سیاسی و اقتصادی تعریف شده است. (حاتری، ۱۳۷۴، ۱۰) به تدریج نوعی پیوند میان آزادیهای سیاسی- اجتماعی و آزادیهای اقتصادی در آموزه «سرمایه‌داری» صورت می‌گیرد و مکتب لیبرالیسم با تأکید بر پیوند مذکور، تحقق آزادیهای سیاسی- اجتماعی را از طریق تحقق آزادیهای اقتصادی امکان‌پذیر می‌داند و بدین ترتیب، به‌گونه‌ای آزادیهای اقتصادی اولویت می‌یابند. این اولویت یافتن به مفهوم وانهادن فعالیت‌های اقتصادی افراد به نظم خودجوش بازار است. از این دیدگاه، نظم بازار چیزی نیست که از طریق برنامه‌ریزی آگاهانه طرح‌ریزی و ساخته شده باشد؛ (باتلر، ۱۳۸۷، ۱۱۳) بلکه به صورت خودجوش شکل می‌گیرد. در این نگرش دولت تنها به‌عنوان زمینه‌ساز، شرایط و وضعیت مناسب را برای فعالیت اقتصادی فراهم می‌کند.

رویکرد سوسیالیسم

سوسیالیسم به مثابه مهم‌ترین مکتب رقیب، در انتقادات خود سرمایه‌داری را نشانه رفته است. از دیدگاه طرفداران سوسیالیسم، نوعی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی مالکیت سرمایه‌داری وجود دارد، به همین دلیل، وظیفه‌ی عمده‌ی دولت و حزب در دوره گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، الغای آنچه که بازار آزاد خوانده می‌شود و سازماندهی مدیریت برنامه‌ریزی شده اقتصاد است. (آفانسیف، بی‌تا، ۲۲۸) البته سوسیالیسم به‌عنوان جریان منتقد از نحله‌های گوناگونی برخوردار است؛ اما تمام انواع سوسیالیسم یک جنبه‌ی مشترک دارند و آن الغای مالکیت خصوصی است که به اعتقاد آنان سرچشمه تمام نابرابری‌ها و بیدادگری‌های اجتماعی است. بدین ترتیب، سوسیالیسم با تأکید بر مفهوم عدالت اجتماعی، آزادی مفروض در سرمایه‌داری را به چالش کشیده، در برابر لیبرالیسم از ایده تقدم عدالت اجتماعی بر آزادی سخن می‌گوید. مطالعه اندیشه سیاسی غرب بیانگر این واقعیت است که لیبرالیسم به‌رغم مواجهه با نقد بنیادین از سوی سوسیالیسم، توانسته است به لحاظ نظری به جریان غالب در اندیشه سیاسی غرب تبدیل گردد. این وضعیت، بر سرنوشت مفاهیم و آموزه‌های این مکتب و از جمله آزادی به مثابه یکی از مهم‌ترین آنها، تأثیرگذار بوده است و آزادی را به‌عنوان مفهوم کانونی اندیشه سیاسی غرب مطرح کرده است. (بورژن، ۱۳۵۲، ۸-۹)

رویکرد انقلاب اسلامی

در مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی به آزادی با رویکردهای مختلفی که تاکنون درباره آزادی توسط اندیشمندان و مکاتب بشری ارائه گردیده، میتوان به اختصار از تعبیر «جامعیت، تعالی و کمال» استفاده کرد. رویکرد انقلاب اسلامی به آزادی رویکردی جامع است. مقصود از جامعیت، توجه همزمان به دو جنبه مادی و معنوی آزادی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۱۵۷، ۲۱۹) درحالی‌که در مکاتب بشری، عمدتاً جنبه مادی آزادی مورد توجه قرار گرفته است، در انقلاب اسلامی افزون بر آن، جنبه معنوی آزادی نیز در نظر گرفته شده است. به همین دلیل، از این دیدگاه، آزادی در پناه معنویات، سعادت یک ملت را در پی خواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۵۳۳؛ ۱۷/۳۰۷) این نگرش درباره آزادی از این روست که، اسلام آزادی سالم و صحیح را تأمین میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۵۴۲) بر این اساس، در این اندیشه آزادیهای گوناگونی که در زندگی دنیوی وجود دارد تا جایی مورد پذیرش قرار میگیرد که با سعادت اخروی و معنویات انسان ناسازگاری نداشته باشد و از این رو، میتوان به تقدم آزادی معنوی بر آزادی مادی در این اندیشه حکم کرد و به همین دلیل، در این دیدگاه، با معنویات میتوان آزادی را حفظ نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۳۷۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۸/۲/۱۳۸۴؛

۱۳۸۸/۳/۲۹؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰)

در اندیشه انقلاب اسلامی بر این نکته تأکید میگردد که آزادی درست و آزادی معقول، مهمترین هدیه‌ی دین به یک ملت و به یک جامعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۶/۱۳۷۷) دلیل این مدعا در این دیدگاه آن است که اگر در رویکردهای دیگر و به‌ویژه رویکرد لیبرالی به آزادی، از حق آزادی سخن به میان می‌آید، اسلام بالاتر از این، آزادی را امر فطری انسان می‌داند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰/۱۳۷۸) از این رو آزادی یک حق است اما حقی برتر از سایر حقوق. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۱۴، ۱۲۳، ۴۱۴-۴۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۶/۱۳۷۷) لذا آزادی در حکومت‌های مادی

با حکومت‌های معنوی و اسلام با هم متفاوت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۵۰۴)

توفیق و کارآمدی جمهوری اسلامی در تحقق آزادیهای مطلوب

تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران

نخستین نکته در بیان توفیقات جمهوری اسلامی، توجه به موفقیت این اندیشه در مسلط شدن و تأسیس نظام جمهوری اسلامی است. تأسیس این نظام خود به وضوح حکایت از موفقیت این اندیشه در پیاده‌سازی آزادی در ایران دارد. از این دیدگاه، تا وقتی که رژیم پهلوی برقرار بود، ایران از استقلال و آزادی بهره‌ای نداشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۲/۶-۵۰۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۵؛ ۱۳۸۳/۴/۱۶) علاوه بر این در بعد خارجی ملت ایران نعمت بزرگی را با انقلاب اسلامی بدست آوردند که عبارت از آزادی از زورگویی قدرتهای بزرگ بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۱؛ ۱۳۶۸/۸/۳) این دستاورد، آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرتهای بزرگ است که در انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان اصل نه شرقی و نه غربی شناخته شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۵/۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴) تحقق جمهوری اسلامی و رسیدن به استقلال به‌عنوان مهمترین دستاورد اندیشه انقلاب اسلامی خود موجبات آزادیهای مطلوب را در ایران فراهم ساخت. یکی از نکات مهم در این باره، تلاش برای تحقق آزادی در کنار خدا باوری است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۱/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴) این ویژگی چنان ظرفیتی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخت که توانست با تکیه بر تعالیم قرآن کریم و سنت به سرعت مصادیق گوناگون آزادیهای مطلوب را تحقق بخشد.

آزادی فرهنگی

آزادی فرهنگی، یکی از آزادیهای مطلوب دوران بعد از انقلاب است. آزادی فرهنگی در دوران قبل از انقلاب، با در برداشتن یک موجودیت منفی و مرض‌گونه، پیامدهایی چون فلج کردن و شکست روحی جامعه را در پی داشت (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۴/۴-۱۳۵) و آزادی اخلاقی بی‌قید و بند فرهنگی و ترویج فساد و فحشا بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۵/۸؛ ۲۲۸/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴) رژیم پهلوی با ورود فرهنگ استعماری غرب، سعی در تخریب فرهنگ و برنامه‌های اسلامی و انسانی و ملی ما نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۴؛ ۲۴-۲۵؛ ۸۱/۱۰، ۲۲۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۲۵) تا آحاد جامعه را از درون، بی‌محتوا و وابسته کند و برآیند این

فرهنگ استعماری، تولید نیروهای استعماری، به خصوص قشر جوان بود که با تباهی و به فساد کشیدن آنها، توانست هویت ملی و اسلامی آنها را مخدوش سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۳۴۶) این نوع فرهنگ فاسد غربی در تمام عرصه‌های فرهنگی، از جمله مراکز علمی و رسانه‌های گروهی و عرصه‌های هنری کاملاً مشهود بود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۷۳، ۲۴۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۹/۱۳۶۸) با پیروزی انقلاب، این نوع آزادی استعماری غربی از صحنه جامعه رخت برپست و انقلاب ایران با قطع وابستگی و نفی غرب‌زدگی و بازیابی هویت ایرانی و اسلامی و تربیت و تهذیب نیروی انسانی، توانست به استقلال و آزادی فرهنگی دست یابد و هویت اسلامی خود را حفظ کرده و راه هرگونه فرهنگ منحط و بیگانه را مسدود سازد و به‌عنوان زیربنایی برای رسیدن به آزادی و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، قرار گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۳۸۶؛ ۱۵/۲۴۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۹/۱۳۶۸؛ ۱۴/۶/۱۳۸۸)

آزادی اقتصادی

از دیگر مصادیق آزادیهای مطلوب انقلابی، آزادی اقتصادی است. اقتصاد آزاد و شکوفا، مرهون کشوری آزاد و استقلال‌یافته و به دور از وابستگی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱/۹/۱۳۶۸) در سالهای پیش از انقلاب، جامعه ایران در فضای تیره و تاریک غرب قرار گرفته بود و در تصمیمها و امور مملکت آزادی نداشت. در آن دوره، ایران، سراسر وابستگی و عقب‌ماندگی بود که در این میان، وابستگی اقتصادی شدت بیشتری داشت و این رژیم مانع پیشرفت و رشد در اقتصاد کشور شده بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۳، ۵۰۳؛ ۸/۳۴۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰/۱/۱۳۶۹) و با وارد کردن کالاهای لوکس و تجملی، ایران را در مسیر تولید اندک و مصرف انبوه کالاهای وارداتی قرار داده و آن را به بازار مصرفی فرآورده‌های غربی تبدیل نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۵۴، ۳۹۰) با پیروزی انقلاب اسلامی، اینگونه آزادی اقتصادی در ایران محدود شد و تلاش برای پیاده کردن برنامه‌های اقتصادی اسلامی و رشد و رفاه اقتصادی تحت اصولی چون، معنویت و عدالت آغاز گردید تا از این طریق ملت از فقر و تنگنا و وابستگی به غیر، نجات یابند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۳۴۰؛ ۲۱/۴۴۴)

آزادی علم و فناوری

از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی، آمیختن دانش و فناوری با ارزشهای معنوی و استقلال و آزادی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) انرژی هسته‌ای و فناوری آن، حق مسلم ملت ایران است که امروزه به خواست عمومی ملل عرب نیز تبدیل شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴) و ملتهای خاورمیانه که طالب پیشرفت و صلح و امنیت‌اند، در حق بهره‌گیری از این فناوری، آزادند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱؛ ۱۳۸۲/۲/۲۶؛ ۱۳۸۵/۱/۱؛ ۱۳۸۶/۱۱/۲۸) و شاید یکی از اهداف غبارآلود کردن فضا، توسط قدرتهای غربی، در مورد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، این است که مانع توجه جدی ملتهای منطقه به این حق طبیعی خود باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۱/۲۸)

با آزادی در تولید علم و صنعت بود که ایران اسلامی توانست، در عرصه فناوری و انرژی هسته‌ای به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته و به جایگاه جهانی ارتقا یابد. این آزادی عمل در فناوری هسته‌ای و رسیدن به این مرتبه، همواره مورد اعتراف دشمنان ایران بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۵؛ صفاتاج، ۱۳۸۷، ۳۱۴) و به همین منظور برای اخلال در روند فناوری هسته‌ای، ایران را آماج تهمتهای خویش قرار داده‌اند. آنها همواره ایران را به ساخت سلاحهای هسته‌ای و بمب اتم، متهم نموده و در مقابل، جمهوری اسلامی ایران تأکید میکند که اعتقادی به سلاح هسته‌ای نداشته و فعالیتهای هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸)

آزادی سیاسی - اجتماعی

یکی از مصادیق آزادی، را میتوان آزادی انتخاب و رأی دانست که در ابتدا نسبت به تأسیس اصل نظام جمهوری اسلامی صورت گرفت. مردم ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آزادی سرصندوق‌های أخذ رأی رفته و به این نظام رأی دادند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۷، ۴۵۱/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶؛ ۱۳۸۸/۳/۲۹؛ ۱۳۹۰/۳/۱۴) افزون بر فراندوم، آزادی انتخاب و رأی در تصمیم‌گیری‌های اساسی دیگر نیز از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۳) از این دیدگاه، این دستاورد از چنان اهمیتی برخوردار است که میتوان

ادعا کرد در منطقه خاورمیانه و حتی در کمتر نقطه‌ای از دنیا، آزادی انتخاب و آزادی رأی به قدر جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱۰؛ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱؛ ۱۳۷۷/۶/۱۲)

آزادی بیان

از دیگر عرصه‌های توفیق جمهوری اسلامی در تحقق آزادی، آزادی انتقاد و بیان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۴/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴) آزادی انتقاد درجات گوناگونی دارد که در نهایت به جابجایی دولت از طریق انتخابات نیز می‌انجامد. مهمترین شاخصه‌ی آزادی در جمهوری اسلامی ایران این است که ملت، مسئولان کشور را انتخاب می‌کند، اگر از عملکرد آنها راضی بود این انتخاب را ادامه می‌دهد اما اگر راضی نبود آنها را کنار می‌گذارد و دیگران را انتخاب می‌کند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۳/۱۴؛ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴؛ ۱۳۸۴/۳/۲۵؛ ۱۳۸۶/۱۱/۲۸)

تلاش جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبران آن، تحقق آزادی به گونه‌ی خاص است که از آن به آزادی «منطقی» تعبیر شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۳/۸) آزادی منطقی، آزادی در چهارچوب اسلام و قانون است. آزادی منطقی، آزادی در مسیر رشد و تعالی جامعه است که در این صورت حرکت ایران در این مسیر مستمر بوده و در «هیچ جا متوقف نخواهد شد». (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اسلام آزادی را به رسمیت شناخته و در متون و ادبیات اندیشمندان مسلمان نیز، به‌ویژه در دوران جدید مورد توجه قرار گرفته است. آموزه‌هایی چون توحید و خدا باوری، اختیار و اراده انسان و نفی سلطه مهمترین مبانی آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی است که بر پایه آنها انواع آزادی در گونه‌های آزادی فرهنگی، آزادی سیاسی-اجتماعی، آزادی اقتصادی و آزادی اندیشه و فکر قابل تبیین می‌باشد. در اندیشه انقلاب اسلامی آزادی فرهنگی به مفهوم رهایی انسان از هوی و هوس در راستای رشد و تعالی انسان است. آزادی سیاسی-اجتماعی در مصادیقی چون آزادی قلم، بیان، رأی و شرکت در انجمنها

بروز یافته و آزادی اقتصادی در پرتو ارزشها و مفاهیم اسلامی تبلور داشته و آزادی فکر و اندیشه در قالب ایده آزاداندیشی مطرح شده و آزادی مذهبی به مفهوم حق اقلیتهای دینی نسبت به عمل بر طبق آئین دینی خود و به رسمیت شناخته شدن آنان است. آزادی در این اقسام با سایر مفاهیم سیاسی زندگی در اندیشه انقلاب اسلامی همچون شریعت، قانون، عدالت، اخلاق، امنیت و پیشرفت، ارتباط معنایی دارد که به نوعی اینها اصول حاکم بر آزادیهای مطلوب در گفتمان فکری انقلاب اسلامی به حساب می آیند. این اندیشه شیوه‌ها و راهبردهایی خاص برای تحقق آزادی مطرح میکند که باورمندی و قانونمندی دو شیوه و راهبرد اصلی آن به حساب می آید. از این دیدگاه، آزادی با آسیبها و چالشهایی نیز روبه‌رو است که ناامنی، تفرقه، توطئه، قانون شکنی، فساد، ترویج باطل و تحریف عقاید، فتنه‌گری، بی‌بندوباری، نفوذ بیگانگان، استحاله نظام و انحرافات اخلاقی و اجتماعی مهمترین آسیبها و چالشها به نظر می‌رسند. اندیشه انقلاب اسلامی با توجه به آنچه گذشت، از تمایز اساسی با دیگر اندیشه‌ها درباره آزادی برخوردار است که به اختصار میتوان آن را در آموزه «جامعیت، تعالی و کمال» خلاصه کرد. رویکرد اندیشه انقلاب اسلامی به آزادی از این‌رو از جامعیت برخوردار است که همزمان به دو جنبه مادی و معنوی آزادی توجه میکند و فقدان یکی از این دو جنبه را در تحقق آزادی، نامطلوب می‌داند. این ویژگی، خصلت ویژه‌ای به آزادی در اندیشه انقلاب اسلامی بخشیده است که با استفاده از ادبیات رهبران انقلاب اسلامی ایران میتوان از آن به تعبیر مختلفی از جمله «آزادی منطقی»، «آزادی قانونی» و «آزادی مسئولانه» تعبیر کرد. این تعبیر حکایت از نظریه خاص انقلاب اسلامی درباره آزادی دارد. در اندیشه انقلاب اسلامی آزادی با مسئولیت پیوندی تنگاتنگ دارد. این مسئولیت از دو بعد فردی و اجتماعی برخوردار است. در این اندیشه انسان آزاد است؛ اما نسبت به سرنوشت خود و دیگران مسئول شناخته میشود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آریلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۳. آفانسیف، و. ماکارووا، م. مینایف، ل. مبانی سوسیالیسم علمی، تهران، سازمان جوانان توده ایران، بی تا.
۴. آیت الله خامنه ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آیت الله خامنه ای، سید علی حسینی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چاپ ششم، ۱۳۹۴ ش.
۶. آیت الله خامنه ای، سید علی حسینی، کتاب چهارمین نشست اندیشه های راهبردی (آزادی)، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۲ ش.
۷. آیت الله خامنه ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

بی‌تا. «ب»

۱۳. انصاری، حمید، حدیث بیداری؛ نگاهی به زندگی‌نامه آرمانی-علمی و سیاسی امام خمینی (از تولد تا رحلت)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

۱۴. باتلر، ایمون، اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.

۱۵. بورزن، ژرژ، پیر، رمبر، سوسیالیسم، ترجمه منصور مصلحی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۵۲ ش.

۱۶. حائری، عبدالهادی، آزادیهای سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.

۱۷. حسینی بهشتی، سید محمد، جاودانه تاریخ، تهران، روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.

۱۸. حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران، نشر بقیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش. «الف»

۱۹. حسینی بهشتی، سید محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت الله دکتر بهشتی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش. «ب»

۲۰. حسینی بهشتی، سید محمد، راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام، دفتر سوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۲۱. حسینی بهشتی، سید محمد، قسط و عدل، مجموعه سخنرانیها، تهران، نشر بقیه، بی‌تا.

۲۲. حسینی بهشتی، سید محمد، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران، نشر بقیه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

۲۳. صفاتاج، مجید، انقلاب اسلامی و استعمار فرانسه در منطقه، تهران، انتشارات سفیر اردهال، ۱۳۸۷ ش.

۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.

۲۶. مطهری، مرتضی، یادداشت‌ها، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.

۲۷. میراحمدی، منصور، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.

28. GraY, Tim, Freedom, Humanities press International Inc, Atlantic Highlands, n, J, 1991.

29. Maccallum, G. C., Negative and Positive Freedom, in Philosophical Review, Vol, 79. 1967.

اخلاق

علی گرامی^۱ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۲ (مسئول علمی)

اخلاق؛ حالات نفسانی و رفتار انسان از حیث فضیلت و رذیلت.

اخلاق، جمع خُلُق از ریشه‌ی «خ ل ق» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۲۱۳) است، که دو معنای تقدیر و اندازه‌گیری و نیز نرمی و لطافت چیزی برای آن بیان شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۲۱۳) همچنین آن را به معنای سرشت باطنی انسان می‌دانند که با دیده‌ی بصیرت درک می‌شود. «خُلُق» به معنای خوی، طبع و سیرت نیز آمده است، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴/۱۵۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۲۱۴) در مقابل «خُلُق» که به شکل ظاهری و خلقت ظاهری اطلاق گردیده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۹۶-۲۹۷) عالمان اخلاق، «خُلُق» را در اصطلاح صفت نفسانی راسخ می‌دانند که انسان، افعال و کردار متناسب با آن را بی‌درنگ انجام می‌دهد. (خواجه نصیرطوسی، ۱۳۷۳، ۱۰۱؛ نراقی، بی‌تا، ۴۶/۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۵۱۰) این صفت ممکن است، فضیلت و منشأ رفتار خوب و یا رذیلت و منشأ کردار زشت باشد. (خواجه نصیرطوسی، ۱۳۷۳، ۱۵؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۵۱۰) اخلاق به معنای پروراندن صفات نیک و خلقیات فاضله در دل و انعکاس آن در عمل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) با این حال در نگاه کاربردی آن را منشأ فضیلت دانسته و در توصیف اخلاق، آن را به هوای لطیفی تشبیه کرده که وجود آن در جامعه‌ی بشری موجب سلامت زندگی انسانها می‌گردد.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

(رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) که این کاربرد در معنای مثبت و ممدوح آن است.

عالمان اخلاق، برای علم اخلاق نیز معانی اصطلاحی متعددی بیان کرده‌اند. یکی از رایج‌ترین آنها دانش مطالعاتی حالات نفسانی و افعال ظاهری انسان از حیث فضیلت و رذیلت و الزامات اخلاقی است. (رک: نراقی، بی‌تا، ۳۲/۱) برخی بر تعریف شناختی آن تأکید کرده و علم اخلاق را علم به محاسن اخلاق و کیفیت تحصیل، اسباب حصول و مبادی و شرایط آنها و نیز علم به قبایح اعمال و مبادی وجود آنها و کیفیت تنزه از آنها دانسته‌اند.

(رک: ابن مسکویه رازی، ۱۴۱۰، ۵۵؛ خواجه نصیر طوسی، ۱۳۷۳، ۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۸۷)

در موضوع اخلاق نیز محققان، اخلاق را منحصر به بررسی وضعیت حالتهای روحی دانسته‌اند؛ به‌ویژه آنچه ملکات یا حالات روحی پایدار در آدمی نامیده می‌شود. از این رو اخلاق به‌عنوان طب روح یعنی دانشی که از سلامت روح و بیماری آن بحث می‌کند شناخته شده است. بر این اساس موضوع اخلاق را نفس انسان دانسته‌اند؛ بدان جهت که از روی اراده می‌تواند کار پسندیده و یا ناپسند انجام دهد (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۷۳، ۴۷-۴۸) و یا بدان جهت که مبدأ و بازگشت رفتار و صفات خوب و بد انسان، به روح و روان وی می‌باشد. (رک: نراقی، بی‌تا، ۴۹/۱)

نظامهای اخلاقی به‌عنوان مجموعه‌هایی مشتمل بر ارزشها و دربردارنده‌ی دستورهایی برای اتصاف به خوبی‌های نیک و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری گزیدن از خوبی‌ها و کردارهای ناپسند، در میان بسیاری از ملل باستانی دیده می‌شود و شکل‌گیری آنها به‌عنوان علم اخلاق در تمدنهای گوناگون عهد باستان، از جمله ایران و یونان، مسیری را پیموده، و آثاری اخلاقی با سبک‌هایی متفاوت پدید آورده است؛ از آن جمله می‌توان کتاب اخلاق نیکوماخوس را که از مهمترین کتابهای ارسطو است، نام برد.

در موضوع اخلاق و فلسفه اخلاق، در طول تاریخ مکاتب و دیدگاه‌های متعددی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان ارائه شده است. مجموع این دیدگاه‌ها و مکاتب در چند دسته قابل طبقه‌بندی است؛

الف) مکاتب غیر واقع‌گرا. مکاتب غیر واقع‌گرا مکاتبی هستند که در آنها صدق و کذب ناپذیری، نداشتن معیاری برای معقولیت احکام اخلاقی، کثرت‌گرایی اخلاقی و

اخلاق / ۴۳

نسبی‌گرایی امری پذیرفته شده می‌باشد؛ شماری از مهمترین مکاتب این دسته عبارت‌اند از: احساس‌گرایی، توصیه‌گرایی، جامعه‌گرایی، قراردادگرایی و نظریه امر الهی یا حسن و قبح شرعی. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳۱-۳۴)

ب) مکاتب واقع‌گرا. مکاتب واقع‌گرا مکاتبی هستند که یا احکام و قضایای اخلاقی را واقعیت‌های طبیعی می‌دانند و یا اینکه آن را در امور متافیزیکی و ما بعد الطبیعی پیگیری میکنند؛ که با توجه به این امر به دو گروه قابل تقسیم هستند؛

۱. مکاتبی که احکام و قضایای اخلاقی را واقعیت‌های طبیعی می‌دانند. شماری از مهمترین مکاتب و دیدگاه‌های این دسته عبارت‌اند از: عزت‌گرایی، سودگرایی، دیگرگرایی یا عاطفه‌گرایی، قدرت‌گرایی، تطورگرایی و وجدان‌گرایی.

۲. مکاتبی که واقعیت احکام اخلاقی را در امور متافیزیکی و ما بعد الطبیعی پیگیری میکنند. شماری از مهمترین مکاتب این دسته عبارت‌اند از: مکتب کلبی، مکتب رواقی، مکتب کانت و مکتب سعادت‌گرایی (فضیلت‌گرایی) که مکاتب اخلاقی سقراط، افلاطون، ارسطو و مکتب اخلاقی اسلام از این دسته می‌باشند و این مکتب مورد تأیید اسلام می‌باشد. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳۱-۳۴)

به موازات مکاتب مختلف بشری بیشترین تلاش همه‌ی انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی نیز، برای ایجاد اخلاق حسنه بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹) از آن جمله در عهدین در موارد بسیاری بندگان را بر اخلاق‌مداری و روآوری به فضائل اخلاقی فرا خوانده و از رذائل اخلاقی باز داشته است؛ در عهد عتیق (کتاب مقدس، مزامیر، ۳/۳۷-۵، ۲۷/۱۳۸؛ امثال سلیمان، ۱۱/۲-۲۱؛ میکا، ۸/۶) و عهد جدید، (کتاب مقدس، نامه اول پولس به تیموتاؤس، ۹/۲، ۱۵؛ نامه به عبرانیان، ۷/۵؛ اعمال رسولان، ۲۴/۲۵؛ نامه یعقوب، ۴/۶-۱۷) شماری از فضائل اخلاقی مورد تأکید واقع شده و در موارد متعددی رذائل اخلاقی نکوهش و از آن پرهیز داده شده است. (رک: کتاب مقدس، تثنیه، ۱۳/۲۵-۱۶؛ امثال سلیمان، ۱۱/۱؛ ۱۸/۸-۹؛ نامه اول پولس به تیموتاؤس، ۱۰/۶؛ نامه اول پولس به قرنتیان، ۱۳/۶، ۱۸-۲۰؛ ۲/۷، ۸-۹)

در ادامه‌ی توصیه‌های ادیان پیشین، اسلام نیز به آموزه‌های اخلاقی توجه ویژه‌ای داشته و در قرآن کریم بر آن تأکید شده است، که از مهمترین آنها، ستایش پیامبر اسلام بر وصف اخلاقی بودن است «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم، ۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۳۱) نیز

در موارد متعددی از صفات اخلاقی برخی از انبیا و بندگان خالص نام برده است. از آن جمله: حضرت نوح علیه السلام را شکرگزار، (اسراء، ۳) ابراهیم علیه السلام را تسلیم، (بقره، ۱۳۱) شکرگزار نعمتهای الهی، (نحل، ۱۲۱) راستگو (مریم، ۴۱) و وفادار به پیمانها، (نجم، ۳۷) ادریس علیه السلام را راستگو، (مریم، ۵۶) اسماعیل علیه السلام را صابر، (انبیاء، ۸۵؛ صافات، ۱۰۲) یوسف علیه السلام را به اخلاص در بندگی، (یوسف، ۲۳-۲۴) ایوب علیه السلام را صابر و اواب (ص، ۴۴) معرفی میکند و در مواردی از فساد اخلاقی برخی از امتهای و ملل یاد کرده است؛ از آن جمله: ظلم و ستم قوم نوح علیه السلام، (نجم، ۵۲) نسبتهای خلاف اخلاق قوم عاد از قبیل سفاهت و دروغ به هود علیه السلام، (اعراف، ۶۶) فحشاء و کارهای ناشایست قوم لوط علیه السلام، (اعراف، ۸۰-۸۱) کم‌فروشی و تبه‌کاری قوم شعیب علیه السلام (شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) و شماری از انحرافهای اخلاقی بنی اسرائیل مانند: حرص، (بقره، ۹۶) حب دنیا (بقره، ۸۵-۸۶) و پیمان شکنی. (بقره، ۶۳-۶۴) همچنین در آیاتی به بیان سعادت و شقاوت، (هود، ۱۰۵؛ شمس، ۹-۱۰) هدایت و گمراهی، (تغابن، ۶) اصلاح و افساد، (انفال، ۱؛ شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) ترکیه نفس (شمس، ۹) پرداخته و آیاتی دیگر برخی از مصادیق اخلاقی را بیان نموده‌اند مانند: تقوا، (بقره، ۲، ۲۱، ۱۰۳؛ آل عمران، ۱۵، ۱۰۲؛ حجرات، ۱۳) توکل، (آل عمران، ۱۲۲، ۱۵۹-۱۶۰؛ نساء، ۸۱؛ مائده، ۱۱، ۲۳) شکر، (بقره، ۱۵۲، ۱۷۲؛ آل عمران، ۱۴۵؛ نساء، ۱۴۷) صبر (بقره، ۴۵، ۱۵۳، ۱۵۵؛ آل عمران، ۱۲۰) و ایثار. (بقره، ۲۰۷؛ حشر، ۹؛ انسان، ۸)

در روایات نیز این موضوع دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و افزون بر کتابهایی که با نام «مکارم الاخلاق»؛ مانند مکارم الاخلاق طبرسی و مکارم الاخلاق ابن ابی‌الدنیا، نگارش یافته، در بسیاری از متون روایی بابی بدان اختصاص یافته؛ چنانکه کلینی علاوه بر آنکه جلد دوم از کتاب الکافی را به این موضوع اختصاص داده به‌طور اختصاصی ذیل «باب المکارم»، (کلینی، ۱۴۰۷/۲/۵۵) محمد ابن همام اسکافی ذیل «باب فی اخلاق المؤمنین و علامات الموحدین» (رک: اسکافی، ۱۴۰۴، ۶۶) شیخ صدوق ذیل باب «معنی مکارم الاخلاق» (صدوق، ۱۳۶۱، ۱۹۱) به طرح و بیان این موضوع پرداخته‌اند. افزون بر موارد یاد شده میتوان گفت در همه متون روایی به تناسب مباحث، روایات متعددی در بیان و اهمیت مسائل اخلاقی بیان شده؛ هرچند بابی ذیل این موضوع تدوین نگردیده است. (رک: صدوق، ۱۴۱۷، ۲۹۰؛ ۳۵۵؛ همو، ۱۴۰۳،

۱۲۵، ۴۳۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۶-۸، ۲۱۵؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ۲۵۱؛ مفید، ۱۴۱۴، ۲۲۵)

براین اساس، اخلاق مورد توجه متفکران اسلامی قرار گرفت و محققان و اندیشمندان

اخلاق / ۴۵

مسلمان در زمینه‌ی اخلاق آثار متعددی از خود به یادگار گذاشتند. (رک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳،

۳۸۲-۳۷۰/۱)

با بررسی این آثار، چهار رویکرد عمده را برای بررسی و تبیین مسائل اخلاقی میتوان مشاهده نمود:

فلسفی. در این رویکرد که برگرفته از نظریه اعتدال قوا است، حد وسط به عنوان معیار کلی فضیلت اخلاقی، و افراط و تفریط در آن به عنوان معیار رذائل اخلاقی به شمار می‌آید. و چون منشأ رفتار انسان، قوا و ملکات نفسانی او است، فضیلت و رذیلت در اعمال و رفتار وی نیز نتیجه اعتدال و عدم اعتدال قوای درونی اوست. آثاری همچون طهارة الاعراق از ابن مسکویه و اخلاق ناصری از خواجه نصیرالدین طوسی از این قبیل اند. (مطهری، مجموعه آثار،

۴۹۱/۷؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۰-۱۲؛ همو، بی تا «الف»، ۳۶۰/۳-۳۶۱)

عرفانی. در این رویکرد، اخلاق و آثار اخلاقی، بر محور سیر و سلوک و در قالب منازل و مقامات عرفانی و مراحل سیرالی الله میباشد. تکیه اخلاق عرفانی بر مجاهده و مبارزه با نفس است و پویندگان این مکتب و روش پیوسته در تلاش بودند تا اعمال خویش را با ظاهر و باطن شریعت همراه و هماهنگ سازند، که با تتبع روشن میشود آثاری چون: الرعایة لحقوق الله از حارث محاسبی، الرسالة القشیریة از عبد الکریم بن هوازن قشیری، منازل السائرین از خواجه عبدالله انصاری و اوصاف الاشراف از خواجه نصیرالدین طوسی از این قبیل اند.

نقلی. در این رویکرد محور مباحث اخلاقی بر اساس آیات و روایات است. تنها در برخی از موارد سخن بزرگان و عالمان نیز نقل شده است. این شیوه هرچند از منبع غنی وحی بهره برده؛ اما غالباً فاقد یک نظام اخلاقی منطقی و هدفمند میباشد. اخلاق محتشمی از خواجه نصیرالدین طوسی، ارشاد القلوب از دیلمی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظریا مجموعه ورام از ورام بن ابی فراس مالکی و بخشهای عمده‌ای از کتابهای احیاء علوم الدین از غزالی و المحجة البیضاء از فیض کاشانی با این روش نگارش یافته‌اند.

تلفیقی. در این رویکرد، متون اخلاقی با تلفیقی از سه رویکرد قبل نگارش یافته و در کنار مباحث فلسفی و عرفانی از آیات و روایات نیز استفاده شده است. آثاری همچون جامع

السعادات و معراج السعادة را میتوان از این دسته به شمار آورد. با بررسی متون اخلاقی معاصر، به نظر میرسد امروزه این روش مورد توجه عالمان اخلاق واقع شده؛ چرا که از یک سو محور و اساس کار خود را بر آیات و روایات قرار داده و از سوی دیگر از دستاوردها و تجربیات فلاسفه و عارفان نیز بهره برده‌اند.

برخی از عالمان اخلاق بر آنند که پرداختن به این نوع متون اخلاقی نمیتواند تمام مقصود در تهذیب نفوس را ادا کند و حتی پرداختن به برخی از آنها موجب دور ماندن از مقصد میگردد، از این رو باید در موضوع اخلاق آثاری نوشته شود که با بشارت و انذار، موعظه و نصیحت و تذکر و یادآوری، مقصود خود را در نفس جایگزین ساخته و به جای اینکه راه درمان را نشان دهد خود، درمان باشد و مطالعه آن قلب را نرم و انسان را مهذب و نورانی سازد. در حالی که متون برجای مانده تنها نسخه هستند و نتوانسته‌اند عمل را به مردم القاء نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۲-۱۴؛ همو، بی تا «الف»، ۳/۳۶۰-۳۶۱) کتاب چهل حدیث امام خمینی که بر اساس سنت اربعین نویسی نگارش یافته به این نکته توجه جدی داشته و در ۳۳ حدیث آن، ضمن برشماری مفاصد اخلاقی، مواعظی در جهت باز داشتن نفس از آنها بیان شده است. افزون بر آن، هدف مؤلف در شرح روایات، بیدار ساختن و توجه دادن به مخاطب است تا با پیمودن طریق سلوک خود را از صفات ناپسند میرا ساخته و با ایمان درست و عمل خالص خدا را ملاقات کند. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱-۲ «مقدمه») پس از آن نیز آثار متعددی در علم اخلاق نگارش یافته که افزون بر توجه به این رویکرد، رویکردهای دیگری همچون محوریت آیات قرآن نیز در آنها مورد توجه بوده است. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۳۷۷)

جایگاه و اهمیت اخلاق

جایگاه اخلاق

عالمان اسلامی مجموع تعالیم اسلامی را به سه بخش عقاید، اخلاق و احکام تقسیم کرده‌اند. بخش عقاید را «علم کلام»، بخش فقه را «علم فقه» و بخش اخلاق را «علم اخلاق» عهده‌دار است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳/۵۷-۵۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۸۶-۳۸۷) از این روی اخلاق یکی

از سه دسته معارف اسلامی بوده که رسالت آن تزکیه نفس و تهذیب باطن انسان می‌باشد. زیرا انسان دارای سه نشئه و سه مقام و عالم است؛ اول نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل، دوم نشئه برزخ و عالم متوسط بین دو عالم و مقام خیال، و سوم نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت و هر کدام از آنها کمال و تربیتی مخصوص و عملی متناسب با مقام خود دارد. از این رو تمامی علوم به سه علم تقسیم می‌شود، علم مربوط به کمالات عقلی و وظایف روحی. متکفل این علم پس از انبیا و اولیا علیهم‌السلام، فلاسفه و حکما و اهل معرفت و عرفان می‌باشند. علم مربوط به اعمال قلبی و وظایف آن؛ یعنی، علم به محاسن و قبیح اخلاق؛ متکفل آن پس از انبیا و اوصیا علیهم‌السلام، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارف اند و علم مربوط به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس و متکفل آن فقها و محدثان می‌باشند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۸۶-۳۸۷) این سه دسته با یکدیگر در ارتباط بوده و تمامی آنها یک حقیقت است که دارای مظاهر مختلفی است و بدون اعمال ظاهری و عبادات قالبی نمی‌توان به ایمان کامل یا اخلاق تهذیب شده دست یافت و یا بدون تزکیه و تهذیب اخلاق نمی‌توان اعمال را تمام و ایمان را کامل نمود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۸۸-۳۸۷) در حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علم به سه دسته؛ آیه محکمه، فریضه عادل و سنت قائمه تقسیم شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲/۱) که موارد یاد شده در حدیث، بر سه دسته از علوم تطبیق شده است؛ «آیه محکمه» به علوم عقلی، عقاید صحیح و معارف الهی، «فریضه عادل» به علم اخلاق و تصفیه قلوب و «سنت قائمه» به علم ظاهر و علوم آداب قالبیه (علم فقه) تعبیر شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۹۱)

اهمیت اخلاق

فراخوانی گسترده و تأکیدهای مکرر قرآن کریم به سازندگی اخلاقی و تهذیب نفس و ارزشهای والای انسانی، بیانگر اهمیت اخلاق در میان اهداف قرآن کریم است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۴/۱۵-۵۰۵) «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه، ۲؛ آل عمران، ۱۶۴) در آیه یاد شده مقدم شدن تزکیه بر تعلیم، بیانگر اهمیت تربیت اخلاقی است که نهایت نیاز همه جوامع

مسلمان است، همچنین قرآن کریم پس از سوگندهای پیاپی در مقام اهمیت تربیت نفس و تهذیب اخلاقی برآمده «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا؛ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس، ۹-۱۰) و اساس همه مسائل و فضائل را تهذیب نفس و بنیان انحرافات را در عدم تهذیب نفس انسان میدانند.

(امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۵۰۵-۵۰۶)

افزون بر آیات یاد شده، قرآن کریم در آیات متعددی مسلمانان را به انواع کمالات بشری، مانند علم و فضائل اخلاقی سوق میدهد. (آیت الله خامنه‌ای، ۲۲/۴/۱۳۶۸) انسان برای رسیدن به هدف خلقت، که هدف بعثت انبیا نیز همان بوده، (آل عمران، ۱۶۴) باید خود را از آلودگی‌ها و پستی‌ها و مفسدات درونی پاک سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۳۳۵/۱۴/۳۹۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۰/۱۱/۱۳۷۱) که از جمله مهمترین اهداف ارسال رسل و انزال کتب ایجاد وحدت و انسجام در جامعه بشری و حرکت در مسیر تکامل بوده است و از آنجا که رذائل اخلاقی مانند غیبت مانع از این امر است، اسلام با آن مخالف است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۰۹-۳۱۰)

بر اساس روایات نیز یکی از اهداف رسالت پیامبر اسلام ﷺ گسترش مکارم اخلاق بوده «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۲۱۰) تا فضیلت‌های اخلاقی را در میان مردم کامل کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۵۱۱؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۹/۴/۱۳۸۸) و انسان را از تاریکیها خارج و به نور و هدایت رهنمون سازد؛ «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكَ وَيُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». (احزاب، ۴۳)

اخلاق از منظر دین و عالمان دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حکمای پیشین علم را به نحو حقیقی تنها بر اخلاق اطلاق می‌کردند و بر این باور بودند که متعلم تا زمانی که اخلاق خود را مهذب نسازد دیگر علوم برای وی سودی دربر ندارد؛ زیرا نفسی که از رذائل اخلاق مهذب نباشد آموختن علوم جز تباهی و فساد را برایش به ارمغان نمی‌آورد. (نراقی، بی‌تا، ۵۰/۱) از این رو تهذیب نفس و تصفیه اخلاق از مهمترین واجبات عقلی به شمار می‌آید. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۶۸) اخلاق، اساس کار انسان است و همه کمالات دنیوی انسان و جامعه اسلامی مانند رشد و تعالی اقتصادی، سیاسی و مانند اینها مقدمه اخلاق حسنه است. (آیت الله خامنه‌ای، ۲/۲/۱۳۷۷)

انقلاب اسلامی ایران نیز تحولی بنیادین است که بر پایه ارزشها بنا نهاده شده است و

در جهت دستیابی به ارزشهایی است که در نظامهای غیراسلامی وجود ندارد. ارزشهایی مانند ایمان، عدالت، تفکر، آزادی، تدین، پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی، سلامت دینی و اخلاقی کارگزاران و بسیاری از ارزشهای دیگر، ارزشهای اخلاقی بنیادینی است که زیرساخت انقلاب را شکل میدهد. نارضایتی مردم از نبود این ارزشها و در مقابل آن وجود مفاسد بسیار سبب شد تا حرکت بزرگ انقلاب اسلامی شکل بگیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۷۹/۲/۲۳)

مبانی و اصول اخلاق

هر جامعه، مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی‌ای دارد که نوع پیشرفت انسان را تعیین میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷) نظام اخلاق اسلامی، مجموعه‌ای از اصول و ارزشهای اخلاقی منسجم، هماهنگ و مرتبط است که براساس مبانی مشخصی در جهت اهداف خاص خود تنظیم میشوند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱)

در موارد متعددی از آیات قرآن کریم (انعام، ۱۵۱-۱۵۳؛ لقمان، ۱۲-۱۹) و روایات اسلامی (منهج البلاغه، خطبه ۳۱ (۳۹۱): کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰/۱، ۲۳-۲۰) مبانی و اصول کلی اخلاق بیان شده است. براساس آن میتوان گفت، نظام اخلاقی اسلام دارای مبانی خاصی است که آن را از دیگر نظامهای اخلاقی متمایز میسازد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶) مبانی اخلاقی انقلاب اسلامی نیز همان مبانی اخلاقی اسلام ناب است.

مبانی اخلاق اسلامی را در بخش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی میتوان تبیین کرد.

مبانی هستی‌شناختی

۱. توحید و ایمان به خداوند و اینکه او تنها متصرف در عالم وجود و عوالم غیب و شهود است و تصرف دیگر موجودات با اذن خداوند صورت می‌گیرد، انسان را بر بسیاری از کمالات نفسانی و اخلاق فاضله برمی‌انگیزد. کسی که به توحید فعلی برسد و همه تأثیرات را فعل حق ببیند چشم طمع به غیر حق نخواهد داشت؛ (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳۱) و دچار

یأس و ناامیدی نمی‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۵/۱۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۲۹۴) در انسان موحد حالت روحی خاصی ایجاد می‌شود که با تکیه بر قدرت پروردگار، در راه هدف خود از دشمنان هراسی نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۲۹۵، ۳۰۱) انسان موحد مطیع شیطان نیست (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۹/۲۰-۹۰) و در مقابل طاغوت و استکبار کرنش نکرده و تسلیم نمی‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۸) افق دید انسان موحد به گونه‌ای وسیع است که از همه تعلقات مادی و نیازهای پست و حقیر آزاد بوده و محبوس این خواسته‌ها نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۲۹۴-۲۹۵) توکل و اعتماد بر خداوند و قطع طمع از مخلوق نیز، موجب بسیاری از اعمال صالح و ترک بسیاری از قبایح است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۸۶؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۰/۶/۲۵) در نظام اخلاقی اسلام خداوند مبدأ همه موجودات و انسان است و انسان نسبت به خداوند وجود ربطی دارد. از این‌رو از یک سوناگزیراست رابطه عبودیت و ربوبیت را مورد توجه قرار دهد و از سوی دیگر با انقیاد کامل، در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض باشد. رابطه‌ی عبودیت انسان نسبت به ربوبیت خداوند می‌تواند به همه کارهای انسان رنگ خدایی بدهد که در رسیدن به سعادت از هر راهی مؤثرتر است. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۹۱/۱-۱۰۱)

۲. نظام آفرینش، مطابق مصالح عمومی و بر اساس نظام احسن و اکمل می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۱۲) تسبیح تمامی موجودات، «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حشر، ۲۴) و فرمان برداری آسمان و زمین و ذرات عالم در مقابل خداوند (فصلت، ۱۱) بر اساس قوانینی است که خداوند مقرر کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

۳. آفرینش جهان و انسان بیهوده نبوده و خداوند در پی هدفی آنها را به وجود آورده است؛ تحقق این هدف تنها با اخلاقی زیستن ممکن می‌گردد. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۳، ۳۲-۳۳، ۵۲-۵۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶؛ ۱۳۷۱/۱/۱۵) جهان دارای مالک و مدبری است و انسان نیز جزئی از این جهان است، از این‌رو مهمترین وظیفه‌ی وی عبودیت و اطاعت خداوند و انجام وظایف دینی و شرعی است، این اطاعت به معنای هماهنگ شدن با حرکت کلی عالم است. در نتیجه پیشرفت آسان‌تر و اصطکاک و تصادم با عالم کمتر و به سعادت و رستگاری نزدیکتر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) با این حال تنها کسانی به کمال می‌رسند

اخلاق / ۵۱

که تهذیب نفس کنند و روح و دل خود را از آلودگی‌ها پاک سازند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». (اعلی،

۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱)

۴. در جهان بینی اسلامی، زندگی و همت انسان محدود به دنیا نمیشود، و بسیاری از کارهای انسان در جهان پس از مرگ به پاداش میرسد. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۱۲۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰) سرمایه حیات ابدی آخرت و بهره‌مندی از نعمتهای اخروی با اخلاق کریمه و مکارم اخلاق دست یافتنی است و انسان تنها در دنیا میتواند زمینه بهره‌مندی از آن را فراهم سازد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۵۱۱) وظیفه انسان است که در صورت تعارض رستگاری اخروی بر سود دنیوی، سعادت اخروی را ترجیح، و سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

۵. قرآن کریم ساز و کار هلاکت جوامع را در سنتهای الهی، فسق و فساد سران و مترفان آن جامعه می‌داند؛ «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء، ۱۶) و این ساز و کار در همه‌ی جوامع اثر میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵) در جهان بینی اسلامی تمامی دگرگونی‌های اجتماعی، رشد و سقوط ملت‌ها یا قدرت و توانایی آنها، سلطه گروه‌های خاص و صلاح و فساد جوامع، همه بر اساس سنتها و قوانین الهی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۱۱)

مبانی انسان‌شناختی

۱. انسان مرکب از جسم و روح است؛ اما این دو بیگانه از هم نبوده و بین این دو ارتباط وثیقی برقرار است و از یکدیگر متأثر می‌باشند؛ با این حال اصالت با روح اوست و کمال حقیقی انسان با تکامل این ساحت وجودی است. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۵۷-۵۸)

۲. انسان دارای فطرتی الهی است که موجب نورانیت و سلامت و سعادت وی میباشد؛ در قرآن کریم نیز دین خالص الهی امری فطری برای انسان قلمداد شده است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم، ۳۰) و در روایات (صدوق، ۱۳۹۸، ۳۲۸-۳۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۶/۳) نیز بر فطرت الهی انسان تصریح شده است. او به صورت فطری استعداد حصول هر مقامی را دارد و میتواند یکی از دو راه سعادت یا شقاوت را برگزیند.

(حسینی بهشتی، ۱۳۹۲، ۳۰۴-۳۰۵، ۳۱۶؛ همو، ۱۳۸۶، ۱۸۲-۱۸۳؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ۵۹-۶۱؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۶۸-۱۶۹؛ ۵۱۰، ۲۷۲، ۵۲۸) به میزانی که فطرت از فضائل اخلاقی فاصله بگیرد و به گناهان آلوده شود، سیطره‌ی شیطان بر انسان بیشتر می‌شود، تا جایی که در برخی از افراد نور فطرت خاموش شده و شیطان بر آنان مسلط می‌گردد و در نتیجه از سعادت محروم و به شقاوت ابدی می‌رسند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۵۹-۶۱؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۶۸-۱۶۹، ۲۷۲) با این حال در عالم طبیعت، حتی با آلوده شدن فطرت نیز طهارت آن ممکن است؛ چنانکه با روآوری به فضائل اخلاقی و توبه و رجوع به روحانیت نفس می‌توان به نور فطرت و روحانیت ذاتی بازگشت. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۳۵/۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ۵۹-۶۱؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۱۰، ۱۶۹-۱۶۸، ۲۷۲) در این راستا رسالت انبیا و علما آن است که فطرت

انسان را بیدار ساخته و تشخیص کمال را برای وی تفهیم نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۱۷)

۳. انسان دارای دو فطرت اصلی «عشق به کمال مطلق» و «انزجار از نقص» است که به وسیله آن راه رسیدن به مقصد را درمی‌یابد؛ (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۷۹۲/۱۳؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۲۷؛ همو، ۱۳۷۰، ۱۱۷، ۲۸۸؛ همو، بی‌تا «الف»، ۵۳/۲-۵۴؛ ۴۸۰/۳) اما گاهی در تشخیص کمال مرتکب خطا می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۲۷؛ همو، ۱۳۷۰، ۱۱۷؛ همو، بی‌تا «الف»، ۵۳/۲-۵۴؛ ۴۸۰/۳) اهل آخرت کمال را در مقامات و درجات آخرت و اهل الله کمال را در جمال الهی می‌دانند؛ به همین سبب رو به کسی می‌آورند که آسمانها و زمین را آفریده است: «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (انعام، ۷۹) اما اهل دنیا به جهت زینت داشتن لذتهای دنیوی در نظر آنان، کمال را در همان لذتها دانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۲۷)

۴. تحول‌خواهی و تحول‌پذیری بی‌نهایت و مستمر انسان و پایان‌ناپذیری سیر کمال اخلاقی و معنوی از دیگر مبانی انسان‌شناختی است؛ از آنجا که فلاح و رستگاری انسان در گرو سعادت مطلقه اوست، و فطرت همه بشر عاشق سعادت مطلقه است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۴۲) و برای این حب معشوقی است غیر محدود، (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۵۳/۲) از این روی انسان برای رسیدن به این کمال بی‌نهایت خود را آماده تحول‌پذیری نامحدود کرده و مسیری بی‌پایان را در کمالات اخلاقی و معنوی می‌پذیرد.

۵. حصول قوای انسانی دارای ترتیبی است؛ برخی از قوا از جمله قوه شهویه از بدو خلقت همراه انسان است، قوه غضبیه نیز به صورت ضعیف‌تر همراه وی می‌باشد که به تدریج به کمال می‌رسد. پس از این دو، قوه واهمه که از آن به قوه شیطنت نیز تعبیر می‌شود،

در وی حاصل می‌گردد. هر کدام از قوای فوق نقش سازنده‌ای در حیات و بقای انسان دارند با این حال چنانچه تحت کنترل نباشند انسان را به فساد و تباهی سوق می‌دهند، در نتیجه قوه دیگری لازم است که ناظر بر آنها بوده و آنها را تحت کنترل خود در بیاورد که از آن به قوه ناصحه، عاقله و ممیزه تعبیر شده است و از آن جا که این قوه پس از قوای فوق حاصل می‌گردد به سختی می‌تواند بر آنها غلبه نماید از این رو خداوند پیامبران را فرستاده تا در جهت کنترل نفس و هدایت قوای انسانی در راستای عقل و شرع، پشتیبان قوه عاقله باشند و نفس انسان را متوجه خداوند سازند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۹؛ همو، بی تا «الف»، ۳/۳۶۵-۳۶۶)

۶. سرنوشت انسان در گرو عمل اوست. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۳۵/۲۵؛ حسینی بهشتی، ۱۳۹۲، ۳۱۱)

جهنم و عذابهای گوناگون عالم ملکوت و قیامت، صورتهای عمل و اخلاق خود انسان است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲، ۳۱۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۱-۱۴۲) تاریکی و وحشت برزخ و قبر و قیامت تنها سایه‌ی تاریکی اخلاق فاسد و عقاید باطل انسان است؛ چنانکه ظاهر برخی از آیات قرآن مانند «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، ۷-۸) و «يَوْمَ يُحَدِّثُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران، ۳۰) بیانگر آن است که خود اعمال خوب و بد قابل مشاهده است. بنابراین جهنم، صورت غیبی اعمال زشت انسان است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۱-۱۴۲) انسان در دنیا از ملکوت خود غافل است، از این جهت رفتارهای آزاردهنده‌ای را که در باطن وی وجود دارد احساس نمی‌کند؛ اما با برچیده شدن عالم ملک و دنیا، ملکات باطنی محسوس می‌گردند و به تناسب اعمال به صورتهای مختلفی جلوه می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۵۹-۱۶۰)

۷. تزکیه و تهذیب اخلاق در صورتی امکان‌پذیر است که انسان باور داشته باشد که در به دست آوردن کمالات و ارزشهای اخلاقی توانمند و دارای اختیار بوده و تلاش او در سرنوشتش مؤثر است. تلقین این باور که انسان در رفتار خویش مجبور و محکوم عوامل جبری، از قبیل محیط، وراثت و مانند آن بوده و از خود اختیاری ندارد انگیزه تلاش را در وی از بین برده و او را در کسب فضائل اخلاقی سست می‌گرداند. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۲، ۳۱۶-۳۱۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۲۵/۱-۲۸)

انسان از آن جهت که مکلف است دارای اختیار نیز می‌باشد. وی مکلف است در خلال مجموعه‌ای از انگیزه‌ها و غرایز متضاد راه کمال را طی کند و این

جز با اختیار امکان پذیر نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

۸. نفوس انسانها هرچند در حرکت جوهری خود نوع واحدی هستند؛ اما به جهت رسوخ ملکات و اخلاق الهی یا شیطانی، دارای شخصیتی مستقل بوده و در نتیجه هر فرد میتواند تأثیرگذار در فرد دیگری متأثر از وی باشد. (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۱۵۹/۳)

۹. انسان در جهت راهیابی به محضر خداوند با موانع متعددی روبه‌رو است؛ وسوسه‌های شیطانی و آلودگی به مفسد اخلاقی از قبیل تمایلات نفسانی، خودخواهی‌ها، میل به انحراف، از مهمترین آنها و منشأ فساد جامعه مطلوب و آرمانی انسان به شمار می‌آید و با وجود آنها امکان راه‌یابی به مقصد وجود ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۷۷) راه مبارزه با آن نیز تربیت، تزکیه نفس، تعلیم و هشدار دادن است. خطاب بیمار دلان در آیه ۵۲ سوره مائده: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، افزون بر منافقان، مؤمنانی را شامل میشود که دارای ضعف اخلاقی هستند، و اگر مؤمن نتواند با آن مبارزه کند ایمانش از دست خواهد رفت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

مبانی ارزش‌شناختی

۱. ارزشهای اخلاقی در اسلام دارای حقیقتی ثابت و مسلم است و حرکت در مسیر این حقیقت است که ارزش‌آفرین بوده و کمال انسان به شمار می‌آید؛ هرچند ممکن است برخی در فهم آن راه نادرستی را طی کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

۲. اعتبار ارزشها در درجه‌ی نخست از طریق عقل و فطرت، و در درجه‌ی بعد از طریق وحی و معیارهای دینی قابل فهمیدن است. عقل انسان قادر به درک ملاک بسیاری از خوبیها و بدیهای افعال اختیاری است؛ با این حال در مواردی که عقل قادر بر درک ملاک خوبی و بدی نیست از وحی و تعالیم دینی استفاده میشود. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۸۹)

۳. در اسلام همه‌ی مقامات معنوی و درجات انسانی بین زن و مرد مساوی است، و هرکس به میزان عملش پاداش دریافت میکند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۷/۲۰)

۴. حیات طیبه که در قرآن (نحل، ۹۷) به آن اشاره شده زنده شدن انسان با روح انسانی و

عروج انسان از عالم بهیمنیت و حیوانیت است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸) حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب اختیاری و آگاهانه این نظام معیار، از سوی خداوند در دنیا به انسان اعطا میگردد و تحقق آن باعث رسیدن به قرب الهی میشود. ایمان و تقوا وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیر دینی محسوب میگردد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۹۲-۹۴)

۵. حیات طیبه مفهومی کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر میگیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق میسازند. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۹۴) حیات طیبه زندگی ای است که در آن، روح و جسم و دنیا و آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی، آرامش روحی، آسایش جسمانی، فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی نیز در آن وجود دارد؛ و قرآن اینها را وعده داده است: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۲۴) و کسی که عامل به عمل صالح باشد به زندگی طیب و طاهر زنده میشود و زندگی طیب و طاهر می‌یابد، (امام خمینی، بی تا «الف»، ۴۶۵/۳-۴۶۶) چنین شخصی چون برای رضای خدا قیمت قائل است زر و زیور دنیا در نزد او از ارزش می‌افتد. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۴۶۶/۳) وجود انسان در حیات طیبه به مصادیق خیر، حکمت، قدرت، زیبایی و فضیلت آراسته شده و از هرگونه پلیدی و کاستی پیراسته میگردد. در بعد اجتماعی نیز حیات طیبه ناظر به مفاهیم ارزشی بسیاری مانند عدالت اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، امر به معروف، ظلم‌ستیزی و مانند آن میباشد. از سوی دیگر در بردارنده شئون متعددی مانند شأن دینی، شأن زیستی، شأن اجتماعی و سیاسی، شأن اقتصادی و حرفه‌ای و مانند آن میباشد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۹۴-۹۷) در کشوری که فقر و عقب‌افتادگی و بدبختی و احساس پوچی نباشد و امنیت و عزت و افتخار و صفا و محبت و روشن بینی بر فضای زندگی حاکم باشد و میدان کار و تلاش و پیشرفت فراهم باشد حیات طیبه حاکم است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹)

۶. آزادی واقعی انسان در گرو رهایی از همه موانع درونی و بیرونی است که در مسیر رشد و تعالی او قرار دارد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ۱۰۰)

۷. از نگاه فلاسفه قديم و بنيانگذاران علم اخلاق، اصول اخلاق و فضائل اخلاقي در چهار اصل حکمت، عفت، شجاعت و عدالت خلاصه ميشود. (ابن مسکويه رازی، ۱۴۱۰، ۳۸؛ امام خميني، ۱۳۷۸، ۵۱۰-۵۱۱) برخي بنيانگذار اين مکتب را سقراط دانسته اند. وی اخلاق را وابسته به علم و تشخيص نیک و بد می دانست و معتقد بود فضيلت، جز بر «دانش و حکمت» اطلاق نمیگردد، اما کاربرد دانش در مورد ترس و بی باکی، «شجاعت» و در مورد تمناهای نفسانی، «عفت» و در مورد قواعد حاکم بر روابط انسانها با یکدیگر، «عدالت» خوانده ميشود. همچنين ملاحظه و ظايف انسان نسبت به خالق «دين داری و خداپرستی» است. مجموع اين فضائل پنجگانه اصول نخستين اخلاق به شمار می آید. (فروغی، ۱۳۸۳، ۲۴؛ رک: فقير اصطهباناتی، ۱۳۷۷، ۳۷-۳۸ «مقدمه»)

اين اصول به تدريج مبنای نگرشهای اخلاقي قرار گرفت و با ظهور اسلام بسياری از عالمان اخلاق، پایه مباحث اخلاقي خود را بر اين اصول بنا نهادند؛ آنان قوای نفس انسان را چهار قوه؛ علميه (عقليه)، غضبيه، شهويه و واهمه دانسته اند. (نراقی، بی تا، ۵۱/۱؛ امام خميني، ۱۳۷۸، ۵۱۱) برخي قوه چهارم را قوه عدالت دانسته که میان سه قوه قبل اعتدال برقرار می سازد. (ابن مسکويه رازی، ۱۴۱۰، ۳۸-۴۰؛ فيض کاشانی، ۱۴۱۷، ۹۶/۵؛ امام خميني، ۱۳۷۸، ۵۱۱) اصول اخلاق و ثمرات فضائل حد اعتدال اين چهار قوه است و ريشه فضائل انسانی و اخلاقي بر آنها مترتب میگردد. بر اين اساس اصول اخلاق را چهار اصل حکمت، شجاعت، عفت و عدالت دانسته اند. (ابن مسکويه رازی، ۱۴۱۰، ۳۸؛ آملی، ۱۳۶۷، ۳۷۱) هر قوه و صفتی دارای یک حد اعتدال است که فضيلت، قائم به آن میباشد و قرار گرفتن در دو طرف افراط و تفریط آن موجب محروم شدن از آن فضيلت میگردد. (امام خميني، بی تا «الف»، ۳/۳۵۶) بر اين اساس، منشأ و اصول رذائل و مهلکات نیز هشت امر است. (نراقی، بی تا، ۸۰/۱؛ امام خميني، بی تا «الف»، ۳/۳۵۶-۳۵۷)

طبق اين اصول، نقطه اعتدال در قوه علميه آن است که انسان با توجه به اینکه همه علوم را به صلاح خود نمیداند، علومی را برگزیند که جاودانه بوده و سبب اصلاح دنيا و آخرت وی گردد، که از آن به حکمت تعبیر ميشود و قرآن کریم آن را منشأ خير کثیر دانسته است. «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، ۲۶۹؛ امام خميني، بی تا «الف»، ۳/۳۵۷-۳۵۸) نقطه اعتدال قوه غضبيه آن است که حرکت و سکون انسان تحت فرمان عقل و دارای میزان

شرعی باشد و از آن به شجاعت نام می‌برند. اعتدال در قوه شهویه نیز به معنای نداشتن میل نامشروع به حقوق و نوامیس دیگران است که از آن به عفت تعبیر میشود. (رک: ابن مسکویه رازی، ۱۴۱۰، ۳۸-۴۰؛ نراقی، بی تا، ۷۰/۱؛ امام خمینی، بی تا «الف»، ۳۵۸/۳-۳۵۹)

اهداف اخلاق

اخلاق دارای اهداف واسطه‌ای و هدف غایی میباشد که این تقسیم از ترتب طولی اهداف قابل استخراج است؛ چرا که اخلاق، مقدمه‌ای برای تهذیب نفوس است و آن نیز مقدمه دستیابی به حقیقت معرفت الهی و مستعد ساختن نفس برای جلوه‌های توحیدی است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۰-۱۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳؛ ۱۳۷۹/۸/۴) نظام اخلاق اسلامی در بردارنده‌ی عدل، علم و انصاف است و میتواند جسم و قلب انسان و دنیا و آخرت وی را آباد کند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲)

هدف غایی

از والاترین هدف اخلاق با عنوان هدف غایی تعبیر شده است که مشتمل بر عناوینی چون حیات طیبه، قرب الی الله، خلافت الهی، انسان کامل و... میباشد. از این رو اخلاق، ساختن و رساندن انسان را از نخستین حدّ وجودی که به حدّ حیوانی متصل است، به آخرین مرتبه کمال که به افق فرشتگان نزدیک میباشد عهده‌دار است. در میان انسانها به سبب اختلاف در اخلاق و صفات، پست‌ترین و شریف‌ترین مخلوقات وجود دارد. اخلاق میتواند انسان را به بالاترین مراتب کمال و صفات انسانی که همان مقام قرب الهی است برساند. (نراقی، بی تا، ۴۹/۱-۵۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱/۹۶) هدف نهایی از تمامی علوم شرعی دستیابی به معرفت الهی و حصول حقیقت توحید در قلب انسان که همان صبغة الله است میباشد و هیچ رنگ و فطرتی نیکوتر از رنگ خدایی نیست «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»؛ (بقره، ۱۳۸) هر چند ممکن است [علوم شرعی] در مقدمه بودن برای این هدف، تفاوت‌هایی داشته و برخی مقدمه نزدیک و برخی دورتر یا با واسطه و بی‌واسطه باشند. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۷، ۹-۱۰)

اهداف مقدماتي

اخلاق مقدمه‌ای برای تهذیب نفس است و هدف آن رساندن انسان به خصلتهای اخلاقی مانند اخلاص، تقوا، زهد، بردباری و مانند آن است که همه این موارد از اهداف مقدماتی اخلاق به شمار می‌آیند و هریک از آنها نیز مقدمه برای رسیدن به هدف غایی اخلاق است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۴/۶/۱۳۷۴)

منابع نظام اخلاقی

منابع اخلاق، آن دسته از منابع و مصادری است که برای استنباط و فهم گزاره‌های اخلاقی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. اخلاق اسلامی بر منابع خاصی استوار است که پذیرش و نحوه تلقی و روش استفاده از آنها، زمینه‌ی پیدایش نظام اخلاقی متفاوتی از دیگر نظامها را پدید می‌آورد. در نظام اخلاقی اسلام سه منبع اساسی، برای رسیدن به مصادیق فضیلت و رذیلت اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است که عبارت‌اند از:

عقل

عقل منبعی مستقل برای شناخت احکام و ارزشهای اخلاقی است. بخشی از مشترکات اخلاقی موجود در بین مکاتب اخلاقی الهی و بشری، مانند پاس‌داشت نعمت، صداقت در رفتار و گفتار، پرهیز از ظلم و تعدی به دیگران و مانند آن معلول دریافتهای عقل بشر از زشتی و زیبایی اخلاقی است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۱/۲۲۶-۲۲۷) با این حال در مورد توانایی عقل در کشف و شناخت ارزشهای اخلاقی اتفاق نظر وجود ندارد؛ مشهور عالمان شیعه بر آنند که در بسیاری از ارزشها و یا در اصول ارزشهای اخلاقی این توانایی برای عقل وجود دارد و عقل برای کشف آن از وحی بی‌نیاز است. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۸۲: شوشتری، ۱۴۰۹، ۳۴۰/۱-۳۴۱) در برخی از روایات نیز عقل منبع درک بسیاری از شناختها و تشخیص خوبیها از بدیها شناخته شده است: «فَبِالْعَقْلِ عَرَفَ الْعِبَادُ خَالِقَهُمْ وَ أَنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ وَ أَنَّهُ الْمُدَبِّرُ لَهُمْ وَ أَنَّهُمُ الْمُدَبَّرُونَ وَ ... عَرَفُوا بِهِ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹/۱)

انسان دارای قوه‌ای است که حسن و قبح را درک میکند و آمدن انبیا و ارسال احکام و کتب نیز به خاطر وجود همین قوه در

انسان است. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۳/۲۷۷-۲۷۸) در بعثت پیامبر اسلام ﷺ عقل دارای اهمیت فراوانی است و در آیات متعددی از قرآن تکیه بر عقل و خرد و تدبر و تفکر و مانند آن شده است و حتی بر اساس آیات، دوزخیان دلیل جهنمی بودن خود را در استفاده نکردن از عقل دانسته‌اند. (ملک، ۱۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۴/۲۹/۱۳۸۸) در کارنامه همه انبیا دعوت به عقل در درجه نخست قرار دارد اما در اسلام از ارزش بیشتری برخوردار است. (آیت الله خامنه‌ای، ۴/۲۹/۱۳۸۸)

فطرت

فطرت از مهمترین منابع معرفت اخلاقی است؛ به گونه‌ای که در نزد برخی اندیشه‌وران به «ام المسائل» یا «ام المعارف» تعبیر شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲/۶۳، ۳۹۹-۴۸۰) بسیاری از مسائل اخلاقی به صورت فطری در نهاد انسان قرار دارد؛ چنانکه انسان در مقابل عدالت، فروتنی و از ظلم و بیداد گریزان است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۱۳) آیات الهی و دستورات انبیا هماهنگ با فطرت است و تمامی احکام الهی دارای دو مقصد کلی بوده که یکی اصلی و استقلالی و دیگری فرعی و تبعی است و بازگشت تمام فرمانهای الهی نیز به همین دو مقصد می‌باشد. مقصد اول توجه دادن فطرت به کمال مطلق که ذات الهی، صفات و افعال او است و مباحثی مانند مبدأ و معاد، ایمان به خدا، کتابهای آسمانی، انبیا، ملائکه و روز قیامت و بسیاری از مباحث سلوک نفس و مانند آن مربوط به این مقصد می‌باشد. مقصد دوم تنفر دادن فطرت از نقص است که مظهر آن دنیاست و بسیاری از دعوت‌های قرآن و شمار زیادی از فروع احکام مانند روزه، صدقات، تقوا و ترک پلیدیها و گناهان بدان بازگشت می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۷۹-۸۰) بشر تمام معلومات فطری را در دستگاه آفرینش فراگرفته است؛ (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۸۱۶) چنانکه قرآن کریم تصریح می‌کند که خوبیها و بدیها را به انسان الهام نموده است، «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا». (شمس، ۷-۸)

قرآن و سنت (وحی)

قرآن و سنت (وحی) در نظام اخلاقی اسلام، به عنوان منبع اصلی معارف اخلاقی به شمار می‌آید. مقصد قرآن و حدیث، تصفیه عقول و تزکیه نفوس برای بزرگداشت توحید

است؛ از این رو در آیات بسیاری به اخلاقیات توجه شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۱) وحی یکی از سرچشمه‌های آگاهی و حوزه اندیشه انسان به شمار می‌آید و خداوند علاوه بر سرچشمه‌های درونی که در نهاد انسان قرار داده با فرستادن پیامبران وی را در ادراک حقایق کمک میکند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲، ۳۱۰-۳۱۱؛ هجو، ۱۳۸۶، ۱۸۹) وحی هدایت‌گر و راهگشای جامعه است و استعدادها را درونی مردم را شکوفا میکند و انگیزه‌های برتر انسانی را رشد میدهد، و در سایه این بیداری آنان را به سعادت و کمال رهنمون می‌گرداند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۲۶) از دیدگاه اسلام، مصادیق دقیق افعال اخلاقی، خوبی و بدی، حدود، شرایط و قیود آنها را وحی تعیین میکند. در حالی که در سایر نظام‌های اخلاقی، قضایای اخلاقی یا بدیهی هستند، یا از طریق تجربه قابل کشف می‌باشند و نیازی به وحی نیست، همچنین میتوان ارزشهای اخلاقی را طبق سلیقه مردم تعیین نمود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۹۷/۱-۹۸)

ارزشهای برجسته اخلاقی

ارزشهای اخلاقی دامنه‌ی وسیعی دارد؛ بخشی مربوط به خود انسان، برخی در رابطه با انسانهای دیگر و برخی در رابطه با مجموعه‌ی جامعه‌ی اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹) به طور کلی مجموعه ارزشهای اخلاقی را در چهار حوزه بندگی، فردی، زیست محیطی و اجتماعی میتوان به تصویر کشید. البته ارزشهای مطرح شده در همه اقسام دیگر تکیه‌گاه است و در تمام عرصه‌های اخلاق کاربرد دارد. جامعه اسلامی ایران در امتداد انقلاب اسلامی، از یک سو نظام اخلاق اسلامی را در جامعه مستقر ساخته و آن را گسترش داد تا خُلُقِیَّات اسلامی در میان مردم ارزشی شود، زیرا در طول حکومت طاغوتها در کشور، اینها به ضدّ ارزش تبدیل شده بود و از سوی دیگر اخلاقیات را در دنیا گسترش داد چرا که بشریت در سطح جهان از فقدان اخلاق رنج می‌برد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹) برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام بدین معنی است که روح فضیلت، پرهیزکاری و دیگر خصلتهای اخلاقی در جامعه رواج یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

اخلاق بندگی

اخلاق بندگی حوزهی ارزشها یا هنجارها و ناهنجاری‌هایی است که حاکم بر روابط انسان با خداوند است. ارزشهایی مانند ایمان، اخلاص، تسلیم، رضا، توبه، استغفار، انابه، توکل، خشوع، خضوع و تضرع، خوف و رجا، ذکر، شکر، تقوا و ورع، از این قبیل می‌باشند. برخی از ارزشهای اخلاقی در حوزه اخلاق بندگی عبارت‌اند از:

ایمان، حظّ قلبی است که با تذکر، تفکر، انس و خلوت با خداوند حاصل می‌گردد و انسان برای رهایی از تصرف شیطان، باید با رساندن ایمان به قلب، قلب را الهی کند؛ چنانکه براساس آیات قرآن مؤمنان بدان جهت که خداوند متولی ظاهر و باطن آنان است «اللّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷) از تصرفات شیطانی خالص و در رحمت الهی قرار دارند و خداوند آنان را از همه مراتب تاریکی به نور مطلق رهنمون می‌سازد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۲۶) ریشه تمام مفاسد اخلاقی، نبودن ایمان در قلب انسان است. حصول ایمان نیز با گفتن و شنیدن حاصل نمی‌گردد بلکه نیازمند خلوص نیت است؛ انسان باید در طلب معارف الهی و خداجویی باشد تا ایمان حاصل شود، براساس آیات قرآن کریم نور الهی تنها در قلب کسانی ایجاد می‌گردد که خداوند اراده کند، «وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ» (نور، ۴۰؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۱۲-۱۱۳) بدون ایمان، هر حرکت و پویایی بی‌فرجام است، و پوینده را بی‌نشاط و دل‌مرده می‌سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۵۵)

تقوا، عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۹۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۰۶) با این حال در مواد متعددی در حفظ بلیغ و نگاهداری کامل نفس از وقوع در حرامها با ترک مشتبهات به کار رفته است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۰۶) انسان باید پیوسته مراقب اعمال و رفتار خود بوده و اعضاء و جوارح خود را کنترل نماید تا خصال پست حیوانی در آن نفوذ ننماید و قلبش متمایل به هوی و هوس و معذوب جلوه‌های پست حیوانی نگردد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸) عاقبت نیک در سایه تقوا حاصل می‌گردد. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف، ۱۲۸) افزون بر آنکه تقوا منشأ بسیاری از کمالات مانند پیشرفت دنیا و آخرت، استقامت و پایداری، و هدایت‌یابی به شمار می‌آید. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸) تقوا افزون بر اینکه یک وظیفه است و انسان در قبال آن مورد سؤال

واقع خواهد شد، راه را نیز باز میکند و موجب میشود که انسان در همه بن‌بست‌ها، به‌ویژه بن‌بست‌های اقتصادی راه نجات پیدا کند. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (طلاق، ۲-۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۴)

توکل، به معنای اعتماد و اطمینان به خداوند قادر متعال، و سپردن کارها به او و از او یاری خواستن است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۱۴) در عرصه سیاسی-اجتماعی و به‌ویژه در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان، منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۳) که رمز و منشأ تمام پیروزی‌ها است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۲۰۲؛ ۱۱/۷۱-۷۲؛ ۱۷/۲۲۲-۲۲۳) در نتیجه در سخت‌ترین شرایط نیز باید بر او تکیه کرد تا او نیز با جنود غیبی یاری کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۴۰۳)

اخلاص، به معنای مغشوش نبودن نیت و خالص انجام دادن کارها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۲/۴) خلوص عمل از تصرف شیطان که مقدمه اخلاص است در صورتی حاصل می‌گردد که تمام رفتار انسان در جهت خداخواهی باشد، هرچند مصداق کامل چنین اخلاصی تنها در انسان کامل و اولیای خالص امکان‌پذیر است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۰-۲۱) خالص نبودن اخلاق و تربیت روحی، افزون بر آنکه مانعی در جهت رسیدن به کمال به شمار می‌آید، ممکن است به جای رساندن انسان به سعادت و کمال انسانیت و وصول به مدارج عالی، وی را به شقاوت بکشاند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۱) شرط مجاهدت در راه خدا این است که با اخلاص و فی سبیل الله باشد و لازمه آن این است که انسان به راه خدا ایمان و معرفت داشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

یاد خدا، از دیدگاه عالمان اخلاق به معنای توجه کلی به خداوند همراه با حضور قلب و فراغت خاطر است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۳/۲۷۷؛ نراقی، بی‌تا، ۳/۲۹۰) اهل معرفت نیز آن را در معنای رها شدن از غفلت و فراموشی به کار برده‌اند. (انصاری، ۱۴۱۷، ۸۶) یکی از مهمترین عوامل در زمینه تزکیه نفس و تهذیب اخلاق، ذکر است؛ ذکر به معنای یاد در مقابل غفلت است و دارای گستره وسیعی میباشد از جمله، غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از عالم قبر و غفلت از محاسبه اعمال. یاد تمامی موارد فوق میتواند سرنوشت انسان را تعیین کند، مشروط بر آن که این اعتقاد در زندگی، حرکت و تصمیم‌گیری انسان مؤثر

اخلاق / ۶۳

باشد، چرا که براساس آیات قرآن «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ» (یس، ۱۱) انذار الهی و پیامبر ﷺ برای کسانی مفید است که به دنبال یاد بوده و خود را از غفلت دور نگه می‌دارند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) ملتی که متکی به نام و یاد خدا باشد ترسی نداشته و در مقابل تهدیدها عقب نمی‌نشیند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۴)

اخلاق فردی

اخلاق فردی، ارزشهای اخلاقی مربوط به حیات فردی انسانهاست که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ فضیلت‌هایی مانند صبر، حکمت، حزم (دوران‌دیشی و احتیاط)، و رذائلی مانند پرخوری، شتاب‌زدگی و سبک‌مغزی از موارد اخلاق فردی به شمار می‌آیند. اخلاق هر فرد روح دین‌داری او به شمار می‌آید و مکارم اخلاق در سخن رسول خدا که «بُعِثْتُ لِأَتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۰/۱۶) رفتاری همچون صبر، متانت، انصاف، خوش‌ذاتی، خیرخواهی نسبت به مردم می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۱۷)

نمونه‌هایی از ارزشهای اخلاقی در حوزه اخلاق فردی عبارت‌اند از:

خودباوری. خودباوری از ارکان مهم سازنده شخصیت فرد و جامعه و عاملی تعیین‌کننده در رسیدن انسان به اهداف خویش است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱) وجود این خصلت در هر فرد و جامعه نشانه پیشرفت و کمال و فقدان آن منشأ خواری و ذلت است. یک ملت وقتی که انجام کاری را باور داشت، اسباب و توانایی آن نیز برای وی فراهم می‌گردد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۷/۱۴، ۳۰۸؛ ← خودباوری)

صبر و پایداری. صبر، خویش‌داری و شکیبایی در مقابله با حوادث و ناامیلماتی است که انسان را بی‌تاب و پریشان می‌سازد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۶۰) صبر و استقامت از مهمترین عوامل تحقق اخلاق‌مداری در یک جامعه است. قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به صبر، ایستادگی و استقامت فرمان می‌دهد «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» (هود، ۱۱۲) و براساس روایتی، سوره هود رسول خدا ﷺ را پیر کرد (متق‌هندی، ۱۴۰۹، ۵۷۳/۱) که پیامبر ﷺ افزون بر استقامت خود، مؤمنان را نیز در این راه به ایستادگی و اदार کند. چرا که آنان از یک سودر معرض هجوم بلایا و مشکلات زندگی و از سوی دیگر مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان

هستند. از این رو ایستادگی و مقاومت در برابر این دو نیرو و حفظ مؤمنان و نگه داشتن آنان در خط مستقیم کاری بسیار دشوار است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) صبر یکی از عوامل مهم در پیروزی یا ناکامی جوامع است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۸/۱۲)

قناعت و ساده‌زیستی. قناعت، اکتفا کردن به امکاناتی است که در اختیار است. به بیان دقیق‌تر پایین آوردن سطح توقع است در حدی که با امکانات موجود تطبیق کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۸۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳۲۶/۹-۳۲۷) منظور از قناعت بهره‌نبردن از نعمتهای الهی نیست بلکه مقصود حفظ حد و اندازه و پرهیز از زیاده‌روی و اسراف و ضایع‌نساختن نعمتهاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۴؛ ۱۳۷۶/۱/۱) قناعت سرافرازانه، تدبیر صحیح در زندگی و اقتصاد است تا مسئولان بتوانند تدابیر صحیحی در اداره کشور بیابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۱/۱)

اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی حوزه ارزشها و ضد ارزشهای حاکم بر رابطه فرد با افراد دیگر و جامعه است. ارزشهایی مانند احسان، صلح و آشتی، امانتداری، انفاق، ایثار، حسن خلق، رفق و مدارا، و بسیاری دیگر از جمله مصادیق اخلاق اجتماعی به شمار می‌آیند.

ارزشهای اخلاقی در حوزه اخلاق اجتماعی عبارت‌اند از:

اخوت و برادری. اسلام بر اخوت میان مسلمانان و دوستی و رفع اختلاف تأکید دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۴/۹) و مؤمن باید هرچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز بپسندد. طبق حکم قرآن مؤمن باید برادر مؤمن باشد. این حکم در تمام جامعه عمومیت داشته و هر خیر و صلاحی را که انسان برای برادران خود می‌خواهد برای تمامی ملت بپسندد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۲/۱۳) برادری و احساس همدلی نعمت بزرگ خداوند است و همه باید این نعمت را قدر بدانند؛ «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران، ۱۰۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۵) اتحاد و برادری موجب بهبود و استحکام روابط اجتماعی و رمز موفقیت و پیروزی جامعه در رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات و سختی‌هاست. نداشتن اتحاد موجب از دست رفتن دستاوردهای ملت می‌گردد. (آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۳؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

حسن خلق. حسن خلق از مهمترین ارزشهای اخلاق اجتماعی است که موجب کمال ایمان و بهره‌مندی از بهشت است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰۰/۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۵۱۳) در روایات متعددی انسان به حسن خلق فرا خوانده شده و اخلاق کریمانه را محبوب خداوند شمرده است. (صدوق، ۱۴۱۷، ۴۴۰-۴۴۱) بر اساس روایات حسن خلق موجب بهره‌مندی از پاداش روزه‌داران (صدوق، ۱۴۱۷، ۴۴۱) و آبادانی شهرها و طول عمر (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰۰/۲) می‌گردد؛ چنانکه سوء خلق ایمان انسان را فاسد، (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۱/۲) و خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد (صدوق، ۱۴۱۷، ۳۴۴) و انسان را به عذاب الهی گرفتار می‌سازد. (صدوق، ۱۴۰۴، ۳۴/۱، ۱۳۷۸، ۵۱۳) آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی می‌رساند حسن خلق است که آن هم تنها خوش اخلاقی با مردم نیست بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضله در جان و انعکاس آنها در عمل انسان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) جامعه‌ای که در آن حسن خلق و مکارم اخلاقی رایج است بهشتی است که انسانها در آن زندگی میکنند، امروز گرفتاری بیشتر جوامع در نبود اخلاق نیکوست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۷) قرآن کریم دلیل گرایش مسلمانان به اسلام و پیامبر ﷺ را در حسن خلق و رفتار ملاطفت‌آمیز رسول خدا میدانند. (آل عمران، ۱۵۹؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۶/۱۷۳-۱۷۴)

عدل و احسان. عدالت و احسان مقوله‌ای ارزشمند است، و در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی نقش دارد. تلاش انبیا در جهت تحقق عدالت در بُعد اجتماعی و فردی بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۳۸۶) تحقق چنین عدالتی بسیار دشوار است زیرا جامعه باید از لحاظ اخلاقی به کمال رسیده باشد تا بتوان عدالت کامل را در آن اجرا کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱) بدون چنین تحولی عدالت مورد نظر اسلام تحقق نمی‌یابد زیرا عده‌ای را که در صدد سوءاستفاده از بیت‌المال هستند، ناراضی ساخته و موجبات کارشکنی آنان را فراهم میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱) امیرمؤمنان علیه السلام وظیفه زمامداران و مسئولان را، ملزم کردن خویش به رعایت عدالت و اولین گام در راه عدالت را دور کردن هواهای نفسانی دانسته است. «قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ، فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهُوَى عَنْ نَفْسِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷، ۱۱۹)؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶) در اندیشه انقلاب اسلامی عدالت و احسان، درسی است که از قرآن،

بیانات پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام گرفته شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) امیرمؤمنان دستور میدهد که به همه نیکی کنید، چون، یا برادر اسلامی تو است و یا به هر حال انسان است؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۷)) منطق اسلام خدمت و محبت به همه‌ی انسانهاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹)

انصاف. انصاف به این معنی است که انسان با برادر مسلمان خود آن‌چنان رفتار کند که دوست دارد او با وی چنان رفتاری داشته باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۲/۷۱، ۱۴۰۳) فرق بین عدل و انصاف نیز آن است که مراد از انصاف تقسیم مساوی بوده و بیشتر در امور حسی است؛ ولی عدالت در محسوس و غیرمحسوس است. از این رو وقتی دست دزد قطع میشود گفته میشود عدالت درباره‌اش مراعات شد و به جای آن از واژه انصاف استفاده نمیشود. (عسکری، ۱۴۰۰، ۲۲۸) پیامبر اکرم ﷺ یکی از نشانه‌های مؤمن واقعی را انصاف دانسته و می‌فرماید: کسی که با فقیر، همدردی کند و درباره مردم با انصاف باشد مؤمن واقعی است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵/۷۲، ۱۴۰۳) از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده است که هر کس با مردم به انصاف رفتار کند خداوند بر عزتش بیفزاید، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳/۷۲) همچنین از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که بالاترین اعمال سه چیز است: رعایت انصاف نسبت به مردم تا آن‌جا که هر چه برای خود دوست داری برای آنان نیز دوست بداری، موااسات نمودن با برادرت در مال و یاد خدا در هر حال. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱/۷۲) حضرت علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر فرموده است نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف را پیشه خود نسازی ستم کرده‌ای. (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۸)) امام خمینی رحمه الله در سخنان خود خطاب به اقشار مختلف مردم آنها را در عملکردهایشان به انصاف دعوت میکرد و بر این امر تأکید می‌نمود (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۹۲-۱۳۱۱) و مؤمنین را در همه زمینه‌ها به رعایت انصاف دعوت میکرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۲۸۴)

امر به معروف و نهی از منکر. در اسلام هیچ خطابی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی شدیدتر، غلیظ‌تر و پرهیجان‌تر از امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) این اصل تأمین‌کننده‌ی حضور عمومی مردم در صحنه اجتماعی، اهتمام به امور یکدیگر، احساس مسئولیت در برابر سرنوشت همدیگر و اصلاح امور اجتماعی است. جامعه

اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می ماند و قوام حکومت اسلامی، و بقای حاکمیت اختیار نیز به آن است؛ چرا که بر اساس روایات، ترک آن موجب تسلط بدترین افراد بر جامعه میگردد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۶/۵؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۱/۵/۷؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵) از مهمترین و تأثیرگذارترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر آن است که شخص خود به انجام معروف اقدام نموده و از منکرات و مکروهات دور باشد و در حقیقت با رفتار خود امر به معروف و نهی از منکر نماید. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۶) ترویج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه سبب میشود که گناه در نظر مردم همیشه گناه باشد و مفساد اخلاقی رفتار نیک تلقی نگردد. (رک: آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) ← امر به معروف و نهی از منکر

نظم و قانونمندی. نظام اخلاق اسلامی تأکید بسیاری بر رعایت نظم و قانونمندی دارد و در حقیقت اخلاق و قانون رکن اساسی هر جامعه ای است و تحقق این دو تنها در سایه دین امکان پذیر است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۰۰/۳؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸/۷-۴۷۹) فرمان یافتن مردم بر اطاعت اولی الامر بدان جهت است که مردم را در جهت رعایت نظم و قانون نگهدارند زیرا تجاوز از قانون موجب فساد ملتهاست. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۳۹) قرآن کریم در عین اینکه پیامبر اسلام ﷺ را به نرمش و مدارا در برابر مؤمنان فرا میخواند، (آل عمران، ۱۵۹) از او میخواهد در ایجاد نظم و قانون سخت گیرانه رفتار نماید. (توبه، ۷۳) در هر دو آیه غلظت به کار رفته با این تفاوت که در آیه نخست که در رفتار با مؤمنان است از آن نکوهش شده اما در آیه دوم که در اجرای قانون و اداره جامعه و ایجاد نظم است مطلوب دانسته شده است. (رک: آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶) در جامعه اسلامی قانون با اخلاق و تربیت رابطه متقابل دارند. هر قانونی آثار فرهنگی، تربیتی و اخلاقی در رفتار مردم دارد بر این اساس وظیفه قانونگذار است که قوانین را به نحوی طراحی کند که روحیه نظم و قانون پذیری را در مردم تقویت نماید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸/۴/۳)

اخلاق زیست محیطی

اخلاق زیست محیطی در حوزه روابط انسان با طبیعت است. اسلام بر رعایت و حفظ محیط زیست تأکید کرده است و تخریب آن غیر قابل جبران است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۹/۱/۹)

این اخلاق از اسراف و تبذیر در ثروت عمومی و منابع طبیعی، آب و انرژی و... منع می‌کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۱) سرچشمه همه فضائل انسانی عبودیت در برابر خداوند است و نقطه مقابل آن خودبینی و خودپرستی است که در حوزه‌های مختلفی ظهور و بروز دارد از آن جمله در حوزه زیست محیطی سبب می‌شود که محیط زیست را در نظر نداشته و به تزییع آن پردازد چنانکه امروزه در دنیا دیده می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۱) دولت اسلامی نیز چنین رفتاری را غیر اسلامی میدانند و موظف است با تخلفات زیست محیطی مانند تخریب جنگلها برخورد کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۴۴۹-۴۵۰)

رابطه اخلاق با مقوله‌های اساسی زندگی

اخلاق با سایر مقوله‌های اساسی زندگی مانند آزادی، حقوق و سیاست ارتباط بسیار نزدیکی دارد و در همه این مقولات، دارای نقش مهم و اثرگذاری است، از آن جمله:

آزادی

در جهان بینی اسلامی آزادی ریشه‌ای الهی دارد، و حرکت علیه آن، حرکت علیه یک پدیده الهی است، (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۲/۴۴۵) چنانکه نقطه مقابل آن تکلیف است، (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱/۴۲) برخلاف لیبرالیسم غربی که آزادی در آن منهای حقیقتی به نام دین و خدا است. در اسلام ارزشهای اخلاقی مسلم و ثابت است و حرکت در جهت آنها ارزش آفرین و کمال است، در نتیجه آزادی با این ارزشها محدود می‌شود؛ درحالی‌که در نظام اخلاقی غربی ارزشهای اخلاقی نسبی است و نمیتوان کسی را که به این ارزشها تعرض می‌کند مورد سرزنش قرار داد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۹۷؛ ۹/۳۴۴؛ ۱۷/۱۶۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۱۳۷۷) از سوی دیگر در اسلام، آزادی همراه با تکلیف است و انسان از آن جهت که مکلف است آزاد است تا در میان انگیزه‌ها و غرایز متضاد راه کمال را پیماید. چنانکه حیات وی برای این منظور بوده است، «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) آزادی نیز مقدمه‌ای برای عبودیت است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۴۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۱۳۷۷) ← آزادی

عدالت اجتماعی

ایجاد عدالت اجتماعی تنها در سایه اخلاق اسلامی امکان پذیر است؛ هرچند بخش عمده آن به قوانین و مقررات مربوط می‌گردد، اما قوانین و مقررات نیز بدون برخورداری افراد از اخلاق اسلامی کارساز نیست. با تأمین شدن اخلاق در جامعه، عدالت اجتماعی نیز تأمین می‌شود و جامعه آباد می‌گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳؛ عدالت) هدف جمهوری اسلامی ایجاد عدالت اجتماعی بوده و تحقق آن به این است که هر انسانی وظیفه‌اش را به خوبی انجام دهد و رفتارها بر مبنای اخلاق باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۹-۲۰) عدالت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر اخلاق مردم دارد و بی‌عدالتی‌ها می‌تواند اخلاق جامعه‌ای را به تباهی بکشاند. بسیاری از ردائیل اخلاقی مانند حسادت، کینه، دشمنی و مانند آن از فقدان عدالت اجتماعی ناشی می‌گردد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/۷۳۸) عدالت اجتماعی یک اصل و هدف والا است و زمانی محقق می‌شود که جامعه تربیت یافته باشد و ظلم و ظلم‌پذیری در آن نباشد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳) و با استقرار شریعت اسلامی است که عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۰/۱۳۶۹) در زمان ما جامعه به برکت انقلاب، به سمت اخلاق الهی گردش قابل توجهی داشته و ادامه این راه می‌تواند جامعه را از عدالت اجتماعی برخوردار سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳)

حقوق

اخلاق و حقوق دارای تأثیر متقابل بوده و بین مسائل آن دو، تلازم وجود دارد. حقوق و قوانین می‌تواند متأثر از اخلاق حاکم بر جامعه باشد، چنانکه قوانین نیز می‌تواند بر رفتار و اخلاق جامعه تأثیر بگذارد؛ هر قانونی دارای آثار تربیتی و اخلاقی است که باید به آن توجه شود؛ چنانچه قانونگذاری به‌گونه‌ای باشد که روح قانون‌پذیری، قناعت و دین‌داری و معنویت را در مردم تقویت کند مطلوب و اخلاقی است اما قانونی که روح قانون‌شکنی و اسراف و لابلالی‌گری را در مردم تقویت کند غیر اخلاقی و نامطلوب می‌باشد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۳؛ قانون) آسایش مسلمانان و حفظ اخلاق فاضله در سایه حکومت عدل و قانون، امکان‌پذیر است. (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۱۵۳)

سیاست

میان اخلاق و سیاست، رابطه‌ای متقابل وجود دارد. از یک سو برای تأمین سعادت جامعه، سیاست باید الهام گرفته از اخلاق و دین باشد و با اغراض و امیال نفسانی آلوده نگردد، تا در سایه آن معیشت مردم همراه با عزت و اقتدار ملی، پیشرفت علمی، معنویت، فضیلت، دین و اخلاق تأمین شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲؛ ۱۳۸۸/۶/۲۰) از سوی دیگر تعالی اخلاقی، و رشد معنویت و فضیلت در سایه سیاست و حکومت عدل و قانون مدار امکان پذیر است. (رک: امام خمینی، بی تا «ج»، ۱۵۳) سلوک سیاسی امیرمؤمنان ع آمیخته با سلوک معنوی و اخلاقی ایشان بود و سیاست او از اخلاق و معنویت نشأت گرفته بود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۶/۸؛ ۱۱۶/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) در مکتب سیاسی امام خمینی ره نیز، معنویت و اخلاق با سیاست در هم تنیده است و همه رفتارهای امام بر محور خدا، معنویت و اخلاق میباشد. از این رو امام خمینی ره قوانین شریعت را بستر حرکت خود می دانست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۱۴ ← سیاست)

اخلاق حرفه‌ای

اخلاق اسلامی گستره بسیار وسیعی داشته و در مسیر سعادت و کمال انسان در همه شئون زندگی برنامه‌هایی را ارائه نموده است. در اسلام همانطور که احکام مملکتی و سیاسی بیان شده، به معنویت و فضائل اخلاقی که در رشد معنوی انسان دخالت دارد نیز توجه ویژه‌ای شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۰/۳) در جهان بینی اسلامی، دنیا میدان اساسی وظیفه، مسئولیت و رسالت دین است و دین در این عرصه تلاش انسانها را جهت داده و هدایت میکند. تمام تلاشهای دنیوی از قبیل اقتصاد، سیاست، حکومت، حقوق، اخلاق و روابط فردی و اجتماعی انسان، وسیله‌ای برای رشد و تکامل و ابزارهایی برای تعالی اخلاق و معنویت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴) بنابراین قلمرو و گستره اخلاق، تمامی تلاشها و فعالیت‌های دنیوی انسان را در بر می‌گیرد. در انقلاب اسلامی نیز اخلاق در همه قلمروهای آن از قبیل رسانه، اقتصاد و حرفه‌ها ظهور و بروز دارد؛ اخلاق مداری از ضروریات هر حرفه به شمار می‌آید و رعایت آن بر همه کسانی که به نحوی با مال و جان و

اخلاق / ۷۱

آبروی مردم سروکار دارند لازم است. (رک: امام خمینی، بی تا «ج»، ۴۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۲۹) رعایت تقوا در مسائل کاری و حرفه‌ای ملت را برانگیخته و موجب شکوفایی و رونق در حرکت آنان می‌گردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۲) این حوزه از اخلاق در گروه‌های مختلفی از جامعه قابل پیگیری است:

فعالان اقتصادی

در نظام اسلامی کار اقتصادی، کاری اساسی و زیربنایی است و بدون اقتصاد سالم امکان خدمت‌رسانی به جامعه وجود ندارد با این حال اقتصاد باید توأم با اخلاق باشد تا سلامت آن را تأمین کند. تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها در اخلاقی بودن آن است. رعایت اخلاق در اقتصاد و سلامت اقتصادی سلامت جامعه را نیز در بر دارد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۲۴) در نظامی که اقتصاد آن بر پایه اخلاق بنا شده تفاوت طبقاتی بسیار اندک است و عدالت اجتماعی به خوبی نمایان است و امکانات و منابع برای همه افراد جامعه به طور یکسان فراهم است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱/۱)

زمامداران و کارگزاران

زمامدار باید از اعتقاد و اخلاق کاملی برخوردار بوده و به گناهان آلوده نباشد و برای اینکه گرفتار طغیان و سرکشی نشود باید نفس خود را تزکیه کند؛ چرا که خداوند چنین اختیاری به جائران نداده است. «قَالَ لَا يِنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴؛ امام خمینی، بی تا «ج»، ۴۹؛ رک: همو، صحیفه امام، ۱۴/۳۹۱) در روش غالب زمامداران، اموری مانند تکبر و ورزیدن، رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و خودرایی، امری پذیرفته شده در مورد زمامداران است با این حال امام خمینی این باور غلط را تغییر داده و ثابت کرد که یک رهبر نیز باید رفتاری زاهدانه داشته و با زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد نماید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳) حاکمان یک جامعه باید مانند پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علیؑ ساده‌زیست باشند و زاهدانه رفتار کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۲۱۹-۲۲۰) رفتار و گفتار مسئولان و کارگزاران مانند رعایت تقوا و امانت، اخلاق و احساس مسئولیت، میتواند تأثیر ماندگاری در جامعه داشته باشد و زندگی مردم را متأثر

سازد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۴؛ ۱۳۸۰/۹/۲۱؛ ۱۳۹۲/۳/۸) استقرار معنویت و جلوگیری از مظاهر فساد یا شیوع فساد و بی‌دینی به‌ویژه همراه با تظاهر به آنها از امور واجب کارگزاران می‌باشد. قرآن کریم ساز و کار نابودی یک جامعه را در فساد و فسق مترفان آن جامعه دانسته و لازمه فسق آنان را گرفتار شدنشان به عذاب الهی میداند، «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فَنَدْمَنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء، ۱۶) این ساز و کار در همه جوامع اثر میکند هرچند در برخی از جوامع که دارای ویژگیهایی مانند علم، ثروت زیاد، سیاست‌مداران عاقل، موقعیت جغرافیایی و تاریخی مناسب و مانند آن هستند این اثر کندتر بوده و ساز و کار نابودی دیرتر اثر میکند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵) رعایت عقل، فکر، طمأنینه، سکینه، آرامش و محبت در میان دولت‌مردان و انعکاس آن در جامعه، سبب تأثیرپذیری جامعه از این اخلاقیات میگردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۳/۸) رعایت نکردن اخلاقیات در میان مسئولان و رفتارهایی مانند تشنج، بغض و کم‌کاری، به تدریج در رفتار مردم نیز منعکس شده و موجب گسترش این ناهنجاری‌ها در اجتماع میگردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵؛ ۱۳۹۲/۳/۸)

بشر در طول تاریخ، بیشترین خطا و بی‌تقوایی خود را در عرصه حکومت‌داری نشان داده و کمتر از اخلاق و حکمت بهره برده است، گناهایی که از زمامداران سرزده با گناهان بسیار بزرگ انسانهای عادی قابل مقایسه نیست. خسارت آن نیز متوجه مردم و افراد جامعه بوده است. قرآن کریم از این گونه حکومت‌های فاسد با عنوان فساد کنندگان در زمین یاد کرده «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵) که سپاس نعمتهای الهی را به کفران تبدیل نموده و جامعه خویش را بر اثر کفران خویش به دوزخ کشاندند. «أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» (ابراهم، ۲۸) از این رو از مهمترین کارهای انبیا مقابله با این گونه طاغوتها و کسانی بوده که نعمتهای الهی را ضایع می‌ساختند. جنگ انبیا با قدرتها و حکومت‌های فاسدی بود که بشریت را نابود می‌ساختند. (آل عمران، ۱۴۶؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷) انسان مؤمن و متقی و عادل نمیتواند زندگی کند و برایمان و رفتار صالحش باقی بماند جز آنکه با طاغوت مبارزه کند تا شرایط فاسد پیش آمده را از بین ببرد. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۳۵)

روحانیان

امام خمینی علیه السلام در سفارش به روحانیت، فراگیر شدن تربیت اخلاقی در حوزه را موجب در امان ماندن آن از آسیب‌رسانی دشمنان و سبب ایجاد آینده‌ای نورانی برای کشور میدانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۳۵۶-۳۵۷؛ ۲۰/۱۹۱) توجه به دو عنصر فقاقت و تهذیب اخلاق، در جهت خدمت‌رسانی به اسلام و نظام اسلامی راهگشا است؛ اما اگر نفس انسان مهذب نباشد ممکن است نتیجه‌ای معکوس حاصل شود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۶۹؛ ۱۹/۱۳۳-۱۳۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۳/۱۳۶۸؛ ۲۰/۶/۱۳۷۳) ضرر علم بدون تهذیب از جهل بیشتر است؛ چنانکه تمام مکتبهای انحرافی از ناحیه عالمان غیرمهذب ایجاد شده است. از این رو وظیفه علما نخست تهذیب نفس و در خلال آن تهذیب مردم است. انسان غیر مهذب نمیتواند در دیگران تأثیرگذار باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۴۹۲؛ ۱۵/۵۰۳-۵۰۵؛ همو، بی‌تا «ب»، ۱۲-۱۸) علما علاوه بر سعادت خود، عهده‌دار سعادت مردم نیز می‌باشند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۳۵۰) قرآن کریم سربعشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تزکیه و تعلیم و تربیت امت دانسته و سپس به عالمان سوء، اشاره میکند که به‌رغم فراگیری علم، از آن متأثر نشده‌اند از این رو آنان را به حیوانی تشبیه نموده که بار کتاب به همراه دارند، «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا». (جمعه، ۵؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۳۳۵)

دانشگاهیان و فرهنگیان

تعهد و تهذیب اسلامی بیش از هر چیزی برای کشور ما ضرورت دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۷۰) وظایف دانشجویان و دانشگاهیان آن است که افزون بر کسب علم و ارزش دانستن آن، به تهذیب نفس پرداخته و بنیادهای اخلاقی را در خود تقویت کنند. هرچند برای یک کشور، عالم، محقق، و پژوهشگر و نابغه، ثروت خیلی بزرگی است؛ اما زمانی که بنیادهای اخلاقی استوار نباشد و وجدان اخلاقی زنده نباشد علم آنان نیز غیر مفید میباشد. چنانکه برخی با وجود بهره‌مندی از استعدادهای سرشار و تحصیل در دانشگاه‌های ایران و صرف منابع ملت، به خاطر نداشتن وجدان اخلاقی بیدار، به خدمت بیگانگان درآمده‌اند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۶۹-۱۷۰؛ ۱۹/۳۲۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۲/۱۳۷۷) در این میان اساتید دانشگاه

نقش مؤثرتری دارند؛ چرا که اگر تهذیب نفس نکرده باشند میتوانند ایجاد فساد نمایند. چنانکه بسیاری از وابستگی‌های کشور در رژیم سابق نتیجه مهذب نبودن اساتید دانشگاه و وابسته بودن آنان است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۴۹۷-۴۹۸) رؤسای دانشگاه نیز وظیفه دارند دانشگاه را به محیط علم و تزکیه و تهذیب تبدیل کنند و آنچه را موجب فساد جامعه و جوانان می‌گردد، در محیط دانشگاهی از بین ببرند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۴۹۹) دورکن علم و تربیت اخلاقی در کنار هم میتواند برون داد دانشگاه را تبدیل به محصولی مفید و مرفعی سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۴۹۸) از این رو از جمله وظایف یک دانشجوی موفق تهذیب اخلاق است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۱۳۷۷؛ ۲۵/۱۳۸۶)

فعالان سیاسی

سیاستمداران مجاز نیستند برای کسب قدرت کار غیر اخلاقی انجام دهند و چنین رفتاری سیاستمدار را از اهلیت و صلاحیت می‌اندازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۲/۱۳۸۱) حکومت اسلامی برای تعالی اخلاق و قرب به خدا است؛ از این رو همه مسئولان و سیاستمداران باید قصد قربت داشته و رضای خداوند را در انجام کارها در نظر بگیرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۱۳۷۷) سیاستمدار باید در پی هدایت و صلاح جامعه باشد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر داشته باشد و بر مدار اخلاق در هدایت جامعه به صلاح اقدام نماید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۴۳۲-۴۳۳) در نظام اسلامی غیر از کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی نیز ضرورت دارد. هرچند اخلاق برای انسانها یک امر شخصی است اما برای مسئولان و سیاستمداران مسئله‌ای عمومی و اجتماعی است و با سرنوشت مردم رابطه دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶/۹/۱۳۸۲) چنانکه برخی از دولتها و سیاستمداران جهانی که از اخلاق، فضیلت و وجدان بی‌بهره‌اند، در برابر جان و مال مردم و خون بی‌گناهان هیچ‌گونه احساس مسئولیتی از خود نشان نمیدهند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۶/۷۸-۷۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۲/۱۳۸۷)

مهندسان و پزشکان

پزشک بدون تهذیب نفس، هرچند به مدارج علمی و تخصص‌های بسیاری رسیده

باشد، مسئولیت پذیر نبوده و در حق بیماران اجحاف میکند. مهندس نیز همینطور است، بدون تهذیب نفس ممکن است نقشه و طرحی ارائه کند که تنها در جهت منافع خودش باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۱/۷) هریک از این گروه‌ها میتواند نقش بسزایی در اخلاق جامعه داشته باشد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۱) علم در صورتی مفید است که همراه با اخلاق و دین باشد. مهمترین فجایعی که بر ضد بشریت رخ داده است بر اثر توسعه و پیشرفت علمی بوده که با اخلاق فاصله داشته است. افزون بر آن بیشتر ناامنی‌ها و بی‌عدالتی‌ها در کشورهای است که از لحاظ علمی بالاترین رتبه را دارند؛ بنابراین جامعه در صورتی از علم عالمان و نخبگان بهره می‌برد که آنها متدین باشند و نفس خود را مهذب نموده باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۲۵) پزشک و پرستار اگر به تکالیف پزشکی و انسانی خود عمل کنند کارشان عبادت و در تراز عبادات درجه اول است؛ وظیفه آنها رعایت اخلاق پزشکی و پرستاری است؛ از سویی تنها هدف آنان نباید جمع‌آوری مال باشد و از سوی دیگر باید تلاش کنند گرفتار انحرافات نشوند که جان مردم را به خطر می‌اندازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۵/۱۲-۲۸۶) اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری یک وظیفه و فریضه بوده و دارای اجر بسیاری است و در مقابل، تکلیف نیز سنگین است؛ زیرا بیمار در هنگام بیماری دچار آشفتگی و ناراحتی است. روح، عواطف و احساسات انسان به ویژه در هنگام بیماری نیازمند محبت و توجه است. لبخند یک پزشک و پرستار موجب درمان روحی بیمار میگردد و به درمان جسمی وی نیز کمک میکند. از این رو اخلاق شایسته پزشک و پرستار بیش از دارو بر بیمار تأثیر دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۵/۱۲-۲۸۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۱)

اصحاب رسانه

رسانه‌ها در دنیا، فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القا میکنند و می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان و ارتقای اخلاق و معنویت، مؤثر باشند؛ چنانکه در نقطه مقابل آن در ترویج مفاسد اخلاقی و از بین بردن هویت انسانی و هویت ملی انسانها نیز نقش بسزایی دارند. از این رو چنانچه مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه‌ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، سود ملتها را

در پی خواهد داشت. اما اگر بر اساس منافع کمپانیهای اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی و قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، بشریقیناً زیان خواهد کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۸۵/۲/۲۶)

اخلاق‌مداری در رسانه نقش مهمی در روابط جوامع دارد و حاکمیت اخلاق و فضیلت بر رسانه‌ها سبب میشود که ملتها حرف یکدیگر را بهتر بفهمند و بسیاری از بدفهمی‌ها و کج‌فهمی‌ها از میان برود و گستره تصمیم‌گیری‌های سیاست‌مداران و قدرتمندان در دنیا محدود میگردد. بسیاری از مشکلات امروزه جوامع ناشی از غیر اخلاقی بودن رسانه‌ها است که در جهت منافع خود حقایق را وارونه جلوه می‌دهند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۲۶)

نهادهای تأثیرگذار در اخلاق

نهادهای متعددی در اخلاق جامعه نقش آفرین است. شماری از مهمترین این نهادها عبارت‌اند از:

دولت

امنیت، آسایش و حفظ ایمان و اخلاق فاضله در سایه حکومت عدل و قانون‌مداری امکان‌پذیر است؛ حکومتی که ساختار آن اسلامی باشد، در زمینه اخلاق و معنویت مردم و رشد فضیلت‌های اخلاقی از قبیل: اقامه معروف، اقامه روح دینی و استقرار اخلاق اسلامی مسئولیت دارد. (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۱۵۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۴؛ ۱۳۸۰/۸/۲۱؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) کارگزاران دولت باید فضائل اخلاقی همچون مناعت طبع، عفت اخلاقی، اعتماد به نفس، صداقت و شجاعت را به جوانان بیاموزند و اراده پولادین، انضباط اجتماعی و وجدان کاری را در آنان ایجاد نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) حتی قانون اساسی کشور باید تأمین‌کننده نظام اخلاقی کشور باشد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۹/۸) اصلاحات در کشور باید بر پایه تحکیم قانون اساسی و در جهت اصلاح دین و اخلاق جامعه باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۴/۲۶) همچنین نظام اسلامی باید تضمین کند که ارزشهای الهی حاکم باشد چنانکه آیه ۴۱ سوره حج «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

المُنْكَر» ناظر بر این موضوع میباشد زیرا در جامعه‌ای که فرمانروایان مردم را به نیکبها و اقامه نماز فرمان دهند ارزشهای اخلاقی رشد میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۴/۲۱) در نظام اسلامی فعالیت سیاسی نمیتواند جدا از معیارها و ضوابط اخلاقی باشد و کار غیر اخلاقی، صلاحیت مدیران را خدشه‌دار میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳)

خانواده

خانواده مبنای جامعه است و در صورتی که از نظر اخلاقی متزلزل شود تمام جامعه متزلزل خواهد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۰/۲۱) همه ارزشهای اخلاقی و معنوی را میتوان در کانون خانواده جستجو کرد و در سطح جامعه گستراند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۲۵) در هر خانواده پدر در رشد اخلاقی فرزندان مسئول است و نمیتواند در مقابل آن بی تفاوت باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۲/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) چنانکه قرآن کریم نیز برای این مطلب اشاره کرده است «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶) که به انسان سفارش میکند خود و خانواده‌اش را از دوزخ حفظ کند، و بیانگر آن است که حفظ عناصر اصلی کانون خانواده موجب حفظ خود انسان نیز میگردد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ ۱۳۸۳/۷/۱۳) همچنین تربیت کودک از دامن مادر شروع میشود از این رو مادران نقش اساسی در پرورش اخلاقی کودکان دارند؛ انسانی که در محیط خانواده رشد و تربیت اخلاقی پیدا کند کمتر متأثر از ناهنجاری‌های محیطی میشود. اگر محیط خانواده محیطی اخلاقی باشد فرزندان نیز با اخلاق تربیت میشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۲/۸-۳۶۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۹)

مدارس

معلمان دارای مقام والایی هستند؛ مسئولیت تربیت جوانان مسئولیت والایی است. تهذیب اخلاق کودکان، امر مهمی است که ابتدا باید در خانواده شکل بگیرد و معلمان آن را تقویت کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۲/۷) انتخاب یک معلم خوش عقیده و مهذب، در تربیت دینی و اخلاقی کودکان نقش بسزایی دارد؛ گاهی رفتار معلم میتواند منشأ سعادت و شقاوت کودکان باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۵۶) یک معلم میتواند کودکان را به گونه‌ای

تربیت کند که یکی از آنان جامعه‌ای را اصلاح کند، یا با تربیت غلط جامعه‌ای را به فساد بکشانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۲/۸) نقش معلم نقش تراز اول است و میتواند آینده روشنی را برای نظام اخلاقی رقم بزند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۶)

روحانیت

روحانیت میتواند دین، اخلاق و معنویت را با عمل و زبان خود در جامعه پیاده کند و جامعه را اخلاق مدار نماید، چنانکه در موارد متعددی حضور یک روحانی مانع از خرابکاری دشمنان اسلام شده است. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۶؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲) از جمله وظایف علما استقرار احکام اسلامی و برقراری عدالت اجتماعی و پرورش استعدادهاست تا بدان وسیله اخلاق و ارزشهای اسلامی را در جامعه رواج داده و روابط انسانها را به صورت مطلوب تنظیم نمایند. (رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۰) روحانیت باید با هدایت مردم و تشویق آنان بر دین داری، آنان را با فضیلتها و اخلاق اسلامی آشنا سازد و با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورد. روشن کردن این مشعل فروزان، دلها را روشن و موجب ایجاد آگاهی، حرکت و ایمان عمیق میگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۰؛ ۱۳۷۸/۱/۲۳) روحانیت افزون بر درس اخلاق و معنویت، که هشدار در برابر دشمن درونی و نفس اماره یا شیطان است، باید درس اخلاق سیاسی هم داشته باشند و در برابر شیطانهای قدرتمند عرصه سیاسی که برای اغواء و تسلط بر ملتها تلاش میکنند مردم را آگاه سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۳)

رسانه‌ها

رسانه‌ها زمینه‌ساز مناسبی برای گفتگوی آزاد و دوجانبه و چندجانبه‌ی بین ملتها به شمار می‌آیند. آنها می‌توانند، مفاهیم معنوی و اخلاقی را در میان ملتها گسترش داده، سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقا دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۲۶) مطبوعات باید مبلغ و مجری احکام اسلام باشند، از این رو باید مهذب باشند و اخلاق اسلامی و الهی را در جامعه رواج و گسترش بدهند. بی‌اخلاقی در رسانه‌ها صدمات بسیاری بر پیکر اسلام و

معنویات میزند. چنانکه در زمان طاغوت، بسیاری از جوانان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها به فساد کشیده شدند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵۶-۱۵۷) رسانه نقش مستقیمی در نگرشهای اخلاقی جامعه و ارتقاء فرهنگ اسلامی دارد؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵۶؛ ۱۹/۱۵۹) به طوری که اگر خود مذهب بوده میتواند حامل پیام اسلام بوده و اخلاق الهی را در جامعه رواج دهد و برعکس، چنانکه در رژیم گذشته بود میتواند ابزار مؤثری برای فساد جامعه به ویژه نسل جوان باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵۶؛ ۱۹/۱۵۹) صدمه‌ای که رسانه ناسالم و غیر اخلاقی وارد میسازد قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵۶-۱۵۷) بسیاری از مشکلات امروزه جوامع ناشی از غیر اخلاقی بودن رسانه‌ها است که در جهت منافع خود حقایق را وارونه جلوه میدهند. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۲۶/۲/۱۳۸۵)

آسیبها و آفات بد اخلاقی در جامعه

بد اخلاقی‌ها و فساد اخلاقی در جامعه، آسیبها و پیامدهای متعددی در پی دارد که نتیجه آن، انحطاط جامعه و فروغلتیدن در سرایشی سقوط است. هر حرکت غلطی مانند پیروی از هواهای نفسانی، مادی‌گرایی و شهوات جنسی که از انسان سر بزند، یک قدم وی را به فساد و دوری از خدا نزدیک میسازد؛ چنانکه قرآن کریم نتیجه کج روی بنی اسرائیل را که به آزار موسی علیه السلام پرداخته و از حق باز گشتند، منصرف ساختن آنان از حق میداند. (صف، ۵) نتیجه هر لغزش این است که ابتدا اعمال انسان را ناقص و سپس اخلاقیات وی را متزلزل میسازد و او را بی مسئولیت بار می‌آورد. در مرحله بعد نیز اعتقادات وی را عوض میکند تا اینکه به تدریج هویتش را تغییر داده و اخلاق و اعتقاد وی را خراب میسازد. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۱۲-۲۱۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۱/۹/۱۳۸۰) مهمترین این آسیبها و آفات آنها عبارت‌اند از:

از بین رفتن سلامت و سعادت جامعه

از بین رفتن اخلاق و حاکم شدن بی اخلاقی‌ها بر جامعه مانند حرص، هوای نفس، دنیا طلبی و حسادت، موجب از بین رفتن سلامت جامعه و سختی زندگی میگردد. (رک:

امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) چنین جامعه‌ای حتی با رعایت دقیق قانون، باز هم سعادت‌مند نیست. جامعه‌ای که در آن احساس ناامنی از یکدیگر وجود داشته باشد و هر انسانی احساس کند که دیگران نسبت به او حسد و کینه داشته و برایش توطئه چینی میکنند، جامعه مطلوب بشری نبوده و راحتی در آن وجود ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶)

گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه

این ناهنجاری‌ها در دو سطح جهانی و ملی بروز می‌یابد:

الف) در سطح جهانی. بسیاری از اختلافات، جنگها، تلخی‌ها و ناکامی‌ها به خاطر دوری از معنویت، اخلاق و دوری از خدا و پیام انبیا است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۱) در تمام دنیا جوامعی که به معنویت و اخلاق پشت کرده‌اند گرفتار ناامنی، فاجعه و جنایت شده‌اند تا جایی که گاهی یک مادر اقدام به قتل فرزند خود میکند. در چنین جوامعی ثروت هرگز نمیتواند مردم را خوشبخت نماید چنانکه جامعه آمریکا با در اختیار داشتن ثروت زیاد و امکانات فراوان به خاطر دور ماندن از معنویات گرفتار چنین فجایی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۴/۲۱)

ب) در سطح ملی و داخلی. فاصله گرفتن سیاست از اخلاق، معنویت و فضیلت، و غلبه هواهای نفسانی بر افراد سیاسی، صحنه اجتماعی انسانها را دچار عیب و آفت می‌سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲) بسیاری از ناکامی‌ها بر اثر پشت کردن به احکام و اخلاق و ارزشهای اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۴/۲۱)

طغیان و سرکشی

همه طغیانها و سرکشی‌هایی که در جامعه پدید می‌آید نتیجه عدم تزکیه و تهذیب نفس است؛ انسان مهذب هیچ‌گاه خود را مستغنی نمیداند. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَى» (علق، ۶-۷) خودبینی انسانی که برای خود عظمت و مقام قائل است، سبب طغیان وی میشود. با تهذیب نفس و تزکیه باطن تمام این اختلافات برداشته میشود. (امام خمینی،

از بین رفتن عزت و اقتدار جامعه اسلامی

اخلاق اسلامی اساس کار هر جامعه‌ای است و چنانچه اخلاق مردم اسلامی نباشد و در میان آنان گذشت، صبر، حلم و خوش‌بینی نباشد، اساس کار از بین رفته و عزت و اقتدار جامعه رو به افول می‌گذارد. رشد اقتصادی، اقتدار سیاسی و هرگونه تعالی در کشور مقدمه اخلاق حسنه است، و اساس حکومت اسلامی برای تعالی اخلاق، قرب الهی و رشد تربیتی انسانها است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۴/۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲)

از بین رفتن استقلال کشور

استقلال یک کشور جز با استقلال فرهنگی تأمین نمیشود؛ یک ملت حتی اگر از لحاظ اقتصادی به خودکفایی کامل رسیده باشد و متأثر از قدرتهای بزرگ نباشد، اما فرهنگ، اخلاق، عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان آنان رواج داشته باشد، نمیتواند ادعای استقلال کند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵)

کاهش مشروعیت در نظام اسلامی

در نظام سیاسی اسلام، مردم یکی از ارکان مشروعیت به شمار می‌روند و از پایه‌های اساسی دیگر آن اخلاق‌مداری و رعایت تقوا و عدالت است. حتی اگر تمام مردم برانتخاب زمامداری که از این ویژگیهای اخلاقی برخوردار نیست اتفاق نظر داشته باشند، از نظر اسلام چنین حکومتی نامشروع است. این امر در تمام رده‌های حکومت کاربرد دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶؛ رک: هجو، مکتوبات، ۱۳۷۱/۳/۷)

باز ماندن از سازندگی و آینده‌نگری

جوانان کشور باید تلاش کنند با نیرو و نشاط جوانی زمینه‌های اخلاقی را در خود فراهم ساخته و از آلودگی‌ها و مفسدات اخلاقی خود را دور نگه دارند، چرا که ابتلائات و آلودگی‌هایی که برخی دچار آن می‌باشند قابلیت جوان را در زمینه سازندگی آینده‌اش و آینده کشور از بین می‌برد. دشمن در صدد است آن عواملی که جوانان را تقویت میکند مانند آگاهی‌های

مذهبی و سیاسی، از بین ببرد. از این رو جوانان می‌توانند با ایفای نقش خود در دوره جوانی، و تقویت بنیان‌های اخلاقی، آینده‌ای درخشان بسازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۴)

غلبه شر و فساد

ظلم و ستم، تسلط قدرتها بر ملتها و غارت اموال آنان و بسیاری دیگر از این شرور به خاطر انزوای معنوی و اخلاق انسانی است. منزوی شدن اخلاق و فضیلت و بیان نکردن آن به عنوان ارزشهای والای انسان موجب غلبه شر و فساد بر ملتها میگردد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۷/۱۶-۴۹۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱) عمده فجایعی که در سطح جهان بر سر ملتها می‌آید ناشی از اخلاق سوء و فسادهای اخلاقی افراد است. هر چند ممکن است عوامل دیگر از قبیل عوامل اقتصادی، سیاسی و مانند آن نیز مؤثر باشد اما در ریشه و پایه همه آنها یک عنصر سوء اخلاق وجود دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳)

راهبردها و ابزارهای تحقق و توسعه اخلاق

راهبردهای توسعه اخلاق اسلامی را میتوان در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی دنبال نمود. برخی از مهمترین راهبردها عبارت‌اند از:

التزام عملی مسئولان به آموزه‌های اخلاقی

برای استقرار اخلاق در جامعه، یکی از مهمترین ابزارها، تمرین و مجاهدت مسئولان و افراد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) در جامعه اسلامی هدف، تعالی انسان است که از جمله آنها تعالی روحی و اخلاقی است و همه موظفند در جهت کسب آن تلاش کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) توجه به اخلاق و روحیات اسلامی، برادری، گذشت، ایثار و سایر خلیات حسنه اسلامی، از ارکان اساسی انقلاب اسلامی است که باید در سطح عمومی کشور رعایت گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۱۲) همه اعم از مسئولان و کارگزاران وظیفه دارند همانگونه که در پیروزی انقلاب، در وجود و درون خود تحولی اخلاقی در جهت هدفهای اخلاقی اسلام به وجود آوردند، برای تداوم انقلاب و استقامت و عدم انحراف آن، همان تحول اخلاقی را ایجاد نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۲۶)

مبارزه حکومت با بسترها و ریشه‌های فساد اخلاقی

حکومت موظف است که با فساد و فحشا مبارزه کند و اجازه ندهد که هوس‌های گروهی اندک در جامعه، موجب ترویج فحشا و منکرات و بی‌بندوباری و اغوای ذهنی و فکری افرادی گردد که هیچ انگیزه فسادى ندارند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۲/۴، ۴۲۷؛ ۱۶۰/۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۵/۱۳۸۰) مسئولان کشور با پشتیبانی مردم با عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی مبارزه کنند تا از یک سو خدا را از خود راضی ساخته و از سوی دیگر جامعه را به آرمانهای خودش نزدیک سازند. آماج مبارزه آنان نیز سه عامل فقر، فساد و تبعیض است که پایه همه مشکلات و ناامنی‌هاست. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۳/۵/۱۳۷۹) پیرایش چهره فرهنگی کشور از وظایف کارگزاران است تا چهره‌ای نورانی، اسلامی و کاملاً منطبق با فضیلت‌های اخلاق اسلامی باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۳/۱۳۸۵) از نکات مهم در جهت تحقق اخلاق در جامعه تهیه فهرستی از صفات رذیله و فهرستی از صفات و خلقیات نیک است تا با پایش آنها، آنچه را که از صفات رذیله در انسانها و در جامعه وجود دارد آن را اصلاح نموده و با تمرین، صفات نیک آن را فراهم سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۴/۱۲/۱۳۷۷؛ ۱۶/۱/۱۳۸۵)

الگوسازی شخصیت‌های اخلاقی و معنوی

ارائه یک الگوی درست از زندگی یک ملت و اداره یک کشور از جمله وظایف مسئولان نظام است تا از یک سو جامعه را به سعادت اسلامی برساند و از سوی دیگر الگو و نمونه‌ای پر جاذبه برای جهانیان باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲/۶/۱۳۷۷) یکی از شرایط پیشرفت اخلاق در جوانان داشتن الگوهای مناسب است، الگوسازی یکی از اساسی‌ترین کارها است. برخی با عملکرد و رفتار خود الگوهای بدی برای جوانان هستند. باید الگوهای خوبی به آنان معرفی شود که دارای صداقت، سلامت رفتار، فداکاری، بینش والا، و رفتار نیک با مردم باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۲/۱۳۹۱) از این رو امام خمینی به جوانان متعهد توصیه میکند که خود الگویی برای دیگران باشند و با رفتار خود دیگران را به رفتارهای اخلاقی دعوت کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۴۵-۲۴۶) با نگاهی وسیع‌تر برای رسیدن به سعادت ملت و تحقق یک نظام اخلاقی، بهترین الگو، حکومت امیرمؤمنان علیه السلام میباشد که از آلودگی‌های اغراض

و امیال و شهوات منزه بوده و از دین و اخلاق الهام گرفته بود تا در سایه چنین منشی معنویت، دین و اخلاق تأمین شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲) همچنین در نهضت عاشورا کسانی که در مبارزه معنوی بین فضائل و رذائل پیروز شدند و جنود عقل را بر جنود جهل غلبه دادند، عده اندکی بودند اما پایداری و استقامت آنان، موجب شد که در طول تاریخ از آن الگو بگیرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۹) امام خمینی نیز از جمله مهمترین الگوهای اخلاقی به شمار می‌آید، ایشان دارای ایمانی روشن بینانه بود و نوآوری‌هایی در مباحث دینی به وجود آورد که متکی به دین و مبانی دینی بود، از این رو توانست در زمینه مسائل اعتقادی و اخلاقی نوآوری‌هایی اصولی و بنیادین ایجاد کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۷/۹)

استفاده مناسب از رسانه‌های عمومی و تولید کتب و نشریات اخلاقی

هویت حقیقی جامعه ما هویت اخلاقی آن است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد. از جمله وظایف رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما، برنامه‌ریزی مناسب در جهت پرورش، گسترش و تبیین فضیلت‌های اخلاقی است. صدا و سیما باید خودش را متکفل گسترش فضائل و خُلقیات رفتاری جامعه مانند: انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و بسیاری دیگر از خلقیات بداند. در تمامی برنامه‌های تولیدی از قبیل سریال، محاورات، میزگردها و مانند آن باید تقویت این فضائل مورد توجه باشد. ارتقاء معرفت دینی و ایمان دینی از وظایف صدا و سیما است. تولید برنامه‌های نامناسب تأثیر بسزایی در فاصله گرفتن مردم از دین و اخلاقیات دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۱۱) مأموریت محوری رسانه ملی، مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، اخلاق رفتاری جامعه و آسیب‌زدایی از فرهنگ و اخلاق جامعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۱۱) توسعه کتب اخلاقی و تکرار برخی مباحث آن نیز موجب تهذیب جامعه می‌گردد چرا که نفس انسان از تکرارها و تلقین‌ها اثر می‌پذیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۷/۱۳)

بهره‌برداری بهتر از منبرها و مناسبت‌ها

بهره‌برداری بهتر از منبرها و تبلیغات دینی و مناسبت‌های مذهبی و مساجد و چاپ و

نشر کتابها و مجلات و نشریات در راستای مباحث اخلاقی امری ضروری است؛ در گذشته عالمانی به بیان معارف و پاسخگویی به شبهات می پرداختند؛ اما امروزه این نیاز بسیار گسترده تر است و لازم است کتابها، جزوه‌ها، مجلات و نشریاتی ایجاد شود تا این رسالت را عهده دار گردد و به گسترش دین، معارف و اخلاق بپردازد، در این راه از علما و متخصصان که در این زمینه‌ها مطالعاتی دارند نیز باید استفاده شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۶/۱۴)

مشارکت فعال آموزش و پرورش

یکی از ابزارهای استقرار اخلاق در جامعه آموزشهای اخلاقی به وسیله آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی در همه سطوح است. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۵۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) آموزش و پرورش سنگ بنای آینده کشور است، ارتقا و اصلاح آن موجب توسعه علوم و به ویژه موجب تحقق و توسعه دین و اخلاق میگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۱۲) همت مدارس، باید در جهت ارتقاء اخلاقی و اعتقادی کودکان باشد و این اساس کار در گسترش اخلاق اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵)

استفاده از ابزار پرنفوذ هنر

علمای دین باید معارف دینی را به صورتهای مختلفی همچون مجله و مطبوعات و مانند آنها در اختیار هنرمندان قرار دهند تا آنان با استفاده از این منابع به تهیه فیلم و برنامه‌های مذهبی و اخلاقی اقدام نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۶/۱۴) هنر بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اخلاقی و فضائل اخلاقی است. دشمنان اسلام نیز از ابزار هنر مانند شعر، نقاشی، داستان، فیلم و نمایش برای از بین بردن حقایق و فضائل معنوی و اسلامی و سوق دادن به مادی‌گری و مظاهر مادی سوء استفاده میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱) برخی باید تلاش کنند با اشعار قوی فارسی برجای مانده در آثار بزرگان، عقاید و اخلاق اسلامی را تفهیم نمایند؛ زیرا تأثیر شعر بسیار بیشتر از نثر و زبان نصیحت‌آمیز است. (آیت‌الله خامنه‌ای،

بسط ارزشها در میان همه سطوح و طبقات جامعه

از کاربردی ترین ابزارهای تحقق اخلاق در جامعه، هدایت جوانان و سوق دادن آنان به اندیشیدن و روآوری به اخلاق اسلامی است. در محیط اسلامی تنها با زبان نرم، رفتار اندیشمندانه و عاقلانه، و برخوردی حلیمانه میتوان حقایق را در دلها نفوذ داد. آموزش این امور به جوانان ضرورت دارد تا اخلاق اسلامی در میان آنان گسترش یابد. از آن جمله یادآوری نعمت انقلاب برای تمامی مردم به ویژه جوانان است که اقتدار اسلامی را بازگردانده و ذلتی را که بر ملت ایران حاکم بود و پایه های دینی و اعتقادی مردم را ضعیف ساخته بود از بین بُرد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۲/۲) نظام اسلامی باید تلاش کند با تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه های فضیلت، خواست مردم را در جهت فضائل اخلاقی قرار دهد و هوس های فاسدکننده را از آنان دور سازد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۰/۱۵؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱) بر این اساس امام خمینی سفارش میکند همه افراد وظیفه دارند در تربیت و تهذیب نونهالان تلاش کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۲/۷) حتی ایشان سفارش میکنند زندانها را به مراکز اخلاق و تربیت تبدیل کنند تا زمینه اصلاح و توبه واقعی زندانیان فراهم گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۳/۱۸)

بهره گیری از آیات، روایات و سخنان بزرگان و ترویج سبک و سیره اخلاقی معصومین علیهم السلام

قرآن کریم انسان را به بهترین راه های اخلاقی و بهترین روش های عمل فرد و جامعه هدایت میکند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹) قرآن نیازهای انسان را مورد توجه قرار داده و در هر عصری بهترین نسخه سعادت وی میباشد چنانکه مسلمانان صدر اسلام با عمل به قرآن، در علم، اخلاق و بسیاری پیشرفتهای معنوی و مادی به اوج رسیده بودند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۹/۱) برای بهره مندی از هدایت الهی، لازم است به سوی او گام برداشته شود؛ چنانکه خود قرآن نیز چنین وعده ای داده است؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق، ۲-۳) و در دعای امام سجاد علیه السلام راه منتهی به سوی خدا بسیار نزدیک دانسته شده است؛ «وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۳/۹۵؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۹/۱) قرآن

کریم درباره سیره اخلاقی پیامبر ﷺ او را به خاطر نرمش و مدارا در برخورد با مردم می ستاید «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹) با این حال در آیه ای دیگر خداوند به ایشان فرمان میدهد که با کفار با شدت و خشونت برخورد نماید «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه، ۷۳؛ تحریم، ۹) درباره رفتار فردی، غلظت نکوهیده است اما در اجرای قانون و اداره جامعه و ایجاد نظم این رفتار مناسب است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶) اخلاق رسول خدا ﷺ در دو بخش اخلاق شخصی و اخلاق حکومتی الگویی کامل برای بشریت به شمار می آید؛ در بخش اخلاق فردی، به رغم شرایط نامطلوب آن عصر، تمام فضائل، در حد کمال آن در شخصیت ایشان متجلی بود و در بخش اخلاق حکومتی نیز برترین الگوی اخلاق انسانی به شمار می آمد. وی در حکومت، بسیار عادل و با تدبیر بود، حافظ و نگهدارنده قانون بود و خود نیز محکوم قوانین بود. با دشمنان با مدارا رفتار می نمود اما در مواردی که آنان را در مقابل اسلام، احساس می نمود بسیار سخت گیر بود. (رک: آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳)

قیام امام حسین علیه السلام نیز علاوه بر مبارزه در مقابل باطل، تجسم معنویت و اخلاق بود که مربوط به باطن و نفس انسانها است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱/۱/۹) امام حسین علیه السلام هدف اول خود از قیام را ریشه کنی فساد و ایجاد اصلاح در جامعه میدانند، که از جمله انواع فساد، انحرافهای اخلاقی به شمار می آید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۸/۱/۲۳)

بهره گیری از پایگاهها، مراکز و تشکلهای فعال مردمی

وظیفه تجمعها و تشکلهای دانشجویی آن است که در دانشگاهها در جهت تحقق اخلاق، تلاش نموده و عمق دادن به بنیادهای اخلاقی و انقلابی را هدف خویش قرار دهند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) یکی از مهمترین نیازهای بسیج دانشجویی مسئله اخلاق و معنویت است. آنان افزون بر تقویت بنیانهای اخلاقی خویش باید تلاش کنند در توسعه دین داری، معنویت و اخلاق به یکدیگر کمک کنند. و الگوی مناسبی برای ورودیهای جدید دانشگاهها باشند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۴۵-۲۴۶؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۲/۳۱)

مقایسه‌ی اخلاق اسلامی با سایر نظامهای اخلاقی

با توجه به مبانی اخلاق اسلامی، به سه تفاوت کلی بین نظام اخلاقی اسلام و سایر نظامهای اخلاقی میتوان اشاره کرد:

تفاوت در جهان بینی

چنانکه گفته شد بر اساس جهان بینی اسلامی، انسان موجودی است که از یک سو وابسته به خداوند است و هیچگونه استقلال از خود ندارد؛ زیرا خداوند مبدأ هستی بوده و دیگر موجودات وابسته و نیازمند به او هستند. از سوی دیگر دارای عمری نامحدود و بینهایت است از این رو دارای رابطه‌ای با مبدأ و معاد میباشد. اما دیگر نظامهای اخلاقی دارای جهان بینی مادی بوده و زندگی انسان را منحصر به زندگی دنیا میدانند. (مصباح یزدی،

۱۳۸۸، ۹۲/۱-۹۳؛ همو، ۱۳۹۰، ۵۰-۵۲)

تفاوت در تعیین مصداق سعادت

بر اساس جهان بینی اسلامی، سعادت در نظام اخلاقی اسلام جاودانه و بالاتراز سطح زندگی مادی است اما در سایر نظامهای اخلاقی که دارای جهان بینی مادی بوده، سعادت تنها در دنیا قابل دستیابی است و ورای دنیا لذت و سعادت وجود ندارد. اسلام در عین اینکه مصداق سعادت را در آخرت میداند، رابطه دنیا با زندگی ابدی را حفظ کرده و آن را

در مسیر رسیدن به سعادت مؤثر میدانند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۹۲/۱-۹۴؛ همو، ۱۳۹۰، ۵۰-۵۲)

تفاوت در راه‌های وصول به سعادت

نظام اخلاقی اسلام در مفهوم و کلیات مطلوب بودن رسیدن به سعادت با دیگر نظامها مشترک است اما در مصادیق جزئی و مشخص اختلاف نظر دارد. اسلام شرط لازم و کافی در رسیدن به سعادت حقیقی را ایمان و عمل صالح معرفی میکند. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۹۱/۱-۱۰۱) از سوی دیگر ایمان یک عمل قلبی است و خود به عنوان یک عمل اختیاری در دایره اخلاق قرار نمیگیرد، از این رو نیت و انگیزه نیز مورد توجه بوده که آیا ایمان با انگیزه علم

و معرفت است یا کسب کمال؟ بر این اساس نقش نیت و انگیزه در کار اخلاقی یکی از تفاوت‌های اساسی بین نظام اخلاقی اسلام با دیگر نظامها است. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱۰۶/۱-۱۰۷؛ همو، ۱۳۹۰، ۵۵) از نظر اسلام کاری ارزشمند است که به انگیزه تحصیل رضایت و خشنودی خداوند صورت پذیرد، هرچند نیت در کار اخلاقی نیز دارای مراتب می‌باشد. (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۱۰۸/۱-۱۱۲)

کارنامه و توفیقات انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق اخلاق

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی ارزشی و معنوی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۱/۱۶) که آن را انقلاب ارزشها خوانده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۲۵) ملت ایران در طول سالهای طولانی به جهت قرار گرفتن در جامعه‌ای غیر اخلاقی تغییر نموده و نظام غیر اخلاقی را پذیرفته و بستری برای ظلم و ستم رژیم گذشته فراهم نموده بود. اما سرانجام از این غفلت بیدار شده و با تکیه بر این اصل اسلامی و قرآنی که دگرگونی هر قوم و ملتی را مرهون تحول درونی آنان می‌شمارد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) تحولی در نفوس آنان رخ داد و توانستند نظامی اسلامی را حاکم سازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۸/۱۰-۱۲۹) از جمله ویژگیهای انقلاب اسلامی که منطبق بر حرکت اسلامی صدر اسلام بود، استقرار شریعت اسلامی است که متضمن عدالت اجتماعی و رشد علمی و اخلاقی می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰) جامعه ما به برکت انقلاب، به سمت اخلاق الهی گردش قابل توجهی داشته و ادامه این راه میتواند جامعه را از عدالت اجتماعی برخوردار سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳) ارزشهای اخلاقی که زمینه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استمرار آن را پدید آورد، در چند حوزه قابل پیگیری است:

حوزه اخلاق بندگی

تقوا و توکل. تقوای امام و تقوای ملت و اتکال به خدا از مهمترین عواملی بود که از یک سو انقلاب را به پیروزی رساند و از سوی دیگر رمز پیروزی و موجب تداوم انقلاب و بسیاری از فتوحات در جنگ از جمله فتح خرمشهر و شکست دشمنان در هشت سال دفاع مقدس

است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۱؛ ۱۳۶۹/۳/۲)

اخلاص. در پیروزی انقلاب اسلامی اخلاص از مهمترین عوامل نقش‌آفرین بود. امام خمینی نیز مظهر اخلاص بود که دنیا را در مقابل اسلام خاضع و خاشع کرد و دشمنان را به عقب‌نشینی وادار نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۱۶) ملت ایران با اخلاص خود و وفاداری به امام، معنویتها و ارزشهای اخلاقی را که در جامعه معاصر افول کرده بود زنده کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۸) در جنگ تحمیلی نیز این ویژگی مشهود بود و عزت انقلاب و خواری دشمنان را در پی داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴)

یاد خدا. جمهوری اسلامی از آغاز پیدایش نهضت اسلامی تا تحقق کامل آن بر پایه یاد و نام خدا شکل گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۴/۱۶) زیباترین جلوه‌های یاد خداوند را میتوان در عرصه دفاع مقدس مشاهده نمود. چنانکه رزمندگان اسلام در هر شرایطی با قرائت قرآن، دعا، نماز و مناجات، صحنه‌های خطرناک را پشت سر گذاشته و زمینه پیروزی را فراهم ساختند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۴/۱۶) نمود ذکر و یاد الهی در ابعاد مختلف زندگی مردم به‌ویژه جوانان نشانگر رشد فزاینده دین‌داری در میان آنان است. تجمعهای بزرگ مذهبی مانند حضور در مراسم شبهای قدر، دعای عرفه و سنت اعتکاف که پیش از این در جامعه کم‌رنگ بود، نشانه وجود ارزشهای دینی و یاد خدا در میان آحاد ملت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۲/۱۱)

حوزه اخلاق فردی

خودباوری. تنگناهای اقتصادی و محاصره اقتصادی به‌ویژه جنگ تحمیلی بسترهایی بودند که ملت ایران را به خودباوری رساند تا در بسیاری از زمینه‌ها به رشد و بالندگی چشمگیری برسند؛ چنانکه در جنگ تحمیلی بسیاری از قطعات مورد استفاده در جنگ و صنایع داخلی به دست خود ایرانیان ساخته شد. درحالی‌که دشمنان سالها تلاش کرده بودند خودباوری را از ملت ایران سلب نموده و او را به موجودی وابسته تبدیل کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۴-۱۱۶) خودباوری این باور را در ملت ایجاد نمود که می‌توانند با تلاش و جدیت، اقتصاد، کشاورزی، صنعت نفت و بسیاری از مسائل زیربنایی کشور را احیا

نموده و کارخانه‌ها را با دستان خود راه‌اندازی نمایند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶) ملت ایران با اتکا به این امر توانست آمریکا را که قدرت اول دنیا بود شکست داده و دست او را از منابع ملی کوتاه سازد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۷/۱۴) اسلام به ما خودباوری و انقلاب به ما جرأت بخشید و رشد علمی و خروج از وابستگی علمی نتیجه‌ی همین خودباوری و جرأت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۲۶) افزون بر آنکه انقلاب اسلامی موجب بسط خودباوری در سایر جوامع شد و سبب شد که ملتها باور کنند که با عزم و اراده می‌توانند بر همه مشکلات پیروز شوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱؛ ۱۳۸۲/۶/۲۹)

شجاعت و دلاوری. یکی از برکات انقلاب تحول روحی مردم از ترس به شجاعت بود؛ آنان به‌رغم ترسی که سالها برایشان ایجاد شده بود، شجاعانه علیه شاه قیام کرده تا جایی که حتی توپ و تانک را نیز در این راه بی‌اثر می‌دانستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸/۷) دفاع مقدس نیز عرصه دیگری برای نمایش شجاعت ایرانیان بود. رزمندگان در دوران دفاع مقدس بدون هیچگونه هراسی شجاعانه به دفاع از میهن پرداختند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۵۶/۱۳)

حوزه اخلاق اجتماعی

اتحاد و برادری. مهمترین چیزی که ابرقدرتها را در مقابل ملت ایران مرعوب ساخت وحدت کلمه بود. اتحاد، قدرت ملت را چند برابر می‌کند. چنانکه عقب‌نشینی‌های مکرر دشمنان در طول مبارزه و بعد از پیروزی نتیجه همین امر بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۵) از این رو دشمنان پیوسته در تلاش بودند تا اتحاد ملت را از بین ببرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۳؛ ۱۳۷۵/۷/۱۸؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

شهادت‌طلبی. یکی از متغیرهای انقلاب اسلامی که ملت ایران را متحول نمود، ایثار و شهادت بود که ترسها و اضطرابها را از بین برده و امید به آینده‌ای درخشان و جاودانه را جایگزین آن نمود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۰/۶/۲۵) بنای دولت بر پایه‌های ایثار، فداکاری و اخلاص بوده و در تاریخ انقلاب ایثارگرانی همچون شهیدان رجایی و باهنر فراوان بوده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۲) ایثار و شهادت عامل دوام و حیات انقلاب بوده و توانسته کشور را در برابر انبوه توطئه‌های استکبار

مصون سازد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۶/۱۶-۱۹۷) هیچ ملتی همانند ملت ایران از چنین روحیه ایثارگرانه‌ای برخوردار نیست که زن و مرد و بزرگ و کوچک، ایثارگرانه در جبهه‌ها حضور یافته و در شهادت از یکدیگر سبقت بگیرند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۳/۱۶)

عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی. مهمترین هدف انقلاب اسلامی و قیام توده‌های مردم در سال ۵۷ روحیه عدالت‌خواهی و ستم‌ستیزی بود، و جمهوری اسلامی در جهت تحقق این هدف ایجاد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۱-۷۰/۹)

امر به معروف و نهی از منکر. توجه به امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه انقلاب اسلامی بسیار مورد اهتمام بوده است؛ تا نگاه عموم مردم جامعه و مسلمانان را از مسائل فردی و انحصار این فریضه در گناهان کوچک و بزرگ افراد، خارج ساخته و به مسائل کلان جامعه و حکومت و عرصه‌های ظلم و استکبار جهانی معطوف دارد (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۱۱۴-۱۱۶) و از مسائل ظاهری به لایه‌های عمیق مفاسد در اجتماع بکشانند. (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۱۱۸-۱۱۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶؛ - امر به معروف و نهی از منکر)

پرهیز از توسعه‌طلبی. در نظام جمهوری اسلامی هیچگاه قصد توسعه‌طلبی و دست‌اندازی به حقوق دیگران وجود نداشته و همین امر سبب پیروزی این نظام بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳) توسعه‌طلبی با جهان‌بینی و سیاست اسلامی تناسبی ندارد بلکه این مسئله از ویژگی‌های طاغوتها می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱) با این حال نظام جمهوری اسلامی در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کوتاه کردن دست جهانخواران بوده و این را در سیاست خارجی و بین‌المللی خود لحاظ کرده است، هر چند دشمنان از آن تعبیر به توسعه‌طلبی کنند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۲۱) چنانکه دشمنان، ما را به توسعه‌طلبی و جنگ افروزی متهم می‌نمایند تا اینکه دلیلی بر کینه‌توزی و نفرت خود، در مقابل افکار جهانی داشته باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۲/۴)

حوزه اخلاق زیست‌محیطی

توجه به محیط زیست و منابع طبیعی در کارنامه انقلاب اسلامی به خوبی نمایان است از آن جمله اهتمام به توسعه فضای سبز بوده که به سالم‌سازی محیط زیست کمک شایانی میکند. چنانکه توسعه فضاهای سبز در شهری مانند تهران قابل مقایسه با گذشته

نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۱۷) پس از انقلاب اسلامی و در راستای حفاظت از محیط زیست قوانین متعددی تصویب گردید؛ مانند قانون منع از تغییر کاربری اراضی مزروعی و باغها، مصوب (۱۳۷۴/۳/۳۱) و علاوه بر این بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی میگردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران، ملازمه پیدا کند، ممنوع است. اگرچه در برخی از موارد توسط منفعت طلبان تخلفاتی صورت میگیرد که لازم است بر اساس قانون با متخلفان برخورد شود.

چالشها و آسیبهای اخلاقی فراروی نظام اسلامی

از آسیبهای جدی و ویرانگری که موجودیت و بقاء انقلاب اسلامی را تهدید میکند، آسیبهای اخلاقی است. اصول و مبادی تمامی رفتارهای ناپسند؛ خودبینی، خودخواهی، خودفروشی، خودنمایی و خودرأیی است که هر یک از آنها مبدأ بسیاری از خلق‌های ناپسند و منشأ گناهان بسیار است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۹۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱)

برخی از مهمترین چالشها و آسیبها عبارت‌اند از:

حب دنیا

انسان با محبت به مال و زخارف دنیوی بزرگ شده و این علاقه در قلب وی جای گرفته است. منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و رفتاری و حتی مفاسد دینی نیز همین حب دنیا است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۴۲۹) بر اساس روایات متعدد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۳۱/۲، ۳۱۵-۳۲۰) حب دنیا منشأ و ریشه تمام گناهان است. «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۱۵/۲؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۱/۱۲) بنابراین تمامی مفاسد اخلاقی و اعمالی از ثمرات حب دنیا بوده و تأسیس هر دین و مذهب باطل به واسطه آن صورت گرفته است. حب دنیا انسان را از تمامی فضائل معنوی از قبیل: شجاعت، عفت، سخاوت و عدالت که مبدأ تمام فضائل به شمار می‌آیند دور ساخته و او را با فقر، ذلت، طمع، حرص، چاپلوسی، بغض و کینه و مانند آن قرین

میسازد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۴۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۳۰) بر اساس روایتی اگر بنده‌ای نماز و روزه اهل آسمان و زمین را به جا آورد اما حب دنیا داشته باشد خداوند محبت خویش را به وی نمی‌چشاند. (دیلمی، ۱۴۱۲، ۲۰۶/۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ۵۰)

خودبینی و تکبر

از برخی آیات قرآن استفاده میشود که دلیل سجده نکردن ابلیس خودبینی و تکبر وی بوده است «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ». (اعراف، ۱۲) خودبینی وی سبب استکبار و آن هم سبب خودرأیی و سرپیچی از فرمان الهی شد. شیطان خصوصیتی ندارد و آنچه که او را از درگاه قرب دور ساخت، میتواند مانعی برای راه‌یابی انسان به آن درگاه باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۰۶) خودبینی از مهمترین موانع تکامل است که رذائلی مانند حسد، حرص، طمع و برادرکشی را در انسان ایجاد میکند، چنانکه منشأ بسیاری از جنگها و ظلمها روحیه خودخواهی و خودپرستی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱/۱۵؛ ۱۳۸۵/۷/۲۱) نتیجه این رذیله در برابر خداوند رشد طغیان در انسان، و در برابر انسانهای دیگر نادیده گرفتن حقوق آنان و در مقابل طبیعت تضییع محیط طبیعی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۷۸-۲۷۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۱)

اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافی‌گری پیامدهای بسیاری دارد؛ تأمین نشدن عدالت اجتماعی، دور شدن از روحیه برادری و الفت و انس و همدلی، از جمله این پیامدها به شمار می‌آیند. رواج تجمل‌گرایی در جامعه و عادت کردن به تجمل افزون برآنکه اسراف به شمار آمده و سرمایه‌ها را از بین میبرد، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی را نیز دوچندان میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۰/۴) جاوید ماندن ملت و تحقق اسلام، نیازمند از بین بردن اخلاق کاخ‌نشینی است. هرچند ممکن است نفس کاخ‌نشینی ضرری نداشته باشد اما خوی کاخ‌نشینی مضر است. از این رو برای استمرار زندگی صحیح اسلامی باید روحیه کوخ‌نشینی را در ملت تقویت نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۵/۱۷)

غفلت

در گذر زمان هرگاه مسلمانان دچار غفلت شدند، اخلاق، معنویت، عزت و اقتدار و همه کمالات، متوقف شده و عقب‌گرد کرده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۶/۲۳) و این از مهمترین ابزارهای شیطان است که انسان را از خود و امراض اخلاقی خویش غافل میسازد تا جایی که براساس آیه ۳۹ سوره مریم راه درمان بروی مسدود میگردد. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۳۷) قرآن کریم در موارد بسیاری از مسئله ذکر و غفلت سخن گفته تا هشدار برای مسلمانان باشد که دچار غفلت نگردند. زیرا بسیاری از کسانی که بر اثر قدرت و شهوت گرفتار غفلت شده‌اند در تلاش‌اند تا دیگران را نیز همانند خود غافل و از اخلاق اسلامی برکنار سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۱) غفلت موجب انهدام اخلاق، انحراف فکری و هزیمت روحی است که هر کدام از اینها میتواند شخصیت انسان را از بین برده و موجب فروپاشی تمدنها گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹)

خودفراموشی

قرآن کریم با هشدار به انسان، فراموشی خداوند را سبب آن میداند که خداوند نیز آنان را دچار خودفراموشی سازد. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر، ۱۹) در ادبیات اخلاقی، خودفراموشی به معنای آن است که انسان از هویت و هدف وجود و باطن و دل و روح خود غفلت کند و دچار فراموشی گردد، انسان تسلیم جریان مادی فاسدی شود و در مقابل بدی، فساد و شرّهیچ مقاومتی نداشته باشد. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۷، ۵۲، ۱۳۱) آیت‌الله خامنه‌ای، (۱۳۸۰/۹/۲۱)

خودباختگی در برابر بیگانگان

از مهمترین عوامل فساد در نظام سابق، خودباختگی در برابر بیگانگان بود که مردم را به بی‌ایمانی و فساد و بی‌بندوباری سوق میداد، و استقلال اقتصادی و فرهنگی کشور را بی‌معنا ساخته بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) خودباختگی از جمله آفاتی است که روشنفکران، رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید نموده و آنان را در مقابل اراده

دیگران تأثیرپذیر میسازد و اقتدار آنان را خدشه‌دار می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۲۱۱-۲۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) و ملتها را در برابر بیگانگان ضعیف کرده و موجب نفوذ فرهنگهای مبتذل غرب شده که نابودی و فساد فرزندان آنان را در پی دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۳۳۷)

مدیریت ناتوان و نااهل

برخورداری جوامع بشری، از زمامداران با تدبیر و با تقوا، سبب رشد و تعالی اخلاق آنان بود، اما هنگامی که دچار مدیرانی بی تقوا، ضعیف و نااهل شدند گرفتار مشکلات فراوانی از جمله مشکلات اخلاقی و معنوی شدند. مدیریت‌های ناتوان و نااهل، نظام اخلاقی و سیاسی را در جامعه سست کرده و انسانها را به ضعف می‌کشاند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰)

قدرت طلبی

قدرت طلبی و رقابت بر سر قدرت نیز از دیگر چالشهای فراروی نظام اخلاقی است. اصل قدرت و حکومت و اداره امور مردم امری مطلوب است و انبیا و اولیا نیز در همین جهت گام برداشته‌اند اما آنچه که اخلاق را فاسد نموده و ملتها را به تباهی می‌کشاند قدرت طلبی و طاغوت‌گرایی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۰۷) چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام نیز عهده‌داری حکومت را برای قدرت طلبی و رقابت بر سر قدرت سیاسی نمیداند بلکه آن را در جهت نجات مظلومان از دست ستمکاران به کار می‌بندد. (نهج البلاغه، خطبه ۳ (۵۰)؛ امام خمینی، بی تا «ج»، ۵۵-۵۶) امام حسین علیه السلام نیز قیام خود را در همین جهت دانسته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۲۳) از این رو امام خمینی رحمته الله علیه قیام خود و ملت مسلمان ایران را در جهت رقابت بر سر به دست آوردن قدرت سیاسی و جستجوی ثروتهای ناچیز دنیا نمیداند بلکه آن را برای ارائه ارزشهای دینی و اصول اخلاقی میدانند. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۱۱۱) برخلاف منافقانی که در آغاز نهضت اسلامی ایران با ادعاهایی مانند ایجاد آینده‌ای روشن بر اساس ایدئولوژی دین، در میان نیروهای انقلابی نفوذ کرده و تنها هدف آنان قدرت طلبی بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۱) قدرت طلبی منشأ بسیاری از جنایات علیه ملت‌های ضعیف و مظلوم است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۴) اما درباره اینکه اصالت با اخلاق است یا قدرت، دیدگاه‌های مختلفی ارائه

شده است. برخی مکتبها مانند مسیحیت اصالت را با اخلاق و زندگی مسالمت‌آمیز می‌دانند و رفتار زورمدارانه را در هر شرایطی غیر اخلاقی می‌شمارند، اما برخی دیگر همچون نیچه اصالت را با قدرت و کمال اخلاقی انسان را در قدرت می‌دانند و برآنند که اخلاق مسیحیت؛ بردگی، ضعف، ذلت و عامل رکود بشریت است. برخی نیز اخلاق را وابسته به قدرت می‌دانند اما هر قدرتی را اخلاقی نمی‌شمارند و بر این اساس قدرت استثمارگران، غیر اخلاقی اما قدرتی را که مظلومان جوامع در جهت دگرگون کردن جامعه و تحول آن به مراتب عالی به کار می‌بندند اخلاقی است؛ اما از نظر اسلام تمامی دیدگاه‌های فوق مردود است، از نگاه اسلام اخلاق فقط در روابط مسالمت‌آمیز خلاصه نمی‌گردد افزون بر آنکه در مواردی مبارزه با زور و ستمگری را مقدس شمرده و در شرایطی خاص فرمان جهاد میدهد. در موارد مواجهه با زور نیز، اسلام ابتدا راه حکمت و برهان را برمی‌گزیند و در صورت مؤثر واقع نشدن در موارد نهایی اقدام به اعمال قدرت می‌نماید. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲/۴۹۰-۴۹۱)

تهاجم فرهنگی

آمریکا پس از سالها مبارزه عملی با جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که مبارزه در جهت اعتقادی، فرهنگی و مسائل اخلاقی بسیار کارسازتر است. از این رو تلاش کردند تا با مبارزه اخلاقی بخش عظیمی از امکانات و سلاح جمهوری اسلامی را از بین ببرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) دشمنان اسلام؛ اخلاق، فکر، اعتقاد و عمل مردان و زنان مسلمان را هدف قرار داده و با ایجاد جریانهای ضد اخلاقی مانند فمینیسم، تلاش میکنند در پوشش اسلامی، بسترنحرفات اخلاقی را در جامعه اسلامی فراهم سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۸) آنان تلاش میکنند نسل جوان را فاسد سازند تا نشاط، اراده و امید را از آنان سلب کنند و مشکلات عصبی و اخلاقی برای آنان فراهم سازند و آنان را به نسلی بی‌خاصیت تبدیل نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۸/۸، ۱۳۸۰/۲/۱۲) آنان در پی خاموش کردن پیام آزادی، معنویت، ارزش و فضیلت و کرامت انسانی حاصل شده از انقلابند تا بدین وسیله پشتوانه فکری جوانان که تکیه‌گاه اراده و عزم راسخ آنان است از آنها گرفته شود. از این رو از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریانهای خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام

فسادها، تلاش میکنند تا باورها و پایه‌های اخلاقی آنان را متزلزل سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۸۰/۵/۱۱؛ ← تهاجم فرهنگی)

تقلید از فرهنگ بیگانه

از جمله مشکلات و چالشهای پیش روی گسترش اخلاق و فضائل اخلاقی، تقلید و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه است، چنانکه رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی در جامعه، میل به خشونت، پخش فیلمهای خشن و ضد اخلاقی که نتیجه تقلید از فرهنگ غربی است تهدیدی برای نظام اخلاقی به شمار می‌آیند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۶)

چشم‌انداز انقلاب اسلامی در عرصه اخلاق

چشم‌انداز انقلاب اسلامی به اخلاق و ارزشهای اخلاقی گره خورده است. در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ هجری شمسی، جامعه‌ی ایرانی با چنین ویژگیهایی ترسیم شده است: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی و جغرافیایی و تاریخی خود و متکی به اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۲/۸/۱۲) اهم این ویژگیها، ویژگیهای اخلاقی است که در تفصیل ویژگیهای این جامعه توضیح داده شده است: جامعه‌ای فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری و انضباط و روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی. این ویژگیها از اصولی‌ترین و کاربردی‌ترین ارزشهای اخلاقی است. چنانکه مقام معظم رهبری نیز بر تحقق همه این آرمانها تأکید کرده است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) همچنین امام خمینی علیه السلام تحقق این اهداف را در اصلاح اخلاق و تربیت میدانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۶/۱۹) جمهوری اسلامی به دنبال آن است که بتواند در میان مردم، عدالت، اخلاق، معنویت و رفاه مادی را به وجود آورد. هرچند این کار بسیار بزرگ و دشوار است اما تمام تلاش نظام بر آن بوده که به این مقصود دست پیدا کند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۱/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای،

افزون بر آنکه بتواند نظامی بر محوریت قرآن و رهبری پیامبر و اولیا ایجاد نماید (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۱/۷) و شعار نظام جمهوری اسلامی عدالت، اخلاق، تعالی و رشد انسانها و باز کردن گره‌های زندگی مردم بوده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۳/۱۷-۴۳۴: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۱) جمهوری اسلامی در تلاش است چشم‌اندازی الگو گرفته از نظام اخلاقی رسول خدا ﷺ در عرصه نظام اخلاقی به وجود آورد. آینده این حرکت به گونه‌ای خواهد بود که هر جا معنویتی عمیق‌تر، خالص‌تر، سالم‌تر و منطبق‌تر با فطرت بشر باشد، جاذبه‌ی بیشتری برای ملتها خواهد داشت، و بی‌دینی و بی‌ایمانی و تهی بودن از اعتقاد معنوی، یک ضد ارزش به شمار خواهد آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴) بر اساس جهان‌بینی اسلامی، جریان عالم به سوی حاکمیت حق و به سمت صلاح در حرکت است و رسالت تمامی انبیا در جهت تحقق این هدف بوده است، این هدف در زمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له محقق خواهد شد و در نهایت صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ (مظهری، مجموعه آثار، ۱۸۱/۱۸: حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۲۴۹: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) و جهان به اخلاق ایده‌آل، حکومت ایده‌آل و عدالت ایده‌آل خواهد رسید. (مظهری، مجموعه آثار، ۹۰۲/۱۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اخلاق، حالات و رفتارهای انسان از حیث فضیلت و رذیلت است. اسلام به‌عنوان یک مکتب اخلاق‌گرا دارای نظام اخلاقی ویژه‌ای است. فلسفه نظام دینی و انقلاب اسلامی، تحقق و گسترش اخلاقیات و رشد و تعالی معنویت انسان و جوامع انسانی است. بر این اساس، انقلاب اسلامی تحولی بنیادین است که دارای الگویی اسلامی بوده و بر اساس ارزشها صورت گرفته است. نظام اخلاقی اسلامی مبتنی بر مبانی، اهداف، منابع و ارزشهای خاصی است که آن را از دیگر نظامهای اخلاقی متمایز می‌سازد. اخلاق اسلامی گستره بسیار وسیعی دارد و در مسیر سعادت و کمال انسان در همه شئون زندگی برنامه‌هایی را ارائه نموده است. برای این منظور و به‌ویژه گسترش اخلاق در جامعه اسلامی ایران، عوامل متعددی مانند خانواده، معلمان، رسانه، حوزه‌ها و علما میتوانند نقش‌آفرین باشند. از سوی دیگر بد اخلاقی‌ها و فساد اخلاقی دارای پیامدهای سوئی است

که موجودیت نظام اخلاق اسلامی و انقلاب اسلامی را تهدید میکند؛ از قبیل: از بین رفتن سلامت جامعه، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی، طغیان و سرکشی، قدرت‌طلبی، از بین رفتن عزت و اقتدار حکومت اسلامی و کاهش مشروعیت نظام. از این‌روی مریبان، متولیان و مدیران فرهنگی برای ارتقا بخشیدن سطح اخلاقیات جامعه نیازمند راهبردهای توسعه‌ی اخلاق اسلامی در ابعاد مختلف، علمی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. کارنامه و توفیقات انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق اخلاق در ابعاد گوناگون قابل توجه است. از مهمترین این ارزشها در حوزه اخلاق بندگی میتوان به فضیلت ایمان، تقوا، اخلاص و یاد خدا و در حوزه اخلاق فردی، به فضیلت خودباوری و شجاعت، و در حوزه اخلاق اجتماعی به اتحاد و برادری، ایثار و عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی اشاره نمود. با این حال چالشها و آسیبهایی نیز فراروی جامعه وجود دارد که عدم توجه به آنها از عوامل تهدیدکننده انقلاب اسلامی است. نفوذ رذائلی همچون دنیاطلبی، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی، غفلت، تهاجم فرهنگی و تقلید از فرهنگ بیگانه در میان جامعه به انحطاط و سقوط آن می‌انجامد. در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی، جامعه‌ی ایرانی، توسعه‌یافته و متکی به اصول اخلاقی و جامعه‌ای فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی توصیف شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة الى تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۳. آملی، سید حیدر، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، تحقیق هانری کربن و دیگران، تهران، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۷ش.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ش.
۶. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۰. اسکافی، محمد بن همام، التمهیص، قم، مدرسة الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۴ق.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تقریرات فلسفه، تقریر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»

۱۳. امام خميني، سيد روح الله موسوي، جهاد اكبر، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، بى تا. «ب»
۱۴. امام خميني، سيد روح الله موسوي، ولايت فقيه، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، بى تا. «ج»
۱۵. امام خميني، سيد روح الله موسوي، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. امام خميني، سيد روح الله موسوي، شرح چهل حديث، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ بيستم، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. امام خميني، سيد روح الله موسوي، شرح حديث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. امام خميني، سيد روح الله موسوي، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
۱۹. انصاري، خواجه عبدالله بن محمد، منازل السائرين، تهران، دار العلم، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. جوادى آملی، عبدالله، مبادئ اخلاق در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. جوادى آملی، عبدالله، مراحل اخلاق در قرآن، تحقيق على اسلامي، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. حسيني بهشتي، سيد محمد، حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ش.
۲۳. حسيني بهشتي، سيد محمد، درس گفتارهای فلسفه دين، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. حسيني بهشتي، سيد محمد، شناخت اسلام، تهران، نشر بقیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. خزاز قمی، على بن محمد، كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشرية، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوهكمري، قم، انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۶. خواجه نصير طوسي، محمد بن محمد، اخلاق ناصري، تحقيق مجتبی مينوی، عليرضا حيدري، تهران، انتشارات خوارزمي، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ش.
۲۷. ديلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، الشريف الرضي، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بيروت، الدار الشامية، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. شوشتری، قاضي نور الله، احقاق الحق وازهاق الباطل، تحقيق سيد شهاب الدين مرعشي نجفی،

- قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۸ق.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۳۵. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجديدة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، تحقیق سید رضا صدر، عین الله حسنی، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۸. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۳۹. فقیر اصطهباناتی، علی، خرابات: در بیان حکمت، شجاعت، عفت و عدالت به پیروی از گلستان سعدی، تحقیق منوچهر دانش پژوه، تهران، نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۴۰. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
۴۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۳. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران، شورای آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰ش.
۴۴. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۳ق.

۴۶. مصباح يزدي، محمدتقي، اخلاق در قرآن، تحقيق محمدحسين اسكندري، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۴۷. مصباح يزدي، محمدتقي، انسان سازي در قرآن، تحقيق محمود فتحعلي، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ۱۳۹۰ش.
۴۸. مصباح يزدي، محمدتقي، نقد و بررسي مكاتب اخلاقي، تحقيق احمدحسين شريفي، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ش.
۴۹. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۶۰ش.
۵۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۵۱. مفيد، محمد بن محمد، الاختصاص، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۴ق.
۵۲. مكارم شيرازي، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علي بن ابی طالب عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۵۳. نراقي، محمدمهدي، جامع السعادات، تحقيق سيد محمد كلانتر، النجف الاشرف، دار النعمان، بی تا.
۵۴. نهج البلاغه، الامام علي بن ابی طالب عليه السلام، الشريف الرضي، تحقيق صبحي صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

استبداد



مصطفی ملکوتیان^۱ (مؤلف)

محمدباقر ولدان^۲ (مؤلف)

محمدصادق احمدی^۳ (مستول علمی)

استبداد؛ خودکامگی و خودرأیی سیاسی و مصداق بارز ولایت طاغوت.

استبداد از ریشه «ب د د» در لغت عرب به معنای تفریق و فرد فرد شدن است و زمانی که در باب استفعال استفاده شود معنای باب نیز به معنای لغوی افزون میشود؛ یعنی انفراد در فعل و انجام امور به تنهایی. (ابن منظور، ۱۴۰۴، ۳/۷۸-۸۱) در غرب این واژه برگرفته از لغت یونانی Despotēs به معنای ارباب یا حاکم مطلق است و مراد از آن اقتداری است که حد و مرز قانونی نداشته و خودسرانه به کار برده میشود. (علی زاده، ۱۳۷۷، ۹۳)

در اصطلاح، استبداد به معنای آزادی و خودسری در رأی و عمل است به گونه ای که به دیگران اجازه اظهارنظر یا دخالت در عمل داده نشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۲۰۰؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۵/۲/۱۸) کواکبی استبداد را به معنای خودسری حکومتها یا وصف حکومت افسار گسیخته ای معرفی کرده که در شئون رعیت، به هرگونه که دلخواهش باشد و بدون ترس از بازخواست، تصرف کند. (کواکبی، ۱۳۷۸، ۸۴) برخی از اندیشمندان نیز قبضه قوای مقننه و

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد معارف انقلاب اسلامی

۳. مدیرگروه ادیان ابراهیمی پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمية

مجریه را با استبداد مترادف شمرده‌اند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۶/۲۱)

اگر چه استبداد گونه‌های خاص دارد، اما مراد از آن در ادبیات سیاسی، استبداد در حاکمیت است. حکومت مستبد نیز حکومتی است که حاکمان آن بر تمامی شئون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و... تسلط مطلق داشته و هیچ رأیی غیر از نظر خود را نپذیرفته و درصدد اجرای منویات خود در تمامی عرصه‌ها باشند، بدون اینکه به سایر ایده‌ها و عقیده‌ها احترام گذارند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳) و قانون را چنانکه در اسلام بیان شده بپذیرند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲/۱۱) درحالی که حکومت اسلام حکومت قانون بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۷/۴؛ ۲۸۱/۸؛ همو، بی تا «ب»، ۷۲) و برآمده از مشارکت و حضور سیاسی مردم است.

اسلام در بنیادهای نظری خود ضد استبداد بوده و بر همین اساس همواره درصدد ترویج آزادی و آزادگی در میان انسانها برآمده است، (مطهری، مجموعه آثار، ۴۵۴/۱۷) چنانکه نهضت امام حسین علیه السلام در مقابله با استبداد مطلق بنی امیه به انجام رسید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۷/۲) با این حال با به حاشیه راندن امامت با تمسک به خلافت (بهج البلاغه، خطبه ۳ (۴۸-۵۰)) و در ادامه تبدیل خلافت به سلطنت در دودمان بنی امیه، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲؛ ۱۳۷۹/۲/۱؛ ۱۳۸۱/۶/۳۰) استبداد وارد تاریخ اسلام شد و تا دوره معاصر با شدت و ضعف دوام یافت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۷/۲؛ ۳۰۵/۱۱؛ ۴۵۲) از نظر اسلام نقش پیامبران در مبارزه با استبدادها و اختناقها و درگیری با مظاهر طغیان، از اساسی‌ترین وظایف ایشان است. قرآن بر این نقش پیامبران تأکید فراوان دارد؛ اولاً به پا داشتن عدل را به عنوان هدف بعثت و رسالت ذکر میکند؛ ثانیاً در داستانهای خود، درگیریهای پیامبران را با مظاهر استبداد، مکرر یادآوری میکند و در برخی آیات خود تصریح میکند که طبقه‌ای که با پیامبران همواره در ستیز بوده‌اند، این طبقه بوده‌اند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۱/۲)

پیامبر اسلام در تعالیم ضد استبدادی خود به گونه‌ای اعراب جاهلی را آموزش داد که پس از ایشان نیز شکل سلوک بسیاری از حاکمان مسلمان از دمکرات‌ترین حکومت‌های دوره مدرن برتر بوده است. چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با غلامشان روی یک مرکب سوار میشدند، یا اینکه آن حضرت از پیروانش می‌خواست که اگر کسی حقی بر گردنشان دارد

استبداد / ۱۰۷

حقیقش را باز ستاند و در این مسیر حاضر به شلاق خوردن شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۷/۴) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همین شیوه ضد استبدادی و برابری میان ولی و مولی علیه را رواج دادند چنانکه ماجرای شکایت یهودی از ایشان در تاریخ نقل شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۸/۴، ۳۲۷-۳۲۸)

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، علمای ربانی پرچمداری نهضت مبارزه با استبداد را برعهده داشتند و در این مسیر مجاهدتهای بزرگانی چون میرزای آشتیانی و میرزای شیرازی و سایر مراجع قم و نجف در قدم نخست مبارزه با استبداد در تاریخ ثبت شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۱/۳-۲۴۲) در غالب نهضتها و جنبشهای مردمی علیه ظلم و استبداد شاهنشاهی، علما بودند که پیشاپیش مردم و در صف اول ایستاده بودند و نهضت ضد استبدادی را رهبری میکردند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴)

در میان فلاسفه بزرگ اسلامی ایرانی فارابی فیلسوف بزرگ شیعی در مباحث فلسفه سیاسی خود، جوامع و نظامهای سیاسی را به مدینه فاضله و مدینه ضاله تقسیم میکند و مدینه ضاله را در شش نوع عرضه می‌دارد که یکی از آنها «مدینه تغلب» است. مقصود فارابی از مدینه تغلب، حکومت ستمگر و استبدادی است که با زور و غلبه بر مردم حکومت میکند و مصداق بارز آن را دیکتاتوری یک فرد و یارانش بر مردم و یک کشور و دیکتاتوری و فرمانروایی خودکامه یک کشور بر کشور دیگر بیان میکند. (فارابی، ۱۹۹۶، ۱۰۷-۱۱۳) فلاسفه دیگر نظیر ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا نیز به‌گونه‌ای اشاره تلویحی یا تصریح به مدینه فاضله در برابر حکومت استبدادی داشته‌اند. (احمدی، ۱۳۹۱، ۳-۳۰)

البته صرف نظر از فلاسفه، علمای ربانی و فقهای عظام در طول تاریخ به لحاظ نظری مبانی استبدادستیزی اسلام را در آثار خود بیان کرده بودند؛ مانند: مسائل سیاست که در آثار بزرگان، قرین با اخلاق بیان شده (کواچی، ۱۳۷۸، ۷۷) اما بزرگانی چون میرزای نائینی و اسماعیل محلاتی مستقلاً به این مسئله پرداخته و آن را موضوع بحث خود قرار داده بودند. (رک: نائینی، ۱۳۸۲، ۳۵-۱۷۵؛ محلاتی، بی‌تا)

میرزا محمدحسین نائینی در سال ۱۳۲۷ق در دوره مشروطیت به‌گونه‌ای مبسوط و نظریه‌پردازانه رساله «تنبیه الامه و تنزیه الملة» را راجع به شناخت استبداد و دفاع از

مشروطه به نگارش درآورده است. او در این کتاب سلطنت را در دو قسم تملیکیه و ولایتیه منحصر نموده و سلطنت تملیکیه را همان استبداد معرفی میکند که در آن حاکم، فعال مایشاء بوده و میل و اراده شخصی سلطان در آن، محور حکومت است. (نائینی، ۱۳۸۲، ۴۰-۴۳) نائینی برای پیشگیری از وقوع حکومت استبدادی، حکومت ولایتیه را پیشنهاد میکند که در آن حاکم و محکوم به یک اندازه حرمت داشته و سلطان از طرف مردم یا با نظارت ایشان و با اختیارات محدود و مراعات قانون موظف به پیشبرد امور مملکت بر اساس مصلحت امت است. (نائینی، ۱۳۸۲، ۴۳-۵۰)

در جهان اسلام و در دوره اخیر با حرکت‌های ضد استبدادی سید جمال‌الدین اسدآبادی که بزرگترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی میدانست (مطهری، مجموعه آثار، ۳۱/۲۴) و نیز با نشر و ترویج اندیشه‌های ضد استبدادی مصلحان مسلمانی چون میرزای نائینی، خیرالدین پاشای تونسلی، شیخ فضل‌الله نوری، میرزای شیرازی، رفاعة رافع الطهطاوی مصری، سید عبدالرحمان کواکبی سوری، نامن کمال ترک و میرزا آقاخان کرمانی، بیداری عمومی در میان مسلمانان به وجود آمد. این بیداری از قیام تنباکو و انقلاب مشروطه در قرن قبل گرفته (نظریور، ۱۳۸۰، ۵۷-۸۴) تا خیزش‌های اسلامی در شبه قاره هند و جنوب شرقی آسیا و قفقاز و بالکان و شمال آفریقا و سایر مناطق جهان (رک: شیرودی، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۷۳) تحت تأثیر فعالیت‌های ضد استبدادی مصلحان مسلمان بود.

ملت ایران قرون متمادی درگیر استبداد و خودکامگی شاهان و سلاطینی بود که مردم را رعیت خود پنداشته و هر صدای مخالفی را سرکوب میکردند. این امر سبب افول و تضعیف ایران شد تا اینکه پس از دوران قاجار بیماری دیگری به نام وابستگی و استعمار نیز به استبداد افزوده شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) و با کنار زدن روحانیت ضد استبداد و استکبارستیز، استبداد به تمام معنا بر سر ایران سایه افکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۶/۱۵)

ایران به ویژه پس از استبداد خاندان قاجار و به ثمر نشستن نهضت مشروطه، به شکل دیگری دچار استبداد شد چرا که در حکومت قاجار سلطنت استبدادی مطلقه حاکم بود و به تدریج وابستگی اقتصادی به غرب شروع شد و در زمان اوج این استعمار اقتصادی، زمانی که نهضت مشروطه در صدد تضعیف بنیانهای استبداد و استعمار بود، رضاخان و

فرزندش محمدرضا با استبداد نوین در قالب سلطنت انتصابی (دهقان، ۱۳۸۲، ۱۲۹) بار دیگر مانع از به ثمر نشستن مشروطه خواهی گشته و در قامتی جدید و با استبدادی خشن بیش از پیش وابستگی کشور را تشدید نمودند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲؛ رک: دهقان، ۱۳۸۲، ۱۲۹)

با سقوط رضاشاه و فضای نسبتاً باز بعدی در دهه ۲۰ بار دیگر عرصه برای فعالیت روحانیت شیعه مهیا شد. از پدیده های جریان احیای تفکر دینی در این دهه ظهور امام خمینی علیه السلام و ورود او به صحنه سیاسی- مذهبی بود. با ورود امام خمینی به این عرصه شبکه مبارزان در داخل و خارج از کشور، به مرجعیت و رهبری امام و ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی بر استبداد و استعمار تأکید کردند. مجاهدتهای امام خمینی علیه السلام و یارانشان سبب موضع گیری تند محمدرضا پهلوی شد؛ به گونه ای که به سرکوب صدای اعتراض مخالفان پرداخت و استبداد مدرن را با استفاده از زر و زور و تزویر به کار بست. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۱۹/۱۸-۳۲۰؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۵/۲/۱۳، ۱۳۸۱/۳/۱۴، ۱۳۸۸/۲/۲۲؛ مدنی، بی تا، ۲۷/۲-۳۱، ۵۵، ۵۶، ۱۷۶-۱۷۹)

با تقدیم خون شهدا و تلاشهای بی وقفه امام خمینی علیه السلام سرانجام در بهمن ۱۳۵۷ پس از چندین دهه تکاپوهای سخت و صبورانه، حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام تشکیل شد و استبداد استعماری از مرزهای جمهوری اسلامی ایران خارج گردید.

مبانی نظری مخالفت اسلام با استبداد

اسلام با تکیه بر مبانی اعتقادی، فقهی- حقوقی و اخلاقی خود به مقابله با استبداد پرداخته است. از جمله مبانی اعتقادی میتوان به توحید، انسان شناسی و هستی شناسی اسلام اشاره نمود. همچنین مبانی فقهی به قوانین فقهی- حقوقی چون لزوم عدالت، اصل عدم ولایت، قانون گرایی و... و مبانی اخلاقی در عرصه مبارزه با استبداد نیز، به مواردی همچون پرهیز از اسارت معنوی، شهوت گرایی، غضب و ترجیح منافع خود بر منافع دیگران اشاره دارد.

مبانی اعتقادی

انسان شناسی، هستی شناسی و خداشناسی عرضه شده در اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله،

استبداد را برنتابیده و در قالب‌های گوناگون مخالفت با استبداد را بروز می‌دهند. اسلام با تأکید بر اصل توحید استبداد را با چالش مواجه می‌کند؛ زیرا پذیرش استبداد ملازم با رفتن تحت ولایت طاغوت و دوری از توحید است و در نتیجه اسلام از اساس با این مسئله مخالف است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵-۳۸۸) در یکی از مهمترین آیات قرآن (بقره، ۲۵۷) مؤمنان با خروج از ولایت طاغوت و ورود به ولایت نور معرفی شده‌اند که خروج از ولایت طاغوت به معنای خروج از استبداد معرفی می‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۵/۷-۱۳۷: ← توحید) برخلاف گرایشهای مکاتب مادی غربی که انسان را به فساد و انحطاط سوق می‌دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۶) اسلام بر کرامت ذاتی و شرافت الهی او توجه داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱) و در سایه چنین انسان‌شناسی، خودرایی و استبداد در قبال سایر انسانها را روا نمی‌داند. بنا به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام علت بعثت پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله نیز احیاء همین کرامت و شرافت است: «لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِثَاقِ فِطْرَتِهِ وَيُدْكَرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ انسانها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است برگرداند؛ نعمتهای فراموش شده الهی را به یاد آنها بیاورد و خردهای دفن شده را مبعوث کند». (نهج البلاغه، خطبه ۱ (۴۳)؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۶) اساساً بینش اسلام در رابطه با انسان فراتر از دین و مذهب بوده و عزت و کرامت ذات انسان را مورد توجه قرار داده است؛ چنانکه مجالی برای بی‌توجهی به سایر انسانها و خودرایی باقی نمی‌گذارد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۶-۴۴۵)؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲؛ ۱۳۸۸/۳/۱۴)

در هستی‌شناسی اسلامی، هستی و وجود مساوق با محسوس نبوده (ابن سینا، ۱۳۷۵، ۱/۳-۱۴) و خداوند متعال به‌عنوان مبدأ عالم و هستی تصویر شده است. (بقره، ۲۹) در این بینش معنوی که دنیا به‌عنوان محل گذر لحاظ شده و اصالت به حیات اخروی داده شده است، استبداد و ایجاد اختناق جایی نداشته و رأساً منتفی می‌شود و در مقابل بینش عدالت‌محور جایگزین می‌گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۲۴) توجه به حیات پس از مرگ جهت‌دهنده به زندگی انسان بوده (تغابن، ۷) و در این بینش بدون باور به مبدأ خداوندی برای هستی و معاد، عدالت نیز تحمیلی و اجباری خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۲۷) مجموعه ارزشهایی که در بیان قرآن و روایات آمده است مخالفت با استبداد را در هستی انسان مؤمن نشان

میدهد؛ چنانکه برترین اعمال مؤمن، ایراد سخن حق در برابر حاکم ظالم و مستبد معرفی شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷/۴۵۴)

مبانی فقهی - حقوقی

در مبانی فقهی و حقوقی اسلام، اصولی مطرح میشود که با استبداد تقابل داشته، هیچ جایی برای مشروعیت یا پذیرش استبداد باقی نمی‌گذارد، اصولی چون عدم ولایت، عدالت‌محوری و قانون‌گرایی به مواجهه با استبداد برمی‌آید. علاوه بر اینکه نظام اجتماعی و حکومتی اسلام با تکیه بر مردم‌سالاری دینی و با هدایت ولی فقیه عادل اساساً استبدادستیز است.

عدالت‌محوری. اسلام ناب محمدی ﷺ در پی ترویج عدالت بوده (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۶-۴۴۵)) و در این میان امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان الگوی تام اسلام ناب در احیای عدالت حتی نسبت به برادر خود نیز استثنا قائل نشدند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴ (۳۴۶-۳۴۷)) عدالت از چنان اهمیتی برخوردار است (حدید، ۲۵) که مرجع تقلید بدون داشتن ملکه عدالت شایستگی تقلید ندارد، (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۹) قاضی اگر عادل نباشد نمیتواند قضاوت کند؛ (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۸۲۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳) ولی فقیه اگر عادل نباشد از رهبری عزل شده (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۶۸) و در دادگاه اگر شاهد، عادل نباشد، شهادتش پذیرفته نمیشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۸۵۱-۸۵۲) البته در تمامی این موارد مراد از عادل، فرد دارای عصمت نیست؛ بلکه پرهیز از گناه عمدی و استغفار و مصر نبودن برگناه از روی غفلت ملکه عدالت را ایجاد میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳)

قانون‌گرایی. اسلام مخالفت با قوانین را اعم از اینکه قوانین ذاتاً اسلامی باشند یا نه، برنمی‌تابد. (امام خمینی، مجموعه آثار، ۱۴/۴۱۳-۴۱۵) قانون‌گرایی با این نگاه که قانون ریل حرکت جامعه است از شاخصه‌های دولت اسلامی و زمینه‌ساز تمدن اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶) در متون معتبر و مرجع اسلام لزوم مراعات نظم و انضباط و توجه به قوانین قید شده است. (نهج البلاغه، نامه ۴۷ (۴۲۱-۴۲۲))؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶) قانون‌گرایی تا جایی مورد تأکید اسلام است که شخص ولی فقیه نیز بایستی مطابق با قوانین عمل نماید (آیت‌الله خامنه‌ای،

و حتی پیامبر نمی بایست از قوانین ثابت الهی تخطی کند (تحریم، ۱) و در صورت نقض این قوانین و شرک و ورزیدن اعمالش حبط خواهد شد. (زمر، ۶۵)

اصالت عدم ولایت. در اسلام هیچ حاکمیت و ولایتی بر انسانها پذیرفته نیست؛ مگر اینکه از سوی خدای متعال و شارع مقدس تنفیذ شده باشد که نوعاً با وصف عدالت و تقوا در ولی همراه میشود. صرف نظر از مواردی که شارع تنفیذ کرده باشد که از آن به اصالت ولایت تعبیر میشود و مختص رسول خدا ﷺ، ائمه علیهم السلام و اولی الامر است، اصل در اسلام عدم ولایت فردی بر فرد یا افراد دیگر است. (امام خمینی، ۱۴۱۸، ۱۸-۱۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶)

علاوه بر این اصول؛ اساساً در نظام سیاسی اسلام، استبداد مطرود است و حکومت اسلامی حکومتی است که استبدادستیز بوده و با زعامت و رهبری ولی فقیه عادل و به شیوه مردم سالاری دینی اداره میشود. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۳۰) اساساً اسلام با حکومت استبدادی که یک نفر مستبد، جان و مال مردم را به بازی گرفته و مطابق میل و هوس خود در حکومت دخل و تصرف کند را از هیچ کس حتی رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم السلام نمی پذیرد. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۴۳)

مبانی اخلاقی

از آنجا که استبداد در ذات خود با استئثار، - روحیه جلب همه‌ی منافع و امکانات برای خود- اسارت مادی و معنوی انسانها، شهوت‌گرایی و سلطه‌جویی همراه است، مبانی اخلاقی اسلام ناب محمدی ﷺ چون ایثار، آزادگی، برابری و برادری آن را برنمی‌تابد. استبداد با ارزشهایی مانند آزادی، کرامت انسانی و حقوق بشر منافات دارد؛ ارزشهایی که اسلام از آنها به نیکی یاد کرده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱) تأکید اسلام بر کرامت ذاتی انسان نیز مبنای دیگری است که سرسپردگی منافی با اختیار و آزادگی انسانها در برابر طاغوتیان را برنتابیده و به ستیزه با استبداد می‌رود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) از این منظر انقلاب اسلامی بر مبنای ارزشهای الهی، به طورکل با استبداد مخالف بوده و برای انسان موحد و بروز و ظهور استعدادهایش ارزش قائل است.

اسلام وظیفه خطیر انبیا را آزاد نمودن انسانها از اسارت معنوی در دو بعد معرفی کرده

است: از یک سوانسان بایستی از اسارت نفس خارج شود و از سوی دیگر از یوغ مستبدان و ستمگران ظالم بیرون بیاید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۷/۱۷) در حقیقت اسلام به دنبال پیشگیری از شکل گرفتن استبداد درونی انسان و نیز خروج از سلطه مستبدان است. برابری انسانها در پیشگاه خداوند و فقدان امتیاز برای افراد جز در تقوا یکی از مبانی اخلاقی اسلامی است که بر اساس آن، استبداد که منجر به برتری و سلطه جویی عده‌ای بر دیگران شده، نفی میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۸-۳۸۷/۵) از این رو اسلام با هر آنچه که برابری را در جامعه برهم زده و امتیازات پوچ و بی محتوا را در جامعه حاکم نماید، به مبارزه می پردازد.

قرآن کریم نگاهی ویژه به تعامل و همیاری در حیات اجتماعی دارد و این روش را مؤثرترین راه موفقیت در راستای حقیقت جویی و واقع یابی می شناسد، به همین دلیل مشورت با دیگران را نشانه خردمداری و وسیله راهیابی به هدف معرفی میکند: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، (زمر، ۱۷-۱۸) از همین روست که در معرفت سیاسی ارائه شده توسط اسلام استبداد رأی و نظراس سوی هر کسی و با هر نامی رد شده است. استبداد در رأی نتیجه‌ای جز استکبار و دست اندازی و تجاوز به ملتهای مظلوم و جنگ طلبی های خشن و قهرآمیز نداشته و اسلام عدالت خواه از اساس با آن مخالف است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۲۴)

زمینه‌ها و عوامل ظهور استبداد

زمینه‌های استبداد مواردی است که فرایند تأثیرگذاری علل و عوامل استبداد را شتاب بخشیده و تسریع میکنند. ولی عوامل ظهور استبداد مواردی است که خود، مسبب استبداد هستند و مستقیماً موجب شکل‌گیری استبداد میشوند.

زمینه‌ها

زمینه‌های بروز و ظهور استبداد را میتوان در دو بعد ساختاری و فردی دسته‌بندی کرد. در بعد ساختاری، نظام و نوع ساختار استبدادزده در سیاست و فرهنگ موجب تسریع

عملکرد عوامل ظهور استبداد میشود و در بعد فردی، حالت نفسانی آحاد جامعه زمینه ساز استبداد میگردد.

ساختار سیاسی استبدادی. در صورتی که ساختار سیاسی حاکم بر جامعه به ضرر آحاد جامعه بوده و در حالی نهادینه شود که شاهان مستبد صداها و بینشهای مخالف را در نطفه خفه نموده و فضای اختناق را بر جامعه حاکم کنند، فضای سیاسی تحمل شنیدن صدای دیگری را نخواهد داشت (رفعی پور، ۱۳۷۷، ۳۸۷-۳۹۱) و با رفتن یک شاه مستبد شاه مستبد دیگری ظهور خواهد کرد که با همان منش به حکومت خواهد نشست. (شریف، ۱۳۸۱، ۶۵-۶۶)

ساختار اجتماعی فرهنگی مبتنی بر نابرابری. در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه استبدادزده انتقاد وجود ندارد (رفعی پور، ۱۳۷۷، ۳۹۵) و در نتیجه جامعه بر نابرابری گروه‌ها و دسته جات مختلف شکل گرفته و سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در اختیار عده قلیلی قرار میگیرد. این امر سبب بیگانگی سایر اقشار در همه‌ی عرصه‌های مذکور شده و زمینه را برای پذیرش استبداد فراهم می‌آورد. (شریف، ۱۳۸۱، ۶۷)

حالت فردی و نفسانی. اگر انسان از عیوب و نواقص خود غافل شده و از یک سو در محاسن خویش نظر نموده و از سوی دیگر از عیوب خود غفلت نماید و در سطحی دیگر محاسن خلق خدا را نادیده انگاشته و معایبشان را در نظر آورد، به تدریج در نفسش خود را برتر از دیگران دیده و با کبر، خود را بزرگتر از دیگران می‌پندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۳۳۳-۳۳۴)

عوامل

در کنار وجود زمینه‌ها، باید از عوامل داخلی و بیرونی ظهور استبداد نیز سخن گفت، عواملی چون جهل سیاسی عمومی، تفرقه امت، ولایت‌گریزی، سکولاریسم، منافع استکبار و غفلت خواص و نخبگان.

عوامل داخلی. عوامل داخلی به علل درونی جامعه اطلاق میگردد که موجب بروز و ظهور استبداد میشوند. از مهمترین این عوامل میتوان به جهل سیاسی، بی‌تفاوتی، ولایت‌گریزی، غفلت خواص و نخبگان در روشنگری اشاره کرد.

جهل سیاسی. جهل نخستین عامل و ریشه‌ی بروز استبداد است؛ لذا در جریان

نهضت‌های مشروطه و سایر جنبش‌های اصلاحی به خاطر فقدان تجربه و آگاهی، این حرکتها و جنبش‌های ضد استبدادی به نظام شاهنشاهی و شاه‌پرستی در قامت رضاشاه مصادره شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) نمونه آشکار این مسئله جهل سیاسی در انجمن موسوم به حجتیه بود که به سبب ناآگاهی خواص، این جریان سبب قوت یافتن دستگاه استبدادی پهلوی شده بود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۷/۲: ۲۸۱/۲۱)

بی‌تفاوتی. بی‌تفاوتی ملت در مواجهه با استبداد سبب تقویت قدرتهای استبدادی شیطانی شده و فضای اختناق را تقویت میکند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۷۱/۴) پس از انقلاب اسلامی نیز دشمن همواره برای بازگرداندن منافع خویش سعی در تقویت روحیه‌ی بی‌تفاوتی در میان مردم داشته تا از این مسیر به اهدافش دست یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۱۸) بی‌تفاوتی در کنار ذلت‌پذیری سبب تسلط دشمنان خارجی بر منافع کشورهای ضعیف خواهد شد چنانکه در مورد ارتش عراق و مقاومت نکردن در برابر ارتش آمریکا این امر مشهود بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵)

ولایت‌گریزی. از دیگر عوامل ظهور استبداد روی‌گردانی از ولایت اولیاء خداوند روی زمین است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۷/۲: ۳۰۵/۱۱: ۴۵۲) چنانکه فقها در دوران پیش از انقلاب اسلامی نیز آغاز استبداد دینی را به مقابله معاویه با امام علی علیه السلام منسوب کرده‌اند. (نائینی، ۱۳۸۲، ۱۴۴-۱۴۵) در انقلاب اسلامی و نیز نهضت مشروطه و یا مقابله با قراردادهای ننگینی مانند رویتر و تنباکو که در جهت تأمین منافع استبداد داخلی و استکبار جهانی تدوین شده بود، بدون حضور روحانیت، پیشرفت قابل توجهی نصیب نهضت ضد استبداد نمیشد؛ چنانکه در جنبش‌هایی که پیشتر نیز برقرار شده بودند، بدون حضور علما و رهبری ایشان، جنبش‌ها عقیم ماندند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۹) بر همین اساس انقلاب اسلامی ولایت فقیه را در سایه سار ولایت اهل بیت علیهم السلام به منظور جلوگیری از استبداد پیش‌بینی کرده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۴/۱۱)

غفلت نخبگان و خواص در روشنگری. استکبار جهانی با استفاده از جهت‌دهی جریان اطلاعاتی به نخبگان، سعی بر انحراف یا خاموش نمودن صدای ایشان دارد تا از این طریق و با جدا نمودن این قشر از بدنه جامعه مقدمات پیاده شدن استبداد را فراهم نماید.

(رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۳۴۶) در جریان مشروطه و سربره‌داری شیخ فضل‌الله نوری و سایر حرکت‌های ضد استبدادی در صورت همراهی نخبگان و آگاهی بخشی جامعه توسط ایشان موفقیت‌هایی نصیب اسلام میشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۹/۲۰۹/۱۳۸۵)

عوامل بیرونی. منظور از عوامل بیرونی دسته‌ای از عوامل است که از ناحیه جامعه و امت نبوده و از سوی مستبدان و حامیان بیرونی آنها ایجاد میشود.

تفرقه. اختلاف و فقدان وحدت میان امت اسلامی عامل تحقق بخشی استبداد است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۸۳) دشمن از طریق اختلاف افکنی، سخنان تفرقه‌آمیز خود را طرح میکند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲/۳۱۹۴) و هر زمانی که امت اسلامی بخواهد متحد شود، ایادی استکباری با ایجاد اختلاف میان دسته‌جات مختلف و فاصله‌اندازی میان اصناف، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۴۵؛ ۱۱/۲۹۰؛ ۱۸/۴۱۰-۴۱۱) چماق استبداد را به سرامت اسلامی می‌کوبند؛ چنانکه استعمارگران در ماجرای مشروطیت از طریق ایجاد اختلاف، سایه سیاه استبداد را بر سر مردم ایران نگاه داشتند. (رک: نائینی، ۱۳۸۲، ۱۴۱-۱۵۸؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۴۱۰-۴۱۱)

ترویج و القای سکولاریسم. علی‌رغم تأکید اسلام در مورد پیوند دین با سیاست که در جهاد و برقراری عدالت اجتماعی و... خود را ظاهر می‌سازد (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۱۱-۱۲۱) و با توجه به استبدادستیزی و طاغوت‌ستیزی اسلام ناب محمدی ﷺ، استبداد برای نفوذ هرچه بیشتر خود در پی ترویج شعار جدایی دین از سیاست برآمده و از این مسیر درصدد القای این اندیشه‌ی غلط و تحکیم پایه‌های خویش است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۷۸) شدت مخالفت انقلاب اسلامی با سکولاریسم استبدادی تا جایی است که برخی مدعی شده‌اند که انقلاب ایران در تقابل با سکولاریسم نبوده؛ بلکه نوع استبدادی آن را برنتابیده است، (Eisenstein, 2004, 213) گرچه سکولاریسم از اساس در اندیشه انقلاب نفی شده است.

منافع استکبار. استبداد داخلی معمولاً با تکیه بر استکبار بیرونی که درصدد غارت ملت‌های مستضعف است، به حیات خود ادامه میدهد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۴۵؛ ۱۱/۲۹۰؛

۱۸/۴۱۰-۴۱۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۴)

نفوذ فرهنگی. نفوذ به فرهنگ و برساختن ساحت تمدنی جامعه‌ای که در نقش رعیت برای استبدادگران است، عاملی برای توسعه استبداد فرهنگی است. به این منظور

استبدادگران معمولاً با تحریف ارزشها و با توسل به شیوه‌های آموزشی و فرهنگی به دنبال تحقق خواسته‌های خود هستند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۴/۶)

مرحوم نائینی در تنبیه الأمة عوامل استبداد را در جهل مردم، استبداد دینی، شاه‌پرستی، ترساندن و اذیت و آزار آزادی‌خواهان، طبیعت ستمگری دولتمردان و استفاده از امکانات مملکت برای سرکوبی ملت و تفرقه میان امت عنوان کرده است. (نائینی، ۱۳۸۲، ۱۴۱-۱۵۸)

اشکال و قالبهای استبداد

استبداد در هر دوره‌ای شکل مناسب با عصر خود را گرفته و درصدد ضربه به آزادی و آزادگی است، به این ترتیب که در دوره قدیم یک فرد مستبد در رأس قرار داشت و همه چیز را از آن خود می‌پنداشت، در رده‌های بعدی به ترتیب نزدیکی به فرد مستبد، نزدیکان او نیز از کنار او استفاده می‌بردند. این روش سنتی تا انقلاب فرانسه مقارن با دوره مشروطه، روش استبدادی حاکم بود. (اخوان مفرد، ۱۳۸۱، ۲۸۲-۲۸۵)

استبداد را در یک نگاه کلان میتوان به سنتی و مدرن تقسیم نمود. (آشوری، ۱۳۸۳، ۲۴-۲۵)

صرف نظر از استبداد سنتی و بداهت مفهومی آن، (رک: ابتدای مقاله، مفهوم‌شناسی) استبداد مدرن را میتوان در قالبهای «استبداد دمکراتیک، مارکسیستی، سوسیالیستی، سرمایه‌داری، استبداد دینی و سیاسی و در اشکال فردی، گروهی و بین‌المللی» بررسی نمود.

اشکال

استبداد ممکن است به شکل استبداد فردی (شفائی، ۱۳۸۰، ۴۷، ۶۵) مانند دیکتاتوری رضاخانی ظهور نماید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۲/۱) استبداد گروهی و حزبی نیز شکلی دیگر از استبداد است که پس از تعمیم نظری به عنوان قالبی برای استبداد ارائه میشود چنانکه استبداد مارکسیستی، کمونیستی و سوسیالیستی نخست احزاب و گروه‌هایی بودند که با توسعه و ترویج نظری به قالبی استبدادی بدل شدند که در کشورهای مختلف به کار گرفته شدند. (میلانی، ۱۳۷۸، ۱۶۱-۱۷۵) در عرصه گسترده‌تر استبداد را میتوان در سطح بین‌المللی نیز دنبال نمود چنانکه بسیاری از قدرتهای استکباری درصدد تعمیم استبداد

منطقه‌ای خود به سطح جهانی برای رسیدن به اهداف خود هستند و از طریق اجبار به تن در دادن ملت‌های مستضعف دنیا، به دنبال تحمیل استبداد خویش هستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹) استبداد بین‌المللی اجازه رشد و پیشرفت و تخطی از حکم مستبدان جهانی به سایرین ننمیدهد و به‌طور خاص با رشد و توسعه ملل مستضعف مخالف است. استبداد استعماری که جهان را عرصه‌ی حکومت طاغوتی خود میدانند هر صدای مخالفی را سرکوب نموده و در این مسیر در هر زمانی مسئله‌ای را مستمسک سرکوبی قرار داده (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۱۲) و عرصه‌های پیشرفت ملل مخالف استبداد را دستاویز خود قرار میدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۱۰)

قالبها

استبداد لزوماً به شکل سیاسی حکومتها ربط مستقیمی ندارد به این معنا که امکان دارد در کشوری مردم‌سالاری به هر شکلی حاکم باشد، با این حال گونه‌ای از استبداد از دل آن مردم‌سالاری برخاسته باشد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۷/۴) چنانکه برخی از انقلابها به استبداد کشیده شده (مطهری، مجموعه آثار، ۲۵/۲۸۷) و در برخی کشورهای استعمارگر که نوع حکومت دمکراتیک است، هیئت حاکمه در جای دیگری استبداد و اختناق پیا کرده و از ظلم و تعدی حمایت میکنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۳۸) این امر در رفتار سیاسی کشورهای سلطه‌گر و مستکبر به روشنی دیده میشود که نه تنها با استبداد مخالفتی ندارند، بلکه آشکارا به کشورهایی که در دولت‌هایشان حتی در چینه‌ای به انتخاب و آزادی مردم باز نشده کمک کرده و با آنها همسو و همراه هستند تا از این رهگذر به منافع استعماری خویش دست یابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹)

در دوره مدرن حکومت‌هایی که به ظاهر منش و روش دمکراتیک داشته و اصول دمکراسی را ظاهراً مراعات میکنند، در عمل در زمره حکومت‌های استبدادی به شمار می‌روند؛ چرا که زمامشان در دستان اقتصادهای بزرگی است که از شخص نخست تا یاران رؤسای جمهور را تعیین میکنند تا قوانین همان قوانینی باشد که این اقتصادهای بزرگ بدان نیازمندند. چنین استبداد مدرنی در سلب آزادی و کرامت انسانی با استبداد سنتی، جز در ظاهر هیچ

تفاوتی ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۷/۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰)

استبداد سوسیالیستی و مارکسیستی از دیگر قالبهای استبداد است که در دوره‌ی مدرن و پس از ظهور نظریه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی ظهور نمود. استبداد سوسیالیستی در نازیسم و کمونیسم و... و استبداد مارکسیستی نیز در بلوک شرق و به‌ویژه حوزه نفوذ شوروی سابق به‌روشنی دیده می‌شود. (میلانی، ۱۳۷۸، ۱۶۱-۱۷۵)

قالب دیگر استبداد، قالب دینی است که اگر با استبداد سیاسی درآمیخته شود راه برون‌رفت از آن بسیار دشوار خواهد بود. (نائینی، ۱۳۸۲، ۵۸) از منظر مرحوم نائینی استبداد دینی ریشه در فعالیت‌های معاویه دارد که برای مقابله با امیرالمؤمنین علیه السلام با همکاری برخی از افرادی که نزد عوام ایشان را در عداد صحابه گنجانند، استبداد دینی را توسعه داد. (نائینی، ۱۳۸۲، ۱۴۴-۱۴۵)

ویژگیهای استبداد

ویژگیهای استبداد، به آن دسته از لوازم قریب و خاص استبداد نظر دارد که شکل دهنده و ایجادکننده بوده و بدون آنها تصور معنای استبداد ممکن نباشد و با پیامدها و آثار که در نتیجه استبداد بروز میکنند، متمایزند. از ویژگیهای استبداد باید به انحصار قدرت، طرد مردم، سلب آزادی، اختناق و سرکوب صدای مخالف، تبعیض و بی‌قانونی (اخوان مفرد، ۱۳۸۱، ۲۷۶؛ حسینی فر، ۱۳۸۸، ۱۶۸؛ اخترشهر، ۱۳۸۳، ۳۰-۳۱) اشاره کرد.

انحصار قدرت

از آنجا که حکومت‌های استبدادی فاقد مکانیسم انتقال قدرت هستند، سبب تمرکز قدرت و سوءاستفاده از قدرت به نفع مستبدان و نزدیکانشان میشوند. سوءاستفاده از قدرت برای سیطره بر اقتصاد به نفع اطرافیان، یکی از شایع‌ترین ویژگیهای استبداد است که در دوران استبداد پهلوی نیز مشهود بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۷/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

سلب آزادی

از ویژگیهای استبداد سلب آزادی از امت و زیردستان است به گونه‌ای که دیگران نه تنها در عرصه‌ی نظر بلکه در عرصه عمل نیز توان مخالفت نداشته و باید مطابق با رأی استبدادگران عمل نمایند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۰/۴)

اختناق و سرکوب سایر اندیشه‌ها

تفتیش عقاید و بازخواست از صاحبان اندیشه به جرم مخالفت با مستبدان از دیگر ویژگیهای استبداد است چرا که مستبد تحمل شنیدن صدای مخالف خویش را نداشته و در این مسیر پس از تفتیش عقاید به سرکوب و حذف فیزیکی صداهای مخالف اقدام میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۰/۳) برای نمونه رضاخان، شاه مستبد پهلوی، با اجرای تصمیم انگلیسی‌ها مبنی بر سرکوب قیامها، سلطه بر نفت و جلوگیری از گسترش کمونیسم به یک قدرت استبدادی مطلق و نظامی تبدیل شد. استبداد و اختناق در دوره حکومت او، بر تمام امور از جمله امور فرهنگی جامعه سایه افکند و در این اثناء بسیاری از بزرگان به شهادت رسیدند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۹؛ ۱۳۸۹/۸/۵)

طرد نخبگان و توده ملت

از دیگر ویژگیهای استبداد و نظام استبدادی بی‌توجهی به ملت و نخبگان و کنار زدن ایشان است به گونه‌ای که هویت و حیثیت ایشان سلب شده و در تمام شئون محتاج غیر میشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۹/۸) علاوه بر این استبداد با خوی استکباری و گردنکشی، ملت را نادیده گرفته و نسبت به نخبگان و خواص نیز بی‌حرمتی نموده و ایشان را تحقیر می‌نماید، چرا که صدا و اندیشه ایشان را منحل حاکمیت مستبدانه خود می‌بیند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۹/۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۱۲)

بی‌قانونی

استبداد چنانکه در تعریف ذکر شد (رک: ابتدای مقاله، مفهوم‌شناسی) با خودسری و بی‌قانونی

آمیخته است به گونه‌ای که در رژیم استبدادی، شخص نخست هرگونه که بخواهد در حکومت دخل و تصرف نموده و هرکه را بخواهد بخشیده و یا انعام میدهد و از دارائی‌های مردم و حقوق ایشان سوءاستفاده میکند. در این رژیمها رئیس دولت، خود قانون وضع نموده و اراده خود را بر جامعه حاکم میکند. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۴۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱۰)

تبعیض

با توجه به فاصله میان حکومت استبدادی و مردم و توده‌ها، نظامهای استبدادی، فساد سلسله مراتبی و تبعیض را به منظور سامان دادن به نظام خود شکل می‌دهند. به این صورت که برای افراد خاصی همانند خوانین تبعیض و اختیارات ویژه در نظر می‌گیرند تا به واسطه این اختیارات توانایی اعمال حکومت استبدادی فراهم شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۷) لازمه وجود چنین حکومتی با این اوصاف، بی قانونی و تأمین منفعت مستبدان به نام قانون است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۸۶-۱۹۹۰)

در یک نگاه کلی میتوان از مبارزه با دین، سرکوب و اختناق، بی قانونی و قانون‌گریزی ساختاری، اعمال کنترل دائمی بر زندگی سیاسی و اجتماعی، خشونت دائمی در ابعاد گسترده، بی ثباتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ترویج و اشاعه فساد از جمله ویژگیها و لوازم حکومت استبدادی نام برد.

پیامدها و آفات استبداد

آثار بیرونی و درونی استبداد- که از آن با عنوان پیامد و آفت یاد میشود- با توجه به تجربه‌های تاریخی در دو سطح معنوی- فرهنگی و اقتصادی- سیاسی مورد بررسی قرار میگیرد. در بخش نخست آفات و پیامدهای دینی، اخلاقی و فرهنگی و در بخش دوم آفات و پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استبداد بررسی خواهد شد.

پیامدهای معنوی و فرهنگی

سلب هویت. استکبار پس از تسلط بر هر جامعه‌ای به دنبال سلب هویت ملی برمی‌آید.

(آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۸/۱۲) در این مسیر حکومت استبدادی بهترین ابزار مورد نیاز استکبار است (رفعی‌پور، ۱۳۷۷، ۳۹۰) که با حمایت از چاپلوسان بی‌هویت و مشارکت ندادن مردم و نخبگان در امور کشور (حسینی‌فر، ۱۳۸۸، ۱۶۸-۱۶۹) و ترویج فساد و بی‌بندوباری، هویت فرهنگی جامعه را سلب نموده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۹/۱۲) و سبب گریز توده‌ها و نخبگان می‌گردد.

تحریف و طرد دین. با توجه به ماهیت ضد استبدادی اسلام ناب، مستبدان همواره گرایش به جدایی سیاست از دین و ایجاد یک نظام سکولار و راندن دین از حوزه سیاسی و عمومی به حوزه شخصی داشته‌اند، خواسته‌ای که از سوی روشنفکران سکولار و لائیک حمایت شده است. در ایران سیاستهای فرهنگی حکومت مستبد رضاخانی و پسرش در زمینه‌هایی چون تجددگرایی، باستان‌گرایی، اسلام‌گرایی و اسلام‌ستیزی، وابسته کردن مطبوعات و... جز تضعیف اقتدار این حکومت استبدادی و پیدایش بحرانها و نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی نتیجه‌ای نداشت. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۸/۷-۵۰۹) در این میان تفرقه امت اسلام که عاملی برای ظهور استبداد به شمار می‌رود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۲/۶؛ رک: همین مقاله، اشکال و قالبها) استبداد را رشد داده و اسلام و قرآن را تضعیف می‌کند.

(امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۲/۶-۳۸۳)

عقب‌افتادگی و تنبلی جامعه. استبداد در بعد اجتماعی و فردی آثار جبران‌ناپذیری بر ملت‌ها می‌گذارد که از جمله مهمترین این آثار میتوان به سستی و تنبلی ملت‌ها در زندگی فردی و هدر رفت استعداد ملت (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲) و در نتیجه وابستگی ملت و کشور در حیات اجتماعی اشاره نمود. میراث دوره استبداد، گریز از کار در میان جامعه و توجه به منافع شخصی کوتاه‌مدت (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳) و عقب‌افتادگی کشور از سایر رقباست.

(رفعی‌پور، ۱۳۷۷، ۴۰۲)

رواج فساد. از آنجا که در حکومت استبداد، دستگاه سلطانی و حاکم مستبد تنها نهاد مستقر و مسلط شمرده میشود از تمایز ساختاری و توسعه تقسیم کار اجتماعی جلوگیری میکند و در نتیجه فساد فراگیر در جامعه استبدادزده، فساد را به طبقات پائین‌تر منتقل میکند. (رفعی‌پور، ۱۳۷۷، ۳۸۵-۳۸۶) امام خمینی در همین رابطه در نخستین دعوت علنی و رسمی خود به قیام برای خدا، مردم را از تسلط مشتی هرزه شهوت‌ران بر آموزشان برحذر

داشته و مردم را از عاقبت استبداد رضاخانی و فساد دامنگیر که در نتیجه حکومت رضاخان شایع شده بود آگاه کرده و ایشان را به قیام برای احیای دین و محرّات استبداد فراخوانده بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱-۲۳)

پیامدهای سیاسی و اجتماعی

نفی استقلال ملت یکی از ثمرات حکومت استبدادی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۹۶) که بیش از همه خود را در دو شکل وابستگی اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد: **وابستگی اقتصادی.** استعمار که به دنبال وابسته ساختن ملت‌های جهان به خویش و تسلط تام بر ایشان است از استبداد به عنوان بهترین ابزار بهره میبرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۳۲۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۸/۱۳۸۳) پیوند استبداد با استعمار و پشتیبانی همه‌جانبه استعمار از استبداد، میراثی جز عقب‌ماندگی، گرسنگی، فقر و فلاکت، اسارت و انتظار مرگ برای ملت‌های مستعمره ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۲۵۳؛ ۴/۲۶۱؛ ۱۶/۸۳-۸۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۹/۲/۱۳۸۶؛ ۵/۶/۱۳۸۷)

وابستگی سیاسی. حکومت خودکامه و استبدادی بهترین شیوه کشورداری برای کشورهای استعمارگر و استکباری به شمار می‌رود (رفعی‌پور، ۱۳۷۷، ۳۹۰) و بنابراین استعمارگران در پی حاکمیت استبداد در کشورهای مستضعف هستند؛ به‌ویژه استبداد سلطنتی که وابستگی در آن بیشتر بروز میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۸/۷/۱۳۷۱؛ ۱۳/۸/۱۳۷۱؛ ۱۲/۸/۱۳۸۰) در ایران نیز وجه بارز استبداد پهلوی، وابستگی به استعمار بود، (رک: اخوان مفرد، ۱۳۸۱، ۲۸۷؛ دهقان، ۱۳۸۲، ۱۳۰) چرا که حکومت پهلوی بنا به تصمیم انگلیسیها مبنی بر سرکوب قیامها، سلطه بر نفت، و جلوگیری از گسترش کمونیسم به یک قدرت استبدادی مطلق و نظامی تبدیل شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۹۰-۴۹۱؛ ۵/۷۲؛ ۱۰/۵۲-۵۳، ۲۲۹، ۴۳۳-۴۳۵؛ ۱۱/۳۹۴-۴۰۱)

انحطاط جامعه. استبداد با خودرأیی حاکم در اداره جامعه که تمامی روابط را با خواست شخصی حاکم تنظیم میکند (نائینی، ۱۳۸۲، ۴۱-۴۳) سبب سقوط اخلاق اجتماعی شده (برزین، ۱۳۷۴، ۱۸۶) و با توجه به فعالیت سازمان یافته‌اش نابودی اجتماع و فساد و هلاک جامعه را دنبال میکند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۷/۱۲/۱۳۸۰) چنانکه قرآن در وصف مستبدان و نتیجه حکمرانی

ایشان می فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (هنگامی که روی برمی گردانند، در راه فساد در زمین، کوشش میکنند، و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند). (بقره، ۲۰۵؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷)

شکاف میان رهبران سیاسی و مردم. از آثار سیاسی - اجتماعی استبداد میتوان به تنفر مردم از سران سیاسی (رفیع پور، ۱۳۷۷، ۴۰۲) و در نتیجه تزلزل پایه های حکومت و ویرانی آن اشاره کرد. (برزین، ۱۳۷۴، ۱۸۶) حکومت استبدادی با وابستگی به استعمار و استکبار بیرونی، ملت خود را ذلیل میکند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۶/۶؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۸/۱۲) و همین امر سبب طغیان مردم علیه دولت استبدادی و ایجاد فاصله هرچه بیشتر تا انقلاب و براندازی میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۶/۶)

راهکارهای مبارزه با استبداد

یکی از مأموریت های مهم و خطیر پیامبران الهی، درافتادن و مبارزه با طواغیت زمان خود بوده است (طه، ۲۴) و دستور جهاد با کفار و منافقان که در صدد تخریب پایه های ایمانی و عقیدتی صحیح در جامعه اند و با حکومت دینی پیامبر ﷺ درگیر میشوند (مائده، ۳۳) در همین راستا ارائه شده است. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۵۰-۱۵۳)

برای مبارزه با استبداد بایستی از زمینه های ظهور استبداد پیشگیری نموده و با مقومات و علل آن برخورد کرد چنانکه سیر مبارزه علنی امام خمینی رحمته الله علیه از دهه ۲۰ ناظر به پیشگیری از زمینه ها و مبارزه با عوامل استبدادی بوده است. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۱۷۹-۱۹۰)

تأسیس ساختار اسلامی

خداوند متعال در قرآن عمل به احکام آسمانی را مورد تأکید قرار داده و انسان را از پیروی احکام جاهلی منع کرده است، (مائده، ۴۸-۵۰) و از آنجا که خدا مالک و خالق انسانها و تمام هستی است؛ (زم، ۶۲) لذا با توجه به دستور او مبنی بر تشکیل حکومت تحت نظر فقها و جریان احکام اسلام است که استبداد مجال بروز نمی یابد. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۱۷۹-۱۹۰)

تربیت نفسانی

زمینه مهم دیگری که در بروز استبداد دخیل است، حالات فردی و نفسانی شخص مستبد است که نیاز به تملق و تمجید غیرواقع بینانه دارد (رفع پور، ۱۳۷۷، ۳۹۶-۳۹۹) که در صورت اصلاح و تربیت (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۳۳۳-۳۳۴) زمینه ظهور استبداد فردی از بین می‌رود.

معرفی اسلام ناب محمدی ﷺ

متوجه ساختن ضمیر مردم به ماهیت اصیل اسلام و نیز مسائلی که پیرامون آنان می‌گذرد، که نقطه امید یا خروج از حالت رخوت، بی‌خبری و سستی بوده، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۱/۱۱-۵۳۳) موجب تغییر انفسی می‌شود که مستند به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (عد، ۱۱) (خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند) می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۳/۱۴) نخستین گام در بیداری انسانها، آگاهی یافتن آنها از خطری است که اسلام ناب را تهدید می‌کند تا بدین وسیله در حمایت از اسلام ناب به مقابله با استبداد برخیزند. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۳۰)

ترویج مبانی استبدادستیز اسلام

با تکیه بر مبانی هستی‌شناسانه استبدادستیز چون توحید و ترویج آن (← توحید) و توجه به مبانی اخلاقی چون کرامت انسان و توسعه آن، میتوان به مواجهه با استبداد پرداخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲)

استعمارستیزی

علاوه بر مواجهه با ریشه‌های درونی استبداد، مبارزه با استبداد با توجه به عقبه بیرونی آن نیز راهگشا خواهد بود و این امر با مبارزه با قدرت خارجی و استعماری که پشت سر دیکتاتور و مستبد قرار دارد به سرانجام می‌رسد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

وحدت کلمه

از سوی دیگر از آنجا که نخستین شرط در تحقق استبداد وجود اختلاف و فقدان وحدت میان مردم است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۲/۶) و هر زمانی که مردم بخواهند متحد شوند، ایادی استکباری با ایجاد اختلاف میان دسته‌جات مختلف و فاصله‌اندازی میان اصناف، چماق استبداد را به سرامت اسلامی می‌کوبند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۱-۴۱۰/۱۸) بنابراین با حفظ وحدت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) و پرهیز از تفرقه میتوان از بازگشت به استبداد پیشگیری نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۳-۳۸۲/۶)

قانون‌مداری

چنانکه انحصار قدرت مطلق و بی‌قانونی از مقومات استبداد بوده (Sheldon, 2001, 83; آشوری، ۱۳۸۳، ۲۵) و خودرأیی و خودکامگی شاخصه‌ی آن می‌باشند، (نائینی، ۱۳۸۲، ۴۱-۴۳) قانون‌مداری به‌ویژه در قالب ولایت فقیه بهترین شیوه مبارزه با استبداد است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۴/۱۱-۴۶۵)

مقایسه‌ی رویکرد انقلاب اسلامی در باب استبداد با سایر رویکردها

برای برانداختن استبداد در طول تاریخ انقلابهای فراوانی به‌وقوع پیوسته که از انقلاب معروف به انقلاب کبیر فرانسه گرفته تا انقلاب روسیه (۱۹۱۷م) همگی در پی دستیابی به مردم‌سالاری و براندازی استبداد بوده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹) انقلابهای چین (۱۹۴۹م)، کامبوج لائوس و ویتنام (۱۹۷۵م)، کوبا (۱۹۵۹م) و نیکاراگوئه (۱۹۷۹م) و... نیز همین هدف را دنبال میکردند، با این همه انقلابهایشان دوباره به استبداد گرایید، (کلاتر، ۱۳۷۷، ۷-۸) مثلاً انقلاب فرانسه علیه استبداد در کمتر از پانزده سال خود زمینه‌ساز ظهور استبدادی سهمگین‌تر گشت که سبب تضعیف این کشور تا بیش از یک قرن بعدی شد. در روسیه نیز مبارزه علیه استبداد حتی کمتر از این دوام آورده و استبداد استالینی که حتی در حوزه‌های خصوصی زندگی مردم نفوذ کرده بود، انقلاب ایشان را بی‌اثر کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

انقلابهای سوسیالیستی که با همه نحله‌هایش چون بلشویسم روسی، نازیسم آلمانی و فاشیسم ایتالیایی و با تمسک به ایده‌های مارکسیستی درصدد بازگرداندن عدالت اجتماعی و تأمین سعادت همگانی بودند، در نهایت سرانجامی بهتر از حذف نخبگان و ترویج کینه و برساخت دروغ مقدس در جامعه پیدا نکردند. (میلانی، ۱۳۷۸، ۱۶۲-۱۷۴)

تنها انقلابی که در دنیا توانست علیه استبداد قیام کرده و تسلیم استبداد نشود، انقلاب اسلامی ایران بود که با استقرار مردم‌سالاری دینی در قالب جمهوری اسلامی ایران توانست به اهداف انقلاب علیه استبداد دست یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹) تفاوت رویکرد انقلاب اسلامی ایران را با سایر رویکردها در دو سطح بینشی و عینی و در حوزه داخلی و خارجی میتوان بررسی کرد.

سطح بینشی

رویکرد انقلاب اسلامی در سطح بینشی در هر دو حوزه داخلی و خارجی، اختلافهایی با سایر رویکردها دارد که از مهمترین این تفاوتها میتوان به ریشه دینی انقلاب اسلامی، استفاده از الگوهای کامل مانند اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از ولایت فقیه اشاره نمود.

اقتدا به الگوهای برتر. از تفاوتهای انقلاب اسلامی با مکاتب مادی‌گرا، الگوگیری در جهت‌گیری ضد استبدادی انقلاب اسلامی از نهضت امام حسین علیه‌السلام است. در این تفکر انقلابی، رهبری وجود دارد که جوانان حاضرند در راه فرمانبرداری از او کشته شوند. الگوی عاشورا و امام حسین علیه‌السلام ایستادگی در برابر ظلم را به همه آزادگان در تمام دوران منتقل نموده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۲۱-۱۳۳؛ ۱۱/۹۸-۹۹) در گفتمان انقلاب اسلامی تمسک به ولایت فقیه به عنوان محور اساسی مبارزه با استبداد (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۶۳-۴۶۵) نیز در راستای پیروی از ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام تبیین میشود.

پیوند با دین. انقلاب اسلامی صرفاً مواجهه با استبداد را سرلوحه حرکت جهادی خود قرار نداده است؛ بلکه همزمان جایگزین این استبداد که استقرار دین در همه عرصه‌ها بوده

را نیز آرمان خود قرار داده و رویکردش در استبدادستیزی احیای دین و ارزشهای دینی بود.

(امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۲۳۴-۲۵۱)

سطح عینی

در سطح عینی انقلاب اسلامی ایران در دو حوزه داخلی و خارجی با رویکردهایی متفاوت از سایر انقلابها و نظامات فکری، به مواجهه با مسئله استبداد پرداخت و تجربه‌های جدیدی را ایجاد کرد. برتریهای مواجهه انقلاب اسلامی با استبداد را میتوان در تکیه بر مردم و استفاده از نهادهای ریشه‌دار چون مساجد، توجه به فرهنگ و تولید گفتمان به جای مبارزه مسلحانه، مبارزه ساختاری و غیرشخصی مشاهده کرد.

اعتماد به مردم و استفاده از نهادهای مردمی. برخلاف استبدادستیزی ادعائی نظامات

سیاسی غربی که با تبلیغات فراوان ژست ضداستبدادی به خود می‌گیرند (see: Smith, 2012, 381; Government Printing Office, 81; etc... و علی‌رغم ایفای نقش مستقیم کشورهای چون انگلستان و آمریکا در به انحراف کشاندن استبدادستیزی مردم ایران، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰) انقلاب اسلامی ایران چنانکه از ابتدا یکی از ارکان حرکت عظیم خویش را مردم قرار داده بود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۹۵-۴۹۰/۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴؛ ۱۳۹۴/۳/۱۴؛ ذوعلم، ۱۳۸۳، ۴) با تکیه بر توان مردم و استفاده از نهادهای ریشه‌دار مردمی چون مساجد، به مبارزه با استبداد طاغوتی رفت و پس از به ثمر نشستن انقلاب نیز همین رویه را پی‌گرفت که این امر موجبات بقاء اصل استبدادستیزی در نظام اسلامی را فراهم آورد.

توجه به فرهنگ و گفتمان‌سازی. انقلاب اسلامی در سه سطح ۱. مبارزه، ۲. استقرار مردم‌سالاری و ۳. استمرار مردم‌سالاری اهتمام جدی به فرهنگ نشان داده و درصدد اصلاح فرهنگی برآمده است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۲۴۳-۲۴۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰) چنانکه ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها شورای عالی انقلاب فرهنگی نام گرفت در همان سالهای نخست پیروزی نهضت به فرمان امام خمینی تشکیل شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۴۳۱-۴۳۲) استبدادستیزی در انقلاب اسلامی برپایه همین توجه به فرهنگ پا گرفت و پیش از پیروزی

انقلاب (رک: طالقانی، ۱۳۶۲، ۴۷۰/۵) و پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر فرهنگ و ترویج گفتمانی آن در تمامی ابعاد دنبال شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۱۲-۴۳۲: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴؛ ۱۳۹۴/۴/۲) این رویکرد انقلاب اسلامی برخلاف روشهای مسلحانه‌ی خشونت‌آمیز و حزبی است که در سایر انقلابهای دنیا واقع شده یا در مبارزات گروهکهای منحرف نمود می‌یابد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۶/۱۲-۵۷۱: ۹۱/۱۵-۹۲)

مبارزه ساختاری و غیر شخصی. غالب حرکت‌های ضد استبدادی که در دنیا به انجام رسیده پس از مدت کوتاهی از اهداف خود غافل مانده و بار دیگر و در شکلی دیگر به استبداد بازگشته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹) تفاوت انقلاب اسلامی با سایر حرکت‌های ضد استبدادی در این است که امام خمینی علیه السلام از همان ابتدای نهضت با معرفی ریشه‌ها و سرشاخه‌های استبداد حاکم بر جامعه اسلامی و با هدف خشکاندن ریشه‌ها وارد مبارزه با استبداد شد. انقلاب ایران به سایه شوم استعمار در پس نقاب استبداد توجه داشت و با راهبرد اسقاط استبداد از طریق قطع ریشه‌های استعماری آن، به خشکانیدن درخت استبداد پرداخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

توفیقات انقلاب اسلامی در مبارزه با ریشه‌های استبداد

انقلاب اسلامی پس از به ثمر رسیدن و در مرحله گذار به سمت تمدن اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸؛ ۱۳۸۴/۶/۸؛ ۱۳۸۹/۱/۱) از ابتدا به مبارزه و حذف تدریجی ریشه‌های استبداد روی آورد و در گام‌های بعدی با سرنگونی نظام استبدادی و استقرار نظام ولایی مبتنی بر استقلال ملی و وحدت، به سمت تغییر فرهنگ و ارزشها گام برداشت.

استقرار نظام ولایی

جمهوری اسلامی در نخستین گام با تمسک به اصل مترقی ولایت فقیه، در پیشگیری از هرگونه استبداد پیشقدم شد؛ چرا که به فرموده امام خمینی علیه السلام ولی فقیه، عادل و باتقوا بوده و کسی که شرایط ولایت فقیه در او احراز شود، خودش جلوی استبداد را خواهد

گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۶۴) انقلاب اسلامی با ارائه اصل ولایت فقیه، معرفت سیاسی نوینی را به دنیا اعطا کرد که در آن استبداد و خودکامگی به هیچ روی و با هیچ نام و مکتبی جایی ندارد. مبارزه با استبداد که از دل اسلام جوشش کرد در هسته مرکزی معرفت سیاسی انقلاب اسلامی نهفته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۴/۶/۱۳۸۱) در نتیجه ولایت فقیه را که از همان روزهای نخست استقرار نظام اسلامی در ایران به تأیید و تثبیت عمومی رسید میتوان نخستین دستاورد انقلاب اسلامی در مبارزه با ریشه‌های استعمار دانست که تا زمانی که سایه آن بر سر انقلاب اسلامی و امت اسلام حضور داشته باشد، استعمار نخواهد توانست بار دیگر در قامت استبداد عالم اسلام را تسخیر نماید. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۵۸-۶۰) نظام ولایی، نظامی مردم‌سالار و اخلاق‌محور است که با توجه به رابطه ولی و مردم کارآمدترین نظام مشروع قلمداد میشود. (ذوعلم، ۱۳۸۳، ۴)

استقلال

مسئله مهم دیگری که انقلاب اسلامی در زدودن استبداد بدان نائل شد، قطع ریشه‌های وابستگی بود که از دو قرن پیش و با حکومت شاهان قاجار به شکل جدی در حال آسیب زدن به ملت مسلمان بود و حیات خود را نیز در ماندگاری استبداد مشاهده میکرد. استبداد حاکم بر مسلمانان از طریق اعمال سیاستهای بیگانه بر کشور و تحمیل منافع خارجی بر مردم، وابستگی را تضمین و منافع استعمار را تأمین میکرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸)

تغییر فرهنگ و جهت‌گیری‌ها

انقلاب اسلامی که اسلام را مخالف سستی و کاهلی معرفی نموده و چهره ضد استبدادی اسلام را هویدا کرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۳۱۶-۳۳) به مبارزه با تنبلی و سستی رایج در جامعه که محصول استبداد بود، رفته و با تزریق فرهنگ انقلابی اسلام درصدد بازتولید مفهوم مجاهدت، تلاش و پویایی برآمد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۳/۵/۱۳۹۱) فرهنگ انقلابی که در همه عرصه‌ها اعم از آموزش و تحصیل و فرهنگ عمومی رسوخ کرد به خطری جدی برای

استبداد / ۱۳۱

استکبار و استبداد تبدیل شد چنانکه دشمنی ایشان را با انقلاب بیشتر کرد. در این مسیر تغییرنگرش مسئولان انقلاب به ارزشها و اولویت بخشی به جایگاه هنجارهای انقلابی نشان از اهتمام انقلاب اسلامی به تغییر فرهنگ و جهت گیری آن دارد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۱)

وحدت

انقلاب اسلامی وحدت اسلامی را از یک شعار به سیاست رسمی تبدیل نموده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۰/۸-۱۳۳) و با اقدامات عملی چون نامگذاری هفته وحدت، فتوای حضرت امام خمینی علیه السلام مبنی بر جواز نمازگزاردن شیعیان با دیگر مسلمانان در موسم حج، فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت توهین به مقدسات سایر مذاهب، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۲۲) تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی، (پورقل، ۱۳۷۸، ۱۱۱) تلاشهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیشگیری از نشر کتبی که شامل محتوای تفرقه انگیز باشد و تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی (۱۳۶۹ش) و... (معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب، ۱۳۸۹، ۴۳-۴۶) اهتمام خود را به این امر نشان داد. در همین راستا امام خمینی علیه السلام آیین حج ابراهیمی را فرصتی مغتنم برای رفع اختلافات و تمرکز بر مشترکات عالم اسلام معرفی کردند. تأکید بر حضور پررنگ و بی شمار اهل سنت در اطراف و اکناف ایران اسلامی و پایبندی ایشان به برادری و برابری نیز در همین مسیر بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۷/۱۳-۲۱۴)

تقویت جبهه مواجهه با استبداد بین المللی

انقلاب اسلامی ایران از بدو تأسیس همواره از جریانات بیداری اسلامی در اقصی نقاط عالم حمایت کرده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴) و با تقویت موج بیداری اسلامی، استبداد و استکبار جهانی را با چالشهای جدی مواجه نمود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵؛ ۱۳۹۳/۹/۴) تأکید امام خمینی علیه السلام بر حفظ وحدت، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷/۱۲) راهبرد درونی نظریه بیداری اسلامی و ماجرای مقابله با رژیم صهیونیستی و حمایت نظری و تسلیحاتی از مقاومت فلسطین در برابر این رژیم جعلی نیز نتیجه عملیاتی بیداری اسلامی است. (← بیداری اسلامی)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اسلام از ابتدا به مخالفت با استبداد پرداخته و بنا بر روح ضد طاغوتی و استبدادستیز اسلامی، ائمه علیهم‌السلام تمام دوره حیات پربرکت خویش را وقف مبارزه حاد سیاسی با استبداد نمودند. نمود بارز این رویکرد اسلام را میتوان در سیره صحابه راستینی چون اباذر و سلمان و علمای ربانی چون شهید اول و شهید ثانی جستجو کرد. اسلام با تأکید بر عدالت محوری و قانون‌گرایی در کنار اهمیت کرامت انسانی، تعالیمی را در اختیار مؤمنان قرار داده است که مبانی مخالفت اسلام با استبداد را معرفی میکند.

استبداد به معنای آزادی و خودسری در رأی و عمل به‌گونه‌ای که به دیگران اجازه اظهارنظر و یا دخالت در عمل داده نشود، معرفی شده است. این معنا در دوره اخیر و به‌طور خاص در میانه قرن سیزدهم و ابتدای قرن چهاردهم هجری شمسی با مخالفت نظری و عملی علما و بزرگانی چون مرحوم محمدحسین نائینی، کواکبی، سید جمال، حسن البناء و... در سرتاسر ممالک اسلامی به چالش کشیده شد.

مهمترین عامل استبداد در بعد داخلی تفرقه ملل مظلوم و در بعد بیرونی دخالت استعمارگران خارجی است. انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر وحدت و درسایه رهبری ولایت فقیه استبداد را ریشه‌کن نموده و گفتمان اسلامی تقریبی با محوریت ولی فقیه را در مبارزه با استبداد عرضه نموده است. از همین رو استبداد درونی جوامع مسلمان و مستضعف و نیز استبداد بین‌المللی، تمام وجه همت خود را صرف تخریب این محور مرکزی مبارزه با استبداد نموده است.

مهمترین ویژگی‌های استبداد، بی‌قانونی و انحصار قدرت در دست مستبدان است که با بیداری عمومی و حفظ وحدت و پیروی از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و فقهای ربانی میتوان به مبارزه با ریشه‌های آن شتافت. ولایت فقیه با الگوگیری از اهل بیت علیهم‌السلام و حفظ وحدت امت اسلامی در دو بعد داخلی و بین‌المللی به مبارزه با استبداد پرداخته و استبداد استعماری را در نیل به اهداف خود ناکام نهاد.

انقلاب اسلامی با فاصله معناداری که از سایر الگوهای شرقی و غربی استبدادستیز

استبداد / ۱۳۳

دارد، توانست به الگوی استبدادستیزی در میان مستضعفان جهان تبدیل شود. از میان تفاوت‌های اساسی میان انقلاب اسلامی و سایر الگوهای استبدادستیز میتوان به اقتدا به الگوهای برتر و همچنین توجه به فرهنگ و مبارزه ساختاری اشاره کرد. انقلاب اسلامی با ساقط کردن نظام استبدادی شاهنشاهی و مقاومت در برابر توطئه‌های استکبار، توانست با جایگزینی نظام ولایی، کشوری مستقل از شرق و غرب را سامان دهد که با وحدت و همدلی مردم و اقوامش به تغییر فرهنگها و زیرساختهای استبدادی مبادرت ورزد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دهم، ۱۳۸۳ ش.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغة، ۱۳۷۵ ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۶. اخترشهر، علی، مسلمی پطرودی، حمیدرضا، درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، انتشارات پاد اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۷. اخوان مفرد، حمیدرضا، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، الاجتهاد و التقليد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، کشف الاسرار، بی جا، بی نا، بی تا. «الف»
۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ب»

۱۴. احمدی، حسن، افرادی، کاظم، سیر تفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام، آموزه‌های فلسفه اسلامی (فصلنامه)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۱، ۱۳۹۱ش.
۱۵. برزین، سعید، زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، بهمن ۱۳۷۴ش.
۱۶. پورقلی، محسن، سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۸ش.
۱۷. حسینی‌فر، رضا، بیداری اسلامی و امام خمینی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ش.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، قم، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۹. دهقان، حمید، انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ، قم، نشر مدین، ۱۳۸۲ش.
۲۰. ذوعلم، علی، ولایت فقیه از تئوری تا تجربه، زمانه (ماهنامه)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۲۱، ۱۳۸۳ش.
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۲. شریف، محمدرضا، انقلاب آرام، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۱ش.
۲۳. شفائی، حسین، حکومت مردم‌سالاری دینی، قم، انتشارات سلسال، ۱۳۸۰ش.
۲۴. شیروودی، مرتضی، جنبشها و نهضت‌های سیاسی معاصر، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰ش.
۲۵. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۲۶. علی‌زاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ش.
۲۷. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، السياسة المدنیة، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۶م.
۲۸. کلانتر، منصور، سلطه‌گرایی، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷ش.
۲۹. کواکبی، سید عبدالرحمان، طبایع الاستبداد یا سرشتهای خودکامگی، ترجمه عبدالحسین میرزا قاجار، تحقیق محمدجواد صاحبی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۳۰. محلاتی، اسماعیل، اللثالی المربوطة فی وجوب المشروطة، بوشهر، بی‌نا، بی‌تا.
۳۱. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، بی‌تا.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۳۳. معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اهداف، ساختار و فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۹ش.
۳۴. میلانی، عباس، چند گفتار درباره توتالیتراریسم، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۸ش.
۳۵. نائینی، محمدحسین، تنبیه الامة و تنزیه الملة، تحقیق جواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.

استبداد / ۱۳۷

۳۶. نظریور، مهدی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۳۷. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
38. Eisenstein, Zillah, Against Empire: Feminisms, Racism and the West, London: Zed Books, 2004.
39. Government Printing Office, Supporting human rights and democracy: The United States Record, 2003-2004, USA: Government Printing Office.
40. Sheldon, Garrett Ward, Encyclopedia of Political Thought, NY: Facts on File, 2001.
41. Smith, Tony, America's Mission: The United States and the Worldwide Struggle for Democracy, Princeton University Press, 2012.



اسلام ناب محمدی ﷺ

محمدصادق احمدی^۱ (مؤلف و مسئول علمی)

اسلام ناب محمدی ﷺ؛ اسلام حقیقی مستند به منابع اصیل و تحقق بخش ارزشهای الهی در برابر اسلام آمریکایی.

اسلام از ماده «س ل م» در لغت به معنای تسلیم شدن، عافیت و دوری از عیب و نقص، خالص نمودن عبادت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳/۹۰-۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ۶/۳۴۵؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳/۳۰۱-۳۰۲) و در ادبیات اسلامی، آخرین دین و حیانی است که مجموعه‌ی عقائد، ارزشها، احکام حقوقی و عبادی را به‌عنوان یگانه راه سعادت و رستگاری انسانها به ارمغان آورده و رسالت ترویج ارزشهایش را نیز به عهده‌ی خواص از امت اسلام واگذار کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹) مراد از کاربردهای قرآنی واژه اسلام مانند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، (آل عمران، ۱۹) «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائدة، ۳) و... دین اسلام است؛ (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵/۲۷۳-۲۹۳) واژه‌ی «ناب» نیز مرادف با «سره»، خالص و بدون آمیختگی بودن (معین، ۱۳۸۲، ۴/۴۵۲۱) و به معنای چیزی است که با ماده‌ی دیگری ترکیب نشده باشد. (انوری، ۱۳۸۲، ۸/۷۵۹۱) واژه محمدی ﷺ نیز انتساب به حضرت محمد ﷺ، رسول گرامی اسلام، را افاده میکند؛ بنابراین اسلام ناب محمدی ﷺ اسلام خالص و نابی است که در آموزه‌ها و سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ متبلور شده است.

۱. مدیر گروه ادیان ابراهیمی پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌ی المصطفی ﷺ العالمية

اسلام ناب محمدی ﷺ «اسلام صفا و معنویت، اسلام عقلانیت و توحید، اسلام پرهیزکاری و مردم سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) و در نقطه مقابل، اسلام آمریکایی به معنای پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۷/۸)

اسلام ناب محمدی ﷺ اولین بار زمانی که اسلام آمریکایی در صدد ایجاد انحراف در عالم اسلام و ارائه چهره‌ی مخدوشی از اسلام بود، در بیانات امام خمینی رحمته به کار رفت؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۰۱/۱۱/۲۱) البته ایشان از درهم آمیختگی مرزهای مفهومی اسلام ناب محمدی ﷺ؛ که اسلام پابرهنگان و محرومان است، با اسلام آمریکایی؛ که اسلام مقدس نماهای متحجر، سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد است نگران بوده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۰۱/۱۲/۲۱)

پس از این، ادبیات نوینی درباره‌ی اسلام ناب محمدی ﷺ و اسلام آمریکایی شکل گرفت. اسلام ناب محمدی ﷺ اسلامی برگرفته از منابع اصیلی چون قرآن و سنت رسول گرامی اسلام و اهل بیت علیهم السلام و وفادار به تعالیم راستین و حقیقی ایشان است. نگاه جامع به دین و به‌طور خاص اجرایی شدن احکام دین در قالب تشکیل حکومت اسلامی از مهمترین ویژگیهای اسلام ناب محمدی ﷺ است و به‌ویژه سلطه‌ستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان از جهت‌گیریهای اساسی آن می‌باشد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۷۹/۲۱-۸۰: ۱۱۹-۱۲۰)

گرچه عبارت اسلام ناب محمدی ﷺ تعبیر نوآورانه‌ای از اسلام اصیل و حقیقی است؛ با این حال قرآن مختصات اسلام ناب و انحراف از اسلام اصیل را در مجموعه آیاتی بیان داشته است. از نظر قرآن همنشینی با قرآن، (فرقان، ۳۰) اتخاذ ولی و امام خوب، (فرقان، ۲۷-۲۸) جهاد در راه خدا، پیشی نگرفتن از ولی خدا، (مانده، ۵۴) عقلانیت (یوسف، ۲) و صفاتی از این قبیل از ویژگیهای اسلام ناب است.

اسلام ناب محمدی ﷺ با مجاهدتهای پیامبر گرامی اسلام که در پی مجد و عظمت پیروان خویش بودند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۹/۲۱-۸۰) و در نتیجه تلاشهای اهل بیت علیهم السلام که قرآن و سنت پیامبر را ترویج می‌کردند، توسعه یافت. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸/۲/۲۶) پیامبر گرامی

اسلام پیش از وفات خود راهبرد دست‌یابی به اسلام ناب را روشن ساخته و با تأکید بر تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در احادیثی مانند حدیث معروف ثقلین، (ر.ک: حسینی میلانی، ۱۳۸۶، ۹، ۱۴۲۱-۳۲) راه نجات را در پیروی از این دو منبع گران سنگ منحصر نمودند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۶، ۱۲-۳۰)

اسلام ناب محمدی ص مخالف اشرافی‌گری، تبعیض، فساد طبقاتی و استکبار بوده و در پی ترویج توحید، عدالت و استقرار جامعه اسلامی است. (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۶-۴۴۵)) چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان الگوی تام اسلام ناب در احیای عدالت حتی نسبت به برادر خود نیز استثنا قائل نشدند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵ (۳۴۶-۳۴۷)) پس از امیرالمؤمنین علیه‌السلام ائمه علیهم‌السلام عهده‌دار احیا و گسترش مفاهیم قرآن و ارزشهای اسلام ناب محمدی ص بودند. (صدوق، ۱۴۱۳، ۲/۶۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۶/۹۶)

این رویارویی در طول تاریخ تحت عنوانهایی چون تقابل اسلام علوی با اسلام اموی و عباسی یا رویارویی اسلام التقاطی با اسلام راستین صورت پذیرفت و اندیشمندان و فقیهان مسلمان در حفاظت از مرزهای اسلام ناب محمدی ص جدوجهد خود را به کار می‌بستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۶/۱۳۵۹؛ ۱۱/۱۰/۱۳۷۰؛ ۱۹/۶/۱۳۸۲)

نخستین انحراف سازمان‌یافته از اسلام ناب را میتوان در زمان حضور پیامبر گرامی اسلام ص مشاهده کرد. آنگونه که در زمان حیات آن حضرت در مواجهه‌ی با بیانات شخص پیامبر ص به تدریج دو جبهه ولایت‌پذیر و ولایت‌گریز شکل گرفت، بدان حد که نه‌تنها در روایات منقول از ایشان؛ (مقدسی، بی‌تا، ۵/۵۹-۶۰) بلکه در آیات قرآن نیز صراحتاً حجت بودن بیان پیامبر ص برای پیروان مورد تأکید قرار گرفت (نجم، ۳-۴) و از عده‌ای از اطرافیان ایشان با عنوان منافق یاد شد. (ر.ک: منافقون، ۱-۱۱) مصادیق این مسئله را میتوان در ماجرای ترور پیامبر در بازگشت از جنگ تبوک، (توبه، ۷۴) تخلف از لشکر اسامه (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۱۷/۱۸۱-۱۸۳) و... به روشنی مشاهده کرد.

پس از پیامبر خدا ص نیز دو انحراف بزرگ در تاریخ اسلام پدیدار شد که اگر مجاهدتهای علمی و عملی اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌بود، میتوانست به هدم اساس اسلام منجر شود؛ انحراف نخست از سوی بنی‌امیه و انحراف دوم از سوی بنی‌عباس واقع شد (امام خمینی، صحیفه امام،

۳۸۸/۱۶) و تا قرون ششم و هفتم هجری ادامه یافت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۳۰)

در دوران غیبت ائمه علیهم‌السلام و به خصوص در دوران متأخر و پس از روی کار آمدن شاهان قاجار و پهلوی و همزمان با تجزیه‌ی امپراتوری عثمانی، برنامه‌ای منسجم و هدفدار برای تخریب اسلام ناب توسط دشمنان اسلام طراحی و اجرا شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۴؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹)

رویارویی امپریالیسم غربی با امپراتوری‌های بزرگ اسلامی مانند عثمانی و صفوی سبب زوال حکومت‌های اسلامی شده و موجبات ظهور نهضت‌های آزادی‌خواه اسلامی را فراهم آورد. (McDougall, 2014, 212)

برای تحریف از اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در کنار ترویج سلفی‌گری، روند عرفی کردن دین و سکولارسازی جامعه دینی به موازات هم پیش رفتند و حریم مرجعیت دینی را نیز محدود نمودند، که اوج این تحدید دین در ماجرای مشروطه و سربره‌داری شیخ فضل‌الله نوری خود را ظاهر ساخت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۹)

روشنفکران قاجاری با یکسان‌انگاری اسلام با مسیحیت قرون وسطایی، بی‌صدافتی در انتقال مفاهیم غربی و سرسپردگی برخی از ایشان به سفارتخانه‌های بیگانه، ضرباتی به پیکره اسلام ناب وارد ساختند. (دژاکم، ۱۳۸۵، ۱۸۷-۲۰۶)

در دوران معاصر بزرگانی چون علامه عسکری، (عسکری، ۱۳۸۸، ۲۷/۱) آیت الله طالقانی، (طالقانی، ۱۳۶۲، ۴۷۰/۵-۴۷۱) مهندس بازرگان، (رک: آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۳/۱۱/۵) علامه طباطبائی (رک: طباطبائی، ۱۳۷۶، ۱۰-۱۱) و شهید مطهری با طرح اسلام اصیل و راستین (مطهری، مجموعه آثار، ۲۹/۲۴) و بعدها نیز آیت الله خامنه‌ای علیه‌السلام، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۲۳؛ ۱۳۷۴/۳/۳) زمینه‌ی طرح گفتمان اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برای امام خمینی ره فراهم کردند. اسلام راستین در فضایی طرح شد که روشنفکران غرب‌گرا و سردمداران مذاهب انحرافی ساخته دست استعمار با القای شبهات فراوان و تسخیر عرصه‌های علمی و سیاسی جرأت هرگونه اظهارنظر را از پیروان اسلام ناب سلب کرده بودند. آیت الله طالقانی با تشکیل جلسات تفسیر قرآن و کاربرد احکام قرآنی در مبارزه با کفر و استکبار و تربیت نسل دانشجویان متدین (طالقانی، ۱۳۶۲، ۴۷۰/۵) به تبیین اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کمک‌های شایانی نمود. شهید مطهری نیز با توسعه گفتمانی و ترویج اسلام راستین که به مبارزه با اسلام تحجرو سکولاریسم پرداخت،

زمینه را برای بحث از اسلام ناب فراهم ساخت که پس از انقلاب اسلامی به تحقق نزدیک شد. (آیت الله خامنه ای، ۱۴/۳/۱۳۸۹)

مبانی اسلام ناب محمدی علیه السلام

مبانی اسلام ناب محمدی علیه السلام مجموعه‌ی پایه‌های نظری و فکری است که بر اساس آن اسلام ناب با تمامی لوازمش تعریف می‌شود. قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به عنوان منبع زنده و زاینده، مجموعه مبانی مورد نظر را بیان داشته‌اند. پیش از تبیین مبانی اسلام ناب محمدی علیه السلام توجه به این امر ضروری است که اسلام آمریکایی نیز مدعی پایبندی به همین مبانی است، با این حال طرفداران اسلام آمریکایی، به علت تحجرگرایی و نیز همسویی با اصول مورد نظر غرب و تأمین منافع ایشان، فاصله زیادی با اسلام ناب محمدی علیه السلام دارند. (آیت الله خامنه ای، ۲۹/۲/۱۳۸۹)

در قرآن، خدامحوری و توحید به عنوان اصلی‌ترین مبنای مورد نظر اسلام چنان مورد تأکید قرار گرفته (بقره، ۱۶۳) که از نظر برخی هدف نهایی از آیات قرآن، توحید تلقی می‌شود. (صدرالمتاهین، ۱۳۶۶، ۵۴/۴) ارسال نامه از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به پادشاهان شرق و غرب و دعوت ایشان به توحید در همان سالهای اولیه‌ی تشکیل حکومت اسلامی، نشان از جایگاه بی‌مثال توحید در اندیشه اسلام ناب محمدی علیه السلام دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹/۲-۳۰) اسلام ناب محمدی علیه السلام در شرایط کنونی نیز درصدد مخالفت با آمریکا، کفر و شرک و طنین انداختن آوای توحید است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۸۲) و روشن است که همین تکیه و تأکید بر توحید در منظومه‌ی فکری امام خمینی ره سبب تحول‌آفرینی ایشان و احیای اسلام ناب محمدی علیه السلام گشت. (آیت الله خامنه ای، ۱۴/۳/۱۳۹۴)

توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست (آیت الله خامنه ای، ۲/۷/۱۳۸۲) بلکه معنای عمیق و همه‌جانبه‌ی آن، حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر است. (آیت الله خامنه ای، ۲۲/۷/۱۳۸۲؛ ← توحید)

نبوت در منظومه توحیدی اسلام ناب محمدی علیه السلام بر اساس هدف تربیتی و اصلاحی و برای ابدیت بخشیدن به حرکت عظیم و بزرگ خداوندی که تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت

را محور فعاليت خود قرار داده است، جايگاه شاخصي دارد. (آيت الله خامنه‌اي، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴؛ اسلام ناب محمدي ﷺ از طريق نبوت و بعثت انبيا جهت ختم برنامه‌هاي تعليمي و تربيتي خداوند ابلاغ شد و در همين راستا نبوت حضرت خاتم ﷺ نيز بشريت را به سر منزل مقصود نزديک نمود. (آيت الله خامنه‌اي، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴؛ ← پیامبر اعظم ﷺ)

در استمرار نبوت، ولايت رکن اسلام ناب محمدي ﷺ و برخاسته از آن است و بنا بر آيات قرآن و روايات صحيح، اتکا به آن سبب رستگاري خواهد بود. اسلام از اساس، تمسک به ولايت را يکي از مباني اسلام ناب محمدي ﷺ در کنار توحيد و نبوت قرار مي‌دهد. (امام خميني، صحيفه امام، ۱۱۳/۲۰) باور به خدا و خلفاي منصوبش چنان اهميت دارد که وعده‌ي حتمي خدا نجات کساني است که ايشان را به عنوان وليّ اتخاذ نموده‌اند. (بقره، ۲۵۷؛ مائده، ۵۵) اسلام ناب در کنار ولايت خدا و رسول خدا ﷺ، ولايت اهل بيت ﷺ را نيز بنا بر حديث متواتر ثقلين، واقعه غدير، حديث منزلت و احاديث ديگر اثبات مي‌کند (شرف‌الدين موسوي، ۱۴۰۲، ۷۱-۷۴، ۱۹۹-۲۰۱، ۲۵۹-۲۶۴) و تجلي ولايت در حکومت اسلامي را سبب پياده شدن مؤلفه‌هاي اسلام ناب مي‌داند. (امام خميني، صحيفه امام، ۱۵۲/۱۸-۱۵۵)

ولايت فقيه که در امتداد و برگرفته از همين مبناي محکم اسلام ناب است، با الگوگيري از ولايت اولي الامر به مبارزه با استبداد و استکبار پرداخته و در راستاي تحقق توحيد و ارزشهاي توحيدى تلاش مي‌کند. (رک: امام خميني، صحيفه امام، ۵۸/۱۰-۶۰؛ آيت الله خامنه‌اي، ۱۳۸۱/۶/۲۴؛ ← ولايت فقيه)

در اسلام ناب محمدي ﷺ توجه به حيات و نشئه‌ي اخروي يک اصل اساسي است که به زندگي انساني جهت داده، (غافر، ۴۰؛ تغابن، ۷) نگاه به زندگي مادي را نگاهی ثانوي و به عنوان مقدمه و کشتزاري براي نشئه اخروي لحاظ مي‌کند. (قصص، ۷۷) اساساً بدون وجود معاد، عدالت در زندگي انساني تحقق پذير نخواهد بود؛ چنانکه هر جايي و در هر زماني اعتقاد به مبدأ و معاد نباشد، عدالت نيز تحميلي و اجباري خواهد بود. (آيت الله خامنه‌اي، ۱۳۹۰/۲/۲۷)

ويژگيهاي اسلام ناب محمدي ﷺ

اسلام ناب محمدي ﷺ داراي ويژگيهايي است که اساسي‌ترين آنها عبارت‌اند از:

جامعیت

اسلام ناب محمدی ﷺ خوانشی جامع و جهانی (اعراف، ۱۵۷) از اسلام است که بر اساس آیه ابلاغ (انعام، ۱۹) جاودانه بوده و از ویژگیهای آن چند بعدی بودنش است. (ایزیدناه، ۱۳۷۵، ۱۷۲) اسلام ناب برخلاف یهودیت که شریعتی خشک را عرضه میکند (کتاب مقدس، لایبان) و نیز تأکید افراطی مسیحیت زمان ظهور اسلام بر اخلاق و رهبانیت، (کتاب مقدس، متی، ۵؛ ۶؛ ۷) میان دنیا و آخرت را جمع کرده (اسراء، ۱۸-۲۰) و البته در این میان اصالت را به جانب آخرت داده است. (قصص، ۷۷) اسلام ناب محمدی ﷺ اسلامی جامع است که فرهنگ جهاد، شهادت، مقاومت و هجرت را در جامعه اسلامی بارور کرده (مهدوی، ۱۳۷۸، ۲۶-۲۷) و علاوه بر اینکه از اسلام منزوی سکولار منحصر در مسجد و عبادت جداست، در همه‌ی عرصه‌های زندگی حضور دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱) برخلاف آنچه برخی مدعی هستند (Adib-Moghaddam, 2014, 161) اسلام ناب محمدی ﷺ صرفاً در زمینه اندیشه‌ی سیاسی و در تقابل با اسلام غیر سیاسی نیست؛ بلکه چنان جامعیتی دارد که راحت‌طلبی، سازش، فرومایگی، التقاط، وهم‌گرایی و ترویج خرافه، استکبار، نفاق و فهم قشری از دین، در آن جایی ندارد (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۸-۴۵۰؛ بابای زارچ، ۱۳۸۳، ۱۵۴-۱۵۷) و در آن دنیا و آخرت، زهد و حضور پرشور اجتماعی، شریعت و عقلانیت، عاطفه و قاطعیت و سایر ابعاد برخاسته از اسلام ناب، همگی با هم در نظر گرفته میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲)

عقلانیت

عقلانیت و تفکر که در موارد زیادی مورد تأکید قرآن قرار گرفته (رک: بقره، ۷۳، ۲۴۲؛ یوسف، ۲؛ زخرف، ۳؛ حدید، ۱۷) و در روایات نیز اوصاف آن همانند همنشینی با حیاء و نیز تمایز آتش مانند تفاوت آن با نیرنگ و... تبیین شده است. (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰۱-۱۰۲) اساس اسلام با قشری‌گری و تحجرو تعصب جاهلی و اوهام و تخیلات، تضاد داشته و سبب تولید نیروی فکری و ایجاد انگیزه در ملت‌های آزاده برای مبارزه با ظالمان و ستمگران و حرکت در جهت منافع مظلومان و مستضعفان میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱) از عمده تفاوت‌های اسلام نسبت به سایر مکاتب توجه به عقلانیت انسان در کنار پرورش اخلاقی اوست (امام خمینی، صحیفه امام،

۴/۴۴۹) که در سایه‌ی رهبری اهل بیت علیهم‌السلام و هدایت به سمت آزادی و عقلانیت سبب شکوفایی تشیع گشته است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷/۸/۱۳۸۵) چنانکه بزرگان فلسفه غربی به معرفی فلسفه و عقلانیت شیعی پرداخته (e.g.: Corbin, 2014, 23-102) و حتی آن را محبوب‌ترین عنصر فرهنگ شیعه نامیده‌اند. (Axworthy, 2008, 87-89)

اجتهادپذیری

اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باب اجتهاد را مفتوح نموده و به کاربرست عقل بر منهج اهل بیت علیهم‌السلام توجه ویژه دارد. البته باید توجه داشت که اجتهاد و اختلاف در فهم مجتهدین که سبب اختلافی‌هایی در برداشت از اسلام میشود، به اصل و اساس اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضربه و خللی وارد نمیکند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۷۶-۱۸۰) بلکه درخت اسلام ناب به واسطه اجتهاد و کاربرست عقلانیت ضابطه‌مند آبیاری شده و ثمرات نوبه‌نو و روزافزونی را برای اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم موجب خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۷/۱۳۸۹) این شیوه‌ی اجتهادی نه تنها مخل به فهم و برداشت از اسلام ناب نخواهد بود؛ بلکه آن را تعالی داده و از راکد شدن آن پیشگیری میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۷/۱۳۸۹؛ ← فقه)

حکومت‌داری

اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کنار توجه به آحاد مسلمانان عالم، برای حکومت و جامعه مسلمین برنامه داشته و سیاست را در پیشبرد اهداف اسلام اجتماعی دخیل می‌داند؛ چنانکه توجه به حکومت اسلامی و تحقق اسلام در سوره حج چنین ذکر شده است: «الَّذِينَ إِذْ مَكَتْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». (حج/۴۱) اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پی تأسیس حکومتی برای اداره جامعه جهانی است که طنین توحید در آن آوازه انداخته و استعلائی شرق و غرب را از سراسلام دور نماید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۷۹-۱۸۱)

کارآمدی

برخلاف سایر تئوری‌هایی که در محافل روشنفکری، اندیشه‌های زیبا را طرح کرده و در عرصه عمل حرفی برای گفتن ندارند، اسلام ناب عملیاتی و کارا بوده و با توجه به نیازهای زمان جواگذاری مشکلات جامعه اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) در این نظام اندیشه، حکومت ولایت محور با توجه به کارآمدی و انجام تکلیف در عرصه اجتماع ارزش‌گذاری شده و به تأثیر عینی در روند امور اهتمام می‌ورزد. (ذوعلم، ۱۳۸۵، ۱۲۰-۱۲۱)

روزآمدی

اسلام ناب برخلاف طرح‌واره‌هایی از اسلام که نظامی با ارزشهای پوسیده و غلط را احیا و ترویج میکنند، زنده و پویا بوده و مطابق با زمانه خود به اصلاحگری می‌پردازد. اساساً ویژگی ممتاز اسلام ناب محمدی ﷺ در قیاس با سایر خوانشها از اسلام در همین است که امام خمینی رحمته‌الله علیه با تکیه بر منظومه فکری توحیدی خویش و با نگاه به مسائل و مشکلات ایران اسلامی و سایر جوامع مسلمان، «اسلام ناب محمدی» رحمته‌الله علیه را به عنوان یک راه حل و مجموعه‌ی ارزشی، مورد تأکید قرار داد و ملتهای آزاده نیز ارزشمندی راه‌حلهای امام خمینی رحمته‌الله علیه را درک نموده و به سرعت آن را در میان خود گسترش دادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

عزت‌مداری

شعار «نه شرقی، نه غربی» نیز از دیگر ویژگیهای اسلام ناب محمدی رحمته‌الله علیه است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۸-۱۷۹/۲۱) چرا که با وادادگی و اتکا به کفر و شرک غرب و شرق، از اسلام جز نامی باقی نمانده و آنچه مورد نظر غرب است ارائه خواهد شد. اتکا به اسلام ناب محمدی رحمته‌الله علیه، استقلال کلمه‌ی اسلام و اعتلای آن را بارور میکند و برخلاف آن، اسلام آمریکایی است که اسلام را وابسته و ذلیل می‌خواهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مواضع سیاسی - اجتماعی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اسلام ناب انسانها را از بی تفاوتی نسبت به سرنوشتشان برحذر داشته و ایشان را مسئول دانسته (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۱-۱۲) و در کنار مواضع صریح سیاسی، اخلاق اجتماعی را نیز مورد توجه جدی قرار داده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۸/۱۲) مهمترین مواضع سیاسی - اجتماعی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عبارت‌اند از: مبارزه با استبداد، استکبارستیزی، استقرار عدالت، دفاع از مستضعفان و اتحاد ملی و انسجام اسلامی.

مبارزه با استبداد

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با پذیرش هرگونه ولایت طواغیت مخالف بوده (بقره، ۲۵۷) و بر اساس آرمان توحیدی خود، مردم را به ولایت الهی می‌خواند. پیام تاریخی استکبارستیزی امام خمینی ره نیز از تفاوت میان اسلام و کفر و الهی بودن مبانی استکبارستیزی و مادی بودن مبانی استکبار خبر می‌دهد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱) پذیرش استکبار ملازم با رفتن تحت ولایت طواغیت و دوری از توحید است و در نتیجه اسلام از اساس با این مسئله مخالف بوده و به ستیزه با استبداد می‌پردازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲)

استکبارستیزی

اسلام ناب به هیچ روی حاضر نیست نسبت به ارزشهایش تسامح کند و در این مسیر حتی در رابطه با پیامبرش که عزیزترین مخلوق جهان است نیز رواداری نمی‌کند. (اسراء، ۷۳-۷۵) در مرحله بالاتر، اسلام ناب در تقابل با جبهه کفر قرار می‌گیرد و حاضر به سازش کاری با جبهه‌ی استکبار نیست. (کافرون، ۶-۱) تأکید روی این جلوه از اسلام سبب مخالفت اردوگاه جهانی استکبار با ارزشمداران و مروجین اسلام ناب می‌شود؛ چنانکه کینه و بغض مستکبران و گردنکشان عالم از انقلاب اسلامی ایران، به علت پافشاری و ایستادگی بر اسلام ناب و مواضع سیاسی این اسلام است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۵۹-۶۴) اسلام ناب به مقابله با ابرقدرتها می‌پردازد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۱۴۲) که در غیر این صورت، قدرتهای جهانی هرگز به مقابله با آن بر نیامده و از در سازش با آن وارد میشدند؛ کما اینکه اگر پیامبر گرامی

اسلام ﷺ استکبارستیزی را کنار نهاده و در کنج خانه می‌نشستند و متعرض استکبار نمیشدند، احدی متعرض ایشان نمیشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ۱۱-۱۲)

عدالت‌خواهی

انقلاب اسلامی در تجلی ارزشهای اسلام ناب بر عدالت و برابری اقشار مختلف در حکومت اسلامی تأکید میکند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۴/۱۷) چنانکه همواره روی برابری و نگاه مساوی انقلاب به همه اقوام تأکید داشته و رواداری اسلام و حکومت اسلامی نسبت به اقلیتهای مذهبی را به منصفه ظهور می‌رساند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

دفاع از مستضعفان

توجه به فقرا و محرومان از وظایف ذاتی اسلام ناب بوده و از مواضع سرسخت اسلام ناب محمدی ﷺ در محیط اجتماعی، تأکید بر منافع محرومین و مستضعفین در جامعه است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱۵) چنانکه ترش‌رویی در برابر ایشان را برناتافته و حتی پیامبر خود را از میان محروم‌ترین اقشار جامعه برانگیخته است. (ر.ک: ضحی، ۱۰-۶) استضعاف مورد نظر اسلام ناب، در دو بعد عقیدتی و اقتصادی جاری بوده و بلکه بیش از استضعاف اقتصادی، استضعاف عقیدتی را مد نظر دارد. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲) اسلام ناب محمدی ﷺ همواره در حمایت از مظلومان و مستضعفان عالم گام برداشته و به‌عنوان نمونه، دفاع از ملت فلسطین به‌عنوان نمادی از ملت مظلوم مسلمان که در سیطره استکبار غربی قرار گرفته‌اند، همواره در دستور کار نظام اسلامی قرار دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) و در همین راستا صهیونیستهای اشغالگر فلسطین از سوی انقلاب اسلامی به‌عنوان کفار حربی شناخته میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۰/۸)

وحدت مسلمین

تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان راهبرد دیگر اسلام ناب محمدی ﷺ برای نیل به حکومت اسلامی و تربیت نفوس مؤمن است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۶-۸۴) غرب استعمارگر

سالهاست که برای پیشگیری از نیل به اسلام ناب تحت حکومت اسلامی راهبرد مشخص تفرقه افکنی را در پیش گرفته است و برای خنثی نمودن این برنامه، اتخاذ راهبرد وحدت ضروری است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۸، ۵۵/۱۴) البته وحدت به معنای سنی شدن شیعیان و یا شیعه شدن اهل سنت نیست، وحدت یعنی در عین اختلاف نظر، شیعیان و اهل سنت باهم برابر بوده و احساس برادری داشته باشند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۵؛ ۱۳۸۸/۹/۱۵) در همین راستا در نظر انقلاب اسلامی، هر دولتی یا گروهی اعم از شیعه یا سنی که در جهت اختلاف افکنی میان مسلمانان و امت واحده اسلامی گام بردارد، بلندگوی تبلیغاتی دشمن بوده و دشمن اسلام و قرآن خواهد بود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۲)

منابع اسلام ناب محمدی ﷺ

منابع عمده دریافت اسلام عبارت‌اند از عقل و نقل، (رک: جنای، ۱۳۷۰) که نقل خود بر تقلین یعنی قرآن و عترت استوار است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) قرآن به عنوان منبع معرفتی اسلام (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۳/۱۷) و با تفسیر از سوی اهل بیت علیهم‌السلام بهترین راه هدایت بوده و اسلام ناب محمدی ﷺ را عرضه میکنند (اسراء، ۹) تا با تمسک به آیات راستینش، انسانها را از گرفتاری در دام انحراف مصون دارد. (آل عمران، ۷)

استفاده از عقل در دستیابی به اسلام ناب را باید در منهج اهل بیت علیهم‌السلام و تأکید بر اصولی چون تفریع فرع بر اصل و استنباط احکام جستجو کرد. با این حال در طول تاریخ، خواننده‌های دیگر از اسلام با قرائت سطحی از نقش عقل در نیل به اسلام، به فروکاهش مبانی اسلام به اصول عقلی (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۱/۳) و لغزش در وادی قیاس و استحسان دچار شدند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۲۸) این به اصطلاح عقل‌گرایی محض و اتکا به ظن برای اجتهاد، از سوی اندیشمندان بزرگ مسلمان همچون نوبختی و سید مرتضی به چالش کشیده شده و کتابهایی چون «الرد علی اصحاب الإجتهد فی الأحکام» به همین منظور تألیف شدند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

علی‌رغم اعتبار عقل در کنار نقل، برخی از مسلمانان در ورطه‌ی نقل‌گرایی محض نسبت به قرآن افتادند؛ به‌گونه‌ای که نقش اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن را نادیده گرفتند.

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۲۳) روشن است قرآن نیز به تنهایی صامت بوده و بدون حضور فعال قرآن ناطق، به راحتی مورد استفاده منحرفین قرار خواهد گرفت. (رک: آل عمران، ۷: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۲۳) از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایت متواتر ثقلین لزوم همراهی این دورا تا ابد، بارها یادآور شدند تا اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از منابع اصیل به دست مسلمانان برسد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۳۹۳-۳۹۵؛ محمدی زی شهری، ۳۸۶، ۵۸-۸/۵)

فهم عمیق و صحیح کلام خدا از طریق تفسیر و تبیین توسط اولیا، امری بدیهی است که حتی در کتب مقدس سایر ادیان نیز به روشنی بر آن تأکید شده است. (کتاب مقدس، اعمال رسولان، ۲۹/۸-۳۱) در دوران غیبت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام وظیفه تفسیر و تبیین قرآن و ارائه اسلام راستین بر عهده‌ی عالمانی است که به تفقه در دین می‌پردازند. (توبه، ۱۲۲) از این رو در دوران غیبت، سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و سنت معتبر که توسط فقها با عرضه به قرآن استخراج میشود منبع اسلام راستین است که به دست پرچمداران مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام سپرده شده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۲۲۱-۲۲۲)

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تکیه بر عقل سلیم در فهم عمیق مبانی و باورهای اعتقادی و با استناد به نقل معتبر یعنی قرآن و عترت و توجه به عقل در روشها و استنباط احکام، از افراط و تفریط در عقل‌گرایی صرف و نقل‌گرایی محض فاصله گرفته و در دوره غیبت امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام معرفت دینی صحیح را از سوی عالمان ربانی عرضه میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۷-۸: ۴۳۸-۴۳۹)

روش‌شناسی فهم اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

منابع اسلامی با تصریح به درافتادن عده‌ای بیمار دل به ورطه انحراف در اسلام، (بقره، ۱۰؛ آل عمران، ۷) روشها و سنجه‌هایی را برای رهایی از تردید و انحراف در اسلام عرضه کرده‌اند که مهمترین آنها از این قرارند:

تعقل و تدبر

مهمترین روش مورد تأکید قرآن، تعقل و تدبر و تعمق در مفاهیم قرآنی است که انسان

را گام به گام به قرآن نزدیک میکند. (رک: مؤمنون، ۶۸، محمد، ۲۴؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳/۳/۱۳۹۳) این روش، در جهت خلاف روش فهم در قرون وسطای غربی و تفکر مسیحی است که ایمان را لازمه‌ی فهم پنداشته و بدون ایمان، فهم را غیر ممکن میدانند. (Migliore, 2014, 2)

مراعات زمان و مکان

اسلام ناب محمدی ﷺ هدف غایی خود را پیشرفت و تعالی همه‌جانبه‌ی فرد و جامعه بشری و اجرای مقاصدی نظیر استقرار عدالت، (حدید، ۲۵) رشد معنویت، توسعه علم و دانش، حاکمیت اخلاق بر جامعه (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۲۷/۲/۱۳۹۰) و مرتفع ساختن موانع رشد (اعراف، ۱۵۷) از طریق امر به معروف و نهی از منکر در نظام اسلامی (آیت الله خامنه‌ای، ۱/۱/۱۳۹۴) قرار داده است. برای دستیابی به این مهم و سازگاری تعالیم دینی با اهداف غایی اسلام، مراعات زمان و ملاحظه مقتضیات زمانه از مهمترین روشهای اسلام ناب محمدی ﷺ برای رسیدن به مقاصد است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۹/۹۹-۱۰۲)

نگاه جامع

تفاوت اساسی روش فهم مورد نظر در اسلام ناب محمدی ﷺ با برداشتهای التقاطی از اسلام، نگاه جامعی است که نسبت به اسلام ارائه میشود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۸-۴۵۰) اسلام ناب، اسلام مبتنی بر کتاب و سنت است که با دیدگاهی روشن و متناسب با شرایط زمان و مکان، شناخت نیازهای بالفعل جوامع اسلامی و بشر و در نظر گرفتن روشهای دشمن با استفاده از شیوه و متد علمی جا افتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه به دست می‌آید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۴)

از جمله مصادیق جامعیت اسلام ناب محمدی ﷺ توجه به ساحتها و ابعاد وجودی انسان است. انسان مورد نظر اسلام با انسان از منظر تعالیم مادی غرب متفاوت است؛ چه آنکه انسان مطلوب اسلام ناب، انسانی است که به عنوان فرد واحد می‌باید در مسیر تکامل و تعالی مادی و معنوی شخصی خود تلاش نماید و به عنوان فردی در اجتماع بایستی به مدیریت اجتماع بپردازد. (آیت الله خامنه‌ای، ۲۵/۲/۱۳۸۶) برای چنین انسانی دو ساحت در نظر

گرفته شده است: یکی ساحت مادی و دنیایی و دیگری ساحت معنوی و آخرتی آن. اسلام این دو ساحت زندگی انسان را از یکدیگر جدا نمی‌داند و در همین سیر اعتقادی است که بسیاری از ارزشهای وحیانی را معنا می‌بخشد. برای نمونه جهاد و ایثار که از بالاترین ارزشهای مطلوب ادیان و به‌طور خاص اسلام است با باور به معاد و امتداد حیات پس از مرگ است که معنا و هویت پیدا می‌کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰)

رجوع مستقیم به منابع معتبر

رجوع به منابع دست اول که سنت حوزوی حافظ آن بوده است، از دیگر سنجه‌ها و روشهای دستیابی به اسلام ناب است. اهمیت این مسئله تا جایی است که پس از سیاه‌نمایی گسترده غرب علیه اسلام ناب و ارائه تصویری مخدوش از اسلام، مقام معظم رهبری علیه السلام در نامه‌ی تاریخی خود در یکی از دو خواسته خود، رجوع بی‌واسطه به اسلام ناب را مدنظر قرار داده و این روش فهم از اسلام را روشی منطقی و معقول عنوان داشتند که اقتضای منطقی سلیم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۲) البته برای فهم عمیق و تخصصی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمسک به سنت علمی و اجتهادی حوزوی ضروری است. با توجه به اینکه نهاد حوزه علمیه و روحانیت اصیل، قرن‌هاست که در جهت فهم و تبیین احکام خدا حرکت کرده است، سزااست که اسلام از این قشر حوزوی که حافظ اسلام و علوم اسلامی بوده‌اند، أخذ شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۸-۸۹؛ ۸۹-۸۸/۲) - فقه، روحانیت و حوزه‌های علمیه

ولایت

اسلام، از ولایت به‌عنوان عنصر محوری فهم اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یاد می‌کند. شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» در نخستین سالهای پس از وفات پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موجب انحراف در زمینه ولایت برای دستیابی به فهم صحیح از قرآن و اسلام و سبب افتراق قرآن و عترت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۱/۲۰-۱۲۱؛ نقی پورفر، ۱۳۸۱، ۴۰)

راهبردهای تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ

از آیاتی که جامع راهبردهای تحقق اسلام ناب است آیه ۲۵ سوره‌ی حدید می‌باشد که در آن هدف بعثت پیامبران را برقراری عدالت اجتماعی میدانند (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ۶۲) و قیام برای اقامه‌ی این قسط و عدل را نیز وظیفه‌ی رسل الهی برمی‌شمارد. (حدید، ۲۵) از همین رو امام خمینی ره مکرر به این مسئله توجه میدادند که قدرتهای بزرگ مانند آمریکا و شوروی معنای غلطی از اسلام را به مسلمانان تعلیم می‌دهند که در آن اسلام بدون حکومت و منهای سیاست در کانون توجه قرار دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۲۱-۱۶)

اسلام ناب محمدی ﷺ برای تحقق، مراحلی را از سر می‌گذرانند که از انقلاب اسلامی آغاز شده و به تمدن اسلامی ختم میگردد. مهمترین عامل مؤثر در جریان تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ، نظام‌سازی و تشکیل حکومت اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۴) پس از تشکیل نظام اسلامی و با اجرای احکام و ارزشهای اسلام ناب محمدی ﷺ در دولت اسلامی، محقق ساختن امت اسلامی و سپس تمدن عظیم اسلامی از مهمترین راهبردهای تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ در جهان است. (همان) پیام واقعه غدیر ناظر به بعد معنوی نبوده؛ بلکه تأکید بر بعد حکومتی اسلام و نیاز به کادرسازی و تشکیل نظام است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۱/۱۱۵) مجموعه‌ای از راهبردهای معرفتی، فرهنگی و سیاسی شامل فهم سیاسی، انقلاب فرهنگی، نظام‌سازی و... با قرائت انقلاب‌ساز از اسلام راهبردهای تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ هستند که در ادامه به سیر تکوین آن اشاره میشود.

فهم صحیح فراگیر از اسلام

این امر با ارائه‌ی تصویری شفاف و بدون پیرایه از اسلام برای نیل به شناخت واقع‌بینانه‌ای از آن ضرورت دارد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۲/۱۳۹۳) زیرا دشمنان اسلام، سالیانی است که اسلام را به عنوان دینی خشن، مخالف حقوق زنان و دمکراسی، عقب‌افتاده و دشمن جهان معرفی میکنند و از این منظر بسترها و منفذهای رشد و تحقق اسلام ناب را مسدود میکنند. از سوی دیگر عالمان بی‌پروا و جاهلان سطحی‌نگر نیز با فهم غیر صحیح و غفلت از ابعاد اسلام همواره تحقق اسلام ناب را با چالشهایی روبه‌رو می‌ساختند؛ چنانکه حتی در زمان

ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نیز همین فهم قشری سبب تکفیر حجت خدا از سوی ایشان خواهد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۴۰۹-۴۱۰) بنابراین نخستین و مهمترین راهبرد تحقق اسلام ناب محمدی ص فهم صحیح و فراگیر از مبانی، اصول و ویژگیهای آن در سطح ملی و جهانی است.

انقلاب

اسلام انسان را به اصلاح روحی و فکری و اخلاقی و نیز اصلاح نظام اجتماعی از دورن و بیرون دعوت میکند؛ از این رو انقلاب در هر دو بعد درونی و بیرونی مطلوب اسلام ناب محمدی ص است. (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۶۶-۱۷۵) استکبارستیزی و مقابله با اسلام آمریکایی از ویژگیهای ذاتی اسلام هستند و چنین خوانشی از اسلام ناب محمدی به منظور تحقق، نیازمند انقلاب و مقابله با قدرتهای استکباری و استبدادی و ورود در ولایت نور و خداوند است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۱۳۵-۱۳۷) در فرایند این راهبرد، مقابله با نظامهای جائر و فاسد که در ولایت طاغوت فروغلتیده و درصدد تحمیل و القای رویکرد استکباری خویش هستند، ضروری است و پیروزی بر آنها، مسیر را برای مرحله بعد که استقرار نظام است هموار خواهد کرد.

استقرار نظام اسلامی

انقلاب اسلامی راهبردی مقدماتی برای دستیابی به گام بعدی در راستای تحقق اسلام ناب محمدی ص است. به همین جهت تأکید بر عنوان «جمهوری اسلامی» مقدمه‌ای برای استقرار نظام اسلامی است تا گام بعدی برای تحقق احکام اسلامی محقق شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۴۰-۴۳) نظام اسلامی یعنی تدوین و تبیین ساختارها و فرایندهای حکومتی مورد نیاز برای تحقق آرمانهای اسلامی. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۱۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۸/۶/۱۳۸۴) در چنین نظامی که هم به لحاظ شکلی و هم از جهت محتوایی واقعیاتی تحت عنوان اسلام تثبیت میشود، میتوان مقدمات تشکیل دولت اسلامی را فراهم آورد، (آیت الله خامنه‌ای، ۸/۶/۱۳۸۴) تا با تربیت نیروهای انسانی و کادرسازی در سایه آن، شکل‌گیری جامعه اسلامی و تمدن اسلامی تا تحقق کامل اسلام ناب محمدی ص فراهم شود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱/۱/۱۳۸۹)

تشکیل دولت اسلامی

پس از استقرار نظام اسلامی، با پیاده کردن احکام اسلامی، دولت اسلامی تشکیل میشود. البته باید توجه داشت که هر نهضتی به تشکیل دولت اسلامی نمی‌انجامد؛ چنانکه نهضت مردم مسلمان الجزایر و بسیاری از نهضت‌های اسلامی به تشکیل دولت اسلامی نینجامید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸) بنابراین تشکیل و تکمیل دولت اسلامی به تلاش و تدبیر ویژه و مراقبت‌ها و مجاهدتهای خاص خود نیاز دارد؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸) با این حال باید توجه داشت که دولت اسلامی به صورت کامل در زمان حاکمیت انسان کامل محقق خواهد شد؛ لکن با جهت‌گیری ارکان نظام به سمت اسلام و تأمین محتوای اسلامی میتوان دولت اسلامی را به پا داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸)

تحقق جامعه اسلامی

خداوند متعال در سوره‌ی حج شروطی را برای تحقق جامعه اسلامی معین نموده که هر یک دارای ابعاد فردی و اجتماعی بوده و شاخصه اجتماعی آنها در نظام‌سازی نقش مؤثری دارد. (حج، ۴۱) از این چهار شرط یکی نماز است که پیونددهنده‌ی دل‌های مؤمنان بوده و دیگری زکات است که با نگاه اجتماعی به آن، مؤمنان خود را مدیون جامعه اسلامی دانسته و در قبال فقر و ضعف احساس دین و مسئولیت میکنند. امر به معروف و نهی از منکر نیز بیش از بعد فردی دارای ابعاد اجتماعی است. با مراعات این شروط نظام‌ساز بنا بروعه‌ی خداوند (حج، ۳۹) حکومت مؤمنان در زمین محقق خواهد شد و جامعه‌ی اسلامی رشد خواهد کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۱)

ایجاد تمدن اسلامی

ایجاد تمدن اسلامی آرمان‌نهایی جمهوری اسلامی و آخرین راهبرد برای تحقق کامل اسلام ناب محمدی ﷺ است. تمدن اسلامی فضایی است که در آن برای انسان، توان رشد و کمال از جهت مادی و معنوی وجود دارد و مؤمنان میتوانند به غایات مطلوبی که خدای متعال برایشان تدارک دیده، دست یابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

نظامی عادلانه و مردم سالار است که مبانی خود را از ارزشهای اسلامی أخذ کرده و بر سایر نظامات مشابه مردم سالار برتری دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۴/۴) برتری اساسی تمدن اسلامی بر سایر نظامات و به ویژه تمدن غرب، در آکنده بودن فضای تمدن اسلامی از توحید و معنویت است که اسلام از طریق حکومت اسلامی برای تحقق آن تلاش میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۸)

موانع و چالشهای فراروی اسلام ناب محمدی ﷺ

از آغاز همواره چالشهایی پیش روی اسلام ناب وجود داشته که به دو گونه داخلی و خارجی تقسیم شده و با راهبردهای مختلف سعی در تضعیف اسلام ناب محمدی ﷺ داشته است.

بزرگترین مانع پیش روی تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ در بعد خارجی زورگویان و مستکبران جهانی هستند که حتی از شنیده شدن صدای اسلام ناب نیز وحشت داشته و همواره سعی بر ممانعت از ترویج آن دارند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۸/۲۶) استکبار جهانی برای مقابله با اسلام ناب همواره از ابزارهایی بهره میبرد که اهم آنها از این قرار است:

تفرقه افکنی

اختلافات شیطانی و تفرقه ای امتی که از ابتدا منسجم و متحد بودند، (بقره، ۲۱۳؛ آل عمران، ۱۹؛ مريم، ۳۷-۳۸) از موانع پیروزی حزب الله بر حزب شیطان و مانع تحقق اسلام ناب است. دشمن استکباری با ایجاد اختلاف میان مسلمانان و مشغول کردن ایشان به اختلافات ساختگی درصدد تضعیف جامعه اسلامی است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۶/۱۶) نمونه آن در دوره ی مدرن و چند سده اخیر، نقش انگلیس و فتنه های آن در تجزیه طلبی و تفرقه به ویژه در جهان اسلام است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۷/۲۱) خاستگاه فعالیت های براندازانه و فرقه گرایی که توسط جریان تشیع انگلیسی صورت میگیرد لندن است. استکبار جهانی با برساختن تشیع انگلیسی و اهل سنت آمریکایی به ایجاد مانع در به ثمر رسیدن امت واحده اسلامی پرداخته و درصدد تضعیف تمدن سازی مورد نظر انقلاب اسلامی است، انقلابی که حزب الله لبنان و برادران فلسطینی را با یک چشم می نگرد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

تهاجم فرهنگی

ارزشهای غلط و فرهنگ شرک، مانع بزرگی در برابر تحقق اسلام است و در صورت هوشیار نبودن جامعه اسلامی، این ارزشها به راحتی و در قالبی الهی خود را در متن و بطن جامعه اسلامی می‌گنجانند. (اعراف، ۱۴۵-۱۵۵) زمانی که مسلمانان نسبت به تفاوت‌های موجود میان اسلام حقیقی و اسلام جعلی و آمریکایی آگاه نباشند، دشمن شرقی و غربی به راحتی اسلام سرمایه‌داران خدانشناس و مقدس‌نماهای متحجر را به جای اسلام پابرهنگان و محرومان ترویج می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۰/۲۱) جبهه استکبار با دادن شعار و تضعیف جناح حق همواره درصدد خاموش کردن صدای اسلام ناب است؛ روزگاری با دادن نسبت‌های ناروا و قلب حقیقت (ذاریات، ۵۲) و روزگاری با دور کردن اسلام از جامعه و اسلام را فاقد برنامه برای اداره جامعه و عدل و قسط معرفی نمودن، (فجی، ۱۳۷۶، ۴۳-۴۴) به ایجاد مانع برای تحقق اسلام ناب می‌پردازند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۲/۲۰) که با تأیید منافقینی که به ظاهر مسلمان بوده و در عمل به نفع اسلام آمریکایی عمل می‌کنند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۹/۱۴-۲۸۰) میتوانند به منافع خود دست یابند.

هجمه فرهنگی در زمینه دین نیز ابزار قدرتمندی است که استکبار از آن بهره می‌گیرد. البته این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد و به صورت فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، کاریکاتورها، قرآن‌سوزی و حوادث گوناگونی علیه اسلام در گوشه‌وکنار برای کاهش ایمان مردم به اسلام و مقدسات اسلامی ادامه پیدا کرد. در داخل کشور نیز، از طرق مختلف، از قبیل بی‌بندوباری و اباحت‌گری، ترویج عرفانهای کاذب، ترویج بهائیت و ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی؛ برای سست کردن پایه‌های ایمان مردم به خصوص نسل جوان توسط دشمنان اسلام تلاش میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۷؛ - تهاجم فرهنگی)

زورگویی و استعلا

قرآن، خودبرتربینی را با واژه‌های مختلفی چون استعلا، علو، استکبار و تکبر آورده است. علی‌رغم این هم‌پوشانی مفهومی، معنای استکبار و استعلا متفاوت بوده و استعلا از مهمترین خصوصیات استکبار به شمار میرود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۳۰) بنابراین در قرآن

خود را بالاتراز حق به حساب آوردن و زیر بار حق نرفتن و سلطه جویی و استعلامذمت شده است. (قصص، ۴؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۳۰) استکبار جهانی با استعلا و سلطه بر مستضعفان سعی در پیشبرد اهداف خود دارد و قیام رهبران الهی علیه ایشان برای کوتاه نمودن دست مستکبران از سرزمینهای اسلامی بوده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱-۲۳- ← استکبار) در بعد داخلی نیز متحجران، سکولارها، منافقان و اشراف و سازش‌کاران از موانع اساسی پیش روی تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ هستند.

متحجران

متحجران از پیروان اسلام آمریکایی هستند که با ژست دین و مقدس‌نمایی خود را بروز می‌دهند و خطری به مراتب بالاتراز دیگر پیروان اسلام آمریکایی دارند. این خوانش از اسلام با تمسک به ظواهر دین، به اسلام ناب محمدی ﷺ حمله ور شده و از تحقق آن جلوگیری می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۱۹-۱۲۲)

سکولارها

از موانع داخلی تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ قرائتی از اسلام است که توسط سکولارها عرضه شده و عرصه حضور دین را زندگی فردی مؤمنان تعیین نموده و از حضور آن در جامعه و تشکیل جامعه اسلامی پیشگیری می‌کنند. در این رویکرد استکبارستیزی و سایر ویژگیهای اسلام ناب نفی شده و اسلام در خدمت استکبار قرار می‌گیرد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

منافقان

نفاق به معنای دورویی و تظاهر به چیزی با اعتقاد بر خلافش است. منافقان که برای حفظ منافع خویش، چهره‌ی حقیقی خود را نشان نمی‌دهند، جلوه‌گر شکلی از اسلام هستند که از زمان صدر اسلام و رسول الله ﷺ و در قامت اسلام ابوسفیانی حضور داشته و امروز هم با سردادن شعار دفاع از انقلاب اسلامی در ظاهر و طرفداری از آمریکا در باطن، به

حیات خود ادامه می دهند. خطر چنین مسلمانانی از خطر کفار و مستکبران بیشتر است.

(امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۲۳۴)

اشراف

حضور اشراف در جامعه اسلامی از جمله موانع مهم پیش روی اسلام ناب محمدی ﷺ است؛ چرا که اشراف اهتمام به امور سایر مسلمانان نداشته و در صدد تأمین منافع و وسائل عیش و نوش خویش، در ظاهر آراسته به مظاهر دینی و در واقع همسو با منافع استکبار هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۳۶-۱۳۷) این در حالی است که اسلام از اساس با سرمایه داران اشرافی که عمدتاً در برابر مستضعفان و انبیا قرار داشتند، به مخالفت پرداخته و در مواردی مسلمانان را به جنگ و جهاد با ایشان فراخوانده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۹۹)

سازش کاران

مانع دیگر تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ سازش کارانی هستند که با انزوای از جامعه و بدون توجه به مستضعفان، منافع اسلام و جامعه‌ی اسلامی را نادیده می‌گیرند. مسلمانان سازش کار با سیاست بازی سلطه مستکبرین را پذیرفته (آیت الله خامنه‌ای، ۷/۴/۱۳۶۹) و خطری برای استکبار جهانی ایجاد نمیکنند. سازش کاران به منظور حفظ منافع شخصی خود، (آیت الله خامنه‌ای، ۲۷/۷/۱۳۷۰) نام سازش کاری را عوض کرده و آن را عقلانیت می‌خوانند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰) اسلام ناب محمدی ﷺ با پرهیز از انفعال، با ایجاد نهضت به مبارزه با استکبار رفته و همانند اسلام سکولار و سازش کار خود را از بطن جامعه جدا نمی‌بیند. (آیت الله خامنه‌ای،

۲۱/۱۲/۱۳۹۳)

تقابل اسلام ناب محمدی ﷺ با اسلام آمریکایی و مصادیق آن

مواجهه‌ی اسلام با کفر و نفاق امروزه در تقابل میان اسلام ناب محمدی ﷺ و اسلام آمریکایی با جلوه‌های گوناگونش عینیت یافته است. جلوه‌های اسلام آمریکایی عبارت‌اند از اسلام تحجر، اسلام سازش کارانه، اسلام ارتجاع، اسلام روشنفکری، اسلام سکولار، اسلام

اشراف و اسلام آخوندهای درباری.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ یکی از بزرگترین مشکلات جهان امروز را اسلام آمریکایی میدانست که در قامت اسلام سعودی خود را نمایان ساخته (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۴/۲۱-۷۶) و مصادیقش اسلام اشراف یا ابوسفیانی، اسلام ملاحای کثیف، اسلام پول و قدرت، اسلام تفوق ثروت و سرمایه داران بر مظلومان و مستضعفان و... بودند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۰/۲۱: Koya, 2009, 111)

با توجه به ویژگیهایی که امام برای اسلام آمریکایی برشمرده است، انتقاد امام نسبت به حضور اسلام آمریکایی در میان مسلمانان به سرعت بسیاری از کشورهای حاشیهی خلیج فارس را متوجه خود کرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۷۴/۲۱-۱۰۰: Ehteshami, 2002, 204)

تعبیر «اسلام آمریکایی» که از سوی امام به ویژه در سالهای پایانی حیات پر برکتشان مکرر مورد استفاده قرار گرفت، اشاره به نقش آمریکا در ترویج و تبلیغ اسلام سازش و فریب داشت که با به کارگیری روحانیت درباری، ثروتمندان و اشراف، حاکمان وابسته و تکیه بر شرق کمونیسم و غرب سرمایه داری سعی در نابودی اسلام ناب داشت. (شیداییان، ۱۳۸۱، ۶۰/۱)

معیار اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایجاد خطر برای منافع جبهه استکبار و کفر است و هر قرائتی از اسلام که در جهت تأمین منافع استکبار باشد در شمار مصادیق اسلام آمریکایی قرار میگیرد. از نظر امام، سازش ناپذیری اسلام ناب در برابر اسلام آمریکایی بدان حد است که سازش جهان اسلام با اسلام آمریکایی به معنای نابودی همیشگی اسلام ناب تلقی میشود و بنابراین می بایست به تأسی از پیغمبران و به ویژه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تا آخر ایستادگی کرده و در برابر اسلام آمریکایی پیشروی نمود. (شیداییان، ۱۳۸۴، ۱۴۳-۱۴۴)

اسلام سازش کار با منافع غرب و استکبار، با دو رویکرد متحجرانه و سکولاریستی بدون ایجاد تهدید برای دشمنان، خود را جدای از تحولات جامعه اسلامی می بیند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱)

این اسلام با وابستگی به غرب از عزتمندی جامعه اسلامی پیشگیری نموده و در این مسیر حتی از کشتار مسلمانان نیز دریغ نمیکند چرا که همسویی با منافع غرب مستکبر نخستین اولویت این چنین اسلامی است که به مقابله با اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداخته و در پی حفظ سیاستهای استکبار است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۰/۲۱-۸۲)

از دیگر گونه های اسلام آمریکایی که به تقابل با اسلام ناب محمدی می پردازد، اسلام

ارتجاعی است. ارتجاع به معنای بازگشت منفی و بازگشت به نظام، فکر و روش غلط، بدوی و غیر معقول است (حیدری، ۱۳۸۲، ۴۵) و در قرآن نیز مواردی از بازگشت از دین حق (آل عمران، ۷۲) و یا درخواست داوری از حاکمان باطل را میتوان به ارتجاع تأویل برد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، ۴۵۷/۲). ارتجاع در منطق اسلام ناب محمدی ﷺ به معنای رجوع از اسلام به کفر است. (منافقون، ۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۴/۵). استکبار غربی برای ادامه سلطه‌ی خود همواره درصدد تقویت اسلام ارتجاعی برمی‌آید که با استبداد و وابستگی، تدوام حیات اسلام آمریکایی را تضمین میکند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

روشنفکری در حقیقت در مقابل ارتجاع قرار دارد زیرا مقوله‌ای رو به جلو و پویاست. با این حال ارتجاع روشنفکری در میان روشنفکران سکولار و غرب‌گرا سبب شکل‌گیری نوعی از اسلام آمریکایی با عنوان اسلام روشنفکری است که به جای نگاه به جلو، از سیاستهای خصمانه ضد اسلام ناب محمدی ﷺ حمایت و پیروی نموده و در جهت‌گیریها همواره نگاه به سوی غرب استکباری دارد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۹/۸-۱۷۸؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲)

اسلام اشرافی از گونه‌های اسلام آمریکایی است که به‌طور خاص وجود آن در میان مسئولان و زمامداران خطر بزرگی برای اسلام ناب محمدی ﷺ قلمداد شده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) و اجتناب از آن از شاخصه‌های اصلی نظام اسلامی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴)

امروز اسلام آمریکایی در دو مصداق اسلام سکولار و اسلام متحجر، جلوه‌گر است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) از این منظر روحانیون متحجر، مروج اسلام آمریکایی و دشمن پیامبر اسلام ﷺ تلقی شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۹-۱۲۲؛ Ayubi, 1991, 114) و زیان‌بارترین دشمن اسلام ناب به شمار می‌آیند. آن مقدار که اسلام از مقدسان روحانی‌نما (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۰/۲۱) ضربه خورد، از هیچ قشر دیگری آسیب ندیده و حتی حضور این طیف فکری مسیر تاریخ اسلام را عوض کرده و مسبب اصلی حادثه‌ی کربلا نیز همین قشر به شمار می‌روند. (رجائی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۱۲-۱۶؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳۱۸-۳۱۹-۳۱۶، ۶۸/۲۱، ۷۱، ۸۸-۹۲)

اسلام سکولار نیز همانند اسلام تحجر‌مورد حمایت آمریکا و غرب بوده و نمایانگر اسلام آمریکایی است. اسلام سکولار اسلامی بدون فقه و شریعت و بدون جبهه‌گیری در برابر غرب و جنایات آن در منطقه اعم از فلسطین و یمن و بحرین است که از اسلام فقط ظاهر

آن را یدک می‌کشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

اسلام آمریکایی اسلام را وارونه نشان می‌دهد، به سرمایه و سرمایه‌داری متکی است، در پی رفاه‌طلبی و بی‌تفاوتی بوده و سلب مسئولیت میکند، به دنبال فرصت‌طلبی و سودجویی است، به ظاهر دین تمسک می‌کند تا حقیقت دین را حذف نماید، توجیه‌کننده ظلم است، در پی حذف حکومت دینی از متن دین و قرآن است و با جهاد و مبارزه سازگاری ندارد. (مرادی، ۱۳۸۲، ۴۹۱-۴۹۲) در طرف مقابل روشن است که اسلام ناب محمدی ﷺ به محتوا و روح اسلام توجه دارد، جامع‌الاطراف است و به تمام ابعاد توجه دارد، حکومت و سیاست و جهاد در متن آن جاری است، سلطه‌پذیر نیست؛ بلکه مکتب رنج و صبر و ایثار و فداکاری و شهادت است. (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۷۵، ۱۹۳)

عمق‌بخشی به آگاهی عمومی مسلمانان نسبت به تفاوت‌های اسلام ناب و اسلام آمریکایی عمدتاً وظیفه‌ی حوزه‌های علمیه است که در صورت عمل حوزه به این وظیفه، اسلام ناب از شُرّایادی شرق و غرب نجات می‌یابد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۹/۲۱-۱۲۱) بدون تردید سلوک در طریق اسلام ناب محمدی ﷺ بدون مرزبندی با اسلام آمریکایی و مبارزه با اسلام سکولار و تحجر امکان‌پذیر نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

توفیقات انقلاب اسلامی در تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ

انقلاب اسلامی علی‌رغم چالش‌ها و موانع پیش گفته در تحقق مقاصد، از توفیقات چشمگیری برخوردار بوده است که مهمترین توفیق آن، استقرار نظام اسلامی و حرکت در مسیر تحقق حاکمیت دینی است. انقلاب اسلامی برای پیاده‌سازی اسلام ناب محمدی ﷺ با عنایت به مؤلفه‌های اسلام ناب و با گذشت زمان و رشد و بالندگی این نهضت، در زمینه‌های علمی و فناوری، نفوذ و توسعه سیاسی، اقدامات زیربنایی عدالت‌محور و از همه مهم‌تر مرکزیت و محوریت در جهان اسلام و تسلط گفتمان دینی، به توفیقاتی دست یافت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۷) توفیقات برجسته انقلاب اسلامی در این عرصه از این قرار است:

تبدیل آرمانهای انقلاب به گفتمان

با استقرار نظام اسلامی و تلاش در جهت تحقق حاکمیت دینی، انقلاب اسلامی توانست آرمانهای انقلابی برخاسته از اسلام ناب محمدی ﷺ را ترویج نموده و با توسعه‌ی آن به غلبه گفتمانی دست یافته و ارزشهای انقلاب را به نسلهای بعدی خود منتقل نماید. علاوه بر این انقلاب اسلامی برخاسته از اسلام ناب محمدی ﷺ با ارائه مدل حاکمیت دینی به کشورهای منطقه، سبب رشد و گسترش طغیان این کشورها علیه طواغیت و به زیر کشیدن آنها و تلاش برای جایگزینی نظام اسلامی شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

احیای اسلام کارآمد

انقلاب اسلامی با احیای اسلام کارآمد و پویا که منطبق با نیازهای روز جامعه بوده و جوابگوی مشکلات امت اسلامی است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) و حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران در داخل و خارج از ایران توانست تحقق بخشی اسلام ناب را متبلور نماید که همین امر سبب مخالفت و دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی گشت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۴؛ ۱۳۶۹/۳/۱۰) اسلام کارآمد برخلاف اسلام سازش کار و منفعل، با بنیه قوی و ساخت محکم کشور و نظام به مواجهه فعال با غرب استکباری پرداخته، در مواجهه با دشمنی‌های غرب ایستادگی عزتمندانه را پیشه‌ی خود ساخته است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

حاکمیت دین

مفهوم اطاعت از حکام گرچه ظالم باشند تا پیش از پیروزی انقلاب مفهومی پذیرفته شده بود و آخوندهای درباری آن را ترویج میدادند، اما با پیروزی انقلاب این مفهوم توسط امام خمینی ره به محقق رفت و تفکر اسلام ناب محمدی ﷺ ظاهر شد. (نصرالله، ۱۳۸۵، ۴-۵) انقلاب اسلامی توانست با پایین کشیدن طاغوتیان از عرصه حکومت، به مردم سالاری دینی رسیده و حکومت اسلامی را در مسیر پیاده سازی کامل اسلام ناب مستقر نماید. در حاکمیت ولایت محور، ولایت ولی فقیه عینیت یافت که در راستای ولایت

اهل بیت علیهم السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله قرار داشته و برگرفته از آن است؛ (امام خینی، صحیفه امام، ۳۰۸/۱۰) در چنین حاکمیتی با عینیت یافتن ولایت، رابطه پر مهر مردم و ولی به همراه اعتقاد و فکر توأمان به پیش رفته و هم افزایی دارند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۶؛ ۱۳۷۹/۵/۵)

بیداری اسلامی و فلسطین

ایجاد حس مسئولیت و بیدار شدن وجدانهای مسلمین و غلبه بر توطئه‌های دشمن غربی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی برخاسته از اسلام ناب است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) این موج از بیداری اسلامی که توسط انقلاب اسلامی در حال پیاده‌سازی است، خود یکی از اهداف اسلام بوده و در قرآن نیز اشاراتی بدان وجود دارد. (حج، ۴۱) مسئله‌ی فلسطین و بازپس‌گیری و احیای این سرزمین مقدس اسلامی و روشن شدن دست توطئه‌گران به وسیله قلب اسلام و میراث اسلامی از دیگر ثمرات انقلاب اسلامی در دستیابی به اسلام ناب است. انقلاب اسلامی با ابتکار حضرت امام علیه السلام در نامیدن روز قدس و آگاه نمودن وجدانهای بیدار، به دنیا نشان داد که مسئله فلسطین برای ایران فراتر از یک استراتژی سیاسی، بلکه یک عقیده است. (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ۶۳-۷۰) در قضیه فلسطین دو دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی، حفظ روحیه مقاومت در میان ملت فلسطین و پیشرفت و اقتدار روزافزون در مقابل جبهه‌ی کفر است. دشمن غربی تمام توان خود را به کار بست تا روحیه مقاومت را از مردم فلسطین دور نموده و ایشان را به سازش و ادار نماید، با این حال ملت فلسطین تسلیم نشده و به مقاومت ادامه دادند. در ادامه و با حمایت‌های انقلاب اسلامی از نهضت فلسطین و ایمان و اتکا به خدا، این مقاومت با پیشرفت و اقتدار روزافزون مواجه شده و در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر ایستادگی میکنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۸) انقلاب اسلامی چنانکه از ابتدا قضیه فلسطین را یک ارزش و آرمان برای خود ترسیم کرده بود، در ادامه نیز آن را از دستور کار خود خارج نخواهد کرد تا به ثمر برسد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

تشکیل هسته‌های مقاومت

پس از استقرار نظام اسلامی، تشکیل هسته‌های مقاومت در سرتاسر جهان به منظور

مقابله با غرب و شرق که از اهداف اسلام ناب محمدی ﷺ در تأسیس نظام اسلامی بود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۵/۲۱) در فلسطین، لبنان و سایر مناطق جهان محقق شده (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۶/۲۳؛ ۱۳۸۸/۹/۵؛ ۱۳۹۰/۷/۹) و استکبار جهانی را در ترویج اسلام آمریکایی ناکام گذارده است. چکیده کلام اینک: «در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بندوباری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی ﷺ، جایگزین اسلام آمریکایی گردید.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

چشم انداز اسلام ناب محمدی ﷺ

اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال تحقق کامل و همه جانبه‌ی حکومت اسلامی و پیاده نمودن اجزاء و عناصر اسلامی آن و در گام بعدی کوتاه شدن دست اجانب از سر مسلمانان عالم و استقلال کامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۱/۵)

اسلام ناب در سطح داخلی با تحقق دولت اسلامی و حرکت آن در جهت ظهور جامعه اسلامی متبلور میشود. در این سطح ارزشهای اسلامی محقق شده و تمامی قوا در جهت تحقق جامعه اسلامی بسیج میشوند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) تحقق عدالت، آزادی، مردم سالاری دینی و پیشرفت همه جانبه به عنوان هدف میان مدت و تعالی و رشد معنوی انسانها به سمت ارزشهای اسلام ناب محمدی ﷺ به عنوان هدف نهایی چنین نظامی در نظر گرفته میشود که بر اساس آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) در عبادت با معرفت تجلی می یابد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

با تداوم اهداف انقلاب در پیاده سازی اسلام ناب در تشکیل جامعه اسلامی و حرکت

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ / ۱۶۷

به سوی امت و تمدن اسلامی (همان) در آینده‌ی نه چندان دور سایر ممالک اسلامی منطقه نیز به ایران اقتدا نموده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۳/۸) و با حفظ ارزشهای اسلام ناب و حرکت بر مبنای اصول آن، سایر اقطار در بند عالم اسلامی نیزها میشوند؛ چنانکه فلسطین با ادامه‌ی این نهضت و با حمایت جهان اسلام آزاد شده و به آغوش جهان اسلام بازخواهد گشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۴)

مستکبران با ترویج وارونه و تحریف انقلاب و نظام سعی در خدشه در اهداف اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشتند؛ اما چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا» (طارق، ۱۵-۱۶) از این مسیر ضمی‌های مستعد بیدار شده و بیداری اسلامی شکل گرفت که همچنان گسترش خواهد یافت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۱۴)

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تلاش مؤمنان راستین و کاستن از گناهان و فراهم کردن مقدمات ظهور امام زمان عَجَلُ اللهُ إِلَيْهِ، زمینه‌ی حکومت جهانی اسلامی و تحقق اسلام ناب را تدارک میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷-۱۳/۲۱، ۴۴۷) حکومت جهانی حضرت حجت عَجَلُ اللهُ إِلَيْهِ، چشم‌انداز نهایی اسلام ناب است؛ همو که وارث زمین و منادی عدل و قسط بوده، در مزامیر حضرت داوود نیز از او یاد شده (رک: کتاب مقدس، مزمور ۳۷) و قرآن در رابطه با او چنین وعده داده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء، ۱۰۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بعثت نبی گرامی اسلام و پاسداری از حریم دین توسط اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امت اسلامی و دنیا عرضه شد. صدای اسلام ناب در هر برهه‌ای از تاریخ توسط عالمان ربانی به گوش می‌رسید تا اینکه پرچم اسلام ناب با دستان مبارک امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ برافراشته شد و توانست بر اسلام طاغوتی و آمریکایی غالب آید.

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسلامی برگرفته از منابع عقلی و نقلی و بهره‌برداری از قرآن و سنت رسول گرامی اسلام و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و وفادار به تعالیم راستین و حقیقی ایشان بوده و به‌ویژه سلطه‌ستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان را در مسیر جهت‌گیری‌های خود قرار میدهد. نگاه جامع به دین و به‌طور خاص اجرایی شدن احکام دین در قالب تشکیل

حکومت اسلامی از مهمترین ویژگیهای اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. مهمترین موانع تحقق اسلام ناب از یک سو تبلیغات غرب و از سوی دیگر وجود اسلام آمریکایی است که در لباس حکومت‌های ارتجاعی جهان اسلام، اسلام تحجر و اسلام سکولار تجلی کرده و کمر به انهدام ریشه اسلام ناب بسته است. با این همه اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که انقلاب اسلامی مروج آن بوده به توفیقاتی چشمگیر دست یافته است، از جمله اینکه آگاهی عمومی ملت‌های مسلمان را افزایش داده و با بیدار نمودن دل‌های روشن، توانسته ملت‌ها را در برابر اسلام آمریکایی و غرب بسیج نماید و جریان بیداری اسلامی را تقویت نموده و بار دیگر حرکت امت اسلامی را به سمت آغوش اسلام ناب تسهیل و تسریع نماید.

برای تحقق اسلام ناب، مهمترین نیاز، تشکیل نظام اسلامی است که در سایه‌ی آن عدالت و پیشرفت اسلامی در پرتو احکام نورانی اسلام تحقق یابد. با تشکیل حکومت اسلامی به تدریج هنجارهای اسلام ناب پیاده شده و سایر جوامع اسلامی بدان ملحق خواهند شد. انقلاب اسلامی در راستای فراهم نمودن زمینه‌ی ظهور حضرت بقیه الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَام و اصلاح بنیادین ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به حیات طیبه‌ی خود ادامه میدهد و در جبهه مقابله مقتدرانه و هوشمندانه با اسلام آمریکایی، هر روز پیشرفته‌ها و توفیقات بیشتری به دست می‌آورد؛ ان شاء الله.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ابراهیمی، عبدالجواد، بحثی در فلسفه سیاست و قانون در اسلام، قم، انتشارات ریحق، ۱۳۷۷ ش.
۵. ابن ابی‌الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. ایزدپناه، عباس، درآمدی بر مبانی آثار و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. بابایی زارچ، علی محمد، امت و ملت در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. جناتی، محمد ابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. حسینی میلانی، سید علی، حدیث الثقلین، قم، مرکز الابحاث العقائدية، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۴. حیدری، احمد و دیگران، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت

- بسیج سپاه، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. دژاکام، علی، روشنفکری از منظر شهید مطهری، پژوهشهای اجتماعی اسلامی (فصلنامه)، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۵۹، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. ذوعلم، علی، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. رجائی نژاد، محمد، تبحر و تبحرگرایی از منظر امام خمینی علیه السلام، تهران، انتشارات عادیات، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین، المراجعات، تحقیق حسین راضی، بیروت، الجمعية الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۱۹. شیداییان، حسین، آمریکا از دیدگاه امام خمینی، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. شیداییان، حسین، عوام و خواص از دیدگاه امام خمینی، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. صدرالمطالعهین، صدرالدین محمد شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ ش.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. صلح میرزایی، سعید، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۲۵. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. طبرسی، حسن بن علی، اخبار و احادیث و حکایات در فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و مناقب اولاد بتول علیها السلام، ترجمه عبدالملک بن واعظ قمی، تحقیق رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۸ ش.

۳۰. فرجی، محمدتقی، اسلام و سکولاریسم؛ دین سیاسی و سیاست دینی، تهران، بنیاد حکمت و اندیشه، ۱۳۷۶ش.
۳۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۲. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶ش.
۳۵. مرادی، علی اصغر، اسلام ناب در پرتو عرفان ناب از منظر امام خمینی (ره) (امام خمینی و اندیشه های اخلاقی عرفانی؛ نامه های عرفانی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲ش.
۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۳۷. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ش.
۳۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۳۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیستم، ۱۳۸۲ش.
۴۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، تحقیق پورسعید، بی جا، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.
۴۱. مهدوی، غلامرضا، اسلام ناب محمدی از دیدگاه امام خمینی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۸ش.
۴۲. نصرالله، سید حسن، امام پرچمدار اسلام ناب، سوره اندیشه (دوماهنامه)، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ش ۲۷، ۱۳۸۵ش.
۴۳. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ش.
۴۴. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۵. واعظزاده خراسانی، محمد، امام خمینی و انقلاب اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
46. Adib-Moghaddam, Arshin, a Critical Introduction to Khomeini, New York: Cambridge University Press, 2014.
47. Axworthy, Tom, Bridging the divide: religious dialogue and universal ethics, School of Policy Studies, Queen's University, 2008.
48. Ayubi, Nazih, Political Islam: Religion and Politics in the Arab World, London: Routledge, 1991.

49. Corbin, Henry, History of Islamic Philosophy, Oxon, Routledge, 2014.
50. Ehteshami, Anoushiravan, After Khomeini: The Iranian Second Republic, Routledge, 2002.
51. Koya, Abdar Rahman, Imam Khomeini: Life, Thought and Legacy, Malaysia: The Other Press, 2009.
52. McDougall, E. Ann, Engaging with a Legacy: Nehemia Levtzion (1935-2003), London: Routledge, 2014.
53. Migliore, Daniel L. Faith Seeking Understanding: An Introduction to Christian Theology, Third Ed, Michigan: Wm. B. Eerdmans Publishing, 2014.

امر به معروف و نهی از منکر

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۱ (مؤلف و مسئول علمی)

امر به معروف و نهی از منکر؛ دستور دادن دیگران به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها در عرصه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی.

امر و نهی در لغت به معانی مختلفی به کار رفته‌اند که از جمله آن، امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۹۳/۴، ۲۹۷/۸) و نیز امر به معنای فرمان و فرمایش (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳۳۴۳/۳) و نهی به معنای منع کردن و وازدن (دهخدا، ۱۳۷۳، ۲۲۹۱۸/۱۵) آمده است. «معروف» در دو معنا به کار رفته است؛ استمرار چیزی و یا سکون و آرامش. به نظر برخی معروف از ریشه دوم می‌باشد؛ زیرا انسان به واسطه‌ی معروف و آن‌چه می‌شناسد، آرامش یافته و از آنچه نمی‌شناسد، وحشت زده می‌گردد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۸۱/۴) جمعی از لغت‌شناسان معروف را به هر آنچه بر اساس عقل یا شرع نیکو و پسندیده شمرده شود، تعریف کرده‌اند و در مقابل، منکر را چیزی دانسته‌اند که از سوی این دو، زشت و قبیح شمرده شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۹/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۱، ۱۳۶۴، ۲۱۶/۳)

معروف در نظر مشهور فقیهان به کار پسندیده‌ای گفته می‌شود که همراه با حکم و جوب و یا استحباب شرعی است و منکر کار ناپسندی است که از نظر شرع حرام می‌باشد. (طوسی، ۱۴۰۹، ۵۴۹/۲، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۹۹/۳-۱۰۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۶/۲۱-۳۵۷) از نظر برخی از فقها منکر اعم از کار ناپسند حرام یا مکروه است. (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ۲۰۷، اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۲۹/۷)

۱. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

امام خمینی علیه السلام نیز در آثار علمی خود، هر عملی که عقلاً یا شرعاً واجب باشد، معروف و آنچه از نظر شرع و عقل حرام یا مکروه باشد، منکر دانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۲) از آنجا که ایشان رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران را شرعاً لازم می‌دانند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۱/۸) معروف و منکر را به هر آنچه موافق یا مخالف قانون جمهوری اسلامی ایران باشد تعمیم داده‌اند. (رک: امام خمینی، ۱۳۸۰، ۵۹/۳) در حقیقت، امر به معروف و نهی از منکر سوق دادن مردم به کارهای نیک و بازداشتن از بدی‌ها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۰/۷/۱۵) الزام مردم به این امر در این راستا است که معروف در جامعه به مرحله‌ی عمل درآمده و لباس عینیت بپوشد. از اینجا فرق آن با تبلیغ روشن می‌گردد. تبلیغ رساندن پیام و شناساندن آن و مربوط به مرحله شناخت است. وظیفه‌ای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام باشد. اما در امر به معروف، هر مسلمانی وظیفه دارد که در او این احساس باشد که مجری احکام الهی و جزء قوه‌ی مجریه‌ی حکومت اسلامی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۳۲۲/۱۷-۳۲۳)

در آیات متعدد قرآن به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت پایبندی به آن تصریح شده است. (آل عمران ۱۱۴؛ توبه، ۱۱۲؛ حج، ۴۱؛ لقمان، ۱۷) خداوند از جمله ویژگیهای مؤمنان را در آیه ۷۱ سوره توبه، امر کردن به معروف و نهی کردن از منکر، یاد میکند (رک: امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۰۹) و در آیاتی از قرآن، علما و پیروان دیگر ادیان را به واسطه ترک این امر، مورد ملامت قرار میدهد (مائده، ۶۳، ۷۹) که چرا آنها، ستمکاران را از گفتار گناهکارانه اعم از دروغ‌پردازی و تهمت و تحریف حقایق و امثال آن و از حرام‌خواری نهی نکرده‌اند. این نكوهش قرآن، اختصاص به علمای یهود و نصاری نداشته و همه عالمان دینی را شامل میشود. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۱۲) همچنین خداوند به مسلمانان خطاب میکند که باید از شما گروهی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان را رستگار معرفی میکند «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران، ۱۰۴) همچنین در آیه‌ای دیگر بهترین امت را کسانی دانسته که امر به معروف و نهی از منکر میکنند. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ». (آل عمران، ۱۱۰؛ رک: امام

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۷۵

توصیه به این امر علاوه بر قرآن، در احادیث فراوانی ذکر شده که بر اهمیت، جایگاه، احکام و آثار آن تأکید دارد؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۵/۵-۶۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۱۵-۲۸۵) به گونه‌ای که در گفتارهای پیامبر خدا ﷺ و امیرمؤمنان علی (ع) و دیگر امامان، دارای لحنی کم‌نظیر و تأثیرگذار است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۸/۲۳) در روایتی رسول اعظم ﷺ شانه خالی کردن از اقامه‌ی آن را اعلان رویارویی با خداوند و موجب نزول بلا یا از سوی او بر شمرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۹/۵) و برپاداشتن آن را سبب خیر و ترک آن را موجب سلب برکت از انسانها و تسلط برخی بر برخی دیگر بدون آن که یآوری در زمین و آسمان داشته باشند، دانسته است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۲۳؛ رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۱) امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌ای با استناد به آیات قرآن (مائده، ۷۹؛ توبه، ۷۱) و با اشاره به این کلام الهی که از مردم نهراسید و تنها از من در هراس باشید، (مائده، ۴۴) برپاداشتن امر به معروف و نهی از منکر را سبب برپایی دیگر واجبات، دانسته است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۳۰) در این حدیث آن حضرت (ع) با ذکر آیات قرآن در مذمت علمای یهود در ترک این فریضه، به این موضوع اشاره کرده تا علمای جامعه اسلامی عبرت گرفته و بیدار شده و از ادای وظیفه باز نایستند. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۲) آن حضرت در کلام دیگری (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱/۲) امر به معروف را شعبه‌ای از جهاد در راه خدا (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰) و یا برتر از جهاد معرفی می‌فرماید آنجا که ایشان پس از اشاره به جهاد تصریح دارد «وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ». (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴ (۵۴۲)؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۱۰/۸) امام حسین (ع) نیز در تعیین اهداف قیام خود، به امر به معروف و نهی از منکر اشاره میکند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴/۳۲۹-۳۳۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷) و خود قیام ایشان نیز از مصادیق بزرگ این فریضه‌ی الهی می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹)

ضرورت و جایگاه این فریضه در مراجعه به عقل نیز روشن میشود و عالمان بسیاری از آن به عنوان مؤید و یا دلیل نام برده‌اند. (طوسی، ۱۳۷۵، ۱۴۶-۱۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۳۵۸-۳۵۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۲۱/۲-۲۲؛ امام خمینی، ۱۳۸۱، ۱/۲۰۳-۲۰۴؛ رک: ادامه مقاله) در همین راستا در کتابهای کلامی نیز به این مطلب اشاره شده است. (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۷۳، ۴۴۵؛ علامه حلی، ۱۳۷۳، ۴۵۵) به پیروی از قرآن و روایات و عقل، این مسئله در کتابهای کهن فقهی مطرح شده (مفید، ۱۴۱۰، ۸۰۷-۸۱۲؛ ابوالصلاح حلی، ۱۴۰۳، ۲۶۴-۲۶۸) و در دوره‌های بعد با تفصیل بیشتری بررسی شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۴،

۴۳۷/۹-۴۴۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۲/۲۱) این بحث در کتب فقهی با بحث جهاد، پیوند خورده است و بسیاری این دو را در کنار هم و تحت یک عنوان قرار داده‌اند. (مفید، ۱۴۱۰، ۸۰۷-۸۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹؛ رک: علامه حلی، ۱۴۱۴، ۴۳۷/۹، امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۲) در همین راستا در روایتی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقایسه‌ای میان مجموع کارهای نیک و جهاد در راه خدا با امر به معروف و نهی از منکر، آنها را به منزله‌ی قطره‌ای در برابر دریا میدانند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۴/۱۶؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) در این میان عالمان دینی اندر زمانه و سیاست‌نامه‌هایی را برای حاکمان جامعه اسلامی می‌نگاشتند (رک: فیرحی، ۱۳۸۲، ۷۵، ۸۸؛ رنجبر، ۱۳۸۵، ۹۱-۱۲۴) تا راهنمایی در عمل به احکام و شریعت اسلامی باشد و خود به نوعی از مصادیق ارشاد و امر به معروف تلقی می‌شود.

بحث از امر به معروف گرچه در دوره‌های گذشته در کتب فتوایی نیز ذکر شده است؛ (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱، ۹۰) اما به مرور از قرن یازدهم از کتب فتوایی حذف شده و در رساله‌های عملیه مطرح نمیشده است، (مطهری، مجموعه آثار، ۲۲۰/۱۷) با این وجود امام خمینی علیه السلام و برخی دیگر از علما در دوران معاصر در رساله‌های عملیه‌ی خود به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و زمینه‌ی احیای مجدد آن را فراهم آوردند. (حکیم، ۱۴۱۰، ۴۸۷-۴۹۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۱-۳۷۸؛ هجو، ۱۳۷۸، ۴۴۹-۴۵۵) ایشان در مباحث ولایت فقیه برای امر و مصادیق مهم آن که مبارزه با طاغوت و استعمار بوده تأکید داشته است. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۰۷-۱۱۹) بر همین اساس انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم ستم‌شاهی و گوشزد کردن فساد حاکمان ظالم و قیام در برابر آنان شکل گرفته و خود سبب کشیده شدن این فریضه به عرصه‌های اجتماعی و مصادیق عینی آن گردید و امام خمینی این فریضه را از دایره تنگ جزئیات و مسائل فرعی خارج کرده و نگاه همگان را به معروفها و منکرهای مهم و بزرگ اجتماعی جلب نمود. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۱۸-۱۱۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷)

ایشان در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بر این باور بود که سازمانی به نام امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک وزارتخانه مستقل و بدون پیوستگی به دولت باید ایجاد شود تا با فساد در همه سطوح آن مقابله گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۴/۶) لذا در سال ۱۳۵۸ به شورای انقلاب فرمان تأسیس چنین سازمانی را صادر و در آن تصریح نمود که باید از منکرات به هر صورت و توسط هر کسی از مسئولان دولتی یا آحاد ملت جلوگیری کند و حدود شرعی

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۷۷

را تحت نظر حاکم شرعی یا افراد منصوب از سوی او، اجرا نماید و دولت اسلامی نیز موظف به اجرای اوامر صادره از سوی آن می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۱۳)

اما پس از صدور این فرمان برخی به بهانه‌ی عدم وجود تشکیلاتی برای این امر، و یا ایجاد هرج و مرج، جلوی اجرای آن را گرفتند. امام گرچه این نظر را قبول نداشتند، اما به سبب اصرار عده‌ای عدم اجرای آن را پذیرفتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۱۳ "پانویس": رک: ادامه مقاله) البته در تدوین قانون اساسی به این فریضه تصریح شده و آن را وظیفه‌ی همگانی و متقابل مردم نسبت به همدیگر و وظیفه متقابل دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت دانسته است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل هشتم) البته امام خمینی علیه السلام در طول حیات خود هیچ‌گاه از توصیه به آن فروگذار نکرده و همواره بر احیای آن تأکید داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۱۱۲؛ ۱۳/۴۷۰؛ ۱۸/۵۰۰؛ ۲۱/۱۴)

تا اینکه چند سال پس از ارتحال ایشان و پس از تأکیدات حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام برای احیای این فریضه‌ی الهی، در سال ۱۳۷۲ ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شد. در عین حال همواره از مردم خواسته شده به صورت همگانی به اقامه‌ی این دو حکم واجب الهی بپردازند، هر چند وظیفه‌ی عملی و برخورد فیزیکی، به نهادهای رسمی حاکمیتی سپرده شده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۲۲/۴/۱۳۷۱)

مبانی و اهداف دینی امر به معروف و نهی از منکر

این مبانی به دو دسته مبانی نظری و مبانی فقهی قابل تقسیم است:

مبانی نظری

مهمترین این مبانی عبارت‌اند از:

اختیار انسان. با توجه به برخورداری انسانها از قدرت «اختیار» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۵۵-۶۱) و تأثیرپذیری افراد از دیگران و محیط پیرامون خود در جامعه، (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۷۶) در صورتی که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر رایج باشد، میتواند در توسعه خوبیها و پیشگیری از بدیها در رفتار انسانها اثر بگذارد. در نتیجه افراد تحت تأثیر این اوامر، خود

را اصلاح کرده و در اثر اصلاح افراد، جامعه نیز اصلاح میشود. در شرع مقدس اسلام نیز احتمال تأثیر از شرایط و خوب امر به معروف و نهی از منکر عنوان گردیده است (رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۵) که خود شاهد بر تأثیرپذیری و تأثیرگذاری انسان است.

مسئولیت‌پذیری انسان. در جامعه اسلامی هر مکلفی مسئول رفتار خود و دیگران است «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ (این ابی‌جمهور احسانی، ۱۴۰۵، ۱/۱۲۹) از این رو اسلام، جامعه بی‌قید و بندی را که در آن کسی متعرض رفتار اشتباه دیگری نباشد، نمی‌پذیرد، با چنین رویکردی اصل مسئولیت‌پذیری پایه و مبنای امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. از دیدگاه انقلاب اسلامی امر به معروف علاوه بر آنکه یک مسئولیت شرعی و دینی بوده؛ مسئولیتی انقلابی و سیاسی نیز میباشد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) گستره‌ی این مسئولیت‌پذیری همه اقشار جامعه را شامل میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰؛ رک: ادامه مقاله)

عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی. ظلم‌ستیزی و اجرای عدالت به عنوان یکی از مبانی امر به معروف و نهی از منکر، از جمله اصول پذیرفته شده در اسلام است؛ چنانکه قرآن کریم نسبت به برپایی قسط و عدل فرمان داده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ». (مانند، ۸؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۳۷۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰) و به ظالمان وعده عذاب و هلاکت داده است «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ». (انعام، ۴۷) اجرایی شدن این فرمانهای الهی مستلزم سازوکار امر به معروف و نهی از منکر است و متقابلاً این فریضه الهی مبتنی بر پذیرش اصل ظلم‌ستیزی و اجرای عدالت میباشد. لذا گفتمان انقلاب لازمه ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر را توسعه گناهان به جای توسعه عدالت میدانند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱) و امر به معروف را با عنایت به مراحل مختلف آن، ابزاری برای از بین بردن ظلم عنوان میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۰/۱۸) لذا افراد جامعه نباید نسبت به انحرافات ساکت بوده و در برابر ظلم و تعدی ظالمان بی‌تفاوت باشند «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». (بقره، ۲۷۹) آحاد جامعه اسلامی باید نه به دیگران ظلم کنند و نه ظلم و فساد را در جامعه تحمل کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۱۶؛ ۱۳۷۶/۸/۱۴)

مبانی فقهی

همه‌ی فقیهان اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر را پذیرفته و بر آن تأکید دارند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۸/۲۱) لذا وجوب آن از ضروریات دین اسلام شمرده شده، به گونه‌ای که هر کس وجوب آن را انکار کند، در صورت توجه و التزام به اینکه انکار امر به معروف انکار حکم اسلام و انکار رسول خدا ﷺ را در پی دارد، از کفار محسوب می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۱) بر پایه‌ی نظر مشهور فقها، آیات و روایاتی که پیش‌تر ذکر شد، دلیل اصلی وجوب آن بوده و عقل به عنوان مؤید آن دو، قرار داده شده است. (طوسی، ۱۳۷۵، ۱۴۶-۱۴۷؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳، ۴۵۶/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۸-۳۵۹/۲۱) طبق دیدگاهی عقل به تنهایی ضرورت این عمل را درک کرده و حکم میکند که لازم است از تحقق گناه، جلوگیری شود تا امری که مبعوض خدا است، در خارج واقع نگردد. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۲۰۳/۱-۲۰۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۸/۲۳)

امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات کفایی است، (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵۹/۲-۳۶۱) هر چند برخی وجوب آن را عینی دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۹؛ همو، ۱۳۷۵، ۱۴۷؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸، ۳۱۰/۱) کفایی بودن وجوب نیز با توجه به هدف از تشریح امر به معروف و نهی از منکر که ریشه‌کنی و جلوگیری از اصل گناه و جرم بوده، روشن می‌گردد که به صرف قیام عده‌ای که آن را محقق نمایند، کفایت میکند. از این رو در اندیشه انقلاب اسلامی بر وجوب آن بر همگان تصریح شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰؛ ۴۷۰/۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) و به عنوان یکی از واجبات مهم کفایی از عموم مردم خواسته شده که به این فریضه الهی اهتمام داشته باشند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۲) و با این امر یکی از زمینه‌های مهم نظارت عمومی فراهم می‌آید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

اهداف امر به معروف و نهی از منکر

هدف اصلی از تشریح امر به معروف و نهی از منکر ترویج کارهای پسندیده و نهادینه کردن آنها در جامعه و ایجاد اصلاح و سوق دادن همگان به سوی رستگاری و گسترش امور خیر (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۲/۱۰، ۲۶۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹) و ریشه‌کنی و پیشگیری از فساد و وقوع از گناه و جرم است تا امری که برای فرد و جامعه دارای مفسده بوده و مبعوض خداست، واقع نشود (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۲۰۳/۱-۲۰۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۸/۲۳) و نیکبها و

خوبیها در جامعه به مرحله عمل رسیده و لباس عینیت بیوشد. (مظهری، مجموعه آثار، ۳۲۲/۱۷-۳۲۳) این امر عاملی بازدارنده از انحراف افراد مختلف جامعه است و با انجام آن از هزینه‌های بسیاری که باید صرف پیشگیری از بدیها گردد کاسته شده و نیازی به اعمال قدرت نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵؛ ۱۳۷۱/۷/۲۹)

عرصه‌های فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه‌ی الهی، عرصه و قلمرو وسیعی داشته و شامل همه ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد میگردد. البته در همه‌ی این عرصه‌ها باید توجه داشت که نباید تنها در برابر فسادها و انحرافات اقدام به نهی از منکر نموده و اصل امر به معروف، کم رنگ شده و به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید همواره به کارهای نیک در هر یک از این عرصه‌ها توصیه شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵)

عرصه‌ی فردی

امر به معروف و نهی از منکر از یکایک افراد جامعه شروع میشود و بر عموم مردم لازم است که نسبت به رفتار دیگر افراد جامعه هرچند رفتار فردی آنها بوده و به ظاهر آسیبی برای دیگران نداشته باشد، حساسیت داشته و آنها را به کارهای نیک و پسندیده امر نمایند؛ زیرا اصل تشریح این فریضه الهی برای اصلاح همه‌ی افراد جامعه است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۸/۱۰) این امر شامل توصیه به جوانان برای درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت دیگر آداب و عادات پسندیده در زندگی میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) البته هرگاه مسئله به عمل شخصی افراد میرسد، اصل اولی به جای اعمال قدرت و قاطعیت، موعظه و نصیحت و زبان خوش است که رعایت این امر در سیره امام خمینی علیه السلام به روشنی وجود داشته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۴) البته همه‌ی افراد باید در ابتدا مراقب رفتار خود بوده و واعظ خویشتن باشند و به اصلاح خود پردازند (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۸/۱۰) و خود را امر به معروف و کارهای پسندیده و نهی از منکر نمایند و این امر مقدم بر امر و نهی دیگران

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۸۱

است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۲/۱) خداوند در قرآن می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده، ۱۰۵) که هر فرد در درجه نخست باید به خود و رفتار خود پرداخته و خود را اصلاح کند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴؛ ۱۳۷۱/۲/۱۶) زیرا اگر بخواهد مردم را به تقوا امر کند و خود عامل نباشد، مصداق آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴) آیا مردم را به کار نیک فرمان داده و خود را فراموش می‌کنید، قرار می‌گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۷)

عرصه‌ی خانوادگی

تأثیر متقابل افراد درون یک خانواده بر همدیگر قابل انکار نیست. از این روی همه افراد خانواده باید نسبت به رفتار هم توجه داشته و در برابر رفتار ناشایست یکدیگر تذکر دهند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۱۱) چنانکه این امر در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و خداوند می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ خود و خانواده خود را از آتش جهنم باز دارید (تحریم، ۶: رک. آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ ۱۳۸۳/۷/۱۳؛ ۱۳۸۸/۶/۱۸) و در جای دیگر خداوند به پیامبر اسلام ﷺ چنین فرمان داد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» خانواده و اهل بیت خود را به نماز امر کن. (طه، ۱۳۲) از این رو همه در این باره وظیفه‌ای دارند؛ به‌ویژه پدران و مادران که باید با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۶/۱۶)

در درون خانواده‌ی مسلمان یک مجموعه‌ی به هم پیوسته و توصیه‌کننده به حق و به صبر وجود دارد؛ که بر اساس آیات مذکور هم خودشان را و هم اهلشان را حفظ میکنند. این خطاب به هر یک از مردها و زنها است که نسبت به هر کدام دیگری، اهل او به حساب می‌آید، تا خودش را از غلتیدن در آتش حفظ کرده، و هم اهلشان را حفظ کنند. علاوه بر این، حفظ عناصر اصلی داخل کانون خانواده، به حفظ خود انسان هم کمک میکند. همسران می‌توانند یکدیگر را از لبه‌ی پرتگاه دوزخ نجات دهند و به بهشت بکشانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵) غفلت از این امر به‌ویژه نسبت به جوانان و مبانی اعتقادی و رفتارهای اخلاقی آنان، بسیار خطرناک و آسیب‌زاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۶) البته در این میان باید آداب اسلامی و احترام افراد به یکدیگر مراعات گردد. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۴۸۷-۴۸۹)

از دیگر موارد آن در درون خانواده، رعایت حقوق متقابل افراد یک خانواده از زن و شوهر،

والدین و فرزندان آن خانواده است. از این رو باید در برابر تضييع حقوق زنان، جوانان و یا کودکان در عدم محبت و یا سوء تربیت و بی‌اهتمامی‌هایی که واقع میشود، تذکر داد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) البته در درون خانواده و اقوام گرچه توصیه بر ارشاد و نصیحت یکدیگر به تشویق به امور خیر و بازداشتن از امور ناپسند و خلاف شرع است و نباید در این باره نسبت به هم بی‌تفاوت بود؛ اما همواره تأکید شده که برای این امر قطع پیوندهای خانوادگی جایز نمیباشد. (امام خمینی، ۱۳۸۰/۱/۴۸۶، ۴۸۸)

عرصه‌ی اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع کوچک و یا در کل جامعه، ابعاد وسیعی پیدا کرده و دارای کارکردهای متعددی است. توجه به این امر در اندیشه انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای است که نگاه عموم مردم جامعه و مسلمانان را از مسائل فردی و انحصار این فریضه در گناهان کوچک و بزرگ افراد، خارج ساخته و به مسائل کلان جامعه معطوف داشته (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۱۴-۱۱۶) و از مسائل ظاهری، به لایه‌های عمیق در اجتماع کشانده است. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۳/۱۵؛ ۱۳۷۵/۲/۲۶؛ امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۱۱۸-۱۱۹) در ویژگیهای گفتمان انقلاب اسلامی، قلمرو این فریضه‌ی الهی توسعه یافته و به امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکومت‌های نامشروع و نیز در برابر وظایف و مسئولیتهای حکومت اسلامی، تسری می‌یابد:

در برابر حکومت‌های نامشروع. در اندیشه انقلاب اسلامی از وظایف مهم افراد فرهیخته و عالمان جامعه این است که در برابر حکومت‌های نامشروع و سیاست حاکمان ستمگر، ساکت نبوده و در برابر دستگاه تبلیغات آنان قیام کنند، و با تکیه بر آموزه امر به معروف و نهی از منکر، دستگاه تبلیغاتی برای دفاع از احکام اسلام و مقابله با انحرافات مختلف در سطح کلان جامعه ایجاد کنند و در برابر ظلم و حرام‌خواری در سطح وسیع بین‌المللی و نیز عرصه‌ی داخلی هر کشور و چپاول بیت‌المال از سوی حکام جور، با تکیه به این فریضه الهی، حداقل دست به اظهار حقایق و افشاگری بزنند. اقدام به این امر از سوی رهبران دینی جامعه، سبب بیداری عموم مردم دیندار و همراهی آنان میگردد. (امام خمینی، بی‌تا «ب»،

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۸۳

۱۱۳-۱۱۶؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰)

از جمله مواردی که امر و نهی جامعه درباره‌ی آن مورد تأکید قرار گرفته، حفظ جان گروهی از مسلمانان، جلوگیری از هتک حرمت نوامیس آنها، مقابله با از بین بردن بعضی از شعائر و نمادها و مراکز اصلی اسلام مانند بیت الله الحرام است. در این موارد و مانند آن، که به اصل و اساس اسلام و هویت مسلمانان باز می‌گردد، ضوابط اهم و مهم رعایت شده و بر اساس آن، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر، مقدم بر حفظ جان فرد بوده و صرف خطر جانی، تکلیف را ساقط نمی‌کند، چه برسد به مواردی که ضرر آن، کمتر از بذل جان باشد. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۹)

از این رو بر اساس روایات، میان جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، پیوند محکمی برقرار است و این امر نقش اجتماعی امر به معروف را بیشتر مشخص می‌کند. چنانچه روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام جهاد را دارای چهار شعبه میدانند و در اولین مورد، از امر به معروف و نهی از منکر، یاد می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱/۲؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰)

با توجه به ماهیت جهاد با کفار و ستمگران میتوان دریافت که این خود مرتبه‌ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است؛ چنانچه امام حسین علیه السلام در تبیین انگیزه و پشتوانه مبارزه و قیام خود با حکومت جور، از امر به معروف و نهی از منکر نام میبرد تا بدین وسیله جلوی انحراف را گرفته و دست به اصلاح جامعه اسلامی بزند، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۹/۴۴) لذا قیام و حرکت امام علیه السلام از مصادیق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹؛ ۱۳۷۵/۹/۲۴) بر اساس این دیدگاه جهاد و مبارزه با حکام جور و ستمگران و استکبار جهانی - به عنوان بزرگترین مصداق ظلم و ستم - و قیام در برابر آنان و تبیین دسیسه‌های آنان بر ضد اسلام و مصالح مسلمین و روشننگری اذهان عموم مردم در این باره، از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر میباشد. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۵-۱۱۷)

در حکومت اسلامی. در درون حکومت اسلامی نیز امر به معروف و نهی از منکر همواره مورد توجه است و پرداختن به مسائل کلان جامعه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از این خاستگاه توصیه شده است:

عرصه فرهنگی. در مسائل فرهنگی مواردی که به اساس اسلام و تحریف آن برگردد از

جمله مسائلی است که در نگاه شرع دارای اهمیت بوده و لازم است افراد با امر به معروف و نهی از منکر از آن پاسداری کنند؛ مانند جایی که به اسلام و حقانیت آن هجمه شده به طوری که موجب گمراهی مسلمانان گردد و یا بدعت‌هایی در اسلام واقع شود که در این موارد سکوت علمای دین و رؤسای مذهب موجب هتک اسلام و تضعیف اعتقادات مسلمانان می‌گردد و بر آنان واجب است به هر وسیله‌ای آن را انکار نمایند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۹-۳۷۰) همچنین در برابر ناهنجاری‌های اخلاقی و عدم رعایت فرهنگ اسلامی، اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر لازم می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۳۸۶-۳۸۷) در سایر عرصه‌های فرهنگی نیز که دشمنان، درصدد القاء فرهنگ بیگانه و شبیخون به کیان دینی افراد؛ به ویژه جوانان بوده و چه بسا به صورت سازمان یافته به دنبال ترویج فساد در میان آنان و نسل مؤمن باشند بر مؤمنان لازم است با تکیه بر امر به معروف و نهی از منکر، از فرهنگ دینی و فضیلتها و ارزشها دفاع کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۴/۱۳۷۱؛ ۷/۵/۱۳۷۱) در این میان اگر در مواردی نیاز به قانون‌گذاری باشد، از وظایف مجلس شورای اسلامی است که با درک درست از آن، به موقع قوانین لازم را وضع نماید. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶/۲/۱۳۷۵)

عرصه اقتصادی. از جمله وظایف عموم مردم، امر به معروف و نهی از منکر در مفساد اقتصادی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷/۵/۱۳۷۱) همه‌ی مردم باید در برابر منکرات اقتصادی و خلاف قوانینی که در این عرصه واقع می‌شود تذکر بدهند. حرام‌خواری‌های موردی و دولتی، سوءاستفاده از منابع عمومی و حرام‌خواری در مقیاس وسیع، استفاده از رانت، استفاده از منابع تولیدی و سوءاستفاده مسئولان از موقعیت خود، اتلاف در منابع عمومی و منابع حیاتی، اتلاف در مواد غذایی و ارقام مصرفی، همه از مصادیق منکر اقتصادی است (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۵؛ همو، ۱۳۸۰، ۴۸۵/۱؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۷/۱۳۷۱؛ ۲۵/۹/۱۳۷۹) که آحاد جامعه و به ویژه نخبگان باید وظیفه‌ی الهی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند.

عرصه سیاسی. عرصه مسائل سیاسی نیز از عرصه‌های مهم و اساسی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به ویژه تخلفات و منکراتی که سبب سست شدن پایه‌های نظام می‌شود، مانند ناامید کردن مردم، کج نشان دادن راه، سوءاستفاده از وضعیت جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن، مخالفت با احکام اسلامی و مانند آن، که این موارد از منکرات

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۸۵

سیاسی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷) و افراد مؤمن باید با الگوگیری از قیام امام حسین علیه السلام در این راه قدم گذارند و با انگیزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک تکلیف الهی در راستای تحکیم نظام اسلامی اقدام نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۲۴) دیگر مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌ی سیاسی، نظارت عمومی بر حاکمان و سیاست‌مداران است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۴۷۰) به گونه‌ای که اگر مسئولی از قدرت و امکانات در اختیارش سوء استفاده کرد، دیگر افراد و کارکنان همان اداره موظف به تذکر و نهی از منکر می‌باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) در لزوم تذکر کارمندان به مسئولان خود با رعایت آداب و شرایط، جای شبهه‌ای نیست و نهی از منکر آنها در ادارات برخلاف قانون نبوده و مسئولان اداری چنین ولایتی بر کارمندان خود ندارند که اطاعت مطلق از آنها لازم باشد؛ بلکه مسئولان تنها می‌توانند طبق مقررات و شرع و موازین دولت اسلامی عمل نمایند. از این رو در صورت تخلف از آن، بر دیگران لازم است به آنها تذکر دهند. (رک: امام خمینی، ۱۳۸۰، ۳/۵۸؛ هجو، صحیفه امام، ۱۳/۴۷۰)

در سطح عمومی نیز به مردم توصیه شده که از مسئولان حکومتی، انجام درست امور را مطالبه نموده و بر رفتار آنان نظارت داشته باشند و در جای خود با زبان انتقاد و یا نصیحت مشفقانه اقدام نمایند. در این باره همه‌ی مردم در یک رتبه بوده و مسئولان امر به سبب جایگاه اجتماعی بالاتر، مصون از تذکر نیستند. از این رو عموم مردم ناظر بر رفتار آنان بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰) و در انجام آن و بیان مطالب حق، باید شجاعت داشته و حتی از تذکر به مسئولان عالی رتبه هراسی نداشته باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰) این امر در اندیشه انقلاب اسلامی یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه رشد و ارتقا و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده که باید این فرهنگ در جامعه نهادینه شود و باقی بماند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹؛ هجو، مکتوبات، ۱۳/۳/۱۳۷۰) حتی در کیفیت اجرای آن هم توصیه شده که لازم نیست مردم از زبان خواهش استفاده کنند؛ زیرا ماهیت امر به معروف و نهی از منکر با خواهش و تضرع سازگار نیست؛ بلکه در آن نوعی استعلا و تذکر از موضع بالا وجود دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵)

در عین حال شناخت مرز میان نصیحت مشفقانه و مخالفت با نظام اسلامی و تضعیف آن، لازم است (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۴۵۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰) تا این فریضه به گونه‌ای

اجرا نشود که نقاط ضعف، درشت‌نمایی شده و سبب سوءاستفاده دشمن و یا موجب اشاعه روحیه بدبینی و سوءظن به کارگزاران اصلی کشور و رواج بدگویی از آنان گردد؛ بلکه با استفاده از روشهای معقول، باید انجام پذیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۱۳) در فضای نقد حاکمیت، گاه شرایطی فراهم میشود که احساسات مردم تحریک شده و دشمن از این شرایط برای مقاصد خود سوءاستفاده میکند. از سوی دیگر به بهانه عدم ایجاد التهاب و حفظ ثبات و امنیت در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر نباید ترک شود. از این رو تأکید شده که امر به معروف و نهی از منکر مسئولان به‌گونه‌ای باشد که در کنار اجرای آن، مورد سوءاستفاده دشمن قرار نگیرد. در این راستا صرف نوشتن اعلامیه، تهیه طومار و فرستادن آن برای روزنامه و مسئولان، تدوین نامه‌های اعتراضی به آنها، تدوین مقالات و سخنرانیها و اعتراض به عملکرد نامطلوب برخی مسئولان تا زمانی که موجب تضعیف نظام و ایجاد التهاب در جامعه نگردد؛ نه تنها مذموم نیست بلکه از مصادیق اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر میباشد که در مواردی واجب شمرده شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۱۳)

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از عرصه‌ی فردی شروع شده و درصدد اصلاح و سوق دادن هر فرد به سوی نیکی است؛ اما در گفتمان انقلاب اسلامی به این عرصه منحصر نشده و همچنین شامل مسائل کلان جامعه اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نیز مسائل مهم جهان اسلام میگردد تا همگان را برای اصلاح مسیر حرکت جامعه، به مبارزه با مظاهر طاغوت و استکبار فراخواند. (← جامعه اسلامی)

زیرساخت‌های تربیتی احیای امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی، و برای آن که این فریضه الهی به صورت درست و مؤثر اجرا گردد تا به هدف خود نزدیک شود، نیازمند رعایت آداب مربوط و ایجاد زیرساخت‌هایی است که باید در شخص آمو و دیگر افراد جامعه باشد تا زمینه‌ی اجرای درست آن فراهم گردد. مقصود از این زیرساخت‌ها، زمینه‌ها و لوازمی است که برای اشاعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر لازم است.

اصلاح خویشتن

در رتبه نخست اگر کسی بخواهد امر و نهی او اثرگذار بوده و در صدد اصلاح دیگران برآید و مربی جامعه باشد، لازم است که خودش را اصلاح کرده و عامل به گفته‌های خود و احکام اسلامی باشد؛ چنانچه خداوند، پیامبرانی را که برای مردم می‌فرستاد، کسانی بودند که خودشان از آغاز تا پایان عمر، لغزشی نداشته‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۸/۱۲) این امر ریشه در توصیه‌های خداوند در قرآن کریم داشته که کسانی که مردم را به نیکی دعوت کرده و خود را فراموش میکنند، مورد سرزنش قرار داده است: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۷) و در روایات نیز بر دعوت مردم با عمل، نه با حرف و زبان تأکید شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۷۸/۲) از این روی از عظیم‌ترین و مؤثرترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، موردی است که از شخصی صادر شود که خودش عامل به معروف از واجب و مستحب بوده و به آن پایبند باشد و از منکر، و حتی از مکروه پرهیز کرده و متخلّق به اخلاق انبیا و اهل معنویت بوده و از اخلاق بی‌خردان و اهل دنیا منزه باشد، تا با رفتار و اخلاقش مردم را به نیکیها دعوت کرده و از بدیها باز دارد. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۶)

گسترش روحیه‌ی خیرخواهی و مهرورزی

امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی، برای عیب‌جویی و سرزنش دیگران نیست؛ بلکه برای اصلاح و تربیت افراد و سوق دادن جامعه به صلاح و رستگاری است؛ از این رو لازم است در افراد جامعه روحیه‌ی خیرخواهی نسبت به یکدیگر ایجاد شود تا افراد در قبال هم احساس مسئولیت کنند و با این نگرش به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند، چنانکه خداوند از سر لطف و رحمت به بندگان خود و برای خیرخواهی و سعادت‌مندی آنان، امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده است. (رک: امام خمینی، بی تا «الف»، ۶۷)

بر این اساس تأکید شده که امر به معروف و ناهی از منکر با قلبی سرشار از رحمت و از روی مهرورزی، اقدام به این امر کرده و مقصودش در امر و نهی، خودنمایی و تحمیل امر و نهی خود نباشد، و همچنین با خشونت و تندی برخورد ننماید؛ بلکه چون طبیعی مهربان، از روی حسّ انسان‌دوستی و برادری اقدام نماید؛ چنانچه خداوند در برابر فرعون

که طغیان‌ش به جایی رسیده بود که «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» می‌گفت، (نازعات، ۲۴) و در فساد بر روی زمین به‌گونه‌ای رفتار کرده بود که به کشتار کودکان می‌پرداخت، (قصص، ۴) یکی از انبیای عظیم‌الشان خود، حضرت موسی بن عمران را، (طه، ۴۱-۴۲) از سر لطف و رحمت خود، برای دعوت و هدایت و ارشاد او فرستاد (نازعات، ۱۷) و به پیامبرش دستور داد که با فرعون سرکش، با نرمی و ملاحظت سخن بگوید (طه، ۴۳-۴۴) تا شاید به یاد خدا افتاده و از کردار خود پشیمان گردد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷-۲۴۰) همچنین در حدیثی از عمرو ناهی به عنوان «رفیق فیما یأمر و رفیق فیما ینهی» یاد میکند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۰/۱۶) تا او با رفیق و محبت با دیگر افراد برخورد کرده و حقایق را در دلها و ذهنهای آنان جای دهد و در رفتار او نصیحت و خیرخواهی و روش عقلایی وجود داشته باشد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ ۱۳۷۸/۱/۲۳) چنانکه در به کارگیری این روش، خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل، ۱۲۵) با به کارگیری حکمت، مردم را به سوی پروردگار فرا بخوان. حکمت، که از امتیازات انبیا و بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمیتواند آن را نفی کرده و از بین ببرد و همچنین هیچ استدلال و تجربه‌ای هم نمیتواند آن را خنثی کند. در ادامه همین آیه نیز از «وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ» پند نیک، یاد میکند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶) زیرا چه بسا برخورد نامناسب نتیجه معکوس داده و طرف مقابل را از یک گناه کوچک به معاصی بزرگ و یا حتی کفر بکشاند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷؛ هو، ۱۳۷۷، ۳۱۷) از آن جا که امر و نهی به شخص، برای او ممکن است تلخ و ناگوار باشد و عصبانیت او را برانگیزد، از این رو شایسته است امر و نهی، این تلخی و ناگواری را با شیرینی بیان و رفیق و حُسن خُلق جبران نمایند تا کلامشان در دل سخت گناهکار، اثر کرده و آن را نرم نماید (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۳۱۷) و همواره این را در نظر داشته باشد که مرتکب گناه، گرچه گناه او کیبیره باشد، شاید دارای برخی از صفات خوب نفسانی بوده که مورد رضایت و محبت الهی است؛ گرچه گناه او مورد بغض خداوند است و چه بسا امر و نهی وضعیتی عکس او داشته باشند. (امام خمینی،

تداوم و استمرار

مداومت بر انجام امر به معروف و نهی از منکر و التزام همگان به آن، از جمله نکاتی است که شایسته است یکایک افراد جامعه این روحیه را در خود ایجاد کرده و در این راه از خود استقامت نشان دهند. در این صورت در میزان تأثیرگذاری این فریضه الهی مؤثر است؛ به گونه‌ای که اگر در برابر یک گناه و کار ناپسند، افراد متعددی پی‌درپی تذکر دهند، به مرور در آن فرد اثر می‌گذارد (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷/۸) و مقاومت منفی او را می‌شکند و بازدارندگی آن آشکار می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۲۹) همچنان که - بر اساس آیه ۱۱۸ سوره توبه - سه نفر از مسلمانان که با پیامبر در جنگ تبوک همراه نشده و تخلف کرده بودند، در اثر برخورد یکپارچه و هماهنگ مردم مدینه، و تنگ شدن فضای شهر بر آنها مجبور به ترک شهر شده و به اطراف مدینه پناه بردند و پس از گذشت پنجاه روز اظهار ندامت و پشیمانی به درگاه الهی، توبه آنان پذیرفته شد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۲۰/۵-۱۲۱)

ایجاد روحیه نقدپذیری

از جمله لوازم احیا و اجرای فراگیر این فریضه الهی وجود روحیه نقدپذیری در افراد مختلف جامعه است. هر کسی در جامعه که مبادرت به عملی می‌کند که امنیت اخلاقی و روانی آن را در معرض خطر قرار می‌دهد، باید این آمادگی را داشته باشد که دیگر افراد بر اساس ضوابط معین شده رفتار او را نقد کرده و به او تذکر دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۱۳) همانگونه که در بحث عرصه‌های امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده، قلمرو این فریضه شامل مسائل حکومتی و دولتمردان نیز می‌شود و باید عموم مردم به عنوان ناظری آگاه، اعمال آنها را رصد کرده و در مورد لازم تذکر دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۰/۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) بدیهی است این امر به وجود روحیه نقدپذیری در مسئولان نیاز دارد.

تلقی صحیح از امر به معروف و نهی از منکر

شناخت درست از جایگاه امر به معروف و نهی از منکر (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۴) می‌تواند از جمله زیرساخت‌های احیای این فریضه الهی و تشویق مؤمنان نسبت به انجام آن باشد.

(مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۲/۴؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۱/۵/۷) از این رو متصدیان امر باید با شناخت درست حدود و شرایط آن به این فریضه عمل کرده (مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۲/۴؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۴) و با استناد به آیات و روایات، اهمیت و آثار آن را برای عموم بازگو نمایند.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

در اسلام وجوب امر به معروف و نهی از منکر مشروط به چند امر شده است. برخی برای آن تا چهارده شرط ذکر کرده اند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۴۲۹/۴) اما بیشتر فقها قائل به چهار شرط شده اند:

۱. شناخت معروف از منکر؛ ۲. اطلاع داشتن ناهی منکر از اصرار بر ارتکاب گناه از سوی فاعل منکر؛ ۳. احتمال تأثیر؛ ۴. عدم وجود مفسده در امر و نهی. (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱/۳۶۶-۳۷۴) این شرایط گرچه در گفتمان انقلاب اسلامی پذیرفته شده است؛ اما در تفسیری که از این شرایط و قلمرو آن ارائه داده، به ویژه در دو شرط اخیر از آن، در مبارزه با طاغوت و موضع گیری در برابر آنها، نقش بسیاری داشته است.

شرط اول: شناخت معروف و منکر

از جمله نکاتی که در حسن اجرای همگانی این فریضه در جامعه، تأثیر بسیاری دارد، شناخت امر و ناهی، نسبت به معروف و منکر است، توجه به این شرط در ایجاد تحول در جامعه و در خود کسانی که قصد اقامه آن را دارند مؤثر است. اما در این که این امر، شرط اصل وجوب امر و نهی است یا از شرایط واجب، اختلاف نظر وجود دارد. در نگاه امام خمینی علیه السلام این شرط همانند استطاعت در حج از شرایط وجوب میباشد و بر کسی که معروف و منکر را نمی شناسد، واجب نیست. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۳)

در نگاهی دیگر، از شرایط واجب است، به این صورت که اصل وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر در جای خود ثابت است؛ اما افراد برای اجرای درست باید معروف و منکر را بشناسند (مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۲/۴) و آن را بیاموزند. همین امر سبب میشود که همه در متن مسائل کشور حضور داشته و همه معروف شناس و منکر شناس شوند و با احکام

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۹۱

اسلامی آشنا گردند. خود این وجوب، سبب ارتقای معرفت عمومی میشود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷) اگر این شناخت به قدر کافی وجود نداشته باشد، چه بسا مواردی به نظر بعضی منکر بیاید، در حالی که در واقع از نظر اسلام منکر نباشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲) از این روی بنابر هر دو نظر، اگر کسی بخواهد در برابر رفتار دیگران امر و نهی کند، باید شرایط و موارد واجب بودن و واجب نبودن و موارد جواز و عدم جواز آن را یاد بگیرد تا در امر و نهی خود، دچار انجام منکر دیگری نشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۴)

شرط دوم: اصرار بر گناه

اصرار بر استمرار گناه از سوی گنهکار، از دیگر شرایط است. به این معنا که از ارتکاب آن پشیمان نبوده و قصد انجام آن را هر چند برای یک بار دیگر، داشته باشد؛ اما اگر از ارتکاب آن پشیمان شده و قصد بر ارتکاب مجدد آن نداشته و یا حتی اگر استمرار و یا ترک گناه او مشکوک باشد، نهی او واجب نیست. البته بر انسان گناهکار توبه کردن واجب است؛ از این روی اگر از ارتکاب آن توبه نکرده باشد، باید او را دعوت به توبه به درگاه خداوند نمود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۷)

شرط سوم: احتمال تأثیر

وجوب امر به معروف و نهی از منکر مشروط به این است که علم و یا حداقل احتمال عقلایی بر مؤثر بودن امر و نهی وجود داشته باشد. در غیر این صورت وجوب آن ساقط میشود؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۲/۴؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۵) حال اگر بدانند این امر و نهی نسبت به حال حاضر اثری ندارد؛ اما سبب کاهش فعل حرام شده و یا در ترک محرمات بعدی مؤثر است، در این صورت وجوب ثابت است. از این رو نیازی به فعلیت در تأثیر نیست حتی اگر نهی او نسبت به شخص مرتکب گناه اثرگذار نباشد؛ اما برای افراد دیگری که مرتکب حرام میشوند، مؤثر است، در این جا باز امر و نهی واجب میباشد. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۵-۳۶۶)

بنابراین در گفتمان انقلاب اسلامی به نوعی احتمال تأثیر توسعه داده شده و تنها شامل شرایط حال نمیشود؛ بلکه با توجه به آینده میتوان پذیرفت که همه امرها و نهیها برای

خود دارای تأثیر است. بر این اساس در هر امر به معروف و نهی از منکر که به مردم خطاب میشود احتمال تأثیر- نسبت به حال یا آینده، این فرد و یا دیگر افراد جامعه- قطعی بوده و این شرط در تذکر زبانی، حاصل شده و وجود دارد، البته شاید نسبت به حکومتها و سلاطین فاسد، چنین تأثیری مشاهده نشود. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲)

در اینجا توجه به نکته ای لازم است که اگر شخصی مرتکب چند کار حرام شده که اگر از همه ی آنها نهی شود، اثری نمی گذارد و شاید لجاجت فرد را برانگیزد، در این جا باید نسبت به یکی از محرماتی که انجام میدهد و احتمال تأثیر و امکان انکار آن وجود دارد، نهی از منکر شود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۵)

شرط چهارم: عدم مفسده

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه است، اگر انجام این فریضه سبب ایجاد مفسده ای در حال یا آینده شود، وجوب آن ساقط میگردد. (مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۲/۴-۸۲۳؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۸) حال اگر امر و ناهی بداند یا گمان کند که امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی و یا مالی مهمی، برای او یا یکی از وابستگان و یا یاران و همراهان او و یا یکی از مؤمنان داشته باشد، و یا آنها در سختی و تنگنا قرار گیرند، امر به معروف و نهی از منکر واجب نبوده؛ بلکه حرام میباشد؛ (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۸-۳۶۹) چنانکه امام صادق علیه السلام آن را بر کسی که قدرت انجام آن را داشته و بر خود و یارانش هراسی ندارد، واجب دانسته است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۲۵)

نکته مهم در گفتمان انقلاب اسلامی در اجرای این فریضه، دیدگاهی است که در دو شرط اخیر قائل شده است که اگر معروف و منکر از چیزهایی باشد که در اسلام دارای اهمیت است، مانند حفظ جان و عرض مسلمانان و شعائر و نمادها و مراکز مهم اسلامی همچون بیت الله الحرام، یا محافظت و دفاع از حقانیت اسلام به گونه ای که سکوت، سبب گمراهی مسلمانان گردد، در این موارد دیگر برای وجوب امر و نهی، احتمال تأثیر و یا نبود مفسده ملاحظه نمیشود و بر افراد لازم است حتی اگر متوقف بر بذل جان یا جانها باشد، امر به معروف و نهی از منکر کنند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۹)

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۹۳

این دیدگاه در چگونگی مبارزه با حاکمان ستمگر و حکومت طاغوت اثرگذار بوده و تأثیر بسیاری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است؛ زیرا در زمان پهلوی بسیاری از افراد از کامیابی در مبارزه و سرنگونی آن رژیم ناامید بوده و معتقد بودند که دستهای خالی و مشت مردم در برابر حکومت مسلح، کارساز نیست؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۷۹) حتی بعضی از افراد انقلابی و اهل مبارزه نیز آمیدی به پیروزی نداشتند. از این رو برخی با تمسک به وجوب تقیه و در مقابل ظلم رژیم ظالم پهلوی سکوت اختیار کرده بودند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۲۱۳، ۲۳۸، ۳/۳۷۹)

از منظر انقلاب اسلامی زمانی که اساس اسلام در خطر بوده و طاغوت برای نابودی احکام اسلامی و چپاول ثروت مسلمانان اقدام میکند، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان قیام در برابر آنان است و در این میان دیگر عدم تأثیر و یا وجود مفسده و خطر جانی، مطرح نبوده و تقیه برای حفظ جان نیز به هیچ وجه جایز نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۱۷۸، ۲/۳۷۱) همچنین تقیه نیز تنها در فروع دین جایز است، نه در جایی که اصول دین و اساس آن در خطر باشد؛ زیرا استفاده از تقیه برای حفظ دین می‌باشد لذا زمانی که دین در معرض خطر باشد، نمیتوان تقیه کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۱۱) از این روی مؤمنان انقلابی با تکیه بر قدرت الهی و نیروی ایمان، به مبارزه و قیام بر علیه رژیم پهلوی پرداخته و خداوند نیز، این حرکت آنها را به پیروزی رساند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۱/۶/۱۳۶۶)

در انجام این فریضه، همچنین رعایت سلسله مراتب اداری و مانند آن لازم نیست؛ هر چند مسئولان دولتی از نقد و نظارت عمومی گریزان باشند؛ اما نمیتوان به بهانه اینکه اگر این سلسله مراتب رعایت نگردد، برای اداره‌ی مراکز و ادارات، مفسده دارد، از انجام آن سرباز زد؛ چنانچه رهبران انقلاب اسلامی نظارت همگان حتی مردم بر حاکمان و بر خودشان را توصیه کرده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۱۳؛ ۱۰/۱۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۵/۹/۱۳۷۹)

مراحل و شیوه اجرای امر به معروف و نهی از منکر

در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، مراحل و مراتبی وجود دارد؛ زیرا تشریح این فریضه با رویکرد تربیتی همراه بوده و برای اصلاح فرد و جامعه می‌باشد و اگر با مراحل پایین‌تر،

معروف تحقق یابد و منکر برطرف گردد، دیگر نوبت به مراحل بعدی و شدیدتر نمیرسد. بنابراین برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله ذکر شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۴/۲۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۲-۳۷۷)

مرحله اول: بیزاری و انزجار قلبی

در این مرحله انسان به صورتی، ناخرسندی خود را از وقوع منکر، ابراز میکند که خود دارای درجاتی است؛ مانند برهم نهادن چشم، رو ترش کردن، اخم کردن، روی گرداندن و ترک رابطه با مرتکب منکر که با هر یک از این موارد ابراز نارضایتی کرده و به ترتیب به آنها مبادرت میکند و با اثرگذاری هر کدام دیگر نوبت به مرتبه بالاتر نمیرسد. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۲) مستند این امر روایتی است که پایین ترین درجه نهی از منکر را برخورد با چهره گرفته با اهل معاصی، معرفی میکند؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۴۳؛ زک: امام خمینی، ۱۳۸۱، ۲۰۳/۱) چنانچه خداوند در قرآن نیز دستور میدهد که از گناهکاران دوری و اعراض نمایید. (انعام، ۶۸) البته اگر ابراز این انزجار قلبی به مصلحت نبوده و یا مؤثر نباشد، ابراز آن واجب نیست؛ اما همواره رضایت به فعل منکر و ترک معروف، حرام است و شخص باید در هر حال در درون با آن همراهی نداشته باشد؛ هر چند این کراهت قلبی غیر از امر به معروف و نهی از منکر است. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۳)

فلسفه لزوم بیزاری و انزجار قلبی از منکر و علاقه به معروف را باید در تأثیر آن در خود امر و ناهمی و در محیط پیرامون او جستجو کرد، این است که با وجود میل قلبی امر و شیفستگی او به معروف و انکار قلبی ناهمی نسبت به منکر، امر و نهی او در مراحل بعد صادقانه بوده و این سبب تأثیر بیشتر و التزام خود او به عمل میشود که اگر چنین نباشد مشمول روایتی است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۱۵۱) که می فرماید کسی که مردم را به نیکی امر کند، اما خود او به آن عمل نکند، چنین شخصی مشمول لعنت خدا میگردد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵)

از دیگر تأثیرات این امر، جداسازی صفوف نیروهای انقلابی و موضع گیری در برابر خطاها و انحرافات و مواضع استکبار و طاغوت زمان است. از آنجا که خداوند اطاعت از «طاغوت» و قدرتهای ناروای سیاسی را منع فرموده و مردمان را به قیام بر ضد سلاطین

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۹۵

تشویق کرده است، (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۵۰) مؤمنان باید در درون خود، میل به این قدرتهای دنیوی را از بین برده و برای آنها در برابر حق تعالی قدرتی نبینند که در آن صورت برخلاف توحید است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۵/۱۰؛ ← توحید) از این روی اولین گام در این مبارزه بیزاری درونی از طاغوت و استکبار میباشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۳۱، ۱۳۹۲/۸/۱۲)

مرحله دوم: امر و نهی زبانی

این مرحله از تذکر و ارشاد همراه با محبت و احترام شروع میشود تا مراتب بالاتر که با تندی و بالابردن صدا و امر و نهی و تهدید همراه است. اگر مقصود، با مرحله نخست (انزجار قلبی) حاصل نشد، نوبت به مرحله تذکر زبانی میرسد و در این مرحله نیز از مراتب پایین تر آن شروع شده و تا زمانی که احتمال دهد با موعظه و ارشاد و گفتار نرم، مقصود حاصل میشود، همان واجب بوده و تعدی از آن جایز نیست. در صورت نیاز، به ترتیب مراتب بعدی به کار گرفته میشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۳) در قرآن این تذکر و ارشاد زبانی و دعوت به خیر و نیکی مورد اشاره قرار گرفته است؛ خداوند زمانی که حضرت موسی علیه السلام را به سوی فرعون می فرستد به او میگوید با فرعون با زبان نرم سخن بگو، شاید او متذکر شده و یا از خدا بترسد. (طه، ۴۳-۴۴؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷)

برای ترساندن مرتکب منکر، استفاده از دروغ یا به کار بردن ناسزا و اهانت به او جایز نیست؛ البته اگر منکر از مواردی باشد که مورد اهتمام خداوند و از امور مهم مانند قتل نفس بوده، اگر چاره‌ای از به کارگیری یکی از این موارد نباشد، برای جلوگیری از آن منکر میتوان از آنها استفاده کرد. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۳)

این تذکر زبانی اگر به درستی از سوی عموم مردم انجام شود، چه بسا از اقدام فیزیکی و مراحل بعدی و اقدام حکومتی، مؤثرتر باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷/۸-۴۸؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵؛ ۱۳۷۰/۸/۲۲؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲) افراد جامعه نباید در تذکر دادن به شخصی که مرتکب منکر میشود، ضعف نفس نشان داده یا خجالت بکشند، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) زیرا به نوعی متولی اصلی آن عموم مردم بوده و همین امر، مؤثرترین ابزار است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۱/۷/۲۹) این همان مرحله‌ای است که در اسلام با تأکید بسیار از عموم مردم خواسته شده و

شاید در زمینه مسائل اجتماعی هیچ خطابی به مردم شدیدتر و غلیظ‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نباشد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) از این روی در پرتو احادیثی که همه‌ی مردم را مسئول رفتار خود و دیگران دانسته «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ابن ابی‌جمهور احسانی، ۱۴۰۵/۱/۱۲۹) این فریضه اختصاص به قشر خاصی از مردم و یا نهادهای رسمی ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۷/۸-۴۸۸؛ رک: ادامه مقاله)

مرحله سوم: توسل به قدرت

در صورتی که اقدام در دو مرحله‌ی قبلی برای دفع منکر مؤثر نباشد، بر اساس روایاتی (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۱/۱۶-۱۳۳) نوبت به مرحله عملی و اعمال قدرت میرسد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۷/۲۱) در این مرحله در مرتبه نخست اگر بشود با ایجاد مانع میان شخص و فعل، از ارتکاب حرام جلوگیری کرد، حتی اگر لازمه‌ی آن تصرف در وسائل و ابزار گناه باشد، از این راه استفاده میشود. اما اگر جلوگیری از گناه و یا ترک آن، جز با حبس در جایی و یا زدن و رنجور ساختن و در مراتب بعد با مجروح کردن مرتکب گناه ممکن نباشد، این موارد در عصر غیبت، با اذن فقیه جامع‌الشرایط صورت می‌پذیرد (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۵-۳۷۶؛ ← ولایت فقیه) و باید از رفتار خودسر افراد جلوگیری شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹) توسل به قدرت برای پیشگیری از بدی و تحقق معروف، آخرین ابزاری است که البته از سوی حاکمیت به کار گرفته میشود؛ چنانچه در روایاتی از نهج البلاغه آمده «أَخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸ (۲۴۳)) بعد از آن که موعظه و نصیحت اثرگذار نبوده آخرین علاج، توسل به زور است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۰/۱۸)

در این مرحله که در درون خود دارای مراتبی است، اگر امر و ناهی از مقدار لازم تجاوز کند و ضرر و آسیبی به فاعل منکر برسد، کار او حرام و ضامن می‌باشد و اگر مرتکب گناه نیز به کسی که بر اساس شرایط، امر و نهی میکند، آسیبی و ضرری برساند، ضامن می‌باشد و اگر او را به قتل برساند، قصاص میشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۵-۳۷۶)

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۹۷

متولیان امر به معروف و نهی از منکر

متولی امر به معروف و نهی از منکر؛ با توجه به مراحل آن و همچنین در صورت برپایی حکومت اسلامی و نبود آن، متفاوت می‌باشد.

از آنجا که وظیفه‌ی عموم مردم بیزاری قلبی و همچنین تذکر زبانی به صورت واجب کفایی است که در انجام آن نباید به خود، هراسی راه داده و با شجاعت باید اقدام کنند، طرف مقابل هم نمیتواند به آمر و ناهی اعتراض کرده و بگوید کارش ارتباطی به دیگران ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) در این مرحله تفاوتی میان وجود حکومت و نبود آن نمی‌باشد و حتی با برپایی حکومت این مرحله از جمله وظایف همگان است؛ زیرا متولی اصلی امر به معروف و نهی از منکر، عموم مردم - از پیر و جوان، رئیس و مرئوس و دیگر اقدار جامعه - می‌باشند.

بر اساس آیات قرآن مؤمنان کسانی هستند که اگر خداوند برای آنها شرایطی در اداره جامعه فراهم کرد، در کنار اقامه‌ی نماز و زکات، به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند (حج، ۴۱) و این را یک وظیفه عمومی می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹) در نظام اسلامی افراد جامعه نمیتوانند نسبت به دیگران بدون مسئولیت باشند و تنها به وظایف دینی شخص خود بپردازند؛ بلکه در حد توان از طریق این فریضه در صدد اصلاح دیگران برآمده و جلوی رواج منکرات در جامعه را می‌گیرند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۳: ۱۸۲/۱۴) (۱۷۷/۱۴)

در انجام این فریضه فرقی میان زن و مرد نیست، در آیات قرآن ذکر شده که برخی از مؤمنان و مؤمنات، اولیاء برخی دیگر بوده و امر به معروف و نهی از منکر میکنند؛ (توبه، ۷۱) یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، سهیم‌اند. قرآن زن را استثنا نکرده است و زن و مرد هر کدام بر حسب توانایی‌های خودشان وظیفه‌ای داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳) و همه در برابر وجدان خود و فرمان الهی، مسئول‌اند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰) البته قشرهای مختلف باید جایگاه خود را در انجام این فریضه تشخیص دهند که هر فرد در چه مواردی میتواند ورود پیدا کند. (آیت‌الله خامنه‌ای،

(۱۳۷۱/۵/۷)

در این میان نقش علما و نخبگان جامعه، از سایر مردم بیشتر است. به ویژه که علما در

برابر چگونگی پایبندی حکومتها به اجرای احکام اسلام، وظیفه داشته و باید به دنبال اقامه آن باشند و در این راه از باب امر به معروف و نهی از منکر، روشننگری کرده و در برابر بدعتها و انحرافات قیام کنند و زمانی که سکوت آنها سبب تأیید حکومت ظالم یا گمراهی مردم در یک جریان انحرافی باشد، بر آنها واجب است اعلان موضع کرده و افشاگری کنند. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۲-۱۱۴، ۱۱۴۷) از دیگر وظایف علما آشنا کردن مردم و هدایت و راهنمایی آنان در اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷)

اما دیگر نخبگان جامعه همچون اساتید و دانشجویان در محیط دانشگاه و غیر آن و هنرمندان با استفاده از وسایل هنری خود، می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. این فریضه الهی مخصوص عده‌ای خاص نمی‌باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷) هرچند کرسی‌های تدریس و معلمان در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها از تأثیرگذارترین عوامل هستند (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۶) و نیز بستری مناسب برای انجام دعوت به امور نیک و تعلیم و نهادینه کردن آن می‌باشند؛ لذا حضور گسترده جوانان و نوجوانان در محیط‌های آموزشی این فرصت را در اختیار متصدیان امر قرار میدهد تا با استفاده از شیوه‌های صحیح بتوانند در راستای تربیت اسلامی این جمعیت انبوه تلاش کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶۱/۸-۶۲، ۹۲، ۳۱۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱، ۱۳۷۰/۶/۱۳)

در اصل هشتم قانون اساسی نیز تصریح شده است که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است.

اما در مراحل بعد که تذکر زبانی بی‌ثمر بوده و نوبت به توسل به قدرت برسد اجرای این مراتب که از موارد تعزیرات شرعی و حدود الهی است، بر عهده امام معصوم و نائب خاص او است (مفید، ۱۴۱۰، ۸۰۹-۸۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۸۳-۳۸۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۵-۳۷۶) و در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، این وظیفه به نایبان عام آن حضرت که فقهای جامع‌الشرایط باشند واگذار شده است و بر فقها واجب کفائی است که در صورتی که حکومت اسلامی وجود نداشته باشد به قدر میسر به مواردی که بتوانند، اقدام نمایند و بر مردم هم واجب کفائی است که فقها را در اجرای آن یاری رسانند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۷)

امر به معروف و نهی از منکر / ۱۹۹

اما در صورت برپایی حکومت اسلامی که فقیه جامع الشرایط عهده‌دار اداره آن باشد، توسل به قدرت و زدن و زخمی کردن و مراتب بالاتر از آن، تنها بر عهده حکومت و ضابط قانونی است؛ (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۹، ۶۲۴/۲، ۶۶۷) و بر علما لازم است در اجرای حدود الهی با حکومت اسلامی همکاری کرده و عهده‌دار این وظیفه خطیر گردند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۱۳-۱۱۴؛ ۳۳۸/۱۴) و افراد نیز برای ورود به این مرحله، باید از حکومت اجازه داشته باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹؛ ۱۳۷۱/۴/۲۲)

حکومت و دولت اسلامی وظیفه سنگین‌تری داشته و در کنار اینکه متولی برخی از مراحل آن است، باید از شیوه‌ها و وسایل مناسب استفاده نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹) و با وضع قوانین لازم راه آن را هموار کند و دستگاه قضایی و نیروی انتظامی باید از آمر و ناهی حمایت نمایند، و به‌گونه‌ای عمل نشود که عملکرد دستگاه‌های مسئول، حمایت از مجرم تلقی گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۱/۷/۲۹)

ترابط امر به معروف و نهی از منکر با آزادیهای فردی و اجتماعی

در اسلام اقشار مختلف جامعه دارای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی میباشند و حکومت اسلامی و افراد وظیفه دارند نسبت به حقوق یکدیگر احترام بگذارند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵؛ ۱۳۸۹/۱۲/۱) اما در این باره و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر توجه به نکاتی لازم است:

آزادی مسئولانه در چهارچوب قانون

قاعده‌ی اولی این است که کسی بر کسی دیگر ولایت نداشته و صاحب اختیار او نیست (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۷۹/۲۴) تا به او امر و نهی کرده و مانع استفاده او از آزادیهای فردی اش باشد. تنها ولایت و صاحب اختیاری برای خداست؛ اما خداوند که خالق انسانهاست، برای سعادت دنیا و آخرت آنان به واسطه‌ی انبیا، برنامه عملی زندگی را فرو فرستاد و مردم را ملتزم به عمل به آن نمود. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۵۳، ۲۳۶؛ هو، صحیفه امام، ۹۶/۸) بر این اساس افراد در برابر خداوند و احکام اسلامی و جامعه اسلامی دارای وظایفی میباشند و حقوق افراد و

آزادیهای آنها، در طول احکام و حقوق اسلامی تعریف میشود و نمیتوان به بهانه‌ی استفاده از حقوق و آزادیهای فردی، به حقوق الهی و قانون و حقوق دیگر افراد جامعه تجاوز کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۷/۷، ۳۸/۸-۳۹)

برتری امنیت جامعه بر آزادی فردی

قرآن کریم از مردم می‌خواهد با امر به معروف و نهی از منکر، یکدیگر را به نیکیها سفارش و از بدیها باز دارند. (توبه، ۱۱۲؛ حج، ۴۱؛ لقمان، ۱۷) از این روی آزادی افراد و استفاده از حقوق فردی آنها در چهارچوب برنامه جامع خداوند برای زندگی انسانها تعریف شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۹/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴) در نتیجه از نگاه اسلام انسانها نمیتوانند هر کاری که خواسته‌اند، انجام دهند، چنانچه که در قوانین عرفی نیز در زمینه نظام سیاسی، اجتماعی و حتی مسائل بهداشتی، افراد در بهره‌وری از حقوق فردی، آزادی مطلق ندارند و برای آن محدوده و مرزهایی مشخص شده و منافع دیگر افراد جامعه و مصلحت آنان نیز در نظر گرفته شده است و آزادی باید در چهارچوب قانون تعریف شده و افراد با رعایت امنیت و مصالح جامعه، از آزادیهای خود استفاده کنند. (← آزادی)

رعایت حریم خصوصی

در اسلام میان عملکرد افراد در درون خانه و محافل خصوصی با رفتار آنان در جامعه و ملأ عام تفاوت وجود دارد. از این روی بر اساس آیات قرآن تجسس از کار پنهان دیگران و آنچه در حریم خصوصی افراد میگردد، جایز نیست؛ (حجرات، ۱۲) کسی حق ندارد برای جلوگیری از گناه از احوال دیگران تجسس کرده و وارد حریم خصوصی او شده و به دنبال خطای دیگران در امور شخصی باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۱/۱۷، ۲۶۷)

همانگونه که بر این امر در فرمانی که در اوایل انقلاب از سوی امام خمینی علیه السلام صادر شده و به «فرمان هشت ماده‌ای» معروف شد، بسیار تأکید شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۹/۱۷-۱۴۳) در این فرمان تصریح شده که ورود به حریم خصوصی تنها با حکم قاضی و از روی موازین شرعی جایز است و ضابطین قضایی نیز نباید برای کشف جرم به تلفن یا نوار ضبط

امربه معروف و نهی از منکر / ۲۰۱

صوت دیگری گوش کرده و شنود بگذارند. البته این امر به غیر از مواردی است که در رابطه با کشف توطئه علیه اسلام و نظام جمهوری اسلامی باشد؛ اما در همین موارد نیز تأکید شده است که اگر برای کشف مرکز جاسوسی و افساد علیه نظام، از روی خطا و اشتباه به منزل یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلات قمار و فحشا و سایر منکرات برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، در آن جا تنها به وظیفه نهی از منکر عمل شود؛ اما حق بازداشت یا ضرب و شتم ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۰/۱۷-۱۴۱)

این گناه در حریم خصوصی افراد، افشای اسرار است و جرم و گناه محسوب می‌شود (نور، ۱۹) و مرتکب آن مستحق تعزیر شرعی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۰/۱۷-۱۴۱) البته این به معنای جواز ارتکاب هرگونه گناه در حریم خصوصی نبوده؛ بلکه همگان در برابر خداوند متعال باید بر اساس تعالیم شرع پاسخگوی رفتار خود باشند و از گناهان توبه نمایند. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۲۷۲-۲۷۳) اما اگر هر فرد، خود حریم مصالح جامعه و امنیت اخلاقی و روانی و دینی دیگران را رعایت نمود، دیگر حرمتی برای خود قائل نشده است، و بر اساس دستور الهی، راهنمایی و ارشاد او لازم است.

پرهیز از اهانت و سرزنش

امربه معروف و نهی از منکر و تذکر دادن به دیگران باید از سر دلسوزی بوده و از زبان نرم استفاده شود (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷) و آمو و ناهی به هنگام امر و نهی، حق توهین و اهانت نداشته (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۰/۱۷) و نمیتواند از روی عیب جویی و سرزنش، به تحقیر دیگران بپردازد. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۶۷)

قالبها، ابزار و روشهای امر به معروف و نهی از منکر

برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر میتوان از روشها، قالبها و ابزارهای مختلف استفاده نمود. بهترین و عمومی‌ترین روش، استفاده از روش تذکر زبانی است که از همه تأثیرگذارتر است. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۳؛ هو، صحیفه امام، ۴۷/۸؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲)

تذکر زبانی خود به دو روش می‌تواند انجام شود یکی گفتار نرم و دوستانه که معمولاً تأثیر بیشتری دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) و دیگری گفتار از روی علوّ با موضع مستحکم که در مواردی ممکن است لازم باشد و در معنای خود امر و نهی نیز به نوعی تذکر از موضع بالا گنجانده شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵) در مقابل روش زبانی، روش عملی قرار می‌گیرد؛ به این معنا که افراد با انجام کارهای نیک دیگران را دعوت به خیر کنند که به ویژه اگر از سوی مسئولان و افراد دارای موقعیت اجتماعی بالا انجام شود از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است؛ چنانچه در روایات نیز بر دعوت مردم با عمل، نه با حرف و زبان تأکید شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۷۸/۲؛ رک: امام خمینی، بی تا «الف»، ۴۷۳)

اما در مورد قالبهای مختلف، می‌توان اشاره کرد که در اجرا می‌توان از قالب فردی، جمعی و یا سازمانی استفاده کرد. در متون دینی از مسلمانان خواسته شده که برای خدا قیام کرده و به صورت فردی یا جمعی به آن مبادرت ورزند؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۳/۷؛ ۱۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸) که اجرای این فریضه یکی از موارد قیام برای خدا و انجام فرمانهای اوست؛ چنانکه در آیات قرآن مسلمانان به انجام آن بسیار تشویق شده‌اند. (آل عمران، ۱۱۰؛ توبه، ۷۱؛ رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۱) در برخی آیات نیز به مبادرت گروهی از مسلمانان برای این امر اشاره شده است. خداوند به مسلمانان خطاب می‌کند که باید از شما گروهی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان را رستگار معرفی می‌کند. (آل عمران ۱۰۴؛ رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۱) از این روی اگر اقامه واجب یا ریشه‌کن کردن منکری با اقدام یک نفر ممکن نبوده؛ بلکه متوقف بر این باشد که عده‌ای با هم در امر کردن یا نهی نمودن، اجتماع نمایند، در این صورت با اقدام برخی، وجوب از دیگران ساقط نمیشود و باید به مقدار لازم، افراد با هم جمع شده و به صورت گروهی اقدام نمایند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۶۲) در اجرای این فریضه علاوه بر اقدامهای یکایک افراد جامعه، می‌توان ابزار مختلف را به کار گرفت که عبارت‌اند از:

رسانه‌های عمومی

از رسانه‌های مکتوب و غیر آن به عنوان مؤثرترین ابزار انتقال مطالب به مخاطبان،

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۰۳

میتوان در امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد. رسانه با استفاده از فرصتهای مناسب و هوشیاری لازم و موضع‌گیری به موقع میتواند جلوی بسیاری از فسادها را گرفته و یا حرکت آنها را کند گرداند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۷) رسانه‌ها به عنوان ابزار مؤثر و فراگیر میتوانند با برنامه‌های مختلف علمی، آموزشی، تربیتی و تبلیغی، به ترویج اسلام و اخلاق فاضله بپردازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۱۰۷: ۳۶۲-۳۶۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۷)

وظیفه‌ی یک رسانه، آموزش و تحلیل و سوق دادن قلب و ذهن و روح و مغز افراد به سمت اهداف متعالی است. مطبوعات و صدا و سیما در جمهوری اسلامی، باید وسیله‌ای برای سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و ایزاری برای معرفت و آشنایی مردم با احکام اسلامی و انسانی باشد و با انواع روشهای هنری در برنامه‌های هنری و فیلمها و نمایشها، مفاهیم و ارزشهای اسلامی را تبیین کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۹/۱۳۶۸: ۱۹/۴/۱۳۷۴) استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های گوناگون مجازی نیز میتواند ابزار امر به معروف و نهی از منکر باشد و با گستره‌ی نفوذ بسیار وسیعی که دارد میتواند مخاطبین فراوانی را پوشش دهد و در جهت ترویج نیکیه‌ها و دعوت به خوبیها استفاده شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹)

تربیه‌ونهای عمومی

از دیگر ابزار تأثیرگذار، استفاده از تربیه‌ونهای مختلف است که به صورت مناسبی یا مستمر در اختیار برخی از متولیان امور چون ائمه جمعه و جماعات، مبلغان دینی و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۲۵۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۱۳۶۹) قرار میگیرد. بدون شک جمعیت حاضر در این‌گونه فضاها که بخشی عمده‌ای از آنان جوانان هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۶/۱۳۸۰) مستعدتر از دیگران بوده و اثرپذیری بیشتری دارند و در صورت هدایت صحیح، این تربیه‌ونها میتوانند به ایزاری برای امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌های مختلف اجتماع تبدیل شوند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۴/۱۳۶۸: ۱۹/۴/۱۳۷۴)

تشکلهای مردم‌نهاد

امر به معروف و نهی از منکر میتواند از طریق تشکلهای مردم‌نهاد نیز شکل بگیرد. این

امر در ترویج این فریضه‌ی الهی و همگانی شدن آن در سطح جامعه که از دغدغه‌های رهبران انقلاب اسلامی است، کمک می‌کند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۸۲؛ ۱۴/۱۷۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۹/۱۰/۱۳۶۸) در این راستا ستاد امر به معروف و نهی از منکر در استانهای مختلف شکل گرفته که همسوبا دغدغه‌های امام خمینی علیه السلام (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۱۳) مبنی بر تشکیل سازمانی مستقل از دولت، میتواند با فساد در همه سطوح آن، مقابله کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۷۴)

آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی است که دارای آثار و نتایج بسیار مفیدی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۵/۹/۱۳۷۹؛ هومو، مکتوبات، ۱/۱۳۷۲)

ایجاد اصلاح و بازدارندگی از فساد

امر به معروف و نهی از منکر از مؤثرترین عوامل بازدارنده از انحراف افراد مختلف میباشد. عمل به این فراخوانی عمومی الهی، بر خود آمران و ناهیان نیز نشانه‌ی نیک برجای میگذارد و از دو سوره صلاح را در جامعه هموار میسازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۲۳/۸/۱۳۷۹) همچنین با انجام آن هزینه‌ها کاهش یافته و دیگر نیازی به برخوردهای عملی و فیزیکی نیست؛ زیرا فرد خلافکار دائم با تذکرات زبانی روبه‌رو شده و به مرور این تذکرات اثرگذار بوده و راه مؤثری در بازدارندگی از ارتکاب حرام میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۸/۱۳۷۰؛ ۲۹/۷/۱۳۷۱) با این امر سبب پیشگیری از ارتکاب مجدد عمل از سوی این فرد یا از سوی دیگر افراد جامعه میشود و به نوعی نقش بازدارندگی در ادامه گناه و ارتکابهای آن در آینده داشته و به مرور اثرگذار خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۲/۱۳۷۷؛ ۴/۱۲/۱۳۷۷)

اسلام با تشریع این فریضه‌ی الهی به دنبال ایجاد اصلاح در همه اقشار مسلمانان بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۱۱۲) تا همه به کمک یکدیگر آمده و در نهایت جامعه اسلامی به سوی صلاح و رستگاری حرکت کند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۲۶۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۹/۳/۱۳۷۴) زیرا هیچ جامعه‌ای نیست که در آن فساد به وجود نیاید، اما باید به صورت صحیح و همگانی به

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۰۵

مقابله با آن برخاست، باید خود افراد جامعه با انحرافات مقابله کنند و آن را از میان بردارند و همدیگر را به سوی فلاح و رستگاری سوق دهند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷؛ ۱۳۷۵/۲/۲۶؛

۱۳۷۹/۹/۲۵)

ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و نظارت عمومی

این فریضه سبب میشود که افراد جامعه نسبت به یکدیگر بی تفاوت نبوده و در برابر رفتار و کردار یکدیگر احساس مسئولیت، نمایند و در صورت دیدن انحرافات، به وظیفه‌ی خود عمل نمایند و خود این امر موجب نوعی مشارکت مردم در سرنوشت خود، ساختن جامعه و سبب خروج افراد از خمودی شده و موجب ایجاد انگیزه مؤمنان میشود. (امام خمینی،

۱۳۷۷، ۳۶۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷؛ همو، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

اگر امر به معروف و نهی از منکر، به صورت فرهنگ عمومی درآید، از آنجا که عموم مردم در همه مکانها حضور داشته و با تکیه بر ایمان و احساس مسئولیت دینی به خود هراسی راه نمی‌دهند، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) موجب میشود یک نظارت عمومی و فراگیر شکل گرفته و در همه جا با انحرافات مقابله گردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۱/۵/۷) این نظارت نسبت به آحاد جامعه و مسئولان حکومتی مصداق پیدا میکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۰/۱۰) و با این فریضه همه مردم موظف شده‌اند که در برابر انحرافات و کاستیهای مسئولان امر، در رسانه‌های جمعی و دیگر مجامع، اقدام کرده و به آنها تذکر دهند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹) البته این نظارت و تذکر به هنگام تخلفات به معنای دخالت همه‌ی افراد در تصدی و انجام کارها نبوده؛ بلکه هر متصدی و مسئول باید خود به اصلاح آن امر پرداخته و عهده‌دار وظایف تعریف شده باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۱/۵/۷)

حفظ حریم حرمتها

اگر در جامعه‌ای بدیها و انحرافات انجام پذیرد و افراد جامعه نسبت به آن بی تفاوت بمانند و تنها به وظیفه‌ی فردی خود عمل کنند، به مرور قبح زشتیها و گناه از میان رفته و این امر در تغییر فرهنگ و رواج انحرافات، بسیار مؤثر است.

اما برپایی امر به معروف و نهی از منکر و رواج آن، موجب میشود که در فرهنگ عمومی قبح گناه از بین نرفته و حتی نزد کسی که مرتکب آن میشود، قبح آن باقی مانده و بداند که از نظر جامعه، مرتکب امر ناپسندی شده است و این امر موجب میگردد نیکی در عرف جامعه، نیکی تلقی شود هر چند همه به آن پایبند نباشند و عمل نکنند و بدی هم در عرف جامعه، بدی دانسته شود هر چند برخی مرتکب آن گردند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵) اینگونه است که فضای جامعه، برای دیگر افراد مؤمن، قابل زیست شده (ر.ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۲/۱) و عامل تضمین کننده‌ای برای تحقق حیات طیبه در جامعه اسلامی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹)

حراست از احکام اسلامی و بقاء حکومت اسلامی

قوام حکومت اسلامی بر اساس بقاء احکام اسلامی و پایبندی به احکام آن است و یکی از عواملی که موجب التزام افراد جامعه، به اسلام و عمل به آن است، امر به نیکیها و بازداشتن یکدیگر از بدیها و انحرافات است. احیای این فریضه به همه افراد کمک خواهد کرد که هر چه بیشتر، احکام اسلامی اجرا و فراگیر شود. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

از این روی تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی اسلام و سعی در گسترش و تعمیق آن در جامعه، وظیفه‌ای سنگین دارند. با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر، زمینه تحقق یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک بختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین کند و تباهی و کج روی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، مهیا گشته (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰) و سبب بقاء جامعه اسلامی و دوام و استحکام حکومت صالحان میشود و از طرفی رها کردن و به فراموشی سپردن این فریضه، زمینه ساز سلطه اشراک است؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۹/۸/۲۳) چنانکه در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۶/۵) تأکید شده که مردم باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خود، اقامه کرده و آن را رواج داده و پایبند به آن باشند، در غیر این صورت زمینه‌ی روی کار آمدن افراد ناپاب فراهم میشود، خدا اشراک و مفسدان را بر جامعه مسلط کرده و آنها زمام امور سیاست و کشور را به دست گرفته و جامعه به ظلم و تباهی کشیده میشود. (ر.ک: آیت الله

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۰۷

خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵) در این زمان دیگر خداوند رحمت خود را از این جامعه برمی‌دارد و به موجب این گناه، دعای خوبان و پرهیزکاران نیز مستجاب نمی‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷/۲۱۶) زمانی که گناه در جامعه منتشر شود و مردم به آن خوبگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار داشته و بخواهد مردم را به خیر و صلاح دعوت کند نیز مشکل خواهد شد و به آسانی نمیتواند بديها را ریشه‌کن کند و هر اقدام در این جامعه نیز، همراه با صرف هزینه‌های فراوان خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵)

ظلم‌ستیزی

در سایه‌ی عمل به این فرضیه الهی، افراد جامعه نسبت به انحرافات ساکت نبوده و در برابر ظلم و تعدی ظالمان بی‌تفاوت نمی‌باشند. آنها همواره به دنبال جامعه‌ای هستند که در راستای صلاح و رستگاری باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۱۶) روحیه‌ای که در مسلمانان در پرتو احکامی مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، به وجود می‌آید، سبب میشود تا آنان در پی این اندیشه باشند که اراده خود را در حرکت عالم محقق کنند و جلوی فساد را بگیرند و در برابر هر سلطه‌طلب و ستمگری قیام کرده و ساکت نشینند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۱۶؛ ۱۳۷۹/۴/۱۹؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵)

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر با سایر رویکردها

تمام انبیای الهی با هدف اصلاح جامعه‌ی بشری مبعوث شده‌اند و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف «امر به معروف و نهی از منکر» است. بنابراین پیشینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به تعالیم انبیای الهی باز میگردد. در نگرش انقلاب اسلامی نیز امر به معروف و نهی از منکر همواره مورد توجه بوده و به مسائل کلان جامعه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی توصیه شده است. همچنین در دیدگاه انقلاب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر مراحل انکار قلبی و تذکرزبانی را در عرصه‌های مختلف شامل میشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۲)

در مقابل اندیشه انقلاب اسلامی دو دیدگاه هم‌عرض وجود دارد؛ نخست دیدگاهی

که هر فردی را مجاز میداند که با تشخیص خود به اجرای عملی حدود الهی بپردازد؛ و دیگر، دیدگاهی که بر اساس نگرشهای سکولار شکل گرفته است. البته امروزه در غرب افراد در مقابل پاره‌ای ضوابط که به حکومت و قانون منتسب است؛ مانند: بهداشت، قوانین راهنمایی و رانندگی، نظم اجتماعی و برخی قوانین مدون در حیطه اجتماعی و اقتصادی و...، مسئول بوده و حاکمیت و در مواردی خود مردم نسبت به انجام آن و پرهیز از تخلف نسبت به این امور حساس بوده و کسانی که کوتاهی کنند مورد سرزنش قرار می‌گیرند. اما در حیطه اوامر و نواهی دینی به سبب تلقی ناصحیح از دین که در میان آنها رواج یافته، دین را امری شخصی قلمداد میکنند. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۸۲/۱۵؛ ۲۴/۳۷۹-۳۸۱) از این رو، امر به معروف و نهی از منکر در حیطه‌ی امور دینی نمی‌پذیرند و آن را دخالت در امور شخصی افراد میدانند؛ جز در مواردی که حکم دینی به عنوان یک قانون حکومتی پذیرفته شده باشد یا نقض آن موجب تضییع حقوق دیگران به شمار آید. به نظر میرسد دیدگاه روشنفکران سکولار در جوامع اسلامی برگرفته از همین دیدگاه است.

اهل سنت بر وجوب امر و نهی اتفاق نظر داشته و این فریضه را کفایی و طریق و جوبش را سمعی و نقلی انگاشته‌اند. آنان نهی از منکر را هم به واجب و مستحب تقسیم نموده‌اند (الموسوعة الفقهية، ۱۴۲۴، ۶/۲۴۸-۲۴۹) و سلسله مراتب را از شدید به خفیف یعنی ابتدا دست و سپس زبان و آنگاه قلب در نظر گرفته‌اند (الموسوعة الفقهية، ۱۴۲۴، ۶/۲۵۱) که دیدگاه‌های خشن سلفی‌های تکفیری میتواند بر این مبنا استوار باشد. در کنار اقرار به اصل آموزه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای شدید آن در امور فردی و خطاهای افراد جامعه؛ اما اکثر اهل سنت در برابر خطاها و مفسدات فرد حاکم بر جامعه و حکومت ظالم، قیام و خروج علیه آن را روا نمی‌شمارند و خلع و عزل او را هر چند فسقش آشکار باشد جایز نمی‌دانند. (ر.ک: الموسوعة الفقهية، ۱۴۲۴، ۶/۲۲۴-۲۲۵) از این روی در میان اهل سنت و برخی از جریانهای فقیهان شیعه نیز، بزرگترین و مهمترین مصداق این فریضه الهی که مبارزه با ظالمان و مستکبران و مفسدات مهم جامعه بوده، همواره مورد غفلت واقع میشود. اما بر اساس دیدگاه انقلاب اسلامی زمانی که اساس اسلام در خطر بوده و طاغوت و حاکمان جائز برای نابودی احکام اسلامی و چپاول ثروت مسلمانان اقدام کرده باشند، وظیفه همه مسلمانان قیام در برابر آنان است.

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۰۹

رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۱۷۸؛ ۲/۳۷۱) این دیدگاه در چگونگی مبارزه با حاکمان ستمگر و حکومت طاغوت اثرگذار بوده و تأثیر بسیاری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱) همچنین در دیدگاه انقلاب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر به ویژه درباره مسائل فردی و خطاهای شخصی، از مراتب پائین‌تر و انکار قلبی و تذکرزبانی (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷۲) آن هم همراه با عطف و ملاطفت شروع میشود (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷-۲۴۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۲۳؛ ۱۳۷۷/۱/۲۷) و افراد جامعه حق دخالت در حریم خصوصی دیگران را نداشته و مجاز به برخورد فیزیکی هم نمیباشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۱-۱۴۰/۱۷، ۲۲۱، ۲۶۷)

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در احیای امر به معروف و نهی از منکر

در صد سال اخیر، همواره امر به معروف و نهی از منکر از سوی عالمان مصلح، مورد تأکید قرار میگرفت و بذر آن در روح ملت ایران کاشته شد و به مرور مردم را نسبت به عملکرد نظامهای فاسد آگاه و دعوت به قیام میکردند و این امر موجب تقویت روحیهی انقلابی ملت شد تا دست به تغییر بنیادین بزنند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱-۲۱۲) در این خصوص میتوان خود انقلاب اسلامی را ثمره‌ی عینی عمل به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دانست.

از جمله مهمترین دستاوردهای گفتمان انقلاب در این عرصه، اصل احیای امر به معروف و نهی از منکر توسط امام خمینی علیه السلام بود که بارها در سخنان خود، بروظایف عموم مردم تأکید کرده و آنها را به برپایی این فریضه در برابر حکومت طاغوت دعوت میکرد (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۲، ۱۱۷) و تلاشی مستمر در احیای این امر در میان اقشار مختلف جامعه، به ویژه اقشار تحصیل کرده داشت.

از این روی انقلاب اسلامی ایران بر پایه احیای این فریضه شروع شد و حرکت انقلابی مردم و قیام آنها برای برپایی حکومت اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی را میتوان از بهترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانست. پس از انقلاب نیز رهبران، بر احیای این امر بسیار تأکید داشته و عموم مردم را نسبت به رفتار یکدیگر و مسئولان حکومتی، به امر به معروف و نهی از منکر دعوت میکردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۴۷-۴۸؛ ۱۳/۴۷۰) قانون اساسی را

میتوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب دانست که مصوبات آن در راستای ترویج اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد. علاوه بر آنکه در اصل هشتم این قانون بر امر به معروف به عنوان وظیفه‌ای همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به دولت تأکید شده است و شرایط و حدود آن به قانون احاله گردیده است که پیرو این مصوبه قانون امر به معروف و نهی از منکر در مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است.

(روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴، ش ۲۰۴۶۴)

از جمله دیگر دستاوردهای انقلاب ارائه تبیین صحیح و جامع در مورد این فریضه و ایجاد گفتمان جدیدی در باب آن است. در این گفتمان مردم با اصل این فریضه و مصادیق مهم معروف و منکر در دنیای کنونی آشنا شدند؛ به گونه‌ای که قالب تنگ آن را شکسته و اذهان آنان را به مسائل کلان جامعه و نامشروع و منکر بودن حکومت طاغوت و اعمال آنان و معروف بودن اقامه حکومت اسلامی و همچنین به عرصه‌های ظلم و استکبار جهانی معطوف داشته است (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۴-۱۱۶) و توجه آنان را از مسائل ظاهری به لایه‌های عمیق مفاسد در اجتماع کشاند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۳/۱۵؛ ۱۳۷۵/۲/۲۶؛ امام خمینی، بی تا

«ب»، ۱۱۸-۱۱۹)

کاستی‌ها و آسیب‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کنونی

در کنار دستاوردهایی که پس انقلاب شاهد آن بودیم در این میان برخی کاستی‌ها و آسیب‌ها نیز در جامعه‌ی کنونی ما وجود دارد که به آنها اشاره میشود:

از جمله آسیب‌ها عدم شناخت مردم از مصادیق مهم معروف و منکر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) در عموم موارد تا سخن از اقامه این فریضه به میان می‌آید، ذهن افراد به معروف و منکر در حیطه اعمال فردی معطوف میشود و به عنوان مثال بدحجابی یک خانم در خیابان مورد توجه قرار میگیرد؛ در حالی که در عین اذعان به منکر بودن آن، از درجه اهمیت کمتری برخوردار است. بزرگترین معروف، اقامه حکومت اسلامی و حفظ آن است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹) و بدترین منکر وجود حکومت طاغوت و در جای خود تضعیف حکومت اسلامی است. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۴-۱۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷) همچنین از منکرات مهم

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۱۱

وجود فساد در جامعه و دولت است که باید همه افراد جامعه نسبت به آن حساسیت داشته باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۷)

از دیگر آسیب‌های اجرای این فریضه در پاره‌ای از موارد روشن نبودن مرزهای وظایف همگانی و وظایف نهادهای رسمی بوده است به‌گونه‌ای که برخی افراد در اقامه این فریضه از حیطة وظایف همگانی که صرف تذکرزبانی است و از سوی رهبری جامعه نسبت به این امر تذکر داده شده است خارج شده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) درحالی‌که ایشان وظیفه عموم مردم را مداومت بر تذکر دانسته‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲؛ ۱۳۷۹/۹/۲۵)

آسیب دیگر، در اجرای تذکرزبانی، برخورد خشن و تند و با زبان گزنده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) که احتمال تأثیر را کم میکند. از این روی همواره توصیه شده که با مهربانی و احترام و زبان نرم به طرف مقابل تذکر داده شود. (طه، ۴۴؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۷؛ همو، صحیفه امام، ۴۷/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲) لذا افرادی که می‌خواهند در این عرصه وارد شوند باید همانند انجام سایر واجبات آموزش دیده و با احکام و کیفیت اجرای آن آشنا شوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

از دیگر کاستی‌ها این است که اقامه‌ی این فریضه مهم الهی آن طور که مورد تأکید قرار گرفته، فراگیر نشده و همه در برابر منکرات تذکر لازم را نمی‌دهند. درحالی‌که افراد جامعه نباید در تذکر دادن به شخصی که مرتکب منکر میشود، ضعف نفس نشان داده یا خجالت بکشند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) بلکه عموم مردم باید به صحنه آمده که در آن صورت اثر آن ظاهرگشته و با تذکر افراد مختلف و تکرار آن، مقاومت منفی انسان خطاکار از میان خواهد رفت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، امر به معروف و نهی از منکر از فرائض مهم بوده و به‌عنوان شعبه‌ای از جهاد در راه خدا معرفی شده و همگان بر اقامه آن دعوت شده‌اند تا در کنار اصلاح خویشتن، نسبت به دیگر افراد و جامعه پیرامون خود، مسئولانه رفتار کرده و آنها را به نیکی و کارهای پسندیده دعوت نموده و از بدی و امور ناشایست، باز دارند.

در گفتمان انقلاب اسلامی قلمرو امر به معروف و نهی از منکر، تنها به رفتارهای فردی محدود نشده، بلکه نگاه همه را به مسائل کلان جامعه اسلامی و مقابله با ظالمان و حاکمان مستبد، معطوف داشته است؛ چنانکه حرکت انقلابی مردم ایران در برابر طاغوت‌های زمان، خود از بزرگترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر بوده و رهنمودها و موضع‌گیری‌های امام خمینی علیه السلام در احیای آن نقش بسیار داشته که میتوان ترویج و احیای آن را از دستاوردهای انقلاب اسلامی دانست.

این فریضه اگر درست اجرا شود، ابزاری کارآمد برای نظارت عمومی بر حاکمان و دولتمردان است تا همواره بر مدار شرع و قانون عمل نمایند و از قدرت خویش سوءاستفاده ننمایند. البته رعایت شرایط و آداب آن، همواره مورد تأکید بوده تا سبب تضعیف نظام اسلامی و ایجاد روحیه بدبینی نگردد.

در اجرای این فرضیه نیز آنچه بر عهده عموم مردم قرار دارد، تذکر زبانی دلسوزانه و خیرخواهانه است و به‌طور طبیعی اقدام آن از سوی افراد جامعه، سبب بقای ارزشها و نشانه‌ی خواست عمومی بر رعایت هنجارهای شرعی و عرفی در جامعه است. مداومت بر این امر اثرگذار بوده و از مهمترین عوامل بازدارندگی از ارتکاب اعمال ناشایست میباشد.

اگر جلوگیری از انجام منکرات، نیازمند توسل به قدرت و برخورد فیزیکی باشد، این امر بر عهده حکومت اسلامی و ضابطان قضایی گذاشته شده است.

در اجرای امر به معروف و نهی از منکر توجه به این نکته لازم است که هیچ‌کس نمیتواند به بهانه‌ی استفاده از حقوق و آزادیهای فردی، به حقوق دیگر افراد جامعه تجاوز کند. در مقابل، تجسس از کار پنهان دیگران و آنچه در حریم خصوصی افراد میگردد نیز، جایز نمیشود.

در این میان از ابزارهای مختلف برای اجرای امر به معروف و نهی منکر استفاده میشود. رسانه‌ها بزرگترین ابزار امر به معروف و نهی از منکر بوده که میتواند با استفاده از مناسبت‌های مختلف به صورت مستقیم و غیر مستقیم به فریضه‌ی مهم امر به معروف و نهی از منکر اقدام کرده و زیرساخت‌های لازم را برای ترویج آن ایجاد نماید. مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، تریبون‌های عمومی و مجالس مذهبی نیز بستری مناسب برای انجام این فریضه الهی است؛

امر به معروف و نهی از منکر / ۲۱۳

حضور گسترده جوانان و نوجوانان در این محیط‌ها این فرصت را در اختیار متصدیان امر قرار می‌دهد تا بتوانند در راستای تربیت اسلامی این جمعیت انبوه و با استفاده از شیوه‌های صحیح، دعوت به نیکی و امور خیر کرده و این امور را در آنها نهادینه سازند، تا جامعه از آثار و نتایج بسیار مفید آن مانند ایجاد عامل بازدارنده از انحراف، ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و تضمین تحقق حیات طیبه بهره‌مند گردد. بدین ترتیب گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس شریعت اسلام، راهبردی مردمی، کلان و کارآمد برای مقابله با مفسد و زشتی‌ها و نیز ترویج نیکی‌ها در سطح جامعه ارائه کرده است که می‌تواند برای سایر جوامع نیز الگوی عمل قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، عوالی اللثالی العزیزية فی الاحادیث الدینیة، قم، مطبعة سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد زاوی، محمود محمد طنحی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۶. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الوسيلة الی نیل الفضیلة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۸. ابن فارس، فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابو الصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، تحقیق مجتبی عراقی و دیگران، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، الطلب و الارادة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی، المكاسب المحرمة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحرير الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، رساله توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۱۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ب»
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. حکیم، سید محسن طباطبائی، منهاج الصالحین، بیروت، دار التعارف، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. خواجه نصیر طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، قم، انتشارات شکوری، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

امربه معروف ونهی از منکر / ۲۱۷

۲۸. رنجبر، مقصود، سیاستنامه نویسی در ایران، تاریخ در آینه پژوهش (فصلنامه)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۹، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، ش ۲۰۴۶۴، ۱۳۹۴/۳/۲۰ ش.
۳۰. سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران، مکتبه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، تحقیق سید احمد حسینی، محمدهادی یوسفی غروی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق سید ابراهیم موسوی زنجانی، انتشارات شکوری، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۴۱. فیرحی، داوود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
۴۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۵. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۴۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ش.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۸. الموسوعة الفقهية، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۴۹. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۵۰. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

اهل بیت علیهم السلام

مصطفی فرخی^۱ (مؤلف و مسئول علمی)

اهل بیت علیهم السلام؛ معصومین از خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مرجع امت اسلامی بعد از ایشان.

اهل بیت در لغت به معنای «ساکنان و اهل خانه» است؛ (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳/۳۶۶۳) سپس این معنی توسعه یافته و به معنای کسانی که نسبت خانوادگی، آنها را به هم مرتبط می‌کند، بکار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۶)

از دیدگاه عموم مسلمانان هرگاه واژه اهل بیت بدون قرینه به کار برود، مراد از آن خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۶؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۱/۱۳۷) و در عالم اسلام همه قبول دارند که، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام داخل در اهل بیت علیهم السلام هستند. (ابن حجر هیتمی، ۱۹۷۷، ۲/۴۲۱؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۱۸) این موضوع در منابع روایی اهل سنت نیز نقل شده است. (مسلم نیشابوری، بی تا، ۱۳۰/۷)

البته شیعیان به استناد روایات فراوان معتقدند اهل بیت علیهم السلام، نه فرزند معصوم از نسل امام حسین علیه السلام را نیز شامل می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۲۳/۱؛ رک: امام خمینی، بی تا «ه»، ۵۵۲؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ۹) اهل بیت علیهم السلام بر اساس حدیث ثقلین (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۴/۱؛ احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶، ۵۹) مرجعیت تامه‌ی امت اسلامی را بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عهده دار هستند (رک: امام خمینی، ۱۳۷۶، ۳/۱۳۷) و جامعه اسلامی باید بر اساس قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و تعالیم ایشان شکل گیرد.

۱. مدرس حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته سطح ۳ تخصصی علم کلام مؤسسه امام صادق علیه السلام

(رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۵ «الف»، ۵۴؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۹/۴/۱۳۹۲)

در متون دینی برجای مانده از ادیان پیش از اسلام، مطالبی وجود دارد که عده‌ای از پژوهشگران اسلامی معتقدند منظور از آن اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ است. به عنوان نمونه در کتاب مقدس به یکی از فرزندان اسماعیل اشاره میکند که در سرزمین مکه به پیامبری مبعوث خواهد شد و دوازده نفر از فرزندانش، امام و زعیم جامعه بعد از او خواهند بود. (کتاب مقدس، تکوین، ۱۷/۱۸-۲۱) این مطالب به نام «بشارت» شناخته میشوند و در برخی کتب جمع‌آوری شده‌اند. (رک. صادقی تهرانی، ۱۳۸۱، ۳۴-۲۷۴)

قرآن کریم در آیات متعدد با الفاظی همچون «اهل البیت»، (احزاب، ۳۳) «القریبی»، (شوری، ۲۳) «أولی الأمر»، (نساء، ۵۹) «ولی»، (مائده، ۵۵) «صادقین»، (توبه، ۱۱۹) «اهل الذکر»، (انبیاء، ۷) «راسخون فی العلم»؛ (آل عمران، ۷) اهل بیت پیامبر ﷺ را مورد توجه قرار داده و برخی از ویژگیهای ایشان را بیان کرده است.

واژه‌ی اهل بیت سه مرتبه در قرآن بکار رفته است که در دو مورد به خانواده حضرت ابراهیم علیه السلام (هود، ۷۳) و حضرت موسی علیه السلام (قصص، ۱۲) اشاره دارد. مورد سوم، آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب است که طبق آن «اهل بیت علیهم السلام» کسانی‌اند که خداوند اراده کرده است هرگونه پلیدی را از ایشان دور کند. همه‌ی علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت بر این باورند که بخش پایانی آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است؛ (ترمذی، بی تا، ۳۵۱/۵؛ علامه حلی، ۱۹۸۲، ۱۷۳-۱۷۴؛ ابن حجر هیتمی، ۱۹۷۷، ۲/۴۲۱) و مراد از آن اهل بیت عصمت و طهارت است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴/۷۷۵؛ امام خمینی، بی تا «ه»، ۵۵۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۸/۵/۱۳۸۶) دلیل این دیدگاه قرائن داخلی، مانند تغییر سیاق آیه و دیگر قواعد ادبی؛ (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۶/۳۱۰-۳۱۱؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ۱۴) و قرائن خارجی یعنی روایات پیرامون آیه است، در این راستا برخی از روایات، معصومین علیهم السلام را به عنوان مصادیق اهل بیت علیهم السلام در این آیه معرفی میکنند. (خزازی، ۱۴۰۱، ۱۵۶)

- آیه ۲۳ سوره‌ی شوری «مودت» به قربی را به عنوان اجر رسالت بیان میکند و بر اساس قرائن و روایات مختلف مراد از «القربی» در این آیه شریفه، اهل بیت علیهم السلام میباشند. (کلینی،

اهل بیت علیهم السلام / ۲۲۱

۱۴۰۷، ۹۳/۸، طباطبائی، ۱۴۱۷، ۵۱/۱۸-۵۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۳

- آیه ۵۹ سوره نساء اطاعت از اولوالأمررا واجب کرده است و مراد از اولوالأمر در این آیه

شریفه اهل بیت علیهم السلام است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۷۶/۱، امام خمینی، بی تا «ح»، ۱۶۰/۲)

- آیه ۵۵ سوره مائده اهل بیت علیهم السلام را به عنوان ولی و سرپرست مؤمنین معرفی میکند.

(کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸۸/۱، مطهری، مجموعه آثار، ۲۸۰/۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۱۵)

- آیه ۱۱۹ سوره توبه مؤمنان را به همراهی با «صادقین» امر کرده است. براساس روایات

(کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰۸/۱) و آنچه مفسرین شیعه بیان داشته‌اند مصداق کامل «صادقین» در این آیه

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۲۲/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۳۱)

- آیه ۷ سوره انبیاء به سؤال کردن از اهل ذکر امر میکند و به مقتضای روایات اهل ذکر،

اهل بیت علیهم السلام هستند. (بجانی، ۱۴۲۲، ۲۶/۳؛ امام خمینی، ۱۳۷۶، ۶۳۱/۴)

- آیه مباهله (آل عمران، ۶۲) اهل بیت علیهم السلام را به عنوان عزیزترین انسانها در عالم هستی معرفی

میکند. (رک: شوشتری، ۱۴۰۹، ۱۲/۲۴؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹۹-۲۰۱)

در روایات و به ویژه احادیث نبوی مطالب صریح و غیر قابل انکاری درباره‌ی

اهل بیت علیهم السلام وارد شده است؛ مانند حدیث متواتر «ثقلین» (احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶، ۵۹؛

کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۴/۱، لکنهوی، ۱۳۶۶، ۷۳۲/۱۹؛ امینی، ۱۴۱۶، ۳۵/۱) که اهل بیت علیهم السلام را در کنار کتاب الله قرار

داده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸) این حدیث در بین همه‌ی مسلمانان متواتر است و

در «صحاح ششگانه» و دیگر کتابهای اهل سنت با تعبیرها و الفاظ مختلف و موارد مکرر

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۸/۲۱) روایت متواتر دیگر حدیث

معروف «سفینه» است؛ (امام خمینی، بی تا «ح»، ۱۵۹/۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸) در این روایت پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله اهل بیت علیهم السلام خود را به کشتی نوح تشبیه کرده است که هرکس بر آن سوار شود

نجات یافته و هرکس از آن تخلف کند هلاک خواهد شد. (نعمانی، ۱۳۹۷، ۴۴؛ حاکم نیشابوری، بی تا،

۳۴۳/۲؛ ابن حجر هبتمی، ۱۹۷۷، ۲/۴۴۵) در روایت دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام خود

را به ستارگان آسمان تشبیه کرده و ایشان را مایه‌ی امان و نجات امت از اختلاف معرفی

میکند. در برخی روایات مخالفانشان را حزب ابلیس مینامد. (حاکم نیشابوری، بی تا، ۱۴۹/۳)

و در برخی روایات، نبود اهل بیت علیهم‌السلام را مایه‌ی نابودی زمین میدانند. (طوسی، ۱۴۱۴، ۳۷۹) در مجموعه‌ای از روایات اشخاص اهل بیت علیهم‌السلام معرفی شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۸۷/۱: ۴۲۳/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۵/۱۹۸/۵؛ ابن حجر هیتمی، ۱۹۷۷، ۲/۴۲۱) در برخی روایات نیز نام اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان جانشینان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان امت بعد از ایشان بیان شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۱۴۰۷-۵۲۶-۵۲۵؛ جوینی، ۱۴۰۰، ۲/۱۳۴) در برخی روایات اهل بیت علیهم‌السلام با عباراتی همچون «عترت»، «مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶/۳۰۹» «ذریه»، «تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام، ۱۴۰۹، ۲۵۵» «ذی القربی» «مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵/۱۶۶» و «آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (صدوق، ۱۳۶۲، ۱/۱۸۸) معرفی شده‌اند.

از آنجا که جایگاه مهم اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن و احادیث نبوی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است؛ همه‌ی فرقه‌های مسلمین نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارادت داشته، جایگاه والای آنان را در علم و عمل قبول دارند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸) این مطلب بین همه‌ی مسلمین متواتر است که اهل بیت علیهم‌السلام ثقل کبیرند و تا روز قیامت از ثقل اکبر که قرآن است جدا نخواهند شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۳۹۳) مسئله‌ی اهل بیت علیهم‌السلام، در ردیف مسائل درجه‌ی اول دین اسلام است. محبت اهل بیت علیهم‌السلام، فریضه‌ای است که همه‌ی مسلمانان آن را پذیرفته‌اند و به آن مباهات میکنند. ایشان همانند جدشان نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، متعلق به اسلام و بشریت و تاریخ‌اند؛ از این جهت دنیای اسلام میتواند حول دو محور مربوط به ایشان اتحاد داشته باشد: یکی محبت اهل بیت علیهم‌السلام که امری عقیدتی است و میتواند نقطه‌ی تمرکز عواطف و احساسات مسلمین باشد. دیگری معارف اهل بیت علیهم‌السلام که در کنار قرآن، میتواند منبع اصیل آموزش دین و احکام، برای همه مسلمانان باشد. به‌طورکلی برافراشتن پرچم اهل بیت علیهم‌السلام در دنیای اسلام، میتواند همه‌ی مسلمین را گرد هم مجتمع کند و پایه‌ی تقرب آنان باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۴)

علمای اهل سنت در طول تاریخ کتابهای فراوانی همچون «ینابیع المودة لذوی القربی» قندوزی، «فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمة من ذریتهم علیهم‌السلام» جوینی، و «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم‌السلام» محب الدین طبری و... پیرامون مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، نوشته‌اند. (رک: فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۱/۱۶۷: ۳/۲؛ ۳/۳؛ هاشمی شافعی،

در خصوص جایگاه برخی از اهل بیت علیهم السلام نزد ائمه‌ی اربعه اهل سنت گزارشهایی نقل شده است:

به گفته شیخ محمد ابوزهره، ابوحنیفه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را از هر شخص دیگری برای حکومت کردن مناسب‌تر میدانست. او معتقد بود در تمام جنگها حق با علی علیه السلام بوده است و جانشین برحق او فرزندش حسن علیه السلام است. (حیدر، ۱۴۲۱، ۱۵۴/۴) همچنین از مالک بن انس سخنان زیادی در بیان فضائل امام صادق علیه السلام نقل شده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ۸۹/۲؛ حیدر، ۱۴۲۱، ۳۷۱/۴) محمد بن ادریس شافعی اطاعت از اهل بیت علیهم السلام را لازم میدانست و اشعار فراوانی در مدح اهل بیت علیهم السلام دارد. او علی علیه السلام را برحق میدانست و در اشعار خود، محبت اهل بیت علیهم السلام را از سوی خدا واجب دانسته و فضائل زیادی را برای اهل بیت علیهم السلام برشمرده است. شافعی، نماز بدون درود بر اهل بیت علیهم السلام را باطل میدانست. (شافعی، ۱۴۰۳، ۵۵، ۷۲، ۹۰) احمد بن محمد بن حنبل هیچ کسی را قابل مقایسه با اهل بیت علیهم السلام نمیدانست. (ابن جوزی، ۱۴۰۹، ۲۱۹) او علی علیه السلام را زینت خلافت میدانست؛ (ابن جوزی، ۱۴۰۹، ۲۱۹) احمد در مسند خود روایات زیادی در فضائل اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است. (احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶-۲۷) علمای اهل سنت در کتابهای تفسیر و حدیث خود (رک: قندوزی، ۱۴۱۶، ۷۱/۱) به طور مفصل فضائل اهل بیت علیهم السلام را مطرح کرده‌اند (زنجشیری، ۱۴۰۷، ۱، ۳۶۸/۱-۳۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۳۸-۳۹؛ ۵/۶-۷) و یا از روایات ایشان در تفسیر خود بهره گرفته‌اند؛ مانند تفسیر روح المعانی. (خاکپور، ۱۳۹۰، ۹۱؛ حکیم، ۱۴۲۶، ۲۳۱)

ویژگیهای اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام به علت جایگاه ویژه‌ای که نزد خداوند متعال دارند و همچنین نقشی که در اجتماع ایفا میکنند دارای ویژگیهای منحصر به فردی هستند:

عصمت

خداوند اهل بیت علیهم السلام را برگزیده و به اراده‌ی ازلی خود، عصمت را به ایشان بخشیده و از هرگونه رجس و شرک و شک دورشان کرده است تا هدایت بشر به خیر و صلاح را بر

عهده بگیرند و همچون ستارگان، راهنمایان بشریت باشند. (مطهری، مجموعه آثار، ۷۷۴/۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶) البته مقام عصمت مطلقه بالإصالة مخصوص پیامبر اسلام ﷺ است و اهل بیت ﷺ به تبعیت از ایشان صاحب این مقامند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۶۰)

ولایت

دو شعبه دارد؛ یکی ولایت تکوینی، که مقامی معنوی است و به مقتضای آن اهل بیت ﷺ به اذن خداوند بر امور عالم مسلط و حق تصرف در آن را دارند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۸۴/۳؛ امام خمینی، بی تا «ط»، ۵۳) دیگری ولایت تشریحی است که به مقتضای آن خداوند متعال مقام امامت و رهبری جامعه دینی را به اهل بیت ﷺ اعطا کرده و پیامبر اسلام ﷺ آن را به مردم ابلاغ نموده است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۴۵۸/۱۶؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۵/۲۰، ۲۳۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷) اهل بیت ﷺ ثقل کبیرند در کنار قرآن که ثقل اکبر است و مراجعه به این دو به عنوان «ثقلین» در همه‌ی امور دینی واجب است. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ۱۳۷/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۴) حقیقت ولایت اهل بیت ﷺ اتحاد، درهم‌تنیدگی و پیوند بین حاکم و مردم در هدف و راه رسیدن به هدف است. این حقیقت در محبت و اطاعت از سوی مردم و هدایت و رهبری از سوی ولی که اهل بیت ﷺ هستند، ظهور میکند و همه‌ی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، معنوی، روحی و عملی را در بر میگیرد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۷۱/۳، ۲۷۷، ۲۸۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷)

علم ویژه الهی

اهل بیت ﷺ از علم ویژه الهی برخوردارند که فراتر از حدود طبیعت عالم بوده و درک حقیقتش فوق طاقت بشر است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۲/۱؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۰، ۴۱؛ همو، بی تا «ج»، ۶۸؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۱۰/۱) برترین درجه‌ی فهم قرآن مخصوص پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است و تنها راه دستیابی به آن مراجعه به روایات ایشان است؛ (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵ «الف»، ۳۲) از این رو مرجعیت علمی در آموزش دین و احکام الهی مخصوص ایشان بوده و حجت الهی بر تمام انسانها هستند. (مطهری، مجموعه آثار، ۳۸/۱۸؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۴/۲۱؛ همو، ۴۹۴/۴، ۱۳۷۶)

آيت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۴) آنان در همه‌ی امور مربوط به حیات دنیوی و اخروی بشر مرجعیت تامه دارند. (رک: امام خمینی، بی تا «ط»، ۷۶-۷۷؛ همو، بی تا «ح»، ۱۵۹/۲) به سبب همین ویژگیهاست که اهل بیت عليه السلام سفینه نجات امتند، هر کسی با ایشان همراه شود اهل نجات و کسی که تخلف کند هلاک خواهد شد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۹/۱۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

بُعد دیگر ویژگیهای اهل بیت عليه السلام، احکام فقهی مربوط به ایشان است؛ مانند: وجوب تبعیت از ائمه عليه السلام؛ (نساء، ۵۹؛ مائده، ۵۵؛ رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳/۱؛ امام خمینی، بی تا «ط»، ۹۵؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲) وجوب اعتقاد به امامت اهل بیت عليه السلام؛ (مفید، ۱۴۱۳ «ج»، ۳۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۵/۲۴) وجوب محبت به اهل بیت عليه السلام؛ (شوری، ۲۳؛ علامه حلی، ۱۹۸۲، ۲۶۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲) وجوب صلوات بر اهل بیت عليه السلام؛ (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۸۳/۲) اعتقاد به ولایت اهل بیت عليه السلام؛ (مائده، ۵۵؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۸/۲۰) وجوب پرداخت خمس به ایشان؛ (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۴۱۳/۱) حرمت دشمنی و سب ایشان؛ (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۵۳۵/۲) حرمت دروغ بستن به ایشان و بطلان روزه در صورت ارتکاب آن؛ (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۵۰۰/۱؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۴۶) و اختصاص امر حکومت به ایشان. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۱-۱۱۴)

شنون اهل بیت عليه السلام

اهل بیت عليه السلام بر اساس این ویژگیها شنون و مقامات مختلفی دارند، که در چهار بخش تبیین میشوند: «شان تکوینی-معنوی»، «شان علمی - معرفتی»، «شان اخلاقی - تربیتی» و «شان سیاسی-اجتماعی».

برخی از ابعاد این شنون به رابطه‌ی اهل بیت عليه السلام با خداوند متعال و برخی به رابطه‌ی اهل بیت عليه السلام با دیگر مخلوقات و از جمله انسان برمیگردد:

شان تکوینی-معنوی

امور تکوینی مربوط به جنبه‌ی آفرینشی موجودات و خارج از حیطه‌ی اختیار انسان است و با اراده مستقیم حق تعالی یا کسی که از جانب خداوند اذن تصرف در امور عالم را دارد، محقق میشود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۹/۱) اهل بیت عليه السلام مصداق انسان کامل اند و به خاطر

جایگاهی که در پیشگاه خداوند دارند، پیوسته از مقام ولایت در تصرف - حتی قبل از آنکه امامت ظاهری ایشان در غدیر مطرح شود- بهره‌مند بوده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۱/۲، ۴۲۰/۱۲- ۴۲۱: ۴۰۳/۱۹) از این رو همه ذرات عالم در برابر ایشان خاضع و مطیع‌اند؛ بر همه‌ی موجودات قائم و از جانب خداوند مأذون‌اند تا هرگونه که بخواهند اعمال ولایت کنند. (امام خمینی، بی تا «ط»، ۵۳؛ همو، بی تا «و»، ۸۴) البته ولیّ خدا هرگز خلاف رضای خدا را نمی‌خواهد. اهل بیت علیهم‌السلام به جهت بهره‌مندی از این مقام، واسطه‌ی فیض به جسم و جان یکایک آحاد انسانها هستند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲۸) حتی غیر مؤمنین هم به واسطه ایشان از فیض مواهب هستی بهره‌مند می‌گردند. (طوسی، ۱۴۱۱، ۲۸۵-۲۸۶)

ایشان مظهر جمیع اسماء و صفات الهی‌اند؛ همان‌گونه که خودشان به «اسمای حسنای الهی» خود را معرفی کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷/۱، ۱۴۴) اسم علامت مسمّا است و هراسمی که مرتبه‌ی وجودی بالاتری داشته باشد مظهریت بیشتری دارد (امام خمینی، بی تا «و»، ۷۳) و اسم اعلی در مقام ظهور پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام می‌باشد؛ از این رو هرچند همه‌ی انبیا و اولیا مظهر اسمای الهی‌اند، ولی تجلی اسم اعظم خداوند مخصوص خاتم الانبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اوصیای او است. (امام خمینی، بی تا «و»، ۶۰-۶۱) اهل بیت علیهم‌السلام مظهر رحمت رحمانی الهی که مقام بسط وجود و مظهر رحمت رحیمیه‌ی الهی که مقام بسط کمال وجود است، می‌باشند؛ چنانکه خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند عالم و آدم را خلق نمی‌کرد. (صدوق، ۱۴۰۴/۱، ۲۳۷) معنای این سخن این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام واسطه‌ی میان ملکوت و ملک و ربط‌دهنده واجب‌الوجود واحد به عالم کثرت، و واسطه‌ی خلقت ملائکه و کمالات وجودی ایشان هستند و این لازمه‌ی مقام ولایت کلی اهل بیت علیهم‌السلام و گویای این حقیقت است که کمال وجود به واسطه‌ی ایشان ظهور می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷/۱، ۴۴۲؛ امام خمینی، بی تا «و»، ۶۲ به بعد)

چنین مقام والایی به دنبال پیمودن صراط عبودیت و مجاهده‌ی در راه خدا و نیل به مقام قرب الهی به دست می‌آید و انسان بر امور عالم مسلط و شاهد بر اعمال و حجت زمان خود می‌شود (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۲۸۵) و به مرحله‌ای از وجود می‌رسد که فی‌الجمله اراده‌اش بر جهان هستی حاکم شده و آن‌گونه که بخواهد به اذن الهی در امور تصرف می‌کند؛ هرچند

تعیین حدود این تصرفات از توان بشر خارج است؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۲۸۷) و آنچه تحت عنوان معجزات پیامبران و کرامات اولیای الهی رخ میدهد از برجسته‌ترین مصادیق آن است. (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۰۳-۳۰۴)

شان علمی- معرفتی

اهل بیت علیهم السلام علمی ویژه دارند و به عنوان خزائن علم الهی معرفی شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۲/۱) علوم ایشان از علوم همه‌ی انبیا و ملائک بالاتر و فراتر است. (امام خمینی، بی‌تا «ه»، ۵۵۲) این از ضروریات دین است که خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله همه‌ی علمیه را که بشر برای هدایت به آن احتیاج دارند بیان کرده‌اند (امام خمینی، ۱۴۱۸، ۲۲-۲۳) و بر اساس حدیث ثقلین تفسیر و تبیین آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بر عهده‌ی امامان علیهم السلام است؛ بر این اساس اهل بیت علیهم السلام ترجمان قرآن، مبین و مفسر سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هستند و بیان بخش عظیمی از معارف اسلامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرصت بیان آن را نداشته‌اند یا بیانش را به زمان دیگری موکول کرده‌اند، بر عهده‌ی اهل بیت علیهم السلام قرار داده شده است. (کاشف الغطاء، ۱۴۱۳، ۸۰-۸۱؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ۵۵۵/۱-۵۵۷، ۵۷۸) اهل بیت علیهم السلام و قرآن دو منبع اصلی برای دریافت معارف دینی‌اند و میراث برجای مانده از ایشان نیازهای معرفتی بشر را به زبانی غیر از زبان قرآن ارائه می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۴۰۸) ایشان در فهم قرآن و سنت ممتاز بودند (امام خمینی، ۱۴۱۷، ۸۲) و معارفشان چنان گسترده است که برای برآورده کردن همه‌ی نیازهای معرفتی بشر در موضوعات معنوی و فلسفی و عرفانی و هر مسئله‌ای که تا ابد پیش بیاید در سطوح مختلف ذهنی بشر، کافی است؛ (امام خمینی، ۱۴۱۷، ۸۲؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۵) به همین جهت معارف اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ مرجع همه‌ی عالمان دین بوده است و برای کشف حقایق و احکام دینی به ایشان رجوع می‌کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۴۱۸، ۱۲-۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴؛ ۱۳۸۷/۱/۱؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸)

امروز نیز همه افراد باید مهیای بهره‌مندی از اخبار و علوم اهل بیت عصمت علیهم السلام در کنار قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و استعدادی که خداوند به آنها عطا کرده است در مسیر بهره‌مندی از این منبع عظیم بکار بندند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۱۹) در همه‌ی

دورانها مسلمانان و بلکه همه‌ی آحاد انسانها پیوسته محتاج دانستن و بکار بستن معارف و حقایق موجود در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند و باید تمام تلاش خود را برای فراگیری و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام بکار گیرند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸؛ ۱۳۸۷/۱/۱) زیرا تنها اهل بیت علیهم‌السلام، هادیان حقیقی هستند که با هدایت تکوینی در نهان و با هدایت تشریحی در آشکار به سوی کمال راهنمایی میکنند. (امام خمینی، بی‌تا «و»، ۲۰۶)

علاوه بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام در فقه و اخلاق و عقاید، یکی از غنی‌ترین منابع علوم الهی، دعاهایی است که از ایشان به ما رسیده است. این ادعیه معارف عالی الهی فراوانی را در خود جای داده‌اند؛ زیرا روایات به زبان عموم مردم و به تناسب فهم آنها ارائه شده است؛ ولی ادعیه زبانی دیگر دارد که مربوط به عرصه‌ی رابطه‌ی انسان کامل با خداوند متعال است. (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۱۸۹؛ همو، صحیفه امام، ۲۸۶/۱۹) در دعاهای معتبر مثل صحیفه سجادیه، دعای عرفه، دعای کمیل و دیگر دعاهایی که از معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است، معارفی بی‌بدیل وجود دارد؛ لذا باید در این دعاها تدبیر صورت گیرد و نسبت به این منبع عظیم معرفتی غفلت نشود، زیرا با تفکر در این دعاها ذهن انسان به جوشش می‌افتد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ ۱۳۸۴/۷/۱۷) همه‌ی این علوم با زحمات طاقت‌فرسای علمای شیعه که در محضر ائمه علیهم‌السلام جمع میشدند و این علوم را دریافت و جمع‌آوری میکردند از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و این میراث گرانبها در اختیار ما قرار گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۹/۳) در عین حال همانگونه که خود ائمه علیهم‌السلام فرمودند: «عَلَيْنَا إِقْفَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ»؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۶۲/۲۷)؛ علما با تلاش علمی وسیع، فروع مختلف مورد نیاز جامعه دینی را از اصول، استنباط کرده و فقه شیعه را به درجه‌ای از پویایی و بالندگی رساندند که امروزه در سرتاسر جهان نمونه ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۹/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸؛ ۱۳۷۲/۱۱/۱۴) این میراث گرانبها و گنجینه‌ی کم‌نظیر علمای مجاهد شیعه، امروز در اختیار ماست و در قبال آن سه وظیفه‌ی اساسی معرفی، بهره‌برداری و تکمیل برعهده‌ی ما قرار گرفته است؛ به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که فقه شیعه معیار عمل جامعه اسلامی قرار گرفته است؛ از این رو باید برای بهره‌برداری از آن نهایت تلاش بکار گرفته شود. همچنین با توجه به سرعت حرکت و گسترش دامنه‌های زندگی

بشر سؤالات جدیدی به وجود می‌آید که مستلزم تلاش پیوسته و تکمیل فقه، جهت پاسخ مناسب این سؤالات است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

منابع علم اهل بیت علیهم السلام عبارت‌اند از: ۱. تعلیم مستقیم خداوند، که هنگام آفرینششان حقایق اسماء و صفات به ایشان تعلیم داده شده است. (امام خمینی، بی‌تا «ه»، ۵۴۵). ۲. اسم اعظم که به ایشان اعطا شده و مشتمل بر علمی است که بالاتراز علوم انبیا و ملائکه، و از خزینه‌ی غیب الهی است؛ (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۲۳۰؛ امام خمینی، بی‌تا «ه»، ۵۵۲). ۳. علمی که از طریق روح القدس است و آن مقامی نورانی است که اهل بیت علیهم السلام به واسطه‌ی آن، احاطه‌ی علمی قیومی بر همه‌ی ذرات عالم پیدا میکنند؛ (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۳۹۸؛ امام خمینی، بی‌تا «ه»، ۵۴۵). ۴. علمی که برگرفته از معارف و علوم قرآن است؛ (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۲۲۸-۲۲۹؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۲۰/۲۰؛ امام خمینی، ۱۳۷۰/۳۰۴). ۵. وراثت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همانگونه که اهل بیت علیهم السلام ظرف علم پیامبر و وارث همه‌ی علوم نبوی هستند؛ (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۲۲۳؛ مطهری، مجموعه آثار، ۷۱۷/۴؛ امام خمینی، ۱۴۱۷، ۸۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱). ۶. تعلیم ویژه از سوی فرشتگان، مانند مصحف فاطمه علیها السلام، که از سوی جبرئیل به ایشان املا شده است و حضرت علی علیه السلام آن را مکتوب نموده است. این مصحف در اختیار بوده و محل رجوع اهل بیت علیهم السلام بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۲۳۸-۲۴۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵). به‌طور کلی خاستگاه علم ائمه علیهم السلام همان سرچشمه‌ی علم لدنی رسول‌الله صلی الله علیه و آله است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۵)

شان اخلاقی- تربیتی

خُلُق و اخلاق حالتی نفسانی است که بدون نیاز به مقدمه‌چینی و تأمل، انسان را به سوی عمل می‌کشاند و این حالت از طریق تفکر و ریاضت و تربیت محقق می‌شود. (امام خمینی، بی‌تا «ه»، ۵۱). شأن اخلاقی اهل بیت علیهم السلام ریشه در عبودیت و مقام والای معنوی ایشان در پیشگاه خداوند متعال دارد و ثمره‌ی اطاعت از خداوند و متصف شدن به فضائل اخلاقی است. این ویژگی همه‌ی رهبران ادیان الهی است که پیش و بیش از دیگران به آیین خویش پایبند بوده‌اند و بیش از گفتار از راه کردار دیگران را آموزش میداده‌اند. (مطهری، مجموعه آثار، ۸۲۰/۲۷؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۳/۶)

اهل بیت علیهم‌السلام در مسیر رشد و تعالی، دل و جانشان سرشار از اخلاص و محبت به خداوند است و همین به عمل آنها ارزش می‌دهد، آنان همه چیز خود را در راه اسلام فدا کردند و به جهت همین گذشتن از نفس به مقامات والا در پیشگاه خداوند نائل شدند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۱/۱۰؛ ۱۹۷/۱۶) ایشان مبارزه‌ی سخت و جانکاه و درعین حال پرمحتوا و فراگیر را در همه‌ی زمینه‌ها، به‌ویژه در عرصه‌ی معنوی و فرهنگی به قصد حفظ اساس اسلام، زنده نگه داشتن معارف قرآنی و جلوگیری از انحرافات، در طول عمر خود پیگیری کردند و ثمره‌ی آن را در اختیار بندگان خدا قرار دادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۹/۷) در تعامل با دنیا هرگز به بهانه‌ی پیشبرد اهداف خود به نیرنگ و فریب تمسک نجستند؛ بلکه رعایت فضایل اخلاقی را به‌عنوان یک ارزش، ملاک عمل خود قراردادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۲۶) هیچ وابستگی به دنیا و متعلقات دنیایی نداشتند؛ علی ابن ابی طالب علیه‌السلام در دوران خلافتش بعد از بیعت مردم، وضع زندگی اش از مردم عادی پایین‌تر بود و همچون فقیران زندگی می‌کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۹/۲) در سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام استقامت در راه هدف و خستگی‌ناپذیری در برابر سختی‌هایی که ممکن است از طریق دوستان نادان یا دشمنان عنود تحمیل شود ارزش معنوی والایی دارد؛ از این رو ثبات قدم در مسیر حق و هراس نداشتن از زورگویان عالم، مهمترین درسی است که اهل بیت علیهم‌السلام در طول زندگی‌شان به آزادگان داده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲/۱۷)

اهل بیت علیهم‌السلام در عین زهد و دوری از ظالمان، آنجا که لازم بود اهل مشارکتهای اجتماعی بودند و هرگز بنای بر کناره‌گیری از مردم و برگزیدن کنج عزلت نداشتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۱۹) قلبشان آینه‌ی انوار هدایت الهی، و رفتار و اخلاقشان صددرصد آمیخته با فضیلت بود، هوای نفس خود را اسیر کرده، حتی به گناه فکر نمی‌کردند، تمایلات انسانی تأثیری بر آنها نداشت و در حوادث سخت زندگی اقتدار روحی‌شان جلوه‌گر بوده و در اوج اخلاق و معنویت بودند و هیچ‌کس نمیتواند ادعای چنین مقاماتی را داشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۱۶؛ ۱۳۸۰/۱۲/۱۲) جلوه‌ای از ظهور مقام معنوی اهل بیت علیهم‌السلام در دعاها و نیایشهای ایشان نهفته است که در اوج خضوع و خشوع با خداوند متعال به راز و نیاز

پرداخته و بهترین مضامین معرفتی را در قالب همین نیایشها به بشر ارائه میکنند؛ از جمله، دعاهای امام سجاد علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام بوده که راه‌گشای همگان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۴/۲۶) به همین خاطر پایه‌های اخلاق و فضیلت در گفتار و کردار اهل بیت علیهم السلام است و هر انسان آزاده‌ای که خواهان کمال است، برای پرورش و گسترش خلیقات عالیه، همانطور که بسیاری از بزرگان ما عمل می‌کرده‌اند، باید به اهل بیت علیهم السلام مراجعه کند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴؛ ۱۳۹۰/۳/۳)

با توجه به این خصوصیات خداوند متعال در شأن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) لذا همه‌ی رفتارها و گفتارهای ایشان و بلکه مجموعه‌ی زندگی ایشان برای ما حجت شرعی بوده و باید الگوی زندگی‌مان باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱۵/۲۷؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۲/۲۷) به همین جهت خداوند، مقام آموزگاری و تربیت معنوی و اخلاقی انسانها را به اهل بیت علیهم السلام سپرده است. ایشان بهترین معلم و سرمشق اخلاقی و تربیتی برای جوامع بشری‌اند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) که میتوانند دنیای آشفته‌ی بشر را ساماندهی کرده و او را به سوی هویت حقیقی‌اش راهنمایی کنند.

شأن سیاسی-اجتماعی

تدبیر امور سیاسی-اجتماعی جامعه و تشکیل حکومت از آموزه‌های اساسی قرآن، و از شئون انبیا و اهل بیت علیهم السلام میباشد و نبود آن عامل ازهم‌پاشیدگی جامعه است. (رک: بقره، ۲۴۷؛ حدید، ۲۵) همه‌ی انبیا علاوه بر نبوت، مقام امامت و رهبری نیز دارند، هرچند گروهی از ایشان به سبب عدم مقبولیت عمومی و نبود پیروان کافی توفیق تحقق عینی این امر را نداشتند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۴۲) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از سوی خداوند متعال به عنوان حاکم مطلق نصب شد و بعد از ایشان، اهل بیت علیهم السلام به امر الهی عهده‌دار این مقام شدند. (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸۶/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۷۴۲/۴؛ امام خمینی، ۱۹۰۴، ۱۹) البته شأن حکومت ایشان غیر از شأن بیان دین است و وجوب اطاعت از آن بزرگواران به جهت حاکمیت ایشان است نه از این

جهت که صرفاً مبلغ احکام دین هستند. (امام خمینی، بی تا «ح»، ۱۵۹/۲؛ همو، بی تا «الف»، ۱۰۵) به عنوان نمونه، نهی در قاعده «لا ضرر»، که یک قاعده فراگیر در فقه است، نهی حکومتی است و پیامبر ﷺ از آن جهت که حاکم جامعه است و مسئولیت تدبیر امور جامعه را دارد، چنین سخنی را فرموده‌اند؛ نه از این جهت که وظیفه‌ی تبلیغ دین را دارند. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۱۰۵؛ ← پیامبر اعظم ﷺ)

مطالعه روش پیامبر ﷺ در برخورد با مسائل اجتماعی مسلمانان و همچنین تعیین خلیفه از سوی ایشان، به خوبی بیانگر این موضوع است که مدیریت امور سیاسی جامعه، یکی از مسئولیت‌های ایشان بوده است (امام خمینی، بی تا «ط»، ۲۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۷؛ ← پیامبر اعظم ﷺ) و بعد از خود، این مسئولیت را به امامان معصوم ﷺ تفویض نموده‌اند. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۷۳۶/۴؛ حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۸۲؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸/۵؛ ۶۳/۱۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۲۰؛ ۱۳۷۱/۳/۳۰) همچنین مطالعه‌ی تاریخ ائمه ﷺ به خوبی آشکار میکند که ایشان ضمن پذیرش این مسئولیت از هیچ تلاشی برای تشکیل حکومت فروگذار نکرده‌اند و هر زمانی که مجال یافتند برای تحقق آن کوشش کرده‌اند و بر اساس آیه‌ی قرآن (نساء، ۶۰) مبارزه با حکومت ظلم و تشکیل حکومت الهی را وظیفه‌ای الهی میدانستند؛ (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۱۸) به طوری که مبارزه حاد سیاسی و در پیش گرفتن خط جهاد و مبارزه، شاخصه‌ی برجسته ایشان در تمام دوران ۲۵۰ ساله‌ی عصر حضور بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۳/۵/۱۸؛ ۱۳۶۸/۷/۲۶)

در مکتب سیاسی اهل بیت ﷺ دیانت عین سیاست و امری است که خداوند آن را اراده کرده است؛ اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست انحرافی است که از زمان بنی امیه و بنی عباس به وجود آمده است؛ چنین اندیشه‌ای در واقع تکذیب خداوند و پیامبر ﷺ و ائمه طاهرین ﷺ است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۳-۱۱۴) حقیقت این است که سلوک سیاسی از سلوک معنوی و اخلاقی جدا نیست؛ بلکه اساساً سیاست درست ریشه در اخلاق و معنویت دارد و بر اساس بینش توحیدی شکل میگیرد و در این حالت سیاست و حکومت زمینه‌ساز کمال مردم و ابزاری برای مقابله با فساد و ریشه‌کنی ظلم میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای،

با این حال با توجه به شرایط جامعه، تشکیل حکومت تنها برای پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) میسر شد و در زمان امام حسن (ع) یک صلح راهبردی در قالب نرمش قهرمانانه رخ داد و ظاهراً ائمه از حکومت کناره گرفتند؛ ولی پیوسته نهضت را با هدف تشکیل حکومتی مبتنی بر اسلام اصیل ادامه داده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲) و حق خود را مطالبه کرده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳۲۰/۴) و چنانچه فرصت فراهم میشد حتماً حکومت را نیز به دست می‌گرفتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۱۸۰؛ ۲۰/۱۱۳-۱۱۴) اساساً عدم سازش با دشمنان و تن ندادن به ذلت و زرفتن زیر یوغ ستمکاران بی دین، یک اصل مسلم و قطعی در سیره‌ی سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۳۸-۳۳۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۹) به گواهی تاریخ هر زمانی که اهل بیت (علیهم السلام) به دلایلی امکان اقدام مستقیم نداشته‌اند، مبارزانی را که در برابر ظالمان قیام کرده‌اند تأیید و در حد ممکن از ایشان حمایت کرده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۹۹-۱۰۰)

اهل بیت (علیهم السلام) هیچ‌گاه بنا نداشتند از مردم کناره‌گیری کرده و خود را در بیان احکام محدود کنند؛ بلکه پیوسته داعیه‌ی حکومت داشتند. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۲۶؛ ۱۳۷۰/۵/۳۰) از ثمرات حضور اجتماعی ایشان در جامعه تبیین معارف دینی و پایه‌گذاری کار تشکیلاتی شیعه در عصر حضور بوده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ۱۰؛ همو، ۱۳۸۶، ۲۸)

البته حاکم در جوامعی که تابع مذهب و مسلک خاصی هستند، در درجه‌ی اول شأن مربی و مرشد دارد و شأن مدیریت او در درجه‌ی دوم بوده و حکومتش آهنگ تربیت دارد؛ (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۱۹۰-۱۹۱) بنابراین تشکیل نظام سیاسی و حکومت کردن برای ائمه (علیهم السلام) و هیچ‌یک از پیامبران مقصود نهایی نبوده است؛ بلکه انگیزه‌شان از تشکیل حکومت تحقق اهداف بالاتری همچون تبیین اسلام ناب محمدی (ص) و تشریح ابعاد گوناگون مسئله‌ی امامت با هدف شکل‌گیری جامعه‌ی مطلوب الهی و اقامه‌ی عدل در جامعه بوده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۳۹۷؛ آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۲۶/۱۳۶۸) و هدف نهایی ایشان از حکومت و اقامه‌ی عدل در ابعاد مختلف جامعه، دعوت به سوی توحید و تحقق آرمانهای

الهی؛ گسترش معنویت و عرفان اسلامی، بیداری انسان و ارشاد او به سوی کمال است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۸؛ ۲۹۸/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹) از این رو صرفاً دنبال این نبوده‌اند که ظالمان را ساقط کنند و مستضعفان را از دست آنها نجات داده و زمینه‌ی رفاه دنیایی آنها را فراهم کنند، هرچند تأمین رفاه نیز مهم بوده است؛ بلکه همتشان این بوده است که با تحمل مشقتهای فراوان جوامع را از یوغ ستم‌پیشگان آزاد کنند تا در سایه‌ی یک حکومت الهی زمینه‌ی تربیت همه‌جانبه‌ی انسان و نجات او از صفات حیوانی میسر شود. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۲۳۹؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۰/۷-۵۳۴)

موضوع دیگر در سیره‌ی سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام توجه به مردم‌سالاری دینی در اصل شکل‌گیری حکومت و اجرای امور حکومتی مثل جنگ و... است. اساساً حکومت یک امر اجتماعی است و تحقق عینی آن در گرو خواست عمومی و تلاش جمعی آحاد جامعه است و چنانچه چنین اقبالی صورت نگیرد امکان تشکیل حکومت وجود ندارد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲) به همین دلیل است که در سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام عمده‌ی تلاشها بر تبلیغ و تبیین مبانی نظری حکومت و امامت دینی متمرکز شده است و تلاش مبارزاتی اکثر ائمه علیهم‌السلام در راستای بالا بردن بینش مردم جهت شکل‌دهی رابطه‌ی صحیح بین امام و امت سازمان‌دهی شده است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۲) تا زمینه و مقبولیت برای شکل‌گیری حکومتی مشروع فراهم شود؛ نه اینکه حکومت بر اساس زورمندی زورداران و سلطه بر مردم، جهت ارضای خواسته‌های حاکمان شکل بگیرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۱/۸، ۳۸۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵)

در عصر غیبت نیز تشکیل حکومت دینی، هرزمانی که شرایط فراهم شود امری ضروری است و اهل بیت علیهم‌السلام نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده و تکلیف جامعه را نسبت به امر حکومت مشخص کرده و آن را در کنار استنباط و بیان احکام برای مردم به عنوان یکی از شئون فقها مطرح کرده‌اند؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۷/۱، ۱۴۱۸، ۲۰؛ همو، بی‌تا «ط»، ۲۵) ولایت فقیه در راستای ولایت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۸/۱۰) از ضروریات مکتب شیعه (امام خمینی، بی‌تا «ط»، ۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۴) و دنباله ولایت معصومین علیهم‌السلام است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲) در پرتو اندیشه‌ی مترقی ولایت فقیه، امروز حکومتی در ایران اسلامی شکل گرفته

است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۱/۴) که آرزوی هزار ساله‌ی همه‌ی علمای اسلام و مؤمنان (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۵) و درست در جهت‌گیری خط حرکت امامان علیهم السلام (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۹/۷) و ثمره‌ی مجاهدت شهدا و اولیای الهی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۶؛ ۱۳۷۱/۴/۱۰؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۲/۱۱/۱۶؛ ← ولایت فقیه) این روند به شکل‌گیری حکومت جهانی امام زمان علیه السلام منتهی خواهد شد و ایشان حکومتی متکی بر اراده‌ی مردم تشکیل خواهند داد. در دوران ایشان دنیای سرشار از عدالت و معرفت و محبت، رقم خواهد خورد که زندگی حقیقی بشر هم از آنجا به بعد است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ ← مهدویت)

اهل بیت علیهم السلام و مقتضیات زمان

از آنجا که حرکت تکاملی و تحول، از مقومات هر اجتماع است و مؤلفه‌های این تغییر در اختیار فرد نیست؛ افراد اثرگذار هر جامعه با توجه به اهدافی که دارند رویکرد خود را در چهارچوب ارزشهایی که دارند با این تغییرات تنظیم میکنند؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۶/۳/۱۸۶؛ ۳۰/۲۱) لذا در جامعه‌ای که بر اساس یک مسلک خاص شکل گرفته و مدیریت میشود رهبران جامعه همه‌ی لیاقت و استعداد خود را در خدمت آن مسلک و مصلحت اکثریت جامعه بکار می‌گیرند؛ حتی اگر مطابق میل اکثریت نباشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «ب»، ۱۸۹-۱۹۰)

اهل بیت علیهم السلام نیز از بین همه‌ی رویکردهایی که ممکن است افراد شاخص و تأثیرگذار در پیش بگیرند عمدتاً رویکرد مبتنی بر مصلحت را در پیش گرفته‌اند. (حکیم، ۱۴۲۵، ۲۹۹/۱) شاخصه‌ی این رویکرد آن است که اهداف عالی هرگز تغییر نمیکنند؛ ولی در اهداف میانی به فراخور شرایط، ممکن است از هدفی چشم‌پوشی شود و برای رسیدن به اهداف از بین روشهای مشروع، روش سازگار با هدف گزینش میشود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۰۰/۱۶) هدف عالی اهل بیت علیهم السلام پیاده‌سازی اسلام ناب صلوات الله علیه و تربیت انسان و حاکم کردن آرمانهای متعالی الهی بر جوامع بشری است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۸/۲۰؛ ۴۲۱/۱۸-۴۲۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹) و نمونه‌ی اهداف میانی، تشکیل حکومت به معنای زعامت سیاسی (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۶/۲۱؛ آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۷/۲۶) و اقامه‌ی عدالت اجتماعی (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۹/۷؛ ۲۱۳/۱۵؛ ۱۵۴/۱۸؛ ۴۰۶/۲۱) و ایجاد و حفظ تشکیلات شیعیان و پیروان بوده است. (آیت الله

خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ۱۰؛ همو، ۱۳۸۶، ۲۸) اهل بیت علیهم‌السلام در طول زندگی شان هرگز از هدف عالی خود دور نشده‌اند؛ ولی در انتخاب اهداف میانی و روشهای نیل به اهداف متناسب با اقتضائات زمان روشهای مختلفی را در پیش گرفته‌اند.

دوران امامت اهل بیت علیهم‌السلام را با معیارهای مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. (رک: صدر، بی تا، ۱۱۵؛ حکیمی، ۱۳۸۲، ۱۷-۷۹؛ پیشوایی، ۱۳۹۰، ۶۹؛ صفایی حائری، ۱۳۸۸، ۲۲۱) یکی از آنها تقسیم دوران اهل بیت علیهم‌السلام به چهار دوره کلی است: سکوت: از رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع شد و با آغاز حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام پایان یافت. حکومت و قدرت: دوره‌ی حکومت امام علی علیه‌السلام و امام مجتبی علیه‌السلام است. صلح و شهادت: بیست سال میان صلح امام حسن علیه‌السلام (سال ۴۱ هجری) و شهادت امام حسین علیه‌السلام (سال ۶۱ هجری) است. روزگار تعقیب: بعد از شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام تا دو قرن بعد و آغاز غیبت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۴-۱۷) که ایشان در هر دوره‌ای راهبردی خاص را در پیش گرفته‌اند:

دوره‌ی اول؛ دوران سکوت یا همکاری

دوره‌ای است که حاصل تلاشهای ۲۳ ساله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صورت یک نهال نوپا بوده و با تهدیدهای مختلف دشمنان بیرونی و منافقان داخلی و آشنا نبودن افراد تازه مسلمان با حقیقت اسلام ناب، روبه‌رو است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۴) به همین جهت حضرت امیر علیه‌السلام روش سکوت و همراهی را در پیش گرفته، با مشورتها و تعالیم الهی خود ضمن حفظ اساس اسلام، نیازهای معرفتی مسلمانان را برطرف می‌کردند و با تربیت نیروهای ارزشی و مستعد، زمینه‌ی حفظ میراث ارزشمند پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ترویج معارف ناب اسلامی را فراهم می‌فرمودند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۶/۴۸۵-۴۸۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۲/۸)

دوره‌ی دوم؛ قدرت

در این دوره حضرت علی علیه‌السلام با توجه به اقبال مردم، زعامت سیاسی را به دست گرفتند و به اقتضای زمان با اقتدا به قرآن و سنت نبوی اقدام به اصلاح انحرافات و بدعتهای به‌وجود آمده در دین کردند، همچنین بدون باج دادن به سه گروه منحرف «اصحاب

صفین»، «اصحاب جمل» و «خوارج»، با اقتدار در مقابل آنها ایستادگی کرده و ریشه‌ی این انحرافات را که محصول دور شدن از معارف ناب اسلامی است از بین بردند (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۱۹/۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۲/۸؛ ۱۳۸۸/۶/۲۰) و با اجرای دقیق احکام و قوانین اسلامی در سطوح مختلف سیاسی-اجتماعی، الگویی مترقی از حکومت دینی برپایه‌ی اشاعه‌ی عدالت ارائه کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۴/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۶) امام حسن (ع) نیز مدت کوتاهی حکومت را در دست داشتند، تا اینکه جریان منحرف بنی امیه که در زمان ایشان به اوج خود رسیده بود، معارضه را شروع کرده و راه را بر حکومت اسلامی بست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲)

در این دوره، معاویه آغازگر جریانی بود که در آن ارزشهای اسلامی از محتوای واقعیشان فاصله گرفتند و تنها ظاهری از آنها باقی مانده بود و دستگاه انسان‌ساز اسلام تبدیل به ابزاری شد که انسانها را به سوی دنیا و شهوات سوق میداد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲) در چنین شرایطی امام (ع)، با اتخاذ تصمیمات به‌هنگام، دولت جابر اموی را رسوا کرده، (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۶) به شکلی هوشمندانه و زیرکانه جریان اصیل اسلامی را از آلوده شدن به کانال خلافت اموی حفظ کردند. همچنین ارکان خاندان پیامبر (ص) و تعداد اندک شیعیان راستین خود را حفظ کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲)

دوره‌ی سوم؛ صلح امام حسن (ع) تا شهادت امام حسین (ع)

امام حسن (ع) بعد از مدتی کوتاه با یک نرمش قهرمانانه با معاویه صلح کرد. این صلح باعث شد تا از طرفی، اندک شیعیان راستینی که در رکاب امام (ع) بودند، جانشان حفظ شود؛ زیرا با توجه به شرایط فتنه و زیرکی معاویه، شهادت امام (ع) و یارانش به نتیجه‌ی مطلوب منتهی نمیشد. امام (ع) با انتخاب راهبرد صلح و گنجاندن شرایطی خاص در ضمن این صلح‌نامه، منافقان را رسوا و چهره‌ی حقیقی دشمنان را به مردم شناساندند و بعد از صلح نیز مرجعیت دینی جریان اصیل اسلامی را عهده‌دار شدند و با معارف خود اندیشه‌های اسلام ناب را ترویج دادند. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۱۹/۱۶، ۶۳۷-۶۵۶؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۱/۲؛ ۱۱۸/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۱۷) امام حسین (ع) نیز در طول ده سال حیات معاویه راهبرد

صلح را در پیش گرفته و به صلح برادر پایبند بودند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲) و مرجعیت دینی مسلمانان را بر عهده داشتند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۱۸) با آغاز حکومت یزید، دستگاه طاغوتی به گونه‌ای شکل گرفت (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۷/۸) که حتی در ظاهر هم بسیاری از احکام اسلامی رعایت نمیشد و این بزرگ‌ترین خطری بود که منجر به نابودی کامل اسلام و جامعه میشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۶) با درخواست یزید از امام علیه السلام برای بیعت، شرایط زمان، تغییرات گسترده‌ای کرد و امام متناسب با این شرایط دست به قیام زدند و هدف از قیام را عمل به یک تکلیف دینی یعنی نجات جامعه اسلامی از انحراف و بازگرداندن اسلام به مسیر اصلی خود قرار دادند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹) این قیام باعث رسوایی کامل دستگاه فساد بنی امیه شد و فرهنگ عاشورا الگوی همه‌ی آزادی خواهان و برای همیشه زمینه‌ساز پویایی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله گردید. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۵۲/۱۷-۵۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲/۱۷-۵۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹) در مجموع میتوان دوره سوم را دوره «تلاش سازنده کوتاه مدت برای تشکیل حکومت اسلامی» دانست. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۷)

دوره‌ی چهارم؛ روزگار تعقیب سیاستهای دوره‌ی سوم

امام سجاد علیه السلام در آغاز امامت خود و در اسارت، پیام شهادت پدر بزرگوارش را به گوش همگان رسانده و توجه مردم را به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله که به خاطر انحرافات جامعه‌ی آن روز، به فراموشی سپرده شده بود، جلب نمودند (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۴/۱۷؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۶۹) و تلاش کردند حقانیت اهل بیت علیهم السلام و استحقاق ایشان نسبت به خلافت و امامت را بر همگان اثبات کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۹۶، ۲۰۱) ایشان با خفقان شدیدی در دوران اقتدار مروانیان مواجه بودند؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ۱۰-۱۱) چنانکه با هرگونه حرکت عملی آشکار، ریشه‌ی تشیع قطع میشد، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۱، ۱۰-۱۱) لذا آن حضرت نهضت نیمه مخفی و فعالیت پنهان خود را که از زمان امام حسن علیه السلام شروع شده بود، ادامه دادند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۲۷؛ همو، ۱۳۶۱، ۱۰-۱۱) و در قالب زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام و دعا و نیایشهای خود از این راهبرد جهت ارائه‌ی معارف ناب اسلامی بهره بردند (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۱/۱۸-۳۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۸-۴۲۲) و بدون جلب توجه دشمن، زمینه‌ی شکل‌گیری تشکیلات

شیعیان را فراهم کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۹۶) ایشان ضمن پرهیز از درگیری مستقیم؛ کارهای حاشیه‌ای همچون دست و پنجه نرم کردن خفیف با حاکمان زمان و موضع‌گیری در برابر علمای منحرف را جهت شکستن فضای خفقان جامعه در دستور کار قرار داده بودند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۹۷؛ هجو، ۱۳۸۶، ۱۷-۲۷)

امام باقر (ع) در دوره‌ای به امامت رسیدند که مروانیان در اوج قدرت بودند و همه‌ی مخالفین را سرکوب کرده بودند و چندان احساس خطری نداشتند و فضا مقداری برای شیعیان باز شده بود؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۴۱۴/۱۴) از این رو ایشان بعد از این مدت طولانی که مردم از معارف ناب الهی محروم شده بودند بلافاصله درصدد انتقال گسترده‌ی معارف در حوزه‌های مختلف دینی برآمدند و متناسب با زمان به جبران کاستیهای معرفتی مسلمانان و مستحکم کردن مبانی اسلامی پرداختند و دوره‌ی گسترش معارف دینی آغاز شد و همچنین تشکیلاتی که پایه‌اش را امام سجاد (ع) گذاشته بود، ارتقا دادند تا جایی که خلیفه‌ی اموی از ناحیه‌ی حضرت احساس خطر جدی نموده و علیه ایشان اقدام کرد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۲۸-۴۵) ایشان یک‌تنه با کمک تعداد معدودی از اصحاب خود توانستند در فضایی که دنیای مادی و منحط غلبه پیدا کرده بود سخن حق را زنده کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۹)

امام صادق (ع) در دوران افول بنی‌امیه به امامت رسیدند و با جامعه‌ای مواجه شدند که در نتیجه‌ی فاصله گرفتن از قرآن و عترت در یک زمان طولانی، مذاهب منحرف کلامی و فقهی مختلف در سرتاسر ممالک اسلامی ریشه دوانده بود؛ به همین جهت، ایشان نهضت علمی پدر بزرگوارشان را جهت مقابله با این فرقه‌ها و پربار کردن میراث علمی اسلام ناب ادامه داده و همچنین تشکیلات پیروانشان را گسترده‌تر و منسجم‌تر کردند و با تربیت افراد مختلف، زمینه‌ساز ترویج اسلام ناب شدند. در این دوران برخی نهضت‌های علوی رخ داد که امام (ع) به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم از آنها حمایت میکردند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۸، ۳۵-۳۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۵۵۳) امام کاظم (ع) با حاکمان مقتدر و جبار بنی‌العباس هم‌عصر بودند که اجازه‌ی هیچ‌گونه تلاش آشکار را نمیدادند؛ از این رو راهبرد تقیه را با دو ویژگی مظلومیت و قداست اتخاذ کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۳/۵/۱۸)

ایشان گاهی افرادی را با امر به تقیه در دستگاه حکومت وارد میکردند که در دوران اختناق بتوانند به شیعیان کمک کنند و گاهی به صورت علنی و آشکار همکاری با حکومت جابر را مورد سرزنش قرار میدادند، تا قبح همکاری با دستگاه ظلم شکسته نشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۷/۲۶) گواه موفقیت امام کاظم علیه السلام در پیشبرد نهضت اهل بیت علیهم السلام تغییر رفتار حاکمان با ایشان از تجلیل و تکریم فراوان به زندانی کردن و شکنجه است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۸۵/۱۸-۹۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۷/۲۶) امام رضا علیه السلام تا قبل از ولایتعهدی با استفاده از فرصت هرج و مرجی که بنی‌عباس گرفتارش بودند، به عنوان مرجعیت دینی به نشر معارف پرداخت تا آنجا که مأمون احساس خطر کرده و ایشان را به مرو دعوت کرد، تا علاوه بر تخریب جایگاه ایشان، شیعیان را کنترل کند. اما امام علیه السلام، هنگام خروج از مدینه کراهت خود را از رفتن ابراز کردند. در طول مسیر تا جایی که امکان داشت به تبیین معارف اصیل پرداختند و در مرو نیز ابتدا از قبول ولایتعهدی امتناع کرده و سپس به شرط عدم دخالت در امور قبول کردند. این راهبرد امام رضا علیه السلام باعث شد که از طرفی مأمون از دستیابی به مقاصدش باز بماند و از طرفی فضای باز سیاسی برای شیعیان حاصل شد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۳/۱۸-۱۱۳۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰-۳۰۸-۳۰۹) راهبرد امام نهم و یازدهم چند شاخصه کلی دارد که زمینه‌ساز غیبت امام دوازدهم علیه السلام است. امام جواد علیه السلام در کودکی به امامت رسیدند و با مشارکت در مباحث علمی مختلف و آشکار کردن اعجاز علمی خود، زمینه‌ی حقانیت و درستی سخن خود را اثبات کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۳۲۲) میتوان گفت این امر شرایط را برای پذیرش امامت امام دوازدهم علیه السلام در کودکی فراهم‌تر کرد. امام هادی علیه السلام توانست عده‌ی زیادی از بزرگان شیعیان را در شهر سامرا جمع و اداره کند و به وسیله‌ی آنها پیام امامت را به سرتاسردنیای اسلام برساند. این عده توانستند شبکه‌های شیعه را در قم، خراسان، ری، مدینه، یمن و دیگر مناطق دوردست رواج بدهند به گونه‌ای که روزه‌روز بر تعداد مؤمنان به مکتب اهل بیت علیهم السلام، افزوده میشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۳۰) در این دوره نیز افراد خاصی که رازدار ائمه علیهم السلام بودند و به عنوان وکیل یا باب و صاحب سر شناخته میشدند، واسطه‌ی بین امام علیه السلام و مردم بودند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۹۴)

دوره چهارم فراز و فرودهای مختلفی در دل خود داشت. در این دوره ائمه اطهار در

اهل بيت عليه السلام / ۲۴۱

کنار فعالیت راهبردی برای تبیین اسلام ناب و مبارزه با تحریف آن (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۷) از طریق تبیین مبانی نظری امامت از دیدگاه اسلام، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۴) "تلاش درازمدت خود را برای تشکیل حکومت اسلامی و عینیت بخشیدن به ایدئولوژی اسلام" پیگیری کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ۱۷)

اقتضائات زمان و نحوه‌ی تعامل جامعه با اهل بیت عليه السلام به غیبت امام دوازدهم عليه السلام منتهی شد (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۵/۱) و همانطور که بزرگان فرموده‌اند: اصل وجود امام لطف است و دخالت او در امور جامعه لطفی دیگر و غیبت او از ما است. (خواجه نصیر طوسی، ۱۴۰۷، ۲۲۱) وجود آن حضرت استمرار نبوت انبیا عليه السلام و دعوت اولیای الهی است و پرچم همه‌ی آنها در دست آن حضرت است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹) تا با ظهور خود زمین را از عدل و داد پر کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۸/۱) انتظار فرج آن حضرت در دوره‌ی غیبتشان منحصر در انتظار فرج نهایی نیست؛ بلکه به معنای عدم وجود بن‌بست در زندگی بشر و ازاین‌رو افضل اعمال است. (صدوق، ۱۴۱۳، ۳۸۳/۴) از آنجا که امام عليه السلام با کمک همین انسانها عدل و داد را در جهان حاکم میکند، انسان منتظر باید پیوسته خود و جامعه را مهیای یاری کردن امام کند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۴۰۶) تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران نیز گامی بلند در راستای تحقق مقدمات همین امر است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳-۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷)

دولت آرمانی اهل بیت عليه السلام

دولت آرمانی اهل بیت عليه السلام به دنبال تحقق اهداف و مقاصد عالی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله خواهد بود و این اهداف از طریق شکل‌گیری حکومت واحد الهی جهانی که همه‌ی آحاد بشر را در سرتاسر عالم زیر پرچم اسلام جمع میکند، محقق خواهد شد؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۴۳۷-۴۴۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹/۲، ۳۳-۳۵) همانگونه که خداوند وعده داده است «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». (قصص، ۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۱۱)

برخی از ویژگیهای دولت آرمانی اهل بیت عليه السلام عبارت‌اند از:
۱. محوریت توحید و تحقق آن در همه‌ی شئون فردی و اجتماعی جامعه؛ اولین و

مهمترین آرمان دولت اهل بیت علیهم‌السلام است، همانگونه که توحید، محور اساسی تعالیم اسلام است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۸۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱/۲۶/۱۳۷۹) با اقامه‌ی اصل توحید همه‌ی منکرات از جامعه برچیده خواهد شد و انسان از همه‌ی قیدوبندهای دنیایی رها خواهد گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۲۱؛ ← توحید)

۲. حاکمیت اصل اسلام و فراگیر شدن معارف و احکام اسلامی در مسیر خدمت به انسانها؛ همانگونه که اهل بیت علیهم‌السلام با تلاش پیگیر و تحمل سختیها در طول حیاتشان در راستای تحقق این هدف قدم برمی‌داشتند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۱۱۳؛ ۱۵/۳۶۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱/۲۳/۱۳۶۴)

۳. فراگیر شدن امنیت، آسایش و رفاه اقتصادی تا جایی که در بین مردم محتاج زکات پیدا نشود، و این امر همزمان با آباد شدن فراگیر زمین (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۳۹۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۴۰۸-۴۰۹) و شکوفا شدن همه‌ی توانایی‌های انسان و استفاده‌ی بهینه از ظرفیتهای طبیعت ممکن خواهد بود. (صدوق، ۱/۳۳۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۴۰۹)

۴. بالا رفتن سطح درک و اندیشه‌ی همه‌ی آحاد جامعه و شکوفا شدن عقول بشر به‌گونه‌ای که نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم وجود نداشته باشد؛ همانگونه که امام علی علیه‌السلام فرمودند: «... وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»، (نهج البلاغه، خطبه ۱ (۴۳)) تا آنجا که زنان خانه‌دار هم میتوانند معارف دینی را از قرآن استخراج کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۴۰۴-۴۰۵)

۵. اقامه‌ی عدل و داد، رسیدگی به حال مستضعفان و پیاده‌سازی عدالت اجتماعی در همه‌ی ابعاد در سطح جهان و برای همه‌ی انسانها، از شاخصه‌های بلند دولت آرمانی اهل بیت علیهم‌السلام و مقدمه‌ی هدف اصلی آنها یعنی تربیت انسان است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۵۲۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۰/۷/۱۳۸۱) و این خواسته ارزشمند فطری و اجتماعی بشر در دورترین نقاط توسط کارگزاران دولتی اجرا خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶/۴/۱۳۸۷؛ ← عدالت)

۶. مبارزه‌ی همه‌جانبه و پیگیر با منحرفین و کسانی که با استفاده از زور و قدرت از هیچ تلاشی برای انحراف جوامع کوتاه‌ی نمیکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۰۲) و جهت‌گیری کلی برنامه‌ها در راستای اصلاح کج‌روی‌ها، ریشه‌کن شدن ظلم و براندازی حکومت‌های

فاسد، محو اشرافی‌گری و خودکامگی‌های حاکمانی که خود را مالک مردم و سرنوشت آنها می‌پندارند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۱/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰)

۷. برجسته شدن ارزشها و فضائل اخلاقی در همه‌ی عرصه‌های فردی و اجتماعی و مقابله با هرکسی که بخواهد با هرانگیزه‌ای زمینه‌ساز فاصله گرفتن ارزشهای انسانی و دینی از جامعه شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵؛ ۱۳۹۱/۵/۳) تا آنجا که اولیای خدا عزیز و دشمنانش ذلیل خواهند شد. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۷۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹، ۲۹۷/۱، دعای ندبه))

۸. پایبندی حاکمان به ارزشهای دینی و فضائل اخلاقی و عدم جواز تمسک به روشهای غیر دینی به قصد پیشبرد اهداف خود به هر قیمتی. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۷-۱۲۵/۸، ۱۹۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) در دولت اهل بیت (علیهم السلام) حاکم جامعه در بهره‌مندی از امکانات جامعه و ساده‌زیستی از پایین‌ترین اقشار جامعه نیز پایبند تر است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۳-۱۶۴/۴؛ ۳۸۱/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵) قدرت و حاکمیت در خدمت اجرای صحیح دین حق، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۸/۲) و بسط عدالت و حمایت از آحاد جامعه قرار می‌گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۰/۲) زمامداران و متولیان امور حکومتی از بین انسانهای صالح انتخاب خواهند شد و مهمترین ویژگی آنها تلاش پیگیر و هدف‌گذاری در راستای ادای حقوق مردم و تحقق ارزشهای دین اسلام است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۵/۸، ۱۹۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۱۷)

۹. ارزش بودن ساده‌زیستی برای همگان و خصوصاً حاکمان و کارگزاران، به‌گونه‌ای که در دولت اهل بیت (علیهم السلام) کسی به فکر مال‌اندوزی و انباشت ثروت و بهره‌برداری حیوانی از لذایذ دنیایی نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۷/۴-۱۷۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶)

۱۰. یکسان بودن سهم همگان در استفاده از امکانات عمومی؛ از این رو برداشتهای بیش از سهم خود، تصرف در مال غیر خواهد بود و باید به بیت‌المال برگردانده شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵) در اجرای احکام و حدود شرعی همگان یکسان‌اند و هیچ عاملی مانع اجرای آن نخواهد شد و هیچ شرط و تعهدی در مسیر تحقق حکومت اسلامی و اصلاح جامعه از انحرافات، خارج از محدوده احکام اسلامی پذیرفته نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۷/۴؛ ۴۱۴-۴۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵) همه‌ی افراد در برابر قانون برابرند و در بهره‌برداری

از امکانات دولتی و یا استفاده از اموال عمومی هیچ تفاوتی بین افراد وجود ندارد. حاکم جامعه اسلامی در برابر قانون خاضع و با دیگران برابر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۶/۴-۱۹۸-۴۱۳/۱۴-۴۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۵) حتی حقوق دیگر موجودات و طبیعت و محیط زیست محترم خواهد بود. (مطهری، مجموعه آثار، ۷۳۲/۲۶؛ عدالت، محیط زیست)

۱۱. مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه و تلاش برای اصلاح آن در قالب امر به معروف و نهی از منکر و تلاش پیگیر و فداکاری در جهت ارتقای فرهنگ دینی جامعه توسط تک تک افراد، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۸-۴۲۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹) مبتنی بر نقش اختیار انسان و اعمال او در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی‌اش. (رعد، ۱۱؛ امر به معروف و نهی از منکر)

۱۲. آرمان‌نهایی دولت اهل بیت علیهم‌السلام که دیگر آرمانها مقدمه‌ی تحقق آن است و همه‌ی ارکان حکومت در راستای تحققش حرکت خواهند کرد، معرفت خداوند متعال و تربیت و تهذیب انسان به عنوان یک موجود متعالی و تضمین سعادت دنیا و آخرت او میباشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۶/۱۳-۲۹۸/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹)

انقلاب اسلامی ایران نیز بر مبنای توحید شکل گرفت (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵) و نمونه‌ای از حرکت صدر اسلام به سوی ایده‌آل‌ها است. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۵ «ب»، ۶۰؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۷/۵-۲۶۸) جهت‌گیری کلی انقلاب اسلامی در مسیر تحقق آرمانهای اهل بیت علیهم‌السلام است و میتوان گفت انقلاب اسلامی آرزوی همه‌ی انبیا و اولیا و ائمه‌ی طاهرين علیهم‌السلام است که امروز تحقق یافته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵) این انقلاب با رهبری امام خمینی رهبر بر پایه‌ی قیام لله و حاکم کردن قرآن و اسلام شکل گرفت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۹؛ ۱۳۹۱/۴/۴) و انقلاب حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری را یک گام بزرگ به هدفش نزدیک کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۴۰۹-۴۱۴) البته پس از ظهور ایشان نمونه‌ی کامل حکومت توحیدی در سرتاسر عالم شکل خواهد گرفت و طبق وعده الهی، دین اسلام بر همه‌ی ادیان غالب خواهد شد «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». (فتح، ۲۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵)

نقد نگرشهای افراطی و تفریطی به اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اهتمام ویژه‌ای به تبیین جایگاه واقعی اهل بیت علیهم السلام داشتند، چنانکه در حدیث ثقلین فرموده‌اند «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ هُمَا الْحُلَيْفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». (ترمذی، بی تا، ۶۶۳/۵؛ صدوق، ۱۳۷۶، ۴۱۵) این روایت که با عبارات مختلف در مسند احمد نیز نقل شده است؛ (احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶، ۵۹) تأکید بر لزوم تمسک به اهل بیت علیهم السلام است. با این حال امت اسلامی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به اهل بیت علیهم السلام گرفتار افراط و تفریط شدند. گرایش به افراط و تفریط در حق اهل بیت علیهم السلام از زمان خود اهل بیت علیهم السلام شروع شد و ائمه علیهم السلام از همان ابتدا به شدت با این دو نگرش مخالفت و از آنها اعلام بیزاری کردند. (حرعاملی، ۱۴۲۲، ۳۹۵/۵) حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمودند: «دو گروه در مورد من هلاک میشوند؛ یکی در محبتش به من افراط میکند و از حق منحرف میشود و دیگری در دشمنی اش با من افراط میکند و از حق منحرف میشود؛ و بهترین مردم کسانی اند که نسبت به من راه میانه را در پیش گرفته و از حق منحرف نشوند». (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷ (۱۸۴))

نگرشهای تفریطی و افراطی هر یک دارای گونه‌های مختلفی است:

نگرشهای تفریطی

۱. تنزل دادن اهل بیت علیهم السلام از مقامی که خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله برای ایشان تعیین کرده بودند؛ یعنی لزوم اطاعت و مرجعیت تامه و عدل قرآن بودن؛ (مانده، ۵۵؛ نساء، ۵۹؛ صدوق، ۱۳۷۶، ۴۱۵) و تلقی جایگاه آنان در حد انسانهای معمولی و نهایتاً عالمانی پرهیزکار از بستگان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. این نگرش اولین انحراف آشکار در اسلام بود که با شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (بخاری، ۱۴۰۱، ۱۳۷/۵-۱۳۸؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ۷۶/۵) و مخالفت با نص آیهی قرآن «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ (حشر، ۷) شروع شد و در طول حیات اهل بیت علیهم السلام استمرار یافت و بر اثر تبلیغات دشمنان اهل بیت علیهم السلام از جمله بنی امیه، بین مسلمانان رواج یافت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۸/۲) درحالی که این برخورد خلاف دستور صریح خداوند (نساء، ۵۹؛ توبه، ۱۱۹) و فرمایش و خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین

و حدیث سفینه بود.

۲. کفر و بدعت دانستن هرگونه اظهار محبت به اهل بیت علیهم‌السلام از سوی هر گروه و فرقه‌ای؛ حتی اگر در حد اقتدا به اهل بیت علیهم‌السلام در طریقه‌ی عرفانی و یا احترام و زیارت مرآقد و آثار منسوب به ایشان باشد و لو اینکه شخص از نظر اعتقادی شیعه هم نباشد. (ابن تیمیه، ۱۴۲۳، ۱۱۲۲) این تفکر ریشه در برداشتهای غلط از برخی معارف قرآنی دارد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲) در حالی که محبت اهل بیت علیهم‌السلام دستور صریح قرآن کریم (شوری، ۲۳) و از آموزه‌های صریح سنت نبوی است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۰/۳۶)

۳. تنزه منزلت امامان علیهم‌السلام از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی از سوی عده‌ای که عمدتاً مقدس‌نما و متحجر بودند؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۸/۲۱-۲۸۱) به طوری که مکتب پویای اهل بیت علیهم‌السلام که مبارزه‌ی حاد سیاسی با مستکبران جهان؛ شاخصه‌ی برجسته آن است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۷) دستخوش برداشتهای نادرست شد و در حد عبادات مورد توجه قرار گرفت؛ در حالی که قرآن کریم سیاست و تدبیر جامعه را یکی از وظایف انبیا میدانند (حدید، ۲۵) و بیان میکند که اساس همه‌ی ادیان و خصوصاً دین اسلام عینیت دیانت و سیاست است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۰۱/۲۰؛ امام خمینی، بی تا «ط»، ۲۲؛ همو، صحیفه امام، ۱۱۴/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۵؛ ۱۳۷۲/۲/۱۸)

۴. شرک و کفر دانستن توسل و شفاعت خواستن از اهل بیت علیهم‌السلام، عدم جواز تکریم مزار آنان و عدم جواز دعا و طلب رحمت در کنار قبور ائمه علیهم‌السلام و بندگان صالح خدا؛ که توسط ابن تیمیه مطرح شد؛ (ابن تیمیه، ۱۴۱۰، ۱۵، ۲۸، ۲۹-۳۰؛ همو، بی تا، ۵۹/۱) بعدها توسط وهابیت به شدت رواج یافت (ابن عبدالوهاب، بی تا، ۳۸۵/۱) و با حمایت و پشتیبانی استکبار جهانی به یکی از بزرگ‌ترین چالشهای حال حاضر دنیای اسلام تبدیل شد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۶) این تفکر مخالف نص قرآن کریم است که شفاعت را برای بندگان صالح خدا و توسل و تبرک به آثار ایشان را اثبات میکند، (نساء، ۶۴؛ یوسف، ۹۳، ۹۷؛ انبیاء، ۲۸) این نگرش ریشه در درک غلط مفهوم شرک و توحید دارد (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۶۳/۱-۲۶۴-۱۲۸/۲) و از همان ابتدا توسط مسلمانان و از جمله اهل سنت مورد نقد قرار گرفت. (رک: سهارزنبوری، ۱۳۹۴، ۲۷؛ سبحانی، ۱۳۸۴، ۱۰۷؛ همو، ۱۴۱۲، ۵۷)

نگرشهای افراطی

۱. غلو در مورد مقامات اهل بیت علیهم السلام و ویژگیهای معنوی و ظاهری ایشان، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴۶/۲۵) که نتیجه اش تخریب جایگاه اهل بیت علیهم السلام به عنوان بندگان صالح و برگزیده‌ی خداوند و هادیان به سوی سعادت بود. این تفکر منجر به کم ارزش شدن معارف دینی و سطحی‌نگری در شناخت مردم از اهل بیت علیهم السلام شد؛ درحالی‌که اهل بیت علیهم السلام خود را به عنوان عبد خداوند متعال معرفی کرده و پیوسته از غالیان اعلام بیزاری میکردند. (صدوق، ۱۳۹۸، ۳۶۴؛ مفید، ۱۴۱۳ «ب» ۲۰۲؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۵)

۲. تصور کفایت محبت به اهل بیت علیهم السلام برای نجات انسان و جواز ارتکاب هر گناهی به صرف محبت آن بزرگواران؛ درحالی‌که خود اهل بیت علیهم السلام از طریق عبودیت خداوند متعال و تقوا و عمل به چنین مقاماتی رسیده‌اند و پیروان خودشان را به عمل و کسب تقوا امر می‌کرده‌اند؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ۷۴/۲، ۴۶۴؛ مطهری، مجموعه آثار، ۹۰/۱۷-۹۳؛ امام خمینی، بی تا «۵»، ۵۶۷) این همان تفکر مرجئه و اباحه‌گری است که سالیان متمادی تلاش کردند تا این تفکر را القا کنند که صرف اسلام و ایمان منهای عمل کافی است و نیازی به عمل نیست؛ درحالی‌که خود ائمه علیهم السلام پیشاپیش همگان با مرجئه و تفکرات مجاهد مقابله کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۸۷/۲، ۴۰۹، ۸۰/۸، ۳۳۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ۹۹-۱۰۴)

۳. جعل کرامت دروغین برای اهل بیت علیهم السلام؛ عده‌ای از دوستان نادان اهل بیت علیهم السلام با تمسک به این اندیشه‌ی نادرست که در دستگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام استفاده از هر ابزاری حتی نامشروع؛ برای جلب محبت مردم مجاز است و برخی دشمنان به قصد تخریب چهره‌ی ایشان داستانهایی را پیرامون کرامات اهل بیت علیهم السلام جعل کردند که البته روحیه‌ی اسطوره‌سازی انسان، به قبول و ترویج آن در سطح جامعه کمک کرد؛ درحالی‌که چنین اعمالی مصداق دروغ و حرام شرعی است و نتیجه‌اش برجای ماندن تصویری موهوم از اهل بیت علیهم السلام در اذهان عمومی خواهد بود. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۹۱/۱۷-۹۳)

۴. نسبت کفر به قاصران در ولایت اهل بیت علیهم السلام؛ عده‌ای گمان میکنند اگر کسی نسبت به اهل بیت علیهم السلام با آنها هم عقیده نباشد و لو محب اهل بیت علیهم السلام باشد و به خاطر

قصور فکری، به امامت اهل بیت علیهم‌السلام اعتقاد نداشته باشد؛ از جرگه مسلمین خارج است و باید از آنها بیزاری جست. این نگرش نیز خلاف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۲/۲-۴۳؛ حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «الف»، ۳۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۳)

۵. کافی دانستن روایات اهل بیت علیهم‌السلام در کسب معارف دینی؛ از جمله افراطهای خطرناک نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام جریان اخباری‌گری افراطی بود که گمان میکردند تنها حجت شرعی، روایات اهل بیت علیهم‌السلام است و ظواهر قرآن فقط برای معصومین حجت است و غیرایشان حق مراجعه به قرآن را ندارند. عقل نیز حجیت شرعی ندارد و اجتهاد و تقلید از مجتهدین نامشروع است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۶۸/۲۰-۱۶۹) در حالی که خداوند مسلمانان را دعوت به تدبّر در قرآن میکند (محمد، ۲۴) و حدیث ثقلین نیز قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را در کنار هم مایه‌ی هدایت میداند و اهل بیت علیهم‌السلام عقل را در کنار وحی به عنوان حجت الهی معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶/۱) و اساساً اجتهاد، خود از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است. (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۸/۶)

در مقابل نگرشهای افراطی و تفریطی، نگرش اعتدالی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام قرار دارد که در فصل ویژگیها و شئون اهل بیت علیهم‌السلام در همین نوشتار به آن پرداخته شد.

پیشینه‌ی ارادت ایرانیان به اهل بیت علیهم‌السلام

ریشه‌های ارادت ایرانیان به اهل بیت علیهم‌السلام به سالهای ابتدای ظهور اسلام برمیگردد. روایاتی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام در مورد ایرانیان و نقش آنها در آینده‌ی اسلام بیان شده است (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۹۰/۱۲؛ ۵۹۱/۱۴؛ عابدی، ۱۳۸۵، ۳۸-۴۳) باعث شد ایرانیان هنگام گرویدن به دین مبین اسلام بیش از دیگر ملت‌هایی که مسلمان میشدند به خاندان نبوت ارادت و محبت نشان بدهند؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۳/۱۴) زیرا حقیقت گمشده‌ی خود و روح اسلام را تنها در نزد خاندان رسالت می‌یافتند و تنها ایشان پاسخگوی پرسشها و نیازهای واقعی ایرانیان بودند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۷/۱۴) به همین جهت ایران از دیرباز مهد تربیت اهل بیت علیهم‌السلام و مفتخر به دفاع از مکتب مقدس اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۴/۳)

اهل بیت علیهم السلام / ۲۴۹

سلمان فارسی اولین چهره‌ی برجسته‌ی ایرانی بود که به اسلام گروید (صدق، ۱۳۶۲، ۳۱۲/۱) و در پرتو ولایت و ارادت به اهل بیت علیهم السلام چنان مقامی کسب کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی او فرمود «سلمانٌ منّا اهل البیت» (مفید، ۱۴۱۳ «الف»، ۳۴۱) و به عنوان یک الگودر جستجوی حقیقت و پافشاری بر آن مطرح شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۶)

زمان فتح ایران به دست مسلمانان، مشاهده‌ی مروت و مدارای مسلمانان با مردم باعث شد بسیاری از ایرانیان بدون مقاومت تسلیم شوند و به سرعت به اسلام گرایش پیدا کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۲۳)

عطوفت و مهربانی اهل بیت علیهم السلام با ایرانیانی که به عنوان موالی در شهرهای مهم اسلامی حضور داشتند، در مقابل رفتار نادرست خلفا خصوصاً در عصر بنی امیه (مظفر، ۱۳۸۶، ۱۰) و همچنین مهاجرت و سکونت برخی اقوام شیعی عرب همچون خاندان اشعری در مناطق مختلف ایران مانند قم و کاشان؛ و آمدن سلمان فارسی (که از ارکان شیعیان بود) به شهر مدائن به عنوان فرماندار، زمینه‌ساز پیوند و محبت ایرانیان با اهل بیت علیهم السلام از سالهای ابتدایی آشنایی با اسلام شد. (رک: قی، ۱۳۸۵، ۴۸۰؛ حاجیلو، ۱۳۸۶، ۶۲) این امر باعث شد برخی مناطق ایران از همان قرنهای ابتدایی اسلامی به ارادت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و شناختن ایشان معروف شوند و در فضای متلاطم سیاستهای بنی امیه و بنی العباس حقیقت را بشناسند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰) کم‌کم پیوند میان اهل بیت علیهم السلام و ایرانیان عمیق‌تر شد و اصحاب ایرانی ائمه اطهار ضمن ارتباط با امامان علیهم السلام اقدام به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام نمودند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۰۲/۱۴) ائمه علیهم السلام نیز نمایندگانی به سوی ایرانیان فرستادند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰) و اختناق دستگاه حاکم خصوصاً در زمان حجاج باعث شد تا بسیاری از فرزندان و اصحاب ائمه علیهم السلام به سوی ایران حرکت کنند و محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام را در سرتاسر ایران منتشر کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۷) عامل دیگری که باعث آشنایی بیشتر ایرانیان با اهل بیت علیهم السلام شد، هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و عبور از مسیر ایران بود. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۳/۵/۱۸؛ رک: عرفان منش، ۱۳۸۹، ۶۸، ۱۷۵) این امر زمینه‌ساز مهاجرت بسیاری از امام زادگان بزرگوار، همچون حضرت معصومه علیها السلام و احمد بن

موسی علیه السلام به ایران گردید و شهرهای مشهد و قم و شیراز به عنوان پایگاه شیعیان در ایران مطرح شدند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱؛ ۱۳۸۹/۷/۲۹؛ همو، مکتوبات، ۱۳۶۳/۵/۱۸) مناطقی نیز مانند طبرستان به دلیل موقعیت جغرافیایی، از گذشته محلی امن برای دوستان اهل بیت علیهم السلام بود که به علت فشار حاکمان آن روز جامعه اسلامی، به این مناطق مهاجرت کرده و مردم این مناطق را با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام آشنا میکردند، که این امر موجب شد مردم این منطقه از همان ابتدای مسلمان شدن، پیرو اهل بیت علیهم السلام باشند و حتی در شکل‌گیری حکومت علوی در یمن به کمک ایشان شتافتند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۲۵؛ رک: حاجیلو، ۱۳۸۶، ۸۲)

با گذشت زمان، شیعیان در مناطق مختلفی همچون آذربایجان، خراسان، قم، کاشان و خوزستان دارای قدرت و پایگاه سیاسی-اجتماعی شدند و در برخی مناطق علیه حاکمان جور قیام کردند، مانند قیام سربداران و قیام علویان طبرستان، که برخی همچون حکومت آل بویه موفق به تشکیل حکومت شیعی شدند. (رک: آژند، ۱۳۶۳، ۱۳؛ حکیمان، ۱۳۶۸، ۴۸؛ رضایی، ۱۳۸۵، ۲۹؛ حاجیلو، ۱۳۸۶، ۷۳) در قرن نهم هجری شیعیان موفق به تشکیل حکومت صفویه شدند و تشیع مذهب رسمی ایرانیان شد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۵/۳) با ریشه‌دار شدن محبت و رابطه ایرانیان با اهل بیت علیهم السلام، زمینه رواج معارف اهل بیت علیهم السلام و گرایش مردم ایران به ایشان، بیش از پیش فراهم شد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۴/۱۲۶-۱۳۰) تبعیت از مرام و مکتب اهل بیت علیهم السلام از افتخارات ایرانیان گردید (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۳۹۶) و با مجاهدتهای علما، علاوه بر آشنا شدن مردم با سیره عملی آن بزرگواران، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲) به تدریج حوزه‌های علمیه در سراسر ایران شکل گرفت که پایگاه اصلی ترویج مکتب اهل بیت‌اند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۷۳-۲۷۵)

عمیق‌ترین و ماندگارترین جلوه‌ی محبت ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام زنده نگه داشتن یاد و عزای اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام حسین علیه السلام و یاران ایشان از گذشته‌های دور در ایام ماه‌های محرم و صفر در سرتاسر کشور است؛ که خود عامل زنده ماندن اسلام؛ پویایی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و فرهنگ مقابله با طاغوت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۵۲-۶۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹؛ ۱۳۸۸/۹/۲۲) در دوران ما نیز همین محبت باعث پیشرفت جامعه - در عرصه‌های مختلف - و استقرار اخلاق و مرام اسلامی شد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۶) چنانکه

اهل بيت عليه السلام / ۲۵۱

ايران اسلامي را به مهد تربيت اهل بيت عصمت و طهارت مبدل کرده و باعث کوتاه شدن دست اجانب از اين ديار گردید (امام خميني، صحيفه امام، ۱۶/۲۶۲/۳۴۴) و پرچم اهل بيت عليه السلام در ايران اسلامي به اهتزاز درآمد؛ حاکميت اسلام و قرآن در اين کشور تثبيت شد و به هويت ديني مردم معنی داد. (آيت الله خامنه‌ای، ۴/۳/۱۳۶۹؛ ۱۹/۲/۱۳۸۷)

الهام و الگوگيري از فرهنگ اهل بيت عليه السلام در انقلاب اسلامي

انقلاب اسلامي ايران در امتداد جريان کلي حق در برابر باطل و برگرفته از مکتب اهل بيت عليه السلام، با رهبري امام خميني رضي الله عنه و خيزش مردمی؛ با انگيزه‌ی جایگزین کردن نظام توحیدی به جای نظام طاغوتی؛ شکل گرفت. (امام خميني، صحيفه امام، ۸/۲۶۳/۹؛ ۹/۴۵۸/۱۰؛ ۱۱/۵۲۱/۱۱؛ آيت الله خامنه‌ای، ۳/۸/۱۳۶۸؛ همو، مکتوبات، ۱۰/۳/۱۳۶۹؛ ← انقلاب اسلامي ايران)

برخی از جلوه‌های الگوگيري از مکتب اهل بيت عليه السلام در انقلاب اسلامي بدین شرح است:

احیای فرد و جامعه

اسلام‌خواهی و احیای دوباره‌ی آن. ملت ايران در مکتب اهل بيت عليه السلام مفاهيم اسلامي را فراگرفت و انقلابش با انگيزه‌ی اسلام‌خواهی شروع شد؛ با الهام از سيره‌ی ایشان، ماهيت اين انقلاب را بر اسلام و معارف اهل بيت عليه السلام استوار کرد. (رک: امام خميني، بی تا «ط»، ۲۸-۳۶؛ آيت الله خامنه‌ای، ۲۲/۴/۱۳۷۱؛ ۲۸/۲/۱۳۷۴) توجه به معارف اهل بيت عليه السلام و مرجعیت فکری، سياسی و عبادی ایشان، به طور طبیعی باعث شد اندیشه و رفتارشان به عنوان یک الگو و محرک قدرتمند در شکل‌دهی افکار و رفتار مردم ايران و رهبرانشان در طول انقلاب، اثرگذار باشد و ایرانیان را به خودآگاهی برساند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۶۸؛ امام خميني، ۲۱/۱۱۹؛ آيت الله خامنه‌ای، ۲۸/۲/۱۳۷۴)

تلاش برای جلب رضای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بيت عليه السلام به عنوان حجت‌های الهی. ایرانیان با چنگ زدن به حبل ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بيتش عليه السلام از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامي از هرچه غیررضای ایشان بود دوری کرده و این را مایه‌ی افتخار خود میدانستند. (امام خميني، صحيفه امام،

۱۲۱/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۲۸

عزت‌خواهی. ملت مسلمان ایران در مسیر پیروزی با اقتدا به امام حسین علیه السلام، پیروی از فرهنگ شهادت و برتری دادن مرگ با عزت بر زندگی زیر بار ذلت، و اتحاد با یکدیگر، همه‌ی موانع را پشت سر گذاشتند و ضمن سرنگونی نظام طاغوت، حکومت اسلامی را تشکیل دادند و با همین فرهنگ بر فتنه‌های مختلف غلبه کرده؛ با استقامت خود همه زورگویان عالم را وادار به عقب‌نشینی و شکست کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۳۱۳-۳۱۵؛ ۱۷/۵۲-۵۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۲۶) نام و یاد امام حسین علیه السلام جامعه ایران را در سطحی از فرهنگ دینی نگه داشته بود و تفکر انقلاب که مستند به فرهنگ عاشورا بود از این زمینه استفاده کرده، مردم را وارد میدان کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۲۰)

اعتماد به نفس. ثبات قدم ملت شریف ایران چنان بوده است که در استمرار حرکت رو به جلوی خود با الهام از اهل بیت علیهم السلام بر توانایی‌هایشان اتکا کرده و با نفی وابستگی به شرق و غرب بر راه و روش خود ثابت‌قدم ماندند و بر اصول خود ایستادگی کرده و هیچ‌گاه ارزشهایی را که برای آنها انقلاب کرده بودند رها ننموده و با توفیق الهی به راهشان ادامه دادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۵)

مبارزه با طاغوت و تلاش برای برپایی نظام اسلامی

جهاد همراه با صبر در مقابله با طاغوت. مردم ولایت‌مدار ایران، از همان ابتدای قیام از حقیقت ولایت اهل بیت علیهم السلام و خصوصیات ویژه‌ی آن، یعنی جهاد مظلومانه و صبر بر این جهاد، مدد جستند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۲۸) با تمسک به سیره‌ی عملی ایشان، به ویژه قیام امام حسین علیه السلام با همه‌ی قوا درصدد مقابله با طاغوت زمان خود برخاستند. (امام خمینی، بی تا «ط»، ۱۳۴-۱۳۵؛ همو، صحیفه امام، ۱۸/۵۱۱؛ ← جهاد)

فعالیت اجتماعی مؤثر و دخالت دادن دین در مدیریت و سیاست. ایرانیان با الهام گرفتن از اهل بیت علیهم السلام آموختند کناره‌گیری از مردم و کنج‌خانه‌نشینی از آموزه‌های اسلام نیست؛ بلکه باید با فعالیت اجتماعی، جامعه به ارزشهای انسانی دعوت شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۱۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) اساساً تشکیل حکومت و عدم جدایی دین از سیاست از

اهل بیت علیهم السلام / ۲۵۳

مهمترین شاخصه‌های فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است (امام خمینی، بی تا «ط»، ۲۵؛ همو، صحیفه امام، ۱۱۱/۲۰-۱۱۸) که بر اثر تبلیغات طولانی مدت دشمنان اسلام به کلی فراموش شده بوده، ولی انقلاب اسلامی با الهام از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام این تفکر را احیا نموده و اقشار مختلف جامعه را به مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه دعوت کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۶/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۴) از این رو مردم مسلمان و متعهد ایران، تشکیل حکومت دینی را بهترین راه اعتلای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله دانسته، برای تحقق آرمان خود با همه‌ی هستی و حیثیتشان مبارزه کردند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۱-۴۱۲/۲۰؛ ۲-۲/۲۱؛ ۳- ← سیاست) و همچون انبیای الهی و ائمه طاهرین علیهم السلام، برای تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر توحید و از بین بردن نظامهای طاغوتی تلاش کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵؛ ۱۳۷۹/۱/۲۶؛ ۱۳۸۷/۵/۹؛ همو، ۱۳۹۵، ۳۸۶-۳۹۰، ۵۱۷-۵۱۸)

تحمل سختیها، استقامت و فداکاری برای رسیدن به هدف. رهبری و مردم ایران در مسیر انقلاب برای دستیابی به اهداف خود، مانند اهل بیت علیهم السلام سختیها و مصائب فراوانی را همچون تبعید، حبس و شکنجه تحمل کردند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۲/۱-۱۶۵؛ ۱۳-۳۶۶-۳۶۸؛ ۲۹۸/۱۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۲۶) با تاسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام در سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات برای دفع ظلم و اعتلای اسلام کوشیدند؛ در راه هدف جانانه استقامت کردند و هرگز به بهانه‌ی کمبود عده و عُدّه و کثرت دشمن دست از دعوت به حق برنداشتند. (امام خمینی، بی تا «ط»، ۲۶-۲۸؛ همو، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۸) مردم آزاده‌ی ایران، قیام سیدالشهدا علیه السلام را که همچون تابلویی، کامل‌ترین مجموعه از معارف فرهنگ اهل بیت علیهم السلام را در خود جای داده است؛ به‌عنوان خط مشی اصلی مبارزات خود برگزیدند و ضمن پیوند عمیق با ابعاد مختلف آن، مسیر ایثار و فداکاری؛ شهادت و گذشتن از جان را برای شناختن و شناساندن مکتب اهل بیت علیهم السلام و احیای امر الهی در پیش گرفتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۳-۳۱۴/۱۰؛ ۵۲-۵۳/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹؛ ۱۳۷۰/۴/۲۰؛ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ۱۳۷۶/۴/۱۳؛ ۳۹۰/۴/۱۳؛ نهضت حسینی) ایشان به رهبری امام خمینی ره با تکیه بر روحیه‌ی جهاد مظلومانه و صبر بر این جهاد، که از مکتب اهل بیت علیهم السلام آموخته بودند، علاوه بر پیروزی انقلاب و تشکیل نظام سیاسی اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۲۸) با مجاهدتهای خود، پرچم اهل بیت علیهم السلام را در ایران به اهتزاز درآوردند و توجه و احترام همه‌ی مسلمانان را به سوی آن جلب کرده،

زمینه‌ساز آشنایی و همبستگی همه دستداران اهل بیت علیهم‌السلام و احیای امت اسلامی شدند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۴؛ ← انقلاب اسلامی ایران)

موقعیت‌شناسی و ایفای نقش به موقع. مردم انقلابی ایران بعد از پیروزی نیز این الگوهای کامل و برجسته را پیوسته جلوی چشمشان داشتند و با توکل بر خداوند متعال در عمل به وظیفه‌ی دینی-انسانی خود و ادای تکلیف به‌هنگام و موقعیت‌شناسی، که از خصوصیات امامان معصوم علیهم‌السلام است، به ایشان اقتدا کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۵/۸-۳۳۶-۳۳۷/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۲)

تشکیل دولت اسلامی

حکومت‌داری بر اساس روش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام. مردم مسلمان ایران بعد از انقلاب از میان مدل‌های مختلف حکومت‌داری و سیاست جامعه، تنها مرجع را مدل حکومت‌داری پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام قرار دادند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵ «ب»، ۵۴-۵۵؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۲/۳)

ساده‌زیستی و اجتناب از مال‌اندوزی. با الهام از سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام؛ عموم مردم، متفکران و مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ساده‌زیستی، عدم تلاش برای انباشت مال دنیا و تجمل‌گرایی و فخرفروشی بر دیگران با مال دنیا را به‌عنوان یک ارزش برجسته مورد توجه قرار می‌دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۷/۱۹-۳۱۸)

حرکت در مسیر برپایی تمدن نوین اسلامی

برجسته کردن توحید و فضائل و اخلاق انسانی. ملت ایران از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام آموختند که با فعالیت و ترویج معارف تربیتی، اجتماعی و سیاسی اسلام و در پرتو تمدن‌سازی اسلامی، باید جامعه به توحید و تهذیب نفس و فضائل انسانی دعوت شود. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۷۱-۷۲؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵؛ ۲۸۶/۶؛ ۱۰۵/۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) پیش از همه مسئولین نظام اسلامی با اقتدا به شیوه‌ی ائمه علیهم‌السلام و انبیا، اخلاق و آداب اسلامی را به‌عنوان سرلوحه‌ی رفتاری خود برگزیدند و از طریق حسن معاشرت با مردم، خود را به اولیای الهی

نزدیک کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۱/۲۰: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵: ۱۳۸۳/۸/۲۰ ← کارگزاران نظام) **وحدت جامعه‌ی اسلامی.** از جمله مهمترین الهامات انقلاب اسلامی از مرام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که از همان ابتدای مبارزه مورد توجه قرار گرفت، تلاش در جهت وحدت جامعه اسلامی و اجتناب از هرگونه اختلاف و افتراق؛ در راستای حفظ و ارتقای عزت و اقتدار دنیای اسلام است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «الف»، ۱۶۱: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۴/۳: ۱۸۸/۶: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵، ۱۳۹۴/۵/۲۶)

توجه به مسائل کلان جامعه اسلامی. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت برجسته‌سازی و اهتمام به مسائل کلان دنیای اسلام به‌عنوان یک راهبرد کلان پیگیری شد و همه‌ی جوانب سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) از مبارزه گرفته تا تقیه و توجه به اتحاد مسلمین و... به‌عنوان الگوی عملی، پیوسته مورد توجه بوده و ملاک عمل مردم و مسئولین قرار گرفت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۴: ← وحدت مسلمین)

استمرار حرکت انقلابی در مسیر اسلام. استمرار حرکت در مسیر مکتب پویای اهل بیت (علیهم السلام) و الهام گرفتن از معارفشان همراه با التزام عملی به سیره‌ی این حجج‌های الهی تنها عامل زنده نگهداشتن هویت اسلامی و رمز بقا و بالندگی انقلاب اسلامی ایران است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۴/۲۱: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

نقش انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و هویت‌یابی پیروان اهل بیت (علیهم السلام)

انقلاب اسلامی ایران بر اساس اسلام و با الهام از سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) شکل گرفت. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶۴/۸) از طرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) مملو از آموزه‌هایی همچون وجوب امر به معروف و نهی از منکر، (آل عمران، ۱۱۰) اهمیت دادن به اخوت و برادری، (حجرات، ۱۰) لزوم توجه به سرنوشت برادران دینی، (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶۴/۲) ارزشمند بودن هدایت انسانها و نجات آنها از گمراهی، (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۸/۵) در کنار جهانی بودن و خاتمیت دین اسلام است. (احزاب، ۴۰: سبأ، ۲۸) همچنین در سیره‌ی عملی اهل بیت (علیهم السلام) هرگز حالت ایستایی و رضایت به وضع موجود جایگاهی ندارد؛ بلکه مبارزه‌ی حاد سیاسی به معنای تلاش حداکثری برای دستیابی به

آرمانها مانند آنچه در عاشورا رخ داد از یک سو و انتظار توأم با ایمان و مجاهدت به برقراری حکومت جهانی مهدوی از سوی دیگر، از شاخصه‌های برجسته‌ی آن است؛ از این رو هر حرکتی مانند انقلاب اسلامی ایران که در بعد معرفتی و جهان‌بینی و معیارهای عملی از این مکتب الگو گرفته باشد، جریان‌ی پویا و بانشاط خواهد بود که بی‌تفاوتی نسبت به دیگران در آن جایی ندارد؛ بلکه گسترش و تعمیق و دعوت، اجزای جدانشدنی آن خواهند بود. به همین جهت تبلیغ و گسترش ارزشهای والای اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و صدور آن به همه‌ی ممالک اسلامی بلکه سرتاسر جهان، از اهداف انقلاب بوده و پیوسته مورد تأکید رهبران انقلاب بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹/۸؛ ۳۱۴/۱۲؛ ۴۵/۱۶؛ ۳۴۵/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۹؛ ۱۳۷۲/۱۳/۱۴) برای تحقق این هدف بهترین راه معرفی چهره‌ی حقیقی اسلام از طریق رفتار پسندیده است؛ نه لشکرکشی و کشورگشایی. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۱۶؛ ۷۲/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۲؛ ← صدور انقلاب)

نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی در ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را میتوان در چهار عرصه تبیین کرد:

در سطح جامعه داخلی ایران

احیای دین و تحول در جامعه. انقلاب اسلامی مانند همه‌ی حرکت‌های اصلاحی انبیا‌ی الهی در اولین سطح مواجهه با جامعه، تحولات بزرگی را بین اقشار مختلف ایجاد کرد و بسیاری از تعالیم اسلام را در سطح عمومی جامعه برجسته و به مطالبه عمومی تبدیل نمود. موج این نهضت مردمی با بار معرفتی و اعتقادی‌اش، وارد محافل گوناگون شد، تا آنجا که حتی بسیاری از افراد که به اسلام اعتقاد نداشتند؛ به آن اعتقاد معتقد شدند. (ری.ک. امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰-۴۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲)

احیای قرآن. انقلاب اسلامی با تحت تأثیر قرار دادن همه‌ی آحاد جامعه و ایجاد موج اسلام‌خواهی، با محوریت اسلام ناب که مبتنی بر قرآن و عترت است، باعث احیای دین اسلام و آشنایی مردم با قرآن شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۷-۲۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۷)

احیای حوزه علمیه. انقلاب اسلامی زمینه احیای بیش از پیش حوزه علمیه را فراهم کرد،

و باعث شد حوزه علاوه بر محافل داخلی مورد توجه افکار جهانی قرار بگیرد، تا آنجا که در سیاستهای جهانی و بلکه در سرنوشت جهانی اثرگذار باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

احیای فرهنگ اسلامی استکبارستیزی. انقلاب اسلامی با احیای اسلام ناب محمدی (ص)، علی‌رغم تبلیغات گسترده دشمنان، نقشی برجسته در شکل‌گیری موج بیداری و نفوذ ارزشهای اسلامی به همه جای دنیای اسلام ایفا کرد و فرهنگ استکبارستیزی را در سرتاسر بلاد اسلامی گسترش داد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱؛ ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مردم‌سالاری و حق‌تعیین سرنوشت. انقلاب اسلامی حقیقت مردم‌سالاری را که در ایران سابقه‌ی تاریخی نداشت با دو شاخصه برجسته «نقش دین در تعیین آرمانها» و «نقش مردم در تعیین حرکت جامعه» تعریف کرد چنانکه براساس آن مردم پیوسته در تعیین سرنوشت کشور در بالاترین سطوح، شرکت میکنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۲/۶-۱۵۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۷؛ ← جمهوری اسلامی)

تشکیل حکومت دینی. با به‌کارگرفتن خواست و اراده مردم، انقلاب اسلامی رژیم دیکتاتور ضد اسلام را از بین برد و تشکیل حکومت اسلامی را که از اهداف اهل بیت (ع) بود، محقق ساخت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۶/۶-۴۶۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

در سطح جامعه شیعی

اهتزاز پرچم اهل بیت (ع) و همبستگی دوستداران ایشان. انقلاب اسلامی توانست با تشکیل حکومت، پرچم اهل بیت (ع) را در ایران به اهتزاز درآورد؛ توجه و احترام همه مسلمانان را به سوی این پرچم جلب، و زمینه‌های آشنایی و همبستگی همه دوستداران اهل بیت (ع) را فراهم کند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۴)

احیای هویت جامعه شیعی. در خصوص پیروان مکتب اهل بیت (ع) در مناطقی که شیعیان از قبل حضور داشتند؛ مانند عراق، لبنان، بحرین، عربستان، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، سوریه، ترکیه و یمن؛ انقلاب اسلامی چند تأثیر عمده داشته است: ۱. احیای هویت مذهبی شیعیان؛ ۲. رشد بینش سیاسی و دینی شیعیان؛ ۳. شکل‌گیری تشکیلات منسجم شیعی؛ ۴. خارج شدن از موضع انفعال و نقش‌آفرینی فعال؛

۵. شکل‌گیری قیامهای منطقه‌ای علیه ظالمان و حکام دست‌نشانده؛ ۶. عمق‌بخشی به معارف دینی و حضور سیاسی-اجتماعی از طریق رونق حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز دینی و تربیت عالمان مبارز. (ر.ک: حمدی، ۱۳۸۵، ۵۱۹-۵۲۳) به‌طورکلی ایجاد اتحاد و یکپارچگی بین همه شیعیان در گوشه‌وکنار دنیا با محوریت هویت شیعی، در کنار تلاش برای اتحاد امت اسلامی از اهداف متعالی است که انقلاب اسلامی پیوسته آن را دنبال کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۶)

در سطح جامعه اسلامی

دفاع از قرآن و سنت و اسلام‌گرایی فرامذهبی. هویت انقلاب اسلامی در دفاع از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) و احیای امت اسلامی معنی پیدا میکند. این انقلاب صرفاً شیعی یا ملی‌گرا نبود؛ بلکه درصدد تحقق اسلام‌گرایی، تقریب مذاهب و عزت مسلمانان از شرق آسیا تا عمق آفریقا و اروپا بوده، و در این راستا هزینه‌های زیادی را پرداخته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) به همین دلیل، کمک به مجاهدان اهل سنت؛ مانند «حماس»، «جهاد اسلامی»، «مجاهدان شیعی»، «حزب‌الله» و «امل»، به یک اندازه واجب شرعی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۶؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) - امت اسلامی (انقلاب اسلامی در مسیر احیای امت اسلامی پیوسته از ملت‌های اسلامی در افغانستان، بوسنی، لبنان و عراق و فلسطین و دیگر کشورها حمایت کرد. هیچ فرقی بین کشورهای مختلف اسلامی قائل نبود و هرگز همچون سایر حکومت‌های به‌ظاهر مسلمان، آنها را تنها نگذاشت. (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۴؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

بیداری اسلامی. دفاع از اسلام و مسلمانان باعث شد انقلاب مردم ایران نقش مهمی در بیداری اسلامی داشته باشد و قدم‌های بزرگی در زمینه‌ی ایجاد هویت اسلامی بردارد. با توکل بر خداوند این مسیر ادامه خواهد یافت و با درپیش گرفتن دیپلماسی وحدت اسلامی برای تشکیل «امت واحد اسلامی» در مقابل اردوگاه استکبار پیش خواهد رفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۱/۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۶؛ همو، مکتوبات، ۱۳۹۱/۴/۲۴)

احیای عزت ملی مسلمانان. انقلاب اسلامی با از بین بردن حکومت وابسته و غیردینی و

احیای ارزشهای دینی و تشکیل حکومت اسلامی، به مردم هویت اسلامی بخشید و عزت اسلامی ملت را جایگزین تحقیر آنها کرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۴۶۶-۴۶۷؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

وحدت امت اسلام. انقلاب اسلامی اتحاد و هویت‌یابی شیعیان را در راستای وحدت اسلامی دنبال میکند و به دنبال تحقق همبستگی امت اسلامی در جهاد با دشمنان اسلام و قرآن است و از هرگونه اختلاف برای دستیابی به عزت و اقتدار دنیای اسلام به شدت اجتناب میکند. همین رویکرد باعث تغییر معادله‌ی مقاومت اسلامی در منطقه شده است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ «الف»، ۱۶۱؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۶؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ ← امت اسلامی)

در سطح جامعه بین‌المللی

حرف نودر سیاست و معنویت. انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام در دنیای آشفته امروز، مفاهیم بلندی را در عرصه سیاست و حرفهای جدیدی را در عرصه معنویت به جهان ارائه کرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۹۰-۹۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲۵)

گرایش به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و مذهب اهل بیت علیهم السلام در خارج مرزها. گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در خارج مرزها مانند آسیا و آفریقا و همه‌ی مناطقی که مسلمانان حضور دارند؛ زمینه‌ساز گرایش به مکتب اهل بیت علیهم السلام و بازگشت به مبانی اسلام ناب شده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۱۷؛ ۱۳۷۹/۱۰/۱۹) به برکت انقلاب اسلامی، علاوه بر احیای فکر اسلامی و روحیه‌ی اسلام‌خواهی در بین مسلمانان، گرایش به اسلام ناب در بین پیروان دیگر ادیان نیز رواج یافت (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷) که یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن، حرکت اسلامی نیجریه یا «جنبش خمینیون» است که به رهبری شیخ ابراهیم زکراکی در کشور نیجریه فعالیت میکنند. (رک: توحیدی، ۱۳۹۵، ۶۰)

گفتمان‌سازی برای همه آزادی‌خواهان جهان و احیای روحیه جهاد و مبارزه در بین آنها. انقلاب اسلامی در اصل پیدایش، تشکیل نظام سیاسی، ماندگاری و پیشرفت در عرصه‌های مختلف، با وجود همه‌ی دشمنیها تبدیل به یک گفتمان و سرمشق برای کشورها و گروه‌های مختلف شد به‌گونه‌ای که خودشان از لبنان و فلسطین و دیگر کشورها اعلام

کردند راه جهاد و مبارزه و بازگشت به اسلام را از انقلاب ایران آموخته‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۹؛ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹) در بسیاری از کشورها، اعتقادات و شعارها و حتی عادات انقلابی ملت ایران، که برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود، به عنوان سرمشق مطرح شده است و شعارهای انقلاب اسلامی در آن سوی مرزها رواج یافته است. همین امر منشأ اصلی ترس استکبار است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۳)

احیای معنویت در بین پیروان دیگر ادیان. از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه‌ی دین‌خواهی شکل گرفت علاوه بر مسلمانان زمینه را برای بازگشت مسیحیان که سالهای متمادی از دین خودشان، دور افتاده بودند، به سوی معنویت و دین فراهم کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۱/۱۷)

تأسیس مراکز علمی مختلف با هدف تبیین اسلام ناب. الف) تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» با هدف ایجاد ارتباط بین اندیشمندان مسلمان. در عرصه‌ی دنیای اسلام یکی از مهمترین گامهای انقلاب اسلامی در راستای پیشبرد وحدت اسلامی، تشکیل «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» است که با هدف ایجاد اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی شکل گرفت، و توانست مجموعه‌ای بزرگ از اندیشمندان دنیای اسلام را که از اصول کلی انقلاب اسلامی در عرصه‌ی دنیای اسلام دفاع میکنند، به هم مرتبط کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۲۶؛ ← سیاست خارجی) ب) تأسیس «مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام» برای ارتقای شیعیان. در حوزه‌ی مربوط به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام «مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام» تشکیل شد که بخشی از اهدافش عبارت‌اند از: ۱. سازمان‌دهی شیعیان؛ ۲. ایجاد رابطه‌ی بین گروه‌های شیعی و خارج کردن آنها از مظلومیت؛ ۳. ارتقاء سطح بینش آنها؛ ۴. رونق دادن به حوزه‌های علمیه شیعی؛ ۵. ایجاد همبستگی بین شخصیت‌های بزرگ شیعی؛ ۶. حل و فصل مشکلاتی که ممکن است با دیگر گروه‌های اسلامی داشته باشند؛ جهت تحقق وحدت و تقریب؛ ۷. ساماندهی امکاناتی که میتوان در رشد فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در سطح دنیا به‌کار گرفت؛ ۸. تلاش برای بازیابی و ارتقای هویت شیعیان. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۲۹؛ ۱۳۷۰/۷/۴؛ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ← هویت)

ج) تأسیس «جامعه المصطفی‌العالمیه» با هدف تربیت عالمان متعهد دینی با روحیه‌ی انقلابی. «جامعه المصطفی‌العالمیه» با هویتی حوزوی تأسیس شد که راهبرد کلی آن

تربيت عالمان متعهد در راستای تبیین، تولید و تعمیق تفکرات و اندیشه‌های اسلامی و نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلى الله عليه وآله میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۳) این مرکز در بیش از ۶۰ کشور جهان دارای نمایندگی است و هم اکنون بیش از ۵۰۰۰۰ دانش‌پژوه را از ۱۲۲ کشور تحت تعلیم دارد که بیش از نیمی از آنها دانش‌آموخته شده‌اند. (ر.ک: سایت جامعه المصطفی العالمیه به نشانی <http://www.miu.ac.ir>)

در مجموع جمهوری اسلامی ضمن تلاش پیوسته برای هویت‌یابی شیعیان، وحدت جامعه اسلامی را مورد توجه قرار داده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۹۷/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) و ترویج معارف مکتب اهل بیت عليه السلام را که همان اسلام ناب محمدی صلى الله عليه وآله است، به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل وحدت امت اسلامی در دستور کار خود قرار داده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۵/۲۴؛ ← اسلام ناب محمدی صلى الله عليه وآله) میتوان گفت این انقلاب یک گام بسیار بلند به سوی اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و تشکیل حکومت جهانی اهل بیت عليه السلام است؛ زیرا شعارهایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه له بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد؛ مانند توحید، معنویت و دین‌داری، که روزی در دنیا منسوخ شده بود، امروز به برکت انقلاب اسلامی نشر شده و این شعارها آرزوی ملت‌های مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیاست؛ و این شعارها یک روز تحقق عینی خواهد یافت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۲؛ ۱۳۷۹/۵/۲۷؛ ← انقلاب اسلامی)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اهل بیت عليه السلام، معصومین از خاندان پیامبرند، که براساس حدیث ثقلین همراه با قرآن مرجع امت اسلامی هستند. در قرآن و روایات ویژگی‌هایی همچون «عصمت»، «امامت»، «علم ویژه» و «وجوب تبعیت و محبت»؛ برای ایشان ذکر شده است؛ به همین جهت بین همه‌ی مسلمانان دارای جایگاهی برجسته میباشند.

ایشان از راه عبودیت و مجاهده در راه خدا به مقامی والا در پیشگاه خداوند رسیده، به اذن الهی از مقام ولایت در تصرف بهره‌مند و مظهر اسماء حسناى الهی‌اند. اهل بیت عليه السلام خُرّان علم الهی، ترجمان قرآن، ناقلان سنت و کامل‌کننده‌ی شریعت نبوی‌اند. ایشان در کنار قرآن، منبع اصلی دریافت معارف دینی‌اند و میراث برجای مانده از ایشان مرجع مسلمانان

است. از آنجا که اهل بیت علیهم‌السلام متّصف به فضائل اخلاقی و دارای مقامات معنوی والایی هستند، خداوند مقام آموزگاری و تربیت معنوی-اخلاقی انسانها را به ایشان سپرده است. همه‌ی گفتار و اعمال ایشان در طول زندگی الگو و حجت شرعی برای بشریت است و به امر الهی بعد از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقام امامت و رهبری جامعه اسلامی برعهده ایشان است. در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام سیاست و دیانت از هم جدا نیستند و اهل بیت علیهم‌السلام در طول حیات ۲۵۰ ساله‌ی حضور، با درپیش گرفتن خط مبارزه‌ی حاد سیاسی درصدد تشکیل حکومت بوده‌اند؛ تا از این طریق زمینه را برای تربیت و هدایت همه‌جانبه‌ی جامعه فراهم کنند.

اهل بیت علیهم‌السلام در عصر حضور رویکرد مبتنی بر مصلحت را در پیش گرفته و متناسب با شرایط زمان راهبردهای مختلفی را اتخاذ کردند؛ از جمله سکوت و همراهی با جریان حاکم بر جامعه؛ به دست گرفتن قدرت؛ جهاد مسلحانه و نهضت نیمه مخفی که حاصل این رویکرد حفظ و استمرار جریان کلی حق در برابر باطل بود؛ با این حال ایشان همیشه درصدد بودند قدرت را به دست بگیرند و حکومتی تشکیل دهند که برخی ویژگیهای برجسته‌اش عبارت‌اند از: محوریت توحید در همه‌ی شئون جامعه، حاکمیت اسلام، فراگیر شدن امنیت همه‌جانبه، ارتقاء سطح درک و اندیشه‌ی بشر، اقامه‌ی عدل و داد، دفاع از مظلومان و مقابله با ظالمان، برجسته شدن فضائل اخلاقی، مسئولیت‌پذیری همگانی در برابر خود و جامعه و تلاش برای معرفت خداوند و تربیت انسان.

هرچند جایگاه حقیقی اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن و روایات به وضوح بیان شده است؛ ولی گروهی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام از مسیر حق منحرف شده و گرفتار افراط و تفریط شدند. گاهی مقام اهل بیت علیهم‌السلام را در حد انسانهای عادی پایین آوردند و هرگونه توسل و اظهار محبت به ایشان را نامشروع خواندند و گاهی نسبت به ایشان گرفتار غلو شدند.

فضائل اخلاقی و موقعیت الهی اهل بیت علیهم‌السلام باعث شد ایرانیان به محض آشنایی با اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام دل‌شيفته‌ی ایشان شده و به گونه‌های مختلف ارادت خود را به ایشان ابراز کنند. این امر زمینه‌ساز قیامهای مختلف شیعی و نهایتاً رسمی شدن مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در ایران شد و همچنین زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شد؛ به طوری که مردم ایران با الهام از سیره و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام علیه دستگاه ظالم حاکم

بر جامعه قیام کرده و ضمن اسقاط نظام شاهنشاهی، نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بر اساس مکتب و فرهنگ اهل بیت عليه السلام برپا کردند. انقلاب اسلامی نیز بعد از استقرار حداکثر ظرفیت خود را در راستای ترویج مکتب اهل بیت عليه السلام در داخل و خارج مرزهای کشور بکار گرفت و پرچم اهل بیت عليه السلام در ایران به اهتزاز درآمد. هویت اسلامی و عزت ملی در جامعه احیا شد و زمینه برای نشر فرهنگ اهل بیت عليه السلام به صورت گسترده فراهم گردید. انقلاب اسلامی در عرصه‌ی بین‌المللی نیز بیداری اسلامی را به دنبال داشت و باعث شد پیروان اهل بیت عليه السلام هویت مذهبی خود را بازیابی کنند و در کشورهای مختلف گروه‌های منسجمی همچون حزب الله لبنان را تشکیل دهند. در این عرصه نهادهایی همچون «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، «مجمع جهانی اهل بیت عليه السلام» و «جامعة المصطفی العالمیة» با هدف ایجاد اتحاد اسلامی و ترویج مکتب اهل بیت عليه السلام که همان اسلام ناب محمدی صلى الله عليه وآله است تشکیل شدند.

امروزه جمهوری اسلامی طلایه‌دار وحدت اسلامی بوده و درصدد است زمینه‌ی بهره‌برداری امت اسلامی را از ظرفیت عظیم فکری و اجتماعی و سیاسی مکتب و آموزه‌های اهل بیت عليه السلام که مورد قبول همه‌ی مسلمانان است، بیش از پیش فراهم کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آژند، یعقوب، قیام شیعی سریداران، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳ ش.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، احکام روزه مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، تهران، نشر فقه روز، ۱۳۹۳ ش.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، انسان ۲۵ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی- مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام)، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، پیشوای صادق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۷. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، سیره ائمه علیهم السلام: پژوهشی در زندگی امام سجاد علیه السلام، پاسدار اسلام (ماهنامه)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۹، شهریور ۱۳۶۱ ش.
۸. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چاپ هفتم، ۱۳۹۵ ش.
۹. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۰. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الرد علی الإخنائی قاضی المالکیه، تحقیق دانی آل زهوی، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، زیارة القبور و الاستجداد بالمقبور، الرياض، الادارة العامة للطبع و الترجمة، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *مجموعه الرسائل و المسائل*، تحقیق محمد رشید رضا، بی‌جا، لجنة التراث العربی، بی‌تا.
۱۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *مناقب الامام احمد بن حنبل*، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بی‌جا، هجر للطباعة و النشر و التوزیع و الاعلان، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۱۵. ابن حجر هیتمی، احمد، *الصواعق المحرقة*، تحقیق عبدالرحمن ترکی، کامل محمد خراط، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۹۷۷م.
۱۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، انتشارات علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۱۸. ابن طاووس، سید علی بن موسی، *اقبال الاعمال*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۹. ابن عبدالوهاب، محمد، *مؤلفات الشیخ الامام محمد بن عبدالوهاب*، الرياض، جامعه الامام محمد بن السعود الاسلامیه، بی‌تا.
۲۰. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۱. احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۲۲. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *آداب الصلاة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۲۳. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *الاجتهاد و التقليد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۴. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا. «الف»
۲۵. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *تحریر الوسيلة*، قم، مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۶. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *التعادل و التراجیح*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۷ش.
۲۷. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، *التعلیقة علی الفوائد الرضویة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا. «ب»

۲۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ج»
۲۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تنقیح الاصول، تقریر حسین تقوی اشتهاردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، رساله توضیح المسائل، بی جا، بی نا، بی تا. «د»
۳۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ه»
۳۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «و»
۳۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی، مصباح الهدایة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ز»
۳۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، المكاسب المحرمة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ح»
۳۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ط»
۳۸. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۹. بحرانی، سید هاشم حسینی، غایة المرام و حجة الخصام، تحقیق سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۴۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۴۱. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، ۱۳۹۰ ش.
۴۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. تفسیر منسوب به امام عسکری، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیهم السلام، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۴۴. توحیدی، علیرضا، بررسی نقض حقوق اقلیت‌های دینی و شیعیان در نیجریه، نامه جامعه (فصلنامه)، قم، جامعه الزهراء، ش ۱۱۹، ۱۳۹۵ ش.
۴۵. جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ ق.
۴۶. حاجیلو، محمدعلی، بررسی ریشه‌های تاریخی تشیع در ایران، قم، مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶ ش.
۴۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۴۸. حرعاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۴۹. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۵۰. حسینی بهشتی، سید محمد، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، تهران، نشر بقیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش. «الف»
۵۱. حسینی بهشتی، سید محمد، پیامبری از نگاهی دیگر، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۵۲. حسینی بهشتی، سید محمد، روش برداشت از قرآن، تهران، نشر بقیه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش. «الف»
۵۳. حسینی بهشتی، سید محمد، سه گونه اسلام، تهران، نشر بقیه، ۱۳۸۵ ش. «ب»
۵۴. حسینی بهشتی، سید محمد، ولایت، امامت، روحانیت، تهران، نشر بقیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش. «ب»
۵۵. حکیم، سید تقی یوسف، مودة اهل البيت علیهم السلام و فضائلهم فی الكتاب و السنة، قم، مرکز الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۲۶ ق.
۵۶. حکیم، سید محمدباقر، دور اهل البيت علیهم السلام فی بناء الجماعة الصالحة، بی جا، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ق.
۵۷. حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۲ ش.
۵۸. حکیمیان، ابوالفتح، علویان طبرستان، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۶۸ ش.
۵۹. حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الأربعة، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۶۰. خاکپور، حسین، گونه‌شناسی کاربرد روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر روح المعانی، حسنا (فصلنامه)، قم، مؤسسه تفسیر و پژوهش قرآن رهپویان سید الشهداء، ش ۸، ۱۳۹۰ ش.
۶۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، تحقیق سید عبداللطیف

- حسينی کوهکمری، قم، انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.
۶۲. خواجه نصير طوسی، محمد بن محمد، تجريد الاعتقاد، تحقيق سيد محمد حسينی جلالی، قم، دفتر تبليغات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۶۳. دهخدا، علی اکبر و ديگران، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۶۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق صفوان عدنان داودی، بيروت، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۶۵. ربانی گلیایانی، علی، اهل بيت عليه السلام، دانشنامه کلام اسلامي، زیر نظر جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۶۶. رضایی، محمد، تاريخ تشيع در آذربايجان، قم، مؤسسه شيعه شناسی، ۱۳۸۵ش.
۶۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقبول في وجوه التأويل، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۶۸. سايت جامعة المصطفى العالمية، <http://www.miu.ac.ir>.
۶۹. سبحانی، جعفر، اهل البيت عليه السلام، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۲۰ق.
۷۰. سبحانی، جعفر، التوحيد والشرك في القرآن، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۷۱. سبحانی، جعفر، التوسل أو الاستغاثة بارواح المقدسة، بيروت، الدار الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۷۲. سهارنپوری، خليل احمد، المهندس علی المفنند، ترجمه عبد الرحمن سربازی، تحقيق محمد سليم آزاد، بی جا، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.
۷۳. سیوطی، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، کتابخانه آيت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۷۴. شافعی، محمد بن ادريس، ديوان الشافعی، بيروت، دار احیاء التراث العربي، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
۷۵. شوشتری، قاضي نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، کتابخانه آيت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۷۶. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، تهران، انتشارات اميد فردا، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۷۷. صدر، سيد محمدباقر، اهل البيت عليه السلام تنوع ادوار و وحدة هدف، بيروت، دار التعارف، بی تا.
۷۸. صدوق، محمد بن علی، الامالی، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۷۹. صدوق، محمد بن علی، التوحيد، تحقيق سيد هاشم حسينی تهرانی، قم، نشر اسلامي، چاپ

- اول، ۱۳۹۸ق.
۸۰. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۸۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۸۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۸۳. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۸۴. صفایی حائری، علی، درسهایی از انقلاب/دفتر دوم: تقیه، قم، انتشارات لیلة القدر، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۸۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۸۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۸۷. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۸۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۸۹. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، تحقیق عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۹۰. عابدی، حمید، پیامبر و ایرانیان، حدیث زندگی (فصلنامه)، قم، دار الحدیث، ش ۳۲، ۱۳۸۵ش.
۹۱. عرفان منش، جلیل، همگام با امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ش.
۹۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، بیروت، دار الکتب اللبنانی، چاپ اول، ۱۹۸۲م.
۹۳. فیروزآبادی، سید مرتضی حسینی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ سوم، ۱۳۹۳ق.
۹۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۹۵. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسین بن علی قمی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ش.
۹۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی،

- بی جا، دار الاسوة، ۱۴۱۶ق.
۹۷. کاشف الغطاء، محمدحسین، اصل الشيعة و اصولها، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۹۸. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۹۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۰۰. لکنهوی، میر حامد حسین، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار عليه السلام، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۱۰۱. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۱۰۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰۳. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۰۴. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۰۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۱۰۶. مظفر، محمدحسین، شیعہ در ایران، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ش.
۱۰۷. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق. «الف»
۱۰۸. مفید، محمد بن محمد، الامالی، تحقیق حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق. «ب»
۱۰۹. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق. «ج»
۱۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶ش.
۱۱۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۱۱۲. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب عليه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۱۱۳. هاشمی شافعی، محمدطاهر، مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه اهل سنت، به اهتمام سید ناصر حسینی میبیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.

تشکل



اسدالله بادامچیان^۱ (مؤلف)

فاطمه امانی توانی^۲ (مؤلف)

رجبعلی اسفندیار^۳ (مستول علمی)

تشکل؛ مجموعه‌ی سازمان‌یافته و نسبتاً پایدار سیاسی، مذهبی، صنفی، علمی و یا اجتماعی.

تشکل واژه‌ای عربی از باب «تفَعَّل» به معنای «صورت گرفتن» (دهخدا، ۱۳۷۳، ۵۹۱۴/۴؛ معین، ۱۳۷۶، ۱۰۸۷/۱؛ انوری، ۱۳۸۱، ۱۷۴۹/۳) و معادل formal organization به معنای «سازمان رسمی» است که در قالب آن، گروه یا تشکیلات اجتماعی برای هدف خاصی به وجود می‌آید و عضویت و عملکرد آنها بر اساس قوانین و مقررات رسمی و ساختار بوروکراتیک یا اداری است. (آقا بختی، ۱۳۸۳، ۲۵۱)

تشکل مطلوب، یک مجموعه منظم و نسبتاً پایدار از افرادی است که بر اساس آرمان، ایمان و نقطه‌نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند، تا زمینه را برای رشد اخلاق، کار دسته‌جمعی، رشد استعدادها، شناخت کادرها و تربیت آنها، تهیه برنامه‌ها و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند؛ (حسینی بهشتی، ۱۳۶۰، ۱۷-۱۸؛ همو، ۱۳۹۰، ۸۴/۶) بنابراین

۱. رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی
۳. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

«تشکل» مرحله‌ای از رشد و تعالی زندگی انسان است که فرد با عضویت در آن مهارت‌های لازم را برای مسئولیت‌پذیری به دست می‌آورد و از طریق یادگیری شیوه‌های زندگی تشکیلاتی و گروهی، با افراد مختلف جامعه ارتباط برقرار میکند و استعدادهای خود را شکوفا می‌سازد؛ لذا مفهوم تشکل اعم از حزب است و در واقع حزب نوعی خاص از تشکل است. (اردشیری

لاجیمی، ۱۳۸۶، ۹۶-۱۰۲)

تشکلها برحسب ضرورتها و نیازهای مختلف، موقعیتهای زمانی و مکانی، فرهنگ، اهداف و منافع مورد نظر و... با هم متفاوت هستند و بر اساس همین تفاوتها در شبکه‌بندی، ارتباطات و روابط با اعضا و با خارج از تشکل تغییر میکنند که این تغییرات بر اهداف و سیاستهای حاکم بر تشکل، اثرات خاصی می‌گذارند. (بادامچیان، ۱۳۷۱، ۵) توجه به تفکیک نقشها، رعایت سلسله مراتب و درعین حال حفظ یکپارچگی سیستمی، از نتایج و نشانه‌های وجود ساختار آگاهانه در تشکل و حزب است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۰۱/۶) تنوع تشکلها تابع محیطی است که در آن شکل گرفته‌اند. برخی از تشکلها مانند تشکلهای علمی، تربیتی، فرهنگی، جمعیت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی؛ فقط در یک بعد خاص به فعالیت می‌پردازند؛ و پاره‌ای از آنها با توجه به شرایط شکل‌گیری و محیط پیدایش خود به صورت علنی یا غیرعلنی به فعالیت می‌پردازند. (بیانونی، ۱۳۸۳، ۳۹-۴۰) مسئله‌ی «تشکل» با هر عنوانی مانند حزب، سازمان و دفتر، در هر نظام اجتماعی ضرورت دارد و در هر مرحله متناسب با آن مرحله، ابعاد آن وسیعتر یا محدودتر میشود. (حسینی بهشتی، ۱۳۶۰، ۴، همو، ۱۳۹۰، ۷۰/۶) تشکل‌های مختلف اجتماعی با سه عنصر «ساختار»، «کارویژه» و «اهداف» از یکدیگر متمایز می‌گردند و هر تشکلی را میتوان با این سه ویژگی از دیگر تشکلها باز شناخت. (ایوبی، ۱۳۸۲، ۴۹) در یک طبقه‌بندی کلی تشکلها را میتوان به ۵ دسته تقسیم کرد؛

تشکل سیاسی. این دسته از تشکلها مبتنی بر اهداف کسب، حفظ یا سهمی شدن در قدرت سیاسی و رسیدن به مقامهای دولتی یا تأثیرگذاری بر تصمیمات مقامات سیاسی تشکیل میشوند. (ایوبی، ۱۳۸۲، ۴۱-۴۲)

تشکل مذهبی. گروه‌هایی مردمی هستند که با میل خود و بدون درخواست مادی به آن روی می‌آورند و بر اساس باورها و ارزشهای دینی مردم شکل می‌گیرند. (کی‌منش، ۱۳۸۷، ۵)

هیئتهای مذهبی؛ تشکل دینی است که با ماهیت مردمی، امکان بسیج مردمی را فراهم نموده و به برگزاری مراسم در مناسبتهای مذهبی می‌پردازد و اخبار و اطلاعات را از طریق وعاظ و سخنرانی‌ها به مردم انتقال داده و موجب آگاهی انقلابی مردم میشود. (غفاری هشتجین، ۱۳۹۳، ۳۱-۳۲)

تشکلهای صنفی. تشکلهایی هستند که به منظور دفاع از حقوق صنفی اعضا، تثبیت این حقوق، ایجاد همدلی بین آنها، برنامه‌ریزی و هماهنگی فعالیت هنری و استفاده عادلانه از تسهیلات، امکانات و حمایت‌های دولتی ایجاد شده است. این تشکلهای عمدتاً به دو صورت هستند: تشکلهای خودجوش فاقد شخصیت حقوقی که به صورت گروه غیر رسمی فعالیت میکنند و معمولاً قابل احصا نیستند، تشکلهای رسمی و دارای مجوز که در واقع به عنوان میانجی بین مراجع رسمی و اعضای حوزه ذی‌ربط خود فعالیت میکنند. (فضاهای فرهنگی ایران، ۱۳۸۲، ۲۹)

تشکلهای علمی. تشکلهایی هستند که در حوزه مباحث علمی تعریف شده و غالباً در قالب‌های انجمن‌های علمی فعالیت میکنند و فعالیت آنها در مراکز علمی شامل برگزاری مراسم مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیون آزاد، برگزاری اردوهای فرهنگی، انتشار نشریات، موضع‌گیری‌های سیاسی در قالب بیانیه‌ها و بسیاری از فعالیتهای دیگر میباشد. (رک: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸)

تشکلهای اجتماعی. به تشکلهایی اطلاق میشود که با شخصیت حقوقی مستقل به صورت غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی، برای انجام فعالیتهای خود و در راستای اهداف اجتماعی، بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون و رعایت قوانین موضوعه و مفاد آئین‌نامه‌های اجرائی فعالیت میکنند. (آجرلو، ۱۳۹۴، ۱۳-۱۶)

تشکل در قالب هیئتهای مذهبی و صنفی سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. فعالیت گروه‌های سیاسی در ایران سابقه زیادی دارد و مشخصه اغلب این حرکت‌های سیاسی، نوعی مبارزه علیه وضع موجود بوده است؛ اما پیدایش گروه‌های سیاسی سازمان‌یافته و دارای تشکیلات منظم، اهداف و خط مشی معین در قالب احزاب و تشکلهای سیاسی به پایان جنگ جهانی دوم برمیگردد. (عرب عامری، ۱۳۷۸، ۲/۲۴۵)

تقریباً تمامی گروه‌ها و تشکیلات مخفی در ایران بر مبنای سه تفکر عمده در جامعه یعنی، اندیشه‌های چپ، اندیشه‌های لیبرالی- ناسیونالیسم، و تفکر مذهبی شکل گرفته است؛ این سه نوع تفکر نماینده سه جریان فکری عمده در ایران بودند و بر حرکت‌های فکری و سیاسی داخل کشور تأثیر فراوانی داشتند. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۸-۱۹)

جریان چپ و مارکسیسم. جریان فکری چپ بیشتر در عصر مشروطه و در پیوند با مشروطه‌طلبان و مبارزان ایرانی با انقلابیون قفقاز شکل گرفت. از این رو نخستین حرکت‌ها و تشکیلات سیاسی چپ در گیلان و آذربایجان و سپس در تهران و سایر نقاط شکل گرفت. پس از استقرار دیکتاتوری رضاخان این جریان در هسته‌های انقلابی و نیمه مخفی در برگیرنده‌ی گروهی از روشنفکران و تحصیل‌کردگان در اروپا و برخی کارگران و سایر اقلیت‌ها، جلوه‌گر شد. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵، ۳۳) از این میان تقی ارانی و جمعی از همفکران وی گروه معروف به ۵۳ نفر را تشکیل دادند و جریان چپ را تداوم بخشیدند و به خاطر فعالیت‌های کمونیستی توسط دولت رضاخان دستگیر و زندانی شدند. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۸) اما در مهر ماه ۱۳۲۰، بازماندگان گروه ۵۳ نفر به تشکیل نخستین حزب سراسری، فعال و فراگیر به نام حزب توده اقدام کردند. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۸؛ رک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵، ۳۴) حزب توده بیشتر با حمایت اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد و با استفاده از تجارب احزاب کمونیستی به سرعت رشد کرد و به دلیل مقابله با ملی شدن صنعت نفت، مبارزه با دکتر مصدق، دفاع از منافع شوروی و برخورد با عقاید اسلامی دچار بحران و انشعاب گردید. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۸)

جریان لیبرالیسم ملی و ناسیونالیسم. در حوزه شکل‌گیری اندیشه‌های ملی و ناسیونالیسم، اندیشه‌های مبتنی بر آزادی‌خواهی، سبب مطالبه حقوق فردی و اجتماعی و آزادی‌های اساسی، ایجاد مجلس ملی، ظهور تفکرات لیبرالی و ناسیونالیستی در هسته اصلی و جریان غالب انقلاب مشروطه بود. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵، ۳۲) نیروهای ملی و ناسیونالیسم، بقایای جریان مشروطه‌خواهی در ایران بود که در دوره رضاخان اغلب آنها مناصب سیاسی و اداری داشتند. احزاب وابسته به این جریان، در پی صنعتی شدن نفت، در سال ۱۳۲۹، اقدام به تشکیل جبهه ملی کردند. اکثر قریب به اتفاق این احزاب، بر اساس نوعی نگرش ناسیونالیستی دست به فعالیت سیاسی زدند و شماری از نیروهای مذهبی نیز به دلیل تنفر

و ترس از مارکسیسم از یک سو و نداشتن رهبری و یا اندیشه سیاسی اسلامی جایگزین، در این احزاب جمع شدند. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۹)

جریانهای مذهبی. در آغاز رها شدن از قید استبداد، شماری از نیروهای مذهبی در ارتباط و پیوند با مرجعیت تلاش خود را برای از بین بردن فضای ضد مذهبی جامعه آغاز کردند و اندکی بعد وارد عرصه سیاست شدند و تلاش کردند تا در روند کلی سیاسی کشور نیز مؤثر باشند. این فعالیتها در قالبهای مختلف سیاسی و براساس نوعی بازنگری فکری در مسائل مذهبی و ارتباط آنها با سیاست صورت گرفت. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۸) یکی از این جریانات و تشکلهای مذهبی وارد شده در سیاست، هیئتهای مذهبی بودند. اولین مراسم عزاداری از دوره آل بویه گزارش شده است. قدرت و پتانسیل نهفته در مجالس و مراسم شیعیان چنان بود که کم کم طمع سیاستمداران و حکام جاه طلب را برانگیخت و این مجالس طی فرایندی، از یک ابزار قدرتمند اعتراضی و عدالت خواهانه به ابزار سیاست بازی شاهانه مبدل گردید. به طوری که رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت با شرکت در مراسم عزاداریها و هیئتها برای کسب وجهه ملی و مذهبی خود تلاش میکرد و پس از رسیدن به سلطنت، تغییر رویه داد و به ممنوعیت این مراسم و دستجات اقدام نمود. در دوره پهلوی دوم و زمان محمدرضا شاه نیز این فرایند تکرار شد. اما ممنوعیت این تشکلهای مذهبی توسط شاهان ایرانی، با واکنش مردم و علما روبه رو شد به طوری که به صورت علنی و غیر علنی نسبت به برپایی این مراسم اقدام می نمودند. (رک: غفاری هشتجین، ۱۳۹۳، ۴۸-۶۸)

یکی از عناصر فعال فرهنگی در زمینه تأسیس و هدایت تشکلهای مذهبی، اتحادیه مسلمین (تشکل حاج مهدی سراج انصاری) بود که وی آثار متعددی در دفاع از دین نگاشت. ایشان علاوه بر آثار علمی، در کار ایجاد چندین تشکل و نشریه مذهبی فعال بود. جمعیت مبارزه با بی دینی در سال ۱۳۲۳ و اتحادیه مسلمین را در سال ۱۳۲۴ تشکیل داد. هدف این تشکل، ترویج اسلام و قرآن و مذهب جعفری و مبارزه با هرگونه بی دینی و خرافات بود (جعفریان، ۱۳۸۵، ۵۳-۶۰) و یکی از مهمترین فعالیتهای اتحادیه، پیگیری مسائل مربوط به فلسطین بود. (سعیدی، ۱۳۲۶، ۱۴۰۷)

هر یک از این سه جریان فکری با توجه به وابستگیها و علایق فکری و سیاسی خود

چندین نوع زایش تشکیلاتی و غیرتشکیلاتی داشته است که با نامهای مختلفی بروز یافته و به دنبال تمایلات رهبران آن و اندیشه‌هایی که وجود داشت در قالبهای مختلفی ظاهر شد. (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱۹) برخی از احزاب و تشکلهای سیاسی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر نداشتن پایگاه مردمی، وابستگی به بیگانگان و فرمایشی بودن، اقدامات آنها در راستای پراکندگی در جامعه و نفوذ بیگانگان بود و به همین خاطر در اندیشه امام خمینی، عملکرد آنها رویکردی منفی داشت، ایشان با انتقاد از فعالیت غیر مشروع احزاب در ایران معتقد بود که این تشکیلات و احزاب به دست دیگران و در خدمت به منافع کشورهای استعماری ایجاد شده است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۴/۵-۲۷۵) همانند پدید آمدن حزب رستاخیز و اعلام نظام تک‌حزبی، به دستور شاه که با تهدید، حبس، شکنجه، تبعید و محروم کردن از حقوق اجتماعی، مردم را وادار به پذیرش آن کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۲/۳) در پی ایجاد این حزب، بنیانگذار انقلاب اسلامی، اجبار در عضویت آن را دلیلی قاطع بر خفقان رژیم شاه دانست که قصد داشت مقاومت مردم در مقابل حکومت را به کلی سلب نماید. ایشان این حزب را مخالف اسلام و مصالح ملت دانست و شرکت در آن را بر عموم مردم ایران حرام اعلام کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۱/۳) در سالهای اولیه انقلاب نیز گروه زیادی اظهار وجود کردند و هر روز گروه و حزب تازه‌ای تشکیل میشد و هریک افراد زیادی را دور خود جمع میکردند و با اقدامات خود باعث تفرقه در بین مردم و آشوب در کشور میشدند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۲/۸) هر تشکل سیاسی فقط راه خودش را صحیح میدانست، در این میان، امام خمینی علیه السلام بر بقای انقلاب و استمرار نظام نوپای اسلامی تأکید و این اختلافات را عاملی در جهت تضعیف نیروهای انقلابی در برابر حامیان رژیم سلطنتی و ضدانقلاب دانست و تشکلات سیاسی را به حفظ وحدت فراخواند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۸/۵) مخالفت ایشان با حزب و حزب‌گرایی، به واسطه غیر مردمی و فرمایشی بودن آنها بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۴/۱-۳۸۶) از این رو، فعالیت احزاب و تشکلهای مردمی و اسلامی در صورتی که با عوارض و پیامدهای منفی و غیر مشروع همراه نگردد مانعی برای فعالیت آن وجود ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۴۰/۵)

جایگاه و مشروعیت تشکله

اساس هر کاری بر مبنای تشکیلات است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۴) جوامعی که تشکیلات قوی و منسجم دارند از موفقیت زیادی در زمینه‌های مختلف برخوردارند. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۶۵) وجود تشکیلات صحیح و کارآمد از ضروریات زندگی اجتماعی است، اگر توده مسلمانان در خط اسلام متشکل نباشند افراد جامعه، حول هر شخصیت و صاحب نفوذی گرد هم می‌آیند و باندهای خطرناک، فاقد تشکل و انضباط تشکیلاتی را به وجود می‌آورند؛ لذا وجود تشکیلات مشروع و کارآمد برای وحدت جامعه ضروری است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۰۳/۶-۱۰۴)

در اندیشه سیاسی شیعه تشکلهای سیاسی نیز همانند سایر احکام و موضوعات سیاسی ذیل ارزشهای عام و چهارچوب نهادی و ساختاری جامعه و دولت اسلامی مشروعیت می‌یابد، از این رو هیچ فعالیت سیاسی نمیتواند مغایر موازین اسلامی باشد (رک: فیرحی، ۱۳۷۸، ۲۹۷-۳۱۴) از آنجا که مبنای مشروعیت سیاسی نظام حاکم بر جامعه اسلامی، انطباق با مبانی اسلامی است، مشروعیت یک تشکل هم تابع قواعد و قوانینی است که در این چهارچوب تصویب شده و مشروعیت یافته باشد. در اندیشه انقلاب اسلامی امامت و ولایت، محور و مبنای مشروعیت نظام تلقی میشود، لذا مشروعیت تشکلهای سیاسی بر مدار رهبری تشکله است که هم تشکیلات را تعیین و هم ویژگی آنها را بیان میکند. تشکیلات در نظام امامت و امت باید بر محور حق باشد و در نظام امامت کسی نمیتواند ویژگی تشکیلات را خود تعیین کند. از این رو تشکل به عنوان مجموعه‌ای سازمان یافته از انسانهای معتقد به نظام امامت که در هر موردی امام تصمیم میگیرد و دلسوزانه آن را اجرا میکنند، در طول امامت است؛ (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۳۳-۲۳۵) بنابراین مشروعیت هر تشکلی بر پایه ایمان، اعتقاد به خدا، اسلام، اعتقاد به امامت، ضرورت اطاعت از امام و همچنین بر پایه رعایت مرزهایی است که برای تقسیم مسئولیت در قانون اساسی مشخص شده است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۳۵)

تشکل و حزب مطلوب

بنیاد شکل‌دهنده تشکل و احزاب سیاسی، در نظام سیاسی مبتنی بر تعالیم دینی، متفاوت از نظام‌های سیاسی سکولار است. در انقلاب اسلامی نیز به‌عنوان انقلابی که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، احزاب و تشکلهای سیاسی ضمن در بر گرفتن سلاقی مختلف بر پایه ارزشهای الهی شکل گرفته‌اند. در نظام اسلامی نمیتوان مبنای شکل‌گیری تشکلهای و احزاب را محصور در منافع مادی دانست. عدالت‌خواهی و حق‌طلبی مبنای رفتار اجتماعی و سیاسی تشکلهای و احزاب در نظام اسلام و اندیشه انقلاب اسلامی است. از این رو احزاب و تشکلهای مطلوب، احزاب و تشکلهایی الهی هستند که هدف آنها کسب رضایت پروردگار است؛ با توجه به مبانی و عملکرد احزاب و تشکلهای، حجاب (غفلت و نفاق)، مانع تشخیص احزاب و تشکلهای الهی از احزاب و تشکلهای شیطانی میشود که با رفع آن میتوان به سمت حزب و تشکل مطلوب که همان حزب و تشکل الهی است حرکت کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۱۹۱-۱۹۴) در اندیشه انقلاب اسلامی، مهمترین شاخصهای تشکل مطلوب عبارت‌اند از:

پایبندی به آرمانهای انقلاب

یکی از ویژگیهای تشکل مطلوب التزام با آرمانهای انقلاب، تهذیب نفس، اصول اخلاقی و مبنا و هدف قرار دادن بنیانهای انقلاب است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۲/۱۳۷۷) تشکل مطلوب، مجموعه‌ای دارای هدف، آرمان و احساس است. چنین تشکلی بیان میکند که متعلق به محیطی برخاسته از عناصر ارزشمندی همانند پاکي، صداقت، انرژی و آرمان‌گرایی در یک فضای اسلامی-انقلابی است که تمامی خصوصیات این مجموعه را باید حفظ کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۹/۱/۱۳۸۷) از این رو احزاب و تشکلهای سیاسی باید با شناسایی و آموزش آرمانهای ایدئولوژیک در جامعه اسلامی را غنا بخشند و با استفاده به روز از دانش بشری در چهارچوب استقلال ارزشی و ایدئولوژیک در راستای تحقق ساحت مدنی و فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه اسلامی گام بردارند و به نهادینه کردن رفتار سیاسی مطلوب در سطوح فردی و جمعی کمک نمایند. (رها، ۱۳۸۴، ۲۷۹-۲۸۰)

ایدئولوژی و خط مشی مشترک

داشتن ایدئولوژی مشترک، اساسی‌ترین اصل و مبنای تشکل اسلامی است و در واقع تبیین‌کننده‌ی عقاید و باورهای افراد است. اما صرف داشتن ایدئولوژی برای تشکل کافی نیست بلکه برنامه و خط مشی و نقطه نظرهای مشترک، نقش مهمی در شکل‌گیری تشکل دارد و بدون وجود این نقاط مشترک، مردم با هم متشکل نمی‌شوند. (قاسمی خرم آبادی، ۱۳۶۱، ۱۳۹) تشکل بدون هدف و بدون برنامه‌ریزی ماندگار نخواهد بود و اگر تشکلی هم با چنین خصوصیات شکل گیرد، چندان تداوم نخواهد داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۷)

صداقت در بیان اندیشه و پرهیز از عوام فریبی تشکیلاتی

رفتار سیاسی حاکم بر تشکلهای باید بر مبنای صداقت باشد. برخی از تشکلهای و احزاب بر اساس ریا و تظاهر و مردم فریبی عمل میکنند. تشکلهای و گروههای سیاسی با هر اندیشه و عملکردی باید مواضع عقیدتی، سیاسی و اجتماعی خود را در برابر نهادهای حاکم شفاف و صریح بیان کنند. همچنین رقابت، میان تشکلهای باید بر مبنای سازندگی باشد نه بر مبنای طرد و تخریب. اشتراک میان خطوط اصلی باعث میشود اعضای تشکلهای در سطحی گسترده‌تر با رهبری مورد قبول اعضا گرد هم آیند تا تشکل بزرگتری را شکل دهند و قانون اساسی را زمینه اصلی حرکت خود قرار دهند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۰۴/۶-۱۱۱) حرکت یک تشکل برای آنکه در سطح وسیع به ثمر برسد نیازمند امامت و رهبری است و اتحاد و همسویی نیروها در پرتو رهبری واحد به پیروزی میرسد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۳۵-۲۳۶) برخورداری از رهبری مورد اعتماد و داشتن آرمانهای تجسم‌دهنده‌ی خواسته‌های عموم مردم از معیارهای شایستگی یک تشکل است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۳۵) همچنین معیارهای شایستگی و لیاقت تشکیلاتی که پس از پیروزی، هدایت مردم را بر عهده دارند نداشتن سوابق مشکوک، تقوا، صداقت و درستی در عمل است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۴۰-۲۴۲) امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۳۵) انجام درست یک کار دسته‌جمعی جز با صداقت و همدلی اعضای آن امکانپذیر نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۲۰) تعاون و مشارکت همگانی خصلت تفکیک‌ناپذیر زندگی اجتماعی است و در فعالیتهای سیاسی تشکلهای و گروههای سیاسی اصل مهمی است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ۵۲)

حاکمیت اراده جمعی و پرهیز از استبداد رأی

اصل مهم در یک تشکل مطلوب، گرفتن تصمیمات بر مبنای اراده جمعی همه اعضای تشکل است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۳۷) هر مجموعه و تشکلی دارای تفکر سیاسی و اجتماعی خاص خود است؛ ولی در عین حال تشکلهای میتوانند به نقد سازنده و به دور از تضعیف یکدیگر بپردازند؛ چرا که چالش علمی و فکری برای رشد و پیشرفت سودمند است. استحکام ساخت داخلی تشکل اهمیت زیادی دارد. استحکام ساختار داخلی یک مجموعه و تشکل مانع از اختلاف سلیقه در انجام فعالیت میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای،

(۱۳۸۲/۷/۲۲)

شناسایی استعدادها

اینکه استعدادها را چگونه باید شناخت و بعد از شناخت چگونه باید آن را پرورش داد یکی از مسائل مهم در هر جامعه است. هدف تشکل، شناخت و پرورش استعدادها در یک جامعه است. کشف استعدادها در یک جامعه و میدان دادن به شکوفایی آن از طریق ایجاد تشکل نیازمند تشکیلات نیرومند، هماهنگ، خلاق و منسجم به جهت رشد و شکوفایی استعدادها است. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۱۶-۱۱۷) در فعالیتهای حزبی بعد از بارور شدن استعدادها در داخل تشکیلات، یک حزب تلاش میکند این استعدادها را سریعتر به میدان عمل اجتماعی هدایت کند تا زودتر به عمل سازنده برسد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۶/۱۱۴-۱۱۵) در یک سازمان تشکیلاتی بدون مقام پرستی و انحصارطلبی، اعضای تشکل، خود زمینه عمل و فعالیت را در دست خواهند گرفت. در این راستا شناسایی استعدادهاى افراد باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که امکانات شکوفایی را از نظام دریافت کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۶۱، «ب»،

۲۴: همو، ۱۳۹۰، ۶/۱۱۵)

اصول انضباطی تشکیلات

اصل مهمی که اعضای تشکیلات باید به‌عنوان یک اصل غیرقابل تغییر قبول کنند این است که هر فرد عضو تشکل تا حدی استقلال و فردیت خود را از دست میدهد تا

تشکل به مطلوبیت خود برسد. سه اصل بنیادین حاکم بر انضباط تشکیلاتی؛ شامل توجه به ویژگیهای افراد مسئول، آزادی انتقاد از رهبران و مسئولیت طبقه آگاه تر است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۱۳۱-۱۳۶)

همدلی و همکاری

در یک کار دسته جمعی به لحاظ تشکیلاتی، اصل مهم، همدلی و همکاری اعضای تشکل است که در غیر این صورت کار آنها به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. مسئله همدلی و همکاری، مسئولیت داشتن و مشورت مستمر در یک مجموعه و تشکل، امری بسیار مهم است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۰۱/۶-۱۰۲) اصل مهم دیگری که در یک تشکل باید رعایت شود این است در صورت متفاوت بودن دیدگاه افراد نسبت به هم، کسی که عضو تشکل است حق بیان نظر شخصی خود را ندارد بلکه باید تابع رأی و نظر جمع باشد و در نهایت، نظر رسمی آن گروه و تشکل بیان شده و ملاک عمل قرار گیرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۱۲۹-۱۳۱)

حفظ منافع و مصالح ملی

خداوند در قرآن فرموده است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً». (آل عمران، ۱۰۳) «هر اجتماعی مطلوب نیست، «واعتصموا بحبل الله» مطلوب است». (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۴/۸) در این آیه بر اجتماع و تشکل مطلوب که لازمه آن وحدت است تأکید شده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۳۰) قرآن انسانها را علی‌رغم تفاوت‌های گوناگونی که بین آنها حکم فرماست به مجموعه‌ای همگرا و متشکل به سوی امتی واحد دعوت میکند. بر این اساس وحدت و یکپارچگی شکل مطلوب جامعه بشری است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ۴۲) در وضعیتی که کشور نیازمند وحدت و اتحاد کلمه است، تفرقه به عنوان یکی از آفات عملکرد احزاب نامطلوب است. در دوران قبل از انقلاب احزابی همانند حزب توده، حزب دمکرات و حزب رستاخیز که نشأت گرفته از بیگانگان بودند احزاب غیر مطلوبی بودند که مخالف وحدت و منافع ملی تلقی میشدند. لذا امام خمینی علیه السلام بارها در سخنان خود احزاب را به وحدت و رعایت مصالح جامعه اسلامی دعوت میکردند. ایشان افراد را دعوت به حزب الله و حزب

مستضعفان نموده که احزاب جهان شمول قرآنی هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۱/۹) دعوت به تشکیل چنین احزابی، به معنای مخالفت با تأسیس و عملکرد سایر احزاب سالم و کارآمد در راستای اهداف دینی و ملی نبوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۹)

رقابت سیاسی احزاب و تشکله‌ها

رقابت سیاسی به فعالیتهای سیاسی هر یک از تشکله‌ها برای دستیابی به جایگاه و اهداف خود و پیش افتادن از گروه‌های رقیب گفته میشود. در کشورهای غربی رقابت سیاسی صرفاً برای دستیابی به قدرت و حکومت است. اما در نظام اسلامی رقابت سیاسی برای رسیدن صرفاً به قدرت، دارای مشروعیت نیست؛ (بادامچیان، ۱۳۸۱، ۶۸/۲) چرا که در اسلام، سیاست، اداره جامعه در سیرالی الله و در صراط مستقیم الهی قرار گرفتن است. از این رو جایی برای سیاست مآبی، قدرت طلبی و حکومت خواهی باقی نمی ماند که در آن افراد یا گروه‌های سیاسی به جنگ قدرت بپردازند. (بادامچیان، ۱۳۸۱، ۶۹/۲) رقابت سیاسی در اسلام در خیرات است نه قدرت صرف، در قرآن خداوند مسلمانان را دعوت به مسابقه در خیرات میکند «فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ». (بقره، ۱۴۸) هدف غایی و آرمانی رقابت سیاسی در نظام دینی رسیدن به قدرت برای تأمین منافع توده‌های مسلمان است لذا رقابت سیاسی نباید نفع‌کننده منافع و مصالح ملت باشد. در صورت تعارض منافع حزب با مصالح ملی، اولویت و اصالت با منافع ملی است. (بادامچیان، ۱۳۸۱، ۶۹/۲) از این رو تشکله‌ها و احزاب سیاسی در صورتی میتوانند به کارآمدی نظام سیاسی کمک نمایند که رقابت را در چهارچوب منافع ملی تعریف نمایند. (بادامچیان، ۱۳۸۱، ۷۰/۲)

اختلاف نظر و رقابت در ماهیت احزاب و تشکله‌ها همواره وجود داشته است. هر تشکل و حزبی دارای اهداف، تفکر و برنامه‌های راهبردی و راهکارهای مورد نیاز اعضا و طرفداران خود است که با دیگر احزاب و تشکله‌ها تفاوت دارد و این تنوع افکار و تفاوت دیدگاه در نظریات و برنامه‌ها امری طبیعی است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۷-۱۷۸) با وجود نظرات و تفکرات مختلف در جامعه و لزوم پذیرش این تکثر از سوی جناحها، اعتقاد به تفکر انحصارگرایانه برای جامعه مضر است، اگر کسی یا گروهی در فکر حذف یا تخریب دیگران

برآید پیش از ضربه زدن به رقبای خود به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۹/۲۱)

بنابراین در رقابت سیاسی سالم، از مواردی که به ارکان نظام و اعتقاد مردم آسیب وارد می‌سازد پرهیز میشود. (بادامچیان، ۱۳۸۱، ۷۴/۲) بهترین شکل ادامه‌ی یک نظام اجتماعی این است که در عین ثبات، تحول داشته باشد. ثبات یعنی استقرار و چهارچوبی که در جای خود محفوظ و ریشه‌دار باشد؛ در عین حال در داخل این چهارچوب، مسابقه و رقابت وجود داشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۶) مهمترین اصل در یک رقابت سیاسی سالم این است که مبتنی بر قانون اساسی و خط بنیانگذار انقلاب اسلامی باشد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۶) افراد در رقابت سیاسی با احترام و کرامت انسانی با یکدیگر رفتار نمایند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹) و در میدان رقابت صادقانه و بر مبنای خدمت عمل کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۱۶) صداقت، احترام متقابل و عدم تخریب یکدیگر، ضرورت ایجاد جبهه‌ای متشکل از همه گروه‌ها و التزام به قانون اساسی سه اصل مهمی است که تشکلها و احزاب در رقابت سیاسی باید رعایت کنند. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۸۰-۸۳؛ همو، ۱۳۹۰، ۱۱۱/۶)

مبانی و اصول رقابت سیاسی احزاب و تشکلها

مبانی و اصول رقابت میان تشکلها و احزاب در هر نظام سیاسی بسته به مبانی فکری و ارزشی حاکم بر آن متفاوت میباشد، در نظام سیاسی اسلام که بر پایه مبانی، اصول فکری و ارزشهای اسلامی شکل گرفته است، فعالیت و رقابت سیاسی تشکلها و احزاب باید به‌عنوان بخشی از مجموعه نظام در چهارچوب نظام ارزشی اسلام صورت بگیرد که در اینجا به برخی از این مبانی اشاره میشود.

رقابت سیاسی در چهارچوب نظام

در اندیشه‌ی اسلامی با توجه به کثرت و تنوع دیدگاه‌ها و پذیرش اصل اختلاف به لحاظ نظری، رقابت سیاسی در چهارچوب نظام مورد قبول است. بهترین شکل ادامه‌ی یک نظام اجتماعی این است که در عین ثبات، تحول داشته باشد. یعنی این چهارچوب در جای

خود محفوظ ولی در عین حال در داخل این چهارچوب، تحولات، مسابقات و رقابتها وجود داشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۶) بنابراین همه‌ی تحولات باید در چهارچوب باشد به‌عنوان مثال اگر کسی وارد میدان رقابت انتخاباتی شود، اگر بخواهد چهارچوب نظام را بشکند، از قاعده‌ی نظام خارج شده است، باید همه چیز در چهارچوب نظام باشد و این چهارچوب، قابل تغییر نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۶) مهمترین اصل رقابت سیاسی مبتنی بودن بر قانون اساسی و خط بنیان‌گذار انقلاب است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۶) افراد در رقابت سیاسی باید با احترام و کرامت انسانی با یکدیگر رفتار نمایند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹) و در میدان رقابت صادقانه و بر مبنای خدمت عمل کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۱۶)

قانون‌مداری

یکی از مبانی رقابت سیاسی سالم، توجه به قوانین و مبنا قرار دادن آن توسط تشکلهای، احزاب و گروه‌های سیاسی است. قانونمندی و قاعده‌مندی رفتارهای سیاسی و از جمله رقابت‌های سیاسی نقش مهمی در ایجاد فضای رقابت سیاسی سالم دارد. احزاب و گروه‌های سیاسی با رعایت چهارچوبهای مشخص شده در قوانین و مقررات کشور گام مهمی در جهت فراهم نمودن رقابت سیاسی سالم برخواهند داشت. امام خمینی علیه‌السلام وجود قانون را برای تدبیر و اداره امور کشور ضروری دانسته و گفتار و عمل در مرز قانون توسط دولت و ملت را سبب رفع اختلافات میدانست، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۸/۱۴) زیرا قانون و قانونگذاری اصولاً مقدمه‌ای برای اجرای عدالت و پرهیز از ظلم و تبعیض است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۵/۹) ایشان بر ضرورت پایبندی به قوانین و مقررات تأکید داشت هرچند برخلاف رأی فرد باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۷/۱۴)

اخلاق‌مداری

توجه به اخلاق و هنجارهای اخلاقی و ارزشی در رقابت سیاسی موجب میشود که رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی از حالت تخریبی فاصله گرفته و در مسیر رقابتی سازنده و سالم قرار بگیرد. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم میفرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛

تشکل / ۲۸۷

به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۰/۱۶)

تشکل اسلامی باید شرایط و اصول اخلاقی را رعایت کند و وسیله‌ای برای بیشتر انجام دادن مسئولیتها و خودسازی انسانها باشد و پاسداری از ارزشها، یاری مردم، صداقت، رقابت در جهت خیرات و نیکیها مورد توجه قرار گیرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۸۴/۶، ۱۱۱، ۱۲۵-۱۲۷)

توجه به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی

هر تشکلی خط مشی خاصی را برای خود ترسیم میکند. مهمترین مبانی حاکم بر رقابت در آموزه‌های اسلامی و آیات و روایات، بر مبنای رقابت در خیرات مورد تشویق است و اسلام برای دستیابی به اهداف، نهادینه کردن این اصل رفتاری را در جامعه در همه نظامهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی لازم میداند، (میرمعزی، ۱۳۸۷، ۱۱-۱۲) برخلاف نظام سرمایه‌داری غرب که رقابت به مفهوم کوشش برای پیروزی بر رقیب در دستیابی به امتیازات، آزادی فردی، مالکیت خصوصی و پیگیری منافع شخصی است. (میرمعزی، ۱۳۸۷، ۸)

در آیات قرآن به رقابت در خیرات امر شده است «فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ»، (بقره، ۱۴۸) و در برخی از آیات هم سبقت جستن در خیرات از صفت‌های مؤمنان شمرده شده است. (مؤمنون، ۵۷-۶۱)

خیرات همان مصالح فرد و جامعه به سوی سعادت است و جامعه سعادت‌مند جامعه‌ای است که در آن، شرایط لازم برای حرکت همه افراد به سوی سعادت فراهم آمده باشد. (میرمعزی، ۱۳۸۷، ۱۱۳)

پایه همه خیرات در جامعه، تقوا است یعنی هرکس بین خود و خدا سعی کند از جاده صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۱۶)

توجه به اصول و مبانی ارزشی اسلامی و انقلابی نظام از سوی تشکلهای، احزاب و جریانهای سیاسی و رقابت در چهارچوب آن، زمینه‌ساز رقابت سالم و صحیح خواهد بود.

تألیف قلوب و تلاش برای از بین بردن تفرقه

در رقابت میان احزاب و تشکلهای مهمترین عامل که رضایت خداوند را نیز به همراه دارد، تألیف قلوب و تلاش برای از بین بردن تفرقه و نزدیکی مواضع احزاب و جریانها نسبت به یکدیگر است و در این میان باید از ایجاد تفرقه‌افکنی نسبت به هم به شدت پرهیز نمود

و با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابت میان تشکلهای را از هرگونه انحراف و افراط و تفریط دور نگهداشت. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۲۱).

وحدت و همدلی

وحدت گروه‌ها و نهادها یک تکلیف الهی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۳/۳) وحدت و انسجام تشکلهای باعث می‌شود هیچ گروه و جریانی نتواند در مقابل آن قیام کند. در مرحله بازسازی و سازندگی نیاز بیشتری به وحدت و برادری میان همه اقشار و تشکیلات است. دشمن همواره تلاش می‌کند میان اقشار مختلف، احزاب و جبهه‌ها رقابت ناسالم ایجاد کند که نتوانند یک جامعه واحد بر مبنای اسلام ایجاد کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۲۱) در این میان تشکلهای سیاسی باید در تمام فعالیتها، اخلاص و یکسویی را در برابر خداوند مدنظر داشته، و از منافع شخصی و فردی دور باشند و در فعالیتها با همدیگر همکاری و تعاون مستحکمی داشته باشند، برتری جویی و فخرفروشی را در میان خود درمان کرده و خودخواهی و خودپسندی موجود میان خود را اصلاح نمایند. (بیانوفی، ۱۳۸۳، ۸۳-۸۴)

محدوده مجاز فعالیت تشکلهای

فعالیت احزاب و تشکلهای سیاسی بر پایه قوانینی است که در قانون اساسی هرکشوری مقرر شده است. طبق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. نیز هیچ کسی را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. با توجه به این اصل قانون اساسی، محدوده‌ی مجاز فعالیت احزاب و تشکلهای، مقید و مشروط به اصولی است که قانونگذار صریح و شفاف آن را بیان کرده است؛ بنابراین احزابی که تحت لوای حکومت اسلامی و از روی صداقت و ایمان به خدا در مسیر عقیده‌ی خود حرکت میکنند از نظر اسلام مورد قبول و فعالیت آنها مجاز است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۹۲/۲۴-۱۹۳) در این ارتباط، اصل بر وجود تشکلهای و رقابت سیاسی نهادمند است که در اندیشه و عملکرد

سیاسی رهبران انقلاب مشاهده میکنیم به طوری که اهمیت فراوان فعالیت‌های تشکیلاتی در جامعه و تجلی زندگی سیاسی- اجتماعی آنان در محدوده مجاز فعالیت تشکلهای تأییدکننده آن عملکرد سیاسی است. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۸۲-۸۵)

محدوده‌ی مجاز فعالیت تشکلهای و احزاب، مطلوبیت و عدم مطلوبیت ناشی از ایده و کارویژه‌ی آنها است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۳/۱۷) احزابی که دارای ایده‌ی اسلامی باشند و در عرصه‌ی فعالیت سیاسی، چهارچوب مقررات شرعی را رعایت کنند، مجاز به فعالیت میباشند؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۳/۱۷-۱۹۴) براین اساس طرح تشکیل حزب مستضعفان با هدف تشکیل جبهه‌ای واحد از امت اسلامی ارائه گردید تا مانع تفرقه و تشتت میان تشکلهای و احزاب سیاسی و عاملی برای حفظ وحدت و اتحاد تمام مسلمانان با هر ملیت و نژادی باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۰/۹-۲۸۱) ایده اسلام و تعالیم دینی به عنوان مبنای حزب و دفاع از اسلام و مستضعفان به عنوان یکی از کارویژه‌ها مورد توجه بوده است؛ (سجادی، ۱۳۸۲، ۲۱۸) از این رو محدوده مجاز فعالیت احزاب و تشکلهای سیاسی در انقلاب اسلامی در سه حوزه‌ی مضر نبودن فعالیت آنها، عدم خرابکاری در امور سیاسی و عدم خیانت به کشور و ملت است و در دیگر موارد محدودیتی برای فعالیت احزاب نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۷/۹: ۱۶۴/۵-۲۹۸)

بنابراین با توجه به اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت تشکلهای و جریان‌های سیاسی مشروط به عدم نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی است؛ از این رو بیان و اظهار عقیده غیر از تشنج‌آفرینی است و در این زمینه دستگاه‌ها موظف هستند که در مقابل ناآرامی‌ها بایستند و آن را مورد تعقیب قانونی و سیاسی قرار دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۲/۱۸) آزادی‌ای که موجب گمراهی و رکود افکار باشد، سبب عقب‌گرد جامعه میشود و این امر هیچ‌گاه مورد قبول جامعه نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۲/۱۸) آزادی سیاسی اعطاشده به تشکلهای سیاسی اذعان‌کننده‌ی پذیرش اصل و اساس تشکلهای میباشد. هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزاد است و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۶/۴)

رسالت تشکله‌ها و احزاب

در اندیشه سیاسی اسلام، بر انجام برخی از امور به عنوان رسالت تشکله‌ها و احزاب تأکید و توصیه شده است. برای نمونه، نقد و نظارت بر قدرت سیاسی، ارشاد و نصیحت افراد نسبت به همدیگر و نسبت به حاکمیت (امر به معروف و نهی از منکر)، آموزش و تربیت نیروهای سیاسی برای دستیابی و تأمین قدرت سیاسی و امثال آن در متون دینی تأکید شده است. در این نگرش تشکله‌ها باید خیرخواه بوده و عملکرد آنها آهنگ عبادت و خدمت برای مردم و نظام جمهوری اسلامی داشته باشد و در انجام وظایف خود باید طوری عمل نمایند که آزادی انسانها حفظ شود. (قاسمی خرم آبادی، ۱۳۶۱، ۱۹۱) با توجه به دیدگاه اسلام و انقلاب مواردی که به عنوان رسالت احزاب و تشکله‌ها مطرح است عبارت‌اند از:

سوق دادن جامعه به سوی آرمانهای انقلاب

برخورداری از رهبری قابل اعتماد و داشتن شعارها و آرمانهایی که کاملاً تأمین‌کننده‌ی خواسته‌های عموم مردم باشد، از معیارهای ضروری و اولیه برای یک تشکل منسجم و هدفمند است. شناختن درست هویت جامعه‌ی ایرانی و آرمانهای اساسی آنها در ابعاد مادی و معنوی، تقوا و صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره‌ی امور و استقامت در مبارزه برای عقیده، از شرایط اساسی هدایت مردم است، که نشان‌دهنده شایستگی و لیاقت گروه‌هایی است که هدایت مردم به عهده‌ی آنها است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۳۵)

تربیت و کادرسازی

در تشکل مطلوب، بزرگان و رؤسا نقش بسترسازی، جهت‌دهی و پشتیبانی اعضا را بر عهده دارند. برخلاف احزاب، در تشکله‌ها گردش مناسب قدرت و مدیریت را میتوان مشاهده کرد. یک تشکل مطلوب، هم وسعت دید در تشخیص رسالت و مأموریت و هم امکان واقعی به‌کارگیری انبوه مخاطبان و اعضا را در تمامی طول سال داراست. (مرکز فرهنگی، ۲۹، ۱۳۹۲) خدمت کردن به مردم و مفید بودن به حال کشور، ترمیم نابسامانی‌ها و خرابیها از

جمله وظایف تشکل است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۲۶۶)

یک کادر برجسته و لایق، لزوماً افرادی نیستند که دوره‌ی خاصی را گذرانده باشند؛ بلکه کسانی هستند که هدف را درست تشخیص داده و به موقع، اقدام به انجام کاری میکنند؛ لذا امام خمینی در همان سالهای اولیه شروع مبارزات خود اقدام به تربیت و کادرسازی نیروهای انقلابی کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

ارائه برنامه برای پیشرفت نظام

لازمه‌ی فعالیت احزاب و تشکلهای داشتن یک برنامه مشخص برای انجام فعالیت است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۳/۳) هر تشکلی که بر مبنای برنامه‌ریزی باشد کارایی آن ماندگارتر خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷)

کسب مهارت برای مسئولیت‌پذیری

مهمترین وظیفه یک تشکل اسلامی-انقلابی این است که فضای جامعه را برای ورود افراد به سمت مهارتهای اجتماعی فراهم نماید، تا آنها با ورود به جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. در این میان خود افراد جامعه نیز باید در هر رشته و حرفه‌ای که هستند مهارتهای لازم را داشته باشند؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) بنابراین برای یک تشکل مطلوب، اولین گام تمرین کار گروهی در خانواده و سپس عضویت و فعالیت در تشکلهای اسلامی مدارس و دانشگاه‌ها است و سومین مرحله وارد شدن در حزبی که به تعبیر قرآن «حزب الله» است و در نهایت ورود به عرصه مدیریت و رهبری جامعه است. (مرکز فرهنگی، ۱۳۹۲، ۳۱)

آموزش و آگاه‌سازی سیاسی

مبنای فعالیت تشکلهای در جهت آموزش سیاسی مردم برای مسئولیت‌پذیری در دو سطح قابل ارزیابی است؛ اول، آموزش در سطح عمومی که از طریق نشریات و رسانه‌های گروهی، اهداف، آرمانها و برنامه‌های خود را به مردم القا میکنند و دوم، آموزش در سطح خصوصی است که در این سطح به آموزش افراد و اعضای حزب می‌پردازند تا آنها را برای

مناصب مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به‌طورکلی رهبری جامعه آماده کنند. (برائلی پور، ۱۳۸۹، ۳۲۶) این آموزشها با برگزاری کلاس در حوزه‌های سازنده در ابعاد عقیدتی و دادن آگاهی ثمربخش در حوزه‌های ایدئولوژیک و سیاسی همراه است؛ (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۲۵/۶-۱۲۹) در اندیشه امام خمینی علیه السلام نیز بر حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی مانند انتخابات و به دست گرفتن اداره‌ی سرنوشت خود و به موازات آن، رشد و ارتقای آگاهی‌های سیاسی تأکید زیادی شده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۳/۳) انتخابات مظهر حضور فعال و پرشور و زنده‌ی مردم در عرصه‌ی سیاسی کشور است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۲۲) با توجه به اهمیت انتخابات و مسئولیت اجتماعی افراد در تعیین سرنوشت خود، افزایش آگاهی‌ها و آموزش سیاسی مردم باید به صورت جدی صورت گیرد و در این میان تشکلهای سیاسی و احزاب نقش بسزایی در فرآیند آگاه‌سازی مردم دارند.

فراهم‌سازی بستری مناسب برای رقابت سالم

انتخابات یکی از بسترهای ویژه ایفای رسالت تشکلهای سیاسی است، که به‌عنوان یک جریان فکری منسجم در انتخاب کارگزاران از جایگاه خاصی برخوردار است. برای احزاب و تشکلهای سیاسی، سهم بودن در قدرت سیاسی به مثابه یک حق به رسمیت شناخته شده است و اعمال آن در جوامع گوناگون و زمانهای مختلف به شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۷/۱۸-۳۶۸) رقابت سیاسی میان تشکلهای احزاب نباید برای امور دنیوی باشد؛ بلکه رقابت باید در خدمتگزاری به مردم باشد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱) چرا که رقابت مشروع و مقبول، فقط رقابت برای خدمت کردن به مردم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱)

در نظامهای انتخاباتی متناسب با نظام حزبی، تشکلهای سیاسی میتوانند با ارائه برنامه‌های خود، اعتماد عمومی را جلب و با ارائه فهرستی، مردم را در شناسایی افراد نخبه، مؤمن و متعهد یاری رسانند؛ هرچند مردم در انتخابات آزادند و هیچ مقام و حزبی نمیتواند نظرات خود را به کسی تحمیل کند. اما نمیتوان بدون شناخت و تحقیق به کسی رأی داد؛ لذا تشکلهای میتوانند زمینه این شناخت صحیح را فراهم کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۷/۱۸)

سازماندهی و همسویی

تشکلها به عنوان فرایندی سازمان بخش در تشکیل نیروها و سازماندهی افراد جایگاه خاصی را در مبارزات سیاسی جوامع به خود اختصاص میدهند. آنها نیروهای فکری و مادی پراکنده جامعه را سامان داده و به سوی اهداف مورد نظر، بسیج می سازند. انضباط و ساماندهی نیروهای فکری که از طریق آموزش سیاسی افراد صورت میگیرد تشکیل حکومت اسلامی را فراهم میکند. (سجادی، ۱۳۸۲، ۱۹۱) سازماندهی تشکلها، ابزاری برای دستیابی بهتر به اهداف نظام است. سازمان یابی نیروهای سیاسی به مثابه یک واقعیت غیر قابل انکار است. اما در این راستا، احزاب و تشکلها با توجه به اهدافی که دارند مورد پذیرش یا انکار قرار می گیرند. در این فرض، سازمان یابی گروه های اعتقادی و سیاسی، زمانی امکانپذیر است که خطوط قرمز نظام اسلامی را رعایت کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۱۴۷-۱۴۹) به طور کلی کار سازماندهی شده، با حفظ انضباط دقیق، رعایت اخلاص و با توکل به خدا میتواند تأثیرات بزرگی داشته باشد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸)

هماهنگی و وحدت با سایر تشکلها

تشکلها علاوه بر رسالتی که خود در جامعه و نظام اسلامی دارند نسبت به تشکیلات دیگر نیز مسئولیت و وظایفی دارند که برخی از این وظایف عبارت است از؛ شناخت صحیح نسبت به همدیگر، همکاری در برنامه های آموزشی، تربیتی، اجتماعی، عمرانی و هر برنامه سازنده دیگر، تذکر، نصیحت و یادآوری های لازم و آگاه کردن نسبت به نواقص یکدیگر و برطرف کردن موانع آن. (رک: آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳) تشکلها، همواره باید توجه داشته باشند که رمز رسیدن به پیروزی، وحدت با یکدیگر است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۷/۸/۸) یکی از راه های دوری از تفرقه و درعین حال حفظ استقلال تشکلها ایجاد فضای گفتگو و تعامل است. تشکلها و احزاب همسو تلاش میکنند تا جبهه ی متحد را در بین خود ایجاد کنند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۲۳۸-۲۳۹)

مدیریت و نظارت

هریک از تشکلهای، نیازمند به رهبر و مدیر می‌باشند که در حوزه‌ی مدیریتی خود بتواند با شکل دادن نیروهای فعال و همفکر و بارور کردن استعدادها و نیروهای بالقوه آنها، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ و پرتوان را به وجود آورد تا با به تحرک در آوردن نیروها در جهت سیاسی و اجتماعی مشخص، طبق اصول و ضوابط تعیین شده، آنها را از انحراف دور ساخته و سبب قوت و تدام آن گردد. (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۱، ۳۶۹-۳۷۰)

نقش تشکلهای در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی

در دوران مبارزات انقلاب اسلامی هر یک از تشکلهای مذهبی، سیاسی و صنفی به شکل‌های گوناگونی ظهور کردند و افرادی از قشرهای مختلف در این تشکلهای شرکت کرده و با رهبران و ارکان انقلاب همکاری میکردند. در این میان برخی از تشکلهای در شکل‌گیری انقلاب، برخی در پیروزی و بعضی از آنها در استمرار آن نقش داشتند. در شکل‌گیری انقلاب بیشتر، تشکلهای و هیئتهای مردمی-مذهبی نقش پررنگ داشتند. در واقع هیئتهای مذهبی با توجه به قدمت و سابقه طولانی علاوه بر حفظ کارکردهای سنتی، کارکردهای جدیدی نیز در طول دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. این تشکلهای صرفاً کارکرد مذهبی نداشتند؛ بلکه کم و بیش دارای گرایشات سیاسی بودند. برخی از تشکلهای همسوی که نقش پررنگی در پیروزی انقلاب داشتند عبارت‌اند از:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

جامعه مدرسین، به طور رسمی در سال ۱۳۴۱، همزمان با طرح لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی آغاز به کار کرد. این تشکل سیاسی از نخستین روزهای شروع مبارزات انقلاب اسلامی تا زمان پیروزی و تثبیت نظام، در تمام مراحل انقلاب اسلامی حضور داشت. (صالح، ۱۳۸۵، ۴۹/۱) جامعه مدرسین یکی از جریانهای مهم مذهبی-سیاسی در طول سالهای نهضت از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷، بود که اصالت مذهبی و غیرالتقاطی بودن از امتیازات آن محسوب

میشد. افراد این جریان به لحاظ جایگاه اجتماعی و حوزوی، از جایگاه قابل توجهی در جامعه مذهبی ایران برخوردار بودند و قرار گرفتن تعدادی از آنها در کنار هم و ارائه‌ی موضع مشترک در قالب یک تشکل و جریان، به صورت طبیعی تأثیر و نفوذ اجتماعی آنها را بیشتر میکرد. (صالح، ۱۳۸۵، ۷۷/۱-۷۸) بخشی از فعالیتهای کلی جامعه مدرسین حوزه علمیه در طول انقلاب اسلامی شامل؛ تشکیل جلسه و بحث و تبادل نظر در مسائل مختلف و تصمیم‌گیری در موارد لازم، تهیه و تنظیم و انتشار اعلامیه، ارتباط با مردم مناطق مختلف کشور و ایراد سخنرانیهای مذهبی-سیاسی، ارتباط و هماهنگی با علما و مراجع تقلید، تعطیل کردن (هدفمند) حوزه، برگزاری مجالس و برپایی تجمع و تحصن و راه‌پیمایی در موارد لازم میباشد. (صالح، ۱۳۸۵، ۵۸/۱-۵۹) از این رو، امام خمینی ره جامعه مدرسین را همگام و برپاکننده‌ی انقلاب دانسته (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۷) و از نقش مهم و تأثیرگذار آن در افشای رژیم پهلوی و تلاشهای علمی و مبارزات سیاسی آن تقدیر کرد. (امام خمینی، صحیفه امام،

۶۱۵-۶۱۶/۲۱)

پس از پیروزی انقلاب، امام بر نقش جامعه مدرسین بر استمرار سیره علمی و فقهی گذشتگان در تربیت شاگردان و تهذیب نفس توصیه کرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۴/۱۹-۱۳۵) علاوه بر آن، جامعه مدرسین را به همکاری با شورای عالی تبلیغات اسلامی (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۰/۱۶-۳۷۱) و حمایت از دولت و مجلس فراخواند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۴/۱۹) ایشان با توجه به نقش فراگیر علمی، فرهنگی، سیاسی و تبلیغی این جریان تأثیرگذار، به اعضای این تشکل، هشدار دادند که مراقب باشند تا انقلاب اسلامی به سرنوشت نهضت مشروطیت دچار نگردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۴۱۱: ۳۰۴/۱۹) سپس برای هماهنگی میان طلاب و جامعه مدرسین، به طلاب علوم دینی سفارش کردند برای رهایی از اسلام آمریکایی، جذب جامعه مدرسین شوند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۷-۲۸۸)

جامعه مدرسین با توجه به استعداد، علم، تقوا و همچنین بن‌مایه‌های فقهاتی اعضای آن، نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب داشت. شاهد بر این مطلب، تعیین وظایفی برای آن چون استفاده از نیروی ابتکار و خلاقیت به منظور بهره‌گیری از میراث عظیم فنی و علمی، به‌کارگیری ابزارها و روشهای متداول علمی برای پیشرفت، اولویت‌بندی اهداف

و برنامه‌ریزی متناسب با آن، حفظ ارزشهای انقلاب و میدان ندادن به دشمن، استخراج احکام الهی از منابع آن برای تدوین مقررات اسلامی، نظم و انضباط و برخورداری از اشخاص با نفوذ و اندیشمندان جهت تحول نظام‌مند، است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴)

جامعه روحانیت مبارز

این تشکل از ابتدای تشکیل تاکنون در تحولات کشور تأثیر بسیار مهم و سرنوشت‌سازی داشته است. جامعه روحانیت مبارز، در سال ۱۳۵۶ توسط برخی از شخصیت‌های برجسته روحانی همچون شهید مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتاح، دکتر باهنر، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و... تشکیل شد. (داری، ۱۳۸۸، ۱۸۶-۱۸۹؛ مجتبی‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۹۰) هدف از تشکیل آن، حمایت و دفاع همه‌جانبه از انقلاب اسلامی، التزام به اصل ولایت فقیه، حمایت و دفاع از نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی ارکان آن و حفاظت از اصول و موازین شرع مقدس اسلام معرفی شده که این اهداف در راستای نقش رهبری روحانیت و با تأکید بر اصل همراهی دین و سیاست در نظام سیاسی کشور قرار دارد. جامعه روحانیت مبارز نقش مهمی در تحکیم رهبری روحانیت در جریان گسترش انقلاب ایفا نمود. این تشکیلات از طریق شهید مطهری و دکتر بهشتی با امام در ارتباط بود، و علاوه بر مشاوره با امام، نقش بازوی اجرایی انقلاب را بر عهده داشت. برپایی تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها، اعلام عزای ملی و تعطیل عمومی، ایجاد و برنامه‌ریزی کمیته تنظیم اعتصابات و... بخشی از فعالیت‌های جامعه روحانیت مبارز بوده است. با تشکیل شورای انقلاب، اعضای آن را شش نفر از مؤسسين و پایه‌گذاران جامعه روحانیت تشکیل دادند. با استعفای دولت موقت و تا تشکیل کابینه دولت، مقرر شد که هر یک از اعضای شورای انقلاب، سرپرستی یک یا چند نهاد و وزارت‌خانه را عهده‌دار شود. (مجتبی‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۹۰-۱۹۲؛ داری، ۱۳۸۸، ۱۸۶-۱۹۳)

هیئت‌های مؤتلفه اسلامی

هیئت مؤتلفه‌ی اسلامی پس از فاجعه پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۱، «مقدمه») با ائتلاف سه گروه مسجد شیخ علی، جبهه مسلمان آزاده و گروه اصفهانی‌های

مقیم مرکز به پیشنهاد مهدی عراقی شکل گرفت. (شادلو، ۱۳۷۹، ۱۵۷؛ دارابی، ۱۳۸۸، ۲۲۹) امام خمینی علیه السلام این سه تشکل سیاسی را با یکدیگر آشنا و مرتبط ساخت. (رک: بادامچیان، ۱۳۶۲، ۳۵) پس از تشکیل هیئتهای مؤتلفه اسلامی، شهید مطهری از سوی امام خمینی به همراه چند تن دیگر از شخصیتهای روحانی عهده‌دار رهبری این هیئتها گردید. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۰/۱، «مقدمه») این تشکل، با هدف ساختن جامعه‌ی اسلامی و پاسداری از ارزشها و انقلاب اسلامی شکل گرفت (شناسنامه تشکلهای، ۱۳۷۷، ۵۴) و پس از تبعید امام خمینی علیه السلام به ترکیه، تلاش کرد از صورت تعلیمی و ایدئولوژی خارج شده و به صورت یک سازمان سیاسی- نظامی به فعالیت خود ادامه دهد. (مدنی، ۱۳۷۸، ۱۳۰/۲-۱۳۱) این تشکیلات اسلامی، با سازمان دهی مردم و هیئتهای مذهبی برای شرکت در راه‌پیمایی‌ها و اعتصابات، در پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشت و پس از پیروزی انقلاب نیز در خط امام و انقلاب باقی ماند. (عیوضی، ۱۳۹۵، ۸۸)

انجمنهای اسلامی دانشجویان داخل و خارج از کشور

این انجمنها به منظور دفاع از اندیشه‌های مذهبی و اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی در دانشگاه و خرافه‌زدایی از برخی باورهای نادرست، فعالیت خود را شروع کرد و در جریان ملی کردن صنعت نفت و نهضت مقاومت ملی به فعالیتهای سیاسی روی آورد. (کریمان، ۱۳۸۱، ۲۱۳) پیدایش انجمنهای اسلامی در دانشگاه‌ها محصول احساس صادقانه افراد انقلابی بود (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۵/۱) و هدف آن به دست گرفتن قدرت و حکومت نبود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴) بلکه این تشکلهای فرصتی برای کار دسته‌جمعی دانشجویان و کسب مهارتهای گوناگون در زمینه‌ی مسائل سیاسی، اجتماعی است. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۸۷/۹/۲۴)

با آغاز نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۱ و مطرح شدن مسئله انجمنهای ایالتی و ولایتی، دانشجویان امام خمینی علیه السلام را به‌عنوان مرجع و رهبر برای مبارزات سیاسی خود در نظر گرفتند که در تداوم نهضت اسلامی ایران و پیشگیری از انحراف حرکت‌های دانشجویی

نقش مهمی داشت. (رک: روحانی، ۱۳۷۶، ۶۵۴/۲)

در راستای مبارزات سیاسی نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی و تبعید ایشان، دانشجویان خارج از کشور، طی نشست‌های در بهمن ۱۳۴۴، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا (گروه فارسی زبان) را با همکاری سید محمد حسینی بهشتی تشکیل دادند. (زیباکلام، ۱۳۷۸، ۳۰۱) فعالیت سیاسی اتحادیه، با صدور اطلاعیه‌های متعدد به منظور آشکار شدن حقایق، آگاهی دادن به مردم و دعوت به مبارزه، برگزاری تظاهرات و اعتصاب غذا گسترش یافت. (قاسملو، ۱۳۸۹، ۱۱۲)

باتوجه به اینکه در اساسنامه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا بر تقویت و توسعه انجمنهای اسلامی دانشجویان در سراسر جهان تأکید شده بود، (قاسملو، ۱۳۸۹، ۴۵) راهکار عملی امام خمینی برای تنظیم فعالیتهای اتحادیه ایجاد پایگاهی اسلامی برای معرفی و نشر حقایق اسلام بود تا با آشکار کردن مکاتب منحرف جوانان دانشگاهی را با مکتب اسلام آشنا سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۲۴) نقطه اوج ایفای نقش تشکیلات دانشجویی، حرکت شجاعانه تعدادی از دانشجویان در آبان ماه ۱۳۵۸، تحت عنوان دانشجویان پیرو خط امام در تصرف لانه جاسوسی آمریکا بود که بازتاب گسترده بین‌المللی را به همراه داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۹۳) بنابراین تشکلهای دانشجویی فرصتی برای انجام کار دسته‌جمعی دانشجویان و نجات از گردابهای مختلف (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴) و همچنین گسترش و تعمیق درک اسلامی و روحیه‌ی ایمانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۵/۱۰)

حزب جمهوری اسلامی

در میان تشکلهای سیاسی، حزب جمهوری اسلامی، در استمرار انقلاب نقش بیشتری داشت. اعضای مؤسس این حزب شامل سید محمد حسینی بهشتی، سید علی خامنه‌ای، محمد جواد باهنر، اکبر هاشمی رفسنجانی و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی بودند. (کاوشی، ۱۳۸۶، ۵۷)

مهمترین اهداف حزب شامل انتقال تفکرات صحیح دینی و تحلیلهای درست سیاسی به اعماق جامعه، تبیین انقلاب و تشریح چگونگی ایجاد یک نظام اسلامی،

استمرار بخشیدن شور مبارزه در میان مردم و حفظ وحدت آنان و آموزش دادن این مفاهیم به جوانان، تشویق جوانان به انضباط حزبی و آماده ساختن آنها برای حضور در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳، ۲، ۹ (۱۳۶۳/۱۱/۲۶)) مهمترین خط مشی حزب، تأکید بر تداوم و گسترش انقلاب اسلامی، التزام به همبستگی همه نیروهای مبارز مسلمان معتقد به ولایت فقیه، خودداری از هر نوع وابستگی و گرایش به گروه‌های مخالف اسلامی و استفاده از همه‌ی شیوه‌های مبارزه و سازندگی با معیارهای اسلامی بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳، ۲، ۹ (۱۳۶۳/۱۱/۲۹)) حزب جمهوری اسلامی از زمان تأسیس تا هنگامی که منحل شد تأثیرگذارترین حزب در صحنه‌ی سیاسی - اجتماعی ایران بود. برخی از کارکردهای سیاسی - اجتماعی این حزب در سالهای بعد از انقلاب اسلامی عبارت بود از:

۱. کمک به برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در دهم فروردین ۱۳۵۸،
۲. معرفی نامزدهای واجد صلاحیت به مردم در انتخابات مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی با تأکید بر اصل یکصد و دهم آن (ولایت فقیه، اختیارات و مسئولیتهای ولی فقیه)،
۳. کمک به برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی،
۴. شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی،
۵. مقابله با ضد انقلاب و شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی،
۶. حمایت از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در حادثه اشغال لانه جاسوسی،
۷. تصویب اصول قانون اساسی به ویژه اصول اقتصادی، قضایی و اصل ولایت فقیه.

(رک: حسینی بهشتی، ۱۳۶۱ «الف»، ۹۹۵؛ همو، بی تا، ۱-۲۰)

علاوه بر این تشکلهای، تشکلهای دیگری چون انجمن تبلیغات اسلامی، اتحادیه مسلمین، نهضت خدایپرستان سوسیالیست، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمنهای اسلامی در سراسر کشور و شوراهای مردمی روستاها و شهرها با گرایش کم و بیش سیاسی، در پیروزی انقلاب ایفای نقش نمودند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تشکل و تجمّع سازماندهی شده و هدفمند برای رسیدن به هدفی مشترک، از اموری است که همواره در طول تاریخ، سیره‌ی عقلا بر آن اتفاق نظر داشته‌است. امروزه وجود تشکیلات صحیح و کارآمد از ضروریات زندگی اجتماعی است و تشکل مرحله‌ای از رشد و تعالی زندگی انسان است که فرد با عضویت در آن مهارت‌های لازم را برای مسئولیت‌پذیری به دست می‌آورد و از طریق یادگیری شیوه‌های زندگی تشکیلاتی و گروهی، با افراد مختلف جامعه ارتباط برقرار میکند و استعداد‌های خود را شکوفا می‌سازد.

تشکلهای مختلف اجتماعی با سه عنصر ساختار، کارویژه و اهداف از یکدیگر متمایز می‌گردند و هر تشکلی را میتوان با این سه ویژگی از دیگر تشکلهای باز شناخت. در یک طبقه‌بندی کلی تشکلهای را میتوان به تشکلهای مذهبی، سیاسی و صنفی تقسیم‌بندی کرد و تقریباً تمامی گروه‌ها و تشکیلات مخفی در ایران بر مبنای سه تفکر عمده در جامعه یعنی، اندیشه‌های چپ، ناسیونالیسم و گروه‌های مذهبی مطرح گردیده است. این سه نوع تفکر نماینده سه جریان فکری عمده محیط ایران بودند و بر حرکت‌های فکری و سیاسی داخل کشور تأثیر عمده‌ای داشتند. پایه مشروعیت هر تشکلی بر مبنای ایمان، اعتقاد به خدا، اسلام، اعتقاد به امامت، ضرورت اطاعت از امام و همچنین بر پایه رعایت مرزهایی است که برای تقسیم مسئولیت در قانون اساسی مشخص شده است.

معیار خط مشی کلی تشکلهای از جهان بینی و اصول اعتقادات آنها سرچشمه می‌گیرد و هر تشکلی خط مشی خاصی را برای خود ترسیم میکند. مهمترین مبنای حاکم بر رقابت در آموزه‌های اسلامی و آیات و روایات، بر مبنای رقابت در خیرات مورد تشویق است و اسلام برای دستیابی به اهداف، نهادینه کردن این اصل رفتاری را در جامعه در همه نظامهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی لازم میدانند. طبق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ بنابراین با توجه به دیدگاه اسلام و انقلاب وظایف

تشکل / ۳۰۱

تشکلها عمدتاً در سه حوزه آموزش، تربیت و سازماندهی است. در دوران مبارزات انقلاب اسلامی تشکل‌های مذهبی، سیاسی و صنفی هر کدام به شکل‌های مختلفی ظهور کردند. و افرادی از قشرهای مختلف در این تشکلها شرکت کرده و با عناصر انقلابی همکاری میکردند، در این میان برخی از تشکلها در شکل‌گیری انقلاب، برخی در پیروزی و بعضی از این تشکلها در استمرار انقلاب نقش داشتند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آجرلو، اسماعیل، منصوریان، مصطفی، فرایند حقوقی تأسیس سازمانهای مردم‌نهاد و فعالیت آن در عرصه بین‌الملل، تهران، سازمان بسیج حقوق دانان، ۱۳۹۴ ش.
۳. آقا بخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۴. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، پیام دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در ششمین سالگرد تأسیس حزب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۶. آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. اردشیری لاجیمی، حسن، رهیافت ۵ (گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی)، قم، دفتر عقل، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۸. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. ایوبی، حجت‌الله، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. بادامچیان، اسدالله، انواع تشکل و تشکل‌خداایی، تهران، بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. بادامچیان، اسدالله، بررسی‌های اجمالی پیرامون رقابتهای سیاسی و اثرات آن به امنیت ملی، رقابتها و چالشهای سیاسی در ایران امروز (مجموعه مقالات)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

۱۳. بادامچیان، اسدالله، بنائی، علی، هیئتهای مؤتلفه اسلامی، تهران، انتشارات اوج، ۱۳۶۲ش.
۱۴. براتعلی پور، مهدی، بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسئله تحزب، تهران، نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۵. بیانونی، محمد ابوالفتح، آسیب‌شناسی جنبشهای اسلامی: تحلیلی پیرامون گونه‌گونی و نقاط اشتراک تشکلهای اسلامی، ترجمه عبدالغنی براهویی، تهران، احسان، ۱۳۸۳ش.
۱۶. جعفریان، رسول، جریانها و سازمانهای مذهبی- سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، با اصلاحات و افزوده‌ها)، قم، مؤلف، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش.
۱۷. حسینی بهشتی، سید محمد، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، تهران، نشر بقعه، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۱۸. حسینی بهشتی، سید محمد، ارزش تشکل برای دانشجو (سخنرانی و پرسش و پاسخ به سؤالات توسط شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی)، تهران، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰ش.
۱۹. حسینی بهشتی، سید محمد، بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی (گزیده گفتارها و نوشتارهای سمینار تبیین اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی، دانشگاه شیراز، ۱ و ۲ دی ۱۳۷۶)، تهران، چاپ اول، نشر بقعه، ۱۳۷۷ش.
۲۰. حسینی بهشتی، سید محمد، جاودانه تاریخ (آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، گفتارها)، تهران، سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۲۱. حسینی بهشتی، سید محمد، حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفتگوها، نوشتارها)، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
۲۲. حسینی بهشتی، سید محمد، شهید بهشتی اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ، تهران، انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ش. «الف»
۲۳. حسینی بهشتی، سید محمد، عملکرد یک‌ساله حزب جمهوری اسلامی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۴. حسینی بهشتی، سید محمد، نقش تشکیلات در پیشبرد انقلاب اسلامی، تهران، ستاد برگزاری هفتم تیر، چاپ اول، ۱۳۶۱ش. «ب»
۲۵. دارابی، علی، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر و دیگران، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۲۷. رها، مجید، نقش احزاب و تشکلهای سیاسی در رفتار سیاسی مطلوب، اندیشه انقلاب اسلامی

- (فصلنامه)، ش ۱۳ و ۱۴، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. زیباکلام، صادق، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۳۰. سجادی، سید عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۳۱. سعیدی، سید غلامرضا، فلسطین مظلوم ضجه می‌کشد، آئین اسلام، ش ۱۷۹، ۱۳۲۶ ش.
۳۲. شادلو، عباس، اطلاعاتی درباره احزاب و جناحهای سیاسی ایران امروز، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. شناسنامه تشکلهای و احزاب سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات کمیل، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیین‌نامه تشکلهای اسلامی دانشگاهیان، ۱۳۷۸ ش.
۳۵. صالح، سید محسن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (فعالیتها ۱۳۴۱-۱۳۵۷)، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۳۶. عرب عامری، احمد، پیشینه تاریخی، سرشت و خاستگاه احزاب در ایران، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران، انتشارات همشهری، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۳۷. عمید زنجانی، عباسعلی، گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، کتاب طوبی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. عیوضی، محمدرحیم، هراتی، محمدجواد، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۹۵ ش.
۳۹. غفاری هشتجین، زاهد، هیئتهای مذهبی و انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. فضاهاى فرهنگى ایران، آمارنامه مجتمعهای فرهنگی و تشکلهای صنفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۴۱. فیرحی، داوود، مبانی تحزب در مذهب شیعه، یاد (فصلنامه)، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ش ۵۳ تا ۵۶، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. قاسملو، اکبر، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور به روایت اسناد، تهران،

- انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش
۴۳. قاسمی خرم آبادی، سید فرید، یادنامه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر محمد حسینی بهشتی، قم، انتشارات قدس، ۱۳۶۱ش.
۴۴. کاوشی، حسین، حزب جمهوری اسلامی از تأسیس تا فاجعه هفتم تیر، تهران، انتشارات دفاع، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۴۵. کریمیان، علیرضا، جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۴۶. کی‌منش، خسرو، مدیریت در تشکلهای دینی، خیمه (ماهنامه)، تهران، مرکز مطالعات راهبردی خیمه، ش ۴۹-۵۰، ۱۳۸۷ش.
۴۷. مجتبی زاده، علی، لیالی، محمدعلی، جریان‌شناسی سیاسی (نگاهی به احزاب، گروه‌ها و جریانهای سیاسی در ایران معاصر)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۹. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.
۵۰. مدیر شانه‌چی، محسن، احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیستها، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۵۱. مرکز فرهنگی، قالب شکل (درسنامه تشکل اسلامی)، مرکز فرهنگی-تبلیغی آینده‌سازان، قم، امام عصر عجل الله تعالی فرجه، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.
۵۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۵۴. میرمعزی، سید حسین، رقابت و تعاون در نگرش اسلامی، اقتصاد اسلامی (فصلنامه)، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۲۹، ۱۳۸۷ش.

توحید

سید علی احمدی^۱ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۲ (مسنول علمی)

توحید؛ اعتقاد به یگانگی خداوند، نفی طاغوت و تعهد به نقش محوری آن در زندگی فردی و اجتماعی.

«توحید» در لغت برگرفته از ماده «وح د» باب تفعیل به معنای «یکی قرار دادن» است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۸۱/۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۹۸/۵-۳۰۰) و کاربرد آن در اینجا یا برای مبالغه و به معنای «قرار دادن در غایت وحدت و نهایت بساطت» است یا به جهت نسبت؛ یعنی «نسبت دادن به وحدانیت». (امام خمینی، بی تا «ج»، ۶۵۰)

«توحید» در اصطلاح کلامی به معنای «یکی دانستن خداوند» است (رک: طوسی، ۱۴۱۴، ۱۰۳؛ قمی، ۱۴۱۵، ۶۷/۱) که مشتمل بر یکی دانستن در ذات، آفرینش، تدبیر عالم و معبود بودن است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ۱۷۴؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۵، ۱۱؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۹۰-۱۹۱) و لازمه‌ی آن اقرار به وحدانیت، ربوبیت و نفی شریک و مثل برای خداوند است. (جرجانی، ۱۴۱۲، ۳۱) حقیقت توحید در اصطلاح عرفان از کثرت به وحدت رفتن، همه‌ی اغیار را به حق تعالی نسبت دادن و جهات کثرت را در وحدت حقیقی مستهلک دیدن است. (کاشانی، ۱۳۸۰، ۶۱۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۰، ۹۳) براساس این دیدگاه در عالم هستی تنها یک چیز اصالت داشته و یک مرکز قدرت و حیات

۱. مدیر گروه فلسفه و عرفان دانشنامه امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام

۲. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وجود دارد که خداست و تمام جهان با همه‌ی پدیده‌های خود، محتاج اوست و در برابر او خاضع است. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۸۹، ۱۹۵) توحید مبنای اصلی آزادی انسان و نقطه‌ی قانونی باورهای اسلامی است. توحید عبارت است از اعتقاد به خدا، و کفر به طاغوت؛ «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ»؛ (بقره، ۲۵۶) کفر به طاغوت ضروری است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳) از این رو جامعه‌ای که دارای اعتقاد توحیدی باشد، زیر بار طاغوت و غیر حق نمی‌رود.

همه‌ی ادیان الهی (تحریف نشده)، در اصل توحید اشتراک داشته و منادی توحیدند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۸/۱۷) انبیای الهی فرستاده شدند تا توحید و عدالت را در جامعه پیاده کرده (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۸/۱۷) و انسانها را از اطاعت غیر خدا و شریک قرار دادن برای او نهی کرده و با بت پرستی مبارزه کنند. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۵۲/۱۸) البته بعضی از پیروان ادیان، از توحید تفسیر تحریف شده‌ای ارائه میکنند که با «تعدد آلهه» نیز منافاتی نداشته باشد؛ مانند مسیحیت که دچار «تثلیث» شده و با اعتقاد به اقانیم ثلاثه؛ «اب، ابن، روح القدس» خداوند را در جوهریگانه و در اقنوم - به معنای اصل - سه دانسته‌اند و معتقد شدند ذات خداوند با اقنوم وجود، اب و با اقنوم علم، ابن و با اقنوم حیات، روح القدس است و اقنوم علم در عیسی پسر یگانه خداوند تجسد یافته است؛ (امام خمینی، بی تا «د»، ۱۷) و نیز مجوس که دو مبدأ برای عالم قائل شدند یکی نور و یزدان و دیگری ظلمت و اهرمن که خوبیها را به یزدان و بدیها و شرور را به اهرمن نسبت دادند. (مقدس، بی تا، ۸۸/۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۳۰۷؛ امام خمینی، بی تا «د»، ۱۱) البته برخی از آنان مانند کیومرثیه، اهرمن را از فکر بد نور که یزدان است، حادث می‌دانند؛ (امام خمینی، بی تا «د»، ۱۱) هرچند در تعلیمات زرتشت عبادت ارواح خبیثه نهی شده و در پرستش ارواح طیبه نیز به پرستش ذات یگانه توصیه شده که یک نوع توحید عبادی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۹۸/۴) فرقه‌ای دیگر از مجوس مزدکیه بودند که به دو اصل قدیم قائل بودند (فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۳۱۰) و معتقد بودند خداوند در عالم بالا بر کرسی نشسته و در پیشگاه او چهار قوه است که آنها با هفت چیز عالم را تدبیر میکنند. (امام خمینی، بی تا «د»، ۱۲) البته هیچ یک از این باورها در اسلام راه ندارد و معارف اسلام، معارف آسمانی و بر اساس عقلانیت است.

قرآن کریم در آیاتی متعدد در احتجاج با مشرکان دلایلی بر توحید بیان کرده است؛ (انبیاء، ۲۲؛ مؤمنون، ۹۱) در نهج البلاغه نیز امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر آغاز بسیاری از خطبه‌ها با تأکید بر وحدانیت خداوند، بعضی از خطبه‌ها را به توحید و خداشناسی اختصاص داده است. (نهج البلاغه، خطبه ۱ (۳۹-۴۵)، ۱۸۳ (۲۶۵-۲۶۸)، ۱۹۵ (۳۰۸-۳۱۰))

متکلمان بحثهای علمی بسیاری در این باره مطرح کرده‌اند، در مذهب شیعه شیخ مفید را میتوان از نخستین متکلمانی دانست که در روشنگری اصل توحید و جدا کردن آن از مکاتبی چون معتزله تلاش کرده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱/۲۸، ۱۳۷۲) قرآن کریم، با بهترین بیان و رساترین شیوه مباحث توحیدی را ضمن صدها آیه برای عموم مطرح کرده است که بر اساس آن میتوان به راحتی شناخت که موحد کیست و زندگی توحیدی چگونه است. از این رو توجه به قرآن ضروری است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۲۳-۲۲۴) قرآن کریم جامع حقایق و دقایقی از توحید است که عقول اهل معرفت در آن متحیر می‌مانند (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۶۳-۲۶۴) و مقایسه بین قرآن و تصنیفات سایر ادیان نشان‌دهنده اوج عظمت معارف توحیدی در آن است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۶۴)

جایگاه توحید

توحید اصل همه عقاید مسلمانان بوده و مبنای فکری، اعتقادی و اجتماعی آنان را تشکیل میدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹) قرآن کریم همه ادیان را به سوی وحدت کلمه زیر لوای شعار توحید دعوت میکند که شعار مشترک همه ادیان الهی است (آل عمران، ۶۴) و در آیات بسیاری بر وحدانیت خداوند تأکید کرده (آل عمران، ۱۸؛ مائده، ۷۳؛ انبیاء، ۲۲؛ مؤمنون، ۹۱؛ اخلاص، ۱؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳۳، ۱۹۱؛ هود، بی تا «ج»، ۱۸۵) و در برابر کفار و مشرکان بر توحید، اقامه برهان میکند. (مؤمنون، ۹۱) در روایات نیز توحید از اصول دین به شمار آمده و کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که نماد توحید است بسیار بزرگ و با اهمیت شمرده شده است به گونه‌ای که اگر کسی آن را با اخلاص بگوید مستحق بهشت میشود. (صدوق، ۱۳۶۲، ۲۳) در همه مذاهب اسلامی توحید از اصول دین شمرده میشود؛ که انکار آن موجب خروج از اسلام است. (قی، ۱۴۱۵، ۲۷۸/۳) توحید در اسلام دارای ابعاد و مظاهر مختلفی است، مثلاً توحید در زمینه‌ی مسئولیت

انسان در برابر خداوند، در زمینه‌ی تکالیف مردم، در زمینه‌ی حکومت و روابط اجتماعی و سعادت جامعه نقش دارد (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۱۳) یا اینکه اکثر فروع ایمانی، معارف الهی، اوصاف کامل روحی و صفات نورانی قلبی از توحید منشعب می‌شود؛ (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۸۹) حتی دعوت به دیگر معارف اسلامی و دعوت به تهذیب نفس در حقیقت به توحید بازمی‌گردد و مقصد قرآن و تصفیه‌ی عقول و تزکیه‌ی نفوس نیز برای نیل به مقصد اعلی یعنی توحید است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۱) و همه اعمال خارجی و فرامین اخلاقی مقدمه‌ی معارف الهی است که خود مقدمه دستیابی به توحید است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۵۷-۵۸) چنانکه نهایت سیر و سلوک عرفانی توحید است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۰۵) انسان موحد، تنها خداوند را عامل مستقل تأثیرگذار در عالم می‌داند و معتقد است همه قدرتها و فاعلها از ناحیه‌ی اوست. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۷۱-۱۷۲) و این را تفضل و کرامتی از سوی خداوند می‌داند که به توحید روی آورده و تنها او را عبادت کند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۱) چنین شخصی هیچ‌گاه احساس نیاز به غیر حق نمی‌کند، از این جهت همه مقاصد انبیا دعوت به معرفت الله و توحید معرفی شده است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۰/۸) البته علم توحید به تنهایی کافی نیست بلکه همه علوم واسطه عمل هستند (امام خمینی، بی تا «ب»، ۴۷۳/۳) و اعتقاد و ایمان به توحید مسئولیت‌آور است و انسان را از پرستش غیر و شرک و طاغوت باز می‌دارد و این اصل بر همه شئون جامعه سایه می‌افکند و این نگرش زمینه‌ساز اصل و مبنای انقلاب اسلامی ایران بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵)

اقسام توحید

توحید دارای اقسامی است که عبارت‌اند از: توحید ذات، توحید صفات و توحید افعال (کاشف الغطاء، ۱۴۱۳، ۶۵) توحید ذات به معنای نفی تعدد در حق تعالی است و اینکه خدا یکی است و مثل، شبیه و بدیل ندارد و همچنین ذات حق بسیط است و کثرت و ترکیب در آن راه ندارد؛ (رک: امام خمینی، بی تا «ب»، ۶۰/۲؛ سبحانی، ۱۳۸۵، ۴۱-۴۲) و توحید صفات به معنای عینیت صفات با ذات و عینیت صفات با یکدیگر است و اینکه هر صفتی که خداوند دارد در معنا و گستره‌اش منحصر در اوست و کثرت در اوصاف موجب کثرت در ذات نمی‌شود و

توحید / ۳۱۱

توحید افعال به این معنا است که همه اسباب و مسببات عالم، فعل حق بوده و قائم به اراده اوست و هیچ کس در فعل خود استقلال ندارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۰۱/۲-۱۰۳؛ رک: امام خمینی، بی تا «ب»، ۶۰/۲)

توحید در تقسیم‌بندی کلی دیگری، به توحید نظری و عملی تقسیم میشود؛ توحید نظری مربوط به شناخت و اندیشه است که خداوند را به یگانگی شناختن (مطهری، مجموعه آثار، ۹۷/۲۶) و اعتقاد به وحدانیت او در ذات، صفات و افعال است، البته این اعتقاد نیز مادامی که از مرتبه علم به مرتبه ایمان قلبی نرسد، دارای ارزش نبوده و اثری بر آن مترتب نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۷۱) چنانکه شیطان نیز به مرتبه‌ای از علم رسیده بود، ولی موحد محسوب نشد و این دانش برای او فایده نداشت و مطیع اوامر الهی به شمار نیامد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۴) در حقیقت باید این علم و اعتقاد با ریاضت و مجاهدت نفس تبدیل به باور قلبی و ایمان شود. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۸۹)

اما توحید عملی این است که انسان اعتقاد قلبی به توحید را مقدمه‌ی عمل قرار دهد، (مطهری، مجموعه آثار، ۹۷/۲۶-۹۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۰/۳-۱۳۶۹) و از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر غیر خدا رهایی یابد (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۰/۳-۱۳۶۹) و همه مؤثرها و فاعلها در عالم را به مؤثر و فاعل حقیقی برگشت دهد و همه کثرتها را به وحدت برگرداند و همه‌ی جهات کثرتهای طبیعی و غیرطبیعی را فانی در حق تعالی و افعال او ببیند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۷۱) چه بسا شخصی عمری را صرف توحید علمی کند اما از آنجا که جان او صبغهی توحیدی نیافته، در مرحله‌ی عمل و قلب گرفتار تزلزل شود. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۹) چنانکه در عرصه‌ی اجتماع نیز اصل توحید جاری است و جامعه در مرحله عمل باید از نفع‌پرستی، شخص‌پرستی و لذت‌پرستی جدا شده و تنها معبود واحد را پرستش کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۸۱)

براهین توحید

قرآن کریم از راههای مختلفی به اثبات توحید پرداخته و ادله‌ی متعددی را برای توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت و توحید در مالکیت ارائه کرده است. در میان براهین،

فهم بعضی از آنها دقت و ظرافت بالایی را می‌طلبد؛ مانند اوایل سوره‌ی حدید و سوره‌ی مبارکه‌ی توحید. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۹۱) از جمله براهین میتوان به غنای ذاتی و صمدیت حق تعالی (عنکبوت، ۶؛ اخلاص، ۲) اشاره کرد؛ زیرا داشتن مثل و نظیر و اشتراک در جهات در فرض تعدد آلهه مستلزم ترکیب در ذات است که از نقص ناشی میشود؛ (فخررازی، ۱۴۲۰، ۶/۷) از این جهت حق تعالی احد است و در ذهن و خارج، کثرت و ترکب نمی‌پذیرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۳۸۷/۲۰) زیرا هر مرکبی به واسطه‌ی اجزاء خود موجود است و شیء محتاج ممکن الوجود است نه واجب الوجود؛ (صدرالمطالین، ۱۳۶۶، ۸/۴) از دیگر ادله‌ی توحید ربوبی، آیات ۲۲ سوره‌ی انبیاء و ۹۱ سوره‌ی مؤمنون است که اگر رب و مدبّر در عالم متعدد بود، سبب بروز اختلاف و فساد عالم میشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۹۴/۲)

طبق مبانی فلسفی نیز با براهین متعددی، توحید در ذات، توحید در صفات و توحید در افعال اثبات میشود که مبتنی بر اصولی مانند اصالت وجود، تشکیک در وجود، صرف الوجود بودن حق تعالی و ماهیت نداشتن اوست. (صدرالمطالین، ۱۳۷۵، ۴۳۰-۴۳۷)

از جمله ادله بر توحید در ذات این است که چون حق تعالی صرف الوجود است و حدی ندارد، از این جهت دارای ماهیت نیست و اصل حقیقت آن وجودی بسیط و منبسط است که نهایی برای آن متصور نیست، از این جهت تعدد در آن راه پیدا نمیکند. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۲۱/۱، ۲۲-۱۸۷/۲) همچنین دلیل توحید در صفات به این معنا که صفات حق تعالی عین ذات بوده و زائد بر ذات نیستند؛ این است که لازمه‌ی زائد بودن صفات، ترکب، احتیاج و امکان است که حق تعالی مبرا از این امور است (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۲۳/۲-۱۱۲۴) بلکه حق تعالی در عین بساطت، صرف الوجود است و این صفات در عین حقیقت داشتن عین یکدیگر و عین ذات هستند و شئون و اعتبارات در ذات محسوب میشوند. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۶۰/۲، ۳۰۰-۳۰۱)

البته طبق مبنای عرفانی، که همه کثرات مضمحل در وحدت حق تعالی است، کثرت صفات و اسمای حق تعالی نیز برجیده میشود و سالک پس از راه یافتن به اسماء الهیه و فنای اسمائی، حجاب اسماء نیز برای او برداشته میشود و به مرتبه‌ی فنای ذاتی میرسد که از عالی‌ترین مراتب توحید است (رک: امام خمینی، ۱۴۱۰، ۱۷؛ همو، ۱۳۷۰، ۳۵۴) و این معنای فرمایش

امیرمؤمنان علیه السلام است که «کمال توحید الإخلاص لهُ و کمال الإخلاص لهُ نَفَى الصِّفَاتِ عَنْهُ»؛ «کمال توحید حق تعالی، اخلاص برای او و کمال اخلاص او، نفی صفات از اوست»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱ (۲۹)) زیرا صفت غیر موصوف و اسم غیر از مسمی است و حتی این نحو غیریت نیز منافی توحید است. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۸۳/۱)

توحید افعالی نیز مبتنی بر فقر مطلق موجودات و محض ربط بودن آنها است؛ زیرا موجودات از خود حیثیت استقلالی ندارند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۹۱) و از تمام جهات وابسته و عین فقر به غنی مطلق هستند («وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۶۲) زیرا اگر موجودی در یکی از شئون خود استقلال داشته باشد؛ چه در هویت و وجود و چه در شئون وجود، از دایره‌ی امکان خارج شده و به وجوب ذاتی تبدیل می‌شود که بطلان آن واضح است. در نتیجه هیچکدام از موجودات در فعل خود استقلال نداشته و از این جهت افعال آنها به حق تعالی نسبت داده می‌شود. اگر چه این امر، اختیار را از بنده سلب نمی‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۱۹) بنابراین تمام حمد و ثناها به حق تعالی بر می‌گردد و وقتی بنده سالک تمام حمدها را مختص به حق دانست و قبض و بسط همه‌ی امور را به ید قدرت او دید، نتیجه توحید در ذات و افعال، توحید عبادی است یعنی موحد تنها خداوند را مستحق عبادت دانسته و همه‌ی عالم وجود را در پیشگاه او خاضع و در حال استعانت می‌بیند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۷۶-۲۷۷) عبادت در فرهنگ اسلامی، معنای وسیع‌تری از پرستش دارد و اطاعت بی قید و شرط از هر کسی عبادت او به حساب می‌آید. از این رو اطاعت این چنینی از انسان دیگر و یا از یک جامعه‌ی انسانی و سنت‌های آن و تبعیت از آنها در زندگی، عبادت غیر خدا بوده و فرد موحد باید این نوع عبادت خود را مخصوص به خداوند نماید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۴۸-۲۵۱، ۲۵۲) بنابراین تبعیت از فرهنگ و تفکر الحادی غربی و مظاهر آن در زندگی فردی و اجتماعی، برخلاف اصل توحید است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۹/۱۷؛ آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۲۶)

مراتب توحید

توحید دارای مراتبی است؛ اول اقرار با زبان است، دوم اعتقاد با قلب و سوم محکم

کردن این اعتقاد با دلیل و برهان است. البته اعتقادی که تنها با زبان باشد و قلبی نباشد داخل در نفاق است و صاحب آن مستحق عذاب خواهد بود. (صدرالمؤمنین، ۱۳۷۵، ۳۹۹) از دیدگاه اهل معرفت (ابن عربی، ۱۴۲۲، ۳۳۲/۱) نیز توحید به اعتبار مراتب رؤیت و مشاهده حق تعالی؛ به توحید فعل، صفات و ذات تقسیم می‌شود. در توحید فعلی سالک همه‌ی افعال را ظهور فعل حق تعالی مشاهده می‌کند و همه‌ی فعلها را فانی در فعل حق می‌بیند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳۴) در توحید صفاتی، همه‌ی صفات را فانی در صفات حق دیده و صفتی برای غیر باقی نمی‌گذارد. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۳/۳۵۰) در توحید ذات همه‌ی ذوات را به ذات حق برمی‌گرداند و هویت و انیتتی برای غیر حق مشاهده نمی‌کند و حقیقت توحید ذات در آیه شریفه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید، ۳) نهفته است (امام خمینی، بی‌تا «ج»، ۶۵۷) و در اینجا است که فرد موحد به حقیقت «یا من لیس الا هو» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ۸۰) دست می‌یابد. در صفات الهی اگرچه همه‌ی صفات عین ذات و عین یکدیگر هستند؛ لکن از جهت اعتبارات ذهنی در غیب حق تعالی از هم متمایز می‌شوند (قیصری، ۱۳۷۵، ۱۰۳۵) همچنانکه در نظر سالک نیز صفات الهی کثرت پیدا می‌کنند و او ابتدا امور متکثره را در فعل، صفت و ذات واحد می‌بیند؛ اما با سلوک سیر در اعیان ثابته و اسماء الهی به حقیقت هریک از اسماء دست یافته و در نهایت همه‌ی اعیان و اسماء را مستهلک در ذات احدی می‌بیند و در این حال از هیچگونه کثرتی خبری نیست و این معنای کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود: «كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ»؛ «کمال توحید، اخلاص برای او و کمال اخلاص، نفی صفات از حق تعالی است» (نهج البلاغه، خطبه ۱ (۳۹)) در این مرحله است که حق تعالی به تمامه علم و به تمامه قدرت و نیز دیگر صفات است. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۱۰۳-۱۰۴)

بعد از اینکه سالک عارف از توحید فعلی به توحید صفاتی رسید به توحید ذاتی می‌رسد و همه‌ی اینها را فانی در ذات حق می‌بیند و گاه غلبه وحدت، عارف را از توجه به کثرت باز می‌دارد، هرچند توحید کامل آن است که غلبه وحدت او را از کثرت و کثرت او را از وحدت باز ندارد، (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۱۰۲) بنابراین موحد حقیقی اگر به حق نظر کند، می‌یابد که عالم از خود ظهوری ندارد و آنچه ظاهر است حق است و هرگز مخفی نگشته است و

همه‌ی موجودات ذاتاً، صفتاً و شأناً مستهلک در وجود حق هستند. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۶۷) البته توجه به این نکته لازم است که رویکرد امام خمینی علیه السلام در بحث‌های علمی توحید، عرفانی است و به مراتب بالای توحید برای سالک نظر میکند که کثرت‌ها محو شده و تنها حق تعالی را مشاهده میکند.

توحید، زیربنای اصول و فروع دین اسلام

هر یک از اصول دین، یعنی توحید، عدل، معاد، امامت و نبوت در تعامل با دیگری است؛ بلکه اصل توحید خود پایه‌ی دیگر معارف محسوب میشود (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۱۳/۱) و درک درست آن، بینش جدیدی از دیگر معارف الهی را به انسان عرضه میکند.

برای مثال پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها وظیفه‌ی بیان توحید و معارف الهی را دارد و غایت و مقصد همه انبیای عظام بیان حقایق و سرّ توحید است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۹۸) بلکه بالاترین مرتبه از توحید که توحید ذاتی است مختص نبی خاتم صلی الله علیه و آله است و باقی اولیا از مشکات وجود او به این مرتبه‌ی فنای کلی نائل میشوند. (امام خمینی، ۱۴۱۸، ۱۵۰-۱۵۱؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله)

همچنین ولایت از دیدگاه کلامی و اجتماعی، نشانه و سایه‌ی توحید است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۲۶) اما از نگاه عرفانی شعبه توحید است؛ زیرا حقیقت ولایت، فیض مطلق (وجود منبسط) است و فیض مطلق ظل و سایه‌ی وحدت مطلقه است که عبارت از همان توحید است و از آنجا که فطرت انسان متوجه کمال اصلی است قهراً متوجه کمال ظلی هم خواهد بود، (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۰۰) از این جهت در بعضی از روایات فطرت به ولایت تفسیر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶، ۳۴۵/۴) این کلام امام مبتنی بر مبنای عرفانی ایشان در مشیت مطلقه الهی است که همان فیض مقدس و وجود منبسط باشد و مقام ولایت علوی را هم‌افق با مشیت مطلقه میداند. از این رو اراده‌ی اهل بیت علیهم السلام همان اراده خداوند خواهد بود و به جهت اتحاد مقام ولایت با مرتبه مشیت مطلقه، فطرت انسانی مایل به ولایت است. (امام

خمینی، بی تا «ج»، ۵۹۲؛ همو، ۱۳۷۷، ۱۰۰)

حقیقت توحید در مسئله معاد نیز متبلور است؛ زیرا همان‌گونه که مبدأ عالم وجود، واحدی است که شریک ندارد و دارای وحدت حَقّه است، رجوع و معاد موجودات در عالم

نیز به همان وحدت حقیقی باز می‌گردد چنانکه در آیه کریمه آمده است «وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم، ۴۸) رجوع موجودات به اسم واحد است؛ زیرا روز قیامت عرصه‌ی ظهور حکم وحدت و غلبه جهت ربوبیت و زوال تعینات امکانی و فنای حقایق در ذات واحد قهار است و قهاریت حق تعالی، هستی و انیتتی باقی نمی‌گذارد. (رک: گنابادی، ۱۴۰۸، ۲۱/۴؛ امام خمینی، ۱۴۱۸، ۹۶؛ هوم، ۱۳۷۰، ۲۷۲)

از جمله ارتباط عدل با توحید، عدل به مفهوم عام آن است که اختیار و حسن و قبح عقلی و معلل بودن افعال باری تعالی را شامل می‌شود. اهل حدیث و اشاعره بر معتزله ایراد می‌گیرند که عدل که شامل اختیار انسان و حسن و قبح عقلی افعال است، با توحید افعالی سازگاری ندارد؛ زیرا معتزله نوعی تفویض و واگذاری و سلب اختیار از خداوند را قائل بودند. در مقابل، معتزله معتقد بودند که لازمه‌ی عقاید اشاعره این است که اموری مانند ظلم و فحشاء به خداوند نسبت داده شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۸/۱-۴۹) اما امامیه با جمع میان اعتقاد به توحید افعالی و تنزیه حق تعالی از ظلم و فحشاء به امر بین امرین قائل شدند که برگرفته از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بوده و کامل‌ترین عقیده در بحث اختیار است؛ از این رو نه قائل به جبرند و نه تفویض. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۷)

اعتقاد به توحید در فروع دین مانند حج، نماز، زکات و جهاد و مانند آن نیز، متبلور است و اخلاص در عمل و نفی هرگونه شائبه‌ی شرک در عمل را به دنبال دارد.

آثار توحید

طبق آموزه‌های قرآن کریم و ادیان ابراهیمی، یکتاپرستی سبب نجات از عذاب است (غافر، ۴۱-۴۲) و آیات متعددی بر دعوت به توحید برای رسیدن به سعادت دلالت می‌کند. (مانند، ۷۳؛ حج، ۳۴؛ فاطر، ۳؛ زمر، ۶) مؤمنی که به توحید معتقد است در سختیها به قدرت لایزال الهی تکیه می‌کند. (توبه، ۱۲۹) در آغاز اسلام نیز دعوت به توحید برای رسیدن به فلاح و رستگاری بوده است «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰۲/۱۸) اعتقاد به توحید در فرد و جامعه دارای آثار متعددی است و سبب رشد و بالندگی خواهد شد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۱/۱۵۵) اعتقاد به توحید دارای آثار متعدد فردی و اجتماعی است:

آثار فردی

مهمترین این آثار عبارت‌اند از:

تسلیم و توکل. کسی که توحید در اعماق روح او نفوذ کرده باشد مانند حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر سختیها و فشارها تسلیم رضای خداوند خواهد بود (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۰/۲۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۶/۹/۲۷) و به او توکل خواهد کرد و این توکل از توحید فعلی نشأت می‌گیرد. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۲۷)

امید به خداوند. کسی که به توحید فعلی برسد و همه‌ی تأثیرات را فعل حق ببیند، چشم طمع به غیر حق تعالی و امید به غیر او نخواهد داشت؛ (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳۱) زیرا تنها بر او توکل داشته و قدرت الهی را فوق قدرتها می‌بیند، همواره در برابر اراده‌ی الهی تسلیم بوده و به رحمت او امیدوار می‌باشد و دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۵/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۹۶) شخص موحد تنگ‌نظر نیست و به وظیفه‌ی خود می‌نگرد و آخرت را در مقابل خود می‌بیند، از این جهت فداکاری برای او آسان بوده و خوف و حزنی ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۹۷) بر اساس آموزه‌های قرآنی (آل عمران، ۱۷۵) در انسان موحد حالت روحی خاصی ایجاد می‌شود که با تکیه بر قدرت پروردگار، در راه هدف خود از دشمنان هراسی نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۹۷، ۳۰۱)

اطاعت صرف از خداوند. وقتی انسان معتقد بود که خالق همه‌ی هستی خداوند است و او قادر بر هر چیز است و کسی شریک او نیست، دیگر از غیر او اطاعت نخواهد کرد مگر اینکه اطاعت از او اطاعت از خداوند به حساب آید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵) از این رو انسان موحد مطیع شیطان نیست (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۹/۲۰-۹۰) و در مقابل طاغوت و استکبار کرنش نکرده و تسلیم نمی‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۸)

آزادی انسان. از آنجا که آفریننده بشر فقط خداوند است، تنها او بر انسان ولایت دارد، (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۶۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) بنابراین هیچ‌کسی حق ندارد دیگری را به آنچه خواست و اراده خود می‌باشد مجبور کند بلکه همه در برابر خداوند یکسان و آزاد هستند و کسی نمیتواند این آزادی را محدود کند و برای او قانون وضع کند مگر آنچه را که خداوند دستور داده و وضع کرده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵-۳۸۸) افق دید انسان

موحد به‌گونه‌ای وسیع است که از همه‌ی تعلقات مادی و نیازهای پست و حقیرآزاد بوده و محبوبس این خواسته‌ها نیست. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۹۷)

آثار اجتماعی

مهمترین این آثار عبارت‌اند از:

نفی طاغوت و ولایت‌پذیری. اعتقاد به توحید در جامعه سبب میشود که جامعه ظلم و بی‌عدالتی را برنتابد و سر تسلیم در برابر طاغوت و استکبار فرود نیاورد و حاکم بر امور خود را تنها خداوند بداند و از غیر خدا هراسی نداشته باشد و با توکل بر او با دشمنان مبارزه کرده و بر اساس آیه‌ی قرآن، (آل عمران، ۱۷۵) منشأ ترس را القائنات شیطنانی بداند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۳۰۱) در نتیجه با ظلم ظالمان و طاغوتها مبارزه کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۸/۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۴/۲۱) و نتیجه‌ی آن قبول ولایت حق است؛ زیرا ولایت نشانه و سایه توحید است. لازمه‌ی این ولایت که از ناحیه خداوند به پیامبر ﷺ و ولیّ مؤمنان رسیده است، تحقق حکومت اسلامی در جامعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۲۶) این اعتقاد به قدرت لایزال الهی است که سبب میشود ملت‌های فقیر با تکیه بر ایمان خود قدرتهای ظالم را شکست دهند، چنان‌که در ابتدای اسلام چنین شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶/۵-۳۷)

سعادت و پیشرفت. در جامعه توحیدی رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی امکان‌پذیر است و جامعه بر اساس مکارم اخلاق و طهارت پایه‌گذاری خواهد شد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۷/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۰۹/۴) در نتیجه جامعه‌ای که توحید واقعی در آن حاکم باشد، مردم در آن جامعه به سعادت حقیقی و رستگاری دنیوی و اخروی خواهند رسید و دنیای آنان نیز آباد میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲)

وحدت کلمه. جامعه‌ای که به مبدأ واحد اعتقاد دارد و خداوند را مبدأ همه‌ی امور می‌داند، جامعه‌ای همسو بوده و به وحدت کلمه خواهد رسید. اگر مسلمانان این وحدت کلمه را حفظ کنند، دیگر دشمنان اسلام به سرزمینهای اسلامی طمع نکرده و ثروت آنها را به غارت نمی‌برند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲/۲-۳۳؛ ← وحدت ملی؛ وحدت مسلمین)

استقرار عدالت. توحید زمینه‌ساز اقامه عدل و قسط در جامعه است، زیرا وحدت در

خالقیت و ربوبیت اقتضا میکند که بندگان نیز از دستورات و فرامین او اطاعت کنند و کسی حق سلب آزادی دیگران را نداشته باشد، زیرا همه‌ی بندگان در برابر خداوند یکسان هستند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵-۳۸۸) و قومی نسبت به قوم دیگر برتری ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۹/۱۷) از این رو یکی از اهداف اصلی انبیا بعد از توحید، اقامه قسط در جامعه است و به وسیله این دید توحیدی انبیا بوده است که توانستند با مظاهر شرک مبارزه کرده تا عدل الهی را در جامعه پیاده کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۳/۱۵؛ ۸۶/۱۸) در هر جامعه‌ای که توحید در همه شئون آن سایه افکنده و خداوند تنها معبود آنهاست؛ شخص پرستی، نفع پرستی و لذت پرستی‌ها محکوم است و همه‌ی روابط بین انسانها از روابط اقتصادی و غیر اقتصادی، لغو شده و معیارهای الهی جایگزین آن میشود (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵) و عدم رعایت عدالت و انصاف در جامعه توحیدی بی معنا است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳)

استقلال و آزادی. مسلمانان با تکیه بر توحید و وحدت کلمه، دل از اجانب بریده و با ایمان و تلاش، کشور خود را از بیدادگری ابرقدرتها نجات می‌دهند و خرابی‌های ناشی از دخالت اجانب را اصلاح میکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷/۱۲) و جامعه‌ای که توحید در آن حکم فرماست، خداوند را خالق همه و تنها وضع‌کننده‌ی قوانین می‌شمارد. در این صورت افراد بشر حق محدود کردن آزادیهای افراد دیگر یا جامعه و ملت دیگر را ندارند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵)

کرامت و اعتماد به نفس. اعتقاد به توحید و توکل بر خداوند، سبب خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه شده و ملتها میتوانند در سایه‌ی این اعتماد به نفس مشکلات خود را حل کرده و به سامان برسانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۹/۴) وقتی جامعه‌ای به توحید حقیقی تمسک کرد و به قدرتهای دیگر توجه نداشت، در مسیر عزت و کرامت قدم برمی‌دارد و به پیشرفت و توسعه دست می‌یابد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۲/۱۲؛ ۱۳۷۰/۱/۱؛ ۱۳۷۱/۲/۲۳؛ ۱۳۷۱/۳/۱۳)

رفع فساد و فحشا. اعتقاد به توحید و ربوبیت حق تعالی و ایمان به آن، فساد را در جامعه از بین میبرد. در مقابل، عدم اعتقاد به ربوبیت و ناظر بودن خداوند، سبب ترویج فساد و لاپالایی‌گری و تسلط قدرتهایی است که از اینگونه امور سود می‌برند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۲/۲۳)

عرصه‌های تبلور توحید

توحید در عرصه‌های مختلفی چون ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با دیگران و ارتباط با خلقت تبلور می‌یابد:

ارتباط با خود

جهاد با نفس. یکی از مظاهر توحید حقیقی و نفی غیر، عرصه‌ی جهاد با نفس است که در نتیجه‌ی آن انسان از هواپرستی و خودخواهی که شرک خفی است خارج شده و به یکتاپرستی و خداخواهی روی می‌آورد (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۹/۱۸) و تا زمانی که خودخواهی و آنانیت در انسان غالب باشد از کمال انسانیت و قرب ربوبیت به دور است و سیر و سلوک با قدم انانیت و خودبینی، در حقیقت سلوک الی الله نیست بلکه سلوک به سوی نفس است؛ لذا مادر بتها، بت نفس است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۸) و تا این بت، شکسته نشود، انسان الهی نشده و عبادت او نیز در حقیقت، عبادت نفس است و رهایی از آن نیاز به مجاهدت و هجرت از خانه نفس دارد. (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۱۲۰-۱۲۲؛ همو، بی‌تا «ج»، ۳۲۶)

ارتباط با خدا

اقامه نماز. نماز یکی از عبادت‌هایی است که توحید در آن متبلور است و حقیقت نماز حصول توحید حقیقی و شهادت به وحدانیت است که با سالک از ابتدا تا انتهای نماز ساری است؛ (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۶۲) چنانکه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اظهار توحید در عبادت و استعانت از خداوند است (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۲۳۰) و هر یک از قیام، قرائت، رکوع، سجود و یا دیگر اجزای نماز، اشاره به مقامی از مقامات توحید است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۸۵)

فریضه‌ی حج. قرآن کریم حج را محل تبلور توحید و اعراض از مشرکان می‌شمارد؛ (توبه، ۳) یکی از عرصه‌های تبلور توحید، حج است که در آن حضرت ابراهیم علیه السلام همه مردم را به توحید و یگانگی دعوت کرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۸، رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۵) و خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان را به تبعیت از دین و روش ابراهیم علیه السلام فرا می‌خواند، (آل عمران، ۹۵) این دعوت به توحید، همراه با اعلان برائت از شرک و بت پرستی است. از این رو او بتها را

توحید / ۳۲۱

شکست و آنچه پرستش میکردند، به دور انداخت. بنابراین مراسم حج یک مراسم سیاسی - عبادی است که در آن مسلمانان ندای توحید سرداده و از آنچه غیر حق است برائت می‌جویند (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۱۴) و شایسته است از قدرتهای غرب و شرق برائت جستند و در پیشبرد کشورهای اسلامی به آنان تکیه نکنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹۲/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۴/۷) خانه‌ی امن الهی سزاوارترین محل برای ابراز عشق به حق تعالی است که بدون نفی هرگونه شرک و برائت از مشرکان و منافقان و نفی هر تجاوز، ستم، استعمار و بردگی میسر نیست و در حقیقت حج تمرین مبارزه با کفر و شرک و تجدید میثاق در مبارزه با جنود ابلیس و ابلیس صفتان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۵-۳۱۶/۲۰) حج میتواند روح توحید را در دلها زنده کند و کشورهای اسلامی را که از یکدیگر متفرق شده‌اند، به هم وصل کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۴/۷؛ ← حج ابراهیمی)

ذکر و دعا. خواندن خدا و یاد خدا از سوی انسان موحد اگر به معنای واقعی باشد نفس آدمی را مطمئن میکند، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۰/۱۸) و آتش فروزان نفس سرکش و زیادت طلب را خاموش میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۲/۱۶)

ارتباط با دیگران

حفظ عزت و کرامت مردم. اعتقاد به توحید سبب میشود انسان همه‌ی مردم را بنده خدا بشمارد و نسبت به شخصیت، هویت، عزت و زندگی مردم حساس باشد و با احترام برخورد کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲)

مردم‌سالاری دینی. یکی از جلوه‌های توحید در نظام اجتماعی حکومت مردم و تأسیس حکومت نه شرقی و نه غربی بر پایه رأی مردم و مردم‌سالاری دینی است. زیرا مردم‌سالاری در انقلاب اسلامی ایران متکی بر ایمان به خداوند است و حضور مردم در عرصه انتخابات بر اساس احساس و وظیفه دینی صورت می‌پذیرد و بر اساس مبانی انقلاب اسلامی، دموکراسی حقیقی، مردم‌سالاری بر خاسته از ایمان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۱۲) در نتیجه این امر حکومت‌های دست‌نشانده‌ای که سبب میشوند منافع مادی و معنوی ملت‌های مسلمان به غارت برود ساقط می‌گردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱)

مبارزه با ظالمان و استکبان. یکی از مظاهر توحید، نفی اطاعت از غیر خداوند است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵) رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیز بر این اساس مردم را به مبارزه با ظلم و طاغوت زمان فراخواند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۵۶: ۳۱۰/۴) استمرار انقلاب و ضامن بقای آن نیز در گرو توجه به خداوند، توحید و پرهیز از شرک است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۷/۹-۱۲۸)

ارتباط با خلقت

حرکت در مسیر ملکوت. انسان علاوه بر نشئه‌ی ظاهری ملکوتی دنیوی، دارای نشئه‌ی باطنی غیبی ملکوتی است که از عالم دیگر است و نفس، که از عالم ملکوت است، دارای جنودی رحمانی و عقلانی است، که آن را جذب به ملکوت اعلی و دعوت به سعادت میکنند و نیز دارای جنودی شیطنی و جهلانی است، که آن را جذب به ملکوت سفلی و دعوت به شقاوت میکنند. انسان موحد اگر جنود رحمانیش غالب شد، اهل سعادت و رحمت بوده و در سلک ملائکه و در زمره‌ی انبیا و اولیا و صالحین محشور است. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۵) اگر انسان موحد به واسطه‌ی صدقات و ایثار بر نفس علاقه به دنیا را بتواند سلب یا کم کند، طریق نیل به معارف و انقطاع به عالم غیب و ملکوت و حصول ملکات فاضله و اخلاق کامله را برای خود گشوده است. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۴۹۲)

عدم اسراف. انسان موحد که همه‌ی نعمتها را از ناحیه خداوند می‌بیند، از تضييع نعمتهاى الهی و زیاده‌روی و اسراف پرهیز میکند، زیرا اسراف امری ناپسند و حرام است که موجب محرومیت دیگران از نعمتها میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۴) اسراف دارای دامنه‌ای گسترده بوده و شامل ثروت‌های عمومی، منابع طبیعی، انرژی، نیروی انسانی، آب و... میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۱)

استفاده و حفظ منابع. انسان موحد همه مواهب طبیعی را از ناحیه خداوند می‌بیند که به انسان اجازه بهره‌برداری از آن داده و همه‌ی آنها را برای رشد بشر خلق کرده است، از این جهت انسانها را تشویق کرده که به دنبال کشف منابع طبیعی رفته و آنها را پرورش دهند و همه‌ی اینها را برای رسیدن به اهداف معنوی انجام دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶)

ویژگیهای جامعه توحیدی

جامعه توحیدی، جامعه‌ای است که بر اساس جهان‌بینی توحیدی و اعتقاد به اینکه مبدأ عالم، تنها حق تعالی است و به سوی او باز می‌گردد، بنا شده باشد (مطهری، مجموعه آثار، ۳۲۰/۲۴) و دارای شاخصه‌هایی است از جمله:

دعوت به معنویت و انسان‌سازی

جامعه‌ای که بر اساس اصول توحیدی استوار باشد انسانها را به سوی معنویت سوق میدهد؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۸؛ ۲۸۸/۹) زیرا هدف ادیان توحیدی، انسان‌سازی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۴/۱۲) ادیان توحیدی به همه‌ی ابعاد انسان توجه داشته و قصد آنها رشد همه‌جانبه‌ی ابعاد وجودی انسان؛ اعم از مادی و معنوی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۸/۷) و برای امور معنوی و مادی انسان برنامه دارند؛ اما مکاتب غیر توحیدی به جهات معنوی انسان کاری ندارند و تنها میخواهند حظ مادی افراد فراهم شود (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۷/۷-۲۸۸) و اگر ادیان توحیدی به علوم طبیعی هم دعوت میکنند، به جهت این است که انسانها را به مبدأ عالم و توحید برسانند، به‌گونه‌ای که انسان در آینه‌ی طبیعت، خداوند را مشاهده کند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۴-۴۳۵/۸) و در حقیقت جامعه‌ی توحیدی جامعه‌ای است که عهده‌دار تربیت انسان است تا همه‌ی ابعاد او را شکوفا کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۰/۸)

حاکم بودن معیارهای اخلاقی

جامعه‌ای که بر اساس توحید استوار باشد ارزشهای اخلاقی در آن حاکم است و قدرتمندان به ضعیفان ظلم نمیکنند و افراد برای خداوند کار میکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶/۱۲) و افراد به خصوص مسئولان از هوای خود و دیگران تبعیت نمیکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۶۸/۳/۲۱)

نهی مظاهر شرک و طاغوت

جامعه توحیدی مظاهر شرک و طاغوت را برنمی‌تابد و با آن مبارزه میکند (امام خمینی، صحیفه

امام، ۱۵۸/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱/۱۶) و هرآنچه به جای خداوند قرار گیرد طاغوت است که باید با آن مبارزه کرد. از آن جمله، اطاعت از هوا و هوس است که با توحید منافات دارد و باید در عمل با اطاعت از خداوند و فرمانهای او به نفی هرگونه شرک و طاغوت پرداخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۲۳)

عدالت و آزادی

جامعه توحیدی جامعه‌ای است که در آن افراد از قید و بندگی غیر آزاد باشند و بهره‌کشی انسانها از انسانها ملغی، و عدالت واقعی در جامعه برقرار شود و نابرابری‌های غیر عادلانه در آن از بین برود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۳/۲۴) در جامعه توحیدی اختلاف طبقاتی شدید و تبعیض معنا ندارد. جامعه‌ای که در آن برخورداری افراد جامعه از امکانات، به شدت با یکدیگر متفاوت است، جامعه توحیدی نیست. در جامعه توحیدی ملاک برتری باید تقوا باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۷۹-۲۸۰) وقتی خالق همه یکی است قهراً همه‌ی مردم از یک اصل و ریشه بوده و مزیتی نسبت به یکدیگر ندارند و افراد خاصی نباید در جامعه از حقوق و مزایای خاص برخوردار باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۷۹-۲۸۰)

مقاومت در برابر زورگویی

جامعه‌ای که بر اساس تفکر توحیدی برپا شده باشد، در مقابل زورگویی مستکبران و ظالمان استقامت ورزیده و با آن مبارزه میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۷)

نظم و انسجام

در جامعه توحیدی بر اساس آیه ۲۹ سوره زمر، انسانها در یک دستگاه منظم و هماهنگ و تحت فرمان مقامی خیرخواه در یک مسیر صحیح حرکت میکنند، برخلاف آن در نظام شرک هر لحظه به سویی و به قطبی کشیده میشوند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۷/۲) جامعه توحیدی دارای مقصد واحدی است و این مقصد واحد سبب میشود افراد در کارهای خود نظم و انسجام داشته باشند و هرکس در هر مقامی که هست وظیفه خود را انجام دهد و سلسله

توحید / ۳۲۵

مراتب حفظ شود. در غیر این صورت انسجام جامعه از بین خواهد رفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۲/۱۱-۴۹۳)

نفی تعصب‌های قومی و طبقات اجتماعی

در اسلام، نژاد، قومیت و گروه مطرح نیست. تمام مسلمانان؛ چه اهل سنت و چه شیعه، برادر و برابر بوده و همه‌ی افراد برخوردار از همه‌ی مزایا و حقوق اسلامی می‌باشند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۱/۹) و اصل توحید مخالف ملی‌گرایی و گروه‌گرایی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴۴/۱۳) در جامعه توحیدی بر اساس باور به یکی بودن خالق و یکسانی رابطه او با همه‌ی آفریده‌های خود، افراد از مزایا و فرصت‌های برابری برخوردارند و افراد به فراخور تلاش و کوشش، از آنها بهره‌مند میشوند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۷۸-۲۸۰)

همبستگی و اتحاد

افراد جامعه توحیدی، از قومیتها و نژادهای مختلف، با هم مرتبط بوده و خویشاوندی معنوی دارند؛ بلکه آنها اجزاء عالم را به هم مرتبط و متصل می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹) و این سبب میشود، جامعه اسلامی اعم از کشورهای مختلف، بر محور توحید یک صدا و متحد بوده و زیر پرچم توحید در مقابل دشمنان صف واحدی را تشکیل دهند. اما در جامعه‌ای که در آن شرک حاکم باشد، افراد آن از هم بیگانه و گسسته‌اند و این گسستگی سبب میشود راه نفوذ و اتصالی میان افراد وجود نداشته باشد؛ زیرا هر کدام، معبودی خاص را عبادت میکنند، از این رو دائماً در جامعه اختلاف و تشنّت حاکم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹)

خودباوری

جامعه‌ای که معرفت و جهان‌بینی آن توحیدی باشد، با تکیه بر خداوند به خودباوری اسلامی و ملی رسیده و از استعدادهای درونی جامعه برای پیشرفت و ترقی آن استفاده میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۲۶)

ایثار و فداکاری

اعتقاد به توحید سبب می‌شود جامعه برای رسیدن به اهداف الهی و مبارزه با دشمنان خود، ایثار و فداکاری کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۵)

ابعاد مختلفی که برای جامعه‌ی توحیدی در دیدگاه انقلاب اسلامی بیان شده، بر اساس نگاه متعالی به توحید است، مبنی بر اینکه توحید تنها اعتقاد به یگانگی خداوند در خالقیت و ربوبیت نیست؛ بلکه به تحقق توحید در مرحله عمل و توحید فعلی است و اینکه هرگونه غیریت را در برابر خداوند نفی کند. این امر در جهات سیاسی و اجتماعی، به معنای نفی قدرتهای استکباری و سلطه‌ی آنها بوده و در جهات معرفتی، نفی هرگونه غیریت و کثرت در برابر حق تعالی است که سبب حجاب سالک در سیرالی الله می‌شود. شرک به معنای شریک قرار دادن برای خداوند است. (طوسی، بی تا، ۵۱/۵) برای شرک اقسام مختلفی ذکر کرده‌اند: ۱. شرک در الوهیت ۲. شرک در خالقیت ۳. شرک در ربوبیت ۴. شرک در عبادت ۵. شرک در ولایت و محبت. شرک در الوهیت به معنای اعتقاد به موجودی غیر از خداوند بوده که دارای تمام صفات جمال و جلال به صورت استقلال است مانند قول به الوهیت حضرت عیسی علیه السلام. (امین عاملی، ۱۳۷۱، ۱۴۸، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۹) شرک در خالقیت به معنای اعتقاد به مبدئی دیگر در خلق و تصرف در عالم است، همانگونه که مجوس قائل به دو مبدأ خیر و شر؛ یعنی یزدان و اهرمن در عالم بودند، (مطهری، مجموعه آثار، ۸۹/۱) و شرک در ربوبیت به این معناست که در عالم، ارباب متعددی وجود دارد که عالم را تدبیر میکنند (رک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ۳۳/۱۶) و خداوند رب الأرباب است و تدبیر عالم به صورت مستقل به آنها تفویض شده است و شرک در عبادت به معنای خضوع و تذلل به همراه اعتقاد به الوهیت در پیشگاه غیر خدا است، (رک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ۲۶/۱؛ امام خمینی، بی تا «د»، ۱۳) و شرک در ولایت و محبت را میتوان در سایه روی گردانی از اهل بیت علیهم السلام جستجو کرد، چرا که از نگاه عرفانی، ولایت شعبه توحید است؛ زیرا حقیقت ولایت فیض مطلق است و فیض مطلق ظل و سایه‌ی وحدت مطلقه یا همان توحید است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۰۰)

بر اساس این اقسام، شاخصه‌هایی برای شرک وجود دارد: ۱. اعتقاد به الوهیت غیر حق تعالی، ۲. عبادت و خضوع در برابر غیر حق تعالی به عنوان الوهیت، ۳. اعتقاد به

ربوبیت غیر حق تعالی و اداری عالم به صورت مستقل. برخی معتقدند که توحید ربوبی و خالقی برای داخل شدن در اسلام کافی نیست؛ زیرا طبق بعضی از آیات (یونس، ۳۱) مشرکان نیز معتقد به توحید ربوبی و خالقی بودند، از این رو مسلمان باید قائل به توحید الوهی هم باشد یعنی به غیر خدا استغاثه نکنند و او را نخوانند، لذا هر نوع توسل به غیر خدا و طلب شفاعت را شرک تلقی کرده‌اند. (عثیمین، ۱۴۱۳، ۱۶/۷)

لکن این اعتقاد باطل است؛ زیرا مطلق حاجت خواستن از کسی به معنای اثبات الوهیت برای او نیست و الوهیت به این معنا است که او را در برآوردن حاجت مستقل بدانیم؛ اما حاجت خواستن از اولیای الهی به معنای واسطه قرار دادن آنان به جهت قرب آنها به حق تعالی و درخواست اموری از آنها که به اذن و اراده‌ی الهی باشد، شرک نیست؛ بلکه امتثال امر خدای متعال در قرآن کریم است که: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده، ۳۵) و الا اگر مطلق حاجت خواستن شرک باشد باید همه جهانیان مشرک باشند؛ زیرا بنیان عالم بر تعاون و استمداد از یکدیگر است. همچنانکه استمداد برای حاجتهایی که خارج از طاقت بشری است نیز شرک نبوده؛ زیرا شرک به این معنا است که شخص بدون استمداد از خداوند و به طور مستقل کاری را به انجام رساند؛ اما طلب اموری که با اراده و اذن خداوند انجام میشود مانند معجزات، شرک نیست. (امام خمینی، بی تا «د»، ۲۷-۳۱)

شرک در اطاعت

شرک حقیقی در این زمان، اطاعت از طاغوت و استکبار است که به بت‌هایی تبدیل شده‌اند که عده‌ای، از آنها بی‌چون و چرا اطاعت میکنند و توحید، نفی عبودیت این بت‌ها و رها کردن قید و بند افراد و ملتها از این عبودیت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۲۶؛ ۱۳۸۲/۶/۲۶)

چنانکه خداوند در قرآن کریم (توبه، ۳۱) یهود را به جهت عبادت احبار و رهبانان خود سرزنش میکند. با اینکه طبق بعضی از روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳/۱) آنها احبار را پرستش نمی‌کردند بلکه اطاعت بی‌چون و چرا از آنان داشتند با اینکه میدانستند آنان حرام خدا را حلال میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۲۴۶)

گروهی از مشرکان در عصر ظهور اسلام با اینکه خالق را واحد میدانستند، شرک در

عبادت داشتند و معتقد بودند که عبادت خداوند برای ما موجودات پست ممکن نیست؛ بلکه باید واسطه‌ای باشد تا با عبادت او به خداوند تقرب پیدا کنند. چنانکه قرآن کریم نیز به این نکته اشاره کرده است «... وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...» (زمر، ۳) آنها به ارواح مجردی قائل شده بودند که چون این ارواح قابل دیدن نبودند به هیکل‌هایی متوسل شدند و هر یک از این ارواح را متعلق به آن دانستند و از آنجا که این هیاکل و ستارگان نیز خود طلوع و غروب میکنند و این افراد همیشه نمیتوانند آنها را ببینند، بتهایی به مثال آن هیاکل ساخته تا عبادت این بتها آنها را به آن هیاکل و روحانیون نزدیک کند و این بتها که خدایان کوچک هستند، آنها را به خدای بزرگ نزدیک کنند. (آمدی، ۱۴۲۳، ۲/۲۶۵؛ امام خمینی، بی تا «د»، ۱۵) از آنجا که در آن زمان میان اعراب، ایرانیان و هندیان، بت پرستی بیشتر بوده است، بسیاری از آیات قرآن (انعام، ۷۶؛ یونس، ۱۸؛ انبیاء، ۲۲، ۴۳، ۹۹) برد این امر دلالت دارد. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱/۲۷۹-۲۸۶).

توسل و درخواست شفاعت، در حقیقت دعا کردن پیامبر ﷺ و امام باقر علیه السلام برای کسی است، تا خداوند از گناه او درگذرد و این کار بنده است که به اذن خداوند انجام میشود و کاری خدایی نیست. (امام خمینی، بی تا «د»، ۷۸) شفاعت از شفیع به معنای جفت شدن و در کنار هم قرار گرفتن است و در حقیقت نور ولی با نور کسی که به شفاعت نائل میشود همراه شده و او را به طرف هدایت و نجات میبرد، (امام خمینی، بی تا «ب»، ۳/۲۶۸) از این جهت باید بین شفیع و شفاعت شونده تناسبی وجود داشته باشد تا نور ولایت شامل او شود؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۶۰۸) لذا شفاعت امری بدون معیار نیست که ولی خدا بتواند هر کس را خواست شفاعت کند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۲۶۷-۲۶۸) بلکه شخص باید دارای شرایطی باشد تا مشمول شفاعت گردد. (امام خمینی، بی تا «ج»، ۳۷۴)

برخی قائلند عبادت یعنی خضوع و تذلل، که تنها در برابر خداوند جایز است، لذا هر خضوعی در برابر غیر خدا را شرک می‌شمارند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶، ۴۸-۴۹) این سخن باطل است؛ زیرا مطلق تواضع، عبادت نیست؛ تواضع یعنی فروتنی اما عبادت، عبارت است از پرستش به عنوان الوهیت. فروتنی نسبت به بزرگان و دوستان امری رایج است و مردم آن را عبادت به حساب نمی‌آورند. برترین مرتبه‌ی خضوع، سجده است و سجده اگر به عنوان

عبادت نباشد، شرک نیست و از نمونه این سجده، سجده ملائکه بر آدم علیه السلام بود که به دستور خداوند انجام شد و یا سجده برادران یوسف علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام در مقابل یوسف علیه السلام؛ درحالی که این سجده به عنوان عبادت نبوده است؛ البته در شریعت اسلام سجده برای غیر خداوند جایز نیست. (امام خمینی، بی تا «د»، ۲۳-۲۶)

همچنین طبق بعضی روایات، زیارت و تعمیر قبور ائمه علیهم السلام از اموری است که ثواب بسیاری برای آن ذکر شده است، (طوسی، ۱۳۶۴، ۲۲/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۰/۹۷-۱۲۱) اما روایتی که در آن به مسطح کردن قبور مرتفع امر شده، (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۲۰۹/۳) به این معنا است که قبل از اسلام قبرها را به صورت برجسته می ساختند و روی آنها صورتهای و تمثالهایی قرار داده و آنها را عبادت میکردند که اسلام دستور به تخریب آنها داده است و این ارتباطی به ساخت گنبد و رواق ندارد و بر فرض حرمت، معصیتی بیش نیست، از این رو چگونه سبب شرک و کفر میشود؟ (امام خمینی، بی تا «د»، ۶۵-۶۸) علاوه بر این اگر ساخت گنبد و بارگاه، عبادت آنها باشد، باید طواف کعبه نیز سنگ پرستی باشد؛ درحالی که هیچ مسلمانی چنین اعتقادی ندارد. (امام خمینی، بی تا «د»، ۶۳-۶۴)

راهکارهای ترویج نگاه توحیدی در جامعه

برای ترویج توحید در جامعه لازم است جهان بینی و نگرشهای افراد آن جامعه بازسازی شود. از این جهت انبیای الهی وظیفه‌ی تبلیغ یکتاپرستی را در جوامع خود به عهده داشته‌اند. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۲۷۷/۷) چنانکه قرآن کریم از دعوت به یکتاپرستی حضرت نوح علیه السلام، (هود، ۲۵) ابراهیم علیه السلام، (انعام، ۷۴) شعیب علیه السلام (اعراف، ۸۵) و دیگر انبیای الهی (یونس، ۷۵، هود، ۵۳) سخن به میان آورده است. عمده‌ی مقصد انبیا نشر توحید و معارف الهی و قطع ریشه کفر و شرک (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۵۳) از طریق راهکارهای زیر بوده است:

۱. گسترش معارف قرآنی و ادعیه که مملو از آموزه‌های توحیدی است و جامعه‌ای که با قرآن و معارف اصیل آن آشنا باشد و به آن عمل کند جامعه‌ای توحیدی خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۵/۱۹؛ هجو، بی تا «ج»، ۶۶۰) همچنین نهادهای تربیتی نیز باید با تکیه بر آموزه‌های دینی، تربیت الهی و اسلامی را در جامعه رواج دهند، (رک: امام خمینی، صحیفه امام،

۴۳۵/۸ به‌گونه‌ای که اعتقاد به توحید در بدنه زندگی افراد قرار گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰) و در عمل، افراد از عبادت غیر خداوند دست برداشته و در برابر بت‌های درون و بیرون خضوع نکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۲۶)

۲. ترویج و تبیین انواع عبادت‌های اسلامی و باورپذیری آنها، نقش مؤثری دارد که در میان آنها، مراسم حج یکی از راه‌های مؤثر در ترویج توحید بوده و مراتب معنوی آن سرمایه حیات جاوید است و انسان را به افق توحید نزدیک می‌کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۵/۱۹) و طنین‌انداز آوای توحید است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۲/۲۱) اعلان براءت از مشرکان از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۴/۲۰) و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶/۲۰)

۳. نفی هواپرستی، پول‌پرستی، جاه‌پرستی و نفی تبعیض و ظلم در جامعه (مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۶-۱۱۷) و تغییر فرهنگ غیراسلامی به اسلامی و ترویج معنویت در جامعه سبب می‌شود افراد بر اساس دیدگاه توحیدی تربیت شوند و در مراکز تعلیم و تربیت با افکار توحیدی رشد کنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۸/۸) و همراه با علم، تهذیب نیز داشته باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷/۲)

۴. مبارزه با مظاهر شرک که همه‌ی موجودیت توحید را به خطر انداخته و تمام مظاهر ملی، فرهنگی، دینی و سیاسی را بازیچه هوا و هوس کرده است. مبارزه با شرک در گذشته معطوف به مبارزه با پرستش چوب و سنگ بوده است؛ اما اکنون شامل مبارزه با مشرکان و کشورهای ستمگراست که با ترویج بت‌پرستی مدرن، فرهنگ ملت‌ها را هدف گرفته و روحیه‌ی عجز و ناتوانی را در آنها تبلیغ می‌کنند. از این رو باید مانند ابراهیم علیه السلام به مبارزه با این قدرتها پرداخت و در این راه از فدا کردن اسماعیل‌ها ابا نداشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶-۳۱۷/۲۰)

۵. تشکیل حکومت اسلامی از مؤثرترین راه‌های ترویج توحید در جامعه است. جامعه‌ای که بر اساس اسلام اصیل برپا شود، می‌تواند توحید حقیقی را گسترش دهد، چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که منادی توحید بود حکومت تشکیل داد و به اقصی نقاط عالم نماینده فرستاد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۲/۱۸)

توحید / ۳۳۱

۶. عمل دعوت‌کنندگان به توحید حقیقی و معارف دین و التزام به آن سبب می‌شود توحید در جامعه گسترش یابد؛ اما اگر کسی که به توحید دعوت میکند، خود را تزکیه نکرده باشد و زبان و قلب او در تصرف شیطان باشد، نمیتواند جامعه را به سوی توحید بکشانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۴/۱۹) همچنین مسئولان جامعه نیز باید اهل ایمان و توحید باشند؛ زیرا کسانی که خود اعتقاد و ایمان ندارند، کشور را به سوی تباهی سوق می‌دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۲/۷)

۷. ایجاد الگوی مناسب برای جوامع اسلامی در مسیر نفی استبداد و شرک سبب می‌شود، این جوامع در مقابل طاغوتها و قدرتهای استبدادی قیام کرده و به پیاده کردن توحید اقدام کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۹/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۹)

محوریت توحید در اصول و مبانی انقلاب اسلامی

با توجه به آنچه در آثار فردی و اجتماعی توحید آمد، اصل توحید در اسلام استوارترین بنای مبارزه‌ی ضداستبدادی و ضداستعماری است که در مرحله‌ی عمل و عینیت خارجی توسعه می‌یابد و براساس آن میتوان به مبارزه‌ی با طاغوت و نفی قدرتهای مستکبر پرداخت و حکومت توحیدی برقرار کرد. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۱/۲۴؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶/۵-۳۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۴/۲۱) از این رو مردم ایران بر اساس آرمانهایی الهی، انقلاب کردند که بر مبنای نفی طاغوت و هرگونه استبداد و استکبار از ناحیه‌ی قدرتهای جهانی و ایجاد حکومت دینی بر اساس حاکمیت احکام اسلام بوده و موجب پیشرفت در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و حصول عزت شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱؛ ۱۳۸۳/۶/۳۱) این انقلاب؛ نفی سلطنت تحمیلی ۲۵۰۰ ساله و اثبات حکومت الهی توحیدی بود. در دوران پهلوی اگرچه مذهب رسمی کشور به ظاهر اسلامی بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱/۱) لکن دولت، درصدد تقویت شرک، آتش پرستی و محو نشانه‌های اسلام بود (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۳/۴) و در سیاستهای خود مروج فرهنگ غربی بوده و فرهنگ اسلامی را در سطوح جامعه تضعیف میکرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰) انقلاب اسلامی مبتنی بر حقیقت توحید؛ به معنای حاکمیت ارزشهای الهی و نفی حکومت طاغوت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) برای ساختن

ایرانی آزاد، آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی و رفاه و امنیت است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۸/۳۰) تکیه بر قدرت الهی و حقیقت توحید، در همه‌ی شئون انقلاب و جامعه سایه افکند و انقلاب را به پیش برد. در جامعه و انقلابی که در اصول آن تنها خداوند معبود انسان است و نفع‌پرستی و لذت‌پرستی جایی ندارد، انسانها فقط به پرستش خداوند دعوت میشوند و این امر بر روابط اقتصادی و غیراقتصادی در داخل و خارج کشور تأثیر می‌گذارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵) چنانچه ملت ایران اگر بر اساس آموزه‌های قرآن در مبارزه با استکبار و جنگ‌افروزی‌های مستکبران عالم، قدرت ایستادگی نداشت، نمیتوانست در برابر مشکلات پیش‌رو، محاصره اقتصادی، تحریمها و انواع دسیسه‌های آنان، مقاومت کند. (رک: آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۹/۵)

انقلاب اسلامی ایران برپا شد تا توحید را در مرحله‌ی عمل متبلور کند و بر همین اساس شعار نه شرقی و نه غربی، محور راهبردی انقلاب قرار گرفت، به این معنا که ملت ایران متکی به قدرتهای شرق و غرب نبوده و تنها به عنایت الهی تکیه میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۹/۱۷؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳)

انقلاب اسلامی بر اساس توحید و وحدت کلمه، مردم را به سوی خداوند متوجه کرد و آنها را به میدان مبارزه برای زندگی بهتر کشانید و نتیجه این شد که ملت قدم در راه صلاح و رستگاری گذاشت و به پیشرفتهای بزرگی رسید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۵) این انقلاب معنای درست نفی عبودیت غیر خدا و قدرتهای استکباری را به همه‌ی جهانیان نشان داد و مسلمانان در نقاط مختلف جهان، احساس شخصیت و استقلال کرده و در مقابل زورگویان و مستکبران قیام کردند. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

انقلاب اسلامی ایران بر اساس مبانی‌ای که بر پایه‌ی اعتقاد توحیدی بود برپا شد. این مبانی عبارت‌اند از:

استقلال

یکی از مبانی انقلاب اسلامی در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، استقلال است. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹) زیرا وابستگی و عدم استقلال موجب عقب‌ماندگی، از دست

توحید / ۳۳۳

دادن منابع و ثروتهای طبیعی و مانع رشد و پیشرفت علمی خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) استقلال جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین موهبت الهی برای ملت و کشور است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۳)

عزت ملی و اسلامی

از دیگر مبانی انقلاب اسلامی عزت ملی و اسلامی است که سبب شد امت اسلامی، عظمت و بزرگی خود را بیابد و جایگاه خود را در دنیا پیدا کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۴/۷) این توحید کلمه و کلمه‌ی توحید سرچشمه‌ی عظمت امت اسلامی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۱۰)

ایمان و معنویت

انقلاب اسلامی ایران، بر پایه‌ی ارزشهای اسلامی قرار گرفته (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۷/۱۵) و آن استحکام ایمان و باور قلبی سبب مجاهدتهای مردم شده است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲) معنویتی که مبنای نظام است مبتنی بر توحید و معارف اسلامی است نه آنچه که مکاتب انحرافی آن را مطرح میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴)

تحقق عدالت

از جمله مبانی انقلاب اسلامی تحقق عدالت در جامعه و رفع فساد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶) و استقرار عدالت در جامعه به معنای از بین رفتن هرگونه تبعیض در آن است و این غیر از مبارزه با فقر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۹) اجرای عدالت از اهداف انبیای الهی بوده و بدون عدالت و عدل و انصاف، توحید نیز معنا ندارد و یکی از ارکان توحید نبود ظلم و بی‌عدالتی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳)

شکوفایی اقتصادی و خودباوری

یکی از اصول و مبانی انقلاب، شکوفایی اقتصاد و رسیدگی به اقتصاد کشور است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹) و این شکوفایی تنها برای ازدیاد ثروت نیست، همچنانکه در نظامهای سرمایه‌داری است بلکه برای ایجاد رفاه مردم است چرا که جامعه فقیر جامعه اسلامی نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲) این شکوفایی و سربلندی در کشورهای اسلامی زیر سایه توحید و عدم تکیه به غیر خداوند و دولتهای استکباری و وحدت جهان اسلام محقق خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۱۲/۱۲) اسلام و ایمان به خداوند و همچنین انقلاب اسلامی، سبب خودباوری در ملت ایران شده و نتیجه‌ی آن پیشرفتهایی است که حاصل شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۲۶)

آزادی

حقیقت توحید رهایی از سلطه‌ی غیر خداوند و طاغوت است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰) و این آزادی دارای شعبه‌های مختلفی است. آزادی بیان و دموکراسی در حکومت در چهارچوب موازین اسلامی، جزو اصول انقلاب محسوب میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲؛ ۱۳۸۲/۶/۱۹) یکی از اصول انقلاب اسلامی آزاداندیشی است که یکی از نعمتهای الهی است و بدون آن رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد ولی این به معنای رها کردن جامعه و باز گذاشتن میدان برای دشمن نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹)

استکبارستیزی

بر اساس توحید و نفی طاغوت، جامعه اسلامی نمیتواند در برابر سلطه‌ی استکباری بی‌تفاوت باشد (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۸/۵) و این یکی از اصول انقلاب است، همچنانکه دفاع از مظلومان عالم نیز یکی از مبانی و اصول در دین به شمار می‌آید و انقلاب اسلامی بر اساس همین شعار به وجود آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴)

جهاد علمی

یکی از اصول انقلاب، جهاد علمی برای پیشرفت و اعتلای دین و امت اسلامی بوده که یک نوع جهاد است مانند جهاد در میدان نبرد و جهاد با نفس و یا جهاد با مال. ملت اسلامی پیشرو در علم و مدنیت در دنیا بوده است و با ترک این جهاد دشمنان بر ملتهای ضعیف مسلط میشوند و انحطاط در دنیای اسلام به جهت رها کردن مجاهدت در راه خداوند است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۹؛ ۱۳۸۵/۵/۱۷)

عدم تفکیک دین از سیاست

اساس جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی بر عدم تفکیک دین از سیاست است و مردم برای اجرای حکومت دینی قیام کردند (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۷۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴) و کسی که گمان کند دین از سیاست جداست، خدا و رسول او را تکذیب کرده است؛ زیرا رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام حکومت تشکیل دادند و سیاست مردم را به دست گرفتند چرا که بدون سیاست و حکومت، احکام اسلامی و توحید در جامعه پیاده نمیشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۱۴-۱۱۵)

محوریت توحید در نظام‌سازی و نظام اسلامی

اصل توحید از مبانی اولیه حکومت‌های الهی است که برپایه اطاعت از خداوند و فرامین او استوار است. انسان وقتی معتقد میشود که خداوند تنها خالق و مدبّر عالم است، قهراً تصدیق میکند که برای سعادت بشر هدف و دستوراتی دارد و بنده به جهت حق عبودیت، باید از این فرمانها اطاعت کند. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۳۴/۷) اطاعت از خداوند به معنای اطاعت از انبیا و اوصیای آنها است چنان‌که در بعضی آیات، اطاعت از رسول و اولوا الامر به همراه اطاعت از خداوند ذکر شده است (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱/۱۲۲) و این امر شامل هر شخصی است که به اولیای الهی انتساب داشته باشد و این قاعده، نظام حکومت در اسلام را تشکیل میدهد که سلسله مراتب حکومت به اصل توحید برمیگردد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۱/۱۲۲) فلسفه برپایی حکومت، اجرای فرامین الهی و سوق دادن مردم به خداوند و معنویت و

رهایی از قیدوبند نفس و شیطان است و این در صورتی است که توحید در تمام شئون حکومت و افراد جامعه متبلور باشد و افراد به خداوند توجه داشته باشند و برای او کار انجام دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۶/۱۲) در اداره حکومت نیز معیار، ارزشهای الهی است که لازم است در جامعه پیاده شود و دستگاہهای اداره‌کننده جامعه بر اساس نظام معنوی و الهی به دنبال آن باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۲۰) مسئولیت و مقام و ثروت در نظام توحیدی بی‌ارزش بوده و هدف حاکم و کارگزار حکومت از مناصب نباید به دیده جمع ثروت و مقام باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۶)

اسلام بر اساس مبنای توحید دارای نظامهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۹/۵) نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر توحید بوده و با نظام سرمایه‌داری تفاوت بنیادی دارد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۷/۵) زیرا از مهمترین اهداف آن عدالت اقتصادی و رفاه عمومی است، برخلاف نظامهای سرمایه‌داری که هدف اصلی آن تولید ثروت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲) در این نظام راه‌هایی برای تحقق این عدالت تعبیه شده است. در نظام سیاسی اسلام عزت و استقلال ملتها حفظ شده و هرگونه وابستگی به استکبار و کفار نفی شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱) و در این وابستگی تفاوتی بین نظامهای شرقی و غربی در نظامهای لیبرالیستی و سوسیالیستی نیست. همچنین نظام سیاسی اسلام هرگونه زورگویی و سلطه‌گری را در جهان نفی میکند و نه خود زیر بار ظلم می‌رود و نه زور می‌گوید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۳۱) در نظام سیاسی اسلام که بر پایه‌ی حاکمیت دین و مقررات اسلامی برپا شده است، نظام سیاسی و حکومت بر اساس ولایت است که در آن شخص حاکم با افراد جامعه دارای پیوندهای عاطفی محبت‌آمیز و فکری و عقیدتی است؛ به خلاف حکومتهایی که بر پایه‌ی زور و کودتا برپا شده باشد و حاکم، افکار و عقاید مردم را قبول نداشته باشد. حاکم در نظام سیاسی اسلام خود را بنده خدا می‌داند و وظایف خود را از ناحیه خداوند دریافت میکند، از این جهت در نظام اسلام استکبار وجود ندارد. حکومت در خدمت مردم است و حاکم در نظام اسلامی به دنبال منافع خود نیست و از لحاظ قانونی با دیگران یکسان است. ولایت در نظام اسلامی به این معنا نیست که مردم محجورند و به سرپرست و قیم نیاز دارند بلکه ولایت از ناحیه

خداوند و ادامه راه نبوت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۶) در نظام اجتماعی اسلام نیز جامعه بر اساس نظام توحیدی بنا شده است و توحید مبنای نظام عمومی و قاعده زندگی است. همچنین مبنای حکومت و اداره کشور و مدیریت امور و مبنای زندگی همه جانبه مردم، توحید و معارف اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۱) در نظام اجتماعی اسلام که مبتنی بر جهان بینی توحیدی است؛ آزادی، برابری، عدالت، خودآگاهی افراد جامعه، مبارزه با پلیدیها و زشتیها، ترجیح آرمانهای انسانی بر آرزوهای شخصی، توجه و یاد الهی در قالب عبادات فردی و اجتماعی و عادات و رسوم مذهبی، نفی سلطه‌ی شیاطین، برپایی اصول اخلاق در جامعه و رعایت تقوا همه نظام اجتماعی اسلام را تشکیل میدهد و در همه‌ی این امور محور و هدف خداوند است. بر اساس این دیدگاه هرگونه ظلم و استبداد، تبعیض نژادی، تحقیر انسانها و ملتها و زبانها نادرست شمرده شده و با آن مبارزه میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱) این جامعه در عین حال دارای انسجام بوده و هرچ‌ومرج در آن جایی ندارد و افراد بر اساس رتبه‌ای که دارند از مافوق خود اطاعت میکنند ولی این‌کار را برای اجرای فرمان الهی انجام می‌دهند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۳/۱۱؛ ۴۶/۱۲) در مقابله با افرادی که مسئولیت جامعه به عهده آنهاست با زیردست خود با اخلاق و تربیت اسلامی برخورد کرده و قصد سلطه جویی ندارند چنانکه سیره رسول خدا ﷺ این چنین بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۹/۱۲)

نقش انقلاب اسلامی در اشاعه توحید و نفی شرک مدرن

شرک منحصر در بت‌های چوبی و سنگی نیست؛ بلکه انسانها باید نسبت به طاغوت کفر بورزند «فَسَن يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره، ۲۵۶) و پیامبرانی همچون حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام که در شکستن بتها پیشقدم بوده‌اند، نسبت به بت‌های زمان خود بی تفاوت نبوده و با آنها مبارزه میکردند و مبارزه‌ی ایشان با نمرودیان، ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان، مقدمه‌ی یک هجرت و رسالت بزرگ بوده است که خاتم پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز ادامه‌دهنده آن راه بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶-۳۱۷)

انقلاب اسلامی ایران نیز با تکیه بر مبانی توحید و ترویج تلقی درست از آن، این باور را

به وجود آورد که شرک و مظاهر آن منحصر در عبادت سنگ و چوب و بتها نبوده و مبارزه انبیا با مظاهر شرک نیز منحصر در مبارزه با این بتها نبوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶/۲۰) بلکه به این دلیل بوده که در آن زمان این امور رواج داشته است؛ اما امروز این مبارزه شامل برائت از سردمداران کفر و استکبار جهانی و برائت از شیطانها، خصوصاً شیطان بزرگ، آمریکا است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۴/۲۰) که ملتها را به جبر، به اطاعت از خود وادار میکند و همه‌ی شئون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملتها را در جهت منافع خود تنظیم میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۲۶) در چنین فضایی بود که امام خمینی علیه السلام با عصا و ید بیضای موسوی و بیان و فرقان مصطفوی به نجات مظلومان اقدام کرد و تخت فرعونهای زمان را لرزاند و بتهای بت پرستان را شکست و باورهای شرک‌آلود را با توحید جایگزین کرد و توانست قداست اسلام حقیقی را که با عبادت طاغوت و طاغوتیان در تضاد است به مردم نشان دهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۲۳) این امر در سایه‌ی رهبری ایشان که به تبعیت از ابراهیم خلیل علیه السلام، بتهای زمان خود را شکست، تحقق یافت. قدرتهای استکباری و شیطانی در حقیقت همان بتهای جدیدی هستند که اطاعت از آنها شرک مدرن است و توحید در اینجا به معنای نفی عبودیت این قدرتها و رها شدن از قید اطاعت آنها است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۷/۱۳) شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب ایران، بیان نفی شرک و برائت از بتهای زمانه است که لازم است همه‌ی ملتها با اعلام برائت از نظام شرق و غرب، برای رهایی کشورهای خود تلاش کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۹/۲۰)

معنای لاله الا الله نیز این است که با طاغوتها و طغیان‌گراها و قدرتهای ظالم بین‌المللی که به ملتها ظلم میکنند نمیتوان کنار آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۶/۲۶) در سایه‌ی حمایتهای انقلاب اسلامی ایران و با توجه به پیش‌بینی انجام شده مبنی بر اینکه اسلام و بیداری مسلمانان، تختهای قدرت ظالمان را به لرزه درآورده است و هر روز که بگذرد، امواج سهمگین بیداری اسلامی، تختهای قدرت فرعونهای عالم را بیشتر خواهد لرزاند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۲) دنیا شاهد فروریختن تخت و تاج مستکبران خواهد بود. اکنون دولت آمریکا و سرمایه‌سالاری غرب و فعالان مفسد صهیونیست، حقیقت زنده‌ی بیداری اسلامی را حس میکنند و با اعتراف به این که سلاح و قدرت نظامی در برابر این حقیقت،

کارایی ندارد، همه‌ی توان خود را در حيله‌ها و شیوه‌های سیاسی به کار می‌گیرند. (آیت‌الله

خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۵/۱۰/۸)

یکی دیگر از بتهای دنیای مدرن، زر و زور است که در راستای بسط توحید باید با تمام

این مظاهر شرک مدرن در دنیای امروز به مبارزه پرداخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۷/۲۶)

امام خمینی علیه السلام ابراز امیدواری میکند؛ قرن پانزدهم قرن شکستن بتهای بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسانهای متعهد به جای آدم‌خواران بی‌فرهنگ باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۰/۱۲) قدرتهای استکباری و شیطنانی در حقیقت همان بتهای جدیدی هستند که اطاعت از آنها شرک مدرن است و توحید در اینجا به معنای نفی عبودیت این قدرتها و رها شدن از قید اطاعت آنها است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۷/۱۳) در حقیقت شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب ایران بیان نفی شرک و برائت از بتهای زمانه است که لازم است همه ملتها با اعلام برائت از نظام شرق و غرب، برای رهایی کشورهای خود تلاش کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۹/۲۰)

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به توحید با سایر نگرشها

دیدگاه انقلاب اسلامی همان نفی شریک از خداوند و نفی هرگونه سلطه و استبداد است که برگرفته از مبانی مکتب اهل بیت علیهم السلام و اسلام ناب میباشد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵)؛

و بر این مبنا تأکید می‌ورزد که تنها در برابر خداوند که مالک و قادر بر هر چیز است، باید خاضع و مطیع بود و از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد مگر اینکه اطاعت از او

اطاعت از خداوند باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۱/۵، ۳۸۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۶/۲۶)

در نگرش انقلاب اسلامی، اصل توحید، اصل پویا و جامعی است که نفی هرگونه طاغوت به خصوص مظاهر مدرن و قدرتهای استکباری را نیز شامل میشود و در گفتمان انقلاب اسلامی انسان موحد نمیتواند تنها به انجام عبادتهای فردی اکتفا کند و نسبت به طاغوت زمان و مستکبران جهان، خاضع یا بی‌تفاوت باشد؛ بلکه باید با تکیه بر قدرت لایزال الهی، به مبارزه با آنها پردازد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۱۰) بنابراین انقلاب اسلامی بر اساس توحید، شعار نه شرقی و نه غربی را ارائه کرد و تنها با توکل به قدرت الهی توانست

بر حکومت جائز زمان خود پیروز شود (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۹/۱۷) و این نشان می‌دهد که تنها گفتن لا اله الا الله نیست که یک انسان و یک ملت را در حصار و قلعه‌ی محکم قرار می‌دهد؛ بلکه توحید عملی نیز لازم است و توحید باید از زبان به عمل سرایت کند و ملتی می‌تواند در قلعه توحید قرار گیرد که در عمل، احکام اسلامی را اجرا کند و زنجیر بندگی قدرتهای استکباری را از دست و پای خود باز کند و قدم در پلکان عزت و کرامت بگذارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۲/۲۳)

در مقابل برخی از پیروان ادیان توحیدی مانند مسیحیت، از توحید تفسیری تحریف شده ارائه می‌کنند که با تعدد آلهه نیز منافاتی نداشته باشد؛ ایشان با اعتقاد به اقا نیم ثلاثه؛ «اب، ابن، روح القدس» خداوند را در جوهر یگانه و در اقنوم - به معنای اصل - سه دانسته‌اند. (امام خمینی، بی تا «د»، ۱۷) نیز مجوس که دو مبدأ برای عالم قائل شدند، یکی نور و یزدان و دیگری ظلمت و اهرمن که خوبیها را به یزدان و بدیها و شرور را به اهریمن نسبت دادند. (مقدسی، بی تا، ۸۸/۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۳۰۷؛ امام خمینی، بی تا «د»، ۱۱) مزدکیه نیز به دو اصل قدیم قائل بودند (فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۳۱۰) و معتقد بودند خداوند در عالم بالا بر کرسی نشسته و در پیشگاه او چهار قوه است که آنها با هفت چیز عالم را تدبیر می‌کنند. (امام خمینی، بی تا «د»، ۱۲)

چشم‌انداز اعتقاد و التزام به توحید

یکی از جلوه‌های توحید نفی تبعیض بین قومیتها و نفی تبعیض نژادی است و ملاک در جامعه توحیدی تقوا و پرهیزکاری است. بر اساس اصل توحید، نژادپرستی و قومیت معنا نداشته و اسلام میان سیاه و سفید فرقی نمی‌گذارد؛ و همه تحت پرچم توحید یکسان هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۹/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۶/۲۴)

اعتقاد به توحید علاوه بر اینکه اعتقادی قلبی است باید در مرحله‌ی عمل نیز پیاده شود. اصل توحید به ما می‌آموزد که در برابر غیر حق تعالی نباید کوتاه آمد و توسعه طلبی‌های مشرکان و قدرتهای استکباری در جهان را نباید تحمل کرد و در این راه مانند حضرت ابراهیم علیه السلام جان خود و فرزندان خود را فدا کرد. (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۱/۱۸؛ ۲۰/۳۱۶)

تلاش تمام انبیا و اولیای الهی برای بسط و گسترش توحید و برقراری نظام اسلامی بوده

توحيد / ۳۴۱

است و فتوحاتی که در اسلام رخ داده، به جهت کشورگشایی و توسعه‌ی امپراتوری نبوده بلکه به جهت رساندن ندای اسلام و نفوذ آن به اقصی نقاط عالم و خشکاندن ریشه‌های ظلم و بی‌عدالتی بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۹: ۸/۴۳۶) روند انقلاب اسلامی بر همین اصل استوار است که ندای اسلام و پرچم توحید را در تمام جهان افراشته کرده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۶) و با سرمایه‌داری، کمونیسم و صهیونیسم که ریشه فساد در عالم هستند مبارزه کند و در برابر باج‌خواهی‌های آنها بایستد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۸۱) از این جهت انقلاب اسلامی به دنبال ترویج توحید و روح فداکاری و نفی قدرتهای استکباری بوده و از صدور مبانی انقلاب در سراسر جهان، ابایی ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۹) از این رو انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز حکومت عدل جهانی و ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌سنة است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۳۴۹) که دوران حاکمیت توحید حقیقی و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

اعتقاد به توحید، جامعه‌ای عاری از ظلم و بی‌عدالتی به بار خواهد آورد که مردم چنین جامعه‌ای، حاکم بر امور خود را تنها خداوند دانسته و سر تسلیم در برابر طاغوت و استکبار فرود نمی‌آورند، (آل عمران، ۱۷۵) اعتقاد به قدرت لایزال الهی موجب خواهد شد ملت‌های فقیر با تکیه بر ایمان خود قدرتهای ظالم را شکست دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۳۶-۳۷)

جامعه توحیدی بر اساس مکارم اخلاق و طهارت پایه‌گذاری خواهد شد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴/۱۰۹) و مردم به سعادت حقیقی و رستگاری دنیوی و اخروی خواهند رسید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲)

توحید زمینه‌ساز اقامه‌ی عدل و قسط در جامعه خواهد بود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۳۸۷-۳۸۸) عدم رعایت عدالت و انصاف در جامعه توحیدی بی‌معنی خواهد بود، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳) و مسلمانان با تکیه بر توحید و وحدت کلمه، دل از اجانب بریده و با ایمان و تلاش، کشور خود را از بیدادگری ابرقدرتها نجات خواهند داد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۱۳۷)

اعتقاد به توحید و ربوبیت حق تعالی و ایمان به آن، فساد را در جامعه ریشه‌کن خواهد کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۲۶/۳/۱۳۷۰)

با نگاه فردی به چشم‌انداز توحید نیز میتوان به رشد سجایای اخلاقی چون تسلیم و

توکل (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۲۷؛ آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۶/۹/۲۷) و امید به خدا (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۳۱) و اطاعت صرف از او (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۵) در میان آحاد افراد جامعه امیدوار بود.

تحقق کامل وعده‌ی الهی و پیروزی حق بر باطل و بازسازی تمدن اسلامی نزدیک است و نشانه‌ی این وعده تخلف ناپذیر در اولین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که ایران را به پایگاه محکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد و در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۹/۱۷) و اینک افق پیش روی امت اسلامی از همیشه روشن تر و امید برای رسیدن به هدفهایی که اسلام ترسیم کرده از همیشه بیشتر است.

جمع بندی و نتیجه گیری

توحید از اصول اعتقادی به معنای یکتا بودن و یگانگی خداوند است که به توحید در ذات، توحید در صفات و توحید در افعال تقسیم میشود. توحید در ذات شامل یگانگی و نفی کثرت و تعدد و ترکیب است و توحید صفات به اتحاد صفات با ذات برمیگردد و توحید افعالی به رجوع همه‌ی تأثیرها و فاعلیتها به حق تعالی است. این توحید در توحید خالقیت، توحید ربوبیت، توحید مالکیت و توحید عبودیت جلوه‌گر میشود. همچنین توحید به دو قسم توحید نظری و عملی تقسیم میشود که توحید نظری، اعتقاد و اقرار به توحید است و توحید عملی مبتنی بر این است که انسان تنها خداوند را معبود و خالق و مالک هستی بداند و در افعال خود بر این اساس مشی کند یعنی تنها خداوند را معبود خود قرار دهد و از غیر او اطاعت نکند و همه‌ی عالم را ملک و تحت قدرت حق بداند که این دارای آثار اخلاقی و اجتماعی بی شماری است. در عرصه‌های اجتماعی، توحید با نفی اطاعت از قدرتهای استکباری، آزادی طلبی و ظهور انقلابهای توحیدی که بر مبنای اعتقاد به یگانگی خداوند و توحید افعالی است، جلوه‌گر میشود و میتواند منجر به نظام سازی بر اساس احکام اسلام ناب و حقیقی گردد. توحید در عرصه‌های مختلفی چون ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با دیگران و ارتباط با خلقت تبلور می‌یابد. جامعه توحیدی، جامعه‌ای است که بر اساس جهان بینی توحیدی بنا شده باشد و دارای شاخصه‌هایی

چون دعوت به معنويت و انسان سازي، حاکم بودن معيارهاي اخلاقي، نفی مظاهر شرک و طاغوت، عدالت و آزادي، مقاومت در برابر زورگويي، نظم و انسجام، نفی تعصبات قومي و طبقات اجتماعي، همبستگي و اتحاد، خودباوري و ايتار و فداکاري مي باشد.

برای ترويج توحيد در جامعه راهکارهايي وجود دارد که از جمله ي آنها بازسازي جهان بيني و نگرشهاي افراد، گسترش معارف قرآني، ترويج و تبين انواع عبادت هاي اسلامي، نفی هواپرستي، پول پرستي، جاه پرستي و نفی تبعيض و ظلم در جامعه و تغيير فرهنگ غير اسلامي به اسلامي، مبارزه با مظاهر شرک و تشکيل حکومت اسلامي مي باشد. انقلاب اسلامي نيز بر اساس اعتقاد به توحيد و نفی مظاهر شرک و نفی طاغوت و قدرتهاي استکباري برپا گرديد و توانست ديده گاهي عميق و همه جانبه نسبت به توحيد ارائه دهد که عبارت است از حاکميت ارزشهاي الهی بر جامعه و نفی حکومتهاي غير الهی و استبدادي. همچنين توانست بتهاي زمان يعني شرک مدرن را ساقط کرده و با قدرتهاي استکباري به مبارزه برخيزد.

انقلاب اسلامي بر اين مبنا تأکيد مي ورزد که تنها در برابر خداوند که مالک و قادر بر هر چيز است، بايد خاضع و مطيع بود و از هيچ انساني نبايد اطاعت کرد؛ مگر اينکه اطاعت از او اطاعت از خداوند باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، علی بن محمد، اباکار الافکار فی اصول الدین، تحقیق احمد محمد مهدی، القاهرة، دارالکتب، ۱۴۲۳ق.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العبودية، تحقیق محمد زهیر شاپوش، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۲۶ق.
۷. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، التعليقات علی الفوائد الرضویة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، الطلب والارادة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تعليقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، بی‌جا، مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تقریرات فلسفه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ب»
۱۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، سز الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ج»
۱۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح دعاء السحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ش.
۱۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، کشف الاسرار، بی جا، بی تا. «د»
۲۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. امین عاملی، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، تحقیق سید حسن امین، قم، مکتبه الحرمین، بی تا.
۲۲. بحرانی، سید هاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. سبحانی، جعفر، الایمان و الکفر، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. صدرالمتهلین، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، شرح اصول الکافی، تحقیق محمد

توحيد / ۳۴۷

- خواجهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۲۹. صدرالمتالهین، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، مجموعه رسائل فلسفی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، التوحيد، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، الرسائل العشر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.
۳۵. عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، تحقیق فهد بن ناصر بن ابراهیم سلیمان، الرياض، دار الثریا، ۱۴۱۳ق.
۳۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری، اللوامع الالهية فی المباحث الکلامية، تحقیق سید محمدعلی قاضی طباطبایی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
۳۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء تراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۹. قمی، قاضی سعید، شرح توحيد الصدوق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۰. قیصری، محمد داوود، شرح فصوص الحکم، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۴۱. کاشف الغطاء، محمد حسین، اصل الشيعة و اصولها، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. کاشانی، عبدالرزاق، مجموعه رسائل و مصنفات، تهران، نشر میراث مکتوب، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۴۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، العقائد الجعفرية، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ

چهارم، ۱۴۰۷ق.

۴۵. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ

دوم، ۱۴۰۸ق.

۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۳ق.

۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.

۴۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بی جا، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.

۴۹. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات

هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

جوان

محمدحسین صاعد رازی^۱ (مؤلف و مسئول علمی)

جوان؛ قشر پویا، آرمان خواه، کارآمد و نیروی محرکه‌ی انقلاب اسلامی.

«جوان» یعنی کسی که زمان زیادی از عمرش نگذشته و یا به عبارتی کم سن و سال است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۶۹۳۰/۵، انوری، ۱۳۸۱، ۲۲۱۳/۳) در مورد سنین جوانی، بین روانشناسان و جامعه‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. روانشناسان، سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی را «دوران نوجوانی» (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ۲۳، ساروخانی، ۲۰۱۳، ۵۴) و ۱۸ تا ۲۵ سالگی را «دوران جوانی» نامیده‌اند، (خدایاری فرد، ۱۳۸۰، ۱۱) که از آن به اوایل بزرگسالی هم تعبیر شده است. (منصور، ۱۳۷۸، ۲۰۴-۲۱۰) جامعه‌شناسان نیز گروه سنی ۱۳ تا ۲۴ سال را «جوان» می‌نامند. در این زمان، تغییرات اساسی جسمانی به پایان می‌رسد و رفتارهای هنجاری و اجتماعی انسان شکل می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۵۴، ۲۰-۲۱؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) و زندگی‌ش با وقایع مهمی همچون ازدواج، اشتغال و فرزندآوری همراه می‌شود. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶؛ ۱۳۹۲/۸/۸؛ ۱۳۹۴/۴/۲۰)

قرآن کریم جوانی را مقطعی از زندگی دانسته است که انسان پس از ضعف و ناتوانی دوران کودکی و نوجوانی، به «توانایی» می‌رسد. (روم، ۵۴) همچنین این مرحله را دوره‌ای معرفی می‌کند که انسان علاوه بر توانایی جسمانی به تکامل عقلانی دست می‌یابد. (انعام، ۱۵۲؛ اسراء،

۳۴؛ حج، ۵؛ غافر، ۶۷)

۱. دانش‌آموخته خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و دکتری تخصصی قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از ۱۵ تا ۲۰ سالگی دوران طلایی جوانی است، که ظرفیتها و فرصتهای غیرقابل تکراری در آن وجود دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۶)

مفهوم مرتبط با «جوان»، «نسل جوان» است، که معنای اعمی از آن فهمیده میشود؛ قشری است که در اثر تحصیلات و آشنایی با تمدن جدید دارای طرز تفکر مخصوصی است، خواه پیر باشد یا جوان؛ البته اکثریت این طبقه را جوانان تشکیل میدهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۳/۲۴)

در ادبیات انقلاب اسلامی اصطلاح «جوان انقلابی» نیز به کار برده میشود که مقصود از آن جوانان مؤمن و پرشوری است، که باب رحمت و هدایت الهی در برابر آنان گشوده شده است و با اهتمام و دغدغه و مسئولیت‌شناسی، به سوی آرمانهای انقلاب اسلامی حرکت میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶)

قرآن کریم به مسئله جوان نگاه ویژه داشته و پندهایی را نیز در قالب پندهای لقمان به فرزندش، ارائه میکند. (لقمان، ۱۳) همچنین حضرت یوسف علیه السلام را به عنوان الگوی جوانان معرفی میکند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) و جوانی را دوره‌ای با ویژگی «نیرومندی» در مقابل دوره‌ی کودکی و پیری با ویژگی «ضعف» ذکر کرده است. (روم، ۵۴)

این کتاب آسمانی همچنین ویژگیهای جوان مطلوب را بیان کرده و او را عدالت‌طلب و حامی مظلومان معرفی نموده است و به عنوان نمونه، حضرت موسی علیه السلام جوانی با این ویژگیها معرفی شده است (قصص، ۱۵، ۲۳-۲۸؛ رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۶/۱۸-۲۲) و اصحاب کهف را جوانانی توصیف نموده که به پروردگارشان ایمان آورده و حق طلب بودند. (کهف، ۱۳) در جای دیگر، حضرت اسماعیل، جوانی توصیف میشود که برای اطاعت از امر خدا حاضر شد جان خود را فدا کند (صافات، ۱۰۲) و از جوانی به نام ابراهیم نام برده شده که از مخالفت شجاعانه با بتها سخن می‌گفته است. (انبیاء، ۶۰) عفت و پاکدامنی، (قصص، ۲۵) پرهیز از افراط و تفریط، (لقمان، ۱۹) خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم، (اسراء، ۳۷) بندگی و خداپرستی و برپایی نماز (لقمان، ۱۷) و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، (لقمان، ۱۷) نیز از دیگر ویژگیهای جوان مطلوب، از نگاه قرآن است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توجه ویژه‌ای به جوانان داشت؛ آن حضرت أسامة بن زید را فرمانده یکی از جنگ‌های در برابر امپراتوری روم قرار داد (ابن اثیر جزری، بی تا، ۱/۶۴-۶۶) و در فتح مکه جوان ۱۹ ساله‌ای به نام «عتاب بن أسید» (ابن اثیر جزری، بی تا، ۳/۳۵۸) را در جایگاه حاکم مکه منصوب کرد. (آیت الله خامنه‌ای، ۲۴/۷/۱۳۹۰) ایشان همچنین برتری جوانان پاک سیرت را که در بهار جوانی، گوش به فرمان الهی هستند، بر پیران عابد، همانند برتری پیامبران بر سایرین بیان کرده است. (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۵/۷۷۶) درخشش امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در دوران جوانی بود. ایشان در همه‌ی میدانها موانع بزرگ را از سرراه پیامبر صلی الله علیه و آله برمیداشت و با تلاش بی وقفه در راه اسلام فداکاریهای فراوانی می نمود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱/۱۳۷۹)

در زندگی پیشوایان اسلام نیز شاهد رفتار و برخوردهای شایسته و سازنده با جوانان هستیم. (رک: طوسی، ۱۳۶۴، ۸/۱۱۱) اهل بیت علیهم السلام جوانان را یکی از مخاطبان اصلی خود دانسته و بسیاری از دستورات آن بزرگواران مربوط به این قشر بوده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۲۶/۹/۱۳۸۲) آنان همواره بر احترام و رسیدگی به جوانها با توجه به ویژگیها، درکها و نیازهای آنان تأکید کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۴۶-۴۷) و دوران جوانی را بهترین زمان برای کسب معارف اخلاقی و معنوی معرفی کرده و بیان میدارند که خداوند به عبادت پیشه بودن جوانان نزد فرشتگانش افتخار میکند. (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۵/۷۷۶)

از شواهد توجه ویژه‌ی ائمه اطهار علیهم السلام به جوانان، نهضت حسینی است، که امام حسین علیه السلام به آنان اجازه فرمود، الگوی صبر، استقامت، ایثار و ولایتمداری را به نمایش بگذارند؛ حضور جوانان در انقلاب اسلامی نیز الهام گرفته از همین فرهنگ بود و موجب شد رویکرد استکبارستیزی و مقاومت در مقابل جور در روح جوانان ایرانی دمیده شود و در نهایت باعث پویایی و پیشرفت انقلاب اسلامی شد. در پرتو چنین تأثیری است که نهضت حسینی و عاشورا بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی عمق بخشید؛ چنانکه میتوان بر این اساس انقلاب اسلامی را «حسینی الحدوث و البقاء» دانست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۴۳۹) برپایه‌ی برخی از احادیث در زمان ظهور امام زمان علیه السلام و حکومت آن حضرت، جوانان نقش مؤثری داشته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. (نعمانی، ۱۴۲۲، ۳۳۰؛ مفید، ۱۴۱۴، ۲/۳۸۶)

مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷۰/۵۲، ۱۴۰۳) به پیروی از معصومین علیهم‌السلام، علمای اسلام، به ویژه علمای اخلاق تأکید ویژه‌ای بر جایگاه و اهمیت جوان و تربیت صحیح او در دوران جوانی داشته‌اند. (رک: ابن مسکویه رازی، ۱۴۱۳، ۵۳-۵۴؛ غزالی، ۱۳۴۵، ۴۴۴) البته برای آنکه در تشخیص حد واقعی جوانان افراط و تفریط صورت نگیرد و با واقع بینی درباره مسائل آنان قضاوت شود، لازم است تعالیم الهی در این موضوع مهم، معیار نفی و اثبات باشد. (فلسفی، ۱۳۸۲، ۱۰/۱-۱۱) اغلب متفکران انقلاب اسلامی نیز اهمیت جوان و جوانی را گوشزد کرده‌اند. (مظهری، مجموعه آثار، ۲۳/۲۴۴-۲۴۵؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۲۷-۴۳۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵)

جایگاه و منزلت جوان

جوان محبوب خدای متعال (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۱/۱۶) و مهبط لطف اوست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰) که ذخیره‌ای ارزشمند از عمر و توانایی عمل و تلاش به او اعطا شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۸)

بنیانها و ستونهای اصلی انسان، در جوانی شکل میگیرد که او با انتخاب خود و استفاده‌ی مطلوب از این ظرفیت عظیم میتواند تا پایان زندگی خود را به نیکی رقم بزند. «جوانی» است که «پیری» را شکل میدهد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۹؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰) و مسیر آینده را ترسیم میکند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۸) لذا جوانی دوره مشعشع و درخشانی است که اگرچه چندان طولانی نیست، اما آثارش یک آثار ماندگار و طولانی در همه‌ی زندگی انسان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱)

جوان مهمترین نیروی کشور (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۰/۶) و یکی از سرمایه‌های بزرگ جامعه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۶) و پشتوانه‌ی آن محسوب میشود؛ به طوری که دشمن با مشاهده‌ی قدرت جوانان یک جامعه، جرأت تعرض به آن را نخواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۱)

جوان به دلیل توانایی‌های ویژه‌ای که دارد، میتواند در شرایط سخت، استقامت ورزیده و با تلاش و زحمت، گره‌گشایی کند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) لذا در حرکت‌های انقلابی،

سیاسی، سازندگی و فرهنگی، محور حرکت بوده و در این امر پیشگام و کارآمدتر از دیگر اقشار جامعه ایفای نقش میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵)

مسئولیت‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی نیز در سطوح خرد و کلان، اغلب به دوش جوانان است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۲۷-۴۲۹) برای این اساس، جوانان بزرگ‌ترین نعمت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) و ثروت اصلی جامعه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶/۴/۱۳۸۱) محسوب میشوند که مدیران لایق و قابل میتوانند به سود مردم و کشور از آن استفاده کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۸)

جایگاه و اهمیت جوان در هنگام مبارزه و جهاد و چالش نظامی یا غیرنظامی با دشمنان بارزتر است؛ چنانکه تنها گروهی هستند که در جبهه‌های مختلف علمی، عملی، تجربی و سیاسی و اجتماعی میتوانند در هر شرایطی دشمن را شکست دهند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۹) همانگونه که در انقلاب اسلامی با مشت‌های خالی به استقبال توپها و تانکها رفتند و آنها را شکست دادند.

در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پس از آن نیز، جوانان با محوریت مساجد و قرار دادن آن به عنوان اصلی‌ترین پایگاه نهضت به مبارزات فداکارانه پرداختند و طبقه‌ی وسیعی از دانشجویان جوان تحت تأثیر و سازماندهی مساجد، به فعالیت انقلابی پرداختند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۶؛ ۱۳۷۵/۱۰/۱۹؛ مسجد) یکی دیگر از عرصه‌های حضور جوانان در نهضت اسلامی، حوزه‌های علمیه و مدارس علوم دینی بود که جوانان متدین و آگاه را در خود پرورش داده بود و نقش مهمی در پیشبرد اهداف نهضت داشته است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ۲۴-۲۵)

جوانان، امید انقلاب هستند که مقدرات جامعه را رقم میزنند و آن را حفظ خواهند کرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۵۰؛ ۱۰/۳۹۸-۳۹۹) و در حقیقت، وارثان کشورند (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۵۰۶) و با همت بلند خود آینده‌سازان جامعه هستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۵) البته جوانانی که نسبت به اسلام و حفظ آن اهتمام دارند و در راه آن کوشش و فداکاری میکنند از اهمیت و جایگاه رفیع‌تری برخوردارند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۲۳۸) و میتوانند کارهای بزرگ را در جامعه

رقم بزنند و انقلاب اسلامی هم حاصل تلاش این دسته از جوانان بوده است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۳/۱۲) چنانکه جوانان دانش‌آموز، دانشجوی و طلاب علوم دینی چنین نقشی را داشته و هرچه احساس تعهد و مسئولیتشان بیشتر باشد، ارزششان بالاتر می‌رود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) با این همه جایگاه حقیقی و ابعاد تأثیرگذاری جوان مسلمانی که در سنگری از سنگرهای جمهوری اسلامی تلاش می‌کند؛ قابل ترسیم نیست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲)

جوان؛ نیازها و ظرفیتها

نیازها

نیازهای انسان در یک تقسیم به فطری و غیر فطری تقسیم می‌شود. نیازهای فطری نیازهایی هستند که ناشی از ساختمان طبیعی بشرند و هر بشری به موجب آنکه بشر است، خواهان آنهاست؛ که از آن جمله میتوان به علاقه انسان به پرستش، کاوش علمی و حقیقت‌جویی و خلاقیت، علاقه به جمال و زیبایی و تشکیل خانواده و تولید مثل اشاره کرد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۸۳/۳-۱۸۴، ۳۸۴-۳۸۵) اما جوان پس از سپری کردن دوره کودکی و ورود به سنین نوجوانی، نیازهای جدیدی پیدا میکند و یا برخی از نیازهایش تشدید می‌گردد، که در سه حوزه ارتباط با خود، خدا و دیگران قابل تقسیم است:

نیازها در عرصه ارتباط با خود. در ایام جوانی پرسشهای فراوانی پیرامون جهان هستی، آغاز و انجام جهان، نقش دین در زندگی و کارآمدی آن مطرح می‌شود و جوان به دنبال دستیابی به یک نظام فکری و عقیدتی است تا راهگشای او در این پرسشهای اساسی باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۸/۲۴-۵۳۰)

جوان به دلیل مواجه بودن با شبهات و پرسشهای گوناگون نیاز به استحکام بنیانهای اعتقادی و دینی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۲۸) و آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن هم دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۸/۳/۵) یکی از نیازهای عمده‌ی جوانان، شناخت هویت است؛ او باید بداند کیست و برای چه می‌خواهد تلاش و کار کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) «هویت»، مهمترین عاملی است که نسل جوان را در برابر پدیده‌های جدید و نوینی که با اعتقادات و ریشه‌های هویتی او متفاوت است، پایدار میدارد؛ لذا دشمن،

همواره درصدد آن است که هویت جوان را از او بگیرد، اهداف او را از بین ببرد و فضا را تیره کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) و رسانه‌های جهانی در بیشتر محصولات جذاب و فریب‌آمیز خود در پی تغییر هویت نسل جوان به واسطه‌ی تغییر ذائقه‌ها، سلیقه‌ها، آرزوها و خواسته‌ها هستند.

استقلال و آزادی نیز دو نیاز مهم جوانان است، جوان به دنبال آزادی فکر و عمل و نفی وابستگی‌های معنوی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰/۹) و این آزادی فکری به معنای داشتن فکر اسلامی به جای تفکر غربی است که این امر خود، استقلال فکری را در پی دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴-۲۵) تفریح و نشاط و شاد بودن نیز یکی از نیازهای جوان است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ البته نباید تمام زندگی و وقت افراد را به خود اختصاص دهد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۱/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۰/۱؛ ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹) یکی دیگر از نیازهای جوانان نیازهای طبیعی و غریزی است؛ به طوری که جوانی زمان اشتعال آتش شهوت است و باید از راه‌های مشروع به آن پاسخ داده شود؛ (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۵-۲۶) زیرا او به ارضاء صحیح هیجانها، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) نیازمند است. ورزش و داشتن جسمی سالم از نیازهای مهم اوست؛ زیرا ورزش همانطور که بدن را تربیت و سالم می‌کند، عقل را هم سالم مینماید و اگر عقل سالم باشد تهذیب نفس را هم به همراه خواهد داشت (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۱/۷) و قدرت، زیبایی، توانایی و شکوفایی استعدادها، گوناگون جسم او، با ورزش حاصل میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲)

نیازها در عرصه‌ی ارتباط با خدا. ایجاد صفات پسندیده‌ی اخلاقی و دفع رذائل و نیز کسب معنویت از نیازهای اصلی جوان است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۳۱) زیرا دوران جوانی اوج معنویت‌گرایی است. در این زمان جوانان شیفته ارزشهای اخلاقی و دینی بوده و به دنبال آن هستند. (دُبس، ۱۳۵۱، ۱۸۵)

نیازها در عرصه‌ی ارتباط با دیگران. از دیگر نیازهای جوانان، نیاز به عشق و محبت است. جوان دوست دارد به دیگران محبت کند و مورد محبت آنها قرار گیرد؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴) زیرا محبت یک نیاز اصیل انسانی است (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱۴-۲۱۵، ۴۷۴) و این نیاز در جوان به صورت بیشتری خودنمایی میکند؛ لذا ملایمت و ملاحظت با جوانان در

تربیت آنان نیز مؤثر است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۳۹-۲۴۰؛ همو، صحیفه امام، ۴۴۹/۱۷)

با توجه به تأثیرپذیری جوان، داشتن الگوی فکری و رفتاری شایسته در درون منزل و جامعه نیاز مهم اوست؛ زیرا الگو و مدل مناسب، به یادگیری رفتار صحیح می‌انجامد؛ (کلز، ۱۳۷۵، ۷۳-۷۹) از این رو لازم است جوانان به الگو گرفتن از معصومین علیهم‌السلام در عرصه‌ی زندگی فردی و اجتماعی سوق داده شوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۶)

نیاز دیگر جوان، دوست‌یابی و معاشرت با دیگران است. دوستانی که از میان اشخاص وارسته، متعهد و متوجه به معنویات گزینش شده باشند؛ زیرا این امر در تهذیب و یا تخریب شخصیت آنان نقش بسزایی دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۱/۱۶-۲۱۲؛ همو، ۱۳۷۵، ۴۹۹)

ظرفیتها

مقصود از ظرفیتها سرمایه‌هایی است که در دو ساحت روح و جسم جوانان قابل شکوفایی و جهت‌دهی است و خداوند متعال آن را در وجود جوانان به ودیعه گذاشته است. این ظرفیتها در پنج عرصه قابل بررسی است:

ظرفیت عقلی. صفات اصلی یک انسان تربیت‌شده، آگاهی، فکر، اراده و روشن‌بینی است که پایه اول آن در سنین نوجوانی و آغاز جوانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵) جوان از استعداد سرشار و کشش و توان ذهنی بسیار زیاد برخوردار است و میتواند در مورد همه‌ی امور به طور جدی و منطقی فکر کند و خلاقیت ورزد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) او آمادگی دارد که با تفکر و هدایت صحیح، راه درست را انتخاب کرده و مسیر زندگی خود را تعیین کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲/۲) روحیه‌ی منطقی، استدلال و اعتراض منطقی در جوان (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵) بسیار در مسیر تعالی او مفید است و سایر امور را جهت میدهد. جوانان میتوانند با کار فکری عمیق، تقلید کورکورانه از مبادی فکری غربی را ریشه‌کن نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۹)

ظرفیت ایمانی. جوان برخوردار از فطرت پاک (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹) و قلب و روح صاف و ملکوتی (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۸/۱۲) است؛ که توان شکوفاسازی آن را دارد، (رک: امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۰، ۲۷۲-۲۷۳) زیرا هنوز انحراف و فساد در فکر و عمل و احساس او رسوخ

نکرده (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵/۲۱) و میتواند از قرآن و معارف دینی که هماهنگ با فطرت الهی است، تأثیر بپذیرد و ایمان خود را تقویت کند (رک: امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۸۰) و با صعود مستمر به مرتبه‌ی بالاتر از ایمان نائل شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۳۱) او میتواند ایمان خود را تقویت کرده و ارتباط قوی معنوی با خدای متعال داشته باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲) و از طریق خشوع، ذکر، تضرع و توسل و دوری از گناه و مغتنم شمردن نماز به پروردگار متعال نزدیک شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۳) حتی اگر جوانی مدتی را به گمراهی سپری کرد ظرفیت ارزنده بازگشت سریع، برای او وجود دارد؛ زیرا بهار توبه، ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه، سهل‌تر و آسان‌تر است. (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۲۷۳)

ظرفیت اخلاقی. جوانی بهترین زمان و موقعیت برای صیوروت واقعی انسانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۸/۷) جوان، پایبندی به تعلقات مادی ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹) و در اوج توانمندی روحی برای کسب فضائل و دفع رذائل است. لذا فرصت بی‌همتایی در اختیار دارد که از امکانات ذخیره شده در وجودش در جهت برنامه‌ریزی و اجرا و دستیابی به هدف بهره‌مند گردد. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۵۷-۶۰) او میتواند عقل را از بند هوای نفس آزاد کرده و شهوت و غضب خود را در کنترل خود درآورد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۱۲) صفایی که میتواند روح انسان به دست بیاورد و با آن از لایه‌های گرفتاری مادی و آلودگیها و پلیدیها عبور کند و دامن خود را پاک نگه دارد، در جوانان بیش از همه‌ی انسانهاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰) اگر او در این دوره سعی کند تقوا داشته باشد، بزرگترین سرمایه را برای دنیا و آخرت خود فراهم کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۴۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴)

ظرفیت علمی. جوانان میتوانند با درس خواندن و علم اندوختن رشد کنند و در نتیجه به اختراع و پیشرفت دست یابند و در این خصوص به خود اعتماد کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۲۳) آنها میتوانند مسئولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را به دوش گرفته و در میدان علم به مسابقه‌ای الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، پرداخته (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۸/۳/۱۲) و تولید علم کنند و آن را به نهضتی فراگیر تبدیل نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۱۳) در این راستا اگر جوانان دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و هر

دو را با پرهیزکاری و پاکدامنی بیامیزند؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ای برای کشور با آنان برابری نخواهد کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۳/۱۱/۳)

ظرفیت عملی. جوان از جسم توانمندی برخوردار بوده (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۵۷) و از عزم و اراده قوی (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۳۴۵) بهره‌مند است؛ لذا می‌تواند مسیرهای بلندمدت را در زمانی کوتاه طی کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۳) او آماده برای پای نهادن به وسط میدان انجام وظیفه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹) بوده و به دلیل شور و شوق و نشاطی که دارد، می‌تواند در سایه‌ی کار و تلاش مستمر به آرزوهای خود نائل شود و به سرعت راه‌های ترقی و تکامل را طی کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۹-۵) و با حوصله طی مسیر نماید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۸؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸) جوانان همچنین می‌توانند امور مختلف اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی را به خوبی مدیریت کنند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۲۷) و در این امر پیشگام بوده و کارآمدتر از دیگر اقدار جامعه ایفای نقش نمایند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) در محیط جوان، آرمانها محسوس، ملموس، زنده و قابل دسترسی و دستیابی است؛ لذا برای رسیدن به آنها، به صورت جدی تلاش میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۱)

مختصات و ویژگیهای جوان

جوان احساس خلأ و ابهام داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) و در پی کشف هویت (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۷۹/۲/۱؛ ۱۳۷۹/۷/۹؛ ۱۳۸۰/۲/۱۲) و تکوین هویت و شخصیت خود است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) او برای اولین بار با دنیای بزرگی در دوره‌ی جوانی مواجه میشود که آن را تجربه نکرده و احساس میکند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد. در وجودش انرژیهای متراکمی وجود دارد و جسم و ذهنش از توانایی‌های ویژه‌ای برخوردار است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) اما به تدریج شخصیت او شکل می‌گیرد و در برابر اجتماع احساس مسئولیت کرده (رک: هاشمیان، ۱۳۵۴، ۱۳۶-۱۳۷) و در این راه آماده فداکاری و از خودگذشتگی و خطرپذیری میشود. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۳؛ ۱۳۸۱/۱/۹؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴)

در آغاز دوران جوانی عدم اطمینان نسبت به نقش خود، او را احساساتی، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) زودرنج، دودل و بی‌ثبات می‌سازد و به سرعت جنبه‌ی انفعالی و عاطفی شخصیت

او گسترش می‌یابد؛ (احدی، ۱۳۹۰، ۲۰-۲۴) لذا برانگیختگی و هیجان زیادی دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۸/۱۴) و در برابر پدیده‌های نامطلوب حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) گستاخی و نپذیرفتن بسیاری از قیود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۴) و مخالفت او با والدین و عصیان در برابر اندیشه و دخالت‌های دیگران، نیز برای تثبیت هویت و جدا کردن خویش از سایرین (احدی، ۱۳۹۰، ۲۸) و رسیدن به استقلال است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) جوان اگر این دوره را به خوبی و با رشد شخصیت پشت سر گذارد، به صفاتی از قبیل: احساس اطمینان، استقلال، امید، مسئولیت‌پذیری و گرایش به فضایل نائل می‌گردد. (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ۵۱۴-۵۱۵؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸؛ ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۱/۱۱/۶؛ ۱۳۷۹/۲/۱) در صورتی که به نیازها و انتظارات جوان پاسخ مناسب داده نشود، دچار بحران هویت خواهد شد. (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ۱۵۴-۱۵۵)

جوان بیش از دیگران تأثیرپذیر بوده (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۴۹۸) و قابلیت اصلاح سریع را دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲/۲) دوران جوانی، فصل الگوگیری است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۶) در این زمان شخص در پی یافتن الگوی مورد پسند و مقایسه خود با او بوده و می‌خواهد خود را به شکل الگوی مورد نظرش درآورد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۹۱/۲/۱۳) او دگرگونی طلب و تحول‌آفرین است (مطهری، مجموعه آثار، ۳۱۰/۱۵؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷) و با نشاط و شور و شوقی که دارد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴-۹؛ ۵-۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) با امید و ابتکار (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) و انگیزه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) به سوی اهداف خود پیشروی و پیشرفت می‌کند. (مطهری، مجموعه آثار، ۳۱۰/۱۵؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱) جوان، طالب معرفت (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۱/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۱؛ ۱۳۷۴/۸/۱۰؛ ۱۳۷۶/۷/۱۶؛ ۱۳۷۹/۱۲/۹) و پذیرش حق (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۱۶) و عدالت بوده و آرمان‌خواه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱) علاوه بر این دارای فطرت بی‌آلایش (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۲۵) و روح پاک، صاف و ملکوتی (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲/۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۳/۷؛ ۱۳۶۸/۳/۱۸؛ ۱۳۶۸/۳/۲۰) و دارای صداقت و صمیمیت است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲)

او به زیبایی و زیباسازی علاقه‌مند است؛ لذا می‌خواهد که خودش هم زیبا باشد، که امری طبیعی و قهری است و این گرایش در اسلام منع نشده است؛ بلکه احتراز از فتنه و

فساد مورد نظر اسلام است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷)

از ویژگیهای جوان، نیرو و نشاط جسمی است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴-۵: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۸۲/۶/۲۶) لذا میل به مسئولیت‌پذیری و انجام کارها (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۸/۱۳) و هم‌اوردطلبی دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱) جسم جوان نیز مقاوم بوده و میتواند در برابر نامالیقات صبر کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۱/۱۴) و مشکلات و بن‌بستهای پیش رو را درهم شکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷) او همچنین دارای ذهنی سیال است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۲۶) و آمادگی دارد مطالعه کند و یاد بگیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

نقش جوانان در تحولات جوامع

هر جامعه‌ای توسط نیروی انسانی جوانش اداره میشود. در غیر این صورت جامعه توانایی حرکت رو به جلو و تعالی را نخواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۳/۹) جوانان تحولات اجتماعی را پایه‌گذاری کرده و در استمرار حرکت، ستونهای آن به شمار می‌آیند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰) و مادامی که ایمان در قلبشان است پیروزند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۴/۱۴) نقش جوانان در تحولات را میتوان در عرصه‌های ذیل تقسیم‌بندی نمود:

عرصه‌ی اندیشه، علم و فناوری

جوانان فطرت پاکی دارند و با استدلال منطقی و تذکرات دلسوزانه‌ی یک مربی مذهب، این فطرت شکوفا میشود. دو‌نامه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ خطاب به جوانان غربی در حقیقت تلاشی برای این امر بوده است. همچنین جوانان نخبه و تحصیل‌کرده‌ای که فرزانی را با تعهد و احساس مسئولیت همراه کرده‌اند، امید هر کشور و عامل اساسی تحقق آینده‌ی درخشان آن محسوب میشوند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۶) و زمامداران فکر و علم آن کشورند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲) جوان مؤمن و معتقد میتواند حرف و انگیزه‌اش را به‌طور قوی در فضای جامعه مطرح کند؛ به‌طوری‌که در تمام فضای جامعه منتشر شده و تأثیر بگذارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰) آنان در مبارزات علمی و عملی شرکت میکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۶/۲۱) و علم و فناوری را به پیش می‌برند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۶)

جوان / ۳۶۱

و خرابی و سعادت جامعه را در دست دارند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۲/۷) لذا دشمنان برای آنان به طور جدی برنامه ریزی کرده و به سیرتدریجی تباہ شدن نسل جوان امید بسته اند. (آیت الله خامنه ای، مکتوبات، ۱۳۸۱/۵/۲۷)

عرصه‌ی فرهنگی و هنری

از آنجا که نسل جوان، آینده سازان کشور و عهده دار امور جامعه خواهند بود؛ لذا اگر تحت آموزش و تربیت غربی معلمان و اساتید قرار گیرند، راه برای تسلط و استیلای دولتهای غربی هموار میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴۶/۱۵) از سوی دیگر اگر به طور صحیح تربیت شوند، با تکیه بر انگیزه‌های ایمانی و انقلابی خویش و به صورت جدی و قاطع، اغلب به صورت غیررسمی و بدون چشم داشت به انجام فعالیت‌های فرهنگی اثرگذار می پردازند و همین امر، نقش بسیار زیادی در پیشرفت فرهنگی کشور دارد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۱/۱) جوانان میتوانند خود را از گوش دادن به تبلیغات غرض آلود و دلسرد کننده‌ی دشمنان انقلاب و اسلام بر حذر دارند (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۷/۱۴-۷۸) و در بصیرت بخشی محیط خود نیز مؤثر باشند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۹/۸/۴)

نقش جوانان دانشجو در اصلاح امور و پیشگیری از انحرافات فرهنگی نقشی اساسی است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۲۱) به طوری که با استقلال دانشگاه، کشور مستقل میشود؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۱۴) لذا لازم است دانشگاه و فیضیه با همراهی یکدیگر، استقلال کشور خودشان را حفظ کنند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۱۴-۴۳۲) چرا که اگر طلاب علوم دینی جوان از تحصیل بازمانند، آثار دیانت محو میشود و اگر جوانان دانشگاهی در رشته‌های علمی متخصص نشوند، سبب وابستگی به اجانب و استعمار میگردد و جامعه را هر چه بیشتر به عقب می راند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۶/۳-۳۲۷)

در عرصه‌ی هنر نیز جوانان تحول آفرینند. هنرمندان جوان مؤمن در عرصه‌ی هنر میتوانند آثار ادبی، سینمایی، نقاشی، خطاطی، طراحی و... ارزشمندی را خلق کنند و بدین وسیله، فرهنگی را در جامعه اشاعه دهند و یا فرهنگ نامطلوبی را ریشه کن کنند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۵/۱)

عرصه‌ی نظامی و دفاعی

در اندیشه انقلاب اسلامی ویژگی‌های شجاعت و شهامت، ایمان و اخلاص، روح شهادت‌طلبی، مجاهدت و پایداری از صفات ممتاز جوانان است، که آنها را در میدان مبارزه پیروز و سربلند می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۳۶۰؛ ۱۵/۳۹۵؛ ۱۸/۱۴۴) حضور جوانان موجب دفع بیگانگان و حفظ امنیت و عامل بازدارنده از تهاجم آنان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۸۵) تحول‌پذیری جوانان موجب می‌گردد که با راهنمایی صحیح از غفلت درآمده و در میدان مبارزه پیشتاز شده و تحولات جدی را رقم زنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۹۰-۹۱) اینکه در اوایل انقلاب، جوانان عهده‌دار تشکیل و اداره نهادهای انقلابی از قبیل کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی شدند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۱۷۹؛ رک: فخمی، ۱۳۷۳، ۸۸) شاهد آن است که جوانان در عرصه‌های انقلابی قابل اعتمادند. این امر در دفاع مقدس هم به خوبی خود را نشان داد. در جنگ تحمیلی جوانان مسئولیت‌های خطیری را به عهده گرفتند و نه تنها موجب گرمی و موفقیت جبهه‌ها شدند؛ بلکه شور و نشاط ویژه‌ای را در داخل کشور بوجود آوردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۳۲) اکنون نیز جوانان نیروهای تازه نفس انقلابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷/۲/۱۳۷۷)

عرصه‌ی سیاسی

از آنجا که جوانان از همه‌ی اقشار جامعه پیشگام‌تر بوده و در عرصه‌ی عمل کارآمدتر عمل می‌کنند، در عرصه‌ی سیاسی، می‌توانند نقش جدی‌تری ایفا کنند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۱۳۷۰) زیرا دشمنان با مشاهده‌ی قدرت جوانان از تعرض به آن جامعه منصرف میشوند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۱۱۳) و این امر اقتدار سیاسی را به دنبال خواهد داشت. توانایی‌ها و استقامت و صبر آنان نیز بسیاری از تهدیدها و محدودیت‌های سیاسی اعمال‌شده از سوی دشمنان را در هم می‌شکند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷/۲/۱۳۷۷) و این امر دشمنان را مأیوس مینماید. در مقام عمل هم بسیاری از مسئولیت‌های سیاسی به دوش جوانان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۲۷-۴۲۹) کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، مسائل و جریان‌های سیاسی دنیا را نفهمیده و تحلیل درست نخواهند داشت و در نتیجه مجذوب دشمن شده و جامعه به سوی تباهی میرود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۸/۱۳۷۲) از این رو در این عرصه چنان

جوان / ۳۶۳

مؤثرند، که امروز سیاست مشترک و رایج دشمنان این است که جوانان را در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند و این امر در هر منطقه با هدفی خاص دنبال میشود. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶)

عرصه‌ی آینده‌سازی

جامعه همواره محتاج به جوانان بوده و آنان هستند که عزتمندی همیشگی آن را تضمین میکنند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴) و آن را به قله‌ی افتخار و ترقی میرسانند؛ (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹) لذا اگر جوانان یک جامعه، روحیه‌ی معنویت و تدین داشته باشند، از هرزگی، اعتیاد و از چیزهایی که جوان را زمین‌گیر میکند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار می‌افتد، کار و تلاش میکنند و در نتیجه جامعه را در همه‌ی زمینه‌ها متحول می‌سازند و موجب پیشرفت و عزت جامعه میشوند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۱/۱) جوانان به دلیل ظرفیتهای عظیمی که خداوند متعال به آنها عطا فرموده است، آینده و چشم‌انداز جامعه را می‌سازند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴) و مدیران و تصمیم‌گیران آینده جامعه‌اند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹) و از آنجا که مقدرات جامعه را در دست می‌گیرند و آن را حفظ میکنند؛ وارثان (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۶/۶) و امید جامعه‌اند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۰/۶-۳۹۸/۱۰-۳۹۹) و همتشان آینده را می‌سازد و نیرویشان جامعه را به پیش میبرد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۵/۶)

عرصه‌ی جهانی

نسل جوان و روشنفکران جوان با آگاهی و بیداری خود، علاوه بر اینکه میتوانند موجب قطع نفوذ بیگانگان و بسط عدالت اسلامی شوند، میتوانند سایر انسانها را نیز، با وسایل گوناگون، آگاه کنند و از نیرنگهای دشمنان پرده بردارند و اسلام عدالت‌پرور را به دنیا معرفی کنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۴/۳) و همین امر موجب شده است که روشنفکران و جوانان در جوامع غربی تشنه اسلام شوند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴/۳/۳)

جوانان بسیاری در کشورهای مسلمان نیز به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر

تحمیل و سلطه‌ی بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۲/۱۱/۸)

جوانان حاملان بشارتهای بزرگ برای آینده‌ی امت اسلامی هستند؛ زیرا وقتی جوان در یک کشوری بیدار شد، امید به بیداریهای عمومی در آن کشور افزایش پیدا میکند و امروز که جوانهای زیادی در سرتاسر جهان اسلام همچون کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین بیدار شده‌اند، امید به بیداری عمومی هم رو به رشد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰) در امتداد این بیداری، حتی جوانان نیویورک و کالیفرنیا هم شعارهای عدالت خواهانه مردم مصر و تونس را تکرار میکنند و از آنها الهام می‌گیرند؛ و معلم اول در عصر جدید، بسیجی تربیت یافته در مکتب امام خمینی است، که این پیام را در سراسر جهان منتشر کرد که چگونه میتوان اسطوره‌های قدرت مادی را شکست و با نام خدا بتها را در هم کوبید و ایستادگی و مقاومت نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۹/۶)

عوامل مؤثر در تربیت و تعلیم جوانان

از دیدگاه انقلاب اسلامی کامل‌ترین رحمتها، نعمت تربیتهای معنوی از قبیل فرستادن کتب آسمانی و انبیای مرسلین علیهم‌السلام است، که مخصوص انسان است؛ (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۰) اسلام نیز بر اساس آیه «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ (جمعه، ۲) با ارسال رسولان، انسان را به تزکیه و طهارت نفس در مسیر تربیت دعوت میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۰) چرا که اگر انسان مهار نشود و تحت تربیت قرار نگیرد، مثل یک علف هرزه پرورش می‌یابد، که هر چه بزرگ‌تر میشود، از جهات روحی تنزل میکند و معنویات او تحت سلطه‌ی شیطان و شیطان بزرگ که نفس است، واقع میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۲/۱۴-۱۵۳) در این راستا در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی جوان خوب، میتواند برای کشور آینده‌ی خوب را رقم زند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۶/۲۶) لذا خودسازی و تربیت به‌عنوان هدف انقلاب (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱) و اسلامی بار آوردن جوانان و نوجوانان یکی از مهمترین تدابیر انقلاب بوده و هست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵) و تربیت جوانان، فتح‌الفتوح انقلاب خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۲۵)

عوامل فردی

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه‌ی قدرت حق است، تا آنجا که خدای متعال خود را برآفرینش چنین موجودی می‌ستاید. (مؤمنون، ۱۴؛ غافر، ۶۴) او از ابتدای عمر تا پایان حیات دنیوی خود در حال تکاپو و تغییر به سوی تکامل است؛ (غافر، ۶۷) در تعلیم و تربیت، انسانها هرچه از نظر سنی کوچکتر و جوانتر باشند، آمادگیشان برای هرگونه تربیتی بیشتر است و انسان در خوبیها و بدیها هرچه کوچک‌تر باشد، نقش پذیرتر است و هرچه بزرگتر میشود نقش ناپذیرتر میگردد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۷/۴۶۲)

از جهت میزان تکامل نیز، اگر انسان با این قابلیت، به وسیله تربیت و تعلیم صحیح، به فعلیت کامل برسد؛ خلیفه الله و آینده‌ی تمام‌نمای صفات و اسماء خدای متعال میشود؛ یعنی انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت، تا برسد به آن جایی که مقام الوهیت است، سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نمی‌بیند و به مقامی نائل میشود که فوق مقام ملائکه الهی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۴۱۱)

یکی از عوامل مؤثر در تربیت جوانان عوامل وراثتی طبیعی است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۴۰) عوامل اخلاقی و روانی نیز بسیار در کیفیت تربیت اثر میگذارد؛ لذا تربیت و فراگیری دانشها و معرفتها، تحصیل و حتی تدریس فلسفه و معارف توحیدی و الهی و قرآنی، اگر به صورتی نباشد که ذهن و دل و زبان انسان را به رنگ الهی درآورد، گمراه‌کننده، باطل و عبث است و خسران دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۵۰۵-۵۱۰)

خانواده

خانواده نخستین و مهمترین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و مناسبات خود قرار میدهد. تأثیرپذیری بالای جوان از روابط عاطفی درون خانواده برای این اهمیت و تأثیر می‌افزاید. عمل و رفتار پدر و مادر تأثیر عمیق و ریشه‌داری شبیه وراثت طبیعی در فرزندان دارد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۴۰) فرزند به سبب تمایل به تقلید، از پدر و مادر تقلید میکند و به شدت تحت تأثیر اموری قرار میگیرد که او را احاطه کرده است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ۱۱۸؛ رک:

خانواده اولین استعدادهای روانی و ذهنی فرزند را به فعلیت درمی‌آورد. اولین سنگ بنای شخصیت او را بنا می‌گذارد و اولین ارزشهای اخلاقی و هنجاری غیررسمی زندگی اجتماعی را به وی آموزش می‌دهد. (هاشمی، ۱۳۷۲، ۵۳/۱-۵۴) جوّ خانوادگی و فضایی که برای ایجاد روابط انسانی در خانواده حاکم است، تعیین‌کننده بینش، منش و چگونگی رفتار فرزندان بوده (فرهادیان، ۱۳۷۸، ۶۲) که در این میان نقش مادر در تربیت فرزندان نقشی ممتاز و بی‌مانند است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۴/۷؛ ۳۶۳/۸) دامن مادر، بزرگترین مدرسه‌ای است که کودک در آن تربیت می‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۳/۹)

معلم و مدرسه

از مهمترین نهادهایی که تأثیر فراوان بر تربیت جوانان دارد، مدرسه است، که یک «کارخانه آدم‌سازی» است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۷/۷) از زمان آغاز تربیت رسمی و مدرسه‌ای، نافذترین عامل تربیتی، معلم و مربی است. (شرقی، ۱۳۷۹، ۹۴) معلم رکن اصلی مدرسه را تشکیل می‌دهد؛ (امین زاده، ۱۳۷۶، ۱۲۸) چرا که بعد از پدر و مادر، آموزگاران بیشترین نقش را در تربیت کودکان و نوجوانان بر عهده دارند؛ (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۱، ۷۷) نقش معلم در جامعه نقش انبیا (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۱/۹) و شغلش انسان‌سازی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۷/۷) معلم میتواند ماده‌ی خام انسانی را حتی از اسارت عوامل وراثتی هم نجات دهد و با تعلیم مستمری که در طول سالهای متمادی بر جوان دارد بر نقش تربیتی والدین غلبه کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۱۵)

اگرچه وظیفه‌ی تربیت در درجه اول به عهده خود دانش‌آموز و دانشجو است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) اما سنگین‌ترین بخش کار یعنی آموزش و پرورش، که همان ساختن انسانهای مسلمان، مؤمن و سالم است، به عهده معلمان می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۵) معلم محور حرکت جامعه است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۹) و میتواند انسانها را یا مهذب و متعهد و یا انگل و وابسته بار آورد. همه‌ی سعادت‌ها و شقاوت‌ها انگیزه‌اش از مدرسه‌هاست و کلیدش دست معلمین است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۹/۷)

بسترسازی و تشویق برای نوآوری‌های معقول، منطقی و صحیح، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

کمک فکری و تذکر مشفقانه و صحیح، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) پایبندسازی به هویت ملی و باورهای ملی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۱۳) و نیز برنامه‌ریزی دقیق برای اینکه جوانان صبور، قانع، مایل به کار، مایل به تحقیقات، اهل کار جمعی و تغلیب عقل بر احساس و انصاف و وقت‌شناسی و وجدان کاری، تربیت شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳) و بالاخره تعلیم فرهنگ کارهای شایسته به جوانان، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۸) از مهمترین وظایفی است که به عهده‌ی معلم و مدرسه است.

علاوه بر موارد فوق، نقش فضای مذهبی و معنوی حاکم بر مدرسه در تعلیم و تربیت دینی نوجوانان نیز مهم است؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵؛ ۱۳۸۵/۵/۲۳) زیرا متریان بیش از ده سال از مناسب‌ترین زمان عمر خود از نظر تربیتی را، به صورت روزانه چند ساعت، در مدرسه می‌گذرانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۲/۱۵) محیط مدرسه امکان ارتباط مستقیم و متقابل نوجوانان را فراهم می‌کند (شیرزاد، ۱۳۸۶، ۷۱) و منجر به دوست‌یابی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دانش‌آموزان و تشکیل گروه‌های دوستی و هویت‌یابی آنان از این گروه‌ها می‌شود؛ و شخصیت آنان از این طریق شکل می‌گیرد، که تأثیر بسزایی در تربیت دارد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۱، ۸۱-۸۵)

محیط اجتماعی

افلاطون نخستین متفکری است که شرط توفیق مربی و مؤثر بودن تعلیم و تربیت را فراهم بودن محیط اجتماعی مساعد، یعنی همراه با فضیلت میدانند. به نظر او همه کوشش‌های مربی در صورتی که با مخالفت عمومی یا محیط اجتماعی فاسد روبه‌رو شود بی‌نتیجه می‌ماند. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ۱۷۱/۱) متفکران اسلامی همچون فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه طباطبائی و... نیز بر حیثیت اجتماعی تعلیم و تربیت تأکید کرده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۷-۲۰) بر این اساس، انسان و محیط اجتماعی در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. افکار و اخلاق عمومی، ساختار اجتماعی، دوستان، شهروندان، عادات و سنتها، ارتباطات و تبلیغات، فرهنگ و هنر، سیاست و اقتصاد و... از دیگر عواملی هستند که محیط اجتماعی را شکل می‌دهند و از عوامل و زمینه‌هایی هستند که در تربیت و شکل‌گیری اخلاق فرد، نقش مؤثری دارند. (رهبر، ۱۳۸۶، ۱۷۴)

لذا ارائه‌ی الگوهای مطلوب در جامعه به جوانان از گذشته و معاصران و مصون‌سازی جوانان در برابر الگوهای ساختگی و پوچ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) مهم است؛ زیرا نسل جوان میزان تبعیت و تأثیر پذیری‌اش از دیگران بسیار بالاتر است. این الگو اگر عمل باشد؛ یعنی بیش از آنچه که حرف میزند خود عمل کند، میتواند رهبری نسل جوان را به عهده بگیرد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۵۱۳-۵۳۴)

فرهنگ جامعه نیز در تربیت جوانان مؤثر است؛ لذا تربیت باید در فرهنگ صالح و با اجتناب از فرهنگ استعماری صورت گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۶/۳-۳۰۷) همچنین در جامعه باید به جوان میدان و امکان داده شود که استعدادهای خود را شکوفا سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۶/۱۵) که این امر یکی از مهمترین عوامل رشد اوست.

رسانه‌ها

رسانه‌ها، نقش حساس و خطیری در فرآیند تربیت جوانان بر عهده دارند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱؛ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) دو موضوع «جذابیت و گیرایی پیام» و «گسترده‌گی و فراگیر بودن»، نقش رسانه‌های جمعی را به‌عنوان یک عامل تربیت از سایر عوامل ممتاز میکند. (شرفی، ۱۳۷۹، ۱۱۰) به همین جهت نقش رسانه‌های مکتوب اعم از نشریات، روزنامه‌ها و مجلات، در هدایت یا گمراهی یک ملت بسیار چشمگیر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۳/۱۴) در این میان رسانه‌های دیداری- شنیداری به دلیل آن که هم حس بینایی و هم حس شنوایی را به کار میگیرند، نسبت به دیگر رسانه‌ها، طرفداران بیشتری را جذب میکند. (شیرزاد، ۱۳۸۶، ۷۴)

جوانی؛ تهدیدها

ویژگیهای جوانی و ظرفیتهای جوان، او را همواره در معرض خطراتی از جانب درون خود و بیرون از وجودش قرار میدهد، که سعادت او و جامعه را تهدید میکند:

تهدیدهای درونی (فردی)

این تهدیدها در وجود جوان و در ساحت ارتباط او با خود قرار دارد، که مهمترین آنها

عبارت اند از:

انحراف فکری. ریشه‌ی بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان در لابه‌لای افکار و عقاید اوست و راه مبارزه با این خطر مهیاسازی آب زلال و گوارا به قدر کافی است تا جوانان از آب‌شخور آلوده، افکار خود را برنگیرند. راه مبارزه، عرضه داشتن صحیح مکتب اسلام در همه‌ی زمینه‌ها با زبان روز است. (مطهری، مجموعه آثار، ۸۷/۲۴) همچنین برای جهت‌گیری صحیح و مصون ماندن از این خطر لازم است انگیزه‌ی طرح مسئله، طرح سؤال و درخواست پاسخ را (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۷/۱۷) در جوانان زنده کرد.

آنچه بر ضرورت توجه به تهدید در ساحت فکرمی‌افزاید، تهاجم فرهنگی عظیمی است که علیه اسلام وجود دارد و به صورت یک جبهه‌ی بزرگ فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است؛ همچون سیلی حرکت کرده و در مصاف جنگ با اندیشه‌هاست، که در این میدان، علما و روحانیون وظیفه دارند ذهن جوانان را مجهز و ایمانشان را مسلح کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۶/۲۱) در این راستا آشنایی با منطق شیوای قرآن و اصول مقدس اسلام (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۷/۲-۴۳۸) و نیز طرز تفکر انبیای بزرگ و پایه‌گذاران عدالت و آزادی از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم صلوات الله علیه، در امور معنوی و توحیدی تا تنظیم جامعه و حکومت، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۲/۳-۳۲۳) رجوع به علمای متعهد اسلام و بهره‌مندی از هدایت آنان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۳/۱۲-۲۶۴/۲۱-۹۶-۹۷) میتواند جوانان را در برابر تهدیدهای فکری یاری کند. تلاش جوانان برای بصیرت‌افزایی و شناخت دشمن و روشهای تهاجم او نیز بسیار مؤثر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۷)

انحراف اخلاقی. غرور پیروزیها و شهرتها و جوان‌مردی‌ها در قلب جوانان رخنه میکند، که این مرض نفسانی از دامهای شیطانی است که بندگان خدا را از توجه به او باز میدارد و همچنین از حيله‌های نفس است، که انسانها را به شکر و عبودیت بتها و به‌ویژه اساس بتها که نفس است میکشاند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۸/۱۸) این غرور و سرکشی باعث میشود تحولات روحانی‌ای که در جوانان ایجاد میشود از دستشان برود و شیطان، نفس اماره آنان را به دام کشد و با سوء رفتار با برادران خود، صدق و صفا رخت بریندد و به جای آن کدورت و جفا، جایگزین شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۳/۱۷) از سوی دیگر در صورت شکستهای

پی‌درپی، جوان به یأس و ناامیدی دچار شده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰) و در نهایت منزوی خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱)

حَبِّ نفس، حَبِّ دنیا، (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۴۳) عاداتهای ناشایست، خودباختگی، (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۳۹) فراموشی آخرت (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۷۵-۱۷۶) و خودفریبی (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۱۰/۲-۱۱۱) از دیگر رذائلی است که جوان را تهدید میکند. وسوسه‌های شیطان نیز همواره او را به تعویق انداختن کارها (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۸) تشویق میکند. این تهدید آنگاه مهمتر جلوه میکند که با زوال جوانی، رذائل اخلاقی ریشه دوانیده و جهاد با نفس مشکل میشود؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰/۲) لذا اهتمام به تهذیب نفس و عدم غفلت از آن از ضروریات دوران جوانی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۸) جوانان هر قدر بر خود مسلط شوند به همان میزان بر عوامل محیطی و جهانی تسلط پیدا خواهند کرد و از این طریق میتوانند زمینه‌ی سعادت خود را فراهم کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۸-۳۰۱)

جوان در معرض آن است که به اعتیاد و بیکارگی و نیز بی‌بندوباری و ولنگاری شهوانی و جنسی سوق یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۶) و به مدگرایی و چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه به جای ارزشها (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۲۲) مشغول شود. اگر جوان از نظر فکری و صفات اخلاقی به درستی هدایت نشود؛ در نهایت دچار افراط و تفریط در عمل خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

عدم توجه به سلامت بدن، به دلیل مشغله‌های کاذب نیز جوانان را تهدید میکند (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۴۱/۷) لذا توجه به ورزش برای جوانان امری ضروری است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۱/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷)

تهدیدهای بیرونی

جوان به دلیل ظرفیتها و اثرگذاری‌ای که دارد همواره میتواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد و این تهدیدی جدی محسوب میشود. برخی از این تهدیدها عبارت‌اند از:

فضای فرهنگی نامناسب. فضای نامناسب فرهنگی، همواره جوان را از بیرون مورد تهدید قرار میدهد. این فضا از یک سو تهدیدی برای باورهای فرهنگی-دینی جوانان است و منجر

به تضعیف غیرت و ریشه‌های دین و دین‌داری می‌شود (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۷۷) و از سوی دیگر عادات حسنه‌ی جوانان را هدف‌گیری می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۹/۱۳۷۵) که در نهایت باعث ضربه زدن به ایمان نسل جوان و حرکت انقلابی آنان می‌گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۱)

انحراف سیاسی. جوانان در معرض تحریکات سیاسی آلوده دشمن هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۶) و ممکن است تحت تأثیر تبلیغات فریبکارانه جهت از بین بردن اتکال به خدا و وحدت کلمه قرار گیرند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۳۵-۴۳۶) دست‌ها و مغزهای پلید و توطئه‌گر دشمن همواره در پی بازیچه ساختن آنان است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۶) و کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ، تفکر و تئوریهای وارداتی غربی و تهاجم فرهنگی جهت ایجاد گرایش منحرف سیاسی در جوانان (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۸/۱۳۷۰) آنها را تهدید می‌کند، که ابزار جوانان برای خنثی‌سازی این توطئه‌ها هوشیاری و اراده قوی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۲۹-۳۰) در این راستا مراقبت هوشمندانه جهت بستن راه نفوذ دشمن و سد راه ورود آنان برای اشاعه‌ی فساد و تباهی و تبلیغات سیاسی مسموم ضروری است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۱/۴/۱۳۷۸)

رسانه‌های بیرونی. رسانه‌ها القا کننده فکر، فرهنگ، رفتار و هویت فرهنگی انسانها هستند، به همین جهت در دنیای امروز نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی مردم؛ به‌ویژه جوانان دارند. نقش مهم رسانه‌ها در به راه انداختن جنگ تبلیغاتی و تهاجم رسانه‌ای انکارناپذیر است. قدرتهای استکباری برای تصرف یک صحنه بدون دخالت نظامی با سرمایه‌گذاری در زمینه رسانه و بهره‌گیری از نقش آن، کاربری عوامل موجود در آن صحنه را به سود خود تغییر میدهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۱۱/۱۳۸۱) مع الأسف جاده‌ی رسانه‌ای و ارتباطات، جاده‌ای یک‌طرفه است و آنچه را که صاحبان قدرت رسانه‌ای و امپراتوری رسانه‌ای می‌پسندند، با استفاده از علم و فناوری پیشرفته، به زوایای دنیا منتشر و منعکس می‌کنند و امپراتوری خبری و رسانه‌ای دنیا، تقریباً در انحصار کسانی است که برای دنیا فضیلت اخلاقی، دین، ایمان، معنویت و صلح را نمی‌خواهند. همان کسانی بیشترین تسلط را بر رسانه‌های دنیا دارند که بزرگترین کارخانه‌های اسلحه‌سازی و منهدم‌کننده‌ترین و ویرانگرترین بمبهای اتمی در اختیار آنها بوده و سیاستهای سلطه‌جویانه جزو کارهای روزمره و دائمی‌شان

است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۲۶)

در راستای این اهداف ناشایست، به انحراف کشاندن فطرت و طبیعت جوان، خلط بین زیبادوستی و زیباپرستی با دنیاگرایی و دنیاطلبی (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷؛ ۱۳۷۹/۵/۵) و جلوه دادن راه خدا و معنویت به عنوان راه بن‌بست فراروی جوان و اشاعه‌ی خرافات به جای دین، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱؛ ۱۳۸۵/۸/۱۷) نسخه‌ی همه‌ی رسانه‌های دیداری و نوشتاری و مجازی مکتب لیبرال دمکراسی است. همچنین توطئه‌های دشمن در جهت فسادانگیزی و سرگرم و مشغول ساختن جوان (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰؛ ۱۳۷۴/۹/۸) و هجوم حرفه‌هایی که کورکورانه ترجمه شده است و در قالب حرف نو و شبهات در اختیار جوانان قرار گرفته است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹) از تهدیدهای مهم پیش روی جوانان است.

وظایف و رسالت‌های جوان

از هر جوانی به اقتضای استعداد، شغل و خواسته‌هایش، انتظاراتی وجود دارد که مجموع این انتظارات، در واقع حرکت عظیم ملی را شکل می‌دهد و موتور برای حرکت کشور است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

ساحت فکرو اندیشه‌ورزی

برای جوان حرکت بر مدار منطق و عقل ضروری است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۹) جوانان باید تفکر کنند و بیاندیشند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۸/۱۴) و عقاید باطلی که از سوی غرب در ذهنها ایجاد شده است، تصحیح کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۲/۹-۴۳۳) آنان همچنین لازم است از ساده‌انگاری در شناخت دوست و دشمن (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۳) احتراز کنند. جوان باید در خود، دانایی را به وجود بیاورد و این دانایی، تنها با آموختن علم حاصل نمی‌شود؛ بلکه با اندیشیدن ارتباط وثیق دارد. او باید در مورد مسائل فکر کند تا به نتیجه برسد و مقصود از نهضت آزاداندیشی که در دانشگاه و حوزه باید راه بیفتد، نیز همین است.

(آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹)

ساحت ایمان و اعتقاد دینی

از نظر اسلام، برترین هدف آفرینش انسان و زندگی او، ایمان و توحید خداوند متعال در مرحله‌ی اعتقاد و عمل است؛ یعنی اسلام کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان را در اعتقاد به خدایی میداند که همه‌ی پدیده‌ها و موجودات را آفریده و بازگشت همه به سوی اوست. پس از تحصیل چنین ایمان و اعتقادی، همه‌ی اعمال انسان حاکی از بندگی او به خداوند متعال است؛ در این صورت، توحید در ظاهر و باطنش رسوخ کرده و خلوص در عبودیتش در گفتار و کردارش ظاهر میگردد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۳۶۸/۶)

در این راستا قوت ایمان جوانان به خداوند متعال و امدادهای غیبی او باید چنان بینشی به آنان بخشد که هراسی از هیمنه‌ی ظاهری مستکبران نداشته باشند و نسبت به آمریکا و دیگر قدرتهای مداخله‌گر مرعوب نگردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) این ایمان باید روشن‌بینانه و استوار و رو به رشد بوده و از خرافه‌گری و سست‌اندیشی مصون باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۹/۲۳)

ساحت اخلاق و ملکات فاضله

جوانان باید تربیت خود را با توجه به استقلال در جوانی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۱۵) اصل قرار دهند و تحصیل اخلاق خوب و تهذیب در کنار تحصیل علم، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷/۲ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۷/۱۳) راسخ ساختن عزم و اراده جهت پذیرش مسئولیتهای خطیر (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۸/۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۹/۳۰) و حفظ اصول و روحیه‌ی آرمان‌گرایی و احتراز از محافظه‌کاری (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵) را در خود تقویت کنند و همواره مراقب باشند که به یأس دچار نشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۸/۲)

جوان باید بیدار و هشیار بوده و در دام نقشه‌های شیطانی دشمنان قرار نگیرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۷/۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۱) و حس هماوردطلبی خود را به سمت مبارزه با نفس اماره (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱) جهت‌دهی کند. مجاهده و تحکیم مبانی تقوا و خارج کردن حب دنیا و نفس از قلب و تقویت خلوص دینی و تقوا، در عمل (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۵/۲؛ ۲۸۶/۶؛ ۳۰۰/۸) و پایداری و صبر بر شداید (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۹/۲؛ ۳۸۵/۷-۳۸۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای،

از دیگر وظایف جوان است. (۱۳۸۰/۲/۱۲)

با توجه به تأثیر گسترده‌ی محیط اطراف و هم‌نشینان یکی از مهمترین وظایف جوان آن است که معاشران و دوستان خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به معنویات و دارای اخلاق کریمه، انتخاب کند؛ زیرا تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد، اجتناب ناپذیر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۲۱۱-۲۱۲)

ساحت علم و فناوری

جوانان باید اوقات خود را به جدیت در کسب دانش و تحکیم مبانی علمی، تدبیر در قرآن، عمق بخشیدن به آگاهی‌های اسلامی و (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۳۱۷؛ ۳/۲۱۷-۲۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۹) یادگیری دانش و فنون جنگی اختصاص داده و مسائل سیاسی جهان را بفهمند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳؛ ۱۳۷۲/۸/۱۲؛ ۱۳۹۰/۷/۲۲)

ساحت تلاش و مجاهدت

جوانان باید قرآن را تلاوت کنند و با آن در جایگاه یک راهنمای متقن برای عمل انس گیرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۹) همچنین با تضرع و توسل به پروردگار، بنیه‌های فکری و اعتقادی خود را مستحکم سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴)

آنان باید سستی و سردی را از خود بزایند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۱۳۵) و در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تلاش و فعالیت و پُرکاری و نشاط کار داشته باشند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) و فعالانه وارد میدان شوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) حفظ نشاط، تندرستی و قوت جسمی خود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴) و اهتمام به ورزش از دیگر وظایف جوانان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) جوان باید با دلبستگی به کار و پیشرفت و هوشیار بودن در برابر توطئه‌های مقابل این امور؛ همچون فساد و فحشا و مواد مخدر و مصرف‌گرایی بایستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴)

آنها باید از تندرستی و افراط احتراز نموده و تندی و توقعات جوانی را تعدیل کنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۳۰۶-۳۰۷؛ ۶/۱۵۵) و همت خود را در میدان جهاد و سازندگی مصروف دارند (آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳) و از بیکاری، کم‌کاری، بی‌توجهی و بیهودگی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۶) و اهمال در کارها (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۵/۱۳) و نیز اقدام بی‌فکری و بی‌مطالعه و تصمیم‌گیری‌های سریع و نسنجیده بپرهیزند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) همچنین با توجه به اینکه جوانان از نیازهای طبیعی و غریزی برخوردارند و آتش شهوت در این زمان مشتعل است، به‌طور مناسب و از راه مشروع ازدواج به آن پاسخ دهند و تشکیل خانواده داده و موجب بقای نوع انسانی و فرونشاندن شهوت شوند که این امر در سلوک عرفانی آنان و تعالی اجتماع نیز نقش بسزایی دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۲۵-۲۶؛ همو، صحیفه امام، ۵۱۷/۸)

وظایف نهادهای مسئول در قبال جوانان

احساس مسئولیت همه‌ی دستگاه‌های مسئول دولتی و غیردولتی در برابر جوان، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) رفتار با مهر و عطف با جوانان و نظر کردن به جوانان به صورت پدران، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸/۲؛ ۲۰۵/۳) نصیحت کردن جوانان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۱/۸-۳۸۲) عدم طرد جوانانی که توبه میکنند و مسیرشان اصلاح میشود، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۸/۱۵) و عدم تضعیف روحیه جوانان (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶/۲۰-۲۷) از وظایف همگانی در قبال جوانان به شمار می‌رود. درعین حال وظایف خاص هر نهاد و دستگاهی در مورد جوانان باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد که ذیلاً بدان می‌پردازیم:

وظایف دستگاه‌های فرهنگی - هنری

ترویج فرهنگ شایسته و مقابله با تهاجم فرهنگی وظیفه‌ای است همگانی که هر نیروی مؤمن و معتقد به ارزشهای اسلامی و دل‌بسته به انقلاب و نظام باید آن را به عهده گرفته، سدی در مقابل تهاجم فرهنگی شوند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱) درعین حال اگر ریشه‌ی اصلی تهاجم‌پذیری، خلأها و کاستی‌های اندیشه‌ی فرهنگی جامعه و آسیب‌پذیری فکری و معرفتی دستگاه‌های علمی و فرهنگی است، مسئولیت برخی اقشار سنگین‌تر است که متناسب با جایگاه خود باید ایفای وظیفه کنند.

در عرصه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی، این وظیفه بطور خاص بر عهده دستگاه‌های

سیاستگذار و کلان کشور به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان ستاد اصلی مقابله است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۴) که با رصد مسائل و بررسیهای دقیق و طراحی های جامع، به تدبیر فرهنگی میپردازد و خود را مسئول دفاع فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی میداند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹)

نهادهای دینی به ویژه مساجد به عنوان پایگاه اصلی انقلاب، نقشی اساسی در بسیج فرهنگی و معنوی مردم - به ویژه جوانان - ایفا میکنند. به گونه‌ای که این مکان مقدس، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه‌ی روح، و بالأخره جایگاه خلوص و اتصال بنده به خداست؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) علاوه بر اینها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، وزارت ورزش و جوانان، اماکن متبرکه‌ی تحت پوشش سازمان اوقاف و امور خیریه، آستان قدس رضوی، مراکز فرهنگی شهرداری‌ها، مجموعه‌های دارای امکانات فرهنگی و دستگاه‌های به ظاهر غیر فرهنگی که برنامه‌ها و اقدامات آنان دارای آثار و پیامدهای فرهنگی است، در این عرصه وظیفه دارند.

البته لازم است در عرصه فرهنگی مربوط به جوانان از امور تکراری و سطحی که عادی شده است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۵) پرهیز شود و به روشهای قدیمی در مبارزه با تهاجم فرهنگی اکتفا نشود (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) و جوانان با تدبیر صحیح به سمت تربیت اسلامی بیشتر و عمیق‌تر، و به سمت حفظ ایشان از تباه شدن تدریجی به وسیله دشمن سوق داده شوند. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۶/۲۵) همچنین لازم است بستری برای دسترسی آسان جوانان به مسجد و استقرار روحانی پرهیزکار و خردمند، که همچون کارشناس و دلسوز در مسجد و همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است، فراهم شود. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

کمک همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی برای انس جوانان با قرآن و ایجاد ارتباط دائمی جوانان با قرآن و دسته‌بندی مفاهیم قرآنی به وسیله‌ی خبره‌های این امر و گنجانده شدن آن مطالب، به تناسب در کتابهای درسی مدارس و دانشگاه‌ها نیز ضروری است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۲۸)

تنظیم سیر مطالعاتی و بسترانس با کتاب توسط مجموعه متصدیان امر کتاب از دیگر وظایف مهم است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۲۹)

ضروری است مکانهای ترویج فساد و آلوده، بسته شده یا از بین بروند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴/۴) و با عوامل و نقشه‌های تباه‌ساز نسل جوان؛ همچون مواد مخدر صنعتی و تهییج غریزه‌ی جنسی مبارزه شود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۶)

البته در نهایت مردم و جوانان در صحنه، تنها مدافعان واقعی انقلاب هستند؛ چرا که تاکنون از جان و مال خود برای حفظ آن هزینه‌ها کردند و امروز با انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در مقابل این پلیدی‌ها می‌ایستند. جوان مؤمنی که دل به دنیا و منافع شخصی نبسته و خود را آلوده و گرفتار نکرده که مبدا نتواند از فضیلتها دفاع کند! این شخصیت، از انقلاب، اسلام و از فضایل و ارزشهای اسلامی دفاع میکند هرچند وظیفه‌ی همه است تا به عنوان یک واجب و مسئولیت شرعی، انقلابی و سیاسی، امر به معروف و نهی از منکر را جزء برنامه‌های دینی - انقلابی خود قرار دهند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

وظایف دستگاه‌های اجرایی - اقتصادی

برنامه‌ریزی برای تحصیل، ازدواج و اشتغال جوانان. برای اشتغال جوانان از طریق راه صحیح قانونی و اینکه جوان مستعد آماده‌ی به کار، دانش لازم و فرصت تلاش و فعالیت به دست آورد تا هم نیاز شخصی خود را از این راه برطرف کند و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک نماید، باید برنامه‌ریزی جدی صورت گیرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱/۹) و بدین ترتیب بسترهای لازم جهت ازدواج آنان نیز فراهم گردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

ایجاد فرصتها برای شکوفایی آنان. برای شکوفاسازی نیروهای جوانان برنامه‌ریزی صحیح لازم است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱)

اعتماد به جوانان. باید به جوانان اعتماد کرد و به آنان مسئولیت داد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) و از نیروی جوانان استمداد طلبید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸-۳۹۹)

وظایف نهادهای تعلیم و تربیت

خانواده. از آنجا که جوانان تحت تأثیر مستقیم خانواده‌ها هستند، بر اساس آیه‌ی «قُوا

أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ (تحریم، ۶) لازم است با هدایت صحیح، آنان حفظ شوند؛ تا به غضب الهی و مجازات او مبتلا نگردند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۵/۱۱/۳) لذا خانواده ها نباید جوانان نشان را رها کنند؛ بلکه باید ایمانشان را حفظ کنند و جوان را از کاری که دین و مبانی دینی و اعتقاداتش را به خطر می اندازد و او را بی اعتقاد میکند، دور سازند. البته در این امر جانب میانه روی لازم است رعایت شود؛ نه سخت گیری های بیجا و برخورد تند و تلخ که باعث دل زدگی آنها میشود، صورت گیرد و نه بی مبالاتی ها و لاپالی گیری و در اختیار گذاشتن امکانات بی حساب و اغماض و چشم پوشی از همه ی کارهای غلط آنان، باشد. در غیر این صورت جوان فاسد و خراب میشود. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۳/۸/۶)

جهت نیل به تربیت صحیح باید با منطق و برخورد صحیح و مهربانانه با فرزندان برخورد کرد و دائماً مراقب او بود؛ زیرا فساد جوان اثر تشدیدکننده دارد و نقطه ی ضعف جوان، مثل لکه ی سیاهی روی دندان است که کل دندان را به تدریج خراب میکند و به تدریج ذهن مخاطبان و حتی پدر و مادرش را تحت تأثیر خود قرار میدهد و در نتیجه حقیقت و معنویت را از دست میدهد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۳/۸/۶) در این مسیر جدیت نیز بسیار مهم است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۶/۶)

آموزش و پرورش. تحول نظام آموزشی و طراحی آن به نحوی که جوان به تحقیق و طلبکاری در تعمیق علم و دانش علاقه مند بشود و از حفظ محوری بپرهیزد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۷/۷/۳) و پرداختن آموزش و پرورش به تربیت انسانهایی مؤمن، پرانگیزه، صبور، امیدوار، خوشبین، علاقه مند به منافع عمومی، علاقه مند به رسیدن به قله های کمال شخصی و جمعی، با ابتکار، متفکر، اهل تحقیق، اهل پیشروی و... بسیار ضروری است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۱/۱۲؛ ۴-۳/۱۳؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۹/۲/۱۵)

طراحی و اجرای نظام تعلیم و تربیت اسلامی، برنامه ریزی دقیق و منظم، ایجاد ساختار کارآمد و تربیت محور، تهیه و تدوین صحیح کتابهای درسی و نظارت بر معلمان و مدیران و دانش آموزان و رفتار و عملکرد آنان، باید مورد اهتمام قرار گیرد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵) سرلوحه و محور قرار دادن انتقال تفکر اسلامی در برنامه های آموزش و پرورش، در تنظیم کتاب و تربیت معلم، اصلاح کمبودها (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵) و رفع آسیبهایی همچون

حفظ محوری و آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹) مدرک طلبی، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۱۳) راسخ کردن ذهنها با استدلال صحیح، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴) نخبه پروری و نشان دادن جرأت و جسارت کشور و طبقه‌ی جوان در میدانهای علمی، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳) آموزاندن غرور ملی، ایجاد علاقه مندی به میهن و دل بستگی به آینده‌ی کشور و افتخار به تاریخ و گذشته‌ی کشور در کنار دیگر آموزشها، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) ارتقای تحرک و پویایی علمی با ایجاد امید روزافزون در نسل جوان، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۹) و آشنا کردن جوانان با مغالطه برای کشف مغالطات دیگران و رسیدن به قدرت تحلیل سیاسی (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۲۳) نیز از وظایفی است که به نهادهای تعلیم و تربیت مربوط است. آموزش و پرورش همچنین وظیفه دارد به توسعه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی و یادگیری قرآن (روخوانی، روانخوانی و مفاهیم) و تقویت انس دانش‌آموزان با قرآن و سیره‌ی پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت  و گسترش فرهنگ اقامه‌ی نماز بپردازد. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۲/۲/۱۰)

حوزه و روحانیت. نخستین متولیان مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی، حوزه و دانشگاه است؛ چرا که قوه‌ی تفکر ملت‌اند. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶؛ ۱۳۸۳/۱/۲؛ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹؛ ۱۳۸۵/۳/۲۳) مخاطب اصلی حوزه‌های علمیه در جامعه، جوانان هستند؛ لذا باید برای این قشر برنامه‌ریزی ویژه‌ای صورت گیرد و اقتضائات لازم در این راستا فراهم شود (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲) و ظرفیت عظیم حوزه در جهت تربیت جوانان مبذول گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۱۷-۶۱۵/۲۱) همچنین هدایت که از اصلی‌ترین رسالتهای روحانیون - که در جایگاه وارثان انبیا هستند - به شمار می‌رود، باید یک دغدغه عمومی باشد؛ به طوری که با تلاشی مستمر در جهت تهذیب نسل جوان و خنثی‌سازی نقشه‌های شوم دشمنان گام بردارند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۴/۲)

در این راستا تلاش در جهت تحول جوانان و تبدیل شدن آنها به انسانهایی فاضل، معتقد به اسلام و مفید برای کشور، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۲/۶) نجات توده جوان محتاج هدایت از منجلا بها، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۵۹/۲۱) برطرف کردن سؤالات، ابهامات و شبهات جوانان، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۲۶) رفع تشنگی جوانان نسبت به حقیقت، فهمیدن و آگاه شدن توسط نمازهای جمعه، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۵) مصون‌سازی جوانان از آسیبها با

بیشتر کردن ارتباط آنان با خدا، انس با یاد خدا، توجه دادن به عالم غیب، تعبد به مبانی دین و احکام دین و شریعت و تسلیم در مقابل احکام الهی و افزایش ظرفیت معنوی، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۸) شناساندن جایگاه نماز (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۷/۱۵) و صفا و بهجت آن، (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۸/۱۲) برنامه‌ریزی و اهتمام جدی به امر تبلیغ در حوزه‌های علمی، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) رفتار عاقلانه، حکیمانه، خیرخواهانه، صلاح‌جویانه، صمیمانه و سرشار از محبت و صفا، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۸) پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کردن مسجد همچون دل‌های جوان، (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۸/۱۲) به‌عنوان رسالت‌های روحانیون و حوزه‌های علمی مطرح است.

دانشگاه‌ها. عدالت‌خواهی به جای جهت‌دهی‌های سیاسی نامطلوب (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷) لازم است در جوان دانشگاهی تقویت شود و عوامل تضعیف اعتماد به نفس دفع شده و تقویت عوامل اعتماد به نفس آنان فراهم شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳)

همچنین باید نسبت به دانشجویان برجسته علمی و المپیادی قدرشناسی جدی شود و امکانات برای آنها فراهم گردد و این ضریب هوشی و حافظه و استعداد سرمایه ملی تلقی گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری. رسانه‌ها با توجه به اهمیت ویژه و مخاطب فراوان و اثرگذاری زیادی که دارند در قبال جوانان وظیفه ویژه‌ای را بر عهده دارند. لازم است برنامه‌های تلویزیونی با ارزشها و تفکر جامعه هماهنگ باشد، تا در اندیشه‌ی فرد بحران و تناقض ایجاد نشود. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵؛ ۱۳۶۹/۱۲/۱۴؛ ۱۳۷۰/۷/۵؛ ۱۳۸۵/۳/۲۳) در این راستا رادیو و تلویزیون به مثابه «دانشگاهی عمومی» (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۹/۶) باید به یک «بنگاه تعلیمات اسلامی» تحوّل یابند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۴/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۷) و رسانه‌ها نقش مربی را در کشور ایفا کنند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۲/۷) زیرا آنها میتوانند جوانان را مستقل و دارای اراده و تصمیم‌بار آورده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۶/۱۲) و با نشان دادن برنامه‌های آموزنده آنها را به سوی خدمت به کشور سوق دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۶/۱۲)

تلاش رسانه و مطبوعات در جهت انتشار تقوا و استحکام بنیه اعتقادی جوانان در برابر هجوم‌های فرهنگی دشمنان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۸/۱۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۹؛ ۱۳۸۹/۴/۲۰)

استفاده از هنر حرکت بخش و بیان‌کننده‌ی تکلیف قشرهای مختلف، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۷) حمایت و تکیه بر هنرمند جوان مؤمن که میتواند از اسلام و از انقلاب و از کشور دفاع کند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱) احتراز مطبوعات از فلسفه‌بافی‌هایی که جوان خیال کند همه‌ی هدف انسان این است که از هرراهی شد، یک مشت پول به دست آورد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲) و احتراز رسانه‌ها از اینکه به ذهن و دل جوان چیزی را بدهیم که او را به سمت گناه و فساد می‌لغزاند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱) از وظایف مهمی است که لازم است مجدانه رعایت شود.

آسیبهای جوانان در رژیم پهلوی

آسیبهای فکری

در رژیم پهلوی تلاش میشد که جوانان دچار غفلت و بی‌خبری و بی‌هویتی شوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۸) این رژیم، ابتدال را با هدف مسموم‌سازی فکر جوانان و ضعیف کردن نیروهایشان گسترش میداد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۱) سم‌پاشی و تشویش اذهان و افکار جوانان و پوشاندن چهره‌ی تابناک اسلام و منحرف ساختن جوانان با عناوین فریبنده و رنگارنگ، از دیگر آسیبهای فکری بود که توسط رژیم پهلوی رقم می‌خورد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۷/۲) تلاش آنان در جهت عقب‌ماندگی و جلوگیری از رشد فکری جوانان بود (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۳-۶۴) و با تبلیغات انحرافی (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۹/۹) و از بین بردن روحیه مقاومت جوانان از طریق سینما و پیامهای آن، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۸/۴) منحرف کردن روزنامه‌ها و درست کردن مراکز فحشا، می‌خواستند جوانان را از درون تهی سازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۷-۱۵۵/۹) دولتهای غربی در این دوره از طریق دانشجویان ایرانی تحصیل‌کرده در آن کشورها، عناصری از افراد بومی ایران تربیت میکردند که به‌سوی آنان گرایش داشته باشند و بدون مقاومت و حاجت به اجبار و تحمیل، خود بپذیرند که باید تسلیم دولتهای غربی بود؛ لذا رژیم پهلوی ضربه‌های مهلکی در طول پنجاه سال حاکمیت خود از ناحیه‌ی دانشگاه‌ها و اساتید غربی بر جامعه‌ی ایران وارد کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴۶/۱۵)

آسيبهاي اخلاقي و معنوي

رژيم پهلوي به اسم آزادي و تمدن و پيشرفت، سوغات آلوده غرب را منتقل ميکرد و همواره نقشه هاي شوم ترويج فساد و فحشا را پياده مي نمود. (امام خميني، صحيفه امام، ۱۵۳/۱، ۳۰۶/۳)

اين رژيم با تاسي به غرب، جوانان را با آسيبهاي اخلاقي گسترده اي مواجه مي نمود و به بهانه هاي واهي احكام ضروري اسلام و قرآن كريم را زير پا مي گذاشت، (امام خميني، صحيفه امام، ۱۵۳/۱) دين را غريب و منزوي نموده (آيت الله خامنه اي، ۱۳۷۰/۱۲/۱) و فرهنگ نامناسبي را رواج مي داد. (امام خميني، صحيفه امام، ۲۹۹/۱) آنان لوازم عيش و نوش فساد انگيز را براي جوانان فراهم مي کردند (امام خميني، صحيفه امام، ۳۹۳-۳۹۴) تا آنجا که در نهايت دچار اختناق و قتل و ورشكستگي اخلاقي و فرهنگي شدند. (امام خميني، صحيفه امام، ۳۷۸/۳)

آسيبهاي اقتصادي، سياسي و اجتماعي

رژيم پهلوي - که دست نشانده غرب بود - سياستهاي نامطلوبي را در قبال جوانان در پيش ميگرفت؛ چنانکه استبداد در ايران بعد از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسي شکل آمريکايي به خود گرفت. موقعيت استبداد، در سالهاي ۱۳۳۲-۱۳۴۲ به دليل وابستگي به آمريکا، تابع موقعيت جهاني و سياستهاي خارجي آمريکا بود؛ به همين دليل استبداد تا سال ۱۳۴۰ با خشونت تمام همي نيروهاي رقيب (که اکثراً جوانان بودند) را در انزوای کامل قرار داد. (رک: پارسا، ۱۳۷۶، ۲۹۳-۲۹۴) رژيم پهلوي، خود را کاملاً وابسته ي سياسي غرب کرده بود و اين وابستگي روزه روزه شديدتر ميشد. اين غرب زدگي مطلق در نظام آموزش و پرورش هم کاملاً مشهود بود. بر اين اساس ميتوان گفت که نظام آموزش و پرورش ما يک نظام غرب زده، تقليدي، مبتني بر باورها و مباني پذيرفته شده در اروپا بود. (امام خميني، صحيفه امام، ۳۵۴/۸-۳۵۵؛ آيت الله خامنه اي، ۱۳۸۶/۵/۳) آنان همچنين منافقانه عمل کرده و مراجع و روحانيون را مرتجع و خرافي برمي شمردند (امام خميني، صحيفه امام، ۱۷۷/۲) و جوانان روشنفکر را به زندان و تبعيدگاه ها مي انداختند (امام خميني، صحيفه امام، ۷۲/۳) و از دخالت جوانان در مقدرات مملکت و چرخه ي کلان اقتصادي آن جلوگيري ميکردند. (امام خميني، صحيفه امام، ۱۷۳/۹-۱۷۵)

آسیبهای مربوط به خانواده

در خصوص خانواده در دوران پهلوی نیز، علی‌رغم اینکه برخلاف برخی دوره‌های تاریخی - که زن در خانه محبوس شده و به هیچ وجه در جامعه حضور نداشته و عملاً از ایجاد نقش مستقیم محروم شده است و به‌عنوان یک شیء گرانبها که هیچ نقشی در جامعه نداشته، عمل کرده است - زن وارد صحنه اجتماع شد؛ ولی این ورود بدون رعایت حدود و ارزشهای والایی که در اوست صورت گرفت و همین باعث شد که نقش غیر مستقیم او که در ساختن خانواده و به تبع آن جامعه مؤثر است، مورد بی‌مهری قرار گیرد و بدون رعایت حیا و عفت باعث به ابتذال کشیده شدن تاریخ، خانواده و جامعه شود.

(مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۰۴)

آسیبهای جوانان در غرب امروز

آسیبهای فکری

تفکرات غربی، مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی است؛ درحالی‌که حقایق آفرینش بایستی با معرفت‌شناسی الهی، اعتقاد به وجود خدا، قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی شناخته و فهمیده شود و دنبال گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰) و الا انسان منفصل از مبدأ و معاد و تک‌بعدی مورد توجه قرار می‌گیرد، که نتیجه‌اش بحران انسان‌شناسی کنونی در غرب است. (بهشتی، ۱۳۸۷، ۴۷-۵۰)

از جمله این دیدگاه‌ها در حوزه فکر و اندیشه عقل‌گرایی صرف است، (فولکیه، ۱۳۶۶، ۱۹۱) که بر اساس آن همه رفتارها و عقاید باید مبتنی بر عقل باشد نه احساسات یا عقاید دینی؛ درحالی‌که عقل تنها یک بعد از ابعاد وجودی انسان را تشکیل می‌دهد که اگر این یک بعد وجودی انسان به‌گونه‌ای رشد کند که سایر ابعاد را کنار بزند، رشدی نامتوازن و نامتعادل خواهد بود و نوعی نقص و خلل محسوب می‌شود. عقلانیت و خردمندی و قدرت تحلیل مسائل، همیشه باید در کنار رقت قلب و لطافت روحی قرار بگیرد، (رک: حسینی بهشتی، ۱۳۸۳، ۱۱۶-۱۱۷) تا انسان از یک شخصیت تک‌بعدی و خشک برخوردار نشود.

تفسیر دیگری از عقل‌گرایی هم در غرب وجود دارد که بر اساس آن انسان با عقل خود

میتواند بهترین منافع خود را بشناسد و پی‌گیرد و به تعبیری عهده‌دار زندگی خود شود و سرنوشت خود را بسازد؛ در نتیجه تنها عقل میتواند راهنما و هدایتگر باشد نه وحی، (هیوود، ۱۳۷۹؛ ۷۳-۷۵؛ شاپیرو، ۱۳۸۰، ۷) که با توجه به عدم دسترسی عقل انسان به بسیاری از امور، همچون مبدأ و معاد و نیز امور مربوط به روح، این نگرش باعث مثله‌سازی انسان و تک‌جانبه‌نگریستن به او میشود.

این نگرش‌های بی‌مایه موجب شده است که برای اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرال‌دمکراسی و نیز دیدگاه‌های ناسیونالیست‌های سکولار، جاذبه‌ای وجود نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۹/۸) علاوه بر این افکار جوانان در غرب چنان از تبلیغات پر شده است که نمیدانند چگونه در لابلای نهادها، گفته‌ها و ایدئولوژی‌ها نفوذ کرده و به کنه امور دست یابند. (نویمان، ۶۸، ۱۳۷۳)

آسیب‌های اخلاقی و معنوی

فروید با انتشار نظریات خود درباره نهاد آدمی، ریشه‌ی فضایل و ملکات اخلاقی را در جوامع غرب سوزاند و این عقیده سخیف را قوت داد که شخصیت آدمی همچون آلتی در دست غرائز حیوانی و نهاد‌های شهوانی قرار دارد و حتی عقل و اراده نیز مظاهری از این غرایزند و زاییده‌ی آنها هستند؛ لذا آزادی حداکثری این غرایز را تجویز نمود. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۹۲، ۵۰۸، ۱۹/۳۵؛ ۲۱/۲۷۳)

این وضعیت در جوامع غربی، موجب شده است که جوانان از لحاظ معنوی سیراب نشوند؛ در حالی که جوان در این سن در جستجوی سیراب شدن از سرچشمه‌ای زلال است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰) در این کشورها جوانان به سوی پوچی کشانده میشوند؛ زیرا جوانی که به سنتها خونگرفته و خود را پایبند به آنها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بیند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهوات آنی کشیده میشوند؛ که این بر اثر یأس است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، انسانها زیر فشارهای سنگین روحی قرار

دارند و در این میان انقلاب اسلامی با پیام جذاب اسلام، که پیام عدالت، نجات انسانها و نجات جوانهاست، در صحنه جهانی حضور دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴)

آسیبهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

بیگانگی و بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به قدرت سیاسی، در اروپا به سرعت در آمریکا آهسته‌تر؛ به شکل مشهود رو به افزایش است و برخی از آنان نظام سیاسی را از بیخ و بن رد میکنند؛ که این رویکرد حاصل اعمال بد نظامهای دمکراتیک است. (نویمان، ۱۳۷۳، ۱۱۸-۱۱۹) در روابط اجتماعی هم خشونت زیادی حکم فرماست؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵) چنانکه رسانه‌ها خشونت را امری عادی به نمایش میگذارند. کشورهای غربی از لحاظ فعالیت اقتصادی، تولیداتشان بالاست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۷/۲۲) و پیشرفت علمی بدون اخلاق آنان نیز خوب است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) کارخانه‌هایشان کار میکنند و به همهی دنیا جنس صادر میکنند و درآمد خوبی از این همه برای آنها حاصل میشود؛ اما ملتشان نمیتواند از پیشرفت اقتصادی خود بهره واقعی بگیرد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۷/۲۲) جوانان در دنیای غرب، گرفتار انواع و اقسام بدبختی‌ها شده‌اند، که گریبان خانواده‌ها و جوامع اروپایی و آمریکایی را گرفته است، که سبب اصلی آن دوری از خدا و غفلت از استغفار و ناپرهیزی در ارتکاب گناهان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰)

در حقیقت جوانان ناسالم و سرگرم شهوات و غرق در مادیات و لهو و لعب و فساد اخلاقی و جنسی و انواع و اقسام فساد، به‌گونه‌ای بارآمده‌اند که قدرت استکباری بردوش آنان سوار است. به دلیل آنکه جوانی که مشغول لهو و لعب و می و مطرب و سرگرم فساد و فحشا و شهوت است، فرصت مبارزه و حرف جدی زدن را نخواهد داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۷۱/۱/۱۵)

آسیبهای مربوط به خانواده

خانواده مبنای جامعه است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۰/۲۱) لذا با هجمه‌های مختلف روبه‌روست و استکبار سعی میکند با ایجاد انحراف، تربیت را از دست مادران گرفته و

شان مادری را در نظر آنان منحنی سازد! (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۰/۸) رویکرد غالب غرب نسبت به خانواده یک رویکرد انتقادی است که اوج آن را در نظریات فمینیستی میتوان مشاهده کرد. در میان گرایشهای فمینیستی، حمله به نهاد خانواده و مادری را در گرایش فمینیسم رادیکال میتوان ملاحظه کرد. فمینیسم رادیکال و به تبعیت از آن فمینیسم سوسیالیستی یکی از کلیدواژه‌های اصلی خود برای نقد وضعیت زنان را کلیدواژه مردسالاری قرار میدهند. (گاردنر، ۱۳۸۶، ۱۸۷) با این همه نمیتوان پذیرفت که وضعیت خانواده و زنان در غرب معلول گفتمان جنسیتی به تنهایی است. روند فردگرایی، لیبرالیسم و نظام اقتصاد سرمایه‌داری نقش تعیین‌کننده و مهمی در به چالش کشیدن گفتمان خانواده در سطح ذهنی و تضعیف نهاد خانواده در سطح عینی داشته است.

میتوان ادعا کرد میان ایدئولوژی سرمایه‌داری و ارزشهای خانواده تعارض وجود دارد. بر اساس این دیدگاه روابط خویشاوندی کم‌اهمیت میشود و ویژگیهای اکتسابی اهمیت می‌یابد. (رک: بزاردز، ۱۳۸۴، ۷۵)

تنوع در شکل‌های همزیستی نیز، منجر به پیدایش اشکال جدیدی از خانواده در غرب شده، به‌گونه‌ای که مراکز بین‌المللی فشار می‌آورند تا تعریف جدیدی از خانواده در این اشکال، از دو نفر همجنس و یا... ایجاد شود؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵؛ ۱۳۶۸/۹/۱۵) این نوع تحولات و تغییرات در غرب، سرعت زیادی به خود گرفته و آسیب‌پذیری خانواده‌ها را دوچندان کرده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵) در نتیجه خانواده در غرب دچار بحرانهای گوناگونی است؛ چون زن در غرب ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد است (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰/۶) و این الگو برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست، که زن وسیله‌ای برای کامجویی و التذاذ مرد بوده و همه چیز تحت الشعاع این نگرش بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۲۲) این درحالی است که زن نقش استثنایی تربیتی داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۲۵) و در هر میدانی که زن وارد شود، در حقیقت همه‌ی خانواده وارد شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰) همچنین در غرب، جداسازی ناعادلانه یک طرف ذی‌نفع (مرد) و یک طرف مورد انتفاع (زن) و گسترش آرام و تدریجی آن با شیوه‌های مختلف و تبلیغات گوناگون در همه‌ی جوامع (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱) و پنهان‌سازی مظلومیت

زن در خانواده و اعماق جامعه‌ی غرب (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱) صورت گرفته است و آمار وحشتناکی در خصوص خشونت خانوادگی و اجتماعی علیه زن به گوش میرسد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸؛ ۱۳۷۹/۶/۳۰؛ ۱۳۸۶/۴/۱۳) لذا اگر زنان در جاهلیت اول اروپا در خانواده هیچ شمرده میشدند، در جاهلیت مدرن در دو حیطةی جامعه و خانواده، زندگی خود را باخته و دچار ظلمی مضاعف شده‌اند که در تاریخ انسانی بی سابقه بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵)

نقش جوانان در تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی ایران اسلامی

از آنجا که جوان دگرگونی طلب و تحول‌آفرین است (مطهری، مجموعه آثار، ۳۱۰/۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷) و با نشاط و شور و شوقی که دارد، میتواند به آن دست یابد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵-۴/۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷) تحولات اساسی هر جامعه‌ای به جوانان آن وابسته است. تحولات ایران اسلامی نیز در عرصه‌های گوناگون به دست توانای جوانان ایجاد شده است:

عرصه‌ی انقلابی

جوانان در طول انقلاب اسلامی، همواره یکی از ارکان مهم حرکت انقلاب به سرمنزل مقصود بوده‌اند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۰) و به واسطه‌ی زحمت آنان، انقلاب به مرحله پیروزی رسید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۷) بعد از پیروزی انقلاب نیز، با تشکیل حکومت نوپای اسلامی، امام خمینی علیه السلام جوانان را به عنوان یاران اصلی خود برگزید که با فرمان ایشان به سوی جبهه‌ها حرکت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۲۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۴) اعتماد ایشان به جوانان چنان عمیق بود که علی‌رغم پیچیدگی‌های جنگ؛ به‌ویژه مدیریت و فرماندهی آن، این کار را جوانهای نارس انقلاب انجام میدادند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۴) تا آنجا که در جنگ تحمیلی، در قالب نیروهای مسلح - ارتش و سپاه - و بسیج عظیم مردمی - بسیج مستضعفان - توانستند چهره‌ای از ایران نشان دهند که صدها سال مخفی بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۹) همچنین در بستر همین نگاه بود که در دوران دفاع مقدس در شرایطی که همه‌ی دنیا پشتیبانی صدام را بر عهده

داشتند و درحالی‌که صاحب‌نظران کارکشته نظامی از عدم تحقق بسیاری از عملیات‌های نظامی با توجه به کمبود امکانات سخن می‌گفتند، جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله میدان‌دارِ عرصه نبرد توانستند حماسه‌های بزرگی چون ثامن‌الائمه علیهم‌السلام، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجره و کربلای ۵ را خلق کنند. در این خصوص تحقیقی حاکی از آن است که در تمامی پویش انقلاب، جوانان محصل فعال‌ترین نیروی شرکت‌کننده در انقلاب بوده‌اند و به‌طور نسبی بیشترین تعداد دستگیرشدگان به آنها تعلق داشته است. (Ashraf, 1985, 1/3) همین تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۲۴۸۳ تظاهراتی که در جریان انقلاب صورت گرفته، ۲۳ درصد آنها توسط دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان سازماندهی شده بود و البته این جدا از شرکت وسیع جوانان شهری و روستایی در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و دیگر اشکال متنوع مبارزات خیابانی بود که در این دوره‌ی انقلاب انجام گرفت. (Ashraf, 1985, 1/3) به‌عنوان نمونه از بین ۱۲ نفر افراد اعدام شده از یک جمعیت سیاسی اسلامی در سال ۱۳۴۴، تعداد ۷ تن را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دادند. (اسنادی از جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی، ۱۳۵۳، ۵۲-۶۴)

این نقش جوانان منحصر در دوران دفاع مقدس و انقلاب نبوده است؛ بلکه جوانان امروز ایران نیز با آگاهی، تفکر و انگیزه، ایستادگی می‌کنند و این آگاهی و عزم راسخ جوانان از دوران دفاع مقدس کمتر نیست؛ البته ممکن است برخی به ظواهر بنگرند و قضاوت‌های غلط کنند و تلقی کنند که همه‌ی جوانان کنونی از دین برگشته‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲)

عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی

جوانان در قالب تشکلهای گوناگون در سیر انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشته‌اند. در این راستا انجمن اسلامی دانشجویان داخل و خارج از کشور، به منظور دفاع از اندیشه‌های مذهبی و اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی در دانشگاه و خرافه‌زدایی از برخی باورهای نادرست، فعالیت خود را شروع کردند و در جریان ملی کردن صنعت نفت و نهضت مقاومت ملی به فعالیتهای سیاسی روی آوردند. (کریمیان، ۱۳۸۱، ۲۱۳) پیدایش چنین انجمنهایی محصول احساس صادقانه جوانان انقلابی بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۵/۱۰) در اساسنامه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا بر تقویت و توسعه‌ی انجمنهای اسلامی دانشجویان

در سراسر جهان تأکید شده بود (قاسملو، ۱۳۸۹، ۴۵) و راهکار عملی امام خمینی علیه السلام برای تنظیم فعالیتهای اتحادیه، ایجاد پایگاهی اسلامی برای معرفی و نشر حقایق اسلام بود تا با آشکار کردن مکاتب منحرف، جوانان دانشگاهی را با مکتب اسلام آشنا سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۲۲۴)

در این تشکلهای دانشجویی در سالهای قبل و بعد از انقلاب، دانشجویان فرصت کار دسته جمعی را پیدا کردند و از افتادن در گردابهای مختلف نجات یافتند و درک اسلامی و روحیه ایمانی خود را گسترش داده و عمق بخشیدند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴) در این سالها اگرچه نسل جوان در مقابل هجوم ایدئولوژی‌های ضد اسلام یا التقاطی بوده‌اند؛ (ر.ک. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱؛ ۱۳۸۷/۷/۷؛ ۱۳۹۱/۶/۲۳) اما با هوشیاری (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۱۹-۱۲۰) و پیروی از رهبری پارسا (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۶) توانستند با آنها مقابله کنند. اکنون نیز جوانان ایران با قدرت ایمان و تفکر و تلاش، مایه‌ی حراست از دستاوردهای فرهنگی انقلابند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۵۵) تا آنجا که حاضرند جان خود در راه هدف مقدسشان به خطر انداخته و نثار کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰) دانشجویان، افسران جوان جبهه فرهنگی و اساتید، فرماندهان آن میباشند که با تمرکز بر مسائل کلان، باید نقش خود را در پیگیری و شناسایی دشمن و اهداف وی ایفا کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۸)

جوانان در عرصه‌ی هنر نیز پیشتانزند؛ به طوری که برخی همچون شهید آوینی از طلایه‌داران هنر انقلابی بودند و سبکی نو ایجاد کردند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۹/۴) امروز هم هنرمندان جوان مؤمن در عرصه‌ی هنر مشغول به فعالیت هستند و آثار ادبی، سینمایی، نقاشی، خطاطی، طراحی و... ارزشمندی خلق میکنند، که ارزش هنری و اثرگذاری آن قابل انکار نیست. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱)

عرصه‌ی نظامی و دفاعی

بسیاری از جوانان مؤمن ایران در دوران انقلاب اسلامی داوطلبانه وارد میدان مبارزه شدند و جوانان بسیجی معجزات عظیمی را با حضور مؤمنانه و پرتلاش خود، رقم زدند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴) بعد از پیروزی انقلاب نیز حرکت، جنبش و حضور دانشجویی،

بسیار پررنگ شد؛ به طوری که در ماه‌های اول، سپاه پاسداران تشکیل گردید و جوانان در سپاه حضور فعال یافتند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴) و پس از چند ماه مخلصانه وارد میدان شدند تا آنجا که حرکت خودجوش جوانان در خدمتگزاری به روستاها؛ عامل فرمان جهاد سازندگی از طرف امام خمینی علیه السلام شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۳۱)

جوانان ایران اسلامی با تقدیم جان خود، اسلام را روسفید و مسلمین را سربلند کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰) و این امر موجب گردیده است امروز علاوه بر عزتمندی ایران، مسلمانان در دنیا قوی شده و جوانان در نقاط مختلف دنیای اسلام، به شوق اسلام به پا خیزند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰)

آنان در جنگ تحمیلی، توانستند چهره‌ای از ایران را نشان دهند که ده‌ها سال بود که از ایران چنین چهره‌ای دیده نشده بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۹) این تلاش مخلصانه بعد از جنگ تحمیلی نیز استمرار یافت؛ چون میدان مجاهدت ادامه پیدا کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲)

عرصه‌ی سیاسی

از دیدگاه انقلاب اسلامی عامل و مباشر هر کار خطیر در مملکت، نسل جوان بوده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۷) و این قدرت را جوانان ایران به اثبات رسانده‌اند؛ زیرا آنان با پیروی از یک مرجع تقلید و روحانی پارسا و الهی به راه افتادند و همه‌ی اوضاع را علیه دشمنان دگرگون کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۶) و اینکه دولت‌های ظالم بیش از همه از جوانان ایران میترسند، دلیل بر اثرگذاری ویژه‌ی آنان است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۵/۱)

یکی از شواهد تأثیرگذاری سیاسی جوانان این بود که با آغاز نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۱ و مطرح شدن مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دانشجویان، امام خمینی علیه السلام را به عنوان مرجع و رهبر برای مبارزات سیاسی خود در نظر گرفتند و ارتباط آنان با امام خمینی علیه السلام در تداوم نهضت اسلامی ایران و پیشگیری از انحراف حرکت‌های دانشجویی نقش مهمی داشت. (روحانی، ۱۳۸۱، ۶۵۴/۲)

نقطه‌ی اوج تشکلات دانشجویی نیز، حرکت شجاعانه‌ی تعدادی از دانشجویان در

آبان ماه ۱۳۵۸، تحت عنوان دانشجویان پیرو خط امام در تصرف لانه‌ی جاسوسی آمریکا بود که بازتاب گسترده‌ی بین‌المللی را به همراه داشت. امام خمینی علیه السلام این اقدام شجاعانه را یکی از ارزشهای انقلاب و شکسته شدن بت بزرگ یعنی آمریکا توصیف کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۳۰۵-۳۰۶) در راستای مبارزات سیاسی نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام و تبعید ایشان، دانشجویان خارج از کشور، طی نشست در بهمن ۱۳۴۴، اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی اروپا (گروه فارسی زبان) را با همکاری شهید آیت‌الله بهشتی تشکیل دادند (زیبا کلام، ۱۳۷۸، ۳۰۱) و خط مشی اتحادیه بر مبنای چهار اصل آگاهی، استقلال، وحدت نظری و عملی و همکاری با مردم تعریف گردید؛ فعالیت سیاسی اتحادیه، با صدور اطلاعیه‌های متعدد به منظور آشکار شدن حقایق، آگاهی دادن به مردم و دعوت به مبارزه، برگزاری تظاهرات و اعتصاب غذا گسترش یافت. (قاسملو، ۱۳۸۹، ۱۱۲)

بررسی‌های آماری نیز حاکی از حضور چشمگیر جوانان در مبارزات دهه‌ی ۱۳۵۰ است؛ به طوری که طبق برآورد برخی از منابع، در عرصه‌ی مبارزات انقلابی بیش از ۴۸ درصد از شهدا و کشته شدگان، دانشجوی و دانش آموز بوده‌اند. (abrahamian, 1982, 95-96)

عرصه‌ی فکری و علمی

هر چند برنامه‌ی اساسی شاه این بود که فرصت فکر کردن را از جوانان بگیرد؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۰) اما آنان هوشیارانه وارد میدان شدند (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۱۹-۱۲۰) و با تلاش و مجاهدت علمی خود برای سیاست غلبه کردند. در شرایط کنونی نیز نسل جوان، با ایمان در صحنه ایستاده‌اند و هیچ سلاحی نمیتواند آنان را به زانو درآورد. هر گامی که جوانان برای ارتقای علمی و عملی و اخلاقی‌شان برمیدارند، همچون گلوله‌ای است که به سمت دشمن شلیک میکنند. دستیابی نسل جوان کارآمد این کشور به فناوریهای عظیم، دشمنان را می‌آزارد و رنج میدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۸)

یکی از توفیقات جوانان ایران در عرصه‌ی علم، تشکیل جهاد دانشگاهی و ایجاد رابطه بین جهاد و علم است و با این ترکیب که دارای ارزش معنوی است، اثبات کردند که میتوان علم جهادی و جهاد علمی داشت و منتظر هدیه شدن علم از این سو و آن سونشد.

این علم برخاسته‌ی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است و ملاک در صدق جهاد این است که حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار بوده و اگر مواجه با موانعی است، برای زدودن آن تلاش جدی شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱؛ ۱۳۸۶/۴/۲۵)

جهاد دانشگاهی، همانطور که در قرآن کریم در مقایسه‌ی دو مسجد می‌فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا الْمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا»، (توبه، ۱۰۸) محل جوانان پاک است، که جزو رویشهای اصلی خود انقلاب هستند و موفقیت‌هایی که در عرصه‌ی سلولهای بنیادین و رویان هم صورت گرفته است محصول همین تلاشهای خالصانه علمی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۲۵) جوانان ایران در حال مبارزه‌ی علمی با دشمنان بسیار سرسختی هستند که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد؛ لذا جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد تلقی نمی‌شود؛ بلکه یک فرهنگ و سمت‌گیری و حرکت است، که گسترش آن و پایداری و استواری‌اش، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش می‌برد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱)

عرصه‌ی آینده‌سازی

جمعیت عظیم جوان در کشور به یک رودخانه موج و پُرفیض مبدل گردید، که این رودخانه به‌طور مستمر جریان داشته و سالها بعد از این هم جریان خواهد داشت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) و پیشرفتهای علمی، اجتماعی و سیاسی کشور و حال‌وهوای شوق و همت در میان نسل جوان نمایشگر افقهای روشنی است که ملت ایران شایسته‌ی رسیدن به آن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۹؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۷/۱۱/۲۷)

نقش انقلاب اسلامی در تحول جوانان

هنر انقلاب اسلامی این بوده است که نه تنها جوانان آغاز انقلاب و جنگ تحمیلی را متحول ساخت؛ بلکه موجب گردید نسل جوان کنونی که دوران انقلاب و جنگ تحمیلی را ندیده‌اند، با همان روحیه و احساس و انگیزه و تصمیم قاطع، در میدان بایستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹)

این تحول در چند زمینه‌ی کلان صورت گرفته است:

ايجاد روحیه‌ی اندیشه‌ورزی

انقلاب اسلامی موجب آگاهی و بیداری جوانان شد و هویت واقعی و اسلامی آنها را بازگرداند و از حالت خودباختگی خارج کرد (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۱۹-۱۲۰) و در مدت کوتاهی آنها را از مراکز غفلت، به میدان مبارزه کشاند و تحولی معجزه‌آسا و برخاسته از امداد غیبی و الطاف الهی در آنها ایجاد کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱-۹۰/۱۲) اهمیت این تحول روحی به مراتب مهم‌تر از تحول حکومت در ایران است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۳۱/۱۱) در سایه‌ی قیام امام خمینی علیه السلام، ملت ایران و دنیا متحول شدند و دگرگونی عظیمی در افکار و اندیشه‌های مردم و جوانها به وجود آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۲)

ايجاد خودباوری علمی

انقلاب، اعتماد به نفس را در جوانان ایجاد کرد تا جایی که در زمینه‌های علمی، هر کاری که زیرساخت آن در کشور موجود باشد، جوانهای ایران آماده هستند آن را انجام دهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۱۶) انقلاب شعار «ما میتوانیم» را در برابر شعار «ما نمیتوانیم» به جوانان القا نمود و اکنون به برکت این شعار، جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میدانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴) در این راستا بالاترین دلیل برای اینکه نسل جوان ایرانی میتواند در عرصه‌ی فناوری و علم نوآوری کند و مرزهای علم را بشکند و جلو برود، این است که اکنون چنین چیزی دارد اتفاق می‌افتد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱/۳۰)

تحول اخلاقی و تربیتی

جوانان در پرتو انقلاب، گویی راه صد ساله را یک‌شبه پیمودند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۴/۱۷) و فتح الفتوح انقلاب، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق و بی‌اعتنای به شهوات و دارای دل‌های متوجه به سمت خدا بود؛ که چنین تأثیری در طول تاریخ کم‌نظیر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۹/۵) البته تحولی که انقلاب در ابتدا در جوانان ایجاد کرد متوقف نشد و رویشهای آن در زمان کنونی بی‌بدیل بوده و برگ و بارش روزافزون است.

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۴؛ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹) همچنین روحیه شهادت‌طلبی را که یک عطیه الهی بود در آنان زنده نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۱/۶-۴۹۲) انقلاب کبیر اسلامی توانست در برابر هجوم بی‌امان فساد و شهوت‌رانی و بی‌کاری و عاداتهای زشت به سوی نسل جوان معاصر خود، سدی نفوذناپذیر بسازد و دستهای مرموز و دل‌های بدخواهی که تهاجم آن گنداب اخلاقی را به سوی دل و جان جوانان در همه جای گیتی فرماندهی میکردند در مقابل این حصار تسخیرناپذیر از کار بازماندند و نتیجه همان است که در تاریخ، افتخارات ایران در شمار بلندترین قله‌هاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۱/۲۴) در حقیقت فتح الفتوح انقلاب اسلامی پیدایش جوانهای نورانی و بیرون آمدن فرشتگان در این دنیای غرق تباهی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۲۶) شاهد بر این مطلب وصیتنامه‌های جوانهایی است که عاشقانه جهاد میکردند و به شهادت میرسیدند، که گاهی چنان رقیق، عرفانی، زلال و نورانی است که گویا از زبان یک عارف کامل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۱۳)

دگرگونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

انقلاب اسلامی چنان تحولی در جوانان ایجاد کرد که همان جوانهایی که پیش از انقلاب به مکانهای فساد کشیده میشدند، به سوی جهاد سازندگی حرکت کردند. این یک تحول روحی بود که با اراده خداوند متعال برای نجات ملت ایران رقم خورد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹/۱۰)

ثمره‌ی انتقال تفکر انقلاب اسلامی به نسل‌های جدید، به وجود آمدن نسل جوان با انگیزه‌ای است که دانش و توان لازم جهت پیگیری آرمانهای انقلاب را داراست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱/۱)

حتی زنان جوانی که پیش از انقلاب وضعیت نابسامانی داشتند، پس از انقلاب، در پشت جبهه‌ها خدمت میکردند و مجالس درس و قرائت قرآن و تدریس داشتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۳-۳۵۲/۱۹) همچنین نویسندگان و هنرمندان بزرگ؛ به‌ویژه در بعضی از رشته‌های هنری، در دوران قبل از انقلاب پرورش پیدا نمی‌کردند؛ اما با توجه به آنکه انقلاب نیروهای جوانان را آزاد کرد، در میان آنان، سینماگران، نمایش‌نامه‌نویسان، کارگردانان، شعرا و

داستان نویسان زیادی تربیت یافته‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱)

معجزه انقلاب اسلامی در دهه‌ی پنجاه، و معجزه‌ی جنگ هشت‌ساله در دهه‌ی شصت اتفاق افتاد و جوانان برومند ایران اسلامی نشان دادند که میشود در جنگ نابرابر هم پیروز شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) امام خمینی علیه‌السلام با هدایت و رهبری صحیح، اعتماد عمومی مردم و جوانان را جلب کرد و این سرمایه عظیم را در راه اهداف انقلاب به کار بست و هزینه کرد، به نحوی که در طول سالهای پس از انقلاب، همواره جوانان، دل‌باخته‌ی نام امام و شیفته‌ی جمهوری اسلامی‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴) همچنین بستری فراهم گردید که عزیزترین انسانهای طول تاریخ فرصتی داشته باشند تا در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها به شهادت نائل آیند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰)

جوان تراز انقلاب اسلامی

از دیدگاه انقلاب اسلامی، جوانی مطلوب به شمار می‌آید که در ساحت‌های گوناگون عقلانی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی ویژگی‌های خاصی داشته باشد:

ساحت عقل و اندیشه

جوان تراز انقلاب اسلامی اهل فکر است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱۵) و آزاد می‌اندیشد و از غفلت‌زدگی و خواب‌آلودی احتراز دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹) فکر او بیدار بوده و به ظواهر اکتفا نمی‌کند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۳) در تحلیل مسائل مطالعه می‌کند و می‌اندیشد و راهکار مناسب آن را می‌جوید؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۷/۱۷) لذا بصیرت دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) و هدفمند وارد میدان کار میشود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۷/۱۷) و با علم و آگاهی لازم به مواجهه‌ی صریح و روشن با سایر افکار می‌پردازد. (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۸)

ساحت ایمانی و اعتقادی

ایمان و اعتقاد محور حرکت و تلاش و انجام وظیفه و مسئولیت‌پذیری در هر انسانی است؛ لذا باید به صورت جدی تقویت شود و از آفات و آسیب‌ها در امان نگاه داشته شود؛

لذا جوان تراز انقلاب اسلامی با ایمان به خدا و ارتباط معنوی و صمیمی با او (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۸/۲۷) و پیوستگی قلبی به اهل بیت علیهم‌السلام (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۳) و اهتمام به انجام عمل صالح، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۳) کسب معنویت کرده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۷) و از اعماق وجود به اسلام معتقد و پایبند است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۳/۳) همچنین معتقد است انقلاب و دستاوردهایش از آن اوست و نگهداری و پاسداری از آن را به عهده دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰) و خود را امانت الهی و ذخیره‌ی ملی دانسته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۸/۷) و همواره به تقویت انگیزه و ایمان خود می‌پردازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۵) این ایمان و اعتقاد او را برای فعالیت جدی و جهادی در همه‌ی عرصه‌های فردی و اجتماعی مهیا می‌سازد.

ساحت اخلاقی

جوان تراز انقلاب اسلامی متخلق به اخلاق و ادب اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۱/۱۲) و از شهوات و هوای نفس و وادادگی و لابلالی‌گری (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۳) و افراط و تفریط (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲) احتراز داشته و به ایمان، پارسایی، پاکدامنی و رعایت تقوا (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴؛ ۱۳۸۰/۹/۳) و تهذیب نفس (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹) روی می‌آورد. در همه‌ی امور اخلاص داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۵) و به منافع شخصی دل نمی‌بندد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) کسب و دفاع از فضیلتها را وظیفه‌ی خود دانسته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) و حق‌پذیری، آرمان‌گرایی و بی‌تقی‌دی و ناوابستگی به تعلقات زندگی دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) لذا شجاعت و اعتماد به نفس، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۱۱) شور و هیجان و عواطف صحیح و احساسات انسانی لطیف (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۹؛ ۱۳۸۱/۹/۷) و امانت‌داری، محبت، برادری، استقلال و آزادمنشی (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۳/۵) از ویژگیهای بارز اوست. او همواره مراقب خود بوده و نسبت به نفوذ فساد حساسیت داشته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶) تقوا را شعار خود قرار می‌دهد (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹) و نشاط و شور خود را، در عین پاکی و پارسایی و دین‌داری حفظ می‌کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

این ویژگیهای اخلاقی موجب میشود حس شهادت‌طلبی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۱۲) و

جوان / ۳۹۷

خلوص انقلابی (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۸/۳/۵) در او رسوخ کرده، همواره نقد منصفانه و متقابلاً نقدپذیری متواضعانه داشته باشد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵) و به طبقه‌ی بزرگان و علما احترام بگذارد و شأن روحانیت را حفظ کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸/۲)

ساحت علمی و پژوهشی

جوان تراز انقلاب اسلامی همواره در پی تعالی علمی، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۷/۱۵) نخبگی علمی، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵) تولید علم (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹) و ابتکار و خلاقیت بوده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱) و به دنبال افزایش و عمق بخشی آگاهی‌ها نسبت به اسلام، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲) ایران و جهان (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲) و شناخت دانشمندان گذشته و مفاخر علمی کشور است؛ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۳) لذا به مطالعه‌ی نوشته‌های شهید مطهری و فضلا و علما، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲) تاریخ به طور عام و تاریخ کشور و انقلاب به طور خاص (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲) و خواندن کتابهایی که شرح حال سرداران انقلاب اسلامی و گزارش روزهای جنگ و سالهای دشوار اول انقلاب است، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴) اهتمام می‌ورزد.

او قسمتی از وقت خود را صرف شناخت اصول اساسی اسلام همچون توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ و پایه‌گذاران عدالت و آزادی امت، از ابراهیم خلیل علیه السلام تا رسول خاتم صلوات الله علیه میکند و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطه‌ی اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر از امرا و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند، اهتمام می‌ورزد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۲-۳۲۳)

همچنین به شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود؛ به ویژه در دورانه‌های نزدیک به امروز و نیز شناخت درست امام خمینی علیه السلام - که قله‌ی بلند تاریخ معاصر است - اهمیت داده و نسبت به اندیشه‌های سیاسی تابناک و پایه‌های حرکت عظیم انقلابی او در پی آگاهی است. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۳/۵)

این جوان به فراگرفتن خصلتهایی همچون دین‌داری و دانش‌پژوهی، وجدان کاری و انضباط (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۳/۵) و آگاهی سیاسی (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۳/۵)

علاقه مند است و به دلیل آنکه مبارزه برای استقلال و آزادی و عدالت - که همان راه و سلوک انبیاست - در پیوند ناگسستنی دین و علم و اجتماع، ممکن است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۲۳) و نیز میدانند که اگر دانشگاه‌ها خالی از دانشمندان و متخصصان متعهد شوند، اجانب منفعت طلب همچون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی را به دست میگیرند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۲۶) لذا همواره به تحصیل جدی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۱/۱۳۷۷؛ ۲/۱۹/۱۳۸۶) و رونق بخشیدن به کلاسها و بحثهای علمی و پرهیز از سپری کردن عمر در هیاهو و بازی‌گری‌های سیاسی مشغول است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۲۶-۳۲۷)

ساحت مجاهدت و تلاش و ابتکار

جوان تراز انقلاب اسلامی با هر وسیله؛ اعم از شعر و نثر و خطابه و کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است، در تلاش است که ملتها را بیدار کند و حتی در اجتماعات خصوصی از این وظیفه غفلت نمی‌ورزد (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۲۵۳-۲۵۴) و شاخصه‌ی اصلی این قشر آن است که در برابر فشارهای اقتصادی، نظامی و به خصوص «رسانه‌ای» غرب و جهان کفر، استوار می‌ایستد (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۱۳۲) و با دیدن اوضاع نابسامان در بلاد مسلمین احساس سستی و سردی نمی‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۱۳۵)

احساس علاقه به اهداف و آرمانها، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۷/۱۳۷۹) مجاهدت همراه با اخلاص، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۷۸) احساس مسئولیت نسبت به مسائل انقلاب و حضور فعال در میدانها و صحنه‌های نظامی و غیر نظامی، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲/۲/۱۳۶۸؛ ۸/۸/۱۳۸۷) وفاداری به اسلام، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۷۸) تلاش در جهت ساختن مملکت، (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۴۲۷) بهره‌مندی از همه‌ی ظرفیتهای و تلاش همه‌جانبه در جهت رفع نیازها و احتیاجات (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۷۷) و سرباز لایق بودن برای اسلام و کشور (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۸۶) و عمل به هنگام و به اندازه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۵/۳/۱۳۸۴؛ ۲/۸/۱۳۸۹) از ویژگیهای بارز اوست.

او در راه خدا، اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و تعالی و ترقی میهن، توان جوانی خود را صرف کرده، جهت کسب سعادت (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸/۹/۱۳۶۹؛ ۱۰/۸/۱۳۷۴؛ ۷/۶/۱۳۷۸؛ ۱۹/۲/۱۳۸۶) به مقابله با «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «غارث فرهنگی» و «قتل

عام فرهنگی» پرداخته، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲) به دفاع از شخصیت ملی، عزت ملی و هویت ملی و عقیده‌ی مستحکم اسلامی در میدان شرف و افتخار می‌پردازد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۳) و اهل امر به معروف و نهی از منکر است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

حرکتش دائم در مسیر پیشرفت بوده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۷) و برخوردار از روحیه‌ی جهاد و مقاومت در محیط‌های گوناگون است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۲۶) همچنین اطاعت و تبعیت از حکومت اسلامی و عدم توجه به سرزنش دشمنان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۷/۱۲-۴۰۸) احساس وظیفه نسبت به تکمیل و تتمیم و حفظ نظام، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) پرهیز از اختلاف افکنی در قالب گروه‌ها و حزبها و تشکله‌ها و تلاش در جهت حفظ وحدت کلمه، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵/۲) پرهیز از قرارگرفتن در ساختارهای باطل گذشته و اهمال در کارها، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۵/۱۳) پرهیز از درگیر شدن با مسائل جناحی (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) و مهیاسازی خود برای وظایف سنگین آینده و خدمت به اسلام و مسلمین و پاسداری از این دو را (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۵/۲؛ ۲۶۳/۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴) از وظایف خود میدانند.

او به نماز - که موجب روشنی دل و شادابی روحی و بهجت است - (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۸/۲۹) و مسجد و عبادت و جلسات قرآن اهتمام داشته (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳) و در همه‌ی میدانها و عرصه‌ها، حضور با انضباط و قانونمند دارد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۴/۲۱) جوان تراز انقلاب اسلامی با نشاط و پرشور و اهل ورزش بوده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹) و از تنبلی و سستی گریزان است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹) او با همه‌ی وجود و همت از سرمایه ملی و جمعی کشور دفاع کرده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۱۲) و به طور همزمان راه علم، تقویت اراده، خلاقیت و سازندگی، رشد و تکامل (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۸/۹) و تلاش و کسب مهارت برای کار (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳) را می‌پیماید.

حفظ اصول و روحیه‌ی آرمان‌گرایی و احتراز از محافظه‌کاری (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵) و حساسیت روزافزون در برابر آماج توطئه‌های دشمن و فرونشاندن فتنه‌های آنان از نطفه (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۲۲) از دیگر ویژگیهای این قشر از جوانان است.

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به جوان با نگرش غرب

نگاه غرب به جوان از نگرش آنان نسبت به انسان نشأت میگیرد، به‌رغم تفاوت نظر متفکران غربی و دچار بودن به بحران در انسان‌شناسی، همگی در نگاه مادی به انسان و انکار یا نادیده گرفتن فطرت الهی او اتفاق نظر دارند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹؛ بهشتی، ۱۳۸۷، ۴۷-۵۰) لذا برخی به جوان نگاه حیوان ابزارساز داشته (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۳/۴۳۶؛ ۱۵/۵۵۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹؛ ۱۳۸۸/۶/۸) و پاره‌ای او را پدیده‌ای انفعالی، تأثیرپذیر و فاقد نقش تأثیرگذار دانسته‌اند (رک: بیلر، ۱۳۶۹، ۲۸۱/۱-۲۸۲) و گروهی همچون فروید و پیروانش معتقدند که شخصیت آدمی همچون آلتی در دست غرائز حیوانی و نهادهای شهوانی قرار دارد و حتی عقل و اراده نیز مظاهری از این غرایزند و زاییده آنها هستند؛ لذا آزادی حداکثری این غرائز را تجویز می‌نمایند. (رک: شولتز، ۱۳۹۱، ۵۰-۹۷؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۹۲؛ ۱۹/۶۳۵؛ ۲۱/۲۷۳) همچنین غرب در مواجهه‌ی با جوان به دلیل همسان پنداشتن همه‌ی ابعاد انسان با حیوانات، او را اساساً نوعی حیوان تلقی کرده و ابعاد معنوی وجود او را به‌کلی انکار میکنند و یا به ابعاد مادیش تقلیل میدهند. در نگاه آنان، زندگی انسان چیزی جز حرکت صرف اندامها نیست و قلب، همان فنر، و مفصلها نیز همان چرخهای حرکت‌دهنده‌ی بدن است. (هابز، ۱۳۸۰، ۷۱)

«مقدمه»

آنان انسان را مرتبه تکامل‌یافته حیوان معرفی میکنند، که اگرچه به مرتبه‌ی بالاتر از حیوان رسیده؛ اما اصالت حیوانی خود را همچنان حفظ کرده است. در نتیجه، او نوعی حیوان است در بین انواع دیگر حیوانات و صرفاً بخشی از جهان مادی است؛ (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۳/۴۳۶) لذا برای جوان طوری برنامه‌ریزی میشود که مانند یک حیوان، به چیزی جز حوائج پست مادی نیاندیشند و طبق این دیدگاه سخن گفتن از ایمان و عقیده و انگیزه‌ی جوان و هر آنچه به رابطه‌ی او با عالم معنا مربوط شود نیز اساساً امری مهمل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹) زنان جوان نیز در غرب ملعبه‌ی جوانهای فاسد به حساب می‌آیند، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۳۰۱) که این الگو برخاسته و زاییده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست، که زن وسیله‌ای برای تکلیف و التذاذ مرد بوده و همه چیز تحت الشعاع این

نگرش بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۲)

اما از دیدگاه انقلاب اسلامی اگرچه جوان به واسطه‌ی انسان بودنش، از نظر زیستی و فیزیکی همسان سایر موجودات ذی‌روح است؛ اما به واسطه‌ی برخورداری از نیروها و قوایی افزون بر حیوانات، از آنان متمایز میشود. همسانی او با حیوانات به ابعاد زیستی و طبیعی او چون احتیاج به غذا و خواب و رفتارهایی چون تولید مثل و دفاع و تهاجم و... مربوط میشود؛ اما در بُعد دیگر واجد ویژگیهایی است که او را از حیوان بسیار فراتر میبرد. این ویژگیها عموماً مربوط به بُعد روحی و معنوی وجود انسان است. (رک: امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۲/۳۲۲)

در دیدگاه‌های معاصر غربی رابطه‌ی بین جوان و زندگی، رابطه‌ی بهره‌وری و مصرف است، در نتیجه‌ی این رابطه، وظیفه‌ی اصلی تربیت معاصر عبارت از پرورش جوان تولیدکننده و مصرف‌کننده و انحصار تربیت در بعد حیوانی است؛ (کیلانی، ۱۳۸۹، ۱۳۸-۱۴۱) اما در رویکرد انقلاب اسلامی با الهام از تعالیم قرآن کریم، دو بعد وجودی برای جوان وجود دارد؛ او از جهتی زندگی حیوانی دارد و از جهت دیگر، از مرتبه‌ی باطن، عقل و بالاتر از عقل - برای سیر در عوالمی فراتر از طبیعت - برخوردار است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۷۵) در این رویکرد، ضمن آنکه هر دو جنبه به رسمیت شناخته شده، اصالت به جنبه‌ی روحی و معنوی او داده میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۹/۲۸) همچنین آنچه در جوان اصالت داشته و اساس انسانیت او شمرده میشود، همان مرتبه‌ی باطنی و عقلانی اوست؛ از این رو، اگر جسم او دچار مرضی شود، اما روح او همچنان به حیات انسانی زنده باشد، در انسانیت او خللی وارد نمیشود؛ درحالی‌که اگر روح او دچار منقصتی باشد، اما جسم او سالم و کامل باشد، نمیتوان به «انسان» بودن او حکم نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۲۴۶) برای این اساس، اگرچه انسان به صورت حیوانی بالفعل، زاده میشود و شهوت و غضب در وجود او از ابتدا فعال است؛ اما وجود قوای فعلیت‌نیافته‌ی دیگری چون قوای باطنی، او را در دوراهی سعادت و شقاوت قرار میدهد؛ ضمن آنکه هر دو بُعد وجودی او بی‌حد و مرز است؛ لذا اگر جوان به طرف رشد و یا فساد حرکت کند، منتهایی برای او تصور نمیشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۵۳۲)

اگر جوان از جنبه‌های الهی و عقلانی خود غفلت کرده و جنبه‌های حیوانی خود را برجسته کرده باشد، رو به سمت شقاوت بی‌نهایت میکند و از سوی دیگر، اگر از فطرت الهی و گرایشهای متعالی خود حفاظت کرده باشد، انتهایی برای رشد و سعادت او متصور

نخواهد بود و هر چه بالاتر رود، باز هم راه برای صعود او به عوالم و درجات بالاتر باز خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵/۱۳) پس اگر از ابتدا نفس انسانی جوان تحت تربیت مربی الهی قرار گیرد، به انسانی الهی و لاهوتی تبدیل میشود که قلب او از حق است و جز به حق توجه نخواهد کرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۸/۱۴-۱۷۰)

قوای جوان که همان نیروهای محرکه‌ی وجود انسان اند، رفتارهای او را جهت میدهند. این قوا - بر اساس مرتبه‌ی وجودی انسان - همگی یکسان و در یک جهت نبوده و هریک اقتضای وجودی خاص خود را دارد. قوای وجود آدمی به قوه‌ی عاقله، قوه‌ی واهمه، قوه‌ی غضبیه و قوه‌ی شهویه تقسیم میشوند که هریک از این قوا به وسیله جنود خود به شرکت در اداره‌ی نفس مشغولند (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۱۴۹) و وضعیت مطلوب، آن است که این قوا دچار تجزیه نشوند، بلکه همگی در جهت واحدی به سوی یگانه شدن پیش بروند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۰۴/۲)

جوان از موهبت عقل برخوردار بوده و به حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات و دعوت‌کننده به عدل و احسان و سایر ویژگیهای نیکو است. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ۲۱)

در رویکرد انقلاب اسلامی از یک سو جبر فلسفی (امام خمینی، بی تا «الف»، ۳۱۲/۲) مردود است و جوان میتواند با اراده و اختیار و تواناییش، در برابر فشارهای عوامل درونی و بیرونی مقاومت کند؛ ضمن آنکه در این نگاه، اراده و اختیار، بر اصالت فطرت انسانی - که ناشی از تکامل جوهری انسان در متن طبیعت است - مبتنی شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۶۵/۲-۲۶۶)

جوان از دیدگاه انقلاب اسلامی، کسی است که هدفی را با منطق و عقل و احساسات پاک و صحیح میشناسد، بعد با همه‌ی وجود، دنبال آن حرکت میکند و موانع را از سر راه خودش برمیدارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹) لذا برخلاف برخی جوامع متحجر که به جوان اعتماد نمیکنند، او را دارای جایگاه ویژه‌ای در اجتماع و شایسته‌ی تصدی مسئولیتهای خطیر میداند. انقلاب اسلامی جوان را یک نعمت الهی می‌انگارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۴)

و زمینه‌های لازم را برای سیراب کردن جان و آشنا شدن او با حقایق دینی فراهم مینماید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۱/۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جوان، قشر پویا، آرمان‌خواه و کارآمد است که محبوب خدای متعال بوده و یکی از سرمایه‌های بزرگ جامعه محسوب شده و نیروی محرکه‌ی انقلاب است؛ چنانکه دشمن با مشاهده‌ی قدرت جوانان یک جامعه جرأت تعرض به آن را نخواهد داشت. مسئولیتهای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی، نیز در سطوح خرد و کلان، اغلب به دوش جوانان است؛ لذا امید انقلاب محسوب شده و کسانی هستند که مقدرات جامعه را در دست خواهند گرفت و آن را حفظ خواهند کرد.

او دارای نیازهای جسمی و روحی است، که باید به‌طور صحیح تأمین گردد. جوان همچنین دارای ظرفیتهای عقلانی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی است و ویژگیهایی روحی همچون احساس خلأ و ابهام، نپذیرفتن بسیاری از قیود و میل به استقلال، حساسیت و زودرنجی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری، الگوگیری و حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و فطرت پاک را داراست. از بعد جسمی نیز دارای نیرو و نشاط و استقامت است. جوانان در عرصه‌های گوناگون «علمی و فرهنگی»، «نظامی و دفاعی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «ارتقای عزتمندی جامعه» و «آینده‌سازی» در رتبه‌ی اول تأثیرگذاری قرار دارند و میتوانند جامعه را متحول کنند.

عوامل زیادی در تربیت و تعلیم جوان مؤثرند که مهمترین آنها عوامل فردی همچون وراثت و فطرت پاک است. خانواده، محیط اجتماعی، معلم و مدرسه و رسانه نیز از عوامل مؤثرند و با تهدیدهای درونی‌ای همچون «انحراف فکری»، «ردائل اخلاقی» و «اعمال ناشایست و مشغله‌های کاذب» و تهدیدهای بیرونی‌ای همچون رسانه‌های بیرونی غفلت‌زا مواجه است و نیز ممکن است بازیچه‌ی دست سیاست‌بازان شود.

جوان وظایفی بر عهده دارد و باید در ساحت عقل بر مدار منطق حرکت کرده و در ساحت اخلاق به تحصیل اخلاق خوب و تهذیب در کنار تحصیل علم بپردازد. او در ساحت عمل باید از بیکاری، کم‌کاری، بی‌توجهی و بیهودگی و اهمال در کارها و نیز اقدام بی‌فکرو بی‌مطالعه و تصمیم‌گیری‌های سریع و نسنجیده بپرهیزد و همت خود را در میدان

جهاد و سازندگی مصروف دارد. البته در برابر جوان، نهادهای مسئول همچون دستگاه‌های «فرهنگی-هنری» و «اجرایی-اقتصادی» و «نهادهای تعلیم و تربیت اعم از خانواده، آموزش و پرورش، حوزه و روحانیت، دانشگاه‌ها و رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری» نیز، وظایف سنگینی را به عهده دارند.

جوانان در گذشته در دوران رژیم پهلوی و در دوران معاصر در غرب امروز با آسیب‌های «فکری»، «اخلاقی و معنوی»، «اقتصادی، سیاسی و اجتماعی» و نیز آسیب‌های جدی خانوادگی روبه‌رو بوده و هستند و به بی‌ارادگی و ابتذال و فحشا کشانده میشوند؛ اما جوانان ایران تحت رهبری و هدایت صحیح علاوه بر خودسازی، تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی ایران اسلامی، نقش بی‌بدیلی را در ایران ایجاد کرده‌اند و ایران را سربلند نموده و آینده خوبی را با اعتماد به پروردگار و تلاش و کوشش رقم خواهند زد. این دستاورد به دلیل آن است که انقلاب اسلامی در تحول روحی و معنوی جوانان تأثیرگذاری جدی داشته است.

جوان تراز انقلاب اسلامی در ساحت عقلانی اهل فکر و آزاداندیشی و در ساحت ایمانی دارای ایمان قوی به خدا و ارتباط معنوی و صمیمی با اوست و متخلق به اخلاق و ادب اسلامی بوده، در پی تعالی علمی، تولید علم و ابتکار و خلاقیت است. او مجاهدت همراه با اخلاص و احساس مسئولیت نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت آن داشته و در همه‌ی میدانها و عرصه‌های مجاهدت به صورت فعال حاضر است و در راه خدا و خدمت به خلق و پیشرفت جامعه‌ی اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و تعالی و ترقی میهن، توان جوانی خود را صرف کرده و جهت کسب سعادت به دفاع از شخصیت ملی، عزت ملی و هویت ملی و عقیده‌ی مستحکم اسلامی در میدان شرف و افتخار می‌پردازد. نگرش انقلاب اسلامی به جوان با نگرش غرب نسبت به جوان از نظر ماهیت متفاوت است؛ زیرا نگرش غربیان مبتنی بر مادی‌گرایی و حیوان‌انگاری انسان است؛ لذا برای جوان طوری برنامه‌ریزی میشود که مانند یک حیوان، به چیزی جز حوائج پست مادی نیاندیشد و طبق این دیدگاه سخن گفتن از ایمان، عقیده و انگیزه جوان و هرآنچه به رابطه‌ی او با عالم معنا

جوان / ۴۰۵

مربوط شود نیز اساساً امری مهمل است؛ اما در دیدگاه انقلاب که مبتنی بر دیدگاه جامع قرآنی است، دو بعد وجودی برای جوان وجود دارد؛ او از جهتی زندگی حیوانی دارد و از جهت دیگر، از مرتبه‌ی باطن، عقل و بالاتر از عقل - برای سیر در عوالمی فراتر از طبیعت - برخوردار است و باید برای هر دو بعد آن برنامه‌ریزی شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۵. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
۶. احدی، حسن، جمهری، فرهاد، روانشناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی و پیری)، قم، نشر آینده درخشان، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۷. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۸. اسنادی از جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی (جاما، حزب ملل اسلامی)، بی جا، انتشارات دوازده محرم، ۱۳۵۳ش.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تقریرات فلسفه، تقریر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، جهاد اکبر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ب»
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، دیوان اشعار: سروده‌های امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم

- و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. امین زاده، محمدرضا، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم، مؤسسه انتشارات در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. برناردز، جان، درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. بیلر، رابرت، کاربرد روانشناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.
۲۱. پارسایان، حمید، حدیث پیمانہ (پژوهشی در انقلاب اسلامی)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. حسینی بهشتی، سید محمد، بهداشت و تنظیم خانواده، تهران، نشر بقیه، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. حسینی بهشتی، سید محمد، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران، نشر بقیه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. حسینی، سید مهرداد، اصول و روشهای تربیت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ هشتم، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. دبیس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۱ ش.
۲۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۲۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا، چاپ نهم، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات عروج، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۳۱. رهبر، محمدتقی، رحیمیان، محمدحسن، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶ ش.
۳۲. زیبا کلام، صادق، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. ساروخانی، باقر، نگاهی به جامعه‌شناسی جوانان، دانشکده (فصلنامه)، تهران، دانشگاه تهران، ۳، ۱۳۵۴ ش.
۳۴. شاپیرو، جان سالوین، لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. شرفی، محمدرضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی، تهران، نشر پنجره، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. شریعتمداری، علی، جامعه و تعلیم و تربیت (مبانی تربیت جدید)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۴ ش.
۳۷. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۵ ش.
۳۸. شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، ۱۳۷۲ ش.
۳۹. شولتز، دوان. پی، شولتز، سیدنی الین، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۱ ش.
۴۰. شیرزاد، فریده، روانشناسی تربیت دینی کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
۴۳. عمید زنجانی، عباسعلی، گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، کتاب طوبی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. غزالی، محمد بن محمد، کیمیای سعادت، ترجمه احمد آرام، تهران، کتابخانه و چاپخانه مرکزی، چاپ سوم، ۱۳۴۵ ش.

۴۵. فرهادیان، رضا، خانواده و تحول در تربیت، قم، مؤسسه فرهنگی- تربیتی توحید، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۴۶. فخریمی، فرزاد، تحولات سازمانهای دولتی ایران از مشروطیت تا امروز، تهران، نشر فرهنگی زند، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۴۷. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۴۸. فولکیه، پل، فلسفه عمومی یا ما بعد الطبیعة، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.
۴۹. قاسملو، اکبر، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۵۰. کریمیان، علیرضا، جنبش دانشجویی در ایران (از تأسیس تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۵۱. کلمز، هریس و دیگران، روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه پروین علی پور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۵۳. کیلانی، ماجد عرسان، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۵۴. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۵۵. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۵۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۷. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ش.
۵۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۵۹. مطهری، مرتضی، یادداشتها، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۶۰. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت، دار المفید، چاپ سوم،

۱۴۱۴ ق.

۶۱. منصور، محمود، روانشناسی ژنتیک تحول روانی از تولد تا پیری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۶۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون کریم، قم، انتشارات انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۶۳. نویمان، فرانسیس، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.

۶۴. هابز، توماس، لویاتان، تحقیق سی بی مکفرسون، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

۶۵. هاشمی، سید مجتبی، تربیت و شخصیت انسانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۶۶. هاشمیان، سید احمد، تحقیقی درباره مسائل جوانان از دیدگاه روانشناسی، تهران، آموزش و پرورش (ماهنامه)، ش ۱۳۴، ۱۳۵۴ ش.

۶۷. هیوود، اندرو، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مرکز چاپ انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

68. Abrahamian, Ervand, Iran Between Two Revolutions, New Jersey, Princeton University, 1982.

69. Ashraf, Ahmad, Banuazizi, Ali, "The state. Classes and Modes of Mobilization the Iranian Revolution" in state, culture and society, Vol. 1.no.3.spring 1985.

جهاد



محمد جواد ادرکنی^۱ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۲ (مسئول علمی)

جهاد؛ تلاش سخت و مؤمنانه برای حفظ و اعتلای اسلام، در عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی.

«جهاد» در لغت برگرفته از ریشه‌ی «ج‌ه‌د» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸) کلمه‌ی «جهاد» به فتح جیم، به معنی «غایت»، «مبالغه»، «امر سخت و دشوار»، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳/۳۸۶) ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۱/۳۲۰) و به ضمّ جیم، به معنی «توان» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱/۴۸۶) آمده است. در اصطلاح فقهی جهاد به معنای جنگیدن، برای حفظ جامعه اسلامی و برافراشتن کلمه اسلام و شعائر ایمانی آمده است؛ (قطب راوندی، ۱۴۰۵، ۱/۳۲۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱/۴۹۴؛ خوئی، ۱۴۱۰، ۱/۳۶۰) گرچه، در منابع اسلامی اطلاق جهاد در موارد غیر نظامی نیز شایع بوده است؛ مانند: مبارزه از راه گفتار، (قطب راوندی، ۱۴۰۵، ۱/۳۴۱-۳۴۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۹/۳۳۹) تلاشهای مخلصانه در کسب معرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶/۳۴۹) و مخالفت با هواهای نفسانی. (کلینی، ۱۳۶۷، ۵/۱۲) فرهنگ و ادبیات انقلاب اسلامی نیز بر وجهی عام جهاد تأکید ویژه‌ای دارد (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۳۰۰) چرا که در قوام جهاد دو عنصر مهم نقش دارد؛ که یکی جد و جهد و دیگری جهت‌گیری این فعالیتها در مقابله با دشمن است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۶/۱۳۷۳) که لازم است

۱. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم

۲. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

همه در راستای هدف والا و مقدس باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱) و این، رویکرد انقلاب اسلامی را در توجه به سعه‌ی مفهومی جهاد و پرهیز از فروکاستن آن در حد جنگ نظامی (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۸؛ ۳۷۹/۱۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹) موجه میسازد. نتیجه‌ی این رویکرد، گسترده شدن ابعاد دیگر جهاد در زمینه‌هایی مانند: سیاست، اقتصاد، فرهنگ و علم می‌باشد، که هدف آن، تثبیت و استمرار ارزشها و احکام اسلامی در بعد فردی و اجتماعی است. از این رو امروزه این تلقی، به صورت یک فرهنگ، تبلور یافته و در کارآمدسازی نیروها و مواجهه با خطرات دشمنان بسیار مؤثر بوده است. جهاد به این معنی سابقه‌ای در عرب جاهلی نداشته؛ بلکه معروف میان آنان واژگانی مانند «حرب»، «غارت» و... بوده است؛ از این رو «جهاد اسلامی» را به خاطر دارا بودن بار معنایی خاص، میتوان واژه‌ای تأسیسی به حساب آورد. (زحیلی، ۱۳۸۹، ۳۸، ۴۳)

جهاد با عنایت به قلمرو گسترده‌اش، در ادیان سابق نیز دارای پیشینه است. (کتاب مقدس، تنبیه، ۱۷-۱۰/۲۰؛ یوشع، ۲۴/۸؛ ۲۰/۱۰؛ لوقا، ۴۹-۵۲؛ متی، ۳۹-۳۴/۱۰) قرآن کریم نیز حکایت از وجود حکم جهاد در تورات و انجیل داشته (توبه، ۱۱۱) و به مواردی از مبارزه‌ی پیامبران با طاغوت‌های زمان خود اشاره کرده است؛ مانند جنگ حضرت موسی با عمالقه (مائده، ۲۱-۲۴) در شام و فلسطین که بیت المقدس را اشغال کرده بودند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴۴/۱) اساساً فلسفه بعثت انبیا اقتضا داشته که در فرایند تلاش‌های آنان، عنصر مبارزه با دشمنان تعبیه شده باشد؛ زیرا وظیفه‌ی انبیا تنها بیان حلال و حرام الهی نبوده است و گزارش برخی آیات مانند: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيؤُنَ كَثِيرٌ؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان زیادی به همراه آنان جنگ کردند.» (آل عمران، ۱۴۶) در مورد مبارزه بسیاری از انبیا مؤید این امر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۳)

پیامبر اسلام ﷺ در مدت حضور خود در مکه و بعد از دعوت علنی به اسلام، با وجود انکار، آزار و اذیت مشرکان، مأمور به تحمل این وضعیت بوده و به جهت کمی نفرت و امکانات، در مقام نبرد با کفار بر نیامدند؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۲۲۴/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۹) بلکه در این مرحله مأمور به خویشتن‌داری در مقابل اهانت کفار بودند. (انعام، ۶۸؛ حجر، ۹۴) بعد از هجرت به مدینه و تغییر شرایط مسلمانان، جواز جهاد و مقابله از سوی خداوند (حج،

جهاد / ۴۱۵

۳۹) در مقابل ظلم و تعدی دشمنانی چون قریش و مشرکان نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱، ۳۱۹) و در سال دوم هجری اولین فرمان جهاد از سوی خداوند صادر گردید، (بقره، ۲۱۶؛ مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۲۲۴-۲۲۵) چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تشریح اصل جهاد و متعارف شدن جهاد نظامی، از عنوان جهاد برای سایر عرصه‌های مبارزه، از جمله «مبارزه با نفس» استفاده فرمود. (کلینی، ۱۳۶۷، ۱۲/۵) جهاد با نفس بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در ادبیات اسلامی رواج یافت و از جمله در بیانات امیرمؤمنان علی علیه السلام استفاده شد. (رک: نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰ (۳۳۷))

بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز جهاد به لحاظ قوت و ضعف مسلمانان، فراز و نشیب و ادوار مختلفی را طی نموده است. علی‌رغم اینکه در میان عامه‌ی مسلمانان، جهاد به‌عنوان دستوری پایدار حتی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله تلقی میشد، (نجفی، ۱۳۶۶، ۸/۲۱-۱۰) اما در میان فرقه‌های اسلامی، بر اساس خاستگاه فکری - عقیدتی دارای احکامی متفاوت بوده است. برخی گروه‌های منتسب به اسلام مانند «قادیانیه»، قائل به نسخ حکم جهاد شدند؛ (زحلی، ۱۳۸۹، ۹۴؛ نجار، ۱۴۲۴، ۲۳۴) ولی در برخی فرقه‌های اسلامی مانند «زیدیه»، جهاد (و امر به معروف و نهی از منکر) از اصول دین شمرده شده است. (رسی، ۱۴۲۱، ۲۴/۱) نظر مشهور میان فقهای شیعه‌ی امامیه، اشتراط جهاد ابتدایی به اذن امام معصوم علیه السلام بوده است؛ (سبزواری، بی تا، ۱/۳۶۸) از این رو در دوران غیبت، جهاد ابتدایی نامشروع دانسته شده است. (نجفی، ۱۳۶۶، ۱۳/۲۱؛ عراقی، ۱۴۱۴، ۴/۳۲۴) البته در عصر حاضر شهرت یاد شده به سوی تجویز جهاد ابتدایی به اذن فقیه جامع الشرائط در حال تغییر بوده است (رک: همین مقاله، جهاد نظامی (دفاعی و ابتدایی)) اما در جهاد دفاعی فرقی میان دوران حضور و غیبت معصوم نیست (نجفی، ۱۳۶۶، ۱۴/۲۱) و فقیهان، اعم از شیعه (رک: ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۲۴۶؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲۹۲/۱؛ نجفی، ۱۳۶۶، ۳/۲۱) و سنی (رک: ابن حزم اندلسی، بی تا، ۵/۳۴۱؛ نووی، بی تا، ۱۹/۲۶۲) در این باب کتب مفصلی نگاشته‌اند. علاوه بر فقه، در علوم دیگر نیز در شرایط و فواید جهاد سخن رفته است. (بحرالعلوم، ۱۴۱۵، ۶۰)

در قرون اخیر که به نوعی دوران فترت مسلمانان بوده، به تدریج بحث جهاد از متون فارسی فقه خارج شد، (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱) ولی در دوران نزدیک‌تر شاهد تغییر نگرش مسلمین در این مسئله و برجسته شدن جهاد و طرح مجدد آن در سطح جهان اسلام می‌باشیم. از جمله علت‌های این تغییر رویکرد، آن است که مسلمانان در سایه‌ی دگرگونی‌های

فکری - هویتی دنیای جدید، به بازسازی عقبه‌ی فرهنگی - عقیدتی خود پرداختند؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱) لذا در برابر تلقی ناصواب و بعضاً مغرضانه نسبت به جهاد و مسائل پیرامون آن، مباحث جدیدی به جهت تنویر افکار صورت گرفت. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۲۱۹-۲۲۹) این فعالیت‌های مصلحانه که به دمیده شدن روحیه‌ی جهادی در ملل اسلامی منجر شد، از اسباب شکل‌گیری انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱)

عواملی چون دست‌اندازی دولتهای استعماری بر سرزمینهای اسلامی و تسلط سیاسی و فرهنگی آنان، مسلمانان را واداشت تا با نگاهی عبرت‌آموز به گذشته خود و یافتن عوامل پیشرفتشان در دوران گذشته، به جهاد به‌عنوان عاملی اساسی در برون‌رفت از وضعیت موجود بنگرند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱-۲۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۵/۹/۱۳۸۸)

هر چند عصر حاضر شاهد پیدایش جریانهای تروریستی ذیل عنوان جهاد اسلامی است که متأسفانه هزینه‌ای سنگین و خسارتی عظیم را به وجهه‌ی اسلام در جهان وارد کرده است، با این حال نگرش مثبت انقلاب اسلامی به مسئله جهاد و دوری آن از افراط و تفریط، باعث شده است که در دنیای امروز جهاد را فارغ از قرائتهای خوارچ‌مآبانه و تنگ‌نظرانه معرفی کرده و روح فراگیر جهاد را در جوانب مختلف جامعه ترویج نماید؛ زیرا بعد از انقلاب اسلامی در ایران، با فرهنگ‌سازی‌ای که در امر جهاد و توجه به جوانب آن شد، انقلاب اسلامی ثابت کرد که همین روحیه‌ی جهادی چه تأثیرات مثبتی را در پیشرفت جامعه و خروج آن از انحطاط و عقب‌ماندگی میتواند داشته باشد.

جایگاه و اهمیت جهاد

اسلام جهاد را به‌عنوان یکی از واجبات مهم دین شمرده است. (جصاص، ۱۴۰۵، ۴/۳۱۴؛ حق بروسوی، بی‌تا، ۳/۵۳۸؛ خویی، ۱۴۱۰، ۱/۳۶۰) برای درک اهمیت جهاد کافی است که به ابعاد تبیین‌شده‌ی جهاد در شریعت اسلام توجه شود؛ زیرا اسلام گاه با بیاناتی تشویقی و برانگیزاننده (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۱/۷) و گاهی با تهدید در صورت ترک جهاد، (کلینی، ۱۳۶۷، ۴/۵) و نیز با بیان آثار حقوقی جهاد و توابع آن مانند لزوم آمادگی رزمی و مهیا نمودن ساز و برگ جنگی، (انفال، ۶۰) حرمت فرار از جنگ (انفال، ۱۵-۱۶) و... بر اهمیت جهاد تأکید کرده است.

جهاد / ۴۱۷

در منابع دینی جهاد دری از درهای بهشت معرفی شده که خداوند برای اولیای خاص خود گشوده است (تقی، ۱۳۹۵، ۴۷۴/۲) و مجاهدان، به عنوان رهبران اهل بهشت، شمرده شده‌اند (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۷/۱۱) و بهره‌ی مجاهد فی سبیل الله بهشت بوده و پیروزی یا شکست، در این وعده تأثیری ندارد. (توبه، ۵۲) اثر این نگاه توحیدی، قطعی بودن پاداش برای هرگونه مجاهده در هر مرحله از حرکت جامعه اسلامی می‌باشد که یأس، ناامیدی و سرخوردگی را در جامعه‌ی اسلامی از بین می‌برد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۴)

اهمیت امر جهاد در انقلاب اسلامی نیز به وضوح مورد تأکید بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۲/۲۰-۳۱۳) و اساساً زیربنای انقلاب اسلامی و مشروعیت آن در پرتو این موضوع مهم، بوده است که توسط امام خمینی ترویج و احیا شده است و تبلور این نگرش با تأکید بر شعار عمل به تکلیف (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۰/۹) در مقابل دیدگاه «عمل برای پیروزی» پرنرنگ گردیده است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۹) چنانکه ریشه‌ی تاریخی این نگاه را در رفتارهای امیرالمؤمنین علیه السلام در برخورد با معاویه و نیز قیام امام حسین علیه السلام میتوان یافت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۵-۲۰) در انقلاب اسلامی، بر اساس این آرمان، نگرش مثبت نسبت به آینده همواره مورد تأکید بوده است تا فقدان نیرو و امکانات در این راه مقدس، موجبات ضعف را فراهم نسازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۰/۴؛ ۹۵/۱۳) مجموعه اشاراتی که در انقلاب اسلامی نسبت به امر جهاد شده است، حکایت از اهمیت آن در منظومه‌ی اندیشه اسلام و انقلاب دارد، لذا جهاد در رأس امور شمرده شده است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۲/۲۰) زیرا اسلام در مقام نكوهش کسانی که زندگی در این دنیا و مظاهر آن را بر جهاد ترجیح میدهند، آنان را سخت تهدید کرده (توبه، ۲۴) و در بیان موازنه‌ی بین مسائل دنیوی و امور معنوی، جهاد را در ردیف امور معنوی بعد از حب خدا و رسول آورده است، که نشان‌دهنده آن است که تنها با جهاد، اصول حفظ میشود و ترک آن عواقب ناگواری در پی دارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۲/۲۰)

در اندیشه انقلاب اسلامی این باور وجود داشته است که جامعه‌ی اسلامی باید ضمن هوشیاری، همواره توان خود را به بالاترین حد ارتقا دهد تا علاوه بر اینکه از ناحیه دشمنان دچار غافلگیری نشود، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۹/۲۴) قدرت بازدارندگی خود را نسبت به دشمنان حفظ کرده، موجبات دلگرمی حامیان و دوستان خود را نیز فراهم آورد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

مبانی و اهداف جهاد

در تحلیل مبنا و هدف از جهاد باید این اصل اسلامی در چهارچوب اهداف کلی بعثت و نزول قرآن لحاظ گردد که از اهم این اهداف، هدایت انسانها، (بقره، ۲: آل عمران، ۴، ۱۳۸) خارج نمودن انسانها از بندگی غیر خدا (کلینی، ۱۳۶۷، ۳/۵) و نجات انسانها از یوغ خدایان زر و زور و تزویر برای هدایت و سعادت ابدی ایشان است. به عبارتی هدف اقصی، هدایت و نجات بشریت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۹) و سوق دادن انسان به ولایت الله می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۹)

بنابراین، مبناي جهاد به معنای عام آن را میتوان «باور به توحید» و «ولایت و گرایش به حق و فضیلت» دانست که دو مبناي اخیر از مبناي فطری جهاد است که غایت کلی آن رساندن انسان به تعالی معنوی و روحی می‌باشد و سایر اهداف همچون رفع ظلم، استقرار عدالت و ایجاد آزادی، همه در ذیل این مبناي اصلی تعریف می‌شود.

در راستای این هدف بزرگ، موانعی در راه تبلیغ دین و گسترش آن وجود دارد که مخل این روند و فعلیت یافتن آن است. اسلام به جهت رفع این موانع، قانون جهاد را تشریح نمود. برداشتن این موانع همان است که در منطق قرآنی از آن به عنوان رفع فتنه (بقره، ۱۹۱-۱۹۳) یاد شده و شامل مواردی است که به عنوان مورد جهاد از آن نام برده می‌شود و مبناي اساسی همین رفع فتنه می‌باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۶۱/۳: ۲۶۲/۲۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱۲-۱۱۸)

اما به لحاظ جهاد نظامی، هر چند بنا به اصل اولیه، جنگ در اسلام با توجه به آثار ویرانگر آن، امری منفی (بقره، ۲۰۵؛ مائده، ۶۴؛ حج، ۴۰) قلمداد می‌شود (مطهری، مجموعه آثار، ۶۳۱/۳) ولی باید توجه داشت که جهاد به عنوان چاره‌ی نهایی و مرحله‌ی آخر در پیشبرد هدف اسلامی شمرده شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۹/۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱، ۵۹-۶۰، ۷۸) و ضرورت‌های حیات انسانی و جلوگیری از پایمال شدن ارزشها (حج، ۴۰) مقتضی جهاد است؛ گرچه این جنگ در قالب جهاد ابتدایی باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۲۵-۲۲۶)

پس جهاد برای هدایت و نجات انسانها از آتش است، نه کشور گشایی و جهان‌گیری. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۴/۱۱) جهاد برای مقابله با فتنه‌ای است که موجب سلب امنیت و ایجاد موانع در راه تبلیغ دین می‌گردد و تا رفع کامل فتنه‌انگیزی در مقابل دین الهی و گسترش

آن، جهاد ادامه دارد. این رویکرد برخاسته از رحمت عامه‌ی الهی نسبت به جامعه بشری است تا بدین وسیله موانع راه خیر و سعادت جمعی بشر را از میان بردارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۷/۱۶) برخی بزرگان انقلاب اسلامی بر این باورند که جهاد ابتدایی در حقیقت، خود جنگ دفاعی شمرده می‌شود (مطهری، مجموعه آثار، ۲۲۶/۲۰) چرا که معتقدند توحید جزء حقوق عمومی انسانهاست، پس جنگیدن به خاطر توحید مشروع است، چون دفاع از حق انسانیت بوده و همانند جنگیدن برای آزادی ملتی دیگر است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴۶/۲۰)

دفاع مختص به دفاع از خود و سرزمین خود و مانند آن نبوده، بلکه بر اساس مقتضای فطرت و عقل، دفاع از مسائلی چون انسانیت، توحید و مانند آن را که مختص کسی یا جایی نبوده شامل می‌شود. این امور که حقایقی بس ارزشمند برای انسانها محسوب می‌شود، مخاطره برای آن نه تنها دفاع را به عنوان «حق» مشروع می‌سازد بلکه دفاع از آن را نسبت به دفاع از امور فردی به مراتب مقدس‌تر و لازم‌تر می‌سازد.

بدین ترتیب میتوان اهداف دیگری را هم که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، از جمله یاری رساندن مظلومان و دفاع از مستضعفان (نساء، ۷۵) در همین راستا تبیین کرد. از این دریچه تشریح جهاد نه تنها با نظام ارزشی اسلام سازگار است، بلکه موافق با فطرت انسانی نیز شمرده می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ۱۴۳-۱۴۴؛ سبحانی، ۱۴۲۵، ۱۴۰/۲)

انواع و قلمرو جهاد

گستره‌ی مفهومی جهاد شامل جهاد نظامی و غیر آن می‌شود، (رک: ابتدای مقاله، مفهوم‌شناسی جهاد) چنانچه عموم ائمه علیهم‌السلام به عنوان کسانی خطاب شده‌اند که حق جهاد را اداء کرده‌اند؛ (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۲/۲) حال آنکه اکثر ائمه علیهم‌السلام در جهاد نظامی شرکت نکرده بودند؛ لذا مجاهدتهای سیاسی و تلاشهای علمی و عملی ائمه علیهم‌السلام در مواجهه با دشمنان اسلام، جهاد شمرده شده است؛ از این رو قلمرو جهاد، تعمیم یافته و مبارزه با نفس اماره و دفع هر موجود شروری مانند شیطان که به دنبال گمراهی انسان است را نیز شامل می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴۱۱/۱۴) از این روی جهاد صرفاً به معنی جنگ و نبرد مسلحانه نیست و شامل هر نوع تلاش و کوششی در قالب مبارزه برای پیشبرد اهداف مقدس الهی در مقابل دشمنان

میشود، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۲۰) بنابراین با عنایت به این معنای گسترده از جهاد، مبارزه در راستای از بین بردن جهالت، فقر و... را نیز میتوان جهاد نامید.

در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی بر اساس همین وسعت، دایره‌ی جهاد، پهنای فعالیت‌های جهادی؛ اعم از نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... بوده و تلاش و آمادگی برای حفظ استقلال در همه‌ی زمینه‌ها، لازمه‌ی دفاع حداکثری از ممالک اسلامی بوده و این فعالیت‌ها جهاد شمرده شده است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۹/۶؛ ۴۲۴/۱۱-۴۲۵) که با توجه به رویکرد سلطه‌گرانه دشمنان، و تعارض منافع آنان با پیشرفت انقلاب اسلامی، لازم است که انقلاب اسلامی با آنان مقابله نماید؛ لذا راهبرد اساسی انقلاب نیز حفظ حالت تدافعی و لوازم آن نسبت به دشمنان تعیین شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۹/۱۲-۲۴۰) با این گستره مفهومی، جهاد محدود به زمان خاصی نیست بلکه همواره تداوم دارد.

رویکرد کلی انقلاب اسلامی در تأکید بر جهاد، هدایت ظرفیتهای جامعه از بعد علمی- عملی و تقویت این ظرفیتهای در راستای فعلیت یافتن آن و نهایتاً رسیدن جامعه به کمال مطلوب در همه‌ی ابعاد بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۸) با توجه به این رویکرد عام، مفهوم مقدس جهاد را که عمدتاً در ذهن عموم مردم و خواص از آنها، در قالب پیکار با کفار به صورت قتال بود، خارج کرده و به آن جانی تازه بخشید و سبب احیای معانی اصیلی گردید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

با توجه به متعلقات جهاد و موارد آن میتوان اقسام را چنین نام برد که متعلق جهاد، یا نفس است یا غیر آن، در صورت اول، جهاد اکبر (جهاد با نفس) خواهد بود و در صورت دوم، جهاد اصغر میباشد. در فرض اخیر یا متعلق آن نبرد مسلحانه و پیکار نظامی است که همان جهاد نظامی است که بارزترین مصداق جهاد است و یا غیر آن میباشد که شامل عرصه‌های دیگر جهاد مانند جهاد علمی، اقتصادی و... میشود؛ لذا در ادامه‌ی مقاله، غیر از جهاد اکبر، دیگر موارد، در ذیل قلمرو جهاد اصغر قرار میگیرد.

جهاد اکبر و جهاد اصغر

قرآن کریم در برخی آیات (شمس، ۹) بعد از قسمهای متعدد، کسی را «رستگار» دانسته که

جهاد / ۴۲۱

نفس خود را تهذیب کرده باشد. روایات اسلامی نیز که جهاد با نفس و خواهشهای آن را به عنوان «جهاد اکبر» یاد کرده، آن را بزرگتر از جهاد نظامی دانسته است. (اشعث کوفی، بی تا، ۷۸)

جهاد با نفس در عبارتی دقیق، خارج شدن از تصرف و تسلط نیروهای شیطانی و ورود در سیطره نیروهای الهی است. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۶۱)

علاوه بر این، اهمیت این نوع از جهاد در این است که جهاد با دشمنان بیرونی نیز بدون کنار زدن موانع درونی، متحقق نمیشود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴) عظیم تر بودن این مبارزه‌ی درونی از جهاد نظامی از این رو است که زمینه ساز و مقدمه جهاد اصغر میباشد و کسی که در این جهاد دچار ضعف باشد قوت مبارزه و استقامت در مقابل دشمن خارجی را نخواهد داشت، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۸-۳۰۱) در نگاهی عمیق تر میتوان چنین گفت که میان منافع شخصی یعنی حفظ حیات با مصلحت اجتماعی که در جهاد اصغر نهفته است، دائماً تعارض وجود دارد؛ چرا که گذشتن از حب ذات بسیار دشوار است پس جهاد اصغر منوط به جهاد اکبر است. (صدر، ۱۴۲۳، ۷۷۱؛ - اخلاق) با توجه به اینکه روش انبیا در اصلاحات اجتماعی مبتنی بر همین دو جهاد بوده است (صدر، ۱۴۲۱، ۱۵۰-۱۵۱) پیامبر ﷺ توانست در خط مواجهه با ظلم و طغیان، ثروتمند را در کنار فقیر بنشاناند (صدر، ۱۴۲۱، ۳۴) و با این استراتژی جامعه‌ی جاهلی را به جامعه پیشرو و عزتمند تبدیل کند.

رذایل فردی موجب تضعیف روحیه، برای جهاد اکبر میگردد؛ از این رو آسیب شناسی این جبهه کاری بس مهم است، این خطر هنگامی مضاعف میشود که تدریجاً به بیماری اخلاقی جامعه تبدیل شود که خود مقدمه‌ی سقوط نظام ارزشی خواهد بود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۶) از این رو جامعه اسلامی همواره باید مترصد نشانه‌ها و آشکار شدن علایم آن باشد تا نسبت به بروز آفاتی که در نیروهای خودی ممکن است بروز کند، غافلگیر نشود؛ زیرا اسباب پیدایش آن زیاد است، مانند غلبه احساسات نفسانی یا تأثیر جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آنها. باید در نظر داشت که خطر اضمحلال درونی جامعه از خطر حمله‌ی دشمن خارجی بسی بیشتر است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۶) و گرنه جامعه‌ای که به تعبیر قرآن، صفت «چسبیدن به زمین» (اعراف، ۱۷۶) و علایق حیوانی و تن‌آسایی در آن شدت یابد، آینده‌ای جز شکست و پستی در میادین جهاد نخواهد داشت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۱۷)

در انقلاب اسلامی این دغدغه وجود داشته که غفلت از این جهاد مقدس، زمینه‌های شکست جبهه‌ی انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند، امام خمینی علیه السلام در اشاره به اسبابی که می‌تواند به شکست روحانیت بینجامد، روی‌گردانی از زوایای طلبگی و روی آوردن به مادیات و امیال نفسانی را از آن جمله دانسته‌اند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸-۱۲/۱۸) چنانکه تاریخ انقلاب اسلامی شاهد ریزش نیروهای انقلابی بخاطر رخنه هواهای نفسانی مانند حسادت و توجه به امور مادی چون پست و مقام می‌باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۶) و این به خاطر روی‌گردانی از تهذیب نفس و جهاد اکبر است و تهذیب نفس در گرو عمل به سجایای اخلاقی و طی کردن مراتب معنویت است. (← معنویت، اخلاق)

جهاد نظامی (دفاعی و ابتدایی)

جهاد نظامی، به جهاد ابتدایی و دفاعی، تقسیم شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۵/۱۴؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۶۶۴/۲) در جهاد ابتدایی نبرد مسلمانان با سران کفر و شرک برای دعوت غیر مسلمان به اسلام و رفع موانع یکتاپرستی و عدالت است؛ (منتظری، ۱۴۰۸، ۱۱۵/۱) در حالی که در جهاد دفاعی نبرد با متجاوزان و مهاجمان برای دفاع از حوزه اسلام و سرزمینهای آن و حفظ جان، اموال و حیثیت مسلمانان است. (نجفی، ۱۳۶۶، ۱۴/۲۱؛ منتظری، ۱۴۰۸، ۱۱۵/۱) البته هر یک از این دو قسم دارای احکام و شرایط خاصی است. شرایط وجوب جهاد ابتدایی تا آنه شرط ذکر شده است (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲۹۳/۱؛ نجفی، ۱۳۶۶، ۵/۲۱؛ خویی، ۱۴۱۰، ۳۶۲/۱، ۳۶۶-۳۶۷) که مهمترین و بحث برانگیزترین آنها «اذن امام» است؛ یعنی آیا دعوت (اذن) به جهاد، منحصر در شخص امام و نائب خاص اوست یا فقیه جامع‌الشرایط نیز در زمان غیبت می‌تواند عهده‌دار این امر شود؟ بر اساس فتوای مشهور که برخی آن را اجماعی دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۸، ۱۴-۱۳/۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ۱۱/۲۱) دعوت امام موضوعیت دارد و در صورت نبود امام، جهاد مشروع نخواهد بود؛ (طباطبائی، ۱۴۱۸، ۱۳/۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ۱۳/۲۱) گرچه این شرط در سده‌های اخیر مورد تردید قرار گرفته است (رک: سبزواری، بی‌تا، ۳۶۸/۱؛ نجفی، ۱۳۶۶، ۱۴/۲۱) به طوری که در مشروعیت جهاد، اذن فقیه جامع‌الشرایط تقویت شده و قائلان به نظریه اخیر رو به افزایش بوده‌اند؛ (رک: خویی، ۱۴۱۰، ۳۶۵/۱؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۳۴/۱۳) در این میان امام خمینی علیه السلام با اینکه فقهای جامع‌الشرایط را در

جهاد / ۴۲۳

عصر غیبت، نائب امام علیه السلام در تکفل تمام امور سیاسی مسلمانان دانسته، (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۶۲۴-۶۲۶/۲) اما ولایت بر اعلان جهاد ابتدایی را استثنا کرده و طبق نظر مشهور فتوا داده است؛ (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۷) هرچند در مباحث استدلالی خود، قول مشهور را قابل مناقشه دانسته است، (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۶۶۴/۲) که از ظاهر آن، کفایت اذن فقیه استفاده میشود. آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه نیز به جواز جهاد ابتدایی با حکم ولی امر فتوا داده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۲۷) برخی از فقیهان قائل شده‌اند که دایره وجوب دفاع صرفاً در حد به مخاطره افتادن دین اسلام است؛ لذا اگر استیلاء کفار بر بلاد اسلامی، ضرر به اسلامیت نزند، دفاع را واجب ندانسته‌اند؛ (نجفی، ۱۳۶۶، ۴۷/۲۱، سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۱۲/۱۵) ولی تأمل در عبارات فقهای گذشته و دوره‌های بعد می‌فهماند چنین فتوایی را صحیح نمی‌دانسته‌اند؛ از این رو برخی از فقها محدوده‌ی دفاع را جامعه اسلامی یا حوزه اسلام دانسته‌اند که ظهور در سرزمین اسلامی دارد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۴/۲؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۸) و برخی دیگر نیز سرزمین و بلاد اسلامی را موضوع وجوب دفاع شمرده‌اند. (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۲۴۶؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۲۸۸/۴) از مصادیق بارزی که در عصر حاضر، بر لزوم جهاد دفاعی آن تأکید شده، قضیه فلسطین است، (رک: ورعی، ۱۴۲۴، ۱۵۹) که موضع انقلاب اسلامی نیز در تأیید این دفاع واضح است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۸/۱۲؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۹/۱۳) چنانکه در مسئله اشغال افغانستان و تأکید بر دفاع از آن (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۷/۲۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۱۱) و دفاع از بوسنی و هرزگوین این امر وجود داشته است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۴) در اندیشه انقلاب اسلامی دایره‌ی دفاع فراتر از حمله‌ی نظامی دشمنان به سرزمینهای اسلامی است. در حقیقت حساسیت و نقطه اصلی حالت تدافعی نسبت به اقداماتی است که وابستگی سیاسی، اقتصادی و مانند آن را بدنبال داشته و نهایتاً به ضعف اسلام و مسلمین ختم شود. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۸-۳۷۹) ابزار دفاعی نیز به تناسب جبهه تهاجمی دشمنان تنظیم گشته و چنین نیست که مختص به آلات نظامی باشد؛ بلکه در حوزه دفاع، ابزار سلبی نیز مطرح میشود؛ مانند تحریم کالاهای تولیدی دشمنان و ترک معامله با آنان، که داخل در این جبهه است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۹) امام خمینی رحمته الله علیه حتی معاملات تجاری را که زمینه‌ساز سیطره‌ی معنوی (نه فیزیکی) استعمار بر ممالک اسلامی میشود ممنوع میدانستند، (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۹) پیامد چنین روابطی تنها

در حوزه حکم تکلیفی نیست؛ بلکه به لحاظ حکم وضعی نیز موجب بطلان قراردادهای منعقد شده می‌گردد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۹)

شباهت مستشرقین درباره‌ی جهاد. یکی از مهمترین نقاطی که مستشرقان بر آن تمرکز کرده و به شباهت پیرامون آن دامن زده‌اند، مسئله‌ی جهاد است. (زحیلی، ۱۳۸۹، ۲۱) به اعتقاد برخی صاحب‌نظران این رویکرد مستشرقان در تحقیق مسائل اسلامی دارای خلل‌های روشی بوده (مرصعی، بی‌تا، ۹) که از مهمترین آنها، دخالت دادن برخی پیش‌فرض‌ها است؛ لذا جهت‌گیری آنان در راستای اثبات غیر الهی بودن دعوت پیامبر ﷺ بوده است. (نفسی، ۱۳۷۹، ۶۰-۶۱) از این رو در تحلیل عوامل گسترش اعجاب‌انگیز اسلام با پررنگ کردن عواملی خارجی، درصدد استناد این امر به پدیده‌هایی غیر از مقبولیت حقیقت اسلام بوده‌اند، (عطاء، ۱۴۰۵، ۸۵) از سوی دیگر، مواجهه‌ی برخی محققان مسلمان با این اشکال‌ها دارای آسیب‌هایی بوده، چنانکه برخی از روشنفکران غرب‌گرا رویه‌ای منفعلانه در پیش گرفته و در قالب تفسیرهایی انحرافی از قبیل منحصر بودن حکم جهاد به زمان پیامبر ﷺ و ریاضت نفسانی دانستن اصل جهاد یا خارجی قلمداد کردن جهاد از متن دین، در صدد پاک کردن صورت مسئله برآمده‌اند. (الهی، بی‌تا، ۲۰۵-۲۰۶) رویکرد انقلاب اسلامی تأکید بر نفی این انفعال، و بیان واقعیت جهاد اسلامی و مذمت وادادگی در مقابل این اشکالها بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱/۱؛ ۱۳۸۹/۳/۱۴)

اساس جهاد ابتدایی بر دعوت به اسلام و یکتاپرستی بوده، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵) بدون آن که هدف مستقیم و مباشر آن، مسلمان کردن اجباری باشد. آنچه در تشریح جهاد مهم است حاکمیت دین بوده است و گرایش به اسلام به‌عنوان افق و چشم‌اندازی مهم مورد توجه قانون‌گذار بوده است؛ (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۶۸/۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ۱۵۳) به عبارتی هدف در جهاد ابتدایی، از میان برداشتن موانع پیشرفت دین و تبلیغ آن بوده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۲۶۲) خداوند در قرآن کریم (بقره، ۲۵۶) اکراه در دین را نفی کرده (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۳۴۲/۲) و از اینکه پیامبر ﷺ مردم را به‌طور قهرآمیز به اسلام در آورد برحذر داشته است؛ (یونس، ۹۹) لذا اسلام از چنین اتهاماتی مبرا است. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۱۷؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۹۳/۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۲۷) علاوه بر این، اساس گسترش امور اعتقادی، با زور امکان‌پذیر نیست (آیت‌الله خامنه‌ای،

جهاد / ۴۲۵

۱/۱۷۶/۱۳۷۶) و در قرآن حتی یک آیه وجود ندارد که به اجبار در تغییر دین دعوت کند. (آرنولد، ۱۳۵۸، ۳۲۱) شاهد این مدعا، اقرار برخی مستشرقان درخصوص مسئله‌ی گسترش اسلام است که براساس آن، نه تنها اکراهی در اسلام ساکنان صورت نگرفته، بلکه شواهد نشان می‌دهد حتی کفاری که در برخی برهه‌های تاریخی بر مسلمانان پیروز شده‌اند؛ مانند ترکان سلجوقی (قرن ۱۱م) و مغولان (قرن ۱۳م) آیین دشمنان شکست خورده‌ی خود یعنی اسلام را پذیرا شده‌اند. (آرنولد، ۱۳۵۸، ۲)

اشکالی نیز به این صورت مطرح شده که اصل دین موافق صلح است؛ نه تشریح جنگ و جهاد، ولی آنچه که فطرت سلیم به وضوح آن را درک می‌کند، حسن دفع تجاوز است و چون دین اسلام دینی جامع و خاتم بوده و براساس فطرت انسانی می‌باشد از این رو نمیتواند نسبت به این امر مهم بی تفاوت باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۲۲۸) البته گویا مستشرقان در مقابل رفتاری که در میان ابناء مسیحیت و دولتهایشان رخ داده و در تاریخ نیز ثبت شده، خود را به فراموشی زده‌اند؛ جنگهایی که میزان خشونت آن بسیار فراتر از تلفاتی است که در جنگهای اسلامی مطرح بوده است؛ مانند بی‌گناهایی که در جنگهای مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها کشته شدند (معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ۶۰-۶۱) و یا جنگهایی که در دوره‌ی مدرن به راه انداختند و میلیون‌ها انسان را با سلاح‌های کشتار جمعی و غیر آن نابود کرده و بسیاری را گرفتار امراض جسمی و روحی کردند. (معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ۶۱)

جهاد سیاسی

یکی دیگر از اقسام جهاد اسلامی، جهاد سیاسی است که در منابع اسلامی بر آن تأکید شده است. منظور از این جهاد مبارزه سیاسی هدف دار در راستای ایجاد حکومت اسلامی است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۵/۱۸) به عبارتی لازمه تحقق حکومت اسلامی، جهاد سیاسی در جهت رفع موانع است. چنانکه مبارزه‌ی سیاسی عالمان در برابر ظالمان و کوتاه نیامدن در برابر ظلم آنان، به عنوان عهدی معرفی شده که خداوند تعالی از عالمان گرفته است. (بهج البلاغه، خطبه ۳ (۵۰)) امام حسین علیه السلام در تبیین اهداف قیام خود، به اصلاح امرامت (مجلسی، ۱۴۰۳،

(۳۲۹/۴۴) و سکوت نمودن در مقابل ستمهای سلطان جائز اشاره میکند، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸۲/۴۴) از این رو جهاد سیاسی دارای پشتوانه‌ای غنی در فرهنگ اسلامی است. این بعد از جهاد در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام در مدت حضور ایشان پیوسته وجود داشته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۱/۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۵/۱۸) آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام در تحلیلی تاریخی، مبارزه‌ی سیاسی حاد را در همه‌ی برهه‌های زندگی ائمه علیهم‌السلام در طول این دو بیست و پنج سال حضور، به عنوان خطی ممتد دانسته‌اند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۵/۱۸) گرچه بر اساس مقتضیات و تعقیب اهداف کوتاه، متوسط و یا بلندمدت، نوع رویکرد ائمه به ظاهر متفاوت بوده است، اما در تمام این دوران این خط ممتد، یعنی زمینه‌سازی جهت تشکیل حکومت اسلامی دنبال شده است به طوری که سایر تلاشها و مجاهدتهای ایشان در پرتو آن هدف تعقیب میشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۵/۱۸) مصادیق متعددی از جهاد سیاسی را میتوان نام برد که انقلاب اسلامی نقش بارزی در احیای آن داشته است مانند مبارزه با طاغوت و اقامه حکومت اسلامی. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۷/۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۱۴) جهاد سیاسی در مبارزه‌ای که امام خمینی رحمته‌الله علیه از سال ۱۳۴۱ آغاز کرد اهمیت ویژه‌ای داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بحث صدور انقلاب اسلامی به عنوان راه حلی برای نجات ملل اسلامی دیگر مطرح بوده است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۱۰-۱۸۱) که در حقیقت، انقلاب اسلامی به عنوان الگویی در زمینه‌ی جهاد سیاسی، برای سایر مسلمانان مطرح گردید. مراسم براءت از مشرکین در حج، یکی از این موارد بوده است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰۱-۷۴/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۱۴) تا فرمان الهی را در ابراز براءت از شرک و بت پرستی (توبه، ۳) به عنوان سنتی کهنه‌ناشدنی بکار بسته، (انعام، ۱۹) براءت از شرک (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۴/۲۱-۱۰۱) را با ابراز براءت از بت‌های جهان امروز یعنی حاکمیت طاغوتی و قدرتهای استکباری و الحاد احیا نماید. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ۴۴۷/۱۱) این نگرش رهیافتی بر اساس توجه به عمق پیام حج و ملاحظه‌ی فلسفه وجودی آن بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۴/۲۰-۳۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۱۴) تا با حسن استفاده از اجتماع میلیونی مسلمانان جهان در شهر مقدس مکه به تنویر افکار آنان و آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام پردازد. (امام خمینی، صحیفه امام،

جهاد / ۴۲۷

مصادیق دیگر جهاد سیاسی اعلام آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۷/۹) که روز آزمایش بزرگ الهی و حرکت عظیم ضد استکباری است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۹) افق این حرکت با گسترش یافتن آن، انزوای رژیم غاصب صهیونیستی و جان‌گرفتن مبارزان فلسطینی در آزادسازی وطن خود می‌باشد. موارد دیگری از جهاد سیاسی نیز وجود دارد که به نوبه‌ی خود جایگاه ویژه‌ای دارند؛ مانند احیاء نماز جمعه، حضور مردم در صحنه‌های سرنوشت‌ساز سیاسی، از قبیل انتخابات (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۶/۳/۳) و یا مبارزه با فساد و ...

جهاد اقتصادی

در قرآن کریم علاوه بر جهاد نظامی، از جهاد مالی نیز یاد شده است که در راستای حمایت از مجاهدان تشریح شده است. (نساء، ۹۵؛ انفال، ۷۲؛ توبه، ۲۰، ۴۴، ۸۱، ۸۸؛ حجرات، ۱۵) در کنار هم قرار دادن جهاد مالی با جهاد نظامی در مواضع متعدد از اهمیت جهاد مالی در اسلام حکایت دارد، (احمدی، ۱۳۹۱، ۴۴) همچنین آیه‌ی ۶۰ سوره انفال که به بالا بردن استعداد و توانایی در مقابل دشمن امر کرده: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» یکی از مصادیق آن تلاش در جهت بالا بردن قدرت اقتصادی است. (احمدی، ۱۳۹۱، ۴۸) می‌ادین جهاد اقتصادی گسترده بوده و به‌طور کلان شامل سه عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف می‌باشد (مهدی‌پور، ۱۳۹۰، ۸) و قالب آن نیز به صورت فردی و جمعی است. جهاد اقتصادی از نوع اجتماعی چنان است که افراد جامعه برای ارتقای قدرت اقتصادی و شئون آن تلاش نمایند. در احادیث نیز، شخصی که در جهت معیشت خانواده خود تلاش میکند همانند مجاهد دانسته شده است؛ (کلینی، ۱۳۶۷، ۸۸/۵) چنانکه ائمه علیهم‌السلام نیز بر تلاشهای اقتصادی و دوری از تنبلی تأکید فرموده‌اند. (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۵۷/۳)

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هدف و ارزش اصیل در اسلام، نجات انسان است، نه لذت طلبی و اهداف صرفاً حیوانی؛ از این رو سایر امور و تکالیف اجتماعی مانند استقرار عدالت، ایجاد حکومت حق و... مقدمه‌ی تحقق این هدف اصیل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰) طبیعی است که جبهه‌ی الهی در راستای تحقق اهداف خود

راهی جز جهاد اقتصادی برای تقویت پایه‌های اقتصادی و برداشتن موانع، ندارد. پس سیادت اقتصادی - سیاسی و تحصیل ثروت و عزت که لازمه‌ی پیشبرد اهداف جامعه‌ی الهی است، جز در گرو مجاهدت و تلاش حاصل نمیشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸) انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر عار دانستن بیکاری، گناه بزرگ حکام فاسد را بیگانه نگه داشتن مردم از روحیه‌ی کار و تلاش و فداکاری دانسته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹) و افتخار بزرگ خود را سعی در احیای این روحیه و تفهیم این مطلب به مردم دانسته که راه پیشرفت از میان مجاهدتها و نرسیدن از مشکلات در راه تعالی و استقلال میگذرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹) با این مقدمه میتوان گفت جهاد اقتصادی حرکتی مستمر، همه‌جانبه و هدفدار در جهت عقیم نمودن تلاشهای دشمنان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۶) جدای از امور بایسته در جهاد مانند انجام کار برای خدا، جدیت در انجام وظیفه و روحیه خستگی‌ناپذیر داشتن، دورویکرد در جهاد اقتصادی، بلکه در همه جهادها باید مد نظر باشد:

اول. گفتمان‌سازی برای عمومی‌سازی این جهاد و عمق‌بخشی به آن در میان بدنه‌ی جامعه، تا علاوه بر تبیین وظیفه‌ی عمومی، برای افراد جامعه مشوق‌های لازم اندیشیده شود و ال‌بستر لازم برای جهاد اقتصادی مهیا نخواهد گردید. در این زمینه میتوان به مواردی چند از فعالیتهایی که در انقلاب اسلامی صورت گرفته اشاره کرد؛ توصیه‌ی آکید به رونق‌بخشی تولید داخل با استفاده از کالاهای ساخت داخل کشور، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۷) تأکید بر «رعایت الگوی مصرف» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۱) و پرهیز از اسراف و تبذیر در استفاده از منابع و انرژی. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۱) از جمله سیاستهای انقلاب اسلامی در سالیان اخیر، توجه به نهضت تولید علم است که در آن بر تشویق افراد و گروه‌ها بر استفاده‌ی بهتر از توان نرم یا سخت‌افزاری با هدف بازدهی اقتصادی و پرکردن خلأها تأکید شده است، که نماد آن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۲/۸/۱۲)

دوم. مسئله دشمن‌شناسی است که به‌طور کلان باید ملاحظه گردد؛ زیرا شناخت دشمن و استراتژی و تاکتیکهای وی از اهم راهبردها در فرهنگ جهادی است. در جهاد اقتصادی نیز باید فکر دشمن و روش او شناسایی شود. در باور آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام هدف عمده‌ی دشمنان در جنگ اقتصادی، فلج کردن نظام از نظر اقتصادی و ناامید کردن مردم

از نظام است تا میان مردم و نظام شکاف ایجاد شود و این شکاف تعمیق گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۸) دشمن این هدف را از طریق بازداشتن کشور از پیشرفت شتابنده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱) به واسطه‌ی اخلال در اجرای سیاستهای متضمن پویایی اقتصادی و برنامه‌ریزی برای فشار اقتصادی دنبال کرده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) و از حربه‌هایی چون تحریمها، سوءاستفاده از وابستگیها، انحصارات بین‌المللی، ایجاد محدودیت‌های دسترسی به دانش و فنون مورد نیاز و ابزارهای ضروری و تمهید جهت گسترش فقر و فساد و ناامیدی هر چه بیشتر، کمک میگیرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۶)

بنابراین به مسئولین نظام اسلامی توصیه شده که با حفظ اتحاد و احساس برادری و پرهیز از کارهای صوری و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای، بسترهای لازم جهاد اقتصادی را با راهبرد تکیه به نیروی ذاتی و جذب و پرورش نیروی انسانی توانمند برای حرکت جهشی فراهم سازند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱؛ ۱۳۹۰/۱/۸) این مدل در چهارچوب شناخت نیازهای جامعه از یک سو و شناخت طرح‌ها و توطئه‌های دشمن از سوی دیگر طراحی میشود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۱) تا با تجهیز به سلاح‌های متناسب، فعالیت آفندی- پدافندی متوازی با تحرکات دشمن ایجاد شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۵/۲۶) رکن اساسی اقتصاد مقاوم بودن آن است، اقتصاد باید بتواند در مقابل توطئه‌های دشمن مقاومت کند؛ در این راستا باید از همه ظرفیتهای بخش خصوصی استفاده شود. یکی از ارکان چنین اقتصادی تکیه بر مردم است و ارکان دیگر آن عبارت است از حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی و مدیریت مصرف. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱/۱)

از جمله اقدامات انقلاب اسلامی در تزریق روحیه‌ی جهادی، باید به تأسیس نهادهایی چون جهاد سازندگی، جهاد خودکفایی و... اشاره کرد که با مجموعه‌ی کارهای ترویجی در قالب‌های صنعتی، عمرانی و اقتصادی روند استقلال و خودباوری اقتصادی را تسریع کردند. طرح سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» و تأکید آن از سوی آیت‌الله خامنه‌ای (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۷/۲۲؛ ۱۳۹۵/۱/۲۴) صورت تکامل یافته‌ی جهاد اقتصادی است که حاوی گفتمان انقلاب اسلامی در این عرصه است.

جهاد علمی- فرهنگی

جهاد علمی- فرهنگی از مصادیق بارز مفهوم عام جهاد است. با توجه به آیه ۵۲ سوره فرقان «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» که در آن به جهاد بزرگ امر شده و نیز با عنایت به مدنی بودن جهاد نظامی و مکی بودن این آیه، جهاد نظامی نمیتواند مراد این آیه باشد؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲۲/۱۵) لذا برخی مفسران «جهاد کبیر» را به جهاد علمی فکری (و یا اعم از آن) تفسیر کرده (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷؛ حقی بروسوی، بی تا، ۲۲۷/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲۲/۱۵) و دفع شبهات از جانب متکلمان را از مهمترین مصادیق جهاد، شمرده اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷) به نظر برخی دیگر از مفسران، مراد از جهاد کبیر، عدم اطاعت از کافران و التزام به ارزشها و احکام اسلامی در برابر فشار دشمنان و تلاش آنان برای نفوذ در شئون جامعه اسلامی است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۵/۳/۲۰)

مأموریت پیامبر ﷺ در مقابل دشمنان، در پیش گرفتن «رفتار نرم» (نخل، ۱۲۵) و نیز مبارزه‌ی فرهنگی بوده که از سنخ جهاد فرهنگی است. (اکبری، ۱۳۹۰، ۵۴) در اهمیت این جهاد این نکته کافی است که اگر پشتوانه‌ی جهاد فرهنگی نبود، هرگز مجاهدان در مقابل دشمنان ایستادگی نمی‌کردند و زحمات ایشان در عرصه‌ی نظامی نیز هدر می‌رفت. شاهد این مدعا سقوط اندلس به دست مسیحیان است که در نتیجه‌ی ضعف مسلمانان در جبهه‌ی جهاد فرهنگی رخ داد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱) از این رو در حدیث نبوی ﷺ، صدای قلم عالمان از مواردی شمرده شده که حجابها را پاره میکند و به پیشگاه با عظمت الهی میرسد. (امین عاملی، بی تا «الف»، ۳۰۱/۱)

در اندیشه انقلاب اسلامی، بقای میراث عظیم اسلامی، وامدار مجاهدتهای علمی- فرهنگی مجاهدانی است که با جهاد پیوسته‌ی خود، پیام الهی مکتب را به مردمان رسانده و در این راه شهدای فراوانی چون شهید اول (۷۸۶ق) و ثانی (۹۶۵ق) را تقدیم نموده‌اند، (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۸/۱/۲۳) که این حرکت مبارک ضامن بقای اسلام و میراث عظیم آن گردیده است. انقلاب اسلامی نیز ذاتاً انقلابی فرهنگی بوده و زمینه‌های مبارزاتی آن نیز از این سنخ بوده و مبارزات مسلحانه را ضروری نمیدانست؛ (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۹/۹/۱۹؛ ۱۳۷۰/۲/۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۵، ۸۶) لذا این نوع جهاد در اندیشه انقلاب اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است.

جهاد / ۴۳۱

انقلاب اسلامی که به دنبال دگرگونی واقعی در ارکان فکری و فرهنگی جامعه‌ی طاغوت زده و نفی سلطه فرهنگی غرب بر جامعه بود، این حقیقت را از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی مد نظر قرار داد؛ از این رو در صدد نهادینه کردن جهاد فرهنگی - علمی در قالب انقلاب فرهنگی برآمد. انقلاب فرهنگی در نگاه انقلاب اسلامی امری ضروری بود؛ زیرا جبهه شیطانی در تلاش بود که ارزشهای الهی را از بین ببرد و آموزه‌های شرک و تباهی را جایگزین کند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۰/۱۷) از این رو امام خمینی علیه السلام در ابتدای پیروزی انقلاب با هدف پالایش فرهنگ و محیط‌های علمی از عناصر مخرب و زدودن آثار آن خصوصاً در متون و محیط دانشگاهی که دنباله‌روی غرب بود، اقدام به تشکیل نهاد «ستاد انقلاب فرهنگی» نمود تا با تحول در شاخه‌ی فرهنگی علمی و آموزشی کشور، آن را از انحطاط دوران شاهنشاهی رها سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۱۲-۴۳۲) این نهاد، ستاد مرکزی در سیاست‌گذاری کلان مسائل فرهنگی به شمار می‌آمد، (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۵/۹/۱۴) که موظف بود در جهادی ملی، با تهیه‌ی برنامه و طرح، موانع سعادت جامعه، همچون بی‌سوادی، عقب‌ماندگی علمی و تبعیت فرهنگی را در دو سطح عمومی (فرهنگ عمومی) و تخصصی (محیط‌های علمی) ساماندهی کند (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۵/۹/۱۴) و با پایش فرهنگ عمومی به دنبال کشف بیماری‌های فرهنگی کشور و راه علاج آن باشد و در راستای تحول دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی کشور تلاش کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۱) چشم‌انداز مهم انقلاب فرهنگی، کیفیت بخشی به خروجی‌های مراکز آموزشی کشور بود که باید به دور از وابستگی و وادادگی تربیت شوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۸/۱۲) در دهه‌ی هشتاد بحث طراحی و تدوین «مهندسی فرهنگی کشور» توسط آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مطرح شده و شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان «قراگاه اصلی»، موظف به طراحی آن شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳)

در راستای سیاست‌های انقلاب فرهنگی، باید از جهاد دانشگاهی برای تحقق این سیاستها در عرصه‌ی دانشگاه‌ها یاد کرد که ابتدا با هدف ساماندهی امور اساتید (در سال ۱۳۵۹ش) پایه‌گذاری شد و در ادامه با ترسیم افقهای بلند و اهداف عالی انقلاب اسلامی، تطور یافت تا با تعمیق فکر جهادی در بدنه‌ی علمی - فرهنگی کشور، زمینه‌ی بالندگی،

رشد و دستیابی به جهش علمی - فرهنگی را فراهم آورد و با ابتکار و ایده‌پردازی در راستای خودکفایی و برآوردن نیازهای جامعه و انقلاب اسلامی، (رحمتی، ۱۳۷۳، ۱۸۰-۱۸۶) سامان‌دهی علمی دانشجویان را با رویکرد اسلامی - انقلابی پیگیری کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱۱) در دهه‌ی اخیر نیز، شاهد تأکید ویژه رهبری انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، بر بحث تولید علم در راستای تحقق جهاد علمی بوده‌ایم. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹) تأکید ایشان بر این مسئله، به یک جریان رو به گسترش تبدیل شده و به یک گفتمان عمومی ارتقا یافت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰) در این فرآیند، تأکید بر رسیدن نخبگان کشور به مرزهای پیشرفته‌ی علوم و پیشبرد این مرزها و خروج جامعه‌ی علمی از تقلید و ترجمه صرف آثار دیگران بوده است، تا ایران به جمع اولین‌های مراکز تولید علم بپیوندد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲) و با توجه ویژه بر حل نیازهای درونی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۷/۳۰) در قالب کامل نمودن زنجیره‌ی علم، فناوری، تولید محصول و تجاری‌سازی آن سامان یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱) نتیجه‌ی این امر، تقویت اعتماد به نفس ملی، رونق اقتصادی و تولید ثروت ملی خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰) البته مواجهه‌ی این حرکت با مانع‌تراشی‌های دشمنان در تشدید تحریم‌ها علیه ایران، عاملی مهم در شکوفایی ظرفیتهای داخلی در این زمینه محسوب می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۱)

ضرورت استمرار و تقویت جهاد علمی - فرهنگی در انقلاب اسلامی بر اساس توجه به دو عامل بیرونی و درونی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

عامل بیرونی، گشوده شدن جبهه‌ی «تهاجم فرهنگی» است که به‌ویژه در سالهای پایانی جنگ و نیز بعد از آن با انسجام و تنوع ادامه یافت به طوری که موجب هشدارهای جدی نسبت به جریان تهاجم فرهنگی شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۹/۲۰) و در دهه‌ی سوم انقلاب، در تعبیر پدیده‌ی جنگ نرم دشمنان انقلاب علیه مبانی و ارزشهای فرهنگی انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفت.

استراتژی دشمن در این جنگ، تبدیل نقاط قوت و فرصتهای جامعه به نقاط ضعف و تهدید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲) با هدف تسلیم نمودن مردم بدون ابزار نظامی و اجرای خواسته‌های او بدون دردسر (اکبری، ۱۳۹۰، ۵۳-۵۴) از راه دگرگون‌نمایی واقعیات در قالب دروغ،

جهاد / ۴۳۳

شایعه و تحریف با ابزارهای پیشرفته ارتباطاتی، بدبین کردن مردم نسبت به هم و ایجاد اختلاف قومی و مذهبی و متزلزل کردن وحدت مردم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۴؛ ۱۳۸۹/۱۱/۱۹) با استفاده از عامل رسانه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۹/۱۱)

بایسته‌های این جهاد توجه به ویژگیهای جبهه‌ی فرهنگی و شناخت مؤلفه‌های پیچیده و مهم فرهنگی و فکری است. از این رو باید دانست که محیط هجوم در این جنگ عام بوده، ولی به‌طور خاص متوجه دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۴۱۰-۴۱۱)

در این جبهه‌بندی فرهنگی، تقسیم کار به حسب توانایی، استعداد و اقتضائات آن باید صورت پذیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۳) در این راستا وظیفه مجموعه‌های فرهنگی، ادبی و هنری ابلاغ و تبیین است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۱۴) ولی تمرکز باید بر روی نخبگان باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۴) دانشجویان، افسران جوان این جبهه و اساتید، فرماندهان آن می‌باشند که با تمرکز بر مسائل کلان، باید نقش خود را در پیگیری و شناسایی دشمن و اهداف وی ایفا کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۸) به‌طور کلی نیز باید درصدد ترویج امید به آینده، اقدام بر اساس فکر و تجربه، دوری از انزوای بی‌عملی و بی‌تحریکی، پرهیز از افراط و تندی و حفظ انسجام و یکپارچگی در عرصه‌ی مقابله با دشمن بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۴؛ ۱۳۸۹/۱۱/۱۹)

وظیفه رسانه‌های متعهد، مقابله با رسانه‌های دشمن است که مهمترین حربه برای سست کردن آموزه‌های دینی‌اند. این رسانه‌ها باید با بهترین الگو برنامه‌ریزی کنند و مخاطبان جوان را در اولویت قرار داده و با راهبرد تهاجمی و خروج از موضع دفاعی رسالت خود را ایفا کنند. (اکبری، ۱۳۹۰، ۵۸)

بر اساس تأکید منابع دینی (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۲۶-۴۴۵)) دشمن‌شناسی از مهمترین وظایف جامعه‌ی اسلامی خصوصاً کسانی که عهده‌دار تعلیم دیگرانند؛ مانند اساتید حوزه‌ها و دانشگاه‌ها (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲) می‌باشد. تحقق این مهم با شناخت دنیای پیرامون و احوال آن ممکن است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲) لذا در روایات، (کلینی، ۱۳۶۷، ۲۷/۱) شناخت زمانه وظیفه‌ای شمرده شده که مانع از مشتبه شدن امر بر انسانها می‌گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

۱۳۸۷/۲/۱۶) نتیجه‌ی این فرآیند، یافتن بصیرت، یعنی گم نکردن خطی که دشمن آنرا دنبال میکند و در زمین او بازی نکردن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲)

عامل درونی، عمدتاً میراث خُلقیات و آداب ناهنجاری است که در فرهنگ عمومی جامعه از دوران حاکمیت طاغوت به جامانده است، کم بودن ساعت کاری مفید در میان کارمندان، گره خوردن کارهای ارباب رجوع در مراکز اداری و سایر نقاط ضعف فرهنگ عمومی جامعه، آسیب‌هایی است که باید با رویکرد جهادی به رفع آن اقدام شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۱) همچنین با وجود تأکید اسلام بر اتقان کار، و ارزش محسوب شدن آن، (کلینی، ۱۳۶۷، ۲۶۳/۳) این ارزش در بدنه‌ی جامعه کم‌رنگ است، درحالی‌که تأثیر آن در پیشرفت ابعاد مختلف جامعه روشن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۹/۱۹) این نوع چالش‌های فرهنگی، زمینه تضعیف درونی جامعه و تحقق اهداف دشمنان را فراهم میکند. از این رو تلاش در راستای زدودن این نوع آسیب‌های فرهنگی و تحکیم ارزش‌های اسلامی و انقلابی، جهاد فرهنگی خواهد بود. البته تلاش‌هایی در علاج این آسیب‌ها و احیای ارزش‌هایی از قبیل وجدان کاری و انضباط اجتماعی صورت گرفته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۱۳؛ ۱۳۸۰/۲/۱۲) تا جایی که رهبری انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام، شعار سال ۱۳۷۳ را «وجدان کاری و انضباط اجتماعی» قرار دادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۱)

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به جهاد با سایر نگرش‌ها

با وجود همسویی متفکران معتدل اهل سنت با انقلاب اسلامی، نگاه‌ها نسبت به مسئله‌ی جهاد مختلف بوده است. در این راستا به دلیل بحران‌هایی که در زمان حاضر در منطقه‌ی غرب آسیا خصوصاً، از جانب گروه‌هایی با عنوان اسلامی پدیدار شده، مقایسه‌ای کوتاه میان دیدگاه نوسلفیان و اندیشه‌ی انقلاب اسلامی خواهیم داشت. البته نوسلفیه‌ی معاصر، خود منشعب در طیف‌ها و جریان‌ها و جریانات مختلفی مانند سلفیه‌ی جهادی «پیرو سید قطب»، سلفیه‌ی افراطی «دیوبندی» در مناطق شبه قاره هند، سلفیه اعتدالی «اخوان المسلمین» در قاره آفریقا و سلفیه‌ی «وهابی تکفیری» به ویژه در عربستان سعودی است، که این جریان به خاطر وجود خلأ فکری، خصوصاً در زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی و

حمایتهای ویژه مالی از آن، به سرعت در میان جوامع اهل سنت گسترش یافت. اساس اختلافات از لایه‌های اعتقادی- کلامی شروع شده و به مسائل فقهی- حقوقی و سایر جوانب از جمله مسائل سیاسی- اجتماعی ختم میشود. پایه‌های اعتقادی این تفکرات در نوع رویکردی است که این جریانها در مسائل کلامی ای از قبیل: «لزوم تبعیت از فهم و روش صحابه، تابعان و محدثان قرن دوم و سوم»، «مخالفت با تأویلهای کلامی- فلسفی در باب آیات و روایات»، «ایمان تام به ظواهر نصوص»؛ هر چند معنای آنها فهمیده نشود، «تقدیم نقل بر عقل» و «توسعه‌ی مفهوم شرک و کفر» (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰، ۱۶۷) و... دارند. و همچنین عناوینی چون «دارالاسلام» و «دارالکفر» مطرح است؛ به طوری که فهم رویکرد این گروه‌ها بدون توجه به تعریف این عناصر ممکن نیست. در مجموع باید گفت که پایه‌های فکری این گروه‌ها دارای صبغهی اهل حدیث بوده که در روند تاریخی خود به بازتعریف و توسعه‌ی مفاهیم فوق دست زده‌اند. این پیش‌فرض‌ها در تفسیر منابع اسلامی، این نتیجه را به دنبال داشته است که تفکر مزبور شدیداً دچار عقل‌گزینی؛ بلکه عقل‌ستیزی گردیده است (سقف، ۱۳۷۸، ۱۲۰) و این اختلافات به نوعی به مواجهه با پدیده‌های اجتماعی- سیاسی نیز کشیده شده است.

اگر در دیدگاه گذشتگان، جهاد مختص به کفار یا باغیان بوده، اما امروزه در دیدگاه اینان، جامعه اسلامی را نیز شامل شده است، زیرا هر گروهی که با آنها نباشد، حتی اگر همکیش باشد، ولی به اردوگاهشان مهاجرت نکند، مسلمان نبوده و حکم کفار را دارد، (امین عاملی، بی تا «ب»، ۹۷؛ میرزایی، ۱۳۹۲، ۱۸۱) چرا که در تعریف «دارالاسلام» بر این عقیده‌اند که منطقهی «دارالاسلام»، منطقهی ای است که قوانین اسلامی در آن حاکم باشد و الا به صرف حضور مسلمانان، از «دارالکفر» و «دارالحرب» بودن خارج نشده (رفعت، ۱۳۹۱، ۴۱-۴۲؛ رک: عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰، ۱۸۹) و مشمول حکم جهاد میشود. به لحاظ ساز و کار جهاد و قتال نیز صدور حکم تکفیر در نزد آنان مساوی با جواز هرگونه عملیات جهادی به هر شکل بوده است. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰، ۱۸۹) نتیجه‌ی طبیعی چنین تفکری رواج اشکال مختلف خشونت و اعمال تروریستی با نام جهاد میباشد.

نکته مهم دیگر در اندیشه‌ی این گروه‌ها این است که جهاد نظامی را واجب عینی

میدانند؛ (رفعت، ۱۳۹۱، ۴۲، ر.ک: عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰، ۸۲۱) از این رو جهاد به باور آنها نیازمند مجوز از کسی نیست. این رویکرد در جهان اسلام، با مشخصه‌ی جهادگرایی و تکفیرگرایی به صورت آسیمی فراگیر درآمده است.

این تفکر در تقابل کامل با اندیشه‌ی انقلاب اسلامی است و با قطع نظر از لایه‌هایی از اختلاف همچون تعریف مفاهیمی چون شرک، بدعت، عبادت و... و نیز کیفیت تعامل با کتاب و سنت، میتوان گفت که خطرناک‌ترین شاخصه در شاکل‌های فکری این گروه‌ها از منظر انقلاب اسلامی همان عقل‌ستیزی آنهاست که در سایه‌ی آن سایر امور تحت الشعاع قرار می‌گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸)

انقلاب اسلامی بر این باور است که نمیتوان علیه هیچ مسلمانی حکم تکفیر صادر کرد؛ علاوه بر اینکه جهاد علیه کفار نیز مشروط به شرایط و زمینه‌های ویژه‌ای است. هر نوع اقدام خشونت بار علیه بی‌گناهان در امر جهاد ممنوع است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) چنانکه جهاد با وجود اهمیت زیاد، فرعی از مسئله ولایت بوده و در سایه‌ی آن تعریف میشود؛ لذا هیچ‌گاه مهمتر از آن نخواهد بود؛ بنابراین قبض و بسط جهاد منوط به اذن ولایت بوده و بدون آن مشروع نمیشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۱/۲۰-۴۵۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۱۸؛ ۱۳۷۸/۱۱/۴؛ ر.ک: همین مقاله، جهاد نظامی (دفاعی و ابتدایی))

در حقیقت این تدبیر و تشخیص «ولی» واجد شرایط خاص میباشد که سمت و سو، به نوع مبارزات مردم و تلاشهای آنان میدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱) امر ولایت در زمان غیبت متبلور در ولی فقیه واجد شرایط خاص است (مقام ولایت فقیه) و چون او متولی امور عامه‌ی مسلمین، از جمله امر جهاد است، تخطی از او به هیچ وجه جایز نمیشد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۷۷-۳۷۸) از این رو اساساً در نگاه انقلاب اسلامی، جهاد امر شخصی و فردی نیست، تا هر کس، هرگونه که خواست با نام جهاد اقدام نماید. این در حالی است که گروه‌های یادشده جهاد نظامی را مانند نماز یک واجب عینی میدانند؛ لذا هر فرد و گروهی باید به هر روشی اقدام به آن نماید؛ (رفعت، ۱۳۹۱، ۴۲، ر.ک: عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰، ۸۲۱) در یک مرور اجمالی، جهاد مسلحانه از نگاه انقلاب اسلامی منوط به اذن مجتهد جامع‌الشرایط است که با توجه تام به مصالح مسلمانان در مقابله با کفار حربی و بر اساس بصیرت

و نفی خشونت (به شکل‌های مختلف آن) میتواند انجام پذیرد. به علاوه اینکه در نگاه انقلاب اسلامی - همانگونه که گذشت - جهاد به عرصه‌هایی چون جهاد اقتصادی، علمی و سیاسی نیز تعمیم داده شده است.

فرهنگ جهادی؛ ویژگیها و عناصر اساسی

بزرگ‌ترین افتخار انقلاب اسلامی، احیای روحیه جهادی بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۵/۲۹) و همین فرهنگ جهادی و روحیه‌ی جهادی است که اصل جهاد را زنده نگه میدارد. با توجه به ابعاد مختلف جهاد و اهمیت نقش آن در اسلام، بدون تحقق فرهنگ جهادی، اهداف این حکم اساسی اسلام قابل دستیابی نیست.

فرهنگ جهادی مجموعه عواملی است که در راستای جامعه‌سازی اسلامی، با ایجاد فضای پویایی و جوشش در خدمت به خلق و رفع موانع تحقق معیارهای اسلامی ایفای نقش میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲؛ ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) اهمیت این فرهنگ در این است که در پرتو آن، افق پیاده شدن جامعه اسلامی با تکیه بر عناصر معنوی به‌طور جهشی ترسیم میگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱) از این رو در انقلاب اسلامی تقویت و گسترش فرهنگ جهادی در همه عرصه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و علمی و به ویژه در عرصه مدیریتی مورد توجه قرار گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۲۵)

فرهنگ جهادی‌ای که انقلاب اسلامی از آن سخن میگوید، بر پایه‌ی عقلانیت، دوری از افراط و تفریط و همراه با معنویت در ذیل هدایت قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام میباشد. تشابه صوری این فرهنگ با عملکرد یا برخی باورهای کسانی که مدعی جهاندند، هرگز به معنی یکسان بودن آن با ارزشها و فرهنگ جهادی محسوب نمیشود؛ چرا که اینان فاقد چنین پایه‌هایی هستند. از این رو عقل‌گریزی، خشونت بی‌حد و حصر، تکفیر مسلمانان و... فارق‌های اساسی میان این دو نگرش‌اند.

انقلاب اسلامی پیوسته بر سه ویژگی اساسی در فرهنگ جهادی تأکید داشته است:

جهت‌گیری اعتقادی - عملی صحیح مبتنی بر منابع اصیل اسلامی، در عرصه اعتقادی

فرهنگ جهادی باید در مسیر استواری و ترویج و تحکیم مبانی و ارزشهای اسلام ناب

محمدی علیه السلام باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۴/۲۱) از مهمترین عناصر این مبانی، ایمان به ولایت است؛ (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۱۴) زیرا این عنصر نقش مهمی در اجرایی کردن فرهنگ جهادی دارد. به تجربه نیز ثابت شده است که این امر موجب شور و نشاطی در وجود مجاهدان شده و در میدانهای دفاع مقدس، سازندگی روستاها و بازسازی مناطق جنگ‌زده و محروم و دور افتاده، گامهای مجاهدان را مستحکم ساخته است.

باور به خدمت به مردم را میتوان در ذیل این جهت‌گیری اضافه نمود. بر همین اساس انسان در ایمان و آرمان خدمت به دیگران ذوب شده و خود را فراموش میکند و در پرتو چنین رویکردی جامعه با تقویت روحیه جهادی در خود، به رونق واقعی دست خواهد یافت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) این روحیه همان روحیه بسیج در دوران دفاع مقدس است.

از دیگر عناصر مهم این مبانی، جهاد با نفس است که جایگاهی رفیع دارد (رک: امام خمینی، بی تا «الف»، ۱۲) تا تلاشهای جهادگر دچار انحراف نگردد.

آرمان‌گرایی در جهت‌گیری مورد نظر در فرهنگ جهادی نیز مهم بوده، چون آرمان‌گرایی سازنده‌ی واقعیتها است. اساساً پیشرفت و توسعه در دنیا نیز بر همین پایه اتفاق افتاده است، لذا کنار نهادن آرمانها به بهانه‌ی واقع‌بینی نوعی انحراف در فرهنگ جهادی محسوب میشود. نتیجه آرمان‌گرایی و ایستادگی در این راه، ایجاد واقعیتهای شیرین و مطلوب است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴)

بصیرت در جهت‌گیری‌ها

نیروی جهادی باید در تحقق اهدافی چون قطع وابستگیها به قدرتها و رسیدن به خودکفایی حداکثری، همواره در مسیر درست گام نهاده و دچار اشتباه راهبردی نشود؛ زیرا در این صورت گرفتار روزمرگی یا بازی در میدان دشمن میشود و در حقیقت اهداف دشمن را برآورده خواهد ساخت. (رک: همین مقاله، آسیب‌شناسی فرهنگ جهادی)

شناخت دشمن

دشمن‌شناسی که میتوان از آن به عنوان یک راهبرد کلان نام برد، بر اساس موقعیت افراد به لحاظ اهمیت و حساسیت دچار شدت و ضعف می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲)

آسیب‌شناسی فرهنگ جهادی

جایگاه مهم جهاد در اسلام و نقش تعیین‌کننده‌ی آن، حساسیت ویژه‌ای به آن بخشیده است، از این رو ضروری است که آسیب‌شناسی دقیقی از آنچه به صورت فرهنگی جهادی توسط گروه‌های تکفیری اشاعه می‌شود، صورت پذیرد. در طول زمان، کج‌فهمی یا سوءاستفاده‌ی برخی دشمنان از این ظرفیت عظیم شریعت اسلامی، همواره آسیب‌هایی را متوجه آن کرده است؛ به طوری که به نام جهاد، اقدامات مخرب و غیر قابل جبرانی صورت گرفته است، چنانکه بنی‌امیه، با نام جهاد، برخی از مسلمانان را به جنگ با امام حسین علیه السلام کشاندند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷/۳۹-۴۰) و یا امپراتوری عثمانی، به عنوان جهاد، علیه ایران اعلام جنگ کرد. (ربیعی، ۱۳۸۶/۱۱/۴۴۵)

جهالت، بارزترین عامل اینگونه آسیبها است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵) و اقدامات خشونت‌بار با نام جهاد، علاوه بر غیر مشروع بودن (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۲۷) آسیبی جبران‌ناپذیر نسبت به اصل اسلام ایجاد میکند؛ که البته این نتیجه‌ی سیطره‌ی تحجر و دور بودن از عقلانیت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵؛ هو، مکتوبات، ۱۳۷۷/۶/۲۳) خون‌ریزی‌هایی که با سوءاستفاده از نام جهاد انجام شده، دانسته یا ندانسته اهداف دشمنان دنیای اسلام را برآورده کرده، موجب تنها گذاشتن جبهه‌ی مقاومت و ویرانی زیرساختهای کشورهای اسلامی، منحرف ساختن شور جوانان مسلمان، ترور مسلمانان و انحراف بیداری اسلامی گردیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲) این آسیبها از سوی گروه‌ها و جریان‌هایی وارد میشود که اطاعت و خاکساری در مقابل طاغوت‌های زنده را شرک نمیدانند؛ ولی احترام به اولیای الهی و بزرگان تاریخ اسلام را شرک تلقی میکنند! (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۶)

از دیگر آسیبهای فرهنگ جهادی؛ بلکه خطای استراتژیک در آن، جابجایی ضرورتها در اولویت بندی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۶) به عبارتی در حرکت‌های جهادی که بحث تمرکز

نیروها بر یک خط مشی مطرح است؛ چنانکه تمرکز بر اولویت نباشد باعث هدررفت نیرو در زمینه‌ی غیر لازم شده و دشمن می‌تواند نقصان موجود را نقطه‌ی قوت خود قرار داده و باعث شکست جبهه‌ی جهادی گردد. از اسباب این جابجایی، تأثیرپذیری از فضا سازی‌ها و جنگ روانی است، که منجر می‌شود مسئولین به تغییر مسیر نیروها و برنامه‌های جهادی روی آورند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱) فرآیند دشمن در چنین فضا سازی‌هایی، اخلال در تصمیم‌گیری نیروهای جهادی و اغفال آنان نسبت به ضرورت‌هاست.

توجه نکردن به جوانب مختلف جهاد، به‌ویژه نادیده گرفتن جهاد با نفس، از دیگر عوامل این آفات است؛ چرا که از دو بال جهاد اسلامی، یک بال ثابت آن، جهاد با نفس است. (صدر، ۱۴۲۱، ۱۵۰-۱۵۱) فقدان جهاد اکبر مساوی با فقدان حقیقت جهاد بوده و موجب میشود آثار و نتایجی که از جهاد انتظار می‌رود برآورده نگردد.

نگاه عقلانی و اعتدالی انقلاب اسلامی به مقوله‌ی جهاد، در میان جوامع اسلامی بارقه‌ی امیدی را ایجاد کرده است که نتایج آن را در میان گروه‌ها و چهره‌های بارزی همچون شهید فتحی شقاقی - رهبر و مؤسس گروه جهاد اسلامی در فلسطین - میتوان دید؛ چنانکه ایشان جهاد را در دوره‌ی حاضر از قالب زشتی که خوارج دوران به آن شکل داده بودند خارج میدانند و بر همان برداشت صحیح انقلاب اسلامی تأکید میکنند. (غنوشی، ۱۳۸۶، ۴۰)

در حقیقت نبود هر یک از ویژگیهای فرهنگ جهادی میتواند یک آسیب در فرهنگ جهادی غلط گروه‌های تکفیری تلقی شود. گروه‌هایی که به خاطر فقدان بصیرت در قالب حرکت‌های به اصطلاح جهادی، طبق خواسته دشمن عمل نموده و خواسته‌های او را بر آورده می‌سازند و اینها همه از نبود قوه‌ی تشخیص حق از باطل و فقدان قطب‌نمای شناخت حقایق اسلامی حکایت دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۱)

تأثیر متقابل فرهنگ جهادی و انقلاب اسلامی

فرهنگ جهادی قلمروی اساسی دارد به طوری که در میان توده مردم، نخبگان و کارگزاران، بروز داشته و به عنوان مثال در بین کارگزاران تبلور آن در مدیریت جهادی است. تحلیل و بررسی عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی نشان میدهد که از مهمترین این

جهاد / ۴۴۱

عوامل، تأثیرپذیری انقلاب اسلامی، از فرهنگ جهادی ناشی از قیام عاشورا بوده است. فرهنگ جهادی یعنی ارزش جهاد و شهادت در منظر جامعه که موجب شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی شد؛ چنانکه رویداد انقلاب اسلامی نیز در احیاء و گسترش فرهنگ جهادی در داخل ایران و سطح جهان اسلام مؤثر بوده است.

امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر این حرکت عظیم در مناسبت‌های مختلف با خاطر نشان کردن حماسه‌ی کربلا و یادآوری و تحلیل ماه محرم به عنوان ماه پیروزی خون بر شمشیر به دنبال احیای این فرهنگ در میان مردم بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۲۴۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۱/۱۸/۱۳۶۹)

عاشورا به عنوان نماد برجسته‌ی فرهنگ جهادی در میان عامه مردم، بسیار تأثیرگذار بود، و شاهد آن، شعارهایی است که بر حسینی بودن نهضت و تبعیت رهبران آن از امام حسین علیه السلام تأکید داشت. (فلاحی، ۱۳۸۸، ۵۷)

فرهنگ جهادی حالت تسلیم و رکود را در میان مردم نسبت به سیستم ظالم و مفسد آن از بین میبرد. حرکت اصلاحی از جانب نخبگان و مصلحان اسلامی از حدود صد سال قبل باعث شد فرهنگ جهادی، احیا شده و به بدنه‌ی جامعه اسلامی، تزریق گردد و میوه‌ی این شجره‌ی طیبه از بین رفتن حالت بی‌تفاوتی در مقابل نظام‌های ظالم و فاسد بود. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱) زنده شدن روحیه‌ی تهاجم و اعتراض بر ظالم و مفسد آن، هم‌راستای تعالیم اسلامی‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر بود که زمینه‌ساز جهش روحی مردم و استحکام فرهنگ جهادی در میان آنان شد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۲۱۱) از مظاهر این فرهنگ، احساس وظیفه‌ی علما است که خداوند از ایشان تعهد گرفته است در مقابل بهره‌مندی ظالمانه‌ی ستمگران و گرسنگی جانکاه ستم‌دیدگان سکوت ننمایند. (امام خمینی، بی‌تا «ب»، ۵۵)

بعد از انقلاب اسلامی تأثیرات فرهنگ جهادی ابعاد دیگری به خود گرفت. شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی صدام علیه انقلاب اسلامی، هم‌زمان با حصر اقتصادی آمریکا نسبت به ایران، به وجود آمدن گروه‌های نفاق و ترور مسئولان و نخبگان و مردم عادی و... گونه‌های جدیدی از فتنه‌گری‌ها و موانعی بود که اوضاع داخلی و نظام نوپا را دچار مشکلات کرد؛ ولی در مقابل، فداکاری و جان‌فشانی و پشتیبانی مالی مردم از جبهه‌ها

در هشت سال دفاع مقدس، و همیاری آنان در رفع این موانع و تحمل و ایستادگی در برابر حصر اقتصادی، و همکاری برای مقابله با فتنه‌گری منافقان و سایر جلوه‌های مقاومت و همیاری، همه از برکات فرهنگ جهادی و رشد و تعمیق آن در میان مردم بوده است.

از آثار این فرهنگ، فعلیت یافتن استعداد های فردی و اجتماعی بود که ابعاد مثبت آن در سطح جامعه پدیدار گشت و موجب تقویت خودباوری و تحقق شعار «ما میتوانیم» در مرحله عمل شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴) و انقلاب اسلامی در تحول و چرخشی درونی از حالت انفعالی به غرب خارج گردید، که از جمله نمادهای این امر، نامه‌ی امام خمینی به گورباچف بود که ضمن پیش‌بینی شکست کمونیسم و بیان عجز تفکر مادی در تأمین نیازهای بشری، او را به اسلام دعوت کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۲۰) نماد دیگر این امر نامه‌ی مقام معظم رهبری علیه‌السلام به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در بهمن سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

در تأثیری متقابل، انقلاب اسلامی نیز خود موجب تحول و پیشرفت در فرهنگ جهادی گردید، این فرهنگ که به‌عنوان سرمایه‌ای عظیم برای انقلاب محسوب می‌شد، در کشاکش انقلاب اسلامی، به شکوفایی و باروری در دیگر ابعاد رسید مانند شکوفا شدن مدیریت جهادی، که نگاه مدیران را متحول ساخت؛ به طوری که مدیران، مسئولیت را به‌عنوان امتیاز تلقی نکرده؛ بلکه فرصتی برای خدمت می‌انگاشتند. سخن معروف شهید بهشتی «ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت» شاهدی گویا بر این مدعا است.

علاوه بر این پیوسته ولی فقیه با نظارت خود بر نظام جمهوری اسلامی، نسیم این فرهنگ را در این سازه‌ی عظیم می‌دمید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۲۰) تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این تحول، تمهیدی بود که با نوعی ساختارسازی به‌طور کلان گسترش یافت. عرصه‌هایی چون جهاد سازندگی، بسیج مستضعفین، بدنه‌ی هدایتگر مقاومت هشت سال جنگ تحمیلی، نهضت سوادآموزی و... از جمله این موارد بودند. ایجاد چنین فضایی، تفکر مبتنی بر فرهنگ جهادی را در ابعاد حیات جامعه ظاهر ساخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) بررسی هر یک از این نهادهای نوپا که بعد از انقلاب پدیدار گشت خود مجال دیگری می‌طلبد؛ اما اشاره‌وار از این ساحت عبور می‌کنیم که مدیریت جبهه‌ی مقاومت در هشت سال دفاع مقدس، با وجود نبود تجربه و زیرساخت‌های لازم و فقدان نیروی انسانی کارآموده

در مواجهه با این هجمه‌ی سنگین، که نهایتاً با محکومیت متجاوز، بدون از دست دادن سرزمین پایان یافت، بدون مدیریت جهادی امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین فرهنگ جهادی با متأثر شدن از انقلاب اسلامی در بعد مدیریت جهادی، در قالب نهادهای مزبور رشد کرد و در ادامه، همین نهادها به استمرار انقلاب اسلامی کمک شایانی کردند.

شاخصه‌ی مهم مدیریت جهادی جدای از تعهد و تخصص که لازمه‌ی آن است، خدمتگزاری خالصانه می‌باشد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۸) چون در حقیقت فلسفه‌ی اجرایی همه سیاستها در فرهنگ جهادی، خدمت خالصانه به مردم به‌ویژه محرومان و مستمندان است. از این‌رو در فرهنگ جهادی، کار کردن، ادای وظیفه‌ی صرف نیست؛ بلکه جهادگر آن را به مثابه رسالتی برای خود میدانند. از ویژگیهای مدیریت جهادی آن است که در عین پرهیز از تخریب و خودداری از امور خلاف مصلحت اسلام و انقلاب، موجب پیشبرد امور همراه با روحیه اخوت اسلامی، فداکاری، و آرمان‌گرایی می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) و در عین پرهیز از درگیر شدن به سیستم بوروکراتیک، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی برای افراد جامعه را به دنبال دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴) رواج این فرهنگ به نوبه‌ی خود قدرت نرمی را در حوزه نفوذ انقلاب اسلامی ایجاد کرد تا عاملی بازدارنده و پشتوانه‌ای عظیم در بسیج نیروها در راستای اهداف انقلاب اسلامی باشد.

شعاع رویداد انقلاب اسلامی و تأثیرات آن در داخل ایران محصور نشد؛ بلکه آفاق جغرافیایی جهان اسلام را درنوردید و موجب ترویج فرهنگ جهادی در میان مسلمانان گردید؛ لذا روحیه‌ی جهادی در میان مسلمانان تقویت شد. انقلاب برخاسته از اسلام بود؛ ولی اسلام مختص گروه خاصی نبود که در درون ایران محصور بماند؛ از این‌رو الگو گرفتن از آن برای کشورهای اسلامی امری طبیعی بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۰) به تدریج پیام انقلاب اسلامی مبنی بر لزوم مبارزه فراگیر ملتها و دولتها با استعمار و بی‌عدالتی، فرهنگ جهادی را به سایر کشورها صادر کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۸/۱۲) تبلور فرهنگ جهادی که انقلاب بر آن تأکید داشت در قالب روحیه‌ی استقلال‌طلبی، نفی تسلط دیگران بر مسلمین، تدبیر امور خویش و باور نیروهای بومی بود که از ابتدا در قالب شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» اعلان شد. فرهنگ جهادی به دور از افراط‌گری‌هایی در قالب «پان‌ایسم‌ها» و

«حرکتهای ملی‌گرایانه»، خود مسیری برای جریانهای بزرگی در جهان اسلام شد، که موجب شد در راستای این عقیده حرکت کرده و به فکرهایی از استعمار شرق و غرب به تکاپو بیفتند. (منتظمی، بی‌تا، ۵۶) مسئله‌ی فلسطین که پیش از انقلاب اسلامی به روزمرگی مبتلا شده بود، در اثر گسترش فرهنگ جهادی ناشی از انقلاب اسلامی، بستر خیزش عمومی آزادی‌خواهان را در حمایت از حقوق فلسطینیان و محکومیت اسرائیل فراهم ساخت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۸/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۵/۱۷؛ ۱۳۷۰/۳/۱۴؛ ۱۳۷۱/۱/۱۵؛ ۱۳۹۰/۷/۹) به برکت چنین رویکردی مبارزات ملتها برای مقابله با انواع تبعیضها و ظلمها احیا شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۳/۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷) به اعتقاد برخی محققان، حمله شوروی سابق به افغانستان برای جلوگیری از جوانه‌زدن انقلابی همچون انقلاب اسلامی ایران، در افغانستان بود. (هوبر، ۱۳۶۹، ۳۱) از دیگر نتایج گسترش این روحیه در خارج از مرزهای ایران، بیداری اسلامی و خیزش امت اسلامی را در سرزمینهای مختلف از جمله بحرین و یمن میتوان نام برد.

به لحاظ اجتماعی نیز نقش انقلاب اسلامی در تقویت فرهنگ جهادی به معنای عام آن - یعنی فداکاری و تلاش در راه خدا جهت برداشتن موانع درونی و بیرونی تحقق ارزشهای اسلامی - شگرف بوده است و حتی نگرش مسلمانان در اروپا و آمریکا را نسبت به اسلام و وظایف خود متحول ساخت. مثلاً تا قبل از انقلاب اسلامی داشتن حجاب و انجام برخی دیگر از وظایف اسلامی برای این دسته از مسلمانان امری متروک شمرده میشد، اما پس از انقلاب اسلامی، این وظایف در بین مسلمانان احیا شد و به دلیل تقویت اعتماد به نفس اسلامی، اعتقاد و گرایش به حقایق و احکام اسلامی فزونی یافت. (هوبر، ۱۳۶۹، ۳۰)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«جهاد» به معنای تلاش سخت برای حفظ و اعتلای اسلام و برداشتن موانع در جهت کمال و سعادت بشر و به‌عنوان یکی از احکام مهم اسلامی، در شکل‌گیری و استمرار انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشته و با تلقی معقول و صحیح از این ظرفیت عظیم اسلامی بهره‌برداری کرده است. در این تلقی، جهاد در عرصه‌های نظامی و غیرنظامی از قبیل: اقتصاد، سیاست، فرهنگ و علم، وظیفه‌ای اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران

با تأکید بر اهداف اسلام و توجه به هدف از تشریح جهاد به عنوان موضوعی متناسب با آن اهداف کلان، بر حقیقت امر جهاد بدون هر گونه افراط و تفریط تأکید داشته است، تا زمینه‌ی پیشرفت جامعه اسلامی فراهم گردد. عدم مواجهه‌ی علمی و مستدل با این تشریح و عدم درک اهداف آن و نیز برخی برداشتها و پیش فرض‌های ناصواب در این مورد، موجب ایراد شبهات و اشکالاتی از جانب مستشرقین و روشنفکران غرب‌گرا و نیز موجب انحراف و افراط در آن از جانب گروه‌های دیگر به ظاهر جهادی، همچون سلفیه گردیده است.

انقلاب اسلامی ایران که خود نشأت گرفته از روحیه و فرهنگ جهادی بوده است در اندیشه و گفتمان خود به تبعیت از مبانی و ارزشهای اسلامی، بوسعیت مفهومی جهاد و استمرار و همه‌جانبه بودن آن تأکید داشته و بر توسعه‌ی آن در بدنه‌ی امت اسلامی اصرار داشته و در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب برگسترش فرهنگ جهادی تأکید کرده است. همانطور که فرهنگ جهادی سبب موفقیت انقلاب در مقابله با طاغوت و استکبار بوده است، پیشرفت و رشد آن نیز، منوط به استمرار همین فرهنگ خواهد بود و با استفاده از این راهبرد میتوان در تقویت و استمرار روحیه جهادی، از آن به عنوان روشی جهش‌دار در صدد هدایت قوای جامعه و سوق آن به اهداف عالی‌ی پیشرفت و توسعه و قطع وابستگیها در قالب جهاد سیاسی، علمی، اقتصادی و... استفاده نمود؛ از این رو باید بر نهادینه‌سازی این مقوله در قالب نهادهایی چون جهاد سازندگی، جهاد خودکفایی و... و توسعه آن در عرصه‌ی مدیریت جهادی در عرصه‌هایی چون مدیریت دفاع در هشت سال دفاع مقدس اقدام کرد. آشنایی سایر مسلمانان با این رویکرد نو، باعث نفوذ انقلاب اسلامی و گسترش زمینه‌های آن شد و خود به قدرت نرم جمهوری اسلامی مبدل گشت؛ از این رو غفلت از این روحیه موجبات شکست اسلام را فراهم میکند؛ گوا اینکه دشمنان نیز ستون فقرات انقلاب اسلامی را در همین روحیه‌ی جهادی تشخیص داده و سعی در تضعیف آن از راه‌های گوناگون داشته‌اند؛ هر چند ظرفیت عظیم انقلاب اسلامی همواره در مقابل دشمنان ایستادگی کرده و در راستای حفظ و اعتلای فرهنگ جهادی در سطح کشور، منطقه و جهان پیشروی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرنولد، توماس، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، اجوبه الاستفتاءات، قم، دفتر معظم له، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد زاوی، محمود محمد طنحی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۷. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهذب، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۹. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلی، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامة، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. احمدی میانجی، علی، الاسیر فی الاسلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. احمدی، مهدی، تبیین سیستمی رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جهاد اقتصادی،

- مطالعات راهبردی بسیج (فصلنامه)، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ش ۵۵، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. اشعث کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
۱۵. اکبری، کمال، جهاد فرهنگی و آگاهی رسانه ای، بازتاب اندیشه (فصلنامه)، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ش ۱۱۷، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۲۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «ب»
۲۲. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف، بی تا. «الف»
۲۳. امین عاملی، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، بی جا، دار الکتب الاسلامی، بی تا. «ب»
۲۴. بحر العلوم، محمد مهدی، رساله سیرو سلوک (منسوب به بحر العلوم)، تحقیق سید محمد حسین طهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. البهی، محمد، الفکر الاسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی، بی جا، مکتبه وهبه، چاپ دهم، بی تا.
۲۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات أو الاستنفار و الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق.
۲۷. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

جهاد / ۴۴۹

۲۸. حسینی بهشتی، سید محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۳۰. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. ربیعی، منیژه، سعیدی، فریده، جهادیه، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. رحمتی، محمد، جهاد دانشگاهی: گذشته و آینده (مصاحبه)، دانشگاه انقلاب (فصلنامه)، تهران، جهاد دانشگاهی، ش ۹۸-۹۹، ۱۳۷۳ ش.
۳۴. رسی، قاسم بن ابراهیم، مجموع کتب و رسائل القاسم بن ابراهیم الرسی، صنعاء، مؤسسة الامام زید بن علی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۳۵. رفعت، سید احمد، النبی المسلح (الرافضون)، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، ۱۹۹۱ م.
۳۶. روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۷. زحیلی، وهبة بن مصطفى، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی (آثار جنگ در فقه اسلامی)، ترجمه عبدالحسین بینش، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۳۸. سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ق.
۳۹. سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، تحقیق مؤسسه المنار، دفتر آیت الله سبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۴۰. سبزواری، محمدباقر، کفایة الاحکام (کفایة الفقه)، اصفهان، انتشارات مهدوی، چاپ اول، بی تا.
۴۱. سقاف، حسن بن علی، سلفی گری وهابی، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. صدر، سید محمدباقر، الاسلام یقود الحیاة، قم، مرکز الابحاث التخصصیة للشهید الصدر، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۴۳. صدر، سید محمدباقر، الفتاوی الواضحة، قم، مرکز الابحاث التخصصیة للشهید الصدر، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۴۴. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۴۵. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۶. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۸. عدالت‌نژاد، سعید، نظام‌الدینی، سید حسین، سلفیان تکفیری یا جهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها، تاریخ و تمدن اسلامی (فصلنامه)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، س ۷، ش ۱۳، ۱۳۹۰ش.
۴۹. عراقی، ضیاء‌الدین، شرح تبصرة المتعلمین، تحقیق محمد حسون، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵۰. عطا، عوض عبدالهادی، الجهاد بین عقیده المسلمین و شبه المستشرقین، المدینة المنورة، الجامعة الاسلامیة، ۱۴۰۵ق.
۵۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۵۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵۳. غنوشی، راشد، یادمان شهید فتحی شقاقی، شاهد یاران (فصلنامه)، تهران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، ش ۲۶، ۱۳۸۶ش.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، مؤسسه دارالهیجرة، ۱۴۱۰ق.
۵۵. فلاحی، مرضیه، عاشورا؛ عقبه فکری انقلابهای جهانی، فرهنگ پویا (فصلنامه)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۱۳، ۱۳۸۸ش.
۵۶. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۵۷. قیوم‌زاده، محمود، تأثیر انقلاب اسلامی بر شبه قاره (گزارش مشاهداتی از کشمیر)، معارف (ماهنامه)، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ش ۱۰۱، ۱۳۹۲ش.
۵۸. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ

جهاد / ۴۵۱

- سوم، ۱۳۶۷ش.
۶۰. كتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۶۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۲. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لایحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۶۳. محمدی ری شهری، محمد و دیگران، حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۶۴. مرصفی، سعد، المستشرقون و السنّة، بیروت، مؤسسه الریان، بی تا.
۶۵. مصباح یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تحقیق قاسم شبان نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ نهم، ۱۳۹۵ش.
۶۶. مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۶۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۶۸. معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، شرح نامه (شرح اجمالی نامه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (ع) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی)، تهران، نشر نسیم انقلاب، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۷۰. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۷۱. منتظمی، علی، پی آوردهای انقلاب اسلامی ایران در مصر، تهران، دفتر نشر سولماز، بی تا.
۷۲. مهدی پور، محمود، به سوی جهاد اقتصادی، فرهنگ کوثر (فصلنامه)، قم، مؤسسه زائر، ش ۸۵، ۱۳۹۰ش.
۷۳. میرزایی، علیرضا، سپاه صحابه و لشکر جهنگوی نماینده افکار افراطی سلفی گری، سراج منیر (فصلنامه)، قم، مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع)، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۹۲ش.
۷۴. نجار، عامر، فی مذاهب الاسلامیین البایبة، البهائیه، القادیانیة، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۷۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی،

- تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶ ش.
۷۶. نفیسی، شادی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۷۷. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۷۸. نووی، محی‌الدین بن شرف، المجموع شرح المهذب، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
۷۹. هوبر، احمد، بحثی پیرامون دستاوردهای انقلاب اسلامی در دنیای امروز، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی (فصلنامه)، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ش ۱۱، ۱۳۶۹ ش.
۸۰. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۸۱. ورعی، سید جواد، المبادئ التشريعية لنظرية الدفاع فی الفقه الاسلامی، فقه اهل البيت علیهم السلام (فصلنامه)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، س ۸، ش ۳۲، ۱۴۲۴ ق.

سرمایه‌داری

ناصرجهانیان^۱ (مؤلف)

رجبعلی اسفندیار^۲ (مؤلف و مسئول علمی)

سرمایه‌داری؛ نظام اقتصادی-اجتماعی لیبرال، مبتنی بر حق مطلق مالکیت خصوصی همراه با رقابت آزاد و روحیه‌ی استکباری.

سرمایه‌داری، در لغت به معنای مال‌داری و ثروتمندی، (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳۶۲۱/۹) و در اصطلاح پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی نو و بی‌سابقه در دنیای امروز است که مولود اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم و حاصل تحول تمدن بشری است؛ (مارکس، ۱۳۸۶، ۸۲۰/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۴۷۹/۲۰) که همان سیستم اقتصادی دوران مدرن در دست سرمایه‌داران و مالکیت خصوصی ابزار تولید در بخش فعالیتهای اقتصادی است. (قدوسی زاده، ۱۳۹۰، ۱۰۹) مراد از سرمایه‌داری، سیستمی است که مالکیت خصوصی سرمایه، تعیین‌کننده چهره اقتصادی و سیاسی و نیز تعیین‌کننده‌ی نظم خاص در طبقه اجتماعی است که طبقه حاکم با به کارگیری قشر کارگر و نیروهای تولیدی جامعه، به سود خود بهره‌گیری میکند. (علیزاده، ۱۳۷۷، ۶۷) از این رو، فرهنگهای لغت انگلیسی برای این معنا اتفاق نظر دارند که: «سرمایه‌داری» نظام مالکیت خصوصی، همراه با بازارهای رقابت آزاد و کمترین حد دخالت دولت در اقتصاد میباشد. (علیزاده، ۱۳۷۷، ۶۵-۶۷؛ آشوری، ۱۳۸۲، ۱۹۹-۲۰۱)

۱. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در این نظام، جانمایی ابزارهای تولید و ماشین به جای نیروی انسانی، نقش مهمی را ایفا میکند و مالکیت ابزار تولید به دست افراد و تخصصی شدن کار در اقتصاد بازار و اصل رقابت و سود، از ممیزه‌های آن به شمار می‌رود. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۴۸۰-۴۸۱، ۴۹۴، ۴۹۶-۴۹۷، ۵۰۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲؛ علیزاده، ۱۳۷۷، ۶۵-۶۷)

«حق مطلق مالکیت خصوصی»، مفهوم بارز در نظام سرمایه‌سالار است که مالکیت‌های بی‌حد و مرز (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۵۶۳؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۲۹۱/۲۱/۴۴۴) و تصمیم‌گیری‌های کلان یک کشور و جامعه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶) و اداره آن توسط سرمایه‌داران و کمپانی‌داران و ظالمان و ستمگران عالم می‌باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳/۷۶۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۳۰) این نظام مبتنی بر رقابتی است ناشی از «روحیه استکباری» و سرمایه‌سالاری، که در آن، سرمایه‌داری زالوصفت و یا همان سرمایه‌داری مذموم، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶) پدیدآورنده قانون جنگل، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۱۰؛ ۱۳۸۲/۴/۲۹) ظالم و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۴۴) در نظام‌های سرمایه‌داری، انباشت سرمایه و رشد پول‌داران و سرمایه‌داران مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم جامعه می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵) در این نظامها، رسیدگی به حال محرومان، صرفاً جهت رسیدن به منافع و دریافت سود می‌باشد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۴۶۶-۴۶۵، ۴۸۰-۴۸۱؛ هجو، ۱۳۸۳، ۴/۲۸۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ ۱۳۷۱/۷/۱۵)

سرمایه‌داری، حاکمیت سلطه‌گرانه و سودجویانه جهانی است که به استعمار، منتهی شده است (زرشناس، ۱۳۸۰، ۵۵) و امپریالیسم به‌عنوان بالاترین حدّ رشد دوره سرمایه‌داری، تشکیل امپراتوری جهانی سرمایه‌سالارانه و استعمار نواست که در ذات تفکر و عقلانیت مدرن نظام سرمایه‌داری نهفته است و به معنای قدرت یا دولتی است که برون از مرزهای خود دست به تصرف سرزمینهای دیگر و بهره‌برداری از آنها می‌زند (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۶) و این نوع استعمار (سلط بر ممالک دیگر جهت بهره‌برداری از آن) با مفهوم استکبار به معنای خودبینی، ارتباط و قرابت تنگاتنگی می‌یابد و شاید در مفهومی عام، بتوان نظام سرمایه‌داری را نظام استکباری و استعماری تلقی نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱؛ منصور، ۱۳۷۸، ۲۰؛ آشوری، ۱۳۸۲، ۳۸)

سرمایه‌داری / ۴۵۵

اساس پیدایش نظام سرمایه‌داری، استکبار، زیاده‌خواهی، سلطه‌گری، غارت، چپاولگری، ظلم و ستم و خودبینی و نادیده انگاشتن حقوق محرومان و منفعت‌طلبی کمپانی‌ها و سرمایه‌دارها است (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۶۹۵/۱۵؛ ۲۳۲/۲۴؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۸/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۳؛ ۱۳۸۱/۲/۱۱؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰) و بیشتر نفرت، اختلاف و جنگ در دنیا، به دلیل همین روحیه استکباری است (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۳/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۸) که سرمایه‌داری را به ابزار و پایه اصلی استکبار جهانی مبدل ساخته است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۸/۱۳) و در رأس این جریان، آمریکای جهان‌خوار به عنوان مظهر کامل استکبار قرار دارد که با داشتن روحیه استعماری و استکباری، به عنوان مدافعان و حامیان سرمایه‌داری در تحقق اهداف خویش، به فقیر و غنی رحم نمیکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۵۸/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۱۴؛ ۱۳۷۷/۱/۱؛ ۱۳۷۶/۷/۱۴) از این رو نظام ایالات متحده، «شیطان بزرگ» (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۹/۱۰) نامیده شده و با مفهوم «استکبار جهانی» و «جاهلیت مدرن»، سازگار می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱؛ ۱۳۷۵/۹/۱۹؛ ۱۳۸۹/۴/۱۹) دو مصداق عمده‌ی جاهلیت، «جاهلیت اولی» در هنگامه‌ی ظهور اسلام و «جاهلیت مدرن» در هنگامه‌ی ظهور انقلاب اسلامی ایران، ریشه در «شہوت» و «غضب» دارند. در جاهلیت مدرن شهوت رانی بی حساب، بی مهار و بی منطق حاکمیت دارد و امروز منطق شهوت رانی در دنیای غرب «تمایل» است؛ و در اعمال قوه‌ی غضب نیز جاهلیت مدرن امروز، جاهلیتی خشن، بی‌رحم، سنگدل و مجهز به اقسام ابزارها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱/۲۶؛ ۱۳۸۹/۴/۱۹؛ ۱۳۹۴/۲/۲۶) بدین ترتیب، تعریف سرمایه‌داری از دیدگاه انقلاب اسلامی، با سه جزء «حق مطلق مالکیت خصوصی، رقابت و روحیه‌ی استکباری و استعماری» شناسایی میشود و میتوان گفت: «سرمایه‌داری، نظامی مبتنی بر رقابت و حق مطلق مالکیت خصوصی با تکیه بر روحیه استعماری- استکباری است».

در تقسیم‌بندی ادوار نظام‌های اقتصادی، نظام سرمایه‌داری در کشورهای غربی پس از اضمحلال و ضعف دوره فئودالیسم شکل گرفته است (مطهری، مجموعه آثار، ۵۰۴/۲؛ ۲۶۷/۲۵؛ مارکس، ۱۳۸۶، ۸۲۱-۸۲۰/۱) و صورت اقتصادی و اجتماعی دنیای مدرنیته است و از آنجا که ذات اقتصاد سرمایه‌داری میل فزاینده به زیاده‌خواهی، گسترش‌گرایی و بسط سیطره خویش

است؛ انسانی سودجو و سرمایه‌سالار و اومانيسم را می‌طلبد؛ که نیازمند عقلانیتی است که در عصر جدید و روزگار مدرن شکل گرفته است. تفکیک اخلاق از سیاست، از بین رفتن ارزشها، حاکمیت بی‌چون و چرای نفع شخصی، عقلانیت ابزاری استیلاجو، سودخواهی بی‌حد و مرز، انباشت سرمایه و وانهاده شدن دین از زندگی؛ جملگی از اجزاء لاینفک مدرنیته و مؤلفه‌های سرمایه‌داری محسوب میشوند. (هایلبرونر، ۱۳۷۰، ۱۵-۱۶؛ زرشناس، ۱۳۸۰، ۱۳-۲۰) از دیگر محصولات دنیای مدرنیته، پدیده ناسیونالیسم میباشد که ناشی از فردگرایی انسان مدرن است که با انقلاب کبیرفرانسه شکل گرفت و موجب گسترش اندیشه ملی‌گرایی و اعتقاد به ملیت خاص و برتری نژاد اروپایی در استیلا و دست‌اندازی بر جوامع دیگر گردید و به این ترتیب جامعه غرب را به سوی اومانيسم و الحاد و گرایشهای مادی و سرمایه‌داری سوق داد. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۶۸، ۱۴۶-۱۴۸)

نظام سرمایه‌داری از آغاز تا پیدایش دارای مراحل بوده است که از قرن پانزدهم تا هفدهم شاهد ظهور سرمایه‌تجاری و رشد سریع تجارت جهانی است و از اواسط قرن هفدهم تا میانه قرن هجدهم، سرمایه‌تجاری به صورت نیروی مسلط اقتصادی در آمد و در اواخر قرن هجدهم تا سال ۱۸۷۰، شاهد ظهور و غلبه سرمایه‌داری صنعتی بوده است. (عیوضی، ۱۳۹۱، ۶۹؛ رک: الهی، ۱۳۸۳، ۱۰) سرمایه‌داری تجاری که محصول غارت و چپاول بومیان و اقوام امریکایی، آفریقایی و آسیایی توسط اروپاییان است؛ آغازگر دوره انباشت سرمایه میباشد که «سرمایه» در این دوره به معنای ثروت تلقی شده است. سرمایه‌داری این دوره، غیرانحصاری بوده و برمحور استثمار دول غیراروپایی، حس عمیق سودطلبی و تلاش صرف برامساک و انباشت سرمایه و صرفه‌جویی شکل گرفته است. (زرشناس، ۱۳۸۰، ۲۳-۲۸؛ حائری، ۱۳۸۰، ۶۵-۶۹؛ ژولین، ۱۳۵۷، ۱۲۷-۱۳۳) به دنبال این دوره و با وقوع انقلاب صنعتی، با تغییر چهره شهرها و جوامع اروپایی، سرمایه‌های انباشته شده از طریق کاپیتالیسم تجاری به حوزه صنعت وارد شد و به سرمایه‌داری صنعتی غیرانحصاری لیبرالی تبدیل گردید. (زرشناس، ۱۳۸۰، ۲۸-۲۹؛ دورانت، ۱۳۷۴، ۸۶-۹۲)

در این دوره، کار به‌عنوان فعالیتی از خود بیگانه و سودجو برای دخل و تصرف در طبیعت و استثمار پدید آمده و در نسبت تنگاتنگی با سرمایه قرار گرفته است و استثمار

کارگران، منبع تغذیه‌ی انباشت سرمایه‌ی صاحبان سرمایه محسوب می‌شود. در این مرحله به دلیل غیرانحصاری بودن، رقابتی بین صاحبان سرمایه وجود دارد و اقتصاد کالایی، به معنای تولید برای فروش در بازار، حاکمیت می‌یابد. (مارکس، ۱۳۸۶، ۳۶۰/۱-۳۷۲؛ زرشناس، ۱۳۸۰، ۳۰-۳۱) با گذشتن از این مرحله، در سال ۱۸۸۰ (اواخر قرن نوزدهم) تا پایان جنگ جهانی اول (سال ۱۹۱۸)، سرمایه‌داری وارد دوره انحصاری و خصوصی و به اصطلاح دوره امپریالیسم می‌گردد، که این واژه، نخستین بار توسط مارکسیست‌ها به کار برده شد و لنین، آن را مترقی‌ترین و نهایی‌ترین و انحصاری‌ترین مرحله نظام سرمایه‌داری برشمرده است.

(عیوضی، ۱۳۹۱، ۶۹؛ لنین، ۱۹۷۵، ۱۴۴-۱۴۶؛ منصور، ۱۳۷۸، ۲۱؛ سوداگر، ۱۳۵۸، ۲۳)

در این دوره اقتصاد رقابتی، به‌طور تدریجی حذف شده و انحصار تولید و توزیع، توسط شرکت‌های بزرگ چند ملیتی صورت می‌پذیرد و حاکمیت کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی پدیدار می‌گردد و صدور کالا جای خود را به صدور سرمایه داده و سرمایه‌صنعتی، با سرمایه مالی مبتنی بر رباخواری توسط بانکها، پیوند تنگانی برقرار می‌کند. این دوره، دوره «نئواستعمار» است و گرایش طبیعی سرمایه به انباشت خود، سبب کاهش سود شده و به همین جهت برای افزایش نرخ سود، انحصارهای اقتصادی کارتل‌ها و تراست‌ها به وجود می‌آید و سرمایه‌دارها برای کسب سود بیشتر به سرمایه‌گذاری در خارج از قلمرو خود کشیده شده و با تسلط بر دولت، آن را وادار به تشکیل امپراتوری کردند تا به بازارها و مواد خام و راه‌های سرمایه‌گذاری بیشتری دست یابند. در این دوره، قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی در رقابت گسترده برای غارت جوامع و ملل غیرغربی و استثمار آنها، به مقابله خونین با یکدیگر برخاستند، که حاصل این رقابتهای، وقوع جنگ جهانی اول بین قطبهای بزرگ امپریالیستی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۷۱۰/۱۵-۷۱۷؛ زرشناس، ۱۳۸۰، ۳۴، ۵۶-۵۸؛ لنین، ۱۹۷۵، ۷۸-۱۰۴؛ رک:

ساعی، ۱۳۸۵، ۴۱-۴۲)

این نظر مارکسیستی درباره‌ی امپریالیسم، مبنی بر واپسین مرحله نظام سرمایه‌داری، مورد انتقاد غیر مارکسیست‌های لیبرالی، از جمله: شومپتر و هابسون قرار گرفته است. شومپتر، وجوه امپریالیسم را در ساحت اجتماعی-سیاسی مورد کنکاش قرار داده که ریشه آن در ماقبل تاریخ و از ساحت اجتماعی که دارای نشانه‌های عوارض کهنه هستند

نشأت میگیرد. او معتقد است که، امپریالیسم، مرحله ضروری نظام سرمایه‌داری نبوده و ادامه این نظام وابسته به دوران امپریالیسم نمیباشد. (سوداگر، ۱۳۵۸، ۱۵۰-۱۵۸؛ ساعی، ۱۳۸۵، ۱۶-۲۰)

جان هابسون نیز توسعه‌طلبی امپریالیست‌ها و استیلای نژاد اروپا بر سایر نژادها به منظور دسترسی به بازارها و متمدن کردن آنها را مردود دانسته و با برداشتی اقتصادی از امپریالیسم، عامل حرکات امپریالیست‌ها را در منافع مادی آن یافت نموده و با اعتقاد به توزیع برابر در ثروت و درآمدهای اجتماعی، بازارهای داخلی را قابل گسترش دانسته و اتحادیه کارگری را دشمن امپریالیست‌ها برمی‌شمارد. (سوداگر، ۱۳۵۸، ۷۳-۷۵؛ عبیوضی، ۱۳۹۱، ۱۴۶-۱۴۸)

سوسیالیسم نیز، به مثابه مهمترین مکتب رقیب، در انتقادات خود سرمایه‌داری را نشانه رفته است. از دیدگاه طرفداران سوسیالیسم، نوعی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی مالکیت سرمایه‌داری وجود دارد، به همین دلیل، وظیفه عمده دولت و حزب در دوره گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، الغای آنچه که «بازار آزاد» خوانده میشود و سازماندهی مدیریت برنامه‌ریزی شده اقتصاد است. (آفانسیف، ۱۳۶۰، ۲۲۸) البته سوسیالیسم به‌عنوان جریان منتقد از نحله‌های گوناگونی برخوردار است؛ اما تمام انواع سوسیالیسم یک جنبه مشترک دارند و آن الغای مالکیت خصوصی است که به اعتقاد آنان سرچشمه تمام نابرابری‌ها و بیدادگری‌های اجتماعی است. (بورژن، ۱۳۵۲، ۸-۹) سوسیالیست‌ها و جنبش جهانی کارگری در قرن نوزدهم، سرمایه‌داری را مترادف با «مالکیت خصوصی» دانسته و آن را سیستمی میدانند که در آن ابزار و اسباب تولید، ساختمان‌ها و ذخیره‌ی کالا و به عبارت دیگر، سرمایه تحت تسلط مالکیت شخصی و خصوصی است. (دب، ۱۳۵۸، ۶)

قرن بیست، دوران صعود امپریالیسم آمریکا است. رقابت مستعمراتی اواخر قرن نوزدهم بین دولتهای امپریالیستی اروپا و تضعیف قدرت آنها در جنگ جهانی اول، فرصتی به آمریکا داد تا در صحنه روابط بین‌الملل بتواند با قدرت بیشتری حضور پیدا کند و از موقعیتها به نفع خود استفاده کند و خود را به امپراتوری قدرتمند تبدیل کند. با این همه، شکستهای مختلف آمریکا در صحنه بین‌الملل، ضرباتی بر پیکرش وارد ساخت و آن را با رکود مواجه کرد؛ اما قدرتمند بودن آمریکا در برابر این ضربات باعث شد که در دوره جنگ سرد، آمریکا به‌عنوان محور کشورهای صنعتی در مقابل خطر شوروی، مورد حمایت سایر

کشورهای صنعتی قرار گیرد و از همین نقطه نظر، حیات امریکا، حیات کشورهای صنعتی بود و آنها نمیتوانستند از آن صرف نظر کنند. از این رو، امریکا در قرن بیست و آغاز قرن بیست و یک، چنین سلطه‌ای را بر حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان اعمال نمود.

(المی، ۱۳۸۳، ۵۳-۶۰)

در جهان کنونی نیز، تمامی کشورهای جهان اسلام سلطه‌ی نظامی استعمار قدیم و نظام سرمایه‌داری تجاری و صنعتی را تحمل نمودند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴۸/۲۱) البته، سرزمینهای عربی، از قرن شانزدهم تا اوایل قرن بیستم، تا زمانی که دولت عثمانی دولتی نیرومند بود، از تجاوز استعمار مصون ماند؛ اما زمانی که این دولت در سرایشی اضمحلال افتاد و دولت‌های اروپایی دریافتند که دولت عثمانی از مقابله با دول استعماری عاجز است، سرزمینهای عربی، مورد تجاوز استعمار مسیحی قرار گرفت؛ همانطور که سایر سرزمینهای اسلامی و غیراسلامی در قاره‌ی آسیا، آمریکا، آفریقا و استرالیا به این سرنوشت دچار شدند. (باقی، ۱۳۷۹، ۲۰۰-۲۰۲)

در ایران نیز توسعه سرمایه‌داری از اوایل دهه ۴۰ شمسی براساس تغییرات در سیاست‌های کشورهای سرمایه‌داری بزرگ و تحولات در روابط اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و کم پیشرفته صورت گرفت. دولت ایران به عنوان یک کشور سرمایه‌داری در حال رشد، سرگرم پیشبرد روابط اجتماعی سرمایه‌داری و گسترش نیروهای تولید در خطوط سرمایه‌داری بود که با وقوع انقلاب سفید در ایران در سال ۱۳۴۱ اصلاحات دیگری وضع شد که منجر به هموار کردن این فرایند توسعه گردید. از لحاظ سیاسی اوایل سال ۱۳۳۹ سالهایی است که دولت کندی سرگرم تشویق متحدان خود در جهان سوم و جلوگیری از غلبان عمومی مردم بود که این سیاست کندی منجر به وقوع انقلاب سفید در ایران و اتحاد برای پیشرفت با امریکای لاتین بود و از آن به بعد روابط محسوس اقتصادی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و کم پیشرفته پدید آمد. علاوه بر این با وجود دیکتاتوری در دستگاه حکومت، ایران نیز در سیطره‌ی سرمایه‌داری قرار گرفت و به یک نظام سیاسی بیمار و دنباله‌رو سرمایه‌داری تبدیل شد؛ چرا که دولت‌های سرمایه‌داری در جهان دیکتاتوری بوده و ایران نیز، اشکال مختلف دیکتاتوری را از سال ۱۳۳۲ به بعد در خود دیده است. (هلیدی، ۱۳۵۸، ۵۱-۶۶؛ کاتوزیان،

۱۳۷۷، ۳۵۰-۳۵۳؛ فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۰، ۲۲۰-۲۲۳)

از دیگر سو، نظام اقتصادی ایران از دهه چهل تا انقلاب اسلامی، نظام اقتصادی وابسته‌ای بود که کالاهای خارجی در کشور ترویج شده و صنایع داخلی رو به ورشکستگی گرایید. با تشدید اقتصاد وابسته ایران، سیل سرمایه خارجی به ایران آغاز گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۴/۵) در این زمان، شاه ایران در اوایل دهه چهل برای تثبیت مقام و موقعیت خود، مسئولیت برنامه‌های استعماری سرمایه‌داری را برعهده گرفت و از جمله سیاستهای او جهت تسلط استعماری سرمایه‌داری، انقلاب سفید و سیاست اصلاحات ارضی بود که ورود کالاهای خارجی به روستاها و شهرهای ایران را فراهم کرد و تسلط نظام سرمایه‌داری و وابستگی اقتصادی شدت گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳/۴-۲۴)

از آنجا که، نظام اقتصادی اسلام و روابط اقتصادی در جوامع اسلامی، جدای از نظام و روابط نظام سرمایه‌داری است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۷/۵) پیاده کردن برنامه‌های اقتصادی اسلامی در برابر اقتصاد بیمار غرب جز از طریق حاکمیت اسلام میسر نیست؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۰/۲۰) از این رو انقلاب ایران در مواجهه با نظام اقتصادی حاکم بر جهان که مبتنی بر اقتصاد غربی است، نظام اقتصادی‌ای را جایگزین می‌کند که منطبق بر الگوها و ارزشهای اسلامی است. در این اقتصاد سالم و اسلامی، رشد و رفاه تحت اصولی چون عدالت و معنویت تحقق می‌یابد تا از این طریق مستضعفین و مسلمانان از فقر و تنگنا خارج شوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴۴/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵)

مبانی

سرمایه‌داری محصول دنیای مدرنیته است و با توجه به ماهیت رها و بی‌قید نظام سرمایه‌داری میتوان مبانی آن را همسو با مبانی مدرنیته در مادی‌گرایی، انسان‌محوری، سکولاریسم، عقل‌گرایی و اصالت فرد بر جامعه تعریف نمود. (داب، ۱۳۵۲، ۵۸)

مادی‌گرایی و دنیاخواهی

نظام سرمایه‌داری، نظامی برپایه مادی‌گرایی و دنیاخواهی است. در این مکتب مادی،

سرمایه‌داری / ۴۶۱

اربابان زر و زور از هر طریقی، دست به هدم و هجوم انسانیت می‌زنند تا به مقصود خود که اوج لذت و کامروایی در زندگی دنیایی و طبیعت است نائل شوند. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۶؛ ۱۳۷۰/۳/۲۶؛ ۱۳۷۹/۲/۲۳؛ ۱۳۸۹/۲/۸) ارزشها در این نظام، ارزشهایی به دور از انسانیت و معنویت است؛ به طوری که پیروان این مکتب، آخرت خویش را فدای زندگی دنیای بی‌دین مادی و لذت‌های آنی آن میکنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۱۸۳-۱۸۶؛ ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲؛ ۱۳۸۲/۲/۱۰) این دیدگاه منفعت‌طلبانه دنیایی، در مکاتب الهی و توحیدمحور مورد نقد قرار گرفته است. (← معنویت)

تشخص و شرف واقعی در نظام سرمایه‌داری، در پول و ثروت و انباشت سرمایه خلاصه میشود. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۶/۲) این خصیصه، در سوداگری و منفعت‌طلبی آنها مشهود می‌باشد. سوداگری و استثمار، مشخصه انسان اقتصادی و مادی غرب است. تمدن بورژوازی غرب برای تأمین نیازها و منافع خود به پهنه کارزار با جهان واپس مانده از جمله سرزمینهای اسلامی گام نهاده و در پی سوداگری و سودگرایی، پا را از مرزهای جغرافیایی فراتر نهاده و شرف انسانی را زیر پا گذاشته و با متوسل شدن به زور و خشونت، به برده‌داری و بهره‌کشی از ملل دیگر و استثمار آنها پرداختند. مالتوس از جمله اقتصاددانان غربی مدافع سوداگری و استثمار است و در اندیشه او در یوزگی و جنگ و قحطی و بیماری از عوامل جدایی‌ناپذیر پیشرفت جوامع هستند. آدام اسمیت نیز سود بردن و کامیابی در کاری را، بسته به شیوه اداره درست و منظم امور بردگان میدانند. (حائری، ۱۳۸۰، ۶۱-۸۳؛ ۹۳-۹۴، ۱۰۱-۱۰۲) انباشت سرمایه و مال‌اندوزی به‌عنوان یک پدیده و بلای اجتماعی است که در آیات قرآن نیز مذمت شده است (توبه، ۳۴؛ ناکثر، ۱) و در سیره اخلاقی امامان معصوم علیهم‌السلام نیز منع شده است. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۱۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴/۷۰، ۸۱) در این نگاه، منفعت‌طلبی و تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی، مذموم و خطرناک است و از وابستگی به دنیا و تعلقات نفسانی نشأت می‌گیرد؛ به طوری که انسان به غیر از مادیت چیزی دیگری را نخواهد دید و هرآنچه انسان در چاه پرزرق و وبرق تجمل و اشرافیت غرق شود از ارزشهای اصیل انسانی و اسلامی دور شده و صبغه و خوی مستکبران را خواهد گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۴۷۰-۴۷۱؛ ۱۷/۴۹۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای،

انسان محوری

نگرش اومانیستی در نظام سرمایه‌داری، این گونه است که انسان، مدار و معیار و محور همه چیز است. (عالم، ۱۳۸۷، ۱؛ آریلاستر، ۱۳۶۷، ۱۴۰، ۱۴۸؛ دیویس، ۱۳۷۸، ۲۸) از اومانیسم برداشتهای گوناگونی شده است؛ در یکی از برداشتها که نظام سرمایه‌داری بر آن بنا شده است، «آزادی مطلق» از مهمترین مؤلفه‌های آن می‌باشد. (آریلاستر، ۱۳۶۷، ۱۴۸-۱۴۹) براساس این برداشت، اراده و خواست بشر، ارزش اصلی، بلکه منبع ارزش‌گذاری محسوب شده و ارزشهای دینی که در عالم اعلیٰ تعیین میشوند، تا سرحدّ اراده انسانی سقوط میکند. (آریلاستر، ۱۳۶۷، ۱۴۸-۱۴۹) اتکای مطلق و افراطی انسان به خویش و احساس «بی‌نیازی و طغیان در مقابل خالق و پروردگار»، «خودتنهانگاری انسان» و «خودمحوری انسان» عناوینی است که هر یک میتواند محتوای این پیام را آشکار سازد. (دیویس، ۱۳۷۸، ۲۷-۲۸) این نگاه انسان را به عنوان علت فاعلی و غایی تلقی میکند و به صورتی خواسته یا ناخواسته او را به طغیان هر چه بیشتر در مقابل خداوند میکشانند. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ۲۴۳-۲۴۴)

از آنجا که بشر فطرتاً گرایش به پرستش دارد؛ هنگامی که خدا پرستش نشود شیطان و نفس اماره جایگزین شده، خدامحوری به عنوان مبنای حقیقی هستی‌شناسی از چشم و دل غربی محو گردیده و انسان محوری (اومانیسم)، لذت‌گرایی و مالکیت مطلق فردی جایگزین میگردد و دچار از خودبیگانگی خواهد شد. (نصری، ۱۳۹۳، ۱۱۰-۱۱۱) از این رو، مالکیت فردی در اسلام با مالکیت فردی مورد نظر در سرمایه‌داری متفاوت است. اسلام مالکیت فردی و آزادی تولید را در صورتی می‌پذیرد که بر محور رفع احتیاجات اجتماع انسانی صورت پذیرد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۱۹/۱۹؛ ۵۶۸/۲۰)

در بین موجودات ملموس و محسوس جهان، این فقط انسان است که میتواند هویت واقعی خود را دگرگون سازد، یا آن را تعالی بخشد یا آن را دچار رکود و سقوط کند. هویت واقعی انسان در بینش قرآن، روح اوست که از خداوند نشأت گرفته و به سوی او باز میگردد. هستی انسان عین ربط به خداست و بریدن و جدا شدن انسان از خدا، هویت واقعی او را در پرده ابهام فرو میبرد و این حقیقتی است که در مکتبهای غیر الهی و دنیوی مورد غفلت یا انکار قرار میگیرد و تنها به بعد مادی انسان توجه شده است، ارزشهای معنوی

و ایده‌آل‌های انسانی تا حد امور مادی تقلیل می‌یابد و بدین ترتیب انسان از هویت واقعی خود غافل شده و دچار از خودبیگانگی خواهد شد. (رجبی، ۱۳۸۰، ۶۱، ۶۴-۶۷)

از این رو، هرچند در منطق اسلام به کرامت انسانها تأکید بسیاری شده است اما بین منطق اسلام و اومانیزم غربی، تفاوت زیادی وجود دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰)

در نظام سرمایه‌داری، ارزش انسان نه تنها به اصالت انسانیت ختم نمیشود؛ بلکه اصالت انسان به جنبه‌های حیوانی و سبعیت اوست. (مطهری، مجموعه آثار، ۲/۲۶) انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی دو بُعدی است که صبغه‌ی طبیعی و الهی دارد؛ اما در نگاه اومانیزستی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت جویی، کامجویی و بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۳۴؛ ۸/۵۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۳۵) در جهان بینی اسلامی، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌ای است برای تعالی انسان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۳۶۰؛ همو، بی تا «ب»، ۲۰) در حالی که در جهان بینی اومانیزستی، ثروت و قدرت و علم، هدف می‌باشد و انحصار قدرت در این نظام، به تحقیر انسانها، جنگ و کشتار و از بین بردن ارزش و کرامت انسانی می‌انجامد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۲۳۶-۲۳۹؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹؛ ۱۳۸۹/۸/۴؛ همو، مکتوبات، ۱۳/۱۳۷۱)

سکولاریسم

از دیگر مبانی نظام سرمایه‌داری، سکولاریسم است که ریشه در دنیاگرایی دارد و گرایشی است که مروج بی‌دینی و حذف دین و بی‌اعتنایی به آن و نیز نفی معنویت در ساحت‌های مختلف زندگی انسانی (بیات، ۱۳۹۰، ۲۷۰-۲۷۷) و به تعبیری، دنیای مادی منهای دین در همه ابعاد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸) سکولاریسم در پی غیرقدسی کردن یا غیردینی کردن و به عبارتی عرفی کردن امور است. در پی فرایند عرفی شدن و جداانگاری دین و دنیا که سکولاریسم دنبال میکند، بسیاری از حوزه‌های بشری با خارج شدن از نظارت ماورای طبیعت، به سوی عقلانیت خودبنیاد سوق داده میشود. دین و نهادها و فعالیت‌های دینی اهمیت خود را از دست داده و به حاشیه رانده میشود. (الیاده، ۱۳۷۴، ۱۲۶-۱۲۹؛ براون، ۱۳۷۵، ۲۳۱)

طرح جدایی دین و سیاست، حاصل اقدامات و برخوردهای متحجرانه ارتجاعی اربابان

کلیسا با مردم مغرب زمین بود که حاکمان جوامع غربی، برای رهایی از این اقدامات کلیسا با بیرون راندن آنها از صحنه سیاست، سهم دین را از سیاست نادیده انگاشتند و به دلیل اصالت دادن به انسان و آزادی مطلق او، طرفداران نظام سرمایه‌داری گام به گام به سوی سکولاریسم و بی‌دینی و رواج مادیگری حرکت نمودند. (راسل، ۱۳۶۵، ۴۳۳؛ جعفری، ۱۳۷۰، ۸-۲۰)

در نظام سرمایه‌داری که دین از تمام جنبه‌های زندگی رنگ میبازد، محاسبات مادی و منفعت‌طلبی‌های فردی به دور از ارزشها، کمالات و اخلاق انسانی شکل میگیرد و جامعه از معنویت‌گرایی فاصله گرفته و به سمت مادیت سوق خواهد یافت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) در اندیشه انقلاب اسلامی، دنیای استکبار به عنوان دنیای ظلم و تجاوز و تهی از معنویت و اخلاق و «سکولاریسم» به عنوان نقشه دیرینه استعمار در انحراف ملت‌ها، مورد نقد قرار گرفته است و همواره بر نقش مؤثر دین تأکید نموده و آن را طراح و پیشوای زندگی دنیوی مردم در تمام زمینه‌ها قلمداد نموده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴ ← سکولاریسم)

عقلانیت خودبنیاد

به دنبال اومانیسم و محور قرار گرفتن انسان و آزادی مطلق او در نظام سرمایه‌داری و رواج اندیشه‌های سکولاریستی، «عقلانیت خودبنیاد» تنها منبع شناخت برای انسان مدرنیته قرار گرفت. از دیدگاه طرفداران سرمایه‌داری، انسان موجودی است ذاتاً عقلانی که بالغ و عاقل و مسلط بر همه چیز است و نیازی به دخالت دین و سایر نهادها در فعالیتهای خود ندارد و از راه عقل، میتواند کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به اهداف خود برگزیند. در این نظام، بشر و مدار عقلانیت و تفکر عقلی خویش است. (خالق، ۱۳۷۹، ۵۲-۵۴؛ میرمعزی، ۱۳۸۰، ۱۹-۲۰) در انسان تک بعدی و مادی سرمایه‌داری، قوه‌ی عقل، بالاترین استعداد آدمی و یگانه منبع دانش و معیار حقیقت است که با هر مسئله‌ای که در امور ماوراء طبیعی باشد مخالفت میکند؛ از این رو، چنانچه عقل بشری از حوزه تجربه که حوزه شناخت بشر مدرن است پا را فراتر نهاده و با امور ماوراء طبیعت مواجه شود دچار تناقضات خواهد شد. (توماس، ۱۳۷۹، ۱۹۰؛ فولادوند، ۱۳۷۷، ۲۷، ۳۱) اندیشمندان غربی، خردگرایی را بهترین راه حل و کاراترین وسیله و ابزار

سرمایه‌داری / ۴۶۵

موجود در دستیابی به هدف میدانند و از دیدگاه ایشان عقلانیت، عبارت از هر فعالیتی است که بر پایه شناخت دقیق روابط میان انسانها با ابزارها و محیطشان، برای دستیابی به کارایی بیشتر در سازمان یافتن زندگی انجام میشود. (آوی، ۱۳۶۸، ۳۰۳) به همین جهت، از دیدگاه اقتصاددانان غربی، از عقلانیت و حسابگری، به روح و ماهیت نظام سرمایه‌داری تعبیر شده است. (زرشناس، ۱۳۸۰، ۱۸؛ بشلر، ۱۳۷۰، ۴۷-۴۸؛ داب، ۱۳۵۸، ۵۹-۶۰)

علت اصلی سرگردانی دنیای غرب، جدایی عقل از دین و عقل‌بسنده‌گی میباشد. آزادی فردی در کشورهای سرمایه‌داری غرب، متکی بر اصل راسیونالیسم و خردگرایی است و از دیدگاه راسیونالها، انسان دارای جامعیت عقلانی است که برای جهت‌دهی به فعالیتها و رسیدن به اهداف خود، نیازی به دین و مذهب نخواهد داشت. و به دلیل جدایی عقلانیت از دین و شریعت است که انسانها در تأمین منافع خود از هیچ عملی فروگذار نکرده و بیشترین خشونتها و برتری‌طلبی‌ها را مرتکب میشوند. (قاسمی، ۱۳۸۵، ۲۰۵-۲۰۸) در اندیشه اسلامی، عقلانیت محض، تأثیر چندانی در نوع بشر نداشته، در صورتی که، تلازم دین و عقل مایه ارتقاء جوامع بشری است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲/۳۳؛ ۲۱/۱۶۶-۱۶۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹)

بر همین مبنا، عقلانیت جدید که در تمدن غرب ظاهر شد، از دیدگاه اسلام مورد نقد قرار گرفته و اسلام با رویکرد دینی به عقلانیت مینگرد و عقلانیت را در ترابط دین به شمار می‌آورد. اسلام، این نوع عقلانیت جوامع مدرن را تنها، برای اداره امور جامعه و حوزه‌های مختلف زندگی لازم میدانند؛ اما از آنجا که برای انسان ابعادی فراتر از ابعاد مادی قائل است، عقل انسان را در کشف عوالم بالا، بدون هدایت منبع وحیانی ناقص میدانند؛ از این رو، برای رسیدن به سعادت و رستگاری واقعی، علاوه بر ساحت عقلانی، توجه به مسائل معنوی و شهودی و همراهی وحی نیز لازم میباشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۷۵، ۱۸۸؛ ۲۱/۲۲۲)

فردگرایی

یکی دیگر از مبانی نظام سرمایه‌داری، اصالت فرد یا تقدم هویت فرد بر جامعه است. در نظامی که تنها منافع مادی افراد مورد توجه است، تضاد روشنی میان منفعت مادی فرد

با منافع اجتماعی دیده میشود (رک: ژید، ۱۳۷۰، ۱۳۵/۱-۱۳۶) و پذیرش تضاد منافع مادی افراد با جامعه، محدود ساختن آزادی فرد در سقف منافع شخصی میباشد. (نمازی، ۱۳۷۴، ۷۹-۸۰) در مکتب سرمایه‌داری، سرلوحه سیاستها، رسیدن به منفعت شخصی انسان سرمایه‌دار است و چیزی به نام عدالت اجتماعی و رفاه مردم وجود ندارد. انباشت سرمایه و تکاثر ثروت از هر طریق، راهی مهم در رسیدن به منافع استعماری و استکباری آنهاست و چه بسا ممکن است که به ضرر و زیان عموم مردم باشد. حاکمیت فرمانروا بر انسانها، ایدئولوژی و زیربنای غلط و ناصحیح نظام سرمایه‌داری در زیرپا گذاشتن مصلحت اجتماع میباشد که در نظام دینی، این اندیشه و عقیده مطرود بوده و مصالح جمع بر منفعت فرد ترجیح می‌یابد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۳/۷۶۰؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۹۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۷/۱۳۷۱؛ ۱۲/۵/۱۳۷۲) در جامعه توحیدی که بر پایه ارزشهای اسلامی است؛ اصالت جامعه در گرو اصالت فرد و خودسازی او خواهد بود و هرگونه آزادی مطلق و آنارشویست و هرج‌ومرج در نظام اسلام راهی ندارد و آزادیها در گرو قوانین نظام اسلامی است و چنانچه مفسده‌ای برای فرد و جامعه در برداشته باشد، طرد خواهد شد. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۱، ۷۸-۸۰)

اهداف نظام سرمایه‌داری

هر مکتب فکری اهداف و خواسته‌هایی دارد که بر پایه آنها تلاش میکند تا جامعه را بدان سو سوق دهد. اختلاف اهداف در نظامها، ناشی از نگرشهای گوناگون به سعادت انسان و جامعه است. هدف غایی در نظام سرمایه‌داری، رسیدن به رفاه مادی بی‌حدومرز و لذت برای خود است که با به کارگیری اهداف میانی دیگری چون: آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، رقابت آزاد و افزایش سود به تحقق می‌پیوندد. (کابلستون، ۱۳۶۲، ۱۴۱/۵؛ رک: اسمیت، ۱۳۵۷، ۵۶-۷۵، ۲۲۳-۲۲۴؛ نمازی، ۱۳۷۴، ۷۰-۷۱) در بینش سرمایه‌داری، سعادت انسان با رفاه مادی‌اش برابر میباشد. رفاه مادی یا به تعبیری سعادت فرد، به معنای دستیابی به بیشترین لذت مادی با کمترین درد است و رفاه عمومی از جمع جبری رفاه تک‌تک افراد حاصل میشود. بنابراین، هدف غایی نظام سرمایه‌داری تأمین بیشترین لذت مادی برای بیشترین افراد است. بدین سبب، این نظام، مادی صرف است و به فراتر از ماده و مادیات راه ندارد.

سرمایه‌داری / ۴۶۷

(کابلستون، ۱۳۷۶، ۳۹/۸، ۴۴-۴۵؛ میرمعزی، ۱۳۹۰، ۲۰۶) در این نظامها، ماشین، پول و سرمایه، جای و محلی برای عواطف انسانی و معنویات باقی نمیگذارد و سیاست در خدمت اقتصاد به کار می‌افتد و به ظاهر، جامعه با این سیستم، در حال رفاه شناخته میشود. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۹۶/۲۰-۴۹۷)

هدف نهایی واقعی نظام سرمایه‌داری، غلبه‌ی مادی‌گرایی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۳/۱۷-۱۸۴) و منفعت‌طلبی مادی و شیطنت صرف، ارزشهای اصیل آن می‌باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۶/۸) منفعت مادی این نظامها، حمایت از دیکتاتورها را در پی دارد که گاو شیرده آنها هستند و برطبق منافع آنها عمل میکنند و سیاست آنها، مخالفت با هر نظامی است که با معنویت و عدالت رفتار میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۱/۷، ۲۷۱/۲۰)

انسان غربی، اهداف میانی خود را در صحنه غیرمتوازن اقتصادی و اجتماعی دنبال میکند که این حاکی از نفع‌پرستی و اصالت فرد در این نظام است. اما در نظام اسلامی اصالت رفاه مردود است؛ اسلام با توجه به رفاه و بهبود معیشت زندگی، رفاه و امکانات مادی را وسیله‌ای برای رسیدن به تعالی معنوی میداند تا انسانها، بدین وسیله به مقصد نهایی و سعادت واقعی که رسیدن به درجات عالی انسانی و معنوی است، نائل شوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۱/۷-۲۹۲، ۵۳۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۹) چه بسا اگر انسان در تعالی معنوی پیشرفت کند به بالاترین مقام میرسد ولی اگر صرفاً به زندگی مادی و افزایش رفاه توجه داشته باشد به مرتبه حیوانیت میرسد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷/۱۴) اسلام همواره سعادت مادی و معنوی مردم را دنبال نموده و با هرگونه فساد و تبعیض و زورمداری و چپاولگری مخالف است و در آن، رفاه مادی همواره در کنار معنویت به میدان آمده است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۳/۱۴؛ ۱۳۸۹/۱/۱) و با تعدیل ثروت، رفاه مادی را برای عموم مساوی دانسته و عدالت اجتماعی را برقرار میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۱/۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۸)

اهداف میانی

آزادی اقتصادی. آزادی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، آزادی بی‌قید و شرط است که هیچ محدودیتی نمی‌پذیرد و تولید و توزیع به نفع خواسته‌های شخصی افراد و انباشت

سرمایه آنهاست. در این نوع آزادی، دخالت دولت در امور اقتصادی به زیان آنها شناخته میشود. (ژید، ۱۳۷۰، ۱۴۳/۱؛ هایلبرونر، ۱۳۷۰، ۷۱-۷۲؛ نمازی، ۱۳۷۴، ۷۰-۷۱) درحالی‌که این نوع آزادی در دین اسلام مورد نقد قرار گرفته (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۵-۴۶۴-۴۶۵) و فعالیت‌های اقتصادی با قیودی مطرح میشود که این قیود را شرع مطرح ساخته و می‌بایستی بر طبق قوانین شرع و مصالح جامعه باشد (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۴۳۷؛ فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۸۷-۹۱؛ ← آزادی) و این آزادی، آزادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی و انسانی است که با آزادی آدام اسمیتی غرب و دیکتاتوری اقتصادی سرو کاری ندارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴) آزادی اقتصادی در غرب، انحصار و تصاحب موقعیت‌های اقتصادی در دست افراد معدود به وسیله تقلب و زور و مبتنی بر اصل ثروت و رسیدن به اوج سرمایه‌داری و توانگری اقتصادی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۸/۲۳) این نظام حد آزادی را منافع مادی تشکیل میدهد و چنانچه این منافع به خطر بیفتد، آزادی هم محدود خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲)

رشد و توسعه اقتصادی. از منظر نظام سرمایه‌داری، نابرابری و تمرکز ثروت و درآمد در دست افراد معدود و پس‌انداز سرمایه توسط سرمایه‌داران منجر به رشد تولید جوامع خواهد شد. از آنجا که رشد تولید به مفهوم افزایش سرجمع کل لذت در جامعه است؛ از این رو تولید بیشتر کالاها نقش مهمی در سعادت اجتماعی به معنای فایده‌گرایانه آنها خواهد داشت. یکی از اقتصاددانان غربی، پیرو اندیشه‌های نفع‌گرایی و آزادی فردی «بنتهام» و جانبداری بی‌قید و شرط از اقتصاد سرمایه‌داری، در پی حمایت از تجارت آزاد اقتصادی، رشد اقتصادی و تداوم آن را در تقسیم کار و وسعت بازار تولید دانسته است. (رافائل، ۱۳۷۵، ۶۱؛ هایلبرونر، ۱۳۷۰، ۴۷؛ کاپلستون، ۱۳۷۶، ۳۸/۸-۴۰) در نظام سرمایه‌داری تولید بیشتر به همراه توزیع نابرابر سود، فقر و بی‌عدالتی را در جامعه به وجود می‌آورد و از این دیدگاه، بی‌عدالتی و فقر اگر منجر به لذت‌گرایی شود مطلوب است. (اسمیت، ۱۳۵۷، ۲۲۳-۲۲۴؛ میرمعزی، ۱۳۹۰، ۲۰۷) بنابراین، یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم، رشد و افزایش ثروت است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۴۰۵) در نظام سرمایه‌داری، رشد و شکوفایی اقتصادی در راستای ازدیاد ثروت و تولید، صورت گرفته و چه بسا این تکثر ثروت، منجر به تبعیض و بی‌عدالتی میشود که از نظر آنان مانعی نخواهد داشت. (مطهری، مجموعه آثار، ۲/۴۰۶-۴۰۷؛ ۱۵/۱۰۰۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲) اما در نظام اقتصادی سالم

اسلامی، رشد و توسعه اقتصادی و افزایش ثروت، در گرو قطع وابستگی و نفوذ بیگانگان میباشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۴/۲)

رقابت آزاد. در نظام سرمایه‌داری، رقابت به منظور تلاشی جهت بهره‌وری بیشتر و رسیدن به امتیازات اقتصادی است که بر پایه آزادی فردی، مالکیت خصوصی و نفع شخصی شکل می‌گیرد. (نمازی، ۱۳۷۴، ۷۱) از طرفی رشد اقتصادی در پیشرفت و نوآوری است. رقابت در نظام سرمایه‌داری، افراد را وادار خواهد ساخت که برای بقای خویش، راه و روش عقلانی پیش گرفته و عمدتاً از طریق رقابت گروه کوچکی از افراد نسبتاً خردگراتر، دیگران را وادار می‌سازند برای برتری جستن، رقیب آنها شوند. در جایی که رفتار عقلایی، نیازهای فرد را فراهم سازد، روشهای عقلایی به تدریج شکل می‌گیرد و با تقلید انتشار می‌یابد. کوشش در جهت نوآوری، یعنی سیر کردن روشهایی غیر از روشهای متداول، سیری که طی آن توانایی تفکر توسعه می‌یابد و هرگاه در هر زمینه‌ای، رقابت، ضد ارزش تلقی شود و از آن ممانعت به عمل آید، امکان نوآوری محدود و راه پیشرفت اندیشه و عمل مسدود میگردد. (غنی‌نژاد اهری، ۱۳۷۶، ۲۱۵-۲۳۳؛ میرمعزی، ۱۳۸۰، ۳۶) رقابت در نظام سرمایه‌داری، رقابت بین گروه‌ها و تمرکز ثروت در دست آنها و بی‌اختیاری مردم در این زمینه است، (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۲/۱۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰) و این نوع رقابت در نظام اسلامی، مورد نقد واقع شده و تعاون و همکاری جایگزین آن شده است. تکیه بر عدالت، عنصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی ایران و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵؛ ۱۳۸۲/۸/۲۳) و نیازمند به عقلانیتی است که در مسیر خود، توسط به کارگیری عقل و خرد، دچار گمراهی و اشتباه نشود، از این رو، عقلانیت، شرط رسیدن به عدالت است و از دیگر سو، نیازمند به معنویت است، چون اگر برای خدا در مسیر اجرای عدالت گام بردارد، میتواند با دشمنان عدالت به مقابله برخیزد. بدین ترتیب جامعه اسلامی، تمرکز ثروت در دست افرادی معدود را نمی‌پذیرد و از این دیدگاه، تولید ثروت نیز باید با نگاه عدالت محور باشد و امکانات کشور، عادلانه و عاقلانه بین مردم تقسیم شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۵۵/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۵؛

افزایش سود. اصل نظام سرمایه‌داری، نظام کارفرمایی است. از این رو کارفرمایان، صاحبان

سود هستند و کارگران نیز در مقابل کار خود دستمزد معینی دریافت خواهند کرد. در این نظام، رنج واقعی به عهده کارگران است و اربابان سرمایه به وسیله نظام بهره، اقتصاد خود را رونق داده و با تولید و تقاضای بیشتر، سود بیشتری عاید آنها خواهد شد، درحالی که کارگر هیچ سهمی از این سود نخواهد داشت. قدرت اقتصادی صاحبان سرمایه در این نظام چنان است که هیچ مسئولیتی در برابر افراد دیگر نداشته و در زمان رکود و کاهش تقاضا، با کاهش عرضه و بیکارکردن عده‌ای از کارگران، حداقل سود خود را حفظ خواهند کرد. (اسمیت، ۱۳۵۷، ۵۸-۷۶؛ مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۴۸۰-۴۸۱؛ میرمعزی، ۱۳۸۰، ۹۱-۹۲)

نظام سرمایه‌داری، نظامی متکی بر سود سرمایه و درآمدهای کلان فعالیتهای اقتصادی و به‌کارگیری نیروی کاری ارزان و استثمار است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۷۱۱-۷۱۰/۲۴؛ ۲۳۲/۲۴؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۵۰۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۹/۱۱/۱۳۶۹) که پیشرفت آنان نیز، در گرو افزایش سود، رشد مادی و ازدیاد ثروت می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۵/۲/۱۳۸۶)

سود سرمایه و افزایش ثروت در نظام سرمایه‌داری چنان است که رشد علمی و فرهنگی و سیاست مصرف‌گرایی آنها نیز بدین منظور صورت می‌گیرد. از دیدگاه جوامع مادی‌گرای غربی که همه مسائل با نگاه مادی نگریده می‌شود، پیشرفت در علم و تکنولوژی و نوآوری و بروز روشهای تولیدی، علت‌العلل دگرگونی‌ها و تحولات به حساب می‌آید و همه این دگرگونیها ناشی از انگیزه سودجویی است - که خاص جوامع پول‌مدار غربی است - و با جوامع دیگر که بر مدار ایمان و عقیده و معنویات تشکیل یافته‌اند و پیشرفت در تکنولوژی را یکی از عوامل دگرگونی به حساب می‌آورند و نه علت‌العلل آن، مغایرت دارد. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۲۷-۱۳۰) به همین جهت، رشد علم و تکنولوژی و پیشرفتهای گسترده در زمینه‌های علمی و فرهنگی و فکری جامعه بورژوازی غرب، برای بالابردن سطح کیفی و کمی امور مادی زندگی است. از این رو نیاز هرچه بیشتر آنها به مواد خام و نیروی کار ارزان و گسترش بازرگانی و بازار فروش و فرآورده‌های صنعتی سبب شد که کشورهای پیشرفته به واسطه برخورداری از دانش و کارشناسی فنی و صنعتی، برنامه‌های فزون‌خواهانه و بهره‌کشانه خود را در پیشبرد زندگی مادی بشر از حالت ابتدایی به سوی کمال نسبی که همان رفاه مادی است؛ به شیوه بنیادی در چهارچوب سوداگری و سودگرایی پی گیرند. (حائری، ۱۳۸۰، ۲۳-۲۵)

سرمایه‌داری / ۴۷۱

دولت‌های غربی دانش و تکنولوژی را به نحوی در جوامع شرقی صادر میکنند که بیشترین نفع را برای آنان داشته باشد و باعث تداوم سلطه استعماری آنها شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۰/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۸)

مصرف‌گرایی. به موجب پیشرفتهای تصاعدی تکنولوژی در نظام سرمایه‌دار غربی، کارخانه‌دارهای بزرگ، برای فروش کالاهای خود و دستیابی به سود بیشتر، نیازمند بازارهای جدید، در کشورهای دیگر بودند که دسترسی به آن مشروط به دو عامل بود: یکی اینکه محذورات سیاسی نداشته باشند و بتوانند کالاهای خود را آزادانه در بازارهای دنیا بفروشند و دوم اینکه، تقاضا وجود داشته باشد و محصولاتی که در غرب تولید میشود، خریدار داشته باشد. از این رو کارخانه‌دارهای بزرگ برای تحقق شرط اول، غرب را به استعمار سیاسی- نظامی تشویق نموده و از این طریق توانستند شرایط سیاسی را برای سرازیر کردن کالاهای خود و به یغما بردن مواد اولیه و منابع زیرزمینی کشورهای جهان سوم فراهم سازند. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۷-۱۳۸) برای تحقق شرط دوم، غرب را تشویق نمودند که با تحمیل عادات و رسوم و قالبهای فکری و فرهنگی خود، راه را برای تولیدات و محصولات کارخانه‌های خود و تقاضای آن ایجاد کنند. از این رو، سرمایه‌داری برای رواج فرهنگ مصرف به دوروش زور و تزویر متوسل شد. با توسل به روش زور، توانست بازارهای خود را در کشورهای جهان سوم به دست آورد و با توسل به تزویر توانست در فرهنگ مردم نفوذ کرده و به اشاعه فرهنگ مصرف‌گرایی پردازد که سرمایه‌داری ماشینی نقش مهمی را در این استحاله و تحمیل عقاید داشته است. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۸-۱۳۹)

از این رو، مصرف‌گرایی نوعی فرهنگ متناسب با نظام سرمایه‌داری است که موهبتی برای انباشت مازاد آنها تلقی میشود. در واقع بقای نظام سرمایه‌داری در گرو فروش هر چه بیشتر کالا در بازارهای جهانی، طبق امیال مردم است و از آنجا که امیال، نسبت به نیازها حدی ندادند، با انحراف تولید از کالاهای مورد نیاز جامعه، تقاضای کالاهای لوکس و تجملاتی افزایش یافته که به دنبال آن، قیمتها نیز افزایش پیدا کرده و این افزایش قیمت به معنای افزایش سود حاصل از تولید این کالاها است. (زارعی، ۱۳۸۸، ۸۲-۸۳؛ میرمعزی، ۱۳۸۸، ۳۶-۳۷)

گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، متناسب با نظام سرمایه‌داری است که همه فرهنگهای

نفوذناپذیر بومی، منطقه‌ای، ملی و محلی را تهدید میکند و فرهنگ مصرف‌گرایی، جهان را تسخیر میکند و فرهنگ، فرهنگ اقتصادی میشود. از آنجا که فرهنگ اقتصادی شده به واسطه نمادها مبادله میشود، ارزشها و سلیقه‌های معین را از مکانهای اجتماعی و جغرافیایی خاص رها کرده و نهادها و ساختارهای اجتماعی-سیاسی مرزآفرین را بی‌اعتبار میکند. فرهنگ مصرفی با تعدیل و تخریب طبقه‌بندی فرهنگی، نوعی همگونی فرهنگی جهانی را پدید می‌آورد. ازاین‌رو، این پدیده، نقش اصلی را در بقا و رشد سرمایه‌داری ایفا میکند (شولت، ۱۳۸۲، ۸۲-۸۳) و بلای بزرگی است که فقر و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر میکند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱۵) در ایران رژیم پهلوی نیز، سیاست شاه در صنعت و کشاورزی، وابسته شدن به قدرتهای بزرگ بوده است که با توسعه صنایع مصرفی و مونتاژ و وابسته به صنایع اجانب، ایران را به بازار فروش فرآورده‌های غربی و جامعه ایران را به یک جامعه مصرفی تبدیل نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۷۰/۴: ۵۰۶/۵: ۵۴/۵، ۳۹۰: ۴۴۸/۲۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶) ازاین‌رو، فساد اخلاق و تباهی جوانان، لذت‌جویی بیشتر و ارزشها را با پول سنجیدن، چپاول منابع و وابستگی و عقب‌ماندگی حاصل از آن، از اهداف استعماری رژیم پهلوی به شمار می‌آمد که در فرایند مدرنیزه کردن برای مصرفی کردن جامعه، بدان پرداخت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۴۰۸/۱۵: ۴۳۸/۱۵: ۴۷۱/۱۸: ۴۱۷/۲۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵: ۱۳۷۱/۹/۲۵: ۱۳۷۸/۷/۹) به طوری که این مصرف‌گرایی و وابستگی به غرب، در باور و عقاید انسانی نیز تأثیرگذار بوده و بسیاری را غرب‌زده نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۸۴: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸)

عوامل و حامیان نظام سرمایه‌داری

به دنبال مالکیت خصوصی و آزادی مطلق اقتصادی و با رشد روزافزون تولید و حاکمیت قدرت سرمایه‌داری در غرب، تفکر مسلطی در اروپا شکل گرفت که خود را نژاد برتر و سایر ملل را برده و فرمانبردار خویش دانسته و خود را سزاوار اداره دنیا میدانستند. به همین جهت، اعتقاد به برتری نژادی و انکار واقعیت‌های جهان از سوی انسان مادی و از همه مهمتر قدرت مادی، سبب تشکیل حکومت‌هایی شد که بر مبنای مادیت، نشو و نما یافته و از ارزشهای معنوی فاصله گرفته و هدفی جز رسیدن به بالاترین سطح از رفاه مادی

سرمایه‌داری / ۴۷۳

ندارند. (منصوری، ۱۳۷۸، ۲۵-۲۸) نظام سرمایه‌داری که صورت نمونه مدرنیته غربی، مبتنی بر خودبنیادی و انسان‌گرایی است سعی بر آن داشت که عالم و طبیعت را که منبع بی‌شمار انرژی شمرده میشود، تحت تصرف خود در بیاورد. به دلیل همین روحیه استیلا و قصد تصرف در عالم و آدم بود که دوران اصالت خرد انسانی در انفکاک با وحی الهی بود. این نظام همواره برای رسیدن به مقاصد و منافع مادی از دو مجرای اقتصاد و فرهنگ وارد شده و به وسیله دو عامل وابستگی اقتصادی و تحمیل فرهنگ غربی خود بر جوامع شرقی و بی‌هویت ساختن و مغفول شدن آنها از فرهنگ بومی و اصیل خود استفاده نموده است. بحران در فهم تجدد در فضایی تهی از تفکر عقلانی باعث شد که برخی شیفته ظواهر مدرنیته و دستخوش بی‌هویتی قرار گیرند و به مروجان و حامیان آن تبدیل شوند. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۷؛ آبیان، ۱۳۷۵، ۱۰-۱۲) از این رو، میتوان حامیان سرمایه‌داری را به سه دسته تقسیم نمود:

روشنفکران غرب‌زده

در اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم، زمامداران شرق، اشراف را برای تحصیل علم به غرب فرستادند و در این میان، برخی از سفرا که روشنفکر نامیده میشدند؛ به محض آشنایی با اندیشه‌های غربی، شیفته فرهنگ و تفکر غربی شدند و بدون توجه به تفاوت خاص شرایطی و فرهنگی مشرق زمین با اوضاع آن دیار، درصدد این بودند که این ایده‌ها را در جهان اسلام پیاده کنند. آنها حامی بی‌چون و چرای غرب بودند و فرهنگ غرب را ستوده و چاره حل تمامی مسائل شرق را، در تقلید کورکورانه و اقتباس راه و روش غرب در تمام زمینه‌ها میدانستند. آنها با دوری و بیگانه شدن از سنن و مذهب ملی خود و برای ادای حق اربابان غربی خود، نوامیس جامعه اسلامی را به باد تمسخر گرفته و به نوعی، دلال غرب بوده و به‌عنوان حامی بزرگی در گسترش فرهنگ غرب سهم بسزایی داشته‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۵/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۱؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸؛ نقوی، ۱۳۷۷، ۱۵۳) این غرب‌زدگی روشنفکران، نشان از وابستگی فکری و بیگانه شدن با فرهنگ بومی خویش بود و مروج سرمایه‌داری است که میتوان، تنها راه رهایی از آن را، استقلال فکری برشمرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۹/۱۰؛ ← روشنفکری)

مدگرایان

عنصر مکانیکی و غیر انسانی حامی سرمایه داری در جوامع شرقی، مصرف کنندگان محصولات و فراورده های غربی یا همان مدگرایان هستند؛ که در پی واردات کالاهای غربی و ترویج فرهنگ مصرفی به وجود آمدند. استعمارگران با تبدیل جوامع اسلامی به بازار آزاد و مصرف کننده ی فراورده های غربی، پدیده مدگرایی را به وجود آورده که در تمام زمینه ها از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و حتی رفتار آدمیان نیز مشهود است و چه بسا هر فراورده ای روش و سویه به خصوصی را با خود به همراه می آورد که به نوبه خود، باور انسان را تغییر می دهد. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۷۳)

میل به مدگرایی، تنوع طلبی و بیشینه شدن مصرف را به دنبال دارد که این خود، برای جامعه، بلای بزرگی است که منجر به اسراف و هدر رفتن پول و سرمایه میشود. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱/۹/۱۵) از این رو، دل بسته کردن به زینت های ظاهری و مُد، به عنوان دست مایه هایی برای خوش گذرانی زنان و جوانان و تحقیر و مبتذل جلوه داده آنان، انگیزه استعمار در جوامع، برای رسیدن به مقاصد خویش بوده است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶؛ ۱۳۷۰/۸/۲۲) در این زمینه نیز، اسلام با تنوع و تحول در ارزشها و مدگرایی و نوگرایی در صورتی که افراطی و ناشی از رقابتهای کودکانه و دنباله روی اروپا نباشد، موافق است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۳/۴/۱۷)

دولتهای دست نشانده

یکی از شیوه های غرب برای تحت سلطه گرفتن کشورهای مستقل، روی کار آوردن رهبران و دولتمردان دست نشانده و مزدور است که عامل اصلی بدبختی مسلمانان است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۳/۱) رهبران وابسته کسانی هستند که با دخالت قدرتهای بزرگ، روی کار آمده و به راحتی در امور دولتهای ضعیف دخالت نموده و اهداف خود را دنبال میکنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۰/۱؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱/۹/۷) بدین ترتیب آنان ابزاری برای عقب نگه داشتن ملتها، محرومیت آنها و استمرار غارت، چپاول و سرکوب خواهند بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۴/۶؛ آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱/۹/۷؛ ۱۳۸۶/۶/۱۲) از این رو، دولتهای دست نشانده، با فراهم نمودن زمینه استمرار سلطه بیگانگان، خائن به اسلام و کشور محسوب میشوند

سرمایه‌داری / ۴۷۵

و می‌بایستی از آنها دوری کرد و به مقاومت پرداخت. (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۵۵۲/۱) از جمله این حکومت‌های دست‌نشانده و اجیرشده استکبار، رژیم پهلوی در ایران بود که برخلاف خواست ملت و برای حفظ منافع اجانب، از سوی ابرقدرتها بر ملت ایران تحمیل شده بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۳/۴؛ ۶۵/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۳۱) به طوری‌که، شیوه‌ها و مقاصد از پیش تعیین شده نظام سرمایه‌داری و امپریالیست‌ها را بهتر از خود آنان اجرا میکردند و نقش مهمی در تحقق اهداف استکبار - مبنی بر وابستگی، عقب‌ماندگی و غارت سرمایه‌های مادی و معنوی کشور - ایفا نمودند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۷/۶؛ ۲۲۵/۷؛ ۲۳/۹؛ ۳۴/۱۲؛ ۴/۱۴؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۸) علاوه بر رژیم پهلوی، میتوان، حاکمان ملل عرب در منطقه خاورمیانه را که تماشاگر استیلای اجانب بر کشور و ملت و منابع خود می‌باشند، در زمره حاکمان وطن‌فروش و دست‌نشانده برشمرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۷/۲۰، ۹۸-۹۷)

زمینه‌های رشد و پیامدهای نفوذ نظام سرمایه‌داری در جهان اسلام

زمینه‌ها

شرق‌شناسی. غریبان نخستین کسانی بودند که به مطالعه اقوام و تمدنهای دیگر و از جمله مسلمانان و دین اسلام پرداختند. برای غریبان، دین اسلام، خطر جدی و رقیبی نیرومند به حساب می‌آمد که موجودیت آنها را به خطر می‌انداخت. به همین دلیل، بعد از رنسانس، تمدن غرب، وارد مرحله جدیدی از اسلام‌شناسی شد و اسلام‌شناسی جای خود را به شرق‌شناسی داد و در واقع اسلام‌ستیزی به جای اسلام‌شناسی در کسوت شرق‌شناسی آغاز شد. رشد دانش و قدرت و روحیه سلطه‌جویی بورژوازی نوپای غرب که خود را نژاد برتر میدانستند و به دنبال بازاریابی و چپاول سرزمین‌های شرقی بودند؛ باعث شد که چشم طمع به جهان اسلام باز کنند و در راه دستیابی به خواسته‌های استعماری خود، فرهنگ و تمدن کشورهای واپس‌مانده را بشناسند و با تحول در نظامات و عادات سنن اقوام شرق و رواج اندیشه‌های غربی در بین آنها، آن جوامع را وابسته به غرب کنند و از این‌رو به وسیله غرب‌گرایی، زمینه‌های نفوذ خود را در جهان اسلام فراهم کنند. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۵۸-۱۶۲؛ ۱۵-۱۸؛

غرب‌گرایی. دسیسه استعمار و سرمایه‌داری در رکود و جمود فکری و عقیدتی موجود در جهان اسلام و دور کردن مسلمانان از اسلام راستین، راه را برای گسترش غرب‌گرایی در سرزمینهای اسلامی فراهم نمود. سرمایه‌داری که آشکارا ضدیت اسلام را با خود، لمس نموده بود، دریافت؛ که تا هنگامی که اسلام به‌عنوان نیروی زنده در جوامع حضور داشته باشد، امپریالیسم در معرض نابودی خواهد بود؛ ازاین‌رو، راه نفوذ، ماندگاری و رشد خود در جوامع شرقی را در آن دید، که در فرهنگ مردم ریشه دوانده و آنها را از اسلام اصیل دور سازد و مردم را با تاریخ و سنتهای خود بیگانه ساخته و آنها را به فرهنگ غرب وابسته سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۰/۳/۲۶؛ نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۰-۱۳۴) ازاین‌رو، دریافتند که تا وقتی شرق اسلامی، از ایمانی زنده و عقیده‌ای محکم برخوردار باشد و بر مدار وحدت و تعالیم قرآن حرکت کنند، هیچ جامعه و فرهنگی نمیتواند بر آنها چیره شود. بدین ترتیب، زمانی که جوامع دچار رکود و انحطاط و جمود فرهنگی و عقیدتی شوند، جامعه به سوی عیش‌گرایی و لذت‌جویی خواهد رفت و در پوسته یک جامعه سنتی و تقلیدگرا و خالی از مذهب، زمینه‌ساز رشد غرب‌گرایی و تخلیه جامعه از شخصیت و هویت واقعی خود خواهد شد.

(امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۵: ۲۱/۴۱۵-۴۱۶؛ نقوی، ۱۳۷۷، ۱۴۳-۱۴۴)

خودباختگی. به زعم غرب‌گرایان، ارزشهای دینی، باورهای اخلاقی و ساختارهای اجتماعی جوامع غیر غربی با ارزشها و رفتارهای لازم برای پیشرفت و صنعتی شدن متضادند، (رک: موفقی، ۱۳۸۴، ۸۲-۸۳) و اسلام برای مدرن شدن و پیشرفت، راه‌حلی جز پذیرفتن الگوهای غربی ندارد. (حسینی، ۱۳۸۱، ۱۲۲) ازاین‌رو با قبول این دیدگاه توسط جوامع اسلامی و با دوری از اسلام ناب و غریبه شدن با فرهنگ خودی و وابسته شدن به فرهنگ بیگانه، دچار شبیخون فرهنگی و بحران هویت شده و در نتیجه به خودباختگی خواهند رسید. (رک: منصورنژاد، ۱۳۷۹، ۵۸-۵۹) غرب‌زدگان که غرب را قبله خود قرار داده و در ظلمت فرو رفته‌اند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۴۶۰) مغز خود را به یک مغز غربی تبدیل نموده و به فرهنگ غنی جامعه خود توجه ندارند و زمانی که با پیشرفت علمی و صنعتی غرب مواجه میشوند دچار خودباختگی خواهند شد و راه پیشرفت خود را در گرو وانهادن عقاید و فرهنگ بومی خود میدانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۳۹۱-۳۹۲؛ ۱۴/۱۱۳؛ رک: همو، بی‌تا «ب»، ۲۰) ازاین‌رو، رشد فرهنگ مادی و غلبه

روحیه ماشینی و ماشین‌زدگی در تمدن غرب، عامل سلب حیثیت از آدمی میشود؛ (آل احمد، ۱۳۸۴، ۱۵۷) که او را از صفات انسانی تنزل داده و به سطح حیوانیت میرساند. (سید قطب، ۱۳۵۱، ۱۹۶) در نتیجه، علاوه بر ضعف و شکست مسلمانان و مستعمره قرار گرفتن دولت اسلامی، غارت منابع و در پی آن، خودباختگی و برتری غرب نسبت به آنها و عقب ماندگی، میتوان علت العلل نفوذ و رشد سرمایه‌داری در جهان اسلام را در دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی و آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ و نفوذ فرهنگ اسلام آمریکایی برشمرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۴۳۸: ۱۲۰/۲۱)

پیامدها

استعمار، اساسی‌ترین پیامد نفوذ سرمایه‌داری و جنایات ایسم‌های اقتصادی است و به اشکال مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم میشود که استعمار فرهنگی مهمترین آنهاست.

استعمار. تمدن سرمایه‌سالار غرب در طول حیاتش به منظور حفظ و توسعه خود به روشها و ابزارهای گوناگونی متوسل شده است و زمانی که غرب با بحران فضای حیاتی و کمبود منابع روبه‌رو شد به اشغال و استعمار قاره آفریقا و آسیا پرداخت. (الهی، ۱۳۷۵، ۶۹-۷۱) انگیزه سودپرستی کلان در تولیدکنندگان و کاهش درآمد کارگران سبب شد که نظام سرمایه‌داری همگام با افزایش تولید، بازار مصرفی خود را بگستراند و این سبب شد که به دلیل عدم تکافوی بازارهای داخلی، چشم طمع به کشورهای دیگر باز کند و به همین جهت توانست با وابستگی اقتصادی و تک‌محصولی کردن جوامع و غارت مواد خام و طبیعی آنها، به جهان‌گشایی و گسترده‌سازی سرمایه‌داری در جوامع دیگر دست زند و قدرت خرید را از آنها سلب نموده و آنها را دچار ضعف نماید؛ به طوری که انتقال مداوم سرمایه از این کشورها به نظامهای سرمایه‌داری، جزء سیاستها و انحصارات بین‌المللی آنها قرار گرفته است. (رک: منصوری، ۱۳۷۸، ۳۸-۳۹، ۱۳۷-۱۳۹) با رشد ابزار تولید و مالکیت خصوصی صاحبان سرمایه و تمرکز غرب بر بازارها و مواد خام مشرق زمین، استعمار و ظلم پدید آمد و با خروج بشریت از صفات و ارزشهای انسانی و پیوستن به ظلم و راه و رسم حیوانی، بی‌عدالتی،

فقر و ظلم دنیا را فرا گرفت. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۱۹/۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۸۸-۸۹/۱۸؛ ۳۱۸/۲۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۱؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸) نمونه بارز این استعمار در عصر حاضر، در قضیه فلسطین و صهیونیسم مشهود است. صهیونیسم مولود دوران تحول و انتقال سرمایه‌داری غرب به مرحله امپریالیسم است. (حسنی، بی تا، ۳۳)

نمونه دیگر استعمار، مستعمره قرار گرفتن هند توسط انگلستان بود. تشکیل کمپانی هند شرقی بریتانیا، نقطه عطف مهم و پایگاه تجاری سودآوری برای بریتانیا بود. هند که تا قبل از ظهور انگلیس، پیشرفته‌ترین تمدن جهان بود، بی‌رحمانه تاراج شد و به یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان تبدیل گشت و با غارت منابع طبیعی و انسانی آن، ثروتهای عظیم روانه انگلیس شد و انقلاب صنعتی انگلستان، از طریق سود حاصل از تجارت بردگان سیاه در جزایر هند غربی تأمین مالی گشته و غارت هند منبع تأمین انقلاب آنها به شمار می‌آمد. (سویزی، ۲۵۳۶، ۳۳-۳۴؛ باران، ۱۳۵۸، ۱۸-۲۸؛ ناردو، ۱۳۸۶، ۲۶-۲۷)

استعمار فرهنگی. بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ است که هویت جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو، هدف استعمار، سلطه بر فرهنگ جوامع زیر سلطه است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۳/۱۵) و خطرناک‌ترین نوع استعمار، استعمار فرهنگی است که نه به قصد منابع طبیعی، بلکه به منظور تخریب زبان و آداب و رسوم و مذهب (آل احمد، ۱۳۷۶، ۵۲) و منحرف کردن و وابسته نمودن نیروی انسانی جوامع صورت می‌پذیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۱) تلاش سردمداران غربی در راه سلطه‌گری سیاسی و غارتگری اقتصادی خود، رواج فرهنگ منحط و خفت بار غرب و ایجاد فساد و تخریب در کشورهای اسلامی بدون هیچ مانع و رادعی می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۲) استعمارگران دریافته بودند که بدون تجاوز نظامی و اشغالگری سرزمینها نمیتوانند از راه کم زحمت‌تری به افزون‌خواهی و اشغالگری خود دست یابند و آن راه، رخنه کردن در دلها و افکار و تغییر آرمانها و باورها و فرهنگ جوامع بود و با چنین یورش فرهنگی موفق شده‌اند که هسته مقاوم و درونی ملتها را منهدم سازند و مردمان آن جوامع را طبق تمایلات خود بار بیاورند. از این رو با توفیق غرب در زمینه استعمار فرهنگی، توفیقات در زمینه استعمار اقتصادی و سیاسی هم حاصل خواهد شد. (مطهری، بی تا، ۱۰۰-۱۰۱؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۷/۲-۴۳۸-۴۳۰/۷)

از جمله پیامدهای استعمار فرهنگی میتوان موارد زیر را برشمرد:

الف) نگاه ابزاری به انسان. تخریب جوهره انسان و به استضعاف کشیده شدن او در تمام زمینه‌ها، حاصل پیشرفت تدریجی نظام سرمایه‌داری در جوامع بشری است. این نوع نگاه به انسان که در نتیجه حاکمیت اصل تحصیل سود حداکثری به وجود آمده، سرمنشأ بسیاری از ناهنجاری‌های دیگر جوامع مدرن امروزی و مقلدانشان در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. نگاهی که در آن به انسان نه از بعد انسانی، بلکه به عنوان ابزار کار نگریده می‌شود و کرامت و ارزش انسان در آن به کلی پامال می‌گردد. (رفعی، ۱۳۸۰، ۴-۸) ارزش انسانها در چنین حکومت‌هایی، به انسانیت و زیبایی‌های اخلاقی و فضائلشان منتهی نمی‌گردد، بلکه ارزش انسان در سودی خلاصه می‌شود که از برقراری رابطه با طرف مقابل عایدش خواهد شد. در سایه چنین نگرشی است که کرامت انسانی از بین رفته و تمامی فضائل اخلاقی بی‌ارزش میشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶/۲۳۶-۲۳۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۴/۱۳۷۱)

ب) نظام آموزشی وابسته. نحوه آشنایی ایرانیان با غرب جدید کاملاً مشابه عثمانی، مصر و بسیار دیگر از کشورهای اسلامی است که در آغاز وابستگی به غرب؛ با انگیزه مقابله با تهاجم نظامی دولتهای غربی آغاز شد و هدف اصلی آن تقویت توان نظامی در برابر تجاوزات غرب بود. شکستهای متوالی عثمانی در برابر اروپاییان، اشغال مصر توسط فرانسه و شکست ایران در جنگ با روسیه در اوایل قرن نوزدهم باعث شد که نخبگان و رهبران کشورهای اسلامی بیش از پیش به اهمیت تمدن غربی و قدرت اقتصادی و نظامی آن توجه کنند. ضرورت دست یافتن به پیشرفتهای علمی و فنی به منظور حفظ استقلال کشور و مقاومت در برابر بیگانگان باعث شد که ناگزیر باب مراوده علمی و فکری بین جهان اسلام و غرب گشوده شود. (رک: اسعدی، ۱۳۷۷، ۱۵۷-۱۸۰؛ نقوی، ۱۳۷۷، ۱۷۷-۱۸۹) در ایران نیز تأسیس مدارس جدیدی چون دارالفنون به سبک و سیاق غربی، اعزام محصل به اروپا و دعوت از اروپاییان به تدریس و اسلام‌ستیزی در متون درسی از دستاوردهای غرب‌زدگی و وابسته شدن نظام آموزشی بوده که در دوره رضاخان شدت یافته بود. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۸۹-۱۹۲؛

آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۸/۶/۱۳۸۰)

رژیم پهلوی نیز برای ایجاد فرهنگ وابسته، کار خود را از مراکز علمی آغاز نمود و با

راه‌اندازی مؤسسات و مراکز علمی وابسته، سعی در ترویج فرهنگ غرب نمود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۹/۴-۲۷۲، ۴۶۸-۴۷۰) شاه به عنوان یکی از دست‌نشانندگان استعمار در ایران، مأموریت داشت تا فرهنگ جامعه اسلامی را از طریق نظام آموزش و پرورش از جامعه بزداید و فرهنگ استعماری را جایگزین آن کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۳۴۶، ۴۵۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۱۴؛ همو، مکتوبات، ۱۲/۳/۱۳۷۸) با وابسته شدن نظام آموزشی و اخذ فرهنگ غربی، رکود فرهنگ خودی و جلوگیری از رشد انسان حاصل می‌شود (امام خمینی، صحیفه امام، ۶/۱۴-۱۵) و در چنین مراکزی، جوانانی تربیت می‌شوند که ضمن تقبیح فرهنگ خود، دچار خودکم‌بینی و ضعف نفس شده و از این‌رو حامی و مروج نفوذ فرهنگ غرب به حساب می‌آیند و رسیدن به این نقطه مطلوب، هدف بزرگ استعمار است که به وسیله وابسته کردن مراکز تعلیم و تربیت، بتواند مقدرات یک کشور را به دست گیرد؛ چون دانش‌آموختگان در این مراکز وابسته، بعدها تمامی ارگان‌ها و نهادهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی را به دست خواهند گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۱۸) از این‌رو، رهاورد محصولات این مراکز، تربیت عده‌ای از افراد ناصالح و نامهذب است که امور جامعه را به دست گرفته و تهاجم همه جانبه علیه فرهنگ سنتی خود را آغاز نموده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۰۶)

ج) فساد و بی‌بندوباری. فساد موجود در تمدن غربی به حدی است که خود غربی‌ها از آن نالان هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۵۰۸: آیت‌الله خامنه‌ای، ۸/۹/۱۳۷۴) ترویج فساد، فرهنگ برنامه‌ریزی شده غرب برای رسیدن به منافع و ترویج فرهنگ برهنگی و خروج انسان از مقام انسانیت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵/۹/۱۳۶۸؛ ۲۰/۷/۱۳۷۳) غرب با فساد جوانان مسلمان سعی دارد نیرو و قدرت جوانی را از آنها سلب کرده و جوانان را مشغول به لهو و لعب و تبدیل به موجوداتی بی‌فایده و بی‌تفاوت کند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۹/۵۳۶-۵۳۷: امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۷۱؛ ۱۸/۳۲۰: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۵/۱۱/۱۳۷۱) و بدین ترتیب شرایط مساعدی را برای چپاول و استثمار ملتها فراهم کند. سیاستهای فرهنگی زمان حکومت پهلوی مصداق این توطئه غرب می‌باشد که با ایجاد مراکز فحشا و قمار و وارد کردن کالاهای تجملاتی توانستند، ذخایر ارزشمند ایران مانند نفت را خارج سازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۳۵) از این‌رو، در اسلام استفاده از تمام مظاهر تمدن و تجدد مجاز است؛ مگر اینکه فساد اخلاق و عفت،

بار بیاورند و مخالف با مصالح ملت باشند، بنابراین فساد موجود در تمدن غربی که در اثر نیاز به ذخایر موجود در کشورهای اسلامی ایجاد شده از پیامدهای استعمار فرهنگی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۲/۵؛ ۲۸۳/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

د) رسانه‌های گروهی وابسته. روزنامه‌ها، مجلات و رسانه‌های گروهی وابسته، به عنوان ابزارهای فرهنگی برای رشد سرمایه‌داری عمل کردند. به دنبال ورود چاپخانه و نخستین آشنایی مسلمانان با غرب، کم‌کم روزنامه‌ها و مجلات در کشورهای اسلامی ظهور کردند و نخستین روزنامه‌ها را کسانی تأسیس کردند که یا تحصیل کرده غرب بودند و یا با منابع و شیوه‌های غربی آشنایی داشتند، دولتهای استعماری به‌طور غیر مستقیم عوامل دست‌نشاندهی خود را به انتشار روزنامه و مجلات تشویق نموده و اندیشه‌ها و ارزشهای غربی را ترویج کردند. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۷۰) از سوی دیگر رادیو و تلویزیون، سینما و تئاتر نقش مهمی در جهت ساختن افکار عمومی در تربیت جامعه به عهده دارند. در اکثر کشورهای اسلامی، رسانه‌های گروهی به‌طور کلی در انحصار دولتها قرار دارند و اگر دولتها به وسیله عمال غرب زده و سرمایه‌داری اداره شوند، با ارائه فیلمها و محصولات غربی در رشد فرهنگ غربی تأثیر فراوانی داشته و افراد را نسبت به شخصیت فرهنگی و تاریخی و سنتی خود بیگانه می‌سازند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۵/۹-۲۰۶/۱۱؛ ۴۲۹/۱۲؛ ۲۶/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵؛ ۱۳۶۹/۹/۲۸؛ نقوی، ۱۳۷۷، ۱۷۲-۱۷۳) رژیم پهلوی نیز به‌عنوان نظام دست‌نشانده استعماری در ایران، جهت وابسته ساختن فرهنگ ایرانی به تمدن غربی، به وسیله نشر مطبوعات، روزنامه‌ها، مجلات و کتابها به ترویج انواع مفاسد اخلاقی و جنسی در سطح جامعه و بین جوانان پرداخت تا بدین وسیله اخلاق عمومی مردم را متزلزل کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۹/۱؛ ۳۰۰؛ ۲۶/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۴/۱۹) از این رو، فرهنگ فساد و به ابتذال کشاندن نسل جوان، تخدیر افکار و وابستگی فکری مردم را در برداشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۵/۸-۳۹۶)

استعمار اقتصادی. الف) تجاوز به حریم طبیعت. دیگر نتایج خطرناکی که سیطره سرمایه‌سالاری به دنبال دارد، مسئله تجاوز به طبیعت است. حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بهره‌مندی آزمندانه نظام مسلط جهانی از طبیعت، سبب تخریب کره زمین و زیست‌گاه بشریت شده است. به دنبال

گسترش تولید و رشد صنعت و کارخانه‌های صنعتی، آلودگی‌های زیست محیطی، همه بخشهای طبیعت را متوجه خود ساخته است. آلودگی آنها در سراسر جهان، آلودگی زمین و هوا، افزایش روزافزون گازهای گلخانه‌ای و نیز آلودگی صوتی از جمله مواردی است که در اثر توسعه صنایع و افزایش مصرف در سطح جهانی، طبیعت و حیات را سخت محصور خود ساخته است. در واقع کشورهای صنعتی با آسیب به محیط زیست به حقوق بشریت تجاوز نموده و به واسطه این سیاستها، فقر و ویرانی و بیماری را بر انسانها تحمیل نموده‌اند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۵۹/۲۲؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۱/۲۱؛ رفیعی، ۱۳۸۰، ۱۴-۱۷؛ فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۹۱-۹۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۲/۳/۲۰)

ب) تجارت سیاه. مصرف‌گرایی و تک محصولی نمودن کشورهای جهان سوم و غارت ذخایر خام و طبیعی آنها، سیاست استعماری در تداوم حیات تجاری و اقتصادی خویش است و رشد اقتصادی آنان و امداد واردات کشورهای جهان سوم میباشد و بدین منظور تشکیل تراست‌ها و کارتل‌ها جهت به وجود آوردن بازار سیاه و تجارت نامشروع یاری دهنده آنها می‌باشند. (منصوری، ۱۳۷۸، ۱۴۶-۱۴۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۷؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸)

به‌عنوان نمونه نظام سرمایه‌داری استعماری جهت رونق کارخانه‌های بزرگ تسلیحاتی و حفظ منافع مادی خود و از طرفی به منظور تسلط خود بر کشورهای دیگر و جلوگیری از رشد و توسعه آنها و به منظور سرکوبی و ارباب حرکت‌های مردمی علیه استعمار، تجارت شیطنی اسلحه و ابزار شکنجه را در صدر تولیدات و صادرات خود قرار داده و با کنار گذاشتن همه اصول اخلاقی و انسانی بازار فروش و رقابت در خرید تسلیحات کشتار جمعی را در جهان گسترش داده است. به طوری که امروز به اصطلاح متمدن‌ترین و پیشرفته‌ترین جوامع غربی سازنده و فروشنده مخرب‌ترین سلاح‌های جهان‌اند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۱/۱۱؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹)

ج) اختلاف طبقاتی. در کشورهای پیشرفته که سیستم‌های سرمایه‌سالار بر اقتصادشان حکم فرماست به وضوح توزیع نابرابر ثروت مشاهده میشود و اختلاف طبقاتی، حاصل میزان سهم افراد در استفاده از کالاهای مصرفی، ابزار تولید و داشتن سرمایه و سرمایه‌گذاری است و این اختلاف افراد در دستیابی به ثروت و سرمایه، منجر به پدید آمدن دو قشر غنی و فقیر

سرمایه‌داری / ۴۸۳

در جامعه خواهد شد. (ویر، ۱۳۷۴، ۷۰-۷۲؛ گیدنز، ۱۳۸۱، ۲۴۱-۲۴۸) در نظام اسلامی، تنها راه چاره، جهت پر کردن شکاف تبعیض، برقراری عدالت اجتماعی و تعدیل سرمایه می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۱/۴: ۴۷۰/۸-۴۷۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱: ۱۳۸۱/۴/۲۶: ۱۳۸۳/۳/۱۴) اسلام نه جلوی سرمایه را می‌گیرد و نه تمرکز ثروت در دست افرادی محدود را می‌پذیرد، بلکه با تعدیل ثروت از اختلاف طبقاتی جلوگیری می‌کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۰/۸-۴۷۱) و تفاوت طبقاتی حاصل تبعیض، بین طبقه فقیر و غنی را، توزیع نابرابر ثروت و فقدان عدالت اجتماعی معرفی می‌کند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۰/۵۱۸-۵۲۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱/۱۵: ۱۳۸۵/۲/۱۲) از این رو، عدالت در نظام اسلام، به منظور رفاه عمومی و ایجاد تعادل و توازن در ثروتها و درآمدها صورت می‌گیرد (صدر، بی‌تا، ۳۳۲/۱-۳۳۳) که عامل حفظ جامعه از شکاف طبقاتی و ریشه‌کن کردن فقر و نجات محرومین است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۸/۶: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۹: ۱۳۷۱/۳/۱۴: ۱۳۸۲/۵/۱۵)

استعمار سیاسی. الف) ایجاد نظام استبداد داخلی فاسد. یکی دیگر از پیامدهای غیرمستقیم نفوذ استعمار در جهان اسلام، استبداد داخلی است. زمامداران خودکامه و مستبد و فاسد به عنوان نوکران غربی در جهان اسلام، با وادار کردن مردم به رهایی از ارزشهای اصیل و بومی خویش، آنها را به پیروی از موازین و عادات غرب دعوت می‌نمودند؛ این تحمیل و زورگویی، به جهت حفظ تاج و تخت و درعین حال افزون‌طلبی و قدرت‌خواهی و سودای کشورگشایی بوده است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۴: ۱۳۸۰/۱۱/۳: ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) حکام مستبد در کشورهای اسلامی که معمولاً از یک خاندان سلطنتی، خانواده یا گروهی از نظامیان بودند؛ در اثر فقدان پایگاه و جایگاه مردمی، مجبور بودند که با اتکا به قدرتهای خارجی و متوسل شدن به زور، جلوی طغیان مردم را بگیرند و به همین دلیل، در اعمال خود از غریبان تبعیت می‌نمودند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲۲/۶-۵۲۳؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۷/۲۸: ۱۳۸۹/۸/۵) نمونه این حکام مستبد، حکومت رضاخان و محمدرضا شاه در ایران بود که اولی با کودتا و دومی، با حمایت دول غربی روی کار آمدند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۴/۳، ۴۹۰: ۲۰۵/۴: ۶۱/۵: ۳۳۰/۷: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۸/۱/۱) این دستگاه‌های خودکامه در پی ترویج فساد، همواره کوشیده‌اند یا مذهب را سوء تعبیر کنند و در یک قالب جامد و

راکد و تخدیری مطرح کنند (ایران دوره قاجار) و یا اعتقادات مذهبی را در جامعه سست و متزلزل و یا ریشه‌کن کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۹/۹، نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۹-۱۴۱؛ ← رژیم پهلوی) در نظام پهلوی، همه منابع حیاتی، مادی، انسانی و معنوی رو به نابودی و غارت بیگانگان رفته و به خارجیان چپاولگر و سوداگر فروخته میشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۶؛ همو، مکتوبات، ۱۳۶۹/۳/۱۰) حکام وابسته درصدد این بودند که با تهی نمودن معنویت انسانی مردم را به سمت فساد و بی‌بندوباری سوق دهند تا به خودباختگی رسیده و استقلال در ابعاد مختلف برای آنها مفهومی نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴؛ ۱۳۷۷/۷/۱۵)

ب) فرقه‌سازی مصنوعی. اسلام ناب محمدی ﷺ، همواره سد محکمی در مقابل اجانب بوده است که دشمنان برای شکستن این سد از راه‌های مختلفی چون: مسلط کردن عمال خبیث بر دولت‌های اسلامی و ایجاد مذاهب باطله چون بهائیت و وهابیت و فرق انحرافی استفاده نموده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۴/۳) این ادیان و مذاهب ساختگی با هدف شکاف و تفرقه در دنیای اسلام پدید آمده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۵؛ ۱۳۶۸/۱۰/۵) استعمار و در رأس آنها انگلیس و آمریکا، همیشه برای مقابله با اسلام به حمایت از فرق الحادی و ضد اسلامی پرداخته‌اند تا بدین طریق به مقاصد خود دست یابند. در عربستان، تجزیه نیروهای اسلامی با طرح مسئله وهابیت و حمایت از سران آنها انجام شد. وهابیان با حمایت انگلیس بر سراسر عربستان مستولی شده و تحت امکانات گسترده به نام اسلام و تحت پرچم اسلام و با تولیت حرمین شریفین، در پی اجرای توطئه‌های نظام کفر جهانی علیه اسلام برآمدند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۶/۲۱؛ اسدعلی‌زاده، ۱۳۸۴، ۸۴، ۸۸؛ منصور، ۱۳۶۹، ۴۸-۴۹) حرکت‌های تفرقه‌گرایانه دیگری چون سپاه صحابه در پاکستان و طالبان در افغانستان و فعال شدن وهابیان در کشورهای تازه استقلال یافته مسلمانان در آسیای میانه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گویای این واقعیت است که وهابیت برای تأمین منافع استکبار جهانی شکل گرفته است. در حقیقت وهابیت به‌عنوان بهترین ساز و کار ایستادگی استعمار در برابر اسلام ناب و انقلاب اسلامی ایران بوده است. استکبار جهانی با اهداف و برنامه‌ریزی‌های سلطه‌جویانه به‌عنوان عامل سیاسی، و وهابیت به‌خاطر روح ضد شیعی و ضد اسلامی به‌عنوان عامل مذهبی، در بدنام کردن اسلام و انقلاب اسلامی

ایران کوشیده‌اند. (اسدعلی زاده، ۱۳۸۴، ۸۹، ۹۹-۱۰۱)

در ایران نیز، رژیم پهلوی در راستای اسلام‌زدایی کوشید تا با فرقه‌گرایی و ترویج انواع فرق مذهبی منحرف، مردم را از اسلام ناب جدا سازند. رضاشاه و محمدرضا شاه که با هرگونه تبلیغ اسلام و برپایی جلسات مذهبی مخالف بودند در عین حال فضا را برای آخوندهای درباری وابستگان خود فراهم می‌آوردند تا دین مردم را به تحریف بکشانند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲/۱۳-۳۳: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۶؛ ۱۳۷۴/۸/۱۰؛ نصری، ۱۳۹۱، ۱۹۴-۱۹۵)

رژیم پهلوی برای مقابله با اسلام حقیقی، به ترویج گرایش منحرفی چون تصوف پرداخت و تلاش کرد که خانقاه را به جای مسجد مطرح کند و پایگاه حقیقی عبادی اسلام را نابود کند. از دیگر فرق انحرافی، بهائیت و بابیت بود (نصری، ۱۳۹۱، ۱۹۴-۲۰۰) که برای مقابله با فرهنگ اسلامی و اختلافات دینی و انحرافات فکری و اعتقادی و گمراه کردن مردم و دور کردن آنها از تعالیم اسلامی به وجود آمده بود (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۲۹؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۷) و همه اینها مولود مظاهر نظام سرمایه‌داری و نیاز جوامع غربی بود.

ج) ایجاد اختلافات قومی و منطقه‌ای. تفرقه کشورهای شرقی و اسلامی و صف‌آرایی آنها در مقابل یکدیگر، دسیسه استعمار غربی است که با ایجاد تفرقه بین کشورهای شرقی و اسلامی، سلطه‌ی قدرتهای بزرگ بر آنها به راحتی صورت می‌گیرد و وابستگی جوامع شرقی و دخالت‌های قدرتهای بزرگ در امور داخلی آنها تداوم می‌یابد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۴/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۶) به زعم غربی‌ها، وحدت و همبستگی جوامع شرقی، مانع دستیابی به ذخایر آنها خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۷/۷) غربی‌ها، برای ایجاد اختلاف و تفرقه در سطح ملی از ابزاری چون زدن به اختلافات مذهبی، زبانی و قومی اتباع داخلی کشورها استفاده نموده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۴/۱۱؛ ۳۹۹/۱۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۸/۸؛ ۱۳۹۰/۷/۱۱) و در سطح فراملی نیز به منظور تحقق اهداف استعماری خود، با طرح دعاوی مرزها و ایجاد تعصبات غیر منطقی و احساسی و بروز اختلافات، کشورهای اسلامی را به جان یکدیگر انداخته و به جنگ علیه یکدیگر تشویق می‌کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۹/۱؛ ۳۴۶/۱۸؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۱۶؛ ۱۳۸۵/۵/۱۷)

از این رو، عقب‌ماندگی، برآیند پیامدهای استعمار می‌باشد. با توجه به پیامدهای

استعمار، عقب‌ماندگی جوامع ملموس و محسوس خواهد شد و در واقع عقب‌ماندگی، برآیند و نتیجه نفوذ سرمایه‌داری در جوامع است، بدین ترتیب، توسعه‌ی هر ملتی، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان خواهد داشت، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۱۱) در یک جامعه‌ی آزاد، رکود و سکون و توقف، عامل جمود و تحجر و کهنگی است و این شاخصه‌ها، مخالف با اصول توسعه و ترقی است و اساس پیشرفت، در رشد، نوآوری و حرکت رو به جلو بر پایه‌ی ارزشهای اسلامی و انقلابی و رهایی از خودباختگی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱؛ ۱۳۷۹/۲/۲۳؛ ۱۳۹۰/۷/۲۷) زورگویی و تحمیل حکام مستبد داخلی و رواج فرهنگ غربی از سوی آنها، قدرت ابتکار و خلاقیت و تولید را از ملتها سلب نموده و جوهره جامعه را زبون و خوار و راه تسلط بیگانگان و وابستگی را به سوی جوامع باز خواهد ساخت. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۴۱) تقلید کورکورانه از غرب و غافل ماندن از هویت و فرهنگ و خلاقیت خودی، به‌عنوان عامل وابستگی و منشأ همه بدبختی‌های مسلمین، نتیجه‌ای چون عقب‌ماندگی، در بر نخواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۵/۲۱: ۴۱۵-۴۱۶) چنانکه در سالهای پیش از انقلاب، جامعه ایران در فضای تیره و تاریک غرب قرار گرفته بود و در تصمیم‌ها و امور مملکت آزادی نداشت و وابسته اوامر و نواهی بیگانگان بود، که همین امر، سد راه پیشرفت کشور شده بود. در آن دوره، ایران، سراسر وابستگی و عقب‌ماندگی بود که در این میان، وابستگی اقتصادی شدت بیشتری داشت و این رژیم مانع پیشرفت و رشد در اقتصاد کشور شده بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۳، ۵: ۳۴۱/۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱۰) رژیم پهلوی به‌عنوان دست‌نشانده دول استعماری در ایران، به بهانه صنعتی و مدرنیزه کردن کشور، سرمایه‌های داخلی کشور را برباد داده و با وارد کردن کالاهای لوکس و تجملی، ایران را در مسیر تولید اندک و مصرف انبوه کالاهای وارداتی قرار داده و آن را به بازار مصرفی فرآورده‌های غربی تبدیل نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۳۹۰)

مقایسه‌ی الگوی سرمایه و سرمایه‌داری در غرب و اسلام

در نگاه اسلامی اصول و ارزشهایی وجود دارد که توجه به آنها موجب محدودیت و هدایت سرمایه میشود؛ از این رو، اختلاف مکتبها، ناشی از اختلاف آرای مکاتب در

سرمایه‌داری / ۴۸۷

جهان‌بینی و مبانی فکری آنهاست. تفاوت اسلام و سرمایه‌داری در این است که مکتب توحیدی اسلام، مکتب انسان‌سازی و نظام سرمایه‌داری، مکتبی مادی‌گرا است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۸۱)

در عرصه مبانی؛ سرمایه‌داری، با اصالت دادن به سرمایه، اقتصاد را زیربنای اساسی قرار می‌دهد و سرمایه عنصر کلیدی در سرمایه‌داری است که تحت مالکیت خصوصی است و اقتصاد سرمایه‌داری تحت سلطه و گرایش بی‌حد و حصر انباشت سرمایه می‌باشد، (والرشتاین، ۱۳۸۱، ۱۷-۲۲) همین اصالت دادن به سود و سرمایه و غفلت از ارزشهای الهی است که موجب می‌شود انسان از مرتبه قدسی و الهی خویش فاصله گرفته و به پایین‌ترین درجه حیوانیت منحط گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۴۵۰؛ ۱۳/۲۸۹-۲۹۱) در حالی که این دیدگاه در اندیشه انقلاب اسلامی نفی شده و اقتصاد، وسیله‌ای برای اهداف متعالی و دینی و توحیدی می‌باشد. نگاه اسلام به ثروت و سرمایه، به عنوان نعمتی الهی و معنوی است که در خدمت رفاه عمومی مردم جامعه و به دور از منفعت شخصی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۰/۱۳۸۹)

مادی‌گرایی

نظام مادی سرمایه‌داری غربی، آکنده از مادیت است و به دلیل محصور بودن انسان در چهارچوب منافع مادی و دنیایی، از مبدأ و معاد فاصله گرفته و مبتنی بر مادی‌گرایی است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۱۳۷۴) از دیدگاه اسلام، مادی‌گرایی و دنیاگرایی به مفهوم اصل قرار گرفتن دنیا و فراموش کردن آخرت مذموم است، اما توجه به امور دنیایی در حد رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد یک زندگی مادی مناسب و آباد کردن جامعه و استقلال آن مورد تأیید است. در اسلام توجه به امور مادی تأکید شده، اما نه آنکه موجب غفلت از خدا و تعالی معنوی شود و از این دیدگاه، در جامعه‌ای که مادیات در اختیار معنویات نباشند و تمام توجه به سوی ماده و مادیات باشد، اختناق و خونریزی حکمفرما می‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۸۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۱۳۷۴)

انسان گرایی

انسان مادی غربی، خود را محور و مرکز جهان طبیعت میدانند و همه چیز را از انسان شروع و به انسان ختم میکنند و هدف او تسلط بر طبیعت و دنیایی بهتر است. (دیویس، ۱۳۷۸، ۲۸؛ رک: آرپلاستر، ۱۳۶۷، ۱۴۶-۱۴۸) در حالی که در اسلام، هدف از خلقت انسان، رسیدن او از بُعد مادی و طبیعی به عالم فراماده و شهود است که امکانات مادی ابزاری برای رسیدن او به این مقصد میباشدند. از نظر اسلام، انسان، موجودی راکد و آرام نیست و همواره تلاش و کوششی پیگیر، او را به حرکت وادار و به سرمایه دار شدنش ترغیب میکند. اما به سرمایه داری کوثری و درونی و نه تکاثری و بیرونی. سرمایه تکاثری در این بینش مردود است چون، این سرمایه از بیرون شکل میگیرد و در جایی انباشته میشود و مادی است، بنابراین سرمایه داری باید از درون شکل گیرد و در واقع کوثری باشد تا در بیرون ثروت شگفت انگیزی حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۹۷-۹۸)

سکولاریسم

پدیده سکولاریسم یا وانهاده شدن دین از زندگی و حکومت و در واقع غیر قدسی شدن، غیر روحانی شدن، عرفی شدن دین و جدایی دین از سیاست از مبانی نظام سرمایه داری است که بشر مدرن با رهایی از معنویت و اخلاق بدان دچار شده است. (الیاده، ۱۳۷۴، ۱۲۷-۱۲۹) از نظر اسلام طرح جدایی دین و سیاست، زاییده تمدن غرب بود که به جوامع غیر غربی نیز راه یافت و از جمله توطئه های دشمنان در تحریف اسلام به شمار می آید به طوری که در زعم آنها، اسلام تنها در بردارنده احکام عبادی اخلاقی است و در سیاست، جامع احکام نمیباشد. (امام خمینی، بی تا «ب»، ۱۰-۱۱) اما اسلام قبل از اینکه دین معنویات باشد، دین سیاست است و احکام سیاسی آن بیشتر از احکام عبادی آن میباشد و در واقع، دین، همان سیاستی است که مردم را به پیش میبرد و جامع احکامی است که به صلاح ملت است و صلاح مردم هم، رسیدن به سعادت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۴۳۳)

عقل‌گرایی

انسان مدرن، عقل را برای اداره و رسیدن به تمام نیازهای خود کافی میدانند و به زعم آنها هرکس بتواند بیشتر از عقل خود استفاده ابزاری کند، انسانی عاقل‌تر است. (آوی، ۱۳۶۸، ۳۰۳) اما در اسلام، عقل، عامل برتری انسان نسبت به حیوان معرفی شده است و برای اداره امور جامعه و روزمره‌ی انسانها کفایت میکند، اما برای رسیدن به رستگاری و سعادت واقعی که همان تعالی معنوی است کافی نبوده و انسان به شهود معنوی نیازمند است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۵/۴، ۱۸۸، ۲۱/۲۲۲) انسان عاقل در نظام سرمایه‌داری، فردی است که فقط برای رسیدن به نفع شخصی به فعالیتهای اقتصادی می‌پردازد و از این باب فرد گرا بودن انسان مدرن نیز نمود پیدا میکند و منفعت فردی خود را در تقدم مصالح جمع میدانند. (ژید، ۱۳۷۰، ۱۳۶/۱، آربلستر، ۱۳۶۷، ۵۵-۵۶) اما در اسلام، مصالح جمع بر منفعت فرد تقدم می‌یابد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵؛ ۱۳۷۲/۵/۱۲)

آزادی اقتصادی

آزادی مطلق اقتصادی و تسلط به سیاست و حاکمیت ملی و ابزار تولید، خصیصه نظام سرمایه‌داری است. (هایلبرونر، ۱۳۷۰، ۷۱-۷۲؛ نمازی، ۱۳۷۴، ۷۰-۷۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۴) قدرت در امور اقتصادی منحصر به افراد معدود است و افراد به منفعت شخصی خود فکر نموده و آن را بر مصلحت عموم ترجیح خواهند داد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱) و چه بسا ممکن است به تولیدات مخرب بیانجامد. در اسلام، این نوع فعالیتها، به مکاسب محرمة تعبیر میشود. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۲/۲۰-۵۶۴-۵۶۸)

رقابت آزاد

در نظام سرمایه‌سالار غرب، انگیزه اقتصادی برای رقابت آزاد در فعالیتهای اقتصادی و تولید، به نفع سود شخصی است. (نمازی، ۱۳۷۴، ۷۱) رقابت آزاد در این نظام به منظور پیشرفت و رسیدن به قله‌های مادیت و آزادی فردی و مالکیت خصوصی است و به رقابت سالم معنا نمیشود. در واقع رقابت، جدال برای بقای گروهی معدود است که به دلیل عقلانی

رفتار نمودن صاحبان سرمایه و مسلط شدن بر گروه دیگر، راه رقابت مسدود و تقلیدگرایی جایگزین آن خواهد شد و با رواج تقلیدگرایی، ابتکار و خلاقیت و نوآوری در تولید را از دیگران سلب خواهند کرد. (غنی نژاد اهری، ۱۳۷۶، ۲۱۵-۲۳۳) در نظام اسلامی، اقتصاد تعاونی برخلاف اقتصاد انحصاری در نظام غرب، و مشارکت اقشار جامعه با سرمایه داران و به کارگیری سرمایه و ابتکار و کارآفرینی در بخش تولید از ملزومات پیشرفت و رشد اقتصادی و ایجاد تولید و ثروت بیشتر در جامعه، محسوب می‌شود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۶/۴؛ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰؛ ۱۳۸۹/۶/۱۶)

ابزار تولید و کار

در نظام سرمایه‌داری تمام ابزار تولید، تحت مالکیت فردی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۱/۲۰) در اسلام نیز مالکیت فردی مجاز است (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۷/۲۰) و یکی از مسائل مهم در تولید این است که - برخلاف نظام سرمایه‌داری - هیچ‌کس نمیتواند امتیاز انحصاری استفاده از منابع خدادادی را به دست آورد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲) این مسئله در اصل ۴۷ قانون اساسی، مبنی بر محترم بودن مالکیت مشروع و مبتنی بر ضابطه قانون و نیز در اصل ۴۸، مبنی بر عدم سلب امتیاز مالک از دیگری در کسب و کار مشروع، آمده است. منفعت طلبی شخصی، تکثیر تولید، استثمار و بهره‌کشی اقتصادی و نگاه ابزاری به کارگران (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۶؛ ۱۳۶۹/۱/۱۰؛ ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) و برقراری نظام کارفرما و کارگری و مالکیت ثروت به وسیله استخدام نیروی کارگر و تعیین مزد کارگر توسط کارفرما، خاص نظام سرمایه‌داری است. (اسمیت، ۱۳۵۷، ۲۸-۲۹، ۵۸-۷۶) البته در اسلام اصل استخدام و مزد دادن در کارهای غیر تولیدی را مجاز می‌دانند. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۷/۲۰-۵۶۸) چنانچه این مشخصه، در بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، با عنوان تأمین شرایط و وسایل مورد نیاز به شکل تعاونی و عدم تداول و تمرکز ثروت در دست افراد معدود و جلوگیری از نظام کارفرما و کارگری آمده است. از دیگر سو، ابزار تولید که نتیجه پیشرفت علم و نبوغ بشری است؛ می‌بایستی در خدمت اجتماع باشد، ولی در نظام سرمایه‌داری غرب، با خرید این ابزار و به کارگرفتن نیروی کارگر، سود تولید عاید سرمایه داران خواهد شد. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۸۰/۲۰-۴۸۱)

سرمایه‌داری / ۴۹۱

۴۹۴، ۴۹۶-۴۹۷) متمرکز شدن کار و تولید و ابزار تولید و سرمایه در دولت و انحصار پیشرفت و رونق اقتصادی و ثروت و درآمد ملی به هر شیوه و روش و نادیده انگاشتن قشر ضعیف، در نظام اسلامی مورد مخالفت و نقد قرار می‌گیرد؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۱۲) چرا که نظام اقتصاد اسلامی، نظام رفاه عمومی و عدالت اجتماعی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲)

افزایش سود

در اسلام سود تجاری بر حسب چهارچوب و ضوابط شرعی تجویز شده است که خود، عامل افزایش ثروت است (صدر، بی‌تا، ۴۰۴/۱) و اساساً سرمایه از آن جهت که سرمایه است نمیتواند سود داشته باشد؛ یعنی سود و ارزش فقط مربوط به کار میباشد و سرمایه به هیچ شکل نمیتواند تولید سود کند. بنابراین ربا، به عنوان سود سرمایه، غیرطبیعی است. براین اساس، سود، متعلق به کار است و حقیقت تجارت، کاری است که متصدی توزیع باشد؛ زیرا تولیدکننده همیشه نمیتواند خودش توزیع‌کننده هم باشد. تجارت مورد قبول اسلام، در واقع نوعی فعالیت مفید اقتصادی است که شارع آن را مجاز دانسته است. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶، ۵۱-۵۵، ۴۳) در مقابل این دیدگاه، اساس کار سرمایه در نظام سرمایه‌داری، در انحصار و احتکار و رباخواری است، (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۲/۲۰، ۵۶۴، ۵۶۸) چنانچه این نکته یکی از مفروضات نظام اسلامی است و در بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انحصار، احتکار، ربا و معاملات حرام در امور اقتصادی منع شده است. این‌گونه روابط غیر اسلامی اقتصادی، عامل پیدایش نیروهای سرمایه‌داری و تفاوت طبقاتی (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۲/۵-۲۹۳) و هرگونه زد و بندهای فساد انگیز و استفاده از راه‌های نامشروع، عامل رکود نظام سرمایه و بازماندن فعالیت‌های اقتصادی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

توزیع

اسلام دستگاه توزیع جامعه را به صورتی در می‌آورد که حقوق فرد و اجتماع را در آن محقق می‌سازد و مانعی برای فرد و حقوق و تمایلات طبیعی او به وجود نمی‌آورد؛ علاوه بر اینکه عزت جامعه را سلب نکرده و حیات آن را به مخاطره نمی‌اندازد. از این رو سازمان

توزیع در اسلام از دو عنصر اصلی کار و احتیاج تشکیل یافته است. (صدر، بی‌تا، ۳۸۸/۱) کار در نظر اسلام، پایگاه مالکیت کارگر است؛ زیرا هر کارگر به وسیله کار از ثروتهای طبیعی که به دست می‌آورد بهره‌مند میشود و حاصل کار خویش را به تملک درمی‌آورد (صدر، بی‌تا، ۳۹۲/۱) و این در حالی است، که در نظام سرمایه‌داری، مزد، نصیب عامل انسانی یعنی کارگر میشود و سود و بهره به صاحب سرمایه میرسد. (اسمیت، ۱۳۵۷، ۵۶-۵۷؛ صدر، بی‌تا، ۱۸۶/۲)

در اسلام، کار در کنار احتیاج، وسیله‌ای برای توزیع است و نقش مثبتی را ایفا میکند. احتیاج حق ثابت انسانی است و وسیله اصلی توزیع است و در جامعه اسلامی برآورده شدن نیازها، ضمانت شده است. وقتی کار وسیله‌ای برای توزیع باشد رقابت و اندیشه ترقی خواهی، افراد نابغه را برمی‌انگیزد تا با همه خلاقیت‌های خود در پیشرفت تمدن بکوشند. (صدر، بی‌تا، ۳۹۴/۱) اما در نظام سرمایه‌داری، احتیاج به معنای رانده شدن فرد از صحنه توزیع است نه آنکه وسیله‌ای برای توزیع ثروت باشد؛ در جامعه سرمایه‌داری هر چه احتیاج فرد افزایش یابد به همان نسبت، سهم آنان از توزیع کاهش می‌یابد تا اینکه به خروج تعداد بسیاری، از صحنه کار و توزیع منجر میشود و این به دلیل افزایش نیروهای کارگری است که به‌عنوان یک کالا به آن نگریسته شده و دستمزد کار با افزایش عرضه بر تقاضا، کاهش می‌یابد. (اسمیت، ۱۳۵۷، ۷۶-۷۷؛ ۲۳۱-۲۳۲؛ صدر، بی‌تا، ۳۹۸/۱)

تولید و توزیع در نظام اسلامی و حاکمیت مصالح فرد، برگرفته از حاکمیت احکام اسلامی و دستوره‌های شرعی است و چه بسا تولید و توزیع در جامعه بسته به نیازهای عموم جامعه باشد. (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ۹۴-۹۷، ۱۱۶) در نظام اسلامی، رشد اقتصادی به منظور عدالت اجتماعی و رفاه عمومی مردم جامعه صورت می‌گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۸) ولی در نظام سرمایه‌داری، عدالت و رفاه معنی ندارد و هر چه هست ازدیاد ثروت و رفاه مادی فردی است و رشد و توسعه اقتصادی بدون در نظر گرفتن توزیع آن انجام میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲؛ ۱۳۸۳/۶/۴) و به دلیل همین توزیع نابرابر و اختلاف در ثروت است که نظام ارباب رعیتی به وجود آمده و عده‌ای در معیشت خود وابسته به دیگری هستند و همواره مورد استثمار و ظلم قرار گرفته و تفاوت طبقاتی را احساس میکنند. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۳/۲۰) نظام اسلامی، اختلاف در فقر و غنای طبقات که حاصل کمی دستمزد یا به واسطه بیکاری است را مردود

و نتیجه ظلم و استثمار میدانند. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۱/۲۰، ۵۶۴، ۵۶۷) و از سویی دولت، با منافع مالی سرشاری همچون انفال موظف به رفع فقر در جامعه می‌باشد و از سویی دیگر مردم با پرداخت خمس و زکات و کفارات، تکلیف خود را در برابر فقرای جامعه انجام می‌دهند و با امید تقرب به خداوند و رسیدن به ثواب اخروی، به اعمالی چون صدقه، وقف، قرض و عاریه دست می‌یازند. (امام خمینی، بی‌تا «الف»، ۳۷۸/۱-۳۸۱؛ همو، ۱۴۲۱، ۲/۶۶۳-۶۶۴؛ میرمعزی، ۱۳۹۰، ۲۰۱-۲۰۳)

مصرف

مصرف‌گرایی، پیامد نظام سرمایه‌داری است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۴/۲۳) که تشکیل «تراست‌ها» و «کارتل‌ها» نیز به منظور استثمار تولید کننده و مصرف‌کننده صورت گرفته است. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۶۴/۲۰، ۵۶۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸) پدیده مصرف‌گرایی در این نظام چنان است که به منظور افزایش سود با اسراف در مصرف منابع اولیه، به بحران جوامع در آینده فکر نمی‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۹/۴) اسلام با تولید ثروت و ایجاد ثروت مخالف نیست؛ بلکه با مصرف‌گرایی و اسراف مخالف است و از این دیدگاه، هر آنچه از تولید ثروت به دست می‌آید اگر مجدداً خرج تولید ثروت شود، از راکد ماندن مال و اسراف جلوگیری خواهد کرد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱/۱، ۱۳۸۷/۲/۱۴؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰) به طوری که، اعتدال در مصرف‌گرایی و قناعت، در رشد جامعه و مرتفع ساختن بسیاری از مشکلات از جمله فقر و تبعیض طبقاتی مؤثر خواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵؛ ۱۳۸۱/۹/۱۵)

راهبردها و راهکارهای مقابله با نظام سرمایه‌داری

نظام سرمایه‌داری با فرمانروا ساختن سرمایه، سعی نموده تا پول و ثروت را بر همه ابعاد زندگی بشری و ارکان تمدن و جوامع بشری مسلط گرداند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵) این نظام با ادعای جهان‌شمولی در پی در هم شکستن مرزها مطابق اهداف و منافع خویش و ایجاد مرزهای ساختگی تحت سیطره خود می‌باشد تا زمینه را برای سلطه کامل امپریالیسم هموار سازد، از این رو، استعمار و استکبار، بزرگترین بلا در صحنه بین‌الملل محسوب می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۸/۱۴) نظام سلطه همچون سرطان و اختاپوسی خطرناک گریبانگیر دنیا

شده است و از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادیگری سوق داده و معنویت را از آنها سلب نموده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰؛ ۱۳۷۴/۹/۲۹؛ ۱۳۸۰/۱/۲۸)

سرمایه‌داری در چهره سیاسی - نظامی خود که ناشی از تکاثر ثروت و افزون‌طلبی و فساد در صنعت ماشینی بود به صورت اشغال سرزمینهای ملل مستضعف و در چهره استعمار اقتصادی با تبدیل کشورهای شرقی به بازارهای کالاهای غربی و در چهره عقیدتی و فرهنگی و اجتماعی، به صورت استحاله فرهنگ آنها به صورت موجودات مصرف‌کننده پدیدار شد. (نقوی، ۱۳۷۷، ۱۳۶) تکیه بر تعالیم آسمانی، یک راهبرد اساسی برای مقابله با نظام سرمایه‌داری است که برای رسیدن به آن میتوان از راهکارهای مقابله با سرمایه‌داری در سطح ملی و فراملی بهره گرفت:

راهبردها

ساختن جامعه‌ای مترقی با تکیه بر تعالیم آسمانی. اسلام با نفی اصول و مبانی سرمایه‌داری، زمینه رشد جامعه‌ای متعالی را فراهم میکند و ضمن پذیرش اصل سرمایه، با هر گونه مال‌اندوزی مقابله میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۰/۸-۴۷۲) در اندیشه انقلاب اسلامی، اگر امتها به واسطه سازماندهی اصولی و دقیق، روابط اقتصادی خود را بر پایه قوانین اسلامی، در جهت‌گیری کلی به نفع محرومان و فقرزدایی قرار دهند، میتوانند در پرورش استعدادها، رشد ثروت ملی و افزایش درآمدها و توان اقتصادی به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۹/۲۰-۳۴۱) و لذا در این جهت برای احیای مبارزه با نظام سرمایه‌داری در جهان در میان جوامع اسلامی و ایران، طرح رویارویی همیشگی با سرمایه‌داری را مطرح نمودند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۶۴-۴۶۵؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۹۹/۴، ۲۱۴)

آگاهی نسبت به پیامدهای سرمایه‌داری. یکی از راهبردهای اساسی در مقابله با نظام سرمایه‌داری، آگاهی مردم از پیامدهای این رژیم در دیگر جوامع است. اساسی‌ترین پیامد سرمایه‌داری، استعمار است که در فضاها، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جوامع، رسوخ و نتایج آن در عقب‌ماندگی، وابستگی و خودباختگی جوامع نمود پیدا میکند. از این رو مردم، با درک و آگاهی درست از این پیامدها دریافتند تا زمانی که وابستگی در میان مردم

سرمایه‌داری / ۴۹۵

باشد راه پیشرفت بر جامعه بسته خواهد شد و همواره تحت سلطه قرار خواهند گرفت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴) از این رو، جهت‌گیری اقتصادی سالم در راستای حفظ منافع محرومین، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۰/۲۰) پرورش روحیه مشارکت مردمی و رسیدن به خودکفایی و استقلال به منظور برآیند درک صحیح و درست مردم از پیامدهای سرمایه‌داری و مقابله با این نظام صورت گرفته است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۴/۱۸-۳۴۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱۵؛ ۱۳۷۵/۶/۸؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴)

راهکارها

بیدارگری، هشیاری و ایستادگی در برابر ترفندهای سرمایه‌داری. تبلیغات دروغین غرب به شیوه روانشناسی و علمی در تخدیر افکار عمومی، شیوه معمول سرمایه‌داری غرب است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴؛ ۱۳۸۰/۹/۲۱) و طرح جدایی دین از سیاست، فتنه، حيله‌گری، توطئه، تحریم و... از دسیسه‌های نظام استعماری است که به قصد تخدیر جوامع، اختلاف افکنی بین آنها و واگذاری سرمایه ملت به ابرقدرتها مطرح شده است (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۴/۱؛ ۵۴۶/۹-۵۴۷؛ ۳۴۶/۱۸؛ ۳۲۱/۱۹؛ ۲۲۵/۲۱) و غفلت از آنها، نابودی مسلمانان را در پی خواهد داشت. بدین جهت، آگاهی و هشیاری ملتهای مسلمان بزرگترین خطر برای سرمایه‌داران غربی به شمار می‌رود (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۱۲/۱۲؛ ۱۳۸۵/۱۰/۸) و نقش روشننگری دینی و بصیرت و هشیاری و ایستادگی با قدرت و استقامت، در خنثی نمودن این فتن و توطئه‌ها از راهکارهای اساسی است که جز با وحدت مسلمانان و بیدارگری آنها صورت نمی‌گیرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۰/۱۰؛ ۳۴۲/۱۸؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴؛ ۱۳۸۴/۲/۱۱)

از این رو، مسلمانان پس از یک دوره فروریختگی و از هم پاشیدگی ذهنی، بار دیگر در جستجوی «هویت اسلامی» خود، در برابر غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیستی برآمده‌اند. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۵/۲۴) به همین جهت بیداری و روشننگری ملل مسلمان، خط بطلانی بر محاسبات مادی و اقتصادی و نظامی کلان سرمایه‌داران و در هم شکسته شدن اقتدار تحمیلی آنها (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۲۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹) و نشانه مخالفت اسلام ناب محمدی ﷺ با اسلام سرمایه‌داری و سلطنتی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۰/۲۱)

در اندیشه انقلاب اسلامی، روشنگری، درایت و تدبیر اقشار مختلف جامعه، نقش مهمی را در باروری اقتصاد شکوفا و جلوگیری از نفوذ سرمایه‌داری ایفا میکند، از این جهت، موضع‌گیری و بیداری در برابر نظام سرمایه‌داری، منجر به دگرگونی این سیستم، سیلی زدن بر ابرقدرتها و بطلان سیاستهای استعماری آنها خواهد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۳۲۵-۳۲۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱/۲۸، ۱۳۸۰)

برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی. اساس قیام انبیا در برقراری حکومت الهی در جهت تحقق عدالت صورت گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۳۸۶؛ ۱۵/۳۱۵؛ ۲۰/۳۶۱-۳۶۲؛ ۲۱/۳-۴) عدم عدالت اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت، خصیصه نظام سرمایه‌داری است. (تارو، ۱۳۷۶، ۳۰۷-۳۱۸) در اندیشه انقلاب اسلامی، اقامه و بسط عدالت، پایه حکومت اسلامی در تعدیل ثروت و جلوگیری از تفاوت طبقاتی است و با اجرای قوانین اسلامی، اشرافی‌گری و سرمایه‌داری از سطح جامعه زدوده خواهد شد و جایی در اقتصاد نخواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵/۵۴۷؛ ۸/۲۴۷؛ ۱۵/۳۱۱-۳۱۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۱۳۷۲؛ ۱۲/۱۳۷۸؛ عدالت و اجتماعی، رفع بیدادگریها و ظلمها، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۱۱۳؛ ۹/۷۰-۷۱) امری فراگیر و عام در برقراری روحیه مساوات و تعادل همه ارزشها در انسانها و جلوگیری از فقر و هرگونه تبعیض و برقراری رفاه عمومی میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷/۱۳۷۱؛ ۱۲/۱۳۷۲؛ ۴/۱۳۷۸؛ عدالت)

رسیدگی به سرمایه‌های نامشروع. حسابرسی دقیق به سرمایه‌های نامشروع و استرداد آن به صاحبان حق از وظایف نظام اسلامی است. چنانچه این اموال، متعلق به مردم و یا گروه معینی از افراد باشد به آنها مسترد خواهد شد. این امر در راستای تحقق عدالت اجتماعی و تعدیل سرمایه صورت خواهد گرفت. از دیگر سو، نظام اسلامی در برابر سرمایه‌های مشروع مانند حقوق شرعی افراد وظایفی خواهد داشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۷۰؛ ۸/۴۷۲) این مسئله در اصل ۴۹ قانون اساسی ذکر شده است.

حمایت از محرومان در برابر سرمایه‌داران. ظلم و اجحاف به ملل مظلوم، مشخصه بارز سرمایه‌داری است و این امر مورد مخالفت اسلام است و در کتاب و سنت، محکوم است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۴۴-۴۴۶) حمایت از مردم مستضعف و محروم در تمام تعالیم دینی و آسمانی آمده است. مستضعفین، به عنوان مهمترین سرمایه بشری و پشتوانه ملت محسوب

سرمایه‌داری / ۴۹۷

شده و کاخ‌نشینی و سرمایه‌داری، عامل به استضعف کشیده شدن آنهاست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۵: ۴۰۴/۱۰) تمام انبیا، از قشر محروم جامعه بوده و همواره برای یاری به محرومین در برابر سلاطین و اشرافیت قیام نموده‌اند. نمونه آن، در قیام حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعون و بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابله‌ی با اشرافیت متعصب عرب جاهلی، متجلی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲/۴۶۴-۴۶۵: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۹۹، ۲۱۴: ۳۹۸-۳۹۷/۹: ۴۱۲/۱۱: ۲۱۵/۱۵-۲۱۷: رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۱۱/۱۳۷۴)

عدم سپردن پستهای کلیدی به سرمایه‌داران. سرمایه‌داری، حمایت بی‌چون‌وچرا از اشرافیت و طبقه مرفه جامعه است که حاکمیت قدرت به دست آنهاست اما این مسئله در نظام اسلامی مطرود است. در اندیشه انقلاب اسلامی، سرمایه‌داران نباید براریکه قدرت تکیه زنند؛ چرا که ممکن است به دلیل زیاده‌خواهی و طمع و افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی خویش، تشکیلات حکومتی را به سوی دیگری سوق دهند که تصمیمات آنها مخرب نظام واقع شود. (رک: نگارش، ۱۳۸۴، ۱۶۹) از نمونه‌های حکومت مردمی، وجود عناصر و مسئولان مردمی و به دور از سرمایه‌داری در دستگاه‌های دولتی است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶-۲۰/۲۱: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۸/۱۱/۱۳۷۱) از این رو مسئولان جامعه می‌بایستی از قشر متوسط و ضعیف جامعه باشند؛ همانطور که ائمه و پیامبران، به‌عنوان رسولان و هادیان بشر از قشر مستضعف جامعه بوده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۱۶۹، ۳۹۶) این امر برای آن است که مشکلات مردم محروم را لمس نموده و به رفاه آنها رسیدگی کنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۴۲۲) و با تعدیل سرمایه، در برابر کمونیسم و سرمایه‌داری غرب به مقابله و جهاد برخیزند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۳۳۹)

اقتصاد مقاومتی، الگوی پیشرفت بومی. اقتصاد ضعیف، نقطه ضعیفی است که دشمن میتواند با تکیه بر آن، مقاصد خود را پیش ببرد، از این رو، راه مقابله با سرمایه‌داری و وابستگی اقتصادی، رسیدن به خودکفایی و استقلال، ایستادگی در برابر چپاول‌گری‌ها و زورگویی ابرقدرتها، و مبارزه با فرهنگ مصرفی (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۵۸: رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۸/۲/۱۳۷۲: ۱/۶: ۱۳۷۹/۱۰/۱۹: ۱۳۸۳/۳/۱۳: ۱۳۸۹/۳/۱۳) و واگذاری سرمایه به دست انسانهای امین میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۳/۲/۱۳۷۹: ۲۸/۱/۱۳۸۰) اقتصاد آزاد و شکوفا، مرهون کشوری آزاد و استقلال‌یافته و به

دور از وابستگی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۱) و در گرو میدان دادن خلاقیتها و ابتکارهای افراد جامعه و در نتیجه تعادل عرضه و تقاضاست. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۲/۱۲؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۴/۱/۱) بدین ترتیب، طرح اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که از درون جوشیده و در برابر تهدیدات و تکانه‌های خارجی مستحکم است و احتیاج به غیر ندارد و خودکفا است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۸/۲۶) و سیاست بزرگ و اساسی در بخش اقتصادی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۶) که استقلال اقتصادی و فعال کردن ظرفیتهای درونی و تولید داخلی و حل بحران رکود، بیکاری و گرانی را در بردارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۸/۲۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۱۰؛ ۱۳۹۵/۱/۱؛ ۱۳۹۵/۳/۱۴؛ ۱۳۹۵/۳/۱۶)

برخلاف تمدن غرب که تنها پیشرفت مادی، مدنظر انسان سودمحور است و معنویت رنگی ندارد و اسباب سه گانه علم، قدرت و ثروت، هدف آنها به شمار آمده که نتیجه‌ای جز فقر، جنگ، بی عدالتی و انحطاط اخلاقی را در برنخواهد داشت؛ در تمدن اسلامی این اسباب سه گانه، وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف که همان تعالی انسان است (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۵/۸، ۹۶-۱۰۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۲/۲۲؛ ۱۳۷۴/۹/۲۹؛ ۱۳۷۵/۲/۲۶؛ ۱۳۷۷/۹/۱؛ ۱۳۸۳/۳/۱۴؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸؛ ۱۳۸۶/۲/۲۵) و در آن از پیشرفت مادی برای رسیدن به سعادت و رفاه مردم استفاده نموده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲) و لازمه پیشرفت مادی را، پیشرفت معنوی و تکیه بر اخلاق اسلامی میدانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۸/۶؛ ۱۷۳/۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸) بدین جهت، الگوی پیشرفت ما ایرانی-اسلامی است. اسلامی، از آن نظر که بر مبنای نظری و فلسفی و انسان‌شناختی اسلام است و اهداف و ارزشها و کارها از اسلام مایه خواهد گرفت و ایرانی، از آن نظر که حاصل فکر و ابتکار ایرانی است؛ که ملت ایران توانسته به این الگو دست پیدا کند تا کشورهای دیگر هم از آن استفاده کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰؛ ۱۳۹۰/۲/۱۴) از این رو، مدل مطلوب توسعه کشور، یک مدل کاملاً بومی است که مدل‌های غربی در آن منسوخ است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۷) و مصداق آن، اقتصاد مقاومتی است که یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که میتواند اهداف نظام را در زمینه اقتصادی برآورده کند و مشکلات آن را برطرف سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) ← اقتصاد

آینده نظام سرمایه‌داری

خداوند، هنگامی که بخواهد دیاری را نابود کند، نخست اوامر خود را برای مترفین و ثروتمندان بازگو میکند و در صورتی که به مخالفت برخاستند و فسق و فجور نمودند، وارد عذاب الهی میشوند (اسراء، ۱۶). پس لازمه‌ی فسق و فجور، وارد شدن به عذاب الهی است. اگرچه جامعه‌ای از لحاظ عناصر ننگه دارنده، همچون علم، ثروت، سیاست مداران مجرب و... برخوردار باشد، باز هم عنصر نابودکننده عذاب الهی بر آنها اثر خواهد کرد، چرا که فسق و فجور صاحبان قدرت و ثروت و فقدان روحیه معنوی آنها، عذاب الهی را برای جوامع در برخواهد داشت که همان اضمحلال و رکود و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی و بی‌هویتی است که این مورد، در نظام سرمایه‌داری مشهود است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵)

تحولات دو دهه گذشته در جهان سرمایه‌داری، نقاب از چهره واقعی آنها برداشته و سقوط آنها را پیش‌بینی کرده است. سرخوردگی اقتصادی در آمریکا چنان عمیق است که در دو دهه گذشته با افزایش بحرانها روبه‌رو بوده است. از بحرانهای مالی اوایل دهه ۹۰ در جنوب شرقی آسیا تا بحران بیکاری در قلب اروپا تا بحران عظیم بدهکاری مالی آمریکا، همگی نشان‌دهنده نوعی بحران عمیق اقتصادی در جهان غرب است. (افشار، ۱۳۹۰، ۸۴؛ تارو، ۱۳۷۶،

۵۶-۶۱، ۲۶۷-۲۸۷)

از جمله عوامل بحرانهای مالی در آمریکا، جنگهای دراز مدت در خاورمیانه است که هزینه‌های سرسام‌آوری را بر اقتصاد آمریکا تحمیل کرد و در صورتی که این جنگ‌ها ادامه یابد به موازات آن، به نظم بازار در سطح بین‌الملل نیز خدشه وارد خواهد ساخت و سرمایه‌داری به پایان خود نزدیک خواهد شد. (افشار، ۱۳۹۰، ۱۱۳) بحرانهای مالی و پولی و بدهی‌های ناشی از جنگ‌افروزی‌ها و عدم نظارت درست بر سیاست پولی و مالی و شکست آموزه‌های اقتصادی نئوکلاسیک و عدم موفقیت نظام سرمایه‌داری مبتنی بر اقتصاد بازار از موارد بحران در لایه‌های اجتماعی آمریکا میباشد که زوال آن را در بردارد. مردم آمریکا معتقدند که مکانیسم رقابت بازار آزاد باید تا حدی توسط دولت کنترل شود تا

نابرابری اجتماعی را به حداقل برساند. (افشار، ۱۳۹۰، ۱۲۷-۱۲۹؛ تارو، ۱۳۷۶، ۳۹۴-۳۹۶)

نظام سرمایه‌داری حول دو محور سرمایه در تولید و توجه به رشد اقتصادی و در نتیجه

کم‌توجهی به نابرابری در درآمد و ثروت افراد جامعه می‌چرخد و افزایش تولید کل، سبب رکود اقتصادی و بیکاری و در نتیجه نبود امکانات و تدارکات کافی برای تأمین بیکاران میشود. (افشار، ۱۳۹۰، ۱۷۰؛ منشیکوف، ۱۳۵۹، ۲۳-۲۴؛ شومپتر، ۱۳۷۵، ۱۰۰-۱۰۹) این نظام، با ادعای تک‌الگو بودن تلاش کرده که حاکمیت خود را بر جهان اجرایی کند اما پس از دو دهه، مردم غرب دریافته‌اند که این ادعا نه تنها کارایی نداشته بلکه صرفاً برای اعمال دیکتاتوری آنها بوده است و با حاکمیت دیکتاتورها حقوق اولیه مردم به جهت تأمین و حفظ منافع سرمایه‌داران نادیده گرفته شده است. امری که موجب شد تا مردم آمریکا و اروپا خود را ۹۹ درصدی بنامند که حقوقشان توسط یک درصد سرمایه‌دار مصادره شده است. (افشار، ۱۳۹۰، ۲۷۱-۲۷۲؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۱، ۳۲۲-۳۳۲؛ آر بلاستر، ۱۳۶۷، ۱-۶)

شکل‌گیری اعتراضات مردمی در جوامع اروپایی به‌ویژه در آمریکا بیانگر واقعیهایی است که در استمرار تحولات خاورمیانه و شکست سیاستهای غرب در منطقه از ناکامی و بن‌بست در سیاستهای نظام سرمایه‌داری در دنیا حکایت دارد. اعتراضات اخیر مردم آمریکا به‌ویژه جنبش وال استریت ماجرایی است که فریاد «نه» به نظام سرمایه‌داری را همچون فروپاشی شوروی سابق در اذهان جهانی به تصویر کشانده است و همواره این اعتراض مردمی با سرکوبی سران سرمایه‌داری مواجه شده است که نه تنها موفق به این کار نشده بلکه این اعتراض به شهرهای دیگر اروپا نیز راه یافته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰؛ افشار، ۱۳۹۰، ۹۵-۹۶، ۲۶۳-۲۶۴) وال استریت نماد نظام جهان سرمایه‌داری است که مهمترین بورسهای جهان در آن قرار دارد. از این رو اعتراض به وال استریت، نتیجه رکود اقتصادی آمریکا است. افزایش بیکاری در جامعه، کاهش دستمزدها و مشکلات فراوان اقتصادی و ناتوانی دولتمردان در تحقق به وعده‌ها و سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا از سوی دیگر، جامعه آمریکا را به نقطه‌ای از شکست رساند که قابل برگشت نیست. (افشار، ۱۳۹۰، ۲۵۲-۲۵۳) مسئولان غرب در تلاشند که این جنبش را یک جنبش اجتماعی علیه بیکاری و بحث اقتصادی مالی در غرب نشان دهند، اما حقیقت این است که علاوه بر سرمایه‌های مرئی غرب، شبیه بازارهای مالی که با شکست و ناکامی روبه‌رو است، سرمایه‌های نامرئی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آنها هم رو به زوال و نیستی است. (افشار، ۱۳۹۰، ۹۳-۹۴) وال

سرمایه‌داری / ۵۰۱

استریت که سرمایه‌داری در سطح جوامع اروپایی را به چالش کشیده، حاکی از شکستهای کنونی غرب است که صدای فروپاشی آن به گوش میرسد. برپایی جنگهای زیاد، تعرض به محیط زیست، تبعیض و نابرابری اجتماعی و بی‌عدالتی خارجی و داخلی، علل اعتراض وال استریت به نظام سرمایه‌داری است. (افشار، ۱۳۹۰، ۱۰۱)

هر چند نظام سرمایه‌داری همچنان خود را محور اقتصاد جهان میداند، اما تشدید بحران و اوج‌گیری اعتراضات مردمی، این ادعا را با ابهامات گسترده متوجه ساخته و موج بیداری اسلامی و جهانی شدن اعتراضها میتواند پایان سلطه غرب بر اقتصاد جهانی باشد. (افشار، ۱۳۹۰، ۲۶۹-۲۷۰) انقلاب اسلامی که با بصیرت و آگاهی از مشکلات غرب، زوال و سقوط کمونیسم و شوروی سابق را خبر داده بود، ندای به بن‌بست رسیدن و فروپاشی نظام سرمایه‌داری را نیز سرداده است و بیداری اسلامی، مادیت و مادیگری، مالکیت و اقتصاد محض را عامل بر ملا شدن بحران غرب، انحطاط و زوال نظام سرمایه‌داری و مارکسیستی معرفی نمود. کمونیسم به‌عنوان مکتبی کاملاً مادی‌گرایانه در دهه ۸۰ میلادی با مشکلات و بحرانهای زیادی سردر گریبان بود که در چاره‌اندیشی این بحرانها ناتوان و عاجز گشته و همین مشکلات ریشه‌ای و عمیق، شوروی را به کام مرگ فرو کشاند. اگرچه فزونی ثروت و رفاه‌طلبی محض در این نظامها، زندگی را آسان نموده ولی به سبب فقدان معنویت و خلأ اعتقادی و دوری از خدا، ناراحتیهای روحی و روانی، ناامنی و افول ارزشهای انسانی و اخلاقی گریبانگیر آنها شده و از حل مشکلات و بحرانهای اجتماعی خویش عاجز و در پاسخگویی به بسیاری از مسائل معنوی و اخلاقی ناتوانند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۲۱-۲۲۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۶)

انقلاب اسلامی با نگاهی واقع‌بینانه در خصوص تحولات منطقه، موج بیداری اسلامی را که به برکت قیام ملت ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عربی و اروپایی شکل گرفته بود، نشانه انزجار مردم از نظام سرمایه‌داری و ناکارآمدی و به بن‌بست رسیدن آن میداند، و این یک پیچ تاریخی است که منطقه در حال عبور از آن است و حوادث آسیا و آفریقای شمالی و بیدار شدن ملتها در مقابل آمریکا و عمال آنها، نشان‌دهنده آن میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۱۷) این بیدارگری به دلیل آموزه‌های اسلام

ناب است که مانع افزون‌طلبی و سیطره‌جویی آنها بوده است و امروز که نظام سرمایه‌داری به بن‌بست رسیده است و مکاتب مادی در دنیا جایگاهی ندارند و دنیا در حال یک پیچ تاریخی و حرکت به سمت جلو است، ملت‌های مسلمان می‌توانند نقش خود را ایفا کنند و از این رو، تعالیم اسلام مورد نیاز شده و به کار آمده و جمهوری اسلامی می‌تواند الگو بودنش را به تمام دنیا ثابت کند. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۳۱؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

عبور کردن موج بیداری اسلامی از کشورهای عربی و تسری یافتن آن در قلب اروپا، حاکی از بصیرت‌منشی انقلاب ایران است که این جنبش، نه تنها مخصوص به کشورهای شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا نیست؛ بلکه این بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت و روزی خواهد آمد که ملت‌های اروپایی علیه سیاست‌مدارانی که آنها را مجبور به تسلیم در برابر آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد و این بیداری حتمی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۱۴) جنبش وال استریت که موج بیداری و تغییر حتمی نظام سرمایه‌داری است، با سرایت نمودن به شهرهای دیگر آمریکا، آینده‌نگری انقلاب ایران را در این زمینه، محقق نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰؛ ۱۳۹۰/۷/۲۳)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سرمایه‌داری به معنای مال‌اندوزی و ثروت‌طلبی و بر پایه مالکیت خصوصی و منفعت‌طلبی، صورت اقتصادی و اجتماعی دنیای مدرنیته است که پس از اضمحلال دوره فئودالیسم شکل گرفته است و از آغاز پیدایش، مراحل تجاری، صنعتی و انحصاری را طی نموده است. در نظر مارکسیست‌ها، امپریالیسم واپسین مرحله این نظام است که در خارج از سیطره خود با در برداشتن انحصارها، به دست‌اندازی سرزمین‌های دیگر می‌پردازد و در این مفهوم با استعمار و استکبار‌قرابت پیدا می‌کند. نظام سرمایه‌داری، محصول دنیای متجدد و مدرنیته غربی است که ماهیت آن بردو عنصر غضب و شهوت شکل گرفته که غضب آن در اعمال خشونت و ظلم و استعمار و شهوت آن در مادی‌پرستی و لذت‌گرایی، ملاحظه می‌شود و مبانی آن نیز در مبانی مدرنیته غربی، که همان اومانیزم، مادی‌گرایی، عقل‌گرایی، سکولاریسم و اصالت فرد می‌باشد، خلاصه شده است.

جلوه‌گر شدن مادی‌پرستی و نفع‌طلبی فردی در نظام سرمایه‌داری، موجب شده است که رفاه مادی به‌عنوان هدف غایی به‌شمار آید. در این مسیر، تحقق اهداف میانی چون آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی و رقابت و سود نقش بسزایی دارند. به همین ترتیب برتری نژادی نشأت گرفته از نفع فردی و مادی‌طلبی باعث شد که عده‌ای شیفته تمدن غرب شوند و مروج فرهنگ آنها به حساب آیند. روشنفکری غرب‌زده، دول دست‌نشانده و مدگرایان از سرآمدترین حامیان این نظام بوده‌اند. گرایش جوامع شرقی به سوی غرب و دوری از اسلام، عقب‌ماندگی و خودباختگی را برای آنها به ارمغان آورد و زمینه‌ساز رشد سرمایه‌داری شد. از مهمترین پیامدهای نفوذ سرمایه‌داری، استعمار جوامع بود که در قالب استعمار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در استیلاي جوامع کوشیدند. بینش توحیدی اسلام و مادی‌گرایی سرمایه‌داری غرب، سرآغاز تفاوت‌های مبنایی و ارکان و اصول اقتصاد این دو نظام می‌باشد. فقدان معنویت و وابستگی مادی، بحران و رکود مالی و بیداری اسلامی، مشکل اساسی نظام سرمایه‌داری است که عاقبتی چون انحطاط و سقوط را برای آن رقم خواهد زد. راهبرد اساسی مقابله با سرمایه‌داری تکیه بر تعالیم آسمانی است و برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی به وسیله رسیدگی به اموال غیر مشروع، رسیدگی به حال محرومان و عدم تکیه سرمایه‌داران بر مناصب حکومتی و اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگوی پیشرفت مطلوب در برابر اشاعه افکار سکولار، از مهمترین راهکارهای جلوگیری از نفوذ سرمایه‌داری می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آبادیان، حسین، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر (مجموعه مقالات (۱))، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۳. آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۴. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی)، تهران، انتشارات مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.
۵. آفانسیف، و. ماکارووا، م. مینایف، ل. مبانى سوسیالیسم علمی، تهران، سازمان جوانان توده ایران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ ش.
۶. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
۷. آل احمد، جلال، غرب زدگی، تهران، نشر جامه داران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۸. آوی، آلبرت، سیر فلسفه در اروپا، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران، انتشارات زوار، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.
۹. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۰. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. اسدعلی زاده، اکبر، چالشهای فکری سیاسی وهابیت، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما،

چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

۱۳. اسعدی، مرتضی، ایران، اسلام، تجدد، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. اسمیت، آدام، ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، انتشارات پیام، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش.
۱۵. افشار، اسدالله، جنبش وال استریت و روزهای ناآرام آمریکا (بررسی و کالبدشکافی ابعاد قیام مردم غرب علیه نظام سرمایه‌داری)، تهران، انتشارات سفیراردهال، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. الهی، همایون، امپریالیسم و عقب‌ماندگی، تهران، نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. الهی، همایون، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، تهران، نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. الیاده، میرچا، فرهنگ و دین، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴ ش.
۱۹. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا. «الف»
۲۰. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ق.
۲۲. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا. «ب»
۲۳. باران، پل، اقتصاد سیاسی رشد: ریشه‌های عقب‌ماندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، انتشارات پالیال، ۱۳۵۸ ش.
۲۴. براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه کاووس میکائیلیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. بشلر، ژان، خاستگاه‌های سرمایه‌داری، ترجمه رامین کامران‌فر، تهران، نشر البرز، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۲۶. بورژن، ژرژ، رمبر، پیر، سوسیالیسم، ترجمه منصور مصلحی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۵۲ ش.
۲۷. بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها: درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰ ش.
۲۸. تارو، لستر، آینده نظام سرمایه‌داری، ترجمه عزیز کیاوند، تهران، نشر دیدار، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. توماس، هنری، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ

- سوم، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. جعفری، محمدتقی، سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۳۱. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۳۲. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ ش.
۳۳. حسنی، مهدی، فلسطین و صهیونیسم، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، بی‌تا.
۳۴. حسینی بهشتی، سید محمد، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران، نشر بقعه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۳۵. حسینی بهشتی، سید محمد، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، تهران، نشر بقعه، ۱۳۸۶ ش.
۳۶. حسینی، محمدعارف، رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۳۷. خالقی، علی، امام خمینی علیه السلام و گفتمان غرب، تهران، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. داب، موریس، سرمایه‌داری، دیروز و امروز، ترجمه مهدی دوست‌کام، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۸ ش.
۳۹. داب، موریس. لانگه، اسکار. هانت، ای.ک. سرمایه‌داری چیست؟، ترجمه فرهاد نعمانی، تهران، کتاب نمونه، چاپ اول، ۱۳۵۲ ش.
۴۰. دوران، ویلیام جیمز، لذات فلسفه، ترجمه دکتر عباس زریاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. دهخدا، علی‌اکبر و دیگران، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۴۲. دیویس، تونی، اومانیسیم، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸ ش.
۴۳. راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران، نشر پرواز، چاپ پنجم، ۱۳۶۵ ش.
۴۴. رافائل، د.د.، ادام اسمیت، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۴۵. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۴۶. رفیعی، محمدحسین، توسعه ایران، نقدی بر گذشته، راهی به سوی آینده، تهران، نشر صمدیه،

۱۳۸۰ ش.

۴۷. زارعی، آرمان، تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران، تهران، انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۴۸. زرشناس، شهریار، سرمایه‌داری (کاپیتالیسم)، تهران، کتاب صبح، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۴۹. ژولین، کلود، رؤیا و تاریخ (آمریکا در دو قرن)، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش.
۵۰. ژید، شارل، ریست، شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.
۵۱. ساعی، احمد، نظریه‌های امپریالیسم، تهران، نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۵۲. سوداگر، محمد، بررسی نظریه‌های مربوط به امپریالیسم، تهران، انتشارات ما، چاپ اول، ۱۳۵۸ ش.
۵۳. سویزی، پل، باتالوو، ادوارد، نقدی بر پاره‌ای از نظریه‌های رایج در سرمایه‌داری غرب، ترجمه فرهاد نعمانی، منوچهر سناجیان، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۲۵۳۶ ش.
۵۴. سید قطب، قطب بن ابراهیم، ادعای تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام، ترجمه سید علی خامنه‌ای، سید هادی خامنه‌ای، مشهد، انتشارات طوس، چاپ دوم، ۱۳۵۱ ش.
۵۵. شولت، یان. آرت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۵۶. شومپیتر، جوزف، کاپیتالیسم، سوسیالیسم، دموکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵ ش.
۵۷. صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، ع اسپهبدی، قم، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۵۸. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ یازدهم، ۱۳۸۷ ش.
۵۹. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۶۰. عیوضی، محمد رحیم، شناخت ماهیت استعمار فرانو، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۶۱. غنی‌نژاد اهری، موسی، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۶۲. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.

سرمایه‌داری / ۵۰۹

۶۳. فوزی توپسرکانی، یحیی، مذهب و مدرنیزاسیون در ایران، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۶۴. فولادوند، عزت‌الله، خرد در سیاست، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۶۵. قاسمی، صدیقه، اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی، تهران، نشر بقعه، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۶. قدوسی زاده، حسن، اصطلاحات سیاسی فرهنگی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۶۷. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ج ۵، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۶۸. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ج ۸، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.
۶۹. کاتوزیان، محمدعلی همایون، نظام سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ ششم، ۱۳۷۷ش.
۷۰. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۸۱ش.
۷۱. لنین، ولادیمیر ایلیچ، امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری، ترجمه محمد پورهرمزبان، تهران، انتشارات حزب توده ایران، چاپ دوم، ۱۹۷۵م.
۷۲. مارکس، کارل، سرمایه، ترجمه جمشید هادیان، بی‌جا، انتشارات نسیم، ۱۳۸۶ش.
۷۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۴. مطهری، مرتضی، کتابسوزی ایران و مصر، قم، انتشارات صدرا، بی‌تا.
۷۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۷۶. مطهری، مرتضی، یادداشت‌ها، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۷۷. منشیکوف، اس، بحران در سرمایه‌داری معاصر، ترجمه نظم نوین، تهران، انتشارات نظم، چاپ اول، ۱۳۵۹ش.
۷۸. منصورنژاد، محمد، دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۹ش.
۷۹. منصوری، جواد، جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹ش.
۸۰. منصوری، جواد، شناخت استکبار جهانی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ش.

۸۱. موثقی، احمد، جنبشهای اسلامی معاصر، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۴ ش.
۸۲. میرمعزی، سیدحسین، اصلاح الگوی مصرف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۸۳. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۸۴. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام: مبانی مکتبی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۸۵. ناردو، دان، عصر استعمارگری، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۸۶. نصرتی، علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، قم، مرکز نشر هاجر، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳ ش.
۸۷. نصری، محسن، ایران: دیروز، امروز، فردا: تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۸۸. نقوی، علی محمد، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۸۹. نقی‌زاده، محمدعلی، بحران سرمایه‌داری مالی: اشغال‌وال استریت، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۹۰. نگارش، حمید، باقی نصرآبادی، علی، حدیث پایداری: رمز موفقیت امام خمینی علیه السلام، تهران، انتشارات لوح محفوظ، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۹۱. نمازی، حسین، نظامهای اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۹۲. والرشتابین، ایمانوئل، سرمایه‌داری تاریخی (و دو مقاله دیگر)، ترجمه یوسف نراقی، تهران، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۹۳. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، تهران، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، انتشارات مولى، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۹۴. هادوی‌نیا، علی اصغر، فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۹۵. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۹۶. هایلبرونر، رابرت، بزرگان اقتصاد، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی،

سرمایه‌داری / ۵۱۱

چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.

۹۷. هلیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران،

انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۵۸ ش.

۹۸. یاقی، اسماعیل احمد، دولت عثمانی از افتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، قم، پژوهشکده

حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

شهادت

محمدباقر نادم^۱ (مؤلف)

اکبر زراعتیان^۲ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۳ (مستول علمی)

شهادت؛ کشته شدن در راه خدا و در مسیر تحقق آرمانهای معنوی.

کلمه «شهادت» در لغت از ریشه «ش ه د» به معنای حضور؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۶۵) علم و اعلام؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۲۱/۳) حضور با تحقق علم (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۲۹/۶-۱۳۰) و خبر قطعی (جوهری، ۱۴۱۰، ۲/۴۹۵) آمده است. «شهادت» در اصطلاح؛ کشته شدن در راه خدا و مجاهدت برای اوست (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۸؛ رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۵۴۹، ۸۶۷) و «شهید» به کشته شده در راه خدا میگویند. (رک: سید مرتضی، ۱۴۰۵، ۲/۳۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۸۴۵؛ ۱۱۱/۳) شهید کسی است که در نزد امام (یا نایب عام و یا نایب خاص او) جنگیده و در میدان نبرد کشته شده (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۳۰/۱) و یا در زمان غیبت به جهادی مأمور شده و به قتل رسیده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴۱۱/۱) امام خمینی نیز شهید را کسی میدانند که در جهاد همراه با امام علیه السلام یا نایب خاص او و یا به خاطر حفظ کیان و اساس اسلام کشته شده باشد. (امام خمینی، بی تا، ۱/۶۶) او کسی است که در راه آرمانهای معنوی کشته میشود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۲۵)

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مذاهب کلامی و معاون پژوهش مؤسسه روایت سیره شهدا

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم

۳. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در بینش عرفانی جهاد و شهادت از مختصات انسان کامل به شمار آمده؛ مقامی که حتی ملکوتیان با آن فاصله‌ها دارند و با دیدگاه بشری نمیتوان به آن پی برد و یافتن ارزش آن نیازمند دیدی ربوبی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۴/۱۸) از این نظرگاه جوهره اصلی شهادت چیزی جز عشق به خدا و شوق به لقاء الله نیست؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۷/۱۷) عشق به محبوب حقیقی که همه دل‌بستگی‌ها در پرتو آن محور میشود.

شهادت وقتی محقق میشود که انسان آگاهانه جان خود را در راه خدا و برای هدفی مقدس (مطهری، مجموعه آثار، ۴۵۱/۲۴) و در راه مجاهدت، برای ملت، کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادی اسلامی در دنیا فدا میکند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲) بنابراین بر عمل کسانی که در مسیر غیر الهی و در راه هدفهای ملی یا خواسته‌های شخصی و مالی مانند غنیمت کشته شوند، شهادت صادق نیست. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲؛ ۱۳۶۸/۵/۲۵) شهید از آن جهت شهید نامیده میشود که در جنگها و غزوات حاضر میشود (زیبیدی، ۱۴۱۴، ۴۷/۵) و فرشتگان نیز بر بالین او حاضر میشوند و روح شهید به محضر پروردگار تشریف می‌یابد (زنجشیری، ۱۴۰۷، ۲۰۶/۱). خدا و فرشتگان به وارد شدن او به بهشت گواهی میدهند (طریحی، ۱۳۷۵، ۸۱/۳) و شهید بر امت‌های گذشته گواهی میدهد و پس از شهادت از جمله شاهدان خواهد بود. (طریحی، ۱۳۷۵، ۸۱/۳؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۷) خداوند متعال در قرآن شهید را زنده معرفی میکند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۷) قرآن کریم در آیه ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران خبر میدهد که شهیدان دارای حیات ابدی هستند و در پیشگاه الهی روزی دریافت میکنند.

در قرآن واژه «شهید» جز در یک آیه به معنای اصطلاحی خود به کار نرفته است، (نساء، ۶۹) اما در احادیث (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۶/۱۵) این واژه معمولاً در معنای اصطلاحی خود به کار رفته است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۶۸/۲) به استناد نظر برخی از مفسران، تنها در آیه: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹) به کشته در راه خدا، شهید اطلاق شده است. (طریحی، ۱۳۷۲، ۱۱۱/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۶۱/۳) علاوه بر این، در آیه ۷۴ سوره نساء و آیه ۵۸ سوره حج در مورد اعطای پاداش بزرگ و رزق نیکو از جانب خداوند و در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران ورود به بهشت و

بخشش گناهان به شهدا مژده داده شده است. در این خصوص شیخ حر عاملی به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی را آورده است که برای شهید نزد خداوند هفت امتیاز ویژه میباشد:

۱. با ریخته شدن اولین قطره‌ی خون شهید، تمام گناهانش بخشیده میشود، ۲. هنگامی که بر زمین می‌افتد، سرش در آغوش دو حوریه‌ی بهشتی قرار می‌گیرد و آن دو غبار از چهره‌اش پاک میکنند و به او خوشامد می‌گویند و او نیز به آنها خوشامد می‌گوید، ۳. لباسی از لباسهای بهشتی برتن او پوشانده میشود، ۴. دربانان بهشت برای شهید گنجینه‌هایی از عطرها پاک می‌آورند که هر کدام از آنها را که بخواهد، برمیدارد، ۵. جایگاهش را در بهشت به او نشان میدهند، ۶. به او گفته میشود در بهشت هر طور که میخواهی گردش کن، ۷. شهید به وجه الله نظر میکند که این کار برای هر نبی و شهید نوعی آرامش و استراحت است. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۶/۱۵) در برخی روایات نیز آمده است که دری مخصوص شهیدان در بهشت وجود دارد، (صدوق، ۱۴۰۳، ۴۰۸) و آنها شفیعان روز قیامت هستند (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۵۶) و از ایشان سؤال قبر نمیشود (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۳۱۳/۴) و شهیدان، نخستین وارد شوندگان به بهشت هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۲/۷۱) مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۰۸/۲۱) فرهنگ شهادت فرهنگی است که در آن ایثار و از خودگذشتگی در تار و پود زندگی نمایان میگردد و در جامعه اثراتی بوجود می‌آورد که آن را متحول میسازد و همواره به عنوان یکی از کارآمدترین و مؤثرترین عناصر در پیشبرد اهداف و حفظ ارزشهای اسلام و انقلاب و عامل مقابله با دشمنان داخلی و خارجی است، (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۲۹) و طبق جمله منسوب به امام خمینی رحمته الله علیه ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد. شهید از نظر فقهی نیز احکام خاصی دارد؛ چنانکه غسل از شهیدی که در میدان نبرد جان داده باشد برداشته شده (امام خمینی، بی تا، ۶۶/۱) و مس او موجب غسل نمیشود (امام خمینی، ۱۴۲۲، ۷۹/۱) و شهید خط مقدم جبهه با لباس خودش دفن میشود و نیاز به کفن ندارد. (امام خمینی، ۱۴۲۲، ۸۰/۱)

شهادت دارای مراتبی است و شهیدان هر کدام به تناسب اهدافی که دارند مقام و درجه‌ای متفاوت می‌یابند؛ از این رو شهادت پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، شیعیان و مؤمنین واقعی در مراتب عالی قرار می‌گیرد. در خصوص مراتب شهادت میتوان به حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرد که در آن آمده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ

قُتِلَ دُونَ مَالِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ جَارِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ هرکه در راه دفاع از خانواده خود به ستم کشته شود، شهید است و هرکه در راه دفاع از مال خود مظلومانه کشته شود، شهید است، و هرکه در راه دفاع از همسایه خود به ستم کشته شود، شهید است، و هرکه به خاطر خداوند عزوجل کشته شود، شهید است.

(متق هندی، ۱۴۰۹، ۴/۴۲۵)

پیشینه‌ی شهید و شهادت بر اساس آیه ۱۴۶ سوره آل عمران: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيبِيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» به دوران جهاد انبیا با مخالفانشان بازمیگردد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴/۴۱) که برخی انبیا همچون یحیی و زکریا در راه اعتلای توحید به شهادت رسیده‌اند. قرآن کریم در آیه ۶۱ سوره بقره «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»، به قوم بنی اسرائیل اشاره میکند که به آیات الهی کافر بوده و انبیای الهی را به ناحق می‌کشتند.

الف) شهادت قبل از اسلام. قرآن کریم ذیل آیه ۱۴۶ سوره آل عمران به شهادت در عصر انبیای الهی تا عصر ظهور اسلام اشاره کرده است؛ از ویژگی مجاهدان این دوره میتوان به مواردی چون کثرت مجاهدان و عالم و عارف بودن آنها اشاره کرد. (قزائنی، ۱۳۸۳، ۲/۱۶۹) در روایتی گزارش شده است که بنی اسرائیل در فاصله طلوع صبح تا طلوع آفتاب هفتاد نفر از پیامبران خود را به شهادت رساندند؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴/۳۶۵) این روایت و امثال آن (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱/۵۲) نشان میدهد که صدها نبی، توسط بنی اسرائیل به شهادت رسیدند.

ب) شهادت پس از ظهور اسلام. این دوره از شهادت و مجاهدت نیز از زمان پیامبر اکرم ﷺ آغاز میشود و تا واقعه عاشورا و شهادت امام حسین ﷺ که نقطه عطف شهادت در تمام تاریخ بشریت است، ادامه می‌یابد.

از جمله اولین شهدای صدر اسلام یاسرو همسرا و سمیه است که بر اثر شکنجه‌های کفار جان باختند و اولین شهید مرد و زن در اسلام محسوب شدند. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۴/۱۰۱-۱۰۲؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ۲/۶۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ۸/۱۹۰) پس از این دو، تاریخ اسلام سرشار از شهیدانی است که در راه خدا جان خویش را اهدا کردند. در این میان از برخی به طور برجسته در تاریخ یاد شده است؛ همچون حنظله غسیل الملائکه ﷺ، (ابن هشام، ۱۳۸۳، ۳/۵۹۴)

شهادت / ۵۱۷

جعفر طیار علیه السلام و ابویعلی موصلی، بی تا، ۳۵۰/۱۱؛ ابن حبان بستی، ۱۴۱۴، ۵۲۱/۱۵؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ۱۲۴/۴-۱۲۵) حمزه سیدالشهدا علیه السلام (نهج البلاغه، نامه ۲۸ (۳۸۶)) که این اوصاف را از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت کردند. عمار یاسر نیز از جمله شهیدان برجسته است که در جنگ صفین به شهادت رسید. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۳/۱۸۶-۲۰۰) گرچه مذهب شیعه همزمان با بعثت پیامبر شکل گرفت و ابوذر، سلمان، مقداد و عمار یاسر نخستین شیعیان علی علیه السلام در دوران زندگی پیامبر بودند، ولی واقعه کربلا نقطه عطفی در تاریخ تشیع است؛ چراکه یادآوری فداکاری و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران وفادار ایشان برای دفاع از حق در محرم سال ۶۱ هجری و مصائب و رنجهایی که در این راه متحمل شدند، عامل اصلی گسترش تشیع در طول تاریخ بوده است.

این دوره حاوی مهمترین و مؤثرترین شهادتها در تاریخ اسلام بوده است؛ در این دوره، شهادت شهدا به برپایی و تحکیم پایه‌های اسلام منجر شد؛ شهادتهای این دوره اغلب در صحنه‌ی جنگ و درگیری واقع شده و شهدای این دوره، الگوی همیشگی تاریخ شدند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۷/۵۲-۵۹) قیام و شهادت امام حسین علیه السلام معیاری برای مبارزه حق با باطل شد، بلافاصله بعد از حماسه کربلا قیامهایی شکل گرفت که تا میانه سده سوم هجری ادامه یافت و موجب تثبیت و گسترش اندیشه اسلام ناب گردید. زید بن علی بن الحسین علیه السلام یکی از کسانی است که با الگوگیری از واقعه کربلا قیام خود را پایه‌ریزی کرد، او هنگام بازگشت از سفر شام، عازم عراق شد، مردم کوفه او را به قیام فراخوانده، اعلام وفاداری کردند و سوگند یاد نمودند که تا آخرین قطره خون در راه او جهاد کنند و حمایتشان را دریغ ندارند. (طبری، ۱۳۸۷، ۷/۱۶۶-۱۶۸) در پی اصرار زیاد کوفیان، سرانجام زید دعوت آنان را پذیرفت. (ابوالفج اصفهانی، ۱۳۸۵، ۹۱-۹۲)

در مدت اقامت او در کوفه پانزده هزار نفر از کوفیان با او بیعت کردند. این تعداد غیر از مردمی بودند که در مدائن و بصره و واسط و موصل و ری و گرگان با او بیعت کرده بودند، چرا که زید علاوه بر کوفه به دیگر شهرهای مهم عراق و حتی مراکز دوردست فرستادگانی را گسیل داشته بود تا برای او از مردم بیعت بگیرند. (ابوالفج اصفهانی، ۱۳۸۵، ۹۲) به باور بسیاری از علمای شیعه قیام زید به اذن امام صادق علیه السلام بوده است. چنان که امام صادق علیه السلام درباره

او فرمود: «وای بر کسی که ندای او را بشنود و به یاری اش نشتابد». (صدوق، ۱۴۰۴/۱، ۲۲۵) سرانجام زید در روز جمعه، سوم ماه صفر سال ۱۲۱ هجری پس از آنکه مجروح شده و تیری به پیشانی او اصابت کرده بود به شهادت رسید. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ۹۸)

پس از آن نیز تا پیش از انقلاب اسلامی ایران قیامهایی رخ داد و عده‌ای در این قیامها به شهادت رسیده‌اند. امام خمینی علیه السلام معتقد بود که صحنه‌ی کربلا حرکتی هدفدار و اصولی بود که باید مسلمانان عصر حاضر، با تبیین ابعاد آن، اهدافش را تحقق بخشند. در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام از همه‌ی خسارتها بالاتر بود، ولی چون او میدانست که چه میکند و کجا میرود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴/۱۷-۴۵)

قبل از عصر پیروزی انقلاب اسلامی نیز در اثر جنگهایی که تحمیل شد بسیاری به شهادت رسیدند و برخی از علما و مجتهدان عصر فتوای جهاد صادر کردند؛ در سال ۱۲۲۸ قمری فتحعلی شاه، به منظور پیروزی در جنگ ده‌ساله با روس‌ها، دو نفر از علما را به قم و عتبات فرستاد تا از میرزای قمی (مقیم قم) و شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) و آقا سید علی طباطبایی (صاحب ریاض) فتوای جهاد بر ضد روس‌ها را دریافت کنند. آنان نیز فتوایی صادر کردند؛ از جمله کاشف الغطاء در فتوایی که صادر نمود وجوب جهاد با روس‌ها را اعلام کرد. (رک: رجبی، ۱۳۸۲، ۳۸۲)

سید محمد مجاهد فرزند سید علی طباطبایی معروف به صاحب ریاض، نیز در سال ۱۲۲۸ قمری رساله‌ای درباره‌ی وجوب جهاد با روس‌ها منتشر کرد که در آن، شرکت در جنگ ایران و روس را مصداق جهادی دانست که برای حفظ اسلام و استقلال کشور واجب است. (سپهر، ۱۳۷۷، ۱/۳۶۳-۳۶۴) سید عبدالحسین موسوی لاری (۱۲۲۶-۱۳۰۳ ش) نیز از مراجع تقلید شیعه در منطقه فارس بود که وقتی انگلیسی‌ها در بوشهر نیرو پیاده کردند، اعلام جهاد داد و مردم را مسلح کرد و خودش نیز مسلح شد و پیشاپیش مردم حرکت کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) این مجاهدتها شهادت عده‌ای را در پی داشت.

شهادت در عصر پیروزی انقلاب اسلامی. این دوره (عصر انقلاب) از نهضت روحانیت در سال ۱۳۴۱ شمسی آغاز و تا به امروز ادامه یافته است؛ اولین پیشتاز و مدافع این دوره

شهادت / ۵۱۹

طلبه جوانی به نام «سیدیونس رودباری» است، که بر اثر هجوم عمال رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه به شهادت رسید. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۲۴۳) از ویژگیهای این دوران، شهادت با الهام از شهدای صدر اسلام و واقعه کربلا میباشد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۰۸) نقطه اشتراک شهادت در این دوره با شهدای صدر اسلام و واقعه کربلا، هدفگذاری و اثربخشی آن میباشد که موجب شد مردم و جوانان از شهادت در این راه استقبال کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۲۰۳-۲۰۵)

این شهیدان با ایثار جان خود، پرچم اسلام را که به دست امام خمینی برافراشته گردیده بود، پایدار و استوار نگه داشتند و اسلام و معنویت را در همه ی اقطار عالم عزیز کردند. اگر امروز بانگ مسلمانی از عالم به گوش میرسد و اگر جهاد اسلامی پس از سالها فراموشی، دوباره به جایگاه ارزشی رفیع خود بازگشته، به برکت استقرار و استمرار انقلاب اسلامی است که خود، مرهون شهادت است. (آیت الله خامنه ای، مکتوبات، ۵/۱۳۶۹)

طبق وعده قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره مائده، آخرین دوره ی تاریخی شهادت و مجاهدت مربوط به عصر ظهور آخرین حجت الهی حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه میباشد که خداوند جمعیتی را برای حمایت از آیین او برمی انگیزد. مجاهدان در این دوره ویژگیهایی دارند که عبارت اند از: تنها به خدا عشق می ورزند و جز به خشنودی او نمی اندیشند؛ در برابر مؤمنان خاضع و مهربان و در برابر دشمنان و ستمکاران، سرسخت و خشن و پرقدرتند؛ جهاد در راه خدا به طور مستمر از برنامه های آنها است و در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق، از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۱/۵۲۵-۵۲۶)

جایگاه و ارزش شهادت

بر اساس آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ سوره آل عمران که شهید را زنده و دارای حیات جاودان و دارای رزق معنوی در نزد خدا میداند، شهادت در اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است، که دستیابی به این مقام الهی از مهمترین آرزوهای اهل بیت علیهم السلام و اولیای الهی بوده است (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۴۱) و ۱۴ معصوم شیعیان همگی به گونه ای شهید شده و هیچ یک با مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند. (خزازه قی، ۱۴۰۱، ۱۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷/۲۱۷)

امیرمؤمنان علیه السلام در پایان عهدنامه مالک اشتر از خداوند می‌خواهد که سرانجام او و مالک را به شهادت پایان بخشد: «وَأَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَحْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۴۴۵)) و یا دعای حضرت که از خداوند منزلتهای شهیدان را طلب میکند «نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳ (۶۵)) و سرانجام وقتی که در محراب مسجد کوفه شمیم شهادت به مشامش رسید، آن را عامل رستگاری خود خواند. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۴، ۳/۱۱۲۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۴۲/۵۶۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۹/۲۰۷) همچنین از برترین القاب امام حسین علیه السلام «سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» است؛ (ابن قولویه قمی، ۱۴۱۷، ۱۴۲، ۱۴۸) این نشان از ارجی است که اسلام بر شهادت مینهد. در باور شیعه، شهیدان در آن جهان مقامی بس والا دارند و همان دم که جان می‌بازند، از همه گناهان پاک میگردند. (حویزی، ۱۴۱۲، ۱/۵۱۷) با چنین اوصاف والا و رفیعی میتوان گفت که، شهادت و جهاد سکوی پرش انسان به سمت قله‌ی کمال است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۱/۱۴/۱۳۷۱)

از نگاه انقلاب اسلامی شهادت جایگاه مهمی دارد و هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان والا و بزرگ الهی کند؛ چنان‌که قرآن کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی‌آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و شهدا را کسانی معرفی میکند که نزد پروردگارشان به سرمیبرند و روزی دریافت میکنند. (آل عمران، ۱۶۹) علاوه بر این حق شفاعت بعد از پیامبران و عالمان به شهیدان میرسد و آنان میتوانند از دیگران نزد خداوند شفاعت کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۰/۱۲)

ارزش شهادت از ابعاد مختلفی قابل بررسی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۴/۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و انسان در بیان فضیلت آن دچار تحیر میشود (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۳/۱۳) و عظمت آن، قابل درک نیست؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) چراکه شهید به یکی از عالی‌ترین و راقی‌ترین درجات و مراتبی میرسد که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود بدان نائل گردد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۴۴۴) علت بلندی و رفعت مقام شهادت، این است که شهید در واقع همه زندگی خود را، برای هدف و مقصودی که خدای متعال، آفرینش انسان را برای آن انجام داده است تقدیم میکند؛ یعنی اقامه عدل و زندگی سعادت‌مندانه برای انسانها، نزدیک شدن انسانها به خدا و اقامه احکام الهی در جامعه. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۱۴/۱۳۷۶)

شهادت / ۵۲۱

شهادت، مرگ تاجرانه و مرگ انسانهای زنگ است و خداوند این هدیه را ارزان به کسی نمیدهد؛ بلکه توفیق شهادت شامل حال کسی میشود که در راه خدا مجاهدت و تلاش کرده (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۲) و سرانجام در این راه، جان خویش را فدا ساخته باشد. اگر چه در مسیر مجاهدت، مردن به مرگ طبیعی هم دارای ارزش زیادی است، ولی کشته شدن در این راه ارزش بیشتری دارد. این ارزش و جایگاه شهید به خاطر این است که همه زندگی را یکجا در راه خدا نثار کرده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴)

پس از شهادت امام حسین علیه السلام بشر فهمید که برای ایجاد جامعه اسلامی و حکومتی که در آن پستی، جهالت، اسارت و تبعیض نباشد، باید مبارزه کرد. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶) شهادت چنان ارزشمند است که خداوند این مرگ و سرنوشت حتمی را که همه انسانها باید طی کنند، در مسیری قرار میدهد که دارای لذت و فضیلت بسیار باشد؛ بنابراین لحظه‌ی شهادت، جزو شیرین‌ترین لحظات زندگی هر شهیدی است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) که شهید از آن واهمه‌ای ندارد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۰/۱۹) و به فرموده پیامبر شهادت از بهترین مرگ‌هاست: «أَشْرَفُ الْقَتْلِ قَتْلُ الشُّهَدَاءِ». (قی، ۱۴۰۴، ۲۹۱/۱) در حالی که مرگ و سفر به وادی آخرت از سخت‌ترین مقاطع زندگی دنیوی است. در این میان، شهدا از آن دسته بندگان صالحی هستند که عبورشان از این دنیا به آسانی انجام میپذیرد. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از شهادت به عنوان بالاترین نیکی یاد کردند و فرمودند بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا آنگاه که مرد در راه خدا کشته شود. (کلینی، ۱۳۶۳، ۳۴۸/۲) بنابراین شهادت از همه چیزها افضل است؛ هیچ نیکی و فضیلتی بالاتر از آن متصور نمیشد که کسی حیات خود یعنی بالاترین سرمایه‌اش در این عالم را نثار کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۶/۱۳) جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خداوند آن را فقط برای اولیای خاص خود می‌گشاید. (نهج البلاغه، خطبه ۲۷ (۶۹)؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲) این فضیلت بزرگ در بین فضایل بیشماری که برای مجاهدین در راه خدا برشمرده‌اند، بیشتر از همه جلب توجه میکند و این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی میدرخشد. چنین کرامت بزرگی تنها برای مجاهدان در راه خداست. (امام

خینی، صحیفه امام، ۱۷/۱۷۹

شهادت از بُعد دیگر نیز پدیده‌ای فوق‌العاده است؛ زیرا بسیاری از خیرات و کارهای نیک، عملی فردی بوده؛ ولی شهادت محصول گذشت و مجاهده پدر، مادر، فرزندان، همسر و هرکسی است که به این شهید علاقه داشته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵)

بعد دیگر، تداوم و جاودانگی ارزش و اثر شهادت است؛ شهادت، کار ارزشمند و بزرگی است با ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون که اثر آن برای مدتهای طولانی باقی میماند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) رتبه و ارزشمندی شهادت، مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی متغیر بوده است. گاه در برخی از موقعیتهای تاریخی، شهادت مقوله‌ای حیاتی برای جامعه اسلامی بوده است. اگرچه فداکاری و شهادت در صدر اسلام به خاطر نوپا بودن اسلام، بسیار با ارزش بود؛ ولی در زمان سیدالشهدا علیه السلام ارزش مضاعفی پیدا کرد؛ زیرا در آن هنگام محصول تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله در حال از بین رفتن بود و فداکاری امام حسین علیه السلام مانع از این امر شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۲۴) در زمان ما نیز دشمنان اسلام، از هر زمان دیگری مجهزترند؛ در این شرایط، اگر ملتی بی‌واهمه در راه دفاع و اعتلای اسلام مجاهدت نماید و در این راه به شهادت برسد، این قیام و مجاهدت و شهادت او، از همیشه‌ی تاریخ با ارزش‌تر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۲۴)

پی بردن به ارزش شهادت آثار ارزشمندی در پی دارد به‌گونه‌ای که جوانان با اعتقاد به این ارزشها چنان تربیت میشوند که در میدانهای نبرد و مبارزه چه بکشند و چه کشته شوند، پیروز باشند و به برتری دست یابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۷/۴؛ ۱۳۸۹/۸/۴) فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک میکند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که چگونه جان خود را برای آرمانها فدا کند، آنگاه میتواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برای او نیست. در غیر این صورت از مرگ می‌هراسد و دشمن او را از مرگ خواهد ترساند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶)

مبانی و معیارهای دینی جهاد و شهادت در راه خدا

مبانی

شهادت و مجاهدت در راه خدا از مفاهیمی است که بر مبانی خاصی استوار است که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

انگیزه الهی. زیربنای شهادت عقاید و باورهای عمیق و صحیح نسبت به مبدأ عالم هستی است و اولین و کلیدی‌ترین بینشی که به شهادت ارزش می‌دهد و شهادت مبتنی بر آن است، نگاه توحیدی به عالم است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۱/۹) در این نگاه زندگی یک حرکت معنادار است که منجر به قرب الهی میشود: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک»؛ (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ۶۸۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۹/۹۱) (مناجات شعبانیه)) خدا مالک و امرکننده حقیقی است و وظیفه هر موجودی تحقق بخشیدن به اوامر الهی در عالم است و بندگان خدا باید در راه او حرکت کنند و به پیش بروند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۴/۱۵) از این رو، پیامبر اسلام ﷺ نیز قلب مؤمنان را مملو از اعتقاد به توحید کرده و تکوین و تربیت امت را بر این اساس بنیان نهاد. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۸/۲۲)

اعتقاد به خداوند و توحید باوری موجب میشود که افراد مؤمن ترسی از شهادت نداشته باشند بلکه پیشقدم و طالب شهادت باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۲/۷) بی تردید شخصی که به وجود خداوند اعتقاد ندارد نمیتواند به مکتب شهادت پایبند باشد، از این رو اعتقاد به خدا و توحید زیربنای شهادت است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۱/۹) چراکه حرکت در مسیر جهاد و شهادت اگر با اهداف الهی و ارتباط با خدا نباشد، به امری کم ارزش و گاه ضد ارزش، تبدیل میشود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۲۷) ایمان به خدا باعث ایستادگی رزمندگان در جبهه‌ها تا مرز شهادت گردید (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۳/۱۶) و ایشان جان خود را تنها با خدا معامله کردند (توبه، ۱۱۱) و مجاهدت تلاش هدف‌دار برای خداست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱)

باور داشتن به آخرت (معاد محوری). یکی از مبانی شهادت، اعتقاد به این است که مرگ فنا و نابودی نیست، بلکه پایان یکی از مراحل زندگی است. اگر اعتقاد به قیامت نباشد، هیچ معادلی برای جان آدمی یافت نخواهد شد. آنچه موجب میشود مجاهد تا سرحد جان بایستد و از زندگی، تحصیل و دانشگاه و آسایش خود دست بکشد و جان خود را

به خطر بیندازد، اعتقاد به قیامت و دیگر باورهای اوست، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۳)؛ زیرا در نگاه شهید، مرگ عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست؛ از این رو زمان فرارسیدن مرگ برایش اهمیت ندارد چون مرگ برای او عبور از یک مرحله و در یک لحظه است، بعد از آن تنعم بی‌بدیل و بی‌مثال الهی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸) شهید وعده الهی را مشاهده میکند و از مرگ نمی‌ترسد و شتابان به سوی مرگ گام برمیدارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸) و معتقد است در هر صورت پیروز است هرچند کشته شود؛ زیرا در این صورت نیز شهید بوده و راهی بهشت خواهد شد. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۵۸/۱)

از منظر انقلاب اسلامی شهادت طلبی ناشی از آگاهی به معاد و اعتقاد به جهان باقی است؛ از این رو شهید به زندگی برتر از این دنیا نائل میگردد و زندگی پس از مرگ نابودی نیست. در شهادت موت نیست؛ بلکه حیات جاوید است و برای نیل به حیات جاوید است که انسان تقاضای شهادت میکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۱/۹) بنابراین کسی که در خدمت مستکبران می‌جنگد، مرگ برایش گودال وحشت‌انگیز و تاریکی است که از آن باید بگریزد؛ به همین دلیل اگر با رزمنده‌ای آرمان‌گرا بجنگد پیروزی با کسی است که شهادت و جان دادن در راه خدا را برای خود افتخار میداند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۴)

باورمندی به وجوب جهاد (جهادمحوری). از نظر اسلام، ایمان خالی از عمل، امری حداقلی است و ایمان کامل و حقیقی ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» (انفال، ۷۴) بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، این فکر که ایمان بدون عمل و جهاد، برای تقرب به سوی خدا کافی باشد، فکری غلط است؛ چراکه عمل مجاهدانه به معنی توأم کردن ایمان و عمل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲)

انسان مؤمن، عزت و ایمان حقیقی را در تلاش و جهاد برای رسیدن به اهداف خویش میداند. این جهاد برای برخی تنها صحنه جنگ و جبهه است و برای برخی دیگر هر لحظه زندگی عرصه جهاد است. زندگی غیرجهادی برای مؤمن، ذلت بار و مرگ از زندگی ذلت بار، بالاتر است؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰۰/۲) بنابراین میکوشد به سوی ایمان حقیقی گام بردارد حتی اگر به قیمت تلاش سخت و یا هزینه کردن جان باشد. بر این اساس، جهاد علاوه بر

شهادت / ۵۲۵

نبردهای دفاعی و تهاجمی، مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آنرا در برمیگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۴۴۰/۱) قرآن کریم نیز در آیه ۹۵ سوره نساء تصریح میکند خداوند مجاهدانی را که در راه او و اعلاای کلمه حق با مال و جان خود جهاد میکنند بر کسانی که از حضور در میدان جهاد خودداری میکنند برتری عظیمی بخشیده است. (مکارم شیرازی،

۴۴۰/۱، ۱۳۸۲)

ایمان کامل و ایمان حقیقی ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد و انسان مؤمن، عزت و ایمان حقیقی را در تلاش و جهاد برای رسیدن به اهداف خویش میداند و به وسیله جهاد موانع را از سر راه خود بر میدارد تا بتواند به کمال مطلوب برسد. (← جهاد)

معیارها

شهادت و مجاهدت در راه خدا از معیارهایی تبعیت میکند که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

عقلانیت. در طول تاریخ کج‌فهمی یا سوءاستفاده برخی دشمنان از ظرفیت عظیم شریعت اسلامی، همواره آسیبهایی را متوجه آن کرده است؛ به طوری که به نام جهاد و شهادت اقدامات مخرب و غیر قابل جبرانی صورت گرفته است. چنانکه بنی‌امیه، با نام جهاد، برخی از مسلمانان را به جنگ با امام حسین علیه السلام واداشتند (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۹/۱۷-۴۰) و یا امپراتوری عثمانی، به همین عنوان، علیه ایران، اعلام جنگ کرد. (ربیع، ۱۳۸۶،

۴۴۵/۱۱)

ریختن خون انسانهای بی‌گناه با نام جهاد در راه خدا، علاوه بر اینکه معارض احکام اسلام ناب و فاقد مشروعیت است، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۲۷) آسیبی جبران‌ناپذیر نسبت به اصل اسلام ایجاد میکند که البته این، نتیجه سیطره تحجر و دور بودن از عقلانیت است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵، هو، مکتوبات، ۱۳۷۷/۶/۲۳) و جهالت بارزترین عامل اینگونه آسیبها میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

همه خونریزی‌هایی که تاکنون با سوءاستفاده از نام جهاد و شهادت انجام شده است، دانسته یا ندانسته اهداف دشمنان را برآورده کرده، موجب تنها گذاشتن جبهه مقاومت

و ویرانی زیرساختهای کشورهای اسلامی، منحرف ساختن شور جوانان مسلمان، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴، ترور مسلمانان (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۴) و انحراف بیداری اسلامی گردیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۱۷) این آسیبها از سوی گروه‌ها و جریانهایی وارد میشود که اطاعت و خاکساری در مقابل طاغوتهای زنده را شرک نمیدانند، ولی احترام به اولیای الهی و بزرگان تاریخ اسلام را شرک تلقی میکنند! (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۶)

مشروعیت و حجیت. مشروعیت جهاد و به تبع آن شهادت و حجیت ناشی از امر به جهاد در گرو شرایط مختلفی است که مهمترین آنها اذن امام است؛ البته این نکته وجود دارد که آیا دعوت (اذن) به جهاد، منحصر در شخص امام و نائب خاص اوست یا فقیه جامع‌الشرایط نیز در زمان غیبت میتواند عهده‌دار این امر شود؟ بر اساس فتوای مشهور که برخی آن را اجماعی دانسته‌اند؛ دعوت امام موضوعیت دارد و در صورت نبود امام، جهاد مشروع نخواهد بود، (طباطبائی، ۱۴۱۸، ۱۳/۸-۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱/۲۱، امام خمینی، بی تا، ۴۸۲/۱) گرچه این شرط در سده‌های اخیر مورد تردید قرار گرفته است، (رک: سبزواری، ۱۴۲۳، ۳۶۸/۱، نجفی، ۱۴۰۴، ۱۴/۲۱) به طوری که در مشروعیت جهاد، اذن فقیه جامع‌الشرایط تقویت شده و قائلان به نظریه اخیر رو به افزایش بوده‌اند (رک: خوئی، ۱۴۱۰، ۳۶۵/۱، روحانی، ۱۴۱۲، ۳۴/۱۳) و حتی مقام معظم رهبری به جواز جهاد ابتدایی با حکم ولیّ امر فتوا داده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۲۷)

پاداش شهادت و مقامات شهیدان

شهید همانند شمع است که خدمتش از نوع سوختن و فانی شدن و پرتوافکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند. شهدا شمع محفل بشریت‌اند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند تا دیگران در پرتو آن ادامه حیات دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۴۵/۲۴) مقام شهید بسیار والاتر از آن است که ذهن و دل آدمی به ادراک آن نائل شود؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۱۰) علت بلندمرتبگی مقام شهادت این است که شهید در واقع همه زندگی خود را میدهد؛ برای آن هدف و مقصودی که خدای متعال، انسان را بدان جهت آفریده است؛ یعنی اقامه عدل، اقامه زندگی سعادت‌مندانه برای انسانها، نزدیک شدن انسانها به خدا و اقامه احکام الهی در جامعه، که این به معنای

نیل به هدف متعالی «حیات طیبه» است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) کسی که در راه خدا شهید می‌شود، به این معناست که در این راه، مجاهدت و تلاش کرده و سرانجام در این راه، جان خودش را از دست داده است و چون همه زندگی را یک جا تقدیم این راه کرده است، مقامش بسیار بالاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) مقامات اخروی و دنیوی شهیدان در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است، که برخی از آنها عبارت‌اند از:

برخورداری از حیات ابدی

خداوند متعال در قرآن شهید را زنده معرفی می‌کند؛ چرا که خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۷) قرآن کریم در آیه ۱۵۴ سوره بقره و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران در مورد زندگی پس از مرگ و حیات ابدی شهید می‌فرماید شهیدان پس از مرگشان زنده هستند. آنان در حقیقت نمرده‌اند و حواس ما قدرت ادراک حیات آنها ندارد. اگر به جزایه‌ی: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»، (آل عمران، ۱۶۹) دلیل دیگری برای اثبات مقام شهدای راه خدا نبود، همین آیه در معرفی مقام بلندپایه شهدا کافی بود. در این آیه کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست زیرا در آن عالم همه انسانها به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و ما فوق آن زنده هستند؛ ولی فضیلت بزرگ شهدا، حیات الهی، «حیات عند الرب» و ورود در مهمانی خداوند، «ضیافه الله»، است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۱۸) شهید پاداش زحمات و مجاهدات خود را، با ورود بر جرگه شهیدان راه خدا دریافت می‌کند و به خواست خدا به بهشت الطاف ویژه‌ی الهی که خاص مجاهدان و صدیقین و شهدا است راه می‌یابد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۳/۳۰) حیات و ضیافتی که نصیب شهید می‌شود قابل وصف نیست. چه مژده‌ای برای شهیدان از این بالاتر که در ضیافتهای بهشتی‌ای که امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام وارد میشوند به این شهیدان اجازه ورود بدهند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۱۸) کسانی که در راه خدا کشته میشوند، جسم آنها زنده نیست؛ اما وجود حقیقی آنها زنده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۱/۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۲۵) «شهادت» وارد شدن در حریم خلوت الهی و مهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت اوست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

رسیدن به کمال

شهید به وجه الله نظر میکند، که نهایت کمال هر انسانی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۳/۱۳-۵۱۴: ۱۹۶/۲۰-۱۹۷) انبیا و اولیای الهی در زمان حیات، حجابهای میان خود و خدا را شکسته و «صَعَق»؛ یعنی مرگ اختیاری برای آنها حاصل میشود. خداوند بر آنها تجلی میکند و به حسب ظرفیت عقلی، باطنی، روحی و عرفانی، او را ادراک کرده و جلوه حق را مشاهده میکنند. شهید نیز همانند انبیا چون هر چه داشته است در طبق اخلاص گذاشته و در راه جهاد برای خدا و دفاع از کشور و آئین الهی تقدیم کرده است این امر موجب میشود حجابها شکسته شود و به مقام «يُنْظَرُ اِلَيْهِ وَجْهَ اللهِ» نائل آید. به شهدا مژده داده‌اند که به حسب حدود وجودی خود به آن منزل آخری که برای انبیا قرار داده‌اند خواهند رسید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۳/۱۳-۵۱۵) با اعتقاد به همین مبنای دینی است که مرگ و شهادت برای شهدا شیرین میشود و با اشتیاق به سوی آن می‌شتابند.

برجای ماندن نام نیک از آنان

امام خمینی علیه السلام با نثار درود و رحمت بر شهیدان خاطره آنان را جاودانه دانسته و ایشان را فخرآفرین برای کشور و ملت و الگو برای مجاهدان تاریخ میدانند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۲/۱۴) و در تجلیل از ایشان بر این باور است که راه و رسم شهادت کورشدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند کرد و تربت پاک شهیدان تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۲/۲۱-۹۳)

تجلیل از خانواده شهدا

از جمله پادشاهای دنیوی شهیدان تجلیل از خانواده‌های آنان است. امام خمینی علیه السلام در تجلیل از ایشان میفرماید: آفرین بر مادران و پدران متعهدی که چنین فرزندان سلحشور و عاشقی را در دامن پر برکت خود تربیت نمودند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۴۶/۱۶) چرا که آنها مشعل‌داران راه اولیا، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۷/۲۱) سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در

طول دوران دفاع مقدس بوده‌اند؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷) از این رو ملت ایران باید با قدردانی از شهیدان و خانواده معظم آنان رضای الهی را جلب نمایند و تکلیف خود را نسبت به آنها ادا کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

آثار و برکات شهادت و شهیدان

با توجه به جایگاه والا و تأثیرگذار شهادت، نهادینه شدن فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی در افراد و جامعه می‌تواند آثار و برکات فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی آنها داشته باشد؛ همان گونه که بر بیگانگان و دشمنان نیز مؤثر بوده و موجب ترس آنان از اقتدار سپاه اسلام خواهد شد. مهمترین این آثار عبارت‌اند از:

آثار معرفتی (اثر در حوزه بینش)

بصیرت‌افزایی، هدایت و عبرت‌آموزی. شهدا در طول تاریخ اسلام تا سرحد جان، جهت هدایت خود و جامعه به سوی عقاید راستین دین، جانفشانی کردند. همچون شهادت عمار در جنگ صفین که باطل بودن معاویه را آشکار ساخت و یا امام حسین علیه السلام که با شهادت خود تمایز حق و باطل را در همه اعصار روشن ساخت.

شهادت همواره مانند خورشیدی منور در طول اعصار مختلف موجب روشن‌گری و بیداری جامعه و در نتیجه ازاله‌ی حکومت‌های ظالم، مستکبر و نژادپرست گردیده است. آنچه در عصر حاضر اتفاق افتاد، از همه بالاتر بود؛ یعنی در عصر تسلط ظلم، کفر و الحاد بر سرتاسر عالم؛ در عصری که عدالت، خلاف قانون و ظلم، قانون و مقررات بین‌المللی شده است، ناگهان به برکت عاشورا، حجاب ظلمت شکافته و خورشید حقیقت آشکار شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۳) شهادت بهترین انسان‌های روزگار موجب درس گرفتن و عبرت تاریخ شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰) از طرفی معرکه بزرگ جنگ و شهادت امتحان عظیم الهی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۲۷۲، ۲۱/۹۳)

معاذگرای و قطع تعلق به دنیا. شهید بر سردوراهی بین آخرت و دنیا، آخرت را انتخاب میکند و استمرار یاد قیامت در جامعه، مردم را از حرکت به سمت پلیدیها دور میگرداند.

جهان بینی هر انسانی، در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. آن‌کس که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا به گونه‌ای عمل میکند که سعادت آخرت خود را تضمین نماید. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۵۲۱-۵۲۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۸/۳/۱۳۶۸) دنیاگریزی امری است که گرچه به حوزه عمل مربوط است اما تحت تأثیر باورها و اعتقاد شخص قرار دارد.

آثار روحی (اثر در حوزه گرایش)

ایجاد روحیه شهامت و شهیدپروری. از تأثیرات والای شهادت ایجاد روحیه شهامت و شهیدپروری در آحاد یک ملت است. چنین ملتی چون بیدار است، با عزم و اراده‌ی خود خواهد توانست همه مشکلات را از سر راه بردارد و همه‌ی دشمنی‌ها، کینه‌ورزی‌ها و کمین‌گرفتن‌های دشمنان را از بین ببرد؛ شهادت موجب سیادت و سعادت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و منشأ پیروزی ملت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۱۰)

عزت‌آفرینی در جامعه. با تحلیل منصفانه پدیده عظیمی همچون انقلاب اسلامی ایران، معلوم میشود که همه‌ی این برکات، از برکت خون شهادت است که در مدت سالهای بعد از پیروزی انقلاب، در جبهه‌های مختلف حضور پیدا کردند و بدون توجه به جان خود، هدفهای الهی را مورد توجه قرار دادند و با شهادت خود عزت و عظمت را برای اسلام به ارمغان آوردند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۴۸۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۱۰/۱۳۷۰) شهدا با شهادت خود ستونهای این نظام را محکم کرده‌اند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۵/۱۳۶۸) چرا که شهیدان با پیروی از راه شهید بزرگ اسلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بردشمنان اسلام را برای ملت ایران و سایر ملت‌های مسلمان - بلکه مستضعفان جهان - به ارمغان آوردند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۳۲۵) و اساساً هر ملتی که متکی به شهادت شد و هنر شهادت را آموخت، همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر آن پیروز نخواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵)

آثار عملی (اثر در حوزه منش)

ایجاد همبستگی ملی و وحدت کلمه. شهادت در راه حفظ و سربلندی جامعه اسلامی، موجب تقویت روحیه همبستگی، وحدت و حرکت به سمت هدف مشترک میگردد. وحدت کلمه همان چیزی است که ابرقدرتها را مرعوب میسازد. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۵) بنابراین باید وحدت و همبستگی‌ای که در پرتو عشق به شهادت در جوانان و جامعه انقلابی ایجاد شده است حفظ شود و از تفرقه پرهیز شود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱/۸)

محکومیت مستکبران و جنایتکاران. خونی که به ناحق و از روی ظلم و قساوت بر زمین ریخته شود، پیوسته و در همه زمانها پیام‌رسان و افشاگردستی خواهد بود که ظالمانه و به ناحق این خونها را بر زمین ریخته است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱) وقتی عده‌ای به خود حق میدهند انسانهای باارزش، دانشمند و انقلابی را که از حقوق و مرزهای خود دفاع میکنند و دم از استقلال میزنند تا بر سرنوشت خود مسلط گردند، به شهادت برسانند یقیناً خود را در تاریخ و در چشم انسانهای منصف و آگاه محکوم کرده‌اند و لکه ننگی برای خویش باقی خواهند گذاشت. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۷)

بقای اسلام راستین. شهدا با قیام و شهادت خود، معارف اسلامی را بردل‌های آحاد بشر تابانیدند و همچون هزاران مشعل هدایت در دنیا موجب بقای معنوی مکتب حقّ تشیع شدند، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۷/۹) زیرا شهید با ایثار قطرات خورش در پیکر جامعه، خون گرم و زنده‌ای را به جریان می‌اندازد و راه خدا را باز میکند و سدها و موانع را بر میدارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۶۱/۲۴-۴۶۴)

آثار و برکات احیای نام و یاد شهدا و فرهنگ شهادت

اگر نام و یاد شهدا زنده شود، بخش عظیمی از آثار شهادت احیا میگردد؛ از این رو زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷) و زنده کردن یاد و اظهار نام این بزرگواران وظیفه‌ای عمومی بوده و برای دل‌بستگان به حرکت اسلامی و نظام اسلامی، یک راهنما و شاخص است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۱۰)

حفظ ارزشها

پیوسته لازم است ارزشها و دستاوردهای شهادت حفظ شود تا نسلهای بعد بتوانند، از دستاوردهای شهادت به خوبی استفاده ببرند. در مقابل، دست کشیدن از احیای نام شهیدان موجب محروم شدن جامعه از برکات و آثار آنها میشود. اگرچه شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است و خدای متعال، شهدا را در همین دنیا نیز زنده نگه میدارد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۶/۲۹) اما به حکم آیه قرآن: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) خداوند حال قومی را تغییر نمیدهد، مگر اینکه خود آنها تغییر یابند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۸/۹) تا به حال جانبازان و خانواده های شهدا و ایثارگران حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده اند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۸/۲۱) پس از این نیز، باید با تصمیم درست و بجای، یاد شهدا و خاطره و فلسفه ی شهادت احیا شود. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در مناسبت های مختلف به حفظ یاد و آثار شهادت نپردازند، نسل های بعد، از دستاورد شهادت بهره زیادی نخواهند برد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۶/۲۹)

تقویت روحیه مقابله با دشمنان

اگر یاد شهدا فراموش بشود، آثار آنها از دست میرود و دشمن فرصت را غنیمت شمرده و وارد عمل میشود، (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۲/۲۷) چنانکه افشاگری حضرت زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام در طول روزهای اسارت و بیان حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی علیه السلام و بیان ظلم دشمن توسط آنان موجب شد واقعه ی عاشورا تا امروز، زنده و مشتعل باقی بماند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۶/۲۹) و تا زمانی که مشعل شهادت در جامعه اسلامی فروزان است صاحبان سلطه و ظالمان و مخالفان عدالت احساس خطر میکنند. اسلام از اول پیدایش با خون شهیدان و مجاهدان آبیاری شد و به ثمر رسید؛ همچنان که انقلاب اسلامی با خون شهیدان بیداری و حیات خود را بازیافت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷/۱۱، رک: آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴)

ارتقای خودباوری و عزت بخشیدن به جامعه

شهادت فرزندان سرزمین اسلامی موجب عزت دین شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۶/۲۰) و عزت و حیات در سایه مبارزه است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۲/۲۱) امروزه عزت و عظمت کشور (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و حیثیت و حرمت آن (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰) به برکت خون شهیدان می‌باشد؛ بلکه بیداری و سربلندی مسلمانان در سراسر جهان مرهون فداکاری شهدا و خانواده ایشان است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۹) و ایران اسلامی در راه رسیدن به قله عزت و شوکت، شهدای گرانقدری را تقدیم خداوند کرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۷/۲۱) و پیروزی ما مرهون شهادت و حس شهادت طلبی رزمندگان بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۴/۸)

تحکیم همبستگی اجتماعی

عاشورا، عزاداری، نوحه خوانی برای امام حسین علیه السلام و... که در سایه شهادت آن حضرت تحقق یافته‌اند، مفاهیمی هستند که موجب همبستگی جامعه اسلامی در طول تاریخ بوده‌اند و انگیزه‌ای قوی جهت همدلی، اتحاد و اتفاق در تاریخ مبارزات شیعه شده است، از این رو فرهنگ شهادت یکی از عوامل مهم همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود.

(رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹۸/۲۰؛ معدنی، ۱۳۷۸، ۲۸)

شهیدان انقلاب اسلامی (تعداد/قشریندی)

با مرور تاریخ گذشته روشن می‌شود که تا به امروز پدیده‌ای با عظمت‌تر، عمیق‌تر و ماندگارتر از تشکیل نظام جمهوری اسلامی به وجود نیامده است. این عظمت و پیروزی نتیجه مجاهدتها و هزینه‌های فراوانی است. دفاع جانانه، خون شهدا و عواطف و احساسات ملتی پشت سر این حرکت بوده است که این کار بزرگ اتفاق افتاده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵) در این میان شهدا نقش ویژه‌ای داشتند و در میان شهدا برخی از ایشان شناخته شده‌تر هستند؛ مانند شهید مصطفی خمینی، که امام خمینی شهادت او را از الطاف خفیه الهی نامید (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۴-۲۳۵/۳) و نیز شهید مرتضی مطهری که امام او را پاره تن خود خطاب کرد و او را دارای طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان

کم نظیر دانست، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۸/۷-۱۷۹) و شهید بهشتی را همانند یک ملت معرفی کرد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۱۵) که مظلوم زیست و مظلوم مُرد و خار چشم دشمنان اسلام بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۱۵) از شهید رجایی نیز به عنوان فردی متعهد و خدمتگزار و معلم اخلاق و از شهید باهنر با عنوان معلم و دانشمندی متعهد یاد میکند (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۷/۱۸) و شهید عراقی را مردی مینامد که عمرش را صرف اسلام کرد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۷/۱۸) همچنین درباره شهید چمران او را کسی میدانند که با عزت و عظمت و با تعهد به اسلام جان خودش را فدا کرد (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۹۱/۱۴) به گونه ای که او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸/۱۴)

امام خمینی با اشاره به مرحوم «حاج شیخ فضل الله نوری» میگوید او کسی بود که به خاطر دفاع از مشروطه مشروعه (مبتنی بر اسلام)، او را به دار آویختند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۱/۱۸) مقام معظم رهبری شهید نواب صفوی را از شخصیهایی معرفی میکند که به شدت مجذوبش بوده است و نواب را فردی پُرشور و با اخلاص، پراز صدق و صفا و ضمناً شجاع و صریح میدانند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) همچنین شهادت فداییان اسلام را یادآور یکی از روزهای تلخ ملت در سالهای دهه ی ۳۰ میدانند، (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸) مقام معظم رهبری همچنین در اجتماع مردم پایه بر شهیدان شجاعی چون شهید چمران، شهید کشوری، شهید شیرودی و شهید کاظمی درود میفرستد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۷/۲۵) و در تشییع جنازه شهید آوینی شخصاً شرکت نموده و در صفحه ی اول قرآنی که آن را به خانواده ی شهید آوینی هدیه کردند، او را سید شهیدان اهل قلم نامیدند. (جمعی از طلاب، ۱۱، ۱۳۷۲) ایشان در بیانات خود از شهیدانی چون کاوه، صیاد شیرازی، متوسلیان، ناصر کاظمی، احمد کاظمی و شهید بروجردی و... یاد میکنند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲) و تأکید میکند که ما یاد «شهید صیاد شیرازی» و یاد امیر وفادار «ظهرنژاد» را که از روز اول انقلاب تا لحظه ی وفاتش، در هر میدانی که توانست، تلاش کرد، فراموش نخواهیم کرد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۸/۸/۹) ایشان ضمن اشاره به شهدای هسته ای مانند شهید علی محمدی، شهید شهریار، شهید رضایی نژاد و شهید احمدی روشن تأکید میکنند که یاد این شهیدان هرگز از خاطره ی ملت و حافظه ی تاریخ ما بیرون نخواهد رفت. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۵/۲۲)

علاوه بر شهیدان یاد شده شهدای بسیاری در بیانات امام و رهبری مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. بی‌تردید انقلابی که برای نجات یک ملت انجام میگیرد و نیز هشت سال جهاد برای دفاع از استقلال یک ملت و ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقانیت و حقوق خود، دارای هزینه است. امام خمینی با اعتماد عمومی به مردم این هزینه را پرداخت و آن را در راه اهداف انقلاب به کار گرفت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴) اگرچه در جنگ تحمیلی بهای بزرگی پرداخت شد و شهدا و جانبازان بسیاری تقدیم انقلاب گردید و خانواده‌های زیادی داغ‌دار شدند؛ اما در عوض، استقلال کشور، پرچم اسلام و هویت ایران اسلامی در مقابل آن طوفان عظیم حفظ گردید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹) نگاهی گذرا به آمار شهدای انقلاب و دفاع مقدس، روشن میکند که برای پیروزی انقلاب اسلامی چه میزان هزینه شده است:

شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی

بر اساس آمارهای رسمی، در جریان مبارزات پیش از انقلاب تعداد ۲۸۳۸ نفر به شهادت رسیدند که دارای پرونده در بنیاد شهید هستند. (کریمی پور، ۱۳۸۱، ۲۶۳) درباره تعداد شهیدان جنگ تحمیلی نیز از طرف رسانه‌های مختلف و منابع بیگانه شایعات زیادی منتشر شده است، اما آماري که بنیاد شهید انقلاب اسلامی راجع به تعداد شهیدان و مفقودان جنگ تحمیلی منتشر کرده است، حکایت میکند که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۲۱۸,۸۶۷ نفر شهید و یا مفقود شده‌اند که از این تعداد ۲۰۸,۷۵۸ نفر شهید و ۱۰,۱۰۹ نفر نیز مفقود میباشند، که آمار آن به تفکیک سازمان مربوطه از این قرار میباشد: سپاه پاسداران، تعداد: ۱۲۶,۳۷۲ نفر (بسیجی ۸۵,۳۳۲ نفر - پاسدار ۴۱,۰۴۰ نفر)؛ ارتش، تعداد: ۴۷,۲۵۹ نفر؛ نیروی انتظامی، تعداد: ۹,۳۱۶ نفر؛ ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی، تعداد: ۲,۴۹۰ نفر؛ سایر، تعداد: ۳۳,۴۳۰ نفر. تعداد جانبازان جنگ تحمیلی نیز طبق آماري که بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی منتشر کرده است به ۳۹۹,۱۷۴ نفر

شهادای ترور

در ابتدای انقلاب اسلامی، برخی از افراد که از ایدئولوژی های چپ‌گرا متأثر شده و در واقع از مخالفان اسلام و انقلاب اسلامی بوده‌اند، ابتدا انقلاب اسلامی را پذیرفتند؛ اما پس از آنکه نتوانستند در آن انحرافی ایجاد کنند، مقابل انقلاب اسلامی ایستادند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۲/۴) و بخش اعظم از ترورهای گسترده و خشونت‌های سازمان یافته توسط این افراد انجام شده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۳۳۷، ۲۱/۱۲۰) حزب توده، فدائیان خلق و (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۳۰۴) حزب دمکرات کردستان از این جریانها بوده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۲/۹)

در این میان سازمان مجاهدین خلق، حادثه عظیم انفجار حزب جمهوری و شهادت ۷۲ تن از یاران انقلاب به ویژه آیت‌الله بهشتی و انفجار دفتر نخست‌وزیری و ترور مردم عادی را رقم زد. (جعفریان، ۱۳۹۱، ۴۶۷-۵۶۷) گروه فرقان نیز گروهی بود که ترور استاد مطهری و همچنین ترور نافرجام آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی از مهمترین اقدامات آنان بوده است. (جعفریان، ۱۳۹۱، ۶۷۷-۶۹۳)

در سالهای اخیر نیز که دشمنان از تحولات و پیشرفتهای موجود در حوزه‌های انرژی و فناوری هسته‌ای و صنایع مرتبط با آن به هراس آمدند، اقدام به حذف و ترور دانشمندان هسته‌ای نمودند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲)

از مجموع آمار بیان شده حدود ۱۷ هزار نفر در طول انقلاب و دفاع مقدس در اثر ترور به شهادت رسیده‌اند. (یاقوقی، ۱۱، ۱۳۹۴)

جایگاه و نقش خانواده شهیدان

بعد از شهدا، خانواده‌های مکرّمشان از لحاظ عظمت، بیشترین فضیلت را دارند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷) و همه مرهون زحمتها و ایثار آنها هستند، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۴۷۶) چراکه آنها مشعل‌داران راه اولیا، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۴۷) سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدّس بوده‌اند و روحیه آنها و فرزندان شهدا در طول دوران دفاع مقدّس و بعد از آن توانسته است عظمت نظام اسلامی و روحیه والای ملت بزرگ

شهادت / ۵۳۷

ایران را حفظ کرده و روحیه دشمنان را تضعیف نماید. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷) از این رو همه ملت ایران باید با قدردانی از شهیدان و خانواده معظم آنان رضای الهی و حمایت حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را جلب نمایند و تکلیف خود را نسبت به آنها ادا کنند. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

نقش خانواده شهدا در اموری تبلور می‌یابد که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

تداوم راه شهدا

بازماندگان شهدا ضمن افتخار به ایشان، باید راه آنها را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنند و گمان نکنند که با دادن شهید، از آنها سلب وظیفه شده است. بلکه خانواده شهدا با دادن عزیزانشان، سرمایه‌گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده‌اند، از این رو باید بیش از همه برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۲۵)

صبر و مقاومت

پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا در امر دفاع از دین خدا، آنچه‌نجان صبر و مقاومت نشان دادند، که رشادت و استقامت یاران حضرت سیدالشهدا عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خاطره جهانیان تجدید کردند (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۵/۱۷) و به خاطر این صبر و استقامت و قبول مصیبت در راه خدا، دارای پاداشی بزرگ در پیشگاه الهی هستند (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴؛ ۱۳۷۸/۱۱/۱۴) و در پیشگاه مردم نیز باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند و مورد تجلیل و تکریم قرار گیرند تا این پرچم برای نسل جوان و آینده کشور پابرجا بماند. این شهدا و خانواده آنها بودند که با صبر و پایداری توانستند راه طولانی انقلاب را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱۶) آنها بودند که با حرفها و منش و رفتار خود و افتخار به شهادت فرزندان خود، موجب کسب آبرو و نورانیت برای نظام و مردم شدند و ملت و کشور، به صورت یک الگو در عالم مطرح شد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵)

الگو بودن و الهام بخشی

رفتار پدران و مادران شهدا در استقبال از فرزندان خود، یاد شهدای کربلا و بازماندگان ایشان را در خاطره‌ها تجدید میکند (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۱/۱۶) و صبرشان موجب تشویق دیگران به جهاد میشود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و الگویی الهام بخش برای دیگران خواهد بود؛ صبر آنان مجاهدت است؛ چراکه صبر کرده و شکایت نمیکنند و آن را در راه خدا محاسبه میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) حتی گاه صبرشان بالاتر از صبر شهید است؛ چراکه مجاهدت شهید پس از شهادت به پایان میرسد؛ اما مجاهدت پدر، مادر، فرزندان و همسر او همچنان تا پایان عمرشان ادامه دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵)

آن چیزی که مصیبت‌های سنگین از دست دادن شهدا را آسان میکند، درک این مطلب است که همه انسانها با دنیا وداع خواهند کرد و چه بهتر که همانند شهدا در راه خدا فدا بشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۰/۱۰) خداوند نیز در آیه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) خانواده‌های شهدا را دعوت به صبر مینماید.

مسئولیت و رسالت جامعه در قبال شهیدان

استقلال و عزت ایران اسلامی رهین مجاهدتهای شهیدانی است که رضای خدا و دفاع از میهن اسلامی و کیان حکومت قرآنی را بر زندگی و لذت دوزخه دنیا ترجیح دادند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴) بنابراین تکریم یاد و نام آنان نشانه ادای احترام به ارزشهای والای انقلاب اسلامی ایران است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۱۲/۴) و مردم به ویژه جوانان مدیون شهدا بوده و در قبال آنان وظایفی دارند از جمله:

احیا و حفظ راه شهیدان

کسانی که در قبال شهیدان مسئولیت دارند، باید این حقیقت را زنده نگاه دارند تا در آینده، تاریخ برای همیشه از این ایثار بزرگ بهره ببرد. اگر تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته ابی‌عبدالله‌الحسین (علیه السلام) بهره میبرد؛ به این خاطر است که کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه‌ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگه داشتن یاد ایشان به کار بردند.

شهادت / ۵۳۹

رنج سی ساله امام سجاد علیه السلام، رنج چندین ساله زینب کبری علیها السلام و بعد از آن نیز رنج همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، در همین راستا بوده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷)

برای استمرار راه شهدا باید ارزشهای اسلامی و اهداف جمهوری اسلامی در نظر گرفته شود (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۳) و برای وصول به اهداف و آرمانهای بلند انقلاب اسلامی باید حقیقت انقلاب و فرایند تحقق اهداف آن تا ایجاد تمدن نوین اسلامی، (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) فتح تمام سنگرهای کلیدی جهان (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۲۰) و اهتزاز پرچم لاله الا الله در همه‌ی عالم (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۸/۲۱) عمیقاً شناخته شود و مؤمنین با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه فراهم سازند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸/۲۰)

از این رو اولین وظیفه و رسالت در برابر شهیدان، حفظ راه آنان؛ یعنی پاسداری از خون شهداست. بنابراین همه سازمانها و دستگاه‌های دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم باعظمت و پرارزش و مؤثر شهادت را در میان ملت مبارز ایران اسلامی احیا و حفظ کنند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷) حفاظت از خون شهدا؛ یعنی مجاهدت و شهادت در راه خدا، تحمّل سختیها برای حاکمیت دین خدا در کشور اسلامی، (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۵) و ادامه دادن راه شهدا و دنبال کردن اهداف و راه آنها. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۲/۱۷)

الگو قراردادن شهدا

وظیفه دیگر جامعه نسبت به شهدا الگوپذیری آحاد جامعه از شهیدان است؛ بدین معنی که صرف زنده نگه داشتن یاد شهدا کافی نیست؛ بلکه نیازمند قدم گذاشتن در راه ایشان است تا خون ایشان پایمال نگردد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۴/۱۵) هریک از شهدا، نمونه‌ای ممتاز و عالی هستند که جا دارد هر ملتی یک نفر از این شهدا را داشته باشد و او را تجلیل کند و الگو قرار دهد؛ چنان که امام خمینی علیه السلام درباره شهید فهمیده فرمود: رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک خود را زیرتانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز به شهادت رسید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۷۳/۱۴) شهیدان بزرگ دیگری نیز چون شهدای محراب میتوانند الگوی جامعه روحانیت و عالمان دینی باشند و شهیدانی

چون بهشتی و رجایی الگوی معلمان، و شهیدانی چون چمران و شهدای هسته‌ای الگوی دانشمندان و دانشگاهیان قرار گیرند و سیره و روش زندگی ایشان و وصیت‌نامه‌های سراسر درس آنان مورد توجه اقشار مختلف قرار گیرد.

تکریم بازماندگان شهدا

شأن و ارزش الهی بازماندگان شهدا و بیش از همه، پدر، مادر، همسر و فرزندان آنها، بلافاصله بعد از شهیدان عالی قدر قرار دارد و فداکاری و صبرآنان، دارای ارج و قدر والایی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۱۱/۱۸) بازماندگان شهدا به قدری در پیشگاه الهی، عزیز و ارزشمند هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی میفرمایند: «وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنَا خَلِيفَتُهُ فِي أَهْلِهِ وَمَنْ أَرْضَاهُمْ فَقَدْ أَرْضَانِي وَمَنْ أَسَخَطَهُمْ فَقَدْ أَسَخَطَنِي؛ خداوند میفرماید من جانشین (شهید) در خانواده او هستم، هرکس رضایت آنها را جلب کند، رضایت مرا جلب کرده و هرکس آنها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است». (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۱/۱۱-۱۱)

همچنین خداوند در قرآن با بیان وضعیت شهدا و موقعیت آنان در بهشت و آخرت به تسلیت و دلداری خانواده شهدا می‌پردازد. (رک: بقره، ۱۵۴؛ آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱) خداوند برای دلداری مجاهدان، گاه با استفاده از میزان خسارت دشمن (نساء، ۱۰۴) و گاه با بیان برتری مجاهدان بردشمنان (آل عمران، ۱۳۹-۱۴۰) و گاه از راه دیگر به دلداری و تسلیت آنان می‌پردازد و دل‌های آنان را محکم میگرداند؛ بنابراین باید با تبیین آیات و روایاتی که درباره جایگاه شهیدان است، ضمن دلداری و تسلاهی بازماندگان شهدا، باید زمینه‌ای ایجاد شود که خانواده شهدا این شهادت را برای خود افتخار و سربلندی بدانند و خود نیز آرزومند چنین سرنوشتی باشند. بی‌شک احترام و خدمتگزاری به شهدا، مجاهدین و بازماندگان آنها معادل مجاهده در راه خداست و همه‌ی خادمان این عرصه با مجاهدین در راه خدا شریک و سهیم هستند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۶/۱۳) همه اشخاصی که برای اعتلای کلمه اسلام خدمت میکنند، نزد خداوند ارزش دارند؛ ولی ارزش خدمت به شهید و بازماندگان شهید که در راه اسلام فداکاری کرده‌اند، بیشتر است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۱۷/۱۳) چون شأن و جایگاهی که برای شهید بیان شده، جایگاهی قرین منزلت انبیا است و خدمت به شهدا

شهادت / ۵۴۱

معادل خدمت به نبی اکرم ﷺ، انبیای الهی (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۵۱۶) و خدمت به خداوند است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۵۱۷)

پیرو این امر و اهمیت و جایگاه خانواده شهدا، در راستای تکریم ایشان، بنیاد شهید با فرمان امام خمینی علیه السلام تأسیس شد، و با فرمان ایشان رئیس بنیاد شهید تعیین گردید و مدارسی توسط بنیاد شهید جهت تحصیل فرزندان شهدا تأسیس گردید و در راستای جذب آنها در دانشگاه‌ها تمهیداتی اندیشیده شد و برخی خدمات اقتصادی به خانواده‌های شهدا ارائه شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۱۸۵-۱۸۶) علاوه بر این در اولین حکمی که برای تأسیس بنیاد شهید صادر شد امام خمینی علیه السلام بر اموری چون خدمات بیشتر به خانواده شهدا و بسترسازی برای آموزش و تربیت بهتر فرزندان آنان و احیای یاد و نام شهیدان تأکید کردند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۲۸-۲۹)

نقش فرهنگ شهادت در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی

فرهنگ شهادت مجموعه آگاهی‌ها، باورها، آداب، اعتقادات و رفتارهایی است که زمینه‌ساز رسیدن انسان به عالی‌ترین و والاترین درجه کمال، یعنی مرگ آگاهانه در راه خدا می‌باشد، (معدنی، ۱۳۷۸، ۱۹) و این فرهنگ در پیروزی و استمرار انقلاب نقش انکارناپذیری داشته است.

نقش فرهنگ شهادت در پیروزی انقلاب

پیروزی بزرگ انقلاب اسلامی که در اثر آن مسیر تاریخ عوض گردید، جز با زنده شدن روح جهاد و شهادت به دست نمی‌آمد. از این رو هرچه تا به امروز مبارزه، دفاع از آزادی و استقلال، مقاومت در برابر دشمنان ستیزه‌گر و جهاد فی سبیل الله بوده است، همه به برکت جان فشانیها، فداکاریها و روحیه‌ی شهادت طلبانه است، (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹) و تا وقتی در قاموس و فرهنگ و منطق ما، شهادت بر همین سطح از اعتبار وجود داشته باشد، هیچ قدرتی نمیتواند بر جمهوری اسلامی و ملت ایران فائق بیاید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۷)

شهدا، هم در خط‌دهی و تعیین مسیر و هم در پیروزی انقلاب مؤثر بودند، (رک: آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰) بنابراین شهدا سند افتخار و نعمتهای عطا شده به انقلاب میباشند و انقلاب مدیون خون شهیدان است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۳) زیرا به برکت خونهای پاک آنان انقلاب اسلامی ایران به ثمر نشست (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷/۲۰) و هر چه امروز انقلاب دارد از برکت مجاهدت شهداست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۷/۲۱)

نقش فرهنگ شهادت در استمرار انقلاب

فرهنگ شهادت فرهنگی است که در آن ایثار و از خودگذشتگی در تاروپود زندگی نمایان میگردد و در جامعه اثراتی بوجود می‌آورد که آن را متحول میسازد و فقدان آن جامعه را به جمود، بی‌تحریکی و ذلت میکشاند. فرهنگ شهادت طلبی همواره به عنوان یکی از کارآمدترین و مؤثرترین عناصر در پیشبرد اهداف و حفظ ارزشهای اسلام و انقلاب و عامل مقابله با دشمنان داخلی و خارجی مطرح بوده است. همانگونه که روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ شد، در دوران سازندگی پس از جنگ نیز موجب پیروزی در مبارزه با دشمنان اسلام میگردد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۲۹)

رمز پیروزی انقلاب اسلامی، تاسی از فرهنگ ایثار و شهادت و گفتمان اسلام ناب بوده است. اسلام با مسلح کردن پیروان خود به قدرت ایمان و دیدگاه «اِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ»، آنان را چنان تربیت میکند که در میدانهای نبرد و مبارزه چه بکشند و چه کشته شوند، پیروز باشند و به برتری دست یابند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۴) دشمن میخواهد این طور تبلیغ کند که آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاریها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بوده و در دوره بازسازی پس از جنگ زمان آن سپری شده است، اما هرگز چنین نیست. در یک جامعه اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه زنده و کارساز است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۲۹)

فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک میکند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که چگونه جان خود را برای آرمانها فدا کند، آنگاه میتواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برای او نیست. در غیر این صورت از مرگ میهراسد و دشمن او را از مرگ خواهد ترساند.

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۲۶)

ایستادگی‌ها و مجاهدت ملت بزرگ ایران و دفاع غیورانه از اسلام و جمهوری اسلامی، از ایمان نسبت به ارزش شهادت و منزلت شهید، مایه گرفت و معرفت به این ارزش و منزلت بود که شوق فداکاری را در دل‌های رزمندگان و خانواده‌هایشان، پدیدار ساخت. استقلال ملی، صیانت از حریم مرزهای جغرافیایی و امنیتی موجود، مرهون فداکاری شهدا است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۵/۷/۶) هیچ ملت و کشوری بدون مجاهدت نتوانسته است از شرّ خفت و خواری سلطه‌ی بیگانگان نجات پیدا کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

امروزه نیز حضور رزمندگان اسلام در عراق و سوریه و لبنان و... تحت تأثیر همان فرهنگ شهادت و در راستای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی شکل گرفته است و به فرموده مقام معظم رهبری رزمندگانی که از اینجا میروند و در عراق و سوریه برای دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل تکفیریه‌ها می‌ایستند، در واقع دارند از شهرهای خود دفاع می‌کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۵) چرا که اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، دشمن به داخل کشور نفوذ میکرد و ما باید در کرمانشاه، همدان و بقیه‌ی استانها با آنها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را میگرفتیم. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۱/۵)

نقش انقلاب اسلامی در احیا و ارتقای فرهنگ شهادت

رابطه انقلاب و شهادت را میتوان رابطه‌ای متقابل دانست؛ یعنی از طرفی شهدا با مجاهدت و ایثار خود، موجب حفظ انقلاب شدند و از طرفی امام با هدایت و رهبری خود و با اعتماد عمومی به مردم و جوانان، این سرمایه عظیم را در راه اهداف انقلاب به کار بست به نحوی که در طول سالهای پس از انقلاب تا به امروز همواره جوانان، دل‌باخته‌ی نام امام و شیفته‌ی جمهوری اسلامی‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴) انقلاب اسلامی و رهبری حضرت امام علیه‌السلام بستری را به وجود آورد تا عزیزترین انسانهای طول تاریخ فرصتی داشته باشند تا به شهادت نائل آیند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۳۰) امام خمینی با اشاره به این امر که کشته‌شدگان در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی شهید هستند و با شهید نامیدن آنها و تطبیق آن با شهادت در صدر اسلام و واقعه عاشورا، زمینه ترویج فرهنگ شهادت را

در میان مردم مؤمن به وجود آورد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۴۴۵: ۱۵/۳۱۷)

امام خمینی علیه السلام با عظمت شخصیت خود، توانست به مسلمانها هویت و امید داده و چشم‌انداز روشنی در مقابل آنها ترسیم کند. انقلاب و جمهوری اسلامی، دو پدیده‌ی بسیار بزرگ عصر حاضرند. ملت ایران در سایه رهبری امام خمینی علیه السلام تغییری بزرگ را تجربه کرد و نسبت به وضعیت گذشته، که ملتی ضعیف و ستم‌پذیر بود، به ملتی مقاوم و شجاع و متعرض متحول شد و امید را در دل ملت‌های دیگر ایجاد کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۶/۳/۱۳۶۸) در سایه این امر امروزه در جهان اسلام به ویژه در سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و یمن فرهنگ شهادت و روحیه شهادت‌طلبی، احیا شده و گسترش یافته است.

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به شهادت با سایر نگرشها

«شهادت» در اندیشه ناب اسلامی کشته شدن در راه خدا و مجاهدت برای اوست (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ۲/۳۸۷: رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۵۴۹، ۸۴۷، ۸۶۷) و شهید کسی است که با اجازه امام معصوم (یا نایب عام و یا نایب خاص او) جنگیده و در میدان نبرد کشته شده (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۱/۳۰) و یا به خاطر حفظ کیان و اساس اسلام جان خود را تقدیم کرده است. (امام خمینی، بی تا، ۱/۶۶)

انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم (بقره، ۱۵۴: آل عمران، ۱۶۹) شهید را زنده و دارای حیات جاودان و دارای رزق معنوی در نزد خدا میدانند، شهادت در اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است، که همه انبیا و اولیای الهی همواره به دنبال دست یافتن به آن بوده‌اند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۲۱۸) و در یک کلام، فخر اولیا بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۴۲۱)

در اندیشه انقلاب اسلامی برخلاف دیدگاه‌های متحجرانه، شهادت اختصاص به صدر اسلام و دوستان ائمه علیهم السلام نداشته و هرکس در راه رضای خدا و در مبارزه با ظلم و تعدی به سرزمین اسلامی، تحت لوای ولایت فقیه کشته شود، شهید محسوب می‌گردد. (امام خمینی، ۱۴۲۲، ۱/۷۹-۸۰، ۵۰۷: ۳/۵۱)

فضیلت بزرگ شهدا، حیات الهی و ورود در ضیافت الهی است. (امام خمینی، صحیفه امام،

۳۲۵/۱۸) شهید با شهادت خود به بهشت الطاف ویژه‌ی الهی که خاص مجاهدان و صدیقین و شهدا است راه می‌یابد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۷/۳/۳۰۰) شهادت و شهید در نگرش انقلاب اسلامی دارای چنین جایگاهی است اما در عالم، انقلابهای زیادی واقع شده است، که غالباً نهضتهایی بوده‌اند که در آنها رژیم ظالمی رژیم ظالم دیگر را از بین برده است تا خود جایگزین آن شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷/۱۳) تفاوت ماهوی انقلاب اسلامی با دیگر انقلابها را میتوان در مواردی چون نقش رهبری دینی؛ مرجعیت و رهبری علمای دین؛ اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن آن جستجو کرد، (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۶) که این تفاوتها در نگرش به شهید و شهادت تأثیر مستقیم دارد. در اندیشه سکولار و نگاه مادی‌گرایان غربی مرگ، فنا به حساب می‌آید و از دست دادن فرصت زندگی در این دنیا برایشان تلخ است و آن را ناکامی می‌شمارند. (جیمز، ۱۳۷۲، ۴۴) در اندیشه انقلاب اسلامی کشته شدن، تنها فداکاری در راه کشور نیست؛ بلکه حرکت به سمت کمال و حیات جاودانه است و یک نهضت فکری اسلامی عقبه آن است، درحالی‌که در فرهنگ مادی‌گرای غربی کشته شدن در راه میهن چیزی جز کشته شدن در راه مرزهای کشور نیست. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵-۳۲۶)

اعتقاد به شهادت در تفکر انقلابی، به‌گونه‌ای است که اگر مادی‌گرایان که دیدگاهی کاملاً متفاوت دارند، سرگذشت شهدای انقلاب را بخوانند آن را باور نخواهند کرد. اگر قطعه‌های متفرقی از زندگی مجاهدان فداکار را در کتابی جمع‌آوری و به زبانهای دیگر ترجمه کنند، کسانی که در حال‌وهوای مسائل ایران و هشت سال جنگ تحمیلی و حمله‌های شهادت و خانواده‌های شهدا نبوده‌اند، آن را افسانه و مبالغه خواهند پنداشت، چراکه این واقعیت آن قدر از سطح عادی زندگی مادی برتر است که برای بشر امروز به آسانی قابل باور نخواهد بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸)

نگرش اسلامی به شهادت آنچنان عمیق و تأثیرگذار بوده است که گاه حتی برخی رهبران غیرمسلمان با پیروی از این نگرش توانسته‌اند انقلابهایی را بنیان‌گذاری کرده و به پیروزی برسند. (هاشمی‌نژاد، ۱۳۴۷، ۴۳۹-۴۴۰؛ رک: قنبری، ۱۳۷۵، ۲۸۳)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهید کسی است که در راه آرمانهای معنوی کشته می‌شود و جان خود را آگاهانه در راه مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا فدا می‌کند. شهادت بر مبنای خاصی چون؛ انگیزه الهی، باور داشتن به آخرت و معاد محوری و باورمندی به جهاد استوار بوده و از معیارهایی چون؛ عقلانیت، مشروعیت و حجیت تبعیت می‌کند.

مقامات شهیدان مشتمل بر دو بعد اخروی و دنیوی است که اموری چون برخورداری از حیات ابدی، نیل به کمال، برجای ماندن نام نیک از آنان و تجلیل از خانواده‌های ایشان را در بر می‌گیرد.

شهید دارای جایگاه والایی در قرآن و روایات است و شهادت او موجب بصیرت‌افزایی، معادگرایی و قطع تعلق به دنیا، ایجاد روحیه شهامت و عزت‌آفرینی، و دارای آثار عملی ایجاد همبستگی ملی، محکومیت مستکبران و جنایتکاران و بقای اسلام راستین در جامعه است. زنده کردن یاد شهدا وظیفه‌ای عمومی است؛ شهادت تنها برای خود شهید دارای دستاورد نیست، بلکه برای جامعه نیز دستاوردهای زیادی را به دنبال دارد. شهیدان در پیروزی، خط‌دهی و حفظ انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشته‌اند؛ از این رو همه آحاد جامعه مدیون شهدا هستند و احیا و حفظ راه شهیدان، الگوپذیری جامعه از آنان و تکریم بازماندگان شهدا، امری است که همه در قبال آن وظیفه دارند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که مسیر تاریخ را عوض کرد، جز با زنده شدن روح جهاد و شهادت در ملت قهرمان ایران به دست نمی‌آمد. شهدا حق بزرگی بر کشور و ملت و تاریخ ایران دارند و شهادت آنها موجب استقلال ملی، صیانت از حریم مرزهای جغرافیایی، امنیت امروز کشور، دفاع از آزادی و استقلال، مقاومت در برابر دشمنان ستیزه‌گر و ترویج جهاد فی سبیل الله گردید. از این پس نیز آنچه سلامت انقلاب و آینده کشور را تضمین می‌کند، فرهنگ شهادت‌طلبی و روحیه جهاد و مجاهدت است.

جهت‌گیری در نهضت انقلاب اسلامی الهام گرفته از نهضت امام حسین علیه السلام است و این از تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران و دیگر مکاتب مادی‌گرا است. همچنین در تفکر انقلابی، رهبری قرار دارد که همه جریان‌ات مردمی را تا نیل به پیروزی و نجات نهایی،

هدایت میکند.

از سویی شهدا، در خط‌دهی و تعیین مسیر و در پیروزی و بقاء و حفظ انقلاب مؤثر بودند؛ بنابراین شهدا سند افتخار و نعمتهای عطا شده به انقلاب میباشند و به برکت خونهای پاک آنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بارور گردید و از سوی دیگر امام خمینی علیه السلام با هدایت و رهبری خود و با اعتماد عمومی به جوانان و مردم، این سرمایه عظیم معنوی را در راه اهداف انقلاب احیا کرد و با انقلاب اسلامی بستری را به وجود آورد تا در آن بستر، انسانهای پاک‌باخته بتوانند به این رزق خاص الهی نائل شوند.

تفاوت ماهوی انقلاب اسلامی با دیگر انقلابها، در نگرش به شهید و شهادت تأثیر مستقیم دارد و برخلاف اندیشه مادی که مرگ را فنا میدانند، در اندیشه انقلابی شهادت حرکت به سمت کمال و خداوند است.

شهادت گنجینه معنوی و ذخیره‌ای معرفتی است که امت اسلامی همچنان برای تعالی مادی و معنوی و مقابله با نفوذ و سلطه‌ی مستکبران بدان نیاز دارد. این ذخیره فرهنگی و معنوی سرمایه امت اسلامی برای رسیدن به قله‌های پیشرفت همه‌جانبه و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، اجوبه الاستفتائات، قم، دفتر معظم له، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق.
۶. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن حبان بستی، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق شعیب الارنؤوط، بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ابن طاووس، سید علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب

- الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. ابن هشام، عبدالملک حمیری، السیرة النبویة، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، القاهرة، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ق.
۱۶. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم مظفر، قم، دار الكتاب، ۱۳۸۵ ق.
۱۷. ابویعلی موصلی، احمد بن علی، مسند ابویعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، بی جا، دارالمأمون للتراث، بی تا.
۱۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، بی تا.
۱۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات، قم، نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، تحقیق سید حسن امین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. جعفریان، رسول، جریانها و سازمانهای مذهبی- سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سالهای ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۱ ش.
۲۳. جمعی از طلاب حوزه علمیه قم، راز خون (یادنامه سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی)، تهران، بنیاد فرهنگی فاطمة الزهرا علیها السلام، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملاییین، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۹. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ ق.

شهادت / ۵۵۱

۳۰. درویشی، فرهاد، جنگ ایران و عراق (پرسشها و پاسخها)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. ربیعی، منیژه، سعیدی، فریده، جهادیه، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. رجیبی، محمدحسن، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۳۴. روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. سبزواری، محمدباقر بن محمد، کفایة الاحکام (کفایة الفقه)، تحقیق مرتضی واعظی اراکی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۳۸. سپهر، محمدتقی لسانالملک، ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۹. سید مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سید احمد حسینی، سید مهدی رجائی، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تحقیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۴۲. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۴۳. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۴۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

۴۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۵ ش.
۴۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. قنبری، بخشعلی، میمنه، حیدر علی، امام حسین علیه السلام در نظر اهل سنت و سایر ادیان؛ بر شطی از حماسه و حضور (مجموعه مقالات)، زیر نظر مجتبی سلطانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۵۱. کریمی پور، یدالله، کامران، حسن، تحلیلی آماری از شهیدان جنگ، تحقیقات جغرافیایی (فصلنامه)، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ش ۶۳-۶۴، ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۵۳. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۵۶. محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق.
۵۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۵۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۵۹. معدنی، سعید، مقدمه‌ای بر مفهوم فرهنگ شهادت و شیوه‌های ترویج آن، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، برگزیده تفسیر نمونه، به کوشش احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۲ ش.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۶۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، بیروت، دار

شهادت / ۵۵۳

احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

۶۳. نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، الشریف الرضی، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات

هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۶۴. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت، تهران، مؤسسه انتشارات

فراهانی، ۱۳۴۷ ش.

۶۵. یاقوتی، علیرضا، هاشمی نژاد، سید محمدجواد، فیروزه، حسین، شهدای ترو، تهران، شاملو،

چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.

فقه

ابوالقاسم علیدوست^۱ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۲ (مؤلف و مسئول علمی)

فقه؛ دانش ناظر به احکام شرعی در همه عرصه‌ها و مبنای نظم اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی.

لغت‌شناسان واژه «فقه» را به مطلق فهم، علم و ادراک معنا کرده‌اند. (رک: جوهری، ۱۴۰۷، ۲۲۴۳/۶؛ فیومی، ۱۴۰۵، ۴۷۹) هرچند برخی از آنها نوعی محدودیت در مورد این واژه قائل شده، آن را علمی که با تأمل و اندیشیدن به دست آید، دانسته‌اند. (رک: عسکری، ۱۴۱۲، ۴۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۴۲؛ مصطفوی، ۱۳۷۴، ۱۲۳/۹) مفهوم این واژه در بستر فرهنگ اسلامی، چندین بار تضییق گردید؛ ابتدا از عمومی که داشت، خارج شد و به معنای «علم به شریعت و دین اسلام» که شامل اصول اعتقادات، مقررات اعتباری و ارزشهای اخلاقی اسلام بوده، مورد استفاده قرار گرفته است. «فقه» در این کاربرد مرادف «دین اسلام» و «فقیه» به معنای «شخص آشنا به مجموعه این دین» است. (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۱۹/۱) در ادامه در معنای «علم به حلال و حرام و احکام عملی و قراردادی از دین اسلام» به کار رفت. (رک: حلی، ۱۳۸۷، ۲۶۴/۲) از این رو «فقیه» را بر «عالم به حلال و حرام» اطلاق می‌کنند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۴۲/۴) اگر به علم به حلال و حرام، علم به شریعت اطلاق شود، شریعت در این کلام، مرادف با احکام و نسبت به کاربرت

۱. استاد خارج فقه و اصول

۲. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

قبل، اخص است.

مروری در منابع علمی فقه، گویای آن است که واژه «فقه» در دوران معاصر در سه معنی بکار می‌رود: در معنای نخست، فقه دانشی است که بیان‌کننده حلال و حرام و سایر اعتبارات الهی - اعم از تکلیفی، وضعی، واقعی و ظاهری - همراه با علم به مستندات و ادله تفصیلی آنها است. در معنای دوم، این واژه بر مجموعه مسائلی اطلاق می‌گردد که مسائل دانش فقه را تشکیل می‌دهد از این رو به شریعت الهی (شریعت بالمعنی الأخص) صدق می‌کند. در معنای سوم، این کلمه بر عملیات اجتهاد و استنباط (فرآیند کشف) اطلاق می‌گردد. (رک: حلی، ۱۳۸۷، ۲/۲۶۴؛ کاشف الغطاء، بی تا، ۲۴، ۳۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) مراد از «فقه» در این مقاله، معنای اول از این سه معنی است که دانشی برخوردار از روش، موضوع، مسائل و مبادی است.

در کنار واژه فقه، اصطلاح فقاهت، نیز کاربرد دارد که مقصود از آن شیوهی استنباط است و مبتنی بر رد فروع به اصول، و استنباط از کتاب و سنت و عقل و اجماع است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) با این شیوه میتوان تمام نیازهای بشر را در زمینه قواعد و احکام فردی و اجتماعی استخراج کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱) در گفتمان انقلاب اسلامی فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۹) و گستره احکام فرعی همه حالات انسان را؛ اعم از احوال فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بقیه‌ی شئون را شامل می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

حضور اجتهاد و تکوّن تدریجی دانش فقه از طلوع اسلام امری غیر قابل انکار است (رک: سید مرتضی، ۱۳۴۶، ۲/۷۱۰؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱/۵۵؛ ۴۱۹/۱۴) که در عصر معصومین علیهم‌السلام به تدریج رشد و توسعه یافت. نگرانی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام از «بدعت»، «اجتهاد به رأی»، «قیاس» و... از یک سو و ارجاع شیعیان به یاران و شاگردان خاص خود توسط امامان معصوم علیهم‌السلام و دعوت امثال «ابان بن تغلب» به فتوا دادن، (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۸/۲۰-۴۱) بخشی از ادله‌ای است که بر وجود فقه و اجتهاد در زمان ائمه علیهم‌السلام دلالت دارد. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۶، ۷۰-۸۱؛ خویی، ۱۴۱۸، ۱/۹۱-۹۴) علاوه بر این برخی از امامان معصوم علیهم‌السلام خود احکامی را از آیات قرآن استنباط کرده و دیگران را نیز به این امر دعوت نموده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱/۳۲۷)

رک: امام خمینی، ۱۳۷۶، ۷۷) البته دانش فقه از آغاز پیدایش تا به امروز، شاهد دگرگونی‌هایی بوده و روزه‌روز گسترده‌تر و شکوفاتر شده و به تدریج از اسلوب و روش استنباطی متقن و استوار، برخوردار شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴) هرچند ادوار فقه به گونه‌های مختلفی طبقه‌بندی و گزارش شده است؛ لکن میتوان قدر مشترک آن را در شش دوره تبیین و ارائه کرد: (رک: گرجی، ۱۴۲۱، ۱۵-۳۰۶؛ شهابی، ۱۴۱۷، ۴۴/۱-۵۶۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ۳۰/۱-۷۶ «مقدمه»)

دوره اول. دوره تکون اجتهاد و دانش فقه با غلبه نقل و تفسیر و تبیین کلمات معصومین علیهم‌السلام است. در این دوره که شروع تقریبی آن از روزهای آغازین اسلام بوده و به دوره غیبت صغری (۳۲۹ق) میرسد، راویان آنچه را از نصوص مبین شریعت از معصوم علیهم‌السلام می‌شنیدند، برای دیگران نقل میکردند. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۶، ۷۰-۸۰)

دوره دوم. دوران اجتهاد و استقرار دانش فقه و ارتقای تلاش اجتهادی فقیهان از صرف نقل حدیث است. در این دوره که تا نیمه دوم قرن پنجم امتداد می‌یابد، هرچند جمع زیادی از فقیهان، عموم مسائل مورد نظر را با توجه به روایات موجود، سامان میدادند و در ابراز نظر فقهی خویش، متن روایات را نقل میکردند، در عین حال عمل آنها از صرف نقل حدیث کاملاً متمایز بوده و حرکتی فقیهانه به شمار می‌آمد. (رک: امام خمینی، ۱۴۱۸، ۱۴۲/۳) بدیهی است که فقاهت با این کیفیت، ابتدایی و عاری از اسلوب فنی و پیچیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸)

در همین دوره عده‌ای که متکی به استدلال و ظن غالب بودند، نیز حضور داشتند که «حسن بن ابی عقیل عمانی» و «ابن جنید اسکافی» از آن جمله‌اند. اما در جریانی که از «شیخ مفید» رشد یافته و بعد از او فراگیر شده، در کنار برخورداری از مزایای این جریان، از عیوب و نواقص آن مبرا بوده و با تکیه بر روشهای معتبر و استفاده از اجتهاد مصطلح و دخالت دادن عنصر استدلال و استنباط نظری در فقه، قالب علمی مقبول و معتبر نزد شیعه را به دست آورد و مواد ماثور و اصول برگرفته از روایات را نظم علمی بخشید و آن را در حوزه فقاهت شیعه باقی گذارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸) به همین دلیل شیخ مفید از روش اجتهادی متمایزی نسبت به گذشتگان خود از قبیل شیخ صدوق و پدرش، برخوردار بوده، (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۴۴۳/۱) که پس از ایشان، از جانب سید مرتضی دنبال شد.

دوره سوم. دوران کمال و اطلاق اجتهاد است. تحوّل این دوره ریشه در تلاشهای شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) دارد که برخی به حق از آن با عنوان عصر کمال و اطلاق اجتهاد (گرچی، ۱۴۲۱، ۱۸۰) یاد کرده‌اند. جدا کردن فقاهت شیخ طوسی از دوره قبل آن هرچند به طور کامل، میسر نیست (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸) اما ایشان به منظور نشان دادن قدرت فقه تفریعی شیعه - بی آنکه متکی به قیاس و اجتهاد مورد نظر اهل سنت باشد - کتاب «مبسوط» را تألیف کرد (طوسی، ۱۳۸۷، ۱/۱-۲) و طعن و اشکال مخالفان به کمی فروع در فقه شیعه را دفع نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸) در موضوع فقه مقارن نیز «کتاب الخلاف» را نوشت و عملاً استقلال بلکه برتری فقه و فقاهت امامیه را بر مذاهب فقهی اهل سنت نشان داد. رویه او قرن‌ها ادامه یافت و صدها فقیه نامدار در خدمت این جریان فقهی قرار گرفتند. البته برخی دوره علامه حلی را دوره‌ای جدید دانسته‌اند که از نظر روش حل مسئله و بسط استدلال تحولی را در فقه شیعه به دنبال داشته است که این روش در پیش از این دوره - آثاری مانند آثار محقق حلی - دیده نمی‌شود. این جریان تا حدود ۲۵۰ سال بعد و زمان محقق کرکی ادامه یافت، وی نیز نسبت به دیگر فقهای زمان خود، کیفیت استدلالهای فقهی را غنا بخشید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳)

دوره چهارم. این دوره، عصر پیدایش اخباریان در طلیعه قرن یازدهم است. در این مسلک فقهی، عقل، اجماع، ظواهر قرآن، دانش اصول فقه و قواعد آن ناکارآمد تلقی شد و در مقابل بر اعتبار و صدور قطعی عموم اخبار تأکید گردید. (رک: بحرانی، ۱۴۰۵، ۱/۲۶-۶۵) برجسته‌ترین مدافع این مسلک، ملا محمد امین استرآبادی (م. ۱۰۳۶ق)، صاحب کتاب «الفوائد المدنیة» است. شیخ یوسف بحرانی (م. ۱۱۸۶ق) نیز از فقیهان - و البته معتدلان - این دوره است. در ریشه‌یابی این مسلک عوامل مختلفی ذکر شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ۱۱؛ همو، ۱۴۱۸، ۴/۵۸۹-۵۹۰)

دوره پنجم. این مرحله، عصر جدید استنباط و رشد دوباره جریان اجتهادی نامیده شده است که از فقیه اصولی قرن دوازدهم «وحید بهبهانی» (م. ۱۲۰۵ق) شروع شد و با تلاشهای علمی و عمیق وی، به جریان غالب فقاهت تبدیل گردید. در این مقطع فقه به شکوفایی فقاهت اصولی خود رسیده و این امر از سوی فقهای برجسته مانند «صاحب

ریاض» و «صاحبِ قوانین» و «شیخ جعفر» و «سید بحرالعلوم» و دیگران دنبال شده است. در ادامه همین جریان میتوان از صاحب «جواهر» یاد کرد که با نگارش یک دوره کامل فقه، کار سترگی انجام داده و نیز شیخ مرتضی انصاری (م. ۱۲۸۱ق) که در شیوهی فقهت تحولی را به وجود آورد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۲۵؛ ۱۳۷۴/۹/۱۳)

دوره ششم. فقه در عصر حاضر وارد مرحله دیگری شده است و آن فقه اجتماعی و نظامات است. فقه حرکتی است که به انگیزه کشف شریعت (اعتبارات و مقررات دین) به منصفه ظهور رسیده است و از آن جا که از سویی، شریعت جامع (ناظر به همه شئون انسانها)، جهانی و جاودان است و از دیگر سو، حوادث واقعه پایان ناپذیر است، فقه و استنباط نیز باید به گونه‌ای رشد کند که بتواند رسالت خود را که همان کشف شریعت گسترده است، به انجام برساند. امام خمینی رحمته الله علیه، فقه شیعه را به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی که بتواند پاسخگوی ملتها بوده و نظام زندگی آنها را اداره کند، سوق داد. از نظر ایشان فقهی که بخواهد مجموعه‌ی عظیمی از انسانها و ملتها و یک نظام را اداره کند، بایستی شرایط زمان را بشناسد و پاسخگوی نیازهای جامعه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه‌ی مسائل زندگی مردم باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴)

از این رو فقها و اندیشمندان معاصر بر این نکته تأکید دارند که لازم است بدون خروج از انضباط و هنجارهای شناخته شده فقهی و البته با ملاحظه اقتضائات عصر، زمان، مکان، مصالح و مفاسد، احکام حوادث واقعه را از اسناد معتبر، استنباط کرده و در معرض دانش و عمل مکلفان حاکمیت و نظام قرار داد (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۹/۲۱، ۳۸۰؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) تا در صورت لزوم با روش و منهج جدیدی وارد صحنه شود و - حتی - اگر لازم باشد، اجتهاد در اجتهاد صورت دهد و از درون هزاران مسائل شرعی استنباط شده، با استنباطی دیگر به خرده نظامها و از تجمیع خرده نظامها به کلان نظام در ساحتهای کلی مورد نیاز برسد.

در این عصر استفاده از شیوه‌های جدید تحقیق در علوم غیر تجربی و ابزار روزآمد که موجب تسریع در کار میشود نیز میتواند در پیشرفت فقه مؤثر باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱)

جایگاه فقه در مجموعه‌ی معارف اسلامی

معارف اسلامی مشتمل بر سه دسته از موضوعات و مسائل است که عبارت‌اند از اعتقادات، اخلاق و احکام. در این میان جایگاه رفیع دانش فقه (احکام) در مجموعه علوم و معارف اسلامی امری بدیهی بوده و فقه از برترین علوم مرتبط با تأمین سعادت اخروی انسانهاست. (امام خمینی، بی تا «الف»، ۳۹۵) علم فقه از گسترده‌ترین علوم اسلامی است و تاریخش از همه علوم اسلامی دیگر قدیمی‌تر بوده و در همه زمانها در سطح بسیار گسترده‌ای تحصیل و تدریس می‌شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۶۳/۲۰) فقه و اجتهاد در راستای جاودانگی اسلام قرار دارد؛ اهمیت فقه تا بدان جاست که اگر همه چیز از دست اسلام برود؛ ولی فقه با همان روش فقهای گذشته باقی بماند، دین اسلام میتواند به راه خود ادامه دهد ولی اگر همه چیز به دست اسلام برسد؛ اما جریان فقاهاست از روش مزبور منحرف شود، نمیتواند راه حق را ادامه دهد و به مقصد بلند خویش نایل گردد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۱۷-۳۲۶) فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۹/۲۱) و زندگی او را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سامان میدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

جایگاه فقه و فقاهاست - به معنای خاص آن - چنان است که همواره از مسائل اساسی حوزه‌ها تلقی شده و بر لزوم پیشرفت آن تأکید شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) امام خمینی با آن که تعلیم و تعلم فقه و اصول را به تنهایی کافی نمی‌دانست (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۱/۶) اما بر لزوم حفظ فقه تأکید داشت و حوزه‌ها را مکلف میکرد که به فقه و فقاهاست عنایت بیشتری داشته باشند و از کسانی که مخالف فقه با طول و تفصیل موجود بودند، ابراز نگرانی میکرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳-۱۲/۱۳؛ ۲۱۸-۲۱۹)

ترابط فقه با سایر علوم اسلامی و انسانی

ترابط فقه با سایر علوم اسلامی و انسانی را در دو عرصه میتوان بررسی کرد. ابتدا علمی که مقدمه علم فقه است و دوم علمی است که کلیت آن با کلیت علم فقه در ارتباط است. امام خمینی علیه السلام در ضمن بیان مقدمات نه‌گانه اجتهاد از برخی از دانشها نام میبرد که احاطه بر آنها برای اجتهاد فقهی لازم است؛ ۱. آموزش ادبیات و لغت عرب، به

مقداری که فهم قرآن و روایات متوقف بر آن است؛ ۲. انس با محاورات و موضوعات عرفی، به گونه‌ای که در دقت‌های عقلی واقع نشود؛ ۳. آشنایی با برخی مسائل منطقی؛ ۴. فراگیری مسائل اصول فقه، به قدری که در استنباط احکام شرعی دخیل است؛ ۵. دانش رجال به گونه‌ای که بتواند وضعیت راویان را تشخیص دهد؛ ۶. شناخت کافی به قرآن، سنت و معانی اراده شده در آنها، همچنین شناخت جامع به تعارضها و قرائنی که در اطراف نصوص مربوط، وجود داشته است. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۷/۲۰، ۲۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۶، ۹-۱۷) آنچه در سخن فوق به عنوان مقدمات اجتهاد بیان گردید، مورد وفاق همگان است البته برخی برفهم تاریخ هم به‌طور ویژه تأکید کرده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۱/۶/۱۳۷۰)

اما با عنایت به عرصه دوم از آنجا که فقه دانشی گسترده است با دانشهای دیگر ارتباط پیدا میکند و این دانشها برای علم فقه موضوع میسازند؛ مانند سیاست، اقتصاد، حقوق، تعلیم و تربیت و... که فقه با آنها ارتباط دارد. به عنوان مثال در مورد سیاست با توجه به جایگاه فقه در عقلانیت و تمدن اسلامی و نقش آن در تعیین احکام و تکالیف مسلمانان، رویکرد فقهی به مسائل مربوط به حکومت اصالت داشته است و حکومت از احکام اولیه اسلام دانسته شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۴۵۲) نظام سیاسی در بینش اسلامی، بر مبنای هدفمندی‌های کلی شریعت و با توجه به اصل امامت، مفهوم می‌یابد. امام به عنوان شاخص کلی در نظر گرفته میشود و با توجه به وظیفه و رسالتی که دارد، جامعه دینی را سمت و سو میدهد، (نوابی، ۱۳۸۱، ۱۵۵) فقه شیعه، فقه اداره نظام معاش و معاد و عجین با سیاست و حکومت بوده و تمامی مقررات و قوانین آن براساس نظام سیاسی، حکومت و تشکیلات بنا نهاده شده است؛ (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰، ۶۵-۹۱) از این رو مباحث مربوط به حکومت و سیاست همواره بخشی از فقه را تشکیل میداده است. تا بدانجا که منجر به شکل‌گیری اصطلاحی نو تحت عنوان فقه سیاسی گردیده که مأموریت آن بررسی و استنباط احکام و تکالیف مربوط به زندگی سیاسی براساس منابع معتبر شرعی است. بر این اساس بیشتر ابواب و کتابهای فقهی کتاب سیاست است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۲) و مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی بوده و ترویج و تبلیغ جدایی دین از سیاست عامل انزوای اسلام میباشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۵۲)

در این گفتمان کسانی که فقه و سیاست را از هم جدا میکنند، دشمن دین و غارتگر میدان سیاست‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۵) لذا لازم است که اندیشه وحدت دین و سیاست، هم در عرصه تفقه و هم در عرصه عمل، دنبال شود. دین در خدمت اداره‌ی زندگی مردم بوده و سیاست از دین تغذیه میکند، از این رو استنباط فقهی از طهارت تا دیات، باید بر اساس فقه اداره‌ی یک کشور، جامعه و نظام باشد؛ نه فقه اداره‌ی فرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

میان فقه و اقتصاد نیز رابطه تنگاتنگی برقرار است؛ زیرا وضعیت حقوقی بسیاری از مسائل اقتصادی در فقه بیان شده است. فقه بیانگر حکم شرعی معاملات گوناگون است که کاری اقتصادی به شمار می‌آید مانند حکم شرعی خرید و فروش و انواع معاملات از مزارعه، مضاربه، مساقات و... (رک: امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۹۴-۵۱۲) فقه چهارچوب حقوقی رفتارهای اقتصادی صحیح و ناصحیح را بیان میکند. از این رو فقه متکفل حل مسائل اقتصادی در عرصه‌های گوناگون مانند بانکداری، پول و بانکداری اسلامی و بدون ربا میباشد، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷) چرا که اسلام برای اقتصاد چهارچوبی درست کرده است که باید پیروی شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۱/۴) با توجه به اهتمام فقه اسلامی به مباحث و مسائل اقتصادی و نیز وجود رگه‌هایی از امور اقتصادی در منابع فقه، امکان استخراج نظام اقتصادی از منابع فقهی وجود دارد. البته این امر نیازمند اصلاح و تبدیل نوع نگاه به فقه از نگاه فردی و خرد به نگاه حکومتی و کلان است. (میرمعزی، ۱۳۹۴، ۲۲-۲۴؛ رک: ادامه مقاله)

علاوه بر این، فقه اسلامی در بخشهایی همچون تشویق به کار و تولید و نیز بخشهایی که مربوط به مصرف درست و نهی از اسراف و تبذیر است، اقتصاد تحلیلی را مورد توجه قرار داده است که مقصود از اقتصاد تحلیلی، رفتارهای بشری در زمینه تولید، توزیع و مصرف است. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ۱۰)

رابطه دانش فقه با حقوق نیز قابل ارزیابی است؛ حقوق، مجموعه قواعد کلی و الزام‌آوری است که بر زندگی اجتماعی انسان حکومت میکند. بنابراین، نظام حقوقی مجموعه‌ای از قوانین جاری است که مظهر وحدت و انسجام ذاتی آن، دسته‌ای از اصول و قواعد حقوقی است که به منزله مبادی قوانین و مقررات شاخته میشوند و نمایانگر انقسام و تفریع اصول

به فروع، بر حسب نیازها و رویدادهای ناشی از روابط اجتماعی هستند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۵/۲). حقوق اسلامی که در قامت فقه خود را به نمایش گذاشته، از تمامی خصایص و ویژگیهای یک نظام برخوردار است و مجموعه قوانین یکپارچه و منسجمی است که بر قواعد عام و اصول کلی استوار است. (قناتی، ۱۳۷۷، ۶) رابطه دانش فقه با حقوق چنان نزدیک است که برخی معتقدند از نظر طبع و ماهیت فرقی بین فقه و حقوق نیست، و هر دو از جنس واحدی هستند. (رک: کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱۳)

از نظر برخی بین قواعد فقهی و حقوقی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است و همه قواعد حقوقی فقهی نیز هستند. مانند قاعده علی الید، قاعده لا ضرر، قاعده تسلط و... که هم حقوقی هستند، هم فقهی. (لطیف، ۱۳۸۱، ۱۱؛ محمدی، ۱۳۸۳، ۲۰-۲۴) بسیاری از مباحثی که امروزه در حقوق خصوصی، جزائی، و حقوق بین الملل مطرح است، فقیهان در ابواب مختلف فقه به بررسی آنها میپردازند.

رابطه دانش فقه با تربیت نیز قابل توجه است. در این خصوص اگر تربیت تنها به رفتارهای اختیاری مربی و متربی و عوامل انسانی دیگر محدود شود، در این صورت موضوع فقه، اعم از تربیت خواهد بود زیرا موضوع فقه رفتارهای اختیاری مکلفان است چه در مقام تربیت باشد و چه نباشد؛ درحالی که موضوع دانش تربیت فقط به رفتارهای اختیاری در مقام تربیت محدود است. (اعرافی، ۱۳۹۱، ۲۶۳/۱) اما اگر موضوع تربیت مطلق رفتار مربی و متربی باشد، نه رفتارهای اختیاری؛ در این صورت نسبت موضوع این دو دانش عام و خاص من وجه خواهد بود. نوع نگاه این دو دانش نیز نسبت به انسان متفاوت است. فقه دانشی دستوری است و از نظر تعیین احکام پنج گانه شرعی، رفتارهای اختیاری مکلفان را بررسی میکند و در نهایت نظام مبتنی بروحی ارائه میدهد؛ درحالی که دانش تربیت علاوه بر توصیف و تحلیل فرایند تربیت و شناخت عناصر، ویژگیها و قواعد حاکم بر آن، به تجویز اقدام میکند. (اعرافی، ۱۳۹۱، ۲۶۳/۱)

فقه با هنر نیز ارتباطی ویژه دارد؛ زیرا فقه متکفل همه ی امور زندگی بشر است و هنر نیز یکی از همین امور است که زاینده ی تخیل قوی و ذوق وافی و جزء زندگی انسان است و مسائل مختلفی که در آن وجود دارد، دارای احکام فقهی است مانند موسیقی، نقاشی،

مجسمه‌سازی، خطاطی، تذهیب، معماری و شعر. اسلام اصل هنر را با رعایت موازین فقهی، قبول داشته؛ بلکه به آن تشویق می‌کند. از این رو در حوزه‌های علمیه و در میان فقها همواره هنرمندان برجسته‌ای در شاخه‌ی شعر و ادب وجود داشته‌اند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در خصوص الزامات نوآوری در فقه هنر بر مسئله‌ی انضباط فقهی تأکید داشته و نسبت به تأثیرپذیری از جوّ عمومی هشدار می‌دهد و بر این امر تأکید می‌کند که باید با استفاده از اصول و روش استنباط فقهای شیعه در مراجعه به کتاب و سنت، در خصوص فقه هنر نیز به تحقیق پرداخت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱)

ویژگیها و تمایزهای فقه امامیه نسبت به سایر مذاهب فقهی

در کنار مذهب فقهی امامیه که به شیعیان دوازده امامی اختصاص دارد چهار مذهب دیگر نیز وجود داشته که به اهل تسنن منتسب است. یعنی مذهب فقهی حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی. این مذاهب گذشته از برخی اشتراکات مهم و اساسی چون حجّت دانستن سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، هر کدام خصوصیات خود را دارند. در این میان شاخصه‌هایی در فقه امامیه وجود دارد که موجب تمایز آن با دیگر مذاهب اسلامی میشود. این تمایزات عبارت‌اند از:

تمایز از نظر جامعیت و کارآمدی

فقه شیعه، عمیق‌ترین فقه اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) امام خمینی فقه شیعه را غنی‌ترین فقه‌ها در بین فقه مسلمانان و حقوق ملل دیگر میدانند که با زحمات طاقت‌فرسای عالمان شیعه به منصفه ظهور رسیده است. از منظر ایشان پیشینه این فقه به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به دنبالش به زمان ائمه معصوم علیهم السلام باز میگردد، با این فرآیند که عالمان شیعه در اطراف ائمه علیهم السلام جمع شدند، احکام را از آنها گرفتند و در اصول چهارصدگانه به ارث گذاشتند و از این اصول، کتب چهارگانه معروف شیعه و غیر آن به دست آمد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۹/۳) فقاهت شیعه یکی از محکم‌ترین فقاهتها و متکی به قواعد، اصول و مبانی بسیار مستحکم است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳) که با روش تجربه شده هزار ساله،

آثار شگفت‌آوری را خلق کرده است. البته این میراث گرانبها مانند معدن با ارزشی است که برای پاسخگویی به حوادث پیش آمده باید روی آن کار شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۱) از این‌رو در طول تاریخ اسلام، عالمان برجسته بسیاری عمر خود را وقف خدمت به فقه و فقهت کرده‌اند که در میان آنان صدها مؤلف نامدار و ده‌ها فقیه صاحب سبک و مبتکر دیده میشوند که حجم عظیمی از آثار علمی را تولید کرده‌اند و این گنجینه‌ی پربرابر و کم‌نظیر، امروزه مورد استفاده‌ی فقهای برجسته‌ی شیعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

تمایز از حیث حجیت

با آنکه فتوای فقیه جامع‌الشرایط برای خود او و مقلدانش حجیت دارد، اما این حجیت بدان معنا نیست که فتوا و نظر او، حکم واقعی خداوند است؛ بلکه فتوای او - در اصطلاح علم اصول - نوعی حکم ظاهری است که گاهی ممکن است مطابق حکم واقعی بوده و منجز باشد و گاهی ممکن است مطابق حکم واقعی نباشد. بر این پایه حجیت فتوای فقها برای خود آنان و مقلدانشان، معنایی بیش از معذرت در مقام عمل ندارد. (رک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱، ۱۹)

تمایز از حیث منابع مورد استناد

فقه شیعه از این نظر تفاوت آشکاری با مذاهب فقهی دیگر دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. تکیه بر بیان شرعی مطرح در کتاب و سنت به‌عنوان دو منبع اساسی استخراج حکم؛ ۲. حجیت سنت صادر شده از امامان معصوم علیهم‌السلام؛ ۳. اثبات سنت با حصول قطع و یقین یا از طریق حجت شرعی؛ ۴. عدم اعتبار اجتهادی که بر پایه قیاس و استحسان و مصالح مرسله صورت گیرد، در مقام استنباط حکم شرعی؛ ۵. جواز استفاده از مدرکات عقل نظری و عقل عملی، اگر قطعی و یقینی باشند، در مجال استنباط. (رک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱، ۱۹-۲۲)

نگرش امام خمینی به فقه (جواهری و پویا)

فقاہت قویم امامیه ضمن حفظ ہنجاہای شناختہ شدہ در نظام استنباط خود، بہ انگیزہ پاسخگویی بہ ہمہ حوادث و - بالاتراز آن - تأسیس نظامی الگو و قابل پیروی، لازم است اقتضائات زمان و مکان را در نظر بگیرد تا پویایی خود را حفظ کند. امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در خلق اصطلاحی ماندگار از پایایی و پابندی بہ اصول تخصصی، قواعد فقہی و روش اجتہادی بہ «فقه جواهری» تعبیر میکند؛ چنان کہ بہ ضرورت پویایی آن نیز تأکید میکند. (امام خمینی، صحیفہ امام، ۱۷/۳۲۵؛ ۱۸/۷۲) ایشان اجتہاد مصطلح را برای ادارہ جامعہ کافی نمی‌داند و معتقد است مجتہدی کہ در زمینہ اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتہد نیست و نمیتواند زمام جامعہ را بہ دست بگیرد. (امام خمینی، صحیفہ امام، ۲۱/۱۷۷-۱۷۸، ۲۲/۲۹۲) بر اساس چنین رویکردی مسئلہ ولایت فقیہ توسط امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ ارائه میشود؛ ولایت فقیہ ہر چند جزو مسائل روشن و واضح در فقہ شیعہ است، تا بدانجا کہ صاحب جواہر آن را امری بدیہی و قطعی دانستہ و تردیدکنندگان را کسانی میدانند کہ چیزی از طعم فقہ نچشیدہ‌اند (نجفی، ۱۳۶۶، ۲۱/۳۹۷) اما کاری کہ امام کرد این بود کہ توانست این فکر را با توجہ بہ آفاق جدید دنیای امروز و مکتبہای امروزین، مدوّن کند و آن را مستحکم و مستدل سازد و بہ شکلی ارائه کند کہ برای صاحب‌نظران آشنا بہ مسائل و مکاتب سیاسی روز قابل فہم و قبول باشد. (آیت‌اللہ خامنہ‌ای، ۱۳۷۸/۳/۱۴)

با توجہ بہ اینکہ ایشان فقہ سنتی و جواہری را پویا دانستہ‌اند، تقسیم فقہ بہ فقہ سنتی و فقہ پویا ہرگز مورد نظر ایشان نبودہ است، از منظر امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ فقہ راستین شریعت اسلامی بر مبنای منابع پیش‌گفتہ و بر اساس روش صحیح اجتہادی، فقہی است پویا یعنی علاج‌کنندہی مشکلات انسان و نیازهای نو شونده فردی و اجتماعی و پاسخگویی حوادث واقعہ، و فقہی است سنتی یعنی دارای منابع مشخص و شیوہ و روشی کہ طبق آن «اجتہاد» انجام میگردد. این شیوہ قرنہا معمول بودہ و کارایی خود را نشان دادہ است. تغییری کہ در فقہ لازم است، نہ تغییر در روش و منہج، بلکہ تغییر در رویکرد بہ موضوعات (مصادیق موضوعات) فقہی است. تخلف از فقہ سنتی و اجتہاد جواہری جایز نیست.

و این به معنی عدم پویایی فقه اسلام نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدید پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۹)

نیازهای واقعی در طول زمان تغییر می‌کند و هر احتیاجی که بشر دارد اقتضای خاص خود را دارد. ابزار و وسایل، تکامل می‌یابد و در هر عصر فرق می‌کند، (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱/۱۳۴-۱۳۶) از این رو مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد و باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خورشان مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۹) بنابراین از منظر امام خمینی علیه السلام فقه و فقاہت باید به همان نحوه که از گذشتگان به ارث رسیده، محافظت شود در غیر این صورت خطری برای اسلام و حوزه‌های علمیه خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۹۰)

«فقه جواهری» استعاره‌ای ناظر به فقه اصیل، روشمند و برخوردار از حجیت برای فرد و جامعه اسلامی است و تأکید بر آن به این دلیل است که محقق نجفی نویسنده کتاب جواهرالکلام، فقهی مقید به رعایت مقررات فقاہت و قواعد اصولی و فقهی بوده است و اثر علمی و جامع او شامل مباحث استدلالی برای همه ابواب فقهی به عنوان دائرةالمعارف دانش فقه شناخته می‌شود. فقهی که از ابزارهای رایج فقه در بررسی مسائل فقهی چون ملاحظه شهرت، اجماع، ظواهر ادلّه و اصول بهره برده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۴/۱۳۶۸) خصوصیت عمده صاحب جواهر در فقاہت، تحوّل و نوآوری اوست. وی با آن که به شهرتها و اجماعهای فقهی توجه فراوان داشت، دارای افکار نو و جدید بوده است. نمونه آن گرایش به نظریه مشروعیت جهاد ابتدایی در عصر غیبت است؛ این در حالی است که مشهور و معروف در میان فقیهان متأخر، عدم جواز آن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/۶/۱۳۷۳)

در مقابل این پویایی، تحجر قرار می‌گیرد، بدین معنا که فقیه نتواند نیازهای زمان و

لوازم هر لحظه زندگی یک ملت را از منابع فقه بشناسد و بخواهد در وضعیتی ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید. تحجّر آن است که فقیه به ظواهر ادله اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در جایی که قابل کشش است، درک کند و نتواند به مقتضای زمان و مکان حکم کند. وجود چنین آفتی موجب بدنامی اسلام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. (آیت‌الله خامنه‌ای،

(۱۳۷۶/۳/۱۴)

همچنین در دوره‌ای طولانی که شیعیان و فقهای شیعه در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند، فقه شیعه به یک فقه غیرحکومتی و فردی تبدیل شده بود، اما امام خمینی، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند. در کتب فقهی شیعه، قرن‌ها جای بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره‌ی کشور بود، مثل مسئله حکومت، مسئله حِسبه، مسئله جهاد و اموری که اجرای آن منوط به داشتن قدرت سیاسی بود، خالی بود و مورد بحث و بررسی قرار نمیگرفت و از کتب فقهی استدلالی شیعه، به تدریج کنار گذاشته شد. دلیل این امر تقصیر یا قصور فقهای شیعه نبود بلکه این مسائل برای آنها، مطرح نبود. شیعه، دارای حکومت نبود و فقه شیعه، در پی اداره جامعه‌ی سیاسی نبود. (آیت‌الله خامنه‌ای،

(۱۳۷۶/۳/۱۴)

گستره فقه

دانش فقه و عملیات استنباط در گستره و قلمرو، تابع گستره شریعت است. از این رو، هرگاه شریعت، نهادی از دین دانسته شود که بر همه شئون رفتار آدمیان ناظر است و ساحت‌های فردی، اجتماعی، حکومتی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی و غیر این‌ها را فرامیگیرد، فقه نیز همین گستره را دارا خواهد بود، همچنین فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور بوده و تأمین‌کننده همه نیازها برای همه زمانها و به تعبیری «الی یوم

القیامة» است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۴۰۹؛ ۲۱/۲۸۹)

فقه فردی

گستره فقه فردی با دورویکرد قابل بررسی است یکی از نظر گستره زمانی و دیگر از نظر گستره موضوعی که هر دو حیث تا زمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را شامل میشود و در این دوره طولانی فقه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره امور دینی یک فرد (اعم از احکام عبادی و تربیتی)، یا حداکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربرد داشت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی فقه شیعه از حالت فردی به سمت حکومتی شدن حرکت کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای،

(۱۳۷۶/۳/۱۴)

فقه اجتماعی، حکومتی و سیاسی

با نگاه اجمالی به آیات و روایات معلوم میشود تعداد آیات و روایات در عرصه سیاست بیش از آیات و روایات در عرصه عبادات است. به همین وزن در ابواب و عناوین کلان فقهی که متجاوز از پنجاه عنوان است، کمتر از ده مورد آن مربوط به عبادات بوده و بقیه عهده‌دار بیان احکام امور سیاسی، اجتماعی و روابط اجتماعی و غیر آن است (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳/۶) از این رو آنچه که به عنوان وظیفه حکومت اسلامی بیان شده پیاده کردن فقه اسلامی در جامعه است که تنها فقه طهارت و نجاسات و عبادات نمیباشد؛ بلکه مشتمل بر اموری است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ که ابعاد اجتماعی، سیاسی، عبادی، نظامی و اقتصادی را شامل میشود؛ چنین فقهی تمام شئون زندگی انسان از جمله ذهن و مغز و دل و جان آدمی، آداب زندگی، وضع معیشتی، ارتباطات اجتماعی، سیاسی و خارجی او را اداره میکند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) و این امر حاکی از گستره وسیع فقه در این ابعاد است، هرچند به دلیل در اختیار نداشتن حکومت از سوی شیعیان و عدم بسط ید فقیهان شیعه، گفتگو از برخی از موضوعات در برخی متون فقهی دیده نمیشود یا با نگاه فردی به منصفه ظهور رسیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) اما این فقه با وجود ضعف و کمبودها، ظرفیت آن را دارد که تمام نیازهای جامعه را پاسخ دهد. فقه و شریعت، بسیاری از اصول و مبانی را بیان داشته که میتواند در ابعاد مختلف حیات اجتماعی

راهگشا باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱۱/۴) و به تعبیر دیگر دین در خدمت اداره‌ی زندگی مردم است و سیاست از دین تغذیه می‌کند، از این رو استنباط فقهی از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره‌ی یک کشور، جامعه و نظام باشد؛ نه فقه اداره‌ی فرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱)

ضرورت تحول در فقه

فقه موجود محصول تلاش فقها در طول صدها سال است و باید به همان نحو، حفظ شود. در عین حال بسط آن نیز مورد توجه اندیشمندان بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۹/۱۵؛ ۱۳/۱۶؛ ۳۲۵/۱۷؛ ۱۹۰/۲۰؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴) منظور از بسط، توجه متوازن و به مقدار نیاز در همه ابواب فقه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱؛ ۱۳۷۴/۹/۱۳) در کنار اعتقاد به وجود دقت، پویایی و غنا در فقه سلف، با توجه به نیازهای روز و اقتضائات آن ضرورت تحول در فقه و اجتهاد امری الزامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹) چنانکه امام خمینی خود در بسیاری از عرصه‌های فقه از جمله پیشگامان در ایجاد تحول بوده است. در گذشته نیز فقه اسلامی مانند هر دانش زنده دیگر دورانهایی از تحول و تکامل را طی کرده و در مواردی همانند موجودی زنده شاهد جهشها و دگرگونی‌هایی بوده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۸/۲۰)

عرصه‌ها و ساحتهای تحول در فقه عبارت‌اند از:

نگاه اجتماعی به فقه

تحول در نگاه و رویکرد به فقه یکی از مهمترین عرصه‌های تحول مورد نیاز در فقه است. استنباط فقهی باید براساس اداره‌ی نظام باشد نه اداره‌ی فرد. فقه از ابتدا تا آخر، باید ناظر به اداره‌ی جامعه باشد و همه‌ی مسائل را به‌عنوان جزیی از مجموعه‌ی اداره‌ی یک کشور استنباط کند. این نگاه در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را در پی خواهد داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹)

تحول در شیوه استنباط

شیوه استنباط که از آن به فقاہت تعبیر میشود نیازمند تحول و تکامل است، نمیتوان ادعا کرد که امروزه فقاہت به اوج کمال رسیده و فراتر از آن پیشرفتی نخواهد داشت، از این رو فقه باید به خود مسئله فقاہت نیز پردازد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳)

تغییر نگاه فقیه و توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد

احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر میکند و هراحتیاجی که بشر دارد اقتضای خاص خود را دارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱/۱۳۴-۱۳۶) از این رو فقیه باید متناسب با زمان عمل نماید. از نظر امام خمینی فقهی که بخواهد مجموعه ی عظیمی از انسانها و یک نظام را اداره کند، باید شرایط زمان را بشناسد و پاسخگویی نیازهای جامعه در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه ی مسائل زندگی مردم باشد. لذا ایشان فقه شیعه را به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی که بتواند پاسخگویی ملتها بوده و نظام زندگی آنها را اداره کند، سوق داد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴)

توجه به احکام حکومتی و نقش مصلحت در آن

در اندیشه فقهی گفتمان انقلاب اسلامی، حاکم اسلامی میتواند در موضوعات طبق صلاح مسلمین و یا صلاح حوزه ی حکومتی خود عمل کند. چنین اختیاری، استبداد به رأی نیست، بلکه عمل کردن طبق صلاح و خیر است. نظر حاکم، مانند عمل او تابع مصلحت است، (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۲/۶۱۹) به این ترتیب، روشن میشود که ولی فقیه عادل، در صدور احکام حکومتی، باید بر اساس عنصر مصلحت عمل کند و عنصر مصلحت، مبنای اصلی و اساسی صدور احکام حکومتی از جانب اوست. بر این اساس، در جمهوری اسلامی ایران نهادی به عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل گرفته که ولی فقیه برای حفظ و اداره ی جامعه اسلامی میتواند اموری را برای مشاوره به این نهاد ارجاع دهد.

بررسی عمیق مسائل

ساحت دیگر تحول، عمیق‌تر کردن مباحث فقه است. یعنی همانطور که فقه علامه حلی از فقه شیخ طوسی و فقه شیخ انصاری نسبت به فقه فقیهان قبل از ایشان از عمق بیشتری برخوردار است، فقه بعد از شیخ انصاری نیز باید از عمق بیشتری نسبت به فقه ایشان برخوردار باشد. عمق به معنای این نیست که به گوشه‌ها، حواشی و تدقیقات زاید پرداخته شود؛ بلکه منظور از آن پرهیز از سطحی‌نگری، تحلیل مسائل با روشهای نو و عمیق کردن تحقیق به وسیله‌ی آنها است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) از این رو در حوزه‌ها باید کرسیهای تدریس قوی درباره این موضوعات وجود داشته باشد تا احکام مسائل جدید از نظر فقهی روشن شود، آنگاه نتایج این مباحث در اختیار نخبگان قرار گرفته تا تبدیل به فرآورده‌های اجرایی برای اداره کشور شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷) تمرکز و تمحّص هر فقیه در بخشی از ابواب وسیع فقه؛ افزون بر تخصص در آن (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) نیز برای بررسی عمیق مسائل بسیار مؤثر خواهد بود.

توجه به نیازهای روز

توجه به نیازهای روز به معنی ورود متناسب با نیاز فقه به قلمروهای مهم چون سیاست، حکومت و اقتصاد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹؛ ۱۳۷۰/۶/۳۱) بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا که امروزه مورد نیاز است، حل فقهی نشده است. بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و بسیاری از مباحث مربوط به زندگی مردم مثل پیوند اعضا و تشریح مباحثی هستند که فقه باید به بررسی آنها پرداخته و پاسخ مناسب ارائه دهد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳) آن چنانکه که امام خمینی خود در طرح مباحث نو و مورد ابتلا مانند مباحث بانکداری، تشریح، پیوند اعضا، تلقیح مصنوعی، تغییر جنسیت و... پیشگام بود. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۹، ۹۷۶-۹۹۴)

نوآوری در هنگام نیاز

از عرصه‌های دیگر تحول، نوآوری در هنگام نیاز است. بر اساس اسناد معتبر و با رعایت

هنجارهای شناخته شده در فقهات شیعه و نه‌راسیدن از مخالفت مشهور، باید تحول و تغییر ایجاد شود، هرچند اجتماعات و شهرتها نیز نباید نادیده گرفته شود، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۰) همانطور که امام خمینی رحمته الله علیه در خصوص صدور برخی فتواها در عرصه موسیقی، شطرنج و... از مخالفت ضابطه‌مند با مشهور، هراسی نداشته است. (امام خمینی، ۱۴۲۲، ۱۰/۲، ۱۲-۱۸؛ همو، صحیفه امام، ۱۲۹/۲۱، ۱۴۹-۱۵۲)

تحول در نگرش به منابع

نگاه و گفتمان فقیهان به منابع گذشته نیز باید متحول شود؛ تحوّل که باعث شود برداشت فقیه از ادله، متفاوت از ظهور اولی آن (که در واقع «ظهور نما» است نه «ظهور پایدار») باشد. فقدان چنین نگاه روشنی باعث میشود فقیه در برداشت از اخبار و احکام الهی به عنوان مثال زکات را تنها برای مصارف محدودی که در کتابهای گذشته مطرح شده بداند در صورتی که اکنون مصارف به صدها برابر آن رسیده است و یا آن که «رهان» در «سبق» و «رمایه» مختص به تیر و کمان و اسب‌دوانی و امثال آن باشد، که در جنگهای سابق به کار گرفته میشد؛ و در مورد «انفال» که بر شیعیان «تحلیل» شده است، امروز هم شیعیان بتوانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای پیشرفته جنگلها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است، نابود کنند و امثال آن؛ و خلاصه آن که تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم در صحراها زندگی کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۰/۲۱-۱۵۱) مطابق این تحلیل، تفاوت نگاه دو فقیه به ادله یکسان، آنها را به دو برداشت گوناگون می‌رساند. به عنوان مثال یکی موارد مذکور در یک روایت را حمل بر مثال میکند و دیگری حمل بر انحصار؛ یکی از اطلاق ابتدایی دلیل، برداشت مطلق نمیکند، گاه، مصالح و مفاسد را قرینه بر روایت قرار میدهد و از آن دلیل فهم محدود دارد درحالی که دیگری به اطلاق دلیل تمسک میکند و فارغ از دیگر عناصر دخیل در حکم، به استنباط حکم بر اساس اطلاقی که فکر میکند، می‌پردازد.

موضوع‌شناسی

آشنایی به موضوعات (مصادیق موضوعات) با تراز نیاز، نیز از کمبودهای اساسی فقه است که باید متحول و کامل شود؛ چرا که حکم فقهی، حکم کلی است که به موضوعات تعلق می‌گیرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲) همچنین فقیهان باید به شناخت موضوعات دارای حکم مطابق اقتضائات زمان و مکان، توجه کافی داشته باشند. یکی دیگر از امور مورد نیاز، استفاده از ظرفیت روشهای جدید و علوم مورد احتیاج در دانش فقه است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۸۰/۲۱) که میتواند شامل استفاده از روشهای متداول عصر در ادبیات، ساختار دادن و ارائه خروجی فقه و نیز روشهای موضوع‌شناسی باشد. حال اگر فقیه موضوع را - دقیق - شناسد در شناخت حکم و در تطبیق اشتباه خواهد کرد. به عنوان مثال عدم شناخت کافی از ماهیت پول و اعتبار بانکی، فقیه را در فهم حکم ربای مذکور در قرآن به اشتباه می‌اندازد و آن‌گونه که باید فتوا نمیدهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۲)

ترویج فقه مقارن

از دیگر عرصه‌های تحول، نهادینه کردن تحصیل و تدریس فقه مقارن، به سبکی است که در گذشته‌های دور متداول بوده است؛ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱) فقه مقارن که عهده‌دار مقایسه میان آراء و مبانی فقهی است، پیشینه‌ای طولانی داشته و نگارش آثار مرتبط با آن به سده‌های نخست تدوین در فقه باز میگردد. شاهد بر این مدعا آثاری چون کتاب الانتصار سید مرتضی، کتاب الخلاف شیخ طوسی و کتاب تذکره الفقهاء و منتهی المطلب علامه حلی است. فقه مقارن، جمع‌آوری دیدگاه‌های مختلف و تقسیم آنها و ایجاد مقایسه میان آنهاست، بدین صورت که ادله هر یک بررسی و بعضی از نظرات بر نظرات دیگر ترجیح داده شود. (حکیم، ۱۳۰۱، ۱۹۷۹) ۱. برای فقه مقارن، ثمراتی ذکر شده که عبارت‌اند از: ۱. تلاش برای رسیدن به عمق فقه اسلامی؛ ۲. استفاده از نتایج فکری دیگران در عرصه‌های فقه و اصول؛ ۳. رشد روحیه علمی میان محققان و دوری از تعصب در ساحت بحث علمی؛ ۴. تقریب دیدگاه‌های فقهی و کم‌کردن عوامل موجب اختلاف. (حکیم، ۱۳۰۱، ۱۹۷۹)

موانع تحول

در راستای ایجاد تحوّل، برخی موانع نیز وجود دارد که از تحقق تحوّل جلوگیری میکند یا موجب کندی آن میشود:

بی‌اطلاعی از تحولات بیرونی

یکی از مهمترین موانع تحوّل و ضروری ندانستن آن، نداشتن اطلاع کافی برخی از متکفلان استنباط نسبت به تحولات دنیای خارج است؛ زیرا تحولات عظیم جهانی است که نگاه فقیه را به تحوّل در ساحت‌هایی که گذشت، جلب میکند، حال چنانچه فقیهی از آن تحولات عظیم بی‌خبر باشد، ضرورتی در تحوّل فقه، نمی‌بیند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹)

عدم اهتمام به پرسش‌های جدید و ادله معتبر

نداشتن مسئله و پرسش و سراغ نگرفتن از ادله و اسناد معتبر نیز میتواند، مانع دیگر تحوّل به شمار آید. کم‌عنایتی برخی فقیهان نسبت به حقوق دینی زنان نمونه‌ای از این موانع است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۸) و نیز مانند مسئله‌ی جهاد که مبتلا به است و در عین حال، در فقه مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، مسائل حکومتی و بسیاری از مباحث مربوط به زندگی مردم مانند مسئله‌ی پیوند اعضا و تشریح، نیز مباحثی از این دست هستند و مثل بقیه‌ی ابواب فقهی می‌باشند که باید فقها وارد این امور شوند. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳)

تجبر

تجبر آفت دیگری است که در مسیر اجتماعی شدن فقه و توجه آن به مسائل حکومتی ممکن است پدید آید. متحجر کسی است که نه میتواند نیازهای زمان و لوازم ملت را درک کند و نه کشش طبیعی بسیاری از احکام و معارف را، و تنها میخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، به ظواهر اکتفا نموده و کار خود را پیش ببرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴)

تأکید بر ساختار موجود

اصرار بر فرهنگ حاکم و حفظ ساختار موجود در حوزه‌ها نیز می‌تواند یکی از موانع تحول باشد، هرچند در این بین اندوخته‌های ارزشمندی وجود دارد که از مزایای نظام حوزه به شمار می‌آید و در هر تحول ساختاری باید محفوظ بماند. اما تحفظ بر این امر نباید به گونه‌ای باشد که موجب محرومیت حوزه‌ها از ابزارها و روشهای متداول در محیطهای علمی شود. بی‌شک در دنیایی که تازه‌های ابزاری و ساختاری، به دانش‌پژوهان فرصت می‌دهد که تازه‌ترین دستاوردهای ذهن بشر را به سهولت کسب کنند، روا نیست که طالب علم دین، راهی به نوآوری در روشهای ناقص و معیوب نداشته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴)

نبود ساز و کار مناسب برای تحول

یکی دیگر از موانع تحول، بی‌نظمی و فقدان ساختارمندی و روشمندی در ایجاد تحول است. شرط اساسی برای تحول سالم و تکامل بخش، نظم و انضباط و برخورداری از مرکزی اندیشمند و با نفوذ و مطاع است. هرج و مرج و پیروی از سلیقه‌های مختلف و گاه متضاد، تنها زیانش محروم ماندن از حرکتی سالم و منطقی و پیش‌رونده نیست؛ بلکه زمینه‌ی پیدایش تحوله‌های ناسالم و حرکت‌های غیر منطقی و خسارت‌بار را نیز به دنبال دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴)

فرار از تحول

ترس از تحول و گریختن از آن، از جمله موانع تحول صحیح است زیرا تحول حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. اگر مدیران، فضلا و صاحب‌نظران حوزه به این امر اهتمام نداشته باشند و از آن فرار کنند حوزه گرفتار تحول باطل و غلط خواهد شد، از این رو باید تحول در جهت درست مدیریت شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۹/۸)

نقش فقه در انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی

فقه در ایجاد نگرش انقلابی در جامعه و انگیزه‌سازی، نقشی انکارناپذیر داشته است؛

شروع حرکت انقلابی مردم ایران ریشه در باورهای فقهی و دینی آنها داشت که با اعتقاد به مرجعیت دینی و لزوم تبعیت از فتاوی مراجع در عدم پذیرش ظلم و ولایت جائز و لزوم مبارزه با طاغوت آغاز گردید. امام خمینی به عنوان فقیهی آگاه، قبل از پیروزی انقلاب، از وقایعی مثل حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه و قیام پانزده خرداد، به عنوان یک ابزار و وسیله در جهت اهداف انقلابی خود و ملت ایران استفاده کرد و قیام مردم را هدایت نمود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۶) و مردم نیز ایشان را همراهی کردند.

در این میان ارائه تئوری مشروعیت حکومت فقیه و ولایت او، در راهبری نهضت مؤثر بود. فقه به نحو اعم و فقه سیاسی به نحو خاص در تشکیل حکومت اسلامی نقش داشت و مسئله ولایت فقیه بستراجرای بسیاری از احکام فقهی را فراهم آورد. چرا که از منظر اندیشه انقلاب اسلامی حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت بوده و نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۹/۲۱) البته پیش از آن که فقه استدلالی در قرن سوم و چهارم تدوین شود فقه سیاسی در مجموعه فقه شیعه حضور روشنی داشته است؛ اما نظام‌سازی بر اساس این فقه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷) و انتخاب حاکم اسلامی مربوط به دوران معاصر است، که بارزترین ثمره آن تشکیل جمهوری اسلامی است که به «حکومت خدا» و «قانون خدا» تفسیر شده و همه مردم موظف به عمل به آن شدند و تخلف از آن حرام اعلام گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۷/۱۱)

از این رو فقه در پشتیبانی و پایه‌گذاری نظری انقلاب اسلامی و پایه‌ریزی قانون اساسی (نظام‌سازی) نقشی مستقیم داشته است. در نظام اسلامی فصل الخطاب، قانون - یعنی همان فقه مدون و مهذب - است که همه حتی پیامبر اسلام ﷺ باید از آن متابعت کنند و حکومت به معنای سلطه فراقانونی، برای هیچ‌کس وجود ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۵۳/۱۰) قانون اساسی نیز بر این مبنا تولید شد که به صورت کامل و صددرصد اسلامی می‌باشد (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۸/۹) و بر اساس آن باید همه قوانین مطابق با احکام شریعت اسلام باشد و این به معنای آن است که باید همه‌ی مواد در بخش‌های اقتصادی و پولی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و غیر آن با ظواهر احکام فقهی هیچ‌گونه تعارض و تنافی

نداشته، بلکه در همه‌ی موارد مذکور در فقه اسلام بر آن منطبق باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۸/۱۸) از دیدگاه انقلاب اسلامی روابط بین‌الملل و مسائل جهانی و تعامل با سایر کشورها نیز باید بر اساس قاعده نفی سبیل بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۹/۱، ۴۱۵) و با رعایت عزت و اقتدار برخورد شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۲۵) بر این اساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی، یکی از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه‌جانبه کشور، بیان می‌کند.

رشد و توسعه دانش فقه در پرتو نظام اسلامی ایران

نظام اسلامی ایران، سهم وافری در رشد و توسعه همه دانشها و گرایشهای مرتبط با دین و از جمله دانش فقه داشته است. استقرار نظام اسلامی که با رهبری فقهی مسلم صورت گرفت و حاکمیت فقه در عرصه‌های مختلف (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۷/۱۱) و نگاهی که رهبران آن به لزوم بسط متوازن دامنه فقه به عرصه‌های مختلف زندگی داشتند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۱/۳) باعث شد دانش فقه و به تبع آن عملیات استنباط رشد کمی و توسعه کیفی داشته و وارد مرحله‌ای جدید گردد. با توجه به تحولات پیش آمده و به‌روز انقلاب اسلامی، فقه بیشتر به امور اجتماعی و حکومتی توجه نموده و درصدد پاسخگویی به مسائل مختلف در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیر آن برآمده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) در یک نگاه گذرا میتوان به ابعاد گوناگونی اشاره نمود که در آثار فقهی پس از انقلاب اسلامی انعکاس گسترده‌ای یافته و موجب رشد و پیشرفت دانش فقه در این عرصه‌ها گردیده است، مهمترین این ابعاد عبارت‌اند از:

عرصه سیاسی

از آنجا که دانش فقه سیاسی در گستره فقه اسلامی و اجتهادات فقیهان شامل همه مباحث مربوط به حکومت و سیاست و اداره امور کشور میشود و بسیاری از این مباحث همواره بخشی از فقه را تشکیل میدهد، لذا انقلاب اسلامی در شکوفایی و توسعه این بخش از دانش فقه تأثیر فراوانی داشته تا بدانجا که منجر به شکل‌گیری اصطلاحی نوتحت

عنوان فقه سیاسی شده است و در این سالها فقها و محققان در عرصه مباحث مرتبط با حکومت مانند نظریه ولایت فقیه به عنوان حاکم اسلامی، (رک: امام خمینی، بی تا «ب»، ۹-۱۵۴) نظارت بر مشروع بودن قوانین از سوی شورای نگهبان، تشخیص موارد احکام حکومتی و بیان ضوابط آن، مشروعیت انتخابات و رأی مردم و حدود آن، و بسیاری از احکامی که از سوی حاکمیت به اجرا در می آید، (رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴؛ کنگره امام خمینی، ۱۳۷۸) آثار علمی بسیاری تألیف کرده اند.

عرصه اقتصادی

این عرصه بیشترین تبلور آن در بانکداری اسلامی به ویژه حذف ربا از چرخه معاملات بانکی و جایگزینی معاملات شرعی مانند مضاربه، جعاله، شرکت و... به جای آن میباشد (رک: امام خمینی، ۱۳۷۹، ۹۷۷-۹۹۴) فقه چون متکفل حل مسائل اقتصادی در عرصه های گوناگون مانند پول و بانکداری اسلامی و بدون ربا است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷) از این رو بررسی این مسائل در رشد این بخش از مباحث فقهی تأثیر داشته است و این سبب پیدایش یکی از شاخه های فقه مضاف در عرصه اقتصادی شده است. فقه اقتصادی احکام رفتارها و روابط اقتصادی است که در قالب مسائل و قواعد تملیک، تصرف و ضمان، حکم رفتارها و روابط اقتصادی را به عنوان اولی یا ثانوی بیان میکند لذا موضوع فقه اقتصادی همان اجزای نظام اقتصادی یعنی رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب است با این تفاوت که فقه اقتصادی دنبال استنباط حکم تکلیفی یا وضعی رفتارها و روابط اقتصادی است. (میرمعزی، ۱۳۹۴، ۲۲) در فقه از حکم شرعی و ضوابط عام عقود و شرایط طرف های معامله و احکام اختصاصی هر یک از معاملات بحث میشود که هر یک از آنها یک عملیات اقتصادی به شمار می آید مانند مکاسب محرمه، بیع، مزارعه، مضاربه و مساقات. (رک: امام خمینی، ۱۳۷۹، ۳۹۴-۵۱۲) همچنین فقه متکفل حل مسائل اقتصادی در عرصه های گوناگون مانند پول و بانکداری اسلامی بدون ربا میباشد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۰/۶/۱۷) مهمتر از همه اسلام برای اقتصاد چهارچوبی درست کرده است که پیروی از آن الزامی است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۸/۱۱/۴)

عرصه پزشکی

به سبب توسعه دانش پزشکی در پرتو انقلاب اسلامی مسائل جدید فقهی فراوانی به وجود آمد که تلاش‌های علمی گسترده فقها در پاسخ به این مسائل را به دنبال داشت و آثار فقهی فراوانی در خصوص مباحثی مانند پیوند اعضا، تغییر جنسیت، تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی و... تألیف شد. البته امام خمینی علیه السلام خود در برخی از این مباحث جدید جزو اولین فقهایی بوده که به بررسی و بیان حکم شرعی آن پرداخته است. (امام خمینی، ۱۳۷۹،

۹۷۹-۹۹۴)

عرصه رسانه و فضای مجازی

این عرصه از چنان تأثیرگذاری و اهمیتی برخوردار است که مقام معظم رهبری فرمود اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم حتماً رئیس فضای مجازی کشور میشدم. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۰) فضای مجازی از جمله عرصه‌هایی است که به سبب تولید مسائل جدید در این عرصه، پیوسته فقه را به پاسخگویی فراخوانده و موجب رشد فقه در این فضا گردیده است و فقها پرسش‌های فراوانی را در این خصوص پاسخ داده‌اند. (رک: امام خمینی، ۱۴۲۲، ۸/۲، ۱۱-

۱۲، ۱۷-۱۸؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۳)

امام خمینی علیه السلام به عنوان بنیانگذار نظام اسلامی در رشد و توسعه فقه در عرصه‌های یادشده نقشی وافر داشت. ایشان با طرح موردی برخی مسائل به ظاهر جزئی و اظهار رأی در مورد آنها - هرچند گاه با جنجال‌های رسانه‌ای نیز مواجه میشد - در پی ایجاد یک خط فکری ضروری در فقاهت شیعه و سمت‌گیری به سوی در نظر گرفتن اقتضائات زمان و مکان و - بالاخره - ایجاد یک گفتمان در نظام استنباط بود که نتیجه فقهی آن بتواند پاسخگوی نیازهای مختلف انسانها باشد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۳/۱۴) تأکیدهای فراوان رهبران انقلاب اسلامی مبنی بر اصل و اساس بودن فقاهت و فقه به معنای اخص، در حوزه‌های علمیه نیز از عوامل مهم رشد و توسعه فقه در پرتو نظام اسلامی به شمار می‌آید.

(آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴)

علاوه بر این تشکیل نظام اسلامی، که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه‌ی

صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای بی سابقه بر دوش حوزه علمی نهاده است؛ و آن تحقیق و تنقیح همه‌ی مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره‌ی هریک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. هنگامی که فقه اداره‌ی زندگی فرد و جامعه را با آن گستردگی، پیچیدگی و تنوع مورد توجه قرار می‌دهد، مباحث، تازه شده و کیفیتی ویژه می‌یابد؛ این امر، همانطور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های مورد نیاز غنی می‌سازد، حوزه‌ی فقاهت را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه‌ی شئون یک حکومت، و نظر به همه‌ی احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه‌ی تأثیر هر حکمی از احکام، در تشکیل جامعه‌ی نمونه و حیات طیبه از جمله این مسائل است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴) در این راستا حضور زنان مسلمان نیز در عرصه‌های مختلف علمی از جمله «فقه اسلامی» در عین حفظ دین، عفاف، وقار، شخصیت و حرمت زن مسلمان - که تجسمی از فقه در صحن عمل می‌باشد- از برکات انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

در کنار شکوفایی تولیدات فقهی جدید، حوزه‌های علمی نیز از نظر کمی و کیفی طی چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، شاهد رشد و شکوفایی فراوانی بوده‌اند. در بیشتر شهرهای کشور، مدارس علمیه راه‌اندازی شده و از کشورهای مختلف طلاب علوم دینی در حوزه علمیه مشغول به تحصیل هستند و مراکز تخصصی فقهی و اصولی متعدد در راستای شکوفایی و غنا بخشی به مباحث فقهی تأسیس شده‌اند و در این راستا پایه‌پای پیشرفت علوم دیگر، نرم‌افزارهای مختلف دینی به‌ویژه برنامه‌های فقهی، اصولی و رجالی تولید شده است که در شکوفایی علم فقه نقش انکارناپذیری را به دنبال داشته است. همچنین ایجاد کرسیهای نظریه‌پردازی و مجله‌های علمی پژوهشی با موضوع فقهی و اصولی نیز از جمله این فعالیتهای تأثیرگذار بوده‌اند.

نقش انقلاب اسلامی در تحقق و عینیت بخشی به فقه

منظور از «فقه» در عنوان فوق مجموعه مسائلی است که از دانش فقه و عملیات استنباط، به دست می‌آید. نقش انقلاب در عینیت بخشی به فقه، نتیجه‌ی رابطه همکاری

متقابل بین نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه است با این تفسیر که نظام اسلامی حوزه‌های علمیه را پشتوانه‌ی معنوی خود و حوزه‌های علمیه نظام اسلامی را فضای مناسبی برای رشد و تکامل خود بداند. درک و احساس دو جانبه‌ای که روزه‌روز باید قوی‌تر و واقعی‌تر شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۸/۲۴) این نقش، در عرصه‌ی نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی تبلور می‌یابد.

عرصه نظام‌سازی

بی‌تردید یکی از عرصه‌های عینیت‌بخشی به فقه توسط انقلاب اسلامی عرصه تولید نظام و ساختار حاکمیت مبتنی بر ولایت فقیه است؛ اولین کسی که در مقام نظر و عمل موفق به نظام‌سازی شد امام خمینی علیه السلام بود که با طرح مسئله ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی نظام اسلامی را ایجاد کرد، البته هر نظامی نیازمند تکمیل شدن است و مسئله اصلی چگونگی نظام‌سازی است. هیچ انقلابی بدون نظام‌سازی، قادر به ادامه حیات نیست و اگر نظام‌سازی نشود به مرور خود انقلابیون تغییر میکنند و خراب میشوند. (آیت‌الله خامنه‌ای، اصل پنجم قانون اساسی بر این نکته تصریح دارد که در عصر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است. انتخاب رهبر نیز بر عهده مجلس خبرگان است که به عنوان نهادی برآمده از انقلاب اسلامی و عامل مشروعیت‌بخشی به نظام جمهوری اسلامی؛ شایسته‌ترین، آگاه‌ترین و متعهدترین فقیه یا فقیهان را برای نگرانی از نظام انتخاب میکنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۱۸)

عرصه دولت‌سازی

در روزهای آغازین انقلاب اسلامی، تلاش رهبران انقلاب، یاران آن و عالمان دین بر اجرایی و عملی کردن فقه در ساحت‌های گوناگون قرار گرفت و تصویب قانون اساسی با محوریت شرع انجام شد، که در اصل چهارم آن بر این نکته تأکید شده است که تمام

قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی و سیاسی و... باید بر موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه قوانین و مقررات، حاکم است، نیز تأسیس نهادی با عنوان «شورای نگهبان قانون اساسی»، جزئی از عینیت بخشی فقه در خارج و در عرصه دولت سازی است. (زنگ، ۱۳۸۴، ۱۵۱-۱۵۲) همچنین در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی، مهندس بازرگان را طی حکمی مأمور به تشکیل دولت موقت کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۴/۶) پس از آن با تشکیل دولتهای مختلف که مجری قانون اساسی (برگرفته از قوانین اسلامی) و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی بودند، این امر استمرار یافت.

عرصه جامعه سازی (نهادسازی)

انقلاب اسلامی در تحقق بخشی به فقه نهادسازی کرده و قوانینی که وضع شده است در همین راستا است. حتی در روابط بین الملل نیز از قواعد فقهی استفاده شده است. در این خصوص میتوان به نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی که با حکم امام خمینی در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۹ (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۱/۱۲) و نیز ستاد امر به معروف و نهی از منکر که به حکم ایشان در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت، اشاره کرد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱۳/۹) سازمان حج و زیارت، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۰/۱۴) ستاد اقامه نماز و ستاد نماز جمعه، اداره ارشاد اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و... نیز از جمله نهادهایی است که در عرصه جامعه سازی شکل گرفت.

عرصه تمدن سازی

یکی از عرصه های عینیت بخشی به فقه توسط انقلاب اسلامی عرصه تمدن سازی است، برای تمدن مؤلفه های مختلفی ذکر شده است. در یکی از دیدگاه های مشهور، بر نظامهای مختلف اجتماعی از قبیل نظام اقتصادی، نظام حقوقی، نظام تربیتی، نظام سیاسی و دیگر نظامهای خرد و کلان اجتماعی مانند نظام خانواده و... به عنوان ارکان و سازه های مهم تمدنی تأکید شده است و این نظامها را با حاکمیت و نظارت فرهنگی

خاص، در صورت بندی ساختار تمدن ضروری دانسته‌اند. (آشوری، ۱۳۸۱، ۱۲۸) با توجه به ارکان ذکر شده برای تمدن و این‌که فقه در تمام این عرصه‌ها دارای رأی و نظر بوده و تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور به شمار می‌آید؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۸۹/۲۱) از این رو با اجرایی شدن فقه در ارکان تمدن بشری در کنار سایر مباحث مربوط به اعتقادات و جهان‌بینی انسان، مجموعه تمدن در لایه‌های مختلف دست‌خوش تغییر اساسی گردیده و در شکل‌گیری تمدن الهی و اسلامی، بسیار مؤثر خواهد بود.

توجه به این نکته نیز ضروری است که شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. تمدن نوین که انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، مبتنی بر ایجاد سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی است؛ بدون این بخش تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. تحقق یافتن چنین تمدنی معنویت، ثروت، رفاه، امنیت و عزت بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به فقه با سایر نگرشها

بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، جریان فقاقت و دانش فقه، باید به حیات خود در حرکتی رو به جلو ادامه دهد؛ در قبال این رویکرد، سه نظر، روش و گفتمان فقهی وجود دارد که اصل فقه را می‌پذیرند اما مشکل درون فقهی دارند؛ از این رو به چالش کشیده میشوند. نظری که با ساده‌انگاری جریان فقاقت، می‌کوشد پیش‌داوری‌های خود را بر اسناد تحمیل کرده و فقهی خارج از انضباط و فنّ شناخته شده در فقه شیعه به منصفه ظهور برساند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۹/۳؛ ۳۰۹/۹) دوم، روشی که هر چند منضبط و فقیهانه اجتهاد میکند، لکن با جدا کردن فقه از ساحتهای اجتماعی، سیاسی و حکومتی، عمدتاً در بخشهای عبادات و معاملات فردی به اجتهاد دست میزند. روشی که برآیند آن، ارائه فقهی ناکارآمد در حلّ مسائل و معضلات اجتماع است (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۱/۳-۲۲۲، ۲۳۰) و سوم، گفتمانی که همه عناصر دخیل در استنباط را مورد توجه قرار نمیدهد، به مصالح و مفاسد کلان

نمی‌اندیشد و اسناد شرعی را فارغ از این‌که در چه زمینه و زمانی از معصوم علیه السلام صادر شده است، مستمسک خویش در فتوا قرار داده و فقهی ناسازگار با تمدن و پیشرفت معقول ارائه می‌دهد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۵۰/۲۱-۱۵۱)

اما از نگاه بیرونی نیز دو نگاه حداقلی و حداکثری وجود دارد:

بر اساس نگاه تفریطی و حداقلی به فقه، قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب بوده قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه‌ی زندگی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹) کشور ما نیز از این تفکر اثر پذیرفت و پایه‌ی اصلی دانشگاه بر مبنای غیردینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه‌های علمیه روگردانید. این پدیده‌ی مرارت‌بار، آثار سوئی در هر دو نهاد به دنبال داشت. در حوزه، علمای دین را صرفاً به مسائل ذهنی محدود و محصور کرد و آنها را از تحولات دنیای خارج بی‌خبر نگه داشت. در نتیجه پیشرفتهای علم از نظر آنها پوشیده ماند و روح تحول‌گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی - که همواره در تحولات عظیم جهانی، چنین تحولی در استنباط دین و فقه اسلام وجود داشته است - در حوزه‌ها از بین رفت. حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند و به یک سلسله مسائل فقهی و غالباً فرعی محدود شدند. مسائل اصلی فقه مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و فقه حکومتی، منزوی و متروک ماند و فراموش شد و به مسائل فرعی و غالباً دور از حوادث و مسائل مهم زندگی، توجه بیشتری گردید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹)

صحیح بودن اجتهاد به همان سبک سلف بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نباشد، بلکه زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان

خود احاطه داشته باشد. زیرا مردم نمی‌پذیرند که مجتهدی بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت اقتصادی، شناخت سیاستها و سیاست‌مداران و فرمولهای دیکته‌شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم میکنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خورشان مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در همه زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۲۸۹-۲۹۰)

چشم‌انداز

فقه در اندیشه انقلاب اسلامی در راستای آینده بلندمدت نظام اسلامی در نظر گرفته میشود. در میان عوامل رشد و پیشرفت روزافزون جامعه اسلامی فقه جایگاه بسیار مهمی دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۳/۲۲/۱۳۶۸) چشم‌انداز دانش فقه و نظام استنباط چشم‌اندازی مطلوب است که در آن فقه تبدیل به سبک کامل زندگی گردیده و میتواند قدمهایی رو به جلو بردارد. این مهم در حال حاضر و آینده با فقاهتی تحقق می‌یابد که دارای دو رکن اساسی است: رکن اول اصول معتدل و قوی و روش علمی و دقیق استنباط یا همان فقه جواهری است، شیوه فقیهان گذشته در استنباط تنها شیوه صحیح است که باید بر آن پای فشرد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۳۲۵؛ ۱۸/۷۲؛ ۲۰/۱۹۰) رکن دوم آگاهی به نیاز زمانه است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۳۲۵؛ ۱۸/۷۲؛ ۲۰/۱۹۰) پرسشهای فقهی، مسائل نوپیدا و ساحت‌های جدید، روزبه‌روز و بیش از پیش به وجود می‌آید که باید فقیهان هر عصر پاسخگوی آنها باشند. از این رو چشم‌انداز فقه در گفتمان انقلاب اسلامی در دو بخش مورد توجه قرار گرفته است.

بخش اول، قوه و استعداد رشد و پویایی دائمی است که در حوزه وجود دارد. بر این اساس هرگز نباید تصور شود که گامهای نهایی در فقه و اصول برداشته شده و زمینه رشد و بالندگی وجود ندارد. بنابراین همانند گذشته که هر یک از ادوار فقه نسبت به دوره قبل از خود سیری تکاملی را نشان میدهد، کاملاً طبیعی است که فقه آینده، پیشرفته‌تر از فقه زمان شیخ انصاری باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳) از جمله عرصه‌هایی که از ظرفیت رشد بالایی برخوردار است، عرصه توسعه در فقه‌های مضاف، توجه به کارآمدی فقه و به کارگیری آن برای تحولات اجتماعی و بیداری اسلامی و توجه به نقش فقه در تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نهایتاً توجه به نقش فقه در ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

بخش دوم ناظر به تحولات سریع اجتماعی و کارآمدی و پاسخگویی فقه است. با پیشرفت فنی، صنعتی و علمی بشر که بر روی هم‌پوشانی شئون زندگی وی اثر گذارده و سرعت حوادث و پدیده‌های نوین را نسبت به گذشته چندین برابر کرده است، تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخگویی فقه قرار می‌گیرند و فقیه باید حکم شرعی آنها را بیان کند نیز به همین نسبت افزایش می‌یابد. بی‌شک سرچشمه‌های فقه و نیز شیوه‌ی فقاہت برای فهم حکم این موضوعات کافی است، ولی شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال مناسب و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، کاری مهم و راهی طولانی است. همچنین موضوعاتی وجود دارد که در گذشته در فقه مطرح شده و حکم آن واضح بوده است؛ ولی امروزه، موضوع چنان تحول و تطور یافته که به آسانی حکم آن از آنچه در گذشته گفته شد، قابل استنباط نیست. در چنین مواردی است که فقهای عصر باید با روشن‌بینی و احاطه‌ی علمی و پایبندی به روش فقاہت از یکسو و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدید فقهی را، کشف کرده و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت، عرضه کنند؛ و این تکمیل فقه است. علاوه بر اینها، استفاده از سبکهای نوین در تدوین و نگارش کتب و رساله‌های فقهی، عمومی و تخصصی و نیز استفاده از روشهای تحقیق فنی و علمی جدید و حتی استفاده از روشهای پیشرفته‌ی بحث علمی و به کار بردن ابزارهایی که امروز در تسهیل

کار علمی دارای سهم مؤثری است، همه‌ی اینها چشم‌انداز روشنی را در تکمیل فقه ترسیم میکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۲/۱/۲۸)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«فقه» در اندیشه انقلاب اسلامی به معنای دانش فقه و عملیات استنباط است. تاریخ دانش فقه و عملیات استنباط به صدر اسلام برمی‌گردد و در بستر تاریخ تحولاتی به خود دیده است. فقه در نگاه رهبران و متفکران انقلاب اسلامی - به عنوان مجتهدان و فقیهان ژرف‌اندیش و روشن‌بین - ناظر به همه‌ی ساحت‌های زندگی، اساس حوزه‌ها و بنیان قانون در جمهوری اسلامی ایران است. فقه امامیه غنی‌ترین فقه در بین مذاهب فقهی منسوب به اسلام است که با هدایت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام به منصه‌ی ظهور رسیده و میتواند موجب پیشرفت و تسهیل زندگی انسان و تسریع امور وی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گردد.

منظور از «فقه جواهری» فقه منضبط است که از فقیهان پیشین به ارث رسیده است. این فقه چنان که پایا و فنی است، پویا و پاسخگوی حوادث پیش آمده نیز میباشد. تحول در دانش فقه - و به تبع آن در فرآیند استنباط - ضروری است؛ زیرا زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. ساحت‌های تحول عبارت‌اند از: بسط متوازن فقه در همه ابواب و قلمروهای زندگی بشر؛ موضوع‌شناسی براساس اقتضائات زمان و مکان؛ نوآوری منضبط؛ توجه بیشتر به آفاق، افکار و سیاست‌های روز؛ توجه به عنصر مصلحت، به‌عنوان مبنای اصلی و اساسی صدور احکام حکومتی؛ تغییر در گفتمان و رویکرد فقیه؛ مطالعه نظام‌دار؛ نهادینه کردن تحصیل و تدریس فقه مقارن؛ تغییر در ادبیات و ارائه برون‌دادهای فقهی. موانع تحول نیز عبارت‌اند از: عدم آگاهی نسبت به تحولات عظیم جهانی و نداشتن پرسش و مسئله در مسائل اساسی.

دانش فقه در پرتو انقلاب اسلامی در ساحت‌های مختلف، رشد و توسعه داشته است. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در شکل‌های مختلف، به فقه - به معنای مجموعه مسائل برآمده از دانش فقه و نظام استنباط - عینیت بخشیده و آن را اجرایی کرده است.

انقلاب اسلامی به فقه، نگرشی خاص در مقابل نگرشهای گوناگون دارد. انقلاب اسلامی فقه را دانشی ضروری، اساسی و متوقف بر تلاشهای طاقت فرسا که باید همه ساحتهای زندگی بشر را مطمح نظر قرار دهد، میدانند؛ درعین حال نباید به شیوه‌های اجرایی و منطقه‌های مربوط به علوم دیگر وارد شود. چشم‌انداز فقه، بسیار امیدوارکننده است. برخی از مؤلفه‌های امیدبخش به فعلیت رسیده و بخشی بالقوه موجود است. از جهت دیگر فقه در آینده، همچون امروز، با پرسشهای بی‌شمار مواجه است که باید با توانی که در خود دارد، همه را پاسخ گفته و ایجاد تمدن کند و الگویی مناسب با پیشرفت اسلامی و تمدن‌سازی ارائه نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، داریوش، تعریفها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱ ش.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، اجوبه الاستفتائات، قم، دفتر معظم له، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۷. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی، استفتائات، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ ق.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، الاجتهاد و التقليد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. «الف»
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، المکاسب المحرمة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تنقیح الاصول، تقریر حسین تقوی اشتهاردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ

- اول، ۱۴۲۱ق.
۱۵. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۳۷۹ش.
۱۶. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا. «ب»
۱۷. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة علیهم‌السلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۸. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۱۹. جمعی از نویسندگان، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی علیه‌السلام (نقش زمان و مکان در اجتهاد)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ش.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۲۲. حکیم، سید محمدتقی، الاصول العامة للفقہ المقارن، بی‌جا، مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، ۱۹۷۹م.
۲۳. حلی، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و دیگران، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
۲۴. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تقریر میرزا علی غروی، قم، بی‌تا، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۶. زرنگ، محمد، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۲۷. سید مرتضی، علی بن حسین، الذریعة الی اصول الشریعة، تحقیق ابوالقاسم گرگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
۲۸. شهبابی، محمود، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیة، تحقیق سید محمدتقی کشفی، تهران، المکتبة المرتضویة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

۳۰. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، تحقیق فارس حسون، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
۳۳. قنواتی، جلیل، نظام حقوقی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۰ش.
۳۵. کاشف الغطاء، علی بن محمدرضا، باب مدینة العلم، بی جا، مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
۳۶. کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۳۷. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۳۸. لطفی، اسدالله، قواعد فقه مدنی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۳۹. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
۴۰. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۳ش.
۴۱. مشکانی سبزواری، عباسعلی، مقدمه ای بر مناسبات فقه و حکومت، کاوشی نو در فقه اسلامی (فصلنامه)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۶۷، ۱۳۹۰ش.
۴۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۴۴. میرمعزی، سید حسین، فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی (فصلنامه)، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۵۹، ۱۳۹۴ش.
۴۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۴۶. نوایی، علی اکبر، نظریه دولت دینی، تهران، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۴۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، مکتب فقهی اهل بیت علیهم السلام، فقه اهل بیت علیهم السلام (فصلنامه)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ش ۳۲، ۱۳۸۱ش.
۴۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

مسجد



جواد شفیعیان^۱ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۲ (مستول علمی)

مسجد؛ پایگاه عبادی، سیاسی و اجتماعی و مرکز اصلی تجمع و تشکل مسلمانان.

مسجد، در لغت به اسم مکان از ماده «سج» به معنای محل نماز (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۰۴/۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۶۲/۳) و مواضع خاص از بدن که سجده توسط آنها تحقق می‌یابد (طریحی، ۱۳۷۵، ۶۲/۳) اطلاق میشود. در کاربرد فقهی، مسجد مکانی است که به جهت برپایی نماز برای عموم مسلمانان وقف شده باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۶۹/۱۴) علاوه بر معنای لغوی و تعریفهای ارائه شده در فقه، برخی از صاحب نظران نیز بر پایه اهداف تأسیس این مکان خاص در اسلام و یا کارکردهای آن به ارائه تعاریف نوین از آن پرداخته‌اند. برخی مسجد را محل دستیابی به مقام قرب الی الله و مکانی برای رفع حجابهای ظلمت و خودپرستی دانسته‌اند. (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۵۵/۵) امام خمینی علیه السلام در مقام بیان تفاوت میان مسجد و کلیسا، مسجد را محلی برای تدبیر امور ممالک و مرکز سیاست اسلام معرفی نموده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱/۲-۳۲) همچنین مسجد به عنوان مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی، (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۵/۷) مرکز اجتماع و فعالیتهای سیاسی (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۰/۸، ۱۸۴-۱۸۵) و محلی برای تبلیغ و تحصیل دین نیز معرفی شده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۱۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تخصصی تفسیر و علوم قرآن

۲. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در بیانی جامع مسجد یک مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی؛ یعنی مرکز تجمع مردم است. (آیت‌الله، خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

واژه مسجد به صورت مفرد بیست و دو بار و به صورت جمع (مساجد) شش بار در آیات قرآن به کار رفته است. فراوانی ذکر مسجد و مشتقاتش در آیات قرآن نشانه توجه ویژه قرآن به آن و یا مسائل مرتبط با آن است. در پانزده مورد واژه مسجد الحرام آمده است و در آیه ۱۲۵ سوره بقره به این نکته اشاره شده است که خانه کعبه مرجع امور دینی مردم و محل امن الهی قرار داده شده است و خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داده است که آنجا را برای طواف‌کنندگان و آنها که معتکف میشوند و نمازگزاران که رکوع و سجود میکنند، پاک نمایند، و در این آیه بر جنبه اجتماعی مسجد نیز تأکید شده است. از جمله مهمترین آیات مسجد آیه ۱۴۴ سوره بقره در خصوص تغییر قبله مسلمانان از مسجد الاقصی به سمت کعبه در مسجد الحرام است که یکی از تحولات بزرگ دینی را در پی داشته است. خداوند مساجد را مختص به خود (جن، ۱۸) و محلی برای عبادت (حج، ۴۰) و اعتکاف (بقره، ۱۸۷) معرفی نموده است و بر قداست مسجد الحرام و بزرگی گناه هتک حرمت آن تأکید کرده (بقره، ۱۹۱، ۲۱۷؛ مائده، ۲) و به کسانی که مانع عبادت در مسجد الحرام شده‌اند وعده عذاب داده است. (انفال، ۳۴) مسجد الاقصی نیز به عنوان محل معراج پیامبر ﷺ معرفی شده است (اسراء، ۱) و در ادامه با توصیف آبادکنندگان مساجد، آنان را اهل ایمان به خدا و روز قیامت توصیف نموده که نماز را برپا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌هراسند. (توبه، ۱۸)

توجه گسترده به مسائل مرتبط با مسجد در روایات اسلامی نیز حاکی از اهمیت آن است؛ به گونه‌ای که در کتب روایی، هزاران حدیث در این باره آمده و در آنها به اموری چون فضیلت مسجد، (رک: صدوق، ۱۴۰۴، ۲۳۰/۱-۲۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۴۸/۳-۲۷۰؛ شعیری، بی تا، ۷۰) بنا و احداث آن، (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۸/۳-۳۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ۲۳۴/۳-۲۳۵؛ ۲۰۳/۵-۲۰۵) احکام و آداب مرتبط با مسجد، (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۰۷، ۴۸۹/۳-۴۹۵؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۴۴۲/۱) احکام مربوط به اقامه نماز در مسجد (صدوق، ۱۴۰۴، ۳۸۱/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۹۳/۵) و اهمیت نماز جماعت در مسجد (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۷۱/۳، ۳۸۱؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۴۰۷/۱) پرداخته شده است.

پیامبر اکرم ﷺ در معرفی سیمای مساجد با اشاره به آیه ۱۸ سوره توبه مسجد‌ها را

خانه خداترسان و پرهیزکاران معرفی نموده و راحتی و آسایش و جواز عبور از صراط را برای کسانی دانسته‌اند که مسجد را خانه خود قرار دهند. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳/۳۶۲) امام صادق علیه السلام نیز سخنی از تورات نقل فرموده که خداوند مساجد را خانه‌های خود در زمین نامیده و به کسانی که خود را در خانه‌های خویش مطهر و پاکیزه ساخته و سپس خدا را در خانه‌اش - مسجد - زیارت کنند بشارت داده و فرموده است که حق زیارت شونده آن است که زائر خود را اکرام کرده و بزرگ بدارد. (صدوق، ۱۳۸۵، ۲/۳۱۸)

در اندیشه انقلاب اسلامی، مسجد پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۰) مسجد از جمله مکانهایی است که احکام خاص برای آن بیان شده است. لزوم طهارت، (امام خمینی، بی‌تا، ۱۴۳) عدم امکان خرید و فروش، (امام خمینی، ۱۴۲۵، ۳/۱۳۷) اختصاص نداشتن به فرد (عدم امکان مالکیت) و (امام خمینی، ۱۴۲۵، ۳/۱۳۷) منع ورود و حضور برخی افراد در مسجد (امام خمینی، ۱۴۲۵، ۱/۶۷) بخشهایی از این احکام هستند.

در اندیشه اسلام مسجد کانون اجتماع و محل تجمع مردم بر محور ذکر و دعا و توجه به خدای متعال بوده و برخلاف سایر ملل و ادیان که برای اجتماع و تبادل اندیشه از اماکنی همچون؛ باشگاه‌های اشرافی، قهوه‌خانه‌ها و سایر اماکن استفاده میکردند، اجتماع مسلمانان در مسجد و بر محور نماز شکل گرفته است و مسجد از این طریق به اجتماع مسلمانان معنای دیگری بخشید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) این ابتکار اسلامی مسجد را از سایر معابد متمایز نمود؛ چرا که در سایر معابد همچون کلیساهای مسیحی و کنیسه‌های یهودی افراد فقط برای انجام عبادت حضور پیدا میکنند؛ ولی در آن، سایر امور اجتماعی و مورد نیاز جامعه مورد توجه قرار ندارد؛ در حالی که مسجد در صدر اسلام و نقطه آغاز ولادت خود از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله محل طرح مسائل مختلف و مشورت با مسلمانان و یا بسیج نیرو و امکانات و حتی محلی برای طرح مسائل فکری و اندیشه‌ای نحل‌های مختلف و تعلیم و تعلم بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) بنابراین در اندیشه اسلام مسجد اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا پایگاه بوده و اختصاص به مسئله‌ای خاص از امور اجتماعی ندارد بلکه میتواند پایگاه همه کارهای نیک باشد.

اولین نقطه‌ای که خداوند زمین را از آنجا گسترانید و «دحو الارض» از آنجا شروع شد کعبه بوده است، (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۸/۴؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۱۸۰) که مسجدالحرام بر آن بنا گردیده است. به شهادت قرآن کریم، ادیان الهی پیوسته از مکانهایی برای عبادت برخوردار بوده‌اند. (حج، ۴۰) صومعه‌ها یا دیرها به‌عنوان مکانهای عبادت به دور از شهرها، کنیسه یا کلیساها به‌عنوان محل عبادت مسیحیان، صلاه (معرب صلواتا) به‌عنوان محل عبادت یهودیان و مسجد به‌عنوان محل عبادت مسلمانان در قرآن معرفی شده‌اند، (حج، ۴۰؛ رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۴۴/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۶/۱۴) درعین حال قرآن کعبه را اولین معبد و مقدم بر سایر معابد معرفی نموده است (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۲/۲۳؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۴۲/۳) که دو هزار سال قبل از دحو الارض آفریده شده بود، (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۹۸/۴) با این بیان خانه کعبه و محیط اطراف آن که در قرآن از آن در موارد متعدد با عنوان مسجدالحرام نام برده شده، (بقره، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷؛ مائده، ۲؛ فتح، ۲۵، ۲۷) در ابتدای ظهور اسلام در معرفی، بسط و گسترش اسلام نقشی اساسی داشته است. (رک: ابن جوزی، ۱۳۸۶، ۱۸۲/۱، ۲۱۵)

در گزارشهای تاریخی، مسجدالحرام در سالهای نخستین بعثت، پایگاهی برای گردآوری یاران پیامبر ﷺ و آموزش ایشان و محلی برای گفتگو و مناظره با سران قریش (رک: طبری، ۱۴۰۴، ۲۹/۱) و همچنین مکانی مناسب برای حضور پیامبر و اقامه نماز و قرائت قرآن بود تا مراجعه‌کنندگان به مسجدالحرام را با آیین جدید آشنا سازد. (جعفریان، ۱۳۸۲، ۲۸۶) از این رو مسجد را در زمره نخستین پایگاه‌های علمی و اجتماعی دانسته‌اند که در کنار مراکز دیگر مورد استفاده علمای بزرگ بوده است. (رک: زرین‌کوب، ۱۳۸۹، ۱۴۵)

پس از هجرت نیز، یکی از نخستین اقدامات رسول خدا ﷺ تأسیس این پایگاه در منطقه قبا و سپس در یثرب (مدینه) بوده است. (رک: ابن هشام، بی تا، ۳۴۲/۴-۳۴۳) مسجد قبا محل برگزاری اولین نماز جمعه مسلمانان بوده است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۰۰/۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳۱/۲۴) همچنین مسجد پیامبر در یثرب محل سخنرانی رسول خدا ﷺ و گفتگوهای علمی ایشان با مسلمانان و به عبارتی محل تبلیغ، تبیین و نشر معارف و آموزه‌های اسلامی معرفی شده است. (کتانی، بی تا، ۶۷/۱-۶۸؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳۸۶/۱۴؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۱۶-۱۷) مسجد در همه‌ی مراحل تاریخ پُرافتخار اسلام، همیشه پایگاه دین‌داری و حرکت

مردم در جهت دین بوده است. در زمان پیامبر اسلام ﷺ و همچنین در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، مسجد مرکز همه‌ی تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود. پدید آوردن هویتی به نام مسجد، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه‌ی اسلامی است؛ خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم؛ کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی؛ جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹؛ هو، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) از جمله مهمترین مساجدی که بر فضیلت آنها تأکید شده است مساجد اربعه یعنی مسجدالحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و مسجد بصره میباشند که اعتکاف در این مساجد منصوص در روایات است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۷۶/۴)

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در صدر اسلام مسجد جایگاهی برای تحصیل آگاهی‌ها و دانشها، محلی برای آموزش نظامی، مکانی برای اقامه عدل و اجرای احکام کیفری و جزایی و جلوگیری از ضایع شدن حقوق ضعفا به وسیله توانگران و نهایتاً مجموعه‌ای کامل و منسجم از انواع کارکردهای نهادهای دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی معرفی شده است. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۴۲-۴۳)

برخی از علما حضور پیوسته امیرمؤمنان علیه السلام در مسجد را در ایام غضب خلافت ایشان گزارش نموده‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۴، ۸۰/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳۹۶/۲۴) حضوری که نه تنها برای عبادت، بلکه برای اموری همچون پاسخ به پرسش دانشمندان سایر ادیان بیان شده است. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۰۵-۲۰۷/۲۴) علاوه بر این، از حضور و بهره‌گیری سایر پیشوایان و ائمه علیهم السلام نیز گزارشهایی ارائه شده است. (رک: ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۷۹/۱۴) به گفته محققان در آن دوران، اهل حدیث حلقه‌های خود را در مسجد برپا میکردند، احکام شریعت در مسجد برای مسلمانان تبیین میشد. همچنین مجالس قرآن و طرح مباحث کلامی و اعتقادی نیز در مسجد برگزار

میگردید. (زرین کوب، ۱۳۸۹، ۱۴۵) در دورانی که هنوز حوزه‌های علمیه به عنوان پایگاه آموزش علوم اسلام در میان نبود، مساجد را نخستین فضاهای تدریس و مقرّ تشکیل حوزه‌ها و مدارس علمیه دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که هنوز هم جلسات و حلقه‌های درس و بحث طلاب علوم اسلامی در آن دایر می‌گردد (زرین کوب، ۱۳۸۹، ۱۴۵) و در برخی مدارس، مسجد نیز بخشی از بنای مدرسه را تشکیل می‌دهد. علی‌رغم کارکردهای وسیع مسجد در صدر اسلام، از همان دوران نیز، انحراف در کارکردهای مسجد شروع گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۷؛ ۳۷/۱۷) با فاصله از دوران اولیه ظهور اسلام و حدود نیمه اول سده نخست هجری، زمانی که فتوحات اسلام گسترش می‌یابد و حکومت از خلفا به امویان و عباسیان منتقل شده و سپس تا سطح سلطنت تنزل می‌یابد، مساجد، به تدریج ساختار و عملکرد خود را از دست داده و از وظایف اولیه خود دور شدند. به تدریج کارکردهای نظامی خود را به نهادهای در اختیار دولت، نقش ارشادی، مدیریتی و نظارتی بر امور مسلمین را به دارالحکومه‌ها و دارالقضاها، وظایف آموزشی خود را به نهادهای فرهنگی و آموزشی رسمی و غیررسمی واگذار نمودند. (شریف پور، ۱۳۸۳، ۴۳) و مهم‌تر از همه کارکرد همکاری توأم با نظارت بر کارگزاران حکومت را به کلی از دست داده و صرفاً دارای کارکرد عبادی آن‌هم به شکل صوری، خشک، بی‌محتوا و کم‌اثر شدند. در نتیجه علی‌رغم برخورداری اولیه از پویایی، نشاط و عملکردهای متفاوت در جامعه، به تدریج به مراکزی منفعل، بی‌روح و فاقد هرگونه کارکرد انتقادی در برابر مسائل اجتماعی و سیاسی تبدیل شدند و بعضاً در راستای خواست حکومتیان، سلاطین و صاحبان ثروت و قدرت حرکت کرده و به نهادهای بی‌محتوا تبدیل شدند. (شریف پور، ۱۳۸۳، ۴۳) البته مساجد در دوره‌های مختلف و با توجه به وقایع تاریخی و سیاسی پیش آمده، هرازگاهی گوشه‌ای از کارکردهای اولیه خود را عهده‌دار شده‌اند؛ مانند برخی خیزشها و حرکت‌های صد سال اخیر در ایران که مسجد در آن نقش مؤثر اما ناپایدار داشت. اما قیام مشروطه و در پی آن انقلاب اسلامی ایران را میتوان نمونه‌ای کامل از رجعت مسجد به کارکردهای اولیه دانست. (شریف پور، ۱۳۸۳، ۴۳-۴۴)

جایگاه و اهمیت مسجد

جایگاه مسجد در ابعاد مختلفی همچون وجه عبادی، وجه اجتماعی و سیاسی، محوریت در امور و نماد شهرسازی و تمدن اسلامی، قابل بررسی است.

بعد عبادی

در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان بیت الله و خانه خدا نام برده میشود؛ چرا که بر پایه آیات قرآن (حج، ۴۰؛ نور، ۳۶) مکانی است که در آن همواره نام خدا برده شده و محلی برای عبادت پروردگار، منتسب به خدا و از جانب او دارای مقامی رفیع و بلند مرتبه است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۷۵) در عین حال در قرآن، خانه کعبه که به طور خاص از آن به «بیت الله» نیز نام برده شده، خانه‌ای برای مردم معرفی گردیده است؛ چرا که آنچه به نام خدا و برای خداست باید در خدمت مردم و بندگان او باشد و آنچه در خدمت مردم و بندگان خدا قرار دارد، برای خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰/۳)

مسجد در روایات اسلامی، کانون ایمان و تقوا، محیط پاکی و قداست، مرکز تبلور عبودیت و نیایش در برابر پروردگار جهان، مرکز اشاعه فرهنگ اسلامی، مهمانخانه خدا در زمین، (رک: حرعاملی، ۱۴۱۴، ۵/۲۴۷) جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی، (صدوق، ۱۴۰۴، ۱/۷۷) خانه راز و نیاز، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت و تجلی بهشت خدا در زمین (فجرى، ۱۳۸۶، ۱۰۳) معرفی شده است.

بعد اجتماعی و سیاسی

توجه آیات متعدد قرآن به مسئله مسجد و به طور خاص مسجد الحرام و همچنین وقوع برخی وقایع ممتاز در صدر اسلام، جایگاه و تأثیر این پایگاه اجتماعی را در میان مسلمانان بسیار ارتقا بخشید، معراج پیامبر که در آن از مسجد الحرام و مسجد الاقصی نام برده شده است، (اسراء، ۱) و فرمان خداوند مبنی بر تغییر قبله از مسجد الاقصی به مسجد الحرام در مسجد معروف به ذوقبلیتین (بقره، ۱۴۴) از آن جمله است. همین جایگاه موجب میشده که دشمنان نقابدار اسلام - منافقان - در صدد سوء استفاده از مسجد برآیند و آن را به عاملی

برای ایجاد شکاف در مسلمانان و زمینه تحریف حقایق قرار دهند. نخستین مورد این سوءاستفاده که در قرآن کریم از آن یاد شده است مرتبط به مسجد ضرار است. (توبه، ۱۰۷) ماجرای مسجدی که در نزدیکی مسجد قبا ساخته شد و بر پایه روشنگری قرآن به مسجد ضرار معروف گشت، منافقان با درک جایگاه مسجد در میان جامعه اسلامی و سوءاستفاده از آن، به دنبال اهدافی چون: زیان رساندن به مسلمانان، تقویت مبانی کفر، جلوگیری از اجتماع و وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه در میان آنان و همچنین ایجاد پایگاهی برای دشمنان خدا و پیامبر بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳۷/۸-۱۳۸؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۶؛ ۱۳۷۴/۹/۸؛ جعفری، ۱۳۹۱، ۲۵-۲۶؛ رک: ادامه مقاله) از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و زیان رساندن به جامعه مسلمانان دستور به تخریب و به آتش کشیدن مسجد ضرار دادند و پس از آن، محل مسجد ضرار به محلی برای قرار دادن زباله تبدیل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۱۱/۵؛ جعفری، ۱۳۹۱، ۲۵)

مسجد در صدر اسلام محل اجتماع کارگزاران نظام بوده است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۱۷؛ ۸۸-۸۹/۸۹) از این رو سرداران اسلامی در بدو ورود به هر سرزمین در نخستین گام مسجدی احداث می‌نمودند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۵۰۷) این جایگاه، مسجد را به محلی برای پیشبرد همه امور اسلام و دستگاه و بارگاه حاکم اسلامی و محل اداره حکومت تبدیل نمود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۸۱، ۲۲۰؛ ۱۷/۳۷، ۵۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

بعد محوریت مسجد در امور

در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس پیشینه مسجد در تاریخ اسلام، مساجد ستادهای اسلام و پایگاه‌های مهمی در دین‌داری و حرکت مردم در جهت دین تلقی می‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۳۹۱-۳۹۲؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) همچنین مساجد دژهای محکم اسلام و سنگرهای الهی و اسلامی است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۲۳۸) که سرنوشت اسلام در آن رقم می‌خورد؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۳۹۷-۳۹۸) لذا امام خمینی رحمته الله علیه در بیانی خطاب به ملت، روشنفکران و حقوق دانان تأکید می‌کنند که مسجد را حفظ کنند تا مملکت نجات پیدا کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۶۰) احیای مسجد یکی از غایات انقلاب بوده (امام خمینی، صحیفه امام،

۱۳/۱۵-۱۶) و اساساً یکی از اهداف انقلاب اسلامی آن بود که مسجد درست شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵؛ ۱۴/۱۵) ترس رژیم طاغوت از مساجد (امام خمینی، صحیفه امام، ۹/۵۳۸) و صدمه‌های که از ناحیه مسجد بر دشمنان اسلام وارد گردید (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۳۹۱-۳۹۲) نیز از وجوه دیگری است که اهمیت مسجد را می‌نمایاند.

در مجموع، پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه‌ی اسلامی است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رایج در ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۲۰/۷/۱۳۸۹) بر پایه این نگاه، روح مسجد، کالبد زندگی را پرنشاط و پیرانگیزه ساخته و در هرجا، سامان زندگی و مرکز و کانون اصلی معرفی شده و توصیه و تأکید شده است که باید در بنای شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاه‌ها و جاده‌ها و پایانه‌های سفری و تا آسایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و بوستان‌ها و گردشگاه‌ها، مسجد قطب و محور باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۹/۷/۱۳۹۰)

نماد شهرسازی و تمدن اسلامی

پیامبر اکرم ﷺ بنای تمدن اسلامی را که از مدینه شروع شد، بر سه پایه اساسی و مهم استوار نمود که مسجد اولین این ارکان به شمار می‌آمد. (ولایتی، ۱۳۹۲، ۸) مسجد در میان همه ملل و نحل اسلامی، نماد عینی فرهنگ و هنر مسلمانان به شمار می‌آید. بررسی مساجد از این نگاه زبانی گویا و زمینه‌ای برای به تصویر کشاندن اراده و همت بلند هنرمندان مسلمان برای پایایی دین از بُعد روانی و احساسی و زیبایی هنری است و به همین سبب گردشگران، باستان‌شناسان و پژوهشگران را مجذوب و شیفته خود کرده است. مسجد، ضمن آن که سبک معماری هنر اسلامی و تمدن دینی را باز می‌شناساند، خودباوری، خلاقیت و تلاش و پشتکار هنرمندان مسلمان را به مردم معرفی میکند؛ از این روی برخی چون تیتوس بوکهارت آلمانی - پژوهشگر هنرهای اسلامی - آفرینش تعداد بی‌شمار آثار عظیم هنری اسلامی چون مساجد عظیم قیروان، قرطبه، دمشق، اصفهان، هرات و... را که برخوردار از زیبایی ابدی می‌باشند دلیلی بر حقانیت اسلام و الهی بودن آن عنوان میکنند.

(بوکهارت، ۱۳۸۱، ۳۲) به باور وی این میراث بزرگ هنری زائیده اتحاد مهارت فنی سازندگان آنها با نگرش معنوی به اشیاء میباشد که از توحید نشأت گرفته است. (بوکهارت، ۱۳۸۱، ۳۳) مسجد در بینش اسلامی یک یادگار اسلامی عزیز است که بر پایه آیه شریفه «أَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه، ۱۸) اسلام علی‌رغم اینکه میتواندست به اقامه نماز در فضایی معمولی و بدون بنای معین امر نماید، به ساخت و عمران مسجد دستور داده و آباد کردن مسجد را ملاکی برای تجسم و تجسد خارجی نماز و عبادت دانسته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۸) توصیه به ملت و مسئولین برای حفظ مسجد و آبادانی آن (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۰/۸؛ ۱۲/۳۹۳-۳۹۴) و تأکید بر اینکه لازم است همه کارهای مهندسی بزرگ یک پیوست ساخت مسجد داشته باشند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۸؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۱/۶/۱۶) به این جایگاه و اهمیت اشاره دارد. مسجد در میان اهل سنت نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به طوری که در کتابهای حدیثی بابی را به آن اختصاص داده‌اند. (دارمی، ۱۳۴۹/۱، ۲۲۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۱۱۶/۱)

نقشها و کارکردهای مسجد

با توجه به جایگاه و اهمیتی که مسجد از آن برخوردار است، کارکردهای متعدد عبادی، تعلیمی، اجتماعی، سیاسی و نظامی از آن مورد انتظار است. (همتی، ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۶۷؛ رستگاری، ۱۳۸۴، ۱۷۶-۱۹۸)

عبادی

انجام عبادت، کارکرد اصلی و در حقیقت نقشی است که مسجد بر پایه آن احداث شده است. (بقره، ۱۱۴، ۱۲۵؛ حج، ۴۰؛ نور، ۳۶) برای بعد عبادی مسجد فعالیت‌های متعددی ذکر شده است که استفاده از مسجد در راستای تمامی آنها از صدر اسلام مرسوم بوده است؛ که برپایی نماز جماعت، (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۳۰۸/۸) تلاوت قرآن، (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۲۱۳/۵) خواندن نوافل و خواندن دعا و مناجات، (رک: طوسی، ۱۴۰۷، ۲۵۲/۳) و اعتکاف در مسجد (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۷۰/۱۷) از این امور هستند؛ بر این اساس مسجد مرکز تصفیه روح و مرکز خلوص و اتصال بنده به خدا معرفی شده و درعین حال با توسعه مصادیق عبادت، با تکیه بر روایت «إِنَّ تَفَكُّرَ سَاعَةٍ

خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۷/۶۸) تفکر نیز از مصادیق عبادت و محصول شنیدن سخنان عالم و فقیه در مسجد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) اهمیت عبادت در مسجد از این روست که عمارت و احداث مسجد یک ملاک اسلامی برای تجسم و تجسد عبودیت بوده و به همین جهت به عمارت و ساخت آن در آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه، ۱۸) اشاره شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۸) لذا تقویت این بعد از کارکردهای مسجد همواره مورد تأکید بوده و در این جهت بر اقامه نماز جماعت به عنوان عالی‌ترین مظهر عبودیت و نماد جامعه اسلامی در تمامی مساجد تأکید شده (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) و از اعتکاف و حضور اقشار مختلف مردم در مساجد با عنوان جلوه‌ای از عبودیت و اتصال و انس با خدا یاد شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹)

تربیتی-اخلاقی

بر اساس کارکرد و نقش ویژه مسجد در حوزه تبلیغ و تعلیم مسائل مربوط به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، مسجد مرکز تربیت صحیح (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۰/۱۲-۵۰۱) و مرکز تربیت دینی معرفی شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۵۲۹/۲۳-۵۳۰؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) بر پایه همین نقش تربیتی است که امام خمینی علیه السلام در توصیف برخی از ویژگیهای حکومت اسلامی با بیان این نکته که «رژیم اسلامی افرادی را که از مسجد هستند»، مسجد را محل تربیت و رشد کارگزاران نظام دانسته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۸/۹-۸۹)

علمی-آموزشی

از دیرینه‌ترین و مهمترین کارکردهای مسجد، کارکرد علمی آن است. اسلام در بدو ظهور و آغاز حیات خود از کنار کعبه و در محدوده مسجد الحرام امکان ظهور و تبلیغ و ترویج یافت و به شهادت تاریخ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مسجد الحرام به معرفی، تبیین و انتشار آموزه‌های اسلامی اقدام نمود. (رک: طبرسی، ۱۴۰۴، ۲۹/۱؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶، ۱۸۲/۱، ۲۱۵) همچنین مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یثرب نیز محل ایراد خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفتگوهای علمی ایشان با مسلمانان و به عبارتی محل تبلیغ، تبیین و نشر معارف و آموزه‌های اسلامی معرفی شده

است. (کتانی، بی تا، ۶۷/۱-۶۸؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۴/۳۸۶) محققان و مورخان پذیرفته اند که پیش از پیدایش مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی- فرهنگی در جهان اسلام بوده است. هرچند برخی از محققان از جایگاه های آموزشی دیگری همچون مکتبهای خانگی نیز یاد کرده اند. (رک: شلی، ۱۳۷۰، ۳۸، ۴۰) ولی فعالیت های آموزشی در این مراکز چنان محدود بوده است که امروزه اطلاعات قابل توجهی درباره چگونگی آموزش در این مکانها در اختیار نیست؛ حال آن که نام مسجدهای مهم اسلامی که جایگاه فعالیت های آموزشی بوده، در تاریخ ماندگار شده است. حتی نام مدرسان این مسجدها، همراه با اطلاعات قابل توجه دیگری درباره مطالبی که در مسجد تدریس میشده، در اختیار است. (شلی، ۱۳۷۰، ۸۹-۹۷) پس از پیدایش مدرسه نیز تا سالها، مدرسه در دامن مسجد بنا میشد؛ از همین رو، در بیشتر کتابهایی که درباره مسجد به نگارش در می آمد، از مدرسه بسیار سخن گفته میشد که این به سبب ارتباط بسیار نزدیک مسجد و مدرسه بیان شده است. (رک: شلی، ۱۳۷۰، ۹۸-۹۹؛ تبریزی، ۱۳۷۳، ۲۷-۳۴۲)

وجود این گونه گزارش های تاریخی از سیره رسول خدا ﷺ و همچنین سایر امامان شیعه علیهم السلام (رک: ابن سعد، بی تا، ۵/۲۱۵-۲۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۴، ۸۰/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۹۶) موجب شد تا در گفتمان انقلاب نیز مسجد مرکز تبلیغ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۱۷؛ آیت الله خامنه ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰) و تعلیم معرفی شود که همواره مورد بهره گیری علما بوده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۴/۳۸۶؛ آیت الله خامنه ای، ۱۹/۱۰/۱۳۷۵) به کار بردن تعبیری همچون مدرسه و دانشگاه برای مسجد و همچنین اشاره به ارزش والای تفکر در مساجد بر پایه آموزه هایی که از عالم و فقیه دریافت میشود از کارکرد علمی مسجد حکایت میکنند. (رک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۹۶؛ آیت الله خامنه ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰) از این رو وجود و حضور امام جماعت عالم و واجد شرایط تعلیم در مساجد جهت حفظ جایگاه منبر و ایراد سخنرانی و همچنین پاسخگویی به سؤالات مردم مورد تأکید قرار گرفته است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۹۶؛ رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۱۸۱؛ ۹/۵۳۸-۵۳۹؛ ۱۳/۱۲-۱۳؛ آیت الله خامنه ای، ۲۳/۱۰/۱۳۸۳)

سیاسی - اجتماعی

کارکرد سیاسی - اجتماعی یکی از وسیع‌ترین و مهم‌ترین کارکردهای مسجد به شمار آمده است به‌گونه‌ای که مسجد را محل تبلیغ احکام سیاسی و اجتماعی، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۱۰) پایگاه و مرکز همه‌ی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۵/۱۳) و حتی دستگاه و بارگاه حاکم اسلامی و محل اداره حکومت نامیده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۱/۴، ۲۲۰، ۳۷/۱۷) بنا بر گزارش‌های تاریخی، مسجد محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی نیز بود. همانطور که امیرمؤمنان علیه السلام پس از پذیرش حاکمیت، مردم را برای بیعت به مسجد دعوت نمودند و با اشاره به اینکه بیعت باید در ملاء عام و محل اجتماع مسلمین باشد در مسجد وارد شده و مردم نیز از هر طرف برای بیعت با ایشان وارد مسجد شدند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۹/۱۱)

در این راستا از مسجد به عنوان محلی برای حل و عقد امور مسلمانان (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۳/۱۷) و محل اجتماع کارگزاران نظام (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱۷/۴، ۸۸۱/۹-۸۹) و در بیانی جامع به محلی برای سیاست مدن، یاد شده است. (امام خمینی، صحیفه، ۳۱۷/۲-۳۲) در این گفتمان مسجد وسیله‌ای برای پیشبرد همه امور اسلام است (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۵/۱۷) که مسائل سیاسی و اجتماعی، بخش بزرگی از این امور به شمار می‌آید. همچنین نقش مسجد در محدوده مسائل اجتماعی و حکومتی، آن را محل قضاوت و دکه القضاء حاکمان نیز قرار داده بود. (رک: شاذان قهی، ۱۳۸۱، ۷۴؛ طبری امامی، ۱۴۲۷، ۱۳۴؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۶۵/۲، ۱۴/۱۵)

این کارکرد، مساجد و منبرها را به محلی مناسب برای روشننگری افکار و انداز مسلمانان نسبت به توطئه‌های دشمنان (امام خمینی، صحیفه امام، ۷/۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) و اظهار برائت از آنان مبدل ساخت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۶/۲۰) در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران مسجد، محل حضور گسترده مردم بود که در آن علما و چهره‌های انقلابی به آگاهی‌بخشی و افشای حقایق درباره رژیم طاغوت پرداختند و بدین وسیله زمینه پیروزی این حرکت بزرگ را فراهم کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) و مسجد، به محلی برای قیام بر ضد ظلم مبدل شد. (امام

نظامی

از آنجا که جامعه اسلامی جامعه‌ای پویا و در حال حرکت به سمت تحقق ارزشهای الهی است، همواره در ستیز با مظاهر کفر و شرک و نفاق قرار دارد که باید برای این امر آمادگی لازم را داشته باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۱۷؛ ۱۲/۳۹۱-۳۹۲؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰) با مراجعه به شواهد تاریخی از دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، نقش مسجد در مسائل نظامی مسلمانان آن چنان روشن است که حتی از نگاه شرق شناسان غربی نیز دور نمانده است. (رک: موظف رستمی، ۱۳۸۲، ۲/۷۴-۷۵؛ مکی سباعی، ۱۳۷۳، ۳۶-۳۷) بهره‌گیری فرماندهان نظامی از مسجد، ارسال غنائم جنگی، اعلان نتایج جنگها، حضور مشاوران نظامی در مسجد و صدور دستورات و فرمانهای جنگی از سوی حاکم اسلامی یا فرماندهان، بخشی از این شواهد تاریخی است. (موظف رستمی، ۱۳۸۲، ۲/۷۴-۷۵؛ رک: همتی، ۱۳۸۴، ۱۶۶-۱۶۷) به علاوه مسجد محل نمایش رزمی، محلی برای ارائه خدمات پزشکی و داروئی به مجروحان و محلی برای رسیدگی به امور آوارگان و اسیران نیز بوده است. (همتی، ۱۳۸۴، ۱۶۶-۱۶۷) برخی از محققان این کارکرد را در دوره سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ ه. ق.) (بنداری، ۲۵۳۶، ۴۸) و در ادامه آن در دوران جنگهای صلیبی (۴۹۰-۶۹۵ ه. ق. / ۱۰۹۶-۱۲۹۵ م) میان مسلمانان و کفار بسیار ممتاز و برجسته دانسته‌اند. (رک: حاجی بابایی، ۱۳۸۹، ۲۹-۴۹)

با توجه به پیشینه و نقش مسجد در حوزه قیام و جهاد در طول تاریخ اسلام، مسجد در جایگاه کانون انقلاب اسلامی ایران و علت پیروزی آن قرار گرفت. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۶۳؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵-۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۱۲/۱۳۷۰؛ ۱۹/۱۰/۱۳۷۵) و پس از پیروزی و به طور خاص با شروع تجاوز آشکار دشمن به خاک ایران، مسجد نقش و کارکرد جهادی خود را بازیافت. در آن دوران روحانیان انقلابی و آگاه بر پایه فرمان امام خمینی علیه السلام مبنی بر آماده‌سازی مردم برای دفاع از میهن و نبرد با باطل، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۲۴۳) با گردهم آوردن مردم در مساجد، آنان را از نقشه‌های شوم دشمنان باخبر نموده و از ملت برای دفاع از میهن و اعزام به جبهه دعوت می‌کردند. در بیشتر اوقات خیل داوطلبانی که برای نام‌نویسی به مساجد می‌آمدند، با مدیریت روحانی و پیش‌نماز محل و همکاری جوانان دیگر سازماندهی شده و برای آموزشهای نظامی گسیل میشدند. وجود برخی مساجد همچون مسجد جامع خرمشهر

در میدان نبرد و نقش بارز آن در آماده‌سازی رزمندگان قبل از دفاع و رسیدگی به امور آنان پس از آن، این مسجد را به‌عنوان نماد و یادمانی از مقاومت در برابر تجاوز، در تاریخ ایران ماندگار کرد. (حسینی، ۱۳۹۲، ۱۲۳، ۱۲۵-۱۲۶)

ایفای نقش مسجد با کارکردهای اشاره شده تنها برپایه اجتماع مسلمانان در آن ممکن خواهد بود. لذا گزارشات تاریخی حکایت از آن دارد که مسلمانان علاوه بر حضور مستمر و اجتماع برای نمازهای روزانه، به برپایی نماز جمعه به‌عنوان اجتماعی معین برای پرداختن به امور مختلف مرتبط با جامعه مسلمین اهتمام داشتند؛ به طوری که بسیاری از حرکات در جامعه اسلامی از خاستگاه نماز جمعه نشأت می‌گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱/۲-۳۲؛ ۱۳/۲۰-۲۱، ۲۷۵؛ ۳۷/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵) امام خمینی علیه السلام با اشاره به کارکرد نماز جمعه در صدر اسلام به محتوای غنی این اجتماع خاص در آن و انحراف آن در دوران بعد سخن گفته‌اند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷/۱۷ ← نماز جمعه) و ساخت مصلی برای نماز جمعه در راستای ساخت بینش کفرستیزی اسلام و منطبق با الگوهایی که از صدر اسلام به یادگار مانده است را مورد تأیید قرار دادند و تصریح فرمودند که سادگی مصلی باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام آمریکایی جلوگیری شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۸/۲۱-۱۸۹)

ویژگیها و رسالتهای امامت مسجد

با توجه به جایگاه و اهمیت مسجد در اسلام و نقش وسیعی که در جوامع اسلامی برای آن قابل تصور است، منظومه‌ای از تلاشهای متنوع و گوناگون برای مسجد ترسیم شده؛ که روحانی دانا، مسئولیت‌پذیر و پرهیزکار، محور آن است. بر این اساس روحانی دلسوز در هر مسجد به پزشک و پرستار یک بیمارستان تشبیه شده و روح و مایه حیات مسجد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) روحانی مسجد باید به اقتضای این جایگاه تأثیرگذار و حیاتی از ویژگیهای خاصی برخوردار بوده و رسالت معینی را پیگیری نماید. بنابراین پیش‌نماز بودن تنها وظیفه‌ی روحانی نیست؛ بلکه یکی از آنهاست. اقامه‌ی نماز، اقامه‌ی حق و عدل، اقامه‌ی دین و ابلاغ احکام دینی، وظیفه‌ی روحانی به‌عنوان امام جماعت

است؛ لذا امام جماعت محور مسجد است. امامت مسجد از جمله کارهای مهم و اساسی و نه یک کار حاشیه‌ای است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) از این روی اداره امور مسجد - به مثابه یک نهاد - بر عهده علمای دین و روحانیون است که باید در راستای ایفای دو نقش اساسی تلاش کنند:

حفظ و تحکیم جایگاه مسجد. اولین و مهمترین نقشی که بر آن تأکید شده، حفظ و نگه داشتن مسجد و بقاء منبر با خطابه‌هایی با محتوا است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۲-۱۳؛ ۱۸/۴۲۵) توصیه به روحانیون به تلاش برای ساخت مسجد و توسعه آن (قرائتی، ۱۳۹۰، ۲۰-۲۱) و همچنین اهتمام به پذیرش مسئولیت امامت جماعت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۷/۶/۱۸) و در کنار آن اقامه‌ی حق و عدل، اقامه‌ی دین و ابلاغ احکام دینی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) از جمله اموری است که بر ایفای این نقش دلالت دارد.

مدیریت مسجد. از آنجا که مسجد یکی از اماکن عمومی مسلمانان جهت پرستش خداوند است، هر مسلمانی علاقه‌مند به افزایش حضور مردم در این مکان مقدس می‌باشد، لذا لازم است به‌گونه‌ای اداره شود که بیشترین میل و رغبت را در مؤمنین برای حضور مداوم فراهم سازد. برای دستیابی به این هدف ارزشمند و الهی، بایستی به‌گونه‌ای عمل شود که بر جاذبه‌های مشروع مسجد افزوده شده و در اداره آن میل عمومی مؤمنین لحاظ گردد. (نبوی، ۱۳۸۳، ۳) از این رو نقش‌آفرینی در اداره مسجد در ابعاد مختلف نیز با عنوان مدیریت محتوایی و معنوی مسجد بر عهده روحانی گذاشته شده است، (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۹۰/۷/۱۹) یعنی محور مسجد امام جماعت است و مسجد بر محور او مدیریت می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) در این راستا راهکارهایی برای مدیریت صحیح مسجد و استفاده از مشارکت هیئت امنای مسجد و سایر مردم در این امر به امام جماعت ارائه شده است تا علاوه بر روحانی مسجد سایر اهل مسجد نیز در این امر نقش‌آفرین باشند. (نبوی، ۱۳۸۳، ۴)

ویژگیها

امام مسجد، مهمترین نقش را در تحقق رسالت مسجد، بر عهده دارد. لذا در فقه اسلامی برای امام جماعت شرایطی تعیین شده است که در صورت فقدان این شرایط

اقتدا به وی صحیح نمیباشد. این شرایط را در کتب فقهی، ایمان، عقل، بلوغ، حلال زاده بودن و عادل بودن برشمرده اند. (محقق حلی، ۱۴۰۳، ۹۴/۱، ۱۴۱۰، ۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۱۳/۱، امام خمینی، ۱۴۲۵، ۴۹۹/۱) علاوه بر این شرایط که مربوط به صحت اقامه نماز جماعت میباشد، برای جایگاه امامت جماعت و صحت عملکرد وی در سایر امور مسجد ویژگیهای دیگری بیان شده است که اگر از این ویژگیها برخوردار باشد؛ میتواند با مدیریت خود، امور مسجد را به سرانجام برساند؛ در غیر این صورت هر اندازه خادم و سایر مسئولان به وظایف خود آشنا باشند، امکان تحقق رسالت واقعی مسجد وجود نخواهد داشت. (قرائتی، ۱۳۹۰، ۶۱)

برجسته ترین ویژگی امام جماعت پس از برخورداری وی از شرایط فقهی، ویژگی اخلاقی و تأسی وی به سیره رسول خدا ﷺ و اصحاب ایشان بیان شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۵/۷) اشاره به سیره رفتاری امیرمؤمنان (علیه السلام) در کیفیت حضور ایشان در مسجد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۱/۴) نشان دهنده اهمیت توجه به سیره معصومین (علیهم السلام) در جهت نقش آفرینی امام جماعت در مسجد است. از این رو در اندیشه انقلاب اسلامی برزهد و هم رنگی روحانی مسجد با مردم تأکید شده (ری: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۲۰/۴) و مردم داری، گرم گرفتن با مردم، خوش اخلاقی، بی حوصله نبودن و حسن خلق نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته و گرم ترین نماز جماعتها متعلق به پیش نمازهای مردمی بیان شده است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳) ارزش این گونه ارتباط با مردم زمانی بیشتر است که علی رغم وجود و استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی در عصر حاضر، نشستن روبرو روی مردم و نفس به نفس با مردم سخن گفتن، مورد توجه قرار گیرد، (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) تا آنجا که توصیه شده است که روحانیونی که به خاطر کهنوت سن از این ویژگی برخوردار نیستند با برخورداری از ویژگی مشارکت پذیری از وجود فضیلتی جوان و پر نشاط در این جهت استفاده نمایند. (آیت الله خامنه ای، مکتوبات، ۱۳۸۰/۶/۱۵)

یکی دیگر از ویژگیها حضور مرتب و متمرکزی بر فعالیت در مسجد است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) بر اساس سیره رسول خدا ﷺ و با توجه به آیه شریفه «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، (آل عمران، ۱۶۴) روحانی مسجد باید به زندگی در مسجد و معاشرت با مردم و اداره امور در آن بپردازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۰/۹-۱۷۱) اهمیت این گونه

حضور در مسجد به حدی است که در برخی موارد از مسجد به عنوان خانه، جایگاه و اداره امام جماعت تعبیر شده است و از وی خواسته شده است که میزان حضورش در مسجد «کَالسَّمَكِ فِي الْمَاءِ»، (مانند ماهی در آب) باشد. در مقابل، حضور غیر مرتب و همراه با تأخیر در ورود و تعجیل در خروج، روش نامطلوبی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷؛ ۱۳۹۵/۵/۳۱) از این رو استقامت در روحانی مسجد ضروری است و خطاب قرآنی «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود، ۱۱۲) متوجه روحانی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸/۹-۴۷۹)

علاوه بر ویژگیهای اشاره شده، به برخورداری امام جماعت از ویژگیهایی چون دانایی و خردمندی، کارشناس بودن، دلسوزی و مسئولیت‌پذیری و بصیرت لازم در امور سیاسی و اجتماعی تأکید شده و به اهمیت وجود این ویژگیها در راستای ایفای نقش مدیریت محتوایی و معنوی مسجد توسط امام جماعت اشاره شده است. (آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰؛ ۱۳۹۰/۷/۱۹)

رسالتها

گسترده‌گی ویژگیهای بیان شده، در حقیقت بر پایه نقش مدیریت محتوایی و معنوی مسجد و ضرورت حفظ و گرم نگه داشتن آن و همچنین در راستای رسالتهایی است که روحانی مسجد بر عهده دارد:

اقامه نماز جماعت. اولین و با اهمیت‌ترین رسالتی که روحانی مسجد بر پایه مهمترین و اصلی‌ترین کارکرد مسجد یعنی کارکرد عبادی بر عهده دارد، برپایی منظم نماز جماعت (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) است، اقدامی که از آن به عمران معنوی مساجد تعبیر شده و از علما و فضلا خواسته شده که این امر را وظیفه‌ای بزرگ به شمار آورند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸؛ هجو، مکتوبات، ۱۳۷۷/۶/۱۸) در توصیف پیش‌نمازی مسجد تأکید شده است که امام جماعت، مسجد را واقعاً محل کار خود دانسته، قبل از وقت نماز، و حتی قبل از حضور دیگران در آنجا حضور یابد، این حضور عاملی برای سنجیدن وضعیت مسجد و رفع اشکالات ظاهری مسجد پیش از حضور نمازگزاران است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸)

بیان مسائل دینی. بیان مسائل مربوط به احکام، اخلاق، تبیین عقاید و تهذیب نفس

مسجد / ۶۱۳

برای مردم (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۲/۱۵) و پاسخگویی به سؤالات ایشان (مطهری، مجموعه آثار، ۳۹۶/۲۴) همواره مورد تأکید بوده است؛ چرا که این کار در راستای کارکرد تعلیمی و تربیتی مسجد قابل ارزیابی بوده و از آن به طبابت معنوی نیز تعبیر شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) در این راستا از امام جماعت خواسته شده است که بخشی از وقت خود را در مسجد به بیان احکام شرعی و تفسیر اختصاص دهد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸)

بیان مسائل روز. روحانیون باید در مساجد مسائل روز و مسائلی را که لازمه یک انقلاب است به مردم گوشزد نمایند (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۲/۱۵؛ ۴۴/۱۷، ۴۶) و با استفاده از منبر به روشنگری و سازندگی قیام نموده (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶/۹) و با استفاده از مسجد، امور مربوط به اسلام و انقلاب را در دنیا منتشر نمایند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۱-۴۰/۱۷)

تقویت و ایجاد پایداری و استقامت در مردم. مسئولیت برخورداری ملت از استقامت برعهده روحانیون بوده که استقامت هر مسجد و اهل آن به عهده امام جماعت است و وی باید این استقامت را حفظ نماید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸/۹-۴۷۹)

رسیدگی به امور نمازگزاران. امام جماعت باید خود را در معرض مراجعه مردم قرار داده و به ایشان محبت نماید، ضمن احوالپرسی از ایشان به درد دل‌های آنها گوش فرا دهد، و در صورت آگاهی از مشکلات، نسبت به رفع آنها به قدر ممکن اقدام نماید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸) همچنین علاوه بر اقامه جماعت و عمل به سایر وظایف، با اخلاقی خوش، غمگساری، همدلی و راهنمایی نمازگزاران را عهده‌دار گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۰/۶/۱۵) و از طریق پاسخگویی به مسئله‌های مردم، تسکین‌دهنده دردهای ایشان باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳) عملکرد امام جماعت به این شیوه بسیار مفید، مؤثر، با برکت و جلب‌کننده‌ی عواطف است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸)

ویژگیهای مسجد مطلوب (مسجد تراز اسلامی)

مهمترین ویژگیهای مسجد تراز اسلامی عبارت است از:

برخوردار از امام جماعت روحانی

تحقق اوصاف فوق و از آن مهمتر تحقق کارکردهای متنوع و وسیع مسجد تنها توسط روحانی دانا، مسئولیت‌پذیر و پرهیزکار ممکن بوده و از این رو وجود روحانی توانا و پیش‌نماز مطلوب از مهمترین ویژگیهای مسجد است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۷/۸؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) همچنین پیگیری تحقق کارکردهای مسجد، آن را در جایگاه واقعی خود و تراز مورد نظر اسلام قرار خواهد داد و این امر نیازمند مدیریت و تلاشی است که روحانی، منظومه این تلاش مقدس است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

حضور مردم و جوانان پرشور

حفظ حیات و پویایی مسجد در گرو حضور مردم و جوانان و توجه دادن به دفع توطئه‌های دشمنان اسلام است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸-۳۹۶/۲) تأثیر حضور و اقبال مردم و جوانان به مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) حاکی از اهمیت این حضور در شکل‌گیری مسجد مطلوب است. از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی بر سایر کشورهای مسلمان رونق مساجد در آنها بوده؛ به گونه‌ای که مساجد در این کشورها به قانونی برای جنبشهای اسلامی تبدیل شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۶) از آنجا که مهمترین کارکرد مسجد کارکرد عبادی آن است، میتوان حضور جوانان به خصوص در ایام اعتکاف و پرداختن به عبادت در آن را که همواره مورد تمجید بوده (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲؛ ۱۳۸۴/۵/۲۸؛ ۱۳۹۲/۲/۲۵) یکی از اصلی‌ترین عوامل حیات و پویایی مسجد و مطلوبیت آن دانست. مسجد میتواند در مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی و سایر مراکز انسانی انبوه، جایگاه امن و صفا برای جوانان بوده و پایگاه تقوا و فعالیت آنان باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۰/۶/۱۵)

جامعیت در نقش و کارکرد

علاوه بر ویژگیهای فوق، مسجد تراز اسلامی مسجدی است که به صورت جامع و گسترده در جامعه اسلامی فعال باشد؛ به گونه‌ای که در راستای کارکرد عبادی خود، از

اوصافی چون؛ خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم بودن، مکانی برای خلوت انس با خدا، کانون ذکر و معراج معنوی، برخوردار بوده و در راستای کارکرد اجتماعی نیز به مکانی برای جلوت حشر با مردم است. در راستای کارکردهای علمی نیز مسجد با عناوین چون مرکز علم و جهاد و تدبیر امور دنیوی توصیف شده است. در عین حال اتصاف مسجد به پایگاه سیاست، تصویر مسجد اسلامی تراز را کامل نموده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

بنای ساده و جذاب

در این خصوص دو نکته مورد تأکید قرار گرفته است:

سادگی بنای مساجد. مساجد باید در عین برخورداری از استحکام و نظافت و جذابیت اسلامی، از تزئینهای مسرفانه مبرا باشند. در این خصوص امام خمینی علیه السلام با اشاره به اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارند (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۰/۲۱) در پیامی که برای احداث مصلاهی بزرگ تهران صادر نمود بر سادگی بنای آن تأکید کرد تا این مصلی یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸۸/۲۱-۱۸۹)

طهارت و پاکیزگی مساجد. در فقه اسلام بر پاک بودن مسجد تأکید شده است؛ به گونه‌ای که نجس نمودن آن حرام دانسته شده و در صورت نجس شدن پاک نمودن آن از نجاست واجب است، (امام خمینی، بی تا، ۱۴۳) علاوه بر این به پاکیزگی از سایر آلودگیهای محیطی و توجه به سایر جلوه‌های ظاهری مسجد نیز تأکید شده است؛ لذا مسجد باید همچون دل‌های جوانان، پاکیزه و پیراسته و لبریز از شور و انگیزه و نشاط باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۸/۱۲) در این راستا در هنگام عمران مساجد نیز پرداختن به آرایه‌های ظاهری و معنوی آن وظیفه‌ای همگانی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

رونق و آبادانی

آبادانی و رونق مساجد و محافل دینی مورد تأکید بوده و از جوانان و آحاد مؤمنین خواسته شده است تا مساجد را گرم و مجهز نگه دارند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۸/۲، ۴۵۱؛ رک:

آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) از این رو بر پخش اذان در مواقع نماز تأکید شده است تا مسجدها در وقت نماز، سرشار و مالا مال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع گردد، این امر نشانه حضور و حیات مسجد در جامعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۲؛ ۱۳۶۹/۱۱/۱۹؛ ۱۳۷۰/۱۲/۱۴)

بر پایه ضرورت وجود چنین ویژگیهایی در مسجد اسلامی، تأکید شده است که هیچ یک از آحاد جامعه نباید نسبت به خطری که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد؛ جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسلهای آینده را تهدید میکند، غافل گردد و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه میکند، محروم سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

آسیبها و چالشهای فراروی مسجد

بروز آسیبها و وجود چالشهای متعدد توانسته - در طول تاریخ - مانع از عملکرد مطلوب مسجد و رسیدن آن به موقعیت مطلوب خویش شود. بروز این آسیبها و چالشها در برخی موارد به خود مسجد یا ناکارآمدی جامعه مسلمانان در بهره‌گیری صحیح از آن باز می‌گردد (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۱/۱۲ - ۳۹۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) و در برخی دیگر در اثر توطئه‌هایی است که دشمنان داخلی و خارجی اسلام علیه این پایگاه اسلامی انجام میدهند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۷۵/۱۳؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۰؛ ۱۳۶۹/۳/۱۶)

کمبود مساجد یا اسراف در نحوه ساخت مساجد

اولین چالش در امر مسجد که از آن به عنوان یک خطر و تهدید برای جامعه، جوانان، خانواده‌ها و نسلهای آینده یاد شده است، کمبود مسجد در جامعه مسلمانان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) نبود بنا و ساختمان مسجد در میان مسلمانان، جامعه را از تمامی دستاوردهای مسجد محروم می‌سازد؛ لذا احداث و بنای مسجد با استناد به قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۸) تأکید بر احداث و وجود مسجد در جامعه نمیتواند بدین معنا باشد که وجود مسجد به هر شکل مطلوب بوده و خطر و تهدید پیش‌گفته را رفع می‌سازد. لذا در صورت وجود مساجد نیز ضعفها و نارسایی‌هایی به عنوان

آسیبهای دیگریان شده است. (رک: ادامه مقاله) از سوی دیگر، در گفتمان اسلام ناب احداث بنای مسجد به شکل مرتفع و همراه با تزیین صرف، که به آن ظاهری اشرافی میدهد، بدون توجه به مسئله ایمان به خدا، روز جزا و جهاد فی سبیل الله یک آسیب جدی است و اسلام از اینگونه مساجد اشرافی بی نیاز است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۲۴-۲۵؛ ۲۱/۸۰)

ضعف و عدم بهره‌گیری صحیح از مسجد

عدم برنامه‌ریزی صحیح. علاوه بر مسئله بنای مسجد و ظاهر آن، مهمترین آسیبها به مسئله فعالیت‌های آن باز میگردد. در این خصوص عدم برنامه‌ریزی صحیح، علت مبتلا شدن مسجد به افت کمی و کیفی در فعالیت‌هایش است که فقدان برخی فعالیتها مانند برقرار نبودن نماز جماعت و عدم پخش اذان در اوقات نماز نمونه‌هایی از آن است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) همچنین انجام فعالیت بسیار اما بدون ضابطه، کاری ناروا و در مواردی همچون پخش صداهای آزاردهنده از مسجد به ویژه در شب و هنگام آسایش مردم خلاف شرع میباشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۲۰/۷/۱۳۸۹) عدم برنامه‌ریزی صحیح برای مسجد، مسجد را بی تحرک میسازد، که این امر انزوای اسلام را در پی خواهد داشت (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۵۲-۵۳) منجر به روی گردانی جامعه از مسجد خواهد شد.

بروز تفرقه و فرقه‌ای شدن. ماجرای مسجد «ضرار» در صدر اسلام که بنیان آن بر ایجاد تفرقه میان مسلمانان بود و تخریب آن به دستور پیامبر ﷺ، حاکی از آن است که بروز این امر از کانون مسجد امری مردود و غیرقابل قبول است. از این رو بر وحدت کلمه و حفظ صفوف مردم زیر پرچم اسلام در مسجد، بسیار تأکید شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۳/۳۶۰/۸؛ ۱۷/۵۵) و از دولتمردان، وعاظ و علما خواسته شده است که در منابر و مساجد مردم را به وحدت دعوت نمایند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۳۰۳) وقوع اختلاف و تفرقه و هر چه که نشانه نبود وحدت باشد در مساجدی که در آن فرق مختلف اسلامی حضور می‌یابند، مانند مسجد النبی ﷺ و مسجد الحرام از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو حضور در این مساجد در ایام حج و سایر مساجدی که متعلق به فرقه‌ای از مسلمانان است نباید تحت تأثیر پاره‌ای اختلاف فتوهای کوچک و کم‌اهمیت قرار گرفته و موجب جدایی صفوف

برادران مسلمان گردد؛ بلکه باید مظاهر وحدت و اتحاد مانند شرکت در نماز جماعت آنها تقویت شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۱۶)

بهره‌برداری ابزاری از مسجد. با توجه به کارکردهای متنوع مسجد و حضور اقشار مختلف در آن، که آن را به پایگاهی عبادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبدیل نموده است، استفاده ابزاری و به عبارت دیگر سوءاستفاده از این پایگاه یکی از آسیب‌هایی است که مسجد را تهدید میکند. نمونه این بهره‌برداری ابزاری و سوء از پایگاه‌های دینی، در خصوص کلیسا مطرح شده و نسبت به وقوع آن در مساجد نیز هشدارهایی بیان شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۷/۲۴) نمونه‌های مختلفی از بهره‌برداری ابزاری از مساجد در تاریخ انقلاب وجود دارد. (رک: همین مقاله، مسجد در خدمت استعمار)

عدم جذابیت. مسجد به‌عنوان پایگاهی اجتماعی باید محیطی برای حضور اقشار مختلف جامعه بوده و با توجه به تأکید بر حضور جوانان، باید محیطی جذاب و دلنشین برای این قشر خاص از جامعه باشد. عدم حضور جوانان در مساجد و اختصاص یافتن آن به حضور کهنسالان وضعیت اسف‌باری بود که مساجد کشورهای اسلامی پیش از انقلاب اسلامی ایران گرفتار آن بودند؛ اما به برکت انقلاب اسلامی این وضعیت تغییر کرده و حضور جوانان در مساجد شکل جدی‌تری به خود گرفت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۶) مساجد همانند سایر پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه، برای تحقق کارکردهای خویش به نشاط و شور جوانان نیاز جدی دارند. از این رو عدم حضور جوانان موجب رکود در مساجد و وارد آمدن صدمات بسیار به جامعه خواهد بود. مسجد میتواند در دانشگاه‌ها و سایر مراکز، جایگاهی امن و باصفا بوده و امام جماعت غمگسار، راهنما و همدل نمازگزاران باشد و مسجد به محیطی جذاب برای تجمع دانشجویان و دانش‌آموزان تبدیل شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۰/۶/۱۵) امامان جماعت و هیئت‌های امناء و خادمان، باید مساجد را همچون دل‌های جوان، پاکیزه و پیراسته و لبریز از شور، انگیزه و نشاط نمایند؛ به‌گونه‌ای که مشکلات نماز در آن بدرخشد و انس و صفا از آن ساطع شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۸/۱۲) و زمزمه‌های محبت‌متولیان، مدیران و امنای مساجد دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق سازد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) از این رو بایستی برای جذب جوانان جایگاه

خاصی در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفت و با تکیه بر گرایش جوانها به معنویت که یکی از رازهای بزرگ الهی است، فضای انس با معنویت و عرفان واقعی را در محیط مسجد فراهم کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱)

انحراف در مسیر کارآمدی مسجد

از بین بردن محتوای مسجد. امام خمینی علیه السلام در خصوص تلاش برای از بین بردن محتوای مسجد (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۹۹-۱۰۰) به عمق تاریخی این مسئله اشاره نموده و با بیان نمونه‌ای مشخص آورده‌اند که مساجد و نماز جمعه‌ها بعد از صدر اسلام توسط اشخاصی منحرف به تدریج محتوایش را از دست داد و به صورتی مبتذل درآمد (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۷؛ ۳۷/۱۷) که پس از آن خطبه‌های نماز جمعه فاقد محتوا گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷/۲۰۵) استمرار این دشمنی و توطئه تا به امروز نیز ادامه داشته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۴/۴/۱۳۶۸)

انحصار در کارکرد عبادی. علاوه بر بی محتوا ساختن مساجد در طول تاریخ، تحولات صد سال اخیر نیز که پیدایش و ترویج اسلام آمریکایی از مهمترین مؤلفه‌های آن بوده، موجب شکل‌گیری اسلام‌ستیزی نوین گردیده و در راستای آن تلاش‌های بسیاری برای محدود ساختن مسجد در برخی کارکردها و سلب برخی از مهمترین کارکردهای اجتماعی و سیاسی مساجد گردیده است. گفتمان انقلاب اسلامی با تبیین ماهیت اسلام آمریکایی و تلاش آن برای سکولار نمودن جامعه مسلمانان، آن را وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد معرفی نموده است؛ به‌گونه‌ای که مسجد صرفاً به‌عنوان گوشه‌ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا از آخرت خواهد بود، نه به‌عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین چنان‌که در صدر اسلام بوده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۲۶۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۴/۴/۱۳۶۸) در دوران طاغوت، تلاش برای جدایی دین از امور زندگی و به‌ویژه سیاست و منحصر نمودن مسجد به کارکرد عبادی بوده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۴۸۲-۴۸۳؛ ۸/۴۳۹)

مسجد در خدمت استعمار. در اندیشه انقلاب مسجد سدی بزرگ در برابر استعمار بوده

و همواره استعمارگران نقشه‌هایی داشته‌اند که این سد بزرگ مخالف با ظلم و استبداد را به جایگاهی که در خدمت ظالمان و مستبدان است، مبدل سازند. در این راستا مساجد، تکایا، مدارس و دیگر مراکز اسلامی و شئون روحانیت را تحت نظارت سازمانهای ضداسلامی آن زمان قرار داده تا علما، وعاظ و ائمه جماعت را مجری اغراض نامشروع دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار قرار دهند و یا به کناره‌گیری و انزوا و تسلیم سنگرهای اسلام به مخالفین و عمال اجانب وادار سازند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۲/۲، ۴۳۹/۸) علاوه بر، این وضع اسفبار ایران در رژیم طاغوت که با طرح‌هایی با عنوان سپاه دین، یا نهادهایی همچون سازمان اوقاف و یا سایر عناوین فریبنده، قصد داشتند به یکباره اسلام را ریشه‌کن کنند، می‌خواستند با استفاده از خود مساجد، ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و اسارت بکشانند. در این راستا مسجد و محراب پیامبر اسلام را به بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورده بودند، و برای اجرای این نقشه‌های شوم، به کمک و مساعدت روحانی‌نماهای خود فروخته و سرسپرده روی آوردند، تا با همکاری آنان مساجد و دیگر محافل اسلامی را قبضه نمایند، مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورده و حوزه‌های علمیه را به تصرف خود درآورند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۸-۴۸۹)

استفاده از مسجد برای ایجاد تفرقه. مهمترین هدف مساجدی که در خدمت استعمار قرار گرفته و به ابزاری برای تحقق اهداف آنان تبدیل شده‌اند، برهم زدن وحدت مسلمانان است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۶) با توجه به جایگاهی که مسجد به عنوان پایگاه اجتماع مسلمانان و کارگزاران نظام اسلامی دارد، مساجد محلی برای حفظ وحدت ملی و تمرکز بر اولویتهای است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۶/۸) لذا پیدایش تفرقه در آن به‌ویژه در صفوف نماز جماعت، امری برای شکستن مسجد بوده و از هراقدامی در این جهت به «قرآن برنیزه کردن» تعبیر نموده‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۱/۱۲-۳۹۲) در گفتمان اسلام ناب اینگونه مساجد را مسجد ضرار دانسته و دعوت آنها را دعوت فاسد معرفی نموده‌اند که اگر قابل اصلاح نباشند، باید تعطیل و حتی تخریب شوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴/۴)

نتیجه آسیبهای یاد شده و توطئه‌های بلندمدت و تدریجی دشمنان در خصوص مساجد، خلوت شدن مساجد و در نهایت روی‌گردانی مسلمانان از آن خواهد بود. (امام

خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵-۱۶، ۱۹، ۳۶۵) این در حالی است که در اندیشه اسلام ناب رونق و آبادانی مساجد و اهمیت گرم و پرشور بودن آن ضرورت دارد و مساجد نباید خلوت گردد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۳۹۱-۳۹۲) اقبال به مساجد یکی از عوامل قدرت است و اقامه نماز در آن در روزهای جمعه و غیر جمعه عاملی برای شکل‌گیری مسجد به‌عنوان ستادی قوی برای اسلام می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که با قدرت یافتن این ستاد دیگر ترس از تسلیحات ابرقدرتها معنا نخواهد داشت و بلکه از روزی باید ترسید که ملت به مساجد و اسلام پشت نمایند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۲۰-۲۱)

انحراف از کارکردهای مسجد. مهمترین چالش پیش روی مسجد را میتوان توطئه‌های دشمنان اسلام دانست که با تکیه بر ضعف و ناکارآمدی جامعه مسلمانان در اداره صحیح مسجد، به دنبال سلب کارکردهای مسجد و عدم شکل‌گیری مسجد تراز اسلامی هستند تا جامعه اسلامی را از این پایگاه و سنگر مستحکم محروم سازند. در اندیشه انقلاب، مسجد و منبر محل فعالیتهای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی است، از این رو با اشاره به تلاش دشمن در جهت سلب این کارکردها، آمده است که غرب در پی تغییر وضعیت مسجد و منبر و حتی دانشگاه‌ها به شکلی است که بی‌ثمر باشند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸/۱۸۴-۱۸۵)

راهبردها و راهکارهای رونق و تقویت مسجد

راهبردها

بر پایه جایگاهی که مسجد در اسلام و جامعه اسلامی دارد، حفظ آن از جمله اموری است که پیشرفت و بقاء اسلام وابسته به آن بوده و لذا تکلیفی الهی است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۲۰-۲۱) در این خصوص راهبردهایی وجود دارد که عبارت‌اند از:

ارتقای جایگاه مسجد در سیاست‌گذاریهای کلان فرهنگی. همکاری مسئولین و عالمان دینی در رونق و کارایی و شکوفایی مساجد بسیار قابل توجه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۷/۱۳۶۸) مساجد باید لبریز از شور و انگیزه و نشاط گردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۲/۱۳۸۸) لازم است برای حضور مردم و به خصوص جوانان در مساجد برنامه‌ریزی شود تا مردم از برکات عظیم مسجد تراز اسلامی، محروم نمانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۶/۱۳۶۹؛ همو، مکتوبات، ۲۰/۱۳۸۹) همچنین

لازم است رسیدگی به مسائل مختلف مسلمانان، مجالس مذهبی و عبادات در مساجد، با تنوع بیشتر و پرننگ تر صورت پذیرد و این اهداف در طرح کلان ارتقای جایگاه مسجد در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی مد نظر مسئولان قرار گیرد.

توجه نظام آموزشی و تربیتی حوزه علمیه برای تربیت امام جماعت و نیروهای دیگر برای مساجد، بر حوزه‌های علمیه لازم است که در مدیریت و برنامه‌ریزی برای تربیت روحانیون متعهد، متخلق و متخصص به این امر توجه نموده و توسعه‌های کمی و کیفی لازم را به وجود آورد.

(رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۱)

راهکارها

برای تحقق راهبردهای یاد شده راهکارهایی وجود دارد که این راهکارها باید از سوی عموم مردم، امام جماعت، اداره‌کنندگان مسجد و کارگزاران و مسئولان جامعه عملیاتی گردد:

نقش کارگزاران و مسئولان حکومتی. الف) اقدام یا حمایت در ساخت مسجد. اهتمام به امور مساجد از ساخت و ساز تا فعال‌سازی و رونق آن، بدون شک علاوه بر مردم بر عهده حکومت نیز قرار دارد؛ زیرا در صورت ناتوانی یا تعلل مردم در عمل به تکلیف خود در امر مسجد، شارع مقدس راضی به ترک این امور نبوده و حکومت باید مستقلاً نسبت به این امور اقدام نماید. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ۸۱/۲) از آنجا که دسترسی آسان به مسجد نیاز ضروری مؤمنان، جوانان و نوجوانان عنوان شده، (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) بر وجود و تقویت مساجد در مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان جایگاه امن و صفا تأکید شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۰/۶/۱۵) و خطاب رهبران انقلاب به مسئولین برای حفظ مسجد و عمارت آن (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۰/۸؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۸) و تأکید بر اینکه لازم است همه کارهای مهندسی بزرگ یک پیوست ساخت مسجد داشته باشند، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۸/۲۹؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۱/۶/۱۶) به تکالیف حکومت و مسئولان در امراحداث مسجد و دسترسی آسان به آن دلالت دارد.

ب) توجه و رسیدگی به امور مساجد. علاوه بر مسئله ساخت و ساز در بعد فیزیکی، در

بعد محتوایی نیز حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی، انقلابی، تعلیمی و تبلیغی آن، به همراه سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن مساجد از منازعات و مناقشات داخلی قومی و قبیله‌ای، اقتضای آن را داشت که حکومت نسبت به تدبیر این امور قیام نماید. لذا با حکم به تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، تلاش شده است تا با کمک و حمایت از برنامه‌های اسلامی در مساجد و یا نصب امام جماعت و دیگر مسئولین مربوط به مساجد در موارد مورد نیاز، به رونق، کارایی و شکوفایی هرچه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک گردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) همچنین نسبت به همراهی و همکاری سایر نهادهای حاضر در مسجد همچون نیروی مقاومت بسیج با متولیان مسجد برای ایجاد جاذبه برای بچه‌ها، جوانها و سایر اقشار مردم در محله‌ها تأکید شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۸/۲۷) دامنه نقش مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی در خصوص مسجد شامل اهتمام و توجه تک‌تک ایشان به حضور و گردهم آمدن در مساجد نیز هست. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۱۷/۴؛ ۸۸/۹-۸۹)

نقش حوزه علمیه، انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز رونق و شکوفایی مساجد پس از صدها سال دوری از جایگاه و نقش اصلی آن بود، این امر که به وسیله بسیج مردم در مساجد صورت پذیرفت بیشتر توسط روحانیونی بود که مردم به آنها اعتقاد داشتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۶۰-۴۶۱) از این رو استمرار اعتقاد مردم به روحانیون و حوزه‌های علمیه و نیز استمرار بسیج ملت توسط روحانیون در مساجد میتواند دوران رونق و شکوفایی مساجد را استمرار بخشد. لذا در بینش انقلاب اسلامی از روحانیون، به دژی محکم تعبیر شده که مردم نباید آن را از دست بدهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۱/۴۶۰) در مقابل، حوزه‌های علمیه نیز باید همواره قادر به ایفای چنین نقشی در خصوص مساجد باشند. مهمترین نارسایی حوزه‌های علمیه در این خصوص به عدم گسترش کمی متناسب با نیازها باز میگردد، به طوری که امروزه بسیاری از مساجد فاقد روحانی برای اقامه فریضه نماز جماعت و به تبع آن پیگیری سایر کارکردهای مسجد هستند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۱۳) امروزه حوزه‌های علمیه وظیفه‌ی هدایت قشرهای گوناگون را در سطوح مختلف برعهده دارند و در این جهت علی‌رغم لزوم بهره‌گیری از وسایل تبلیغی گوناگون، همواره تبلیغ سنتی به‌ویژه سخنرانی و منبر، بی‌بدیل

دانسته شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۱) علاوه بر این روحانیون شیعه برخلاف سایر ادیان مانند روحانیون مسیحی وابسته به تشکیلات دولتی نبوده و در ارتباط با مردم هستند و در شئون روحانی به مردم خدمت میکنند و در این جهت نیز از پشتوانه‌های مردمی برخوردارند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) لذا مسجد به عنوان تنها پایگاه مستقل، اصیل و اسلامی میتواند بهترین محل برای حفظ پیوندهای میان مردم و حوزه‌های علمیه باشد. بنابراین حفظ نقش بی‌بدیل روحانیت در تداوم ارتباط با مردم در مساجد و برپایی جلسه‌های مذهبی، و زودرؤرو با مردم نشستن و با آنها سخن گفتن یک وظیفه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷) به تبع این نقش و وظیفه‌ای که بر عهده روحانیت در این خصوص نهاده شده، بر حوزه‌های علمیه لازم است که در مدیریت و برنامه‌ریزی برای تربیت روحانیون متعهد، متخلق و متخصص به این امر توجه نموده و توسعه‌های کمی و کیفی لازم را ایجاد نمایند.

نقش امام جماعت. برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح نیازمند مدیریت و تلاش بسیاری است که روحانی دانا، مسئولیت‌پذیر و پرهیزکار، محور این منظومه تلاش مقدس است. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) لذا تلاش برای تأمین امام جماعت برای مساجد و توجه به سنت پیش‌نمازی مورد تأکید قرار گرفته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۱؛ ۱۳۶۹/۸/۷) با این بیان و همچنین ضرورت تحول بخشیدن و پیشرفت دادن به مساجد با برنامه‌ریزی مناسب، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) روحانی مسجد میتواند با فعال ساختن مسجد در چهارچوب کارکردهای متنوع موجبات رونق و تقویت جایگاه آن را فراهم نماید. این امر موجب تقویت و افزایش قدرت اسلام در نزد مردم و عامل آبادانی مساجد و رواج منابر می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸-۴۷۹)

نقش مردم. مهمترین نقش مردم در این جهت بر اهتمام خانواده‌ها و همه مردم به‌ویژه جوانها به نماز و مسجد است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳) و حضور مردم در نمازهای جماعت مساجد، عامل رونق و تقویت آن می‌باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰۷-۴۰۸؛ ۱۲۹/۶؛ ۳۶۱/۸؛ ۲۳۸/۹؛ ۳۹۳-۳۹۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۱/۶/۱۶) توصیه و تذکره حضور هر چه بیشتر مردم جهت اقامه‌ی فرایض دینی و شعائر مذهبی در مساجد (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۳/۱) و تأکید بر اجتماع در مساجد در هر فرصت و برای هر حادثه و دفاع از قرآن و عدالت، بخشهایی از توصیه‌هایی

است که در این خصوص صورت گرفته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۵۵/۳) اهمیت این امر چنان است که در مواردی آباد ساختن مساجد در گرو آن خواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۰۱-۵۰۰/۱۲) امر به تحکیم و حفظ مسجد همراه با امر به پرجمعیت ساختن آن (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱-۱۹/۱۳) نیز میتواند اشاره روشنی به وجود رابطه میان حضور جمعیت در مسجد و حفظ و تحکیم آن باشد. در این راستا به حضور قشر جوان جامعه و همچنین حضور در وقت نماز تأکید شده است که این میتواند نشانه کارآمدی بیشتر حضور و اجتماع جوانان در وقتهای نماز در تحکیم و آبادانی مساجد باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۶-۳۲۵/۱۳؛ رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۲؛ ۱۳۷۰/۱۰/۱۳)

نقش اداره‌کنندگان مساجد الف) برنامه‌ریزی و اجرای صحیح امور مربوط به مسجد همچون ساخت‌وساز، تولیت، مدیریت، امامت مسجد و به‌طور خاص اعلام اذان و مانند آن از اموری است که شارع مقدس راضی به ترک آن نیست و لذا بر مؤمنین لازم است نسبت به ادای آن اقدام نمایند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ۸۱/۲) از این رو عوامل مختلفی در اداره مساجد سهیم بوده و دارای نقش هستند. هیئت‌امنا، خادم مسجد، امام جماعت، کانونهای فرهنگی و مانند آن امروزه متولیان برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت در مساجد بوده و بالطبع بخش قابل توجهی از عمل به تکلیف حفظ، تحکیم و رونق مساجد به عملکرد ایشان باز میگردد.

در این راستا در گفتمان انقلاب مهمترین توصیه به این عوامل، بازگرداندن مسجد به حال مساجد صدر اسلام است؛ به‌گونه‌ای که تمام امور مهم مسلمانان، در مساجد و با ابزار مسجد منتشر و پیگیری شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۰/۱۷-۴۱) همچنین جهت تبدیل شدن مساجد به محل حل و عقد امور، عملکرد خوب مسجدیها ضروری است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۳/۱۷)

ب) رسیدگی به امور خدماتی و تسهیلاتی مساجد. به لحاظ ظاهری، تنظیف، تطهیر، پاکسازی، غبارروبی و عطرافشانی مساجد کارهایی شایسته است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹؛ همو، مکتوبات، ۱۳۷۵/۶/۳۱) همچنین پخش اذان در اوقات نماز از مساجد و بلندگوها عامل جلای دل‌های افسرده و موجب برگزاری نماز جماعت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۲)

از این رو بر فعال‌سازی مساجد عمده در شهرها تأکید شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

ج) پرهیز از تفرقه و اختلاف. بروز تفرقه در مساجد امری مردود و غیرقابل قبول است. از این رو بروح‌دلت کلمه و حفظ صفوف مردم زیر پرچم اسلام در مسجد، بسیار تأکید شده است. (رک: همین مقاله، آسیبا و چالش‌های فراروی مسجد)

نقش مسجد در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی

مسجد در طول تاریخ منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگ بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) مطالعه تاریخ معاصر ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز نشان می‌دهد که مساجد به‌عنوان مرکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش بسیاری در ایجاد هسته‌های اولیه نهضت‌ها و جهت‌دهی به حرکت‌ها و جریان‌ات مردمی داشته‌اند. (رک: شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۳-۱۰۶؛ ولایتی، بی‌تا، ۲۸-۴۴) وقوع نهضت‌های بزرگ و فراگیر مردمی در برخی کشورهای اسلامی همچون جنبش «اخوان المسلمین» در مصر و همچنین جریان انقلاب الجزایر، هر دو به‌عنوان نمونه‌هایی از شکل‌گیری نهضت‌های مردمی هستند که از مساجد آغاز شده‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹؛ ۱۳۷۷/۱۲/۱۵؛ شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۳) علت این امر جایگاه مسجد در اسلام است به طوری که اسلام با استفاده از سنگر مسجد و اجتماع در آن، امور اسلام را به پیش می‌برد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۵/۱۷)

مسجد در اسلام همیشه مرکز جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی بوده است؛ پیوسته تبلیغات اسلامی از مسجد شروع می‌شد و حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار از مسجد بوده است. مسجد در صدر اسلام مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است، لذا علما و اهل مسجد باید از سنت نبوی پیروی کنند و مساجد را پایگاهی برای تبلیغ اسلام و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار دهند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۵/۷)

مسجد در نهضت‌های مردمی پایگاهی مهم و تأثیرگذار بوده و نخستین حرکت‌های مردمی در مبارزه با استبداد و بیان اعتراض‌ها در دوران سلاطین قاجار که بعدها به نهضت مشروطه در ایران انجامید با اجتماع در مساجد همراه بوده است. (ولایتی، بی‌تا، ۲۸-۳۰) این امر پس از

شهادت آیت الله شیخ فضل الله نوری و ترور آیت الله بهبهانی، در دوران مشروطه دوم استمرار یافت (ولایتی، بی تا، ۴۴) اما در دوران پهلوی اول و پس از تصویب قانون اجباری متحدالشکل کردن لباس در ایران در دی ماه ۱۳۰۷ ه. ش و به دنبال آن، فرمان اجباری کشف حجاب، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در نهایت به حضور و اجتماع مردم معترض در مسجد گوهرشاد مشهد انجامید. در پی این اجتماع به دستور مستقیم رضا شاه، مأموران، مسجد را به محاصره در آورده، درب مسجد را شکستند و وارد صحن شدند، و آنجا را به گلوله بستند. (دوانی، بی تا، ۱۶۱/۲؛ رک: کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵، ۱۳۹-۱۷۱) بر پایه ایفای نقش مؤثر مسجد در این نهضتها، مسجد، هم در دوره مشروطیت و هم دوران پس از آن به خصوص در نهضت ملی شدن صنعت نفت، عامل پیروزی بوده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

نقش مسجد در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب

پس از این دوران و در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز، مساجد به عنوان یکی از عوامل مؤثر و مهم در ایجاد و شکل‌گیری نهضت اسلامی و زمینه‌ساز گسترش، تعمیق و تثبیت این جریانات و تحولات انسانی بوده و در شکل‌دهی مبارزه علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی بسیار کارآمد بوده‌اند. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۳) فریاد بلند و روشنگری تاریخی امام خمینی علیه السلام بر علیه ظلم و فساد رژیم شاهنشاهی و حامیان استکباری آن در مسجد اعظم قم و در مدرسه فیضیه در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۸۷-۹۱، ۹۳) شروع نهضت عظیم انقلاب بود، از این رو نقطه آغاز این نهضت بزرگ و عامل پیش‌برنده آن مسجد بوده (امام خمینی، صحیفه امام، ۶۰/۸؛ ۲۳۸/۹) و شروع انقلاب اسلامی ایران نیز از مساجد بوده (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۳۶۳؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) که ناشی از اقبال مردم به مساجد است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

در پی این اقبال، مسجد به محلی برای روشنگری نسبت به توطئه‌های رژیم طاغوت علیه ملت تبدیل شد (امام خمینی، صحیفه امام، ۲/۴۸۵) و روش سرسختانه‌ای که امام خمینی در مخالفت با شاه تعقیب میکرد به علمای مخالف در داخل ایران روحیه شجاعت می‌بخشید. لذا بیشتر سخنرانی‌هایی که عمدتاً در مساجد برگزار میشد به طور روزافزونی

رنگ مخالفت و خصومت با شاه به خود گرفت (کدی، ۱۳۷۵، ۴۱۲-۴۱۳) و همچنین با سوق دادن مردم و علما به سمت مسجد و حضور و روشننگری در آن از وقوع انحراف در نهضت پیشگیری و در عمل، نهضت هدایت گردید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۲۹/۶: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) برای اساس مساجد عامل برانگیختن مردم به قیام بوده و این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری توطئه‌های رژیم و دشمنان ملت علیه مسجد شد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۹) از این رو دشمنان از مساجد صدمه دیده و از آن خوف داشتند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۱/۱۲-۳۹۲: ۳۶۱/۱۳-۳۶۲) در دوران انقلاب در حوزه سیاسی، مسجد محل تشکیل تشکلهای مخفی جهت مبارزه با رژیم شاه و محلی برای ایجاد ارتباطات چهره به چهره میان مردم با دست‌اندرکاران سیاست‌گذاریهای پنهانی انقلاب بوده است، در حوزه تبلیغی نیز تکثیر نوارهای سخنرانی امام و شخصیتها میان مردم، توزیع اعلامیه‌ها و تهییج و تحریک مردم به وسیله سخنرانی‌ها و خطابه‌های مؤثر، در مسجد صورت میگرفت. همچنین در حوزه آموزش، مسجد محل تشکیل کلاسهای مختلف به صورت پنهان و آشکار جهت ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی مردم بوده است. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۶۶) برای اساس پیروزی انقلاب اسلامی ایران را از جانب مساجد و آن را معجزه‌ای از مسجد دانسته‌اند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۱۵-۱۶، ۱۹)

نقش مسجد در تداوم انقلاب

علی‌رغم نقش بسیار قابل توجه مساجد در شکل‌گیری و پیروزی نهضت‌های اسلامی در دنیا، شکست انقلابهایی همچون انقلاب الجزایر که از مسجد و با تکیه بر آن به پیروزی رسیده بود، به خاطر فاصله گرفتن از مساجد، دین و ایمان در ادامه کار بوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) این حقیقت به روشنی گویای نقش مساجد در تداوم انقلابها از جمله انقلاب اسلامی ایران است. در انقلاب اسلامی ایران نیز مسجد پیش‌برنده و زنده نگه‌دارنده نهضت است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۳۸/۹) در بیانی دیگر توجه به مساجد و رونق و آبادانی آن به حرکت انقلاب برکت داده و آن را حفظ خواهد نمود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹) از این رو مساجد از همان روزهای آغازین انقلاب پایگاهی برای مقابله با تهدیدهای دشمنان به

شمار آمده و فعالیت‌های مؤثری در حفظ امنیت و مدیریت نابسامانی‌ها داشته است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۱/۶) از ابتکارات مهم رهبر کبیر انقلاب در همان روزهای اول انقلاب و حتی پیش از اعلام پیروزی انقلاب، این بود که مسجد را مرکز تشکل و رسیدگی به امور قرار داد؛ چرا که در آن زمان با توجه به نابسامانی‌های به وجود آمده، وجود یک مرکز تشکل و هسته مرکزی، امری کاملاً ضروری بود. با محور قرار دادن مسجد یک سازمان‌دهی عظیم مسجدی با عنوان کمیته‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت که مدتها همه کارهای انقلاب و کشور به وسیله آن انجام می‌گرفت. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱) علاوه بر این برخی از فعالیت‌ها همچون ارائه شناخت و جهان‌بینی دینی و اسلامی به مردم و ارتقای آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی آنان که از دوران انقلاب آغاز شده بود، امتداد یافت و برخی دیگر از فعالیت‌ها همچون ایجاد ارتباطات اجتماعی میان افراد جامعه، ایجاد و ارتقای سطح همبستگی و تعاون میان مردم، تشکیل نهاد تعیین شایستگی مکتبی و تخصصی جهت گزینش افراد برجسته و کارا برای انجام امور سیاسی - اجتماعی کشور و مشارکت در مدیریت، نظارت و سازمان‌دهی نیروهای داوطلب و نظارت بر تأمین تدارکات نظامی برای آنان قوت بیشتری یافت. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۶۶) همچنین مسجد در تمام دوران قبل و پس از پیروزی انقلاب محلی برای حمایت و پشتیبانی روحی، عاطفی و حتی اقتصادی از خانواده‌هایی بود که از رژیم ستم‌شاهی در قبل از انقلاب و سایر دشمنان پس از پیروزی انقلاب دچار آسیب شده بودند. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۶۶)

در گفتمان انقلاب با تأکید بسیار بر صدماتی که بردشمن از ناحیه مسجد وارد شده، به توطئه‌های دشمنان در ایجاد انحراف در مساجد اشاره شده و سعی آنها برای خلوت نمودن مساجد گوشزد شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳/۳۶۱-۳۶۲، ۳۶۵) تأکیدات بسیار این گفتمان بر نقش روحانیون در مساجد در جهت‌های مختلف همچون؛ برقراری ارتباط و انس با مردم، انتشار امور مهم در دنیا، تقویت منبر و محراب، گوشزد کردن کارهایی که انقلاب برای ملت انجام داده، آگاه‌سازی مردم از مسائل انقلاب و همچنین روشنگری نسبت به توطئه‌های دشمنان، که پیش‌تر عنوان گردید، میتواند حاکی از نقش مهم و تأثیرگذار مسجد در حفظ و تداوم انقلاب باشد. (رک: همین مقاله، نقشها، ویژگیها و رسالت‌های امام جماعت) تأکید بر مسئله استقامت و

اینکه مسجد پایگاه استقامت است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۸/۹-۴۷۹) همراه با تأکید بر مسئله تقویت مساجد و بیان این نکته که اگر مساجد به عنوان مرکز ستاد اسلام قوی باشد دیگر ترس از سلاح‌های آمریکا و شوروی معنا ندارد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۱۳-۲۱) نشانه قدرت بازدارندگی و تأثیر مساجد در مقابله با تهدیدات سخت است.

از برجسته‌ترین نمونه‌های کارکرد مسجد در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نقش مساجد در سالهای دفاع مقدس بوده است. (شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۳؛ رک: همین مقاله، کارکرد نظامی) به علاوه امروزه مساجد در صورت عملکرد صحیح مبتنی بر ویژگیهای مسجد تراز اسلامی و همچنین دوری از آسیبهایی که پیش‌تر بیان شد میتوانند علاوه بر حفظ و تداوم انقلاب، زمینه‌های شکوفایی را نیز در عرصه‌های متعدد فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی فراهم نمایند.

مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به مسجد با نگرشهای رایج در جوامع اسلامی

عموم مسلمانان در خصوص مسجد و اهمیت آن به عنوان خانه‌ی خدا و وجوب حفظ حرمت و تعظیم آن به عنوان یکی از محکومات قرآن توافق دارند. (رک: کمالی، ۱۳۸۱، ۱۷۳-۱۷۴) مهمترین تفاوت و اختلاف‌نظر در دیدگاه‌ها به کارکرد سیاسی و اجتماعی مسجد باز میگردد. در مورد کارکرد تعلیمی و فرهنگی مسجد هم، همه‌ی فرق اسلامی پیشینه‌ی یکسانی دارند. علاوه بر گزارش بهره‌گیری امامان شیعیان (رک: ابن سعد، بی‌تا، ۲۱۵/۵-۲۱۷؛ طبرسی، ۱۴۰۴، ۸۰/۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳۹۶/۲۴) در خصوص پیشوایان اربعه‌ی اهل سنت نیز گفته شده که در مسجد به تعلیم و تدریس می‌پرداختند و پس از آنان نیز این سنت که مبدع آن شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود تداوم یافت و بسیاری از فقیهان اهل سنت در مساجد به آموزش مشغول بودند. (رک: کمالی، ۱۳۸۱، ۱۷۲) بنابراین در حوزه کارکرد، برخی نگرش سکولار به مسجد داشته و کارکرد آن را حداقلی دانسته و آن را فقط محل عبادت و ذکر یا نهایتاً تعلیم میدانند، در مقابل این نظر، دیدگاه انقلاب اسلامی است که نگرش اجتماعی و انقلابی به مسجد داشته و مسجد را محل وحدت و استحکام و انسجام امت اسلامی و رسیدگی به مسائل سیاسی و فرهنگی و... میداند. البته در میان مسلمانان طیفی از روشنفکران غرب‌گرا و یا مستبدین وجود دارند که اساساً مسجد را قبول نداشته و یا درصدد ریشه‌کن کردن آن

هستند، که این دسته، از این بحث خارجند. در حوزه احکام و آداب هم تفاوت‌هایی بین دیدگاه انقلاب اسلامی و وهابیت و سلفی‌های افراطی وجود دارد:

مقایسه در حوزه کارکرد

نگرش سکولار به مسجد (انحصار کارکرد مسجد در امور عبادی). نگرش سکولار به مسجد که مسجد فقط محل عبادت و ذکر و دعا باشد پیشینه‌ای طولانی دارد و در میان همه‌ی فرقه‌های مسلمان دیده شده و اختصاص به فرقه‌ی خاصی از مسلمین ندارد؛ جز آنکه حاکمان اهل سنت را به‌طور کلی مشوق سلب کردن نقش‌های غیر عبادی مسجد دانسته‌اند. (رک: کمالی، ۱۳۸۱، ۱۷۲) سلطه حکومت‌های سکولار در بیشتر جوامع اسلامی بر مساجد موجب انحصار کارکردهای مساجد در امور عبادی و تعلیمی شده و میان مساجد با سایر کارکردهای آن فاصله انداخت، اما گفتمان انقلاب اسلامی با روشن‌نگری نسبت به تبلیغات گسترده دشمنان اسلام در منزوی نمودن روحانیون و مساجد و محدود ساختن آنها به امور عبادی، نگرش سکولار را تأثیرگذار و عامل جدایی روحانیت و مساجد از امور سیاسی دانسته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۵۲-۵۳)

نگرش انقلاب اسلامی (نگرش اجتماعی و انقلابی به مسجد). این نگرش از نگاه حداکثری به دین نشأت می‌گیرد که در عرصه سیاست حضور داشته و اقتصاد و فرهنگ و معیشت را نیز راهبری میکند. در این نگاه به دین است که مسجد صرفاً یک مکان برای عبادت به معنای نماز و قرآن خواندن لحاظ نمیشود و به‌عنوان پایگاهی برای احقاق حق و عدالت، احیای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، تربیت نفوس مؤمن و حتی اجتماع مسلمانان برای حرکت نظامی علیه جبهه کفر و نفاق در نظر گرفته میشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴/۴۴۷)

در خصوص کارکرد نظامی نیز بر پایه تاریخ صدر اسلام، بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، مشاوره‌های جنگی و طراحی عملیات در مسجد انجام میگرفت، رزمندگان از مسجد اعزام میشدند، اخبار جنگی در مسجد به آگاهی مردم میرسید و تأمین حفاظت شهر توسط مسجد انجام میگرفت. (موظف رستمی، ۱۳۸۲، ۲/۷۴-۷۵؛ رک: همتی، ۱۳۸۴، ۱۶۶-۱۶۷)

براین اساس علی‌رغم توطئه جدایی مساجد و روحانیون در جامعه مسلمانان از جمله

شیعیان، (امام خمینی، صحیفه امام، ۵۲/۱۸-۵۳) و تلاش برای ترویج این نگرش سکولار که اسلام و مسجد منحصر در امور عبادی است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۸۲/۲، ۴۳۹/۸، ۲۶۳/۱۱، ۱۴/۱۴؛ آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۴/۴/۱۳۶۸) با شکل‌گیری و شکوفایی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، کارکرد سیاسی مسجد، هم از جانب حکومت طاغوت و هم از جانب انقلابیون مورد توجه ویژه قرار گرفته و هر یک در صدد بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن برآمدند. (رک: شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۳-۸۷) در این راستا گفتمان انقلاب و نگرش انقلابیون نسبت به مسجد همه توطئه‌های رژیم پهلوی را خنثی نموده و مساجد به شکل گسترده در خدمت انقلاب و اهداف سیاسی اسلام ناب قرار گرفتند (رک: شریف‌پور، ۱۳۸۳، ۸۶-۸۹) و این اندیشه سکولاریستی که مسجد فقط جای عبادت و دعاست، شکست خورد و در عمل برجیده شد.

در این دیدگاه، در زمان پیامبر اسلام ﷺ و همچنین در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، مسجد مرکز همه‌ی تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹) و انقلاب اسلامی نیز از خانه مذهب یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰) در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۰) لذا مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پر نشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. دانش‌آموزان برجسته در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید با جوانانی که ازدواج نمیکنند و یا کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند و نیز صاحب همتانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همت میسازند و غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولّد میشوند، رابطه‌ی خود را برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل؛ مأمّن و مایه‌ی خیر و برکت بوده و هرگز وسیله‌ی زحمت و آزار مجاوران نگردد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۰) از میان همه‌ی عناصر فعال در عرصه مسجد، نقش روحانی مسجد در امر هدایت و تربیت مردم به‌ویژه جوانان نقش ممتاز و برجسته‌ای است. (آیت‌الله

خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷

با توجه به این کارکردهای متعدد، مسجد باید پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط بوده و باید کانونی باشد که مشکلات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۱۲)

مقایسه در حوزه احکام و آداب

در برخی احکام فقهی و آداب مسجد میان گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان اسلام ناب با برخی گفتمانهای دیگر همچون وهابیت تفاوت‌هایی وجود دارد: تفاوت در احکام. تفاوت‌های احکام در بسیاری از موارد مربوط به خود مسجد نیست؛ بلکه مربوط به اعمالی است که در مسجد صورت می‌پذیرد، مانند نماز و دعایی که در مسجد برگزار میشود. امامیه، مالکیه و حنابله عدالت را شرط امامت جماعت میدانند؛ ولی سایر فرق شرط نمیدانند. در مسئله شرط بلوغ برای امام جماعت نیز شافعیه به امامت کودک صغیری که بتواند خوب و بد را تشخیص دهد قائل است گرچه به بلوغ نرسیده باشد اما سایر فرق اهل سنت بلوغ را شرط میدانند. (ر.ک: جزیری، ۱۴۲۰/۱/۴۳۰) همچنین در احکامی چون نماز خواندن در مکان غصبی، طهارت مکان نمازگزار و قبله نیز (ر.ک: جناتی، ۱۴۱۱، ۲۳۵-۲۴۲) میان فرق اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

در پاره‌ای از احکام مربوط به خود مسجد نیز تفاوت نظرهایی وجود دارد. برخی علمای اهل سنت کودکان را از ورود به مسجد منع نموده و منع زنان را در صورت خوف از فتنه واجب دانسته‌اند. (ر.ک: غزالی، بی‌تا، ۷۲۴) این در حالی است که چنین فتوایی در میان شیعیان دیده نشده است. همچنین شیعیان و به تبع آن گفتمان انقلاب اسلامی تخریب مسجد را جایز نمیدانند مگر در مواردی که تخریب آن برای جامعه اسلامی ضروری باشد مانند مسجد ضرار، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴/۴؛ ۴۵۲/۲۰) اما وهابیان و تکفیری‌ها بدون اعتقاد به حرمت، بسیاری از مساجد را که علاوه بر شأن مسجد بودن جزو آثار تاریخی صدر اسلام نیز بوده‌اند ویران کرده و گوشه‌ای از تاریخ اسلام را از بین بردند. (ر.ک: کمالی، ۱۳۸۱، ۱۶۳-۱۷۲) در خصوص محل ساخت مسجد نیز اختلافاتی وجود دارد؛ از جمله حرام دانستن دعا و نیایش

در قبرستان و به تبع آن منع ساخت مسجد از نظر وهابیان، (احمد بن حنبل، بی تا، ۱/۳۲۴، ۳۳۷، بخاری، ۱۴۰۱، ۲/۹۰۳-۹۳؛ ابن ماجه قزوینی، بی تا، ۱/۲۴۶؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۱/۳۷۴؛ توکلی، ۱۳۶۱، ۱۴۵-۱۴۷) و جواز همراه با کراهت احداث مسجد در قبرستان از جانب شیعیان. (رک: نوبهار، ۱۳۷۲، ۱/۲۰۵-۲۰۸)

تفاوت در آداب. در خصوص چگونگی احداث و بنای مسجد نیز اختلافاتی دیده میشود. در گذشته و امروز مساجد در کشورهای اسلامی از نظر ظاهری بزرگ، مرتفع، مجلل و همراه با شکوه مادی ساخته میشوند، این در حالی است که در گفتمان اسلام ناب و انقلاب اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر ساده بودن بنای مساجد شده است تا یادآور مساجد صدر اسلام باشند؛ لذا از تزئین صرف در مساجد نهی شده (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۲۴-۲۵) و با اشاره به اینکه پیامبر خدا نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئینی ندارند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۸۰) از مجریان احداث مصلاهی بزرگ تهران خواسته شده است که به سادگی بنای آن توجه نمایند تا این مصلاهی یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان در صدر اسلام باشد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۸۸-۱۸۹)

اهتمام به مسجد نیز در میان فرق مختلف متفاوت بیان شده است. در برخی تحلیلها اهتمام اهل سنت به حضور در مساجد و رعایت آداب آن بیشتر از شیعیان ذکر شده است، (ابن ماجه قزوینی، بی تا، ۱/۲۵۰-۲۵۲؛ بیهقی، بی تا، ۲/۴۳۹؛ نووی، بی تا، ۲/۱۷۲-۱۸۰) تا جایی که علاوه بر حضور، کشیدن سیگار را در مسجد حرام دانسته و برخی، هنگام ورود به حیاط مسجد نیز با پای برهنه وارد میشوند. (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ۹۹) دلیل این امر انحصار مکانهای مقدس و مراکز تجمع معنوی در جهان اهل سنت به مساجد میباشد؛ در حالی که شیعیان علاوه بر مساجد به مزار اهل بیت علیهم السلام و وابستگان به ایشان نیز دل بستگی بسیار داشته و این مکانهای مقدس در کنار مساجد مراکز تجمع معنوی شیعیان محسوب میگردند، از این رو اهتمام اهل سنت به مساجد و اهتمام شیعیان به سایر مکانهای مقدس بیشتر جلوه می نماید. (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ۹۹-۱۰۰)

چشم انداز جایگاه مسجد

مسجد به عنوان یک کانون و مرکز دینی، تنها جایگاهی است که در دورانهای مختلف

توانسته است علاوه بر بعد دینی و مذهبی خود که وظیفه اصلی آن است، در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... رسالت خود را انجام دهد و خود را به عنوان اصلی ترین و اصیل ترین پایگاه مردمی به جهانیان معرفی نماید، از این روی لازم است با تدابیر مناسب در خصوص آینده مساجد، جایگاه این کانون بزرگ اسلامی تقویت گردیده و چشم انداز روشنی برای آن ترسیم گردد. در اندیشه انقلاب اسلامی مسجد در افق آینده، مرکزی است:

روزآمد

با پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، تحول و پیشرفت در مساجد ایجاد خواهد شد و با برنامه ریزی صحیح برای مساجد و استفاده از ابزارها و تکنولوژی جدید برای پیشرفت آن؛ مساجد جایگاه واقعی خود را به عنوان پایگاه اصلی حرکت تبلیغی و فرهنگی پیدا خواهند کرد و در این راستا باید از اشتیاق جوانان و دانشجویان به شناخت مفاهیم و معارف اسلامی نهایت استفاده را کرد و از ابزارهای تسهیل کننده، مثل رایانه ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری که در اختیار است استفاده نمود؛ زیرا این ابزار قابلیت دارد که عقاید، افکار و سخنان حق را به هزاران مستمعی که گاه ناشناس هستند برساند و این فرصت فوق العاده ای است که نباید تضييع شود؛ در غیر این صورت همه باید در پیشگاه الهی پاسخگو باشند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹) از این روی مساجد باید مراکزی برای تبلیغ نوین با استفاده از فضای سایبری و مجازی داشته باشند؛ تا گستره فعالیت مساجد از فضای مساجد عبور کرده و جهانی شود؛ در این راستا میتوان از جوانان و فرهیختگان نیز استفاده کرد و تک تک مساجد را به مراکزی پویا در راستای تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی در گستره ای جهانی تبدیل نمود.

برخوردار از رویکرد شایسته سالاری

در خصوص چشم انداز پیشرفت مساجد در آینده؛ بر حضور پیش نماز و روحانی و امام جماعت شایسته در مساجد تأکید شده است، زیرا روحانی پرهیزکار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مساجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه ی حیات مسجد

معرفی شده، لذا باید این نقش مورد توجه جدی قرار بگیرد و امامان جماعت، آماده‌سازی خویش را برای طبابت معنوی، وظیفه حتمی خود بدانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰)

مترقی و شکوفاسازی شده، به کمک افراد، ارگانها و نهادهای مختلف

در افق آینده، همکاری مسئولین، فضلا و علمای دین و در مرتبه دیگر، اولیای مسجد موجب رونق و کارایی و شکوفایی مساجد خواهد شد. در این امر، همکاری و هم‌فکری میان تمامی مسئولین نیز به کمک خواهد آمد. (آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۷/۱۷) مساجد پاکیزه و پیراسته و لبریز از شور و انگیزه و نشاط شده، تبدیل به کانونی خواهند شد که مشکات نماز در آن بدرخشد، در این امر تمامی اولیای مسجد از قبیل امامان جماعات، هیئت‌های امناء، خادمان موظف و افتخاری، بخشی از این اقدام بزرگ و اثرگذار را بردوش خود احساس میکنند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۷/۱۷؛ ۱۳۸۸/۸/۱۲) در این راستا لازم است به تناسب رشد معماری و تحولات ایجاد شده در مدل شهرسازی، در راستای ساختار مساجد نیز تدابیری اندیشیده شود زیرا گاه ساکنان یک برج مسکونی یا یک مجموعه آپارتمانی بالغ بر هزاران نفر است که نیازمند مساجدی هستند متناسب با بناهای مدرن این گونه مجموعه‌ها که باید با مراعات طرح‌های اسلامی مهندسی و طراحی شوند.

پررونق با حضور پررنگ‌تر مردم

حضور مردم جزء اصلی آبادانی مساجد است، پس از انقلاب اسلامی مساجد رونق پیدا کرده و کانون تحرکات اسلامی گردید، عامل این امر حضور جوانان در مساجد بود. در افق آینده نیز با برنامه‌ریزی در جهت برخورداری مردم از برکات عظیم مسجد تراز اسلامی، حضور مردم در مساجد پررنگ‌تر خواهد شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۴/۶؛ همو، مکتوبات، ۱۳۸۹/۷/۲۰) در راستای تحقق این هدف لازم است رسیدگی به مسائل مختلف مسلمانان، مجالس مذهبی و عبادات در مساجد، با تنوع بیشتر و پررنگ‌تر صورت پذیرد، زیرا مساجد تنها برای نماز نیست، به طوری که در برخی روایات، تفکر برتر از یک سال عبادت دانسته شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۷/۶۸) اعتکاف نیز از دیگر عباداتی است که برای حضور بیشتر مردم و جوانان نیازمند برنامه‌ریزی و هزینه بیشتری می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۴/۲۶)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسجد محل دستیابی به مقام قرب الی الله و مکانی برای رفع حجابهای ظلمت و خودپرستی است. در صدر اسلام و دوران حاکمیت اسلام ناب، مسجد جایگاهی برای تحصیل آگاهی‌ها و دانشها، محلی برای آموزش نظامی، مکانی برای اقامه عدل و اجرای احکام کیفری و جزایی و جلوگیری از ضایع شدن حقوق ضعفا به وسیله توانگران و نهایتاً مجموعه‌ای کامل و منسجم از انواع کارکردهای نهادهای دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی بوده است. هرچند بروز آسیبها و وجود چالشهای متعدد توانسته در طول تاریخ - مانع از عملکرد مطلوب مسجد و رسیدن آن به موقعیت مطلوب خویش شود. از این رو زمانی که فتوحات اسلام گسترش می‌یابد و حکومت از خلفا به امویان و عباسیان و سپس تا سطح سلطنت تنزل می‌یابد، مساجد، گام به گام ساختار و عملکرد خود را از دست داده و از وظایف اولیه خود دور شدند. به تدریج مسجد کارایی نظامی خود را به نهادهای در اختیار دولت، نقش ارشادی، مدیریتی و نظارتی بر امور مسلمین را به دارالحکومه‌ها و دارالقضاها، وظایف آموزشی خود را به نهادهای فرهنگی و آموزشی رسمی و غیررسمی واگذار نمود. البته مساجد در دوره‌های مختلف و با توجه به وقایع تاریخی و سیاسی پیش آمده، هر از گاهی گوشه‌ای از کاربردهای اولیه خود را عهده‌دار شده‌اند، مانند برخی خیزشها و حرکت‌های صد سال اخیر در ایران که مسجد در آن نقش مؤثر اما ناپایدار داشت. اما قیام مشروطه و در پی آن انقلاب اسلامی ایران را میتوان نمونه‌ای کامل از رجعت مسجد به کارکردهای اولیه دانست. گفتمان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام توانست اسلام ناب یا همان اسلام دوران پیامبر صلی الله علیه و آله را احیا نماید. این حرکت با تکیه بر رجعت مساجد به کاربردهای واقعی آن ممکن گردید. مسجد در طول تاریخ منشأ آثار بزرگ و نهضتها و حرکت‌های اسلامی بزرگ بوده است. مطالعه تاریخ معاصر ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز نشان میدهد که مساجد به عنوان مرکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش بسیاری در ایجاد هسته‌های اولیه نهضتها و جهت‌دهی به حرکتها و جریانات مردمی داشته است و در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز، مساجد به عنوان یکی از عوامل مؤثر و مهم در ایجاد و شکل‌گیری نهضت اسلامی و زمینه‌ساز گسترش، تعمیق

و تثبیت این جریانات و تحولات انسانی بوده و در شکل دهی مبارزه علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی بسیار کارآمد بوده اند. از برجسته ترین کارکردهای مؤثر مساجد در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران نقش مساجد در سالهای دفاع مقدس بوده است، به علاوه امروزه مساجد با احیای کارکردهای متنوع به عنوان پایگاه‌هایی فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی میتوانند زمینه‌های شکوفایی را نیز در عرصه‌های متعدد فراهم آورند. در خصوص آینده مساجد، مسئله تحول بخشیدن و پیشرفت مساجد مطرح است، این‌که با پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، در مساجد نیز شاهد رشد و تغییرات متناسب با عصر خود باشیم. نکته مورد تأکید دیگر در این خصوص حضور پیش‌نماز و امام جماعت شایسته در مساجد و همکاری مسئولین، فضلا و علمای دین و در مرتبه دیگر، اولیاء مسجد در رونق و کارایی و شکوفایی مساجد است؛ همچنین باید حضور مردم در مساجد پررنگ‌تر گردد و نباید نسبت به خطری که از کمبود مساجد یا ضعف و نارسایی مساجد و کمبود حضور مردم در مساجد؛ جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسلهای آینده را تهدید میکند، غفلت شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ابراهیمی، محمدحسین، باکاروان حج، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۵. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الوفاء بأحوال المصطفی، تحقیق مصطفی عبدالواحد، مصر، دارالکتب الحدیثة، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق.
۷. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، بی تا.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابن هشام، عبدالملک حمیری، السیرة النبویة، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۱۲. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبة الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، ترجمه علی اسلامی، قم، نشر اسلامی، چاپ

بيست ويکم، ۱۴۲۵ ق.

۱۵. امام خميني، سيد روح الله موسوي، رساله توضيح المسائل، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، بی تا.
۱۶. امام خميني، سيد روح الله موسوي، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاری، بی جا، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. بنداری، فتح بن علی، تاريخ سلسله سلجوقی (زبدة النصره و نخبة العصره)، ترجمه محمد حسين جليلی، تهران، انتشارات بنياد فرهنگ ايران، ۲۵۳۶ ش.
۱۹. بوكهارت، تیتوس، سهم هنرهای زیبا در تعليم مسلمانان، فرهنگستان هنر (فصلنامه)، ترجمه سيد علاءالدين طباطبائی، تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ايران، ش ۳، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. بيهقي، احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت، دار الفکر، بی تا.
۲۱. تبریزی، محمد زمان، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، تحقيق رسول جعفریان، تهران، دفتر نشر ميراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. توکلی، محمد رئوف، چهار امام اهل سنت و جماعت، بی جا، بی نا، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
۲۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، تحقيق ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. جعفری، يعقوب، توطئه مسجد ضرار، درسهایی از مکتب اسلام (ماهنامه)، قم، مؤسسه تعليماتی و تحقيقاتی امام صادق عليه السلام، ش ۶۷۵، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. جعفریان، رسول، تاريخ سياسی اسلام، سيره رسول خدا صلى الله عليه وآله، قم، انتشارات دليل ما، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. جمعی از نویسندگان، مطالعات استراتژیک توسعه و فرهنگ دينی، مؤسسه فرهنگي هنری عرش پژوه، قم، پژوهشکده باقر العلوم عليه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. جناتی، محمد ابراهيم، دروس في الفقه المقارن، قم، مجمع الشهيدي الصدر العلمی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۲۸. حاجی بابایی، مجيد و ديگران، مسجد و سياست در عصر سلجوقی، مطالعات تاريخ اسلام (فصلنامه)، تهران، پژوهشکده تاريخ اسلام، ش ۶، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. حاکم نيشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف عبدالرحمن مرعشلی، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
۳۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.

۳۱. حسینی، سیده زهرا، حسینی، سیده اعظم، دا، تهران، سوره مهر، چاپ ۱۵۱، ۱۳۹۲ش.
۳۲. دارمی، عبدالله بن رحمن، سنن الدارمی، دمشق، مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
۳۳. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، بی جا، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، بی تا.
۳۴. رستگاری، مرتضی، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی، فروغ مسجد ۲، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۳۵. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹ش.
۳۶. شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، الايضاح، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۱ق.
۳۷. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۳۸. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، چاپ اول، بی تا.
۳۹. شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰ش.
۴۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۴۱. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴۲. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۴۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر المرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۵. طبری امامی، محمد بن جریر، نوادر المعجزات فی مناقب الائمة الهداة علیهم السلام، تحقیق باسم محمد اسدی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
۴۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۵۰. غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تحقیق حسین خدیو جم، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا.
۵۱. فجری، محمدمهدی، جایگاه مسجد در نگاه امام خمینی علیه السلام، مبلغان (ماهنامه)، ش ۹۵، قم، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه، ۱۳۸۶ ش.
۵۲. قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، قم، انتشارات زینی، ۱۳۹۰ ش.
۵۳. کتانی، عبدالحی، نظام الحكومة النبوية المسمى التراتیب الادارية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۵۴. کدی، نیکی آر، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. کمالی، فاطمه، سرایی، احمد، مسجد از دیدگاه فرق اسلامی (پرستشگاه در عهد سنت و تجدد)، تدوین عمادالدین باقی، تهران، نشر سرایی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۵۷. کوهستانی نژاد، مسعود، واقعه خراسان، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۵۸. مجلسی، محمداقبر، بحار الانوار، تحقیق محمداقبر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۹. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶۰. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم، مؤسسه البعثة، چاپ سوم، ۱۴۱۰ ق.
۶۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق سید صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۶۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۶۵. مکی سباعی، محمد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکوئی،

مسجد / ۶۴۳

- تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۶۶. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، تهران، نشر گویه، ۱۳۸۲ش.
۶۷. نبوی، محمدحسن، مدیریت مسجد، مبلغان (ماهنامه)، ش ۵۵، قم، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه، ۱۳۸۳ش.
۶۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۶۹. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۷۰. نووی، محی‌الدین بن شرف، المجموع شرح المذهب، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
۷۱. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ معاصر ایران، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، بی‌تا.
۷۲. ولایتی، علی‌اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، ۱۳۹۲ش.
۷۳. همتی، عباس، نقش محوری مساجد در تأمین اهداف چندمنظوره، فروغ مسجد ۲، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.

مهدویت



ابراهیم شفیعی سروستانی^۱ (مؤلف)

سید علی احمدی^۲ (مؤلف)

ابوالقاسم مقیمی حاجی^۳ (مستول علمی)

مهدویت؛ اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ به عنوان واسطه‌ی فیض الهی و منجی زنده آخرالزمان.

«مهدویت»، مصدر صناعی از ریشه «هدی» می‌باشد. واژه «مهدی» نیز در لغت به معنای «هدایت شده» و «ارشاد شده» آمده است؛ (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۷۵/۱-۴۷۶؛ رک: دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۱۸۷۸/۱۴) اما در اصطلاح، «مهدویت» به معنای مهدی باوری، مهدی‌گرایی و اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان منجی موعود آخرالزمان به کار می‌رود. (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۵۶) به بیان دیگر، مهدویت بیانگر دیدگاه اسلام درباره‌ی جهان آینده و آینده‌ی جهان است. (مطهری، مجموعه آثار، ۳/۳۵۶) بر اساس بررسی‌های برخی از صاحب نظران، در افزون بر ۲۷۰ روایت، لقب مهدی برای منجی موعود آخرالزمان به کار رفته است. (رک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ۳/۴۴۳-۴۴۴) در برخی روایات آمده است که آن حضرت از آن‌رو «مهدی» نامیده شده است که مردم را به سوی امری نهران هدایت میکند. (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۳۷) او اجرای مقاصد بر زمین مانده‌ی انبیای

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

۲. مدیر گروه فلسفه و عرفان دانشنامه امام خمینی ره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره

۳. مدرس خارج فقه و اصول؛ رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

الهی را برعهده دارد و ذخیره‌ی الهی است که در آخر الزمان می‌آید تا عدالت را در جهان فراگیر سازد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۷/۱۳) به یمن وجود وی، پرچم عدالت و رحمت الهی بر گستره‌ی عالم افراشته خواهد شد و قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم می‌شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۳/۱۴)

اعتقاد به ظهور و قیام مصلحی جهانی که بشر را به سوی سعادت و نیک‌بختی ابدی رهنمون می‌سازد و داد مظلومان را از ظالمان بازمی‌ستاند، در تمامی ادیان و مذاهب وجود داشته است. (کتاب مقدس، مزامیر، ۱۸/۳-۱۹) چنانکه یهود منجی موعود را «ماشیح»، مسیحیان منجی را «مسیحا»، زرتشتیان او را «سوشیانس» و هندوها او را «کلکی» و یا «کلکین» و بودائیان او را «میتریه» می‌نامند. (آصف آگاه، ۱۳۸۷، ۱۳؛ شاکری زوردهی، ۱۳۸۸، ۲۳۲) بنابراین، اقوام و مذاهب گوناگون به نوعی در انتظار ظهور ابرمردی به سر می‌برند که نماد تمام آرمانهای بشر به شمار می‌آید تا سرانجام روزی جهان را از عدل و داد پر سازد.

در هیچ آیین و مکتبی به اندازه‌ی اسلام به موضوع آینده‌ی جهان و آخر الزمان اهمیت داده نشده و در هیچ فرهنگ و آیینی به مانند مکتب حیات بخش اسلام، زوایای مختلف این موضوع تبیین و تشریح نشده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸) مسئله‌ی مهدی موعود از صدر اسلام و از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یک امر قطعی و مسلم در میان مسلمین بوده است؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۶/۱۸) مسلمانان برخلاف برخی از ادیان معتقدند که منجی موعود آنها نه برای نجات قوم و نژادی خاص؛ بلکه برای نجات همه‌ی بشریت با هر دین و آئینی که دارند، می‌آید و عدالت، امنیت، معنویت و رفاه و آرامش را برای همگان به ارمغان می‌آورد.

در آیات متعددی از قرآن کریم (رک: انبیاء، ۱۰۵؛ نور، ۵۵؛ فتح، ۲۸) و بیش از هزار روایت که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده (رک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ۵۲/۲-۱۲۴) به وجود آینده‌ای روشن و امیدبخش برای جهان تصریح شده و خداوند از گذشته تا به امروز وعده فرموده است که زمین را بندگان صالح الهی به ارث خواهند برد «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵) و در مجموعه‌های روایی شیعه و اهل سنت، بیش از ۴۰۰ روایت در مورد مهدی موعود صلی الله علیه و آله نقل و بوجود آن حضرت تصریح شده است. (رک: صافی

علما و متفکران اسلامی نیز در طول قرن‌ها، با بیان احادیث پیشوایان دین در زمینه‌ی ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه‌ه، این اعتقاد را ترویج داده و با پاسداری از اندیشه مهدویت و تحکیم مبانی فکری انتظار ظهور مصلح جهانی، به شبهه‌های مخالفان در این زمینه پاسخ داده‌اند و بر استواری این اندیشه افزوده‌اند. باور به مهدویت از مسائلی است که همه‌ی مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

طبق روایات متعدد از شیعه (کلینی، ۱۴۰۷/۱/۳۳۵-۳۴۳) و اهل سنت (احمد بن حنبل، ۱۴۱۹، ۳۶/۳؛ ابو داود سجستانی، بی‌تا، ۱۷۰/۴-۱۷۷) در آخرالزمان و در زمانی که همه‌ی جهان از ظلم و بیداد آکنده است، مردی از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از فرزندان حضرت فاطمه زهرا که از او با لقب «مهدی» یاد میشود، برمی‌خیزد و جهان را پر از عدل و داد می‌سازد. بر اساس این باور، جهان تنها به دست او به نجات و رستگاری میرسد و بدون او هرگز روی امنیت، آرامش، عدالت و معنویت واقعی را نخواهد دید. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰) آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی اسراء بر اساس تفسیری از امام صادق علیه السلام اشاره بر همین امر دارد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ و بگو که حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محوشدنی و سزاوار نابودی است. امام صادق علیه السلام آیه را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که هرگاه قائم عجل الله تعالی فرجه‌ه بپاخیزد، دولت باطل از بین میرود و زایل میگردد. (کلینی، ۱۴۰۷/۸/۲۸۷)

شیعیان معتقدند سلسله حجتهای الهی از آفرینش حضرت آدم علیه السلام تا روز رستاخیز ادامه دارد و اگر یک روز زمین خالی از حجّت بماند، اهل خود را فرو میبرد و همه‌ی جهان و جهانیان نابود میشوند؛ (صفا، ۱۴۰۴، ۴۸۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳/۲/۳۱۷) لذا ضروری است آخرین حجّت حق زنده و پابرجا باشد تا همه‌ی عالم از برکات وجود او بهره‌مند شوند.

بر اساس همین اعتقاد، شیعیان دوازده امامی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه را به عنوان یگانه موعود زنده و موجود می‌شناسند و با وجود غیبت ظاهری آن حضرت، ایشان را شاهد و ناظر همه‌ی رویدادهای جهان و حامی و پشتیبان پیروان خود در شرایط دشوار عصر غیبت می‌دانند. (طبرسی، ۱۴۰۳/۲/۴۹۷؛ امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۱/۸، ۴۲۳)

شمار فراوانی از احادیث مرتبط با مهدویت در منابع و جوامع حدیثی شش‌گانه‌ی اهل سنت که مهمترین و معتبرترین منابع حدیثی آنان به شمار رفته و مورد اعتماد آنان است،

نقل و تأیید شده است و این موضوع نشان می‌دهد که باور به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به هیچ روی منحصر به شیعیان نبوده و قاطبه‌ی فرق اسلامی آن را به عنوان عقیده‌ای ضروری و قطعی پذیرفته‌اند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸) علاوه بر این، مسئله مهدویت در دهها کتاب و رساله مستقلی که اهل سنت درباره‌ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نگاشته‌اند، بررسی شده است. (رک: علی دخیل، ۱۴۰۳، ۲۵۹-۲۶۵) البته امتیاز باور شیعه در این است که شخص امام در آن، مصداق واضحی دارد و زمان تولد، پدر و خصوصیات امام عنوان گردیده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

شیعیان و اهل سنت در زمینه بسیاری از عقاید مرتبط با مهدویت هم‌نظرند، تنها در برخی از مسائل مانند تولد و حیات آن حضرت اختلافاتی وجود دارد؛ غالب اهل سنت معتقد به «مهدویت کلیه» هستند به این معنا که مهدی خلیفه‌ای عادل از نسل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که در آینده و در آخرالزمان به دنیا آمده و قیام میکند و زمین را از ستم و تباهی پیراسته و به عدل و داد آراسته می‌سازد؛ (ابن حجرهیمی، ۱۹۹۷، ۲/۴۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۷، ۲۱؛ سفارینی، ۱۴۱۱، ۲/۱۲۷) ولی شیعیان دوازده امامی به «مهدویت شخصی» باور دارند و معتقدند که مهدی موعود در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. در خانه امام حسن عسکری عاشق، یازدهمین امام شیعیان به دنیا آمده و خداوند به او عمر طولانی ارزانی داشته است، (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۴۵-۵۶) تا در زمان معین، وعده الهی را محقق و زمین را از عدل و داد آکنده سازد. (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۱۴۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰) البته بسیاری از عالمان اهل سنت - حدود شصت نفر- به ولادت آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. اعتراف کرده‌اند. (رک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ۲/۳۷۱-۳۹۳؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۵۷-۷۲)

اعتقاد مسلمانان، به‌ویژه شیعیان در مورد قیام و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به عنوان مصلح کل و منجی بشر و معرفی آن امام با نام و نشان و خصوصیات فردی، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) از ریشه‌های عمیق و مستحکم در منابع دینی برخوردار بوده و متکی بر سخنان تردیدناپذیر پیشوایان معصوم علیهم السلام است. (نعمانی، ۱۳۹۷، ۱۱ «مقدمه»؛ صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۳۳) بر اساس دیدگاه شیعه امور شیعیان در عصر غیبت صغری به نایبان خاص ایشان (رک: طوسی، ۱۴۱۱، ۳۵۳-۳۹۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ۳/۱۳۹) و در عصر غیبت کبری بر اساس روایاتی از جمله

«فَأْتَهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴۰/۲۷) به نایبان عام ایشان که همان فقهای عادل و جامع الشرایط هستند، ارجاع داده شده است؛ (امام خمینی، بی تا، ۷۹-۸۰) لذا حکومت اسلامی در زمان غیبت بر مبنای مفهوم متعالی ولایت استوار بوده و با تصدی فقیه عادل به عنوان نایب عام ایشان به دنبال تحقق احکام اسلام است. (رک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷؛ ۱۳۸۳/۳/۱۴ ← ولایت فقیه)

غیبت امام و فلسفه‌ی آن

شیعه بر این اعتقاد است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج سال بعد از تولد، از دیدگان غایب شد که این غیبت در دو مرحله بوده است، غیبت صغری که حدود ۶۹ سال ادامه داشت و در سال ۳۲۹ قمری به پایان رسید و غیبت کبری که بعد از آن آغاز شد. (سبحانی، ۱۴۱۳، ۱۳۹-۱۴۵؛ آیت الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۸/۲/۱۷)

موضوع غیبت آخرین امام از سلسله‌ی جانشینان دوازده‌گانه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان صدر اسلام، به مسلمانان گوشزد شده بود (خزاز قی، ۱۴۰۱، ۶۰) و امامان معصوم علیهم السلام نیز یکی پس از دیگری این موضوع را به شیعیان خود یادآور می‌شدند. (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۳۱۷) نگارش کتاب در این زمینه نیز از سالها پیش از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شده بود. پس از غیبت امام دوازدهم نیز عالمان بزرگ شیعه با تدوین دهها کتاب و رساله به تبیین این موضوع پرداختند و شیعیان را با پیشینه‌ی بحث از غیبت و روایتهای وارد شده در این زمینه آشنا ساختند. (رک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۶/۷۵-۸۳، ۱۱۲-۱۱۴؛ ۱۸۷/۲۲-۱۸۷/۲۲) این شرایط موجب شد موضوع غیبت به یکی از باورهای اساسی شیعیان درباره‌ی مهدویت، تبدیل شود.

در طول دوران غیبت صغری، چهار تن از بزرگان شیعه که عبارت‌اند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح و علی بن محمد سمری، عهده‌دار مقام نیابت یا سفارت خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند. (رک: طوسی، ۱۴۱۱، ۳۵۳-۳۹۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ۳/۱۳۹) در حقیقت مهدویت ادامه‌ی دعوت‌های الهی و استمرار حرکت نبوت است که با خاتم انبیا محمد صلی الله علیه و آله و بعد از آن با خاتم اوصیا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پایان میرسد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹) و اگر مهدویت نباشد، تلاشها و دعوت‌های انبیا بی‌فایده و بدون اثر خواهد بود. از این رو مسئله

مهدویت، از اصلی‌ترین معارف الهی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸) در روایات از غیبت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به آفتاب پشت ابر تعبیر شده (طوسی، ۱۴۱۱، ۲۹۲) و حکمت‌هایی مانند امتحان در ثبات قدم و استوار بودن منتظران، (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۳۹) سازش و بیعت نکردن با طاغوت (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/۲۹۰) و تأدیب انسانها به دلیل ظلم به اولیاء الهی، (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۳۹) از فلسفه‌های غیبت شمرده شده است.

برخی از اندیشمندان اسلامی نیز علت غیبت آن حضرت را، خوف از قتل، (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۳۵؛ صدوق، ۱۳۹۵، ۲/۳۶۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۱۴۸/۱۸-۱۴۹) عدم امکان تدبیر امور مردم در دولتهای باطل، (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۲۱) تقیه (حرعاملی، ۱۴۲۵ «ب»، ۱۱۶) و ممانعت ظالمان از رسیدن به اهداف الهی (سید مرتضی، ۱۴۱۶، ۵۲) دانسته‌اند و نیز امامان معصوم علیهم‌السلام چون نتوانستند به سبب عدم آمادگی مردم، یکی از اهداف مهم خود را که برپایی حکومت اسلامی بود محقق سازند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۹) از این رو امر غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف مقدر گردید.

اهمیت و آثار انتظار و نقد تفسیر نادرست از آن

از دیدگاه اندیشمندان مسلمان آرزوی تحقق ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در روایات، انتظار فرج نامیده شده است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۴۰۶)

انتظار فرج برترین عبادت است، بر اساس روایتی از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم بهترین عمل در زمان غیبت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، انتظار فرج است، (صدوق، ۱۳۹۵، ۲/۶۴۴-۶۴۷) و این امر به منزله شهادت در راه خداوند (صدوق، ۱۳۶۲، ۲/۶۲۵) و برترین عبادات (برقی، ۱۳۷۱، ۱/۲۹۱) شمرده شده است. پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر این باورند که برترین عبادت مردم و با فضیلت‌ترین جهاد امت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم، انتظار فرج است. البته انتظاری فعال که همراه با آمادگی دائمی و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت باشد. شهید بهشتی انتظار فرج را در راستای نجات بشریت از یأس و ناامیدی ارزیابی میکند که در آخرالزمان دامن بشریت را خواهد گرفت؛ زیرا یأس موجب میشود که انسان همه چیز خود را از دست بدهد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰، ۷۳)

انتظار فرج دو گونه است: انتظار سازنده و تعهدآور که میتواند نوعی عبادت و حق پرستی

شمرده شود؛ و انتظار ویرانگر که گناه است و اسارت بخش و نوعی «اباحت‌گری» محسوب می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۰۶/۲۴)

ضرورت انتظار صحیح و امید به آینده، محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوعی است که در آموزه‌های مهدوی بر آن تأکید شده است. در حقیقت، انتظار، عملی آگاهانه همراه با آمادگی و مجاهدت در سطوح مختلف فکری، اخلاقی و عملی، برای ساختن آینده‌ای روشن براساس برنامه و نقشه‌ی الهی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱؛ ۱۳۸۷/۵/۲۷)

مهمترین کارکرد انتظار فرج، حفظ و ارتقای روحیه‌ی تحرک و پویایی در جهت تکامل معنوی، احیای معارف و دستورات آسمانی و نشر حقایق دینی و زمینه‌سازی برای عمل به آموزه‌های مذهبی در میان افراد جامعه است که مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱-۱۶) و توأم با امید به آینده و حرکت با شوق و قانع نشدن به وضع موجود سوق می‌دهد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱؛ ۱۳۸۷/۵/۲۷) انتظار یعنی امید به تحول در دنیا و ایجاد گشایش در سرنوشت بشر، (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و زورگویان پُر شده است و تبدیل آن به جهانی که انسانیت و ارزشهای انسانی در آن محترم باشد و ستمگران و متجاوزان، فرصتی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود، نداشته باشند، که این امر با تلاش و مجاهدت و پیگیری امکان‌پذیر است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) انقلاب اسلامی با الهام از همین باور، بزرگترین عامل امید به آینده در میان ملتها در دهه‌های اخیر بوده است که با تأسیس حکومت مستقل و غیروابسته به شرق و غرب و مقاوم در برابر قدرتهای استکباری، این بیداری را در ملتها زنده کرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲) انتظار فرج انتظار قدرت اسلام و کوشش برای تحقق این قدرت در حد و اندازه جهانی است، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۴/۸) این تفکر برآمده از شناخت جریان مبارزه پیامبران ابراهیمی با ظلم و جور است که در هرحال با طاغوت مبارزه می‌کردند و پیروزی و شکست ظاهری نزد آنها مطرح نبود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۹/۱۸) مفهوم دیگر انتظار این است که هر بن‌بستی قابل گشایش است و نباید بی‌تحرک بود. انتظار آماده‌سازی و تقویت انگیزه در دل و درون است. از این رو انتظار واقعی همراه با تلاش، حرکت و انگیزه است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹)

انتظار هرگز به معنای سکون و رها کردن امور نیست؛ بلکه آمادگی برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انتظار آمادگی همه‌جانبه برای تحقق هدف انقلاب بزرگ و تاریخی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری عدل و داد و ایجاد زندگی انسانی و الهی و تحقق کامل عبودیت الهی است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰، ۱۳۸۷/۵/۲۷)

در مقابل این دیدگاه، برخی دیدگاه‌های نادرست نیز درباره «انتظار فرج» ارائه می‌شود که قابل پذیرش نیست:

۱- اعتقاد به اینکه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید بیاید و خود امور را اصلاح کند، از این جهت باید جامعه را به حال خود رها کرد تا زمینه ظهور حضرت به خودی خود فراهم شود؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) بنابراین تکلیف مردم در زمان غیبت تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱) و حتی فرد مسلمان نسبت به جامعه خود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را هم باید به فراموشی بسپارد. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱) ۲- اعتقاد به اینکه ما نه تنها نباید جلوی گناہانی را بگیریم که در جامعه وجود دارد، بلکه باید به آن دامن هم بزنیم تا زمینه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چه بیشتر فراهم شود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱-۱۵)

این دیدگاه‌ها مخالف دستوری است که در اسلام بر آن تأکید شده و آن تکلیف شرعی همه‌ی مسلمانان برای مبارزه با ظلم و جور و استقرار عدالت در جهان است؛ لذا وعده الهی به پرشدن جهان از عدل و داد به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز نباید موجب فراموشی این تکلیف شود. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴-۱۵) همچنین بی‌تفاوتی در برابر انحرافها و مفاسد و به حال خود رها کردن جامعه اسلامی و بالاتر از آن، دامن زدن به گناہان، خلاف حکم صریح قرآن در زمینه ضرورت امر به معروف و نهی از منکر است (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴-۱۵؛ ۱۵-۱۴) امر به معروف و نهی از منکر و این همان چیزی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مبارزه با آن ظهور می‌کند. در حقیقت سکوت در برابر ظالمان و فاسدان به منزله‌ی خاموش کردن چراغ در شب به امید طلوع آفتاب در صبح است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰)

ریشه یا بهانه‌ی این دیدگاه‌ها استنباط نادرست از برخی روایات است که در آنها آمده است «هر پرچمی پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوتی است که در برابر

خدا پرستش میشود، (کلینی، ۱۴۰۷، ۸/۲۹۵) از این جهت هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت را خلاف شرع میدانند و عقیده دارند این کار با نصوص روایات مغایر است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۴-۱۵)

اما روایات یادشده، شامل حکومتهایی است که به دور از تعالیم اسلامی بوده و تنها با ادعای مهدویت تشکیل میشود، و برفرض اینکه روایاتی وجود داشته باشد که در آنها به صراحت، شیعیان از هرگونه اقدام اصلاحی در زمان غیبت؛ از جمله تشکیل حکومت با هدف امر به معروف و نهی از منکر منع شده باشند، چنین روایاتی قابل قبول نخواهند بود؛ زیرا مخالف آیات صریحی هستند که مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت میکنند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (آل عمران، ۱۰۴) همچنین عدم تشکیل حکومت در زمان غیبت، موجب هرج و مرج و افزایش ظلم و فساد در جامعه میشود بنابراین، وظیفه مسلمانان است که در صورت فراهم شدن شرایط، برای تشکیل حکومت عادلانه در زمان غیبت اقدام کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۶-۱۷)

بنابراین معنای صحیح انتظار فرج مبتنی بر این است که هرچند استقرار عدالت حقیقی در سطح جهان از توان ما خارج است اما این موجب رفع تکلیف از فرد و جامعه اسلامی نمیشود؛ زیرا براساس حکم ضروری اسلام و تصریح قرآن، انسانها مکلف به مبارزه با ظلم و استقرار عدالت اند، بنابراین، همه باید در حد توان کوشش کنند و زمینه را برای پرشدن دنیا از عدالت و از بین رفتن مظاهر ظلم به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۶-۱۷) همین دیدگاه، زمینه‌ی مبارزه علیه طاغوت و شکل‌گیری انقلاب اسلامی را رقم زد.

وظایف منتظران در عصر غیبت

شیعیان در دوران غیبت وظایف و مسئولیتهای متعددی در برابر امام خود دارند و تا زمانی که به این وظایف و مسئولیتهای خوبی عمل نکنند، نمیتوانند خود را از منتظران آن حضرت بدانند. وظایف یاد شده از دیدگاه انقلاب اسلامی که برگرفته از روایات و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام است، عبارت‌اند از:

انجام وظایف دینی، فردی و اصلاح درونی خود

منتظران حقیقی وظیفه فعلی شرعی و الهی خود را ملاحظه کرده و به تکلیف الهی و آنچه که خداوند به عهده آنها گذاشته، عمل میکنند و از لحاظ معنوی در اخلاق و عمل، به اصلاح خود می‌پردازند و پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی خود را با مؤمنان مستحکم می‌سازند. در حقیقت کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده ساخته و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد؛ (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵؛ ۱۳۷۹/۸/۲۲؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ ۱۳۹۰/۴/۱۸؛ ۱۳۹۰/۴/۱۸) چنانکه در احادیث نیز بر خودسازی و اصلاح نفس و تخلُّق به کرامت‌های اخلاقی و ترک تعلق به مظاهر دنیایی مذموم، تأکید شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۰۰)

فراهم آوردن زمینه ظهور

منتظران برای تحقق قدرت اسلام در عالم و فراهم شدن مقدمات ظهور می‌کوشند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۴/۸) همه منتظران وظیفه دارند با نهایت توان و امکانات خود، برای تحقق قدرت اسلام در جهان و شناساندن برتریهای دین اسلام به جهانیان تلاش کنند. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵؛ ۱۳۷۹/۸/۲۲؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰) در روایات هم برآمدگی، پویایی و تلاش برای جهاد در راه خدا و آمادگی برای شهادت در راه او (نعمانی، ۱۳۹۷، ۳۲۰) تأکید شده است. منتظران باید در مقابل خطرات، انحرافها و تهدیدات، مقاومت کرده و خود را در مقابل جلوه‌های دنیا، نوازند. چنین افرادی میتوانند خود را منتظر امام زمان بدانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰)

امروزه دنیای غرب پس از تجربه چند سده دین‌گریزی و غرق شدن در منجلاب فساد و درگیری با بحرانها و آسیبهای فردی و اجتماعی، تشنه معنویت، اخلاق و ارزشهای متعالی و دست‌یافتن به آرامش روانی، در پرتو آموزه‌های دینی شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۰/۲۰) از این‌رو، اندیشمندان جهان اسلام باید با غنیمت شمردن این فرصت، به معرفی و تبیین سرمایه‌های اخلاقی و معنوی اسلام ناب پرداخته و به جهانیان نشان دهند که تنها آموزه‌های اسلامی میتواند به بحرانهای معنوی و اخلاقی که دنیای غرب با آنها روبه‌روست، پایان دهد.

(آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۰/۲۰)

اتحاد و پرهیز از تفرقه

یکی دیگر از وظایف منتظران، اتحاد و زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح، برادری و برابری است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۹/۱۸)

مقابله با ظلم و فساد در جامعه

از وظایف منتظران در زمان غیبت، بی تفاوت نبودن در مقابل ظلم و ستم ظالمان (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۶۹/۱۸؛ آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ ۱۳۸۷/۵/۲۷) و رژیم‌های سیاسی مستبد موجود و لزوم اجرای احکام اسلامی است. بلکه وظیفه فعلی و شرعی مسلمانان جهان در مقابل حکومت‌های فاسد و ظالم، مبارزه با آنان در عصر غیبت است. (امام خمینی، بی تا، ۳۵، آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳) ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن در این سعادت موقوف به این است که فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، او مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. (مطهری، مجموعه آثار، ۴۳۸/۲۴)

تسلیم نشدن در برابر ظالمان و مستکبران

منتظران در عصر غیبت باید تلاش کنند که دست ظالمان را از سرزمین‌های اسلامی کوتاه کنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۳۴/۱۷) و در مقابل ظالمان و ستمگران قیام کنند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۷۷/۱۹) اتحاد کشورهای اسلامی موجب فرو ریختن کاخ‌های ستم خواهد شد، (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۳۵/۱۹-۳۳۶) اما از گذشته تا به حال اهل ایمان چون در مقابل ستمکاران قیام نکرده‌اند ظلم در عالم فراگیر شده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳) مبارزه انقلاب اسلامی با ظالمان و مستکبران عالم موجب شده است که ملتها طرفدار جمهوری اسلامی باشند و شعارهای نظام برای آنها دلنشین باشد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۳)

دعا برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و تعجیل در فرج ایشان

در بسیاری از سخنرانیها، امام خمینی و مقام معظم رهبری تعجیل در فرج و ظهور امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَام و مشاهده جمال نورانی ایشان را از خداوند مسئلت کرده (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۲/۱۴؛ ۱۴۶/۱۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۸) و از خداوند می‌خواستند که آن حضرت به‌عنوان طبیب واقعی بشر که صاحب دم مسیحایی است برای اصلاح امور، زودتر ظهور فرماید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰/۱۷) همچنین بر این باور بودند که دعای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز شامل حال امت اسلامی است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۲۸)

علاوه بر وظایف یاد شده، در روایت نیز بر دهها امر دیگر تأکید شده است، مانند: معرفت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۷۱/۱-۳۷۲) پایداری در محبت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام (خزاز قمی، ۱۴۰۱، ۱۵۷) ورع و کسب محاسن اخلاق، (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۰۰) صبر بر سختیهای دوران غیبت، (صدوق، ۱۳۹۵، ۳۱۷/۱) آمادگی برای ظهور، (نعمانی، ۱۳۹۷، ۳۲۰) دعا برای فرج، (اصفهانی، بی‌تا، ۲۶۳/۲) فرا خواندن مردم به سوی آن حضرت، (اصفهانی، بی‌تا، ۲۸۲-۲۷۴/۲) مداومت در یاد ایشان، (اصفهانی، بی‌تا، ۳۰۸-۳۰۷/۲) زیارت او، (اصفهانی، بی‌تا، ۲۶۲/۲) توسل و استغاثه به آن حضرت، (اصفهانی، بی‌تا، ۲۷۴-۲۷۱/۲) تهنیت نفس (اصفهانی، بی‌تا، ۳۰۵-۳۰۶) و درخواست شفاعت از ایشان. (اصفهانی، بی‌تا، ۲۷۱-۲۷۲)

مسئولیت‌های جامعه اسلامی در عصر غیبت

جامعه اسلامی در زمان غیبت دارای وظایفی است که عبارت‌اند از:

تشکیل حکومت اسلامی

برخی فقهای امامیه قائل‌اند فقیه در زمان غیبت دارای ولایت عامه می‌باشد که ولایت بر افراد و اموال است. (نراقی، ۱۳۷۵، ۵۲۹-۵۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۹۷/۲۱) امام خمینی ولایت فقیه را از نوع ولایت بر تشکیل حکومت و اداره جامعه میدانند. (امام خمینی، بی‌تا، ۵۱؛ همو، ۱۴۲۱، ۶۵۴/۲) ایشان در این زمینه علاوه بر دلیل عقلی بر ولایت فقیه (امام خمینی، بی‌تا، ۲۵-۲۸؛ همو، ۱۴۲۱، ۶۱۹-۶۲۰) به روایاتی نیز تمسک می‌کند. (← ولایت فقیه) از جمله این روایات، توقیعی از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام است مبنی بر اینکه در حوادثی که در جامعه واقع می‌شود، مردم را به روات احادیث ارجاع داده‌اند: «... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ». (صدوق،

مقصود از حجت خدا بودن امامان معصوم علیهم السلام این نیست که ایشان بیان‌کننده احکام الهی هستند؛ بلکه منظور این است که خداوند به سبب وجود و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی شان، بر بندگان احتجاج میکنند و به واسطه سیرت آن بزرگواران؛ به ویژه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه که عدل را در میان مردم می‌گستراند و زمین را از قسط پر میکند، باب عذر و بهانه را بر همه‌ی مردم در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی می‌بندد. (رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۲/۶۳۶-۶۳۷)

آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور

جامعه‌ای میتواند پذیرای حکومت جهانی باشد که در آن جامعه آمادگی و قابلیت باشد و بدون آمادگی، این حکومت جهانی به اهداف خود نمیرسد. چنان که پیامبران بسیاری، در طول تاریخ تلاش کردند؛ ولی نتوانستند جامعه را از آلودگیها پاک کنند و حتی در زمان امیرمؤمنان علیه السلام نیز این امر محقق نشد؛ زیرا زمینه‌ی اصلاح در جامعه فراهم نبوده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵)

تلاش برای تحقق عدالت

در روایات اسلامی از موضوع «عدالت‌گستری» و «قسط‌آفرینی» به عنوان مهمترین ویژگی انقلاب مهدوی یاد شده است. از این جهت توجه به این موضوع در همه برنامه‌های نظام اسلامی ضروری است؛ چون قسط و عدل، یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان بوده و اولین کار نظام اسلامی اجرای قسط و عدل است، (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۲۵) بر همه مسلمانان لازم است تا سرحد توان برای تحقق عدالت و جلوگیری از ستم در عصر غیبت تلاش نمایند و این تکلیفی الهی است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹۸/۱۷)

برائت از کافران و مشرکان

یکی از شعارهای انقلاب اسلامی و اصول کلی آن، شعار «نه شرقی، نه غربی» و احساس عزتی بود که ملت ایران در پرتو ولایت ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه بدان دست

یافته بود. زیرا اعتقاد به امام عصر عجل الله تعالی فرجه و ولایت آن حضرت منافی با اطاعت از طاغوت و استکبار است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۷/۱۱) بلکه التزام به اصل «نه شرقی، نه غربی» وظیفه همه مسلمانان جهان است و پشت کردن به این اصل، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام میباشد (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۹/۲۰) و فریاد برائت مخصوص زمان خاصی نیست. این فریادها، بر اساس فرمانی است که باید همواره زنده بماند، زیرا ترک آن معصیت بزرگی است که مرتکبان آن را مشمول خشم خداوند خواهد کرد و آنها را در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهد گذاشت. (امام خمینی، صحیفه امام، ۹۴/۲۰)

احیای هویت اسلامی مسلمانان

وعده‌ی قرآن کریم حاکم شدن دین حق بر همه ادیان و مکاتب ساختگی و دروغین است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (رک: توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸؛ صف، ۹) و این اسلام است که ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشانند و سنگرهای کلیدی جهان را فتح میکند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۲۰) از این رو، ملت‌های جهان نباید در برابر تمدن غرب، شکست خورده و منفعل حاضر شوند، بلکه باید با تمام قوا، بحران‌هایی را که در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گریبان‌گیر غریبان شده، بررسی و تبیین کرده و با جریان قدرتمند غربی‌سازی جهان در حوزه‌های گوناگون مقابله کنند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۲۵/۲۰) رسیدن به این هدف، مستلزم احیای هویت اسلامی و بازگشت آنان به اصول اساسی خویش است. از این رو، یکی از اهداف مهم جمهوری اسلامی تلاش برای احیای این هویت و توجه دادن مسلمانان به اصول و مبانی فکری دینی است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۹۱/۲۱)

گسترش نفوذ اسلام در جهان

اعتقاد به حقانیت اسلام و ایمان به بطلان دیگر مکتبها و مسلکها، به صورت بالقوه این توان را دارد که هر فرد مؤمن و معتقدی را به تلاش برای گسترش بیشتر اسلام وا دارد. از این جهت انقلاب اسلامی ایران از ابتدا نگاهی جهانی داشته و در پی نابودی همه‌ی نظام‌های استکباری و گسترش نظام اسلامی در سراسر جهان بوده است (رک: امام خمینی، صحیفه

امام، ۱۵/۳۴۸-۳۴۹) و در حقیقت تلاش برای گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهان خواران، اقدامی برای زمینه‌سازی ظهور منجی و مصلح کل است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۹/۱۴۶)

استکبار جهانی به خوبی دریافته است که انقلاب اسلامی اگر بتواند این وظایف و مسئولیتها را در عمل اجرا سازد، نتیجه‌ای جز نابودی آنها در بر نخواهد داشت. به همین دلیل، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش خود را در ضربه زدن به آن متمرکز ساخته و با تمام نیرو درصدد نابودی کامل یا دست‌کم، استحاله‌ی فرهنگی نظام اسلامی برآمده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱۵)

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه له بوده و هدف عظیم آن، ایجاد حکومت جهانی اسلام است. لذا، هدف اصلی جامعه اسلامی آمادگی برای ظهور دولت کریمه امام عصر عجله الله تعالی فرجه له است، (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱۵) بنابراین نباید به فرهنگ مهدویت و انتظار، با ویژگیهایی که در روایات برای آن شمرده شده است، به دیده مجموعه معارفی نگریم که فقط ترسیم‌کننده وضعیت آینده جهان است و هیچ نسبتی با وضعیت کنونی مسلمانان ندارد. باید این فرهنگ در تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه، جاری و ساری باشد و ویژگیهای یادشده تا جایی که ممکن است، در جامعه اجرا شود.

ویژگیهای حکومت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه له

جامعه‌ی موعود اسلامی و حکومتی که در فرجام تاریخ در سرتاسر جهان حاکم خواهد شد، ویژگیهای متعددی دارد؛ ولی بی‌تردید، در میان همه‌ی این ویژگیها، عدالت جایگاهی بی‌بدیل و منحصر به فرد دارد و محور همه‌ی تحولات جهان پس از ظهور به شمار می‌آید. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۴۷۲) در جامعه‌ی مطلوب که وعده‌ی تحقق آن به جهانیان داده شده است، همه‌ی مظاهر ستم و بی‌عدالتی از بین خواهد رفت و عدالت بر تمام مناسبات اجتماعی انسانها حکم فرما خواهد شد. دوره‌ی حکومت حضرت ولی عصر عجله الله تعالی فرجه له دوره جدیدی در زندگی بشر و نه دوره پایان زندگی او، بلکه شروع حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این

خانواده عظیم بشری است (ر.ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴) و این مهم با کوششها و فداکاریهای مؤمنان حاصل میشود؛ عالم اصلاح میگردد و ستمکاران سرکوب میشوند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۱۳/۱۲) هرچند در زمان آن حضرت طبق بعضی روایات مخالفتها و جنگهایی با آن حضرت واقع میشود؛ (حرعاملی، ۱۴۲۵ «الف»، ۲۵۲/۵) زیرا منافع مستکبران و ظالمان به خطر می‌افتد.

در این میان عالمانی هستند که از ستمگران پشتیبانی و حتی آن حضرت را تکفیر میکنند (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۵/۱۹) و منشأ این مخالفتها حب نفس و حب دنیا است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۶۲/۱۶)

ویژگیهای دیگر حکومت مهدوی عبارت است از:

حاکمیت توحید، معنویت، اخلاص و عبودیت خدا؛ آغاز حرکت جامعه بشری در مسیر صراط مستقیم و به سوی مقصد آفرینش؛ شروع زندگی سعادت‌مندانه همه‌ی انسانها؛ فراهم شدن زمینه برای خوب شدن، خوب حرکت کردن و درست پیمودن راه؛ برقرار شدن صلح و امنیت کامل در عالم؛ فعال‌تر، خلاق‌تر و آفریننده‌تر شدن اندیشه و عقول بشر؛ بالا رفتن سطح اندیشه دینی و اندیشه علمی انسانها؛ آشکار شدن همه‌ی برکات، نعمتها، نیکیها و زیباییهای عالم و قرار گرفتن همه‌ی آنها در اختیار انسان؛ اصل و محور قرار گرفتن تقوا و فضیلت و گذشت و ایثار و برادری و مهربانی و یک‌رنگی؛ دوری مسئولان از دنیا طلبی؛ تشکیل حکومت واحد جهانی متکی بر مردم و بالاخره سهولت طی مسیر حق و عدالت.

(آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ ۱۳۷۹/۱۲/۲۴؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ ۱۳۹۰/۴/۱۸؛ ۱۳۹۳/۳/۲۱)

در تفسیر آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»، (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده است که آنها را در زمین خلافت دهد)؛ امام علیه السلام می‌فرماید: درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او نازل شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۴۰)

آثار و نتایج اندیشه‌ی مهدویت

در اندیشه انقلاب اسلامی بر آثار و نتایج اندیشه مهدویت تأکید شده که مهمترین آنها

عبارت‌اند از:

قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی

کسی که اعتقاد به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دارد، از آنجا که آن حضرت مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون تجلی رحمت حق است، با ایشان رابطه‌ای معنوی برقرار میکند و توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب به سوی خدا دارد. به همین دلیل فرد منتظر، در توسلات معنوی خود، امام عصر عجل الله تعالی فرجه را مورد توجه و نظر دائمی قرار داده و به آن حضرت توسل می‌جوید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷) نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را رشد داده و تعالی می‌بخشد و وسیله‌ی پیشرفت او را از نظر معنوی و روحی فراهم می‌کند. (رک: امام خمینی، صحیفه، ۱۵۳/۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷؛ ۱۳۷۶/۹/۲۵)

امیدبخشی در برابر ظلم و فساد

برخلاف برخی مکاتب فلسفی و ادیان و مذاهب ساختگی که معتقدند جهان و جهانیان سرانجام در اوج تاریکی، گمراهی، ستم و نابرابری در اثر رویدادها و بلایایی طبیعی یا سلاح‌ها و تجهیزات ویرانگر ساخته‌ی دست بشر، نابود میشوند، (رک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ۲۰/۲-۵۰) مکتب اسلام، آینده‌ی جهان را بسیار روشن، امیدبخش، سرشار از نور و سرور میداند و معتقد است که دنیا فرجامی نیک خواهد داشت و برخلاف میل ستمگران و سرکشان تاریخ، جهانیان در پایان تاریخ، طعم خوش عدالت، آزادی و رستگاری را خواهند چشید (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۷۲/۱۴-۴۷۳-۴۷۳؛ رک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ۲۰/۲-۵۱) و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه آخرین بت شکن الهی است که از کعبه ندای توحید سر میدهد و ابرقدرتهای بزرگ جهان را که بتهای بزرگ عصرند و جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می‌خوانند، درهم می‌شکند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۸۷/۱۸) مؤمنان به امید روزی هستند که وعده‌ی خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک زمین بشوند؛ وعده‌ای که الهی است و تخلف ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۹۲/۷)

در روایات نیز اصلاحگری در عرصه‌های فردی و پیاده کردن محاسن اخلاق، (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۰۰) تلاش، پویایی و پیشرفت در تمام عرصه‌ها (نعمانی، ۱۳۹۷، ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۲۲) و

شکوفاسازی اندیشه‌ها (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۳۳۶) از آثار و نتایج اعتقاد به اندیشه مهدویت شمرده شده است.

از این رویکی از مهمترین آثار انتظار و اندیشه مهدوی امیدبخشی و دوری از یأس و ناامیدی است. امید موجب تلاش، حرکت، مبارزه و در نتیجه زنده ماندن انسان میشود. ملتی که اعتقاد به مهدویت داشته باشد، قدرتهای استعماری نمیتوانند منابع آنها را در اختیار بگیرند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۵/۹/۱۳۷۶) همچنین ملتی که زیر سلطه‌ی ظالمانه قدرت مسلطی قرار دارد، اگر هیچ امیدی نداشته باشد، چاره‌ای جز تسلیم شدن یا انجام کارهای کورویی جهت ندارد، اما اگر امیدوار باشد و بداند که سرانجام نیکی در انتظار اوست، به‌طور طبیعی مبارزه میکند و موانع پیش روی خود را برمی‌دارد. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴؛ ۲۹/۶/۱۳۸۴)

احساس حضور و نظارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه

یکی دیگر از آثار و نتایج اندیشه مهدویت؛ احساس حضور و نظارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی است (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۸/۳۷۱، ۳۹۲؛ مطهری، مجموعه آثار، ۴/۷۳۴) و این مطابق برخی روایات (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳/۳۴۰) است که اعمال افراد هر هفته بر امام عجل الله تعالی فرجه عرضه میشود. این عقیده که امام زمان عجل الله تعالی فرجه متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست، موجب میشود که افراد مواظب اعمال خود باشند و کاری نکنند که موجب رنجش آن حضرت شود (امام خمینی، صحیفه امام، ۱/۸/۳۷۱) و در میدانهای مختلف چه در میدان معنویت و عبادت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست و چه در میدان جهاد، از خودشان اخلاص و شادابی نشان دهند؛ زیرا احساس میکنند که با کار و تلاش خود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه را خرسند و خوشحال میکنند. (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۹/۶/۱۳۸۴) همچنین موجب میشود در سختیها و دشواریها به آن حضرت پناه ببرند و آن حضرت نیز از ضعیفان و بازماندگان دستگیری میکند. (امام خمینی، ۱۳۸۸، ۲۷۴) روایات نیز منتظران را مانند کسانی دانسته است که در خیمه آن حضرت بوده و در کنار ایشان شمشیر بزنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۲۶)

هدایت جامعه توسط نواب عام آن حضرت

اعتقاد به مهدویت به معنای حقیقی آن یعنی اعتقاد به امام حیّ و زنده، سبب اعتقاد به جانشینی نواب عام آن حضرت یعنی فقهای عادل و اداره جامعه و حکومت به دست ایشان است؛ زیرا بدون شک اجرای احکام اسلام مانند حدود و قصاص تعطیل بردار نیست و اجرای این امور بر عهده افراد واجد شرایطی است که مورد تأیید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه هستند. (امام خمینی، بی تا، ۵۰، ۷۴)

عقیده به مهدویت در کنار آثار مثبت، میتواند با همراه شدن با پیرایه‌ها و خرافات مبتلا به آفت شود. از جمله این آفات عبارت است از: ۱. ادعای تشرف و رؤیت از سوی افراد سودجو که میتواند باور به حقیقت مهدویت را در افراد کم‌رنگ کند؛ البته بزرگانی هستند که به محضر آن حضرت مشرف شده‌اند، اما هرگز اهل ادّعا و گفتن نیستند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷) ۲. بدفهمی حقیقت مهدویت، سبب انحراف از اهدافی است که در دین برای آن ترسیم شده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷) ۳. تفسیر و تطبیقهای نادرستی که بر روایات مهدویت صورت میگیرد، یکی دیگر از این آفتها است. در برابر این تحریفها و تفسیرهای نادرست، تحقیقاتی که در این زمینه انجام میشود، باید بر اساس اسناد قوی و توسط افراد اهل فن باشد و از کارهای عوامانه در این موضوع پرهیز گردد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

نقش مهدویت در اندیشه و انگیزه بخشی در انقلاب اسلامی

ارتباط انقلاب اسلامی با فرهنگ مهدویت آنچنان بارز و آشکار است که حتی پژوهشگران و تحلیل‌گران غربی - کسانی چون مارتین کرامر، برنارد لوئیس، مروین زونیس، دانیل برومبرگ، مایکل ام. جی و فیشر، که در نخستین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (۱۹۸۴م) به بررسی و تحلیل نقش آموزه‌های شیعی در انقلاب اسلامی ایران پرداختند - به این موضوع توجه و در مقالات خود بر آن تأکید کرده‌اند. (رک: تشیع، مقاومت و انقلاب، ۱۳۶۸، ۱۷، ۴۳، ۷۰-۷۳)

برخی بر این باورند که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تنها در گرو اذن خداوند است و هر زمان که اراده الهی به این امر تعلق گیرد، ظهور او واقع میشود؛ بنابراین انسانها نقشی در پیش

افتادن یا تأخیر ظهور و زمینه‌سازی برای آن ندارند. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱-۱۵) در مقابل این دیدگاه، برخی معتقدند که زمینه‌سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود، از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می‌توانند با اعمال شایسته خود ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له را نزدیک‌تر کنند. انقلاب اسلامی ایران بر اساس این دیدگاه استوار گشته است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱-۱۵)

امام خمینی رحمته الله علیه با طرح نظریه‌ی ولایت فقیه و لزوم تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت، پایه‌گذار گفتمانی جدید در عرصه‌ی مهدویت گردید که این امر مبتنی بر دیدگاه ایشان نسبت به پویایی و امیدساز بودن اعتقاد به مهدویت صحیح و حرکت و آمادگی برای ایجاد دولت مهدوی است. اساس نظریه یادشده بر اثبات جامعیت احکام اسلامی و توانایی آن برای اداره‌ی جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف انسان و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام و قوانین اسلامی بوده است. دین اسلام حقیقتی است که به دنبال حق، عدالت، آزادی و استقلال در جامعه است؛ اما استعمارگران می‌خواهند با ایجاد تصور نادرست از اسلام در اذهان عامه و تبلیغ اینکه اسلام دین جامعی نیست و احکامی در زمینه چگونگی اداره جامعه و حکومت ندارد، خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند که مسلمانان در راه اجرای احکام اسلام و ایجاد حکومتی که سعادتشان را تأمین میکند، تلاش کنند. (رک: امام خمینی، ۱۴۲۱، ۶۱۷/۲-۶۱۸)

دیدگاه ولایت فقیه در عصر غیبت، برداشتی تازه و متفاوت از مفهوم «حجت بودن امام معصوم علیه السلام» است؛ زیرا ولایت فقیه در راستای ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام معصوم علیه السلام است و این ولایت از امور اعتباری و عقلانی است و همان ولایتی که برای امام در تصدی امور حکومتی است، برای فقیه هم ثابت است؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۰۸/۱۰) علاوه بر این از آنجا که خداوند روز قیامت بر اساس سیره، رفتار و گفتار اهل بیت علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له از مردم بازخواست کرده و برایشان احتجاج میکند، بر آنان لازم است همه‌ی تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم علیهم السلام در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه‌ای از آنها پذیرفته نمی‌شود. (رک: امام خمینی، ۱۳۶۵، ۴۶)

نظریه‌ی ولایت فقیه، ابتدا به عنوان یک نظریه‌ی علمی در حوزه‌های علمیه مطرح شد؛

ولی به فاصله کمتر از یک دهه، مبنای نظری تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گردید و بنیادی برای قانون‌گذاری بر اساس موازین اسلامی شد. بدین ترتیب اولین گام برای حاکمیت اسلام و نزدیک شدن به عهد ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه به وسیله ملت ایران برداشته شد. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۹/۱۷)

بدون شک اعتقاد به مهدویت و امدادهای غیبی و عنایتهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در پیروزی انقلاب اسلامی مؤثر بوده و این انقلاب جز با این امدادها و عنایتها به پیروزی نمی‌رسید. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۴۲۱/۱۷؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۵) ملت بزرگ ایران با تکیه بر ایمان و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام گردید. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷) همچنان‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، فرهنگ مهدویت، انگیزه‌های مردم را در همراهی با جریان انقلاب اسلامی و تلاش برای به ثمر رسیدن نهایی آن تقویت کرده و نهضت اسلامی تحت الطاف حضرت ولی‌الله‌الاعظم عجل الله تعالی فرجه الیه روز به روز به پیش رفته است. (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

انقلاب اسلامی ایران در راستای قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بوده و زمینه‌ساز آن است، لذا اهداف انقلاب اسلامی هیچگاه محدود به ایران نبوده و به دنبال ایجاد حکومتی جهانی و مبارزه با قدرتهای استکباری بوده است. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۴۸/۱۵-۳۴۹؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ ۱۳۸۱/۷/۳۰)

توفیق انقلاب اسلامی در تحول و تعالی اندیشه مهدویت

اقبال و توجه عمومی به فرهنگ مهدویت و انتظار در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا بعد از آن هرگز از نظر کمی و کیفی یکسان نبوده است. در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرهنگ مهدویت و انتظار در سطح محدودی از جامعه جریان داشت و بیشتر هم معنا با سکون و سکوت و پذیرفتن وضع موجود و بی تفاوتی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی بود. مؤلفه‌های رویکرد مهدوی در این دوران عبارت‌اند از: ۱. توجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تنها به عنوان «منجی موعود» و نجات‌بخشی که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه‌ی دردها، رنجها و نابرابریها پایان میدهد؛ ۲. تمرکز نگاه بر «عصر ظهور» بدون داشتن

هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در «عصر غیبت»؛ ۳. خلاصه شدن «وظایف منتظران» در دعا برای تعجیل فرج و نزدیک‌تر شدن ظهور منجی موعود؛ ۴. تأکید صرف بر «ولایت‌ورزی» (تولّی) و بی‌توجهی به «برائت‌جویی» (تبری) از همه‌ی مظاهر کفر، شرک و نفاق در عصر حاضر. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۲۱-۱۵)

انقلاب اسلامی ایران به یاری پشتوانه‌ی غنی فکری و مبانی نظری خود که مبتنی بر منابع و متون اصیل اسلامی و به دور از هرگونه شائبه‌ی التقاط و خودباختگی بود، قاموسی عظیم از مفاهیم اسلامی را تدوین کرد که در سراسر تاریخ حیات فکری- فرهنگی مردم مسلمان ایران بی‌سابقه بود؛ زیرا در این قاموس، واژه‌ها نه در صفحه‌های محدود کتاب؛ بلکه در صفحه‌ای به گستردگی زندگی اجتماعی- فرهنگی مردم معنا می‌شد. در این قاموس مفاهیمی چون ایثار، جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر که سالها به فراموشی سپرده شده بودند، حیات دوباره یافتند و انقلاب اسلامی برای زدودن تفکرات انحرافی از دین و تشکیل جامعه‌ای اسلامی و الهی برپا گردید و توانست زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط در زمینه مهدویت را از بین ببرد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) همچنین واژه «مهدویت و انتظار» که سالها با تحمل ستم و دم فرو بستن، قیام نکردن در برابر حکومتها و در یک کلمه، ماندن و در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب، مترادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار «انتظار»، نه به عنوان عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع، بلکه به عنوان ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده‌ی موعود به کار گرفته شد و با احیای فرهنگ انتظار، که وسیله‌ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان بود، سعی شد تا قدرت اسلام در جهان تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور فراهم شود. (امام خمینی، صحیفه امام، ۳۷۴/۸) انقلاب اسلامی ایران توانست معنای نادرست از انتظار را باطل یا کم‌رنگ کند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) طبق همین مبنا، انقلاب اسلامی زمینه‌ساز انقلاب جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و یدبره می‌باشد. (ر.ک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴۶/۱۹)

انقلاب اسلامی در دوره‌ای که از آغاز انقلاب تا پایان دهه‌ی ۶۰ ادامه داشت، فرهنگ مهدویت را به عنوان فرهنگی پویا و پشتوانه‌ای نظری برای تشکیل حکومت صالحان در عصر غیبت مطرح کرد و مؤلفه‌های رویکرد مهدوی را دگرگون ساخت و از جنبه عاطفی به

رویکردی فعال در عرصه‌ی اجتماعی تبدیل کرد. در این دیدگاه مهمترین مؤلفه‌های رویکرد مهدوی عبارت‌اند از: ۱. توجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌اش به عنوان آخرین «حجت خدا» و امام حجت و حاضری که مردم در دوران غیبت نیز در برابر ایشان وظایف و مسئولیتهایی بر عهده دارند. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۳۹۱/۸؛ هو، ۱۳۶۵، ۴۶) این دیدگاه در دوران دفاع مقدس بسیار پررنگ بود و این نگرش تقویت می‌گردید که رزمندگان اسلام از هر گروهی که باشند لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌اش هستند؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۴/۱۴۴) ۲. از نظر دور نداشتن «عصر غیبت» و تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه‌سازی برای ظهور؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۲۶۹) ۳. توسعه‌ی وظایف و تکالیف منتظران و منحصر نشدن این وظایف به دعا برای تعجیل فرج و درخواست ملاقات با آن حضرت؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۲۶۹) ۴. توجه به «برائت جویی» به عنوان مقدمه و شرط «ولایت‌ورزی» واقعی؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۰/۹۴؛ شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰، ۳۱۸-۳۱۹) ۵. باز تعریف مکتب انتظار در فرهنگ سیاسی تشیع؛ (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۴-۱۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹؛ ۲۷/۵/۱۳۸۷) ۶. تلقی تشکیل حکومت در روزگار غیبت به عنوان زمینه‌ساز ظهور؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۲۶۹؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۹/۳/۱۳۷۴) ۷. بازاندیشی در ولایت فقها در روزگار غیبت؛ (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۰/۳۰۸) ۸. ابطال قرائت‌های ناصحیح در آموزه مهدویت. (رک: امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱/۱۴-۱۵؛ رک: آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱/۱۲/۱۳۶۹)

در دهه‌ی نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عرصه فرهنگ مهدویت شاهد برخی چالش‌ها و آفت‌ها نیز بود. در این دهه «انجمن حجّتیّه» (۱۳۳۲-۱۳۶۲) که در زمان خود گسترده‌ترین و فعال‌ترین تشکل فرهنگی اعتقادی در حوزه‌ی مهدویت بود، با اتخاذ موضع‌گیری‌های نادرست در برابر رهبرانقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی این ذهنیت را برای بسیاری از انقلابیان ایجاد کرد که فعالیت‌های مهدوی با اهداف انقلاب و نظام در تضاد است و گفت‌وگوز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌اش به معنای ضدّیت با ولایت فقیه است.

البته نمیتوان این موضع‌گیری‌ها را به کلیت انجمن حجّتیّه تعمیم داد؛ زیرا این انجمن مانند طیفی بود که افرادی با گرایش‌های مختلف - برخی انقلابی تمام عیار و معتقد به نظام اسلامی و ولایت فقیه و برخی هم غیر معتقد - در آن حضور داشتند. (علیانسب، ۱۳۸۶، ۱۸۸) در هر حال، استمرار این موضع‌گیری‌ها و بی‌توجهی رهبران انجمن نسبت به تذکرات فراوان

حضرت امام علیه السلام، در نهایت منجر به برخورد شدید رهبر انقلاب اسلامی با تشکل یادشده و تعطیل شدن فعالیت‌های آن در مرداد ۱۳۶۲ گردید. (رک: جعفریان، ۱۳۹۱، ۵۲۵-۵۴۲؛ علیانسنب، ۱۳۸۶، ۱۴۳-۱۷۲)

اندیشه‌ی مهدویت در دهه‌های بعد نیز استمرار یافت تا به مرور در دهه‌ی سوم که باید آن را دوران شکوفایی مجدد اندیشه‌ی مهدویت و انتظار نامید، کشور اسلامی ایران شاهد تلاش سازمان‌یافته‌ای برای احیای آرمان مهدویت بود. این امر با درک عمیق از موقعیت انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور به مهدویت و تقویت پایگاه‌هایی برای ارتباط با آن حضرت مانند مسجد مقدس جمکران - که امروزه به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم ترویج معنویت فعالیت دارد- و تقویت فرهنگ انتظار آغاز گردید و با اقبال جامعه به تقویت و تعمیق ارتباط معنوی با حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام در مسائل مختلفی رشد پیدا کرد. در این راستا به پاره‌ای امور در عصر حاضر تأکید شد که عبارت‌اند از:

۱. شناسایی و نقد بنیادین جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن مغرب‌زمین به عنوان فرهنگ و مدنیته‌ی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت‌مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت‌محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که حق و باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از حق پیروی کرده و از باطل بیزاری جویند؛ ۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی که به تقلید از الگوهای توسعه‌ی غربی و تحت تأثیر اندیشه‌های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است. این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی‌توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی برای خروج از فتنه‌های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛ ۳. تلاش برای تدوین راهبرد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت تا رسیدن به عصر طلایی ظهور بر اساس اندیشه‌ی مهدوی و فرهنگ انتظار؛ ۴. بازشناسی جنبه‌های اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه‌ی مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره‌گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه‌ی توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه‌ی

مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی؛ ۵. تلاش برای پالایش اندیشه‌ی ناب مهدوی از هرگونه شائبه‌ی جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه و سخنان سست و بی‌اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط؛ ۶. پاسخ‌گویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهه‌ها، پرسشها و ابهامهای موجود در زمینه‌ی منجی‌گرایی؛ ۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده‌ی این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛ ۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه و نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از اتفاق ارزشمند ظهور؛ ۹. مقابله‌ی جدی با همه‌ی جریانهای سیاسی- فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی به تقابل با اندیشه‌ی موعودگرایی شیعی می‌پردازند، از طریق گسترش فرهنگ ناب مهدوی و نقد و بررسی جریانها و اندیشه‌های انحرافی و التقاطی؛ ۱۰. بررسی و نقد دیدگاه‌هایی که اندیشمندان مغرب‌زمین در زمینه‌ی جهان آینده و آینده‌ی جهان مطرح کرده‌اند. (رک: شفیع سرستانی، ۱۳۸۱، ۲/۳۳-۷۶؛ همو، ۱۳۹۰، ۲۹۱-۲۹۲)

پیگیری این تلاشها، به نوبه‌ی خود نویدبخش زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه است. (رک: شفیع سرستانی، ۱۳۹۰، ۳۰۷-۳۲۴، ۶۴۲-۶۴۹)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهدویت در فرهنگ اسلامی به معنای مهدی‌باوری، مهدی‌گرایی و اعتقاد به آن حضرت عجل الله تعالی فرجه به عنوان منجی زنده و موعود آخرالزمان است؛ مهدویت بیانگر دیدگاه اسلام درباره‌ی جهان آینده و آینده جهان است. بی‌تردید در هیچ آیین و مکتبی به اندازه‌ی دین اسلام به موضوع آینده‌ی جهان و آخرالزمان اهمیت داده نشده و در هیچ فرهنگ و آیینی به مانند اسلام، زوایای مختلف این موضوع تبیین و تشریح نشده است. آثار علمی فراوانی که از قرون اولیه اسلام تاکنون در این زمینه تألیف شده، شهادی بر این مدعاست. آن حضرت پنج سال بعد از تولد، از دیدگان غایب شد. فلسفه غیبت ایشان که به خورشید پشت

ابر تشبیه شده است امتحان منتظران در ثبات قدم و استواری، سازش و بیعت نکردن با طاغوت و تأدیب انسانها به دلیل ظلم به اولیاء الهی شمرده شده است.

انتظار، محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوعی است که در آموزه‌های مهدوی، بر آن تأکید شده است. در این آموزه‌ها، انتظار به معنای عملی آگاهانه همراه با آمادگی و مجاهدت در سطوح مختلف فکری، اخلاقی و عملی، برای ساختن آینده‌ای روشن بر اساس برنامه و نقشه‌ی الهی است. منتظران ظهور باید در مسیر خودسازی قدم بردارند و با نهایت توان و امکانات خود، برای تحقق قدرت اسلام در جهان و شناساندن برتریهای دین اسلام به جهانیان تلاش کنند و متحد با یکدیگر در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند. منتظران باید برای تعجیل در فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کنند همچنان که جامعه اسلامی نیز موظف است در عصر غیبت تشکیل حکومت داده و برای ظهور زمینه‌سازی کرده و در راستای تحقق عدالت و احیای هویت اسلامی و گسترش آن در جهان تلاش کنند. حکومتی که در فرجام تاریخ در سرتاسر جهان حاکم خواهد شد، ویژگیهای متعددی دارد که عدالت مهمترین آنهاست. دوره‌ی حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه دوره جدیدی در زندگی بشر و شروع حیات حقیقی انسان است که حاکمیت توحید، معنویت، اخلاص و عبودیت خدا از جمله ویژگیهای آن میباشد.

انتظار، محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوعی است که در آموزه‌های مهدوی، بر آن تأکید شده است. در این آموزه‌ها، انتظار به معنای عملی آگاهانه همراه با آمادگی و مجاهدت در سطوح مختلف فکری، اخلاقی و عملی، برای ساختن آینده‌ای روشن بر اساس برنامه و نقشه‌ی الهی است.

هرچند در طول تاریخ، فرهنگ مهدویت و انتظار که عاملی مهم برای پویایی و پایداری جوامع اسلامی در دوران غیبت به شمار می‌آید، دچار تحریف و انحراف شد و با سکون و سکوت، تحمل ستم و ماندن و در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب، مترادف گردید؛ اما با آغاز نهضت امام خمینی ره در ایران، فرهنگ مهدویت و انتظار نیز چون بسیاری دیگر از مفاهیم والای اسلامی، حیات دوباره یافت و به عنوان باوری مهم برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده‌ی موعود به کار گرفته شد. انتظار نیز به معنای کوشش شخص

منتظر برای تحقق قدرت اسلام و آماده کردن زمینه‌ی ظهور است که مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت کریمه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد. انقلاب اسلامی در راستای قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و زمینه‌ساز آن است؛ لذا اهداف انقلاب اسلامی هیچگاه محدود به ایران نبوده و هدف آن ایجاد حکومتی جهانی و مبارزه با قدرتهای استکباری است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آصف آگاه، سید حسن، سوشیانت منجی ایرانویچ، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشيعة، بیروت، دار الاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.
۷. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۸. احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق سید ابوالمعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۹. اصفهانی، محمد تقی موسوی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بی تا.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تنقیح الأصول، تقریر حسین تقوی اشتهااردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش.

۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
۱۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۷. تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو ۱۹۸۴م)، بی جا، بی نا، ۱۳۶۸ش.
۱۸. جعفریان، رسول، جریانها و سازمانهای مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، نشر علم، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، کشف التعمیه فی حکم التسمیه، تحقیق مهدی حمد فتلاوی، بیروت، دار الیهادی، ۱۴۲۵ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۲۲. حسینی بهشتی، سید محمد، حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، چاپ هفتم، ۱۳۹۰ش.
۲۳. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۴. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۵. سبحانی، جعفر، الأئمة الاثنی عشر (دراسة موجزة عن شخصیتهم و حیاتهم)، معاونیه شئون التعليم و البحوث الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۶. سفارینی، محمد بن احمد، لوامع الانوار البهیة و سواطع الأسرار الاثریه، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
۲۷. سید مرتضی، علی بن حسین، المقنع فی الغیبة، تحقیق سید محمد علی حکیم، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

۲۸. سيوطي، جلال الدين، *العرف الوردی في اخبار المهدي*، تحقيق محمد كاظم موسوي، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۲۹. شاکری زواردهی، روح الله، *منجی در ادیان*، تهران، بنیاد فرهنگ حضرت مهدي موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۳۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم، *معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف منتظران*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۳۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل، *درآمدی بر استراتژی انتظار*، تهران، موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۳۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، تحقيق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدين و تمام النعمة*، تهران، دار الکتب الاسلامية، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۳۵. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تحقيق محسن کوچه باغی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، تحقيق سيد محمد باقر موسوی خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۳۷. طریحی، فخرالدين، *مجمع البحرين*، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، تحقيق عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۹. علی دخیل، علی محمد، *الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف بیروت*، دار المرتضی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۰. علیانسیب، سید ضیاءالدين، *علوی نیک*، سلمان، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم، زلال کوثر، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۴۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تحقيق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ش.
۴۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۶. نراقی، احمد بن محمد، عوائد الایام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.

آیات

- ایاک نعبد و... / حمد، ۵ / ۳۲۰
- أتأمرون الناس بالبرّ... / بقره، ۴۴ / ۱۸۱، ۱۸۷
- وإذ قلتم... ذلك بأنهم... / بقره، ۶۱ / ۵۱۶
- وإذ ابتلى... قال لا ينال... / بقره، ۱۲۴ / ۷۱
- صبغة الله ومن أحسن... / بقره، ۱۳۸ / ۵۷
- ولكلّ... فاستبقوا الخيرات... / بقره، ۱۴۸ / ۲۸۴، ۲۸۷
- الذين إذا أصابتهم... / بقره، ۱۵۶ / ۵۳۸
- وإذا تولى سعى فى... / بقره، ۲۰۵ / ۷۲، ۱۲۴
- لا إكراه فى الدين... / بقره، ۲۵۶ / ۵، ۳۰۸
- ۳۳۷
- الله وليّ الذين آمنوا... / بقره، ۲۵۷ / ۶۱
- يؤتى الحكمة... ومن يؤت... / بقره، ۲۶۹ / ۵۶
- فإن لم... لا تظلمون و... / بقره، ۲۷۹ / ۱۷۸
- إنّ الدين عند الله... / آل عمران، ۱۹ / ۱۳۹
- يوم تجد كلّ نفسٍ ما... / آل عمران، ۳۰ / ۵۳
- واعتصموا... واذكروا نعمت... / آل عمران، ۱۴۸ / ۲۸۳، ۶۴ / ۱۰۳
- ولتكن منكم أمة... / آل عمران، ۱۰۴ / ۱۷۴،
- ۶۵۳
- كنتم خير أمةٍ... / آل عمران، ۱۱۰ / ۱۷۴
- وكأين من نبيّ... / آل عمران، ۱۴۶ / ۴۱۴، ۵۱۶
- فبما رحمةٍ من الله... / آل عمران، ۱۵۹ / ۸۷
- لقد مَنَّ الله على... / آل عمران، ۱۶۴ / ۶۱
- ولا تحسبنّ الذين... / آل عمران، ۱۶۹ / ۵۴۴
- ومن يطع الله... نساء / ۶۹ / ۵۱۴
- حرّمت عليكم... رضيت لكم... / مائده، ۳ / ۱۳۹
- يا أيّها الذين آمنوا كونوا... / مائده، ۸ / ۱۷۸
- يا أيّها الذين... وابتغوا... / مائده، ۳۵ / ۳۲۷
- فترى الذين فى قلوبهم... / مائده، ۵۲ / ۵۴
- يا أيّها... عليكم أنفسكم... / مائده، ۱۰۵ / ۱۸۱
- قل أرايتم إن أتاكم... / انعام، ۴۷ / ۱۷۸
- إتى وجهت وجهى... / انعام، ۷۹ / ۵۲
- قال ما منعك ألا... / اعراف، ۱۲ / ۹۴
- قال موسى... والعاقبة للمتقين / اعراف، ۱۲۸ / ۶۱
- وأعدّوا لهم ما... / انفال، ۶۰ / ۴۲۷

- والَّذِينَ آمَنُوا وهاجروا... / انفال، ۷۴ / ۵۲۴
- إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ... / توبه، ۱۸ / ۶۰۴، ۶۰۵
- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ... / توبه، ۳۳ / ۶۵۸
- لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا... / توبه، ۱۰۸ / ۳۹۲
- فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ... / هود(ع)، ۱۱۲ / ۶۳، ۶۱۲
- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ... / رعد، ۱۱ / ۸۹، ۱۲۵، ۵۳۲
- الَّذِينَ... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ... / رعد، ۲۸ / ۳۲۱
- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ... / ابراهيم(ع)، ۲۸ / ۷۲
- يَوْمَ تَبَدَّلَ... وبرزوا لله... / ابراهيم(ع)، ۴۸ / ۳۱۶
- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ... / نحل، ۹۰ / ۶۶
- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... / نحل، ۹۷ / ۵۴، ۵۵
- إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ... / اسراء، ۹ / ۸۶
- وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ... / اسراء، ۱۶ / ۵۱، ۷۲
- وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ... / اسراء، ۸۱ / ۶۴۷
- وَأَمْرًا هَلْكَ بِالصَّلَاةِ... / طه، ۱۳۲ / ۱۸۱
- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ... / انبياء(ع)، ۱۰۵ / ۱۶۷، ۶۴۶
- الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ... / حج، ۴۱ / ۷۶، ۷۷، ۱۴۶
- أَوْ كَظَلَمَاتٍ... وَمَنْ لَمْ يَجْعَلْ... / نور، ۴۰ / ۶۱
- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ... / نور، ۵۵ / ۶۶۰
- فَلَا تَطْعَمُ الْكَافِرِينَ... / فرقان، ۵۲ / ۴۳۰
- وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمَّتْهَا... / شعراء، ۲۲ / ۵
- وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى... / قصص، ۵ / ۲۴۱
- فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ... / روم، ۳۰ / ۵۱
- لِلَّهِ مَا فِي... هو الغني... / لقمان، ۲۶ / ۳۱۳
- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي... احزاب، ۲۱ / ۲۳۱
- وَقَرْنَ فِي... ائِمَّا يريدهن... احزاب، ۳۳ / ۲۲۰
- هُوَ الَّذِي يَصَلِّي... احزاب، ۴۳ / ۴۸
- اِئِمَّا تَنْذِرُ... ائِمَّا ياتبع... يس، ۱۱ / ۶۳
- أَلَا لِلَّهِ... وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا... زمر، ۳ / ۳۲۸
- وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا... فبَشِّرْ عِبَادَ... زمر، ۱۷ / ۱۱۳
- الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ... زمر، ۱۸ / ۱۱۳
- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ... / فتح، ۲۸ / ۲۴۴، ۶۵۸
- مُحَمَّدٌ رَسُولٌ... أَشَدَّاءَ عَلَى... / فتح، ۲۹ / ۱۴۰
- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ... / ذاريات، ۵۶ / ۶۸، ۱۶۶
- هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ... / حديد، ۳ / ۳۱۴
- مَا أَفَاءَ اللَّهُ... و ما آتاكم... / حشر، ۷ / ۲۴۵
- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ... / حشر، ۱۹ / ۹۵
- هُوَ اللَّهُ... يَسْبِغْ لَه ما... / حشر، ۲۴ / ۵۰
- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ... / صف، ۹ / ۶۵۸
- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي... / جمعه، ۲ / ۴۷، ۳۶۴
- مِثْلَ الَّذِينَ حَمَلُوا... / جمعه، ۵ / ۷۳
- وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ... / طلاق، ۲ / ۶۲، ۸۶
- وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ... / طلاق، ۳ / ۶۲، ۸۶
- يَا أَيُّهَا... قُو أَنْفُسَكُمْ... / تحريم، ۶ / ۷۷، ۱۸۱، ۳۷۷، ۳۷۸
- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ... / تحريم، ۹ / ۸۷
- وَإِنَّكَ لَعَلَى... / قلم، ۴ / ۴۳
- فَقَالَ أَنَا رَبُّكُم... / نازعات، ۲۴ / ۱۸۸

نمایه‌ها / ۶۷۹

- ان رآه استغنی / علق، ۷ / ۸۰
فمن يعمل مثقال ذرّة... / زلزال، ۷ / ۵۳
فمن يعمل مثقال ذرّة... / زلزال، ۸ / ۵۳
- إثمهم یکیدون کیداً / طارق، ۱۵ / ۱۶۷
واکید کیداً / طارق، ۱۶ / ۱۶۷
ونفسٍ وما سواها / شمس، ۷ / ۵۹
فألهمها فجورها و تقواها / شمس، ۸ / ۵۹
قد أفلح من زكّاهها / شمس، ۹ / ۴۸
وقد خاب من دسّاهها / شمس، ۱۰ / ۴۸
قد أفلح من تزكّی / اعلى، ۱۴ / ۵۱
كلّا إنّ الإنسان... / علق، ۶ / ۸۰

روایات

- ۳۱۶، ۲: (ص) پیامبر اکرم (ص)... قولوا لا اله الا الله...
 علم به سه دسته تقسیم میشود... پیامبر
 اکرم (ص): ۴۷
 إنما بعثت لأتمم مكارم... پیامبر اکرم (ص):
 ۴۸، ۶۳، ۲۸۶، ۲۸۷
 فبالعقل عرف العباد خالقهم... امام
 صادق (ع): ۵۸
 حسن خلق موجب بهره‌مندی...: ۶۵
 حسن خلق موجب آبادانی...: ۶۵
 سوء خلق ایمان را...: ۶۵
 سوء خلق خیر دنیا و آخرت...: ۶۵
 سوء خلق انسان را به عذاب...: ۶۵
 قد أزم نفسه العدل... امیرالمؤمنین (ع): ۶۵
 به همه نیکی کنید چون... امیرالمؤمنین (ع):
 ۶۶
 کسی که با فقیر همدردی... پیامبر اکرم (ص):
 ۶۶
 هرکس با مردم به انصاف... امیرالمؤمنین (ع):
- ۶۶
 بالاترین اعمال سه چیز است... امام
 صادق (ع): ۶۶
 نسبت به خدا و بندگان، انصاف...
 امیرالمؤمنین (ع): ۶۶
 ترک امر به معروف و... امیرالمؤمنین (ع): ۶۷
 وأن الترحل إليك... امام سجاد (ع): ۸۶
 رأس كل خطيئة... پیامبر اکرم (ص): ۹۳
 اگر بنده‌ای نماز و روزه...: ۹۴
 پیامبر اسلام (ص) با غلامشان...: ۱۰۶
 پیامبر اسلام (ص) از پیروانش...: ۱۰۶، ۱۰۷
 لیستادوهم میثاق فطرته... امیرالمؤمنین (ع):
 ۱۱۰، ۲۴۲
 شانه خالی کردن از امر به معروف... پیامبر
 اکرم (ص): ۱۷۵
 برپاداشتن امر به معروف... پیامبر اکرم (ص):
 ۱۷۵
 برپاداشتن امر به معروف... امیرالمؤمنین (ع):

- انتظار فرج افضل اعمال...، -: ۲۴۱، ۶۵۰ ۱۷۵
- وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ...، امیرالمؤمنین (ع): ۲۴۵
- سلمان مَنَا اهل البيت...، پیامبر اکرم (ص): ۱۷۵
- در مقایسه‌ای میان مجموع...، امیرالمؤمنین (ع): ۱۷۶
- اگر کسی لاله‌الله را با اخلاص...، -: ۳۱۰
- کمال توحیده الإخلاص...، امیرالمؤمنین (ع): ۳۱۴، ۳۱۲ ۱۹۶
- آن‌ها احبار را پرستش نمی‌کردند...، -: ۳۲۷
- برتری جوانان پاک‌سیرت...، پیامبر اکرم (ص): ۳۵۱
- رفیق فیما یأمر و...، امام صادق (ع): ۱۸۸
- آن را بر کسی که قدرت انجام...، امام صادق (ع): ۱۹۲
- دوران جوانی بهترین زمان...، -: ۳۵۱
- خداوند به عبادت‌پیشه بودن جوانان...، -: ۳۵۱
- پایین‌ترین درجه‌ی نهی...، -: ۱۹۴
- جهد دری از درهای بهشت...، -: ۴۱۷، ۵۲۱
- مجاهدان رهبران اهل بهشت...، -: ۴۱۷
- کسی که مردم را به نیکی...، امیرالمؤمنین (ع): ۱۹۴
- صدای قلم عالمان...، پیامبر اکرم (ص): ۴۳۰
- آخر الدّواء الکی...، امیرالمؤمنین (ع): ۱۹۶
- شخصی که در جهت معیشت...، -: ۴۲۷
- مردم باید امر به معروف...، پیامبر اکرم (ص): ۲۰۶
- صدای قلم عالمان...، پیامبر اکرم (ص): ۴۳۰
- شناخت زمانه وظیفه‌ای...، -: ۴۳۳
- برای شهید نزد خداوند...، پیامبر اکرم (ص): ۵۱۵
- مثل اهل بیت من در میان...، پیامبر اکرم (ص): ۲۲۱
- دری مخصوص شهیدان در...، -: ۵۱۵
- مثل اهل بیت همچون ستارگان...، پیامبر اکرم (ص): ۲۲۱
- شهیدان شفیعان روز قیامت...، -: ۵۱۵
- مخالقان اهل بیت، حزب ابلیس...، -: ۲۲۱
- از شهیدان سؤال قبر...، -: ۵۱۵
- نبود اهل بیت مایه‌ی نابودی...، -: ۲۲۲
- شهیدان نخستین واردشوندگان به...، -: ۵۱۵
- اگر ما نبودیم خداوند...، پیامبر اکرم (ص): ۲۲۶
- من قتل دون أهله...، پیامبر اکرم (ص): ۵۱۵
- علینا إلقاء الأصول...، امام رضا (ع): ۲۲۸

- بنی اسرائیل در فاصله‌ی ... - ۵۱۶
وای بر کسی که ندای ...، امام صادق (ع): ۵۱۸
وَأَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ ...، امیرالمؤمنین (ع): ۵۲۰
نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ ...، امیرالمؤمنین (ع): ۵۲۰
أَشْرَفَ الْقَتْلِ قَتْلَ ...، پیامبر اکرم (ص): ۵۲۱
بِالْأَتْرَازِ هَرْنِيكِي ...، پیامبر اکرم (ص): ۵۲۱
الهِ هَبْ لِي كَمَالَ ... - ۵۲۳
وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ...، پیامبر اکرم (ص): ۵۴۰
مساجد خانهی خداترسان ...، پیامبر اکرم (ص): درباره‌ی حضرت قائم (عج) و ... - ۶۶۰
۵۹۶، ۵۹۷
خداوند مساجد را ...، امام صادق (ع): ۵۹۷
إِنَّ تَفَكَّرَ سَاعَةً ...، پیامبر اکرم (ص): ۶۰۴، ۶۰۵
- امیرمؤمنان پس از پذیرش ... - ۶۰۷
تفکر برتر از یک سال ... - ۶۳۶
هرگاه قائم به پا خیزد ...، امام صادق (ع): ۶۴۷
فَأَيْتَهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ ...، امام زمان (عج): ۶۴۹
غیبت مهدی (عج) به آفتاب ... - ۶۵۰
بهترین عمل در عصر ...، پیامبر اکرم (ص): ۶۵۰
هر پرچمی پیش از قیام ... - ۶۵۲، ۶۵۳
وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ ...، امام زمان (عج): ۶۵۶
اعمال افراد هر هفته بر ... - ۶۶۲

اشخاص، اماکن، زمانها و...

ابان بن تغلب: ۵۵۶	۱۵ خرداد ۴۲: ۲۹۶، ۵۷۷
ابراهیم زکراکی: ۲۵۹	۹ دی: ۲۷
ابراهیم (ع): ۴۴، ۱۳۱، ۲۲۰، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۶۹، ۳۵۰، ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۰، ۳۲۹	آدم (ع): ۳۲۹، ۶۴۷
۶۵۱، ۵۹۶، ۳۹۷	آذربایجان: ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۷۶
ابلیس: ۳۲۱، ۲۲۱، ۹۴	آستان قدس رضوی: ۳۷۶
ابن تیمیّه: ۲۴۶	آسیا: ۱۰۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۷۷، ۵۰۱، ۴۹۹، ۴۸۴
ابن جنید اسکافی: ۵۵۷	آفریقا: ۱۰۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۴۳۴، ۴۵۶، ۴۵۹
ابن سینا: ۱۰۷، ۳۶۷	۴۷۷، ۵۰۱، ۵۰۲
ابن مسکویه: ۴۵، ۳۶۷	آلبویه: ۲۷۷، ۲۵۰
ابوحنیفه: ۲۲۳	آلمان: ۱۲۷، ۶۰۳
ابوذر غفاری: ۱۳۲، ۵۱۷	آمریکا: ۸۰، ۹۱، ۹۷، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۳
ابوسفیان: ۱۵۹، ۱۶۱	۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷-۱۶۳، ۱۶۶-۱۶۸، ۲۹۵
اتحادیه‌ی مسلمین: ۲۷۷، ۲۹۹	۲۹۸، ۳۳۸، ۳۷۳، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۱، ۴۴۱
احمد بن محمد بن حنبل: ۲۲۳	۴۴۲، ۴۴۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۸۴
احمد بن موسی (ع): ۲۴۹، ۲۵۰	۴۹۹-۵۰۲، ۶۰۹، ۶۱۹، ۶۳۰
احمدی روشن، مصطفی: ۵۳۴	آمریکای لاتین: ۴۵۹
احیاء علوم دین (کتاب): ۴۵	آوینی، سیدمرتضی: ۳۸۹، ۵۳۴

- افلاطون: ۴۳، ۳۶۷
- الاتنصار (کتاب): ۵۷۴
- الجزایر: ۱۵۶، ۶۲۶، ۶۲۸
- الخلاف (کتاب): ۵۵۸، ۵۷۴
- الردّ علی اصحاب الاجتهاد فی الاحکام (کتاب): ۱۵۰
- الرسالة القشیریه (کتاب): ۴۵
- الرعایه لحقوق الله (کتاب): ۴۵
- الفوائد المدنیة (کتاب): ۵۵۸
- المحجّة البیضاء (کتاب): ۴۵
- ام. جی، مایکل: ۶۶۳
- أمل (جنبش): ۲۵۸
- انجمن تبلیغات اسلامی: ۲۹۹
- انجمن حجّتیّه: ۱۱۵، ۶۶۷، ۶۶۸
- انجمنهای اسلامی دانشجویان: ۲۹۷، ۲۹۸
- ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱
- انجیل: ۴۱۴
- اندلس: ۴۳۰
- انصاری، شیخ مرتضی: ۵۵۹، ۵۷۲، ۵۸۷
- انگلیس: ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۵۷، ۴۷۸، ۴۸۴
- ۵۱۸
- اهل حدیث، اخباریان: ۳۱۶، ۴۳۵، ۵۵۸
- ۵۹۹
- ایتالیا: ۱۲۷
- ایران: در بسیاری از صفحات
- ایوب (ع): ۴۴
- اخلاق محتشمی (کتاب): ۴۵
- اخلاق ناصری (کتاب): ۴۵
- اخلاق نیکوماخوس (کتاب): ۴۲
- اخوان المسلمین: ۴۳۴، ۶۲۶
- ادریس (ع): ۴۴
- ارانی، تقی: ۲۷۶
- ارتش: ۳۸۷، ۵۳۵
- ارسطو: ۴۲، ۴۳
- ارشاد القلوب (کتاب): ۴۵
- اروپا: ۳، ۲۵۸، ۲۷۶، ۲۹۸، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۵۹
- ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۹۹-۵۰۲
- اسامة بن زید: ۱۴۱، ۳۵۱
- استالین: ۱۲۶
- استرالیا: ۴۵۹
- استرآبادی، ملا محمدامین: ۵۵۸
- اسدآبادی، سیدجمال الدین: ۱۰۸، ۱۳۲
- اسماعیل محلاتی: ۱۰۷
- اسماعیل (ع): ۴۴، ۲۲۰، ۳۳۰، ۳۵۰، ۵۹۶
- اسمیت، آدام: ۱۱، ۴۶۱، ۴۶۸
- اشاعره: ۳۱۶
- اصحاب جمل: ۲۳۷
- اصحاب صفین: ۲۳۷
- اصحاب کهف: ۳۵۰
- اصفهان: ۲۹۶، ۶۰۳
- افغانستان: ۲۵۷، ۲۵۸، ۴۲۳، ۴۴۴، ۴۸۴

بييت المقدس: ۴۱۴	باييت: ۴۸۵
پاکستان: ۴۸۴، ۲۵۷	بازرگان، مهدي: ۵۸۳، ۱۴۲
پاوه: ۵۳۴	بالکان: ۱۰۸
پروستان: ۴۲۵	باهنر، محمدجواد: ۵۳۴، ۲۹۸، ۲۹۶، ۹۱
پهلوی، رضاخان: ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۷۶، ۲۷۷، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۸۵، ۶۲۷	بحرانی، شيخ يوسف: ۵۵۸
پهلوی، محمدرضا: ۱۰۹، ۱۲۲، ۲۷۷، ۲۷۸	بحرين: ۴۴۴، ۳۶۴، ۲۵۷، ۱۶۲
۴۸۳، ۴۸۵	بروجردی، محمد: ۵۳۴
تذكرة الفقهاء (كتاب): ۵۷۴	برومبرگ، دانييل: ۶۶۳
ترك: ۱۵، ۱۰۸	بريتانيا: ۴۷۸
ترکان سلجوقی: ۴۲۵	بصره: ۵۱۷
ترکيه: ۲۵۷، ۲۹۷	بلوچ: ۱۵
تنبيه الامة و تنزيه الملة (رساله): ۱۰۷، ۱۱۷	بنتهام: ۴۶۸
تنبيه الخواطر (كتاب): ۴۵	بنیاد شهيد: ۵۴۱، ۵۳۵
تورات: ۴۱۴، ۴۹۷	بنیاد مستضعفان: ۵۳۵
تونس: ۱۰۸، ۳۶۴	بنی اسرائیل: ۴۴، ۷۹، ۵۱۶
تهران: ۹۲، ۲۷۶، ۶۱۵، ۶۳۴	بنی امیه: ۱۰۶، ۱۴۱، ۲۳۲، ۲۳۷ - ۲۳۹، ۲۴۵
جامع السعادات (كتاب): ۴۵، ۴۶	۲۴۹، ۴۳۹، ۵۲۵، ۶۰۰، ۶۳۷
جامعة المصطفى العالمية: ۲۶۰، ۲۶۳	بنی عباس: ۱۴۱، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۹، ۶۰۰
جامعه‌ی روحانیت مبارز: ۲۹۶	۶۳۷
جامعه‌ی مدرسین حوزه: ۲۹۴، ۲۹۵	بودائی: ۶۴۶
جبرئیل (ع): ۲۲۹	بوسنی: ۲۵۸، ۴۲۳
جبهه‌ی مسلمان آزاده: ۲۹۶	بوشهر: ۵۱۸
جبهه‌ی ملی: ۲۷۶	بوکهارت، تیتوس: ۶۰۳
جعفر طیار: ۵۱۷	بهائیت: ۴۸۵، ۴۸۴، ۱۵۸
	بهبهانی، وحید: ۵۵۸، ۶۲۷
	بيت الله الحرام: ۱۸۳، ۱۹۲، ۶۰۱

- جمعیت مبارزه با بی دینی: ۲۷۷
 جنبش خمینیون: ۲۵۹
 جنگ تبوک: ۱۸۹، ۱۴۱
 جنگ جمل: ۵۱۷
 جنگ صفین: ۲۳۷، ۵۱۷، ۵۲۹
 جواهرالکلام (کتاب): ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷
 جوینی: ۲۲۲
 جهاد اسلامی: ۲۵۸، ۴۴۰
 جهاد خودکفایی: ۴۲۹، ۴۴۵
 جهاد دانشگاهی: ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۳۱
 جهاد سازندگی: ۳۶۲، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۴۵، ۵۳۵
 چمران، مصطفی: ۵۳۴، ۵۴۰
 چهل حدیث (کتاب): ۴۶
 چین: ۱۲۶
 حارث محاسبی: ۴۵
 حجاج بن یوسف: ۲۴۹
 حجت بن الحسن (عج): ۹۹، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۹۸، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۶۱، ۳۴۱، ۳۵۱، ۵۱۹، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۸۲، ۶۴۵-
 ۶۵۰، ۶۵۲-۶۷۱
 حزب الله لبنان: ۱۵۷، ۲۵۸، ۲۶۳
 حزب توده: ۲۷۶، ۲۸۳، ۵۳۶
 حزب جمهوری اسلامی: ۲۹۸، ۲۹۹، ۵۳۶
 حزب دموکرات: ۲۸۳، ۵۳۶
 حزب رستاخیز: ۲۷۸، ۲۸۳
 حزب مستضعفان: ۲۸۹
- حسن البنا: ۱۳۲
 حسن بن ابی عقیل عثمانی: ۵۵۷
 حسن بن علی العسکری (ع): ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۳۳، ۲۲۳، ۲۲۰
 حسن بن علی (ع): ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸
 حسین بن روح: ۶۴۹
 حسین بن علی (ع): ۸۷، ۹۶، ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۶-۲۳۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۵۱، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۳۹، ۴۴۱، ۵۱۶-۵۱۸، ۵۲۰-۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۶
 حسینی بهشتی، سید محمد: ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۹۱
 ۴۴۲، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۴۰، ۶۵۰
 حکومت صفوی: ۱۴۲
 حکومت عثمانی: ۱۴۲، ۴۳۹، ۴۵۹، ۴۷۹، ۵۲۵
 حکومت قاجار: ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۴۲، ۴۸۴، ۶۲۶
 حماس: ۲۵۸
 حمزه سید الشهداء: ۵۱۷
 حنبلی: ۵۶۴، ۶۳۳
 حنظله غسیل الملائکه: ۵۱۶
 حنفی: ۵۶۴
 خامنه ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی): ۲۴، ۹۸، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۷۷، ۲۹۸، ۳۵۰، ۳۶۰، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۴۲، ۵۲۶، ۵۳۴-۵۳۶، ۵۴۳، ۵۶۴، ۵۸۰، ۶۵۵

دهه‌ی ۸۰: ۴۳۱	خاندان اشعری: ۲۴۹
دهه‌ی ۹۰ میلادی: ۴۹۹	خاورمیانه: ۳۵، ۳۶، ۴۷۵، ۴۹۹، ۵۰۰
دیلمی: ۴۵	خراسان: ۲۴۰، ۲۵۰
دیوبندی (فرقه): ۴۳۴	خرم‌شهر: ۸۹
ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی (کتاب): ۲۲۲	خلیج فارس: ۱۶۱
رجایی، محمدعلی: ۵۴۰، ۵۳۴، ۹۱	خمینی، سیدروح‌الله (ره)، حضرت امام (ره): در بسیاری از صفحات
رژیم پهلوی: ۷، ۱۱، ۳۳، ۳۴، ۷۴، ۷۹، ۸۹، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۷۶، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۵، ۳۳۱، ۳۸۱-۳۸۳، ۴۰۳، ۴۳۱، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۹-۴۸۱، ۴۸۴-۴۸۶، ۵۱۹، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۷-۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۸	خمینی، سیدمصطفی: ۵۳۳
رژیم صهیونیستی: ۱۳۱، ۱۴۹، ۳۳۸، ۳۴۱، ۴۲۷، ۴۴۴، ۴۷۸، ۵۰۲	خواجه نصیرالدین طوسی: ۴۵، ۳۶۷
رضایی نژاد، داریوش: ۵۳۴	خوارج: ۲۳۷، ۴۱۶، ۴۴۰
رفاعه رافع الطهطاوی: ۱۰۸	خوزستان: ۲۵۰
روح المعانی (کتاب): ۲۲۳	خیرالدین پاشا: ۱۰۸
رودباری، سیددیونس: ۵۱۹	دارالفنون: ۴۷۹
روز قدس: ۱۶۵، ۴۲۷	دانشگاه تل‌آویو: ۶۶۳
روسیه: ۱۲۶، ۱۲۷، ۴۷۹، ۵۱۸	دانشگاه مذاهب اسلامی: ۱۳۱
روم: ۳۵۱، ۳۸۶، ۴۰۰	داوود (ع): ۱۶۷
ری: ۲۴۰، ۵۱۷	دعای عرفه: ۹۰، ۲۲۸
ریاض (کتاب): ۵۱۸، ۵۵۹	دعای کمیل: ۲۲۸
زرتشت، زرتشتی: ۱۰، ۳۰۸، ۶۴۶	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه: ۳۷۶
زکریا (ع): ۵۱۶	دمشق: ۶۰۳
زونیس، مروین: ۶۶۳	دولت موقت: ۲۹۶، ۵۸۳
	دهه‌ی ۲۰: ۱۰۹، ۱۲۴
	دهه‌ی ۳۰: ۵۳۴
	دهه‌ی ۴۰: ۴۵۹، ۴۶۰
	دهه‌ی ۵۰: ۳۹۵
	دهه‌ی ۶۰: ۳۹۵، ۶۶۶
	دهه‌ی ۸۰ میلادی: ۵۰۱

سال ۱۳۵۹: ۵۸۳	زیدین علی بن حسین (ع): ۵۱۷
سال ۱۳۶۲: ۶۶۸	زیدیّه: ۴۱۵
سال ۱۳۷۲: ۱۷۷	زینب بنت علی (س): ۵۳۲، ۵۳۹
سال ۱۳۷۴: ۴۳۴	سازمان اوقاف و امور خیریه: ۳۷۶، ۶۲۰
سال ۱۳۸۸: ۲۷	سازمان تبلیغات اسلامی: ۳۷۶
سال ۱۳۹۳: ۴۴۲	سازمان حج و زیارت: ۵۸۳
سال ۱۳۹۴: ۳۶۰	سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: ۲۹۹
سال ۱۳۹۵: ۳۶۰	سازمان مجاهدین خلق: ۵۳۶
سال ۱۴۰۴: ۹۸	سال ۱۲۱ هجری: ۵۱۸
سال ۱۸۷۰: ۴۵۶	سال ۱۲۲۸ هجری: ۵۱۸
سال ۱۸۸۰: ۴۵۷	سال ۱۳۰۷: ۶۲۷
سال ۲ هجری: ۴۱۵	سال ۱۳۲۰: ۲۷۶
سال ۲۵۵ هجری: ۶۴۸	سال ۱۳۲۳: ۲۷۷
سال ۳۲۹ هجری: ۶۴۹	سال ۱۳۲۴: ۲۷۷
سال ۴۱ هجری: ۲۳۶	سال ۱۳۲۷ قمری: ۱۰۷
سال ۶۱ هجری: ۲۳۶، ۵۱۷	سال ۱۳۲۹: ۲۷۶
سامرا: ۲۴۰	سال ۱۳۳۲: ۳۸۲، ۴۵۹
سپاه پاسداران: ۳۶۲، ۳۸۷، ۳۹۰، ۵۳۵	سال ۱۳۳۹: ۴۵۹
سپاه دین: ۶۲۰	سال ۱۳۴۰: ۳۸۲، ۶۲۷
سپاه صحابه: ۴۸۴	سال ۱۳۴۱: ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۹۰، ۴۲۶، ۴۵۹
ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر: ۱۷۷	۵۱۸، ۶۲۷
۵۸۳، ۲۰۴	سال ۱۳۴۲: ۲۹۶، ۳۸۲، ۶۳۲
ستاد نماز جمعه: ۵۸۳	سال ۱۳۴۴: ۲۹۸، ۳۸۸، ۳۹۱
ستاد اقامه ی نماز: ۵۸۳	سال ۱۳۵۰: ۳۹۱
سراج انصاری، مهدی: ۲۷۷	سال ۱۳۵۶: ۲۹۶
سقراط: ۴۳، ۵۶	سال ۱۳۵۷: ۹۲، ۱۰۹، ۲۹۴، ۵۸۳
سلجوقیان: ۶۰۸	سال ۱۳۵۸: ۱۷۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۹۱، ۵۸۳

نمايه‌ها / ۶۹۱

شیخ مفید: ۳۰۹، ۵۵۷	سلمان رشدی: ۱۵۸
شیراز: ۲۵۰	سلمان فارسی: ۱۳۲، ۲۴۹، ۵۱۷
شیرودی، علی اکبر: ۵۳۴	سمیه: ۵۱۶
صاحب قوانین، میرزای قتی: ۵۱۸، ۵۵۹	سوریه: ۱۰۸، ۲۵۷، ۵۴۳، ۵۴۴
صحیفه‌ی سجّادیه: ۲۲۸	سوشیانس: ۶۴۶
صدّام: ۳۸۷، ۴۴۱	سهروردی: ۱۰۷
صداوسیما: ۸۴، ۲۰۳، ۳۸۰، ۴۸۱	سیّد قطب: ۴۳۴
صفویه: ۲۵۰	سیّد بحر العلوم: ۵۵۹
صیاد شیرازی، علی: ۵۳۴	سیّد مرتضی: ۱۵۰، ۵۵۷، ۵۷۴
طالبان: ۴۸۴	شافعی: ۵۶۴، ۶۳۳
طالقانی، سیّد محمود: ۱۴۲	شام: ۴۱۴، ۵۱۷
طباطبایی، آقا سیّد علی: ۵۱۸، ۵۵۸، ۵۵۹	شعیب (ع): ۴۴، ۳۲۹
طبرستان: ۲۵۰	شومیتر: ۴۵۷
طهارة الاعراق (کتاب): ۴۵	شورای انقلاب: ۱۷۶، ۲۹۶
ظهيرنژاد، قاسمعلی: ۵۳۴	شورای نگهبان: ۵۷۹، ۵۸۲
عبدالکریم بن هوازن: ۴۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۲۸، ۳۷۶
عتّاب بن اسید: ۳۵۱	۴۳۱، ۵۸۳
عثمان بن سعید: ۶۴۹	شورای عالی تبلیغات اسلامی: ۲۹۵
عراق: ۱۱۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۵۱۷، ۵۳۵، ۵۴۳	شوروی: ۱۱۹، ۱۵۴، ۲۷۶، ۴۴۴، ۴۵۸، ۵۰۱
۵۴۴	۶۳۰
عراقی، مهدی: ۲۹۷، ۵۳۴	شهریاری، مجید: ۵۳۴
عربستان: ۲۵۷، ۴۳۴، ۴۸۴	شهید اوّل: ۱۳۲، ۴۳۰
عَلّامه حلّی: ۵۵۸، ۵۷۲، ۵۷۴	شهید ثانی: ۱۳۲، ۴۳۰
عَلّامه طباطبایی، سیّد محمد حسین: ۱۴۲	شیخ جعفر، کاشف الغطاء: ۵۱۸، ۵۵۹
۳۶۷	شیخ حر عاملی: ۵۱۵
عَلّامه عسکری: ۱۴۲	شیخ صدوق: ۴۴، ۵۵۷
علی بن ابی طالب (ع): ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۸۳	شیخ طوسی: ۵۵۸، ۵۷۲، ۵۷۴

- ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۰-۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۷۵،
 ۱۷۶، ۱۸۳، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰،
 ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۵۴، ۳۰۹، ۳۱۳،
 ۳۱۴، ۳۳۵، ۳۵۱، ۴۱۵، ۴۱۷، ۵۱۷، ۵۲۰،
 ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۲، ۶۵۷،
 علی بن حسین السَّجَّاد(ع): ۸۶، ۲۳۱، ۲۳۸،
 ۲۳۹، ۵۳۲، ۵۳۹
 علی بن محمد الصادق(ع): ۶۶، ۱۹۲، ۲۲۳،
 ۲۳۹، ۵۱۷، ۵۹۷، ۶۴۷
 علی بن محمد الهادی(ع): ۲۴۰
 علی بن محمد سمري: ۶۴۹
 علی بن موسی الرضا(ع): ۲۴۰، ۲۴۹
 علی محمدی، مسعود: ۵۳۴
 عمّار بن یاسر: ۵۱۷، ۵۲۹
 عمالقه: ۴۱۴
 عملیات بیت المقدس: ۳۸۸
 عملیات ثامن الائمه(ع): ۳۸۸
 عملیات خیبر: ۳۸۸
 عملیات فتح المبین: ۳۸۸
 عملیات کربلاي ۵: ۳۸۸
 عملیات والفجر ۸: ۳۸۸
 عهد جدید: ۴۳
 عهد عتیق: ۴۳
 عیسی(ع): ۳۰۸، ۳۲۶
 غرب آسیا: ۴۳۴، ۵۰۲
 غزالی: ۴۵، ۳۶۷
 فارابی: ۱۰۷، ۳۶۷
- فارس: ۱۵، ۵۱۸
 فاطمة بنت محمد(س): ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۹، ۶۴۷
 فتحعلی شاه: ۵۱۸
 فتحي شقاقي: ۴۴۰
 فدائیان اسلام: ۵۳۴
 فدائیان خلق: ۵۳۶
 فرانسه: ۱۱۷، ۱۲۶، ۴۵۶، ۴۷۹
 فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول
 و السبطين و الائمه من ذریتهم (کتاب): ۲۲۲
 فرعون: ۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۵، ۳۳۸، ۴۹۷
 فروید: ۳۸۴، ۴۰۰
 فلسطین: ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶،
 ۱۶۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۷، ۴۱۴، ۴۲۳، ۴۲۷،
 ۴۴۰، ۴۴۴، ۴۷۸، ۵۴۴
 فهمیده، محمدحسین: ۴۳۹
 فیشر: ۶۶۳
 فیض کاشانی: ۴۵
 قادیانیه: ۴۱۵
 قبا: ۵۹۸، ۶۰۳
 قرآن کریم: در بسیاری از صفحات
 قرطبه: ۶۰۳
 قرن بیستم میلادی: ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۳
 قرن بیست و یکم میلادی: ۴۵۹
 قرن پانزدهم میلادی: ۴۵۳، ۴۵۶
 قرن پانزدهم هجری: ۳۳۹
 قرن پنجم هجری: ۵۵۷
 قرن چهاردهم هجری: ۱۳۲

- قرن چهارم هجری: ۵۷۷
 قرن دوازدهم هجری: ۵۵۸
 قرن دوم هجری: ۴۳۵
 قرن سوم هجری: ۵۷۷، ۵۱۷، ۴۳۵
 قرن سیزدهم هجری: ۱۳۲
 قرن شانزدهم میلادی: ۴۵۹، ۴۵۳
 قرن ششم هجری: ۱۴۲
 قرن نوزدهم میلادی: ۵۸۵، ۴۷۹، ۴۷۳، ۴۵۸
 قرن نهم هجری: ۲۵۰
 قرن هجدهم میلادی: ۴۵۶
 قرن هفتم هجری: ۱۴۲
 قرن هفدهم میلادی: ۴۵۶
 قرن یازدهم هجری: ۵۵۸، ۱۷۶
 قرون وسطی: ۱۵۲، ۱۴۲
 قریش: ۵۹۸، ۴۱۵
 قفقاز: ۲۷۶، ۱۰۸
 قم: ۱۰۷، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۹۴، ۳۷۶، ۵۱۸، ۶۲۷
 قندوزی: ۲۲۲
 قوانین (کتاب): ۵۵۹
 قوم عاد: ۴۴
 قوم لوط: ۴۴
 قیروان: ۶۰۳
 کاتولیک: ۴۲۵
 کاشان: ۲۵۰، ۲۴۹
 کاظمی آشتیانی، سعید: ۵۳۴
 کاظمی، احمد: ۵۳۴
- کاظمی، ناصر: ۵۳۴
 کافی (کتاب): ۴۴
 کالیفرنیا: ۳۶۴
 کامبوج لائوس: ۱۲۶
 کانت: ۴۳
 کاوه، محمود: ۵۳۴
 کرامر، مارتین: ۶۶۳
 کربلا: ۱۶۲، ۴۴۱، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۳۸
 کرد: ۱۵
 کردستان: ۵۳۶
 کرمان: ۱۰۸
 کرمانشاه: ۵۴۳
 کشوری، احمد: ۵۳۴
 کعبه: ۳۲۹، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۶۱
 کلکی، کلکین: ۶۴۶
 کلینی: ۴۴
 کمپانی هند شرقی: ۴۷۸
 کمیته‌های انقلاب اسلامی: ۳۶۲، ۶۲۹
 کندی: ۴۵۹
 کواکبی، سیدعبدالرحمان: ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۲
 کوبا: ۱۲۶
 کوفه: ۵۱۷، ۵۲۰
 کیومرثیه: ۳۰۸
 گرگان: ۵۱۷
 گروه ۵۳ نفر: ۲۷۶
 گروه اصفهانی‌های مقیم مرکز: ۲۹۶، ۲۹۷
 گروه مسجد شیخ علی: ۲۹۶

- گروهک فرقان: ۵۳۶
 گورباچف: ۴۴۲
 گیلان: ۲۷۶
 لبنان: ۱۵۷، ۱۶۶، ۲۵۷ - ۲۵۹، ۲۶۳، ۵۴۳، ۵۴۴
 لز: ۱۵
 لقمان: ۳۵۰
 لندن: ۱۵۷
 لنین: ۴۵۷
 لوئیس، برنارد: ۶۶۳
 لیبی: ۳۶۴
 ماشیح: ۶۴۶
 مالتوس: ۴۶۱
 مالک اشتر: ۶۶، ۵۲۰
 مالک بن انس: ۲۲۳
 مالکی: ۵۶۴، ۶۳۳
 مأمون عباسی: ۲۴۰
 ماه رمضان: ۴۲۷
 ماه صفر: ۲۵۰، ۵۱۸
 ماه محرم: ۲۵۰، ۴۴۱، ۵۱۷
 مبسوط (کتاب): ۵۵۸
 متوسلیمان، احمد: ۵۳۴
 مجاهد، سیدمحمد: ۵۱۸
 مجلس خبرگان رهبری: ۵۸۲
 مجلس خبرگان قانون اساسی: ۲۹۹
 مجلس شورای اسلامی: ۱۸۴، ۲۱۰، ۲۹۵، ۲۹۹، ۵۸۳
 مجلس ملی: ۲۷۶
 مجمع تشخیص مصلحت: ۵۷۱
 مجمع جهانی اهل بیت (ع): ۲۶۰، ۲۶۳
 مجمع جهانی تقریب بین مذاهب: ۱۳۱، ۲۶۰، ۲۶۳
 مجموعه ورام (کتاب): ۴۵
 مجوس: ۳۰۸، ۳۲۶، ۳۴۰
 محبت‌الدین طبری: ۲۲۲
 محقق حلی: ۵۵۸
 محقق کرکی: ۵۵۸
 محقق نجفی: ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷
 محمد ابوزهره: ۲۲۳
 محمدبن ادريس شافعی: ۲۲۳
 محمدبن عبدالله، رسول الله (ص): در بسیاری از صفحات
 محمدبن عثمان: ۶۴۹
 محمدبن علی الباقر (ع): ۲۳۹
 محمدبن علی الجواد (ع): ۲۴۰
 محمدبن همام اسکافی: ۴۴
 مدائن: ۲۴۹، ۵۱۷
 مدرسه‌ی فیضیه: ۵۱۹، ۵۷۷، ۶۲۷
 مدینه، یثرب: ۱۸۹، ۲۴۰، ۲۴۹، ۴۱۴، ۵۹۸، ۶۰۳، ۶۰۵
 مرکز رسیدگی به امور مساجد: ۶۲۳
 مرو: ۲۴۰، ۲۴۹
 مروانیان: ۲۳۸، ۲۳۹
 مزامیر: ۱۶۷

۵۲۹	مزدکیه: ۳۰۸، ۳۴۰
معتزله: ۳۰۹، ۳۱۶	مسجد اعظم قم: ۶۲۷
معراج السعادة (کتاب): ۴۶	مسجد بصره: ۵۹۹
معصومه بنت موسی (س): ۲۴۹	مسجد جامع خرّمشهر: ۶۰۸
مغولان: ۴۲۵	مسجد جمکران: ۶۶۸
مفتّح، محمّد: ۲۹۶	مسجد ذوقبلیتین: ۶۰۱
مقداد: ۵۱۷	مسجد ضراب: ۶۰۲، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۳۳
مکارم الاخلاق ابن ابی الدنیا: ۴۴	مسجد قبا: ۶۰۲
مکارم الاخلاق طبرسی: ۴۴	مسجد کوفه: ۵۹۹
مگه: ۲۲۰، ۳۵۱، ۴۱۴، ۴۲۶	مسجد گوهرشاد: ۶۲۷
ملاصدرا: ۱۰۷	مسجد الاقصی: ۵۹۶، ۶۰۱
منازل السائرین (کتاب): ۴۵	مسجد الحرام: ۵۹۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۱۷
منتهی المطلب: ۵۷۴	مسجد النبی: ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۵، ۶۱۷
موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم: ۲۹۶، ۲۹۸	مسند حنبل، مسند احمد: ۲۲۳، ۲۴۵
موسوی لاری، سید عبدالحسین: ۵۱۸	مسیحا: ۶۴۶
موسی (ع): ۵، ۷۹، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۲۰، ۳۳۸	مسیحیت: ۱۰، ۹۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۲، ۲۶۰
۳۵۰، ۴۱۴، ۴۹۷	۳۰۸، ۳۴۰، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۵۹، ۵۹۷، ۵۹۸
موسی بن جعفر الکاظم (ع): ۲۳۹، ۲۴۰	۶۲۴، ۶۴۶
موصل: ۵۱۷	مشهد: ۲۵۰، ۶۲۷
مؤسسه‌ی رویان: ۳۹۲	مصحف فاطمه (س): ۲۲۹
میتریه: ۶۴۶	مصدّق، محمّد: ۲۷۶
میرزا آقاخان کرمانی: ۱۰۸	مصر: ۱۰۸، ۳۶۴، ۴۷۹، ۶۲۶
میرزا محمّدحسین نائینی: ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۷	مصلاّی تهران: ۶۰۹، ۶۱۵، ۶۳۴
۱۱۹، ۱۳۲	مظّه‌ری، مرتضی: ۱۴۲، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۹۷
میرزای آشتیانی: ۱۰۷	۵۳۶، ۵۳۳
میرزای شیرازی: ۱۰۷، ۱۰۸	معاویة بن ابی سفیان: ۱۱۵، ۱۱۹، ۲۳۷، ۴۱۷
نامن کمال: ۱۰۸	

- نجف: ۱۰۷ هابسون، جان: ۴۵۷، ۴۵۸
- نجفی، شیخ جعفر: ۵۱۸ هاشمی رفسنجانی، اکبر: ۲۹۶، ۲۹۸، ۵۳۶
- نزهة النواظر (کتاب): ۴۵ هالیوود: ۱۵۸
- نصاری: ۱۷۴ هرات: ۶۰۳
- نمرود: ۳۳۷ هفت‌ه‌ی وحدت: ۱۳۱
- نواب صفوی، سیدمجتبی: ۵۳۴ همدان: ۵۴۳
- نوبختی: ۱۵۰ هند: ۱۰۸، ۳۲۸، ۴۳۴، ۴۷۸
- نوح (ع): ۴۴، ۳۲۹ هندو: ۶۴۶
- نوری، شیخ فضل‌الله: ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۴۲، ۵۳۴، هود(ع): ۴۴
- ۶۲۷ هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی: ۲۹۶، ۲۹۷
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: یاسر: ۵۱۶
- ۵۸۳ یحیی(ع): ۵۱۶
- نهج البلاغه: ۱۹۶، ۳۰۹ یزیدبن معاویه: ۲۳۸
- نهضت خدایپرستان سوسیالیست: ۲۹۹ یعقوب(ع): ۳۲۹
- نهضت سوادآموزی: ۴۴۲ یمن: ۱۶۲، ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۵۷، ۳۶۴، ۴۴۴، ۵۴۴
- نیجریه: ۲۵۹ ینابیع المودّة لِذوی القربی (کتاب): ۲۲۲
- نیچه: ۹۷ یوسف(ع): ۴۴، ۳۲۹، ۳۵۰
- نیروی انتظامی: ۱۹۹، ۵۳۵ یونان: ۴۲، ۱۰۵، ۳۸۶، ۴۰۰
- نیکاراگوئه: ۱۲۶ یهود، یهودیت: ۱۰، ۱۰۷، ۱۴۵، ۱۷۴، ۱۷۵
- نیویورک: ۳۶۴ یهود، یهودیت: ۱۰، ۱۰۷، ۱۴۵، ۱۷۴، ۱۷۵
- واسط: ۵۱۷ ۶۴۶، ۵۹۸، ۵۹۷، ۳۲۷
- وزام‌بن ابی‌فراس: ۴۵ وزارت آموزش و پرورش: ۸۵، ۳۷۸، ۳۷۹
- وزارت فرهنگ و ارشاد: ۱۳۱، ۳۷۶، ۵۸۳ وزارت ورزش و جوانان: ۳۷۶
- وهایت: ۲۴۶، ۴۳۴، ۴۸۴، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴ ویتنام: ۱۲۶

موضوعات

- آبادانی شهرها، آبادی زمین، آبادی کشور،
 ساختن مملکت: ۶۵، ۲۴۲، ۳۷۷، ۳۹۸،
 ۴۳۸، ۴۸۷
- آبادی مسجد، ساخت مسجد: ۶۰۴، ۶۰۵،
 ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۵-۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵،
 ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۳۶
- آثار انتظار فرج: ۶۵۰، ۶۶۲
- آخوندهای درباری، روحانی‌نما، علمای
 منحرف: ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۳۹، ۴۸۵، ۶۲۰،
 ۶۲۴، ۶۶۰
- آرمان‌گرایی، آرمان‌خواهی: ۲۸۰، ۳۵۹، ۳۷۳،
 ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۳۸، ۴۴۳
- آرمانهای انقلاب، ارزشهای انقلاب: ۱۶۴،
 ۲۸۰، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۵۰، ۳۹۴، ۵۳۸، ۵۳۹،
 ۵۴۳
- آزادی اجتماعی: ۳، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۰،
 ۳۱، ۳۵، ۱۹۹
- آزادی اقتصادی: ۹-۱۱، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۶،
- آبادانی شهرها، آبادی زمین، آبادی کشور،
 ساختن مملکت: ۶۵، ۲۴۲، ۳۷۷، ۳۹۸،
 ۴۳۸، ۴۸۷
- آبادی مسجد، ساخت مسجد: ۶۰۴، ۶۰۵،
 ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۵-۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵،
 ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۳۶
- آثار انتظار فرج: ۶۵۰، ۶۶۲
- آخوندهای درباری، روحانی‌نما، علمای
 منحرف: ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۳۹، ۴۸۵، ۶۲۰،
 ۶۲۴، ۶۶۰
- آرمان‌گرایی، آرمان‌خواهی: ۲۸۰، ۳۵۹، ۳۷۳،
 ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۳۸، ۴۴۳
- آرمانهای انقلاب، ارزشهای انقلاب: ۱۶۴،
 ۲۸۰، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۵۰، ۳۹۴، ۵۳۸، ۵۳۹،
 ۵۴۳
- آزادی اجتماعی: ۳، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۰،
 ۳۱، ۳۵، ۱۹۹
- آزادی اقتصادی: ۹-۱۱، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۶،
- آبادانی شهرها، آبادی زمین، آبادی کشور،
 ساختن مملکت: ۶۵، ۲۴۲، ۳۷۷، ۳۹۸،
 ۴۳۸، ۴۸۷
- آبادی مسجد، ساخت مسجد: ۶۰۴، ۶۰۵،
 ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۵-۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵،
 ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۳۶
- آثار انتظار فرج: ۶۵۰، ۶۶۲
- آخوندهای درباری، روحانی‌نما، علمای
 منحرف: ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۳۹، ۴۸۵، ۶۲۰،
 ۶۲۴، ۶۶۰
- آرمان‌گرایی، آرمان‌خواهی: ۲۸۰، ۳۵۹، ۳۷۳،
 ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۳۸، ۴۴۳
- آرمانهای انقلاب، ارزشهای انقلاب: ۱۶۴،
 ۲۸۰، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۵۰، ۳۹۴، ۵۳۸، ۵۳۹،
 ۵۴۳
- آزادی اجتماعی: ۳، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۰،
 ۳۱، ۳۵، ۱۹۹
- آزادی اقتصادی: ۹-۱۱، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۶،

- قلم: ۲، ۳، ۹-۱۲، ۱۴، ۱۷-۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۷،
 ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۳۴، ۳۵۵، ۳۷۲،
 ۴۰۴، ۵۸۷
- آزادی مذهبی: ۱۰، ۱۷، ۳۷
 آزادی معنوی: ۹
 آزادی خواهی: ۲، ۲۱، ۳۴۲
 آگاه سازی مردم، رشد بینش سیاسی مردم،
 ارتقای سطح درک بشر، بصیرت بخشی،
 رسیدن به قدرت تحلیل: ۷۸، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۵،
 ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۳، ۲۰۹، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۰،
 ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۹۱-۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۶۱،
 ۳۶۳، ۳۶۹، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۷، ۳۹۸،
 ۴۹۴-۴۹۶، ۵۲۹، ۵۴۶، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۷،
 ۶۱۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۷
 آمادگی رزمی: ۴۱۶
 آینده نگری: ۸۱، ۵۰۲
 اباحت، بی بندوباری اخلاقی، هرج و مرج
 فرهنگی، فساد اخلاقی، فساد اجتماعی،
 آزادی جنسی، انحراف فرهنگی، انحراف
 فکری: ۱، ۳، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۶-۲۸،
 ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۴، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۷، ۶۹،
 ۷۴، ۷۵، ۷۷-۷۷، ۸۳، ۸۷، ۹۳، ۹۵-۱۰۰، ۱۱۰،
 ۱۲۱-۱۲۱، ۱۲۴، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۸۴، ۱۸۸، ۳۱۶، ۳۱۹،
 ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۹-۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۷،
 ۳۷۸، ۳۸۱-۳۸۳، ۳۸۵، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۱،
 ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۹، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۱،
 ۴۸۵-۴۸۳، ۴۹۸، ۵۰۱، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۴
- اتقان کار: ۴۳۴
 اتکاء به خود: ۲۵۲، ۴۲۹، ۴۶۲
 اتکاء به ظن: ۱۵۰
 اتکال به خدا، اعتماد به خدا، توکل به خدا:
 ۲۵، ۴۴، ۵۰، ۶۱، ۶۲، ۸۹، ۱۶۵، ۲۵۴، ۲۵۸،
 ۲۹۳، ۳۱۶-۳۱۹، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۲،
 ۳۷۱، ۴۰۴
 اثبات توحید: ۳۱۱، ۳۱۲
 اجتهاد به رأی: ۵۵۶
 اجتهادپذیری اسلام: ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۴۸،
 ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۶، ۵۸۵
 احاطه به مسائل زمان: ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷،
 ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۶
 احتمال تأثیر: ۱۷۸، ۱۹۰-۱۹۴، ۲۱۱
 احساس مسئولیت: ۶۶، ۷۱، ۷۴، ۱۵۶، ۱۶۵،
 ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۱۱، ۳۲۱، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۰،
 ۳۷۵، ۳۹۸، ۴۰۴، ۴۴۱
 احکام حکومتی: ۵۷۱، ۵۷۹، ۵۸۸
 احیاء تفکر دینی، احیاء دین، احیاء فرهنگ
 اسلامی، احیاء معارف اسلامی: ۱۰۹، ۱۲۳،
 ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۶۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۶،
 ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۶۶۶، ۶۷۰
 احیاء حوزه علمی، رونق حوزه های علمیّه:
 ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰
 احیاء یاد شهدا، ادامه ی راه شهدا: ۵۳۱،
 ۵۳۲، ۵۳۷-۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۶
 اخباریگری: ۲۴۸، ۴۳۵

نمایه‌ها / ۶۹۹

اختیار انسان: ۲، ۳، ۵، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۱۱۲، ۱۷۷، ۲۴۴، ۳۱۳، ۳۱۶، ۴۰۲، ۵۲۰	استبداد گروهی: ۱۱۷
اخلاص، عمل خالص: ۴۴، ۴۶، ۶۱، ۶۲، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۲۳۰، ۲۸۸، ۲۹۳، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۶۲، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۶-۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۱۳، ۴۲۸، ۴۴۳، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۶۷، ۵۸۶، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۶۰، ۶۶۲	استثمار: ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۷۰، ۴۸۰، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳
اخلاق اجتماعی: ۱۷، ۶۴، ۶۵، ۹۱، ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۴۸	استرداد سرمایه‌های نامشروع: ۴۹۶، ۵۰۳
اخلاق پزشکی: ۷۵	استعمار اقتصادی: ۱۰۸، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۹۴، ۵۰۳
اخلاق حکومتی: ۸۷	استفاده از هنر: ۸۵، ۱۹۸، ۲۰۳، ۳۸۱
اخلاق رسانه‌ای: ۷۶	استقرار احکام اسلامی، اجرایی شدن احکام
اخلاق زیست‌محیطی: ۶۰، ۶۷، ۶۸، ۹۲	دین، حاکمیت ارزشهای الهی، اجرای حدود الهی، پیاده کردن فقه اسلامی: ۷۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۸۰، ۲۸۵، ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۳، ۴۱۴، ۴۴۴، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۵۹، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۲-۵۸۴، ۵۸۸، ۶۳۷، ۶۴۹، ۶۵۵، ۶۶۳، ۶۶۴
اخلاق سیاسی: ۱۷، ۷۸	استقلال اجتماعی: ۱۶۶
ادعای تشرف: ۶۶۳	استقلال اقتصادی: ۱۲، ۹۵، ۱۶۶، ۳۳۲، ۴۹۸
ارادت ایرانیان به اهل بیت (ع): ۲۴۸-۲۵۰، ۲۶۲	استقلال حکومت، استقلال کشور، استقلال ملی: ۷، ۱۲، ۸۱، ۱۲۳، ۱۲۹، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۶۱، ۳۹۲، ۴۲۰، ۴۷۹، ۴۹۷، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۳۵، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۷۸، ۶۵۱، ۶۶۴
ارتجاع: ۱۶۲، ۴۶۳	استقلال دانشگاه: ۳۶۱
ارتقای قدرت اقتصادی: ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۹۷	استقلال سیاسی: ۱۶۶، ۳۳۲
ارجاء: ۲۴۷	استقلال فرهنگی: ۱۲، ۳۴، ۸۱، ۹۵، ۱۶۶، ۳۳۲
از بین رفتن قبح گناه: ۲۰۵، ۲۰۶	
اسارت معنوی: ۱۰۹، ۱۱۲	
استبداد دینی: ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹	
استبداد فرهنگی، سلطه‌ی فرهنگی، تحمیل فرهنگی، استعمار فرهنگی: ۱۱۶، ۱۲۰، ۴۳۱، ۴۷۳، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۵۰۳	

- ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۳۹، ۴۳۹، ۵۲۶، ۶۵۳، ۶۵۸، ۶۶۱،
 اعتدال قوای انسان: ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۴۰۲،
 اعتلاء اسلام: ۱۴۷، ۱۴۷، ۲۵۳، ۳۳۵، ۴۱۳، ۴۴۴،
 ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۴۰،
 اعتماد به جوانان: ۳۷۷، ۳۸۷، ۵۴۳، ۵۴۷،
 اعتماد به نفس: ۷۶، ۲۵۲، ۳۱۹، ۳۵۷، ۳۸۰،
 ۳۹۳، ۳۹۶، ۴۳۲، ۴۴۴،
 افتخار به تاریخ کشور: ۳۷۹، ۳۹۷،
 اقامه نماز: ۷۷، ۱۹۷، ۳۲۰، ۳۵۰، ۳۷۹،
 ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۹، ۶۱۱-
 ۶۱۳، ۶۲۱، ۶۲۳،
 اقتدا به الگوهای برتر، الگوگیری از اهل بیت (ع):
 ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۸۵، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸،
 ۲۴۶، ۲۵۱-۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۲، ۳۵۱، ۳۵۲،
 ۳۵۶، ۵۱۷، ۵۳۰، ۵۴۶، ۶۱۱،
 اقتدا به شهیدان: ۵۱۷، ۵۲۸، ۵۳۷-۵۴۰،
 ۵۴۶
 اقتصاد اسلامی: ۷۱، ۳۳۶، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۶۹،
 ۴۹۱، ۵۶۲،
 اقتصاد آزاد: ۱۱، ۳۴، ۴۹۷،
 اقتصاد مقاومتی: ۴۲۹، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۳،
 اقتصاد وابسته، وابستگی اقتصادی: ۱۱، ۳۴،
 ۱۰۸، ۱۲۳، ۴۲۳، ۴۶۰، ۴۷۳، ۴۷۷، ۴۸۶،
 ۴۹۷
 اقرار زبانی: ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۴۰، ۳۴۲،
 استقلال فکری: ۲، ۳۵۵، ۴۷۳،
 اسلام آمریکایی، اسلام اموی، اسلام سکولار،
 اسلام سعودی، اسلام ارتجاعی: ۱۳۹-۱۴۳،
 ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۵۸-۱۶۳، ۱۶۶-۱۶۸،
 ۲۹۵، ۴۷۷، ۴۹۵، ۶۰۹، ۶۱۹،
 اسلام ناب، اسلام حقیقی، اسلام علوی: ۴۹،
 ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۳۹-۱۶۸،
 ۲۳۳، ۲۳۵-۲۳۹، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷،
 ۲۵۹-۲۶۱، ۲۶۳، ۳۳۹، ۳۴۲، ۴۳۷، ۴۷۶،
 ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۱۷،
 ۵۲۵، ۵۴۲، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۳۲-۶۳۴،
 ۶۳۷، ۶۵۴، ۶۵۹،
 اسلام ستیزی، سیاه‌نمایی علیه اسلام، مقابله
 با اسلام، بدنامی اسلام: ۱۲۲، ۱۵۳، ۱۵۷-
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۳، ۲۰۱، ۳۸۱، ۴۱۶،
 ۴۳۹، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۴، ۵۲۵، ۵۶۸، ۶۱۹،
 ۶۶۴
 اصرار بر گناه: ۱۱۱، ۱۹۰، ۱۹۱، ۳۸۵،
 اصل عدم ولایت: ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۹۹،
 اصلاح فرهنگی، تغییر فرهنگ، ارتقای فرهنگ:
 ۱۲۸-۱۳۱، ۱۳۳، ۲۴۴، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۳،
 ۳۶۱، ۳۹۴، ۴۰۴، ۴۳۱، ۴۷۰،
 اصلاحات ارضی: ۴۶۰،
 اطاعت از اهل بیت (ع): ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۱،
 ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۶۱، ۳۳۵،
 اطاعت از حکام ظالم، اطاعت از طاغوت،
 اطاعت از غیر خدا: ۱۶۴، ۱۹۴، ۲۰۸، ۳۰۸،

نمایه‌ها / ۷۰۱

- انتظار سازنده: ۶۵۰، ۶۵۱
 انتظار فرج: ۲۴۱، ۲۵۶، ۶۴۷، ۶۵۰ - ۶۵۴،
 ۶۶۲، ۶۶۵ - ۶۶۸، ۶۷۰
 انتظار ویرانگر: ۶۵۱
 انتقاد از مسئولین، نقد قدرت سیاسی: ۱۸۴ -
 ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۸۳، ۲۹۰
 انتقاد بجا، نقد سازنده، نقد منصفانه: ۱۸،
 ۲۸۲، ۳۹۷
 انتقال دانش: ۴۷۱، ۴۷۹
 انتقال قدرت، گردش قدرت: ۱۱۹، ۲۹۰
 انجام وظایف دینی، عمل به تکلیف: ۵۰، ۶۷،
 ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۳۸، ۲۵۴، ۲۹۰، ۳۲۱،
 ۳۵۸، ۳۷۷، ۳۹۵، ۴۱۷، ۴۲۸، ۴۴۳، ۴۴۴،
 ۵۲۹، ۵۳۷، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۵۴، ۶۵۹
 انحصار رسانه‌ای: ۳۷۱، ۴۸۱
 اندیشه‌ورزی: ۳۵۷، ۳۷۲، ۳۹۳
 اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، دیدگاه انقلاب
 اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی: در بسیاری
 از صفحات
 انزجار از نقص: ۵۲، ۵۹
 انزجار قلبی: ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۷ - ۲۰۹
 انزوای معنویّت، دوری از معنویّت، دین‌گریزی:
 ۸۰، ۸۲، ۳۸۴، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷،
 ۴۷۲، ۴۸۴، ۴۸۸، ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱،
 ۵۰۳، ۶۵۴
 انسان کامل: ۵۷، ۶۲، ۱۵۶، ۲۲۵، ۲۲۸، ۵۱۴،
 انسان‌گرایی، اومانیسیم: ۲۹، ۳۰، ۴۵۶، ۴۶۰،
- التزام عملی مسئولان به اخلاق، دوری
 مسئولان از دنیاطلبی، سلامت دینی کارگزاران:
 ۴۹، ۸۲، ۶۶۰
 الغای مالکیت خصوصی: ۳۱، ۴۵۸
 الگوشدن انقلاب ایران، اقتدا به ایران: ۱۳۳،
 ۱۶۷، ۲۱۳، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۶۴، ۴۲۶، ۴۴۳،
 ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۳۷
 الگوسازی، اسطوره‌سازی: ۲۴، ۸۳، ۲۴۷،
 ۳۳۱، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۸
 امانت‌داری: ۶۴، ۷۱
 امپریالیسم غربی: ۱۴۲، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸،
 ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۹۳، ۵۰۲
 ائت اسلامی: ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۲،
 ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸،
 ۲۱۹، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳،
 ۲۸۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۶۴، ۴۴۴، ۴۴۵،
 ۵۴۷، ۶۳۰، ۶۵۰، ۶۵۶
 امر به معروف: ۱۷، ۵۵، ۶۶، ۹۲، ۱۵۲، ۱۵۶،
 ۱۷۳ - ۱۸۰، ۱۸۲ - ۱۹۹، ۲۰۱ - ۲۱۲، ۲۴۴،
 ۲۵۵، ۲۹۰، ۳۵۰، ۳۷۷، ۳۹۹، ۴۱۵، ۴۴۱،
 ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۸۳، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۶۶
 امنیّت اخلاقی: ۱۸۹، ۲۰۱
 امنیّت دینی: ۲۰۱
 امنیّت روانی: ۱۸، ۱۸۹، ۲۰۱
 امنیّت سیاسی: ۱۸
 امید به آینده: ۹۱، ۴۱۷، ۴۳۳، ۶۴۶، ۶۵۱،
 ۶۶۱، ۶۶۲

- ۳۳۹-۳۳۷، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۴، ۳۲۳
 ۴۲۶، ۴۲۲، ۴۲۰، ۴۱۵، ۴۱۴، ۳۹۸، ۳۴۳
 ۴۳۵، ۴۳۶، ۵۱۹، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۶، ۶۳۱،
 ۶۶۷، ۶۶۶، ۶۵۸، ۶۵۷
 برده‌داری: ۴۶۱
 برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای: ۳۵، ۵۳۶
 بعثت انبیا(ع)، بعثت پیامبر(ص): ۴۸، ۵۹
 ۷۳، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۰۷، ۲۸۶،
 ۲۸۷، ۴۱۴، ۴۱۸، ۴۹۷، ۵۱۷، ۵۹۸
 بی‌تفاوتی، بی‌اعتنایی، سکون: ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۵،
 ۱۲۰، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۰۵،
 ۲۰۷، ۲۵۶، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۷۵، ۳۸۴،
 ۳۸۵، ۴۰۳، ۴۴۱، ۶۵۵، ۶۶۵، ۶۷۰
 بیداری انسان، بیداری عمومی: ۱۲۵، ۱۸۲،
 ۲۳۴، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۹۸، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۳۰،
 ۶۵۱
 بیداری فطرت، شکوفایی فطرت: ۵۲، ۱۶۷،
 ۱۶۸، ۳۶۰
 بیداری مسلمین، بیداری اسلامی: ۱۰۸، ۱۳۱،
 ۱۳۲، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۳،
 ۳۳۸، ۳۶۴، ۴۲۶، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۹۵، ۵۰۱-
 ۵۰۳، ۵۲۶، ۵۳۳، ۵۸۷، ۶۰۷
 بیزاری اهل‌بیت(ع) از غالیان: ۲۴۷
 پاسخگویی به شبهات، پاسخ به پرسش‌ها،
 پاسخگویی به سؤالات: ۸۵، ۳۶۹، ۳۷۹،
 ۴۳۰، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۱۳، ۶۴۷، ۶۶۹
 پاسخگویی به نیازهای جامعه: ۱۴۷، ۱۶۴،
 ۴۶۲-۴۶۴، ۴۷۳، ۴۸۸، ۵۰۲
 انفجار حزب جمهوری: ۵۳۶
 انفجار دفتر نخست‌وزیری: ۵۳۶
 انقلاب اسلامی: در بسیاری از صفحات
 انقلاب الجزایر: ۱۵۶، ۶۲۶، ۶۲۸
 انقلاب روسیه: ۱۲۶
 انقلاب سفید: ۴۵۹، ۴۶۰
 انقلاب سوسیالیستی: ۱۲۷
 انقلاب صنعتی: ۴۵۶، ۴۷۸
 انقلاب فرانسه: ۱۱۷، ۱۲۶، ۴۵۶
 انقلاب فرهنگی: ۱۵۴، ۴۳۰، ۴۳۱
 اهل سنت آمریکایی: ۱۵۷
 ابی‌های ائمه(ع): ۲۴۰
 بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا: ۵۶۲،
 ۵۷۹
 باور به معاد: ۱۱۰، ۱۴۴، ۱۵۳، ۳۱۷، ۵۲۳،
 ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۴۶
 بحران اقتصادی، رکود اقتصادی: ۴۹۸-۵۰۰،
 ۵۰۳، ۶۵۸
 بدحجابی: ۲۱۰
 برابری انسانها، مساوات، یکسانی در برابر
 قانون: ۷، ۱۱، ۱۵، ۳۰، ۶۶، ۷۱، ۷۵، ۱۰۷،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۱، ۱۴۹، ۲۴۳، ۲۴۴، ۳۱۷، ۳۱۹،
 ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۴۹۶، ۶۵۵
 برخورد با کفار، مقابله با کفر، اعراض از
 مشرکین، نفی مظاهر شرک: ۸۷، ۱۲۴، ۱۴۲،
 ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۸۳، ۳۲۰، ۳۲۱

- پرهیز از مدرک طلبی: ۳۷۹، ۴۳۲، ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۷، ۶۶۴
- پشتیبانی مردم از جبهه: ۴۴۱
- پویایی اسلام، پویایی فقه، پویایی مکتب
 اهل بیت (ع): ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۲۸، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸
- پیروزی انقلاب اسلامی: ۱۰، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۶۴، ۱۷۶، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۲۸، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۷۸، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۴۲، ۳۸۷، ۳۸۹، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۴۱، ۴۴۵، ۵۱۸، ۵۳۰، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۶۹، ۵۷۷، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۴، ۶۲۶-۶۲۹، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۷
- پیروی از ولایت فقیه، ولایت‌پذیری، اطاعت از
 امام، رجوع به روایت حدیث: ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۴۴، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۱۸، ۳۳۵، ۳۵۱، ۴۳۶، ۴۳۸، ۵۷۷، ۶۵۶، ۶۶۶، ۶۶۷
- پیشرفت اقتصادی، شکوفایی اقتصادی، رونق
 اقتصادی: ۱۱، ۳۴، ۴۸، ۸۱، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۷۷، ۳۸۵، ۴۳۲، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۹۰-۴۹۲، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۳
- پیشرفت علمی: ۷۰، ۷۵، ۸۹، ۹۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۰، ۳۸۵، ۳۹۱-۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۴، ۴۳۲، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۹۰، ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۵، ۵۸۷، ۶۳۵، ۶۳۸
- پیشرفت فقه، رشد فقه: ۵۵۶-۵۵۹، ۵۷۸-۵۸۰، ۵۷۸، ۵۸۷، ۶۶۴
- پاسخگویی فقه به مسائل جدید: ۲۲۹، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۵، ۵۸۸
- پاسداری از حریم دین، دفاع از احکام اسلام،
 جلوگیری از تحریف دین، دفاع از مکتب
 اهل بیت (ع)، دفاع از قرآن، دفاع از اسلام،
 دفاع از ارزشها، حفظ کیان اسلام: ۱۶۷، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۶، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۵۸، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۵۳، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۹۹، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۳۰، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷-۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۲-۵۴۴، ۵۴۶، ۶۲۱، ۶۲۴
- پاکی اهل بیت (ع)، عصمت اهل بیت (ع):
 ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۱
- پر خوری: ۶۳
- پرکاری: ۳۷۴
- پرورش اخلاقی کودکان: ۷۷، ۷۸، ۸۵، ۸۶
- پرهیز از اسراف، پرهیز از مصرف‌گرایی: ۴۹، ۶۴، ۶۸، ۳۲۲، ۳۷۴، ۴۲۸، ۴۹۷، ۵۶۲
- پرهیز از اهانت: ۱۹۵، ۲۰۱
- پرهیز از تجمل‌گرایی، ساده‌زیستی، قناعت:
 ۴۹، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۲۴۳، ۲۵۴، ۴۹۳، ۴۹۶
- پرهیز از حفظ محوری: ۳۷۸، ۳۷۹
- پرهیز از غفلت: ۲۰، ۶۲، ۶۳، ۹۵، ۲۲۸، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۹۵، ۳۹۸، ۶۳۸

- ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۱، ۵۸۸، ۵۸۷، ۵۸۴، ۵۸۱
- ۲۶۳، ۲۷۷، ۲۹۸، ۳۱۵، ۳۲۹، ۳۴۳، ۳۶۹، پیشی نگرفتن از ولی خدا: ۱۴۰
- ۳۸۹، ۴۰۲، ۴۳۷، ۴۹۸، ۵۹۹، ۶۰۵، ۶۱۲، پیوند اعضا: ۵۸۰، ۵۷۵، ۵۷۲
- ۶۱۳، ۶۲۹، ۶۳۵، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۷۰، تأخیر ظهور: ۶۶۴
- تبيين امامت، تبیین جایگاه اهل بیت (ع): ۴۳۹، ۱۶۲، ۱۴۱، ۱۰۶، ۳، ۲
- ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۶۵، ۵۹۸، ۶۰۲
- تثبیت نظام اسلامی، استقرار نظام اسلامی، ۶۶۹، ۶۶۵، ۶۳۳، ۶۳۱، ۶۰۸
- تشکیل نظام اسلامی: ۱۲۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۳- ۵۵- تأمین دنیا و آخرت، جمع دنیا و آخرت: ۵۵-
- ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۸۵، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۹، ۵۷، ۱۴۵، ۱۵۳، ۲۰۶، ۲۴۴، ۳۱۸، ۳۴۱
- ۲۶۳، ۲۸۵، ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۴۰، ۵۰۱، ۵۳۰، ۳۵۷، ۴۶۷، ۵۹۹، ۶۳۲
- ۵۳۳، ۵۶۶، ۵۷۶-۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۲، تبدیل خلافت به سلطنت: ۶۰۰، ۱۰۶، ۶۳۷
- تثلیث: ۳۰۸ ۲۵۳، ۲۷۸، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۸۲، ۳۹۱
- تجارت اسلحه: ۴۸۲، تبعیض طبقاتی، تبعیض نژادی: ۳، ۷، ۸
- تجارت سیاه: ۴۸۲، ۳۱، ۳۱، ۷۱، ۸۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۱، ۳۲۴، ۳۲۵
- تجزیه طلبی: ۱۵۷، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۳، ۴۴۴، ۴۵۶
- تجزیه‌ی امپراطوری عثمانی: ۱۴۲، ۴۵۸، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۸۲
- تجمل‌گرایی، اشرافیگری: ۷۱، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰، ۴۹۱-۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۲۱
- ۱۴۱، ۱۶۰، ۲۴۳، ۲۵۴، ۴۶۱، ۴۷۱، ۴۹۶، ۴۹۷، تبلیغ در فضای مجازی: ۲۰۳، ۶۳۵
- تحریف انقلاب، لطمه به انقلاب: ۱۶۷، ۲۸۵، تبلیغ سنتی، تبلیغ رودررو: ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۸
- تحریف دین، تضعیف اسلام، هدم اسلام، ۸۴، ۱۷۴، ۴۱۸، تبلیغات دینی، تبلیغ دین: ۸۴، ۱۷۴، ۴۱۸
- نابودی اسلام: ۱۲۲، ۱۴۰-۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۶۰۷، ۶۰۹، ۴۲۴، ۴۸۵، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۵
- ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۸۳، ۶۳۵، ۶۲۶، ۶۱۰
- ۱۸۴، ۱۹۳، ۲۰۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۵، تبلیغات غرب، تبلیغات دشمنان: ۱۶۸، ۲۴۵
- ۲۴۶، ۲۸۵، ۳۳۱، ۳۸۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۶۳، ۶۳۱، ۵۴۲، ۴۹۵، ۳۷۱، ۳۶۱، ۲۵۷، ۲۵۳
- ۴۸۳-۴۸۵، ۴۸۸، ۵۶۱، ۵۶۷، ۶۰۲، ۶۱۷، تبیین اسلام، ترویج اسلام، آموزش دین، نشر
- ۶۲۰، معارف: ۶، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۱، ۲۰۳، ۲۲۲
- تحریم اقتصادی: ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۹۵، ۲۳۱-۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹-

- تحریم کالای تولیدی دشمنان: ۴۲۳
 تحزب، حزب‌گرایی، گروه‌گرایی، جناح‌گرایی: ۳۹۹، ۳۲۵، ۲۷۸، ۲۷۴
 تحمّل سختی‌ها: ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۳
 تحوّل اخلاقی، اصلاح اخلاق: ۸۲، ۸۹، ۹۸، ۶۶۱، ۳۹۳
 تحوّل در فقه: ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۷، ۵۷۰-۵۷۶، ۵۸۸، ۵۸۵
 تحوّل درونی، تحوّل روحی: ۸۹، ۹۱، ۳۶۹، ۴۴۱، ۴۰۴، ۳۹۴، ۳۹۳
 تخلّف از لشکر اسامه: ۱۴۱
 تداوم اثر شهادت: ۵۲۲، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۸
 تداوم انقلاب، بقای انقلاب: ۸۲، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۲۵۵، ۲۷۸، ۲۹۴، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۲۲، ۳۵۱، ۳۷۷، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۵۱۹، ۵۳۷، ۵۴۱-۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۷، ۶۲۶، ۶۲۸-۶۳۰، ۶۳۸، ۶۳۰
 تذکری در پی: ۱۸۹، ۲۱۱
 تذکری زبانی: ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷-۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲
 تربیت جوانان، هدایت جوانان: ۷۷، ۸۳، ۸۶، ۱۴۲، ۲۰۳، ۲۱۳، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۴-۳۶۸، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸
 تشکل اجتماعی: ۲۷۵، ۳۰۰
 تشکل اسلامی: ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰
 تشکل الهی، حزب الله: ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۱، ۵۴۱
 ترس از مرگ: ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۴۲
 ترس دشمنان: ۲۶۰، ۳۵۲، ۳۹۰، ۴۰۳، ۵۲۹
 ترک جهاد، فرار از جنگ: ۴۱۶، ۵۲۵
 ترک گناهان، دوری از منکرات، پیشگیری از بدی‌ها، مبارزه با پلیدی‌ها: ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۱۱۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱-۲۱۳، ۲۴۲، ۳۳۷، ۳۵۷، ۵۲۹
 ترور مردم، ترور مسئولین، ترور دانشمندان: ۴۳۹، ۴۴۱، ۵۲۶، ۵۳۶
 ترویج توحید: ۱۴۱، ۳۲۹-۳۳۱، ۳۳۷، ۳۳۹-۳۴۳، ۳۴۱
 ترویج خرافه، خرافه‌گری: ۲۷، ۱۴۵، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۳
 تزلزل خانواده، تخریب خانواده: ۷۷، ۳۸۶
 تسلط شیطان بر انسان: ۵۲، ۶۱، ۶۲، ۳۳۱، ۳۶۴، ۴۲۱، ۴۶۲
 تسلیم قدرتها نشدن، عدم سازش با دشمنان، عدم اطاعت از کفّاز: ۲۰، ۵۰، ۱۲۷، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۶۵، ۳۱۸، ۳۱۷، ۴۳۰، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۷۰
 تشکل اجتماعی: ۲۷۵، ۳۰۰
 تشکل اسلامی: ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰
 تشکل الهی، حزب الله: ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۶۶
 تربیت فرزندان: ۲۷، ۷۷، ۳۶۵، ۳۶۶، ۵۲۸

- تشکل دانشجویی: ۸۷، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۸۸- ۳۹۰
- تشکل سیاسی: ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸- ۲۸۱، ۲۸۴
- تشکل شیطانی: ۲۸۰
- تشکل صنفی: ۲۷۵، ۲۸۸، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۰۰
- تشکل علمی: ۲۷۴، ۲۷۵
- تشکل فرهنگی: ۲۷۴، ۶۶۷
- تشکل مذهبی: ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۴، ۳۰۱
- تشکل مردمی: ۸۷، ۲۰۳، ۲۷۵، ۲۹۴
- تشکل مطلوب: ۲۷۳، ۲۸۰- ۲۸۳، ۲۸۹-
- ۲۹۱، ۳۰۰
- تشکیل حکومت اسلامی: ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۳۱- ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۹۳، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۴۳، ۳۸۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۵۷، ۵۸۵، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۱
- تشکیلات شیعه: ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۸- ۲۴۰، ۲۵۷
- تشکیلات کارآمد: ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۹۱، ۳۰۰
- تشویق به نماز: ۱۸۱
- تشیع انگلیسی: ۱۵۷
- تصرف لانه‌ی جاسوسی: ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۹۱
- تصوف: ۴۸۵
- تضعیف ایمان مردم: ۱۵۸، ۱۸۴، ۳۷۱، ۳۷۸، ۴۳۳
- تعادل عرضه و تقاضا: ۱۱، ۴۷۰، ۴۹۸
- تعالی اخلاقی انسان، تربیت اخلاقی انسان، هدایت انسان، استقرار اخلاق در جامعه، اصلاح افراد، تحوّل جامعه، انسان‌سازی، تعالی معنوی انسان: در بسیاری از صفحات
- تعامل نظام و حوزه: ۵۸۱، ۵۸۲
- تعصب جاهلی، تعصب قومی: ۲، ۱۴۵، ۳۲۵، ۳۴۰، ۳۴۳، ۴۸۵، ۴۹۷، ۶۲۳
- تعطیلی هدفمند حوزه: ۲۹۵
- تعیین خلیفه از سوی پیامبر(ص): ۲۳۲
- تغییر جنسیت: ۵۷۲، ۵۸۰
- تغییر قبله: ۵۹۶، ۶۰۱
- تفتیش عقاید: ۱۲۰
- تفکر انقلابی: ۱۲۷، ۵۴۵- ۵۴۷، ۵۷۶
- تقریب مذاهب: ۱۴۹، ۲۲۲، ۲۵۸، ۲۶۰
- تقلّب انتخاباتی: ۱۷
- تقوا، پرهیزکاری: ۷، ۴۴، ۵۵، ۵۸- ۶۱، ۷۱، ۸۱، ۸۹، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۸۱، ۲۴۷، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۹۶، ۵۶۷، ۵۸۲، ۵۸۶، ۶۰۱، ۶۱۴، ۶۶۰
- تقیّه: ۱۹۳، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۵، ۶۵۰
- تکامل عقلانی: ۳۴۹، ۶۶۰

نمايه‌ها / ۷۰۷

- توانایی عقل بردرک خوبی و بدی: ۵۴، ۵۸
 توجه به جوانان: ۳۵۱، ۳۵۲
- توجه به محرومان، حمایت از محرومین،
 همدردی با فقرا، نجات مستضعفین: ۷، ۱۱،
 ۲۹، ۶۶، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۶۷،
 ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۸۹، ۴۱۹، ۴۴۳، ۴۵۴، ۴۸۳،
 ۴۹۴-۴۹۷، ۵۰۳، ۶۲۶، ۶۳۷، ۶۶۲
- توحید الوهی: ۳۲۷، ۳۴۲
- توحید خالقیت: ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۴۲
- توحید ذاتی: ۳۱۰-۳۱۵، ۳۴۲
- توحید ربوبی: ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۴۲
- توحید صفاتی: ۳۱۰-۳۱۲، ۳۱۴، ۳۴۲
- توحید عبادی: ۴، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۴۲
- توحید عملی: ۳۱۱، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۷۳
- توحید فعلی: ۴۹، ۳۱۰-۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷،
 ۳۲۶، ۳۴۲
- توحید مالکیت: ۳۱۱، ۳۴۲
- توحید نظری: ۳۱۱، ۳۴۲
- توزیع برابر ثروت، تعدیل ثروت: ۴۵۸، ۴۶۷،
 ۴۸۳، ۴۹۶، ۴۹۷
- توسعه طلبی، زیاده‌خواهی، برتری طلبی: ۹۲،
 ۳۴۰، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۷۸،
 ۴۸۳، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۲
- توسل به قدرت، برخورد فیزیکی: ۱۹۶، ۱۹۸،
 ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۲، ۴۸۳
- تولید علم: ۳۵، ۳۵۷، ۳۹۷، ۴۰۴، ۴۲۸، ۴۳۲
- تکریم خانواده‌ی شهدا: ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۷،
 ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۶
- تکفیر: ۴۳۵-۴۳۷، ۶۶۰
- تکیه به مردم، اعتماد به مردم: ۱۲۸، ۲۳۵،
 ۴۲۹، ۵۳۵، ۵۴۳، ۵۴۷، ۶۶۰
- تلاش علمی، نهضت علمی، جهاد علمی،
 پویایی علمی: ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۹۵، ۳۳۵،
 ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۱۹،
 ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۳۰-۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۵، ۵۲۵،
 ۵۵۸، ۵۵۸
- تلقیح مصنوعی: ۵۷۲، ۵۸۰
- تمدن اسلامی: ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۵۴-۱۵۷، ۱۶۷،
 ۲۵۴، ۳۴۲، ۴۹۸، ۵۳۹، ۵۴۷، ۵۶۱، ۵۸۴،
 ۵۸۷، ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۰۳
- تمدن غرب: ۳، ۱۷، ۱۵۷، ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۷۵،
 ۴۷۷، ۴۷۹-۴۸۱، ۴۸۸، ۴۹۸، ۵۰۳، ۶۵۸،
 ۶۶۸
- تمدن سازی: ۱۵۵-۱۵۷، ۲۵۴، ۳۴۲، ۵۳۹،
 ۵۴۷، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۸۲-۵۸۴، ۵۸۷،
 ۵۹۷، ۵۸۹
- تمسک به اهل بیت (ع)، توسل به اهل بیت (ع):
 ۲۴۶، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۶۲، ۶۶۱، ۶۵۶
- تبلیی جامعه: ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۰، ۴۲۱
- تنزل مقام اهل بیت (ع)، تخریب جایگاه
 اهل بیت (ع): ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۶۲
- تنظیم سیر مطالعاتی: ۳۷۷

سیاست و اخلاق، دخالت دین در سیاست:
 ۱۳، ۷۰، ۷۷، ۱۱۶، ۱۴۶، ۱۶۶، ۲۳۲، ۲۴۶،
 ۲۵۲، ۲۶۲، ۲۹۶، ۳۳۵، ۵۶۲، ۶۳۱
 جریان تروریستی، گروه‌های تکفیری: ۴۱۶،
 ۴۳۵، ۴۳۹-۴۴۱، ۵۴۳، ۶۳۳
 جریان چپ: ۲۷۶، ۳۰۰، ۵۳۶
 جلوگیری از فساد، جلوگیری از انحراف: ۷۲،
 ۷۴، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۱۷۶، ۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۲،
 ۱۸۳، ۱۹۸، ۲۰۳-۲۰۸، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۳۲،
 ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۸۸، ۲۹۴، ۲۹۷،
 ۳۱۹، ۳۳۳، ۳۴۱، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۷،
 ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۲۷، ۴۳۸، ۴۶۷، ۶۵۴، ۶۵۵،
 ۶۶۶
 جمع‌آوری مال، مال‌اندوزی، انباشت سرمایه،
 تمرکز ثروت: ۷۵، ۲۴۳، ۲۵۴، ۳۳۴، ۳۳۶،
 ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۶-۴۷۰، ۴۸۳،
 ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۰۲
 جنبش وال‌استریت: ۵۰۰-۵۰۲
 جنبش‌های مردمی، قیام مردم: ۱۰۷، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۰۷-۲۰۹، ۲۵۰-۲۵۲،
 ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵، ۴۴۴،
 ۵۰۰-۵۰۲، ۵۱۷، ۵۷۷، ۶۰۰، ۶۲۶-۶۲۸،
 ۶۳۷، ۶۵۵
 جنگ تبلیغاتی، فشار رسانه‌ای، جنگ روانی،
 جنجال رسانه‌ای: ۳۷۱، ۳۹۸، ۴۴۰، ۵۸۰
 جنگ تحمیلی: ۸۹-۹۱، ۲۹۹، ۳۶۲، ۳۸۷،

تولید محصولات اخلاقی: ۸۴، ۸۵
 تهاجم فرهنگی: ۹۷، ۱۰۰، ۱۵۸، ۱۸۴، ۳۶۹،
 ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۹۸، ۳۹۹،
 ۴۳۲، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۰، ۶۵۹
 تئوری کامل اداری انسان: ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۸،
 ۵۷۷، ۵۸۴، ۵۸۶
 ثابت بودن اهداف عالی: ۲۳۵، ۲۳۶
 جامعه‌سازی: ۱۵۵، ۲۰۵، ۲۳۳، ۲۹۷، ۴۳۷،
 ۴۹۴، ۵۲۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۹۹، ۶۰۳، ۶۶۶
 جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی
 توحیدی: در بسیاری از صفحات
 جامعیت اسلام: ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۶۳، ۶۶۴
 جبر اجتماعی، جبر محیط، تأثیر محیط
 اجتماعی: ۶، ۵۳، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۴، ۴۰۳
 جبر اقتصادی، دیکتاتور اقتصادی، سیطره بر
 اقتصاد: ۶، ۱۱، ۱۱۹، ۴۶۸
 جبر تاریخی: ۶
 جبر طبیعت، جبر وراثت، تأثیر وراثت: ۶، ۵۳،
 ۳۶۶، ۳۶۵، ۴۰۳
 جبر فلسفی: ۴۰۲
 جدایی دین از سیاست، جدایی اخلاق از
 سیاست، جدایی عقل و دین: ۱۱۶، ۱۱۶، ۱۵۴،
 ۲۳۲، ۲۴۶، ۳۳۵، ۴۵۶، ۴۶۳-۴۶۵، ۴۷۳،
 ۴۸۸، ۴۹۵، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۱۹،
 ۶۳۱
 جدایی‌ناپذیری دین و سیاست، درهم‌تنیدگی

نمایه‌ها / ۷۰۹

- ، ۴۴۱، ۴۳۸، ۴۳۲، ۳۹۵، ۳۹۲، ۳۹۰، ۳۸۸
 ، ۴۴۱، ۴۳۹، ۴۳۶، ۴۲۶، ۴۱۵، ۳۹۰، ۳۶۴
 ، ۴۷۹، ۴۷۷-۴۷۵، ۴۷۳، ۴۵۹، ۴۴۴، ۴۴۲
 ، ۵۴۳، ۵۴۲، ۵۳۶، ۵۳۵، ۵۲۹، ۴۴۵، ۴۴۲
 ۶۶۷، ۶۳۸، ۶۳۰، ۶۰۸، ۵۴۵
 جنگ جهانی اول: ۴۵۸، ۴۵۷
 جنگ جهانی دوم: ۲۷۵
 جنگ سرد: ۴۵۸
 جنگ نرم: ۴۳۲
 جنگ نظامی، جهاد نظامی: ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۸-
 ۵۲۵، ۴۴۴، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۰، ۴۲۷، ۴۲۲
 جنگ افروزی: ۹۲، ۱۱۳، ۳۳۲، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۰
 جنگهای صلیبی: ۶۰۸
 جنود غیبی، امداد غیبی: ۶۲، ۳۷۳، ۳۹۳،
 ۶۶۵
 جوان انقلابی: ۳۵۰، ۳۸۸
 جوان مطلوب، جوان تراز: ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۹۵-
 ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۴
 جهاد ابتدایی: ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲-۴۲۴،
 ۵۲۶، ۵۶۷
 جهاد اقتصادی: ۴۲۰، ۴۲۷-۴۲۹، ۴۳۷،
 ۴۴۵، ۵۲۵
 جهاد دفاعی: ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۵۲۵
 جهاد کبیر: ۴۳۰
 جهاد مظلومانه: ۲۵۲، ۲۵۳
 جهان اسلام: ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۰، ۱۵۷، ۱۶۱،
 ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۶، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۶،
 ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۲
- جهان‌بینی اسلامی، جهان‌بینی توحیدی،
 دیدگاه قرآنی، دیدگاه اسلام: ۵، ۱۰، ۵۱، ۶۰،
 ۶۸، ۷۰، ۸۸، ۹۲، ۹۹، ۲۴۱، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۲۳،
 ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۴۲، ۴۰۵، ۴۶۵، ۴۶۳، ۵۲۳،
 ۶۲۹
 جهان‌بینی مادّی، نگاه مادّی: ۸۸، ۴۰۴
 ۴۴۲، ۴۶۳، ۴۷۰، ۵۰۳، ۵۴۵، ۵۴۷
 جهل سیاسی عمومی، جهل مردم: ۱۱۴، ۱۱۵،
 ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۵۸
 چاپلوسی: ۹۳، ۱۲۲، ۱۲۵
 چالش نظامی، فشار نظامی، تهاجم نظامی،
 تهدید سخت: ۳۵۳، ۳۹۸، ۴۷۹، ۶۳۰
 حبّ دنیا، مادّی‌گرایی، دنیاطلبی، پول‌پرستی:
 ۴۴، ۷۹، ۷۹، ۸۵، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۲۷، ۱۶۶،
 ۲۳۷، ۲۴۳، ۳۳۰، ۳۴۳، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳،
 ۳۸۳، ۴۰۴، ۴۲۲، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۳،
 ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۸۷، ۴۹۴، ۵۰۱-۵۰۳،
 ۵۴۵، ۵۴۶، ۶۶۰
 حیط اعمال: ۱۱۲
 حرام‌خواری: ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۴
 حرکت انقلابی: ۱۱، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۵۵، ۳۵۲،
 ۳۵۳، ۳۷۱، ۵۷۷
 حرکت جهادی، فعالیت جهادی: ۱۲۷، ۱۳۰

- ۴۳۹، ۴۳۴، ۳۹۶
 حرمت توهین به مقدّسات: ۱۳۱
 حسن خلق، اخلاق حسنه، رفتار نیک،
 حسن معاشرت: ۶۴، ۶۵، ۸۱-۸۳، ۱۸۸،
 ۲۵۴، ۲۵۶، ۳۳۷، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۷۸،
 ۳۹۶، ۴۰۴، ۶۱۱، ۶۱۳
 حضور زنان در اجتماع: ۳۸۳، ۳۹۴، ۵۸۱
 حضور قلب: ۶۲
 حفظ خانواده، ساختن خانواده، دفاع از
 خانواده: ۱۸۱، ۳۸۳، ۵۱۶
 حفظ محیط زیست: ۶۷، ۶۸، ۹۲، ۹۳، ۲۴۴،
 ۳۲۲، ۴۸۱، ۵۷۳
 حفظ نظام اسلامی، استمرار نظام اسلامی،
 تقویت نظام اسلامی، قوام حکومت اسلامی،
 بقاء حکومت اسلامی: ۶۷، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۷۸،
 ۳۹۹، ۵۳۷، ۵۸۲، ۶۶۵
 حقّ انتخاب، آزادی انتخاب: ۱، ۱۱، ۱۲، ۲۳،
 ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۱۱۸، ۲۵۷، ۲۹۲
 حقّ مطلق مالکیت خصوصی: ۴۵۳-۴۵۵،
 ۴۶۲، ۵۰۱
 حقیقت جویی، حق طلبی: ۱۱۳، ۲۸۰، ۳۵۴،
 ۴۰۳
 حکومت اهل بیت (ع)، دولت آرمانی
 اهل بیت (ع): ۸۳، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۱-۲۳۳،
 ۲۳۶، ۲۴۱-۲۴۴، ۲۶۱، ۲۶۲، ۵۹۹، ۶۰۷،
 ۶۳۲، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۱
 حکومت دینی، حکومت اسلامی، حکومت
 توحیدی: ۷، ۱۵، ۲۱، ۲۴، ۳۲، ۶۷، ۷۴، ۷۶،
 ۸۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۴۰،
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۷،
 ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۳،
 ۱۹۷-۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۳۱-۲۳۵،
 ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۰-۲۵۳،
 ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۸۸، ۲۹۳، ۳۱۸،
 ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۴۱-۳۴۳، ۳۶۳، ۳۸۷،
 ۳۹۹، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۶۰، ۴۹۶،
 ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۶۹، ۵۷۷، ۶۰۵، ۶۲۳، ۶۳۷،
 ۶۴۹-۶۵۱، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۴-۶۶۷، ۶۷۰،
 ۶۷۱
 حکومت مستبد، حکومت استبدادی: ۱۰۶-
 ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸-۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۳، ۳۴۳،
 ۳۸۲، ۴۸۳
 حکومت ولایتیه، نظام ولایی، حاکمیت
 ولایت محور، نظام امامت: ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۲۹،
 ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۷۹، ۳۳۶، ۵۷۷،
 ۵۸۲، ۶۴۹
 حماسه‌ی ۹ دی: ۲۷
 حمایت از آبرو ناهی: ۱۹۹
 حمایت از دولت: ۲۹۵
 حمایت از مقاومت فلسطین: ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۶۵،
 ۱۶۷، ۲۵۸، ۲۷۷، ۴۲۷، ۴۴۴
 حمایت استکبار جهانی، حمایت شوروی:

نمایه‌ها / ۷۱۱

- در دل، ایجاد اخلاق حسنه، اصلاح روحی،
 تعالی روحی: ۲۳، ۳۴، ۴۱-۴۴، ۴۶-۴۸،
 ۵۱-۵۴، ۵۷-۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۷۱، ۷۳-
 ۷۵، ۷۷، ۸۰-۸۲، ۸۴، ۸۶، ۱۲۵، ۱۴۳،
 ۱۵۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۳۱،
 ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۵، ۳۱۰، ۳۱۱،
 ۳۳۰، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۶،
 ۳۷۹، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۲،
 ۴۶۶، ۴۹۷، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۷۰،
 خودفراموشی، خودکم‌بینی: ۹۵، ۴۸۰
 خودکفایی: ۸۱، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۹۵، ۴۹۷
 خوش‌بینی، روشن‌بینی: ۸۱، ۳۵۶، ۳۷۸
 خویشتن‌داری، کنترل نفس، مراقبت از خود:
 ۲۷، ۵۳، ۶۳، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۱۴
 خیرخواهی: ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۱۲
 دانشجویان پیرو خط امام: ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۹۱
 دانشگاه عمومی: ۳۸۰
 دحوالارض: ۵۹۸
 دخالت دولت در اقتصاد: ۴۵۳، ۴۶۸، ۴۹۹
 دروغ‌گویی: ۱۸، ۲۸، ۱۷۴، ۱۹۵، ۲۴۷
 دعا برای ظهور: ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۶،
 ۶۶۷، ۶۷۰
 دعا‌های اهل‌بیت(ع): ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۸،
 دفاع از انقلاب: ۱۵۹، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۸۱،
 ۳۸۹، ۳۹۶، ۵۴۲
 دفاع از حریم اهل‌بیت(ع): ۵۴۳
- ۲۴۶، ۲۷۶، ۳۸۷، ۴۶۷، ۴۸۳، ۴۸۴
 حمایت اهل‌بیت(ع) از مبارزان: ۲۳۳، ۲۳۹
 حیات طیبه: ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۱۶۸، ۲۰۶، ۲۱۳،
 ۵۲۷، ۵۸۱
 خدمت به اسلام: ۷۳، ۳۹۹، ۵۴۰، ۶۳۲
 خدمت به جامعه، خدمت به نظام، خدمت
 به انسان: ۷۱، ۷۳، ۲۴۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰،
 ۲۹۲، ۳۳۶، ۳۸۰، ۳۹۰، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۳۷،
 ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۹۰، ۶۰۱، ۶۲۴
 خرافه‌زدایی: ۲۷۷، ۲۹۷، ۳۸۸، ۶۶۹
 خطر جانی: ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۳
 خطرپذیری: ۳۵۸، ۳۹۰، ۵۲۴
 خلافت الهی: ۵۷، ۱۴۴، ۳۶۵، ۶۶۰
 خودباختگی، ازخودبیگانگی: ۹۵، ۳۷۰،
 ۳۹۳، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۸۶،
 ۴۹۴، ۵۰۳، ۶۶۶
 خودباوری: ۶۳، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۳۱۹، ۳۲۵،
 ۳۳۴، ۳۴۳، ۳۹۳، ۴۲۹، ۴۴۲، ۵۳۳، ۶۰۳
 خودخواهی، خودپرستی، خودرایی،
 خودکامگی، خودسری، انحصارطلبی: ۵۴،
 ۶۸، ۷۱، ۸۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۵-۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲-
 ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۸،
 ۱۶۰، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۴۳، ۲۸۲، ۲۸۸، ۳۱۱،
 ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۷۰، ۴۵۴، ۴۵۵، ۵۷۱، ۵۹۵،
 ۶۳۷، ۶۶۰
 خودسازی، تهذیب، پروراندن صفات نیک

- دفاع از میهن، علاقه به میهن: ۹۱، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۱۹، ۴۲۲، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۸، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۶۰۸
- دموکراسی حقیقی: ۱۴، ۳۲۱
- دموکراسی: ۳۰، ۱۱۸، ۱۵۴، ۳۳۴
- دودستگی، ایجاد تفرقه: ۲۴، ۲۵، ۳۷، ۹۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۵، ۲۵۹، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۲۵، ۳۹۹، ۴۳۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۵، ۵۳۱، ۶۰۲، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۵۵
- دوران غیبت: ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۶، ۵۱۳، ۵۲۶، ۵۳۹، ۵۵۷، ۵۶۷، ۵۸۲، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۵-۶۵۷، ۶۶۴، ۶۶۶-۶۷۰
- دولت اسلامی: ۶۸، ۱۱۱، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۵۴، ۲۷۹، ۴۸۴
- دولت‌سازی: ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۵۴، ۵۸۲، ۵۸۳
- رابطه‌ی ولی و مردم، پیوند بین حاکم و مردم: ۱۳۰، ۱۶۵، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۴۹، ۳۳۶
- راحت طلبی: ۱۴۵
- راسیونالیسم: ۴۶۵
- رأی به نظام اسلامی: ۳۵
- ریاخوااری: ۴۵۷، ۴۹۱
- رجوع به منابع دست‌اول: ۱۵۳
- رسمی شدن مذهب شیعه: ۲۵۰، ۲۶۲
- رسیدن به رشد، تکامل، کامل شدن ایمان: ۲، ۶، ۹-۱۳، ۱۹، ۲۲، ۳۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰-۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۸۹، ۹۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۲۳۰-۲۳۲، ۲۳۴، ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۵۸، ۳۶۵، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۸۶، ۵۲۰، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۶۵۷، ۶۶۱
- رعایت انصاف: ۶۶
- رعایت حریم خصوصی: ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۲
- رعایت حقوق متقابل در خانواده: ۱۸۱
- رعایت نظم، انضباط اجتماعی، انضباط تشکیلاتی: ۳۰، ۳۰، ۶۷، ۷۶، ۸۴، ۸۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۱، ۲۰۸، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۲۴، ۳۴۳، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۳۴، ۵۵۵، ۵۷۶
- رفاه مادی، رفاه دنیایی، رفاه اقتصادی، رفاه عمومی: ۱۱، ۳۴، ۹۸، ۲۳۴، ۲۴۲، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۴۶۰، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۸۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۶-۴۹۸، ۵۰۳، ۵۸۴، ۶۴۶
- رفاه‌طلبی: ۷۱، ۱۶۳، ۵۰۱
- رفع فتنه، مقابله با فتنه: ۴۱۸، ۴۴۲
- رقابت انتخاباتی: ۲۸۶
- رقابت آزاد، بازار آزاد، تجارت آزاد: ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۸۹

۴۴۵، ۴۶۹، ۴۹۸، ۶۵۱، ۶۵۵	۴۹۹
رهایی از هوا و هوس، مبارزه با نفس، جهاد اکبر:	رقابت سازنده، رقابت سالم، رقابت در خیرات:
۴، ۵، ۹، ۲۱، ۳۶، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۱، ۶۳-۶۵،	۲۸۱-۲۸۵-۲۸۷، ۲۹۲، ۳۰۰، ۴۸۹
۸۶، ۱۰۹، ۱۱۳، ۲۳۰، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴،	رقابت سیاسی: ۹۶، ۲۸۱، ۲۸۴-۲۸۸، ۲۹۲
۳۳۰، ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۹۶،	رمز پیروزی: ۶۲، ۶۴، ۸۹، ۹۲، ۲۹۳، ۵۴۲
۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۹-۴۲۲، ۴۳۸، ۴۴۰	رنسانس: ۴۷۵
رهبانیت، کناره‌گیری از مردم: ۱۴۵، ۱۶۶، ۲۳۰،	روحیه انقلابی، روحیه جهادی: ۲۰۹،
۲۳۳، ۲۵۲	۲۵۳، ۲۶۰، ۳۹۹، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱،
ریزشهای انقلاب: ۴۲۲	۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۵، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶
ریشه‌کنی نظام، اقدام علیه منافع کشور، توطئه	روحیه تعاون، تعامل اجتماعی: ۹۸، ۱۰۰،
علیه منافع کشور، تخریب نظام، براندازی	۱۱۳، ۱۸۰، ۲۰۴، ۲۳۰، ۲۵۲، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۰۰،
نظام، تضعیف نظام اسلامی، توطئه علیه	۳۱۰، ۳۲۷، ۴۶۹، ۴۹۰، ۶۲۹
نظام: ۱۴، ۲۴، ۲۵، ۲۷-۲۹، ۳۷، ۱۸۴، ۱۸۵،	روشنفکری سکولار، ارتجاع روشنفکری،
۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۸۵، ۲۸۹، ۳۳۱، ۴۷۴،	روشنفکری غرب‌زده: ۱۲۲، ۱۴۲، ۱۶۲، ۲۰۸،
۴۹۷، ۶۵۹	۴۲۴، ۴۴۵، ۴۷۳، ۵۰۳، ۶۳۰
زبان خواهش: ۱۸۵	رونق تولید داخلی، حمایت از تولید ملی:
زبان نرم: ۸۶، ۸۷، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۱،	۴۲۸، ۴۲۹، ۴۹۸
۲۰۲، ۲۱۱	رونق مسجد: ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۱-۶۲۶،
زمینه‌سازی ظهور، آمادگی برای ظهور: ۶۵۰،	۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۸
۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۴-۶۶۷،	رویشهای انقلاب: ۳۹۲
۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱	رهایی از دخالت بیگانگان، آزادی از تسلط
زندگی اسلامی، زندگی توحیدی، زندگی پاک،	قدرتها، قطع وابستگی، کوتاه کردن دست
زندگی سعادت‌مندان: ۹۴، ۳۰۹، ۵۹۹، ۶۵۲،	جهان‌خواران: ۲، ۱۲، ۱۳، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۹۱،
۶۶۰	۹۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴،
زندگی آسان: ۵۰۱	۱۶۶، ۱۶۶، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۹۹، ۳۱۹،
زنده بودن شهیدان، حیات ابدی شهیدان:	۳۳۲، ۳۳۶، ۳۳۸-۳۴۱، ۳۶۳، ۴۳۸

- ۵۱۴، ۵۱۹، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۴۴-۵۴۶
- زهد، عدم وابستگی به دنیا، بی‌اعتنا به شهوات: ۵۸، ۷۱، ۱۴۵، ۲۳۰، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۵۷، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۹۳، ۳۹۶، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۴۶، ۵۶۷، ۵۸۶، ۶۱۱، ۶۵۴، ۶۵۶
- ساخت آینده، آینده‌سازی: ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۹۶، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۹۲
- سادگی بنای مسجد: ۶۰۹، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۳۴
- سازش با کفر، سازش با استکبار، تسلیم قدرتها شدن، سکوت برابر ظالمان: ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۳۲۷، ۳۸۱، ۶۵۲، ۶۶۲
- سجده بر آدم(ع): ۳۲۹
- سجده نکردن ابلیس: ۹۴
- سجده بر یوسف(ع): ۳۲۹
- سربازی امام زمان(عج): ۶۵۲، ۶۶۷
- سرپیچی از فرمان الهی، طغیان در مقابل پروردگار: ۹۴، ۴۶۲
- سرکوب مردم، سرکوب صدای مخالف، طرد مردم: ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۷-۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۲، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۳
- سرمایه‌داری: ۱۱، ۳۱، ۱۱۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۸۷، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۸۶، ۴۵۳-۴۷۹
- سعادت بشر، سعادت جامعه: ۸، ۳۲، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۷۰، ۷۳، ۷۹، ۸۳، ۸۶
- ۸۸، ۹۹، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۹۹، ۲۴۴، ۲۸۷، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۳۱، ۴۴۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۸، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۶۰، ۶۴۶، ۶۵۹، ۶۶۴
- سقوط اندلس: ۴۳۰
- سقوط نظام سرمایه‌داری: ۴۹۹-۵۰۳
- سکوت اهل بیت(ع): ۲۳۶، ۲۶۲
- سکولارسازی جامعه: ۱۴۲، ۱۶۹
- سلاح کشتار جمعی: ۴۲۵، ۴۸۲
- سلامت اقتصادی، اقتصاد سالم: ۷۱، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۹۵، ۵۷۹
- سلامت روحی، آرامش روحی، درمان روحی: ۴۲، ۵۵، ۷۵، ۶۵۴
- سلطنت، شاهنشاهی: ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۲۶۳، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۳۱، ۴۳۱، ۴۸۳، ۴۹۵، ۶۰۰، ۶۲۷، ۶۳۸
- سلفیگری، تحجرگرایی، فهم قشری از دین، مقدّس‌نمایی: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۰۸، ۲۴۶، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۵، ۵۲۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۵
- سلولهای بنیادین: ۳۹۲
- سنّت اربعین نویسی: ۴۶
- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴: ۹۸، ۱۰۰، ۴۲۸
- سوءاستفاده از زن: ۳۸۶، ۴۰۰
- سوق دادن به کارهای نیک، توسعه‌ی

نمایه‌ها / ۷۱۵

شکست دشمنان، غلبه بردشمن، میدان ندادن
 به دشمن، مبارزه با دشمنان، خنثی‌سازی
 توطئه‌ی دشمن، مقابله با دشمن، تضعیف
 دشمن: ۲۸، ۹۱، ۱۵۰، ۱۶۵، ۲۵۲، ۲۹۶، ۳۱۸،
 ۳۲۶، ۳۳۴، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۹،
 ۳۹۹، ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۸ - ۴۳۰، ۴۳۳،
 ۴۴۵، ۴۷۹، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۱۵، ۵۳۰،
 ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۶۰۳، ۶۰۹،
 ۶۱۴، ۶۲۸

شکوفایی استعداد‌های مردم، شکوفایی حرکت
 مردم، پرورش استعداد‌های مردم، شکوفایی
 ابعاد انسان، شکوفایی ظرفیتهای داخلی: ۶۰،
 ۷۱، ۷۸، ۱۱۲، ۲۴۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۹۴،
 ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۶،
 ۳۶۸، ۳۷۷، ۳۹۴، ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۹۴، ۴۹۸،
 ۶۳۰، ۶۳۸، ۶۶۰، ۶۶۲

شناخت معروف و منکر: ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۰

شناسایی دشمنان، شناخت دشمنان: ۳۷،
 ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۸۹، ۴۲۸، ۴۳۳، ۴۳۹

شهادت‌طلبی، روحیه‌ی ایثارگری: ۹۱، ۹۲،
 ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۵۳، ۱۶۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۲۲،
 ۳۲۶، ۳۴۳، ۳۵۱، ۳۶۲، ۳۹۴، ۳۹۶، ۵۱۵،
 ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۸ - ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۴۰،
 ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۵۴

شهادی انقلاب اسلامی: ۵۳۳، ۵۳۵

شهادی تروز: ۵۳۶

خوبی‌ها، اقامه‌ی واجب: ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹ -
 ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵ -
 ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۴۰۲

سیاست‌بازی: ۱۶۰، ۲۷۷، ۲۸۴، ۳۹۸، ۴۰۳

سیره‌ی معصومین(ع)، سنت پیامبر(ص): ۸۶،
 ۸۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۷، ۲۱۹، ۲۲۷،
 ۲۳۴ - ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۰ - ۲۵۲،
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۳۳۷، ۳۵۱،
 ۴۲۶، ۴۳۶، ۴۶۱، ۴۹۶، ۵۱۷، ۵۵۶، ۵۶۱،
 ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۸۷، ۶۰۶، ۶۱۱، ۶۲۶، ۶۵۳،
 ۶۵۷، ۶۶۴

شایسته‌سالاری: ۶۳۵

شایعه‌پراکنی: ۴۳۳

شبیه‌سازی: ۵۸۰

شرایط امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر: ۱۷۸، ۱۹۰ -
 ۱۹۲، ۱۹۲

شرق‌شناسی: ۴۷۵

شرک در اطاعت: ۳۲۷

شرک در الوهیت: ۳۲۶

شرک در خالقیت: ۳۲۶

شرک در ربوبیت: ۳۲۶

شرک در عبادت: ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸

شرک در ولایت: ۳۲۶

شفاعت اهل بیت(ع): ۲۴۶، ۳۲۷، ۳۲۸،
 ۶۵۶

شکاف میان مسئولین و مردم: ۱۲۴، ۴۲۹

- ۵۳۹: شهدای محراب: ۶۷۱
- ۵۴۰، ۵۳۶، ۵۳۴: شهدای هسته‌ای: عدالت اجتماعی: ۱۵، ۱۶، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۵۵، ۶۵، ۶۹، ۷۱، ۷۸، ۸۹، ۹۴، ۹۸، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۵۴، ۱۵۴، ۲۳۵، ۲۴۲، ۳۳۲، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۸۳، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۶
- ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۳۶: شهرسازی: عدالت اقتصادی: ۳۳۶، ۴۹۶، ۵۰۳
- ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۶، ۵۰۲: شهید پروزی: ۵۳۰: عدالت، عدل: در بسیاری از صفحات
- ۲۳۷، ۱۱۲، ۱۰۹: لذت پرستی: عدالت خواهی: ۹۲، ۱۰۰، ۱۴۹، ۱۷۸، ۲۷۷، ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۳۲، ۴۲۷، ۴۶۱ - ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۸
- صبر در مقابل حوادث، صبر بر شداید، قبول مصیبت: ۶۳، ۶۴، ۳۷۳، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۵۶
- صدور انقلاب، گسترش گفتمان انقلاب، نفوذ انقلاب: ۱۴، ۲۵۹، ۲۹۹، ۳۴۱، ۴۲۶، ۴۴۳، ۴۴۵، ۵۳۹
- صلح امام حسن (ع): ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷: صورت غیبی اعمال: ۵۳
- ظلم ستیزی، مقابله با ظلم، مبارزه با حکومت ظلم: ۸، ۲۹، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۹۲، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۷۸، ۱۸۲، ۲۰۶ - ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۸۶، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۴، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۱۸، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۵۱، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۹۶، ۵۴۴، ۵۷۷، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۲۰، ۶۲۷، ۶۳۸، ۶۴۸، ۶۵۱ - ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۶۰، ۶۷۰
- ظهور امام زمان (عج): ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۴۴، ۲۴۴، ۳۴۱، ۳۵۱، ۵۱۹، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۴ - ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۳ -
- عزت ملی، عزت کشوز: ۷۰، ۸۱، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۶۳، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۸، ۴۹۱، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۸، ۵۸۴، ۶۵۷
- عشق به کمال: ۵۲، ۵۹
- عفت، پاکدامنی: ۵۶، ۵۷، ۷۶، ۹۳، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۸۳، ۳۹۶، ۴۸۰، ۵۸۱
- عقب نشینی دشمنان: ۹۰، ۹۱، ۲۵۲
- عقل ستیزی، عقل‌گریزی: ۴۳۵ - ۴۳۷، ۴۳۹
- عقل‌گرایی محض، عقلانیت خودبنیاد: ۱۵۰، ۱۵۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۳، ۴۸۹، ۵۰۲
- علم اهل بیت (ع): ۲۲۴ - ۲۲۷، ۲۲۹ - ۲۴۰، ۲۶۱
- علم غیر مفید: ۷۳، ۷۵

نمايه‌ها / ۷۱۷

- علم ويژه‌ی الهی: ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۶۱
 عمل به قرآن، پیروی از قرآن: ۸۶، ۱۷۵، ۳۲۹
 عیب‌جویی: ۲۸، ۱۸۷، ۲۰۱
 غارت اموال ملت‌ها، غارت جوامع، چپاولگری:
 ۸۲، ۱۱۶، ۱۹۳، ۲۰۸، ۳۱۸، ۳۲۱، ۴۵۴-
 ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵،
 ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۱، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۹۷
 غرب‌زدگی، تقلید از غرب، تقلید از فرهنگ
 غرب، نگاه به غرب، گرایش به غرب،
 دنباله‌روی از غرب: ۳۴، ۹۸، ۱۰۰، ۱۶۲، ۳۵۶،
 ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۵۹، ۴۷۳-۴۷۶،
 ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۰۳، ۵۸۴،
 ۶۳۰، ۶۶۸
 غفلت خواص، غفلت عالمان: ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۵۴
 غلبه بر مشکلات، باز کردن گره‌های زندگی،
 جوابگویی به مشکلات، رتق‌وقتق امور: ۹۱،
 ۹۹، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۶۰، ۳۱۹، ۴۹۳، ۴۹۸، ۵۳۰،
 ۵۶۶، ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۲۹
 غلو مقامات اهل‌بیت(ع): ۲۴۷، ۲۶۲
 غنای فقه شیعه: ۵۶۴، ۵۸۸
 فتح خرمشهر: ۸۹
 فتح‌الفتوح انقلاب، هنر انقلاب: ۳۶۴، ۳۹۲،
 ۳۹۴، ۳۹۳
 فتنه‌گری: ۲۷، ۳۷، ۴۱۸، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۹۵
 فتنه‌ی ۸۸: ۲۷
 فرایندسازی: ۲۰، ۲۳، ۲۴
- فردگرایی، اصالت فرد: ۳۸۶، ۴۶۰، ۴۵۶،
 ۴۶۵-۴۶۷، ۴۸۹، ۵۰۲
 فرزندآوری، تولیدمثل: ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۷۵، ۴۰۱
 فرقه‌سازی: ۴۸۴، ۴۸۵
 فرقه‌گرایی: ۱۵۷، ۶۱۷
 فرمان جهاد، فتوای جهاد: ۹۷، ۱۲۴، ۴۱۵،
 ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۶، ۵۱۸، ۵۲۶، ۶۰۸
 فرمان هشت ماده‌ای: ۲۰۰
 فروپاشی کمونیسم: ۵۰۰، ۵۰۱
 فروتنی، تواضع: ۳۲۸، ۳۵۰، ۳۹۷
 فرهنگ اجنبی، فرهنگ غربی: ۱۹، ۲۶، ۲۷،
 ۳۳، ۳۴، ۸۱، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۸۴، ۳۱۳، ۳۳۰،
 ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۶۸، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۰،
 ۴۸۱، ۴۸۶، ۵۰۳
 فرهنگ اسلامی، فرهنگ اهل‌بیت(ع)،
 فرهنگ دینی: ۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۳،
 ۲۲۸، ۲۴۴، ۲۵۰-۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۰،
 ۲۶۳، ۲۹۷، ۳۱۳، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۸۸،
 ۴۲۶، ۴۸۰، ۴۸۵، ۴۹۸، ۵۵۵، ۶۰۱، ۶۳۵،
 ۶۶۹
 فرهنگ جهادی، فرهنگ انقلابی: ۱۳۰، ۴۲۸،
 ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳،
 ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۹۸
 فرهنگ شهادت: ۵۱۵، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۳،
 ۵۴۱-۵۴۴
 فرهنگ‌سازی: ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۴۱۶

قدرت بازدارندگی: ۴۱۷، ۶۳۰	فساد سلسله‌مراتبی، فساد فراگیر: ۱۲۱-۱۲۳، ۱۴۱
قدرت نرم: ۴۴۳، ۴۴۵	فقه اجتماعی: ۵۵۹، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۸
قرارداد تنباکو: ۱۱۵	فقه اقتصادی: ۵۶۲، ۵۷۹
قرارداد رویتز: ۱۱۵	فقه جواهری: ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۸۶، ۵۸۸
قرآن سوزی: ۱۵۸	فقه حکومتی: ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۸، ۵۶۹
قطع پیوندهای خانوادگی: ۱۸۲	فقه در زمان ائمه (ع): ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۸۸
قیاس: ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۵	فقه سنتی: ۵۶۶
قیام امام زمان (عج)، انقلاب امام عصر (عج): ۶۴۸، ۶۵۲، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۹، ۶۷۱	فقه سیاسی: ۵۶۱، ۵۶۹، ۵۷۷-۵۷۹
قیام تنباکو: ۱۰۸	فقه مقارن: ۵۵۸، ۵۷۴، ۵۸۸
قیام زیدین علی (ع): ۵۱۸	فقه هنر: ۵۶۴
قیام سرداران: ۲۵۰	فلسفه‌ی غیبت: ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۶۹
قیام عاشورا، نهضت امام حسین (ع): ۲، ۸۴، ۸۷، ۹۶، ۱۲۷، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۳۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۳۵۱، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۴۱، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۴۳	فهم صحیح از اسلام: ۱۵۱-۱۵۵
قیام علویان: ۲۵۰	قانون اساسی: ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۷۶، ۹۳، ۱۷۷، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۰، ۴۹۰، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۲، ۵۸۳
قیام علیه شاه، مبارزه با رژیم شاه: ۹۱، ۹۲، ۱۲۲، ۱۷۶، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۵۲، ۲۶۲، ۲۶۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۸	قانون جنگل: ۴۵۴
کاپیتالیزم: ۴۵۶، ۴۵۷	قانون متحدالشکل کردن لباس: ۶۲۷
کاخ نشینی: ۹۴، ۴۹۷	قانون شکنی، بی قانونی: ۱۴، ۲۱، ۲۶، ۳۷، ۶۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۲
کادرسازی، تربیت نیروی انسانی، تربیت عالم: ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳-۲۹۰، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۱، ۴۲۹، ۶۰۵	قانون‌گرایی، قانون‌مداری: ۷، ۱۴، ۱۶، ۲۰- ۲۳، ۲۶، ۳۷، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۶، ۸۰، ۸۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۶
	۵۷۷

نمایه‌ها / ۷۱۹

۶۶۸، ۶۵۵، ۶۳۷، ۶۳۴، ۶۲۶، ۶۱۸، ۵۳۹	۶۲۴، ۶۲۲
کفّار حربی: ۱۴۹، ۴۳۶	کار تشکیلاتی شیعه، نهضت نیمه مخفی شیعه:
کفران نعمت، تضييع نعمت: ۷۲، ۳۲۲	۲۳۳، ۲۳۸-۲۴۰، ۲۶۲، ۶۲۸
کلیسای خانگی: ۱۵۸	کار دسته جمعی، کار گروهی: ۲۷۳، ۲۹۱، ۲۹۷،
کم فروشی: ۴۴	۲۹۸، ۳۸۹
کم کاری: ۷۲	کارآمدی نظام: ۱۳۰، ۱۴۷، ۲۸۴
کوخ نشینی: ۹۴	کارکرد سیاسی مسجد: ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۴،
کودتای ۲۸ مرداد: ۳۸۲	۶۰۷، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۸-۶۳۰،
گرایش به اسلام: ۶۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۹، ۴۲۴،	۶۳۲، ۶۳۵
۶۳۵، ۴۴۴	کارکرد علمی مسجد: ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۰۶،
گرایش به معنویت: ۶۱۹، ۶۵۴	۶۱۵، ۶۳۰، ۶۳۷
گسترش اخلاق، گسترش ارزشها، زنده کردن	کارکرد نظامی مسجد: ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۸،
اخلاق، احیاء ارزشهای دینی، حاکمیت	۶۳۱، ۶۳۷
اخلاق، گسترش معنویت، نفوذ ارزشهای	کرامت انسان: ۶، ۷، ۸، ۱۵، ۹۷، ۹۸، ۱۱۰،
اسلامی: ۴۸، ۶۰، ۷۸، ۸۴-۸۶، ۸۹، ۹۰،	۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۱۹، ۳۲۱،
۹۶، ۹۸-۱۰۰، ۱۲۸، ۱۵۲، ۲۰۳، ۲۳۴، ۲۴۳،	۳۴۰، ۴۶۳، ۴۷۹
۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۱،	کرسی‌های آزاداندیشی، نهضت آزاداندیشی:
۳۴۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۴۴، ۵۳۲، ۶۳۱، ۶۶۸	۱۰، ۳۷۲
گسترش تشیع، بقای تشیع: ۵۱۷، ۵۳۱	کرسی‌های نظریه پردازی: ۵۸۱
گسترش دین، توسعه‌ی دین‌داری، گسترش	کسب قدرت، قدرت طلبی، سلطه طلبی،
مفاهیم قرآن، فراگیر شدن معارف اسلامی،	انحصار قدرت: ۷۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹،
عمق بخشی به معارف: ۸۵، ۸۷، ۹۰، ۱۴۱،	۱۲۶، ۱۳۲، ۱۵۹، ۲۷۴، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۷،
۱۵۴، ۱۵۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸،	۳۳۶، ۳۳۷، ۴۵۵، ۴۶۳، ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۷۸،
۲۶۰، ۲۶۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۴۳، ۳۷۴، ۳۷۹،	کشف حجاب: ۶۲۷
۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۲۵، ۵۱۷،	کشورهای اسلامی: ۳، ۱۴، ۳۲۱، ۳۳۴، ۴۳۹،
۵۳۱، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۳۵، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۷۰	۴۴۳، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۵۲۶،

- گسترش نفوذ اسلام: ۹۲، ۳۴۱، ۶۵۸
 گفتمان‌سازی: ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۶۴، ۲۵۹، ۴۲۸
 گمراهی افکار عمومی، تحریف عقاید، تخریب فرهنگ ملی، گمراهی مردم، انحراف جامعه، عوام‌فریبی: ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۸۶، ۹۷، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۹۸، ۲۳۷-۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۵، ۴۰۴، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۷۱-۴۷۶، ۴۷۸-۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۲۶
 لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی: ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۹۰
 ماجرای ترور پیامبر(ص): ۱۴۱
 ماجرای سلمان رشدی: ۱۵۸
 مبارزه با استعمار، رهایی از استعمار، نفی استعمار: ۷، ۱۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۳۲۱، ۳۳۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۹۶
 مبارزه با استکبار، استکبارستیزی، مقاومت در برابر استکبار: ۵۰، ۱۰۸، ۱۳۳، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۹-۱۶۱، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۴۶، ۲۵۷، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۸-۳۳۹، ۳۴۳، ۳۵۱، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۴۵، ۴۵۱، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۷۱
 مبارزه با طاغوت، مبارزه با باطل، خروج از ولایت طاغوت، نفی طاغوت: ۵۰، ۷۲، ۸۷، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۵
 ۱۶۴، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۵۰-۲۵۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲-۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۳، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۴۵، ۵۷۷، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۷۰
 مبارزه برای آزادی: ۸، ۳۹۸، ۴۱۹
 مبارزه‌ی سیاسی ائمه(ع): ۱۳۲، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۶۲، ۴۱۹، ۴۲۶
 مبارزه‌ی سیاسی، جهاد سیاسی: ۱۳۲، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۷، ۴۴۵، ۵۲۵
 مبارزه‌ی فرهنگی، دفاع فرهنگی، جهاد فرهنگی: ۹۷، ۲۳۰، ۳۶۳، ۳۷۶، ۴۲۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۴
 مبارزه‌ی مسلحانه: ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۶۲، ۴۱۹، ۴۳۶، ۴۳۰، ۴۲۰
 محاصره‌ی اقتصادی، فشار اقتصادی: ۹۰، ۳۳۲، ۳۹۸، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۲
 محافظه‌کاری، حفظ ساختار موجود: ۳۷۳، ۳۹۹، ۵۷۶، ۶۶۵
 محبت به اهل‌بیت(ع): ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۴۶-۲۵۰، ۲۶۲، ۳۹۶، ۴۱۷، ۶۵۶
 محدودیت آزادی، قلمرو آزادی: ۹، ۱۴-۱۸، ۲۴، ۲۶-۲۸، ۳۰، ۲۰۰
 محوریت مساجد، مرکز بودن مساجد: ۳۵۳

نمایه‌ها / ۷۲۱

- ۳۷۶، ۵۹۵ - ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۹ - ۶۳۲، ۶۳۴ - ۶۳۶، ۶۳۷
- مخالف با مشهور: ۴۲۳، ۵۷۳
- مخدوش شدن هویت ملی، سلب هویت ملی، بحران هویت: ۳۴، ۷۹، ۱۲۰ - ۱۲۲، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۸۱، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۹۹
- مدح اهل بیت (ع): ۲۲۳
- مدگرایی، تنوع‌طلبی: ۴۷۴، ۵۰۳
- مدیریت جهادی: ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵
- مراسم عزاداری اهل بیت (ع): ۲۵۰، ۲۷۷، ۵۳۳
- مرجعیت دینی: ۱۴۲، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۵
- ۲۵۱، ۲۶۱، ۵۷۷
- مردم‌سالاری دینی: ۷، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۶۴، ۱۶۶، ۲۳۴، ۲۶۳، ۳۲۱، ۵۸۲
- مردم‌سالاری: ۲، ۳۰، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۵۷، ۲۵۷، ۳۲۱
- مرگ تاجران: ۵۲۱
- مسجد مطلوب، مسجد تراز: ۶۱۳ - ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۳۰، ۶۳۶، ۶۳۷
- مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌شناسی: ۸، ۷۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۷۸، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۹۵، ۴۴۳، ۶۱۲
- مشارکت در انتخابات: ۸، ۲۹۲، ۳۲۱، ۴۲۷
- مشروطیت، قیام مشروطه: ۱۰۷ - ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۴۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۳۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۶۳۷
- مشروعیت تشکیلاتها: ۲۷۹، ۳۰۰
- مشروعیت نظام: ۸۱، ۱۰۰، ۲۷۹، ۵۸۲
- مشورت: ۱۱۳، ۲۸۳، ۵۹۷
- مصالح عمومی، منافع ملی: ۲۱، ۲۴ - ۲۷، ۵۰، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۷۴، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۷۸، ۳۷۸، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۸۱
- مصرف‌گرایی، اسراف: ۴۹، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۹۴، ۹۸، ۳۲۲، ۳۷۴، ۴۲۸، ۴۷۰ - ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۷، ۵۶۲
- معراج پیامبر (ص): ۵۹۶، ۶۰۱
- مقابله با ابرقدرت‌ها، مقابله با غرب و شرق، برائت از قدرتهای غرب و شرق: ۷۲، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۶، ۱۸۳، ۲۵۲، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۳۸ - ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۶، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۳۵، ۶۰۷، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۷۱
- مقام امامت: ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۶۲
- مقام‌پرستی، جاه‌پرستی: ۲۸۲، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۴۳، ۴۲۲
- مکتب امام (ره)، اندیشه‌ی امام (ره)، خط امام (ره): ۷۰، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۹۷
- مکتب سکولاریسم: ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۴۲، ۱۶۱ - ۱۶۳، ۱۶۸، ۲۰۸، ۲۸۰، ۳۸۴، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۸۸، ۵۰۲، ۵۴۵، ۶۱۹، ۶۳۰ - ۶۳۲

- مکتب سوسیالیسم: ۳۱، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۷، ۴۵۸، ۳۸۶، ۳۳۶
- مکتب فاشیسم: ۱۲۷
- مکتب فمینیسم: ۳۸۶، ۹۷
- مکتب کمونیسم: ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۶۱، ۲۷۶، ۳۴۱، ۴۴۲، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۸۶
- مکتب لیبرالیسم: ۳، ۲۹-۳۲، ۶۸، ۲۷۶
- مکتب مارکسیسم: ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۷، ۲۷۶، ۲۷۶، ۳۳۶، ۳۷۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۷
- مکتب نازیسم: ۱۱۹، ۱۲۷، ۵۰۲، ۵۰۱، ۴۵۷، ۳۸۴، ۲۷۷
- مکتب نازیسم: ۱۱۹، ۱۲۷
- ملّی شدن صنعت نفت: ۲۷۶، ۲۹۷، ۳۸۸، ۶۲۷
- منطق اسلامی، تفکر اسلامی، اندیشه‌ی اسلامی، تفکر توحیدی: ۶-۸، ۲۶، ۶۶، ۱۰۹، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۲۴، ۳۵۵، ۳۷۸، ۳۷۸، ۴۱۷، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۶۱، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۳۲-۶۳۴، ۶۴۵، ۶۵۸، ۶۶۹
- منفعت‌طلبی، سودطلبی: ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۱
- موضوع‌شناسی: ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۹۰، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳
- منکرسیاسی: ۱۸۴، ۱۸۵
- موضوع‌شناسی: ۵۷۴، ۵۸۷، ۵۸۸
- موقعیت‌شناسی، عمل بهنگام: ۲۵۴، ۳۶۷، ۳۹۸، ۴۳۳
- مهدویت، مهدی‌باوری: ۶۴۵، ۶۴۷-۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۹-۶۷۰
- نامیدی مردم، ناامیدی جوانان: ۱۸۴، ۳۷۰، ۳۸۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۶۵۰
- ناسیونالیسم، ملّی‌گرایی: ۲۷۶، ۳۰۰، ۳۲۵، ۳۸۴، ۴۴۴، ۴۵۶
- نپذیرفتن سلطه، رهایی از سلطه، مبارزه با سلطه: ۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۶، ۱۱۳، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۲۰۷، ۳۲۶، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۳۱، ۴۴۳، ۴۴۳، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۵۹
- نترسیدن از دشمنان: ۵۰، ۶۳، ۹۱، ۲۳۰، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۷۳، ۶۲۱، ۶۳۰
- نترسیدن از مرگ: ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۴۲
- نجات از فقر، مبارزه با فقر: ۳۴، ۸۳، ۱۶۶، ۳۳۳، ۴۶۰، ۴۸۳، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶
- نجات بشر، نجات انسان، نجات جامعه: ۳، ۳۴، ۶۲، ۲۳۸، ۲۵۵، ۳۸۵، ۳۹۴، ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۲۷، ۵۳۵، ۵۴۶، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۶۵
- نجات مظلومان، حمایت از مظلوم: ۸، ۹۶، ۱۴۵، ۱۴۹، ۲۶۲، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۵۰، ۴۱۹، ۵۹۹، ۶۴۶
- نخبه‌پروری، قدرشناسی از نخبگان: ۳۷۹، ۳۸۰
- نرمش قهرمانانه: ۲۳۳، ۲۳۷

نمایه‌ها / ۷۲۳

در عرصه: ۱۶، ۶۶، ۱۰۶، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۹۰،
 ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۲۱،
 ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۷-۳۹۱،
 ۳۹۳، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۲۷، ۴۹۵، ۶۰۷، ۶۱۰،
 ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۹،
 ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۳۸
 نقل حدیث: ۵۵۷
 نقل‌گرای محض: ۱۵۰، ۱۵۱
 نوکری اجانب، بلندگوی دشمن، خدمت به
 استکبار، همکاری با حکومت جابر، بازی در
 میدان دشمن: ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۴،
 ۲۴۰، ۲۷۸، ۳۸۵، ۴۳۸-۴۴۰، ۵۲۴، ۶۱۹،
 ۶۲۰
 نهضت‌های آزادی‌خواه، آزادی‌خواهی: ۱۴۲،
 ۲۷۶، ۴۴۴
 نهی از منکر: ۱۷، ۶۶، ۹۲، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۷۳-
 ۱۸۰، ۱۸۲-۲۱۲، ۲۴۴، ۲۵۵، ۲۹۰، ۳۵۰،
 ۳۷۷، ۳۹۹، ۴۱۵، ۴۴۱، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۸۳،
 ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۶۶
 نیروی محرکه‌ی انقلاب، امید انقلاب: ۳۴۹،
 ۳۵۳، ۴۰۳
 وابستگی به بیگانه، وابستگی به غرب: ۱۰، ۱۹،
 ۲۷، ۳۴، ۹۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۲-۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۲،
 ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۵۲، ۲۷۸، ۲۹۹، ۳۳۲،
 ۳۳۶، ۳۶۱، ۳۸۲، ۴۳۱، ۴۳۸، ۴۶۹، ۴۷۲-
 ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۴،

نسبیت ارزشهای اخلاقی، کثرت‌گرایی
 اخلاقی: ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۶۸
 نسپردن پست به سرمایه‌داران: ۴۹۷، ۵۰۳
 نشاط کار: ۳۷۴
 نظارت امام عصر(عج)، عرضه‌ی اعمال به
 امام زمان(عج): ۶۶۲
 نظارت مردم، نظارت عمومی: ۱۰۸، ۱۷۹، ۱۸۵،
 ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۱۲
 نظام اسلامی، نظام جمهوری اسلامی: در
 بسیاری از صفحات
 نظام‌سازی، ساختارسازی: ۱۵۴-۱۵۶، ۳۳۵،
 ۳۴۲، ۴۴۲، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۳
 نفوذ بیگانگان: ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۳۳، ۳۷، ۱۱۶،
 ۲۷۸، ۳۶۳، ۳۷۱، ۴۳۰، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۷۶،
 ۴۸۳، ۴۸۶، ۵۰۳، ۵۴۳، ۵۴۷
 نفوذ فرهنگی: ۹۶، ۱۱۶، ۴۷۱، ۴۷۶، ۴۷۷،
 ۴۸۰
 نفی استبداد، مبارزه با استبداد، رهایی از
 استبداد: ۲، ۷، ۱۲، ۱۰۶-۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲-
 ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۵، ۲۷۷، ۳۳۱،
 ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۳، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۸
 نفی استقلال: ۱۲۳، ۴۸۴
 نفی اکراه در دین: ۵، ۴۲۴، ۴۲۵
 نقدپذیری: ۲۲، ۲۳، ۱۸۹، ۲۸۳، ۳۹۷
 نقش مردم در اداره‌ی امور، حضور مردم در
 صحنه، حضور سیاسی مردم، حضور جوانان

- ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۶۴، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۴۹۸، ۶۵۸
- ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸-۲۴۱، ۲۴۷-۲۴۹، ۲۵۱، ۴۲۳، ۳۸۲، ۱۲۳: وابستگی سیاسی
- ۲۵۲، ۲۶۱، ۳۱۵، ۳۲۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۴، ۴۸۱، ۴۷۹، ۴۷۶، ۴۳۱: وابستگی فرهنگی
- ۶۶۸، ۴۷۳، ۹۱: وابستگی فکری، وابستگی علمی: ۹۱، ۴۷۳، ۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۹
- ولایت تشریحی: ۲۲۴
- ولایت تکوینی: ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶
- ولایت طاغوت، حکومت طاغوتی، حکومت ۷۶، ۲۷، ۲۷، ۶۰۲، ۱۷۴
- غیر الهی: ۱۲، ۶۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۴۸، ۵۰۱، ۴۳۸، ۳۵۲: واقع‌بینی
- ۱۵۵، ۱۹۳، ۲۰۸-۲۱۰، ۲۳۸، ۲۵۱-۲۵۳، ۲۲۶، ۱۵۴، ۱۴۴: واقعه‌ی غدیر:
- ۳۳۱، ۳۴۳، ۴۲۶، ۴۳۴، ۵۷۷، ۶۳۲، ۶۵۰، وجدان کاری: ۷۶، ۸۴، ۹۸، ۱۰۰، ۳۶۷، ۴۳۴، ۳۹۷
- ۶۵۱
- ولایت فقیه: ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، وجود معارف در ادعیه: ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۸، ۳۲۹
- ۱۴۴، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۶، ۲۳۴، ۲۹۶، ۲۹۹، وحدت کلمه، برادری، اتحاد: ۲۵، ۴۸، ۶۴، ۸۲، ۹۱، ۹۴، ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۳، ۱۴۸
- ولایت‌گریزی: ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۱، ۲۵۲، ۲۲۲، ۲۲۱، ۱۸۷، ۱۵۷، ۱۵۰-۱۴۸
- هجرت پیامبر(ص): ۴۱۴، ۵۹۸، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۶۳، ۲۶۱-۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۴
- هدایت ولی‌فقیه، رهبری ولی‌فقیه، ولایت ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۶-۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰
- ولی‌فقیه، نظارت ولی‌فقیه: ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۳۳۴، ۳۳۲، ۳۲۵، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۰۹
- ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۶۴، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۹۸، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۷۱، ۳۹۱، ۳۹۶، ۳۹۹
- ۳۹۱، ۴۴۲، ۵۴۳-۵۴۷، ۵۶۷، ۵۷۷-۵۷۹، ۵۳۳، ۵۳۱، ۴۹۵، ۴۸۵، ۴۷۶، ۴۳۳، ۴۲۹
- ۵۸۶، ۵۴۹، ۶۴۹، ۶۵۶، ۶۶۳، ۶۶۷، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۲۹
- هرج و مرج، شورش، آشوب، تشنج آفرینی: ۲۴، ۶۳۰، ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۷۰
- ۱۷۷، ۱۸۶، ۲۴۰، ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۳۷، ۴۶۶، ورود کالاهای خارجی، ورود کالاهای لوکس:
- ۴۵۳، ۴۸۶، ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۷۴، ۴۶۰
- هسته‌های مقاومت در سراسر جهان: ۱۶۵، ولایت اهل‌بیت(ع)، امامت اهل‌بیت(ع): ۱۱۲

نمايه‌ها / ۷۲۵

همه‌پرسی جمهوری اسلامی: ۲۳۹	هلاکت جوامع، انحطاط جامعه، تضعیف
همه‌پرسی قانون اساسی: ۲۹۹	درونی جامعه: ۵۱، ۷۲، ۷۹، ۸۱، ۹۶، ۱۰۰،
هنر انقلابی، هنر اسلامی: ۳۸۹، ۶۰۳	۱۲۳، ۳۳۵، ۳۶۲، ۴۲۱، ۴۳۴، ۴۵۹، ۴۷۶،
هیئت‌های مذهبی: ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۴، ۳۰۰	۴۹۹
	همنشینی با قرآن، تمسک به قرآن، تدبیر در
	قرآن، احیاء قرآن، انس با قرآن: ۱۴۰، ۱۴۱،
	۱۵۰-۱۵۲، ۲۴۸، ۲۵۶، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۹

فهرست مداخل اصلی

عرفان	۶۹	تمدن اسلامی	۳۵	آیت الله امام خمینی (ره)	۱
عقلانیت	۷۰	توحید	۳۶	آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای	۲
علم و فناوری	۷۱	تهاجم فرهنگی	۳۷	آزادی	۳
علوم انسانی	۷۲	جامعه اسلامی	۳۸	آینده	۴
غرب	۷۳	جمهوری اسلامی	۳۹	اخلاق	۵
فرهنگ	۷۴	جمهوری اسلامی ایران	۴۰	استبداد	۶
فقه	۷۵	جوان	۴۱	استقلال	۷
فلسطین	۷۶	جهاد	۴۲	استکبار	۸
قانون	۷۷	جهانی شدن	۴۳	اسلام ناب محمدی (ص)	۹
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۷۸	حج ابراهیمی	۴۴	اصلاح‌گری	۱۰
قدرت	۷۹	حقوق بشر	۴۵	اصول‌گرایی اسلامی	۱۱
قرآن	۸۰	حوزه‌های علمیه	۴۶	اقتدار	۱۲
قومیت	۸۱	خانواده	۴۷	اقتصاد	۱۳
کارگزاران نظام	۸۲	خودباوری	۴۸	امت اسلامی	۱۴
لیبرالیسم	۸۳	دانشگاه	۴۹	امربه معروف و نهی از منکر	۱۵
مارکسیسم	۸۴	دشمن	۵۰	امریکا	۱۶
محیط زیست	۸۵	دفاع مقدس	۵۱	امنیت	۱۷
مدیریت	۸۶	دین	۵۲	انتقاد	۱۸
مردم	۸۷	رژیم پهلوی	۵۳	انسان	۱۹
مستضعفین	۸۸	رسانه	۵۴	انقلاب اسلامی	۲۰
مسجد	۸۹	روحانیت	۵۵	انقلاب اسلامی ایران	۲۱
مشروطه	۹۰	روشنفکری	۵۶	اهل بیت (ع)	۲۲
معنویت	۹۱	زبان و ادبیات فارسی	۵۷	ایثارگری	۲۳
ملیت	۹۲	زن	۵۸	ایران	۲۴
مهدویت	۹۳	زندگی	۵۹	بسیج	۲۵
نخبگان	۹۴	سازمان‌های بین‌المللی	۶۰	بیداری اسلامی	۲۶
نماز جمعه	۹۵	سرمایه‌داری	۶۱	پیامبر اعظم (ص)	۲۷
نہضت حسینی	۹۶	سکولاریسم	۶۲	پیشرفت	۲۸
وحدت حوزه و دانشگاه	۹۷	سیاست	۶۳	تاریخ	۲۹
وحدت مسلمین	۹۸	سیاست خارجی	۶۴	تحول	۳۰
وحدت ملی	۹۹	شهادت	۶۵	تشکل	۳۱
ولایت فقیه	۱۰۰	صدر انقلاب	۶۶	تعلیم و تربیت	۳۲
هنر	۱۰۱	صهیونیسم	۶۷	تفریح	۳۳
هویت	۱۰۲	عدالت	۶۸	تقریب مذاهب	۳۴

فهرست مداخل ارجاعي

کشف حجاب	۷۳	خط امام	۳۷	آزاداندیشی	۱
کمونیسم	۷۴	خمینی سید روح الله	۳۸	آیسکو	۲
کمیته حقوق بشر	۷۵	خواص	۳۹	ادیان الهی	۳
مجاهدت	۷۶	خودکفایی	۴۰	استحاله فرهنگی	۴
مجمع تقریب مذاهب اسلامی	۷۷	دادگاه بین المللی لاهه	۴۱	استعمار	۵
محاصره اقتصادی	۷۸	دستاوردهای انقلاب اسلامی	۴۲	اسلام آمریکایی	۶
مدرس سیدحسن	۷۹	دیپلماسی	۴۳	اشرافیگری	۷
مدینه فاضله	۸۰	رژیم اشغالگر قدس	۴۴	اصلاح الگوی مصرف	۸
مرئی	۸۱	روابط بین الملل	۴۵	افکار عمومی	۹
مردم سالاری دینی	۸۲	رهبر کبیر انقلاب اسلامی	۴۶	اقتصاد بدون نفت	۱۰
مشارکت	۸۳	رهبری	۴۷	الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	۱۱
مشروعیت	۸۴	سازمان های عفو بین الملل	۴۸	امامت	۱۲
مصرف گرایی	۸۵	سازمان ملل متحد	۴۹	انتظار	۱۳
مطبوعات	۸۶	سند چشم انداز	۵۰	اوقات فراغت	۱۴
معارف اسلامی	۸۷	سوسیالیسم	۵۱	اومانیزم	۱۵
معلم	۸۸	شادی	۵۲	ایثارگران	۱۶
مفاسد اقتصادی	۸۹	شبیخون فرهنگی	۵۳	پارهنگان	۱۷
مقام معظّم رهبری	۹۰	شعر	۵۴	تجمل گرایی	۱۸
مقاومت	۹۱	شهداء	۵۵	تخریب	۱۹
مکتب امام	۹۲	شیطان بزرگ	۵۶	تحول در حوزه	۲۰
ملی شدن صنعت نفت	۹۳	صدا و سیما	۵۷	تروریسم	۲۱
مهندسی فرهنگی	۹۴	صنعت	۵۸	تشکل های دانشجویی	۲۲
ناتوی فرهنگی	۹۵	طلاب	۵۹	تقیّه	۲۳
نشاط	۹۶	عاشورا	۶۰	تفرقه	۲۴
نفاق	۹۷	عبرت های تاریخی	۶۱	تولید ملی	۲۵
نقد منصفانه	۹۸	عزت ملی	۶۲	جانبازان	۲۶
نهادهای انقلابی	۹۹	عزم ملی	۶۳	جنبش دانشجویی	۲۷
نهادهای بین المللی	۱۰۰	علما	۶۴	جنبش عدم تعهد	۲۸
نهج البلاغه	۱۰۱	فضای مجازی	۶۵	جنبش نرم افزاری	۲۹
نهضت تولید علم	۱۰۲	قدس	۶۶	جنگ	۳۰
نهضت های آزادی خواه	۱۰۳	قیام ۱۵ خرداد	۶۷	جنگ نرم	۳۱
ورزش	۱۰۴	کار	۶۸	جهاد اقتصادی	۳۲
ولایت	۱۰۵	کتاب	۶۹	جهانی سازی	۳۳
ولی امر مسلمین	۱۰۶	کربلا	۷۰	حکومت	۳۴
هولوکاست	۱۰۷	کرسی های آزاداندیشی	۷۱	خامنه ای سید علی	۳۵
یونسکو	۱۰۸	کشاورزی	۷۲	خانواده شهدا	۳۶

فهرست تفصیلی مطالب

آزادی (منصور میراحمدی، رجبعلی اسفندیار) / ۱

۳.....	مبانی نظری
۴.....	مبانی فلسفی - کلامی
۶.....	مبانی فقهی - حقوقی
۹.....	انواع آزادی
۹.....	آزادی فرهنگی
۱۰.....	آزادی فکر و اندیشه
۱۰.....	آزادی اقتصادی
۱۱.....	آزادی سیاسی و اجتماعی
۱۳.....	ترابط آزادی با سایر مفاهیم اساسی
۱۳.....	آزادی و شریعت
۱۴.....	آزادی و قانون
۱۵.....	آزادی و عدالت
۱۶.....	آزادی و اخلاق
۱۷.....	آزادی و امنیت
۱۹.....	آزادی و پیشرفت
۱۹.....	راهبرد و شیوه‌های تحقق آزادی
۲۰.....	تکیه بر تعالیم اسلامی
۲۰.....	باورمندی
۲۱.....	قانونمندی
۲۲.....	فرهنگ‌سازی

۲۳ فرایندسازی
۲۴ آسیبها و چالشهای فراروی آزادی
۲۴ هرج و مرج
۲۵ تفرقه
۲۵ توطئه
۲۶ قانون شکنی
۲۶ فساد و انحرافات اجتماعی
۲۷ ترویج باطل و تحریف عقاید
۲۷ فتنه‌گری
۲۸ بی‌بندوباری اخلاقی
۲۸ نفوذ بیگانگان
۲۹ استحاله‌ی نظام
۲۹ مقایسه‌ی رویکرد انقلاب اسلامی به آزادی با سایر رویکردها
۲۹ رویکرد لیبرالیسم
۳۱ رویکرد سوسیالیسم
۳۲ رویکرد انقلاب اسلامی
۳۳ توفیق و کارآمدی جمهوری اسلامی در تحقق آزادیهای مطلوب
۳۳ تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران
۳۳ آزادی فرهنگی
۳۴ آزادی اقتصادی
۳۵ آزادی علم و فناوری
۳۵ آزادی سیاسی - اجتماعی
۳۶ آزادی بیان
۳۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۹ منابع

اخلاق (علی گرامی) / ۴۱

۴۶ جایگاه و اهمیت اخلاق
۴۶ جایگاه اخلاق

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۳۱

۴۷	اهمیت اخلاق
۴۹	مبانی و اصول اخلاق
۴۹	مبانی هستی‌شناختی
۵۱	مبانی انسان‌شناختی
۵۴	مبانی ارزش‌شناختی
۵۷	اهداف اخلاق
۵۷	هدف‌گایی
۵۸	اهداف مقدماتی
۵۸	منابع نظام اخلاقی
۵۸	عقل
۵۹	فطرت
۵۹	قرآن و سنت (وحی)
۶۰	ارزش‌های برجسته اخلاقی
۶۱	اخلاق بندگی
۶۳	اخلاق فردی
۶۴	اخلاق اجتماعی
۶۷	اخلاق زیست‌محیطی
۶۸	رابطه اخلاق با مقوله‌های اساسی زندگی
۶۸	آزادی
۶۹	عدالت اجتماعی
۶۹	حقوق
۷۰	سیاست
۷۰	اخلاق حرفه‌ای
۷۱	فعالان اقتصادی
۷۱	زامداران و کارگزاران
۷۳	روحانیان
۷۳	دانشگاهیان و فرهنگیان
۷۴	فعالان سیاسی
۷۴	مهندسان و پزشکان

۷۵	اصحاب رسانه
۷۶	نهادهای تأثیرگذار در اخلاق
۷۶	دولت
۷۷	خانواده
۷۷	مدارس
۷۸	روحانیت
۷۸	رسانه‌ها
۷۹	آسیبها و آفات بداخلاقی در جامعه
۷۹	از بین رفتن سلامت و سعادت جامعه
۸۰	گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه
۸۰	طغیان و سرکشی
۸۱	از بین رفتن عزت و اقتدار جامعه اسلامی
۸۱	از بین رفتن استقلال کشور
۸۱	کاهش مشروعیت در نظام اسلامی
۸۱	باز ماندن از سازندگی و آینده‌نگری
۸۲	غلبه شرّ و فساد
۸۲	راهبردها و ابزارهای تحقق و توسعه اخلاق
۸۲	التزام عملی مسئولان به آموزه‌های اخلاقی
۸۳	مبارزه حکومت با بسترها و ریشه‌های فساد اخلاقی
۸۳	الگوسازی شخصیت‌های اخلاقی و معنوی
۸۴	استفاده مناسب از رسانه‌های عمومی و تولید کتب و نشریات اخلاقی
۸۴	بهره‌برداری بهتر از منبرها و مناسبت‌ها
۸۵	مشارکت فعال آموزش و پرورش
۸۵	استفاده از ابزار پرنفوذ هنر
۸۶	بسط ارزشها در میان همه سطوح و طبقات جامعه
۸۶	بهره‌گیری از آیات، روایات و سخنان بزرگان و ترویج سبک و سیره اخلاقی معصومین <small>علیهم‌السلام</small>
۸۷	بهره‌گیری از پایگاه‌ها، مراکز و تشکلهای فعال مردمی
۸۸	مقایسه‌ی اخلاق اسلامی با سایر نظامهای اخلاقی
۸۸	تفاوت در جهان بینی

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۳۳

۸۸	تفاوت در تعیین مصداق سعادت
۸۸	تفاوت در راه‌های وصول به سعادت
۸۹	کارنامه و توفیقات انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق اخلاق
۸۹	حوزه اخلاق بندگی
۹۰	حوزه اخلاق فردی
۹۱	حوزه اخلاق اجتماعی
۹۲	حوزه اخلاق زیست محیطی
۹۳	چالشها و آسیبهای اخلاقی فراروی نظام اسلامی
۹۳	حب دنیا
۹۴	خودبینی و تکبر
۹۴	اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی
۹۵	غفلت
۹۵	خودفراموشی
۹۵	خودباختگی در برابر بیگانگان
۹۶	مدیریت ناتوان و ناهل
۹۶	قدرت طلبی
۹۷	تهاجم فرهنگی
۹۸	تقلید از فرهنگ بیگانه
۹۸	چشم‌انداز انقلاب اسلامی در عرصه اخلاق
۹۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۰۱	منابع

استبداد (مصطفی ملکوتیان، محمدباقر ولدان) / ۱۰۵

۱۰۹	مبانی نظری مخالفت اسلام با استبداد
۱۰۹	مبانی اعتقادی
۱۱۱	مبانی فقهی - حقوقی
۱۱۲	مبانی اخلاقی
۱۱۳	زمینه‌ها و عوامل ظهور استبداد
۱۱۳	زمینه‌ها

۱۱۴.....	عوامل
۱۱۷.....	اشکال و قالبهای استبداد
۱۱۷.....	اشکال
۱۱۸.....	قالبها
۱۱۹.....	ویژگیهای استبداد
۱۱۹.....	انحصار قدرت
۱۲۰.....	سلب آزادی
۱۲۰.....	اختناق و سرکوب سایر اندیشه ها
۱۲۰.....	طرد نخبگان و توده ملت
۱۲۰.....	بی قانونی
۱۲۱.....	تبعیض
۱۲۱.....	پیامدها و آفات استبداد
۱۲۱.....	پیامدهای معنوی و فرهنگی
۱۲۳.....	پیامدهای سیاسی و اجتماعی
۱۲۴.....	راهکارهای مبارزه با استبداد
۱۲۴.....	تأسیس ساختار اسلامی
۱۲۵.....	تریت نفسانی
۱۲۵.....	معرفی اسلام ناب محمدی ﷺ
۱۲۵.....	ترویج مبانی استبدادستیز اسلام
۱۲۵.....	استعمارستیزی
۱۲۶.....	وحدت کلمه
۱۲۶.....	قانون مداری
۱۲۶.....	مقایسه ی رویکرد انقلاب اسلامی در باب استبداد با سایر رویکردها
۱۲۷.....	سطح بینشی
۱۲۸.....	سطح عینی
۱۲۹.....	توفیقات انقلاب اسلامی در مبارزه با ریشه های استبداد
۱۲۹.....	استقرار نظام ولایی
۱۳۰.....	استقلال
۱۳۰.....	تغییر فرهنگ و جهت گیری ها

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۳۵

۱۳۱..... وحدت
 ۱۳۱..... تقویت جبهه مواجهه با استبداد بین المللی
 ۱۳۲..... جمع بندی و نتیجه گیری
 ۱۳۵..... منابع

اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (محمدصادق احمدی) / ۱۳۹

۱۴۳..... مبانی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۴۴۱..... ویژگیهای اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۱۴۵..... جامعیت
 ۱۴۵..... عقلانیت
 ۱۴۶..... اجتهادپذیری
 ۱۴۶..... حکومت داری
 ۱۴۷..... کارآمدی
 ۱۴۷..... روزآمدی
 ۱۴۷..... عزت مداری
 ۱۴۸..... مواضع سیاسی - اجتماعی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۱۴۸..... مبارزه با استبداد
 ۱۴۸..... استکبارستیزی
 ۱۴۹..... عدالت خواهی
 ۱۴۹..... دفاع از مستضعفان
 ۱۴۹..... وحدت مسلمین
 ۱۵۰..... منابع اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۱۵۱..... روش شناسی فهم اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 ۱۵۱..... تعقل و تدبر
 ۱۵۲..... مراعات زمان و مکان
 ۱۵۲..... نگاه جامع
 ۱۵۳..... رجوع مستقیم به منابع معتبر
 ۱۵۳..... ولایت
 ۱۵۴..... راهبردهای تحقق اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱۵۴	فهم صحيح فراگير از اسلام
۱۵۵	انقلاب
۱۵۵	استقرار نظام اسلامي
۱۵۶	تشكيل دولت اسلامي
۱۵۶	تحقق جامعه اسلامي
۱۵۶	ايجاد تمدن اسلامي
۱۵۷	موانع و چالشهاي فراروي اسلام ناب محمدی ﷺ
۱۵۷	تفرقه افكني
۱۵۸	تهاجم فرهنگي
۱۵۸	زورگويي و استعلا
۱۵۹	متحجران
۱۵۹	سكولارها
۱۵۹	منافقان
۱۶۰	اشراف
۱۶۰	سازش كاران
۱۶۰	تقابل اسلام ناب محمدی ﷺ با اسلام آمريكايي و مصاديق آن
۱۶۳	توفيقات انقلاب اسلامي در تحقق اسلام ناب محمدی ﷺ
۱۶۴	تبديل آرمانهاي انقلاب به گفتمان
۱۶۴	احيای اسلام كارآمد
۱۶۴	حاکميت دين
۱۶۵	بيداري اسلامي و فلسطين
۱۶۵	تشكيل هسته هاي مقاومت
۱۶۶	چشم انداز اسلام ناب محمدی ﷺ
۱۶۷	جمع بندي و نتيجه گيري
۱۶۹	منابع

امر به معروف و نهی از منکر (ابوالقاسم مقیمی حاجی) / ۱۷۳

۱۷۷	مبانی و اهداف ديني امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۷	مبانی نظري

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۳۷

۱۷۹ مبانی فقهی
۱۷۹ اهداف امر به معروف و نهی از منکر
۱۸۰ عرصه‌های فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر
۱۸۰ عرصه‌ی فردی
۱۸۱ عرصه‌ی خانوادگی
۱۸۲ عرصه‌ی اجتماعی
۱۸۶ زیر ساخت‌های تربیتی احیای امر به معروف و نهی از منکر
۱۸۷ اصلاح خویشتن
۱۸۷ گسترش روحیه‌ی خیرخواهی و مهرورزی
۱۸۹ تداوم و استمرار
۱۸۹ ایجاد روحیه‌ی نقدپذیری
۱۸۹ تلقی صحیح از امر به معروف و نهی از منکر
۱۹۰ شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۹۰ شرط اول: شناخت معروف و منکر
۱۹۱ شرط دوم: اصرار بر گناه
۱۹۱ شرط سوم: احتمال تأثیر
۱۹۲ شرط چهارم: عدم مفسده
۱۹۳ مراحل و شیوه اجرای امر به معروف و نهی از منکر
۱۹۴ مرحله اول: بیزاری و انزجار قلبی
۱۹۵ مرحله دوم: امر و نهی زبانی
۱۹۶ مرحله سوم: توسل به قدرت
۱۹۷ متولیان امر به معروف و نهی از منکر
۱۹۹ ترابط امر به معروف و نهی از منکر با آزادیهای فردی و اجتماعی
۱۹۹ آزادی مسئولانه در چهارچوب قانون
۲۰۰ برتری امنیت جامعه بر آزادی فردی
۲۰۰ رعایت حریم خصوصی
۲۰۱ پرهیز از اهانت و سرزنش
۲۰۱ قالبها، ابزار و روشهای امر به معروف و نهی از منکر
۲۰۲ رسانه‌های عمومی

۲۰۳	تربیه‌نهای عمومی
۲۰۳	تشکلهای مردم‌نهاد
۲۰۴	آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر
۲۰۴	ایجاد اصلاح و بازدارندگی از فساد
۲۰۵	ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و نظارت عمومی
۲۰۵	حفظ حریم حرمتها
۲۰۶	حراست از احکام اسلامی و بقاء حکومت اسلامی
۲۰۷	ظلم‌ستیزی
۲۰۷	مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر با سایر رویکردها
۲۰۹	دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در احیای امر به معروف و نهی از منکر
۲۱۰	کاستی‌ها و آسیبهای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه کنونی
۲۱۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۱۵	منابع

اهل بیت (علیهم‌السلام) (مصطفی فرخی) / ۲۱۹

۲۲۳	ویژگیهای اهل بیت (علیهم‌السلام)
۲۲۳	عصمت
۲۲۴	ولایت
۲۲۴	علم ویژه الهی
۲۲۵	شئون اهل بیت (علیهم‌السلام)
۲۲۵	شأن تکوینی- معنوی
۲۲۷	شأن علمی- معرفتی
۲۲۹	شأن اخلاقی- تربیتی
۲۳۱	شأن سیاسی- اجتماعی
۲۳۵	اهل بیت (علیهم‌السلام) و مقتضیات زمان
۲۳۶	دوره‌ی اول؛ دوران سکوت یا همکاری
۲۳۶	دوره‌ی دوم؛ قدرت
۲۳۷	دوره‌ی سوم؛ صلح امام حسن (علیه‌السلام) تا شهادت امام حسین (علیه‌السلام)
۲۳۸	دوره‌ی چهارم؛ روزگار تعقیب سیاستهای دوره‌ی سوم
۲۴۱	دولت آرمانی اهل بیت (علیهم‌السلام)

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۳۹

۲۴۵..... نقد نگرشهای افراطی و تفریطی به اهل بیت علیهم السلام

۲۴۵..... نگرش های تفریطی

۲۴۷ نگرشهای افراطی

۲۴۸ پیشینه ی ارادت ایرانیان به اهل بیت علیهم السلام

۲۵۱..... الهام و الگوگیری از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در انقلاب اسلامی

۲۵۱..... احیای فرد و جامعه

۲۵۲..... مبارزه با طاغوت و تلاش برای برپایی نظام اسلامی

۲۵۴..... تشکیل دولت اسلامی

۲۵۴..... حرکت در مسیر برپایی تمدن نوین اسلامی

۲۵۵..... نقش انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

۲۵۶..... در سطح جامعه داخلی ایران

۲۵۷..... در سطح جامعه شیعی

۲۵۸..... در سطح جامعه اسلامی

۲۵۹..... در سطح جامعه بین المللی

۲۶۱..... جمع بندی و نتیجه گیری

۲۶۵..... منابع

تشکل (اسدالله بادامچیان، فاطمه امانی توانی) / ۲۷۳

۲۷۹..... جایگاه و مشروعیت تشکله

۲۸۰..... تشکل و حزب مطلوب

۲۸۰..... پایبندی به آرمانهای انقلاب

۲۸۱..... ایدئولوژی و خط مشی مشترک

۲۸۱..... صداقت در بیان اندیشه و پرهیز از عوام فریبی تشکیلاتی

۲۸۲..... حاکمیت اراده جمعی و پرهیز از استبداد رأی

۲۸۲..... شناسایی استعدادها

۲۸۲..... اصول انضباطی تشکیلات

۲۸۳..... همدلی و همکاری

۲۸۳..... حفظ منافع و مصالح ملی

۲۸۴..... رقابت سیاسی احزاب و تشکله

۲۸۵.....	مبانی و اصول رقابت سیاسی احزاب و تشکلهای
۲۸۵.....	رقابت سیاسی در چهارچوب نظام
۲۸۶.....	قانونمداری
۲۸۶.....	اخلاقمداری
۲۸۷.....	توجه به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی
۲۸۷.....	تألیف قلوب و تلاش برای از بین بردن تفرقه
۲۸۸.....	وحدت و همدلی
۲۸۸.....	محدوده مجاز فعالیت تشکلهای
۲۹۰.....	رسالت تشکلهای و احزاب
۲۹۰.....	سوق دادن جامعه به سوی آرمانهای انقلاب
۲۹۰.....	تربیت و کادرسازی
۲۹۱.....	ارائه برنامه برای پیشرفت نظام
۲۹۱.....	کسب مهارت برای مسئولیت‌پذیری
۲۹۱.....	آموزش و آگاه‌سازی سیاسی
۲۹۲.....	فراهم‌سازی بستری مناسب برای رقابت سالم
۲۹۳.....	سازماندهی و همسویی
۲۹۳.....	هماهنگی و وحدت با سایر تشکلهای
۲۹۴.....	مدیریت و نظارت
۲۹۴.....	نقش تشکلهای در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی
۲۹۴.....	جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم
۲۹۶.....	جامعه روحانیت مبارز
۲۹۶.....	هیئتهای مؤتلفه اسلامی
۲۹۷.....	انجمنهای اسلامی دانشجویان داخل و خارج از کشور
۲۹۸.....	حزب جمهوری اسلامی
۳۰۰.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۰۳.....	منابع
	توحید (سید علی احمدی) / ۳۰۷
۳۰۹.....	جایگاه توحید

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۴۱

۳۱۰.....	اقسام توحید
۳۱۱.....	براهین توحید
۳۱۳.....	مراتب توحید
۳۱۵.....	توحید، زیر بنای اصول و فروع دین اسلام
۳۱۶.....	آثار توحید
۳۱۷.....	آثار فردی
۳۱۸.....	آثار اجتماعی
۳۲۰.....	عرصه‌های تبلور توحید
۳۲۰.....	ارتباط با خود
۳۲۰.....	ارتباط با خدا
۳۲۱.....	ارتباط با دیگران
۳۲۲.....	ارتباط با خلقت
۳۲۳.....	ویژگیهای جامعه توحیدی
۳۲۳.....	دعوت به معنویت و انسان‌سازی
۳۲۳.....	حاکم بودن معیارهای اخلاقی
۳۲۳.....	نفی مظاهر شرک و طاغوت
۳۲۴.....	عدالت و آزادی
۳۲۴.....	مقاومت در برابر زورگویی
۳۲۴.....	نظم و انسجام
۳۲۵.....	نفی تعصب‌های قومی و طبقات اجتماعی
۳۲۵.....	همبستگی و اتحاد
۳۲۵.....	خودباوری
۳۲۶.....	ایشار و فداکاری
۳۲۷.....	شرک در اطاعت
۳۲۹.....	راهکارهای ترویج نگاه توحیدی در جامعه
۳۳۱.....	محوریت توحید در اصول و مبانی انقلاب اسلامی
۳۳۲.....	استقلال
۳۳۳.....	عزت ملی و اسلامی
۳۳۳.....	ایمان و معنویت

۳۳۳	تحقق عدالت
۳۳۴	شکوفایی اقتصادی و خودباوری
۳۳۴	آزادی
۳۳۴	استکبارستیزی
۳۳۵	جهاد علمی
۳۳۵	عدم تفکیک دین از سیاست
۳۳۵	محوریت توحید در نظام‌سازی و نظام اسلامی
۳۳۷	نقش انقلاب اسلامی در اشاعه توحید و نفی شرک مدرن
۳۳۹	مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به توحید با سایر نگرشها
۳۴۰	چشم‌انداز اعتقاد و التزام به توحید
۳۴۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۴۵	منابع

جوان (محمدحسین صاعد رازی) / ۳۴۹

۳۵۲	جایگاه و منزلت جوان
۳۵۴	جوان؛ نیازها و ظرفیتها
۳۵۴	نیازها
۳۵۶	ظرفیتها
۳۵۸	مختصات و ویژگیهای جوان
۳۶۰	نقش جوانان در تحولات جوامع
۳۶۰	عرصه‌ی اندیشه، علم و فناوری
۳۶۱	عرصه‌ی فرهنگی و هنری
۳۶۲	عرصه‌ی نظامی و دفاعی
۳۶۲	عرصه‌ی سیاسی
۳۶۳	عرصه‌ی آینده‌سازی
۳۶۳	عرصه‌ی جهانی
۳۶۴	عوامل مؤثر در تربیت و تعلیم جوانان
۳۶۵	عوامل فردی
۳۶۵	خانواده

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۴۳

۳۶۶ معلم و مدرسه
۳۶۷ محیط اجتماعی
۳۶۸ رسانه‌ها
۳۶۸ جوانی؛ تهدیدها
۳۶۸ تهدیدهای درونی (فردی)
۳۷۰ تهدیدهای بیرونی
۳۷۲ وظایف و رسالت‌های جوان
۳۷۲ ساحت فکر و اندیشه‌ورزی
۳۷۳ ساحت ایمان و اعتقاد دینی
۳۷۳ ساحت اخلاق و ملکات فاضله
۳۷۴ ساحت علم و فناوری
۳۷۴ ساحت تلاش و مجاهدت
۳۷۵ وظایف نهادهای مسئول در قبال جوانان
۳۷۵ وظایف دستگاه‌های فرهنگی - هنری
۳۷۷ وظایف دستگاه‌های اجرایی-اقتصادی
۳۷۷ وظایف نهادهای تعلیم و تربیت
۳۸۱ آسیب‌های جوانان در رژیم پهلوی
۳۸۱ آسیب‌های فکری
۳۸۲ آسیب‌های اخلاقی و معنوی
۳۸۲ آسیب‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
۳۸۳ آسیب‌های مربوط به خانواده
۳۸۳ آسیب‌های جوانان در غرب امروز
۳۸۳ آسیب‌های فکری
۳۸۴ آسیب‌های اخلاقی و معنوی
۳۸۵ آسیب‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
۳۸۵ آسیب‌های مربوط به خانواده
۳۸۷ نقش جوانان در تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی ایران اسلامی
۳۸۷ عرصه‌ی انقلابی
۳۸۸ عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی

۳۸۹ عرصه‌ی نظامی و دفاعی
۳۹۰ عرصه‌ی سیاسی
۳۹۱ عرصه‌ی فکری و علمی
۳۹۲ عرصه‌ی آینده‌سازی
۳۹۲ نقش انقلاب اسلامی در تحول جوانان
۳۹۳ ایجاد روحیه‌ی اندیشه‌ورزی
۳۹۳ ایجاد خودباوری علمی
۳۹۳ تحول اخلاقی و تربیتی
۳۹۴ دگرگونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی
۳۹۵ جوان تراز انقلاب اسلامی
۳۹۵ ساحت عقل و اندیشه
۳۹۵ ساحت ایمانی و اعتقادی
۳۹۶ ساحت اخلاقی
۳۹۷ ساحت علمی و پژوهشی
۳۹۸ ساحت مجاهدت و تلاش و ابتکار
۴۰۰ مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به جوان با نگرش غرب
۴۰۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۴۰۷ منابع

جهاد (محمدجواد ادرکنی) / ۴۱۳

۴۱۶ جایگاه و اهمیت جهاد
۴۱۸ مبانی و اهداف جهاد
۴۱۹ انواع و قلمرو جهاد
۴۲۰ جهاد اکبر و جهاد اصغر
۴۲۲ جهاد نظامی (دفاعی و ابتدایی)
۴۲۵ جهاد سیاسی
۴۲۷ جهاد اقتصادی
۴۳۰ جهاد علمی- فرهنگی
۴۳۴ مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به جهاد با سایر نگرشها

فهرست تفصيلي مطالب / ۷۴۵

۴۳۷ فرهنگ جهادي؛ ويژگيها و عناصر اساسي

۴۳۷ جهت گيري اعتقادي- عملي صحيح مبتني بر منابع اصيل اسلامي، در عرصه اعتقادي

۴۳۸ بصيرت در جهت گيري ها

۴۳۹ شناخت دشمن

۴۳۹ آسيب شناسي فرهنگ جهادي

۴۴۰ تأثير متقابل فرهنگ جهادي و انقلاب اسلامي

۴۴۴ جمع بندي و نتيجه گيري

۴۴۷ منابع

سرمايه داري (ناصر جهانيان، رجبعلي اسفنديار) / ۴۵۳

۴۶۰ مباني

۴۶۰ مادي گرايي و دنياخواهي

۴۶۲ انسان محوري

۴۶۳ سکولاريسم

۴۶۴ عقلانيت خود بنياد

۴۶۵ فردگرايي

۴۶۶ اهداف نظام سرمايه داري

۴۶۷ اهداف مياني

۴۷۲ عوامل و حاميان نظام سرمايه داري

۴۷۳ روشنفکران غرب زده

۴۷۴ مدگرايان

۴۷۴ دولتهای دست نشانده

۴۷۵ زمينه های رشد و پيامدهای نفوذ نظام سرمايه داري در جهان اسلام

۴۷۵ زمينه ها

۴۷۷ پيامدها

۴۸۶ مقايسه ی الگوي سرمايه و سرمايه داري در غرب و اسلام

۴۸۷ مادي گرايي

۴۸۸ انسان گرايي

۴۸۸ سکولاريسم

۴۸۹ عقل‌گرایی
۴۸۹ آزادی اقتصادی
۴۸۹ رقابت آزاد
۴۹۰ ابزار تولید و کار
۴۹۱ افزایش سود
۴۹۱ توزیع
۴۹۳ مصرف
۴۹۳ راهبردها و راهکارهای مقابله با نظام سرمایه‌داری
۴۹۴ راهبردها
۴۹۵ راهکارها
۴۹۹ آینده نظام سرمایه‌داری
۵۰۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۰۵ منابع

شهادت (محمدباقر نادم، اکبر زراعتیان) / ۵۱۳

۵۱۹ جایگاه و ارزش شهادت
۵۲۳ مبانی و معیارهای دینی جهاد و شهادت در راه خدا
۵۲۳ مبانی
۵۲۵ معیارها
۵۲۶ پاداش شهادت و مقامات شهیدان
۵۲۷ برخورداری از حیات ابدی
۵۲۸ رسیدن به کمال
۵۲۸ برجای ماندن نام نیک از آنان
۵۲۸ تجلیل از خانواده شهدا
۵۲۹ آثار و برکات شهادت و شهیدان
۵۲۹ آثار معرفتی (اثر در حوزه بینش)
۵۳۰ آثار روحی (اثر در حوزه گرایش)
۵۳۱ آثار عملی (اثر در حوزه منش)
۵۳۱ آثار و برکات احیای نام و یاد شهدا و فرهنگ شهادت

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۴۷

۵۳۲..... حفظ ارزشها

۵۳۲..... تقویت روحیه مقابله با دشمنان

۵۳۳..... ارتقای خودباوری و عزت بخشیدن به جامعه

۵۳۳..... تحکیم همبستگی اجتماعی

۵۳۳..... شهیدان انقلاب اسلامی (تعداد/قشربندی)

۵۳۵..... شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی

۵۳۶..... شهدای ترور

۵۳۶..... جایگاه و نقش خانواده شهیدان

۵۳۷..... تداوم راه شهدا

۵۳۷..... صبر و مقاومت

۵۳۸..... الگو بودن و الهام بخشی

۵۳۸..... مسئولیت و رسالت جامعه در قبال شهیدان

۵۳۸..... احیا و حفظ راه شهیدان

۵۳۹..... الگو قراردادن شهدا

۵۴۰..... تکریم بازماندگان شهدا

۵۴۱..... نقش فرهنگ شهادت در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی

۵۴۱..... نقش فرهنگ شهادت در پیروزی انقلاب

۵۴۲..... نقش فرهنگ شهادت در استمرار انقلاب

۵۴۳..... نقش انقلاب اسلامی در احیا و ارتقای فرهنگ شهادت

۵۴۴..... مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به شهادت با سایر نگرشها

۵۴۶..... جمع بندی و نتیجه گیری

۵۴۹..... منابع

فقه (ابوالقاسم علیدوست، ابوالقاسم مقیمی حاجی) / ۵۵۵

۵۶۰..... جایگاه فقه در مجموعه‌ی معارف اسلامی

۵۶۰..... ترابط فقه با سایر علوم اسلامی و انسانی

۵۶۴..... ویژگیها و تمایزهای فقه امامیه نسبت به سایر مذاهب فقهی

۵۶۴..... تمایز از نظر جامعیت و کارآمدی

۵۶۵..... تمایز از حیث حجیت

۵۶۵.....	تمايز از حيث منابع مورد استناد.....
۵۶۶.....	نگرش امام خميني به فقه (جواهری و پویا).....
۵۶۸.....	گستره فقه.....
۵۶۹.....	فقه فردی.....
۵۶۹.....	فقه اجتماعي، حکومتي و سياسي.....
۵۷۰.....	ضرورت تحول در فقه.....
۵۷۰.....	نگاه اجتماعي به فقه.....
۵۷۱.....	تحول در شیوه استنباط.....
۵۷۱.....	تغيير نگاه فقيه و توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد.....
۵۷۱.....	توجه به احکام حکومتي و نقش مصلحت در آن.....
۵۷۲.....	بررسی عمیق مسائل.....
۵۷۲.....	توجه به نیازهای روز.....
۵۷۲.....	نوآوری در هنگام نیاز.....
۵۷۳.....	تحول در نگرش به منابع.....
۵۷۴.....	موضوع شناسی.....
۵۷۴.....	ترویج فقه مقارن.....
۵۷۵.....	موانع تحول.....
۵۷۵.....	بی اطلاعی از تحولات بیرونی.....
۵۷۵.....	عدم اهتمام به پرسشهای جدید و ادله معتبر.....
۵۷۵.....	تحرّج.....
۵۷۶.....	تأکید بر ساختار موجود.....
۵۷۶.....	نبود ساز و کار مناسب برای تحول.....
۵۷۶.....	فرار از تحول.....
۵۷۶.....	نقش فقه در انقلاب اسلامي و تأسیس جمهوری اسلامي.....
۵۷۸.....	رشد و توسعه دانش فقه در پرتو نظام اسلامي ایران.....
۵۷۸.....	عرصه سياسي.....
۵۷۹.....	عرصه اقتصادي.....
۵۸۰.....	عرصه پزشکی.....
۵۸۰.....	عرصه رسانه و فضای مجازی.....

فهرست تفصيلی مطالب / ۷۴۹

۵۸۱..... نقش انقلاب اسلامي در تحقق و عينيت بخشي به فقه

۵۸۲..... عرصه نظام سازي

۵۸۲..... عرصه دولت سازي

۵۸۳..... عرصه جامعه سازي (نهاد سازي)

۵۸۳..... عرصه تمدن سازي

۵۸۴..... مقايسه ي نگرش انقلاب اسلامي به فقه با ساير نگرشها

۵۸۶..... چشم انداز

۵۸۸..... جمع بندي و نتيجه گيري

۵۹۱..... منابع

مسجد (جواد شفيعيان) / ۵۹۵

۶۰۱..... جايگاه و اهميت مسجد

۶۰۱..... بعد عبادي

۶۰۱..... بعد اجتماعي و سياسي

۶۰۲..... بعد محوريت مسجد در امور

۶۰۳..... نماد شهر سازي و تمدن اسلامي

۶۰۴..... نقشها و کارکردهاي مسجد

۶۰۴..... عبادي

۶۰۵..... تربيتي - اخلاقي

۶۰۵..... علمي - آموزشي

۶۰۷..... سياسي - اجتماعي

۶۰۸..... نظامي

۶۰۹..... ويژگيها و رسالتهاي امامت مسجد

۶۱۰..... ويژگيها

۶۱۲..... رسالتهها

۶۱۳..... ويژگيهاي مسجد مطلوب (مسجد تراز اسلامي)

۶۱۴..... برخوردار از امام جماعت روحاني

۶۱۴..... حضور مردم و جوانان پرشور

۶۱۴..... جامعيت در نقش و کارکرد

۶۱۵	بنای ساده و جذاب
۶۱۵	رونق و آبادانی
۶۱۶	آسیبها و چالشهای فراروی مسجد
۶۱۶	کمبود مساجد یا اسراف در نحوه ساخت مساجد
۶۱۷	ضعف و عدم بهره‌گیری صحیح از مسجد
۶۱۹	انحراف در مسیر کارآمدی مسجد
۶۲۱	راهبردها و راهکارهای رونق و تقویت مسجد
۶۲۱	راهبردها
۶۲۲	راهکارها
۶۲۶	نقش مسجد در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی
۶۲۷	نقش مسجد در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب
۶۲۸	نقش مسجد در تداوم انقلاب
۶۳۰	مقایسه‌ی نگرش انقلاب اسلامی به مسجد با نگرشهای رایج در جوامع اسلامی
۶۳۱	مقایسه در حوزه کارکرد
۶۳۳	مقایسه در حوزه احکام و آداب
۶۳۴	چشم‌انداز جایگاه مسجد
۶۳۵	روزآمد
۶۳۵	برخوردار از رویکرد شایسته‌سالاری
۶۳۶	مترقی و شکوفاسازی شده، به کمک افراد، ارگانها و نهادهای مختلف
۶۳۶	پیر رونق با حضور پیر رنگ‌تر مردم
۶۳۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۳۹	منابع

مه‌دویت (ابراهیم شفیعی سروستانی، سید علی احمدی) / ۶۴۵

۶۴۹	غیبت امام و فلسفه‌ی آن
۶۵۰	اهمیت و آثار انتظار و نقد تفسیر نادرست از آن
۶۵۳	وظایف منتظران در عصر غیبت
۶۵۴	انجام وظایف دینی، فردی و اصلاح درونی خود
۶۵۴	فراهم آوردن زمینه ظهور

فهرست تفصیلی مطالب / ۷۵۱

۶۵۵.....	اتحاد و پرهیز از تفرقه
۶۵۵.....	مقابله با ظلم و فساد در جامعه
۶۵۵.....	تسلیم نشدن در برابر ظالمان و مستکبران
۶۵۵.....	دعا برای امام زمان <small>عَجَلُ اللَّهِ</small> و تعجیل در فرج ایشان
۶۵۶.....	مسئولیت‌های جامعه اسلامی در عصر غیبت
۶۵۶.....	تشکیل حکومت اسلامی
۶۵۷.....	آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور
۶۵۷.....	تلاش برای تحقق عدالت
۶۵۷.....	برائت از کافران و مشرکان
۶۵۸.....	احیای هویت اسلامی مسلمانان
۶۵۸.....	گسترش نفوذ اسلام در جهان
۶۵۹.....	ویژگی‌های حکومت امام مهدی <small>عَجَلُ اللَّهِ</small>
۶۶۰.....	آثار و نتایج اندیشه‌ی مهدویت
۶۶۱.....	قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی
۶۶۱.....	امیدبخشی در برابر ظلم و فساد
۶۶۲.....	احساس حضور و نظارت امام عصر <small>عَجَلُ اللَّهِ</small>
۶۶۳.....	هدایت جامعه توسط نواب عام آن حضرت
۶۶۳.....	نقش مهدویت در اندیشه و انگیزه‌بخشی در انقلاب اسلامی
۶۶۵.....	توفیق انقلاب اسلامی در تحول و تعالی اندیشه مهدویت
۶۶۹.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۷۳.....	منابع
۶۷۷.....	نمایه‌ها
۷۲۷.....	فهرست مداخل اصلی
۷۲۸.....	فهرست مداخل ارجاعی
۷۲۹.....	فهرست تفصیلی مطالب